~~۳۴۰~~
۴۶۶

فهرست
کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار

جلد دوم

کتب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از [illegible] ۱۳۱۶ تا [illegible] ۱۳۱۸ چاپ شد

طهران

~~۳۲۰~~
٤٦٦

فهرست
کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار



جلد دوم

کتب خطی فارسی و عربی و ترکی



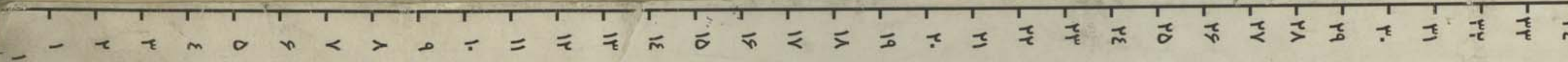
تألیف



ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا بهمن ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران



فهرست
کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار



جلد دوم

کتب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا دیماه ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

یگانه خداوندی را سپاسگزارم که این کشور باستانی را

زیر سایه یگانه پیشوای توانا

اعلیحضرت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه

رو به بزرگي برده و مردمان آنرا هم از خواری نادانی بسرافرازی دانائي رسانیده است .

یکي از گامهائیکه برای پیشرفت کار های فرهنگی در پرتو دلبستگي

شاهنشاهزاده و ولیعهد جوانبخت

والاحضرت همایون شاهپور محمد رضا

برداشته شده توجه بکتابخانه های کشور بوده که دربردارندهٔ افکار عالي وآثار مهم نیاکان وموجب افتخار آیندگان میباشد وشاید بتوان با کمال جرئت گفت کتابخانه مدرسه عالي سپهسالار ازلحاظ دربرداشتن نسخه های کهن سال و کمیاب و ممتاز ، از جهت خط و تذهیب و جلد در ردیف کتابخانه‌های خوب جهان قرار گرفته ونگارنده درمقدمهٔ جلد نخستین تاریخچهٔ آنرا نگاشته است .

کتابهای نفیس این کتابخانه در اثر نداشتن فهرست جامعي مانند بهترین کتابخانه های کشور های اروپا ، بر دانشمندان پوشیده بود

ومسلم است که استفاده از کتاب وکتابخانه بدون وجود اینگونه فهرستها که در حقیقت کلید وراهنمای جویندگان و متتبّعین میباشد امکان پذیر نیست وگذشته ازاین ، فهرستهائي که مشتمل برشرح حال و آثار بزرگان علم وادب است وتمام یابیشتر آنان ایراني بوده اند بهترین وسیله برای معرّفي یك کشور باستاني بجهان میباشد .

دراین فهرست گذشته از اینکه خصوصیات کتب ادبي و نسخ آنها نگارش یافته شرح حال وآثار ومؤلفات دویست و پنجاه نفر از ادبا وشعرا ودانشمندان نگاشته شده و تقریباً سه هزارمؤلفهٔ دیگررا بمناسبت معرفی نموده ودر آخر ، چون اعلام ونام شهرها ، آنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ایم .

این جلد که شامل بخشي از کتب ادبي کتابخانه است بادقت زیاد تألیف گردیده مؤلف و یاران وی در تألیف و تنظیم آن رنجهای فراوان برده اند وبررسي ودقت درمندرجات آن، ادعا را ثابت میکنند وزبان حال نگارنده این بیت است :

بدانی چو نیکو در او بنگری　　که جان کنده ام تاتو جان پروری

درمجلد پیشین چندگراور ازنسخ مهمه گذارده شد ولی دراین مجلد چون بیشتر نسخه ها از حیث خط و کمیابي و تذهیب و نقاشي دارای اهمیت زیادی میباشند ترجیح هریك را بردیگری بدون مرجح دانسته واز این کار برکنارشدیم .

گذشته ازمآخذیکه درمقدمه جلداول یادآوری شده بیش ازپنجاه مجلد از کتب تاریخ ورجال وادب درهنگام نگارش این مجلد نیزمورد مراجعه بوده وعموماً درمواقع خود مآخذ نگارش مطالب را نگاشته ایم .

درخاتمه متذکر میشود که نگارش این مجلد چون مجلّد پیشین بمعاونت و مساعدت و همراهي دانشمندان محترم آقای عبدالحسین امین عراقی و آقای محمد جعفر واجد که هردواز بهترین دانشجویان وفارغ التحصیلهای دانشکده معقول و منقول میباشند صورت گرفته و تصحیح آنرا هم آقای سید حسن نوربخش عهده دار بوده وبدین وسیله از ایشان شکر گزاری مینمایم . تهران ٥ دیماه ۱۳۱۸ ضیاءالدین حدائق ـ ابن یوسف شیرازی



فهرست مندرجات

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

خطب و منشآت

چنانکه در مقدمه جلد اوّل نگاشته شد مجلّد دوّم فهرست این کتابخانه شامل کتب ادبی میباشد و نخستین فصل آن بنام « خطب و منشآت » نامیده شد.

[۳۰۱] آداب‌المشق (فارسی)

مؤلف این کتاب میر عماد حسنی قزوینی (۹۶۱-۱۰۲۴)(۱) خطّاط معروف میباشد که در عالم خوشنویسی مخصوصاً خطّ نستعلیق گوی سبقت از همه ربوده و چنین معمول گردیده که هر کس را خواهند بخوبی خط تعریف نمایند گویند میراست و یا مثل میر مینویسد و گذشته از این صنعت زیبا دارای طبع شعر هم بوده ومیرزای سنگلاخ درجلد اوّل‌از کتاب « تذکرة‌الخطاطین » یا « امتحان‌الفضلا » در ذیل شرح حال میر مذکور پاره ای از قطعات و ابیات وی را نقل کرده و در آخر مجلّد دوم از کتاب نامبرده این کتاب یا رساله را که در طریقهٔ نگارش خط نستعلیق و مقدمات آن تألیف نموده با رساله **سراط‌السطور**(۲) **سلطانعلی** مشهدی ورساله « مدادالخطوط » خواجه میرعلی هروی که این دو نیز

(۱) ج ۱ تذکرة‌الخطاطین سنگلاخ ، پیدایش خط وخطاطان ۱۶۳و۱۷۳ و تتمه روضة‌الصفا .

(۲) نام این رساله را درجلد دوم تذکرة‌الخطاطین بدین طرز ثبت نموده ودرحاشیه نوشته شده ، سراط همان صراط معروف است و این رساله نیز بنظم و آغاز آن این است :

بسمله با این همه بی حاصلی بوالهوسی درمانده به پارسائی و هیچ کسی .

از معاریف این فنّ میباشند و رسالهٔ آنها در طرز نگارش است ثبت نموده و به طبع رسیده و آداب المشق مستقلاً نیز چاپ شده است.

مؤلّف نام این رساله را آداب المشق نهاده و بدیباچه و شش فصل مرتب گردانیده بدین تفصیل :

فصل اول : در اینکه کاتب از صفات ذمیمه باید احتراز کند. **فصل دوم :** دربیان اجزای خط. **فصل سوم :** درتعریف مشق وآداب آن. **فصل چهارم :** در بیان چگونگی قلم و تراشیدن آن. **فصل پنجم :** در آداب مرکّب ساختن. **فصل ششم :** در تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و طریقهٔ رنگ آمیزی و آهار ومهره کردن آنها. و این رساله در حدود (۲۰۰) بیت میباشد.

آغاز: بسمله صبا بعطر آمیزی رقم مشکین بسم‌الله که سردفتر ارقام مشکفام دیوان حمد وثنای خالق بیچون است الخ.

انجام: وخوبی مهره آنستکه همچنان روشن شود که عکس روی در وی نماید والله اعم تم.

(۷۴۷)

آداب‌المشق این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، در سال ۱۲۹۶ داخل در کتابخانهٔ اعتضادیّه شده و پشت صفحهٔ اوّل بنام « رساله در قواعد خط از میر عماد » یاد داشت گردیده است.

جلد تیماج . کاغذدولت آبادی . واقف‌سپهسالار . قطع‌بغلی . شمارهٔاوراق (۲۵). صفحه (۹) سطر . طول (۱۱سانتیمتر) ، عرض (۶ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۴۸).

(۷۴۸)

آداب المشق این نسخه بخط نستعلیق خوب در سال ۱۲۶۱ نگاشته شده، کاتب از خود نام نبرده و جای عناوین و فصول را سفید گذارده اند.

جلدتیماج . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔاوراق (١١) . صفحهٔ (١٢) سطر . طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٦٧) .

[٣٠٢] ادب الکاتب (عربی)

مؤلف این کتاب ابن قتیبه دینوری ره است (ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی ٢١٣-٢٧٠/٢٧١/٢٧٦ (١)) که از علماء فقه و لغت و نحو بوده و بغریب قرآن و حدیث و معانی آن اطّلاع کامل داشته، مولدش کوفه است و غلو در طریقهٔ بصریّین داشته واقوال کوفیّین رادر کتب خویش نقل نموده و در گفتار خویش راستگو و طرف اعتماد بوده و چندی مقام قضاوت دینور (٢) را داشته و بدین سبب مشهور به دینوری گردیده، ابن الندیم که در قرن چهارم میزیسته پس از بیاناتی که عبارات گذشته ترجمه‌پاره‌ای‌از آنهااست‌مؤلّفاتیکه‌ذیلاً نام‌میبریم‌بدونسبت داده و ابن خلّکان نیز همین معانی را در کتاب وفیات خویش آورده و گوید که بمرگ ناگهانی‌درگذشت واختلافات فوق را درسال وفات او وی نقل نموده و گوید که پسر وی **ابو جعفر احمد بن عبدالله** در سال ٣٢١ قاضی مصر گردید و تمام مصنّفات پدر را روایت نمود و بسال ٣٢٢ همانجا در گذشت و اینست مؤلّفات ابن قتیبه:

کتاب **معانی الشعر** (کتابی بزرگ‌ومشتمل بردوازده کتاب‌است)، **کتاب الفرس** (در چهل و شش باب)، **کتاب الابل** (درشانزده‌باب)، **کتاب الجرب**(درده‌باب)، **کتاب العرور** (در بیست باب)، **کتاب الدیار** (در ده باب)، **کتاب الریاح** (درسی و یك باب)، **کتاب السباع والوحوش** (درهفده باب)، **کتاب الهوام** (درچهارده باب)، **کتاب الایمان والدواهی** (درهفت‌باب) **کتاب‌النساء و العزل** (فقط‌در یك‌باب)، **کتاب النسب واللبن** (درهشت‌باب)، **کتاب‌تصحیف العلماء** (دریك باب)، **کتاب عیون الشعر** (این کتاب بگفته ابن الندیم مشتمل برده کتاب است واز آنها کتاب المراتب، کتاب القلائد، کتاب‌المحاسن، کتاب المشاهد، کتاب‌الشواهد، کتاب‌الجواهر، کتاب‌المراکب، میباشد). (در کشف الظنون بدین‌نام کتابی‌ضبط نگردیده‌ولی‌ازابن‌مؤلف کتابی بنام «طبقات الشعراء» نقل‌نموده که‌بقرائنی‌توان آنراهمین کتاب (عیون‌الشعر) دانست ج ٢ کشف‌الظنون

(١) شرح حال این مؤلف ازابن خلکان ج ١ ص (٢٥١) و فهرست ابن الندیم ص ١١٥ و معجم المطبوعات ص ٢١١ تا ٢١٣ گرفته شده.

(٢) دینور یکی ازشهرهای مغرب ایران و درنزدیکی کرمانشاهان فعلی بوده است.

ص ٩٣ و ابن‌خلکان طبقات الشعرا را از این مؤلف دانسته و درفهرست ابن الندیم این کتاب ذکرنشده‌است)، **کتاب‌عیون‌الاخبار** (این کتاب‌مشتمل‌برده کتاب‌ذیل‌میباشد:

کتاب السلطان، الحرب، السؤدد، الطبایع، العلم، الزهد، الاخوان، الحوائج، الطعام و **کتاب النساء** (بروکلمان آلمانی و مصریین بچاپ کتاب النساء پرداخته اند)، **کتاب التفقیه** (ابن ندیم گوید که سه جزواز این کتاب رادرششصدورق بخط برك (١) دیده‌ام‌و تقریباً دوجزء آن ناقص بود ازجمعی که اهل خط بودند پرسش نمودم چنین گمان دارند که اینك موجودمیباشدواز کتابهای **بندنیجی** بزرگتراست)، ونیزابن‌الندیم پس‌ازاین گوید که ازبهترین کتابهای‌وی‌اینهااست: **کتاب‌الحکایة‌والمحکی**، **کتاب‌ادب‌الکاتب** (همین کتاب)، **کتاب الشعر والشعراء** (این کتاب درمصر چاپ شده وآنرا باطبقات الشعراء که‌ازمؤلفات این مؤلف است‌صاحب معجم المطبوعات‌یکی‌دانسته است) **کتاب الخیل**، **کتاب جامع النحو**، **کتاب مختلف الحدیث**، **کتاب اعراب القران** **کتاب دیوان الکتاب**، **کتاب فرائد الدر**، **کتاب خلق الانسان**، **کتاب المراتب و المناقب** از عیون الشعر، **کتاب التسویة بین العرب والعجم**، **کتاب الانواء**، **کتاب المشکل** **کتاب دلائل النبوة**، **کتاب اختلاف تأویل الحدیث**، (ظاهراً همین کتاب است که بنام «تاویل‌مختلف الحدیث» چاپ شده،) **کتاب المعارف**، **کتاب جامع الفقه**، **کتاب‌اصلاح‌غلط‌ابی‌عبید**‌درغریب‌حدیث، **کتاب‌المسائل والجوابات**، **کتاب‌العلم** (درحدود پنجاه‌ورق است)، **کتاب‌المیسر والقداح**، **کتاب‌حکم‌الامثال**، کتاب الاشربه (این کتاب‌بسال ١٠٩٧ م درمجله المقتبس‌طبع گردیده)، **کتاب‌جامع‌النحو الصغیر**، **کتاب‌الردعلی المشبهه**، **کتاب آداب العشره** و **کتاب‌غریب الحدیث**،

ابن خلّکان در وفیات الاعیان پاره ای از مؤلّفات فوق را ذکر نموده و کتابی بنام مشکل القران و اصلاح الغلط نام برده ظاهراً همان کتاب المشکل و اصلاح غلط ابی عبید است که ابن ندیم ذکر نمود و کتاب **طبقات الشعراء** و کتاب **غریب القرآن** را نیزازمؤلّفات‌ابن‌قتیبه دانسته و صاحب‌معجم المطبوعات کتاب **الأمامة والسیاسه** و **الرحل والمنزل** و **اللباء واللبن** راکه طبع شده‌اند از مؤلّفات ابن قتیبه دانسته است.

این کتاب (ادب الکاتب) یکی از کتب مهمّه ادب میباشد و ابن خلدون (٧٣٢-٨٠٨) در مقدّمه تاریخ خویش ذیل علم الادب دربارهٔ آن چنین گفته: هنگام استفاده از مدرسین خویش چنین یاد دارم که میگفتند: اصول فن ادب وارکان آن این چهار دیوان است: **ادب الکاتب ابن‌قتیبه**، **کامل مبرد**، **البیان و التبیین جاحظ** و **نوادر ابوعلی قالی بغدادی** و جز این چهار کتب‌دیگر فرع و تابع اند. (مقدمه ابن خلدون ص ٤٨٦).

(١) درفهرست ابن الندیم چاپ‌اروپا و مصر بهمین نحوضبط گردیده است.

ابن قتیبه پس از آنکه شرحی در خطبه و دیباچه کتاب از روزگار خویش و کساد بازار علم و ادب و نا رواجی فضل و دانش شکایت نموده گوید: چون کتّاب و فضلاء معاصر از شرائط کتابت عاری و بری اند واگر برین منوال پیش رویم از ادب جز نامی و از ادبا جز آثاری نخواهیم یافت، ناچار گردیدم برای اشخاصی که تاحدّی تحصیل نموده واز دانش بی بهره نیستند کتابی تألیف کنم که آنها رادر انجام وظائف خویش آگاه نماید واغلاطی راکه عامّه استعمال میکنند بیاورم تا آنان از آن غلط در گفتار و کتابت محفوظ مانند و نیز در این خطبه آنچه راکه ادیب ونویسنده بایستی بداند از فقه واصول و حدیث و نجوم وغیر ذلك بدانها اشاره نموده وطریقه نگارش را بدست میدهد.

این کتاب دارای مطالب بسیارمفیدلغوی، نحوی، صرفی، طبیعی ودینی‌است ودر (١٢٧) باب میباشد، بعضی از مطالب‌هم بدون عنوان باب مذکو گردیده و در تمام مطالب باشعار فصحا و بلغا استشهاد شده است.

مؤلّف خود نامی برای این کتاب نگذارده ولی چنانکه دانستیم ابن النديم که قریب بیك قرن پس از ابن قتیبه زندگانی مینموده آن را «ادب الکاتب» معرّفی کرده و تمام علماء سیر آنرا بهمین‌نام یاد کرده اند جز اینکه **ابو محمدعبدالله** بن محمّد بن سید بطلیوسی اندلسی (٤٤٤ - ٥٢١) شرحی بر این کتاب بنام «الاقتضاب فی شرح ادب الکتّاب» نگاشته و چنین وانمود کرده که نام این کتاب «ادب الکتّاب» است ولی چنانکه‌دانستیم یك قرن پیش از این شارح، این کتاب به «ادب الکاتب» معروف بوده و تغییرش جائز نبوده و صاحب کشف‌الظنون‌درذیل ادب‌الکاتب گوید (ج ١ ص ٧٣):

بعضی گفته‌اند ادب‌الکاتب خطبه‌ای است‌بدون کتاب درصورتی که مشتمل برهمه‌چیزاست‌وبرآن شروحی نوشته شده که از آنجمله**الاقتضاب**میباشدو این شرح‌مشتمل برسه‌قسمت است اول شرح خطبه وبیان اقسام منشیان وآنچه‌ایشان را لازم است، دوم‌اشتباهاتیکه مؤلف کرده، سوم شرح ابیاتی که دراین کتاب آورده‌شده است. (الاقتضاب بسال ١٩٠١ م. در بیروت چاپ‌شده).

کشف الظنون درج١ ص ٧٣ و٧٤ پس از اینکه ادب‌الکاتب ابن قتیبه را ذکر نموده شروح ذیل‌را برآن یاد آور شده (١)، **الاقتضاب که شرح** آن داده شد (٢) **شرح**

ابی منصورموهوب بن احمدجوالقی متوفی بسال ٤٦٥ - (٣) شرح **سلیمان بن محمد** زهراوی. (٤) شرح ابی علی **حسن بن محمدبطلیوسی** متوفی بسال ٥٧٦. (٥) شرح **احمد بن داود** جذامی متوفی بسال ٥٩٨ (٦) شرح **اسحق بن ابراهیم فارابی** متوفی بسال ٣٥٠.

ونیز گوید که‌بعضی‌فقط خطبهٔ‌این کتاب را شرح‌نموده اند و ازآنها (١) **ابو القاسم عبدالرحمن** بن اسحق‌الزجاجی متوفی‌بسال ٣٣٩. (٢) **مبارك بن فاخر** نحوی متوفی بسال ٥٠٠ رانام‌برده (علت اینکه بعضی‌فقط بشرح‌خطبهٔ آن‌اکتفا کرده‌اند این‌است که‌بتفصیل دارای مطالب مهمه ای میباشد که اندکی ازآنها رایاد کردیم و بهمین‌سبب بعضی بغلط‌افتاده وتصور نموده‌اند که ادب‌الکاتب‌خطبه ایست بدون کتاب) وبعضی فقط **ابیات این کتاب‌را شرح**‌نموده و صاحب کشف الظنون از آنها **احمد بن محمد خاز رنجی** متوفی بسال ٣٤٨را ذکرنموده است.

در ص ٧٤ ج ١ کشف الظنون کتب ذیل بنام نیزادب الکاتب بامؤلّفین آنها ثبت شده:

(ادب الکاتب) تألیف امام ادیب **ابو بکر محمدبن القاسم** بن‌الانباری‌متوفی‌بسال ٣٢٨.
(ادب الکاتب) تألیف **ابو جعفر احمد بن محمد النحاس** نحوی متوفی بسال ٣٣٨.
(ادب الکاتب) تالیف **ابو عبد الله محمد بن یحی الصولی الکاتب** متوفی بسال ٣٣٥. (١)
(ادب الکاتب) تالیف **ابن درید محمد بن الحسن** اللغوی متوفی بسال ٣٢١.
(ادب الکاتب) تالیف **صلاح الدین خلیل** بن‌ایبك الصفدی متوفی بسال ٧٩٤.

ادب‌الکاتب ابن قتیبه در اروپا واسلامبول ومکرراً درمصر چاپ شده است.

آغاز: بسمله قال ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه رحمه الله تعالی **اما بعد** حمد الله بجمیع محامده و الثّناء علیه بما هو اهله و الصّلوة علی رسوله المصطفی و آله فانّی لمّا رأیت اکثر اهل زماننا الخ.

(٧٤٩)

ادب الکاتب

این نسخه بخطّ نسخ بسال ١٢٨٢ نگاشته شده، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب است و عناوین را با سرخی نوشته و چند ورق ننوشته در اوّل آن است.

(١) درفهرست ابن‌الندیم نام‌این کتاب راچنین‌ثبت نموده «ادب الکاتب‌علی‌الحقیقه» و گوید دراثر اینکه خبری درباره علی بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام روایت‌نموده شیعه‌وسنی درصدد کشتن وی بودند پنهان شدودربصره بحالیکه ازنظرهامخفی بود بمرد و بهترازهر کس شطرنج را بازی میکرد و تاسال (٣٣٠) زندگی میکرداننهی. (ص ٢١٥).

جلدهیشن‌ضربی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔاوراق (۱۷۱) . صفحهٔ (۱۷)سطر. طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۳) .

(۷۵۰)

ادب الکاتب

این نسخهٔ بخطّ نسخ نگاشته شده ومشتمل بر بیشتر ازنصف ازاین کتاب‌میباشد (از ابتداء کتاب تاآخر باب ماجاء محرّکا و العامّه تُسکنه) و آخرین سطر نسخه این است : (الذّبحه بالضّم واسکانِ الباء و ذَهبَ دَمه هَدراً بفتح الدّال .) از کاتب نامی در نسخه نیست به سال ۱۲۸۷ بنام « ادب الکاتبین » داخل کتابخانه اعتضادیّه شده وپشت صفحهٔ اوّل یادداشت گردیده و برگهای آن بجدول بطلا و سرخی وکاغذ آن فرنگی و بر تمام اوراق شیر وخورشید بر آمده است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی آبی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔاوراق (۱۸۰) صفحهٔ (۱۱)سطر . طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۲).

[۳۰۳] اطباق الذهب (عربی)

مؤلّف این کتاب شرف الدّین شفروه اصفهانی ره است (شرف الدّین محمّد (۱) اصفهانی‌شفروه متوفی در حدود ۶۰۰).

(۱) در تعلیمات استادعلامهٔ قزوینی ذکر شده که‌درفهرست اسپرنگر بنقل‌ازتقی‌الدین کاشانی نام این‌مؤلف‌شرف الدین‌عبدالمؤمن ضبط گردیده ، پشت صفحهٔ اول نسخه چاپ شده مؤلف نیز شرف‌الدین‌عبد المؤمن بن‌هبة الله مغربی‌اصفهانی ضبط گردیده ، ولی با تتبع مقدور ندانستیم بچه مناسبت ایشانرامغربی معرفی کرده‌اند و در تذکره آتشکدهٔ آذرذیل‌شعراء اصفهان نام ایشان‌شرف‌الدین‌فضل‌الله‌ثبت گردیده‌ولی درلباب‌الالباب‌ج ۱ ص ۲۶۸ وتذکرهٔ‌هفت‌اقلیم‌درذیل اصفهان‌شرف الدین‌محمدودر تذکرهٔ دولتشاه نسخه خطی‌این کتابخانه‌ص۹۷ شمارهٔ (۲۷۲۷) شرف الدین سفروه‌اصفهانی باسین مهمله و درنسخه تاریخ گزیده مصحح قدیمی این کتابخانه شرف الدین شفروه‌اصفهانی و درمجمع الفصحاء ج ۱ص ۳۰۲ بنام شرف ضبط گردیده‌ولی جز آتشکده این کتاب را هیچیك‌ازتذکره‌نویسان از تألیفات و انشاآت او نشمرده اند در ص ۱۶۵ ملحق‌دوم‌ازجزوسوم‌فهرست‌دار الکتب‌المصریه‌نام‌مؤلف‌اطباق الذهب‌نیزشرف الدین عبدالمؤمن‌المغربی‌الاصفهانی‌ضبط شد وصاحب‌معجم المطبوعات ص ۱۳۰۰ وی را شرف‌الدین عبدالمؤمن بن هبة الله‌المغربی الاصفهانی المعروف بشفوره یا شفروه معرفی‌نموده و در ذیل آن گوید که دراواسط قرن دهم هجری معروف گردیده پشت نسخه خطی که اخیراً باین کتابخانه رسیده و بسال ۱۱۱۵ نگاشته‌شده نام‌مؤلف چون‌نسخ‌چاپی با حذف‌کلمه مغربی است و اطباق الذهب درمصر وبیروت ولاهور چاپ شده است .

عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان بمؤلّف و معاصر با وی میباشد در لباب الالباب (ص ۲۶۸ ج۱) وی را « از اماثل اصفهان‌واعیان جهان معرّفی نموده و گوید که در علم تذکیر شهرتی داشت و مواعظ و نصایح او عقل را مرشد شافی و مصقلهٔ وافی بود فامّا لطف طبع مروی را باعث و محرّض آمد بر آنك گاه گاه نظمی چون آب زلال وشعری چون سحر حلال بپردازد ودرغزل ومدح لطائف و ظرائف نظم مرتّب گرداند و دیوان اشعار او مشهور است» و شصت و هفت بیت از اشعاراو را در ذیل شرح حال وی آورده ونامی از این کتاب نبرده‌و آذربیگدلی در « آتشکده » ذیل شعراء اصفهان این شخص‌را نام برده و گوید که معاصر با رفیع الدّین لنبانی (متوفی بسال ۶۰۳) و جمال الدّین عبد الرّزاق بوده و مجیر بیلقانی (۱) (متوفی بسال ۵۹٤) راهجا گفته شاهد فضلش رساله اطباق‌الذّهب کافیست که درمقابل‌اطواق‌الذّهب‌زمخشری‌مشتمل‌بر صد پندوموعظه و شرح حال اصناف خلائق نوشته . ودر آتشکده ۲۵ بیت از اشعار این‌مؤلّف نقل گردیده ، در تذکرهٔ دولتشاه نام این دانشمند مذکور و اشعاری از مدیحه وی دربارهٔ سلطان طغرل بن ملکشاه نقل گردیده ودر تاریخ گزیده درذیل شعراء نام وی و چند بیتی از او هست ، صاحب مجمع الفصحاء ایشان را بنام « شرف اصفهانی » و از اهالی شفروه از قراء اصفهان که اینك آنرا پژوه میگویند معرّفی نموده ولی برحسب تحقیق استاد علاّمه آقای میرزا محمّد خان قزوینی مدّظله‌در تعلیقات بر لباب الالباب (ج ۱ ص ۳۵٦ - ۳۵۹) شفروه باشین و فاء وراء مهمله و واو و هاء با ضمّ دو حرف اوّل و سکون راء یافتح آن دو و سکون راء نام یکی از اجداد شرف الدّین بوده و « شرف » تخلّص مینموده و در حدود سال ۶۰۰ وفات یافته است .

برای شناسائی بیشتری ازاین‌دانشمند به‌تعلیقات مذکور که‌مفصّل‌تر وجامع‌تر

(۱) مجیر الدین بگفته‌استاد معظم آقای بدیع‌الزمان بسال ۵۵۱ یا ۵۵۲ باصفهان آمده ومردمان آنجا راهجا گفته ایشان‌وی‌واستادش خاقانی‌را هجو کرده‌اندو بهمین جهت‌خاقانی‌قصیده‌معروف بردیف «صفاهان» در مدح‌اصفهان‌سروده‌واز کارمجیر الدین عذر خواسته است .(ج۲ سخن و سخنوران ص ۲٦٤) .

از همه نگاشته اند مراجعه شود و دیوان این شاعر درموزه بریطانیا موجود است.

و چنانکه خود درمقدّمه نگاشته تألیف اطباق الذهب برحسب امر **احمد بن محمود** بن علی الخوّی ،زاده الله توفیقاً بوده و از ایشان چنین خواستار شده که صد مقاله (۱) در وعظ و نصیحت و خطب بهمان نهج کـه علاّمه زمخشری در اطواق الذهب برداشت کرده اند بنگارد . و گوید که پس از زمخشری کسی نتواند چون وی قلم بدست گیرد و عباراتی چنان نگارش دهد ولی چون امر معظم لـه واجب بود شروع نموده واین مقالات را نوشته و آنها را مرتّب ساخته و از آن پس « اطباق الذهب » نام گذاردم و هر یك از مقالات را بآیه ای از قرآن کریم ختم نمودم تا ختام آن مسك باشد.

از مطالعهٔ مقالات اطباق الذّهب قدرت مؤلّف و منشی آن بخوبی واضح میگردد و آنرا توان بر اطواق الذّهب ترجیح داد .

ودر ص ۱٦٥ ملحق دوّم از جزء سوّم فهرست دار الکتب المصریّه نسخه ای از شرح **بر اطباق الذهب** که بسال ۱۱۰۰ تحریر یافته میباشد و آغاز آن این است : (اعلم انّ فی التّسمیه و البسمله مباحث الاوّل فی لغتها الخ) و در ذیل آن نگاشته شده که شارح آن معلوم نشد .

شیخ یوسف افندی النبهانی الفاظ مشکله و لغات غریبه این کتاب (اطباق الذّهب) را شرح ونسخه منطبعهٔ در بیروت آنرا داراست.

آغاز: بسمله اللّهمّ انا نحمدك علی اما اسبلت من جلابیب نعمك الخ .

انجام : و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهن .

(۱) اطباق الذهب چنانکه مؤلف در مقدمه تصریح نموده مشتمل برصد مقاله است ولی در نسخه چاپ بیروت شمارهٔ مقالات را به (۱۰۲) رسانده باین طریق که مقاله نودم را دو مقاله نموده و خاتمه را هم یك مقاله شمرده و ترتیب مقالات این نسخه بادو نسخه خطی کتابخانه بدین نحو که مذکور میشود اختلاف دارند . ۹۰ خطی = ۹۲ و ۹۳ چاپی و ۹۱ = ۹۲، ۹٤ = ۹۳، ۹٥ = ۹۱، ۹٤ = ۹۷ و ۹٥ = ۹٦، ۹٦ = ۹۸، ۹۷ = ۹۹، ۹۸ = ۹۰، ۹۹ = ۱۰۰، ۱۰۰ = ۱۰۱ وخاتمه خطی = ۱۰۲ چاپی است .

(۷٥۱)

اطباق الذهب

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب **حسن بن عبد المجید** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷٦ نوشته و در دو صفحهٔ پس از ختم کتاب بخط شکسته نستعلیق همین کاتب شرحی مبنی براینکه این کتاب را برحسب امر **سیف الملك** برشته تحریر در آورده مرقوم داشته اند ، ترجمه پاره ای از لغات از کتب لغت نقل و در حاشیه صفحات ثبت گردیده ، صفحات نسخه بجدول بطلا و لاجورد وشمارهٔ مقالات رابا لاجورد وبرخی را باشنجرف نگاشته ، بعضی از کلمات دو صفحهٔ پیش از ورق آخر را آب ضایع کرده و پشت آخرین صفحه شرحی مقامه مانند نوشته شده و در حاشیهٔ آن چند بیت عربی در مذمّت معاویه ازاینکه زیاد را برادر خود معرّفی کرده است میباشد .

ضمیمه اطواق الذهب میباشد . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق این کتاب (۱۰۱) . صفحه (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۸) .

(۷٥۲)

اطباق الذهب

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، کاتب از خود نامی نبرده و سال کتابت را ننگاشته ولی بقرینه قطع و اینکه ضمیمهٔ مقامات بدیع الزّمان است که بسال ۱۲۷۷ نوشته شده و نسخهٔ اطواق الذ هبیکه نیز ضمیمه این نسخه است چنانکه می آید ظاهراً ازروی نسخه ایکه بسال ۱۲۷٦ نگاشته شده تحریر یافته ، بنابر این تاریخ نگارش این نسخه سال ۱۲۷۷ بوده و اطواق الذّهب زمخشری و مقامات را در جاهای خود شرح خواهیم داد .

این نسخه دارای سر لوحی زیبا و صفحات آن بجدول بطلا وشماره مقالات آن بخط ثلث بالاجورد و بعضی باشنجرف است.

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق اطباق (٤٤) اوراق اطواق (۱۸) مقامات (۱۲۰) صفحه (۱٥و۹) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳٥۰) .

[۳۰٤] **اطواق الذهب** (عربی)

مؤلف این کتاب جارالله زمخشری ره است (٤٦۷ - ٥۳۸) که در جلد اوّل فهرست

ص ۱۵۸ بشرح مختصری از حالات و مؤلّفات ایشان پرداخته شده و این کتاب از آن جمله است .

اطواق الذّهب کتابی است مشتمل بر یکصد (۱) مقاله که هر یك ازمقالات مواعظ و نصایح سودمندی را دَر بر دارد و مؤلّف میان هر دو جملهٔ از مقالات سجع را رعایت نموده وبا نهایت ایجاز و اختصاروفصاحت وبلاغت این کتاب‌را خاتمه داده و چنانکه مذکور گردید **اطباق الذهب** را مؤلّف آن در اقتداء به جارالله زمخشری تألیف نموده است .

در خود کتاب نامی ازمؤلّف واسم کتاب نیست ولی درمقدّمه اطباق‌الذهب مؤلّف آن تصریح نموده که صدمقاله زمخشری موسوم به اطواق الذهب میباشد و کشف‌الظنون درذیل همین‌نام‌این مقالات‌را نسبت بزمخشری داده ودرآنجااست که مؤلّف در ابتداء هر مقاله خود را مخاطب ساخته و پس از گفتن یا ابا القاسم مطالب ومواعظی را آورده است‌ومؤلّف معجم‌المطبوعات بتبع او نیز این‌مطلب را در ص ۹۷۳ ذکر نموده در صورتیکه در دو نسخه خطّی این کتابخانه و نسخهٔ چاپ وین که بضمیمهٔ ترجمه آن بزبان اطریشی است و در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۳۳٤۹) موجود است و نسخهٔ چاپ بیروت چنین نیست و با مطالعه مقالات این کتاب ثابت میشود که طرز دخول در موضوع هم شایستگی ندارد جملهٔ یا ابا القاسم ویا عبارت دیگری که بیان کند مطالب این مقاله اوّلاً خطاب بخود جامع باشد دارا بوده است و کشف الظنون آغاز این کتاب رااین جمله نقل نموده : (احمده علی ما ادرج لی من الائماه) (۲) در صورتیکه نسخ مذکورهٔ فوق ابتدابعبارتیکه‌ذیلاً نقل‌میشود گردیده‌است . واین کتاب چنانکه در

(۱) درنسخه چاپ‌وین‌مقالاترا ۹۹ دانسته ولی‌درنسخهٔ چاپ بیروت ونسخ‌خطی این کتابخانه قسمت‌اخیرمقاله ۹۹ چاپ‌وین‌رامقاله‌صدم دانسته‌اندوازبیانات‌مؤلف اطباق‌الذهب درمقدمه کتاب معلوم میشود که این کتاب هم صدمقاله بوده و کشف الظنون نیز آنرا صدمقاله دانسته است .
(۲) این نیز ازاشتباهات حاجی‌خلیفه در کشف‌الظنون است که مقالات‌زمخشری‌را که دارای پنجاه مقاله است به اطواق الذهب او اشتباه کرده و این آغاز را که نقل نموده آغاز مقالات پنجاه گانه او است واین مقالات‌است که ابتداءبه یا اباالقاسم گردیده وخود زمخشری‌مشکلات آنرا شرح کرده و باهمین شرح دوبار درمصر بسال ۱۳۱۲ و ۱۳۲۵ چاپ شده است .

معجم‌المطبوعات است بزبان‌ترکی و آلمانی و اطریشی‌ترجمه گردیده وبا ترجمها در اروپا طبع شده وچاپ بیروت آن مشتمل بر شرح لغات و کلمات مشکله آن بقلم شیخ یوسف افندی اسیر است و آقای‌دکتررضا زاده‌شفق استادمعاصر درص۱۹۳ تاریخ ادبیّات نوشته اندکه : شاعر شهیر وصال شیرازی (متوفی بسال ۱۲٦۲) اطواق الذّهب را بفارسی ترجمه کرده اند .

آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای ملی ایران که از نویسندگان شهیر این دوره میباشند ونوشتهای ایشان سرمشق نویسندگان عصراست این کتاب راشرح‌وبنام « قلائدالادب‌فی شرح‌اطواق‌الذهب» مسمّی گردانیده و بسال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده و طرز این شرح آنستکه پس ازنقل عبارات‌اطواق بشرح‌الفاظ وعبارات‌مشکله آن پرداخته ودرتأیید مطالب به اشعار و کلمات بزرگان از ادبا و حکما متوسل شده و در بیشتر از صفحات عباراتی مناسب مقام از اطباق الذّهب آورده اند .

آغاز: بسمله اللّهمّ انّی احمدك علی ما اذللت الیّ من نعمتك الخ.
انجام: فکیف رضیت لدینك بالقذی ، والمؤمن لایرضی لدینه بذا .

(۷۵۳)

اطواق الذهب

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده ، وکاتب آن **حسن بن عبد المجید الحسینی** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷٦ میباشد و پشت آخرین صفحه و صفحهٔ مقابل آن بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب شرحی در معرّفی از این کتاب و مؤلّف آن و اینکه بر حسب امر **سیف الملك** بکتابت آن پرداخته نگاشته است .

مقاله ٤۳ و ٤۷ راکاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرّفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا (از ۹۱ تا ۹٤) ننوشته و پس از این کتاب نسخهٔ اطباق الذهب مذکورتحت‌شمارهٔ (۷۵۱) درص ۱۱ این‌فهرست‌میباشد ، صفحات آن‌بجدول‌بطلاو لاجورد است و بر ورقی که پیش از ورق اوّل است اشعاری بخطشکسته نستعلیق خوب نوشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق دو کتاب (۱۳۹) اوراق این کتاب (۳۸) . صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۸) .

(۷٥٤)

اطواق الذهب این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته‌شده، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ، مقاله ۴۳ و ٤۷ را کاتب دوقسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا از ۹۱ تا ۹٤ چون نسخه سابق ننگاشته‌اند بقرائنی که در ص ۱۱ ذیل نسخهٔ (۷٥۲) اطباق الذهب نگاشتم درسال ۱۲۷۷ تحریر یافته ، دارای یك سرلوح زیبا میباشد ومیان سطور صفحهٔ اول تذهیب برگ موئی دارد ، تمام اوراق بجدول بطلا وشمارهٔ مقالات بخطّ ثلث بالاجورد نوشته شده و کتاب اطباق الذهب مذکور و مقامات بدیع الزّمان که در این فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمهٔ این نسخه است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۸) صفحهٔ (۱٥) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳٥۰) کتابخانه است .

[۳۰٥] ترجمه و شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

مترجم این عهد نامه که از معروفترین انشاآت حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام میباشد و شروح بسیاری بر آن نگاشته شده و در ذیل شرح کتاب نهج البلاغه از آن نیز یادخواهیم نمود ملاّ **محمد صالح** بن حاج محمّد باقر قزوینی معروف بروغنی رحمة الله علیه میباشد که از علماء قرن یازدهم هجری بوده و ما در جلد اوّل این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲٥ دو مؤلفهٔ ایشان را ذکر نموده و در آنجا متذکّر شده که در سال ۱۰۸۰ بترجمه توحید مفضّل پرداخته اند ولی تا کنون بتحقیق بدست نیاورده‌ایم که پس از آنسال چندگاه دراین جهان زیسته اند و در ذیل شرح نهج البلاغهٔ همین مؤلّف بپاره‌ای ازمؤلّفات ایشان که در کتب سیر از آنها نام و نشانی نیافته اشاره خواهد گردید و از بیت موجود در آخر یکی از نسخ این ترجمه چنین معلوم میشود که درسال ۱۰۹٤ تجدید نظر در ترجمهٔ این عهد نامه خاتمه یافته است .

مترجم این عهد نامه را که مشتمل بر دستور حکمفرمائی و فرمانروائیست

با نهجی خوب و اسلوبی متین ترجمه و شرح نموده و در ضمن باشعار عربی و فارسی و حکایات مناسب تمثّل جسته و پیش ازشروع بترجمه عهد نامه دیباچه‌ای مشتمل بر حمد و ثنا و علّت ترجمهٔ این عهد نامه و شرح مختصری از حالات و مقامات **مالك اشتر** و معنی لغوی اشتر و لزوم تعیین حاکم و امام برای نگهبانی مردمان ، انشاء و پس از آن شروع بترجمه وشرح نموده ودردیباچه نگاشته‌اند: این ترجمه وبیانی است ازعهدنامه . و بنابراینکه بیان عهد نامه باشد بایستی این کتاب را شرح **عهد نامه** معرّفی نمود وبامراجعه بخود کتاب مسلّم میشود که مؤلّف کاملاً بشرح وبسط وبیان مراد حضرت ع پرداخته وقناعت بترجمهٔ عبارات ننموده است .

این ترجمه وشرح عین آنست که مؤلّف در **شرح نهج البلاغه** خویش که در همین فصل از آن یاد خواهیم نمود آورده جز اینکه در هرصفحه ای تقریباً دو یا سه بیت ودربعضی ازصفحات بیشتر برمطالب افزوده ومقدّمه‌ای چنانکه مذکورشد بر آن نگاشته و درحدود پنجاه بیت نیز در آخر اضافه نموده و چنانکه از قرائن بدست میآید این ترجمه و شرح را مؤلّف پس از**شرح نهج البلاغه** خویش مرتّب کرده و انتشار داده ولی در هیچ جا اشاره‌ای بدان ننموده است .

آغاز : بسمله سپاس و ثنا خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال [معرّاست] کذا الخ .

انجام : وآنکه ختم کند از برای تو بسعادت و شهادت بدرستیکه ما بسوی او تعالی را غبیم وسلام بررسول خدا ص (۱) .

---

(۱) نسخهٔ مدرسه ترجمهٔ آخرین فقرهٔ عهد نامه را ندارد و کاتب پس از نقل عبارت آن دست از نگارش کشیده وما عبارت فوق‌را ازروی شرح عهدنامه که در**شرح نهج البلاغه** مؤلف میباشد نقل نمودیم ولی در نسخه‌ایکه جناب آقای **حاج محتشم السلطنه اسفندیاری** از این ترجمه عهدنامه دارند واینك نزد نگارنده است پس از عبارت فوق درحدود پنجاه بیت درشرح وتوضیح فقرات مذکوره اضافه دارد و آخر آن این بیت میباشد : **فارغت من تسوید هذا المختصر . فی اربعا یومان من اقبل الصفر**) و بحساب جمل مصراع اخیر سال ۱۰۹٤ را بیان مینماید وظاهر این است که اینسال تاریخ تألیف این ترجمه نباشد ، چراکه تاریخ کتابت نسخهٔ **شرح نهج البلاغه** مؤلف که اینك دراین کتابخانه است بسال ۱۰۸۸ بوده واگرتاریخ مذکور دراین بیت ازقلم وانشاء مترجم باشد تا آنسال درحیات بوده و درآن تجدید نظر کرده و ازاسلوب عبارت **امل الامل** که درسال ۱۰۹۷ تألیف شده (امل ج ۱ ص ۲٤) نیزحیات مؤلف را در این تاریخ میتوان استنباط نمود (**امل الامل** ج ۲ ص ٦٤)

(۷۵۵)

ترجمه و شرح عهدنامه مالك اشتر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده و کاتب از خود و سال کتابت نامی نبرده ولی ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نوشته شده ، ورق اوّل کتاب که مشتمل بر شش بیت بوده افتاده و صفحات بجدول بطلا و زنگار میباشد و اوّلین سطر موجود آن این است:

(جز در تو قبله نخواهیم ساخت گر نه نوازی تو که خواهد نواخت)

و درسال (۱۲۸٤) داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و کنار اوّلین صفحهٔ موجود یاد داشت شده و از آخر هم موافق نسخهٔ مذکور در فوق بیش از پنجاه بیت نوشته نشده و آخرین سطر نگاشته شده اینست: (انا الیه راغبون والسّلام علی رسول‌الله صلی الله علیه و آله).

جلد سوخته . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰). صفحهٔ (۱۱) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹٦).

[۳۰٦] ترجمه نهج‌البلاغه یا تنبیه‌الغافلین (فارسی)

مترجم و مؤلّف این کتاب **ملافتح‌الله کاشانی** ره مفسّر معروف ومتوفی بسال ۹۸۸ میباشد که بشرح حال ایشان در (ص ۱۲۳ تا ۱۲٦ ج ۱) پرداخته شد ، و چنانکه خود در مقدّمه بدان تصریح کرده اند نام این ترجمه را « تنبیه‌الغافلین و تذکرة‌العارفین » نهاده و از ترجمه های بسیار مختصر این کتاب بزرگ میباشد و بعضی این ترجمه را شرح گفته اند ولی از حدّ ترجمه تجاوز ننموده و از کتاب **نهج‌البلاغه** در این فصل مفصّلاً صحبت خواهیم نمود ، این ترجمه دو بار بسال ۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در **طهران** چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الّذی هدانا لهذا و ماکنّا لنهتدی لولا ان هدانا الله...

... اما بعد برذوی بصائر ثاقبه و خواطر باهره مخفی نیست که ترّقی بمدارج قرب الهی الخ .

(۷۵٦)

ترجمهٔ نهج‌البلاغه یا تنبیه الغافلین

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخطّ نستعلیق در سال (۱۰۱٦) هجری نگاشته شده وپشت ورق اوّل یادداشت هائی است که کهنه ترین آنها مؤرخ بتاریخ (۱۰۲۷)هجری میباشدوبخطّ عبدالواهب‌مشتهربواعظ ملکی اصفهانی‌است ، حواشی ورق آخر از بین رفته ووصّالی شده است.

جلد چرمی‌روغنی . کاغذ اصفهانی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔاوراق (٤۸۷) صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۱) .

(۷۵۷)

ترجمهٔ نهج‌البلاغه یا تنبیه‌الغافلین

این نسخه را بخطّ نسخ خوب صالح بن سعید بحرانی درسال (۱۰۷۸) نگاشته و پس از ختم کتاب خطبهٔ شقشقیّه را نیز همو نوشته ، متن نهج البلاغه باشنجرف تحریر گردیده ودر حواشی صفحات تعلیقاتی بامضاء شیخ علی و بدون امضاء نوشته شده و بر دو ورقی که پیش از نسخه است مطالب متفرّقه ای یاد داشت و پاره‌ای از اوراق وصّالی گردیده و مطالبی از پشت ورق اوّل محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۷) . صفحهٔ(۲۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۳) .

[۳۰۷] ترجمه نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی (فارسی)

محمّد باقر لاهیجی‌مشهور بنوّاب (۱) رحمةالله علیه که ازعلماءعصر فتحعلیشاه قاجار بوده و علوم معقول و منقول را در اصفهان تدریس مینموده و از علم نجوم نیز با خبر و در علـم تفسیر دست مخصوصی داشته و قرآن کریـم را بنـام

---

(۱) درروضات درص (۱۲۲) ج ٤ و قصص العلماء در ذیل محمد علی نجفی فقط بمناسبت نام ایشان برده شده و از مؤلفات وسال وفات ایشان تاکنون خبر و اثری نیافته ام .

« تحفهٔ خاقانی » بطرزی خاص تفسیر نموده (در ج ۱ ص ۹۷ و ۹۸ شرح این کتاب گذشت) کتاب نهج البلاغه را بامر پادشاه مذکور بفارسی ترجمه کرده ودرمقدّمهٔ آن خود علّت شروع بترجمه را نگاشته ودربعضی ازفقرات برخلاف بناکه فقط ترجمهٔ کلمات و عبارات بوده بشرح و بسط پرداخته و از این جهت برخی این ترجمه رابنام شرح نیز ذکر ومعرّفی نموده اند وخودمترجم درمقدّمه هم اشارتی بشرح بودن آن مینماید و آن اینست : (بر ترجمهٔ وجیزه مشتمله بر فوائد عالیه وفرائد غالیه که شروح مبسوطه سلف خالی از آن بود اقدام نمود الخ .) و نیز در مقدّمه گوید : (چون کلام آن حضرت سر مشق همه فصحاء وبلغا میباشد برای اثبات فصاحت و بلاغت آن کلام معجز نظام باشعار شعرا و کلمات بلغا استشهاد نگردید) .

مترجم چنانکه در آخر مجلّد اوّل و دوّم تصریح نموده اند در سال ۱۲۲۵ ترجمه مجلّد اوّل و سال ۱۲۲۶ ترجمه مجلّد دوّم نهج البلاغه را انجام داده و از ترجمه های خوب یکی‌این ترجمه میباشد ودر حدود (۲۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله‌سپاس‌موفوروستایش‌نامحصور مخصوص‌پرورد گاری‌است که‌الخ.

انجام: باتمام رسید ترجمه این کلام معجز نظام در عصر روز جمعه غرّه شهر جمادی الاولی سنه یکهزار و دویست و بیست و شش ناقصه هجری و ما توفیقی الاباللّٰه....وانا.... الجانی محمّد المدعوّبباقر اللاهیجانی عفی‌اللّٰه عن‌جرائمه والحقه بالصّالحین بمحمّد و عترته الطّاهرین صلوات اللّٰه و سلامه علیه وعلیهم اجمعین .

(۷۵۸)

ترجمهٔ نهج البلاغه یاشرح محمدباقر لاهیجی

این نسخه که مشتمل بر مجلّد اوّل کتابست در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ محمّد باقر بن حسنعلی حسینی طبیب اصفهانی نگاشته‌شده وعناوین‌خطب‌را کاتب‌با شنجرف‌نوشته‌وازابتداء ترجمه تا ترجمهٔ کلامیست که حضرت درمذمّت اهل‌کوفه انشاء فرموده و اوّل آن اینست : (فقال علیه السّلام بعداً

لهم کما بعدت ثمود).

جلدتیماجی . کاغذفرنگی .واقف‌سپهسالار . قطع‌خشتی . شمارهٔاوراق (۲۱۷) . صفحهٔ (۲٤) سطر . طول$\frac{1}{2}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۵).

[۳۰۸] درّة الغوّاص فی اوهام الخواص (عربی)

مؤلّف این کتاب‌حریری رهاست (ابومحمّدقاسم‌بن علی‌بن محمدبن‌عثمان‌البصری ٤٤٦ - $\frac{۵۱۵}{۵۱۶}$) (۱) که از علماء علم ادب بوده و در فنّ انشاء سرآمد اقران و امثال خود شده ومقامات او بسرحدّ کمال اشتهار رسیده وشروحی چند برآن نگاشته شده و دو شرح آن در این فصل ذکر خواهد شد و نیز در حرف میم این فصل بشرح کتاب مقامات مفصّلاً خواهیم پرداخت .

در وفیات‌الاعیان‌ابن خلّکان‌مذکوراست که‌حریری رامؤلّفات نیکوئی‌است از آنها مقامات مشهورهٔ او و **ملحة‌الاعراب** بنظم در علم نحو و شرح آن ، **دیوان‌رسائل** ، دیوان شعر و **درة الغواص** فی اوهام الخواص (همین کتاب) و سه کتاب اوّلیّه و کتاب اخیر مؤلّف چنانکه در ص (۷٤۸) معجم المطبوعات مذکور است مکرّر درمصر واروپا وغیره چاپ شده ونگارنده تاکنون بمؤلّفات دیگری از حریری دست نیافته ودر کتابی نام آنها را ندیده است .

ابن خلّکان آورده که حریری از اهالی مشان (به میم مفتوحه و شین پس از آن الف) بوده که شهر کوچکی درنزدیکی بصره است وحریری منسوب بحریر میباشد که این شخص یا اشتغال بساختن و عمل آوردن آن داشته وخود یایکی ازپدرانش‌فروشنده‌آن بوده است .

درة الغواص کتابی است که اغلاط مستعملهٔ درعبارات و کلمات و ابیات دانشمندان در آن جمع آوری شده و مؤلّف ادلّهٔ خود را در غلط بودن آن الفاظ ذکر و پس از آن صحیح آن را نیز با ذکر ادلّه از اشعار بزرگان نقل نموده و تقریباً مشتمل بر تصحیح دویست و پنجاه کلمه از کلمات غیر صحیحه در

(۱) ابن خلکان ج ۱ ص (٤۱۹) ، روضات‌الجنات ص (۵۲٦) ، بغیة الوعاة درحرف قاف ،

استعمال و کتابت میباشد و در حدود (۴۲۰۰) بیت کتابت دارد و از کتب بسیار خوب ادب است .

نظام الدّین حکیم الملك گیلانی این کتاب را مختصر نموده (۱)باین معنی که شواهد را انداخته و اقتصار بر کلمات مستعمله و صحیح آنها کرده و در مقدّمهٔ آن گوید که در کمتر از چهار ساعت این انتخاب را انجام داده و نیز اغلاط مستعملهٔ دیگری که حریری بذکر آنها نپرداخته بآخر آن افزوده و نسخهای از آن راکه در زمان حیات مؤلّف تحریر گردیده بضمیمه دوازده رسالهٔ دیگر از آنمؤلّف آقای تربیت (محمّد علی) دارندودراین مجلّد ذیل **حکایات غریبه** از مؤلّفات این مؤلّف نام خواهیم برد .

آغاز: بسمله قال الشّیخ الرّئیس ابو محمّد القسم بن علی بن محمّد بن عثمان الحریری البصری رضی‌الله عنه امّا بعدحمدالله الذی‌عمّ‌عباده‌بوظائف العوارف‌الخ .

(۷۵۹)

درة الغواص — این‌نسخه رابخطّ نسخ درسال ۱۰۵۰ حاج بن‌منصور احسائی نوشته و نیز همین کاتب رساله ای کـه در ردّ بر ظاهریّه و مجسّمه و مشبهه است در حواشی کتاب نگاشته و پس از اتمام کتاب منظومه جزری در درایه که مسمّی به « الهدایه » میباشد تحریر و چون منظومه بپایان میرسدشرحی در طریق وصول بحق از شیخ نجم الدّین کبری نگارش یافته و بعد از آن مطالب متفرّقه ای نیز همین کاتب نگاشته ولی قسمت هائی از ضمائم وچند سطری از صفحات اخیر کتاب پاره شده و در حواشی نیز مطالب متفرقه ای موجود است .

جلدتیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بیاضی . شمارهٔاوراق (۹۷) . صفحه (۱۶) سطر . طول(۱۹سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۱ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۷) .

(۱) صاحب کشف الظنون‌جمعی از دانشمندان‌را که براین کتاب حاشیه نوشته‌ویا آنرا شرح نموده و یا مختصر کرده وبانظم‌بسته ویا برآن تکمله‌نگاشته اند درص (۴۸۴ و ۴۸۵ ج ۱) نام برده ولی این اختصار حکیم الملك در آنجا ذکر نشده است .

(۷۶۰)

درة الغواص — این نسخه رابخط نسخ خوب ، محمّد تقی بن‌شاه‌محمّددرسال ۱۱۰۰ نگاشته ، در حاشیهٔ صفحات معنی بعضی از لغات متن یاد داشت شده وپس ازاتمام نسخه **شرح قصیده برده** تألیف مهلّب بن حسین‌بن برکات موجود است و شرح آن درفصل دواوین واشعارمذکور خواهد شد، پشت صفحه اوّل مطالب متفرّقه ویاد داشتهائی موجود است .

جلد چرمی . کاغذسمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔاوراق کل(۱۷۷) اوراق درّه (۱۲۷) . صفحهٔ (۱۹)سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۱۲سانتیمتر) .عرض (۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۸) .

[۳۰۹] دستور الکاتب فی تعیین المراتب (فارسی)

مؤلّف این کتاب بنا بتصریح در ابتدا وانتهاء آن شمس منشی نخجوانی پسر هندو شاه مؤلّف تجارب السّلف است که در دستگاه شیخ اویس بهادرخان که از سال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت‌داشته ، منشی بوده ودرك سلطنت پدرش شیخ ابوسعید را نیز نموده است وبگفته ریودرذیل فهرست موزه‌بریتانیاص ۱۲۳ این مؤلّف کتاب «صحاح العجم»را بنام‌خواجه غیاث‌الدّین رشیدی تألیف‌نموده‌ویکی از مطّلعین‌گوید اینك نسخه ای از آن در کتابخـانه حاج حسین آقـای ملك در طهران موجود و مانند سایر کتب آن‌کتابخانه راهی برای دیدن آن نیست .

درتعریف کتاب نویسنده خود در دیباچه گوید :

وچون دراین‌عصر میمون وروز گارهمایون ، اکابر وقت‌برتتبع‌فن انشا اقبال نموده اند واز مجموع منشآت منشیان معاصرترا کیب این‌ضعیف و هوالفقیر الی الله الغنی‌المغنی محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی‌النخجوانی غفرالله له ولوالدیه‌واحسن الیهما و الیه بنابر حسن ظنی که درحق اودارند والظن یخطی و یصیب ملحوظ‌نظر گردانیده اند وباستدعاءمسوّدات عربی و پارسی او رغبت نموده و تسمع بالمعیدی خیر من ان تراه و تمسك‌این معنی را ساخته کهضابطهٔ‌ترا کیب برحسب‌هر عصروزمان‌مختلف‌ومتفاوت‌می‌شودوترا کیب منشیان سابق‌وافاضل وجود واستادان جهان ، رشیدالدین‌وطواط‌وبها.الدین‌محمد‌بغدادی‌و نورالدین‌منشی ورضی‌الدین

خشاب سقی الله‌ثراهم وجعل فرادیس‌القدس مثواهم با وجود تفوق درمراتب‌فصاحت و رجحان درمعارج براعت‌وبلاغت مصطلح ابناء روزگار درلواحق‌اعصارنیست (۱) البته آن‌قاعده‌مهمل وآن ضابطه غیر مستعمل مینماید الخ.

ونیز در دیباچه است که در ایّام سلطنت سلطان ابوسعید صاحب سعیدشهید خواجه غیاث الدّین محمّد رشیدی و دیگر ارکان دولت و اعیان حضرت حکم یرلیغ بتصنیف چنین کتابی رسانیدند بواسطهٔ کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسّر نشد و تقدیر ازلی این بود که این کتاب بالقاب همایون پادشاه اسلام (مراد شاه اویس است) مطرّز و موشّح شود بنا بر این تألیف این کتاب در اوائل سلطنت سلطان اویس و مسلّماً پس از سال (۷۵۷) بوده است.

این کتاب که مؤلّف آن را «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» نامیده در یك مقدّمه و دو قسم و خاتمه مرتّب گردیده و از دیباچه هر دو قسم فهرست تفصیلی مطالب هر یك از آنها را ذیلاً میآوریم:

مقدمه: در کیفیت این کتاب‌و شرط شروع‌متامل در آن. **قسم‌اول:** در مکاتبات سلاطین که بیکدیگر نویسند والقاب و ادعیه ایشان وخوانین‌سلاطین و اولاد ایشان وذکر پادشاه یعنی آنکه مکتوب ازقبل اونویسندو احوال که بدان‌متعلق خواهدشد و این مرتبه مشتمل است بردوضرب (ضرب اول بسه صورت وضرب دوم به بیست فصل تقسیم گردیده).

مرتبه‌دوم: درمکاتبات امراء الوس‌ووزراء وخوانین واولاد ایشان و نقیب‌السادات ومشایخ ومریدان و قاضی القضاة ودیگر قضاة و ابناء ایشان ونوایب دیوان سلطنة و دیوان وزارت و امراء اولکا و تومانات وایناقان واتابکان ووکیل حضرت سلطنت واصحاب دیوان بزرگ ودیگر ارکان‌مملکت مشتمل‌بردوضرب (ضرب اول‌دربیست وشش فصل‌وضرب دوم درشانزده فصل است) **مرتبه‌سوم:** درمکاتبات‌اشراف الناس‌وعلما وحکما ومدرسان ومفتیان ومفسران ومفیدان ومحدثان و ائمه وخطبا ووعاظ و اطبا وفقها وحفاظ وصلحا وارباب فنون و منقطعان وگوشه نشینان ومحتسبان ومنجمان وشعرا واستادان وجد و پدر وجده ومادر وعم‌وخال‌وعمه وخاله و برادران بزرگ و کوچك‌و خواهران وپسران کثرهم الله‌تعالی‌و دختران و خواجه سرایان و دوستان وندما و تجار و ابطال وشجعان‌و اسفهسالاران و کوتوالان قلاع ومقدمان

(۱) صاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ٤۹۲) و بتبع‌او ریومؤلف فهرست موزهٔ‌بریطانیا (ص ۱۲۲ ذیل فهرست)، و استادمعظم آقای‌اقبال آشتیانی‌درمقدمه حدائق‌السحر (ص مه) این کتاب را از منشات رشیدوطواط ورضی‌الدین خشاب وغیره مؤلف دانسته‌درصورتیکه‌خود مقدمه برخلاف آن ناطق وتصریح دارد که از انشاء آت شمس نخجوانی است.

طوائف ومهندسان ومعماران و صدور واعیان والقاب وادعیه ایشان و اوساط الناس وغیر هم و این مرتبه‌مشتملست بردوصنف و مضمونات که بعد از القاب وخطاب بدین دوصنف نویسند (صنف‌اول‌مشتمل برسی و هشت‌فصل‌وصنف دوم‌مشتمل بردوازده‌فصل‌است) **مرتبه چهارم:** در مکاتبات مقربان سلاطین وامراء و وزراء‌وخوانین و خدم و ارکان دولت و ملوك ولایات وسادات و مشایخ وقضاة و غیر هم ومضمونات آن وعرضه داشت رعایا‌بسلاطین وجواب آن ومحاضر واجوبه و شرطنامه که نواب وعمال بسلاطین‌دهندوجواب وتذکرهٔ که بامراووزرا و اعاظم مملکت نویسند واجوبه آن (این‌مرتبه مشتمل بربیست فصل وهرفصلی بر دوصورت مکتوب وجواب وهرصورتی مشتمل برسه نوع است).

قسم دوم: دراحکام دیوانی وتفویض‌اعمال بامراء مغول‌ووزراء‌ونواب‌وبواب سلطنت‌واستیفاء ممالك و الغ تبیکچی‌ونظارت واشراف وحکمی وانشاء ونیابت وزارت و دفترداری وحکومت ومتصرفی ولایات وقانون یاسامیشی‌و تعدیلی وخرز و تخمین و احصاء مواشی و اسفهسالاری و امارت عسس وملك التجاری‌وحکومت دارالضرب‌و معیری‌وصاحب جمعی‌اموال ومناصب قلمی ولایت و عمارت بایران وکاروان سالاری و ریاست و تولیت قضایاء شرعی ازقاضی القضاتی ممالك و قضایاء ولایات و نقیب‌النقبائی وحکومت اوقاف سادات واوقاف‌ممالك و امارت محمل و وفد حجاج و تدریس وخطابت و احتساب و اعادت و فقاهت وشیخی خانقاه واثبات صوفی درخانقاه‌وساغوری بیمارستان‌و کتابت دارالقضا وامین آنجا و مورخین حجج و قبالات وعامل زکوات وحکومت‌بیت المال‌ومتصرفی جزیه و تفویض‌امامت و اذان واحسان ورعایت مصلحین وتهدید وسیاست مجرمان ولوازم و لواحق آن (این‌قسم دوم مشتمل‌بردوباب، باب اول آن درسه‌ضرب و مجموعاً در پنجاه و شش فصل و باب دوم در دو ضرب در بیست و دوفصل مرتب گردیده‌است).

مطالب فوق چون مشتمل بربیان مندرجات وطرز کتاب بود عیناً نقل گردید تا مطالعه کنندگان بخوبی دریابند کـه در این کتاب چه مباحثی هست و برای دانستن و پی بردن به کیفیّت انشاء و القاب و اطّلاع بر تشکیلات آن عصر و حتّی حدود و ثغور دولت شیـخ اویس از کتب خوب و نفیس میباشد و مؤلّف در طیّ منشآت به اشعار عربی و فارسی بسیار تمثّل جسته و در خاتمهٔ کتاب قصیده ای در مدح شاه اویس از انشاء خویش ضبط نموده و این کتاب تقریباً در حدود (۲۳۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله تحمیدی که‌سیّار فهم دوربین بمراحل ومنازل‌آن راه نیابد الخ.

(۷٦۱)

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

این نسخه نستعلیق بد خطّی است ، یك یاچند صفحه ازآخر آن افتاده ، نام کاتب و سال کتابت در صفحات موجود نیست ولی از رسم الخط چنین بر می آید که در قرن هشتم یا اوائل قرن نهم نگاشته شده و اوراق آن بدون ترتیب صحافی گردیده وچنانکه در آن مطالعه شد پاره‌ای ازاوراق هم افتاده است و از ابتداء و انتهاء آن هم پاره ای از برگها و ّصالی دارد ، پشت صفحهٔ اوّل‌از حسن‌بن محمّد مدعوّ بحکمی که از نویسندگان دستگاه سلطنتی بوده یادداشتی‌بتاریخ سال ۱۰۱۲ نوشته شده و قسمت اوّلیّهٔ آن محو گردیده وفقط نام نگارنده‌وسال تحریر خوانده‌میشود ونیز در ذیل آن یاد داشتی است که قسمتی از آن‌رادست‌روزگار محونموده وعبارات‌خوانای آن اینست : (ممّااعاره الدهر علی افقر عباد الله ..... المدعوّ بمحسن احسن‌الله تعالی ....) و چنین بنظرمیرسد که نویسندهٔ آن مرحوم ملاّ محسن فیض ره‌بوده و آخرین سطر نسخه این بیت از قصیده ایست که مؤلّف در مدح پادشاه در خاتمه گذارده است :

بدخواه‌تست همچوخزان ای بهار ملك   وزبادسرد خویش‌چو برگست درخزان

جلد تیماجی‌مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار .شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۳) .

[۳۱۰] رسم الخط آخوند زاده (فارسی)

این رساله یکی‌ازنوشتهای آخوند زاده آذربایجانی ره میباشد (میرزافتحعلی‌بن میرزا محمّد تقی بن حاجی احمد ۱۲۲۷ - ۱۲۹۵)(۱) که یکی از دانشمندان ایران و ساکن تفلیس بوده و همانجا وفات کرده ، چندی تحصیل علوم قدیم‌و

(۱) شرح حال آخوند زاده‌را فقط ازص ۲ تا ۸ دانشمندان آذربایجان‌تالیف‌آقای تربیت گرفته ام و درمکتوب‌خود بوزارت علوم ومعارف ایران که‌درحرف (م) همین فصل‌آن را خواهیم‌نگاشت خودرا شیعه معرفی‌میکند و آن جمله اینست : مکتوب‌من که از متوطنین خاك قفقازم و از جهت‌اسلامیت ومذهب‌باملت ایران‌برادری دارم الخ .

جدید نموده و در اواخر عمر مترجم السنه شرقیّه در پیشگاه جانشین قفقاز بوده و در همین اوقات چنانکه از ابتداء این رساله و کتاب معلوم میشود بدین خیال افتاده که ملّت اسلام از سایر ملل خصوصاً غربی ها عقب افتاده وبایستی آنهارا آشنا بتمدّن غربی نمود و در این خصوص شروع بنگارش کرد و آداب واخلاق و رسوم ملل اسلامی را مورد بحث و انتقاد خویش قرار دادونوشتهای او بزبان فارسی و عربی و ترکی بود و از آنجمله یکی کتاب« **تمثیلات** » بزبان ترکی میباشد که‌مشتمل بر هفت نمایش یاداستان است و نسخه ای از آنراکه‌خود آخوند زاده در تفلیس باعتضادالسّلطنه علیقلی میرزا اهداء نموده و پشت آن یادداشت کرده اینك در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۲۸۸۸) موجود است و چنانکه در « دانشمندان آذربایجان » نگاشته شده میرزا جعفر قرچه داغی آنرا بفارسی ترجمه و در سال ۱۲۸۸ در طهران چاپ شده و بزبان روسی وانگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز ترجمه گردیده است .

ودیگری از مؤلّفات آخوندزاده خطابه هائی نظیر **صدخطابه** میرزا آقاخان کرمانی است که سرمشق کرمانی بوده و نسخه ای از آن بگفته آقای تربیت در کتابخانهٔ مرحوم نصیرالدّوله وزیر معارف در طهران موجود میباشد. ودیگری « **تلقین‌نامه** » بعربی که از منشآت سیاسی مؤلّف در آخر عمر بوده و در قسمت فارسی روزنامه ارشاد در باکو (بادکوبه) چاپ شده ودیگری‌مکتوبی است که درنقد و انتقاد مطالب روزنامهٔ ملّتی درسال ۱۲۸۳ نوشته ونسخه ای ازآن تحت شمارهٔ (۲۷۷٦) در این کتابخانه میباشد و نیز در حرف میم این فصل آنراذکر خواهیم‌نمودودیگری‌رساله‌ایست که درانتقادازانشاء مجلّدات‌سه گانه روضة‌الصّفای ناصری در سال ۱۲۷۹ نوشته و نسخه ای از آنرا آقای تربیت دارند و دیگری همین رساله درمعائب خط اسلام ومقدّمه ومؤخّره آنست که ذیلاً ازآن‌نام میبریم و بهترآن‌دیدم که‌عین عبارت دانشمندان‌آذربایجان‌راکه مطالب مذکوره‌منحصراً از آنجا گرفته شده در اینجا بیاورم وآن اینست :

زبدهٔ آثارآخوند زاده‌الفبای‌اختراعی اوست که‌بجای الفباء حاضرهٔ اسلامی درسنهٔ (۱۲۷٤)

از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته‌ودورساله دیگری هم‌در تاریخ خطوط ومعائب‌الفباء حاضره ومحاسن‌الفباء اختراعی خوددرسنوات ۱۲۸۰ و۱۲۸۵ بزبان ترکی وپارسی‌تصنیف نموده در اول رساله‌ثانی شمارهٔ (۷۶۳ ذیل) چنین گفته است : «بنابرقصورات‌الفباء‌اسلام‌بسیاقیکه در دیباچهٔ کتاب اول‌خود تصریح کرده‌ام‌من الفباء جدیدی‌بروضع خط‌قدیم اختراع ونقطه‌هارا کلاً ساقط واعراب رادرپهلوی حروف صامته مرقوم نمود ، اول این رسم جدید را بواسطه قنسول دولت علیه ایران در تفلیس‌میرزا حسینخان بنظراولیاء دولت‌علیه‌ایران معروض داشتم وبعد یك جلد دیگر از آن رسم‌جدید برداشته درسنهٔ ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم . . . . . »

آخوندزاده درتاریخ‌مزبور که بشهراسلامبول‌سفر کرده است‌پیشنهادی در این باب که‌مورخهٔ ۲۰ صفر ازهمان سال میباشد به فؤاد پاشاصدراعظم دولت‌عثمانی تقدیم‌داشته و این در شمارهٔ ۱٤ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است ، ازقرار معلوم میرزا حسینخان مرحوم که در آن وقت سفیر ایران درپایتخت عثمانی‌بوده استاین اقدامات آخوند زاده را دردربار عثمانی عقیم گذارده و آن‌مرحوم بدون اخذنتیجه بقفقاز برگشته ، مثنوی هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظوم ساخته و در آنجا چنین گفته است :

که ناگاه یك مردك زرد چهر — بجام مرادم بر آمیخت زهر
به پیش وزیران ورا راه بود — مرا دشمن دین و دولت نمود
ازو هیچ شد رنج ده ساله ام — شنید آسمان از زمین ناله ام
بنا چار برگشتم از خاك روم — که ماندن در آنجا مرا بود شوم

از کتاب ثانی آخوند زاده چنان مفهوم میشود که پس ازمراجعت از اسلامبول بواسطهٔ فوت پسرش مدتی پریشان حال گشته ودیگر به پیشرفت الفباء خود اقدامی نکرده‌است تا آنکه در آن اوان نسخه ای از الفباء اختراعی‌میرزا ملکم خان که درپاریس بطبع رسانیده و آنرا به آخوند زاده فرستاده بوده استدو باره اورا بحرکت انداخته ورسالهٔ الفباء اختراعی خود را با دورسالهٔ دیگر که یکی از آنها پیشنهاد اولی و صورت خطابه منیف پاشا و فرمان سلطان عبدالعزیز بوده و دیگری عبارت ازتاریخ مختصر خطوط قدیمه ومحاسن الفباء اختراعی خود او میباشد همه را باخط و امضای شخصی‌درسنهٔ ۱۲۸۵ بوزارت معارف‌ایران‌تقدیم داشته‌است که الحال‌این نسخه هاعیناً درضمن کتب‌موقوفهٔ اعتضادالسلطنه‌مرحوم که بکتابخانهٔ سپهسالار (دانشکدهٔ معقول ومنقول) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است . انتهی .

(کتب مرحوم اعتضادالسلطنه را مرحوم سپهسالار خریداری وخود آنهارا وقف کرده است وخصوصیّات نسخ مذکوره چنانست که ذیلاً مینگاریم).

آغاز: بوزارت علوم اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران خلّدالله ملکه ـ ازمترجم‌السنهٔ شرقیّه درخدمت‌حضرت افخم‌جانشین‌قافقازمیرزا فتحعلی آخوند زاده ـ **معروض**ـ

نامه است بنابرقصورات الف‌باء اسلام‌بسیاقیکه دردیباچهٔ کتاب اوّل خودم‌تصریح کرده‌ام الخ .

(۷۶۲)

رسم‌الخط جدید آخوند زاده

این نسخه که بخط نستعلیق‌درسال۱۲۸۵نگاشته‌شده، ازقرائن بدست میآید که خط خود آخوند زاده است و درآخرامضاء اورا دارد ومشتمل بر کاغذومکتوبی است که آخوند زاده ازتفلیس در خصوص تغییر خطّ بوزارت علوم آن عصرنگاشته ، چند ورق‌کاغذ ننوشته در ابتداء وانتهاء نسخه میباشد وآغاز آن چنانست که در بالای این نسخه نقل گردیده است.

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع‌وزیری‌بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۰).صفحه (٦) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۸).

(۷۶۳)

رسم‌الخط جدید آخوند زاده

این‌نسخه‌مشتمل براشکال حروف‌جدید وترکیبات آن‌میباشد، کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده ولی پیداست که نویسنده همان کاتب نسخهٔسابق میباشد ودرسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعتضادیّه شده وچند ورق‌کاغذ ننوشته دراوّل وآخر دارد ولی این‌نسخه‌دارای مقدّمه اینکه در مقدّمه نسخه فوق بدان اشاره نموده نیست و اگرچه بایستی این این نسخه را مقدّم ذکر نمود چراکه مؤلّف این را کتاب اوّل معرّفی نموده امّا نظر باینکه نسخه فوق مقام مقدّمه این نسخه را دارد مقدّم گردید .

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری‌بزرگ . شمارهٔ‌اوراق (۷) . صفحه (۱۲)سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۹) .

(۷٦٤)

رسم‌الخط جدید آخوندزاده

این نسخه که بخطّ نستعلیق نگاشته شده و کاتب آن نویسندهٔ دو نسخه پیش است مشتمل بر سواد تقریر مطبوع جمعیّت علمیّه عثمانیّه در خصوص الف باء و رسم‌الخطّ آخوندزاده

و سواد فرمان سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و سواد شرحیکه مؤلّف بجمعیّت علمیّه عثمانیّه در جواز شرعی تغییر خطّ اسلام وتاریخچهٔ مختصری از خطوط اسلامی‌است میباشدودر ذیل‌سواد تقریر مذکور سرتیپ‌دوّم علیخان ژنرال قنسول دولت ایران در تفلیس مطابق بودن آنرا با اصل بخطّ خوب خود نگاشته و در آخر نسخه میرزا فتحعلی آخوند زاده امضاء کرده است.

جلد مقوائی. کاغذفرنگی. واقف سپهسالار. قطع‌وزیری‌بزرگ. شمارهٔ اوراق (۱۲). صفحه (۱۲)سطر. طول (۲۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۷).

[۳۱۱] سفینة‌الانشاء یا تذکرة‌الشباب (فارسی)

این کتاب‌پاره ای‌ازانشاآت فروغ اصفهانی‌ره است (میر محمد مهدی بن محمدباقر اصفهانی نائینی) که از شعراء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری بوده (از اوائل سلطنت فتحعلیشاه تاچندسال ازسلطنت‌ناصرالدّین گذشته) ودردربارنویسندگی اشتغال داشته وازاین کتاب معلوم میشود که شاگردی آقامحمّدکاظم واله‌اصفهانی متوفّی بسال ۱۲۲۹ را نموده و از کتاب «صحائف‌العالم» وی معلوم میشود که باصطلاحات حکما آشنائی داشته و پیرو مرحوم شیخ احسائی و مرحوم سیدکاظم رشتی بوده است.

چنانکه دردیباچهٔ کتاب نگاشته شده اسدالله منشی نائینی با اجازهٔ خودفروغ بنظم و ترتیب نگارشات‌ایشان پرداخته وآنرا بفصول‌ذیل تقسیم ونام آنرا «سفینة‌الانشاء» گذارده و در اینجا نام فروغ را میرزا محمّد منشی نائینی نوشته و در آخر اشعار تخلّص وی فروغ ثبت شده ولی در ذیل کاغذی که‌فروغ بمیرزا محمّد تقی فرزند خویش نگاشته (ص۲۵۷ سفینه) اصفهان را وطن خود خوانده بنا براین معلوم گردید که فروغ اصفهانی‌است ومرتّب کتاب چون خود نائینی‌بوده افتخاراً ایشان را بنائین که شاید وطن اصلی فروغ بوده نسبت داده است.

درص ۲۰۶ کتاب‌المآثر والآثار که‌فقط‌تاریخ‌چهل‌سال‌سلطنت‌ناصرالدّین‌شاه از (۱۲۶٤ تا ۱۳۰۵) میباشد ومجمع الفصحاء (ج۲ ص ۳۹٦) ذیل‌شعرای معاصر

متخلّص بفروغ را فقط میر محمّد مهدی اصفهانی دانسته و گویند با منصب استیفا بتألیف رسائل و نظم اشعار روزگار میگذرایند ودرمجمع‌الفصحا کتاب «صحائف‌العالم»(۱) را با داشتن در حدود دویست هزار بیت کتابت و«تذکرة‌الشّباب» را با اشتمال آن برنامهای تازی و پارسی و قصائد عربی و عجمی و محتوی بودن بر حالات او بوی نسبت داده و بعقیدهٔ نگارنده «سفینة‌الانشاء» مرتّب شدهٔ همین تذکرة‌الشّباب میباشد و جملهٔ ذیل این اعتقاد را تأیید و اثبات مینماید (درص۲۰) درذیل تاریخ فتحعلیشاه گوید: (اگرچه استیفاء تمام انواع نیز ممکن‌نیست بذکر بعضی این‌تذکره را مطرّز میدارد الخ.) وکتاب دیگری‌را نگارنده ازاین فروغ بنام «فروغستان» درعلم سیاق با مقدّمات خوبی درمطالب‌متنوّعه باشرح وبسطی نیکو سراغ دارد که نسخه‌ای از آن درکتابخانهٔ معارف ونسخهٔ دیگر در کتابخانهٔ این‌مدرسه موجود ولی دو نسخه اندك تفاوتی دارند باین معنی که نسخهٔ مدرسه پس از نسخهٔ اوّلی نوشته شده و درتقسیمات و مطالب آن تجدید نظر گردیده و تاریخ تألیف‌آن سال ۱۲۵۸ و بنام محمّدشاه قاجار میباشد ونسخهٔ کتابخانه معارف بسال ۱۲۵۹ نوشته شده و مؤلّف در آنجا خود را محمّد مهدی بن محمّد باقر اصفهانی متخلّص بفروغ معرّفی کرده است.

اسدالله مذکور نام‌فروغ‌را چنانکه گذشت درابتداء کتاب میرزا محمّدنوشته و پشت صفحهٔ اوّل بسال ۱۲۹۷ بنام کتاب انشاء میرزا مهدی منشی وقف شده واین دو اختصار درذکراسم موجب‌شبهه در نام‌اصلی فروغ نخواهد بود و امثال این اختصار از نویسندگان بسیار و معلوم است که اگر در یك عصر دو شاعر

---

(۱) یك‌دفتر ازدودفتر (باستثناء یك‌قسمت از آخر آن) صحیفهٔ پنجم از کتاب‌صحائف‌العالم‌فروغ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تحت شمارهٔ ۲۰۹ کتب خطی موجود است و از مطالعهٔ این کتاب اطلاعات تاریخی ودینی و فلسفی مؤلف بدست میآید واز فحوی کلام معلوم میشود که از پیروان مرحوم شیخ احسائی ره‌بوده و ازمرحوم سید کاظم رشتی‌مکرراً نقلهائی نموده‌است و نسبت بصوفیه تاخت آورده و در ذیل شرح حال بزرگان آن طریقه چون مولوی و شیخ عراقی و کرمانی مخالفت آنها را با ظواهر شرع یاد آور شده و در ابتداء کتاب ادیان وملل غیر از اسلام و شعب مسلمانان را یاد آور گردیده و پس از فراغ ازبیان فرق اسلام دو مناظره را که یکی‌مناظره فضال‌با ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت‌ودیگری مناظره شیخ‌حسین‌بن عبد الصمد عاملی پدر حضرت شیخ بهائی را که‌باعلماء حلب میباشد وبسال ۹۵۱ اتفاق افتاده نقل نموده است.

فروغ تخلّص و هر دو اصفهانی و مستوفی دربار سلطنتی وجود داشت مورّخی چون صاحب‌المآثر والآثار که مخصوصاً بنایش بر معرّفی از این گونه افراد میباشد و حتّی دربانان و چراغچیان آندوره را نام برده و تذکره نویسی چون صاحب مجمع‌الفصحاء که هر دو نیز درباری ومعاصر بوده‌اند بذکر او وبیان آثارش میپرداختند و بسیار دور است که منشی توانائی چون فروغ را با وجود شاعری و نویسندگی این دو نویسنده معاصر وی نام نبرند ، بنا براین میرزا محمدمهدی فروغ را که نام برده‌اند صاحب و منشی منشآت سفینةالانشا است .

تذکّری را که باید داد این است که در مجمع‌الفصحاء تولّد فروغ را بسال ۱۲۲۳ نوشته در صورتیکه در این کتاب (سفینةالانشاء) انشاآتی بسال ۱۲۱٤ و ۱۲۱٦ و ۱۲۱۹ درص ۳٤-۳۷ ، ۲٤٤ - ۲٤٦ و ۲۵۵ موجود و گذشته از آنها فروغ سال ولادت خودرا دراین بیت معین نموده :

شمار عمر ز هفتاد و شش گذشت و مرا ☆ نظر هنوز بخوبان چهارده ساله است

و پس از یکی دو بیت نیز گوید:

بماتمند خلایق ز نالهای فروغ ☆ مگر بماتم فتحعلی شهش ناله است

و چون میدانیم که این پادشاه بسال ۱۲۵۰ وفات یافته بدست میآید که تولّد فروغ بسال ۱۱۷۳ بوده‌است ودو مؤلّف مذکور فوق سال وفات وی را ضبط نکرده‌اند ولی در مجمع‌الفصحا این بیت که میرساند تا سال ۱۲٦۷ فروغ زنده بوده ثبت است :

بنگاشت فروغ بهر تاریخ ☆ این کاخ لقا بشاه میمون.= ۱۲٦۷ .

وتاریخ تحریر نسخهٔ سفینةالانشاء سال ۱۲٦۹ میباشد وبقرینه اینکه کاتب در ابتداء کتاب پس از نام منشی آن (فروغ) مد ظلّه‌العالی نگاشته و پس از ختم کتابت چون خواسته که عناوین را با سرخی چنانکه معمول کتّاب میباشد بنگارد پیش از بسمله چنین نگاشته : (کتاب منشآت مرحوم جنّت مکین آقا میرزا محمّد منشی نائینی .) وپس ازاین همه جا درعناوین مطالب براو ترحیم گفته و در کتاب گنج شایگان که در تذکره شعرائی است که میرزا آقا خان صدر اعظم نوری را مدح گفته اند و بسال ۱۲۷۳ تألیف گردیده نام این شاعر و شرح حال او با دو

قصیدهٔ فارسی و عربی در مدح صدر اعظم مذکور و تهنیت عید اضحی ذکر شده و قطعه ای هم دربنای عمارت نظامیّه درشهر طهران بسال ۱۲۷۲ که اینک مهمانخانه ای بنام «لقانطه» در آن دائر است ازوی ثبت گردیده و مادّه تاریخ آن این است :

تاریخ ز انجام گرفتیم خرد گفت ☆ از قصر نظامیّه شکست اوج جنانی = ۱۲۷۲ .

و در آنکتابست :

«از آنجا که آنجناب (مراد میرزا آقاخان است) مراتب فضل وی نیکو میدانست بحضرت خویش بخواست و پایهٔ جاهش باندازهٔ که شایست برافزود و برجوع خدمتی بزرگ ومهمی خطیر از دیوان مامور و سپردهٔ جناب جلالت نصاب اجل امجد نظام‌الملك (پسر میرزا آقاخان صدراعظم است) آمد و هم اکنون در آن درگاه درپناه نعمت و راحت وآسوده فراغت واستراحت است .»

سفینةالانشاء یکی از کتب ادبی و تاریخی است وبعقیدهٔ نگارنده ازنسخهای نفیس این کتابخانه میباشد و بسیاری از اطلاعات تاریخی را متضمّن و قدیمترین انشاء با تاریخ فروغ در این کتاب انشائی است که بسال ۱۲۱٤ نگاشته (ص ۳٤ - ۳۷ سفینه) و آخرین انشاء باتاریخ وی مقدّمه ایست که بر وصیّت نامه (ص۱۵٤- ۱۵٦ سفینه) میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه بسال ۱۲٦۰ نگاشته‌است و فهرست مطالب و فصول کتاب چنانکه مرتّب درمقدمه گفته اند این است :

فصل اول : پاره‌ای از وقایع بطرز تاریخ مرقوم داشته‌اند در این فصل شرح مبسوطی از تاریخ فتحعلیشاه و قسمتی از اشعار او و تاریخچهٔ ایل قاجار و کیفیت سلطنت آنها تا مردن این پادشاه ووقائع مهمه وعهد نامها و بعضی از منشآت که درآن اوان انشاء کرده است ثبت‌شده .

فصل دوم : نامه ها و مراسلاتی‌است که از جانب سلاطین واولیای دولت ابدمدت قاهره ایران بدول خارجه نگارش یافته .

فصل سوم : قبالجات و دیباچه و شروحی چند که در عنوان و ظهر پاره ای کتب و غیره مرقوم شده .

فصل چهارم : رسائل وفرامین سلاطین دولت علیه (دراین فصل فرمان ولیعهدی محمدشاه و ناصرالدین شاه که هرد و از منشات فروغ میباشد ثبت گردیده و جوابهائی که فتحعلیشاه بعلماء اعلام معاصر خویش بقلم فروغ نوشته نیز در این فصل است و از آنها جوابی است که به جناب شیخ احسائی ره بعربی نوشته است (ص ۱٤٦ و ۱٤۷ سفینه)(از اینکه تاریخ بعضی

از فرامین که با نشاء فروغ نگارش یافته سال ۱۲۲۵ میباشد و از انشائیکه در فصل اول بود دانستیم که در سال ۱۲۲٤ در اصفهان بوده واز طرف مرحوم واله مراسله‌ای نگاشته معلوم میشود ابتداء ورود وی بانشاء دردستگاه سلطنتی سال ۱۲۲۵ بوده است).

فصل پنجم: مراسلات و عریضجات (دراین فصل آنچه از طرف خود و دیگران نگاشته مندرج است).

فصل ششم، اشعاری چند برسبیل نمودار (در این فصل اشعار تاریخی و ترجیع بند موشح باسم‌فتحعلیشاه وغزلیاتی که نیز درمدح وتعریف‌این‌پادشاه گفته‌واشعار متفرقهٔ دیگری‌است).

از آثارشعری فروغ در دورهٔ محمّد شاه وناصرالدّین‌شاه چیزی دراین کتاب نیست ولی در مجمع الفصحاء و گنج شایگان مختصری موجود است.

این کتاب درحدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد(۱).

آغاز: بسمله منشیان فصیح‌اللّسان را فروغ انجمن مربّیان ستایش فرماندهی است الخ.

انجام: عروس ملك بامّید رجعتش تاحشر

نشسته چشم براه خطیب و دلاله است(۲)

اللهمّ‌اغفرلی‌ولوالدیّ ولاخوانی‌المؤمنین والمؤمنات درروزپنجشنبه‌دوازدهم شهر ذی‌قعدةالحرام هزار و دویست و شصت و نه ۱۲٦۹ مسئلت مینماید(۳) بنده ذلیل اسدالله نائینی.

(۷٦۵)

سفینة‌الانشاء این‌نسخه را بخطّ شکسته نستعلیق خیلی خوب جامع‌ومرتّب آن اسد الله نائینی در سال ۱۲٦۹ نگاشته و عناوین مطالب بشنجرف نوشته شده وبا تفحّص ممکن نسخهٔ دیگری از آنرا نیافتم.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهرهزده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱۲۹). صفحهٔ (۱۷) سطر. طول (۳۵½سانتیمتر). عرض(۲۱½سانتیمتر)، شمارهٔ کتابخانه(۲۷٦۹).

(۱) مطالب راجعه‌بفروغ ازالماثر والاثار ص (۲۰٦) ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص (۳۹٦) و گنج شایگان ص (۳۵۲ - ۳۵۸) و خود سفینةالانشاء استفاده شده است.
(۲) این آخرین شعر غزلیست که دو بیت آن نیز در ص (۳۰) نقل گردیده است.
(۳) عین عبارت آخر نسخه‌است.

[۳۱۲] شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

این شرح ازملاّ ابوالحسن‌عاملی‌رحمةالله علیه است (ابوالحسن‌بن‌محمّدطاهربن عبدالحمیدبن موسی‌بن علی‌بن معتوق‌بن عبدالحمید عاملی اصفهانی نجفی) که ازعلماءو فقهاء امامیّه در قرن دوازدهم هجری بوده‌و جدّ مادری صاحب‌جواهر میباشند ومادر ایشان‌خواهرامیر محمّد صالح حسینی‌خاتون‌آبادی‌بوده‌وبدین سبب در اجازات و آخر مؤلّفات خود را شریف معرّفی نموده اند و از مؤلّفات این عالم‌جلیل‌یکی **فوائدغرویه** است که‌مشتمل بر دو مقصد و هریك دارای دوازده فائده از مسائل اصول دین واصول فقه میباشد و قسمت دوّم آنراکه بخط‌مؤلّف بوده صاحب‌روضات داشته وتاریخ‌تألیف آن قبل از ظهر روز ۱۷جمادی‌الثّانیه سال (۱۱۳۱) (۱) ضبط شده است بنابراین معلوم میشود که‌تااین سال شارح در قید حیات بوده و دیگری کتاب «**مشکوة‌الانوار**» در تفسیر قرآن کریم میباشد که پس از مجلّد اوّل آن که در مقدّمات تفسیر وعلوم متعلّقه بقرآن میباشد جز اندکی از آن تألیف نگردیده و بنای مؤلّف بر آن بوده که قرآن را بنحوی که در اخبار امامیّه وارد شده تفسیر نماید و دیگری **رساله دررضاع** میباشد که صاحب حدائق‌بگفته‌خود ردّی بر آن نگاشته وشرحی بر کفایه‌سبزواری نگاشته و این شرح از ابتداء کتاب متاجر تألیف گردیده چنانکه در ذیل شرح کتاب کفایه‌در ص (۵۰۵) ج ۱ گذشت وشرحی برمفاتیح فیض‌بنام «شریعةالشّیعه و دلائل الشریعه» نگاشته اند و بگفته صاحب لؤلؤتی البحرین که‌قسمتی‌از آنرا دیده بوده تاریخ تألیف آن سال ۱۱۲۹ میباشد و دیگری این شرح است (شرح عهدنامه مالك اشتر) که بنا بتصریح مؤلّف در ص (۹) نسخهٔ ذیل نام‌آن «نصایح‌الملوك و آداب‌السّلوك» گذارده شده و آنرا بنـام شاه سلطـان حسین صفوی تألیف نموده و چنانکه از تاریخ کتابت نسخهٔ ذیل نیز معلوم میشودبسال

(۱) تاریخ تالیف راصاحب روضات درحاشیهٔ ص ۱۱۹ ج ٤ از آخر نسخه چنین نقل نموده: فی‌الثلث‌الثانی من‌الیوم‌الثانی من‌النصف‌الثانی من‌الثلث‌الثانی من‌الشهر‌الثانی من‌الثلث‌الثانی من‌السنة‌الثانیه من بعدالثلثةالثانیة من‌العشر‌الثانی‌من‌الالف‌الثانی من‌الهجره.

۱۱۱۸ یا پیش از آن تألیف گردیده و هیچیك ازصاحب روضات(ج ٤ص ۱۱۹) و صاحب لؤلؤ (ص۷۳) که بشرح حال ومؤلّفات ایشان پرداخته و مطالب فوق بامراجعه بآنها نگاشته شده از این شرح نام نبرده‌اند و مؤلّف این شرح را در مقدّمه‌ای و پنج باب مرتّب نموده وهریك از مقدّمه و ابواب را در ذیل نصائحی بانجام رسانده و فقط بترجمهٔ فارسی عهد نامه آن هم قسمت قسمت اکتفا نموده وبرای‌ایضاح مطالب گاهی حکایاتی‌آورده است ودرحدود (۳۲۵۰) بیت کتابت این شرح میباشد.

آغاز : بسمله حمد بیحد وثنای بیعدد قادریرا رواست الخ.

انجام : واگرنفعی از آن برنداین مجرم عاصی‌را بدعائی یادآورندا نّه‌القریب المجیب والحمدلله رب‌العالمین والصّلوة والسّلام‌علی‌خیر خلقه‌محمّد وآله‌الاقدمین اجمعین وسلّم تسلیماً کثیراً کثیراً فی ۱۱۱۸.

(۷٦٦)

شرح عهدنامه مالك اشتر

این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۱۱۸ نگاشته شده پشت صفحهٔ اوّل و بر خود آن یادداشت‌هائی بوده آنهارا محو کرده اند، ورق اوّل و آخر وصالی گردیده، پاره ای از کلمات سیاه و چرك شده و صفحات مجدول بطلا میباشد.

جلدتیماج. کاغذسمرقندی. واقف‌سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۰۰) صفحهٔ (۱۱) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر) عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٤٦).

[۳۱۳] شرح غرر الحکم و درر الکلم (فارسی)

این شرح را بفارسی آقا جمال خونساری ره متوفی بسال ۱۱۲۵ که از علماء نامی امامیّه بوده ودر ص ۱۸ و ۳۹۱ و ۵٦٤ ج۱ این‌فهرست بشرح حال مختصری ازایشان‌وپاره‌ای‌ازمؤلّفاتشان‌پرداخته شد بر کتاب «غررالحکم ودررالکلم» آمدی که در همین فصل از آن نام خواهیم برد و معرّفی کامل از آن خواهیم کرد نگاشته اند.

بعضی این کتاب راترجمه معرّفی نموده و مؤلّف خود نیز در خاتمه قسمت

دیگر این کتاب که ذیلاً از آن نام میبریم آنرا ترجمه نامیده ولی درمقدّمه مجلّد اوّل گفته است:

«ودر عبارات غامضه و فقرات مشکله آن که محتاج باشند بکشف و بیان اکتفا بترجمه ننموده وبروجهی که باید تقریر و تفسیر مراد و ایضاح و افصاح مقصود نماید، لاجرم با وجود عدم استطاعت و قصور بضاعت بحکم‌المأمور معذور بشرح کتاب مزبور بر نهجی‌که منظور خاطر ملکوت ناظر والا و مطمح‌نظر اندیشه جهان پیما بودپرداخت».

وگذشته ازاین چون بخود کتاب مراجعه می کنیم معلوم میشود که مؤلّف پس از نقل عبارات وکلمات و بپارسی ترجمه کردن کلمات بشرح وبسط وتحقیق‌درآنها پرداخته واز کتب خوب فارسی است.

صاحب روضات در ص ۱۵۵ ج۱ نگاشته‌اند که این شرح دردو مجلّد است ولی در آنجا وجای دیگر نیافته‌ام که آیا شارح موفق باتمام این شرح شده اند یانه فقط دونسخه از این شرح را نگارنده دیده یکی نسخه ذیل است که متعلّق باین کتابخانه است‌ودیگری‌متعلّق بآقای تربیت (محمدعلی) میباشد که ازابتداء شرح حرف‌البآء تا آخر حرف‌الکاف میباشد و درخاتمه آن‌چنین نگاشته شده:

وسیلهٔ رستکاری ودست آویز رحمت کردگاری‌نصیب‌شده باتمام این اجزا که مجلدثالث (۱) ترجمه کتاب مسطور است کام تمنا یافته چون بنا بر عزم سفر حج بیت‌الله حرام از سعادت ادراك‌ما بقی که‌وجههٔ همت است‌بازماندرجاء واثق وامل صادق است که بعون‌الله وحسن تأییده ادراك هریك از مقصدین میسر و محصل گردد کتب ذلك حامداً لله رب‌العالمین ومصلیاً علی خاتم‌النبیین‌وآله‌الطیبین‌الطاهرین فی‌اواخر شهرشعبان‌المعظم‌من شهورسنة ۱۱۱۳ من‌الهجرة النبویه علی هاجرها اکمل‌الصلوة واشرف‌التحیة. انتهی.

و بقرائن مذکوره فوق‌احتمال میدهم که شارح موفّق باتمام این شرح نفیس نگردیده وکلیّه این دو مجلّد موجود در حدود (۵۵۰۰۰) (۲) بیت کتابت دارد و ظاهراً کاتب نسخه آقای تربیت همین نویسندهٔ نسخه مدرسه است.

(۱) درنسخه مذکور فوق مجلد ثالث نوشته شده‌ولی ظاهراً کاتب سهو کرده و صحیح آن مجلد ثانی باشد چرا که باتفحص بسیار در خود کتاب ابتداء مجلد دوم را نیافتم و صاحب روضات‌هم دومجلد بودن آن را تصریح کرده‌اند.

(۲) شمارهٔ ابیات مجلد اول تقریباً (٤۲۸۰۰) و مجلد دوم (۱۲۲۰۰) میباشد.

آغاز: بسمله غرر و درر الفاظ و معانی و سلسله آرای شاهد زیبای حمد وسپاس الخ .

(۷٦۷)

شرح غررالحکم و دررالکلم

این نسخه مجلّد اوّل و مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا آخر حرف الف میباشد بقرینه اینکه در حاشیه پاره ای از صفحات آن حاشیه هائی از مؤلّف بخط کاتب نسخه نگاشته شده و در ذیل آنها کلمه « منه سلّمه‌الله تعالی » یا « منه مدّ ظلّه‌العالی » تحریر یافته مسلّماً در زمان حیات مؤلّف یعنی پیش از سال ۱۱۲۵ نوشته شده ، ولی کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، عبارات غررالحکم (اصل کتاب) بخط نسخ و شرح آن بخط نستعلیق است ، محمّدحسین‌بن‌نورالدّین موسوی حسینی جزائری درلکنو از شهرهای هند بسال ۱۱٤۸ شرحی مبنی براینکه این نسخه قسمتی از ترجمهٔ غررالحکم آمدی و تألیف آقا جمال است پشت‌ورقیکه پیش از ورق اوّل کتاب است مرقوم داشته و نیز برورقیکه‌در آخر نسخه است شرحی مبنی بر تشرّف بزیارت این کتاب بدون امضاء بسال ۱۲۸۹ نوشته شده و شبیه بخط مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله است و نیز در پشت نسخه یادداشتی مورّخ بسال ۱۲۷۳ بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب وبامضاء نصرالله موجود است .

جلدتیماجی . کاغذسمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع‌رحلی کوچك . شمارهٔاوراق(۳٤۱).صفحه (۲۱ و ۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۳۰۷) .

[۳۱٤] شرح مقامات حریری ـ شریشی (عربی)

این شرح‌مقامات ازشریشی‌ره است (ابوالعبّاس احمدبن عبدالمؤمن‌بن‌موسی‌بن عیسی بن عبدالمؤمن قیسی شریشی نحوی ۵٤۷ ـ ٦۱۹) (۱) که ازمشاهیر علماء

(۱) معجم‌المطبوعات تولد این مؤلف را در سال ٤۵۷ و وفات را سال ٦۱۹ ضبط نموده بنابر این عمر مولف ۱٦۲ سال خواهد بود ولی ظاهراً عدد چهار وپنج مقدم ومؤخر شده و سال تولد شارح ۵٤۷ بوده که بنا بر این عمر ایشان ۷۲ سال خواهد بود واین نزدیك تر بواقع است لذا بدینگونه آنرا ثبت نمودیم .

[به ذیل صفحهٔ بعد رجوع شود]

ادب است و به شارح مقامات نیز در میان فضلاء معروف میباشد ، در نحو ولغت و ادب و عروض و انشآء دستی قوی داشته و مردی بلیغ و ثقه بوده از جمعی دانشمندان روایت نموده و بسیاری نیز از او روایت کرده اند ومؤلّفات او عبارتست از سه شرح بر مقامات بزرگ و متوسط و کوچك که نسخهٔ ذیل یکی از آنهاوهمانست که چندباردرمصرچاپ‌شده وشرح **الایضاح** وشرح‌عروض‌الشّعر و **علل‌القوافی** و شرح‌الجمل و **مختصر نوادرالقالی** و قصائد مشهورهٔ عرب **والتعلیقات‌الوفیه** که شرح **الدره‌الالفیه** ابن معط میباشد ودرآن تمام الفیّه مذکور را نقل نموده وغیر ازاینها .

و در شریش (۱) در ماه ذیحجه ٦۱۹ وفات نمود نمود این شرح چند بار در دو مجلّد طبع گردیده است (۲) چنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود شرح اوّل شریشی است و در حدود (٤۲٦۰۰) بیت کتابت دارد و مشتمل بر حکایات و اشعار خوب فصحاء عرب و بیان معانی لغات مشکله و کلمات مستعمله در مقامات است و مطلبی را که محتاج بشرح و بسط بوده از آن نگذشته و چنانکه خود اشاره نموده از شروح دیگر استفاده‌ها نموده وچون چاپ شده محتاج بتعریف بیش از این نیست .

صاحب کشف‌الظنون گوید مختصر شرح مقامات شریشی ازشیخ شهاب‌الدّین احمدبن محمّد حجازی متوفی سنهٔ ۸۷۵ است و میتوان گفت که این مختصرشرح بر شرح شریشی‌است (ج ۲ ص ٤۹۸) .

[بقیه از ذیل صفحه قبل]

ونیز شارح را احمدبن عبدالمؤمن‌بن عیسی‌بن موسی‌بن عبدالمؤمن ضبط نموده در صورتی که درنسخ بغیة‌الوعاة وروضات‌الجنات که نقل ازبغیه نموده موسی‌بن عیسی ثبت شده ولی‌درنسخه ذیل عیسی مقدم بر موسی ثبت گردیده است ـ معجم‌المطبوعات ص ۱۱۲۱ ، بغیة الوعاة در حرف‌الف روضات ص ۸٤ ، کشف‌الظنون ج۲ ص ٤۹۸ .

(۱) شریش که اول و آخرش شین معجمه است بفتح اول و کسر راء مهمله و یاء مثناة تحتانیه‌شهر بزرگی است از کوره‌شذونه ومرکز آنست واینك آنرا شرش گویند ، شذونه بفتح اول و پس از واو ساکنه آن نون شهری است در آندلس که متصل میشود اطراف آن بحدود موزور از توابع آندلس ، معجم‌البلدان ج۳ ص ۲٦۷و۲۸۵ .

(۲) مطالب فوق فقطاز بغیة‌الوعاة ومعجم‌المطبوعات ترجمه گردید .

و صاحب کشف‌الظنون گوید که شرح متوسط این شارح بر مقامات مزجی و مشتمل برشرح لغات غریبه آنست و آنرا برحسب درخواست اهالی سجلماسه با عباراتی سهل نگاشته ، و آغاز آن این است : بسمله الحمدلله‌الذی علّمنا ما لم نکن نعلم الخ . واز شرح سوّم نام ونشانی ذکر نکرده معلوم میشود که از نظرش نگذشته بوده .

آغاز : بسمله (۱) الحمدلله‌الذی اختص هذه‌الامه بافصح‌الالسنه الخ .

انجام: اذا فکّرتُ في نَدَمی علیها * عَضِضْتُ اناملی وقَرَعْتُ سِنّی

و هذا آخر شعر قاله ابوالعتاهیه و آخر شعر ختمت به‌الشّرح راجیاًمن‌ربی صفحه‌وعفوه والحمدلله‌اوّلاً وآخراً کما یجب‌بجلاله‌غفرانك اللهم‌تبارکت‌و تعالیت والحمدلله رب‌العالمین وصلّی‌الله علی سیّدنا محمّد و آله و صحبه و سلم.

(۷۶۸)

شرح مقامات حریری شریشی

این نسخه که مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت صفحهٔ اوّل شرحی نظماً و نثراً بخط شکسته نستعلیق خوبی مبنی برتعریف وتوصیف کتاب تحریراگردیده ، کاتب‌خودرا یکی ازعمّال دیوان و مستخدمین دولت معرّفی کرده و در آخر شرح مهری بنام « موسی » زده شده و از تاریخ آن مهر معلوم میشود که از رجال قرن سیزدهم هجری بوده ، نسخه در سال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده وپشت ورق اوّل یادداشت گردیده‌است.

جلد تیماجی . کاغذفرنگی‌مهره زده . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۶) . صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۵) .

(۱) در نسخهٔ ذیل‌پس‌از بسمله نگاشته‌شده : قال‌الشیخ الاستادالّلغوی‌النحوی‌ابوالعباس‌احمدبن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی‌بن عبدالمؤمن‌القیسی‌الشریشی رحمة‌الله‌علیه و رضوانه الحمدلله الذی اختص الخ . و نسخه چاپ شده ابتداء آن عینا ابتداء این نسخه است .

[۳۱۵] شرح مقامات حریری ـ مطرزی (عربی) (الایضاح)

این شرح مقامات از مطرّزی ره است (۱) (ابوالفتح ناصربن ابی‌المکارم عبدالسّیدبن علی مطرّزی ۵۳۶/۵۳۸ - ۶۱۰) که یکی ازفقهاء حنفی مذهب بوده و از ادباء نامی و نحویّین معروف و لغویّین مشهور می باشد و دراصول معتزلی است در خوارزم متولّد ودر همانجا بدرود زندگی گفته و اورا خلیفه زمخشری خوانند چرا که وفات او درسال ولادت این مؤلّف یعنی بسال ۵۳۸ بودو وابن خلّکان گوید که مطرّزی بضمّ میم و فتح طاء مهمله و راء مشدّده مکسوره‌و راء و یاء منسوب به کسی است که لباس را طرح زند وآنرا نقّاشی کند و نمیدانم آیا خود او بدین‌کار مشغول بوده یا یکی از اجدادش مطرّز بوده‌اند وخدا دانااست .ولی سیوطی در بغیه گوید علی پسر مطرّز علم است نه وصف و پاره‌ای مؤلفات او عبارت است از **الاقناع** لماحوی تحت‌القناع در لغة ،**المعرب** (لغة فقهی)، **المغرب** فی ترتیب‌المعرب **ومختصر اصلاح‌المنطق** (اصلاح‌المنطق تألیف‌ابن سکّیت‌است)**ومصباح**(۲)درنحو**و شرح‌مقامات‌حریری** که‌آنراالایضاح(۳)نام‌نهاده

شارح پیش از آنکه شروع بشرح کلمات و عبارات مقامات نماید مقدّمه ای در مطالب معانی وبیان و بدیع ذکر وبرای هریك از مطالب مثالهائی از کلمات فصحاء و بلغاء سابق آورده و مخصوصاً مقیّد شده که از عبارات حریری

(۱) ابن خلکان چاپ طهران‌ج۲ ص (۲۸۰) ، روضات‌الجنات ج۴ ص ۲۲۳ ، الفوائدالبهیه ص ۲۱۸ ، بغیة‌الوعات ص (۴۰۲) ، معجم‌المطبوعات ص ۱۷۶۰ ، کشف‌الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۳۲ ج ۲ ص ۴۴۸ و ۴۷۱ و ۴۹۷ ، کنیه ولقب شارح در نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه مخالف آنچه موافق بامؤلفین سابق ثبت گردیده نگاشته شده ودرذیل اولین‌نسخه آنرا نقل کرده‌ایم وصاحب کشف‌الظنون دردوجای مجلد اول اسم مؤلف را ناصرالدین و در سه جای ازمجلد دوم مؤلف را ناصربن عبدالسید ضبط نموده است .

(۲) فقط در بغیه نام این کتاب «مختصرالمصباح» ثبت شده است .

(۳) کشف‌الظنون در ج۲ ص ۴۹۷در ذیل‌شروح مقامات‌حریری نام این‌شرح را«الافصاح» نقل نموده و مسلماً غلط و تصحیف الایضاح است ودرحرف الف بعده الفا و الف بعده الیاء از آن کتاب مراجعه گردید این نام را در آنجا نیاورده بود درنسخه چاپ شده نام شرح ثبت نگردیده است ودرتاریخ آداب‌اللغه‌العربیه ج ۳ ص ۴۸ نیز نام‌این‌شرح**الایضاح**است.

در مقامات حتماً استشهاد نماید پس ازاتمام این مقصود چند سطری درمعنی مقامه نگاشته آنگاه شروع درشرح خطبه کتاب نموده واز آن پس بشرح مقامات پرداخته (مقدّمات کتاب که آنرا رسالهٔ خوبی در فصاحت وبلاغت توان دانست ودر حدود (۱۰۰۰) بیت میباشد) وچون داخل در شرح مقامات شده کلمات مشکله راشرح کرده و امثال و حکایاتی را که حریری بدانها تمثّل جسته ویا بنقل آنها پرداخته تشریح نموده و برای توضیح کامل بعبارات صاحب صحاح و دیگر دانشمندان متوسل شده وبسیاری ازاشعار و کلمات بزرگان عرب را برای تأیید نظریه خویش آورده است و کلیّهٔ این شرح درحدود (۸۸۰۰) بیت میباشد

سال تألیف را شارح در آخر کتاب سنهٔ (٥٦٣) معین نموده ، درمعجم المطبوعات چاپ شدن آن تذ کّر داده نشده ولی بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله المحمود علی جمیع الآلاء المشکور بحسن البلاء الخ .

انجام : فاحمدالله علی الائه المتظاهره و اصلّی علی محمّدوعترته الطاهره و اسلم تسلیما کثیراً.

(٧٦٩)

شرح مقامات حریری مطرزی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده و بذکر آخرین عبارت مصنّف قناعت نموده ولی در حاشیهٔ آخرین صفحه نوشته شده : (بلغت المقابله بخط المصنّف) و از حرف آخر کلمه مصنّف اند کی محوشده واز طرز کتابت وکاغذ نیز بدست می آید که درقرن هفتم نگارش یافته و پشت صفحهٔ آخرو براوراقیکه در آخر کتاب است یادداشتها ومهرهای قدیمی واشعاری عربی بخط نسخ و نستعلیق تحریر یافته ویکی از یادداشتها را محو کرده اند و هیچیک جز یادداشت اعتضادالسلطنه تاریخ نداشته وبیشتر از خطوط قرن هفتم هجری است . و سجع مهر مدوری که بردوّمین ورق کتاب زده شده اینست .(حبیب‌الله محمود است از جان ✡ غلام شیخ ابراهیم سلطان) پشت صفحهٔ اوّل کاتب نسخه چنین نوشته: (کتاب الایضاح فی شرح المقامات الحریریه تصنیف الشیخ الامام العالم الاجل برهان الدّین

ابی المظفّر ناصر بن المطرّزی رحمةالله تعالی علیه .)و در آخر کتاب در آنجا که شارح میخواهد کلام خود را خاتمه دهد و میگوید قلت ، دراین نسخه کاتب نوشته : قال الامام الاجل برهان الدّین ابوالمظفر ناصر بن المطرّزی رحمه‌الله قلت . واز اینجا معلوم میشود که یکی از پدران شارح به مطرّزی مشهور بوده و در نسخه مطرّزی بضم اوّل وفتح ثانی و کسر ثالث با تشدید وزای معجمه با یاء نسبت مشدّد تشکیل شده است و در نسخه دیگر پس ازبسمله اینست : یقول عبدالله المفتقر الیه ناصر بن ابی المکارم المطرّزی تجاوزالله عنه، الحمدلله المحمود الخ.ونیز یادداشتی است که بخطّ شکسته نستعلیق نگاشته شده و امضاء آن غیاث الدین بن محمّد حسنی حسینی است و سجع مهر آن یاغیاث المستغیثین است وسال ۱۰۰۷ بر آن نقش شده و مسلّماً غیاث الدّین منصور دشتکی شیرازی نیست چراکه بنص روضات (ج٤ ص۱۲۹) وی بسال ٩٤٨ وفات یافته وسجع مهر او« ناصرالشریعه منصور» بوده بنا براین صاحب این یادداشت و مهر دیگری است .

جلدچرمی کهنه . کاغذختائی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱٦٩) .صفحه (۲۱) سطر ، طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٥٤) .

(٧٧٠)

شرح مقامات حریری مطرزی

این نسخه در سال ۱۱۰۰ بخط نسخ احمد بن علی حسینی نگارش یافته ، حاشیه دو ورق از اواسط کتاب پاره شده یکی را وصّالی کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۰۹) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲٥۳) .

[۳۱٦] شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید (عربی)

مؤلّف این شرح ابن ابی الحدیدره است (عزّالدّین عبدالحمید بن هبةالله (۱) بن

(۱) نام پدر شارح در معجم المطبوعات ص ۲۹ و کشف الظنون ص ۳۹۳ و ٦۲۲ ج ۲ و فوات الوفیات ص (۲۱۷ ج ۱) هبةالله ضبط گردیده ولی درروضات بنقل ازعبدالرزاق غوطی بهاءالدین ثبت شده و درایمنجا نیز پس از محمد دوم جد مؤلف حسین بن ابی الحدید نقل شده در صورتیکه در کتب فوق نام حسین نیست ودر تجارب السلف (ص ۳٥۸ و ۹٥۹) شارح فقط بنام عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید ذکر گردیده ومطالب مرقومه از آن کتب گرفته شده است .

محمّد بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی ٥٨٦ - ٦٥٥) که از معاریف ادباو متکلمین قرن هفتم هجری و معاصر با آخرین خلیفهٔ عبّاسی بوده و هنگام تصرّف مغول شهر بغداد را گرفتار آمده و بجوانمردی ابن علقمی وزیر و شفاعت خواجه نصیرالدّین او و برادرش موفق الدّین از کشته شدن نجات یافتند (ذیلاً شرح قضیّه‌ذکرمیگردد). صاحب روضات (ص ٤٢٢ تا ٤٢٤) بشرح حالات ومعرّفی ایشان مفصّلاً پرداخته ومؤلفات‌ذیل را بنقل ازنوشته های شیخ‌ابوالفضل‌عبدالرزاق الغوطی مورخ بایشان نسبت داده : از مؤلفات ابن ابی‌الحدید یکی کتاب **العبقری الحسان** میباشد که در آن قسمتی از کلام و تاریخ و اشعار و پاره‌ای از از انشاآت و مراسلات خودرا جای داده و دیگری کتاب **الاعتبار** واین کتاب در سه مجلّدونظرمؤلف‌درآن بر کتاب **الذریعه فی اصول الشریعه** سیدمرتضی‌ره میباشد و دیگری کتاب **الفلك الدائر علی المثل السائر** (این کتاب چنانکه در ص ۳۰ معجم‌المطبوعات‌چاپ‌شده‌است‌و کتاب **المثل السائر** تألیف‌ضیاءالدّین‌بن‌الاثیر جزری‌متوفی‌سنه ٦٣٧میباشد ودر فنّ‌انشاء و کتابیست کشف‌الظنون ص ۳۷۵ ج۲) و دیگری شرح محصّل امام فخر رازی است که درحقیقت نقض وردّ بر آن میباشد و دیگری کتاب **نقض المحصول** (محصول در کلام و نیز از امام فخر است) و دیگری شرح **مشکلات الغرر** میباشد **کتاب غرر الادله** تألیف شیخ ابوالحسن محمّدبن علی‌بصری متوفی سنه ٤٦٣ که ازعلماء معتزله بوده‌اند میباشد (کشف‌الظنون ج۲ ص۱۵۳) ودیگری‌شرح **یاقوت** ابن‌نوبخت و**قصائد هفتگانه** در مدح حضرت علی علیه‌السّلام .که بگفتهٔ هدیةالاحباب در ص ٤٥ شیخ رضی استرابادی وصاحب مدارك بشرح آن پرداخته اندودیگری‌شرح نهج‌البلاغه(همین کتاب)میباشد که از معاریف کتب وموجب شهرت شارح گردیده است.

این‌شرح نهج‌البلاغه یکی‌از شروح مفصّله وشارح درآن داد اطلاع‌وفضیلت وتحقیق‌را داده وچون طریقهٔ انصاف را پیش گرفته وچنانکه شایسته است‌خطب وکلمات را شرح وتفسیر نموده ، اهل‌سنّت ویرا شیعه دانسته ولی ازخودکتاب

بر می آید که سنّی و معتزلی است ، بسیاری از اخبار ومعتقدات شیعه را هم نقل و بردّ آنها پرداخته و بسیاری از مطالب بر خلاف عقائد امامیّه دارد که آنها را صاحب حدائق جمع نموده و ذیلاً ازآن نام می بریم ، ولی در دوستی حضرت‌علی و اولاد آن بزرگوار علیهم‌السّلام بی‌اختیار بوده و ما ترجمهٔ پاره‌ای از دیباچه این شرح را که شارح از روی راستی بی کم وکاست کتاب واسلوب آنرا معرّفی نموده دراینجا می آوریم :

چون امر حضرت وزیر بزرگوار محمد بن احمدبن محمد عاقمی که خدایش مشمول عنایات کاملهٔ خویش دارد واورا ازین مقام ارجمند بالاتر برد بنام این بنده درگاه برشرح کتاب نهج‌البلاغه که بر صاحب آن بهترین‌صلوات ویاکیزه‌ترین تحیات بادصادر گردیده ، مانند کسیکه خود پیش بنا بر کاری داشته و فرمانی جازم اورا ازجا برانگیزاندشروع در انجام خدمت نمود و بشرحی پرداخت که در آن بذکر غرائب لغات و اسالیب عبارات و بیان مرادقناعت نموده بود اما چون چندی بدین منوال گذشت اندیشیدم دانستم که‌این‌مختصر تشنهٔ حقائق را سیراب نمیکند وسر گردان را جز سر گردانی نمی افزاید بنابراین آن‌روش را گذاشتم و بشرحی مفصل پرداختم که مشتمل بود بر غریب لغات و اسالیب و قواعد معانی و بیانی وچون کامه‌ای ممکن باشد ازلحاظ اعراب وتصریف اشکالی پیدا کند ببیانش‌پرداخته و در موارد بسیار بنقل نظم ونثرهائی نظائر عبارات کتاب همت گماشتم ، حکایات و مطالب تاریخی را که درالفاظ اشارتی بدانها رفته بودآورده ، دقائق توحید و عدل که اشاره بدانها نموده تشریح کرده ، آنچه از انساب و امثال نکتها و مواعظ و زواجر دینی وحکم‌وآداب اخلاقی ومسائل‌فقهی بودشرح‌وبسط‌داده ، مقامات‌عارفین‌را که انحضرت درکلمات‌خویش‌بطریق رمز یاد فرموده بیان نمودم ، درصورتیکه همه کس توانائی برآن ندارد واین کار را کسی نتواند جز دانشمندان و روحانیان مقرب ، پرده ساتر مقاصد را از روی عبارانیکه حضرت علیه‌السلام بطریق کنایه واختصار و اشاره وشکایت بیان فرموده برداشته وبرهان اقامه کرده که بسیاری ازفصول این کتاب‌داخل در معجزات محمدیه ص‌است‌چرا که مشتمل بر اخبار بغیب میباشد و از قوه بشر خارج است که اینگونه حقائق را در قوالب الفاظ درآورد

(بهمین جهت است که در میان خاصه این کتاب **اخ القرآن** نامیده شده)

و چنانکه امید بود کتابی در فن خود کامل و یگانه در میان امثال گردید و هیچ شگفت نخواهد بود که بوسیله این کتاب که بهترین کتابها است کسی بسر پادشاهان تقرب جوید و بواسطهٔ یگانهٔ زمان به یگانهٔ روزگار نزدیك شود چرا که همه چیز بمانند خویش بایستی متصل شود وهرچیزی نظیر خودرا بخود می کشاند و تاآنجا که میدانم پیش از من کسی

بشرح این کتاب نپرداخته جز سعیدبن هبةالله‌بن حسن فقیه معروف بقطب راوندی که یکی‌از فقهاء امامیه بوده لیك وی مرد این میدان نبوده چرا که همه عمر خویش را صرف فقه کرده و کجا فقیهی که بس عالم این یك‌رشته است تواند بحقائق این کتاب که دارای‌فنون‌متعدده وعاوم متشعبه میباشد پی برد ، بنابراین حال شرح او بر دانا مخفی نیست ومن در چند جا مطالب متناقضهٔ آنرا در این کتاب نقل نموده و از بسیاری از آنها که چندان فائده‌ای در ذکر آن ندیده در گذشته‌ام ، و پیش از آنکه شروع بشرح کتاب نمایم اقوال اصحاب خودمان معتزله رحمهم‌الله را درباب امامت وتفصیل بغاة و خوارج وذکر نسب و مختصری‌از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام‌وشرح مختصری از نسب وحالات رضی‌ابی‌الحسن محمدبن حسین موسوی رحمه‌الله نقل پس از آن شروع بشرح خطبه کتاب که ازمنشات‌سید رضی ره است می نمایم . **انتهی** .

سید هاشم بحرانی متوفی‌بسال ۱۱۰۷ که در ج ۱ ص ۸۹، ۲۲۱، ۲۸۶، ۳۰۳، و ۳۱۰ مؤلفاتی از ایشان را باشرح حال مختصری ذکر کرده‌ایم آنچه از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام وسائر ائمّه هدی در شرح ابن ابی‌الحدید بوده جمع آوری نموده و آنرا « **سلاسل‌الحدید** » نامیده است .

صاحب حدائق متوفی بسال ۱۱۸۸ (ج ۱ ص ۳۹۹) ردّی بر شرح مذکور نگاشته و نام آنرا « **سلاسل‌الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید** » گذاشته و در آخر لؤلؤتی‌البحرین ذیل مؤلفات خود در معرّفی از این کتاب گوید :

این کتاب رد بر شارح نهج‌البلاغه است که بخیال خویش آنرا بررأی معتزله واصول مذهب ایشان نگاشته و در ابتداء آن مقدمهٔ مفصلی در معنی امامت نوشته‌ام که اوخود شایسته است کتابی مستقل باشد پس از آن آنچه راجع بامامت و احوال خلفاء و مطالب مناسب باین مبحث بود از شرح مذکور نقل و خلل و مفاسد هریك را کاملا تشریح نموده‌ام ومجلد اول آن خاتمه یافته ودرحدود یك ثلث ازمجلد دوم را نیز تالیف نموده ولی اشتغال بتالیف کتاب حدائق مرا از بپایان رسانیدن آن بازداشته است . **انتهی** .

این شرح ابن ابی‌الحدید را شمس‌بن محمّد بن مراد درسال ۱۰۱۳ (۱) شرح

(۱) فقط در آخر شرح جزء اول نسخهٔ این‌ترجمه نام‌مترجم‌وشارح ذکرشده‌آنهم بدینگونه که در اینجا ثبت میگردد ؛ تمام شد ترجمه جزء اول از شرح نهج‌البلاغه که مترجم آن الفقیر الی رحمة ربه‌الجواد شمس‌بن محمدبن مراد فی یوم‌الاحد من شهر ربیع‌المولود سنه ۱۰۱۳ : ۱۸ شهرمذکور وصلم تم .

و ترجمهٔ فارسی نموده و نسخه‌ای از آنرا جناب حاج محتشم‌السّلطنه اسفندیاری رئیس دورهٔ دهم مجلس شورای ملّی دام ظلّه دارند و مدّتی نزد نگارنده بود از قرائن چنین بنظر میرسد که نسخه بخط شارح و مترجم میباشد ومشتمل بر ترجمه و شرح شش جزء از شرح ابن ابی‌الحدید وشرح جزو هفتم آن تا خطبه ای که آغاز آن این است میباشد : امّا بعد حمد لله والثنآء علیه ایهاالنّاس فانّی نقأت‌عین الفتنه الخ .

شارح و مترجم پس از نقل این خطبه از شرح ابن ابی‌الحدید چیزی نقل ننموده وشروع بنقل مطالب تاریخی راجع بمعامله عبّاسیّین باامویّین وقبور اموات ایشان نموده پس از آن درتحت عنوان خاتمه احادیث واخباری درفضائل‌حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام پرداخته وقسمتی از آخر آن افتاده ولی ظاهراً بیش از یك ورق نبوده است .

این شارح ومترجم در بسیار از موارد نسبت بمخالفین امامیّه وحتّی‌بزرگان آنها ازطریق ملایمت واخلاق خارج گردیده است .

ترجمهٔ دیگری‌ازاین کتاب‌درزمان سلطنت ناصرالدّین‌شاه قاجار حاج‌نصرالله بن ملاّفتحعلی دزفولی نموده وچنانکه درخاتمه آن مذکور است در سال ۱۲۷۸ بامر آن پادشاه شروع و درسال ۱۲۹۲ ترجمهٔ کتاب را بانجام رسانیده ودر سال ۱۲۹۵ تصحیح وپاکنویس شده است ، مترجم پس ازاینکه عبارات نهج‌البلاغه را قسمت‌قسمت نقل نموده بترجمه تحت‌اللفظی عبارات‌شرح‌ابن ابن‌الحدیدپرداخته و چون خود در آن مورد نظریه ای داشته باشد پس از آن تحت عنوان اقول ذکر کرده‌وبانتهی‌خاتمه‌میدهد وتمام ترجمهٔ‌بیست جزء‌را در چهار مجلّد گذارده و آنرا « مظهرالبیّنات و مظهرالدّلالات» (۱) نامیده و اجزاء (٤، ٥، ٦، ٨، ٩، ١٠، ١٦، ١٧، ١٨، ١٩، ٢٠) این کتاب را درپنج مجلّد استاد این‌دانشکده‌آقای مشکوة بیرجندی دارند و نگارنده آنهارا دیده است ودر حواشی آن مترجم خودمقابله

(۱) نام کتاب در آخر بعضی از اجزاء « و مظهرالایات » و در بعضی« و مظهرالدلالات » ثبت شده است .

و تصحیح را نوشته و مهر کرده و حواشی مفیدی هم بخط خود تعلیق نموده سجع مهر مترجم اینست : (لااله الاالله الملك الحقّ المبین عبده نصرالله .) واز سایر اجزاء این کتاب خبری بدست نیاوردم و از ترجمه‌های خوب و دارای مزایای زیاد و تحقیقاتی است .

در امل الامل ج ۲ ص ۷ آورده که سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از معاصرین بود شرح ابن ابی‌الحدید را مختصر کرده است .

فخر الدّین عبدالله بن المؤید بالله نیز این شرح را مختصر نموده و آنرا « العقد النضید یا الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی‌الحدید » نامیده و نسخه‌ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نگاشته شده در کتابخانه مجلس موجود است (فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۱۶۷) .

هندوشاه نخجوانی در تجارب السّلف مؤلفه بسال ۷۲٤ که ٦۹ سال پس از وفات ابن ابی‌الحدید است راجع باین کتاب و مؤلف آن شرحی نگاشته که نقل آنرا بیمورد نمیدانم و آن اینست :

و عزالدین عبدالحمید بن ابی‌الحدید نهج‌البلاغه بنام او شرح کرد وچون بعرض رسانید بغایت بپسندید و از مجلس برخاست ودر خزانهٔ کتب رفت و هزار و ده تخت جامه که لائق مردان و زنان باشد و کنیز کی ترك وخوب صورت و خادمی حبشی کوچك وفرش و زیلو و اوانی نقره کوفت حاضر گردانیدو بفرمود تا بر در سرای استری زینی با آلات نیکو حاضر کردند و غلامی دیگر حبشی جامه‌های نو پوشیده جهت رکابداری بداشتند وچون این مجموع تمام شد عزالدین عبدالحمید رابخواند و خلعت بپوشانید و تفصیل اجناس ونقد و غلام تسلیم کرد (در این کتاب مقدار نقدی معین نشده ولی در ص ۲۲٤ روضات بنقل از کتاب عبدالرزاق غوطی نوشته شده که صد هزار دینار بوده است) عزالدین چون این مکرمت و مروت بدید ، ران وزیر را بوسه داد و گفت‌ای خداوند بنده را این همه توقع نبودو بر گمانی که بنده داشت مبرات وزیر باضعاف زائداست . وزیر گفت این سخن بگذار که منتی بر گردن من نهاده‌ای که بشکرانه آن قیام نتوانم کرد وبخدای که تا زنده باشم این حق را رعایت کنم ، آنگاه عزالدین شاکر وشادمان بیرون آمد وفراشان اجناس رادر خدمتش میبردند واو بر استرسوار شد و بخانه رفت وزبان روزگار میگفت ،

آن خسروان که نام نکو کسب کرده اند ٭ رفتند و یادگار از ایشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود ٭ جز نام نیك از پس نوشیروان نمانـد

و در واقعهٔ بغداد عزالدین مذکور و برادرش موفق‌الدین را بیرون آوردند تا بکشند

و **ابن‌علقمی** را پادشاه نواخته بود ومهمات عراق و بغداد باو تفویض کرده ودردل پادشاه مقامی تمام داشت ، چون حال عزالدین بن ابی‌الحدید بشنید دودبسر اودر آمد درحال بخدمت خواجه افضل‌العالم **نصیر الدین طوسی** قدس‌الله روحه رفت ودامن او بگرفت و گفت دو کس از افاضل بغداد که بر بنده حقوق عظیم دارند خواهند کشت والتماس دارم که خواجه ببندگی پادشاه شتابد و بنده در خدمت باشد و در باب این دوبزرگ شفاعتی کند · خواجه بی توقف روان شد و وزیر هزار دینار بمو کلان مغول داد و مهـات خواست و بدر گـاه رفت چـون پادشاه ایشان را بدید دانست که بکاری آمده اند وزیر برسم مغول زانو زد و گفت دو کس را ازشهر بیرون آورده‌اند وبرلیغ پادشاه نافذ شده‌است که ایشانرا بیاسا رسانند بنده کمترین را آرزو آن است که پادشاه مرا عوض ایشان بکشد و ایشان را آزاد کند . خواجه اینمعنی را در بندگی پادشاه بعرض رسانید پادشاه بخندیدو گفت اگر من خواستمی ترابکشم تا این غایت نگذاشتمی و درحال عاطفت بفرمود و هردو را باو بخشید . وزیر بتعجیل بیرون آمد و ایشانرا خلاص داد و با عزالدین بن ابی‌الحدید گفت بخدای که اگر در قبول شفـاعت توقفی میرفت نفس خود را فدای تو خواستم کرد تامکافات آن لطف باشد که توبامن کردی ونام مرا بسبب شرح نهج‌البلاغه مخلد گردانیدی .

و رغبت وزیر **ابن‌علقمی** در کتب بغایت بوده ده هزار مجلد کتب نفیس داشت چون از مهمات فارغ میشد بمطالعه مشغول می بود ودر همان سال که از جانب پادشاه حاکم بغداد شد وفات یافت در جمادی‌الاولی سنهٔ ست وخمسین وستمائه . (تجارب‌السلف چاپ آقای اقبال آشتیانی از ص ۳۵۸ تا ۳٦۰) .

ابن ابی‌الحدید این شرح را در بیست جزء و چنانکه خود در آخر تصریح کرده در مدّت چهارسال وهشت ماه از غرّه رجب ٦٤٤ تاسلخ صفر ٦٤۹ باتمام رسانیده ودر آخر هرقسمت خاتمهٔ هرجزء را تصریح نموده و تمام اجزاء در ایران و مصر مکرّر چاپ شده و پس از شرح آخرین عبارت نهج‌البلاغه هزار کلمه از کلمات قصار که بسیاری از آنها مسلّماً از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام میباشد وبرخی باحتمال چه مشابهت بکلمات آن‌حضرت داشته وسید رضی‌ره ذکر نکرده بدون شرح وبسط آورده است .

آغاز : بسمله الحمدلله الواحدالعدل ، الحمدلله الذی تفرّد بالکمال فکل کمال سواه منقوص الخ .

(٧٧١)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر ده جزء اوّلیه کتاب است ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی در آخر جزء اول **شیخ صنعان** نام در سال ۱۰۳۳ چنین نگاشته‌اند : بانسخه‌ایکه بخط **مرندی** بوده است مقابله گردیده . و در آخر بعضی از اجزاء آن نیز نوشته‌اند : در مکّه معظمه استکتاب شده . و این مطلب اخیر را شیخ مذکور بفارسی تحریر نموده است .

قسمتی از جزء ششم این نسخه افتاده و محمّدتقی نام استرابادی در سال ۱۲۹٤ پشت ورق اوّل و بر موضعی که از آنجا افتاده است یادداشت کرده اند . و نیز پشت ورق اوّل یادداشتی بتاریخ سال ۱۰٤۳ حضرت **خلیفة السلطان** (سلطان العلماء) مبنی بر مالکیّت کتاب بخط خویش مرقوم فرموده اند ، چند ورق آخر و اوراقی از اوائل کتاب وصالی شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (٦۹۷). صفحه (۲٥) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷٦).

(٧٧٢)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء شانزدهم تا آخر کتاب میباشد (ربع چهارم) ، دو ورق از آخر و یك ورق از اوّل آن را در سال ۱۲۳۳ نگاشته‌اند ولی خط اصلی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری بوده و در آخر اوّلین جزء نسخه (جزء شانزدهم) عبارات ذیل نگاشته شده : (تم تصحیحه علی ید مالکه **لطف الله** بن محمّد بن عبدالمهدی البحرانی ولکن علی نسخة غیر ظاهرة الصحّة وذلك بخامس عشر من شهر شعبان المعظم سنه ۱۱٦٤) .

ابتداء هر جزء سرسوره مطلاّئی است که نام هر جزئی با سفیدآب بر آن نگاشته شده و صفحات کتاب بجدول بطلا و لاجورد است ، فهرست بعضی از مطالب مندرجه در آن جزء را باذکر صفحات آن پشت ورق اوّل نگاشته اند و بعضی از صفحات وّصالی شده است .

جلد میشن . کاغذ خانبالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (٤۰۰) . صفحه (۲٥) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۸).

(٧٧٣)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء چهاردهم تا آخر کتاب است ، کاتب نامی از خود و سال کتابت در هیچ جای از کتاب نبرده ولی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، پشت ورق اوّل فهرست قسمتی از مطالب مندرجه در این نسخه نوشته شده و در حاشیهٔ بعضی از صفحات حواشی مختصری نوشته‌اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲٥۳) . صفحه (۳٥) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۷).

(٧٧٤)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ **عبدالکریم** بن معصوم در سال ۱۲٥٥ نگاشته شده و شامل از ابتداء کتاب تا آخر شرح کلام حضرت علی علیه السّلام در جنگ صفّین (در جزء (   ) از این شرح است) و هنگام بازداشتن اصحاب معویه اصحاب آن حضرت را از آب فرات میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۲) . صفحه (۲۱ سطر) . طول ($\frac{1}{2}$ ۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۹).

[۳۱۷] شرح نهج البلاغه - ابن میثم (عربی)

این شرح بزرگ ابن میثم رحمة الله علیه است (کمال الدّین میثم بن علی بن میثم بحرانی متوفی بسال ٦۷۹) (۱) و مؤلف این کتاب یکی از علماء امامیّه و حکماء

(۱) مطالب راجعهٔ باین مؤلف واین کتاب بامراجعه بروضات ص (۱٤۲ تا ۱٤٤) ولؤلؤص (۱٦۱ تا ۱٦٦) ، امل الآمل ج۲ ص (۷۲) و کشف الظنون ج۲ ص (٦۲۳) و مجالس المؤمنین و محبوب القلوب اشکوری نگاشته شده و در کشف الحجب سال وفات شارح ٦۹۹ ثبت گردیده درصورتیکه در کشکول شیخ بهائی و روضات ولؤلؤ و کشف الظنون و هدیة الاحباب سنه ٦۷۹ معین شده و در کتب مذکورهٔ دیگر سال وفات ذکر نشده و در آخر شرح صغیر ابن میثم چنانکه در کشف الظنون است (و نسخه‌ایکه متعلق به مجدالدین خواجه نصیری نیز چنانست) فراغ از آن درسال ٦۸۱ بوده اگر این تاریخ را مُصحّف ندانیم باید گفت که شارح درسال مذکور فوق وفات نیافته و قول صاحب کشف الحجب را که در اینگونه امور چندان اعتماد بصحت طبع نسخه آن نتوان نمود قبول کرد و یا در غیر این دوسال وفات ویرا قائل شویم .

و عارفین قرن هفتم هجری بوده و از محضر خواجه نصیرالدّین طوسی ره استفاده علوم حکمت و کلام نموده و ایشان شهادت بر کمال فضل وبسط اطلاع وی در این دو رشته داده اند و گذشته از آن‌خود این شرح بهترین گواه برمراتب‌علمی و اطلاعات گرانبهای اینّ عالم جلیل میباشد و گویند خواجه از ابن میثم مطالب فقهی‌را فرامیگرفته‌است. ودرنزدعلماابن‌میثم‌به«**عالم ربانی**»ملقب‌ومشهورمیباشد.

در بحرین شهرت فضائل ایشان پیچید و از آنجا بخارج سرایت نمود ولی گوشه‌گیری را اختیار نموده واز مردم کناره میکرد ، علماء حلّه که در آنوقت مرکز دانشمندان امامی مذهب بود چون براین حال وقوف یافتند شرحی بوی نگاشته‌واورابدین‌خوی ورفتارسرزنش‌نمودندوی‌این‌دوبیت‌راپاسخ‌آنان نگاشت :

طَلَبتُ فنون‌العلم ابغی بهاالعلی   فَقَصَّرَبی عمّـا سَموتُ بِهِ القُلّ

هرگونه‌دانشی‌راجستجو کردم‌تابدانها به‌بزرگی رسم   لیك‌بی‌چیزی‌مراازآنچه‌بدان بلندی می‌جستم باز داشت

تَبَیَّنَ لی انَّ‌المَحـاسِنَ کُلّها   فروع و انَّ المالَ فیها هُوالاصل

و آشکارشد برایم آنکه تمام دانشها برای رسیدن بمقصود   فرع و شاخه اند و مال داشتن اصل است

آنها باز در جواب وی نگاشتند که از چون تو دانشمندی بس شگفت است که دارائی‌را اصل دانسته ودانش را فرع وشاخه شناسانده‌ای ، وی باز در نامه‌ای این ابیات را از شعرای سابق نگاشت و بدانها فرستاد :

قَـدْ قـالَ قَـومٌ بِغَیْـرِ عِلْـم   مـاألْمَـرْءُ اِلاّ بـأکْبَرَیْـه

گروهی بدون تحقیق گفته اند   که‌عظمت‌آدمی‌بدل‌داناوزبان‌گویااست

فَـقُلْتُ قَـولَ امْرِئٍ حَـکِیم   مـاألْمَرْءُ اِلاّ بِدِرْهَمِیْـهِ

ولی‌من‌چون‌گفتارمردی‌فرزانه‌بپاسخ‌گفتم   بزرگی‌مرد جزبدارائی اونیست

مَنْ لَـمْ یَـکُنْ دِرْهَـمٌ لَدَیْـه   لَـمْ تَلْتَفِـتْ عِـرْسُهُ اِلَیْـهِ

انکس که پول نداشته نباشد   حتّی زن او توجهی بوی ننماید

پس از آن خود بعزم زیارت قبور ائمّهٔ هدی علیهم‌السّلام بعراق‌حرکت‌نمود ووارد شهر حلّه گشت با لباس مندرس وناشناس بیکی از مدارس درآمد که جمعی ازعلماءوطلاّب گرد هم برآمده ومشغول بحث‌بودند سلام داد باکمال‌خونسردی بوی‌جواب گفتند ودرپائین‌مجلس‌بنشست‌اتفاقاً درفهم‌معنی ومطلبی ماندند، ابن‌میثم آنرا با نه‌وجه حلّ نمود ولی کسی بگفتارش گوش نداد ، چون ناهارحاضر شد وی را برسرسفره راه ندادند وخوردنی برایش‌جدا فرستادند ، روز دیگربا لباس پاکیزه وعمّامه‌بزرگ بهمان‌مجلس درآمد ، همه ازجای برخاسته وی‌رابسی‌احترام نموده و درصدرمجلس جای دادند ، چون صحبت علمی بمیان آمد مطالبی‌بیهوده و بی معنی آغاز کرد ، همه تصدیق‌برصحّت ودرستی آن کردند وخوردنیهای‌نیکو مهیّا ساختند ، چون برسر سفره نشستند ، ابن‌میثم آستین خویش‌رادرغذافروبرد و همی گفت آستین نو توبخور ، که این‌پذیرائیها همه از بهر تو است ، حاضرین ازاین رفتار و گفتار بشگفت آمدند ، شیخ گفت آقایان من‌همان شیخ دیروزیم که بامن آن معامله راکردید و چون امروز با این لباس بمحفل شما درآمدم اینگونه احترام و تجلیل از من نمودید ، درصورتیکه دیروز مطالب صحیح و درستی را حلّ نمودم همه منکر شدیدوامروز آنچه مهمل گفتم همه تصدیق کردید ،آیا این رفتار بواسطه لباس فاخر من نیست ؟! وآیا آنچه رادرآن کاغذهابشما نگاشتم و مال‌را اصل دانستم‌خلاف‌حقیقت‌بود ؟! حضّار مجلس‌چون‌براین‌مطالب آگاه‌گشته معذرت خواسته از قدوم ایشان اظهار خورسندی نمودند .

این‌عالم بزرگ گذشته از این شرح برنهج‌البلاغه که پس‌از این ازآن‌معرّفی خواهیم‌نمودبنابگفتهٔ‌بعضی‌از رجالیّین واهل سیر دو شرح‌دیگریکی‌صغیر ودیگری وسیط‌براین کتاب‌داردویکی‌ازاین‌دوراکه‌بنابگفتهٔ‌خویش‌درمقدّمه‌آن‌برای‌دوپسر علاءالدّین عطاملك جوینی ازشرح بزرگ خود (همین کتاب) مختصر نموده درکتابخانه مدرسهٔ فاضلیّه‌خراسان بنام شرح متوسط ثبت‌گردیده ونسخه‌ای‌ازآن درکتابخانه‌مدرسهٔ مروی درطهران‌موجود و نسخهٔ‌دیگر ازآنرامجدالدّین‌خواجه نصیری‌و بعضی‌دیگردارندوبامراجعه‌ومطالعهٔ‌این‌شرح مختصربدست آمد که درحدود

دو ثلث یا سه ربع متن (نهج‌البلاغه) کتابت دارد و بگمان نگارنده از این مختصرتر شرحی بر نهج‌البلاغه تصور نشود و در صورت وجود نتیجه‌ای نخواهد داشت و اینکه بعضی ابن میثم را دارای سه شرح بر نهج البلاغه دانسته‌اند شاید شرح مائة کلمه آنحضرت را (که در ذیل آن کتاب در این فصل بخصوصیّات آن نیز تذکّر داده خواهد شد) سوّمین شرح دانسته و شرح معروف را کبیر و مختصر آنرا متوسط اراده کرده اند. و اینکه صاحب لؤلؤ البحرین (جز آنچه از رسالهٔ «السّلافة البهیه فی التّرجمة المیثمیّه» نقل نموده) و کشف‌الظنون و جمعی دیگر جز دو شرح مذکور را نام نبرده‌اند بیش از دو شرح نداشتن این شارح تأیید میشود و آغاز شرحیکه از شرح کبیر اختصار گردیده اینست: بسمله سُبْحانَ مَنْ حَسُرَتْ اَبْصارُ البَصائِرِ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِهِ و قَصُرَتْ اَلْسِنَةُ البُلَغاءِ عَنْ اَداءِ مِدْحَتِهِ الخ

از مؤلفات ابن میثم **شرح اشارات** استادش شیخ علی بن سلیمان بحرانی، **قواعد المرام** در کلام، **شرح مائة کلمه**، البحر الضخم، **نجاة القیامه** فی تحقیق امر الامامه، **استقصاء النظر** فی امامة الائمّة الاثنی عشر، **المعراج السماوی** و غیر از اینها است و رسائل این عالم جلیل بی نظیر و از آنها رساله‌ای **در وحی و الهام**، رساله ای در **علم** و رساله‌ای در **آداب بحث** میباشد.

این شرح نهج‌البلاغه را ابن میثم در سال ۶۷۷ بنام خواجه علاء الدّین عطا ملك جوینی وزیر متوفّی بسال (۶۸۰) تألیف نموده و از شروح بسیار خوب این کتاب و بزرگترین شرح‌های این شارح میباشد، پیش از شروع بشرح کتاب مقدّمهٔ بسیار مفید و جامع و مفصّلی در حدود (۳۳۸۰) بیت مشتمل بر سه قاعده بدین تفصیل نگاشته: **قاعده اولی** در مباحث الفاظ. **قاعدهٔ ثانیه** در مبادی و فوائد و موضوع خطابه **قاعده ثالثه** در آنکه علی علیه‌السّلام مستجمع جمیع صفات کاملهٔ انسانیّه بوده و هریك از قواعد فوق مشتمل بر مباحث زیادی میباشد، و این شرح به پنج مجلّد بدین طریق تقسیم شده: **مجلد اول**: مشتمل بر مقدّمه و شرح خطب تا آخر شرح خطبه‌ایکه پس از شنیدن اینکه طلحه و زبیر بیعت او را شکسته‌اند ایراد فرموده‌است. **مجلد دوم**: پس از شرح خطبه مذکوره تا ابتداء این خطبه که در حمد

و ثناء الهی است (نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا الی مایکون). **مجلد سوم**: از ابتداء شرح خطبه مذکور تا ابتداء خطبه ایکه در هنگام دفن حضرت فاطمه زهراء سلام‌الله علیها انشاء گردیده است. **مجلد چهارم**: از ابتداء شرح خطبه فوق تا ابتداء شرح وصیّت آنحضرت بحضرت امام حسن علیهما السّلام. **مجلد پنجم**: از ابتداء شرح وصیّت مذکور تا آخر کتاب.

مؤلف به تقسیمات فوق در ابتداء کتاب و در آخر آن اشاره‌ای ننموده و نام خودرا هم جز در آخر کتاب ذکر نکرده و نامی هم برای این شرح در مقدّمه و خاتمه نیست ولی در آخر مختصر این شرح شارح گوید: و هذا اختیار مصباح السّالکین لنهج البلاغة من کلام امیر المؤمنین. بنا برین نام این شرح را خود «**مصباح السالکین**» گذارده و طرز این شرح اینستکه پس از نقل قسمتی از کلمات، در تحت عنوان اقول، معانی لغویّه آنها را با اشاره‌ای بقواعد صرفی و نحوی و معانی و بیانی بیان و قواعد و مطالب کلامی و حکمی راجعهٔ بآنهارا ذکر نموده و بهمین نحو تا بآخر نهج البلاغه را شرح نموده و چون از کتب متداوله و معروفه و در دسترس عموم میباشد و بعلاوه بسال ۱۲۷۶ در طهران چاپ شده محتاج بمعرّفی بیش از این نیست.

نظام الدّین گیلانی ملقّب بحکیم‌الملك همین شرح کبیر ابن میثم را مختصر کرده و بر آن اضافاتی نموده و نسخهٔ آن را که ظاهراً بخط مؤلف میباشد آقای تربیت (محمّد علیخان) دارند و چندی نزد اینجانب بوده و مؤلف نام آنرا «انوار الفصاحه و اسرار البراعه» گذارده و سال تألیف آن در آخر کتاب سنهٔ (۱۰۳۶) ضبط گردیده و آغاز آن اینست: الحمدلله الّذی دَلَّ عَلی ذاتِه بِذاتِه وَ جَلَّ عَنْ مُلائَمةِ کَیْفیّاتِه، تَوَحَّدْتَ فی ذاتِكَ فَلا یُدْرِکُكَ عارِفٌ وَ تَفَرَّدْتَ في صِفاتِكَ فَلا یَبْلُغُ مِدْحَتَكَ واصِفٌ الخ.

صاحب امل الامل (ص ۴۰ ج ۲) در ذیل مؤلفات حضرت علاّمهٔ حلّی کتابی بنام «مختصر شرح نهج‌البلاغه» ذکر کرده و صاحب کشف‌الحجب (ص ۴۹۶) این مختصر را مختصر شرح ابن میثم تعیین نموده و مؤلف فهرست کتابخانهٔ معارف (ج ۱

ص ١٤٢) نسخه ای از آنرا نزد میرزا محمّد باقر خونساری نشان داده و چنین بنظر می آیدکه این شخص درنجف اشرف‌اند .

آغاز : بسمله سبحانك اللّهم و بحمدك توحدت فی ذاتك فحسر عن ادراكك انسان كلّ عارف الخ.

(٧٧٥)

شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نسخ‌خیلی‌خوب عبدالقادر بن محمّد شریف مکّی درسال ١٠٤٠ نگاشته شده، دارای پنج سرلوح زیبا است ، دو صفحهٔ اوّل کتاب حواشی آن‌تذهیب گردیده تمام صفحات بجدول بطلاو لاجورداست عناوین‌مطالب باشنجرف‌نگاشته شده ، ورق اوّل مختصرو صالی داردو یادداشتهائی داشته بعضی از آنها را محو کرده اند و یکی از آنها اینست : کنت‌الباعث علی استکتاب‌هذاالکتاب‌المبارك لنفسی‌و ــــ الله ــــ الفقیر الی‌الله‌الغنی‌بهاءالدّین‌بن محمّد العاملی ، مهر بادامی (بهائی ١٠٤٣) وبعضی از کلمات فوق‌هم از آثار خط نقل گردیدودرامل‌الآمل‌نام‌این‌شخص‌نیست‌ومسلّماًشیخ‌بهائی‌معروف‌نخواهدبود.

جلد ساغری‌ضربی . کاغذ‌ترمه . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ‌اوراق (٧١٢) . صفحه (٢٣) سطر . طول (٣٣ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٠٦٩).

(٧٧٦)

شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم

این نسخه‌بخط نسخ نگاشته شده ومشتمل برجزء اوّل‌وتقریباً سه ربع از جزء دوّم کتاب میباشد و چون کتابت آن ناقص مانده نام‌کاتب وسال کتابت معلوم نیست ولی ظاهراًازخطوط اوائل‌قرن‌سیزدهم هجری میباشد وآخرین‌سطر نسخه‌اینست : (وقوله فانهالاتعمی‌الابصار ولکن‌تعمی‌القلوب‌التی‌فی‌الصدور ـ وفائدةهذه‌الکلمات تحریك‌النفوس الی‌الاعتبار کیلا یعدّ‌التارك له) .

جلد میشن مطلا . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣٣٥) . صفحهٔ (٢١) سطر . طول ($26\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($16\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٠٦٧) .

[٣١٨] شرح نهج‌البلاغه ـ امام جمعهٔ طهران (فارسی)

این شرح چنانکه بسال ١٢٧٠ از طرف مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت نسخهٔ ذیل نگاشته شده تألیف میر محمّد مهدی امام جمعهٔ طهران رحمةالله علیه است (میر محمّد مهدی بن سید مرتضی بن میر محمّدمهدی بن میر محمّد حسین حسنی حسینی ١١٨٥ - ١٢٦٣) (١) که از خانواده‌های معروف و پدران ایشان بیشتر از علماء شهیربوده‌وچنانکه‌درالمآثروالاثار(ص ١٤١)مذکوراست‌سبباًبمرحوم‌علاّمه‌مجلسی میرسند ومنصب امامت جمعه دراصفهان وطهران‌تاکنون‌دراین‌خانواده برقراراست ومرحوم فتحعلیشاه پس از اتمام مسجد شاه طهران امامت آنرا بمرحوم میر محمّد مهدی برگذار و در تتمهٔ روضةالصّفا مذکور است که بیست وشش سال ودوماه باین مقام منصوب و بوظائف آن اشتغال داشت و در ج ١ نامهٔ دانشوران‌ص٤٨٩ نگاشته شده که چون میرمذکور اولاد ذکور نداشت بامر فتحعلیشاه آقا میرزا ابوالقاسم برادر زادهٔ خویش راکه بسال ١٢٣٧ باتفاق‌علمای اصفهان برای‌تعزیت پادشاه بفوت‌شاهزادهٔ محمّد علی میرزا بطهران آمده‌بود نائب امام مسجدشاه‌نمود ودختر خود رانیز بوی داد (مرحوم‌حاج‌میرزا زین‌العابدین متوفی بسال (١٣٢١) والد آقای حاج‌سید محمّد امام جمعه فعلی‌طهران ازآن دختر بوجودآمده است).

نگارنده از مرحوم میر محمّد مهدی مؤلفهٔ دیگری تاکنون ندیده واز آقای امام جمعهٔ طهران که نوادهٔ ایشان اند پرسش نموده مؤلفه‌ای سراغ نداشتند و از مطالعهٔ این شرح بدست می آید که میر محترم درتاریخ دستی قوی‌داشته‌وبدبختانه چنانکه‌تحت‌خصوصیّات‌نسخه‌خواهیم‌نگاشت این‌شرح‌ناقص وفقط برسه‌چهارخطبه

(١) درجلد دهم‌روضةالصفا درذیل ذکرشهر مشهد مقدس وبنای‌آن نام ونسب وعمر وامامت ایشان چنانکه نگاشته شد ضبط گردیده است ودر کتاب « نخبةالتواریخ » تألیف مرحوم‌میرزا اسمعیل خان دبیر که یگانه نسخهٔ خطی آنرا آقای ابوالقاسم سحاب دارند و از لحاظ اینکه درحدود دوهزار ماده تاریخ وفات درآن درج گردیده از کتب نفیس میباشد دو بیت ذیل که مصراع اخیر آن تاریخ وفات این عالم جلیل‌است درج گردیده :

رهبر خلق جهان حبر امام جمعه — گل باغ نبوی میر محمد مهدی
گشت واصل چوبحق گفت‌بتاریخ دبیر — زجهان رفت‌علوی میر محمد مهدی = ١٢٦٣

از اوّل و اواسط نهج‌البلاغه بیش نیست و شارح در موقع نوشتن این شرح بیشتر بشرح ابن میثم و ابن ابی‌الحدید مراجعه مینموده ودر صفحات آن ترجمه عین عبارات آندو کتاب مذکور دیده میشود ودرقسمت های تاریخی از کتب تواریخ مخصوصاً تاریخ طبری بسیار نقل‌نموده ودربین شرح وبسط باشعار فارسی‌وعربی و آیات و اخبار تمثّل جسته‌اند و این قسمت موجود در حدود (۸۰۰۰) بیت میباشد و با تجسّس نسخهٔ دیگری از آنرا در کتابخانه‌ای سراغ نیافتیم .

آغاز : برضمایر صافیه اخوان‌الصفّای‌خلاّن ایمانی‌وخواطر زاکیه‌نکته‌سرایان رموز بیان ومعانی الخ . (کاتب بسمله را ننگاشته و نسخه بعبارت مذکور فوق ابتداگردیده‌است).

(۷۷۷)

شرح نهج‌البلاغهٔ امام جمعهٔ طهران

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نگاشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام‌نبرده ، ازقبل مرحوم‌اعتضادالسّلطنه بسال ۱۲۷۰ پشت صفحهٔ اوّل شرحی مبنی براینکه این شرح تألیف مرحوم آقا میرمحمّد مهدی امام جمعهٔ سابق طهران میباشد نوشته شده وپس‌از دیباچه وشرح خطبهٔ کتاب شروع بشرح نخستین‌خطبهٔ نهج‌البلاغه گردیده و پس از شرح جملهٔ : **والسنة الی رسله** ,که از جمل همان خطبه است (درص ۷۵ نسخه) کاتب از نوشتن بقیهٔ شرح بازمانده و در ص ۷٦ شروع بشرح کلامیکه دراحتجاج بر خوارج انشا فرموده واول آن اینست :

(فَاِنْ اَبَیْتُمْ اَنْ تزعُموا اِلاّ اَنّی اَخْطَأْتُ) کرده ولی قسمتی ازشرح اوائل این کلام نیز دراین نسخه نوشته نشده وچنین تصوّر میرودکه بیش از این از مسوّدات بدست نیامده و پس از شرح بقیّهٔ این کلام شروع‌بشرح خطبه‌ای‌فرموده که درآن از وقایع جنگهای آتیه بصره اشاراتی است و ابتداء آن این است :

(یا اَحْنَفُ کَاَنّی بِه) و میان آن قسمت اولی' واین خطبه درحدودشرح ثلث خطب افتاده وشرح هفت‌بیت ازاین‌خطبه اخیرهم نوشته نشده ودرشرح‌این‌جمله:

(اِنَّ اللّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السّاعَةِ) که تقریباً شش بیت بآخر خطبه مانده است خامهٔ کاتب ایستاده ودرشرح این‌خطبه کلیّهٔ وقایع‌تاریخی‌ومطالب راجعهٔ **بصاحب‌الزنج** که حضرت‌درخطبهٔ خویش‌از آن‌نام برده، ازاین‌طرف‌و آنطرف‌جمع‌آوری نموده و درحدود (۴۸۰۰) بیت شده ومدّعی گردیده‌اند که درهیچ جا جز تاریخ‌طبری وشرح ابن ابی‌الحدید آنهم باختصار این قضایا مرتباً نوشته نشده و مقصود من ازاین‌اطناب « کشف‌نقاب‌از عذارعذرای مخطوبه‌فصل‌فضل‌خطیب منبرفصل‌الخطاب والی ملك‌ولایت دین‌بوتراب نه شرح حال زنك ضلالت مآب است » و آخر نسخه این است : وشارح ابن ابی‌الحدید باقلمی چون حدید این امرتبدید (کذا) بر این صفحه چنین تسوید میکند . . . . . وما بچشم خود دیدیم و بدیدهٔ تعجّب بر آن‌امورغرابت‌آثاروظهورچنان‌حکایات عجائب دثار که‌وعدهٔ آنرا‌از کلام (۱).

عبارات نهج‌البلاغه بخط نسخ نگاشته شده و پس از آخرین صفحه سه ورق و نیم ننوشته میباشد و کاغذ نسخه فرنگی مهره زده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۹۷). صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۰) .

[۳۱۹] شرح نهج‌البلاغه ـ عزالدین آملی (فارسی)

این‌شرح‌ازعزّالدین آملی رحمةالله علیه‌است (عزالّدین‌بن جعفربن شمس‌الّدین آملی)(۲) که ازعلما و دانشمندان قرن دهم هجری ومعاصر وهمدرس محقّق کرکی ره (متوفی بسال ۹۴۰)بوده اند ، نگارنده نام ایشان را جزدر تذکرهٔ هفت اقلیم ذیل شهر آمل و مستدرك‌الوسائل ج ۲ ص ۵۱۴ بنقل‌ازریاض‌العلماء نیافتم ، در امل‌الامل و روضات و رجال ممقانی ولؤلؤتی‌البحرین تفحّص کامل شد نام و نشانی از عزّالدین نبود درمستدرك این شرح‌و **رساله حسنیه** را از مؤلّفات ایشان نام

(۱) ترجمه از شرح ابن ابی‌الحدید میباشد واصل عبارات آن تقریباً در یك خمس بآخر جزء (۸) آنست بدانجا مراجعه گردد .

(۲) در نسخه مدرسه کلمه ابن میان عزالدین وجعفر نگاشته نشده ولی درنسخهٔ کتابخانه حضرت رضا علیه السلام و نسخه متعلقهٔ بآقای مشکوة استاد محترم این دانشکده عزالدین بن جعفر ثبت گردیده و در دو مأخذ مذکور فوق هم فقط مؤلف عزالدین آملی معرفی شده است .

برده ودرهفت‌اقلیم‌فقط رساله حسنیّه را یادآور شده واین کتاب را ریاض العلماء در اصول دین و فروع عبادات معرّفی کرده و هردو مؤلّفه را برای آقا حسن که نماینده و وکیل(۱) آقا محمّد سلطان و وزیر مازندران بوده تألیف کرده اند.

این شرح را شارح در مقدّمه «ترجمه نهج‌البلاغه» معرّفی نموده ولی چون بدان مراجعه و مطالب آن مطالعه شود دانسته خواهد شد که از حدّ ترجمه تجاوز نموده وبشرح وبسط کلمات و عبارات پرداخته است وشاید بهمین مناسبت صاحب ریاض ومستدرك بتبع ایشان سید هبةالدین شهرستانی در «ماهو نهج‌البلاغه» وصاحب فهرست معارف این کتاب را شرح نهج‌البلاغه معرّفی نموده‌اند.

بر نگارنده پس از مطالعه این شرح مسلّم گردید که عزّ الدّین بترجمهٔ شرح ابن‌میثم باکمی اختصار پرداخته‌ودربسیاری ازموارد‌هم گفته اند که‌در شرح ابن‌میثم بحرانی چنین آورده‌شده (۲) ودربیشتر ازمطالب‌دیگرهم که نام‌برده‌نشده عیناً‌ترجمه آن شرح است ولی درمقدّمه وخاتمه مجلّد اوّل ومطاوی کتاب تا حدّیکه مراجعه شد اشاره به اینکه تمام مطالب را از شرح ابن‌میثم ترجمه کرده ام نیافتم و شاید تسمیه کتاب بترجمه بهمین لحاظ بوده که اگر چون نگارنده کسی‌این دقت را کند راه عذری بازباشد که من بدین جهت آنرا ترجمه معرّفی کرده ام.

عزّالدّین قبل‌از شروع درشرح وترجمه خطب نهج‌البلاغه مقدّمه‌ای درمعنی فصاحت و بلاغت و فروع واجزاء آن و محسّنات لفظیّه ومعنویّه و تعریف‌خطابه و شروط آن و شرحی درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام ومعرّفی‌از سیّد رضی ره جامع نهج‌البلاغه و شرح خطبه کتاب نگاشته ، پس از مطالعه‌معلوم گردید که این مطالب نیز کلمه بکلمه ترجمه مقدّمات شرح ابن میثم‌ولی با اندك تصرّف واضحی در بعضی از مطالب آن میباشد و آخر این مجلّد آخر مجلّد دوّم

(۱) این معنی راعزالدین در ص ۲و۶۹٤ (از نسخه مدرسه) تذکر داده اند.

(۲) در صفحات ٤٨ ، ٦٣ ، ٦٦ ، ٢١٧، ٢٥٠، ٢٧٢، ٢٧٤و٢٨٢ (از نسخه مدرسه و صفحات دیگر).

شرح ابن‌میثم است بنابر آنچه گفته‌شد این‌شرح‌چون‌اصل‌مترجم‌از آن‌شرحی‌خوب و مفیداست وچنانکه از آخر نسخ مجلّداوّل آن بدست‌میآید شارح درسال (۹٤٤)(۱) از تألیف این مجلّد فراغت یافته‌وتا کنون‌با تفحّص‌زیاداز مجلّدات دیگرخبری‌نیافته‌ام و شاید بیش ازاین هم از قلم مترجم صادر نشده باشد و این مجلّد مشتمل برشرح از ابتداء نهج‌البلاغه تا ابتداء خطبه حمد و ثناء میباشد که ابتداء آن این است : نَحْمَدُهُ عَلٰى مٰا كانَ وَنَسْتَعينُه مِنْ اَمرِنا على مٰا يكون الخ. ومشتمل‌برشرح کمتر از نصف خطب نهج‌البلاغه و در حدود (١٦٠٠٠) بیت است.

آغاز: بسمله راجیاً منك‌الاعانة یاکریم‌عزّ من‌علّم‌الانسان نهج‌البلاغه وانعم.....

امابعد این کتابیست مشتمل بر لطائف فوائد محتوی بر ظرائف فرائد در ترجمه کتاب نهج‌البلاغه که در دریای الخ.

انجام: یعنی‌بدرستیکه حق سبحانه وتعالی ازفضل خود اجر صابرانرا مستوفی خواهد داد بی‌حساب تمّ بالخیر ، تمّت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب....... هذا آخر المجلّدالاوّل من‌ترجمة کتاب نهج‌البلاغه ...... وقد‌اتّفق‌الفراغ من کتبه ظهیرة یوم‌الاثنین تاسع‌العشر الثالث من الشهر الحاد یعشر فی شهور السنة‌الرّابعة‌الکائنة فی‌العشر الخامس‌الواقع فی‌المائة‌العاشره‌الداخله فی‌السنوات‌الهجریه صلوات‌الله علی مشرّفها علی ید مترجمه‌العبدالفقیر‌الحقیر‌الرّاجی عبدالموالی عزّالدّین بن جعفربن شمس‌الدّین‌الاملی بدّل‌الله سیّاتهم حسنات‌وغفرلهم ولسایر‌المؤمنین‌والمؤمنات انّه مجیب‌الدّعوات و واهب‌العطیّات.

(٧٧٨)

شرح نهج‌البلاغه عزالدین آملی این نسخه بخطّ نستعلیق وعبارات‌متن‌آن‌بخط نسخ وعناوین باشنجرف نوشته شده ، در حاشیه ص٦٩٣ نوشته شده که در سال ١٠٤٦ مقابله وتصحیح گردید ، ولی بدبختانه با مراجعه

(۱) تاریخ تألیف و ترجمه را در مقابل انجام از خط مترجم وشارح نقل نموده ایم و در فهرست رضویه ص٢٥ ج ١ سال ٩٧٢ نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلّماً غلط و تاریخ مذکور سال کتابت نسخهٔ آن کتابخانه است.

بآن دانسته شد که دقت کامل در تصحیح نشده .

صورت خطّ شارح بر آخر مجلّد اوّل که قسمتی از آنرا در مقابل انجام نیز نقل نمودیم بقسمی نوشته شده که ممکن است در نظر اول تصوّر شود که نسخه بخطّ خودشارح ویا فقط این قسمت اخیررا ایشان نوشته اند ولی مسلّماً خطّشارح نیست و اغلاط نسخه نیز این نظریّه را تأیید مینماید و پس ازکامه **واهب العطیات** مذکور در فوق نوشته شده : والسّلام علی کاتبه بمحمّدٍ و عترته الطّاهرین آمین یا ربّ العالمین . و این قسمت در نسخهٔ دیگر نیست ، ورق اوّل نسخه و تّصالی و پشت آن یاد داشتهائی در معرّفی از این کتاب و مطالب متفرقه نوشته شده و یکی از آنها را محو کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۳۴۷) . صفحهٔ (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۳) .

[۳۲۰] شرح نهج البلاغه ـ علاء الدین گلستانه (عربی)
(حدائق الحقایق)

این شرح ازعلاءالدّین گلستانه رحمةالله علیه است (علاءالدّین محمّدبن الامیر شاه ابوتراب محمّدعلی الحسنی متوفی بسال ۱۱۰۰) (۱) که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده وصاحب تنقیح المقال (ص۲۵۸ ج۲) مطالبیکه ذیلاً ترجمه آن نگاشته میشود در تعریف شارح از جامع الرّواة که مؤلف آن معاصر ایشان بوده نقل نموده : این عالم جلیل ازسادات گلسانه وجلیل القدر وعظیم الشّأن وبزرگوار و ثقه و عادل وزاهد و پارساترین اهل زمان و دورهٔ خویش است وجامع جمیع خصال پسندیده و علوم معقوله و منقوله اند دوبار منصب صدارت رابوی تکلیف کردند ، دراثر کمال خرد ونهایت زهد نپذیرفت ، خداوند سایهٔ ایشانرامستدام

(۱) در هدیة الاحباب ص ۲۰۱ و در فهرست کتابخانه معارف ج ۱ ص ۱۴۵ و در حاشیه ص ۱۹۸ وقایع الایام بنقل از «تاریخ خاتون آبادی» وفات این شارح بسال ۱۱۰۰ ضبط شده ولی درحاشیه ص ۳۸۳ ج ۳ وقایع الایام نوشته شده که وفات ایشان درحدود ۱۱۱۰ بوده است .

بدارد وازخطرها نگاهدارد ، ایشان را تصنیفاتی است از آنها **حدائق الحقائق** (۱) (همین کتاب) و **بهجة الحدائق** که هردودرشرح نهج البلاغه است و **روضة الشهدا** و **منهج الیقین** (۲) و غیرازاینها . انتهی . ایشانرا نیزشرحی براسماءالله الحسنی است ونسخه آنرا آقای تنکابنی دارند .

برای معرّفی از این شرح بجا است که بترجمهٔ قسمتی ازمقدّمهٔ آن بپردازم ، شارح درمقدّمه فرماید :

پیش از این بر نهج البلاغه شرحی مختصر که پاره‌ای ازمشکلات آنرا حل مینمود نگاشته (بنابراین معلوم گردید که تألیف بهجة الحدائق شارح پیش ازسال ۱۰۷۴ که تاریخ اتمام مجلداول این شرح است بوده و آن شرح مختصر برتمام نهج البلاغه است) ولی چون دیدم که حقائق وانوارآن کتاب مستطاب ازپس پردهٔ خفاظاهر وآشکارنگردیدوآن شرح ریزه کاری ومطالب دقیقهٔ آن معدن فصاحت وبلاغت راهویدانمود ، برآن شدم که دگر باره بشرح آن پردازم ولی این لیاقت و قابلیت را در خود نمیدیدم و خویشتن را شایستهٔ این بلند پروازی نمیدانستم ، تا آنکه توفیقات وتأییدات ربّانی شامل حال گردید وتوسل بذیل عترهٔ طاهره علیهم السلام را بهترین وسیلهٔ برای موفقیت دانسته بدامان آنها چنگ زده و شروع بشرح با تفصیل کامل نموده و در مطالب مهمه مذاهب و اقوال را نقل و بیان وچون مقام اقتضا نموده از تفصیل و طول دادن باك نداشته و چون لازم شده برای ایضاح و اثبات مطلبی و محو باطلی چون ناچار باطناب در کلام گردیده ازآن هم دریغ نشده ودرمباحث امامت مخصوصاً جستجوی کامل نموده و شبهه‌های مخالفین را یك بیك نقل و راه حق و راست را برای جویندگان واضح وآشکار نموده و بامخالفین باخباریکه در نزد خود آنها صحیح و معتبر است احتجاج کرده و ازترس اینکه تهمت افتراء بدامن نویسنده ببندند به مآخذ هریك درجای خود تصریح نمودم و چندان بذکر قصص و حکایات نپرداختم جز آنجائیکه مطلب مهمی مبتنی برآن بوده ونیز از انشاد اشعارمناسب مقام خودداری کردم (گاهی ابیاتی در این شرح دیده میشود ولی خواسته اند بگویند که چون شرح ابن ابی الحدید نیست) و در هرجاکه مطلبی بنظر شارحین پیش ازمن رسیده و مرا استنباط دیگر بود آنها را با نظر خویش نقل نموده و امیدوارم که توفیق رفیق و در فهم کلمات مبارکات بر دیگران برتری داشته باشم ونام این شرح را «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق»

(۱) بتصریح صاحب روضات در ص ۶۵ ج ۴ نام شرح نهج البلاغهٔ قطب الدین کیدری «حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق» میباشد وکتابی در فقه بنام «الاصباح» نیز تألیف کرده اند انتهی . و در مستدرك الوسائل ج۳ ص ۵۱۳ نام شرح نهج کیدری را الاصباح ضبط کرده اند و قول صاحب روضات ترجیح بر قول ایشان دارد چرا که نقلهای دیگری هم از آن شرح نموده و میرساند که از روی تحقیق و مراجعه بخود کتاب نام آنرا یاد داشت کرده اند .

(۲) اینکتاب بفارسی ودر بحث امامت است ونسخه‌ای ازآنرا آقای مشکوةاستاد این مدرسه دارند .

گذاردم و ازنگاه کنندگان وخوانندگان امیدوارم که ازنهج وطریقه انصاف وعدالت تجاوز ننمایندوازدیده کینه ورزی ودشمنی برآن ننگرند. **انتهی ترجمة ملخص کلامه رحمه الله .**

چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف وشارح درمقدّمه بیان نموده بودند درآن یافتم وبلحاظ اثبات امامت چنانکه درمقدّمه بآن اشاره نمودند خطبهٔ شقشقیّه را بانهایت تفصیل تقریباً در (۱۶۸۰۰) بیت شرح وچنانکه در آخر مجلّد دوّم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته ومجلّددوّم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلّد اوّل راکه درحدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل برشرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیّه قرار داده اند و صاحب روضات در ج ٤ ص ٦٥ نگاشته‌اند این شرح نهج‌البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی‌الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است . ولی گذشته از اینکه جنبهٔ اخباری دارد شارح بجنبهٔ ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات ومقصود از جمل و عبارات نهج‌البلاغه بنقل اقوال ائمّه ادب مبادرت نموده و گذشته ازین تتمّه کلمات وخطب راکه سیّد رضی مختصر آنهارا نقل نموده از کتب معتبره نقل وپس ازشرح آنچه در نهج‌البلاغه است نیز بشرح وبیان آنها پرداخته اند .

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن بآخر رسید واز مجلّدسوّم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا محمّدعلی بهبهانی ره بسال ۱۱۹۵ پشت نسخه ایکه اینك متعلّق بحضرت استاد آقا میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی میباشد نوشته اند فقط بشرح نهج‌البلاغه تاآخر خطبه : (کنتم جندالمرئه و اتباع البهیمه) که درمذمّت اهل بصره میباشد توفیق برشرح یافته اند وتمام این شرح بشماره نگارنده درحدود (۲۱۱۰۰) بیت است . وگویند این شرح دربیست مجلّد است ولی در مقدمه نیست .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ .

انجام : فقال ابان بن تغلب لعبدالله بن شریك هذه سیرتان مختلفان فقال اهل الجمل قتل طلحة والزّبیر وان معاویة کان قائماً بعینه وکان قائدهم .

(۷۷۹)

شرح نهج‌البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه قسمتی ازجلددوّم این کتابست (مبحث اوّل ودوّم) وبانسخه ذیل تمام جلددوّم را شامل و یك سطر ازآخر مبحث دوّم در ابتداء نسخهٔ دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی ودراینجا تاریخ را ننگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۷۵) . صفحهٔ (۲۳) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۲) .

(۷۸۰)

شرح نهج‌البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه بقیه جلد دوّم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده وبانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضخیم نشود بدینگونه تقسیم شده وعناوین مطالب را باشنجرف نوشته است .

جلدتیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۰۷). صفحهٔ(۲۳) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۳) .

[۳۲۱] شرح نهج‌البلاغه ـ محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح رابفارسی محمّد صالح روغنی ره که ازعلماء ودانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند ودر مجلّد اوّل این فهرست ص ۲۲۳ و۲۲۵ ومجلّد دوم ص۳۳ سه مؤلّفه باشرح مختصری ازحالات ومؤلّفات ایشان راذکر کرده ایم ، بر کتاب نهج‌البلاغه نگاشته‌اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج‌البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرابنام ترجمه معرّفی میکند : (چون دید که همّت ...... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثر بترجمه کتاب نهج‌البلاغه .... معطوف است ، همّت گماشت بتوفیق ملك وهّاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلّف و تصلّف الخ .) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چراکه در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده و حکایات مناسبی

هم دربعضی موارد نقل کرده ، شارح خود در آخر باب خطب فرماید : (تمت الخطب و شرحه حامداً الله تعالی ومصلیاً علی عبده ورسوله محمد المصطفی و آله ائمة الهدی وانا الفقیر الی الله الغنی محمّد صالح ابن محمّد باقر القزوینی و پیش از من سه کس(۱) از علماء طاب الله لهم المثوی بفارسی شرح کردند و هریك طرزی واسلوبی آوردند و امیدوارم که این اسلوب و بیان از آنها نافعتر ودر نظر دوستان صحیح تر ومقبول تر افتد والمرجو هو الله تعالی وعلیه المعوّل فی کل حال ، عجب مدار اگر خدای عزوجلّ کاربی بضاعتان راست آورد و دشوار به بیدست و پایان آسان سازد تم)(۲) .

واز این کتاب بدست میآید که سالك یکی از مسالك طریقت بوده و نسبت بعلماء ظاهر چندان خوش بین نبوده است

در مطالعه نسخه بسه مؤلفه از مؤلّفات این شارح که در کتب سیر نامی از آنها دیده نشده برخورده ام یکی در ص ۱۲۱ در ابتداء شرح وصیّت حضرت علی بحضرت حسن علیهما السلام گوید :

و از این پیش این وصیت جامعه را شرحی کرده بودم مبسوط مشتمل بر افادات خوب و فوائد تا رساله ای باشد برأسه در باب خود جامع وعدیم المثل مسمی به « منشور الادب الهی ودستور العمل کار آگاهی » آنرا باندك تخفیف اینجا داخل کردم

و نیز در ص ۴۲۳ در ذیل نصائحیکه حضرت علی علیه السلام (انی اخاف علیك من الفقر) بفرزند خویش محمّد حنفیّه رضی الله عنه فرموده گوید :

ومن در این باب و محاکمه میان فقر و غنی که کدام یك افضل است رساله ای نوشته ام .

(با تفحّص تاکنون بوجود این دو نسخه آگاه نشدم)

ودرص ۲۱۶ تا ۲۹۳ (از نسخه ذیل) عین ترجمه وشرح عهدنامه آنحضرت(ع) بمالك اشتر که درص ۳۳ و ۳۴ همین مجلّد بذکر وتوضیح آن پرداختم بدون مقدمه و پنجاه بیت آخر آن وبا اختصار دربعضی از عبارات و اضافات درپاره ای دیگر آورده شده است .

(۱) ظاهراً مراد شارح ازسه نفر ۱ ـ ملا فتح الله کاشانی و ۲ـ علی بن حسن زواری و ۳ـ عزالدین آملی میباشد که ازعلماء امامیه و پیش ازاین شارح بوده اند و شرح فارسی موسوم «بمنهاج الولایه» که در ذیل نهج البلاغه دراین فصل ازآن نامخواهیم برد ، مسلماً ازشروحی است که پیش ازاین شرح تألیف گردیده است .

(۲) نسخه مدرسه این قسمت را ندارد و از روی نسخهٔ حضرت آقای تقوی مدظله نقل گردید .

نسخی که نگارنده ازاین کتاب سراغ دارد ازاینقرار است :

۱ ـ نسخه متعلّقه بجناب آقای حاج سیدنصرالله تقوی اخوی رئیس محترم این دانشکده که فقط مشتمل برشرح خطب میباشد(۱) وسال تحریر ندارد ولی ازقرائن بدست میآید که در همان قرن یازدهم نوشته شده ووجود این نسخه کمك خوبی به نگارنده نمود و مؤلّف این شرح را که بقرائن شناخته بود گمانش به یقین پیوست .

۲ ـ نسخه متعلّقه بجناب آقای حاج محتشم السّلطنه (حسن اسفندیاری) رئیس کنونی (دورهٔ دهم) مجلس شورای ملّی ایران که آن نیز مشتمل بر دو ثلث از شرح خطب میباشد و بسال ۱۲۷۰ نوشته شده است .

۳ ـ نسخه ایست که دانشمند محترم آقای جواهر کلام (عبدالعزیز) در ج۱ فهرست کتابخانه معارف نوشته اند نجف اشرف در کتابخانهٔ خونساری موجوداست بوسیلهٔ دوست محترم ودانشمند معظّم آقای ثقة الاسلامی تبریزی (میرزا عبدالله) خصوصیّات آن نسخه را خواستم در پاسخ نگاشتند که درب آن کتابخانه بسته شده و بکتب آن اینك دسترسی نیست .

٤ ـ نسخهٔ این کتابخانه است که خصوصیّات آن ذیلاً درج میشود وبانسخهٔ آقای تقوی یك شرح کامل بدست میآید .

٥ ـ نسخهٔ دیگری است که اخیراً باین کتابخانه وارد شده و در آن نام و نشانی از مؤلّف نیست و پس از تحقیق معین شد که قسمت اخیر (شرح کلمات قصار یاباب سوّم) از این شرح است و چون هنوز بتنظیم و ترتیب کتبی که این نسخه جزء آنها است پرداخته نشده خصوصیّات آن نوشته نمیشود .

چنانکه درابتدا نگاشته شده بعقیدهٔ نگارنده این شرح ازبهترین شروح فارسی نهج البلاغه است و در آن گاهی نقل قول از شارح کاشی و شارح بحرانی وشرح ابن ابی الحدید وتحقیق در آنها شده و درحدود (۳٤۰۰۰) بیت کتابت دارد.

(۱) این نسخه ونسخهٔ مدرسه آخرین مطلب باب خطب را خطبه ای که درذکر آل محمد صلی الله علیه وآله وآغاز آن اینست : (هم عیش العلم و موت الجهل) دانسته وبشرح آن پرداخته وپس ازآن شرح مذکور فوق (ص ٦٤) را نوشته اند ولی در نسخ چاپی و بعضی از نسخ خطی پس از این خطبه مطالب دیگری نیز موجود است .

وطرز این شرح اینست که پس از نقل جملی از نهج البلاغه بترجمه و شرح آن مبادرت شده و از اشعار مولوی رومی و سعدی و حافظ و قصص و حکایات در آن زیاد دیده میشود.

آغاز: بسمله و به ثقتی الحمدلله علی ما اولینا من نعمآئه و انعم علینا من الائه......

وبعد این فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت محتاج برحمت رب غنی محمّدصالح ابن حاجی باقر قزوینی عفی‌الله عن سیآتهما الخ.

انجام: بالجمله صحبت محتشمان با مراعات حشمت ایشان موجب وحشت و ضجرت باشد نه التیام و مودّت حکیمی گفته: نصف غمهای دنیا در دل افکندم بمعاشرت دوستان که از ایشان حشمتی ندارم.

(۷۸۱)

شرح نهج البلاغه
محمد صالح روغنی

این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمّد رحیم بسال ۱۰۸۸ نگاشته، پشت صفحهٔ اوّل عبارات ذیل نوشته شده: باب سوّم شرح نهج البلاغه داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردید و از ورثهٔ میرزا داود خان خریداری شده. بفارسی ترجمه شده و مترجم معلوم نشد.

و نیز در همین صفحه است: بخشیدم بفرزندم وزیر لشکر میرزا داود خان شهر رجب ۱۲۷۹. وفقط بنام شرح نهج البلاغه بر این کتابخانه وقف شده و مشتمل بر شرح خطبه همّام تا آخر نهج البلاغه است (قسمتی از باب اوّل و تمام باب دوّم و سوّم) و عبارات اصل بخط نسخ و برخی از آنها با شنجرف نگاشته شده و دارای دو سرح لوح بسیار زیبا در ابتداء نسخه و دراوّل باب سوّم (ص ۲۲۱ نسخه) میباشد و صفحات آن بجدول بطلا و لاجورد است.

جلد سوخته. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۴۲). صفحهٔ (۲۵) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۳).

[۳۲۲] شیخ و وزیر (فارسی)

این رساله یکی از نوشتهای ملکم خان ارمنی اصفهانی ملقّب به ناظم الدّوله است و چنانکه ازمقدّمه ربیعزاده مورّخ بسال ۱۳۲۵ ونگاشته شدهٔ بررسائل این مؤلف که ذیلاً از آن نام میبریم معلوم میشود مؤلف تا آن تاریخ در قید حیات بوده و بگفته آقای دبستانی کرمانی بسال ۱۳۲۶ در کشور ایطالیا با مقام سفارت ایران

وفات نموده و این مرد یکی از رجال منوّرالفکر دورهٔ سلطنت ناصرالدّین شاه قاجار بوده و در راه آزادی و تمدّن و اصلاحات، مقالات و رسائلی نگاشته و بهمین جرم ازسفارت اورا معزول کردند ولی دردورهٔ مشروطیّت مجدّداً رونقی یافت و بانجام امور دولتی اشتغال داشت و مختصری از شرح حال او در ایّام حیاتش نوشته شده و آن اینست: (المآثر والاثار ص ۱۹۷) **میرزا ملکم خان ناظم الدوله** در فنّ دیپلوماسی و شعب سیاسی مسلّم است و در غالب فضائل مشرق زمینی و اروپی مقام استادی دارد و برخی اعمال عجیبه و علوم غریبه را بسرحدّ کمال رسانیده ترجمه او در این مختصرات کجا میگنجد **انتهی**. از نوشتهای ملکم خان بر میآید که نسبت بعقائد و قوانین اسلام خوش بین بوده و درمقدّمه گلستان که با حروف اختراعی خود درسال ۱۳۰۳ طبع نموده صریحاً این عقیده را اظهار کرده و معتقد بوده که قوانین دیانت اسلام بهترین قوانین است ولی یکی از علل انحطاط شرقیها و عقب ماندن آنها از ملل غربی مخصوصاً ایرانیان و مسلمین خط آنها است که خواندن و فهمیدن آن بسیار مشکل میباشد، چرا که اِعراب جزء کلمات گذارده نمیشود و بدین جهت هر جمله و عبارتی بچندین قسم خوانده میشود و بایستی این خط را تغییر داد و یا اصلاح نمود و برای این مقصود چندین قسم الفباء خود اختراع نموده و آنها را باولیاء امور پیشنهاد کرده و گلستان سعدی و کلمات قصار حضرت علی علیه‌السّلام (مأئةکلمه الجاحظ) و ضروب امثال ترکی را در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ درلندن با یکی از آن حروف طبع نموده و الفباء مطبوع او بنام «رسم الخط جدید ملکم» بشمارهٔ (۲۷۷۵) دراین کتابخانه موجود است و همین رساله (شیخ و وزیر را) دربیان معائب و ادلّهٔ بدی خطّ فعلی بزبان شیخ و وزیر انشاء کرده امّا نامی ازمؤلّف در آن نیست و در تحت عنوان سه مجلس مذاکرات شیخ و وزیر خاتمه یافته و چنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود تألیف آن پیش از سال ۱۲۸۷ بوده و چنانکه در ذیل «رسم الخطّ آخوندزاده» در ص ٥ نگاشته شده در این سالهای اخیر قرن سیزدهم هجری خیال اصلاح خط فعلی در دماغ بسیاری از افراد افتاده و در صفحهٔ (٥) دانشمندان آذربایجان نام جمعی از آنها ضبط گردیده است.

از نوشتهای ملکم‌خان رسالهای ذیل‌در تحت عنوان «کلیّات ملکم» بسال ۱۳۲۵ در طهران چاپخانهٔ مجلس چاپ نموده و ناشر آن (هاشم ربیع زاده) در آخر آن وعده داده که در مجلّد دوّم نگاشتهای دیگر مؤلّف را چاپ کند ولی جز این قسمت که نام میبریم وشامل رسالهای ذیل است چاپ نشده :

حرف غریب ، رساله غیبیّه ، رفیق ووزیر ، شیخ ووزیر (همین رساله است)، پولتیکهای دولتی ، تنظیم لشکر و مجلس اداره ، سیّاحی گوید ، توفیق امانت ، اصول آدمیّت و اصول مذهب دیوانیان .

مقالاتی متوالی بنام قانون نیز خودملکم چاپ نموده و در مشروطیّت آنها را باز طبع و منتشر کرده اند .

آغاز: وزیر ـ هرگاه دول خارجه بر دولت اسلام حمله بیاورند دفاع بر ما لازم خواهد بود یا خیر .

(۷۸۲)

شیخ و وزیر

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده و شرح ذیل را پشت صفحهٔ اول آن نوشته‌اند: رساله ایست که درباب پیدا کردن معایب خطّ عثمانی و ایران در اسلامبول نوشته شده و این بنده **تقی عبقری** منشی مملی نسخهٔ آن را اینك برای تفنّن خاطر جناب آقائی منشی حضور همایون استکتاب کرده و پیشنهاد حضور ایشان کرده ام انشاء الله بمرور این نسخه خاطر خودشان را هر وقت مجال داشته باشند مشغول خواهند کرد ، در این نسخه شیخ ووزیر اشاره است بمعلّم و متعلّم شیخ معلّم است و وزیر متعلّم سنهٔ ۱۲۸۷ .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۱۲) . صفحهٔ (۲۷) . سطر . طول (۲۰$\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۱) .

[۳۲۳] صدکلمه یا ترجمهٔ مائة کلمه (فارسی)

این ترجمه که بصدکلمه مشهور گشته ترجمه منظوم مائة کلمة الجاحظ است که در حرف میم از همین فصل آنرا ذکر خواهیم کرد و ناظم آن چنانکه درذیل فقرهٔ **افقر الفقر الحمق** بدان تصریح شده **عادل** نامی است :

(بد ترین درویشی حمق است ای جان جهان ✲ بشنو از عادل کلام شاه مردان را بیان)

این شاعر هر یك از کلمات قصار را بیك بیت فارسی ترجمه نموده (۱) و در کتب تذکره شعر او سیر بنام عادل این چند نفر ضبط گردیده‌اند: ۱ ـ شاه طهماسب صفوی (۲) (۹۱۹-۹۸۴). ۲ ـ شاه عادل (۳) پادشاه لارفارس که بسال ۹۸۳ کشته شده . ۳ ـ عادل نام یکی از شعراء خراسان است که در قاموس الاعلام ترکی (٤) نام آن برده شده . ٤ ـ عادل بن علی که شرحی برقصیده ابو الفتح بستی دارد (۵) . ۵ ـ عادل بن مراد اردستانی که از شاگردان مرحوم میر داماد بوده و آقای شهابی (محمود) استاد محترم این دانشکده در کتاب «مسرح الفؤاد» (٦) که در شرح حال مرحوم میر داماد ره نگاشته اند از او نام برده اند وجزاین پنج نفر متخلّص به عادل را تا کنون نیافته ام و همین عادل کتاب نثر اللآلی را که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت علی علیه السّلام است ودر همین فصل آنرا ذکر خواهیم نمود به نظم درآورده ونسخهٔ آن بسال ۱۳۰٦ درطهران چاپ ومنتشر شده و آغاز آن این است :

هر که درهر کار بسم الله الرحمن الرّحیم ✲ گوید ایمن گردد ازوسواس شیطان رجیم
گفتهای شاه مردان و امیر مؤمنان ✲ یاد گیر ومبدء خویش ومعاد خود بدان

(۱) درفهرست رضویه این صدکلمه را باحتمال نسبت بعبدالباقی صوفی تبریزی داده اند درصورتیکه ایشان باقی تخلص میکرده اند (دانشمندان آذربایجان ص ۱٤٤) و گذشته از این مذاقش عرفانی وحکمی بوده و این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلمهٔ **الحکمة ضالة المومن** . گوید :

حکمت و ایمان محرم شد بهم روز الست زان نمیجویند حکمت مؤمنان حق پرست .

(۲) در تذکره آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحاء ج ۱ ص۳۹ در ذیل سلاطین شاعر ، تخلص شاه طهماسب **عادل** تصریح شده ودر تحفهٔ سامی که سام میرزا برادر این پادشاه نوشته شعری از وی نقل کرده ولی تخلص اورا ضبط ننموده است .

(۳) در هفت اقلیم و تحفهٔ سامی نام این پادشاه و ابیاتی از او ثبت شده .

(٤) در قاموس الاعلام ترکی (ص ۳۰۳۷ و ۳۰۳۸) در حرف عین فقط یکنفر **عادل** را ذکر نموده که خراسانی و شاعر بوده و دو بیت فارسی از او نقل کرده است .

(۵) نسخه ای ازاین شرح راکه بسال ۹۰۳ نگارش یافته حضرت آقای حاج سید نصرالله تقوی مدظله دارند و درمقدمه شارح خودرا اینگونه معرفی میکند : چون فقیر حقیر مقصر بتقصیر اصغر العباد جرماً واکثرهم جرماً **نظم :**

آنکه نعت نبی ومدح ولی ✲ بعبارات واضحات جلی ✲ گوید از صدق نیت و اخلاص ✲ افقر خلق **عادل** بن علی غفرالله ذنوبه الخ . وازمقایسهٔ اشعار صدکلمه بااشعار این شرح بخوبی معلوم میشود که ناظم آنها یکی نیست .

(٦) این کتاب تا بحال چاپ نشده واین نقل ازنسخه خطّی مؤلف محترم گردیده است .

و انجام آن این است :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء ☆ ختم کن برصدق ای‌عادل کلام اولیاء

ونسخه چاپی این ترجمه متعلق به ۲۵۸ کلمه و در ۲٦۰ بیت میباشد وهر کلمه ایرا یك‌بیت ترجمه نموده و از مراجعه باین اشعار معلوم میشود که ناظم مردی دیندار و مقدّس مآب بوده ، و با قرآن سروکار داشته چنانکه در ذیل این کلمه شِفاءُ الْجِنانِ فی قِراءَةِ القرآن . گوید : هر که قرآن خواندن اورا ورد چون عادل شود ❊ عاقبت درد دل اورا شفا حاصل شود . و نیز در ذیل این کلمه : کَلامُ اللهِ دَواءُ الْقَلْبْ . گوید : درد دل را از کلام حق تعالی جو دوا ❊ خود تورا در سینه محفوظ است قرآن عادلا . و نیز از اسلوب اشعار بخوبی معلوم میشود که ناظم هردو یکی و از شعراء دورهٔ صفویّه بوده است .

جز این عادل شعراء دیگر هم بترجمه اینکلمات قصار پرداخته اند و مناسب است که دراینجا چندتن از آنها راکه نگارنده تاکنون یافته بیاورد اول رشیدالدّین وطواط متوفی بسال ۵۷۳ که ازسخن سرایان شهیراست ، بدواً این کلمات قصاررا بنثر عربی و پس از آن به نثرفارسی و از آن پس هر کلمه ایرا بدو بیت فارسی ترجمه وشرح نموده وچنانکه آقای محمّد علی تربیت درص ۱۰ شماره اوّل گنجینهٔ معارف که بسال ۱۳٤۱ درتحت مدیریت ایشان درشهر تبریز منتشر میشده مرقوم داشته‌اند نسخهٔ کامل این ترجمه و شرح در کتابخانه ولیّ الدّین در اسلامبول بوده و شمارهٔ آن در آن کتابخانه (۲٦۳۹) است و آنرا « مطلوب کل‌طالب » نام گذارده وریو در فهرست موزهٔ بریتانیا سال این ترجمه و شرح را ۵۵۹ دانسته و آقای اقبال آشتیانی درص ند مقدّمهٔ حدائق السّحر نگاشته اند که این کتاب در اوروپا وایران چاپ شده وترجمه یکی از کلمات‌را بهمانسه نحو که گذشت عیناً نقل نموده چنانکه پیش از ایشان در همان شماره گنجینهٔ معارف آقای تربیت ترجمه یکی از کلمات قصار دیگررا آورده اند و ترجمهٔ نظمی رشید مکرّر در ایران چاپ شده وتاهنوز درمکاتب قدیمه از کتب درسی بچهااست ولی چاپ‌شدن مطلوب کل طالب راکه سه ترجمه رشیدالدین باشد تاکنون آگاهی نیافته ام .

دوم : در ص ۱٤۷ دانشمندان آذربایجان است که درویش اشرف در سال ۸۳۸ صد کلمهٔ حضرت امیر علیه‌السّلام را بقطعات فارسی ترجمه نموده است .

سوم : نیز آقای تربیت در گنجینهٔ معارف نوشته اند که جامی (عبدالرّحمن متوفی بسال ۸۹۸) نیز این‌کلمات قصار را بفارسی ترجمه کرده .

چهارم : نیزدر گنجینه معارف نگاشته تربیت است که بسال ۱۲۵۵ با ترجمه ترکی آن در بولاق مصر چاپ شده .

پنجم : فلایشر این‌کلمات را بآلمانی ترجمه نموده وبا ترجمه فارسی رشیدوطواط بسال ۱۸۳۷ م . درلایبزیك‌چاپ کرده (آقای اقبال درمقدّمهٔ حدائق‌السّحر ص ند) چون نسخه آن را بدست نیاوردم ندانستم که آیا آنچه در اوروپا از ترجمه رشید چاپ شده همان ترجمه نظمی و یا تمام مطلوب کلّ طالب و یا ترجمه نثری اواست .

ششم : ترجمه بنظم‌فارسی از عبدالواحداست که بگفته صاحب ریاض العلماء (وقایع الایام درحاشیه ص۳۹۳ ج۳) عالمی متصوف ومفسر و متکلم دردوره صفویه بوده است .

صدکلمهٔ عادل بسال ۱۲۵۹ درتبریز وبسال ۱۲۷۲ درآخر شرح باب‌حادیعشر در طهران چاپ شده است .

آغاز : بسمله بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان ❊ هست نام خالق بسیار بخش مهربان

انجام : ما اَضْمَرَ اَحَدٌ شَيْئاً الاّ ظَهَرَ فی فَلَتاتِ لِسانِه وَ صَفَحاتِ وَجْهِه

گرنهان دارد کسی سرّی توان دریافتن ❊ درکنار روی آنکس یا در اثنای سخن

اللّهم اغفرلنا رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وهفوات اللّسان وشهوات الجنان

یاالهی بیرضایت گرزبان وچشم ودل ❊ زشت گوید یابیند یارود جائی مهل .

(۷۸۳)

صد کلمه
یا ترجمه
مائة کلمة الجاحظ

این نسخه ضمیمهٔ مجموعه ایست که بسال ۱۰۷٤ نگاشته شده وکاتب هریك ازابیات را بخطّ نستعلیق درمقابل اصل کلمات که بخط نسخ نوشته شده نگاشته و ترجمه بسمله را که در مقابل آغاز نقل نموده ایم نیاورده وابتداء بترجمه لو کُشِفَ الْغِطاء ما ازْدَدْتُ یَقیناً که نخستین کلمه ازمائة کلمه و این بیت میباشد نموده :

(گراجل بردارداز پیشم حیات مستعار * در یقین من نیفزاید بحق کردگار)
وبترجمهٔ این کلمه : لِسانُ اَلْعاقِلِ وَراءَ قَلْبِهْ که این بیت میباشد : (بی تأمّل دم مزن اوّل بدل اندیشه کن ☆ تا نیندیشد بدل دانا نیاید درسخن) نسخه را ختم کرده است.

خصوصیّات دیگر نسخه بمجموعه شمارهٔ (۲۷۹۹) این کتابخانه مراجعه گردد و این نسخه از ص۳۱ تا ۳۶ این مجموعه را حائز است.

(۷۸٤)

صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **علی نائینی** در سال ۱۲۷٤ با طلا ولاجورد نگاشته و ترجمهٔ کلمات را هریك بیك بیت درذیل آنها تحریر نموده و ترتیب کلمات نسخه چاپی این ترجمه و نسخ خطّی آن با یکدگر مطابق نیست.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی مهره زده واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۸). صفحهٔ (۹) سطر. طول (۲۳$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) عرض (۱۷$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰٤۹).

[۳۲٤] الطراز الموشی فی الانشاء (عربی)

این کتاب مجموعه ای از مراسلات و انشاآت رسمی و دوستانه است وچنان که پشت نسخهٔ این کتابخانه نگاشته شده مؤلف و گردآورندهٔ آنها شیخ شمس الدّین محمّد بن حسن نواجی رضی الله عنه است وصاحب معجم المطبوعات در ص ۱۸۷۲ بمناسبت کتاب «حلیة الکمیت» وی که چاپ شده شرحی در معرّفی از ایشان از کتب: حسن المحاضره ۱ - ۲۷٤ و ابن ایاس جزء۲ ص۳۲ و ٤۹ وطبقات الشافعیّه اسدی ورق ۱۱۳ و الخطط الجدید. ۱۷ - ۱۳ نقل نموده و در آنجا است: وَقالَ اَلشِّعْرَ اَلْفائِقْ وَالنَّثْرَ اَلرّائِقْ وَجَمَعَ الْمَجامیعْ. ولی نام نبرده که یکی از آن مجموعات موسوم به «الطّراز الموشّی» میباشد.

در کتاب شذرات الذّهب ص ۲۹۵ ج ۷ که ذیلاً شرح حال این مؤلف را از آنجا ترجمه خواهیم نمود نامی از مجامیع نیست و این کتاب را از مؤلفات نواجی نشمرده ولی از قرائنی که ازخود این مجموعه بدست می آید صحّت انتساب جمع این مؤلفه بدانشمند مذکور واضح میشود.

شمس الدّین محمّد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی(۱) شافعی مصری بسال ۸۵۹ درگذشت علم ادب را امام ودانشمند فرزانه ای بوده، در «عنوان الزّمان» آمده که پس ازسال ۷۸۵(۲) درقاهره تولّد یافته ودرقرائت شاگردی ابن جزری (۳) معروف را نموده و علوم ادب و فقه و اصول و معقول را از اساتید آن عصر استفاده کرده و بعلوم ادبیّه توجه خاصی نمود و چنان در آن مستغرق شد که سرآمد اهل زمان گردید و ازمصنّفات وی **حاشیه توضیح**(٤)، حاشیه جاربردی، **کتاب تاهیل الغریب** (این کتاب مشتمل برقصائداست)، **الشفا فی بدیع الاکتفا**، خلع العذار فی وصف العذار، **صحائف الحسنات**، روضة المجالس فی بدیع المجانسه، **مراتع الغزلان** فی وصف الحسان من الغلمان و کتاب **حلیة الکمیت** فی وصف الخمر است انتهی. **الطراز الموشی** مشتمل بر انشاآت رسمی ودولتی وشخصی است وبیشتر مکاتباتی را که سلاطین وامراء ممالك بپادشاهان مصر نگاشته اند در آنست وعهد نامهای آنهارا نیزداراست وانشاآت شخصی وغیررسمی آن هم از نویسندگان مصر میباشدودر این کتاب مراسلاتی ازچنگیزیان مخصوصاً احمد مورّخ بسال ۶۸۱ وامیر تیمور گورکانی و شاهرخ بپادشاه مصر و جواب او بآنها موجود است و پاره ای از منشآت برهان الدّین باعونی(۵) شافعی متوفی بسال ۸۷۰ را دارا میباشد و از انشاات زمان خلفاء بنی عبّاس و اعصار بعد نیز چند نسخه داراست و از مجموعات خوب ادبی و تاریخی بشمار میرود.

سه کتاب دیگر رانگارنده بنام الطراز میشناسدوممکن است یکی از آنها با این کتاب

(۱) نواج یکی از دهات کشور مصر و در ناحیه مدیریّه غربیه آن میباشد (معجم المطبوعات).
(۲) در معجم المطبوعات تولد نواجی بسال ۷۸۵ یا ۷۸۸ بتردید ثبت شده.
(۳) شرح حال ابن جزری در (ص۱۹۱ ج۱) این فهرست نوشته شده و در آنجا است که بسال ۸۳۳ وفات یافته و همین نواجی در رثاء او دو بیت گفته و آنرا در آنجا ثبت کرده ایم.
(٤) توضیح تألیف ابن هشام نحوی معروف است که شرح حالش درفصول بعد نوشته میشود و این کتاب شرح الفیه ابن مالك مشهور است و نام اصلی آن « اوضح المسالك الی الفیّة ابن مالك » میباشد ولی مشهور بتوضیح گردیده است.
(۵) در ص ۳۰۹ ج ۷ شذرات الذهب ذیل وفیات سال ۸۷۰ گوید: در این سال برهان الدین ابراهیم بن احمد بن ناصر بن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی وفات یافت و دانشمندی بزرگ وسال عمرش نزدیك بهشتاد سال بود (عن بضع و تسعین سنه) و در حاشیه همین صفحه است که تولد وی در صَفَدْ بوده و بشام آمده، از مشایخ آن کسب فضیلت نموده و **کتاب الضوء** را تصنیف کرده است و دراین نسخه الطراز الموشی باغونی با غین معجمه ضبط شده است.

اشتباه شود یکی «**الطراز**» در علوم بلاغت که تألیف یحیی بن حمزه العلوی ره امام زیدیّه است و مؤلّف آن در سال ۷٤۹ وفات یافته و در ص ۱۰ کتاب «ماهو نهج البلاغه» جناب سیّد هبة الدّین شهرستانی آنرا ذکر کرده و چاپ شده است. و دیگری «الطراز الموشی فی صناعة الانشاء» تألیف شیخ محمّد نجّار معلّم عربی در مدرسه محمّدیّه امیریّه مصر میباشد که بسال ۱۸۹٤ م. چاپ شده و در ص ۱۷۰۰ معجم المطبوعات ذکر گردیده و مسلّماً غیر از این کتاب است. و دیگری «الطراز فی الحقیقة والمجاز» تألیف حجة الاسلام رشتی ره میباشد و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارند.

الطراز الموشی نواجی در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله و صلی الله علی سیّدنا محمّد و آله و صحبه اجمعین - نسخة کتاب ورد علی الابواب الشریفة الملکیّة الظاهریّه خشقدم من الشّیخ برهان الدّین الباغونی الشّافعی یقبل الارض الّتی یودّلو ظفر بقربها و کحّل جفونه بتربتها الخ.

(۷۸۵)

الطراز الموشی این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، پشت ورق اوّل سیّد حسین نام مصری در سال ۱۱۸٤ یاد داشتی مبنی بر اینکه این کتاب بتملّك او در آمده نوشته است.

جلد مقوائی. کاغذ قدیمی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (۱۷۷). صفحهٔ (۲۱) سطر. طول ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض ($11\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۵).

[۳۲۵] عیون الحکم والمواعظ (عربی)

این کتاب که بتصریح مؤلّف در مقدّمه موسوم به «عیون الحکم والمواعظ وذخیرة المتعظ والواعظ» میباشد، بنابر آنچه علاّمه مجلسی ره در باب ماجمع من کلمات علی علیه السّلام (در مجلّد ۱۷ ص ۱۳٦ چاپ کمپانی (۱)) نگاشته اند جامع

(۱) عین عبارت بحار الانوار اینست: وکذا الشیخ علی بن محمد اللیثی الواسطی فی کتاب عیون الحکم والمواعظ و خیرة المتعظ والواعظ الذی قد سمیناه بکتاب العیون والمحاسن و هو یشتمل علی کثیر من کلماته و کلمات باقی الائمه علیهم السلام. چنانکه بنقل از مقدمه دانستیم **و ذخیرة المتعظ** است و ذال آن در این نسخه افتاده **و خیرة المتعظ** شده ومندرجات آن از حضرت مولی علی امیر المؤمنین است نه از ایشان و سائر ائمه علیهم السلام. صاحب کشف الحجب در ص ۳۸۹ این کتاب را بنام «العیون والمحاسن» که اسم اختراعی علامه مجلسی برای این کتابست ذکر نموده است وعلامه مجلسی در مجلد ۱۷ ص ۱۱۲ نیز بنقل کلمات قصاری از نسخه قدیمی این کتاب مبادرت نموده است.

و مؤلّف آن علی بن محمّد اللیثی الواسطی رحمة الله علیه است و از مقدّمه آن بخوبی معلوم میشود که از علماء امامیّه بوده و چنین بنظر میرسد که در قرن ششم یا هفتم هجری میزیسته اند، در کتب سیر و رجال چون روضات و لؤلؤتی البحرین و رجال ممقانی و امل الامل نامی از ایشان نیافتم.

این کتاب را در مجلّد اوّل این فهرست (ص ۲۸۳-۲۸٦) در فصل اخبار با نقل قسمتی از دیباچه آن نام برده ام ولی در آن هنگام که مشغول بنگارش و معرّفی از آن بودم بنام مؤلف آن برنخورده و عدم اطلاع خویش را اظهار نمودم اخیرا که مؤلف و جامع آن را شناختم چون در این فصل کلمات قصار حضرت مولی علی امیر المؤمنین علیه السّلام و خطب و منشآت آنحضرت و شروح آنها نقل گردیده و بشرح و معرّفی آنها پرداخته شده و میشود مناسب آن دیدم که این کتاب را باز در اینجا بیاورم و نظر باینکه در شمارهٔ کتب مجلّد اوّل اختلافی رخ داده و در ذیل صفحهٔ (ح) از مقدّمه آن مجلّد بدان اشارتی رفته و شمارهٔ مسلسل را در این مجلّد موافق آخرین شمارهٔ مجلّد اوّل قرار داده ام لذا این تکرار بشمارهٔ مسلسل خللی وارد نمیسازد.

این کتاب (عیون الحکم والمواعظ) بتصریح جامع در مقدّمه ۱۳٦۲۸ کلمه از کلمات قصار را که در سی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب گردیده شامل و در باب سی ام مختصراتی از بیانات توحیدی و وصایا و مواعظ و عباراتی در مذمّت دنیا و ادعیّه و مکاتبات آنحضرت را که بنظر جامع لطیف و فوق العاده تر از سائر کلمات بوده آورده ولی دو نسخه ذیل و نسخه صاحب وقایع الایام فاقد این باب میباشد و شاید تألیف نشده است و این بیست و نه باب در حدود (٦۸۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمد لله فالق الحبّه و باریء النّسم، موجد الاشیاء بعد العدم الخ.

انجام: فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنةٌ او یصیبهم عذابٌ الیم.

(۷۸٦)

عیون الحکم والمواعظ و این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده، در سال ۱۰۷۹ محمّد هادی نام مقابله شدن آنرا بانسخه دیگر نوشته و مطالبی که کاتب از متن انداخته بوده در حاشیه نگاشته شده است.

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٢٨٥) . صفحهٔ (١٤) سطر . طول (٢٠½ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٧٨٥) .

(٧٨٧)

عیون الحکم والمواعظ و ذخیرة المتعظ والواعظ

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب محمّدقلی در سال ١٠٨٥ بنا بدستور علم‌الهدی فرزند حضرت فیض رحمهماالله نوشته و خودایشان در آخر نسخه یادداشتی در شش سطر نگاشته‌اند .

جلد چرمی اعلا . کاغذ اصفهانی .واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٣٧) صفحهٔ (٢١) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٥½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٧٨٤) .

[٣٢٦] غررالحکم و دُررالکلم (عربی)

جامع این کتاب که نیزمشتمل بر قسمتی ازکلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام میباشد **آمدی** ره است (ناصح الدّین ابوالفتح عبدالواحدبن محمّد بن عبد الواحدالتمیمی الامدی) که بتصریح صاحب روضات (درص ٤٦٤) معاصر سیّدرضی ره متوفی (٤٠٦) وسیّدمرتضی ره متوفی (٤٣٦) و شیخ طوسی ره متوفی (٤٦١) بوده و نیز از ابن شهرآشوب نقل نموده که از علماء امامیّه بوده و گوید روایتی در کتب امامیّه بدو نمیرسد و هم از قاموس ١
و تقویم‌البلدان نقل کرده است که **آمد** شهری‌است میان‌دجله وفرات ازدّیاربکر و دارای باغها واراضی زراعتی است و بفتح وضم و کسر میم قرائت شده . و صاحب معجم‌المطبوعات (در ص٩١) وفات این مؤلف را بسال ٥١٠ ضبط نموده و مأخذ خودرا هم ننگاشته بنا بر آنچه نقل شد بسیار دور بنظر میآید که تا این تاریخ زندگانی کرده باشد .

آمدی در مقدّمه این کتاب گوید :

آنچه مرا وادار بر جمع آوری این کتاب کرد افتخاری است که ابو عثمان جاحظ در جمع آوری مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب میباشد که این مرد با اینکه علاّمه روزگار خویش بوده و در دانش و بینش یگانه عصر خود شمرده میشود و بمبدء نزدیکتر بوده چگونه عظمت کلمات دیگر آنحضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات بیشمار بدین شمارهٔ اندك قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم بسیاری از کلمات آنحضرت را جمع نموده، گر چه در مقابل حکم و مواعظ و کلمات آنحضرت اندکی از بسیار و یکی از هزار است و آنرا بترتیب حروف معجم مرتب ساختم و اسانید آنرا برای اختصار انداختم و آخر کلمات را هم چون ذوق و طباع مائل بسجع بودوبگوش خوشترمی‌آمدمسجع قراردادم‌وآن‌را «**غررالحکم‌ودررالکلم**» نامیدم .

این کتاب بیش از چهار هزار بیت کتابت دارد و در مصر و بمبئی چاپ شده و عبدالکریم بن محمّد یحیی قزوینی آنرا به نود و نه باب تقسیم و مطالب متفرقه‌راجعهٔ بیك‌موضوع‌را جمع‌ودرابواب مذکوره‌منظم کرده‌پس‌از آن‌بشرح وی پرداخته‌وآنرا «نظم‌الغرر ونضدالدّرر» نامیده‌ودراین فصل آنرا مفصلاً ذکرخواهیم وچنانکه درمقدّمه مجلّددوّم‌این کتاب نگاشته‌شده همین مؤلّف «غررالحکم»رانیز بفارسی‌ترجمه‌نموده‌وآنرا «اصداف‌الدّرر» نام‌نهاده‌وآقاجمال‌خونساری‌بر غررالحکم شرحی فارسی نگاشته که در ص (٣٤-٣٦) این فصل‌بتفصیل از آن نام برده شد . ونیز این کتاب را برحسب‌خواهش آقامیرزا احمدتبریزی متوطن شیرازمیرزامحسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که ازاهالی اردبیل و فضلاء آن سامان‌اند بفارسی ترجمه نموده و قسمتی از آن ترجمه ذیل قسمتی از غررالحکم در ضمن مجموعه ای که بنام «**انهار جاریه**» در شیراز میرزا احمد مذکور درمطبعهٔ خویش بسال١٣٤٤ طبع نموده اند مندرج گردیده است .

آغاز: بسمله الحمد للهّالّذی هدانا بتوفیقه الی جادّة طریقة الخ.

(٧٨٨)

غررالحکم ودررالکلم

این نسخه بخط نسخ خوب در مدینه طیّبه بسال ٩٩٥ نگاشته شده و در سال ١٠٤٩ معزّالدّین مخاطب **بمعزالملك** بخطّ خود شرحی‌مبنی‌براینکه‌این کتاب رابه‌سیّد **امیرمحمد زمان** بنام یادگار داده نوشته و بنا براین سیّد مذکوراز علماء آنعصر بوده‌و در ذیل

این شرح مهر مدوّری است که بر آن چنین نقش گردیده : بنده‌شاه جهان پادشاه غازی معزّ الملك .

ورق اوّل و آخر کتاب وصّالی گردیده ، کلمات افتاده از متن در حاشیه نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف‌سپهسالار . قطع‌ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵٦) . صفحهٔ (۲۱) سطر . طول(۱۹ ۱/۲ سانتیمتر) عرض . (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸٤۲) .

[۳۲۷] مائة کلمه (عربی)

جامع وانتخاب کننده این کلمات جاحظ ره است (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیثی بصری متوفی بسال ۲۵۵)(۱) که از معاریف دانشمندان اسلام بوده و روش اعتزال داشته و خود در اصول دین دارای آراء و عقاید خاصی میباشد ، شهرستانی در ملل و نحل بذکر برخی از آنها پرداخته وپیروان این‌مرد را **جاحظیه** مینامند .

جاحظ چون کتب فلاسفه را زیاد مطالعه مینموده افکار آنهـا دروی بی اثر نمانده و ابن‌الندیم در بارهٔ وی در فهرست خویش تحت عنوان « الفتح بن‌خاقان» چنین آورده : (ابوهفان گوید : ندیده و نشنیده ام کسی در دوستی بکتاب و علم بپایهٔ جاحظ و فتح بن خاقان و اسمعیل بن اسحق قاضی برسد امّا جاحظ هیچگـاه کتابی بدست او نرسید مگر آنکه سرتا پا آنرا خواند وگاهی دکان کتاب فروشها را اجاره میکرد و در آنجا می‌ماند و مطالعه مینمود الخ) .

یکی ازبرمکی‌ها گوید (ترجمه ازابن‌خلّکان ج ۱ ص۳۸۸) :

وارد بصره شدم شنیدم جاحظ دچاربفلج گردیده ، با خودگفتم وی‌را دیداری کنم ، بدرب خانه وی

(۱) مطالب‌راجعهٔ بجاحظ ازاین کتب اقتباس‌شده : ابن‌خلکان ص۳۸۸و۳۸۹ ج۱ ، فهرست‌ابن‌الندیم ص ۵۷ و ۱٦۹) ، روضات ص ۵۰۲ و ۵۰۵ معجم‌المطبوعات ص ٦٦٦ - ٦٦۸ و بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ورق ٤۷۹ ب . باتفاق همه مورخین وفات جاحظ در محرم سال ۲۵۵ بوده و ابن خلکان از وی نقل نموده‌که فلج و دردیکه بواسطه سنك مثانه دارم مرا بزحمت انداخته است و عوارض نود و شش سالگی بد تراز همه میباشد واگر فرض کنیم که در همین سال وفات کرده باشد تولدوی‌بسال ۱۵۹ یا ۱۵۸ خواهد بود و در معجم‌المطبوعات تولدجاحظ‌سال ۱٦۰ ضبط گردیده مآخذ آنرا ندانستمو بنا برآنچه‌گفته شدمسلماً پیش از سال ۱٦۰ تولدیافته است .

رفتم ، درکوفتم ، کنیزکی‌زرد رو بیامد ، پرسید کیستی ، گفتم مردی‌غریبم ، میخواهم‌ازدیدارصاحبخانه بهره‌مند شوم ، کنیزك گفتهٔ مرا بجاحظ رساند ، شنیدم بدو گفت او را بگوی چه‌میخواهی ازدیدار کسی که یکطرف بدن وی بیحس شده و آب از دهانش فرو میریزد و رنك رخسارش تیره گشته (ماتصنعُ بِشِقٍّ مائِلٍ وَلُعابٍ سائِلٍ وَلَوْنٍ حائِلٍ) چون کنیزك باز گشت گفتم من آمده ام که جاحظ را به بینم و چاره ای ازآن نیست ، چون این بارکنیزك حاجت را عرضه داشت‌جاحظ گفت این مرد از بصره گذر میکرده وبیماری مرا شنیده تصور نموده خوبست پیش از مرگ‌اورا دیدار کنمو بگویم که من‌هم درمرض موت جاحظ را دیده‌ام . پس‌از آن بارداد باطاق وی در آمدم‌سلام کردم با طرزی نیکو جواب داد و اصل و نسبم را پرسید خاندانم را گفتم‌گفت خدا رحمت کند پدران دست بازتورا که روزگـار آنها بهشت‌بود و بواسطهٔ‌آنها شکسته مردمان بسیاری بسته میشد و پروردگـار آنانرا از آب رحمت خویش سیراب‌کند و در آنسرای‌آنها را دستگیری کامل‌نماید، من نیز ویرا دعا نمودم وگفتم خواهشمند چنانم‌که از شعر خویش اندکی برایم بخوانی‌گفت :

لَئِنْ قُدِّمَتْ قَبْلِي رِجالٌ فَطالَما ... مَشَيْتُ عَلى رِسْلى فَكُنْتُ الْمُقَدَّما

وَلكِنَّ هذَالدَّهْرَ تَأْتى صُرُوفُه ... فَتُبْرِمُ مَنْقوضاً وَ تَنْقُضُ مُبْرَما

مؤلّفات ذیل منسوب بجاحظ است : : **البخلاء ، البیان‌والتبیین ، التاج فی اخلاق‌الملوك ، الحنین الی‌الاوطان ، کتاب‌الحیوان** (دمیری صـاحب حیاة‌الحیوان‌ازاین کتاب بسیارنقل‌نموده) **سلوة‌الحریف**بمناظرة‌الرّبیع‌والخریف **المحاسن‌والاضداد**، و رسائل ذیل : **حاسد و محسود** ، فضائل الاتراك ، **فخر السودان علی‌البیضان**، التربیع و التدویر ، **تفضیل‌النطق علی‌العصمت**، مدح‌التجار وذم عمل‌السّلطان ، **العشق و النساء**، الوکلاء، **استنجازالوعد** ، بیان مذاهب‌الشّیعه **وطبقات‌المغنین** ، (رسائل‌فوق‌یکجا بسال ۱۳۲٤درمصر چاپ شده ورساله دوّم آن جداگانه نیز چاپ‌گردیده‌است) و کتب‌مذکوره پیش از این رسائل‌نیز چاپ‌شده ونیز از مؤلّفات جاحظ یکی **الاصنام** است کـه صاحب معجم‌المطبوعات‌گویدچاپ نشده واینکه دراکتفاءالقنوع‌نوشته شده‌بطبـع رسیده غلط است و دیگری **نظم‌القرآن** میباشد کـه ابن ندیم بوی نسبت داده است (ص ۵۷) ودیگری کتاب **العرجان** والبرصان **والقرمان** میباشد که سیوطی بدو نسبت داده است .

واین مجموعه‌ازکلمات‌قصار که‌عنوان‌این‌ترجمه‌است‌درمآخذفوق‌بجاحظ‌نسبت‌داده‌نشده جزاینکه صاحب روضات گوید : درفصول‌الائمّه ذیل شرح حال واوصاف‌حضرت

علی بن ابیطالب علیه‌السّلام مذکور است که آن بزرگوار را کلماتی است که جاحظ دربعضی از مؤلفات خود آنها را جمع آوری نموده ومشتمل بر مطالب حکمیست وهرکلمهٔ از آن هزار کلمه میباشد الخ ودرذیل کتاب غررالحکم (ص ۷٦)نگاشته شد که آمدی درمقدّمهٔ این کتاب گفته که‌سبب‌وباعث برجمع این‌کلمات‌افتخاری‌است که جاحظ درجمع‌مأئة کلمه از کلمات‌قصار آنحضرت نموده‌وبسی شگفت‌است که علامهٔ روزگاری چون وی ازیم به نهو از بسیار باندك‌قناعت نموده است ونیز در مقدّمه « عیون‌الحکم والمواعظ » (ص۷٤ - ۷٦) ازاین‌انتخاب‌نام‌برده شده‌است .

نگارنده با تفحّص ندانست که این انتخاب را در کدام یك ازنوشتهای خود گنجانیده است .

این کتاب یاکلمات‌قصاردرطهران‌وبسال۱۳٤۱دردمشق‌شام‌ودریکی‌ازشهرهای هندوستان و در لندن با حروف اختراعی ملکم و در سال ۱۳۲۵ ضمیمهٔ مقالات زمخشری‌درمصرچاپ شده‌وشرحی ابن‌میثم در حدود (٥٤۷۰)بیت‌بر این کلمات نگاشته و نسخه ای از آنرا استادمحترم‌این مدرسه آقای مشکوة بیرجندی دارند ومشتمل برسه قسم است **قسم اول** : در مبادی و مقدماتیکه بیان آنها لازم‌میباشد از قبیل تعریف نفس حیوانی و تحقیق در آن وبرهان بوجود آن وغیر از اینها . **قسم دوم**: در شرح کلمات قصار (مائـة کلمه‌الجاحظ) . **قسم‌سوم** : در لواحق ومتممات ودراین قسم‌شطری ازفضائل و کمالاتَ حضرت علی‌علیه‌السلام و آنکه آنحضرت مستجمع جمیع صفات کمالیه انسانیه بوده اند میباشد .

و در ص ٥٦٦ کشف‌الحجب والاستار نام این شرح را « منهاج‌العارفین فی شرح کلام امیرالمؤمنین ع » معرفی کرده ولی در خود کتاب این نام نیست .

آغاز این‌شرح‌این : بسمله اللهم یاذاالجلال‌والاکرام یاحی‌یاقدوس‌یاسلام‌الخ .

وانجام آن اینست : اللهم وفقنا لفهم هذه‌الـکلمات‌والعمل بمقتضاها کما تحب و ترضی واجعل‌عواقب امورنا خیرا واعذنا من شرور انفسنا وسیآت اعمالنا وقبائح افعالنا بحق محمد وآله وعترته‌الطاهرین آمین یارب‌العالمین .

قطب راوندی را نیز براین‌کلمات قصار (مائة‌کلمة‌الجاحظ)شرحی میباشد .

این کلمات قصار مکرّر بنظم و نثر فارسی ترجمه شده و در ذیل « صد کلمه » در ص (٦٨-۷۲) همین مجلّد پاره ای از آنها را نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله لوکشف‌الغطاء ما ازددتُ یقیناً .

انجام: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه . (۱) اللّهم اغفر رمزات الالحاظ وسقطات‌الالفاظ‌وشهوات‌الجنان وهفوات‌اللّسان .

(۷۸۹)

مائة کلمه

این نسخه را بخطّ بسیار خوب آقا زین‌العابدین اصفهانی‌در سال ۱۲۷٦ نگاشته و پس از اتمام آن مناجات منسوب به حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السّلام که اوّل آن این‌است: (لك‌الحمد یاذاالجود والمجد والعلی) نیز همین کاتب نگاشته ودر آخرین قسمت رقم کرده واوراق نسخه متن و حاشیه‌است و دارای یك سرلوح کوچك میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ متن حنائی ، حاشیه‌آبی فرنگی . واقف سپهسالار . قطع‌ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحهٔ (٤)سطر . طول(۱۷½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه(۹۹۷).

[۳۲۸] مختصر تقویم‌اللسان (عربی)

تقویم‌اللّسان کتابی‌است چون‌درّة‌الغواص حریری که درص (۱۹-۲۱)این مجلّد بشرح و معرّفی آن پرداخته ایم و موضوع آن تصحیح اغلاطی است که نویسندگان وگویندگان از خواص و عوام استعمال میکنند و مؤلّف آن **ابوالفرج ابن جوزی** واعظ معروف بغدادی متوفی‌بسال ٥۹۷ (۲) میباشدو در نامه دانشوران (ج۱ ص۲۷٤) این کتاب در ذیل مؤلّفات ابن جوزی آورده‌شده، شیخ بهائی‌ره‌در کشکول نیز این کتاب را بدونسبت داده وازآن نقل کرده‌است

(۱) آخربیشتر نسخها چنان است که نقل گردید ولی‌آخر نسخهٔ ذیل‌این جمله است : البخیل مستعجل للفقر یعیش فی‌الدنیا عیش‌الفقراء و یحاسب فی‌الاخرة حساب‌الاغنیاء اللهم اغفر رمزات الخ و آخر نسخه صد کلمه پیش از اللهم اغفر الخ مااضمر احد شیئاً الا ظهرفی وجهه وفلتات لسانه میباشد و در تقدیم و تاخیر سائر جمل با یکدیگر مختلف اند .

(۲) روضات ص ٤۲۷ و ٤۲۸ ، ابن خلکان ج ۱ ص۲۷۹ - ۲۸۰ . نامه دانشوران ج ۱ ص ۲٦۲ - ۲۷٥ وشذرات‌الذهب در ج ٤ ص۳۲۹ .

و صاحب روضات بنقل از کشکول مطالبی که ذیلاً ذکر خواهیم نمود از این کتاب آورده(۱) و در کشف‌الظنون (ج۱ ص ۳۲۱) بنام تقویم‌اللّسان سه کتاب ذکر شده : **اول** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف محمّد بن ابی‌القاسم بقالی خوارزمی حنفی متوفی بسال ۵٦۲ . **دوم** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف زین‌الدّین قاسم بن قطلوبغا حنفی متوفی بسال ۸۷۹ . **سوم** تقویم اللّسان تألیف ابن قتیبه. درص۱۷۸۸ج۳فهرست آصفیّه‌نیز کتابی بنام«تقویم‌اللّسان» تألیف محمّدذکاءالله نام برده شده و گوید که بسال ۱۸۹۳ م بچاپ رسیده و موضوع آن معیّن نگردیده‌است. در ص (٤-۷) این مجلّدازفهرست مؤلّفات ابن قتیبه‌ذکرشد و در کتب سیرومآخذ نسبت کتابی بدین نام به ابن قتیبه دیده نشد ، نگارنده تصوّر میکند که‌مؤلّف ابن‌جوزی‌بوده‌وکاتب‌نسخه‌ایکه مأخذ کشف‌الظنون‌چاپ‌اسلامبول بوده اشتباهاً ابن قتیبه نوشته و یا در چاپ غلط چیده شده و مصحّح بدان متوجه نشده به نسخه کشف‌الظنون چاپ فلوگل مراجعه شد در آنجا نیز مؤلّف ابن‌قتیبه ضبط گردیده ، در مقدّمه این کتاب که مختصر تقویم اللّسان میباشد تقویم‌اللّسان‌را تألیف‌ابن‌جوزی معرّفی کرده ونامی ازاین‌مختصردر کشف‌الظنون و مآخذ دیگر نیافتم ، مختصر کننده هم تاکنون شناخته نشده ودر مقدّمه وخاتمه نسخهٔ ذیل نیز نامی و اثری از او دیده نمیشود و چنانکه خود نیز بدان تصریح نموده و فقط کاری که کرده از آن کتاب جملی را انداخته و مقدمه ای بر آن نگاشته ولی بدان چیزی نیفزوده و ترجمهٔ مقدّمه نسخه این است :

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان : سپاس وستایش مرخداوند را سزااست ودرود پروردگار برروان پاك سرور ما **محمد**ص و کسان پا کیزه‌اوباد ، نگارنده چون« کتاب تقویم‌اللسان »را که از گرد آورده های پیشوای بزرگ ودانشمند فرزانه ، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن **بن جوزی** که خدایش بیامرزاد ، نگارشی سودمند یافت و دیدکه درآن بسیاری از آنچه مردمان ، نادرست بر زبان یا خامه‌می آورند گردآورده وبسیاری از نمونهای گفتارمردم را برای گواه خویش‌برآن افزوده و در این پاره سودی چندان جز بد نامی آنانکه بر زبان رانند ندید برآن شدکه آنرا

(۱) صاحب روضات‌الجنات درص۴۲۸ نام این‌کتاب را بااستناد بکشکول شیخ بهاءالدین عاملی‌ره «تقویم غلط‌اللسان» معرفی نموده درصورتیکه‌در کشکول (در حدود ۱۳۰۰ بیت بآخرمجلد سوم مانده) نام کتاب « تقویم‌اللسان » ضبط‌گردیده و در مقدمه همین مختصر و نامه دانشوران نیز « تقویم‌اللسان» نوشته شده است .

از این پاره تنك سازد و ازآن‌بیندازد وبس‌آنچه که سودی‌در دانستن‌آنست بگذارد ، تایادگیرنده‌اش بآسانی بر درستی و نادرستی درگفتار ونگارش آگاه شود و خداوند یاری دهنده بر توانائی نیکو است .

بنا بر آنچه از مقدّمه نسخهٔ ذیل که بترجمهٔ آن پرداختیم معلوم گردید ابن‌جوزی‌شواهد وامثله ای‌از کلمات وبیانات عوام‌را درتقویم‌اللّسان آورده بوده وآنچه شیخ بهائی ره در کشکول از این کتاب نقل‌نموده اند بدون امثله وشواهد میباشد بنا بر این احتمال دارد که ایشان هم نسخه دیگر مختصر شدهٔ از تقویم‌اللّسان را دردست داشته اند و ازآن نقل‌نموده اندواصل این کتاب مأخذ ایشان نبوده وگرنه یا درهنگام نقل بنام‌نقل باختصار از تقویم‌اللّسان جمل راذکر میفرمود ویا اشاره ای مینمودند که من از آن کتاب این قسمت را انتخاب نمودم و ما برای تسجیل تصوّر خویش عین نقل ایشان را که در اواخر مجلد سوّم از کشکول است در اینجا میآوریم : من کتاب‌تقویم‌اللّسان لابن‌الجوزی :

جَواب لا یُجْمَعُ وَ قَوْلُ الْعامَّةِ اَجْوِبَةُ کُتُبی وَ جَوابات کُتُبی غَلَطٌ وَالصَّوابُ جَوابُ کُتُبی * حاجات وَحاج جَمْعُ حاجَةٍ وَحَوائِج غَلَط . یُقالُ حَمَیْتُ الْمَریضَ لا اَحْمَیْتُهُ . یُقالُ لِلْقائِمِ اُقْعُدْ وَلِلنّائِمِ اِجْلِسْ وَالعَکْسُ غَلَط . یُقالُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ کانَ کَذا لا الَّذی کانَ کَذا . اَلْعَروس یُقالُ لِلرَّجُلِ وَ الْمَرْءَةِ لا لِلْمَرْأَةِ فَقَطْ . لا یُقالُ کَثُرَتْ عَیْلَتُهُ اِنَّما یُقالُ کَثُرَتْ عِیالُه وَالْعَیلَةَ اَلفَقر . اَلْمَصْطَکی بِفَتْحِ الْمیمْ وَالضَّمُّ غَلَطٌ .

این بود آنچه شیخ در کشکول از این کتاب نقل نموده اند و چون باین نسخه که مختصر تقویم‌اللّسان میباشد مراجعه مینمائیم‌می بینیم که همین جمل با اندك تفاوت در وی موجود است و جمل فوق در این نسخه بدینگونه است :

وَجَواباتُ وَاَجْوِبَةُ کُتُبِكَ خَطاءٌ فَلا یقالُ الاّ جَوابُ کُتُبِكْ لِاَنَّهُ لاتُجْمَعُ وَ جَمْعُهُ مُوَلَّدٌ قالَه سیبویه وجَمْعُ حاجَةٍ حاجاتٌ او حاجٌ اوحَوَجٌ وحوائِج

خَطاء . وَحَمِيتُ المَرِيضَ بِغَيْرِ اَلِفٍ وَتَقُولُ لِلْقائِمِ اُقْعُدْ وَ لِلنّائِمِ اَو السّاجِد اِجْلِسْ لِأَنَّ لَقُعُودَ انْتِقالٌ مِنْ عُلْوٍ اِلٰى سِفْلٍ وَالْجُلوسُ عَكْسُه وَ مِنْهُ قيلَ لِنَجْدٍ جِلْسٌ لِاِرْتِفاعِها . وَ كَثُرَ عِيالُه وَ كَثُرَتْ عَيْلَتُه وعائِلَتُه خَطاء . وَالعَرُوسُ لِلْمَرْأَةِ وَالرَّجُلِ اَيّامَ البِناء . وَالمَصْطَكى وَحَبُّ المَحْلَبِ وَالمَنارَةُ وَالمَرْقاةُ بِفَتحِ الميم .

بهر حال نگارنده تاکنون تقویم‌اللّسان‌را ندیده و بمعجم‌المطبوعات هم‌مراجعه شد در آنجا نامی ازاین کتاب نبود از فضلاء طهران که دارای کتابخانه و اطلاع بکتب میباشند پرسش شدآنها هم تاکنون ندیده وسراغ نداشتند و نسخهٔ ذیل که بتصریح در آن «مختصر تقویم‌اللّسان» است در حدود (٦٠٠) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله رب‌العالمین . . . .

باب‌الالف، تقول اُسْتُهْتِرَ فُلانٌ بكذا بِتائَيْنِ الاُوْلى مِنْهُما مَضْمُومَةٌ وَالاُخْرى مَكْسُورَةٌ عَلى مالَمْ يُسَمَّ فاعِلُه الخ .

انجام : وَالْيَوْمَ فَعَلْتُ مادامَتِ الشَّمْسُ طالِعَةً فاذا غَرُبَتْ فَاَمْسِ الَاحدَثَ (كذا) لانَّ اليَوْم انقضى .

(٧٩٠)

مختصر تقویم‌اللسان

این نسخه بخطّ نسخ بسیار خوب نوشته شده ، قسمتی از آخرین صفحه بریده‌شده وباکاغذی‌شبیه بکاغذ اصل‌وصّالی گردیده ، شاید برآن قسمت نام کاتب و سال کتابت بوده ، بسیارشبیه‌بخط یاقوت‌مستعصمی خطّاط‌معروف‌نگارش یافته و توان گفت از میان بردن‌رقم کاتب وسال کتابت برای‌آن بوده که بنام یاقوت‌قلم داد گردد ، بهر حال چنین بنظر میرسد کـه از خطوط قرن هفتم هجری باشد ، پشت صفحهٔ اوّل این

عبارت نوشته شده : این کتاب تقویم‌اللّسان خط مولانا صیرفی(١) مجموع اوراق سی و هشت ورق است قیمت ..... پس‌از لفظ‌قیمت کلماتی‌بوده‌محو گردیده‌ومهر بادامی نیز داشته که آنهم محو شده است و پشت آخرین صفحه نیز یاد داشتی بوده که قسمتی از آن محو گردیده و آنچه از آن خوانده میشود این است : تاریخ ولادت بنده درگاه شب یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام سنهٔ ١١٣١ و یادداشتهای مختصر دیگر دردوجای‌مذکورموجوداست . وچنانکه‌ترجمه گردیددر مقدّمه‌تصریح‌شده که‌این‌نسخه مختصر تقویم‌اللّسان‌است ، نه‌خودتقویم‌اللّسان‌میباشد ولی کاتب پس‌از جمله لِأَنَّ اليَوْمَ انْقَضى که‌درمقابل‌انجام‌ذکرشد گوید: نجز کتاب تقویم‌اللّسان آخر نَهارِ الخمیس الخامس من شهر شعبان المبارك من سنه . (تاریخ‌ندارد)

جلد تیماجی مذهب . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٣٨) . صفحه (١١) سطر . طول (١٨ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٠٢) .

[٣٢٩] مقامات بدیع الزمان همدانی (عربی)

مؤلّف ومنشی‌این‌مقامات‌بدیع الزّمان‌همدانی‌رحمه‌الله است (ابوالفضل‌احمدبن حسین بن یحیی‌بن سعید همدانی ٣٥٨ - ٣٩٨)(٢) که یکی‌از معاریف ادباء وشعراء و دانشمندان و در درجهٔ اوّل نویسندگان و منشیان بـزبان عربی میباشد و این مقامات وی ازآفتاب پیش اهل دانش شهرتش بیشتر وفائدهٔ‌آن درفنّ ادب کمتر از آن نیست ونخستین کس است(٣) که بدینگونه مطالبی را از زبان‌مرد مجهولی (ابوالفتح اسکندری) ساخته وپرداخته وبنام راوِئی که وی نیز ساختگی است

(١) صیرفی چنانکه آقای تربیت در ص ٢٣٨ و ٢٣٩ دانشمندان آذربایجان مرقوم داشته اند معروف‌بخواجه‌عبدالله‌ویکی ازشاگردان ششگانه‌یاقوت مستعصمی‌است وازمشاهیر خطاطین‌میباشد و بسال٧٤٢ وفات یافته و در مقبرهٔ چرند اب که یکی از محلات تبریزمیباشد دفن‌گردیده است .
(٢) یتیمة‌الدهر ج ٤ ص ١٦٧-٢٠٤ چاپ‌دمشق ، معجم الادبا ص ٩٤ ج ١ ، روضات ص ٦٦ ج ١ ، شذرات الذهب ج ٣ ص ١٥٠ ، کشف‌الظنون ص ٤٩٤ ج ٢ ، ابن خلکان ج١ ص٣٩ ، معجم‌المطبوعات‌ص١٨٩٥و١٨٩٦ ، امل‌آمل‌ص٣٢ ج٢ ، منتهی‌المقال‌ص٣٤ ، هدیه‌الاحباب‌ص١٠٤
(٣) گویند نخستین کس که بانشاء مقامات پرداخته ابن فارس استاد همدانی است ولی در دست نیست (تاریخ الادب العربی ص ٣٩٦).

(عیسی بن هشام)(۱) روایت نموده و **حریری** چنانکه خود در دیباچهٔ تصریح نموده باقتداء این دانشمند مقامات را ساخته و در آنجا نیز تصریح شده که بدیع الزّمان همدانی نخستین کس میباشد که این روش را برگزیده وازمن خواسته شد وی را پیروی کنم: (ذُکِرَ المَقاماتُ الّتی اِبْتَدَعها بَدیعُ الزَّمانِ وَ عَلّامَةُ هَمَدان .... اِلی اَنْ اُنْشِئَ مَقاماتٍ اَتْلو فیها تِلْوَ البَدیع الخ).

و آخرین همدانی که تا امروز بانشاء مقامات پرداخته ومطالبی علمی و ادبی و اخلاقی و فکاهی را بزبان اهل ادب در آورده و تصنّع را در آن وارد نموده مرحوم میرزا جعفر **همدانی** متخلّص **بریاض** میباشد (بنا بضبط آقای تربیت بسال ۱۲٦۸ وفات نموده و نیز از مقدمه ایکه آقای تقوی مد ظله بر غزلیات ریاض مرقوم داشته اند معلوم میشود که تا اندکی پس از عزل امیر کبیر (۱۲٦۸) حیات داشته است.) که چون بدیع الزّمان مقاماتی ساخته و او نیز ازعهده برآمده و مقامات وی بیست ویك مقامه است و آغاز آن این: (بسمله الحمدلله مبدع الانسان و مودع اللّسان انشاء الکلم وعلّم بالقلم الخ.) وانجام آن این است: (اوغارفی الماء اوالقی فی جنح الظلماء اوابتغی نفقاً فی الارض او سلّماً فی السّماء تمّت المقامة بالخیر والعافیه)(۲) ودر کشف الظنون (ج۲ ص٤۹٤ - ٤۹۹) آنانکه بدین سبك وبنام مقامه یا مقامات نگارشی دارند نام برده شده و آخرین مقامات نگارش یافته «لمعه مظفریه» است(۳).

ثعالبی که از دانشمندان ومؤلّفین معاصر با بدیع الزّمان بوده در کتاب یتیمة الدّهر (ص۱٦۷-۲۰٤ ج٤) وی را بنهایت ستوده ودر اینجا ترجمه مختصری از آن میپردازیم:

« احمد بن الحسین، بدیع زمان ویگانه روزگار ومعجزه همدان و نادره فلك و روشنائی زمانه، کسی بود که در هوش و قریحه نظیر نداشت، طبعی شریف و ذهنی با صفا و نفسی قوی داشت، درنثر ونظم مانند وی را کس ندیده و نخواهد دید، گویا سحر مینمود ویامعجزه داشته، حالاتی

(۱) مقامات بدیع الزمان چنین شروع شده: حدثنا عیسی بن هشام قال ....
و در بیشتر از مقامات بدین گونه: فاذا هووالله شیخنا ابوالفتح الاسکندری ویا بعبارتی نظیر این عبارت تصریح گردیده که مطالب از زبان ابوالفتح است.

(۲) نسخه ای از این مقامات که بخط منشی آن مرحوم میرزا جعفر ریاض و شامل ۲۰ مقامه میباشد و در سال ۱۲٦۹ نوشته شده است اینك نزد جناب آقای تقوی رئیس این دانشکده موجود ونسخه ای آقای تربیت (محمدعلی) دارند که بسال ۱۲۹۰ نگارش یافته و نسخه ای دیگر نیز آقای تقوی دارند که بسال ۱۲۹۷ نوشته شده است. (۳) نسخه این کتاب در کتابخانه مشیرالسلطنه میباشد.

بس شگفت انگیز داشت، از آنها این است: چون قصیده ای که بیش از پنجاه بیت داشت یکبار می شنید همه در حافظه اش جای گزین میشد و از آغاز تا انجام آنرا بدون اینکه یك حرف از آن پس یا پیش شود میخواند، هرگاه چندین ورق از کتابی که هرگز ندیده بود یکبار برآن گذر میکرد مقصود آنرا ادراك وعبارات آنرا نیزحفظ میشد ودرآن بحث وتحقیق مینمود، درهر موضوع نثر یا نظم از وی پرسش یا درخواستی میگردید بی درنگ بپاسخ و انجام آن مبادرت مینمود، بسیار از او دیده شد که کاغذی را از آخر شروع میکرد وبآغاز انجام میرسانید(۱) مشکلات نظم و نثر راوی حل میکرد ومرجع دانشمندان زمان و دورهٔ خویش بود

در سال ۳۸۰ همدان را ترك گفت وازابوالحسین بن فارس (ازایشان درفصل بعد ذیل کتاب مجمل اللغه که ازمؤلفات نفیس ابن فارس است نام خواهیم برد) آنچه دانائی داشت فراگرفت وبسدّهٔ سنیه صاحب بن عباد در آمد وازآن بوستان پربر میوه ها چید، پس ازآن بجرجان آمد وبابی سعید **محمد بن منصور** اختصاص یافت و سرمایه خویش را عرضه داشت وی بنا بعادت دیرین که اهل فضل و دانش را مینواخت وی را بهره‌ای زیاد بخشید و چون خواست که از آنجا رخت بندد و بشهر دیگررود وسائل سفروی را آماده ساخت وبسال ۳۸۲ بشهر نشابور رسید، دراین شهر سرمایه خویش را کاملاً آشکارو قماش خودرا پراکنده کرد وچهار صد مقامه(۲) که درآن آنچه دل میخواهد و چشم ازآن لذت میبرد گذارده شده، اززبان ابوالفتح اسکندری بساخت ومیان وی **وابوبکر خوارزمی** مکاتبات و مناظرات ومفاضلات زیاد رد وبدل گردید و دانشمندان معاصر آنها جمعی با خوارزمی وگروهی طرفدار بدیع الزمان شدند وهردسته یکی را ترجیح میدادند وهمین معارضات موجب شهرت کامل همدانی گردید و سلاطین و امراء معاصر نام و آوازهٔ ویرا شنیدند و طالب

(۱) صاحب روضات درج۱ ص٦٦ گوید که در بحارالانوار از خط شهید اول ره نقل شده که از اصحاب ما امامیه ابو عبدالله حسین بن ابراهیم در اینکه از آخر کاغذی شروع و باول آن ختم میکرد نظیر بدیع همدانی است و نیز چون وی مقاماتی پرداخته است. انتهی (نام این مقامات و منشی آن در کشف الظنون نیست).

(۲) در یتیمة الدهر اربعمائه ثبت شده ولی چنانکه ذکر میشود نسخه ذیل و نسخه چاپ طهران مشتمل بر چهل مقامه است، دانشمند فقید سعید مرحوم شیخ محمد عبده رضی الله عنه که ازافاضل عصر اخیر کشور مصر بوده در مقدمه ای که بر این مقامات نوشته گویند: مشهور است که شمارهٔ مقامات بدیع الزمان بچهار صد میرسد ولی امروز جز پنجاه و چند مقامه آن که در اسلامبول چاپ شده دردست نیست (لکن لم یظفر الناس منها الیوم بغیر عدد قلیل ینیف علی الخمسین طبع مجموعه فی الاستانه) ودراقرب الموارد ج ۲ ص۱۳٦۰ در ذیل لغت «نیف» از ابوالعباس نقل شده که آنچه ما ازدانشمندان مسلّم بصره وکوفه بدست آوردیم ینیف ازیك تا سه وبضع ازچهار تا نه را گویند ونیف استعمال نشود ومگر پس ازعقدی چون «عشرة و نیف و مائة و نیف والف ونیف» وپیش ازاین نقل صاحب اقرب الموارد گوید: نیف چون سیّد وگاهی بتخفیف خوانده میشود زیادتی را گویند چون «عشرة و نیف» و آنچه ازعقد تجاوز کند تا بعقد دیگر رسد نیف گویند.) و شمارهٔ مقامات چاپ عبده (۵۱) میباشد واز مقدمه ایشان معلوم میشود که شمارهٔ چاپ اسلامبول (۵۲) بوده چرا که در آنجا است که بجهتی مقامه شامیه را که درآن نسخه بودمن نقل نکردم.

دیدارش شدند ، دراین میان خوارزمی از میان برخاست و عرصهٔ میدان و جولان درآن مخصوص بدیع الزمان شد و از آن پس سفر های بسیار نمود و از شهر های خراسان و سجستان و غزنین جائی نماند که بدآنجا نرودو بهرهای بسیار نبرد ، پادشاه وامیر ووزیری نبود که از آسمان بخشش‌او بروی باران نعمتی نبارد ، چون از این کارتا اندازه ای بهره کامل گرفت ، بار اقامت را در شهر هرات انداخت و در آنجا آقامت گزید ، خانواده ای جستجو نمود که دانش را با نجابت و شرافت جمع کرده باشند، توفیق باوی‌رفیق گردیدوخداوند دامادی **ابوعلی حسین بن محمد خشنامی** را که فاضلی کریم و شریف بود نصیب وی نمود ، از این پس حال وی بهتر از پیش شد ودیده ودل وی خنك و قوی و توانائی‌اوافزوده گردید و بکمك ومشورت‌وی املاك بسیارمجلل‌وخوب تهیه نمودو با کمال‌خوشی زندگانی کرد وبسال ۳۹۸ درچهل سالگی دعوت حق‌رااجابت گفت و بجوار خدای‌شتافت وعالم علم وادب را داغدارکرد ودانشمندان وی رامرثیه‌هاگفتند ودرمفارقتش نالها نمودند ولی چون وی کسی، که دارای چنین فضایل وکمالاتی بوده‌نمرده‌وهرگز نخواهد مرد.

پس از بیاناتیکه ترجمه فوق مختری از آنها بود ثعالبی قسمتی از منشآت و رسائل و اشعار وی را نقل نموده واز آنها چندین مکاتبه شیرین ومتین‌میباشد که میان بدیع و **خوارزمی** ردّ و بدل شده و کاغذی است که باستاد خویش **ابن‌فارس** نوشته و خود واهل خراسان‌را نثراً هجا کرده ویاقوت درمعجم‌الادباء ج ۱ ص ۹٤ مطالبی را کـه ثعالبی در باره بدیع الزّمان نگاشته مختصر کرده و آورده و قسمتی از آثاری که در آن‌کتاب است نیز در این کتاب میباشدوبر مطالب آن چندان چیزی نیفزوده جزاینکه گوید : در نقل حدیث ثقه بوده ، و باشعری بودن متّهم گردیده و اهل حدیث و سنّت را متعصّب بوده وهمدان‌پس از وی چون‌اورا بوجود نیاورده ودر ۱۳ جمادی الاخر سال ۳۵۸ تولّدیافته‌است.

و در ابن خلّکان است که گویند بمرض سکته دفن گردید و درقبر بهوش آمد ناله و افغان آغاز نمود چون قبر را شکافتند دیدندکه دست بر ریش‌خویش گرفته و جان داده است .

و بعضی نوشته اند که آخر عمر دیوانه شد و در همان حالت بمرد .

مؤلّفاتی که ازایشان مشهور است‌یکی **دیوان اشعار** و دیگری‌رسائلی که‌بنام رسائل بدیع‌الزّمان‌معروف میباشد(در ج ۱ کشف الظنون ص ١٤٨ کتابی‌بنام«امالی بدیع‌الهمدانی» میباشدظاهراً همین رسائل باشد واسمی از رسائل‌وی‌چون‌دیوان او در این کتاب نیست) و این مقامات است که همه را درمصر چاپ کرده اند .

مقامات بدیع الزّمان چنانکه ذکر گردید قدیمترین مقاماتی است که انشاء شده(۱) و همه دانشمندان برتری آنرا ایمان دارند و مشتمل بر مقاماتی شیرین و روان و متضمّن مطالب عالیه و مضامین بسیار لطیف میباشد و در آنهااشعاری صاحب مقامات از خود آورده ونیزباشعاردیگران استشهاداتی نموده‌است ومکرّر در ایران ومصروهندوستان وقسمتی از آن دراروپا چاپ شده‌ومرحوم‌شیخ محمّد عبده که از افاضل قرن اخیر کشور مصر بوده بشرح کلمات و عبارات مشکله آن پرداخته و در ذیل اصل آن مکرّر چاپ شده و نیز با ترجمهٔ انگلیسی آن بسال ۱۹۱۳ م . در مدرس که یکی از شهرهای هندوستان میباشد چاپ گردیده‌است .

آغاز : بسمله المقامة الاولی حدّثناعیسی بن هشام قال دخلت البصرة وانامن سنّی فی فناء و من‌الزّیّ فی حبرٍ ووشاء الخ (۲) .

انجام : ان یقم یحك لنا ُخرطوم فیلٍ فی انتصابه (۳) .

(۷۹۱)

مقامات بدیع الزمان همدانی

این نسخه را بخط نسخ‌خیلی خوب‌علی محمّدبن ابوالقاسم در سال ۱۲۷۷ برحسب‌امر سیف‌الملك عباسقلیخان نوری‌نوشته ترجمه پارسی پاره‌ای از کلمات در ذیل آنها نیز بخطّ نسخ نگاشته‌شده، دارای‌سرلوح‌بسیارزیبائی‌میباشدوصفحات‌محدول‌بطلاوشنجرف‌وزنگار گردیده وزیرسطوربرای‌ترجمه‌با طلاسطربندی‌شده‌وپیش ازحدثنای‌مذکوردرفوق

(۱) صاحب روضات‌الجنات در باره بدیع‌الزمان همدانی گوید : از اجله شعرا و نویسندگان امامیه بوده ، درصورتیکه جز صاحب امل الامل‌ومنتهی المقال وپس‌ازایشان صاحب هدیة الاحباب اورا ازاین دسته وطائفه ندانسته و خود صاحب روضات هم چون ویرادر فصل علماء مخالفین ذکر کرده معلوم‌میشودباین‌مطلب ایمان‌نداشته ودر کتابی دیگرهم‌این‌نسبت‌راندیده‌ام حتی‌صاحب‌مجالس‌المؤمنین هم که‌بادقت‌وموشکافی ازآثار اشخاص‌تشیع وامامی‌بودن‌آنهارا بدست‌آورده‌و برهمهٔ آقایان مقدم‌است اثری از تشیع‌بدیع‌الزمان نیافته وازاین‌روویرا درعدادعلماءشیعه ذکرنکرده‌است.

(۲) این آغاز را از روی نسخه خطی ذیل و نسخه چاپ طهران نقل نمودیم ولی آغاز نسخه در چاپ شیخ محمد عبده اینست : المقامة‌القریضیّه حدثنا عیسی بن هشام قال : طرحتنی‌النوی مطارحها حتی اذا وطئت جرجان الاقصی الخ .

(۳) انجام نسخه‌مدرسه‌اینست : مقامةاخری قال‌رای‌الحجاج‌اعرابیاً واقفاً علی‌مزرعة فقال‌تعیب وهذا الوجه فضحك وولاه‌ضیاعه بالطائف تم . وانجام نسخه چاپ شیخ محمد عبده این‌عبارتست : (وحلف لارکب حِصاناً ولا تزوج حَصاناً . ثم زوج ابنة عمه لابنه) و این آخرین جمله از مقامه **بشریه** است و عبارتی که در مقابل انجام بالا نوشته شده از نسخه چاپ طهران نقل گردیده است .

این جمل نوشته شده : بسمله الحمدلله علی جزیل نعمائه ، ممّا املاها الاستاد ابو الفضل احمد بن الحسین الهمدانی و رواها عن عیسی بن هشام عن ابو الفتح الاسکندری مقامة حدثنا الخ.

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰). صفحهٔ (۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳۵۰) کتابخانه است .

[۳۳۰] مقامات حریری (عربی)

منشی این مقالات حریری ره است که در ص ۱۹-۲۱ بشرح حال ایشان پرداخته‌ایم و این کتاب یکی از کتب معروفه و با اینکه چندان بزرگ نیست مشتمل بر بسیاری از لغات و امثال و رموز و اسرار کلام عرب میباشد و جارالله زمخشری مفسّر و ادیب معروف در وصف این کتاب گوید :

أُقْسِمُ بِاللهِ وَ آیاتِهِ   وَمَشْعَرِ الْحَجِّ وَمِیقاتِهِ
إِنَّ الْحَرِیرِيَّ حَرِیٌّ بِأَنْ   تُکْتَبَ بِالتِّبْرِ مَقاماتُهِ

ابن خلّکان در سبب تألیف کتاب گوید :

(ص ۴۱۹ ج ۱) فرزند حریری ابو القاسم عبدالله گفته روزی پدرم درمسجد بنی حرام نشسته بود ناگاه پیرمردیکه خود را با دو پلاس کهنه پوشیده بود داخل گردید ، بر او آثار سفر پیدا بود و آشفتگی احوال داشت ولی کلامش فصیح و نیکو بیانی داشت ازاو پرسیدند ازکجائی گفت از سروج ، گفتند کنیهٔ تو چیست ، گفت ابو زید ، پس از این پیش آمد ، پدرم مقامه معروفه بحرامیه را که مقامهٔ چهل و دوم از این مقامات میباشد بنام ابو زید ساخت ، در میان دانشمندان خبر آن منتشر گشت تا بگوش شرف‌الدین ابونصر **انوشیروان** بن محمد بن خالد بن محمد کاشانی وزیر المسترشدبالله رسید ، چون آن مقامه را ازنظر گذرانید در نظرش جلوه ای بسزا نمود و پدرم را وادار کرد کهمقامات دیگری برآن بیفزاید او امتثال نمود ودر پنجاه مقامه باتمام رسانید (اشاره بهمین وزیر است که حریری خود درخطبه مقامات گوید : فَاَشارَ مَنْ اِشارَتُهُ حُکْمٌ وَطاعَتُهُ غُنمٌ اِلی اَنْ اُنْشِیَٔ مَقاماتٍ اَتْلُو فیها تِلْوَ الْبَدیعِ وَاِنْ لَمْ یُدْرِكِ الظّالِعُ شَأْوَ الضَّلیعِ .) ابن خلکان گوید آنچه نقل گردید در چندین تاریخ دیده ام ولی در سال ششصد و پنجاه و شش درشهر قاهره (مصر) نسخه ای از این کتاب مقامات را مشاهده نمودم که تمام آن بخط حریری بودو در پشت آن بخط خود نگاشته بود که این کتاب را برای جمال‌الدین عمیدالدوله ابوعلی حسن بن ابوالعزعلی بن صدقه وزیر المسترشد تصنیف نموده‌ام . و شکی در آن نیست که این مطلب راست تر از این است که برای انوشیروان وزیر تصنیف شده باشد چراکه این‌را مؤلف بخط خویش نگاشته است و جمال‌الدین وزیر مذکور در سال ۵۲۲ وفات کرده است .

و در بعضی از مجموعات دیده ام که مؤلف بدواً این کتاب را درچهل مقامه مرتب نمود و آنرا با خود ببغداد آورد و بردانشمندان عرضه داشت ، جمعی از اهل دانش ورا منکر شدند که از تو نیست و تألیف یکی از فضلاء مغرب بوده وبدست تو افتاده وی گفت نه چنین است و خود بتألیف

آن پرداخته ام ، وزیر اورا خواست و از وی پرسید چه‌کاره ای گفت منشی‌ام ، وی برای آزمایش قضیه ای را بدو گفت وخواست که آنرا انشائی کند ، دوات وقلم را برداشت وبگوشه‌ای ازعمارت رفت و آنچه قلم را گرداند ، ابهت مجلس اورا گرفت و نتوانست چیزی بنگارد .

آری چه نیکو گفته است سعدی :

اگر هر هفت سبع ازبر بخوانی   چو آشفتی الف از با ندانی).

چون ببصره برگشت ده مقامه دیگر بر آن چهل مقامه اضافه نمود وببغداد فرستاد و از آن حادثه که در اثر مهابت مجلس برایش پیش‌آمد کرده بود معذرت خواست و انوشیروان وزیر مذکور مردی دانشمند وبزرگ بود ویرا کتابی درتاریخ بنام «صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور» میباشد و عماد اصفهانی درکتاب « نصرة الفترة وعصرة الفطره» که در تاریخ دولت سلجوقی میباشد از آن نقلهای بسیار نموده و این وزیر درسال ۵۳۲ وفات یافته است

و براین مقامات شروح بسیار نوشته شده که بعضی ازآنها مختصر وپاره‌ای مفصّل اند . انتهی کلام ابن خلکان.

صاحب کشف الظّنون (درص ۴۹۶ تا ۴۹۸ ج ۲) بذکر شروح این کتاب پرداخته وحضرت استادی آقای میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام ظلّه فرماید که در پاره ای از کتب نقلهائی ازشرح مقامات حریری تألیف مظهرالدّین شیرازی معاصر قاضی عضد ایجی (متوفی بسال ۷۵۶) دیده اند . صاحب کشف الظّنون نامی از این شرح نبرده است.

صاحب بغیة الوعاة گوید که یکی از شاگردان در موقعیکه خدمت حریری مقامات را میخواند کلمه شعثامغبّراً را در این شعر :

یا اَهْلَ ذَاالْمَغْنی وُقیتُمْ شَرّاً   وَلا لَقیتُمْ ما بَقیتُمْ ضُرّا
قَدْ رَفَعَ اللَّیْلُ الَّذی اکْفَهَرّا   الی ذَراکُمْ شَعِثاً مُغْبَرّا

بدین نحو «سغباً معترا» خواند که معنی مصراع اخیر بطرز اصلی این است : بآستان مرتفع وبلند شما ژولیده حال گرد آلودی‌را آورد. وبطور تصحیف شده چنین است : گرسنه‌ای راکه سئوال نمیکند بآستان بلند شما کشاند .

حریری مقداری اندیشه نمود پس از آن گفت حق باتو است و بدینگونه که تو تصحیف کرده ای بهتر از اصل است ولی چون تاکنون هفتصد نسخه از این کتاب‌را بر من خوانده اند وبر تمام آنها تصدیق نوشته ام آن راتغییرنمیدهم

نخستین کس که بشرح مقامات حریری‌پرداخته ابو الحسن بیهقی میباشد و در فهرست مؤلفات او تذکّر داده شده است .

و در ص ۲۳۹ تاریخ الآداب العربی نوشته شده که بیش ازبیست نفر ازمستشرقین فرانسوی وآلمانی و انگلیسی مقامات حریری‌را ترجمه کرده‌اند و ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۵۰ و ترجمه لاتینی

بسال ۱۸۳۲ م چاپ شده وبسال۱۲۶۳ بفارسی (وپیش از اینسال ترجه شده)ونیز بترکی ترجمه ودر اسلامبول چاپ شده است واینك باشرحیکه رئیس مستشرقین ساف سلفستر(سیلوستر)دساسی بسال ۱۸۲۲ برآن نوشته در مدارس عالیه اروپا تدریس میگردد.

مقامات حریری درمصر وایران واروپا وهندوستان باترجمه فارسی آن مکرّر چاپ شده

آغاز : بسمله اللّهم انا نحمدك على ما علّمتنا من البيان والهمت من التبيان الخ.

(۷۹۲)

مقامات حریری این نسخه که نیز مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خیلی خوب در سال ۱۲۳۶ نگاشته شده و ترجمهٔ فارسی عبارات درذیل آنها بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب باشنجرف نیز درهمان سال تحریر گردیده ، کاتب از خود نام نبرده و نام کسیکه این نسخه بامر او نوشته شده در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند و در حاشیه پاره‌ای از صفحات مطالبی که شارح مشکلات کتابست بدون امضاء میباشد.

جلد روغنی زر افشان . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۶۲) . صفحه(۱٤سطر) . طول(۲۸سانتیمتر) . عرض(۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۲۰۸) .

(۷۹۳)

مقامات حریری این نسخه را که مشتمل بر تمام کتاب است در سال ۱۲۵۵ بخط نسخ خوبی عبدالله المحمّدیه نگاشته ، پس از آن درسال ۱۲۵۷ سیدابوالقاسم نائینی ترجمهٔ فارسی آنرا درزیر هر سطر بخط نستعلیق تحریر نموده ، پشت صفحهٔ آخر و ورق بعد از آن آیاتی از قرآن کریم نقل گردیده و شرح قصیدهٔ برده که در فصل دواوین از آن یاد خواهیم نمود ضمیمهٔ این نسخه میباشد.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۶۳) . اوراق مقامات (۱٤۹) . صفحه (۱۲) سطر . طول ($\frac{1}{2}$۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۷).

(۷۹٤)

مقامات حریری این نسخه که مشتمل بر چهل مقامه میباشد بخط نسخ بدی در سال ۱۲۶۷ نگاشته شده وکاتب نامی از خود نبرده ، ترجمهٔ پاره‌ای از لغات وکلمات بخط نستعلیق در زیر آنها تحریر گردیده و پشت صفحهٔ

اوّل کتاب شرحی بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۶).

(۷۹۵)

مقامات حریری این نسخه بخط نسخ ونستعلیق نوشته شده ، درحدود ده بیت از اخر آنرا کاتب ننوشته وپشت آخرین صفحه عباراتی نگاشته شده وچنین تصوّر میرود که جزء مقامات است ولی از آن نیست ، کاتب نام خود و سال کتابت را تذکر نداده ولی ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده و بسال ۱۲۳۲ بر مدرسه صدر وقف گردیده وجزء (۳۲۱) شماره کتابهائی استکه از آن مدرسه باین کتابخانه آورده شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۳۸) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶سانتیمتر) . شمارهٔ (۳۰۹) کتب مدرسهٔ صدر .

[۳۳۱] مقامات حمیدی (فارسی)

مؤلف این کتاب قاضی حمیدالدّین محمودی مشهور بحمیدی بلخی ره است (ابوبکر حمیدالدّین عمربن محمودالمحمودی متوفی بسال ۵۵۹) (۱) که ازقضات عالیجناب ونویسندگان شهیر نیمهٔ اوّل قرن ششم بوده وعوفی در ابتداء فصل دوّم از لباب الالباب ویرا بینهایت ستوده ودر آنجا است :

« اشارات او مقبول و عبارات اومنقول در فقه واصول و نظر بی نظیر و در دقائق رموز فضلیات ناقد بصیر وچند رسائل را وسائل حصول مقاصد ساخته است وهریك درمتانت بمثابتی است که آب طراوت سحر برده است و بازار حلاوت عسل بدست کساد سپرده یکی از آن جمله مقامات است (همین کتاب) و دیگر « وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة » و دیگر « حنین المستجیر الی حضرة المجیر » و دیگر « روضة الرضا فی مدح ابی الرضا » ودیگر « قدح المغنی فی مدح المعنی » ورساله « الاستغاثه الی الاخوان الثلاثه» و « منیة الراجی فی الجوهر التاجی » ودرهریك داد فضل بداده است و برهان هنر فرا نموده و اگرچه درسخن مراعات سجع کرده چنانکه **اهوازی** در نثر تازی وامام **رشیدالدین** وطواط درترسل فاما جائی که سخن ازحد تکلف میگذرد ولطافتی دارد بغایت واشعار او بغایت لطیف است » .

عوفی پس از بیانات فوق و مختصر دیگری که درمقدّم ومؤخر آنست چند

(۱) تاریخ وفات مؤلف درتاریخ ابن اثیر ج ۱۱ ص ۱۲۷ ثبت شده واسم و لقب وکنیه مؤلف چنانکه نوشته شده در ص ۱۹۸ ج ۱ لباب الالباب چاپ اوقاف گیب مسطور است .

بیت از قصیده‌ایکه درمدح **شرف‌الملك** رضی‌الدّین‌ابوالرّضا فضل‌الله گفته وچند بیت که درواقعهٔ انهزام حشم سلطان‌سنجر ازخطائیان درسمرقندسروده آورده‌است وصاحب مجمع‌الفصحاء در ص ۱۹۷ ج ۱ قسمتی‌از اشعار سفرنامه مرورا که گفتهٔ حمیدی است با ابیاتیکه درواقعه لشکر سنجر عوفی آورده بود نقل نموده‌و در مقامات اشعار عربی وفارسی ازمؤلف دیده میشود.

مقامات حمیدی بیست وچهار مقامه (۱) ویکی از کتب نثر فارسی است که‌از بدوانشاء شهرتی بسزا یافته ونخستین کس که از آن معرّفی نموده **نظامی‌عروضی** در چهار مقاله است که در مقالهٔ اوّل خویش خواندن این کتاب را چون مقامات بدیع‌الزّمان وحریری برای دبیر و نویسنده لازم شمرده (ص ۱۳ طبع برون) و چنانکه از تحقیقات استاد **علامه قزوینی** دام ظله برمی‌آید تألیف چهار مقاله در سالهای ۵۵۱ و ۵۵۲ بوده و چنانکه پس ازاین خواهیم گفت در آن سالها هنوز این مقامات بآخر نرسیده‌بوده‌ودیگری **سعدوراوینی** درمقدّمه مرزبان‌نامه (ص ۲ چاپ طهران) است که آنرا کاملاً ستوده و بنا بتحقیق **علامه قزوینی**

(۱) صاحب کشف‌الظنون در ص ج ۲ شماره مقامه های مقامات حمیدی را ۲۳ تعیین نموده در صورتیکه این کتاب مشتمل بر مقدمه و بیست و چهار مقامه و خاتمه‌ایست، در جمل و کلمات این مقامات رعایت سجع گردیده و درآخرین مقامه که اختصاص بذکر خلفا و جانشینان حضرت‌پیغمبر خاتم صلی‌الله علیه و آله وسلم دارد وقسمت اخیر آن نظم عربی و فارسی است خلیفه عصرخودرا المستنجد بالله عباسی (از سال ۵۵۵ تا ۵٦٦ خلافت نموده) معرفی کرده وآن ابیات این است:

و مستنجدٌ حُرٌّ کریمٌ ختامُهُ　　　اِمامُ الاَنامِ الیَوْمَ اَظهر مفتخر

ونیز بپارسی گوید:

وز بعد آن رسید بمستنجدآن سریر　　　وامروز هست عالم ازو پرجمال‌وفر

وچون دانستیم که ابن‌الاثیر وفات حمیدی را بسال ۵۵۹ ثبت نموده و در مقدمه مقامات شروع بتألیف را مؤلف خود جادی‌الاخری ۵۵۱ معین کرده بنابراین ازنقل فوق بدست می‌آید که فراغت ازانشاء این مقامات میان سال ۵۵۵ و۵۵۹ بوده است واینکه نظامی عروضی درچهار مقاله که بنا بر تحقیق آقای قزوینی بسال ۵۵۲ تألیف شده نامی از این مقامات برده تولید اشکالی نخواهد نمود چرا که ممکن است عروضی قسمتی از مقامات را که تا آنوقت از قلم نویسنده بیرون شده بوده مشاهده نموده وچون آنرا چنانکه هست متین و شایسته تقلید دیده بآنانکه طالب دبیری اند مراجعه بدانرا توصیه کرده ومؤلف پس‌ازآن بچندسال مقامات را خاتمه داده است.

تاریخ این مقدّمه و اصلاح مرزبان‌نامه درمیان سال ۶۰۷و۶۲۲ بوده است (ص یز مقدّمه قزوینی چاپ طهران) و دیگری شاعر مشهور انوری متوفی‌بسال (۵۷۵) است که این کتاب را چنین ستوده:

هر سخن کو نیست قرآن یا حدیث مصطفی
از مقامات حمیدی گشت اکنون ترّهات

و نیز حمیدی را مدائح بسیار گفته چرا که وی انوری را پس از آن حکم نجومی معروف وعدم وقوع آن که مورد حملهٔ عمومی گردیده نگاهداری کرده واز آزار مردمان نجات داده است.

مقامات حمیدی درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و چند بار در ایران وهندوستان چاپ شده و چون سائر مقامات حکایات آن جعلی و اگرچه بظاهر از دیگری نقل گردیده ولی همه از منشآت خود قاضی حمیدالدّین بلخی است.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرفنا بالعلم الراسخ... وسلّم تسلیماً کثیراً کثیراً سپاس‌وستایش‌حضرت‌خداوندی را که بیاراست‌ارواح مارا بوجود اصل‌وبپیراست اشباح مارا الخ.

انجام: ایزد تعالی مارا و دوستان مارا از عیب جستن یاران و طعن و قدح همکاران نگاهدارد و هذیانات این افسانه های نابوده و سرگذشت های‌ناشنوده از ما درگذراناد بحق‌المصطفی محمّد و آله‌الطّاهرین وسلّم تسلیماً کثیراً.

(۷۹٦)

مقامات‌حمیدی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از ابتداء کتاب تا یکصفحه از مقامهٔ نوزدهم گذشته میباشد و آخرین سطر موجود نسخه این است: (وهر که علّمناه من‌لدّنا علماً دانست داند که اساس علم از مدار عرش رفیعتر واز جدار فرش منیع تر.) صفحات مجدول بطلا و لاجورد ودر ابتداء هر مقامه سرسورهٔ ظریفی میباشد و ورق اوّل وآخر نسخه وصالی‌شده و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد و بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحهٔ (۱۶) سطر . طول (۱۸$\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$۱۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۶۰).

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسندهٔ این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلّد نگاشته‌ایم، این مراسله چنانکه درابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامهٔ ملّت (۱)نوشته ، از مطالعه آن معلوم میشود که‌موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلّم اوّل السنهٔ شرقیّه‌درغرمآنیا (ظاهراً معرّب جرمانیااست که مملکت جرمن یاآلمان باشد) بریکی ازابیات قصیدهٔ سروش شمس الشّعراداشته که درشمارهٔ اوّل این روزنامه درج شده و آن اینست :

(مطاوعان وی‌و پیروان‌عترت وی بمعنی آدمیاند ودیگران حشرات)

وگفته‌است چرا سروش مارا حشرات دانسته واین‌اعتراض درآخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه‌را مطالعه کرده‌واعتراضات ذیل را برروزنامه ونویسندهٔ آن‌نموده‌است : **اولاً** چرادرابتداء این‌روزنامه که‌ملّی‌است عکس‌مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است وبایستی شعارملّیت ایرانی یانقوش تخت‌جمشید ویا تاج دوازده ترك که از یادگارهای سلاطین‌صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامهٔ ملّی شرح حال شعرارا می نویسی ومطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه‌ایست که بامر ناصرالدّین شاه‌قاجار در طهران منتشر شده وتاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی‌الاخری‌سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره‌آن انتشار یافته و در هرشماره بشرح حال و ذکر بعضی ازآثارشعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده ومقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام‌روزنامه علمی ودیگری بنام روزنامهٔ دولتی وبگفتهٔ دانشمند معاصرآقای تربیت درص۷دانشمندان‌آذربایجان تحت نظرمرحوم اعتضادالسلطنه بوده‌است ومرحوم‌اعتضادالسلطنه پشت نسخهٔ این‌مکتوب‌بسال ۱۲۸۵ نوشته‌اند : رساله‌ایست که ملافتحعلی‌آخوند زاده بمرحوم حکیم سامانی‌نوشته‌داخل کتابخانه .... گردید. ودرص۲۰۲ ج۲ مجمع الفصحاء وص۲۰۴ المآثر والآثارسامانی را محمد حسن بن قا آنی شیرازی معرفی کرده‌اندو گویند جوانی خوش قریحه‌وباذوق بود ودرجوانی بسال ۱۲۸۵ بهارعمرش خزان گشت. وازمکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود کـه‌مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه‌ای از شماره‌های روزنامه ملت بشمارهٔ (۱٤۸۱) وشماره‌های روزنامه دولتی‌بشماره (۱٤۷۹) وشماره‌های روزنامه علمی شماره(۱٤۸۰) در این کتابخانه موجود است .

عام‌المنفعه که‌موجب تشریح اذهان‌و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید . **ثالثاً** چراسروش‌شمس‌الشعر آءنسب‌خودرابامیر نجم ثانی‌منتسب‌میداند، وشرحی‌مبتنی بر عدم لیاقت امیرنجم باستشهاد از تاریخ حبیب‌السّیر ومتمّم روضة‌الصّفا نگاشته. **رابعاً** دربیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی ازجنبهٔ اعتدال و صحّت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجل ، علیهم‌الصّلوات ، عزّی ولات ، مرآت ، مابقی ، ترّهات ، عقارب و حیّات ، خیرات ، تحرّك ، حشرات ، ده‌ودو ، معترف ، هدیه و **بضاعت‌مزجات** وبعضی‌ازابیات‌قصیده‌سروش‌را که‌بنظراو خلل وزنی‌داشته درذیل این‌بیانات نقل نموده ودرپایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس‌الشّعراء لقب دهند تا عصر و دوره‌را ننگین کنند و آنانکه این آثاررا مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانهٔ سنگی چاپ شده و بایستی باحروف باشد و این مکتوب درحدود (۵۷۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : قریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیّهٔ ایران مکتوب است برادرمکرّم‌من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع‌الاوّل سنهٔ ۱۲۸۳ در شهرتفلیس روزنامهٔ ملّت ایران واصل‌شده بتقریبی که درذیل ذکرخواهدشد الخ .

انجام : هم‌خودت بمنافع وافره نائل خواهی‌شد وهم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ توباد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ئیل ۱۲۸۳ درتفلیس تحریرشد.

(۷۹۷)

مکتوب آخوندزاده

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده وبا نسخه اصل مقابله گردیده ، درسال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و در سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا براین کتابخانه وقف کرده‌اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵) . صفحه (۱۲) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷٦) .

[۳۳۳] مکتوب مرتضی قلیخان (فارسی)

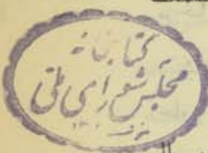
مرتضی قلیخان پسر میرزا علیمحمّد خان نظام‌الدّوله و از حفیده محمّدحسینخان صدراعظم اصفهانی است که درطهران متوطن بوده وبسال ۱۳۰۶ درهمانجا وفات نموده و در فنون ادبیّه و علوم عربیّه ونظم ونثر عربی وفارسی ازدانشمندان و اساتید بشمار میآمده وکتاب **جمرات** و اشعهٔ قدسیّه از او است (المآثر والآثار ص ۲۲۶).

چنانکه مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت نسخهٔ ذیل در ۱۲۸۵ که همان‌سال نگارش این مکتوب‌است نگاشته‌اند ، این مکتوب بقلم مرتضی قلیخان است. ومابا تفحّص و استعلام یقین کردیم که دراواخر قرن سیزدهم مرتضی قلیخان دانشمند و ادیب همین شخص است که ترجمه اورا از المآثر والآثار نقل نمودیم . و این مکتوب جواب مکتوب آخوند زاده است که پیش‌از این بشرح آن پرداختیم ومنشی این‌مکتوب بردِّ مندرجات آن اقامه دلیل وبرهان نموده وثابت کرده که آخوند زاده ندانسته اعتراض نموده و پس از جواب یك بیك اعتراضات وی را با دلیل و برهان دفع کرده واغلاط‌مکتوب اورادرجدولی باذکر صحیح آنها مرتب نموده‌واین مکتوب درحدود (۵۰۰) بیت است .

آغاز : بسم‌الله عزّ سبحانه ـ درجواب مکتوب کاتب قافقاز بر سبیل عجلت و ایجاز مرقوم شده ، بتاریخ روز پنجشنبه دوازدهم شهر صفر ۱۲۸۵ لَازَالَ مَقْرُونًا بِالْأَمْنِ وَالظَّفَرْ ، نگارش محبّت گذارش حاوی مراتب‌مشفقانه‌و نصائح دوستانه که محض مودّت و خلوص طویّت از مخزن فکرت جلوهٔ ظهور نموده پرده و رود کشود . الخ .

انجام : ولی داعی کلی بر این التزام وتطویل کلام هدایت حیرت زده‌صحرای لاغ‌سرائی وارشاد گم گشته بادیه خودنمائی است که من بعد گرد چنین‌کاری‌نگشته تحصیل علوم را الزام داشته خود و دیگران را ازصرف عمر بادعوی فرهنگ و هوش باعتراض وطرد ازشعر شمس‌الشّعراء سروش محفوظ ومصون داشته باشند ،

هٰذا وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيمَ الْوَهّابَ مِنْ اَنْ اَكُونَ مِمّا رَسَمْتُهُ في هٰذَا الباب.. وَلَوْلا ما قَصَدْتُ بِهِ مِنَ الْاِرْشادِ اِلَى نَهْجِ النَّجاحِ وَالْاِصْلاحِ ما اسْتَطَعْتُ وَما تَوفيقي اِلّا بِاللهِ لَتَرَكْتُ اِرْسالَ الْجَوابِ عَنْ هٰذَا الْكِتابِ وَحَسَمْتُ الْكَلامَ عَنْ مِثْلِ هٰذَا الْمَرامْ وَالسَّلامُ عَلى اَهْلِ السَّلام .



(۷۹۸)

مکتوب مرتضی قلیخان

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، درسال ۱۲۸۵ که همان سال انشاء آن‌است داخل کتابخانهٔ اعتضادالسّلطنه گردیده ، قسمتی از شواهد مطالب نگاشته نشده وچنین بنظر میرسد که مخصوصاً برای مرحوم اعتضادالسّلطنه این نسخه را نوشته اند .

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . قطع خشتی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۳۱). صفحه(۱۲) سطر . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸۰) .

[۳۳٤] مناظر الانشاء (فارسی)

مؤلف این کتاب‌چنانکه خوددرمقدّمه بدان تصریح نموده محمودبن‌شیخ‌محمّد گیلانی ره است که از فضلا ودانشمندان معاصر با عبدالرّحمن جامی شاعروادیب وعارف معروف بوده وراجع باین مؤلف فقط شرحی ذیل شهر گیلان در تذکرهٔ هفت‌اقلیم یافت‌شد که مختصرش این‌است : خواجه نجم‌الدّین‌مشهور بخواجه‌جهان درجوانی سیاحت‌را بر اقامت رجحان داده وبسیاری ازشهرهای کشورهارا گردش نموده تا درخدمت سلطان محمّد لشکری که بر سریر سلطنت دکن متّکی بود رسید ، در اندك روزی اعتبار بسیار بهم رسانیده بخطاب **خواجه‌جهانی** ممتاز گردید وبتدریج مهمّش بجائی انجامید که محسود همگان گشت وبکاغذی‌ساختگی اورا ازنظر شاه انداخته و بکشتن دادند ،

از آن وزیر نیکوتقریر رساله‌ایست درانشاء که امروز بین‌الجمهور متداول و مشهور است ودرطبقات اکبری آمده‌که خواجه محمود درایام دولت خود

بافاضل عراق و خراسان همیشه هدیه و تحفه میفرستاده وقتی بجهت مولانا عبدالرّحمن جامی ارمغانی چند فرستاده بود مولانا شکر عطیّهٔ او را بقصیده‌ای مقابله کرده که مطلعش این است :

مرحبا ای قاصد ملك معانی مرحبا　　الصّلا کاین جان و دل نزل تو کردم الصّلا .

و برا ثر آن خواجه جهان غزلی برای جامی فرستاده که این دو بیت از آنجمله است :

جامی اشعار دلاویز تو جنسی است نفیس

بود از حسن ادا لطف معانی یارش

همره قافلهٔ هند روان کن که رسد

شرف مهر قبول از ملك التّجارش . **انتهی** .

صاحب کشف الظّنون (ج۲ ص ٥۲٥) این کتاب را نام برده و در بارهٔ وی ومؤلف آن گوید :

« مناظر الانشاء » فارسی مختصری است ومؤلف آن محمودبن شیخ محمّد گیلانی معروف بخواجه جهان میباشد و آن را برمقدّمه و دو مقاله و خاتمه‌ای ترتیب داده واز کتابهای سودمند است صاحب آن از مشاهیر دنیا ودارای مال و دارائی زیاد بوده وبخشش‌های اوازهند بدانشمندان روم وایران میرسید ودر آنجا مقام وزارت داشته است . **انتهی** .

وجز در این دو مأخذ از این مؤلف نامی و ترجمه‌ای نیافته‌ام و از اینکه در این کتاب از جامی (عبد الرّحمن ۸۱۷ - ۸۹۸) مکرّر با ترحیم بر وی نام برده و از رساله عروض وقافیه وحیدی تبریزی متوفی بسال ۹٤۲ هم نقل نموده و مؤلف آنرا بنام « مولاناوحیدی » بدون ترحیم بروی ذکر نموده، معلوم میشود که تألیف این کتاب دراوائل قرن دهم هجری وظاهراً پیش از سال ۹٤۲ بانجام رسیده و از سید محمّد عصّار تبریزی متوفی بسال ۸۹۲ نیز یادنموده (ص۹٦ نسخهٔ ذیل)و ظاهراً خواجه جهان چنانکه ازمطاوی این کتاب مستفاد میشود بر طریقه‌ای از طرق چهارگانه اهل سنّت میرفته وتا اواسط این قرن حیات داشته است . (دریادداشتهای دانشمند محترم

و متتبّع معاصر آقای تربیت (محمّدعلی) چنین دیدم که شیخ محمود معروف به خواجه جهان بسال ۹٦۲ وفات یافته ودرجای دیگر این ضبط را نیافته‌ام) .

از سایر حالات ومؤلفات این مؤلف اطلاع کافی دردست نیست جز اینکه در ص ۲۲٤ نسخهٔ این کتابخانه تفصیل مطالب را بکتاب « ریاض الانشآء » حوالت نموده وصاحب کشف الظّنون نیز این کتاب را ازمؤلفات وی دانسته و از کیفیّت عبارات صفحهٔ مذکور این نسبت تأیید میشود . و نیز در ص ۱۸۹ همین نسخه مؤلف گوید : این فقیر درعنفوان شباب ابکار اشعار انوری و کمال اسمعیل وسلمان را حلل نثر پوشانیده است وطبع سقیم خودرا ازجام تنثیر شعر ایشان صهبای قوّت وقدرت انشا نوشانیده .

مناظر الانشاء چنانکه صاحب کشف الظنون بیان نمود برمقدّمه و دو مقاله وخاتمه‌ای مرتب شده ودرفنّ انشاء است ، مؤلف بمناسبت بسیاری از مطالب علم معانی و بیان و بدیع را ذکر نموده و باشعار و کلمات بزرگان گذشته و معاصر از عرب وعجم چون متنبّی وحریری وسعدی وحافظ وظهیر فاریابی وغیرهم استشهاد نموده و گاهی از نثر ونظم خویش آورده واین دوبیت ازاوست :

علم است چون حیات ابد ای پسر بکوش

وز چشمه حیات خود آب حیات نوش .

....

از هر دو کون جانرا مأوی دهان او بس

آری بلا مکان جان دارد همیشه منزل .

وفهرست مطالب این کتاب را ازروی خود نسخه ذیلاً مینگارم : **مقدمه** : در بیان ماهیّت علم انشاء وموضوع وفائدت آن وغیراز اینها ودر آن هشت فصل است . **مقاله اولی** : درتقسیم کلام بنابرطریقه وروش منشیان ودر آن چهار **منظر** است. **مقاله دوم** . دربیان اقسام ارکان وشرائط آنچه مردم بیکدیگر مینویسند و در آن پنج **منظر** است . **خاتمه** دربیان ماهیّت خطوط وقواعد نگارش کلمات واین مطالب را در ذیل هفت قاعده آورده است .

این کتاب در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و با اختصارش مشتمل بر مطالبی سودمند و از کتب نفیس این فن میباشد و چنانکه در مقدّمه است مؤلف خود آنرا «**مناظر الانشاء**» نامیده و وجه تسمیه تقسیم دو مقاله آن بر مناظری چند میباشد.

آغاز: بسمله یا مبدء الانشاء بسط نور الوجود... اما بعد چنین گوید فقیر جانی محمود بن شیخ محمّد گیلانی که بر خاطر پاك و ضمیر درّاك صدر نشینان محافل ادراك ظاهر و هویدا است که علم انشاء رسائل و خطب از جلائل اقسام اثنی عشر علم ادبست الخ.

انجام: و لفظ قفص که در پارسی بسین مینویسند و بصاد نیز جائز است و در عربی بحرف صاد مینویسند و بسین (۱) قدتمّ.

این کتاب بدون تاریخ در اسلامبول چاپ شده است.

(۷۹۹)

مناظر الانشاء این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد، بر کنار صفحهٔ دوّم محمّد کاظم بروجردی بعربی نوشته است: یکی از دوستان در سال (۱۲٤۰) این کتاب را بمن بخشید. برگ اول نسخه وصّالی گردیده وبر ورقیکه پس از ختم کتاب سفید بوده اشعاری از صائب نوشته شده و بنام رساله در انشاء بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه گردیده است.

جلد چرمی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۳۳) صفحه ای (۱۳) سطر. طول ($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۹۷).

[۳۳۵] نثر اللآلی (عربی)

این کتاب نیز منتخبی از کلمات قصار حضرت مولی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام میباشد و درسی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب شده و هریك از ابواب دارای چندین کلمه از کلمات حکمت آمیز است، جامع و مرتب آن چنانکه پشت نسخهٔ چاپی و در مقدّمه بعضی از نسخهای خطی مشاهده میگردد حضرت شیخ ابو علی

(۱) در نسخه و بسین نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلماً «نه بسین» بوده و کاتب غلط نوشته و در نسخه نظائری دارد و بنابراین واو «ودر عربی» در عبارت فوق نیز زائد است.

طبرسی صاحب مجمع البیان رحمة الله علیه است که بسال ۵٤۸ وفات یافته و در ج ۱ ص ۱۰۸ این فهرست بترجمه و شرح بعضی از مؤلفات ایشان پرداخته شده ولی صاحب روضات (ص ۵۱۲) در ذیل شرح حال شیخ طبرسی گوید: و نیز از مؤلفات این عالم جلیل بنابر آنچه بایشان نسبت میدهند کتاب نثر اللآلی است که رساله‌ای مختصر و چون «غرر و درر» آمدی مرتب بترتیب حروف تهجّی است و در آن کلمات حضرت علی ع جمع آوری شده ولی گمان من این است که این کتاب گرد آوردهٔ سید علی بن فضل الله حسینی راوندی باشد و بر هر تقدیر با «**نثر اللآلی**» مؤلفهٔ شیخ محمّد بن جمهور الاحسائی که موضوع آن مسائل فقهیّه و اخبار می باشد نبایستی آنرا اشتباه نمود **انتهی**.

و صاحب کشف الحجب و الاستار این کتاب را (نثر اللآلی - کلمات قصار) جزماً به عزّ الدّین سید علی بن فضل الله راوندی نسبت داده است و شرح حال این سید جلیل را فقط در هدیة الاحباب (ص ۱٤۰) در ذیل **راوند** و نام پدر وی یافتم و ترجمه آن این است: سید ابوالحسن عزّ الدین علی بن ضیاء الدّین عالمی دانشمند و فقیهی راستگو و ادیبی اریب و شاعری ادیب است و صاحب تصنیفات زیاد می باشد و سیّد علیخان در «الدرجات الرّفیعه» وی را بدینگونه معرّفی میکند: وی بچه شیریست که شیر روش وی را پیروی میکند و دانش بوی پا برجا است و آنکس که بپدر خویش اقتدا نماید جای دوری نرفته. و نیز در آنجا نوشته شده وی را مدرسه‌ای بزرگ در کاشان است که بر روی زمین مانندی ندارد و در آن بسیاری از علما و دانشمندان و پرهیزکاران و عابدان مسکن دارند و این سید جلیل (سیّد علی بن فضل الله) تا سال ۵٤۸ زندگانی میکرده است. **انتهی**.

صاحب وقایع الایّام در حاشیه ص ٤۰۹ ج ۳ بنقل از ریاض العلما گوید که جامع کلمات قصار موسوم به نثر اللآلی قطب راوندی است.

چنانکه در ذیل صد کلمه در ص (٦۹) گذشت این کلمات قصار را **عادل** هریك بیك بیت فارسی ترجمه نموده و آغاز و انجامش نیز در آنجا ثبت شده بدانجا مراجعه شود.

در تحفهٔ سامی کتابی بنام «نثر اللآلی» به **امیر علیشیر نوائی** نسبت داده شده و این امیر کلمات قصار (نثر اللآلی) را هریك بیك رباعی ترکی ترجمه نموده و آنرا «نظم الجواهر» نامیده و یك رباعی از آنرا در «بدایع اللّغه» ذیل لغت «ایلدام» یافتم.

و نیز این کتاب بنثر فارسی ترجمه گردیده و نسخهٔ خوبیکه بخطّ سیّد محمّدتقا بسال ۱۳۱۲ با سفیداب نوشته شده و اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده دارای آن است و نامی از مترجم در آن نیست و چون هنوز نظم و ترتیب کتب اخیر تمام نشده خصوصیّات آن نسخه را در اینجا نمی آوریم . وبسال ۱۳۱۸ با ترجمه فارسی آن که انشاء کاظم بن محمد گیلانی (فیلسوف الدوله) در همانسال میباشد در طهران چاپ شده است .

نثراللآلی بسال ۱۳۱۲ بضمیمهٔ « اربعین شهید اوّل » و « شرح حدیث کسا » و « اربعین میرفیض‌الله حسینی تفرشی » نیز درطهران چاپ سنگی شده است (۱) .

آغاز: بسمله حرف الالف . اِیْمانُ الْمَرْءِ یُعْرَفُ بِاَیْمانِهِ .

انجام: یأسُ القلبِ راحةُ النَّفسِ ، یَسْعَدُ الرَّجُلُ بمصاحَبَةِ السَّعید (۲) .

(۸۰۰)

نثر اللآلی — این نسخه بخطّ نسخ نوشته شده ، کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده ، از اینکه جزء مجموعه ایست که بیشتر رسائل آن بسال ۱۰۷٤ نوشته شده بایستی این نسخه نیز در آن سال نگارش یافته باشد . خصوصیّات دیگر این نسخه را بمجموعهٔ شمارهٔ (۲۷۹۹) کتابخانه مراجعه نمائید و این کتاب در ص ۲٦ تا ۲۹ آن مجموعه نوشته شده است .

[۳۳٦] نصایح حضرت امیر(ع) (عربی)

کتاب یا رساله ایکه بدین نام در این کتابخانه میباشد عبارت است از کلمات وعبارات منتخبه‌ای از نهج البلاغه و نثراللآلی و غررالحکم که درنصیحت وموعظه از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام مأثور است و ظاهراً جامع آن همان

۱ ـ در کشف الحجب آغاز این کتاب پس از بسمله اینگونه نوشته شده : الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین هذا کتاب نثر اللالی الخ . و در نسخهٔ چاپی پس ازبسمله چنین است : الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد خیر المرسلین وآله الطیبین الطاهرین اما بعد فهذه کتاب نثراللالی من کلام امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین و خلیفةرسول رب العالمین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام علی ترتیب حروف الهجا حرف الالف ایمان المرء یعرف بایمانه .

۲ ـ در نسخهٔ چاپی ترجمه نثر اللالی عادل ازکلمات قصاری که ابتداء یادشده فقط این کلمه ذکر شده : (یبلغ المرء بالصدق منازل الکبار) ولی انجام نثراللالی چنان است که ملاحظه میشود .

محمّدعلی جرّاح نظام نویسندهٔ نسخه است و درحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : نصائح حضرت امیرع بسم‌الله خیرالاسماء ـ اوصی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب ولده الحسین صلواةالله علیهما وعلی الائمّة الاطهار من ذرّیتهما وسلامه فقال یا بنی اوصیك بتقوی الله الخ .

انجام : لاتتمّ مروّة الرّجل حتی لایبالی ایّ طعام اکل و ایّ ثوب لبس ، حرّره الفقیر الحقیر محمّدعلی جرّاح‌النظام خلف مرحوم عبدالله بیك جرّاحباشی نظام فی عشر الثّالث من شهر رمضان المبارك سنة ۱۲۸۵ .

(۸۰۱)

نصائح حضرت امیر(ع) — این نسخه‌را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمّدعلی جرّاح‌نظام بسال ۱۲۸۵ نوشته و در همین سال چنانکه پشت صفحهٔ اوّل یاد داشت گردیده داخل کتابخانهٔ اعتضاد السّلطنه شده وبهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده ومجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است.

جلدمقوائی. کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵) . صفحه (۸)سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۰) .

[۳۳۷] نظم الغرر و نضد الدرر (فارسی)

عالم‌جلیل عبدالکریم‌بن محمّد یحیی(۱)قزوینی رحمة‌الله علیه که‌ازدانشمندان دورهٔ سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوده وبشهادت مندرجات این کتاب و تصریح خود در مقدّمه مجلّد دوّم آن سالها بمطالعه و مباحثه و دقّت در اخبار

(۱) بنا بضبط در مقدمه مجلد دوم و مجلد اول که در تبریز موجود است و صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹٦ ج ۲ از آن نقل نموده و ضبط درمقدمه نسخه کتابخانه‌حضرت رضاسلام‌الله‌علیه و نسخه مجلس‌شورای ملی نام پدر عبدالکریم **محمدیحیی** بوده ولی درفهرست‌رضویه ص۱۰۱ ج ۱فصل اخبارخطی**محمدبن‌یحیی** ثبت شده بنابر آنچه گفته شد کلمه ابن میان محمد و یحیی غلطاست وبامراجعه بکتب روضات و تنقیح المقال ولؤلؤتی‌البحرین وجامع الرواة وفیض القدسی و مستدرك الوسائل و غیره بنام و شرح حال این عالم و محدث بر نخوردیم . درحاشیه‌نظم‌الغرر نسخه مجلس رساله‌ای نیز از این مؤلف « راجع به ذوالقرنین » میباشد و دارای مطالب زیاد و افسانهائی در حدود (۲۵۰) بیت‌میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله‌بدانکه خلافست‌درمیان مفسرین وارباب سیر که آیاذوالقرنین اسکندر رومیست یاغیر اوالخ .

انجام : و ملوك آفاق را مملوك ساخت چگونه خوابید که بیدار نمیگردد و چون خاموش شد که هیچگونه سخن نمیگوید .

ائمّهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله فی کل لیل و نهار اشتغال داشته ، هنگامیکه تشرّف بآستان حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه سلام الله را یافته (۱) بر آن شده که کلمات قصار آنحضرت را که آمدی ره در غرر الحکم (از این کتاب و مؤلف آن در ص ۷۶-۷۸ همین مجلّد معرّفی کرده ایم) بترتیب حروف تهجّی مرتّب نموده و بترتیب و مناسبت معنوی میان آن کلمات مبارکات منظّم نماید ، خوشبختانه بنا بگفته خویش در مقدّمه های مجلّدات موجوده موفقیّت باین امر یافته و در نود و نه باب بشمارهٔ اسماءالله الحسنی این کتاب را تألیف و درذیل پاره‌ای از کلمات آیه‌ای یا آیاتی از قرآن کریم وخبری یا اخباری را که ازمعصومین ع مناسب‌مقام بوده نقل‌نموده و پس ازاین کار برای استفاده فارسی زبانانیکه‌استفاده از کتب عربی نمیتوانند کرد بترجمه وشرح آن بزبان فارسی پرداخته وگذشته از بیان مراد و معنی آنها قصص وحکایات وابیات مناسبه‌ای آورده است و تا اینجا که نگارنده تحقیق نموده و بدست آورده پنج مجلّد از این شرح و ترجمه که مشتمل بر (۲۰) باب میباشد مسلّماً از قلم شارح خارج شده و ذیلاً مجلّدات و ابواب آنها ذکر خواهد شد .

فهرست مجلّدات و ابواب این کتاب تا حدّیکه پیش نگارنده مسلّم است :

مجلد اول مشتمل بر سه باب وبدین تفصیل است : **باب اول** در علامات ثبات دول و بقای آن . **باب دوم** در منافع عدالت ومضارّ جور . **باب سوم** در آداب سلوك در خدمت ملوك .

این تقسیم از مقدّمه مجلّد دوّم که اینك دراصفهان موجود است و مالك آن آقای محسن نعمت اللّهی دامت توفیقاته بتمامه آنرا بخطّ خویش استنساخ نموده و برای نگارنده فرستاده و رهین امتنانم فرموده اند استفاده گردید و قسمتیکه مبیّن این‌ابواب است از مختصر مقدّمه آن که ذیلاً نقل میگردد معلوم خواهد شد و بنابراین مسلّم میشود که مجلّد اوّل دارای این مطالب است و ابواب نسخهٔ

(۱) در مقدمه نسخه خراسان باین مطلب تصریح شده و چنانکه در صفحه بعد تذکر داده‌خواهد شد بعقیدهٔ نگارنده این مقدمهٔ مجلد اول و خود نسخهٔ زر مجلد اول از این کتابست و کاتب و مستنسخ اسامی ابواب را غلط نوشته است .

خراسان اگر چه بنام سادس و سابع و ثامن نامیده شده ولی پس از دقّت معلوم میشود که نویسنده اوّل و ثانی و ثالث را تصحیف نموده و برای تأیید خویش فهرست ابواب نسخه خراسان را ذیلاً نقل مینمائیم :

الباب‌السادس: فی الدُّوَلْ وَ عَلٰاماتِ اِقْبالِها وَ اِدْبارِها وَ زَوالِها وَ اِنْتِقالِها وَ ما قارَبَها .

الباب‌السابع: فی مَنافِعِ العَدْلِ وَ الاِنْصافِ وَ مَضارِّ الجَوْرِ وَ الْبَغْیِ وَالاِعْتِساف .

الباب‌الثامن: فی تَعْلیمِ السُّلُوكِ فی خِدْمَةِ الْمُلُوكِ وَالرِّیاسَة وَمایَتَعَلَّق بالسِّیاسَة .

و از آنچه صاحب وقایع الایّام در حاشیهٔ ص ۳۹۶ ج ۳ نگاشته اند بدست میآید که نسخهٔ تبریز نیز قسمتی از مجلّد اوّل وبا تمام آنست و در مرقومه ایکه بنگارنده نگاشته‌اند تصریح‌نموده که تاریخ تحریر این نسخه‌سال ۱۱۱٤واز کتب کتابخانهٔ‌مرحوم حاج سیّد علی آقای ایروانی واینك متعلّق به آقای سیّدعبدالحجّه ایروانی دام عمره میباشد و عبارت وقایع الایّام اینست :

و عالم جلیل میرزا عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی از علما عهد شاه سلطان حسین صفوی در کتاب نظم الغرر ونضد الدرر بعضی ازکلمات معجزات (کذا) آیات آنحضرت‌را آنچه‌متعلق باستقرار دولت و استحکام معدلت است با ذکر بعضی از حکایات مختصره و ابیات رائقه نقل کرده و حقیر در مجلد دوم منتخب المقاصد درج کرده‌ام **انتهی** .

مجلد دوم چنانکه مؤلّف‌در مقدّمه‌بدان تذکّر داده‌اند این مجلّد فقط‌مشتمل بر دو باب است : **باب چهارم** در خصائص و اسرار پیغمبر (محمّد ص) واهل بیت اطهر آنسرور علیهم صلوات‌الله الملك الاکبر . **باب پنجم** در علم و جهل و علامات عالم و جاهل و فضائل عالم عامل .

نسخه این مجلّد را فقط در اصفهان نزد آقای محسن نعمت اللّهی دام عمره و توفیقه سراغ دارم .

مجلد سوم و چهارم مشتمل بر باب ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است و از این ابواب بس **باب دهم** که‌در منافع دوستی و آنانکه شایستگی آنرا دارند و آنانکه نبایستی بدانها دوستی کرداست و **باب یازدهم** که‌در خوشی وخوشروئی وخلق نیکو است و بضمیمهٔ باب چهاردهم که ذیلاً از آن نام میبریم در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی درتحت شمارهٔ (۲۹۲) کتب خطّی (خارج از شمارهٔ جلد اوّل فهرست کتب خطّی است)موجوداست و بر وجود دیگر ابواب این مجلّد وموضوعات آنها تا کنون اطلاعی نیافته ام و درص (۱۰۶) این فهرست ذیل همین کتاب تذکّر داده شد که آنچه در فهرست کتابخانه حضرت رضا علیه‌السّلام (ص ۱۰۱ ج ۱ اخبار خطی) در ذیل خصوصیّات نسخه آنکتابخانه‌نوشته‌شده که مشتمل بر باب ششم تانهم‌میباشد ، موافق با واقع نیست .

مجلد پنجم مشتمل بر هفت باب بتفصیل ذیل میباشد : **باب چهاردهم** در شجاعت و مذمّت جبن و تهوّر وعجز و تعلیم آداب حروب و دستور بر گزیدن سرداران لشکر و علامات نیك و بد ایشان و طریق محافظت ثغور مملکت‌وسلوك باسپاه و رعیّت و غیر آن . **باب پانزدهم** در جهاد اصغر و جهاد اکبر . **باب شانزدهم** درنیکوئی اقتصاد وحسن تدبیر ونهی از اسراف وتبذیر . **باب هفدهم** در تقدیر ارزاق عباد . **باب هیجدهم** در نهی ازسئوال از مخلوق و بیان مذمّت آن و محو شدن رزق بسبب آن . **باب نوزدهم** در منافع قضای حوائج مؤمنین . **باب بیستم** در مذمّت تکبّر و مدح تواضع و ثمرات آن [چون آمدی بعضی از فقرات خطبه قاصعه را که در موضوع تکبّربوده نقل کرده است مؤلف پس‌از نقل آن جمل بر آن شده که در این باب (باب بیستم) بشرح تمام آن خطبه بپردازد وپس‌از آن سائرکلمات واخبار وآیات واردهٔ دراین باب‌راشرح‌نماید] .

بدبختانه ازاین مجلّد جزباب چهاردهم که‌اشارت رفت نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی موجود است و این فهرست ابواب از آنجا استنساخ گردیده و باب بیستم آن که در این کتابخانه است و ذیلاً بخصوصیّات آن خواهیم پرداخت بدست نیاورده و ازوجودسائرابواب‌وحتّی‌از فهرست آن‌خبری نداریم .

نگارنده تاکنون نام این کتاب‌را جزماً نمیداند چیست چرا که مؤلّف‌خود در مقدّمه مجلّدات موجوده هر یك بنحوی آنرا معرّفی کرده ولی از اسم کتاب و توجّه بموضوع آن بنظر میرسد که بایستی « نظم الغرر و نضدالدرر » نام‌مرتّب شده غرر الحکم آمدی در نود و نه باب باضافه اخبار و آیات مناسبه هرباب که بزبان‌عربی‌است بوده‌باشد واین کتاب فارسی را که باب بیستم آن‌دراین کتابخانه و ابواب دیگر آنرا نشان دادیم شرح یا ترجمه نظم الغرر و نضد الدرر نامید امّا بمتابعت فهرست کتابخانه رضویه وصاحب‌وقایع‌الایّام ما نیز آنرا بنام نظم الغرر و نضدالدرردر این‌فهرست ذکروذیلاً بنقل عبارات مؤلّف از مقدّمه‌های‌مجلّدات موجوده‌میپردازیم .

در مقدّمه نسخهٔ کتابخانهٔ رضویّه که مسلّماً مجلّد اوّل است چنین نگاشته شده :

اما بعد چون بمساعدت توفیقات ربانی و معاضدت تأییدات یزدانی دیده بصیرت خاك قدم شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله‌الملك الغفار المفتاق الی عفور به‌الغنی‌المغنی**عبدالکریم بن محمدیحیی‌القزوینی** بمطالعه‌وتتبع کتاب‌مستطاب‌غرر و درر که منتخب حکم‌مختصره و مواعظ موجزهٔ‌حضرت امیر المؤمنین ع . . . . . . رسید و آن کنز رایگان وگنج شایگان که شمهٔ‌آن(ازظ) کنوزعالم‌غیبی‌وشرزمهٔ‌ازمعادن اسرارلاریبیست‌ازنظراکثر ابنای‌زمان‌خصوصاًسکان متوطنین عرصه‌وسیع فضای ایران جنت نشانرا که‌تکلم‌بلغت فارسی‌واقع‌میشودوهریك‌از ایشانرا‌تعلم بلغت عرب مقدور نیست نهان و باین جهت بسیاری ازشیعیان‌اخباراز انتفاع . . . . . . تصمیم‌عزیمت‌نمود کمشرح‌واضحی بزبان فارسی برفقرات اعجاز سمات‌آن نگارد . . . . . وبعون‌الله تعالی و حسن توفیقه یك‌مجلد آن‌شرح‌مذکوربروجه منظور سمت‌اختتام یافت . . . . و چون جامع کتاب‌مستطاب غررو درر بنارا بر ترتیب حروف‌هجا دراوائل آن‌فقرات اعجازآیات گذاشته و تناسب معنوی را مرعی نداشته بود درطی مطالعه و مراجعه بهدایت الهام غیبی ودلالت توفیق لاریبی بخاطر قاصررسید که دردیده بینش معنی شناسان بنای ترتیب آنها بر تناسب‌معنوی نظر بفضل معنی بر لفظ انسب و بسهولت انتفاع ناظرین وطالبین اقرب بنماید . . . . . متوکلاً علی‌الله مشغول باین نظم و ترتیب گردید ودر اندك زمانی بعون عنایت سبحانی و امداد باطن فیض مواطن ناظم درر غرر آن کلمات اعجاز سمات ربانی این کتاب مستطاب بر نود ونه باب بعدد اسماءحسنی‌مرتب گشته بانجام رسانید و موسوم **بنظم الغرر و نضد الدرر** گردید و بعد از انجام و اتمام‌این مهم خیر اختتام بخاطر فاتر رسید که عجالةً ترجمه مختصری که قریب بفهم عام و خاص باشد قلمی شود تا چنانکه منظور و مقصود است این نسخهٔ شریفه موجب انتفاع عموم مؤمنان خصوصاً اخوان دینی گردد ودعائی بجهت این سرایا تقصیر از مؤمنین بظهوررسد

و چون مطابقت فارسی با سیاق عربی موجب وحشت عبارت میگردد و مقصد (مراد مقصود است و شاید غلط استنساخ شده است) از آن قسم عبارتی بفهم هر کس نمیرسد لذا در ترجمه اکثر فقرات طیبات بحاصل معنی اکتفا نمود و درترجمهٔ آیات و احادیث آنچه که مذکور شده یابعنوان نقل از مفسرین و شارحین یا بطریق اظهار احتمال نگارش پیرا گردید . . . . و همت والا نهمت پادشاه جمجاه . . . . . شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی . . . . . مصروف بر ترویج احادیث ائمه ع . . . . . لازم و واجب دانست که این مختصر را هدیه مجلس بهشت آئین و منظور نظر فیض مظهر ایستادگان پایه سریر معدلت قرین گرداند امید که بحلیه استحسان خاطر ملکوت ناظر متحلی گشته ثواب آن بروزگار فرخنده آثار واصل و متواصل و عامه ناس را انتفاع باین کلمات اعجاز سمات حاصل گردد **و من الله الاستعانه فی کل باب و علیه التوکل فی المبدء والمعاد .**

و نیز در حاشیهٔ نسخهٔ کتابخانه رضویّه است :

توقع آنکه ارباب بصیرت نظر بر گهر گماشته صدف را در میان نه بینند و در مقام تدبر وتفکر در آمده بربساط اعراض واعتراض ننشینند چه مترجم را دراین تحریر نصیبی بجز منصب ترجمانی نیست و بهرهٔ غیر از شیوهٔ سخن رانی نه .

(ازنقل این قسمت از مقدمه نیز بخوبی واضح و آشکار است که مقدمه مجلد اول کتابست و الا چون در سائر مقدمات اشاره بمجلدات پیش آن مینمود.)

و در مقدّمه مجلّد دوّم است :

الحال مدتی است که لآلی شاهوار کتاب درر غرر را که حاوی کلمات موجزه حضرت سید ازهر و آفتاب انور و کلام ناطق خدا و مترجم آیات حضرت حقتعالی حضرت امیر المؤمنین حیدر علیه صلوات الله الملك الاکبر و مشحون بدراری سپهر معرفت و مالامال زلال بحر دانش و حکمت است روشنی بخش سراچه دل و وسیلهٔ انحلال هر مشکل نموده و از مطالعه و تتبع آن مفاتیح باب مدینه علم نبوی ابواب معرفت برروی خاطر ناقص خود گشوده است و بعد از آنکه در ذیل شمهٔ از فقرات آن کتاب مستطاب برای فارسی زبانان از یاران و اصحاب شرحی بلغت فارسی بقلم ضعیف نال این شکسته بال مرقوم و **باصداف الدرر** موسوم شد بنابر آنکه فنون حکمت بدون رعایت تناسب در ابواب آن کتاب متفرق بود آنرا به نود ونه باب که هرباب مشتمل بر کلمات متعلقه بفنی از فنون حکمت بالغه باشد با انضمام احادیث مناسب هر باب ترتیب داد واین وضع و ترتیب در نظر علمای عصر کثرالله امثالهم مستحسن افتاد و ثانیاً درشرح آن کلمات اعجاز طراز بترتیب معروض شروع شده **بنضدالدرر** موسوم گردید و بمیامن توفیقات ملك علام وجدوجهد تمام یك مجلد آن که مشتمل بر علامات ثبات دول و بقای آن ، و منافع عدالت و مضارجور ، وآداب سلوك درخدمت ملوك بودباتمام رسید . . . . رغبت طبع همایون بملاحظه تتمه شرح مذکور بر زبان الهام بیان آنخسرو قضا فرمان گذشته . . . . . و در اوان فرمان قدر توامان مجلدی دیگر از **نضدالدرر** چنانچه باید سمت انجام نگرفته و حلیه تمامی نپذیرفته بود لهذا نسخه **اصداف الدرر** که سابقاً در سلك انتظام آمده بود معروض سدّه سنیه والا شد ودر دراینوقت که مجلد دیگر از **نضد الدرر** مشتمل بر باب خصائص و اسرار پیغمبر و اهل بیت

اطهار آن سرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر و باب علم و جهل صورت انجام یافت الخ .

و در مقدّمه مجلّد پنجم چنین نگاشته شده :

و در این ایام چنانچه در مجلدات سابقه بعرض ناظرین رسانیده بالهام غیبی و اشارهٔ لاریبی بعد از ترتیب معنوی مشغول ترجمه و شرح کتاب نظم الغرر و نضد الدرر گردید وچهار مجلد ازآن بعون الله الملك المنان صورت انجام پذیرفت و بنظر خیر منظر ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر رسیده پذیرائی حسن قبول یافته و حسب الفرمان قضا جریان باتمام سائر مجلدات و انفاذ آن بدرگاه عرش اشتباه مأمور گشته ودراین وقت یکمجلد دیگراز آن که مشتمل بر . . . .

(فهرست ابواب را کهقبلاً نقل نمودیم دراینجا ذکر نموده است) صورت انجام پذیرفته بود واجب دانست که هدیه سدهوالا ودرگاه معلی نماید الخ .

مقدّمه مجلّدیکه در تبریز است بوسیلهٔ آقای حاج ملاّ علی واعظ خیابانی دام علاه خواستم ازشرحیکه مالك مذکور آن بایشان نوشته وعیناً آنرابرای نگارنده فرستاده بودند معلوم شد که آن نسخه را کسی عاریه گرفته و نداده لذا نقل مقدّمه آن ممکن نشدولی بقرینه نقلیکه صاحب وقایع الایام کرده و در ص (۱۰۷) گذشت در آنجا نیز نام این کتاب « نظم الغرر و نضدالدرر » ثبت شده است .

آغاز سه مجلّد فوق را ذیلاً مینگاریم :

آغاز مجلد اول : بسمله حمد و ثنائیکه جمیع مخلوقین و ملائکه سموات و ارضین بامداد مداد بحار و اقلام اشجار از عهده نگارش برخی از آن عاجز آیند مالك الملکی را سزاوار الخ .

آغاز مجلد دوم : بسمله شکر وسپاس بیقیاس مخصوص حضرت قادرعلیم و صانع حکیمی است که نضد درر کواکب در اصداف افلاك بدست قدرت کامله او انتظام گرفته الخ .

آغاز مجلد پنجم : بسمله و به تقتی حمد و سپاسی که جنود نامعدود معتکفان معابد فلك و صاحبان مفاخر نحن نسبّح بحمدك ونقدّس لك از اقدام بآن عاجز آیند الخ .

انجام مجلد پنجم : اگر برزللی یاخللی واقف شوند بر مترجم خرده نگیرند و باصلاح آن منّت نهند

شعر

به بینند مهر علی درمیان نگیرند بر شارح بیزبان

و علی الله التکلان .

(۸۰۲)

نظم الغرر و نضد الدرر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، ورق اوّل را ندارد ، اوراق آن بجدول بطلا و زنگار میباشد ، چنانکه در ص (۱۰۸) تذکّر داده‌شد این‌نسخه‌باب پانزدهم از این کتابست‌و بجهتیکه‌نیز در همان‌صفحه‌ذکر شد مشتمل بر شرح خطبه قاصعه میباشد و براوّلین صفحهٔ موجود ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه این نسخه بنام « شرح خطبه قاصعه بانضمام صد کلمه و شرح آن » معرّفی گردیده و بر حاشیه دوّمین صفحه بنام « شرح کلمات حضرت امیر ع » وقف و در دفاتر سابق کتابخانه نیز بدین نام ثبت گردیده و پس از اتمام شرح و ترجمه کلمات و عبارات این باب مؤلف وشارح خاتمه ای در حدود (۷٤) بیت درآخر آن گذارده واتمام مجلّد پنجم‌راضمناً تذکّر میدهدو نخستین سطر نسخه اینست :

و بهر کس که شریك‌سازد در عبادت بخدای برحق خدای دیگر را الخ .

در کنار آخرین صفحه اشعاری در تعریف از این کتاب نوشته شده و ذیلا بنقل آن پرداخته میشود

نگاهی ز عبرت کرفتم بوام	سراپای‌این نسخه دیدم تمام
عیان کشت در دیدهٔ اعتبار	محیطی پر از گوهر شاهوار
بملك سخن در جهان خیال	بآن باغبان باغبانی حلال
[که‌بدن‌میوه‌کاخ‌این‌باغ‌چید] کذا	بفکر بلند از سر شاخ چید
چنان خطو معنیش‌خوانافتاد	که‌هر کورفهمست‌روشن‌سواد
عروسی چنین‌چشم‌لیل‌ونهار	ندیداست درحجله روزکار
خوشاورونق‌بخت‌آن‌جوهری	که دریا درش‌راشودمشتری

زنگار اوراق نسخه‌را پاره نموده و ورق اوّل و آخر وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه(۱۲) سطر . طول (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۱) .

[۳۳۸] نهج البلاغه (عربی)

کتابیکه بدین نام نامیده شده یکی ازمشاهیر کتب اسلامی ومنتخبی ازخطب ومکاتیب‌وکلمات‌حضرت‌مولی‌الموالی‌امیرالمؤمنین‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌سلام‌الله‌علیه‌است و دارای اهمیّت علمی و ادبی و تاریخی میباشد ، علماء امامیّه رضوان الله علیهم اجمعین آنرا تالی قرآن میدانند و **اخ القرآن** مینامند و بسیاری از بزرگان علماء عامّه نیز بعظمت آن معترف اند و اینك که این شرح در معرّفی از آن نگاشته میشود ۹٥٦ سال تمام از جمع وتألیف آن گذشته و ازبدو انشاء و تألیف‌تاکنون هماره مورد نظر و دقّت و مطالعهٔ فضلا و دانشمندان بوده و هست .

نهج البلاغه را در کتابخانها و فهرستها بمناسبت اینکه منقول از امام علیه‌السّلام است و اطلاق اسم حدیث و روایت بر آن صادق میباشد در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی در اثر اشتمال آن بر مواعظ و حکم در ضمن کتب مواعظ واخلاق و پاره‌ای بواسطه دارا بودن دستور های اجتماعی‌وسیاسی و مشتمل‌بودن‌برمباحث اثبات مبداء ومعاد درشمار کتب حکمت و کلام و برخی چنانکه‌اسم کتاب‌بر آن‌دلالت‌دارد، آنرا سرمشق‌فصحا وبلغا شناخته واز کتب‌ادب دانسته و در این ردیف و دسته گذارده و در اطراف آن بحث کرده اند .

نگارنده‌بااعتراف وتصدیق‌براینکه‌هریك‌درنظریّه وروش‌خویش راه‌صواب‌را پیموده ، نتوانست یکی از آن روشهارا رجحان دهد و بنظر وی چنین رسید که در این فهرست فصلی مستقلّ بنام « خطب‌و منشآت » ایجاد و چون قسمت‌اعظم این کتاب‌منتخبی‌ازخطب حضرت مولی ع میباشدوقسمت‌دوّم آن‌مشتمل‌برمکاتیب ودستورهای سیاسی و اجتماعی آنحضرت ع و قسمت سوّم کلمات موجزه و حکم مختصره‌ایشانست آن‌رادراین‌فصل‌جای‌دهدوترجمهاوشروح آنرانیزچون اصل آنها در همین فصل گذارد و کتب دیگریکه در این فن تألیف گردیده و نسخه ای از آن دراین کتابخانه است بتبع نیزازآنهایاد شود ، توفیق رفیق شد و کتب دیگر که فرع و فرع فرع بودند لجّاره وار در این فصل ثبت گردید اینك این کتاب که مقصود اصلی از این نظم و ترتیب بود شاه وار در آخر فصل قرار گرفت .

جامع این کتابیکه بنام نهج البلاغه معروف و مشهور گردیده باتّفاق تمام علماء امامیّه و علماء عامّه جز چند نفر سیّد رضی (۳۵۹-٤۰٦) رحمة‌الله علیه است که پس از این بشرح حال ایشان خواهیم پرداخت ولی برخی از عامّه این جمع وترتیب‌را بتردید نسبت بسیّدمرتضی علم‌الهدی ویاسیّدرضی داده‌اند، نگارنده نخستین کس که این تردیدرا نقل نموده ابن‌خلّکان متوفی بسال ٦۸۱ رادید (وفیات‌الاعیان ج ۱ ص ۳۳٦) وباتفحّص قائل آنراهم بدست نیاوردو آنچه متأخرین این‌تردیدرا در کتب خویش آورده ابن خلّکان‌را اقتدا وازاو پیروی کرده اند، چون یافعی ابو محمّد عبدالله یمنی ٦۹۸ - ۷٦۸ در مرآت الجنان و حاجی خلیفه متوفی بسال ۱۰٦۷ در کشف الظنون و عبدالحیّ بن عماد متوفّی‌بسال ۱۰۸۹ در شذرات‌الذهب وادوارد فاندیك درص ۱۳۵٦ اکتفاء القنوع مؤلّفه و مطبوعه بسال ۱۳۱۳ هـ. وفرید وجدی در دائرة المعارف خویش ص ۲٦۰ ص ٤

بعضی‌ازعامّه تردیدراترك کرده‌واین جمع وترتیب‌را جزماً به‌سیّدمرتضی نسبت داده‌اند از آنها جرجی زیدان متوفّی‌بسال ۱۹۱٤م. درص ۱۹۵ ج۱وص ۲۸۸ج۲ تاریخ آداب اللّغة العربیّه و کلمان هوار مستشرق فرانسوی (دانشمند مرحوم اعتصام الملك (یوسف اعتصامی) درص ۳٤۸ ج ۱ فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملّی این نسبت را باین مستشرق داده اند) میباشند وبعضی‌ازعامّه اصلاً نسبت مطالب این کتاب را بحضرت علی بن‌ابی‌طالب ع منکرشده‌اند وابن خلّکان نیز بدان‌اشاره نموده وصاحب کشف‌الظنون نیز گوید که ذهبی‌در میزان‌الاعتدال صریحاً گفته که این مطالب از آنحضرت نمیباشد و گویند جامع و نسبت‌دهندهٔ آن بدان حضرت منشی و واضع آنست وجرجی زیدان نسبت‌قسمتی ازنهج‌البلاغه را بحضرت ع تصدیق نموده است.

وبعضی‌ازمعاصرین‌سیّدین (رضی‌ومرتضی) چون‌خطیب‌بغدادی‌متوفّی‌بسال ٤٦۳ درتاریخ‌بغدادوبرخی‌ازمورخین‌چون ابی‌الفداءمتوفی بسال ۷۳۲ درتاریخ‌خویش‌و ابن‌اثیر متوفی بسال ٦۳۰ درکامل التّواریخ وغیر ازاینها بااینکه نام‌هردو برادر را برده‌انداز شدّت تعصّب‌یا بعلّت‌دیگر نام این کتاب را نبرده‌اند.

دراینجا مناسب دیدم که‌این بحث‌را تشریح نموده وپس از آن ادلّهٔ‌خویش‌را

در بطلان تردید و نسبت تألیف آن به سیّد مرتضی بنگارم:

عمده چیزیکه‌موجب وباعث‌شده که‌پاره‌ای‌ازمتعصّبین‌اهل‌سنّت‌وجماعت‌مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه‌را ازحضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السّلام ندانند مخصوصاً خطبهٔ شقشقیّه است که حضرت در آنجا درد دل خود را اظهار و معامله صحابه را با خود با همهٔ آن سوابق درخشان و خدمات نمایان در راه پیشرفت اسلام‌ووصایای‌حضرت پیغمبرص نسبت‌بایشان، بیان کرده‌و گفتنیهارا گفته و استحقاق و اولویّت خود را در خلافت و جانشینی پیغمبر ص ثابت نموده وبهترین‌شرحیکه حلّ‌رموز و کنایات‌وبیان مرادومقصود آنحضرت‌رادراین خطبه نموده «حدائق الحقائق» شرح بزرگ علاءالدّین گلستانه است (در ٦۰-٦۳ این مجلّد از این کتاب معرّفی کرده ایم) و بهمین سبب بعضی از متعصّبین که خجالت کشیده اند خطب و کلمات ومکاتیب نهج البلاغه را که چون آفتاب‌نسبت آنها بحضرت‌علی ع روشن و آشکاراست فقط این‌خطبه‌را جعل‌وساختهٔ‌سیّدرضی دانسته‌اند والّا کدام منصف است که بتواند گفت فصیح و بلیغی جز علی‌بن‌ابی طالب میتواند اینگونه خطابه هارا القا کند وحقائق را بگوید، جمعی‌دیگرازعامّه اعتراف نموده اند که سالها پیش از تولّد پدر وجدّ سیّد رضی این خطبه وجود داشته و در کتب مؤلّفه پیش از وجود سید رضیّ مندرج گردیده و چون‌بادلّه منکرین نسبت مطالب نهج البلاغه به امام علیه السّلام مراجعه نمائیم‌ادلّه‌وامارات وقرائن آنهارا بسیار سست واوهن من‌بیت العنکبوت میابیم و سیّدجلیل‌هبةالدّین شهرستانی در کتاب «ماهو نهج‌البلاغه» آنها را نقل و بردّ ایشان پرداخته ونیز تذکر داده اند که خطبهٔ‌شقشقیّه درنهج‌البلاغه وسایر کتب که قبل ازسیّدتألیف گردیده اندك تفاوتی در الفاظ دارد و آنهارا عیناً از مآخذ آن نقل نموده اند.

در آخر شرح خطبهٔ شقشقیّه ابن ابی الحدید مطالبی نگاشته و عین آنرا با اندك اضافه ابن میثم نیز در آخر شرح این خطبه از شرح نهج البلاغه خویش آورده و بی مناسبت نیست که در اینجا بترجمهٔ عبارات ابن ابی الحدید پرداخته شود:

واما گفتار ابن‌عباس، ماآسِفْتُ عَلی کَلامٍ قَطّ کاَسَفی علی ذلك الکلام آلا یکونَ امیرالمؤمنین بَلَغَ مِنْهُ حَیْثُ اَرادَ ، استادم ابوالخیر مصدّق بن شیب واسطی(١) بسال ٦٠٣ گفت که این خطبه‌را پیش شیخ ابومحمد عبدالله بن احمد معروف به **ابن الخشاب** (٢) میخواندم چون بدینجا رسیدم چنین گفت : هرگاه در آن هنگام که ابن عباس این جمله را ادا کرد آنجا میبودم بوی میگفتم : آیا در دل پسرعمویت چیزی نگفته ماند ؟ وآیا دراین خطبه چیزی فرو گذار نمود ؟! تاتومتأسف باشی که چراخاتمه داد ورازهای نهفته خودرا نگفته گذاشت وساکت شد ، بخدا سوگند که از اولین و آخرین نگذشت و کسی دردلش باقی نماند که از او یادی نکرد مگر رسول الله صلی‌الله علیه وآله را

مصدّق گوید ابن الخشاب مردی شوخ طبع و مزّاح بود تصور نمودم که در این مورد هم شوخیش جنبیده بدو گفتم آیا این خطبه را ساختگی میدانی و از حضرت علی ع نمیدانی گفت : نی بخداسوگند یقین دارم که این خطبه کلام خود آنحضرت میباشد چنانکه میدانم تومصدّق هستی

مصدّق گوید: بوی گفتم بسیاری ازمردم میگویند که از منشات رضی میباشد . گفت : کجا رضی و امثال وی دارای چنین روح واسلوبی درنگارش توانند بودومن برسائل رضی دست یافته وطریقه وروش اورا درنثر میشناسم و میان این دوفرق بسیار میباشد ، بخدا سوگند که این‌خطبه را در کتابهائیکه دویست سال پیش از آنکه رضی بدنیا آید تالیف گردیده، یافته‌ام ونیز آنرابخط جمعی ازعلما که خط آنهارا میشناسم وبرآنها خطوط بسیاری از علماء ادب که نیز بدانها آشنا هستم دیده وزمان اینهانیز سالها پیش از تولد نقیب ابو احمد پدر رضی بوده است .

پس از این ابن ابی الحدید گوید : من خود نیز بسیاری از مطالب این خطبه را درمصنفات استاد ابوالقاسم بلخی (٣) امام بغدادیین که از معتزله بود یافتم و این عالم جلیل در زمان خلافت المقتدر (٢٩٥-٣٢٢) بوده سالها پیش‌ازآنکه رضی‌متولدشود ونیزبسیاری از آنهارا

(١) شرح حال ابوالخیر مصدق بن شیب واسطی را بدست نیاوردم .
(٢) ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بن عبدالله بن نصر بغدادی معروف به ابن خشاب از علماء عامه بوده ودرنحو وادب دستی قوی داشته ودرسائر علوم ادبی وریاضی وفقهی وغیره توانا بوده و اشعاری از او بیادگار مانده وعبدالحیّ بن عماد در شذرات الذهب ج ٤ ص ٢٢٠ - ٢٢٢ بشرح حال و نقل اشعاری از ایشان پرداخته و گوید بسال ٤٩٢ متولد و در ٥٦٧ وفات کرده ولی صاحب معجم المطبوعات در ص ٩٣ وفات ویرا بسال ٥٦٨ نقل کرده است .
(٣) شیخ ابو القاسم بلخی بسال ٣١٧ وفات کرده است.

در کتاب « الانصاف » ابو جعفر ابن قبه (١) که یکی از متکلمین امامیه و از شاگردان شیخ ابو القاسم بلخی رحمه الله بوده دیده ام و ابن قبه پیش از آنکه رضی دراین جهان آید از این جهان رفته است .

شارح بحرانی پس از نقل مطالب فوق گوید :

این خطبه‌را من نیزبخط ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن الفرات (٢) وزیرالمقتدر بالله که شصت وچند (٣) سال پیش از تولد رضی بوده دیده ام .

سیّد شهرستانی دام ظلّه در ص ٢٩ - ٣١ « ما هو نهج البلاغه » بنقل‌عبارات ابن ابی‌الحدید راجع باین کتاب که در جزء ١٠ ص ٥٢٦ پس از خطبهٔ مشهورهٔ به ابن ابی الشحناء میباشد و اظهار نظر خویش مبادرت نموده ، برای آنکه این مختصر جامع نظرّیات راجع باین کتاب باشد ملخّص آنرا ذیلاً ترجمه مینمایم و مطالب ابن ابی الحدید اینست :

گروهی هوا وهوس داران گویند بسیاری ازمطالب نهج البلاغه ساختگی وازکلمات حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام نیست وشیعیان فصیح آنهارا ساخته وبدانحضرت نسبت داده اند و بسیاری از آنهارا ریخته قلم سید رضی ابوالحسن میدانند ، اینان کسانی هستند که عصبیت چشم آنها را کور کرده و از نهج حق بر گشته اند ، چراکه اگر میگویند مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه همه ساختگی است و از آنحضرت نیست ، این نظریه و عقیده بضرورة باطل است برای‌آنکه میدانیم وبتواتر بمارسیده که بسیاری ازاین‌خطب وکلمات ومکاتیب ازمنشات آنحضرت میباشد وبسیاری ازعلماء عامه وخاصه‌ازمحدّثین ومورخین در کتب خویش ازصدر اول تا زمان سید رضی ره با انتساب آنها بحضرت ع بنقل آنهاپرداخته اند و این ناقلین‌در میان عامه وخاصه موّثق وقول آنهامقبول وحجت است

ویامیگویند که پاره‌ای‌ازخطب‌ومطالب نهج‌البلاغه ساختگی وباقی‌آن از امام‌علی‌ع میباشد ، این قول نیز مردود است چراکه هر کس بکتب ادب اندك آشنائی و با ادبیات سر و کار داشته باشد بخوبی تشخیص‌تواندداد که درهرمؤلفهٔ منسوب‌بنویسنده‌یاشاعری چه مطالب‌یاابیاتی از او و گفته وی ونوشته او است و کدام یك ازعبارات یا ابیات از اونیست ، مثلا چون دیوان ابونواس ویاابوتمام را مراجعه کنیم ازخود افکار واشعار بدست می آوریم کدام بیت ازآنها

(١) ابن قبه ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی فقیه ومتکلم معروف شیعه و صاحب کتاب الانصاف درامامت میباشد وابن قبه استاد شیخ محمد بن نعمان معروف به‌مفید متوفی بسال ٤١٣ بوده است .
(٢) ابو الحسن بن فرات وزیر المقتدر بوده و بسال ٣١٢ وفات کرده است .
(٣) بنابرآنکه وفات ابن الفرات بسال ٣١٢ چنانکه در ص٢٦٤ ج٤ شذرات الذهب ضبط شده صحیح‌باشد بایستی عبارت شارح‌چهل وچندسال باشد نه‌شصت وچندسال .

و کدام یك از آنها نیست ولی چون بنهج البلاغه مراجعه می کنیم تمام مطالب را درعرض یکدگر می یابیم واختلافی در روح قائل ومنشی آن نمی بینیم تاشك کنیم که خطبه یا کلام یامکتوبی شاید از آنحضرت نباشد . انتهی کلام ابن ابی الحدید .

وسید شهرستانی در این باب فرماید:

برادران شیعه ما معتقدند که خطب و کلمات و مکاتیب موجودهٔ در نهج البلاغه پیش ماچون خطب مرویه ازحضرت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله میباشد که پاره ای از آنها متواتر وقطعی الصدور و بعضی غیر متواتر وظنی السنداند و با وجود این ماحکم نمیکنیم که آنها ساختگی است مگر پس از آنکه دلیل بر آن اقامه شود ، چنانکه بصحت آنها نیز حکم نمی نمائیم مگر آنکه دلیل و برهانی بر آن قائم گردد و هر کس جز این بما نسبت دهد برخلاف حقیقت گفته است .

وچگونه منصفی تواندنسبت بشیعه دهد که جزماً آنچه‌در نهج البلاغه است بدون‌شك‌وتردید از امام علیه السلام میباشد درصورتیکه در این کتاب آنچه مخالف با اصول ایشانست بسیار میباشد و از آنجمله است مدح فوق العاده ایکه از خلیفه ثانی عمر بن الخطاب رض نموده (ظاهراً مراد سید شهرستانی دام ظله خطبه ایستکه به **لله بلاد فلان** ابتدا شده و ابن‌ابی‌الحدید درشرح آن نوشته که‌درنسخه‌نهج‌البلاغه‌ایکه بخط سیدرضی بوددرذیل‌کلمه فلان نام « عمر » نوشته شده) و اگرمغرضین ازشیعه میخواستندتصرفی درکلمات وآثار آنحضرت کنند ودستی در آنها برند و زیاد و کمی نمایند امثال این مقالات را از آن برمیداشتند

اعتدال وحقیکه شایسته پیروی میباشد اینستکه برای‌نهج البلاغه همان قیمتیکه برای کتب صحاح و سائر کتب دینی معتبر قائل هستیم معتقد باشیم وبقدر و قیمت ادبی‌آن و برتریش برهر کتابی پس‌از کتاب خدا(قرآن کریم) معترف گردیم انتهی .

در معرّفی از نهج البلاغه شرّاح آن و علماء رجال وفهرست نویسان هریك بیاناتی دارند، دراینجا بترجمهٔ عبارات ابن میثم ره درمقدّمهٔ شرح بزرگ خویش واشعاریکه ابومحمّد بن‌شیخ صنعان کاتب نسخه شماره (۳۰۸۵) کتابخانه در آخر آن انشاء و تحریر نموده نیز مبادرت مینمائیم :

کلام حضرت علی‌بن ابی طالب ع که درآن آثاری از کلام الهی وبوئی‌ازبیانات نبوی‌ص میباشد ، هماره درسینه راویان پراکنده و دردست موافقین ومخالفین وجود داشت ، دشمنان وی بر آن شدند که آن کلمات مشهوره را پنهان کنند ولی خداوند نخواست که نوراو را پنهان دارند ، از این رو اسلام را بوجود سید امام شریف رضی محمد بن الحسین الموسوی قدس‌الله‌سره ونورضریحه‌تقویت‌فرمودواین بزرگوارکلمات جدش‌را کهخورد و کهنه شده‌بود زنده کرد و آنچه از آنها درشرف پراکنده شدن بود جمع آوری نمود ودرجمع بهترین آن کلمات باندازهٔ توانائی خویش کوشش فرمود و آنرا نهج البلاغه نامید و اسم بامسمی ولفظ بامعنی مطابق آمد **فجزاه الله عن العلماء خیرالجزاء** . انتهی .

و آن اشعار اینست :

نهج البلاغه روضة ممطورة   بالنورمن سبحات وجه الباری
او حکمة قدسیة جلیت بها   مرآة ذات الله للنظار
او نور عرفان تلالا هادیاً   للعالمین مناهج الا برار
اولجة من رحمة قد اشرقت   بالعلم فهی تموج بالانوار
خطب روت الفاظها عن لؤلؤ   من مائه بحر المعارف جار
و تهللت کلماتها عن جنة   حفت من التوحید بالنوّار
وکانها عین الیقین تفجرت   من فوق عرش الله بالانهار
حکم کامثال النجوم تبلجت   من ضوء ماضمنت من الاسرار
کشف الغطاء بیانها فکانها   للسّامعین بصائر الابصار
وتری من الکلم القصارجوامعاً   یغنیك عن سفر من الاسفار
لفظ تمد من الفواد سواده   والقاب منه بیاض وجه نهار
وجلی عن المعنی السواد کانه   صبح تبلج صادق الاسفار
من کل عاقلة الکمال عقیلة   تشتاف فوق مدارك الافکار
عن مثلها عجز البلیغ واعجزت   ببلاغة هی حجة الاقرار
و اذا تاملت الکلام رایته   نطقت به کلمات علم الباری
و رایت نهراً بالحقائق طامیاً   من موجه سفن العلوم جواری
ورایت ان هناك براً شاملا   وسع الانام کدیمة مدرار
ورایت ان هناك عفو سماحة   فی قدرة تعلو علی الاقدار
ورایت ان هناك قدراً ماشیاً   عن کبریاء الواحد القهار
قدر الذی بصفاته وسماته   ممسوس ذات الله فی الاثار
مصباح نور الله مشکوة الهدی   فتاح باب خزائن الاسرار
صنوالرسول وکان اول مؤمن   عبد الاله کصنوه المختار
و به اقام الله دین نبیه   وانم نعمته علی الاخیار .

پیش از این گفته شد که جمعی جمع و تألیف نهج البلاغه را بسیّد مرتضی نسبت داده اند و این نسبت بر خلاف حقیقت است و گویندگان حتّی یك دلیل و برهان هم برمدّعای خویش ندارند ولی گذشته از اتفاق همه شراح در ازمان و اعصار مختلفه و تمام امامیّه بر اینکه این جمع و انتخاب از سیّد رضی موسوی ره میباشد خود این سیّد جلیل درتفسیر قرآن کریم که « حقایق التّأویل » نام دارد نظیرمطلبی رابه کتاب‌نهج‌البلاغه‌مؤلّفهٔ‌خویش که‌موضوع آن‌خطب‌ومکاتیب‌وکلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام میباشد حواله نموده

(بصفحه (۱٦۷) این تفسیر که اخیراً در نجف اشرف چاپ شده مراجعه گردد) و نیز در کتاب « المجازات النبویّه » مکرّر نظائری برای کلام مقدّس نبوی به این کتاب نهج البلاغه که مؤلّفه خویش میباشد حواله نموده (بصفحه ۲۲ ، ٤۱، ۱۲۷ ، ۱٦۱ ، ۲۵۲ چاپ بغداد مراجعه شود) و از علماء رجال نخستین کس که تألیف نهج البلاغه را در ذیل شرح حال با مؤلّفات دیگر بسیّد رضی نسبت داده **نجاشی** متوفی بسال ٤۵۰ میباشد کـه خود معاصر ایشان بوده و در ذیل شرح حال علم الهدی سیّد مرتضی ره(ص ۱۹۳ چاپ هند)نگاشته که علم الهدی بسال ٤۳٦ وفات نمود و من متولّی غسل ایشان گردیدم و شیخ طوسی ره که نیز معاصر با این دو برادر بوده و بنقل روایاتی از آنها پرداخته در فهرست خویش فقط نام سیّد مرتضی علم الهدی را برده و شرح حال و مؤلفات ایشانرا نگاشته و ندانم چرا نامی از سیّد رضی نبرده و نامی هم از نهج البلاغه در مؤلّفات سیّد مرتضی نیاورده و این نیز بهترین دلیل بر اینست کـه این کتاب تألیف این سیّد جلیل نیست و الّا با اهمیّت زیادیکه دارد و توجّهی کـه امامیّه مخصوصاً باین کتاب دارند اگر از مؤلّفات سیّد مرتضی بود ممکن نبود که شیخ آنرا یاد ننماید و پس از نجاشی ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ درمعالم العلماء (ص ٤٤ چاپ آقای اقبال آشتیانی) نیز سیّد رضی را نام برده و تألیف نهج البلاغه را بایشان نسبت داده است .

سیّد جلیل هبةالدّین شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » نگاشته‌اند که سیّد (محمّد بن الحسین) رضی و سیّد (علی بن الحسین) مرتضی بمناسبت لقب جدّشان ابراهیم مرتضی هردو به لقب **مرتضی** خوانده میشدند ولی چون محمّد ملقب به **الرضی** گردید علم الهدی بلقب **مرتضی** اختصاص یافت و بدان مشهور گردید و پیش از ایشان شیخ محمّد عبده ره در آخر شرح خویش بر این کتاب این مطلب را ذکر کرده اند و این عبارت قسمی نگاشته شده که تصور میشود نقل از تاریخ ابوالفدا میباشد ولی در آنجا ذیل نام سیّدین این مطلب نیست واحمد بن مهنّا متوفی بسال ۸۲۸ در ص ۱۷۵ عمدة الطالب ومامقانی در ص ۳۵ ج ۱ تنقیح المقال لقب ابراهیم جدّ رضی را مرتضی ضبط نموده اند.

چیزیکه مناسبت دارد در اینجا تذکّر داده شود اینست که ادوارد فاندیك مؤلّف کتاب « اکتفاء القنوع عما هو مطبوع » در ص ۳۵٦ آن کتاب ، تألیف

نهج البلاغه را به سیّد مرتضی یا سید رضی نسبت داده و تصوّر نموده (در ص ۱۰۸) که بنام نهج البلاغه دو کتابست یکی در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت مولی علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام که گرد آوردهٔ سیّد مرتضی علم الهدی متوفی بسال ٤۳٦ یا سید رضی میباشد و دیگری نهج البلاغه در احادیث امامیّه تألیف سیّد رازی متوفی بسال ٤۰٦ در صورتیکه در میان مسلمین جز نهج البلاغه مشتمل بر خطب و مکاتیب و کلمات قصار مورد نظر و اهمیّت نیست و حتّی بدین نام کتاب دیگری نداریم و همین نهج البلاغه سیّد رضی است که علّامه مجلسی رحمه الله در مقدّمه مجلّد اول بحار الانوار تذکّر داده که یکی از مآخذ اخبار کتاب ایشان بوده و پیش از فاندیك کسی دیگر سیّد رازی نام مؤلّف نهج البلاغه در اخبار امامیّه و متوفّی بسال ٤۰٦ را نشان نداده و تا کنون هم چنین کس و چنین کتابی درمیان ما امامیّه و دیگران مشهور نبوده و نیست و با کمال جرئت میتوانم گفت که فاندیك در این نسبت اشتباه کرده و نهج البلاغه مشهوریکه این شروح در تحت عنوان آن نگاشته میشود همان خطب و منشآت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است که بلحاظ کلام و بیان امام بودن اطلاق نام حدیث و خبر بر آن صادق میباشد و شیعه عبارات و جمل آنرا حدیث مأثور میدانند و بدان ترتیب اثر میدهند (فاندیك در ص ۱۸۰ نیز اشتباهاتی در مؤلّفین کتب حدیث امامیّه دارد و گوید که امامیّه صحاح ست را قبول ندارند و خود پنج کتاب در حدیث دارند و از آنجمله نهج البلاغه را بنحو فوق ذکر نموده، در صورتیکه ما چهار کتاب مهم در اخبار داریم و در این چهار قرن اخیر چهار کتاب دیگر در اخبار جمع آوری شده که بنام اربعه متأخّره معروف میباشند و در این موضوع در ص ۲۳٤ ج ۱ فهرست این کتابخانه شرحی نوشته ام .

دانشمند فقید فرید و جدی در « کنز العلوم و اللّغه » از اشتباه فاندیك باشتباه افتاده و نهج البلاغه ای در حدیث امامیّه به سیّد رازی متوفّی بسال ٤۰٦ نسبت داده است .

عالم جلیل آقا شیخ علی اکبر نهاوندی دام عمره کـه اینك در مشهد مقدّس حضرت رضا سلام الله علیه مجاوراند نیز در ص ۱۲۵ جزء اوّل کتاب « الجنّة العالیه

و الجعبة‌الغالیه » بنقل از « کنزالعلوم » فرید وجدی دو نهج البلاغه قائل شده و از اشتباه ایشان باشتباه افتاده اند .

سیّد جلیل هبة‌الدّین شهرستانی دام‌ظلّه در « ما هونهج البلاغه » (ص ۲۸) از « کتاب علی علیه السّلام » تألیف احمد صفوة‌المورخین نقل نموده : آنانکه پیش از سیّد رضی میزیسته اند گفته اند که چند صد خطبه از این امام (علی بن ابی طالب ع) مأثور است . و نیز گوید : مسعودی متوفی بسال ۳٤٦ نوشته که از حضرت علی ع چهار صد و هشتاد و چند خطبه منقول است .

و نیز در ص (۳) « ماهو نهج البلاغه » نوشته شده مطالبیکه در نهج‌البلاغه جمع آوری گردیده عبارتست از (۲٤۲) خطبه یا منتخبی‌از آنها و بیاناتیکه بمنزله و نظیر خطبه میباشند . و (۷۸) مکتوب و وصایا . و (٤۹۸) کلمه از کلمات قصار.

سیّدرضی درمقدّمه نهج‌البلاغه‌چنین نگاشته اند : چون کتاب‌خصائص‌الائمّه‌را تألیف‌ودرانجام فصلی که راجع‌بحضرت‌علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السّلام بودکلمات‌قصار وحکم منتخبه‌ای‌از آنحضرت مندرج ساختم، جمعی آنرا ازنظر گذرانیده وخواستار شدند که بجمع آوری خطب و دیگر آثار آنحضرت ع نیز مبادرت نمایم ، با استمداد و تکیه بخداوند شروع‌بجمع آوری شد و درسه باب بدین ترتیب مرتّب گردید : **باب اول** : در خطب و آنچه نظیر آنست . **باب دوم** : در نامه ها و وصایای آنحضرت بعمّال خویش و بدیگران . **باب سوم** : در کلمات قصار . و آنرا **نهج البلاغه**(۱) نام نهاده ودرآخر هر باب کاغذهای ننوشته گذارده ام تا اگر پس ازاین بر آثاری از آنحضرت دست یابم‌درجای‌مناسب آن گذارم(۲) .

در آخر کتاب تاریخ این جمع و ترتیب را در ماه رجب سال ٤۰۰ هجری معیّن فرموده و این شرح راجع باین کتاب (نهج‌البلاغه) نیز در ماه رجب از

(۱) صاحب معجم‌المطبوعات در ص ۱۱۲٤ نام این کتاب را « نهج البلاغه و مشرع الفصاحه » ثبت نموده و ندانستم از کجا جمله « و مشرع الفصاحه » را بر نام اصلی کتاب افزوده است .

(۲) نسخ شماره (۲۹۲ و۲۹۳) کتابخانه رضویه که درص۹۶و۹۷فصل‌اخبار ج ۱ فهرست‌آن کتابخانه‌خصوصیات آنها ذکر گردیده و اولی بسال ۹٤۸ وآخری بسال ۷۲۹ نوشته شده ونسخه شمارهٔ (۳۰۸۳) این کتابخانه دارای اضافاتی‌استکه درنسخ دیگر نیست و کاتب آنها تصریح‌نموده که از روی نسخه‌ایکه در زمان مؤلف نگارش یافته استنساخ گردیده است .

سال ۱۳٥٦ ه‍ . نگاشته شد .

چنانکه در ابتداء این بحث تذکّر داده شد نهج البلاغه از بدو تألیف مورد نظر و دقت دانشمندان عامّه و خاصّه بوده و گروهی از آنان بشرح و بسط آن پرداخته اند اینك هنگام آن شد که شروح آنرا ذکر و شرّاح را نام بریم .

در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تابحال بود و اینك‌قول چهارم را بنده افزود . ۱ - ابن ابی الحدید در مقدّمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی بشرح‌این کتاب پرداخته ودرص٤٤و٤۳همین‌مجلّد ترجمهٔ عین عبارات ایشانرا نقل کرده‌ام . ۲ - محدّث نوری ره در ص ٥۱۳ ج ۳ مستدرك الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرّفی کرده و صاحب وقایع الایّام و سیّد شهرستانی بایشان اقتدا کرده اند . ۳ - سید اعجاز حسین در ص ٥۳ کشف‌الحجب‌علی‌بن‌ناصر معاصرسید رضی رانخستین‌شارح‌دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱٤٤ ج۱ فهرست معارف ایشانرا پیروی کرده اند .

نگارنده در کتب رجال و سیر شیعه و مخصوصاً فهرست شیخ طوسی ورجال نجاشی که‌تا علماء‌قرن پنجم‌شیعه را شامل‌میباشندودرسائر کتب‌رجال‌چون‌روضات ، لؤلؤ،تنقیح‌المقال، امل‌الآمل ، مجالس‌المؤمنین‌وغیره بدین‌نام‌عالمی‌رامعاصرسیدرضی نیافت‌ولی‌نزدیك‌بآنعصر فقط‌بنام**علی‌بن ناصر** درطبقات‌الشافعیه‌سبکی (ج٤ص۲۸٤) یکی‌رادیده که‌نامی‌ازمؤلّفاتشان‌برده‌نشده‌وبترجمه عبارات آن کتاب‌مبادرت میشود: **علی‌بن‌ناصر** بن محمّد بن ابی الفضل بن‌حفص النوقانی(۱)متولّد بسال٤۷٦ومتوفی بسال ٥٤۹ ازفقهای شافعی مذهب و مدرّس در شهر مشهد بوده است .

٤-قول نگارنده است که نخستین‌شارح**امام وبری** میباشد که‌معاصربا بیهقی‌بوده‌و ایشان‌درشرح‌خویش‌از آن‌شرح‌نقلهائی‌دارندوعین‌عبارات‌بیهقی‌درشرح‌خوداینست:

وَ مِمَّنْ سَمِعْتُ خَبَرَه وَعاينتُ اَثَرَهْ وَلَمْ اَرَهْ الامام احمد بن محمّد الوبری اَلْمُلَقَّب بالشيخ الجليل وَ قَدْ شَرَحَ مِنْ طَرِيق مُشْكِلاتِ

(۱) نوقان یکی از محلات شهر مشهد فعلی میباشد که پیش از بنای شهر یکی از دهات طوس بود ویاقوت گوید نیز بدین نام دهی در نیشابور است .

نَهجِ البَلاغَةْ شَرحاً آنا اوردُه و اُنسبه اِلَیْه وَ اُثنی عَلَیْه وَاللهُ تعالی وليُّ التّوفیقِ وَ مُعینُ اَهْلِ التّحْقیق .

و ازعبارات فوق برمیآید که شرح وبری برتمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به جمل و مطالب مشکله آن دارد واین اختصاص موجب عدم ذکر آن درشمار شروح نخواهدبود ونظائری دارد.

پس ازمحدّث نوری رحمة الله علیه عالم متتبّع محمّد محسن طهرانی ایّده الله تعالی مشهور به شیخ آقابزرگ ساکن سامراء در «الذریعه الی تصانیف الشّیعه» وسیّدجلیل هبة الدّین شهرستانی وحاج ملاعلی واعظ تبریزی دروقایع الایّام وجواهر الکلام درفهرست معارف شروح نهج البلاغه‌را نام برده وهرمتأخّری برشروحی چند دست یافته که متقدّم بروی ازآن خبری نداشته ما برای اینکه این شرح که دراطراف این کتاب نوشته میشود تاحدّی جامع باشد تمام شروح را بترتیب تألیف نام میبریم وهریك را که فقط در یکجا نام برده شده تصریح خواهیم نمود .

۱ ـ شرح امام وبری

احمدبن محمّد الوبری، چنانکه گذشت معاصر بیهقی بوده ودرشرح وی وشرح ابن عتائقی قسمتهائی ازاین شرح دیده میشود وفقط نگارنده به آن آگاهی یافته است .

۲ ـ شرح بیهقی

ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن الحاکم متوفی بسال ٥٦٥، وبنا بتصریح شارح در آخر شرح درجمادی الاولی سنه ٥٥٢ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه‌ای ازاین شرح اینك در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در معجم الادباء (ج٥ص٢١١) نوشته شده : بیهقی در **مشارب التجارب** گوید: ونیز ازمؤلفات من «معارج نهج البلاغه وهوشرح الکتاب» میباشد الخ .

۳ ـ شرح قطب راوندی

ابو الحسین سعید بن هبة الله متوفی بسال ٥٧٣، این شرح در دو مجلّد و نام آن « منهاج البراعه » و نسخه ای از آن بگفته آقای جواهر الکلام در کتابخانه سلطنتی طهران موجود است .

۴ ـ شرح قطب کیدری

ابو الحسن محمّد بن الحسین بیهقی معروف به قطب الدّین کیدری ،

این شرح بسال ٥٧٦ تألیف شده و نام آن « حدائق الحقائق فی فسر دقایق احسن الخلائق » میباشد و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و درمقدّمه آن نوشته شده که این شرح‌را پس از دوشرح معارج و منهاج تألیف کرده ام ، صاحب روضات در ص ٦٥ ج ٤ قسمتی از مقدّمه این کتاب را نقل واین شرح‌را دوازده هزار بیت دانسته و گوید که این‌دوشرح (معارج ومنهاج) از قطب راوندی است وکسی جز ایشان ومؤلّف فهرست معارف تألیف دوشرح‌را بقطب راوندی نسبت نداده وصاحب مستدرك الوسائل معارج را باتصحیف بصورت «معراج» نقل نموده وفرماید که منهاج نام شرح قطب راوندی است ومعراج‌را ندانم از کیست .

چنانکه دانسته شد معارج نام شرح بیهقی است و جز سه شرح مذکور فوق مقدم برقطب راوندی شرحی دگرسراغ نیافته‌ایم که بتوان آنرا بنام « معراج » دانست .

٥ ـ شرح فضل‌الله راوندی

ابوالرضا ضیاء الدین سیّد فضل الله راوندی که معاصر سمعانی مولف الانساب (٥٠٢-٥٦٢) بوده، ابن عتائقی درشرح خود شرح عبارات ومطالبی ازنهج البلاغه را ازایشان نقل نموده وصاحب روضات درص ٣٠٢ درذیل قطب راوندی از ریاض العلماء آورده که بعضی اشتباه کرده وتألیف شرح نهج البلاغه‌را بهابی الرضا فضل الله بن علی حسینی راوندی نسبت داده‌اند .

نگارنده معتقد است که ایشان‌را نیزشرحی برنهج بوده وابن عتائقی به تصریح خود مطالبی‌را از آن کتاب گرفته ونسبت اشتباه صاحب روضات راجع بوجود این شرح اشتباه است .

٦ ـ شرح مهابادی

افضل الدّین ابو الحسن بن علی بن احمد المهابادی ، بنا بضبط مؤلف فهرست معارف مؤلف آن بسال ٥٨٥ وفات یافته است .

۷ ـ شرح امام فخر رازی

قفطی درص ١٩٢ تاریخ الحکما بدین تألیف تصریح نموده و صاحب مستدرك ودیگران نیز آنرا ذکر و امام در سال ٦٠٦ وفات کرده است .

۸ ـ شرح ابن ابی الحدید

از این شرح درص ٤١ تا ٤٧ همین مجلّد معرّفی کامل شده وبسال ٦٤٩ تألیف آن خاتمه یافته است .

۹ ـ شرح سید بن طاوس

رضی‌الدّین علی متوفی بسال ٦٦٤ در کشف الحجب ذکرشده وحاجی نوری نیزدرمستدرك آورده اند .

۱۰ - ۱۱ - ۱۲ ـ شروح ابن میثم

کبیر ، متوسط و صغیر ـ از این شروح در ص ٤٩ تا ٥٤ همین مجلّد معرّفی کامل شده و آقای شیخ جواد عراقی که‌ازوعاظ معروف طهران میباشندمدّعی‌اند که شرح صغیر ابن میثم را در بروجرد دیده اند ولی عقیدهٔ نگارنده همانست که در آنجا نگاشت و تألیف شرح کبیر بسال ٦٧٧ میباشد .

۱۳ ـ شرح علامه حلی

حسن بن یوسف بن مطهر حلّی‌ره‌متوفی‌بسال ۷۲٦ ، درفهرست معارف آمده چنانکه از خلاصة الاقوال بر می آید شرحی است مختصر و در بعضی ازنسخه‌های خلاصه‌بنام « مختصر شرح نهج البلاغه » ذکر گردیده و مؤلّف کشف الحجب گفته که از شرح ابن میثم بحرانی مختصرشده . و بگفته آقای جواهرالکلام نسخه آن نزد میرزا محمّد باقرخونساری موجود است .

۱۴ ـ شرح یحیی بن حمزه

سیّدشهرستانی‌این شرح را نام برده و گوید : یحیی‌بن حمزةالعلوی‌امام زیدیّه بوده و بسال ۷٤۹ وفات یافته و این شرح شامل تفسیر لغات نهج البلاغه است .

۱۵ ـ شرح بنام « نفائس »

این‌شرح ازعلماء عامّه ونسخه‌ای از آن که بسال ۷٥۹ نوشته شده درکتابخانه حضرت رضا ع در مشهد موجود است (ج ۱ فهرست ص ۹۹ فصل اخبارخطی) .

۱٦ ـ شرح تفتازانی

سعدالدّین مسعود بن عمر تفتازانی ۷۱۲/۷۲۲ ۷۹۱/۷۹۲/۷۹٤ ، که از علما و ادباء معروف قرن هشتم هجری و عامّی مذهب بوده اند .

۱۷ - شرح ابن عتائقی

عبد الرّحمن بن محمّد بن ابراهیم المشهور به ابن عتائقی ، که از علماء قرن هشتم هجری بوده و مذاق حکمی و عرفانی داشته و نسخه‌ای از این شرح را که مشتمل برشرح ثلث نهج البلاغه میباشد نگارنده دارد (از ابتداء شرح‌خطبه‌ایکه

دراستسقاءایراد فرموده و آغاز آن اینست : اَلَا وَ اِنَّ الْاَرْضَ الَّتِي تَحْمِلُكُمْ و چند سطری ازشرح خطبه سابق برآن خطبه‌را نیز دارا است تاآخر شرح وصیّة و دستوریکه به یکی ازمتصدّیان صدقات مرقوم گردیده وبدین عبارت سیّدرضی‌ره آنرا شروع‌فرموده : وانّما ذكرنا جُمَلًا هُهُنا ليعْلَمَ بها انّه عليه السّلام الخ) . شارح بمناسباتی درچندمورد ازاین قسمت سال شرح هرقسمت ازاین کتابرا تذکّر داده ونخستین تاریخ آن‌بسال ۷۷۷ ودرذیل کلمه « وانه سيأتى زمان» ازخطبه‌ایکه آغازآن‌این‌عبارت : «فبعث محمّداً صلى‌الله‌عليه وآله بالحق‌ليخرج به عباده» میباشد وآن اینست : « فان خفاء الحق وظهور الباطل امر ظاهر ولا سيّمافى زماننا هذا وهوسنةسبع وسبعين وسبعمائه فانه ظهر فيها الخ» . وآخرین آنها بسال ۷۸٦میباشد وآن درذیل شرح خطبه ایستکه درذکر ملاحم میباشد وآغاز آن خطبه اینست : «الا بابى وامّى هم من عدّة الخ» وعبارت مشتمل برتاریخ این : «ومن سنة سبع وسبعين وسبعمائه وقع فى‌بلاد العراق والعجم تشويشات‌ووقوع اشياء لايعبرعنهاولا يحصى كثرة الى هذه السنة التى نحن فيها و هى سنة ست و ثمانين فان الحرام صار خالصاغير ممزوج بالحلال الخ» .

نگارنده با مطالعه مکرّر در بیشتر ازصفحات آن چنین یافت که این‌دانشمند درهنگام‌تألیف این‌شرح شروحی چند ازنهج البلاغه را در دست داشته‌وگذشته از آنها کتب دیگر چون صحاح ست و الاستیعاب تألیف ابن عبدالبر و تاریخ کبیر محمّدبن جریر طبری و کتاب‌شفاومقامات‌العارفین‌ازاشارات ورساله‌الاضحویه (رساله معادیه) از تألیفات شیخ الرئیس ابوعلی سینا و ربیع الابرار زمخشری و کتاب‌المعارف‌وکتاب‌غریب‌الحدیث‌ابن‌قتیبه ومقاتل الطالبیّین ابوالفرج اصفهانی و کتاب الحیوان جاحظ وغیرازاین کتب درجلوچشم‌وی‌بوده‌واز آنهامطالبی‌رانقل و بدانها استشهاد کرده و از اخبار ائمّه اثنى عشر عليهم سلام الله الملك الاكبر در آن یافت میشود و شرح‌هائیکه شارح از آنها مطالبی را نقل نموده عبارتنداز شرح ابن ابی‌الحدید ، شرح ابن‌میثم ، شرح بیهقی ، شرح امام وبری ، شرح‌قطب کیدری ، شرح قطب راوندی وشرح سیّد فضل‌الله راوندی، بنابراین تحقیق معلوم

گردید آنچه صاحب ریاض العلما چنانکه در ص ۳۸۱ وقایع‌الایام از آنجا نقل شده از نوشتهٔ پشت نسخه‌ای از این کتاب که بدست ایشان رسیده نقل کرده و باستناد بآنجا تشکیل این شرح را از شروح ابن‌ابی‌الحدید و ابن میثم و قطب کیدری و قاضی عبدالجبّار شیعی دانسته‌اند مقرون بصحّت وتحقیق نیست چراکه **اولاً**- این‌شارح‌مطالبی راکه از شروح و کتب‌مذکوره فوق‌نقل‌نموده کمتر از عشر کتاب میباشد واقوال آنهارابعنوان استشهاد و تأیید خویش آورده نه‌اینکه‌شرحی ساخته باشد که مطالب آن منتخبی از شروح مذکوره باشد چنانکه از آن‌عبارت نوشته شده‌بر نسخه صاحب ریاض بر میآید و **ثانیاً** اینکه‌دراین نسخهٔ نگارنده‌برای نمونه یك بار هم نامی از عبدالجبّار نیست بنابر این تصوّر میکنم یادداشت کننده بدون‌دقت دراوراق کتاب‌مراجعه مینموده ونام «ابن‌عبدالبر» مؤلّف‌الاستیعاب‌را دیده‌درابتداء‌نظر تصوّرنموده که‌عبدالجبّاربوده وهمان‌تصوّر خویش‌را نگاشته است وگرنه چرا در نسخهٔ نگارنده که تقریباً ثلث شرح نهج البلاغه ابن عتائقی میباشد ابداًنامی‌ازاین‌شرح‌وشارح آن (بادقت ومطالعه مکرر) دیده نشد **ثالثاً** اگرنویسنده پشت آن نسخه این شرح‌را مطالعه کرده بودبمطالبیکه از شروح دیگرو کتابهای نام برده شده در این کتاب موجوداست نیز خبری میداد.

بنا بر آنچه گفتیم و اینکه صاحب ریاض العلما نوشته و صاحب روضات بایشان اقتدا نموده و محدّث نوری شهادت داده‌اند در کتب رجال و سیر نامی از عبدالجبّار شارح نهج البلاغه نیست و مدرك آنهائیکه یکی از شروح را شرح عبدالجبّار دانسته‌اند فقط نوشته پشت آن نسخه بود که آنرا رد کردیم بنابراین بر آنم که عبدالجبار شیعی‌نداریم تااو را شرحی بر این کتاب باشد ودراینجا نامی از آن نخواهیم برد.

ابن عتائقی در این شرح تفصیل مطلبی را به کتاب تفسیر خویش که بنام « الوجیز » بوده حوالت داده، شاید این‌تفسیر « مختصر تفسیر علی‌بن ابراهیم » باشدکه صاحب‌روضات‌آنرا ازمؤلّفات ایشان دانسته ویا کتابی دکر ازمؤلّفات ایشانست چنانکه ظاهر هم نظر دوّم را تأیید میکند.

۱۸ ـ شرح محمد بن حبیب‌الدین

شرح محمدبن‌حبیب الدین‌احمدحسنی حسینی بگفته‌مؤلف‌فهرست معارف‌درص ۱٤٦ بسال ۸۸۱ تألیف‌آن خاتمه یافته (این‌تاریخ درالذریعه‌است)ونگارنده‌نسخه آنرا سراغ ندارد

۱۹ - شرح‌الهی اردبیلی

جلال‌الدّین حسین بن خواجه شرف‌الدّین عبدالحق اردبیلی معروف به‌الٓهی معاصر شاه‌اسمعیل‌صفوی بوده و نهج‌البلاغه‌رابسال ۹۰۵ بفارسی‌شرح‌وترجمه‌نموده و بگفته آقای تربیت (ص ٤٨ دانشمندان آذربایجان) نسخه‌ای ازاین شرح‌در کتابخانه اسعدپاشا در شهر اسلامبول موجود و نام آن « منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه » میباشد.

۲۰ ـ شرح قوام الدین شیرازی

قوام الدّین یوسف شیرازی معروف به قاضی بغداد از شاگردان ملاّ جلال دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ بوده و در اوائل سلطنت سلطان سلیم خان(۹۱۸-۹۲۶) وفات کرده و این شرح را صاحب وقایع الایام از شقائق النعمانیه نقل نموده و در ص ۳۵۳ کتاب شقائق مذکور نوشته شده که پس مرگ مؤلّفات وی چون فرزندانش کوچك بودند از میان رفت.

۲۱ - شرح عز الدین آملی

معاصر شیخ عبدالعالی کرکی متوفی بسال ۹٤۰ میباشد که نیز بفارسی و در ص ۵۷ تا ۵۹ معرفی آن گردید.

۲۲ - شرح زواری

علی‌بن‌حسن‌زواری نهج‌البلاغه‌رابفارسی شرح‌وخودآنرا«روضةالانوار»نامیده و بسال ۹٤۷ در دو مجلّد تألیف آن خاتمه یافته و نسخه آن در کتابخانه رضویه در مشهد مقدس‌و کتابخانه مدرسهٔ مروی در طهران موجود است.

۲۳ - شرح عمادالدین استرابادی

مولی عماد الدّین علی قاری استرابادی از معاصرین شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸٤) بوده و مؤلف فهرست معارف از صاحب ریاض‌العلما نقل نموده که این شرح مانند حاشیه و تعلیقه بر نهج البلاغه میباشد.

۲۴ - شرح ملافتح‌الله کاشی

این شرح بفارسی وآنرا ترجمه نیز خوانند ومؤلّف بسال ۹۸۸ وفات یافته و در ص ۱۶ معرّفی از آن شد.

۲۵ - ترجمه شرح ابن ابی‌الحدید

چنانکه در ص ۱٤ و ۱۵ گذشت شمس بن محمّدبن مراد بسال ۱۰۱۳ بترجمه شرح ابن‌ابی‌الحدید پرداخته وبر آن اضافاتی نموده، صاحب وقایع‌الایام ازصاحب ریاض العلما نقل نموده که وی گوید: شمس‌بن محمد بن مراد از علمای عصرما بلکه در عصر خود ما بوده وشرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در زمان شاه سلیمان بامر **درویش‌بن‌مظفر** بفارسی ترجمه کرده و ترجمه مجلّد اوّل آنرا در اصفهان دیده‌ام. از کیفیّت عبارت نویسی صاحب ریاض نگارنده را بنظر میرسد که اطلاع درستی از این مؤلّف نداشته و نسخه‌ای از این ترجمه راکه در عصر سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بامر درویش بن مظفّر نویسانده بوده‌اند دیده وتصوّر نموده که مؤلّف درهمان زمان بوده وتاریخ تألیف فوق که نسخهٔ آقای حاج محتشم السّلطنه (حسن اسفندیاری) دارای آنست بهترین مؤیّد نویسنده است ونام این‌مترجم (شمس بن محمّدبن‌مراد) را که‌مسلّماً شیعه بوده‌در کتب رجال نیافتم.

۲۶ - شرح و ترجمه نور محمد

نور محمّدبن قاضی عبدالعزیزبن قاضی طاهر محمّد محلّی که ازعلماء عامّه بوده، چنانکه درآخر شرح خود تصریح نموده‌بسال ۱۰۲۸ نهج البلاغه را بفارسی‌شرح و ترجمه کرده و شارح بکتب فلاسفه و آراء آنها آشنائی داشته و بمناسبت در ذیل شرح بعضی از فقرات از خطب و کلمات بنقل آنها پرداخته و با عرفان نیز سر و کار داشته ومطالبی عرفانی دراین شرح جا داده و مطالبی از قطب‌راوندی نقل کرده و بردّ آن مبادرت نموده، نسخه‌ای از این شرح اخیراً جزء کتب‌این کتابخانه شده و قسمتی از اوائل آن افتاده و چون کتب دیگریکه با این نسخه وارد شده،نظم‌وترتیب آنهاانجام‌نیافته،خصوصیّات‌نسخه رادراین‌جلد ذکرننمودیم.

۲۷ - شرح نظام‌الدین گیلانی

این‌شرح چنانکه‌ذیل‌شرح‌ابن‌میثم درص۵۳ گذشت‌نسخه‌آنراآقای‌تربیت‌دارند ومختصرشرح‌ابن‌میثم‌بحرانی‌میباشد، نظام‌الدین گیلانی‌ملقّب‌به‌حکیم‌الملك باختصار آن‌پرداختّه ومختصر اضافاتی نیز ازخود درشرح وبسط نهج البلاغه دارد وبسال ۱۰۳۶ این اختصارخاتمه یافته وآنرا «انوارالفصاحه واسرارالبلاغه» نامیده است.

۲۸ - شرح عبد الباقی صوفی

این شارح از خطّاط های معروف عصر شاه عباس کبیر بوده و بگفته آقای تربیت در ص۱٤٤-۱٤٦ دانشمندان آذربایجان ازاهالی تبریز و **دانشمند** تخلّص میجسته و بسال۱۰۳۹ وفات یافته و صاحب مستدرك الوسائل ازریاض‌العلما نقل نموده که‌این‌شرح فارسی و مفصّل میباشد ولی توفیق براتمام آن نیافته و مؤلّف را میل زیادی بمسلك تصوف است.

درفهرست‌رضویه‌قسمتی‌ازاوائل‌شرحیکه‌بنام «منهاج‌الولایه» نامیده شده‌موجود و باین دانشمند نسبت داده شده، نگارنده سه نسخه دیگر از این کتاب را دیده یکی‌از آنهاکه‌مشتمل‌بریازده‌باب‌ازاین کتابست‌واندکی‌ازباب‌یازدهم‌وباب‌دوازدهم رانادارد،متعلّق بحضرت آقای حاج‌میرزاعبدالحسین ذوالرّیاستین‌شیرازی دام‌عمره قطب‌فعلی‌سلسله نعمت اللّهی میباشدونسخه دیگریکه باب‌دوازدهم راکه درادعیه نهج‌البلاغه‌میباشد،بدون‌شرح‌دارابود دیده وآنراآقای امیری‌فیروز کوهی که‌جوانی صاحب‌ذوق وشاعرمیباشدخریداری کرده‌اندونسخهٔ سوّم‌راکه‌مشتمل‌برسه‌باب‌اوّلیّه این کتاب‌میباشد دانشمند معاصر آقای سید عبدالرّحیم خلخالی‌دارندو ازلحاظ‌خط نفیس است.

شارح مطالب نهج البلاغه را دوازده نوع بتفصیل ذیل نموده و هریك‌را در بابی قرار داده و بشرح آن پرداخته و در آن بنقل عین کلمات محقّقین از عرفا چون صدرالمحقّقین (صدرالدین قونوی)وابن‌العربی و سیّد علی همدانی مبادرت نموده و باشعار سعدی و حافظ و ابن فارض و قاسم (ظاهراً قاسم انوار باشد) و عطّار و گلشن راز تمثّل جسته و از تفسیر کشّاف و کتب عرفانی و غیره نقلهائی دارد.

فهرست ابواب این شرح اینست : ۱ ـ در توحید ذات و اسماء و صفات و تحمیدالله . ۲ ـ در مناقب حضرت پیغمبر وآل وی علیهم السلام . ۳ ـ در شرف علم وهدایت واصناف علما . ٤ ـ در تقوی و صفات متقین وشعار اولیاء و صالحین . ٥ ـ در ظرائف حکم ولطائف امثال آداب و شیم . ٦ ـ در وصایا و نصایح شافیه و مواعظ و زواجر . ۷ ـ دراعراض از دنیای فانی و اقبال به آخرت که باقی است . ۸ ـ در مذمت از تکبر وتفاخروحسد وسرزنش متکبرین و متفاخرین . ۹ ـ در بدگوئی از ستم و ستمکاران وهرکس که مخالف راه نمائی وآئین است . ۱۰ ـ در قوانین عدالت و سیاست ومملکت داری . ۱۱ ـ در معادن و احوال مرگ و قبر و حشر و قیامت ودرآمدن به بهشت . ۱۲ ـ دعاها ایستکه درنهج البلاغه از انشاء آنحضرت ع میباشد و این شرح بدعا ختم گردیده است .

این شرح بفارسی است ولی شارح عباراتیکه از کتب عرفا نقل نموده بعربی است و در مقدمه نامی از مؤلّف نیست، بامطالعه مختصری که در خودشرح گردید آثاری دیگر ازمؤلّف بدست نیاوردم وبقرینه اینکه شرحی است موافق مذاق عرفان و تصوّف و باب آخر آنهم بدون شرح مانده و نشانه ایکه صاحب ریاض العلما از شرح عبدالباقی داده بود، نگارنده احتمال مؤلّف فهرست رضویّه را در نسبت این شرح (منهاج الولایه) به عبدالباقی صوفی قوی دانست واین شرح را که فهرست ابواب آن گذشت از او میداند . ولی بر نسخه آقای امیری نوشته شده که این شرح از کاشفی است و دلیلی براین نوشته درخودنسخه نگارنده نیافت .

۲۹ - شرح طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که ازشاگردان مرحوم مجلسی (ظاهراً مجلسی اوّل) بوده و صاحب رساله در رجعت بفارسی میباشد شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

۳۰ - شرح شیخ حسین عاملی

در امل الآمل نگاشته شده که شیخ حسین بن شهاب الدّین عاملی کرکی متوفی بسال ۱۰۷۷ شرحی بزرگ برنهج البلاغه نگاشته است .

۳۱ - شرح فخرالدین

فخرالدین عبدالله بن المؤیدبالله شرح ابن ابی الحدید را مختصر نموده وآنرا « العقدالنضید ـ یا ـ الدّر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است .

۳۲ - شرح محمد صالح روغنی

این شرح در ص ٦۳ تا ٦٦ مفصّلاً از آن معرّفی شد و پیش از سال ۱۰۸۸ تألیف یافته و بهترین شرح فارسی بر نهج البلاغه است .

۳۳ - شرح سید ماجد بحرانی

سیّد ماجد بن محمّد حسینی بحرانی ره از علمای عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰٥) و معاصر صاحب امل الآمل بوده وازعبارات امل چنین برمیآید که پیش از اتمام امل الآمل (سال ۱۰۹۷) وفات یافته و ایشان گویند این شرح ناتمام مانده است .

۳۴ - شرح کجکجی

این شرح را شیخ محمّد مهدی بن ابی تراب مشهدی کجکجی بفارسی تألیف و در سال ۱۰۹۷ خاتمه یافته و بگفته آقای جواهرالکلام در فهرست معارف نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا ع موجود است .

۳٥ ، ۳٦ - دو شرح گلستانه

سیّدعلاء الدین محمّد گلستانه متوفی بسال ۱۱۰۰ دوشرح برنهج البلاغه نگاشته یکی مختصر و تمام که نام آنرا « بهجةالحدائق » گذارده ودیگری مفصل وناتمام که نام آن «حدائق الحقایق» میباشد ودرص ٦۰ تا ٦۲ معرّفی کامل از شرح بزرگ گلستانه گردید .

۳۷ - شرح جرموزی

سیّدحسن بن مطهر بن حسین جرموزی یمانی متوفی بسال ۱۱۱۰ نهج البلاغه را شرح نموده وسیّد شهرستانی آنرا از کتاب « الذریعه الی تصانیف الشّیعه » بنقل از کتاب نسمة السّحر نقل نموده است .

۳۸ - شرح سید جزایری

شرح سیّد نعمت الله جزائری متوفی بسال ۱۱۱۲ بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف، در سه مجلّد میباشد .

۳۹ - شرح محمد رفیع جیلانی

رفیع الدین محمّدبن فرج گیلانی متوفی بسال ۱۱٦۰ یکی ازعلما و زهّادبوده ودرشهرمشهدمقدّس تدریس مینموده وصاحب فهرست معارف نوشته اند که این شرح

جامع میان شرح ابن ابی‌الحدید و شرح ابن میثم بحرانی است .

۴۰ ، ۴۱ - دو شرح شبر

سیّد عبدالله شبّر متولّد بسال ۱۱۸۸ و متوفی بسال ۱۲٤۲ از علماء امامیّه و دانشمندان و مفسّرین قرن سیزدهم هجری بوده و در کاظمین وفات یافته، دو شرح بر این کتاب نگاشته و گفته‌اند یکی چهل هزار بیت و دیگری سی هزار بیت کتابت دارد.

۴۲ - شرح لاهیجی

این شرح از محمد باقر لاهیجی مشهور به نواب و بفارسی است ، تألیف آن بسال ۱۲۲٦ خاتمه یافته و بنام ترجمه نیز خوانده میشود و در ص ۱۷ و ۱۸ معرّفی از آن گردید.

۴۳ - شرح امام جمعه طهران

میر محمّد مهدی امام جمعه طهران ره متوفی بسال ۱۲٦۳ شرحی بر نهج البلاغه دارند و در ص ۵۵ و ۵٦ معرّفی از آن نمودیم .

اخیراً استاد محترم این دانشکده آقای سیّد محمّد مشکوة پنج مجلّد از شرح فارسی بر نهج البلاغه نزد نگارنده فرستاده اند که در آن دقت نموده و بگویم از کیست، پس از مدتی مطالعه از خود کتاب بدست آمد که مؤلف آن از طرف مادر بحضرت علامهٔ مجلسی منتسب میباشند و از لحاظ اینکه بیشتر از مطالب ترجمه عین عبارت شرح ابن عتائقی میباشد بی اهمیّت نیست و از مقایسه این مجلّدات با قسمتی از شرح امام جمعه طهران که در این کتابخانه موجود است و نسبت ایشان از طرف مادر به مجلسی ثابت میشود که این مجلّدات بقیّه آن شرح میباشد و در یکی از این مجلّدات دیدم که مؤلف گوید مرا کتابی در امامت و غزوات بنام «تکملة الحیات» میباشد و مطالبی را بدانجا حوالت نموده ولی این کتاب و حتی نام آنر جائی نیافتم و این پنج مجلّد در حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد .

۴۴ - شرح سید محمدتقی

محمّد تقی بن الامیر مؤمن قزوینی متوفی بسال ۱۲۷۰ بر نهج البلاغه شرحی نوشته و مؤلف فهرست معارف گوید که بسال ۱۲٦۸ مجلّد اوّل آنرا باتمام رسانیده است .

۴۵ - شرح محمد صالح برغانی

حاجی محمّد صالح برغانی قزوینی برادر ملاّ محمّد تقی شهید ثالث و پدر قرّة العین معروفه است که پیرو میرزا علی محمّد باب گردید ، پدر و عمو را بکشتن داد و از این رو عمویش معروف به شهید ثالث گردید و صاحب روضات گویند که هردو برادر در حدود سال ۱۲۷۰ بمردن و کشته شدن دعوت حق را اجابت گفته‌اند ، مؤلف وقایع الایام فقط این شرح را نام برده و در جای دیگر نامی از آن نیست ، آقای تربیت گویند که این شرح بفارسی میباشد و محمّدعلیشاه قاجار در هنگام ولیعهدی خویش با حروف سربی در شهر تبریز آنرا چاپ و مجّاناً بعلما و دانشمندان داده است ، ولی بدبختانه با تفحّص زیاد نگارنده در طهران نسخه‌ای از آنرا نیافت .

۴٦ - شرح خوئی (الدرة النجفیه)

مؤلف این شرح میرزا ابراهیم بن حسین بن علی خوئی میباشد که بسال ۱۳۲۵ در مشروطیّت کشته شده و صاحب مستدرك از ایشان به «الفاضل المعاصر» تعبیر نموده و بسال ۱۲۹۱ تألیف آن خاتمه یافته و بسال ۱۲۹۳ در تبریز چاپ شده و نام آنرا « الدرة النجفیّه » گذارده است . و کتابی این مؤلف در رجال بنام « تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال » دارند .

۴۷ - شرح دزفولی

چنانکه در ص ٤۵ و ٤٦ گذشت حاج نصرالله بن ملاّ فتح الله دزفولی بامر ناصرالدّین شاه قاجار شرح ابن ابی‌الحدید را بفارسی ترجمه نموده و پس از هر قسمت از ترجمه کلمات نظریه خویش را در شرح آن کلمات بیان نموده و بسال ۱۲۹۲ این ترجمه و شرح خاتمه یافته و در صفحات مذکوره این فهرست برخی از مجلّدات این شرح را در کتابخانه استاد آقا سیّد محمد مشکوة نشان دادیم .

۴۸ - شرح شیخ محمد عبده

شیخ محمّد عبده مصری متوفی بسال ۱۳۲۳ از افاضل عصر اخیر و از شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی همدانی ایرانی معروف به افغانی بوده و این شیخ جلیل از مشاهیر علماء عامّه‌اند و شرح ایشان حلاّل الفاظ مشکله و لغات غریبه نهج البلاغه میباشد و نخستین بار بسال ۱۸۸۵ م در بیروت چاپ و تاکنون بارها در ذیل نهج البلاغه چاپ گردیده است .

۴۹ - شرح خوئی

سید حبیب‌الله بن محمّد هاشم هاشمی علوی موسوی خوئی شرحی بر نهج‌البلاغه نگاشته ونام آنرا نیز « منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه » گذارده و شش مجلّد از این شرح چاپ‌شده و مجلّد ششم آن تاشرح دویست‌ونهمین کلام یاخطبهٔ حضرت که باین جمله آغاز شده : (ان فی ایدی الناس حقاً وباطلا) میباشد وتاریخ اتمام مجلّد پنجم را مؤلف بسال ۱۳۱۷ ضبط نموده و مجلّد ششم بی تاریخ مانده واین مجلّددرسال ۱۳۵۲ و مجلّدات دیگر پیش‌ازاین‌تاریخ‌چاپ گردیده واز مجلّدات دیگر این شرح خبر واثری نیافتم‌واین‌شرح یکی‌ازشروح‌مفصّله نهج‌البلاغه میباشدوترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست .

۵۰ - شرح شیخ جواد طارمی

شیخ‌جواد بن محرم علی‌طارمی متوفی در زنجان بسال ۱۳۲۵ میباشد وصاحب وقایع‌الایام گویند که نام این شرح « شرح الاحتشام علی نهج بلاغة‌الامام» است .

۵۱ - شرح جهانگیرخان قشقائی

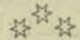
قشقائی یکی‌ازایلات ترك‌ایران‌است که درفارس‌متوطن میباشند وجهانگیرخان از علما و حکمای اخیر ایران بشمار میرود و اصفهانرا برای تحصیل اختیار کرد و تا آخر عمر در آنجا بود و از اساتید حکمت در این عصر شمرده میشدوشیخ اسدالله گلپایگانی در کتاب « شمس‌التواریخ » وفات ایشانرا بسال ۱۳۲۸ ثبت کرده است .

۵۲ - شرح مرصفی

محمّدحسن نائل مرصفی نیز ازفضلاء اخیر کشور مصر میباشند و شرح‌ایشان بسال ۱۳۲۸ در مصر در ذیل نهج البلاغه چاپ شده و متکفل بیان و شرح لغات مشکله این کتابست و گاهی بمناسبت اشاره‌ای به قواعد علم معانی و بیان شده و اشعاری‌رابمناسبت‌مقام‌آورده‌اند وپیش‌ازشروع بشرح ، مقاله‌مختصری‌راجع بلغات مخصوصاًلغت‌عربی‌انشا نموده‌اندوچون‌دقت گردیدمطالب وعبارات این‌شرح‌عین عباراتی است که مرحوم شیخ محمّد عبده مرقوم داشته‌اند ، درمعجم المطبوعات ص۱۷۳۳مؤلفات دیگر این‌مؤلف(مرصفی) که‌چاپ گردیده‌تذکّر داده شده ولی نامی‌ازاین شرح درآنجانیست .

۵۳ - شرح شهرستانی

عالم جلیل معاصر سید هبة‌الدین شهرستانی دام ظلّه وزیر سابق معارف‌عراق که از مفاخرعالم‌تشیّع میباشند،چنانکه خود در « ماهو نهج‌البلاغه » آورده‌اند ، بر نهج‌البلاغه شرحی بنام « بلاغ المنهج » نگاشته و پس از ایشان کسی را سراغ نداریم که برتمام این کتاب شرح نوشته باشد.



شروح مذکوره چنانکه پیدا است بترتیب سالهای تألیف مرتب گردید اینك شروحی دیگر را که مؤلف آن شناخته نشده و یا زمان تألیف آنرا بدست نیاورده‌ایم مینگاریم :

۵۴ - شرح مختصر قدیمی

حاجی نوری ره در خاتمه مستدرك‌الوسائل نگاشته‌اند که شرحی بسیار کهنه و مختصر بر نهج‌البلاغه در مشهدمقدس ملاحظه فرموده ولی چون اوراقی ازاوّل آن افتاده بوده مؤلف آنرا نشناخته‌اند .

۵۵ - شرح المولوی الهندی

این شرح را سید شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » و در فهرست معارف آقای جواهرالکلام ذکر فرموده‌اند ، نام‌وزمان مؤلف را بدست نیاوردم .

۵۶ - شرح سید ذاکرالحسین

سیدذاکرالحسین اخترهندی‌دهلوی‌بتصریح‌مؤلف «الذریعه‌الی‌تصانیف‌الشیعه» بنام « نیرنلت فصاحت » (کذا) بر نهج البلاغه شرحی دارد و سید شهرستانی وعبدالعزیزجواهرالکلام‌نیز آنرا نقل کرده‌اند .

۵۷ - شرح (منهاج الولایه)

شرحی نیز بنام « منهاج الولایه » بر نهج‌البلاغه نگاشته شده و سید شهرستانی بنقل از«الذریعه» گویند که مؤلف آن‌خطب نهج‌البلاغه‌را سه‌دسته‌نموده **قسم اول** در توحید و اصول دین . **قسم دوم** درمواعظ و عبادات . **قسم سوم** در اخلاق . نگارنده نیز بر نام مؤلف و عصر ایشان دست نیافت و آقای جواهرالکلام در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۴۴ ذیل شروحی که بر اجزاء نهج‌البلاغه نوشته شده

این شرح را نام برده و گویند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ نجف آبادی در نجف اشرف موجود است.

۵۸ - شرح مختصر

شرح مختصری که جامع جُمل مفیده از شروح قدیمی نهج‌البلاغه میباشد و سید شهرستانی از «الذریعه» نقل کرده‌اند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ حضرت رضا علیه‌السلام موجود است ولی نگارنده در فهرست آنجا نیافت.

۵۹ - شرح مزجی

سید شهرستانی از «الذریعه» نقل نموده که شرحی مزجی بر نهج البلاغه در کتابخانهٔ حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام موجود است.

۶۰ - شرح تحفة العلویه

فقط آقای جواهر الکلام در فهرست معارف این شرح را نام برده و گویند مؤلف آن **افصح الدین** میباشد تاریخ وزمان شرح و شارح بدست نگارنده نیامد.

۶۱ - شرح ابن العنقاء

مؤلف وقایع الایام از ریاض العلماء نقل نموده که ابن عنقاء از علماء عامّه بوده و این شرح را از چهار شرح جمع آوری کرده و در این جهت نظیر شرح ابن عتائقی است. نگارنده بر نسخهٔ آن وزمان وعصر مؤلفش دست نیافت.

۶۲ - شرح اصفهانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از کتاب «تحفة الابرار» تألیف سید حسین بن مساعد حائری گوید: اصفهانی را شرحی بر نهج‌البلاغه میباشد و او از علماء عامه بوده. عصر وزمان مؤلف ونام وی واین شرح نیز بدست نگارنده نیامد.

۶۳ - شرح صنعانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از «تحفة الابرار» مذکور گوید: صنعانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و چنین معلوم میشود که از علماء عامه بوده است. نام مؤلف وزمان حیاتش را بدست نیاوردم.

۶۴ - شرح علی بن ناصر

مؤلف کشف الحجب و محدث نوری ره وسید شهرستانی و مؤلف وقایع الایام و مؤلف فهرست معارف شرحی بنام «اعلام نهج البلاغه» به علی بن ناصر نام نسبت داده اند و نگارنده چنانکه درص ۱۲۳ نگاشت باتفحص وتجسّس بزمان مؤلف و مکان نسخهٔ این شرح دست نیافت ولی از اینکه در کشف الحجب آغاز آن نقل گردیده معلوم میشود که مؤلف آن نسخه‌ای ازاین شرح را در دست داشته اند.

۶۵ - شرح محی الدین خیاط

محی الدین خیّاط مطالبی را از شرح ابن ابی الحدید انتخاب و در بعضی از موارد نادراً اظهار نظر کرده و این شرح منتخب از شرح ابن ابی‌الحدید در ذیل نهج‌البلاغه در دو مجلد در بیروت بدون تاریخ چاپ شده است.

۶۶ - شرح محمد محی الدین

محمد محیی الدین عبدالحمید که یکی از مدرسین و اساتید فعلی جامع الازهر وفضلاء کنونی کشور مصر میباشند، نهج‌البلاغه را اخیراً (بدون تاریخ) با طرزی نیکو بضمیمهٔ شرح مرحوم شیخ محمد عبده چاپ نموده وجمله هائی که سیّدرضی آنها را در نهج‌البلاغه نیاورده و ابن ابی‌الحدید در شرح خویش آورده، در این چاپ بر نهج‌البلاغه افزوده شده و این استاد محترم شرح و توضیحی که بعضی از جُمل و کلمات لازم داشته و شیخ محمد عبده در شرح خویش از آنها صرف نظر نموده باداء آن پرداخته‌اند.



اینک هنگام آن رسید که ترجمه‌ها و شروحیکه فقط بر بعضی از خطب یا اجزاء دیگر نهج البلاغه نوشته شده در اینجا یاد شود:

دو شرح بر خطبة البیان

خطبة البیان یکی از خطب منسوبه بحضرت مولی علی بن ابی طالب سلام الله علیه است، سید رضی ره آنرا معتبر ندانسته و در نهج‌البلاغه نیاورده ولی بعضی از دانشمندان آنرا از آنحضرت میدانند، از آنها شیخ رجب بُرسی است که از علماء

قرن نهم هجری میباشد، نگارنده دو شرح بر این کتاب را دارد ۱ - بفارسی تألیف محمد بن محمود دهدار فارسی است که بچاپ نرسیده و نام آن «خلاصة الترجمان فی تأویل خطبة البیان» است - ۲ - نیز بفارسی و تألیف میرزا ابو القاسم بن مجد الاشراف شیرازی متوفی بسال ۱۲۸٦ قطب سلسلهٔ ذهبیّه میباشد و بسال ۱۳٤۳ در مطبعهٔ احمدی شیراز چاپ شده و نام آن «معالم التأویل والتبیان فی شرح خطبة البیان» است.

شروح خطبه شقشقیه

این خطبه چنانکه در اوائل بحث راجع به نهج البلاغه نوشته شد از خطب مهمّهٔ حضرت مولی سلام الله علیه است وبعربی وفارسی شروح بسیار بر آن نوشته شده ونگارنده برشروح ذیل دست وخبر یافته:

۱ - شرح سید محمد عباس شوشتری که از علماء قرن سیزدهم هجری ودر هندوستان بوده وبفارسی میباشد وبسال ۱۲۸۷ چاپ شده است.

۲ - تعلیقات وحواشی همین مؤلّف براین خطبه بعربی است که درحاشیهٔ نسخه چاپ شده نگاشته شده.

۳ - شرح سیّد مرتضی علم الهدی علی بن الحسین رحمة الله علیه متوفی بسال ٤۳٦.

شروح عهدنامهٔ مالك اشتر

این دستور حکمفرمائی یا عهدنامه یکی از ابلاغ های تاریخی و مهمّی است که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام درحالیکه مالك اشتر نخعی را والی کشور مصر نموده انشاء فرموده وچون مشتمل برمطالب سودمندی است وبعظمت نویسنده ومنشی آن گواهی میدهد بسیاری ازدانشمندان بشرح وبسط وترجمهٔ آن پرداخته‌اند:

۱ - شرح سید ماجد بحرینی معاصر شیخ حرّ عاملی ره میباشد که پیش از سال ۱۰۹۷ وفات یافته وبفارسی ودرتحت شصت مقاله وبنام «تحفهٔ سلیمانیه» میباشد و در سال ۱۳۰۱ در طهران چاپ شده است.

۲ - شرح یاترجمه محمدصالح روغنی قزوینی ازعلماء اواخر قرن یازدهم هجری میباشد که نیز بفارسی است ودرص ۱٤-۱٦ معرفی کامل از آن گذشت.

۳ - ترجمه و شرح میرزای وقار پسر مرحوم وصال شیرازی متوفی به سال ۱۲۷٤ که بنظم فارسی است و در شیراز چاپ شده.

٤ - در مؤلفات فارسی علامه مجلسی (محمد باقر بن محمدتقی) شرحی براین عهدنامه نامبرده شده است.

٥ - محمد باقر بن محمد تقی نام رساله ای استکه درسلوك ولاة از اخبار ائمهٔ اطهار ع بفارسی تألیف شده وتمام این عهدنامه را که بفارسی ترجمه وشرح کرده‌اند در آن گذارده ونسخهٔ آن اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده، شاید این رساله همان شرح وترجمه مجلسی ره باشد.

٦ - مرحوم شیخ محمد عبده مفتی دیار مصر متوفی به سال ۱۳۲۳ این عهدنامه را شرح نموده و «مقتبس السیاسیّه» نام نهاده وبسال ۱۳۱۷ درمصر چاپ شده است.

۷ - مرحوم حاج شیخ محمد سلطان متوفی بسال ۱۳٥٤ که عالمی واعظ وواعظی عالم بودند بر این نامه شرحی نگاشته و نسخه آن نزد فرزند خلف ایشان آقای ملك خلاقی در طهران موجود ونام آن «اساس السیاسیه فی تأسیس الریاسه» است.

۸ - شیخ محمد هادی بن محمد حسین قائنی بیرجندی که از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (محمد حسن) ره و از معمّرین علمای فعلی ایران میباشند بسال ۱۳۳۳ این عهدنامه را بفارسی ترجمه وباترجمهٔ ادب الکبیر تألیف ابن مقفع که نیز خود ایشان ترجمه نموده اند بسال ۱۳۱٥ شمسی در طهران چاپ شده است.

۹ - محمدحسین بن علینقی همدانی این خطبه را بسال ۱۳۰۸ که زین العابدین خان حسام الملك والی ایالت کرمانشاهان بوده بنام وی بفارسی ترجمه و شرح نموده بدین مناسبت آنرا «هدایات الحسام فی عجائب الهدایات للحکام» گذارده و گوید که مجموع این اسم موافق با تاریخ کتاب است، نسخه‌ای از این شرح را آقای اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) رئیس محترم دورهٔ یازدهم مجلس شورای ملی دارند وبسال ۱۳۱۱ نوشته شده و ضمیمهٔ آن رساله‌ای ازهمین مؤلف بفارسی در علم فراست یاقیافه میباشد که برحسب خواهش شاهزادهٔ عزالدوله عبدالصمد میرزا تألیف گردیده و آغاز این رساله اینست: بسمله الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی، فراست بردوقسم است الهیّه نوریه وطبیعیّه مزاجیّه اما فراست الهیه الخ.

۱۰ – در المآثروالآثارص ۱۸۶ نگاشته شده که میرزا ابراهیم‌بن محمد مهدی بدایع نگار را شرحی برعهدنامهٔ مالك اشتر میباشد که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از شرح این عهدنامه درکتابخانه حضرت رضا (ع) موجود و مؤلف فهرست آنجا نوشته که بسال ۱۲۶۲ وقف گردیده ودیباچه وخطبه ندارد ومحتمل است که‌همان ترجمه مذکور در المآثر والاثار باشد وآغاز آن این :
(هذا ماامربه عبدالله امیرالمؤمنین مالك‌بن الحارث الخ) و آنجام آن‌اینست:
(و درود فرستد خدای براو درود فرستادن بسیار) .

۱۱ – نسخه‌ای از ترجمه این عهدنامه در کتابخانه مجلس موجود ودر مقدمهٔ آن مترجم‌خودرا فقط بدایع‌نگار معرفی‌نموده‌و سال‌تألیف را ۱۲۷۳ معین کرده‌و فارسی بسیار سلیس و روانی است و آغاز و انجام آن با نسخه پیشین مختلف میباشد وآغاز نسخه این‌جمله : بسمله چون درسال چهلم هجرت رسول صلوات‌الله وسلامه علیه مصر واعمال مصر برمحمد ابی‌بکر برآشفت واورا بدان صفت که‌در تاریخ‌مغازی عرب مسطور است بسوختند الخ .

و آغاز ترجمه عهدنامه این : بسمله این‌فرمان بنده خدا امیرالمؤمنین علی‌است بسوی مالك بن حارث‌النخعی در آن عهد که بدو نبشت الخ . و انجام نسخه اینست : و در قبول این عهود و امضاء این حکم که یکان یکان بر تو شمردم و هریك‌را دلیلی روشن وحجتی قاطع آورده سعی خویش بکاربری وشرط اجتهاد مرعی داری و انا اسئل‌الله بسعة رحمته و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة ان یوفقنی و ایاك . . . . والسلام علی رسول‌الله صلی‌الله علیه‌و آله‌الطاهرین، الهم اغفرلراقمه الفقیر عبدالغفار التوسرکانی . . . . . فی سنة ۱۲۹۷ .

بنا بر اینکه آغاز و انجام این ترجمه با نسخه کتابخانهٔ رضویه اختلاف دارد معلوم میشود که دوترجمه‌است وشاید که ترجمهٔ‌میرزاابراهیم بدایع نگارنسخه مجلس باشد وترجمه ایکه در کتابخانه رضویه‌است‌ازدیگری وتواند بود که‌عکس‌این‌باشد

ومانعی‌نداردکه دونفر که ملقب‌به‌بدایع‌نگار بوده‌اند این عهدنامه را ترجمه کرده باشند وبدایع‌نگارمقام ولقبی بوده‌واکنون‌هم بدین نام‌ولقب دانشمندی‌درطهران‌میباشد .
۱۲ – محمدجلال‌الدین این‌عهدنامه رابترکی‌نظم بسته وبسال ۱۳۰٤ دراسلامبول چاپ شده .

دو شرح بر خطبهٔ همام یا خطبةالمتقین

۱ – تألیف میرآصف‌قزوینی که درایام‌فتنهٔ افاغنه‌دراصفهان‌وفات‌یافته‌است .
۲ – تألیف آقاشیخ مهدی قمشه‌ای متخلص به الهی دام ظلّه است که اینك یکی از اساتید فلسفه در دانشکدهٔ معقول و منقول میباشد و از مفاخر این عصر شمرده میشوند وگذشته ازفضائل صوری‌دارای معنویات‌بسیار پسندیده‌ای هستند و توان ایشان را خداوند اخلاق خواند واین شرح وترجمه بنظم فارسی است چند بیتی از آغاز آنرا دراینجا میآوریم :

بنام ایزد پیدا وپنهان   روانبخش‌تن، افروزندهٔ‌جان
خداوندی که عالم آفریده   جهان در جان آدم آفریده
. . . .
شنیدم عاشقی پروانه‌خوئی   بآئین محبت راست گوئی
رفیق‌خلوت‌آنسلطان‌دین‌را   حریف‌صحبت‌آنعشق‌آفرین‌را

شرح خطبهٔ قاصعه

چنانکه در ص ۱۰۸ گذشت عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی بمناسبت جمله‌ای ازاین خطبه که درمذمت کبر وحسد بوده درکتاب نظم‌الغرر ونضدالدرر تمام این خطبه‌را نقل‌نموده‌وبشرح‌وترجمه‌آن‌پرداخته‌ونسخه‌آنرا فقط‌در کتابخانه مدرسه سپهسالار سراغ دارم .

شرح خطبه طتنجیه

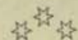
خطبه ایکه بنام طتنجیه معروف گردیده در نهج‌البلاغه نیست و آنرا سید کاظم رشتی متوفی بسال۱۲۹٥ که از شاگردان مرحوم شیخ احمد احسائی متوفی بسال ۱۲٤۰ و یکی از رؤسای شیخیه بوده اند، شرح نموده وبسال ۱۲۷۰ چاپ شده است .

شرح و ترجمهٔ بعضی از خطب ومکاتیب

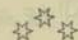
۱ - در فهرست معارف نوشته شده که شیخ محمد علی بن شیخ ابی طالب زاهد جیلانی اصفهانی متوفی دربنارس بسال ۱۱۸۱ بعضی ازخطب حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام را بفارسی شرح کرده‌اند.

۲- محمد تقی لسان‌الملك در ذیل شرح حال و وقایع تاریخی حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از کتاب ناسخ‌التواریخ (مجلّد دوّم) خطب ومکاتیبی از آن حضرت را نقل و بترجمه فارسی آنها پرداخته است.

۳- میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملك آذربایجانی متخلص به‌ضیائی متوفی بسال ۱۳۵۲ که ازاهالی آذربایجان بوده بسال ۱۳۲۹ سه‌وصیّت‌نامه حضرت‌مولی امیرالمؤمنین ع خطاب به‌فرزندخویش حضرت حسن مجتبی علیهما السلام رابه نظم‌فارسی ترجمه‌وشرح کرده و درهمان سال در اسلامبول درذیل اصل وصیّت نامها چاپ گردیده است.



بیش از آنچه در اینجا نام برده شد نگارنده بر شروح و ترجمهای قسمتهائی از نهج البلاغه و خطب و مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام دست نیافت، اینك بر آنچه از شروح و ترجمه های کلمات قصار آن حضرت دست و خبر یافته در اینجا تذکر میدهد که تاحدی این شرح ومطالب که در اطراف نهج‌البلاغه نوشته شده جامع باشد.



۱ - نخستین کس که بجمع‌کلمات قصار حضرت علی ع مبادرت نموده جاحظ متوفی بسال ۲۵۵ بوده که بنام «مائة کلمه» مشهور گردیده و در ص ۷۸ تا ۸۱ معرفی از آن و دو شرحی که دارد شد و نیز در ص ۶۹ تا ۷۱ ترجمه های آنرا نیز تذکر دادیم و مکرّر باترجمه وبی‌ترجمه چاپ گردیده است.
ودر کشف‌الظنون ص ۷۸ ج۲ آمده که مصطفی بن‌محمد معروف به‌خواجکی‌زاده صد کلمهٔ امام علی‌بن ابیطالب‌ع را بترکی شرح کرده است.

۲ - نثر اللاّلی است که مؤلف آنرا ابوعلی طبرسی یا علی بن فضل‌الله‌راوندی یا قطب راوندی نوشته‌اند و راجع باین کتاب و ترجمه‌های آن درص۱۰۲ تا۱۰٤

شرحی نگاشته شد و این مجموعه بترتیب حروف تهجّی در سی باب مرتب شده وهربابی‌مشتمل برچندین کلمه‌از کلمات‌قصار میباشد وبسال ۱۳۱۲ چاپ‌شده‌است.

شیخ عبدالسّلام احمدالقویسنی که از دانشمندان نیمه اول قرن چهاردهم هجری بوده اند در ص ۱۳ تا ۲۲ کتاب «مراقی‌النّجابه فی‌قواعدالکتابه» کلمات قصاری از حضرت علی‌ع نقل و آنکلمات نثراللاّلی‌میباشد و کتاب مذکور بسال ۱۳۲۸ در مصر چاپ شده است.

جزآنچه درصفحات مذکوره بالا از شروح و ترجمه های این مجموعه نامبرده شده نثراللاّلی ترجمه های ذیلرا نیز دارد:

۱ - ابن ساوجی ابوالمحاسن محمدبن سعدبن محمدبن نخجوانی بسال۷۳۲هریك از کلمات قصارنثراللاّلی‌رابیك بیت فارسی‌ترجمه نموده ومؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان‌در ص ۲۱ آورده که نام آن «بدرة‌المعانی فی ترجمة اللاّلی» میباشد و بسال ۱۳۱۵ در اسلامبول چاپ شده است.

۲ - در فهرست کتب عربی لندن نوشته شده که **یوسف‌نصیب** نثراللاّلی‌را بترکی ترجمه نموده ونام‌آنرا «رشتهٔ‌جواهر» گذارده وبسال ۱۲۵۷ دراسلامبول چاپ شده است.

۳- نیزدرفهرست‌مذکوراست که**معلم ناجی** کلمات قصارفوق‌رابترکی‌ترجمه نموده وبنام «امثال‌علی» بسال ۱۳۰۳ دراسلامبول چاپ‌گردیده است.

سوّم از کلمات‌قصار

غرر الحکم و دررالکلم آمدی است که نیز در ص ۷۶ تا ۷۸ معرّفی از آن گذشت، این‌مجموعه‌بیش‌از (٤۰۰۰) بیت کتابت‌دارد و آقا جمال خونساری (ره) بر آن شرحی فارسی نوشته و در ص ۳٤-۳۶ معرّفی از آن گردید و آقا میرزا محسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که از معاصرین و فضلاء کنونی‌واز مردمان اردبیل وساکن آنشهرمیباشند آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند.

٤ - عیون‌الحکم‌والمواعظ وذخیرة‌المتّعظ والواعظ‌استکه درص۷٤-۷۶همین مجلّدمعرفی از آن گردید، این کتاب مشتمل‌بر (۱۳۶۲۸) کلمه‌ازکلمات قصارمیباشد

ودرج ا فهرست ص ۳۸۳-۳۸٦ مقدمه آ نرا نقل نموده‌ام، لسان‌الملك سپهر در آخر یکی از مجلّدات ناسخ‌التواریخ (جلددوم ـ احوال حضرت امیرع) باترجمهٔ فارسی پاره‌ای از آن کلمات بدون نام واشاره به‌مؤلف، عیون الحکم‌را نقل‌نموده واین مجلد بسال ۱۲۸۹ چاپ گردیده است.

مؤلف عیون‌الحکم چنانکه پیش دانسته‌شد علی بن محمداللیثی والواسطی میباشدولی مؤلف وقایع‌الایام تصور نموده اند که لسان‌الملك خود بجمع آن کلمات موفق‌شده و عباراتی که ناشر در ابتداء آن کلمات نگاشته‌نیز موهم این تصوّرهست ولی نگارنده آنرا شناخت و با نسخه این کتابخانه مطابقه و مقابله نمود ، عین آن کتاب بود ، و این خود موجب خورسندی است کـه این کتـاب نفیس (عیون الحکم) بچاپ رسیده است .

٥ ـ عبدالکریم‌بن‌محمد یحیی قزوینی معاصر شاه سلطان‌حسین صفوی کلمات‌قصار موجوده در غررالحکم را درتحت ۹۹ باب که هربابی راجع بیکی از مباحث و موضوعات خاصّ میباشد مرتب نموده و پس از آن بفـارسی شرح کرده اند و در ص ۱۰٥-۱۱۲ بنام « نظم الغرر و نضدالدّرر » معرفی از آن گذشت.

٦ ـ ابن ابی‌الحدید پس ازشرح کلمات قصار موجوده درباب سوّم نهج‌البلاغه هزار کلمه قصار از آن حضرت ع جمع و بدون شرح وبسط در آخر شرح‌خویش گذارده وجداگانه بسال ۱۳۲۹ در بیروت چاپ گردیده و خود جامع درمقدمه آن گفته اند که بسیاری از این کلمات مسلّماً از آن حضرت و برخی هم گرچه کلام آنحضرت بودن آنها مسلّم نیست ولی چون مشتمل برحکمی بود بنقل آنها مبادرت گردید.

محدّث معاصر آ قای حاج شیخ عباس قمی سلّمه الله صد کلمه از این کلمـات را انتخاب و آنها را بفارسی شرح و ترجمه نموده ، بسال ۱۳٥۳ بنام « صدکلمه » در طهران چاپ گردیده ودر مقدمه آن مذکور است که‌تمام هزارکلمه‌را نیز بفارسی ترجمه‌وشرح کرده‌اند.

۷ ـ سید شهرستانی نگاشته اند که برحسب خواست جمعی امین نخله کـه از فضلاءمیباشند نیز صدکلمه از کلمات‌قصار حضرت (ع) را انتخاب کرده ودرمقدمهٔ

آن اظهار عجز نموده که متحیرم از این دُرر شاهوار کدام یك را بر گزینم .

۸ ـ حسین بن یوسف هروی که بگفتهٔ مؤلف کتابخانهٔ رضویه از علماء قرن دهم هجری بوده چهل‌کلمه‌از کلمات‌قصار حضرت ع راهر یك بیك رباعی‌فارسی‌ترجمه نموده و نسخهٔ آن که بسال ۹٥۲ نوشته شده در آن کتـابخانه موجود است .

۹ ـ مکتبی شیرازی که لیلی و مجنون او مشهور است شصت کلمه ازکلمات قصار حضرت را بفـارسی نظم بسته و پس ازترجمه، تمثیلی نیز بنظم برای توضیح هریك آورده و مجموع اشعار آن (۱٥۰۰) بیت میباشد و نسخهٔ آن که بسال ۱۰۳٦ نگارش یافته در کتابخانهٔ استاد معظم آقای ملك‌الشعراء بهار موجود وبنام « کلمات علیّه غرّا » بهمّت آقای کوهی کرمـانی بسال ۱۳۱۳ شمسی در طهران چاپ گردیده ونسخهٔ چاپی آن‌درتحت‌شمارهٔ (٤۰۰۰) در این کتابخانـه‌میباشد .

۱۰ ـ در وقایع الایام نوشته شده کـه مولی میرالقاری الکوکبی الجیلانی از معاصرین شاه عباس بوده و کتابی بنام « زبدة‌الحقائق » دارد که مشتمل برابوابی چند بعربی و فارسی است و یکی ازابواب آن بنام «باب کلمات حضرت پیغمبرص و الفاظ حضرت‌علی‌بن ابیطالبع »است وتألیف این کتاب برای سلطان احمدخان حاکم گیلان میباشد و قسمتی از آنرا مؤلف وقایع‌الایام در تبریز دیده‌اند .

۱۱ ـ الفرائد والقلائد نیز مجموعه ای از کـلمات قصار حضرت علی (ع) میباشد و جامع آ ن چنانکه درمقدمه عیون الحکم والمواعظ ثبت گردیده قـاضی ابویوسف یعقوب‌بن سلیمان الاسفرائنی‌است و نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ مدرسه‌مروی درطهران موجود ونگارنده آنرازیارت‌نموده وباحتمال دانشمندفرزانه آقای امین عراقی رئیس محترم آن کتابخانه از خطوط اواخر قرن ششم هجری است .

۱۲ ـ کمال‌الدوله محمد حسن قاجار در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجـار پاره‌ای از کلمات قصار حضرت راکه جنبهٔ اخلاقی واجتماعی داشته بفارسی ترجمه کرده و آنها را بحروف تهجی مرتب نموده و مجموع آن کلمات (٤۳۰) جمله میباشد و آنرا « ابواب‌الحکم » نامیده و بسال ۱۳۱۹ در طهران چاپ شده و در آخر برای تیمّن وتبرك عین الفاظ یکی از کلمات‌حضرت (ع) رانقل‌نموده‌و آغاز آنجمله اینست : ثمانیة ان اهینوا فلا یلوموا الّا انفسهم الخ.

۱۳ - آقای حاج سید عبدالله بهبهانی دام عمره که از علماء فعلی ایران وساکن بندر بوشهر میباشند نیز پاره‌ای از کلمات قصار را انتخاب و بترجمهٔ فارسی آنها مبادرت نموده و نام آنرا «تحفة الانوار» گذارده و بوسیله دانشمند معظم آقا شیخ عبدالکریم سعادت بسال ۱۳۴۳ درشیراز چاپ شده‌است.

۱۴ - آقای مورخ‌الدوله (احمد علی سپهری) دسته‌ای از کلمات قصار را که جنبهٔ عملی و اخلاقی داشته (در حدود ۵۷۰ کلمه) بنظر خویش انتخاب کرده، پس از آن بفارسی بسیار فصیح و روان و فرانسه ترجمه نموده و مقدمهٔ شیوائی درمعرفی از صاحب آن کلمات، آفتاب جهان دانش و پادشاه پرهیز کاران حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز بفارسی وفرانسه نگاشته وتا کنون درطهران بنام «کلمات قصار» چندبار چاپ گردیده است.

در خاتمه این قسمت لازم است نیز تذکر داده شود که حضرت سید رضی رضی‌الله عنه و اعلی‌الله مقامه چنانکه خود در مقدمهٔ نهج‌البلاغه تذکر داده اند و در ص ۱۲۲ ترجمهٔ آن گذشت قسمتی از کلمات قصار و آثار آن حضرت (ع) را درآخر بابی از ابواب کتاب خصائص الائمه که شامل حالات و فضائل حضرت ع میباشد نقل نموده وچنانکه گذشت درنهج‌البلاغه‌هم ۴۹۸ کلمه از کلمات قصار را باشرح مواردلازمه‌ای از آنها جمع آوری فرموده‌اند.

آقا شیخ احمد کاشانی که اینك در حدود شصت سال دارند و در مدرسهٔ نجم آبادی واقعه در محلهٔ سنگلج طهران ساکن میباشند ازبیست سال پیش تا کنون فهرستی بر نهج البلاغه بنام «کشف السّتاره عن نهج البلاغه» تألیف و آنرا در مقدمه‌ای و دو مقصد مرتب نموده و مقدمه را در تطبیق اصول ابن ابی‌الحدید با نهج‌البلاغهٔ فعلی قرار داده ومراد از این تطبیق اینست که در شرح ابن‌ابی‌الحدید خطب و مطالب نهج البلاغه مقدم و مأخر است و از اینرو محی‌الدین خیاط در شرح خویش تصور نموده که ابن ابی الحدید بعضی از خطب را شرح نکرده، آقای کاشانی باین تقدیم و تأخیر برخورده ودراین‌مقدمه‌تمام مندرجات نهج‌البلاغه و شرح حدیدی را با ذکر اینکه هریك در کدام صفحه واقع شده تذکر داده اند و **مقصداول** در مطالبی است که در اصول دین و مذهب (توحید و نبوت و معاد و عدل وامامت) در نهج‌البلاغه موجود است. **مقصددوم** در سائر مطالب

از فروع و مواعظ و غیره است که بترتیب حروف تهجی مرتب شده و نگارنده پاکنویس آنرا تا حرف ع دیده، و گذشته از تعیین صفحات نهج البلاغه در بسیاری از مواردعین عبارات نهج‌البلاغه‌و یامختصری‌از آنرا نیز درج نموده‌اند.

نگارنده بیش از آنچه در اینجا مندرج گردید از شروح نهج البلاغه واجزاء آن‌و کلمات‌قصار سراغ‌نیافت(درذیل‌شروح عهدنامه مالك‌شرح‌ملاّ ابوالحسن‌عاملی که‌ازعلماء قرن دوازدهم بوده وجدّ صاحب جواهراند ودرص۳۳ و۳۴ معرّفی از آن گذشت بعلت فراموشی تذکرداده نشد بنا براین، این‌شرح سیزدهمین شرح و ترجمه ایستکه ازاین عهدنامه معرفی نموده ایم و چهاردهمین شرح‌وترجمه‌بنام «دستورحکومت»است که بخواست میرزامحمودخان طباطبائی تبریزی (علاءالملك) شیخ احمد ادیب کرمانی مؤلف «سالار نامه» بفارسی نوشته و مرحوم محمد حسین فروغی (ذکاءالملك) آنراانشاء وبسال۱۳۲۱درطهران‌چاپ‌شده است) امیداست که این خدمت کوچك‌درنظرصاحب کلمات مورد قبول ودرنظردانشمندان‌مقبول‌افتد.

اینك به وعده‌ای که در آغاز بحث‌داده ام‌وفا وشروع بنگارش شرح مختصری ازحالات جامع محترم نهج‌البلاغه میگردد:

سیدرضی رحمة‌الله‌علیه (ابوالحسن،ذوالحسبین،الشریف‌الاجل،نقیب‌العلویّین، **محمد**بن‌الطاهر ذوالمناقب ابی‌احمد**الحسین**بن‌موسوی بن محمدبن ابراهیم المرتضی ابن‌موسی‌بن جعفربن‌محمد بن علی‌بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب سلام الله‌علیهم اجمعین) ازاعاظم‌سادات موسوی ومفاخرعلم‌وادب واز پرهیزکاران و نوابغ دوره و زمان خویش‌بوده، بسال ۳۵۹دربغدادمتولد شد، چندماهی بیش ازده‌سالگی‌وی نگذشته بود، که‌زبان‌بسرودن‌اشعار گشود، دراندك مدت گوی‌سبقت از گذشتگان ربود،دانشمند شهیر ثعالبی در یتیمة‌الدهر بااینکه‌درهنگام‌تألیف آن کتاب‌بیش‌از۲۵ سال‌ازعمر**رضی** نگذشته‌ودرعنفوان‌جوانی‌بوده‌برای‌نخستین‌بارویرابنهایت‌ستوده‌و منتخبی‌ازاشعارش‌را زینت‌بخش‌مؤلفهٔ‌خویش‌نموده‌است‌و گوید: ابوالحسن‌الموسوی محمدبن حسین‌امروز برومند ترین جوانان این عصر ونجیب‌ترین سادات عراق میباشد وازهمه‌طالبیّین گذشته و کنونی‌درشاعری‌برتری‌دارد باآنکه درآنهاشعرای بسیار بزرگی بوده واگربگویم اشعرقریش می باشدازراستی برکنارنرفته‌ام الخ.

تاکنون آنانکه بنوشتن رجال علم وادب مبادرت نموده نام‌سید رضی (ره) را

در آن دفتر ثبت و بشرح مکارم اخلاق و صفات و عظمت روحی و ادبی و علمی این بزرك پرداخته اند، جزچند نفری که بواسطه تألیف نهج البلاغه و نقل شکایات آن حضرت از معاصرین در آن کتاب، بر وی خشم ورزیده و کوچکترین یادی از او نکرده اند (مراجعه بصفحهٔ ۱۱٤ همین فهرست شود).

بسال ۳۸۰ (۱) مقام نقابت علویین و امارة حاج و نظر درمظالم راکه از مشاغل پدربود درزمان حیاةاو داراشد وبگفته ثعالبی بقصیده‌ای (انظر الی الایام کیف تعود) پدررا از این بر گذاری شکر گزاری کرده و گویند از هیچکس حتی از پدرخویش هدیه‌ای (۲) نپذیرفت و پیش خلیفه الطائع (۳۶۳-۳۸۱ه) والقادر (۳۸۱-٤۲۲ه) محبوب بود، فخر الملك وزیر بهاءالدوله و دیگر اعیان دولت بنظر احترام وتجلیل بی نهایت بایشان می نگریستند، (بمقدمهٔ شرح ابن ابی‌الحدید مراجعه شود)

در حرّیت ضمیر و عظمت روحی نظیرنداشته با اینکه آل بویه الطائع را از خلافت معزول وتا بمرد محبوس داشتند در تأسف از عزل و رثاء او دو قصیده عالیجنابانه انشاء واز نکبت وی اظهار تأسف و تلهّف کرده است (ص ۳۷٦ - ۳۷۹ دیوان مراجعه شود) ودر قصیده‌ایکه القادر خلیفه‌را مدح گفته وبدین شعر ابتداء گردیده:

لمن الحدوج تهزهنّ الانیق — والرکب یطفو فی السراب و یغرق (۳)

علوّ همت وعظمت خویش‌را اظهار وچندبیت آخر آنرا که حاکی از آنست در این‌جا نقل میکنم:

عطفاً امیر المؤمنین فاننا — فی دوحة العلیاء لا نتفرق
ما بیننا یوم الفخار تفاوت — ابداً کلانا فی المعالی معرق
الا الخلافة میّزتك فاننی — اناعاطل منها وانت مطوّق

نوشته‌اند چون خلیفه این شعر اخیررا شنید گفت: علی رغم انف الشریف.

(۱) دریتیمة‌الدهر و تمام کتب سال نقابت سید ۳۸۰ ثبت شده ولی جرجی زیدان در تاریخ الاداب اللغة‌العربیه ج ۲ ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و بتبع وی فرید وجدی در دائرة المعارف ج ٤ ص ۲۵۱ نقابت اورا بسال ۳۸۸ نوشته‌اند و ظاهراً ازوفیات الاعیان گرفته اند صحت تاریخ اول مسلم است.

(۲) استاد وی بالطائف الحیل خانه‌ای بایشان هدیه کرد به مقدمه تفسیر سید و ابن ابی الحدید یا روضات مراجعه شود.

(۳) ابتداء این قصیده را جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲۶۷ همین شعر که نقل گردید دانسته و در تاریخ آداب العربی ص (۲۷۹ - ۲۸۱) آغاز این قصیده این است: لله وم اطلعت به العلا — علما یزاول بالعیون و یرتق

میان سید با ابواسحق صابی متوفی بسال ۳۸٤ که از پیر مردها و ادباء شهیر بود دوستی فوق العاده برقرار و با اینکه صابی مذهب بود و آنچه دلیل و برهان اقامه و وسیله انگیخته شده بود مسلمان نگردید و بدیانت اصلی خویش پایدار بود بپاس احترام دوستی ومقام علمی وادبی ویرا رثائی بسیار فصیح گفته وثعالبی در ذیل شرح حال صابی بسیاری از آن قصیده را آورده و چون بر قبر او گذر کرده ابیاتی نیز انشاء نموده که در دیوان سیّد موجود است.

میان اشعار سیّد ومهیار دیلمی شاعر مشهور ایرانی متوفی بسال ٤۲۸ که از شاگردان سید بوده وبدست رضی از مجوسیّت بقبول دیانت اسلام مفتخر گردیده (وفیات الاعیان ج۲ ص ۱٤۹) مقایسه کنند و گویند که اشعار خوب مهیار بهتر از اشعار خوب سید رضی است جز اینکه اشعار سید همه خوب و یك نواخت است.

اگرچه سید رضی (ره) مشهور به ادب وشعر گردیده ولی بگفتهٔ یکی از دانشمندان: سید رضی عالمی است که شعر وی برعلمش غلبه نمود وسیدمرتضی شاعریستکه علمش برشعر وی چیره شد وهریك بدان مشهور گشته‌اند.

تفسیر حقائق التأویل وی که جزء پنجم آن فقط تا بحال بدست آمده و بهمت انجمنی علمی بنام «منتدی‌النشر» درنجف اشرف منتشر شده بهترین گواه برسعه اطلاع و معلومات غیر ادبی او نیز میباشد و چنانکه در کتب سیر نگاشته شده پیش حضرت شیخ مفید محمدبن نعمان ره متوفی بسال ٤۱۳ و جمعی دیگراز بزرگانکه در تفسیر مذکور بمناسبت نام برده‌شده‌اند بتحصیل اشتغال داشته وچنانکه‌نیز نگاشته‌اند محفلی خاص‌ومدرسهٔ شبانه روزی بنام «دارالعلم» درخانهٔ وی بوده که تمام احتیاجات مادّی ومعنوی طلاب آنرا سیدخود متکفل بوده است.

و چنانکه ازاین بیت سیّد برمی‌آید ازاینکه بشعر وشاعری مشهور گشته‌خود راضی نبوده وآن اینست:

مالكَ ترضی ان تکونَ شاعراً — بُعداً لها فی عدد الفضائل

بهر حال علوّ مقام و عظمت سیّد رضی بیش از آنستکه نویسندهٔ کوچکی چون‌نگارنده بتواندبزرگی ایشان‌را نگارش دهدمفصل ترین شرح‌حال و ترجمه‌ای که‌برای‌این‌عالم‌جلیل نگاشته شده بقلم‌دانشمند معاصر وعالم‌جلیل شیخ‌عبدالحسین

حلّی بلغت عربی میباشد که در مقدمهٔ تفسیر مذکور ایشان اخیراً در نجف اشرف در ۱۱۲ صفحه چاپ گردیده و در آنجا است که بهاءالدوله بسال ۳۸۸ سید رضی را «شریف اجل» لقب داد و در سال ۳۹۲ از **واسط** امر کتبی داد که وی را «ذی المنقبتین» بخوانند و درسال ۳۹۸ اورا «الرضی ذی الحسبین» لقب داد وسیّد رضی بهاءالدوله را بدان سبب در قصیده ای مدح گفته است.

پیش از آنکه بیکی از القاب فوق ملقّب گردد «موسوی» راپس از نام وی میآورده‌اند و مخصوصاً در یتیمة الدهر بنام ابوالحسن الموسوی محمّدبن الحسین نام برده شده‌اند.

مؤلفات سیدرضی را نجاشی، ابن شهر آشوب، مؤلف تاریخ بغداد، صاحب روضات، صاحب لؤلؤ البحرین، صاحب شذرات الذهب، یافعی، ابن خلکان و صاحب عمدة الطالب هریك بعضی را ثبت نموده ولی دانشمند فرزانه شیخ عبدالحسین حلّی همه را نام برده وبهمان ترتیب که ایشان نام برده اند مانیز دراینجا آنهارا میآوریم:

۱ - نهج البلاغه (همه آنرا نام برده‌اند). - ۲ - خصائص الائمه (بعضی آنرا بنام خصائص نامیده اند). - ۳ - مجازات الاثار النبویه. - ٤ - تلخیص البیان عن مجازات القرآن. - ٥ - حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (۱). ٦ - سیرة والده الطاهر

(۱) ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ این کتاب‌را بهمین نام در ص ٤٤ معالم العلما (چاپ آقای اقبال آشتیانی) ذکر نموده و نجاشی متوفی بسال ٤٥٠ در رجال خویش (ص ۲۸۳ چاپ بمبئی) و صاحب روضات و امل الآمل بنقل از نجاشی آنرا بنام «حقائق التنزیل» نامیده‌اند و در عمدة الطالب مؤلفه بسال ۸۰۲ نام این تفسیر نیست ولی در آنجا کتابی بنام «المتشابه فی القران» ذکر شده و صاحب لؤلؤ البحرین نیز آنرا ذکر نموده و صاحب روضات از آن دو پیروی نموده و گویند که سید رضی خود در کتاب مجازات الحدیث مطلبی راجع بعصمت انبیاء (ع) بتفسیر خود که بنام «متشابه القرآن» میباشد حوالت داده است، نگارنده را عقیده آنست که نجاشی نام تفسیررا مختصراً بحذف قسمت اخیر آن نقل نموده و «متشابه القرآن» نیز نام همین تفسیر است با تبدیل کلمهٔ «تنزیل» به «القرآن» وعدم ذکرقسمت اول اسم کتاب.

آقای شیخ عبدالحسین حلی درص ۱۳ مقدمهٔ این تفسیر که بسال ۱۳۵۵ درنجف اشرف چاپ شده تاریخ تالیف آنرا در حدود دوسال پیش از سال ۳۹۲ دانسته‌اند در صورتیکه مؤلف در همان تفسیر (ص۱٦۷) مطلبی‌را حواله بکتاب نهج البلاغه که در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت (ع) میباشد حواله داده و میدانیم که نهج البلاغه بسال ٤۰۰ تالیف یافته بنابر این چون بر نسخه‌ای ازاین تفسیر که ماخذ چاپ میباشد عبارتی از سید بتاریخ ٤۰۲ نقل گردیده بدست میاید که تالیف آن تفسیر میان سال ٤۰۰ و٤۰۲ بوده ولی نگارش آن نسخه بسال ۵۳۳ میباشد.

(در عمدة الطالب و لؤلؤ ذکر شده). ۷ - رسائل رضی (فقط آقای حلّی در مقدمه تفسیر مذکور در ذیل شمارهٔ (٥) این مؤلفه‌را به سیدرضی نسبت‌داده‌اند ودر مؤلفات دیگر نامی ازاین کتاب نیافتم جز درشرح ابن ابی الحدید بنقل از ابن الخشاب در ذیل خطبه شقشقیّه که در ص ۱۱٦ ترجمه آن گذشت و شاید مراد ابن خشاب از «رسائل رضی» نسخه ذیل باشد). ۸ - مادار بینه و بین ابی اسحق الصابی (در عمدة الطالب و لؤلؤ البحرین نگاشته‌شده که درسه مجلّداست). ۹ - کتاب الزیادات فی شعر ابی تمام (صاحب روضات این کتاب را ذکرننموده ولی کتابی بنام «الجیّد من شعر ابی تمام» از مؤلفات سیّد شمرده و شاید مرادش از این نام همین کتاب باشد). ۱۰ - مختار شعر ابی اسحق الصابی. ۱۱ - منتخب شعر ابن الحجاج بنام «الحسن من شعر الحسین». ۱۲ - اخبار قضات بغداد (این کتاب فقط در عمدة الطالب نام آن موجود است). ۱۳ - تعلیق خلاف الفقهاء. ۱٤ - حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی. ۱٥ - دیوان شعر (۱). **۱٦ - معانی القران**(۲).

(۱) چنانکه ابن خلکان و دیگران نوشته اند جمعی بجمع آوری اشعارسیدرضی مبادرت نموده‌اند و بهتر از همه آنست که ابوالحکیم خبری در چهار مجلد جمع آوری کرده است خبری منسوب به خبر باخاء معجمه‌مفتوحه و باء موحده تحتانی وراء مهمله است واصطخری در کتاب خود گفته که خبر نام دوجا است یکی جزء کوره استخر و دیگری تابع کوره دارابجرداست، پس از معاشرت عرب با عجم پاء فارسی به فاء بدل گردیده چون پارس = فارس. اسپهان = اصفهان. پسا = فسا وغیره ودرفارسنامه ناصری گفتار۲ ص ۱۹٦ نوشته شده که خفر واقع در نواحی اصطخر اصل آن خیر با پاء فارسی است.

و بعقیدهٔ نگارنده آنکه جزء کوره دارابجرد بوده بایستی قصبه «خیر» با یاء مثناة تحتانی باشد که بگفتهٔ فارسنامه ناصری در گفتار۲ ص ۱۷۸ درشمال اصطهبانات واقع شده و دهات شمالی اصطهابات در او افتاده است.

شرح حال ابوالحکیم درج ۳ طبقات الشافعیه سبکی ص ۲۰۳ بدین نحو ذکر شده است، ابوالحکیم خبری عبدالله بن ابراهیم بن عبدالله فقه را از شیخ ابواسحق شیرازی فرا گرفت و در فرائض و حساب بسیار دانا شد و در آنها تألیفهای خوب نموده و کاملا آشنا بقواعد عربیت بود و خط بسیار خوبی داشت و املائش در کمال صحت و درستی بود بشرح حماسه و دواوین چندی چون دیوان بحتری متنبی ورضی موسوی وغیر از اینها پرداخت و احادیث بسیار استماع نمود و بوقایع تاریخی آشنا بود و آنها را نقل مینمود وسبط وی ابوالفضل محمد بن ناصر السلامی الحافظ ازایشان روایت نموده‌وابوالحکیم کتابت قرآن مینموده‌و گویند

(بقیه در زیر صفحه بعد)

وفات سیّدرضی را ابن‌ابی‌الحدید و شیخ طریحی در مجمع‌البحرین در کتاب الالف باب‌الرّاء و شیخ محمدعبده و مؤلف تاریخ‌الادب‌العربی بسال ٤۰٤ و دیگران چون نجاشی معاصر رضی و تمام شرّاح و مورّخین در ششم محرم‌الحرام سال ٤۰٦ ثبت نموده‌اند و این تاریخ اخیر صحیح و اشعاریکه با تاریخ در دیوان سیّد میباشد مؤید ما است .

نهج‌البلاغه مکرّر درایران و مصر با شرح و بدون‌آن چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله امّا بعد حمدالله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه و معاذاً من بلائه و سبیلاً الی جنانه الخ .

انجام: و قال‌ع اذا احتشم‌المؤمن اخاه فقد فارقه . یقال حشمه و احتشمه اذا اغضبه و قیل اخجله و احتشمه طلب ذلك له وهو مظنة مفارقته و هذا حین انتهاء الغایه بنا الی

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

روزی چون آیه‌ای ازقرآن کریم‌رانوشت قلم‌را ازدست انداخت و گفت بخدا سوگند بدین‌طرز مردن بسیارخوب و گوارا است و همان وقت جان بجان آفرین‌تسلیم نمود واین درذیحجه سال ٤٧٦ بوده انتهی .

ونیزدر ص ۵۱۳ ج۱ کشف‌الظنون‌نوشته‌شده که یکی‌ازادباء دیوان‌سید رضی‌را مختصر کرده و نام آنرا «انشراح الصدر» گذارده و چنانکه درص ۲۰۸ ج ٤ فهرست کتابخانه خدیویه نوشته شده نسخه ای از این مختصر که بسال ۱۰۲۰ نگارش یافته در آن کتابخانه موجود و نام انتخاب کننده آن را بدست نداده اند و جرجی زیدان در ص ۲۵۷ - ۲۵۸ ج ۲ تاریخ آداب اللغه گفته که سید رضی را کتابی بنام «انشراح السدر» میباشد که نسخه آن در کتابخانه خدیویه است و نسبت این کتاب به سید رضی بی اشکال نیست و نیز در همان صفحات مذکوره نوشته اند که در کتابخانهٔ اسکوریال مجموعه اشعاری بنام «طیف الخیال» منسوب به سید رضی است . و ابو الحکیم را خیری با خاء معجمه و یاء مثناة تحتانی‌ضبط کرده چنانکه فریدوجدی و براحیری باحاء مهمله ویاء مثناة‌تحتانی ثبت نموده است .

(۲) آقای شیخ عبد الحسین حلی نام این کتاب را نبرده و درذیل معرفی از «حقائق‌التاویل فی متشابه التنزیل» در ص ۸٤ مقدمه آن نوشته اند : و کفی بقول معاصریه فیه : انه یتعذر وجود مثله» ودر معالم العلما ابن شهر آشوب و شذرات الذهب و مرآت الجنان این عبارت راجع به «معانی القرآن» از ابن جنی‌استاد سید رضی نقل گردیده ودر معالم العلما چنانکه گذشت حقائق التاویل فی متشابه التنزیل و معانی القرآن را بنام دو مؤلفه از سید رضی ذکر نموده است و صاحب لؤلؤ البحرین غیر از کتاب حقائق التاویل و کتاب المتشابه فی القرآن که گفتیم هر دو یکی است کتابی بنام «تفسیر القرآن» به سید نسبت داده و نگارنده را عقیده آنست که مراد ایشان از آن تفسیر همین «معانی القرآن» است .

قطع‌المختار من کلام امیرالمؤمنین علیه‌السّلام و ذلك فی‌رجب‌سنة اربعمائه من‌الهجره و صلی‌الله علی سیدنا محمد خاتم الرسل والهادی خیر السبل و آله‌الطاهرین و اصحابه نجوم‌الیقین . (نگفته‌نگذریم که سیّدرضی بشرح مطالب مشکله نهج البلاغه‌پرداخته وبدین‌سبب خود وی‌اوّل‌شارح است) .

این بودآنچه نگارنده اینك توانائی یافت‌راجع باین کتاب بزرگ که مشتمل‌بر مطالب دنیوی و آخری است بنگارد و تاکسی آنرا با دقت مطالعه ننماید نخواهد دانست که در این گنجینه چه دُرر شاهوار و چه حقائق و اسرار بودیعت گذارده شده **وفقنا الله و جمیع المؤمنین للاستضائة من انواره الباهره بحق صاحبه والعترة الطاهرة.**

(۸۰۳)

نهج‌البلاغه این نسخه بخط نسخ نگاشته شده واز نسخ قدیمی این کتاب میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً درقرن پنجم یااوائل ششم نوشته شده‌و درآخر هر باب مطالبی که در نسخ دیگر موجود نبوده با ذکر اینکه این موضوع از روی نسخه‌ای که در زمان مصنّف نگارش یافته نوشته شده است ، تحریر شده و بر کنار صفحات و اوراقی که در بین آنها الصاق گردیده مطالب زیادی در شرح و توضیح عبارات کاتب نسخه نوشته است و بعضی ازاوراق اوائل واواخر کتاب وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی‌ضربی. کاغذ قدیمی‌حنائی. واقف‌سپهسالار. قطع‌رحلی کوچك. شمارهٔ‌اوراق (۳۳۰). صفحه (۱۳) سطر. طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۳).

(۸۰٤)

نهج‌البلاغه این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب ابو محمد بن شیخ‌صنعان درسنه (۱۰۷۲) نگاشته و درحاشیه تمام صفحات مطالبی در توضیح مطالب کتاب از شرح ابن‌میثم بخط شکستهٔ خیلی خوب و در بعضی ازصفحات‌شکسته نستعلیق نوشته‌شده و بر کنار صفحه‌ای که مشتمل بربیان معنی انصاراست کاتب‌حواشی‌چنین‌رقم‌نموده‌است : (کتبه هوشنگ‌بن ابوالملك بن فتحعلی شاه) و پس از ختم اصل کتاب و اضافاتی که منقول از نسخه مکتوبه در

عهد مصنّف است کاتب اشعاری درمدح نهج‌البلاغه بعربی سروده و مرقوم‌داشته که در ص۱۱۹ نقل گردید وپس‌ازاین بعضی از مطالبی که درشرح ابن‌ابی‌الحدید وکافی و بعضی از کتب دیگرراجع خطب ومطالب این کتاب بوده کاتب متن‌نقل نموده چنانکه قبل از شروع بکتابت اصل کتاب هم خطبی و مطالبی را که در کافی وغیره نقل‌شده کاتب متن نگاشته‌است . دارای یك سرلوح زیبا و تمام‌صفحات مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد و عناوین مطالب نیز با شنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی · کاغذ خانبالغ · قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۵٤). صفحه (۱۵ سطر) . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه . (۳۰۸۵)

(۸۰۵)

نهج‌البلاغه این نسخه را محمد رضا بن علیخان الطریشی بخط نسخ خوب در سال (۱۰۹۳) نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب‌است‌درذیل تمام‌سطور ترجمه فارسی آنها بخط‌نستعلیق نگاشته شده و درحاشیه صفحات‌تعلیقاتی تحریر گردیده‌است و صفحه‌اوّل و دوّم‌و صفحه‌آخر کتاب‌و ّصالی‌شده . وبرورقی که بعدازورق آخر است در سال (۱۲۷۵) شرحی‌از کتاب اقبال راجع باعمال اولین جمعه ماه رجب‌عبدالکریم بن میرزا محمد سعید اردستانی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذدولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۸) . صفحه (۱٤) سطر . طول (۱/۲ ۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) شماره کتابخانه . (۳۰۸٦)

(۸۰٦)

نهج‌البلاغه این نسخه بخط‌نسخ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب‌است پس ازختم کتاب کاتب کلمات و عباراتی نیز از حضرت علیع نقل نموده و قسمتی از آن افتاده لذا نام کاتب بدست‌نیامد ولی کاتب پشت‌نخستین برگ شروع به تحریر را سال (۱۰۹٦) نوشته است . در حاشیه صفحات تعلیقات و حواشی بسیار بامضاء علاءالدین محمد که ازمعاصرین کاتب‌بوده از کتب‌لغة وتفسیر

وغیره نقل شده وظاهراً امضا کننده‌سیّد گلستانه شارح‌نهج‌البلاغه (حدائق‌الحدائق) متوفی بسال ۱۱۰۰ میباشد بنابرین این نسخه نفاست دارد وآخرین سطر موجود آن اینست : (و قال اشدّ الذّنوب ما استخفّ صاحبه وقال مااخذالله علی اهله) .

جلد میشن . کاغذ اصفهانی . واقف‌سپهسالار . قطع‌خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۸۳). صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۲) .

(۸۰۷)

نهج‌البلاغه این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده مابین سطور آن بقسمی فاصله گذاشته شده که شرح وترجمه ملاّ فتح‌الله کاشی‌زیرهرسطر آن‌نوشته شود وقسمتی‌از آن شرح هم بر اوراق اوّلیه این نسخه مرقوم گردیده و در صفحاتی که مطالب ترجمه و شرح جای بیشتری میخواسته بر اوراق خارج نوشته و بکتاب ملحق شده و مقدمه این شرح را قبل ازشروع بکتابت اصل کتاب درچهار ورق بخط نستعلیق‌کاتب شرح نگاشته ولی ورق‌اوّل را که ظاهراً مشتمل بر سرلوحی بوده پیش از سال (۱۲۷۷) که تاریخ دخول این کتاب در کتابخانه اعتضادیه است بیرون‌آورده اند . پس از ختم کتابت متن بعضی از مکاتبات حضرت درجواب معویه با نقل‌نامهٔ او و داستان طرماح با ترجمه فارسی آنها کاتب نسخه نگاشته و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری‌است . عناوین و بعضی ازمطالب با طلا و شنجرف تحریر گردیده وصفحات مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (٤٦۵) . صفحه (۹ سطر) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه . (۳۰۸۱)

(۸۰۸)

نهج‌البلاغه این نسخه را بخط نسخ خوب سیدمرتضی بن نورالله کازرونی ازروی نسخهٔ که درسال (۵۸۷) به تصحیح محمدبن ابی‌نصرنام رسیده‌بوده بسال (۱۱۰۷) نگاشته و مشتمل برتمام کتاب میباشد در حاشیهٔ اوراق اوّلیه و بعضی از اوراق دیگر تعلیقاتی نگاشته شده و بر کنار صفحهٔ اول شاهزاده

فرهادمیرزا درسال (۱۲۵٦) یادداشتی نموده . ورق اوّل و ورقی از اواسط وصّالی گردیده کنار و پشت ورق آخر مطالب و ادعیّه ای بخطّنسخ نگاشته‌شده ودارای یك سرلوح و تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی ، واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱٦٤) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸٤) .

(۸۰۹)

نهج البلاغه این‌نسخه بخط‌نسخ خوب محمدتقی درسال ۱۱۱۲هجری‌نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است درحاشیه بعضی از صفحات مطالبی از شرح ابن میثم نقل گردیده تمام صفحات بجدول بطلا است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۷۱) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹)سانتیمتر . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۹) .

(۸۱۰)

نهج البلاغه این نسخه کامل بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پس از ختم کتاب عهد نامه حضرت ع بمالك‌اشتر ودعاهائی، همان کاتب نگاشته ، درآغاز و انجام نسخه چند ورق کاغذ ننوشته است پشت آخرین ورق تولد دختریکه بسال ۱۲٦۳ بوده یادداشت شده ، وخود نسخه بسال ۱۲٦۲ نگارش یافته و بنام خصائص الائمّه بر این کتابخانه وقف شده و برحاشیه نخستین صفحهٔ کتاب تذکر داده‌شده ولی‌مسلّماً نهج‌البلاغه است . .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) . صفحه ای(۱۹)سطر . طول (۲۰سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۵۸) .

(۸۱۱)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲٦۳ نگاشته شده و کاتب از خود نام‌نبرده و مشتمل برتمام کتاب میباشد ، همان کاتب پس از اتمام کتاب عهدنامه حضرت را بمالك اشتر نخعی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱٦۸) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۷) .

(۸۱۲)

نهج البلاغه این نسخه کامل را بخط نسخ علی‌بن‌احمد حسینی بسال ۱۲٦۸ بر حسب امر سلطان حسین میرزا نوشته و عناوین خطب و مطالب باشنجرف است .

جلد چرمی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹٤) .

(۸۱۳)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن محمد در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) صفحه (۱۵) طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۰) .



فصل لغات

[۳۳۹] بدایع اللغة (ترکی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خود در مقدّمه تصریح نموده **ایمانی** متخلّص به **طالع** است، وی بر آن شده که لغات جغتائی و مغولی را که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده بفارسی ترجمه نماید و درهنگام شروع تصمیم نموده که پس از ترجمه هر یك از لغات یك یا چند بیت ترکی باستشهاد آورد و تا بآخر چنین کرده و گذشته از این گاهی باشعار عربی تمثّل جسته و این کتاب را خود «بدایع اللّغة» نام گذارده و لغات را موافق حروف الفباء مرتّب نموده و در (۳۵۰۰) بیت خاتمه داده است.

در فهرستهای موجود نزد نگارنده و مجمع الفصحاء و آتشکده و تحفه سامی و کشف الظنون و کشف الحجب و دیگر کتابها نام این کتاب و مؤلف آن را نیافتم ولی چنین بنظر میرسد که درهمان عصر و زمان امیرمذکور و سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (۹۰۸ - ۹۱۱) تألیف گردیده و در مقدّمه عبارت ذیل تصریح بدان دارد: خصوصاً در اوان عنفوان بهار سلطنت خلاصه خاندان گیتی ستانی و نقاوهٔ دودمان صاحبقرانی بلکه اسم اعظم نگین خاتم سلیمانی. . . . .

شهی کز وی جهان را زیب و زین است — شهنشاه جهان سلطان حسین است
شه انجم حشم دارای دوران — نخستین وارث ملك سلیمان

میرزا مهدیخان منشی نادرشاه درمقدّمه کتابیکه بنام «سنگلاخ» نیز درترجمه فارسی لغات ترکی جغتائی و مغولی است که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده، گوید: **طالع** نام هروی نیز بجمع وترجمه پاره‌ای از این کتاب پرداخته است

[نسخه خطّی «سنگلاخ» تحت شمارهٔ (۱۴۱۲۰) دفتر و (۷۰۰) پشت نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود و چاپ نشده است].

درص ۳۶۷ ج ۲ فهرست رضویّه نسخه ای بنام «ترجمه لغات ترکی بفارسی» تألیف امیر علیشیر نوائی موجود است، ولی مسلّماً این کتاب (بدایع اللّغه) نیست چراکه آغاز و انجام آن که در آنجا نقل گردیده با این کتاب موافقت ندارد و در تحفهٔ سامی که بسیاری از مؤلفات امیر نام برده‌شده چنین کتابی به امیر علیشیر نسبت داده نشده است.

پشت نسخهٔ ذیل، ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه بنام «لغت نوائی» معرّفی گردیده، و بهمین نام وقف براین کتابخانه شده و با تصریح مؤلف بتسمیهٔ آن به کتاب بدایع اللّغه، مسلّماً این نام غلط است.

آغاز: بسمله طوطی شیرین مقال، سخنی که از آشیان نیشکر قلم بال‌گشا گردد الخ.

انجام: ذاتی که خلایققه تیار فیض آندین — عالم اهلی انچون سلامت بولسون.

(۸۱۴)

بدایع اللغة — این نسخه بخط نستعلیق نگاشته‌شده، نام کاتب و سال‌نگارش ذکر نگردیده، پشت آخرین ورق صفحه ای مشتمل برلغات ترکی و ترجمه آن بفارسی است، از کلمهٔ پائین صفحه ایکه برای ربط کلام بصفحهٔ بعد نوشته‌شده‌برمیآید که رساله ای در این قسمت ضمیمه بوده و آنرا برداشته‌اند، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه اوّل یاد داشت گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع‌خشتی. شمارهٔ اوراق(۱۴۲). صفحه‌ای (۱۲) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۴).

[۳۴۰] برهان قاطع (فارسی)

این کتاب یکی از فرهنگهای مشهور فارسی و مؤلف آن محمّد حسین بن خلف تبریزی متخلّص به «برهان» میباشد که از شعرای قرن‌یازدهم هجری‌بوده ومتوطّن

هندوستان گردیده و از دیگر آثار وی اثری نیافتم ، در این **مؤلّفه** گذشته ازلغات فارسی لغات ترکی و عربی و پهلوی و دری و غیره که در زبان فارسی استعمال میشوند آورده شده و نیز شامل کنایات و استعارات مستعملهٔ در محاورات فارسی است و مؤلّف در مقدّمه تصریح کرده که لغات موجوده در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ «مجمع الفرس» «سروری» و «سرمهٔ صفاهانی» و «صحاح الادویّه» حسین انصاری را که هر یك حاوی لغات چندین کتاب اند جمع آوری کرده و شواهد و مکرّرات آنرا انداخته و این کتاب را پرداخته و **برهان قاطع** نامید و این تألیف را بنام سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه ، که از سلاطین قطبشاهیّه هند میباشد موشح کرده است .

پیش از شروع در اصل کتاب که در بیست و نه **گفتار** و هر گفتاری در چندین **بیان** میباشد مطالبی را در نه **فائده** ذکر نموده و فهرست آن فوائد این است : **فائدهٔ اول** در بیان معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی **فائده دوم** در بیان چگونگی زبان فارسی . **فائده سوم** در بیان تعداد حروف تهجّی و تفرقه میان دال و ذال و صیغهائیکه در فارسی مقرر است . **فائده چهارم** دربیان تبدیل هر یك از حروف بیست و چهارگانه فارسی بحروف دیگر . **فائده پنجم** در ضمائر و آن در چند حرف بهم میرسد . **فائده ششم** در بیان حروف مفرده که در اوائل و اواسط و اواخر کلمات بجهت دریافت کلمات و معانی مقصوده بیاورند . **فائده هفتم** در ذکر حروف و کلماتیکه بجهت حسن و زیب کلام می آورند . **فائده هشتم** در معانی حروف و کلماتیکه در آخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون آورند . **فائده نهم** در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گزیر نیست .

چنانکه هر مؤلّفی را این بلا دست میدهد مؤلّف برهان قاطع را اشتباهاتی در این جمع آوری رخ داده و جمعی بردّ او پرداخته و جمعی هم بحمایت وی برخاسته و این دو دسته کتابها نگاشته اند و دانشمند متتبّع معاصر آقای تربیت در ص ۶۸ و ۶۹ دانشمندان آذربایجان آنها را ذکر نموده و مناسب این است که در اینجا بنقل عین عبارت ایشان مبادرت نمائیم :

« برهان قاطع جامعترین فرهنگهای پارسی است مؤلف آن بعضی کلمات اجنبی و غیر پارسی را نیز که در نظم و نثر پارسی معمول بوده و هست همه را جمع آوري کرده و در این مجموعه مندرج ساخته است ولی مانند سائر فرهنگها محتاج به تنقیح و تصحیح است ولذا بعضی از ادبای نامی هند مانند **غالب دهلوی** و غیر او در خصوص این کتاب حواشی و تعلیقات عدیده بعناوین مختلفه مثل **قاطع برهان** و **ساطع برهان** و **رافع هذیان**(۱) و **محرق قاطع برهان** و **تیغ تیز** و **تیغ تیزتر** وغیر آنها مشتمل برردّ وانتقاد یکدیگر نوشته و نشر کرده اند

سید احمد عاصم عنتابی ازفضلای عثمانی نیز دراوائل قرن سیزدهم هجری این مجموعه را باسم **تبیان نافع** نقل بترکی کرده و در ضمن ترجمه بفرهنگهای معتبر موجوده نیز رجوع نموده و پس از اصلاح اغلاط و رفع شبهات مبلغی از لغات بر آن افزوده است و این تالیف او در تاریخ ۱۲۵۱ در قاهره مصر چاپ شده است . انتهی .

شمارهٔ لغات و کنایاتیکه در گفتارهای بیست و نه گانه برهان قاطع موجود است (۱۹۴۱۷) میباشد و بسال ۱۰۶۲ مؤلّف از تألیف و جمع آوری آن فراغت یافته و خود در مقدّمه تاریخ اتمام آنرا سروده و آن اینست :

چو برهان از سر توفیق یزدان   مر این مجموعه را گردید جامع
پی تاریخ اتمامش قضا گفت   کتاب نافع برهان قاطع = ۱۰۶۲

این کتاب مکرّر در ایران و هندوستان چاپ شده و بهترین چاپهای آن چاپ سربی است که با کمال دقت تصحیح و در کلکتّه بسال ۱۲۳۳ چاپ شده و ملحقاتی نیز دارد ، نسخهٔ شمارهٔ (۶۹) این کتابخانه از روی آن نسخه نوشته شده در ص (۱۶۵) این فهرست خصوصیّات آن نگاشته شده مراجعه شود .

آغاز : بسمله :

ای راه نما بهر زبان در افواه   یزدان و کرسطوس چو تکری و آله
از نام تو بردند زبانها بتوراه   لا حول و لا قوّة الاّ بالله

انجام: یعقوب بفتح یای حطّی و عین بینقطه وقاف بواو کشیده و بای ابجد زده نام پیغمبری بوده مشهور و نام مردی بوده صاحب مذهب و مجتهد نصاری و کبک نررا نیز گفته اند که جفت کبک ماده باشد .

---

(۱) این کتاب را مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۷۱ « دافع هذیان » ثبت نموده واین صحیح است ومؤلف آنرا نجفعلی خان حجری معرفی نموده . ونیز در همین صفحه مؤلف قاطع برهان را اسد الله غالب دهلوی ومؤلف ساطع برهان راشیخ رحیم هندی شناسانده اند .

(٨١٥)

برهان قاطع این نسخه بخط نسخ سیّد محمودبن یوسف در سنه ١٢٠٥ نگارش یافته ، لغات با سرخی نوشته شده و دارای یك سر لوح و صفحات آن بجدول بطلا میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٢٦) . صفحه ای (٤١) سطر. طول (٣٨ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ٢١ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٧٦) .

(٨١٦)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق عبدالحسین اصفهانی در سنهٔ ١٢٢٧ نوشته شده ، کلماتی راازمیان سطور آخر کتاب محو کرده‌اند و صفحات نسخه بجدول بسرخی و لاجورد و زردی میباشد .

جلد روغنی مستعمل . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤٧٣) . صفحه ای (٢٥) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦٨) .

(٨١٧)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق درسنهٔ ١٢٣٤ نوشته شده ، کاتب نامی از خود نبرده و لغات را با سرخی نوشته است .

جلد مرغش . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٥١٧) . صفحه‌ای (٢٥) سطر. طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ٢١ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٦٦).

(٨١٨)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق محمد مهدی بن محمد علی در سنه ١٢٤٢ نوشته شده ، دارای یك سر لوح و صفحات آن بجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٥٧). صفحه ای (٢٦) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٦٧).

(٨١٩)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در آخر کتاب کاتب نام خودرا میرزابابا ابن میرزا محمّد معرفی نموده وسال کتابت را

سنه (١٢٥٢) تعیین کرده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٧٢). صفحه ای (٢٦) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٣٤ سانتیمتر). عرض (٢٢ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٧٤) .

(٨٢٠)

برهان قاطع این نسخه را بسال ١٢٨٤ مراد علی قمشه ای بنا بخواست میرزا علی اکبرنام از روی نسخه‌ایکه بسال ١٨١٨ میلادی در کلکتّه چاپ سربی شده وبهترین وجامعترین نسخ مطبوعه میباشد ونسخهٔ آن بسیار کمیاب بوده و هست، بخطّ نسخ نوشته و آن نسخه چاپ شده نخستین چاپ این کتاب است ودرمقدّمهٔ آن خصوصیات وامتیازات وشرح سیزده نسخه‌ایکه ازاین کتاب درموقع تصحیح وچاپ دردست بوده و کتب دیگری که مورد نظر ودقّت در تصحیح این نسخه بوده واسامی آنانکه متصدّی تصحیح وتنقیح بوده‌اند و آنها: مولوی حیدرعلی، مولوی نظام الدّین حیدر، بابوتار بیبخزن متر، مولوی غلام قادر، مولوی کاظم علی نصیر آبادی، منشی امام علی خیر آبادی ومولوی محمد اکبر عظیم آبادی، میباشند **حسین الحسینی** بلگرامی که خود نیز از مصحّحین میباشند نوشته و پس از ختم کتاب، لغاتیکه در فارسی استعمال میشود ودر برهان نبوده از کتب لغت جمع و بنام ملحقات برهان قاطع نگاشته شده و این قسمت مشتمل بر (٣٧١٧) لغت و کنایهٔ مستعملهٔ در زبان فارسی است ودرمقدمه‌نیز گوید: پاره ای ازلغات که در فرهنگها نبوده از زبان دانهای معاصر که عبارتنداز : ١ - سیدعلی شیرازی متخلّص به نیاز ، ٢ - فضل مولی خان متخلّص به فضل، ٣ - حاج میرزا شفیع شیرازی ، ٤ - نظام الدین حیدر متخلص به‌اوباش، گرفته‌شده و بنام خود آنهاضبط گردیده است .

این نسخه چون اصل مطبوع آن بسیار مطبوع ودارای یك سرلوح میباشد ، صفحات آن بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف و لغات آن نیز با شنجرف نگاشته شده است .

جلد ضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٧٧) . صفحه ای (٣١) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٣١ سانتیمتر) . عرض (٢٢ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٦٩) .

[۳۴۱] تنقیح الصحاح (عربی)

محمود بن احمد زنجانی (۱) صحاح اللّغه جوهری را که در همین فصل معرّفی آن خواهد شد و از کتب مهمّهٔ لغت میباشد بدواً از نظر گذرانیده و مطالب صرفی و نحوی و بعضی از مکرّرات و امثال و شواهد آن را که بمناسبت در آن ذکر شده بوده انداخته و آن را « ترویح الارواح فی تهذیب الصّحاح » نامیده وپس از آن چون همّت معاصرین را درحفظ و ضبط باقی کم دیده بقیّهٔ شواهد وامثال موجودهٔ در آنرا حذف کرده « تنقیح الصحاح » نام گذارده ودرمقدّمه این کتاب گوید که مختصر اوّل در حدود خمس اصل و این مختصر عشر صحاح و بیش از عشری هم از اصل لغات صحاح اللغه حذف نشده است .

آغاز : بسمله الحمدلله حقّ حمده والصّلوة علی خیرخلقه محمّدو آله وصحبه الخ .

(۸۲۱)

تنقیح الصحاح این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پشت صفحهٔ اوّل نام کتاب ومؤلّف آن ومطالب متفرّقه نگاشته شده، درحاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقات مختصری تحریر گردیده ، نسخه آب دیده ولی خطوط آن ضایع نگشته از آخر آن یکی دو صفحه افتاده و آخرین سطر نسخه که در معانی کامه وقا میباشد این است : فی مامضی واماّالیوم فهی عشرة دراهم و خمسة اسباع درهم والجمع الاواقی . نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در سنه (۱۲۸۷) داخل کتابخانهٔ اعتضاد السلطنه شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمر قندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹۴).

[۳۴۲] تهذیب اللغه (عربی)

این کتاب که یکی ازمشاهیر کتب لغت میباشد تألیف ازهری رضی الله عنه است

(۱) در روضات الجنات و طبقات الحنفیه و طبقات الشافعیه سبکی و شذرات الذهب و فهارس موجوده و دانشمندان آذربایجان نام این دانشمند و شرح حال و سایر مؤلفات ایشان را نیافتم در کشف الظنون ذیل صحاح اللغه (ص۷۶ ج ۲) نام این مختصر و مختصر سابق و مختصر کننده آنها بدون ذکر سال وفات ثبت شده است .

(ابومنصور محمدبن احمدبن ازهربن طلحة الازهری الشافعی الهروی۲۸۲-$\frac{۳۷۰}{۳۷۱}$)(۱) که‌از کبار فقهای این‌طایفه و از معتمدین ومتورّعین بشمار میرود، درفقه وحدیث مهارتی بسزا داشته ودر زهد وعبادت انگشت نما بوده ، بسیاری ازعلما ازوی روایت نموده وجمعی‌هم پیش وی بتحصیل‌علم‌لغت اشتغال‌داشته‌اند، خودازهری در مقدّمه این کتاب گوید : در جنگ قرامطه بدست اعراب بدوی اسیر شده و مدّتی بسیار در میان آنها زندگانی نموده و از آنها لغات‌و الفاظ فراوانی‌دریافتم و در خلال این کتاب گنجانیدم .

ازهری را مؤلّفات بسیار است ازآنها التّقریب در تفسیر قرآن کریم، شرح الفاظ المزنی ، علل القراآت ، کتاب الرّوح (در این کتاب آنچه راجع بروح درقرآن کریم و اخبار وارد شده جمع کرده) ، شرح اسماء الله الحسنی ، شرح اصلاح المنطق ابن سکّیت ، شرح دیوان ابی تمّام و تهذیب اللغه (همین کتاب) .

تهذیب اللغه یکی‌از کتب مهمّه لغت ونادرهٔ علم‌ادب میباشد ومؤلّف دربیان لغات و تنظیم مفردات طریقه ای انتخاب نموده که خطا و خلل کمتر درآن‌راه یابد و ازتصحیف‌و تحریف‌نسبةً مصون باشد .

لذا« کتاب‌العین»خلیل‌راپیروی‌وازحرف عین‌شروع‌وبحرف‌الف‌وهمزه‌خاتمه‌داده موافق‌مخارج‌حروف‌است که تمام‌آنهارابه نه‌دسته‌بهاین‌طریق‌تقسیم‌وتسمیه کرده‌اند :
۱ **حلقیه** (ع ح ه خ غ) ، **لهویان** (ق ك) ، **شجریه** (ج ش ض) ، **اسلیه** (ص س ز) ، **نطعیه** (ط د ت) ، **لثویه** (ظ ذ ث) ، **زلقیه** (ر ل ن) ، **شفویه** (ف ب م) ، **هوائیه** (ی و ا) . و در مقدمه این کتاب یکباب راجع باین تقسیم و وجه تسمیهٔ آنها نگاشته اند .

سبکی در طبقات الشّافعیّه گوید : تهذیب‌اللّغه ده مجلّداست (عشرمجلّدات) ولی در نسخهٔ کامل این کتابخانه با تفحّص بسیار اثری از این تقسیم در مقدّمه

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ۲ ص ۱۰۶ ، طبقات الحنفیه حاشیه ص ۲۱۸، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۱۲و۳۵۱ .

و خاتمه و اواخر کتاب ومباحث وابواب آن دیده نشده جز اینکه فقط درآخر کتاب الکاف (نسخه شماره (٨٢٤) این فهرست) این کتابخانه نوشته شده : تمّ الجزء الثانی عشر ویتلوه فی الثالث عشر کتاب الجیم .

در فهرست کتابخانه خدیویه مصر (ج ٤ ص ١٦٩ و ١٧٠) و فهرست دارالکتب المصّریه (ج ٢ ص ١٠) چند نسخه از این کتاب که مشتمل براجزائی ازاین مؤلّفه است موجود وتاریخ نگارش یکی از آن نسخ سال ٦٣٣ودیگری بسال ٦٨٧ وتاریخ کتابت یك جزء آن بسال ٧٥٣ میباشد و تقسیمات ذیل ازآن دو فهرست استفاده گردید : جزء **هشتم** شامل قسمتی از حرف الهاء (ظاهراً از ابتداء ماده **مهر**) تا ابتداء باب الخاء و الّزای . جزء **نهم** از ابتداء باب الخاء والّزای تا باب الغین و الزای . جزء **یازدهم** تا ابتداء باب القاف و الیاء . جزء **دوازدهم** از ابتداء کتاب الکاف تا آخر . جزء **شانزدهم** از ابتداء باب السین والّتاء تا ابتداء کتاب الطّاء . جزء **هفدهم** ازابتداء کتاب الظّاء تا ابتداء کتاب الذّال .

بنا بر این از ابتداء کتاب تا قسمتی از کتاب حرف الهاء هفت جزء (١تا٧) و از باب الغین و الزای تا ابتداء کتاب القاف (ظاهراً) یك جزء (جزء ١٠) و از ابتداء کتاب الجیم تا ابتداء باب السّین والتّاء سه جزء (١٣ و ١٤ و ١٥) و از ابتداء کتاب الذال تا آخر نیز مشتمل بر سه جزء (١٨و١٩و٢٠) میباشد و بنا بر این تقسیم بایستی گفت شمارهٔ اجزاء تهذیب اللّغه راسبکی نیز درطبقات الشافعیّه عشرین نوشته بوده و در چاپ یا در نسخه ایکه از روی‌آن این نسخه چاپ شده‌است به « عشر » تصحیف گردیده لیکن لفظ « مجلّدات » این احتمال‌را تزییف میکند جز آنکه آنرا نیز محرّف بدانیم .

ازهری در این کتاب هر یك از حروف را بنام کتابی خوانده و در ابتداء آن بسمله گذارده وآن‌را باین ابواب (ابواب‌المضاعف ، ابواب الثلاثی الصّحیح، ابواب المعتلّ، ابواب اللّفیف ، ابواب الرّباعی ، ابواب الخماسی وابواب الملحق بالخماسی‌تقسیم کرده و کلیّه لغاتیکه یکی‌ازحروف حلقیّه یا شغویه و یا غیر از آنرا دارد بمناسبت در یکی از ابواب مذکوره جای داده و ترتیب ابواب نیز موافق ترتیب کتب بر حسب اعتبار مخارج آنها است و چون بخواهیم لغتی راکه ازسه یا چهار حرف ترکیب شده بدست‌آوریم بایستی دانست که آن حروف از کدام یك از دسته های نه‌گانه میباشد و از آن پس در کتابی که شامل آنحرف بترتیب مذکور فوق میباشد جستجونمود باین‌طریق که اگر آن کلمه شامل یکی ازحروف حلقی‌است این لغت را در کتب راجعه باین حروف و اگردارای یکی ازحروف لهوی باشد در کتاب آن و بهمین طریق است سایر حروف ، و یکی از کارهای مهمّ مصنّف این کتاب این است کـه کلیّه صور متصوّره از ترکیب چند حرف را با یکدیگر در جای خود متذکر شده و مهمل و مستعمل آنها را بیان نموده و در اکثر لغات شواهدی از آیات و اخبار و اشعارفصحاوکلمات‌لغوّیین آورده‌است.

مؤلف پیش از شروع در بیان لغات حرف عین که نخستین کتابی از کتب تهذیب‌است تحت عنوان **بابُ ذِکر الأَئِمّة الَّذین اِعْتَمَدْتُهُم فی ما جَمَعْتُ فی هٰذ الکِتابْ** ، شرح مفصلی درمعرّفی بسیاری‌ازلغویین سابق ومعاصر نگاشته و پس از آن دوباب بنام : باب‌القاب الحروف و مدارجها وباب ایجاز الحروف . نیز تحریر نموده وتقسیمات حلقی وغیره حروف را مفصّلا در این دوباب‌آورده و در اطراف آن بحث کرده اند .

تهذیب اللّغه در حدود (١٣٥٠٠٠) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نشده و نسخهٔ کامل آنرا جز در این کتاب خانه سراغ نداریم ، جرجی زیدان در ص ٣٠٨ ج ٢ تاریخ آداب اللّغه گوید که نسخی از تهذیب در کتابخانه ایاصوفیا و نورعثمانیه و کوپرلی درآستانه و نسخه‌ای در کتابخانه احمدیه در حلب موجود است ، و از لباب الالباب عوفی برمی‌آید تاهنگام تألیف آن کتاب (درصفحهٔ **یط** مقدمه چاپ اوقاف گیب آقای قزوینی نوشته اند که ظاهر آمیان این دو سال ٦١٧ - ٦٢٥ تألیف شده است) نسخه اصل تهذیب وجود داشته ومناسبت دارد که دراین جا عین عبارات عوفی را نقل کنیم وآن اینست :

عوفی در ص۲۱۱ ج اول لباب الالباب درذیل قطب الدین سرخسی که ازمعاصر بن خویش بوده آورده است که قطب الدین در آغاز خوشی خویش گوید : بعد از مدت اندك شنیدم که بجهت کتابخانه سرپل بازارچه (علامهٔ قزوینی نگاشته اند که سرپل یاسرپل وزیران چنانکه از جهانگشا در حکایت خروج تارابی معلوم میشود قریه ایست از نواحی بخارا بکمتر از سه فرسنگ یا ازارباش بخارا ست) تهذیب از هری بخط مصنف از دار الکتب مرو آورده اند و کاتبی بجمال فضل می طابند چون هیچکس را آن قوت نبود که اورا چه اگر فضلا بودند که آن را نیکو بدانستند از خط حظ ایشان وافر نبودی و اگر خط نیکو بودی اهلیت آن نداشتند بدو ارسال کردند و صدراجل مجیر الدین اورا بخدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم و کان فضل است اورا بخدمت صدر سعید عبد العزیز[بن]عمر بن سیدسادات بردفرمودند تواین رادیدهٔو ازاینجا لغت استخراج توانی کرد او تبسم کرد چه اورا فضل آن بود که مثل این تالیف کند فرمودند که صفحهٔ از این کتاب بنویس تا خط تو صدر جهان مطالعه کند بر بدیهه فصلی در فضل این کتاب و استخراج لغات آن تحریر کرد و شعری بر ترتیب حروف که بناء استخراج آن بدانست انشا کرد و بخدمت فرستاد و چون این فضل وافر بدیدند آن کتاب بدو دادند و اورا راتب نیکی مهیا گردانیدند و بتدریج محل او عالی و رتبت او سامی شد و کار او بالا گرفت و دبیر صدر جهان شد کتابخانه سرپل بازارچه اورا دادند و پیش از آن در بخارا اشتغال محصلان در شرعیات بود و بفضلیات کس التفات نکردی و در آن خوض نکردی چون اقبال او بدیدند خلق بتحصیل آن شیوه اقبال نمودند ومن درخدمت او تحصیلها کردهام وقتی از سمرقند نامهٔ نوشته بود به نزدیك خواجه امام ناصرالدین پسرخود الخ).

مؤلّف در مقدّمه بیان کرده که پس از آنکه هفتاد سال ازعمر وی گذشته باین تألیف مبادرت نموده و چون دانستیم که تولد وی بسال ۲۸۲ بوده بدست می آید که اینك که سال هجرت ۱۳۵۷ قمری است بیش از هزار سال از تألیف این کتاب گذشته است .

چنانکه صاحب کشف الظنون درص۸۳ ج ۲ نوشته اند تاج الدین محمودبن ابی الحواری لغوی که تا سال ۵۸۰ زنده بوده کتابی بنام « ضالّة الادیب فی الجمع بین الصّحاح والتهذیب » تألیف نموده و در آن بر جوهری انتقاداتی دارد .

این کتاب را نبایستی بکتاب « تهذیب الاسماء والکنات » تألیف محیی الدین ابی زکریا یحیی بن شرف شافعی نوادی شامی (۶۳۱ - ۶۷۶ه.) اشتباه نمود .

عبدالکریم بن عطاء الله اسکندری متوفی بسال ۶۱۲ تهذیب اللّغة ازهری را مختصر کرده است (کشف الظنون ج ۱ ص۳۵۱) .

آغاز : بسمله الحمدالله بکل ماحمده به اقرب عباده الیه و اکرم خلایقه علیه الخ .

انجام : و اعلم ایها الناظر فی کتابی انی لاادّعی انی حصّلت لغات العرب کلها ولا طمعت فی ذلك غیر انّی حرصت ان یکون مادوّنته مهذّبا من آفة التّصحیف مُنقّاً من فساد التّغییر ومن نظر فیه من ذوی المعرفه فلا یعجلنّ الی الردّ والانکار .... وایّاه اسئل مبدئاً و مُعیدا ان یُصلّی علی محمدالنبیّ و آله الطّیبین اطیب الصّلوات و ازکاها وان یحلّنا دار کرامته و مستقر رحمته انّه اکرم مسئول و اقرب مجیب و الحمد لله ربّ العالمین حمداً کثیرا جلیّاً مبیناً .

(۸۲۲)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، نامی از کاتب وسال کتابت در این نسخه و سائر مجلّدات نیست ، کتابت بیشتر از اوراق این نسخه بایستی در قرن نهم شده باشد اوراق دیگر هم که نو نویس میباشد بسیار شبیه با اوراق سابقه نگارش یافته و اوراق اوّلیّه متن وحاشیه است .

پشت اوّلین ورق نسخه تقسیمات نه گانه حروف ولغاتیکه دراین مجلّداست (حرف العین من الحاء الی الیاء و حرف الحاء مع القاف و الفاء) تذکّر داده شده و پشت اوّلین صفحه کتاب مطالبی راجع بترتیب تهذیب و کیفیّت استفاده از آن نوشته شده و بنام مجلّد اوّل تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشمل بر کتاب العین وقسمتی از کتاب الحاء میباشد و صفحات آن مجدول بشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۱۰) صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵۷) .

(۸۲۳)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ نگارش یافته ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده، و بنام مجلّد

دوّم تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر بقیّه لغات کتاب **الحاء** و تمام کتاب **الخاء** از غین تا سین (تامادهٔ بخس) میباشد، فهرست مندرجات بر اوّلین ورق نسخه بخط نسخ نوشته شده و برنخستین ورق کتاب مهر اسمی بوده آن را محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۰) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۸) .

(۸۲۴)

تهذیب اللغه این نسخه چون نسخهٔ اولی بخط نسخ خوب نوشته شده ، بعضی از اوراق آن کهنه و متن و حاشیه میباشد ، کنار سه ورق از آن سوخته ولی خطوط ضایع نشده ، پیش از شروع بماده قبو یك ورق کاغذ ننوشته گذارده شده و مطالب ورق پیش پیداست که نا تمام مانده و شاید بیش از همین یك ورق افتاده نداشته باشد ، بنام مجلّد سوّم بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر کتاب **الخاء** (از زاء تا آخر) و کتاب **الغین** و کتاب **القاف** و کتاب **الکاف** میباشد و فهرست مندرجات بخط نسخ خوب پشت اوّلین ورق نسخه نگاشته شده و در آخر این نسخه تصریح شده که جزء دوازدهم تهذیب باینجا ختم گردید .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۰) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۹) .

(۸۲۵)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و در آخر کتاب حرف الجیم تاریخ فراغ از کتابت سال ۵۷۵ تذکر دادشده چنانکه پیش‌ازاین نیز گفته شد ازخود نسخه معلوم میشود که این تاریخ راجع بکتابت این نسخه نیست و بایستی تاریخ نسخه ای باشد که این‌نسخه را از روی آن نوشته اند و مشتمل بر کتاب **الجیم** و کتاب **الشین** و کتاب **الصاد** وقسمتی

از کتاب **السین** (از حرف زاء تا میم) میباشد و در کتاب الجیم از حرف‌اللام تا آخر کتاب (۵۰ ورق) مکرّر نوشته شده، این‌نسخه‌بنام مجلّد چهارم تهذیب بر این کتابخانه وقف شده و تمام صفحات مجدول بشنجرف میباشد و فهرست موادیکه این نسخه مشتمل بر آنها است بخط نسخ خوب پشت اوّلین صفحه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۰) .

(۸۲۶)

تهذیب اللغه این نسخه که بر کنار صفحه اوّل بنام مجلّد پنجم بر این کتابخانه وقف گردیده مشتمل بر کتاب السّین (بقیّه نسخهٔ پیش) و کتاب **الزاء** و کتاب **الطاء** و کتاب **الدال** و کتاب **التاء** و کتاب **الظاء** و کتاب **الذال** و کتاب **الثاء** و کتاب **الراء** و کتاب **اللام** و کتاب **النون** و کتاب **الفاء** و کتاب **الباء** و کتاب **المیم** و کتاب **الجوف** (ی ، و ، ا) میباشد و تهذیب بآخر این‌نسخه بانجام میرسد وبرنخستین ورق، فهرست مندرجات‌نسخه‌بخط نسخ‌خوب نوشته شده ومهر اسمیکه دراوّلین صفحه کتاب بوده درانیجا نیز بوده وهمچنان محو گردیده و پاره ای از اوراق متن و حاشیه و مجدول بشنجرف است ، نام نویسنده و سال نگارش ندارد و ظاهراً خط کاتب مجلّدات پیشین میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۸۹) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه (۶۱) .

[۳۴۳] خلاصهٔ عباسی (ترکی بفارسی)

این کتاب مختصر سنگلاخ تألیف میرزا مهدیخان منشی معروف نادر شاه میباشد . نسخهٔ سنگلاخ را(درص۱۶۰) درکتابخانه مجلس شورای ملی ایران نشان دادیم ، مؤلف ومختصر کننده در مقدّمه خود را محمّد خوئی معرّفی کرده و گوید :

چون خاطر ملکوت ناظر بندگان اسکندرشان نائب‌السلطنة العلیه والخلافة البهیه‌ولی‌النعم الجابله(ن‌مج‌الخایله)الحایله مجاهد کفار،غازی کرار،حافظ بیضهٔ اسلام . . .   . . . السلطان‌ابن السلطان (۱) شاه عباس قاجار ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه و مهده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ که مرحوم میرزا مهدیخان درلغات ترکی نوشته وتار ویودآن نسج‌را مانند برهان‌قاطع درلغت فارسی‌رشته مشتمل‌است بر زیادات دربیان‌معانی‌اشتقاقات‌وبیان‌معانی بعضی لغات وحاوی بود برابحاث (ن‌مج ، برنصیری) وغیره ازشارحان‌لغت ترکی‌درفهم‌اشعارنوائی وغیره تصرفی در آن کتاب نظیرالمحکم والعباب (۲) شود بطوریکه همه لغات که در آن کتاب است درآن مختصر درج لهذا کمترین دعاگویان واقل منسوبان ؟ **محمد خوئی** برخی‌ازاوقات‌را به‌آن خرج کرده مشتقات‌را حذف ومعرا ازشواهدساخته وابحاث وتکریرات از او انداخته اکتفا به‌بیان معانی مصادر و جوامد نمود چه بعد از دانستن معنی النصر مثلا درلغت عربی معانی مشتقات آن بمقایسه معلوم گردد ومعهذا برای غایت توضیح در ذیل یك مصدر کیفیت اشتقاقات را بیان نمود تا به‌آن قرار درهمه مصادر معلوم شود وعلاوه بر آن‌در مقدمهٔ کتاب قواعد و ضوابط لغت ترکی بیان شده و از آن هم کیفیت اشتقاقات واضح است و بعد از اتمام مرام کتاب مختصری شد گذاشته شده درطرف تمام آن بحسب حجم و کتابت عشری از اعشار سنگلاخ نیست و همه لغات که در سنگلاخ است فعلاً و قوةً در آن مختصر است وآن کتاب را بجهة تیمن و تبرك موسوم به **خلاصه عباسی** نمود والاستعانه من الملك المعبود مقدمه .

از اینکه نسخه ذیل بسال ۱۲٤۰ نوشته شده و قرائنی که در عبارات مذکور بالا موجود میباشد تألیف آن در سال تحریر نسخه و یاکمی پیش از آن است .

چنانکه گفتیم در این کتاب مؤلّف خود را **محمد خوئی** معرّفی کرده ودر

(۱) در نسخه این مدرسه بدین نحو که بالا نقل شد نوشته شده و در نسخهٔ دیگری که بسال ۱۲٤۵ از این کتاب نگاشته شده ودر کتابخانهٔ مجلس شورای ملی موجود است عبارت در اینجا چنین است : ابوالنصر شاه عباس ادام الله عهده‌ومهد ممالك حکمه مهده برآن متعلق بود که کتاب سنگلاخ الخ . واین شاه عباس همان عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار است که بسال ۱۲٤۹ پیش از پدر بمرد و بشاهی نرسید وپادشاه پسر وی محمد شاه را ولیعهد کرد وبسال ۱۲۵۰ دراصفهان بدرودزندگی کرد ونوه اش محمدشاه مزبور بساطنت رسید .

(۲) **محکم** درلغت و تالیف ابن سیده و**عباب** نیز درلغت وتالیف حسن ابن محمد الصنعانی متوفی بسال ٦۵۰ میباشد ودر ص ٤۰۱ ج ۱ کشف الظنون است که تاج الدین المعروف بابن المکتوم متوفی بسال ۷٤۹ کتابی بنام « الجمع بین‌العباب والمحکم » تالیف و نیز آنرا مختصر نموده و نام آنرا « المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب و المحکم » گذارده است .

مقدّمهٔ کتاب« مجمع الحکمتین و جامع الطّبین »(۱) و کتابیکه در علم تشریح وقواعد طبّیّه بنام « انوارناصریّه» (۲) تألیف نموده خودْ را محمّد بن‌عبد الصبور معرّفی کرده ودر کتاب اوّل گوید مشهور به طبیب و پشت کتاب دوّم نوشته شده تألیف‌حکیم‌باشی‌است،آقای‌تربیت درص۱۲۲دانشمندان آذربایجان ایشانرادرتحت عنوان **حکیم قبلی** (۳) ذکرودرص۲۰۳المآثروالاثاراین‌مؤلف‌بنام**ملامحمد قبلی** نام برده شده و در دو کتاب فوق سال وفات وی نگاشته نشده ، از اینکه انوار ناصریّه رابسال ۱۲۷۲ تألیف نموده و اینکه در المآثر والاثار مؤلفه بسال ۱۳۰٦ نوشته شده : حکیم باشی‌حضورمبارك بود معلوم میشود که میان این دو تاریخ وفات یافته است و در دانشمندان نوشته شده کتاب « تعلیم نامه‌درعمل آبله زدن» تألیف دکتر کارمك انگلیسی را بفارسی ترجمه نموده و بسال ۱۲٤۵ در تبریز با حروف سربی چاپ شده است .

از مؤلّفات فوق بر می آید که مردی جامع علوم قدیم و جدید بوده و در ادبیّات دستی قوی داشته و در دستگاه عباس میرزا نائب السلطنه و محمد شاه وناصرالدین شاه مقرّب و طبیب رسمی بوده و بالاخره حکیم باشی شده است .

برای معرّفی ازاین‌کتاب عین عبارات قسمتی از دیباچه را نقل نمودیم و مؤلّف مقدّمه را که در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد در قواعد و ضوابط متعلّقهٔ بلغت ترکی وصرف ونحوآن زبان قرار داده و برحسب تصدیق ترکان دانشمند با کمال اختصارش بسیار جامع نوشته شده است و این مختصر بشمارهٔ حروف

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمه آن بر می آید به امر عباس میرزا نائب السلطنه تالیف ودر زمان محمد شاه خاتمه یافته وزبان انگلیسی را میدانسته و از کتب طبی آنها ترجمه و در این کتاب آورده تحت شماره (۷٦۹) در این کتابخانه موجود است .

(۲) این کتاب بسال ۱۲۷۲ در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری تالیف گردیده و همانسال درتبریزچاپ‌سنگی‌شده و نسخه‌آن‌تحت‌شماره (۷۹۷) دراین کتابخانه موجوداست .

(۳) دروجه تسمیه ولقب این‌طبیب دانشمند به **قبلی** آقای تربیت فرمایند که این‌طبیب برسم اعیان واشراف آن‌روزگار با جلالی تمام‌در کوچه وبازارحرکت میکرد وبقلیان‌هم‌علاقه‌زیادی داشته ویکی ازتعینات وی این بود که‌نوکری‌سوار با قبل‌ومنقل که لوازم قلیان‌وآتش‌افروخته در آن گذارده میشود هماره ملازم داشت بدین سبب معروف به **حکیم قبلی** گردید .

تهجّی بکتابهائی تقسیم شده و از کتاب‌الالف شروع گردیده و حرف دوّم هم درترتیب ذکر لغات معتبر و مشتقّات را نخست و پس از آن جوامد را آورده است و تمام کتاب در حدود (٦۰۰۰) بیت کتابت دارد و در آخر کتاب اشعاری‌را ازامیرعلیشیرنوائی که معانی آنها معلوم‌نشده بنام خاتمه نقل نموده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل النّاس شعوباً و قبائل الخ . . . . امّا بعد چون خاطر ملکوت الخ .

(۸۲۷)

خلاصهٔ عباسی این نسخه را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمد صادق سبزواری بسال ۱۲٤۰ بگفته میرزا محمد ابراهیم سبزواری که از القاب مرقومه معلوم میشود از رجال دربار بوده نوشته است و مراتب را در آخر نسخه تذکّر داده و اصل لغات بخطّ نسخ نگاشته شده و اسامی کتب و عناوین دیگر را با شنجرف تحریر نموده و پشت نخستین برگ یادداشت شده که بسال ۱۲٦۲ داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۹) . صفحه ای (۱٦)سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۹۱).

[۳٤٤] **دستور اللغة** (عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب ذواللّسانین بدیع الزّمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی(۱) متوفّی بسال ٤۹۷ (۲) میباشد که یکی از ادباء نامی قرن پنجم هجری

(۱) نطنز شهر کوچکی است میان اصفهان و کاشان وفاصله آن موافق تعیین اداره پست به اصفهان(۱۲۸ر٦) کیلومتروبه کاشان (٦۰) کیلومترمیباشد ومیوه‌جات مخصوصا گلابی آنجا بخوبی معروف است .

(۲) سمعانی (۵۰۲ - ۵٦۲) که معاصر و شاگرد سبط وی بوده وفات اورا بسال ٤۹۷ نوشته (ص ٤٦٤ چاپ عکسی الانساب) و یاقوت که در اوائل قرن هفتم زندگانی مینموده وی و دختر زاده اش ابوالفتح را که نیز از ادباء نامی و استاد سمعانی بوده نام برده (ج ٤ ص ۷۹۳ معجم البلدان چاپ اروپا) و گوید که ابوالفتح بسال ٤۹۷ درگذشته و این قول غلط است چرا که سمعانی متولد ۵۰۲ در الانساب ابوالفتح‌را استاد خود معرفی نموده و در وقت نوشتن این کتاب زنده بوده است . و سیوطی در بغیةالوعاة (ص۲۳۱) وفات ذواللسانین را در جمادی الاخری بسال ٤۹۹ ثبت‌نموده و گوید که‌ابن‌جماعه نوشته درمحرم سنه ۷ مرده وصاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ٤۹۲) قول سیوطی‌را معتبر دانسته درصورتیکه قول‌سمعانی مقدم‌میباشد چرا که‌نزدیك بعصروی بوده است

بوده و در ادب مؤلّفاتی داشته و بعربی و فارسی شعر میگفته و سیوطی در بغیة الوعاة این سه بیت را از اشعار او آورده است :

اَلْعِزُّ مَخْصُوصٌ بِهِ الْعُلَمٰاءُ ... مٰا لِلْاَنٰامِ سِوٰاهُمُ مٰا شٰاءُوا
اِنَّ الْاَكٰابِرَ يَحْكُمُونَ عَلَى الوَرٰي ... وَعَلَي الْاَكٰابِرِ يَحْكُمُ العُلَمٰاءُ
اَسْوَءُ الْاُمَّةِ حٰالًا رَجُلٌ ... عٰالِمٌ يَقْضِي عَلَيْهِ جٰاهِلٌ

در دستوراللّغة نیز اشعاری که مشتمل برقواعد صرفی و نحوی است ازایشان دیده‌میشود و درجای دگر باشعار این دانشمند دست نیافته‌ام، چنانکه ازمؤلّفات دیگر ایشان هم اطّلاعی بدست نیاوردم جز اینکه دانشمند فقید یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملك)(۱) مؤلف فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملی درص ۲۷۲- ۲۷٤ کتابی بنام « مرقاة »(۲) نیز باین مؤلّف نسبت داده اند .

کتابی کـه اینك بنام مشهور آن (دستور اللّغه) در این جا نام برده شده یکی‌از کتب خوب لغت میباشد و با اختصاریکه دارد بسیارمفید و دارای ارزش و اهمیّت خاصی است ، در پاره ای از موارد لغات عربی را بفارسی دری(۳) نیز

(۱) این دانشمند یگانه رحمةالله علیه شب یکشنبه ۲۹ شوال ۱۳۵٦ زندگی را بدرود گفت و قلوب دوستداران علم و ادب را جریحه دار کرد .

(۲) در کشف الظنون (ج ۲ ص ٤۱۸) بدین نام سه کـتاب نام برده شده : ۱ - **مرقاة الادب** لغتی‌است فارسی ومنظوم‌ازاحمدی کرمانی متوفی‌بسال ۸۱۵ . -۲ - **المرقاة** که نیز در لغت و دارای دوازده باب و بفارسی است و آغاز آن این است: الحمدلله مبدع الاشیاء بقدرته الخ. ومؤلف آن ذکر نشده بنا برصحت انتساب کـتابی بدین نام باین‌مؤلف ممکن است همین نسخه که آغاز آنرا مؤلف کشف‌الظنون نقل کرده‌اند ازنطنزی بدانیم و یا مؤلفهٔ اورا غیرازاین بدانیم . -۳ - **مرقاة اللغه** مؤلف آن‌چهارده‌هزارلغت‌ازصحاح‌جوهری و شانزده هزار ازقاموس درآن جمع کرده و اصل آن بعربی میباشد و مؤلف خود آنرا به ترکی ترجمه نموده است . بنابرین مسلماً این کتاب از نطنزی نخواهد بود .

(۳) سروری درمجمع‌الفرس گوید : **دری** زبان پارسی‌است‌ومحمد هندوشاه گفته که بواسطهٔ آن این‌زبان‌را دری میگویند که درزمان بهمن‌بن‌اسفندیار چون مردم ازاطراف‌عالم بدرگاه او می آمدند وزبان‌یکدیگررا نمیدانستند پادشاه فرمود تادانشمندان‌زبان فارسی‌وضع کردند یعنی زبانیکه بردرگاه شاه به‌آن تکلم کـنند وحکم کرد تا درجمیع ممالك به‌آن زبان‌سخن کنند ، جهانیان‌را این‌وضع‌خوش‌آمد وبمرور ایام منقح ویاکیزه‌شدحکیم‌انوری گوید بیت :

سمع بگشاید زشرح بسط او جذر اصم ... چون زبان نطق‌بگشاید بالفاظ دری.

ترجمه نموده و گذشته از تفسیر لغات مهمّه و مستعمله در کتب و اشعار و بیانات فصحاو بلغا در مقدّمهٔ آن قواعد مهمّه صرفی و نحوی و اوزان زبان عرب را بابهترین طرز (بانظم بسیاری از آن قواعد(۱) واوزان) آورده و گذشته از این درجداولی(۲) صیغ مشتقّة از ابواب را ضبط نموده تا برای طلاب کار آسان گردد و در آخر مقدّمه درچند بیت تصریح نموده که نام این کتاب را « الخلاص » گذارده ووجه تسمیهٔ آنرا هم بیان کرده‌اند و دراینجا باقسمتی از ابتداء کتاب نقل میشود و آن این است :

وَسَمَّيْتُهُ بِكِتَابِ الخَلاص　لِخلاصة كُلّ لَفْظٍ مُعادٍ　وكَلامٍ
مُعْتاصٍ بِما لابُدَّ　مِنْهُ العامُ وَالخاصّ　ثُمَّ لِلتَّفأُلِ بِخَلاصِ
نَفْسِي المُسيئَةِ القَصاص　كما قالَ القائِلِ :

کِتابُ الخَلاصِ كِتابٌ بِه　خَلاصُ النَّطَنْزِيّ يَومَ الحِساب
أراحَ بِه الخَلْقَ عَنْ كَدِّهِم　فَجاءَ بِمَقْصُودِهِم في كِتاب
إذا ما تَأَمَّلْتَ مَضْمُونَه　و فَكَرت فی كُلّ . . . . . وَباب
عَلِمْتَ حَقيقَةَ ما قُلْتُه　وَ قُلْتَ احفَظوهُ كَأُمّ الكِتاب
فَحافِظُه عَنْ قَليلٍ بِهِ　يَعُودُ مَلِيّاً بِفَصْلِ الخِطاب
جزى اللهُ خَيْراً مَنْ تَأَمَّلَ صَنْعَتي　وَ قابَلَ ما فيها مِنَ السَّهْوِ بالْ...(۳)
وَأَصْلَحَ ما أَخْطَأْتُ فيهِ بِفَضْلِهِ　وَ فِطْنَتِهِ وَ اسْتَغْفَرَ اللهَ مِنْ سَهْوِي .

(۱) نطنزی گوید : جمیع اصول الفعل سبعة اضرب . لها انا فی بیت علی الوجه واصف . صحیح و مهموز مثال و اجوف . لفیف و منقوص البناء مضاعف .
(۲) نویسندهٔ نسخه این کتابخانه این اشتقاقات را در جداول نگذاشته و بترتیب کتاب نگاشته ولی نگارندهٔ نسخهٔ کتابخانه مجلس بعضی از آنها را درجداول گذارده و بعضی را هم نگذاشته است .
(۳) درنسخه دستوراللغه متعلق بمجلس که عبارات فوق از آن استنساخ گردیده دراین دوجا (سه سطر پیش و اینجا) جای کلمه ای را خالی گذاشته ولی از قرینه بدست می آید .

کتاب الالف من الاسماء الالف المفتوحه آس: مورد. **آسان**: للجبال(۱). **آلاء**: نیکیها . **آل**: خویشان، بالا، کوراب. **آصره**: خویشاوندی . [وللعاطفه](۲) **آصوت** : [و](۳) شجرمرّ . **هوعلی آسان و آسال** من ابیه‌ای شبه. **هو آبل الناس**، ای اشدّهم تأنّقاً فی رعیة الابل . . .(٤) بیننا و بین مکّه عشر لیال . **آنسات** : ای مودعات . **آسات** : ای تارکات . **آرك** : یرعی الاراك . **کبش آذن** ونعجة آذناء : بزرگ گوش . آنسه زنی نیکو حدیث الخ.(٥)

از جمله ایکه در مقدمه نسخه ذیل نگاشته شده : « حررّها الشیخ الادیب ذواللّسانین اسعده الله فی الدّارین للمجلس الشّریف النّظامی(٦) لازال قصر عمره عامراً الخ». بدست می آید که این کتاب بنام خواجه نظام الملك متوفی بسال ٤٨٥ تألیف گردیده بنا بر این تألیف آن پیش از سال مذکور بوده است .

مؤلّف خود در مقدّمه گوید : این کتاب را به بیست و هشت کتاب وهر کتابی را به دوازده باب تقسیم کرده . و ترتیب تنظیم و طریقهٔ استفاده از آن را خود متذکّر شده اند .

دستور اللّغه ، یاکتاب « الخلاص » درحدود (۷٥۰۰) بیت کتابت دارد.
آغاز : بسمله الحمدلله الّذی ابدع العالم بقدرته و خصّ بنی آدم بکرامته الخ.
انجام : جزی الله ذالفظ یعاضد قائلاً ـ تطوّع اغث شخص الحسین برحمتك،

(۱) در نسخهٔ ذیل للحبال باحاء مهمله نوشته شده ولی چنانکه در فهرست معارف ضبط شده در نسخه آن کتابخانه با جیم میباشد ودرنسخه کتابخانه مجلس هم که این قسمت (از سمیته تا الخ .) از آنجا نقل گردیده للجبال با جیم ابجد است .
(۲) درنسخه‌ها این کلمه را نوشته‌اند وما مراد آنرا ندانستیم .
(۳) واو ، دراینجا زیاد بنظر می آید ودرنسخه این کتابخانه اصلا این لغت نوشته نشده است .
(٤) درنسخه مجلس بجای سه نقطه ظاهراً کلمهٔ بوده ولی در نسخه ذیل فاصله نیست ، بنا بر این بایستی ترجمهٔ لغت آبل باشد ویا کلمه‌ای بوده ونوشته نشده است .
(٥) برای نشان دادن طرز کتاب این مقدار از ابتداء آن نقل گردید واین نقل بانسخهٔ ذیل تقدیم و تاخیر و اختلافی دارد.
(٦) درنسخهٔ ذیل بهمین نحو نوشته شده ولی در ص ۱۳ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه مؤلف آن گوید : الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی الخ . و بنظر نگارنده جمال الملك نظام الملك بوده و کاتب نسخه « دارالکتب العربیه » یا مطبعه آنرا تحریف کرده اند .

تمّت و الحمدلله الخ(۱).

(۸۲۸)

دستور اللغه این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۲ نوشته شده و کاتب نامی از خود نبرده ، قسمتی از آخر کتاب ناقص بوده ، نویسنده بد خطّی بسال ۱۲۷۱ آن را نوشته‌است، عناوین مطالب کتاب وابواب و پاره‌ای از لغات با سرخی نوشته شده و ورق اوّل و صّالی گردیده است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف آقای درخشان (۲) . قطع خشتی. شماره اوراق (۱۶۸). صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۴۵۶) .

[۳۴۵] دیوان الادب (عربی)

مؤلّف این کتاب ابو ابراهیم اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی در حدود ۳۵۰ یا ۳۷۰(۳) میباشد ، جوهری صاحب صحاح اللّغه پسر خواهر این دانشمند بوده و درمآخذ قدیم وجدید بس‌در کتاب معجم‌الادباء (ارشادالاریب الی معرفةالادیب) و بغیةالوعاة سیوطی و بنقل از آن دو ، در روضات الجنّات نام ابو ابراهیم و مختصری از حالات او که ذیلاً نقل خواهیم نمود دیده شد .

(۱) درنسخهٔ مجلس آخر نسخه چون عبارت بالا میباشد و در نسخه این کتابخانه **قاتلا و «بطوع»** نوشته شده و درفهرست معارف آخر این نسخه را این بیت فارسی نقل کرده اند :

گرچه زخاك دست نطنزی شود تباه ‌ ‌ ‌ یك چند یادگار بود زو خط سیاه

(۲) آقای محمد درخشان رئیس امور اداری مدرسه عالی سپهسالار بر حسب وصیت دانشمند مرحوم آقای شیخ محمدعلی کانوزیان وصایت آن فقیدرا دارا وبایستی ثلث ایشان‌را درخیرات ومبرات‌مصرف نمایند ، ایشان‌هم بهترین‌مواردمصارف بریه‌را تهیهٔ کتب‌واهداء بیکی از کتابخانه های‌مهم عمومی دانسته و کتب خودآن مرحوم‌را خریداری وموافق‌شروط مندرجه دروقفنامهٔ مدرسه وقف ودرشهریور ۱۳۱۵ تحویل کتابخانه داده اند و درقفسه ای بنام خود آنمرحوم گذارده شده و شماره این کتب (۱۳۴) مجلد و در دفتر کتابخانه از شمارهٔ (۴۳۳۰ تا ۴۴۶۴) ثبت گردیده است .

(۳) معجم الادباء ج ۲ ص ۲۲۶ تا ۲۲۹ ، بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ص آ ورق ۲۴۶ و روضات الجنات ص ۱۱۱ ج ۱ مراجعه‌شود وسال‌تقریبی‌وفات مؤلف درمعجم‌الادباء ۴۵۰ ثبت شده وناشر درذیل ۳۵۰ تصحیح کرده ولی‌دربغیةالوعاة ۳۵۰و۳۷۰ بتردیدنقل گردیده‌است .

اسحق بن ابراهیم فارابی (فاراب‌درنزدیکی خراسان وازشهرهای ترکستان است) میباشد و بنقل از قفطی بکشور یمن مسافرت نموده و در زبید(۱) که از توابع آن است مسکن گزیده و دیوان الادب را در آنجا تألیف نموده ولی کسی توفیق نیافت که پیش وی آن را بخواند ومرگ او را در ربود .

یاقوت درذیل بیانات قفطی مطالبی نگاشته که معلوم‌میشود بعضی پیش‌مؤلف توفیق بر خواندن این کتاب را یافته و از وی روایت نموده اند و کتاب بیان‌الاعراب و شرح ادب‌الکاتب را نیز از مؤلّفات ابو ابراهیم نقل نموده است .

سیوطی چیزیکه برمطالب یاقوت افزوده تردید درسال وفات این مؤلّف‌است که بسال ۳۵۰ یا ۳۷۰ بوده و از شرح مطالب دیگر هم بمختصری از نوشتهای یاقوت قناعت کرده است .

از دیباچه و مقدّمهٔ دیوان‌الادب نگارنده استفاده میکند که مؤلّف‌آن شیعی مذهب بوده و مسافرت بیمن و توقّف درآنجاکه از اوائل اسلام مرکز شیعیان بوده این احتمال را قوّت میدهد و چون قسمت عمده ای از شیعیان یمن زیدی مذهب اند شاید این دانشمند هم بر این مذهب بوده و نبودن نام ایشان در کتب رجال امامیّه و عامه ممکن‌است بهمین جهت‌اخیر باشد وعبارات مقدّمه وطرز آن احتمال تشیّع اورا تأیید میکند و آن عبارات این است :

صلّی الله علي خیرالبریّه المخصوص بالرّفعة و الفضیلة الّذی اقسم بعمره و غفرله ما تقدَّم مِنْ ذنبه و ما تأخَّر محمد خاتم النّبیّین وعلي آله اجمعین امّا بَعْد . . . . . و کان من قضائه تفضیل المصطفي علیه‌السلام علي الخلیقه ادّخرله کل‌فاضل وابتدأ له کل‌نفیس من‌زمان وبلد واصحاب واسم‌وترکیب‌وخلق وسمت ونسب وعترة وامة و لسان و اما الزمان فهو زمان العلم . . . .

(۱) زبید بفتح اول و کسر ثانی بایاء مثناة تحتانی نام شهری‌است در یمن (معجم البلدان ج ۲ ص ۹۱۵) . وقاموس درباب دال وفصل زاء .

.....واماالعترةفهی‌السفینة التي من رکبها نجا ومن‌تباعدعنها تردی‌وهوی.

و نیز در آخر هر یك از کتب ششگانه چنین نگاشته : (انقضي کتاب . . . والحمدلله رب‌العالمین وصلي الله علي محمد و آله الطیبین و سلّم تسلیما). و میدانیم که اهل سنّت هماره در این موارد صحابه را هم عطف به آل مینمایند ولی شیعه و امامیّه در صلوات نامی از صحابه نمیبرند و چون عموماً کتّاب هم خلاف امانت نمیکنند و در عبارت مؤلّف تغییری نمیدهند بنابر این‌عبارت مذکور از خود مؤلف ودالّ بر تشیّع او است .

مؤلّف، دیوان الادب را به شش کتـاب بدینطریق تقسیم نموده : (الاوّل) **کتاب السالم** . (الثانی) **کتاب المضاعف** . (الثالث) **کتاب المثال** . (الرّابع) **کتاب ذوات الثلاثه** و هو ماکان فی وسطه حرف من حروف العلّه. (الخامس) **کتاب ذوات الاربعه** وهو ماکان آخره حرف علة . (السادس)**کتاب الهمزه** .

و در مقدّمه پیش ازشروع باصل کتاب مطالبی نافـع نگاشته و طرز کتاب‌را هم تذکر داده است . اگرچه پیدا کردن لغات ازدیوان الادب بی زحمت نیست و تا کسی اصل و ریشه و باب و وزن هر کلمه را درست نداندنمیتواندآن راپیدا کند و بهمین جهت متروك مانده ولی بدین نظم و ترتیب خدمت بزرگی بادب و ادبیّات شده ومؤلّف راه تحریف وتصحیف را بر کلمات بسته و نظر بکثرت اسماء در هر کتاب ذکر آنها بر افعال مقدّم گردیده و میزان در ترتیب کلمات حروف اواخر بترتیب حروف ابتث (ا ب ت ث الخ) میباشد و درموارد لازمه استشهاد بآیات قرآن کریم واحادیث واشعار فصحا و کلمات بلغا و حکم و امثال گردیده‌و ما برای بصیرت کامل مراجعه کنندگان قسمتی ازاین کتاب‌را برای‌نشان دادن‌طرز و روش آن در اینجا نقل مینمائیم :

باب فعل‌بفتح الفا وضم العین . ث یقال‌رجل‌حَدُث‌وحَدَث‌ای کثیر ـ الحدیث . ح یقال رجل فرح و فرح بمعني د العَبُد استعمله الشاعر في

موضع العبد قال الفرّا هو من ضرورة الشعر و هوقوله :

اَبَني لبیني اِنَّ اُمَّکُمُ   اَمَةٌ و اِنَّ اَبُاکُمُ عَبُدٌ

ویقال رجل نُجُد ونَجْدای شجاع ر یقال رجل بکرفي حاجته وبکرو رجل حذر و حذر والسمن من العضاه ویقال وظیف عَجُر وعَجْر للغلیظ و یقال رجل نکرو نکر ز هوالعجز یذکرو یؤنث س یقال رجل ندس و ندس ای فهم و نطس و نطس للمبالغ في الشي ش یقال مکان عطش و عطش لقلیل الماء ع هوالسبع وهي الضبع و الضبع ایضاً السنة الجدیه یقال اکلتهم‌الضبع وذالك اذا اجدبوا قال الشاعر: اباخراشة اماکنت(کذا) ذانغر : فانّ‌قومي لم‌تأ کالهم‌الضبع . ویقال رجل طمع وطمع ل الرجل‌واحد الرجال ویقال رجل عجل و عجل بمعني ن یقال رجل فطن وفطن بمعني. وممّاالحقت الیها من‌هذالبنآء:**الصدقة** الصداق‌قال ابن‌الجریح و کان من افصح‌الناس قضي ابن عباس لها باالصدقه ل المثله العقوبه باب فعل‌بفتح الفا و کسرالعین الخ.

صاحب کشف الظنون درص ۵۰۳ ج ۱ دیوان الادب را نام برده ودر ذیل آن شرحی نوشته که مشتمل بر اغلاط فاحشی میباشد و در اینجا ترجمهٔ آن عبارات با تذکر باغلاط و اشتباهات آن آورده میشود :

دیوان الادب در لغت تالیف‌اسحق بن ابراهیم فارابی دائی جوهری است که نزدیك بسال ۳۵۰ وفات یافته و این کتاب را برای اتسز بن خوارزمشاه تالیف ودر خطبه آن نام‌وی را آورده کتابی معتبر و مشتمل بر پنج قسم است بدین تفصیل **اول** دراسماء **دوم** درافعال **سوم** در حروف **چهارم** در تصریف اسماء **پنجم** در تصریف افعال . **قفطی** گویدتالیف این کتاب در شهر زبید گردیده و مؤلف پیش از آنکه این کتاب از وی روایت شود بمرد وسیوطی آنانرا که از وی‌روایت کرده اند نام‌برده، بنابراین گفتار قفطی غلطاست . دیوان الادب را حسن بن مظفر نیشابوری متوفی بسال ۴۴۲ تلخیص و تهذیب کرده ونیز گوید که **یاقوت** گوید امام **ابوسعید محمد بن جعفر** دیوان الادب فارابی را تهذیب نموده و مطالبی بر ابواب آن افزوده وچیزهائیکه مطالب را زینت میدهدنیز درآن گنجانیده وآنرا در ده مجلد بزرگ گذارده و کتابی مفید گردیده است انتهی .

صاحب کشف الظنون اوّلاً نسبت‌داده که در مقدّمهٔ این کتاب نام **اتسزبن خوارزمشاه** موجود و تألیف آن بنام وی گردیده در صورتی که‌در مقدّمه چنین مطلبی نیست و بعلاوه چنانکه در کتب تواریخ ضبط گردیده اتسزبن خوارزمشاه مؤسس سلسلهٔ خوارزمشاهیّه متوفی بسال ٥٥١ میباشد و بنا بضبط خود حاجی خلیفه و یاقوت و سیوطی مؤلّف دیوان الادب در حدود سال ٣٥٠ وفات کرده و دویست سال مقدّم بر اتسززندگانی میکرده وبنام اتسز کسی را در قرن چهارم سراغ ندارم ولی‌درص٢٠٦ ج ٣ معجم الادبا نوشته شده : حسن بن محمد بن ابی الشحناء شکست خوردن اتسزبن اوق غزی را که بسال ٤٦٩ روی داده در مراسله ای بپادشاه عصر تهنیت گفته و این اتسز نیز غیر از اتسز مؤسس سلسه خوارزمشاهیه میباشد . و نیز درتقسیم مطالب کتاب چنانکه دانستیم مرتب ساخته و تقسیمات آن چنانکه گذشت غیر از تقسیمات این کتابست و نیز خوداو گفته کسی که بسال ٤٤٢ وفات یافته باختصار آن پرداخته است .

نگارنده احتمال‌میدهد که‌بنام دیوان‌الادب درزمان‌اتسز نیز کتابی‌مشتمل‌برپنج قسمت تألیف گردیده وحاجی خلیفه آنرا دیده ونام مؤلف در آن نبوده وبا عدم توجه بخصوصیّات‌تاریخ وزمان تصوّر نموده که‌همان‌دیوان‌الادب فارابی‌میباشد و این کتاب‌را ندیده است بنا براین اختصار فوق ازدیوان الادب فارابی‌خواهدبود .

دیوان الادب از کتابهای نفیس این کتابخانه میباشد و در کتابخانهای ایران نسخهٔ کاملی ازآن نیافتم و قسمتی ازابتداء این کتاب در کتابخانه فاضلیه‌خراسان موجوداست . درفهرست‌دارالکتب‌المصریه‌چندنسخه کامل‌وناقص ازاین کتاب‌نام برده‌شده که‌تاریخ کتابت آنهایکی‌بسال٥٧٤ ودیگری٦١١ ودیگری٦١٧ هـ . است و کیفیت خط (چنانکه ذیلاً ذکر خواهد شد) حاکم بر این است که نسخهٔ این کتابخانه پیش از کهنه ترین نسخ آن کتابخانه نوشته شده ودر حدود (١٨٠٠) بیت کتابت دارد و ظاهراً تألیف آن مقدّم بر تهذیب اللّغه ازهری است .

بنام « دیوان الادب فی نوادر شعراء العرب » کتابی است که « الحلونسیم » استاد دانشگاه صیدا ازاشعار شعرای‌عرب که‌در کتب‌معروفه موجوداست انتخاب و جمع آوری نموده و بسال ١٩١٢ م در صیدا ازکشور شام چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال اسحق‌بن ابراهیم تولاّه الله بعصمته فی‌الدّارین الحمدلله رب العالمین حمداً یبلغ رضاه‌ویمتری المزید منه و یستوجب به ماأعدّ من الکرامة الخ .

(٨٢٩)

دیوان الادب این نسخه بخط نسخ با شیوهٔ خصوصی نوشته شده .کاتب‌نامی ازخود وسال کتابت نبرده وظاهراً ازخطوط اوائل قرن‌پنجم هجری میباشد بعضی از اوراق این‌نسخه وصّالی‌ومطالب تصحیح شده‌و مشتمل‌بر کتاب اوّل(کتاب سالم)تاآخرباب‌تفعیل‌است ، وورق آخردارای‌قسمتی ازباب‌مفاعله بوده‌بامهارت تمام‌آنرا دوپوسته‌کرده وآنقسمت‌را بروروقی حنائی‌رنگ چسبانیده ودراوّل نسخه‌دوّم که‌پس‌ازاین ذکرمیشود گذارده اند ، پشت‌ورق‌اوّل یادداشتی مؤرخ بسال (٦٠٨) میباشد و نیزدرهمانجا یاد داشتی مبنی براینکه‌حسین‌بن حاجی محمد کاشانی این کتاب راوقف براولادخودنموده، نوشته‌شده وبرتمام‌صفحات‌کلمه وقف نیزنگاشته شده، فهرست ابواب کتاب رابر سیزده‌ورق کاتب‌دیگری نوشته ودر ابتدای‌کتاب‌گذارده‌واین نسخه ضمیمهٔ‌نسخهٔ بعدبوده، اوراق وسطورهردو نسخه متوالی‌است و شاید مرحوم اعتضاد السّلطنه که درسال (١٢٧٠) دارندهٔ این‌کتاب شده اند آنرادر دو جلدگذارده اند .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٢٤٣) صفحه‌ای(١٩) سطر . طول (٢٨سانتیمتر)عرض (٢٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٠٥) .

(٨٣٠)

دیوان الادب این‌نسخه‌بخط‌کاتب‌نسخه‌پیش‌وتتمّهٔ‌آنست .ومشتمل‌برقسمتی از کتاب سالم(ازباب مفاعله‌تاآخر کتاب)و کتاب‌دوّم‌وسوّم وچهارم وپنجم وششم میباشد ولی قسمتی ازآخر کتاب ششم آن افتاده و پاره‌ای از اوراق‌آن وصّالی‌شده وآخرین سطر موجود این است :

باب الفعلله ص بالاص الرّجل ای‌قرّ ن طامن ظهره وطمان بمعنی . باب .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ‌اوراق (٢٣٣) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (٢٩ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٠٦).

[۳٤٦] رساله در الفاظ مفرده (عربی بفارسی)

این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ، مؤلّف نامی از خود نبرده و با تفحّص او را نشناختم ، ومرتب بحروف تهجّی است .

آغاز : بسمله و به تقتی باب الالف « ابتداء وافتتاح » آغاز کار کردن ، « انتها » بپایان بردن کار ، « انشاء » ازخود پیدا کردن ، « التجا » پناه گرفتن ، « التقا » بهم رسیدن و یکدیگر را دیدن ، « احصا » شمردن ، « استقامت » راست ایستادن ، « استعانت » یاری خواستن ، الخ.

انجام : « یمامه » کبوتر ، « یقطین » درخت کدو ، والله اعلم بالصواب تمت الالفاظ .

(۸۳۱)

رساله در الفاظ مفرده — این نسخه رابخط نستعلیق خوب محمّدامین بسال ۱۱۰۹ نگاشته و در حاشیه دو ورق اوّل آن لغات مثلثه که درحرف لام از همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود نگاشته شده وخود این رساله هم پس از کنز اللّغه میباشد ، خصوصیات دیگر نسخه درذیل کنز اللّغه که در تحت شماره (۱۰۷) کتابخانه‌است، ذکر خواهد شد .

[۳٤۷] رساله در الفاظ مفرده ومرکبه (عربی بفارسی)

این رساله نیز درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ، در خود کتاب نامی از جامع نیست و درجای دگرهم گردآورندهٔ آنرا نیافتم ، ولی درآخر نسخه کلمه « **لراقمه** » موجود است بنا بر این شاید محمّدامین کاتب نسخه‌مؤلّف باشد ومقصود وی‌ازاین تألیف ازعبارت مقدّمه معلوم میشود :

اما بعد بدانکه این الفاظ چند است از مفردات و مرکبات که بر زبانها متداولست و درنامه های تازی وپارسی مستعمل، مبتدی چون اینقدر بخواند ویاد گیرد و در استعمال آن عبارات او در محاورات ومکاتبات مهذّب گردد انشاءالله تعالی فصل الخ .

این رساله در پنج فصل مرتب گردیده و مؤلّف نظم و ترتیب صحیحی برای

آن در نظر نگرفته و فصل آخر آن در اضداد است برای نمونه قسمتی از یکی ازفصول آنرا نقل میکنیم : **فصل** « معزّز » عزیز کننده ، « مغیث وغیاث » فریادرس ، « رکن » گوشه ، « عضد » یار و بازو ، « فلك » آسمان ، « قطب » آنچه آسیا بر او گردد ، « قیام » آنکه ایستادگی بدو بود ، « عدّه » ساخته ازجهت حوادث ، « زین و زینت » آرایش ، « مجد و شرف » بزرگواری ، الخ .

آغاز : بسمله حمد وثنا مبدع بی آلت ومخترع بیغرض وعلّت راو درود بسیار بر سیّد انبیا الخ .

انجام : « راجی و خاطی » امید دارنده و گناهکار ، « میمون و همایون » مبارك و خجسته ، « ابتدا وانتها » اوّل و آخر والله اعلم بالصّواب و الیه المرجع و المآب تمّت .

(۸۳۲)

رساله در الفاظ مفرده و مرکبه — این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نامی ازخود وسال نگارش نبرده ولی ازقرائن معلوم میشود که بخط محمّد امین کاتب رساله پیش از اینست که بسال ۱۱۰۹ نگاشته شده است، خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۱۰۷) کتابخانه مراجعه شود .

[۳٤۸] شرح نصاب (عربی و فارسی)

نصاب‌الصبیان یکی ازمنظومه هائی‌است که ترجمهٔ لغات مهمّهٔ عربی را بپارسی در بردارد وبسیار مشهور است و دارای شروح زیاد میباشد وما در اواخر همین فصل از این کتاب و شروحی ازآن معرّفی کامل خواهیم نمود ،

این شرح که خصوصیّات نسخه آنرا پس ازاین خواهیم نگاشت یکی ازشروح خوب نصاب است ولی بدبختانه صفحهٔ اوّل و قسمتی از آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری ازآنراهم سراغ نداریم ، لذا نام مؤلّف را نمیتوان بدست داد ، ازمطالعه نسخه هم مؤلّف شناخته نشده ، امّا ازقرائن معلوم میشود که هندی وحنفی مذهب بوده است .

این کتاب طرزخاصّی دارد وآن اینست که مطالب مندرجهٔ در دیباچهٔ نصاب

را يك يك بنـام **سئوال** ذكر نموده و در تحت عنوان **جواب** بشرح آن پرداخته پس از آن معانی حروف را در تحت سه باب و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند بدینگونه ذكر نموده : **باب اول** درمفردات . **باب دوم** درمركّبات **باب سوم** در حروف عوامل . پس از این شروع بشرح قطعات كتاب يك بيت يك بيت نموده و پس از نخستین بیت هر قطعه بدواً آنرا تقطیع میکند و آنوقت بشرح یك بیك لغات مندرجهٔ در آن میپردازد و گاهی معادل هندی آنرا هم ذكر میكند .

بمناسبت شرح بیت نخستین كه مشتمل برنام خدایتعالی میباشد منظومه ای در (۱۰۲) بیت دربیان اسماء الله الحسنی از **صدرالممالك** نام نقل نموده ودرذیل بیت دوّم (۵۰) بیت راجع بمعنی آسمان و زمین و خلقت آنها از پدر خویش آورده است .

برای نشان دادن طرز كتاب قسمتی از آنرا در اینجا میآوریم :

بیت : « عرش » سقف و « بیت » خانه « كحل » سرمه « رمل » ریك
« حسن » خوبی « قبح » زشتی « جاف » خشك و « رطب » تر .

العرش : بفتح العین المهمله وسكون الراء المهمله وبالشين المنقوطه **تخت ملك** كقوله تعالى : ایكم یأتینی بعرشها قبل ان یأتونی مسلمین **وسقف** ، و«**بیت**» « خانه » بفتح الباء الموحده و « **عیال** » را نیز بیت گویند و « دومصراع » را نیز بیت گویند و جمعه البیوت والابیات و جمع الجمع الابابیت والبیوتات وتصغیره بییت بالضم وقد جاء بالكسر وقس على هذا تصغیر امثاله كالشیخ والشیئ والعین . « **الكحل** » بضم الكاف وسكون الحاء المهمله «**سرمه ومال بسیار**» وبفتح الكاف « سال قحط» **والرمل** بفتح الراء المهمله وسكون الميم «**ریگ**» والرمله قلیل منه وجمعه الرمال والرمل بالفتحتین **بحری ازعروض است** ونوعی از رفتن شتروانگی ازباران ، الخ .

این شرح تقریباً دوازده برابرمتن نصاب میباشد وچون اوّل و آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری از این شرح بدست نیاوردم آغاز و انجام آن نقل نگردید .

(۸۳۳)

شرح نصاب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل آن افتاده نویسنده ای قسمتی از ابتداء شرح نصاب محمد بن فصیح دشت بیاضی را استنساخ و بآن ملحق نموده ولی بامطابقه با نسخهٔ چاپ شدهٔ شرح دشت بیاضی دانسته شد كه نویسنده تقلّب نموده و این شرح غیر از آنست . آغاز ورق

اوّل اصل نسخه اینست : مشهور بكنیت بود وغرض ازنام امتیاز است پس بچیزیكه سخت امتیاز حاصل شود اولی بود بذكر و دیگر آنكه نصر دلالت بر نصرت میكوند (كذا) پس چنانستكه مصنّف میگوید اللّهم اجعلنی نصیراً للصّبیان الخ .

یك ورق پیش از ورق آخر ننوشته مانده و آخرین بیت كـه در ورق آخر نسخه شرح شده هفت بیت بآخر قطعهٔ ۳۸ میباشد و آخرین سطر نسخه این است : و الخیاض من باب نصر یعنی درآب شدن و در كاری شروع كردن و **الغیل** بفتح الغین المعجمه و سكون **الیاء** التّحتانیه.

بسال ۱۲۶۱ بنام شرح نصاب دشت بیاضی(۱) داخل كتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده و بهمین نام در دفاتر مدرسه ثبت شده است .

جلد تیماج . كاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق(۱۱۹) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ كتابخانه (۹۲).

[۳٤۹] شرفنامهٔ منیری (عربی و فارسی و تركی)

مؤلّف این كتـاب چنانكه در مقدمـهٔ آن بنظم و نثر (و نیز در ذیل لغت دوستكانی) نگاشته شده **ابراهیم قوام فاروقی** ره است كه شاعری متتبّع بوده واز اشعارخویش درذیل بعضی از لغات ابیاتی آورده وبمناسبت لقب شرف الدّین احمد منیری كه از مشاهیر مشایخ هندوستان (ظاهراً مراد و مرشد مؤلف است) و صاحب مكاتیب مشهوره و شرح آداب المریدین ومؤلّفات دیگرند كه در ص ۸-۱۰ نزهة الخواطر ذكرشده وبسال ۷۸۲ جهانرا وداع گفته اند ، این مؤلّفه را

(۱) **دشت بیاض** چنانكه در فرهنگ عباسی نوشته شده ازتوابع خراسان است ودرص ۰ ۵ ج ۲ مجمع الفصحا در ذیل نام ولی دشت بیاضی كه از شعرای متاخرین بوده نوشته شده : دشت بیاض از توابع قائن است و بسبب سفیدی خاك آنجا را دشت بیاض گویند .

واز رساله ای خطی كه متعلق به آقای صادق انصاری ودرشرح حالات و اشعار ولی دشت بیاضی میباشد معلوم میشود كه معاصر شاه طهماسب صفوی بوده و پس از وفات آن پادشاه (سال ۹۸٤) زنده بوده و باحتمال مالك محترم ، این رسالـه جزئی از تذكره تقی الدین كاشی است وطرز نگارش هم این احتمال را تایید میكند .

شرفنامه مَنیری (۱) نام نهاده و چنانکه در ذیل فرهنگ میرزا ابراهیم خواهیم نگاشت این شاعر شرفنامه را در دست داشته و در عبارات آن اندك تصرّف واضافاتی نموده و بنام خود جلوه داده است .

در کتب رجال و تذکره و سیر نامی از ابراهیم قوام فاروقی نیافتم، از معاصر بودن با شرف الدین احمد منیری که این فرهنگ بنام وی تألیف گردیده وایشان بتصریح درتذکرهٔ علمای هند طبع لکنهو ص ۸٤ ونزهة الخواطر ص۸ - ۱۰ پس از یکصد وبیست سال زندگانی بسال ۷۸۲ وفات یافته‌اند ، عصر وی قرن هشتم هجری دانسته‌شد واز آنچه درذیل پاره ای از لغات نگاشته شده نیز زمان مؤلف استفاده میشود ولی اشکالی که داریم اینست که نسخهٔ ذیل در بیان معنی طهماسب گوید نام پادشاه ایرانزمین که هفت سال خراج رعایا را بخشیده بود وپنجاه سال ملك رانده. ومیدانیم که‌شاه‌طهماسب‌صفوی‌معروف‌ازسال ۹۳۰ تا ۹۸٤ یعنی‌پنجاه‌وچهارسال سلطنت کرده وجزاین پادشاه‌طهماسب آنهم پنجاه سال سلطنت کرده ای در تاریخ نیافتیم(۲) وگذشته‌از آنچه گفته‌شد نسخه‌ای‌ازشرفنامه که‌بسال ۸۷۹ یعنی‌پیش‌ازتولّد شاه طهماسب نوشته شده در کتابخانهٔ آصفیّهٔ دکن‌موجود است واحتمال میدهیم که این لغت از اضافات متأخرین باشد و در فرهنگ میرزا ابراهیم عین این‌الفاظ را در ذیل کلمهٔ **طهماسپ** می بینیم و خواهیم دید که وی اضافاتی بر شرفنامه دارد بنا بر این حکم میکنیم که این لغت جزء اصل کتاب شرفنامه نبوده واشکال تقریباً رفع خواهد شد .

---

(۱) از این دوبیت که در دیباچه کتاب است :

مغیث جهان سرور منیر است	که خاك درروضه اش‌عنبراست
سمی نبی احمد منیری	که دارد بدودین حق‌برتری

بدست آمد که منیر نام محلی است ، درص۹ نزهة الخواطر آنرا بفتح میم و کسرنون ضبط و در ص ۵۲ معجم الامکنه نزهة الخواطر گوید که منیرازتوابع ولایت بهار هندوستان است وعارف شهیر شیخ شرف‌الدین احمدبن یحیی‌المنیری بدانجا منسوب است .

(۲) در شاهنامه فردوسی زو پدر گرشاسپ را پسر طهماسپ معرفی کرده و آن اینست :

ز تخم فریدون بجستند چند	*	یکی شاه زیبای تخت بلند
ندیدند جز پور طهماسپ زو	*	که زور کیان داشت فرهنك او

مؤلّف پس‌از دیباچه ایکه بنظم‌در حمدوثناء الهی ونعت حضرت‌رسالت‌پناهی و مدح شرف الدّین احمد منیری ودر ۸٦ بیت میباشد مقدّمه‌ای بنثر در بیان معنی حروف‌مفرده‌ومرکبه‌فارسی وترکی‌باشواهد ذکر کرده پس‌ازآن‌دربیان معنی‌لغات عربی‌وفارسی بفارسی پس ازآن‌لغت ترکی‌بفارسی بترتیب حروف‌تهجّی برآمده وحرف‌اوّل‌را باب وآخررافصل‌قرارداده‌وبرای معانی‌لغات‌باشعارقدماچون‌سعدی ، حافظ ، خاقانی ، سلمان ، ظهیر ، نظامی ، فردوسی ، انوری ، خواجو ، سوزنی ، کمال اسمعیل ، سنائی ، منصور شیرازی ، عمادی ، بدرشاهی ، خجندی ، عنصری ، عبد الواسع جبلی ، همای همایون ، عماد فقیه ، وباشعار کتاب تاج المآثر و مدخل منظوم وبسحق اطعمه و نگارشات فرهنگنامهٔ اسدی طوسی و عجائب البلدان و لسان الشعراء واداة‌الفضلاء ومسموعات‌از دانشمندان معاصر چون امیرشهاب‌الدّین‌حکیم کرمانی وشیخ واحدی محقّق‌وغیرازاینها مکرّراً تمثّل‌جسته ودرذیل **دوستکانی** نام‌حسنخان امیر زین‌الدّین هروی ملك الشعرا راکه نیزمعاصروی بوده برده‌است .

اینکتاب درحدود (۱٦۸۰۰) بیت کتابت دارد ونسخه ای ازآنرا درطهران و سائر کتابخانه های ایران نیافتم و در فرهنگهای موجوده فقط نسخه ای را در دکن یافته‌ام (ص٦۱٦ ج ۳ فهرست آصفیّه‌مراجعه شود) ومؤلّف کشف‌الظّنون درص۵۸ ج ۲ گوید : شرفنامه درلغت فارسی واز منیری‌است .

وچنانکه‌دانستیم مؤلّف آن‌منیری‌نیست واین نیزازاغلاط کشف‌الظنون‌است.

آغاز بسمله : بنام خداوند گیتی بهست   سرآغاز هر نامهٔ راکه.....

خداوند انس و خداوند جان   خداوند جسم و خداوند جان

انجام: الترکی«یارکی» دارنده «یخشی» نیکووخوب ویخشی‌مثله ، «ترنقچی» رحمت کننده، «یرتلی» گناه کار، «یلمجی»بالا «یلقی»سجده کرد، «یلغی» کله «یویری» ازاینسوی . وپس ازاین درنسخه ذیل بعنوان باب بحورواوزان اشعارو مطالبی در (۱۰۰) بیت میباشد که ظاهراً خاتمه کتاب قرار داده شده و در مقدّمه نامی از آن نیست .

(۸۳٤)

شرفنامهٔ منیری این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، لغات ومآخذ اشعار با شنجرف میباشد ، پشت نسخه بسال ۱۲٦۱ بنام «منتخب شرفنامه» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و درهمانجا بهمین نام وقف گردیده ولی از دیباچه ومقدمهٔ نسخه بدست نمیآید که منتخب شرفنامه باشد بلکه تصریح دارد که شرفنامهٔ احمد منیری است، چند ورقی از اوائل نسخه و ّصالی گردیده وپس وپیش‌شده اوراقی هم از آن میان افتاده است از اینکه اشعارشواهد لغات بیشتر ازمتن خارج و در حاشیه نوشته شده احتمال میدهم که مرحوم اعتضاد السلطنه یا مالك پیش از ایشان تصوّرنموده اند که این کتاب منتخب شرفنامه میباشد و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار ، قطع ربعی. شماره اوراق(۳۸۱). صفحه‌ای (۱۱) سطر . طول (۱٦سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۸٦) .

[۳۵۰] صحاح اللغه (عربی)

مؤلف این کتاب جوهری ره است (ابونصراسمعیل بن حماد الفارابی الجوهری متوفی بسال ۳۹۳(۱)) این دانشمند (۲) با اینکه زبان مادری وی ترکی بوده از ائمّه لغت عرب شمرده میشود و نخستین کس میباشد که لغات عربی را بترتیب حروف تهجّی مرتب نموده و تا آنوقت تدوین لغت بطرز تهذیب اللغه

(۱) در تعیین سال وفات جوهری اختلاف کرده اند و صاحب روضات آنها را بدینگونه نقل کرده : جوهری چنانکه در کشکول و غیره است بسال ۳۳۳ یا ۳۰۳ وفات یافته وچنانکه درمجمع البحرین درباب ها اوله الجیم از کتاب الرآء تالیف طریحی نوشته شده مرك وی درحدود سال چهارصد(٤۰۰) بوده واین قول‌مناسب است فاضل شمنی‌درحاشیه مغنی وسیوطی در طبقاتش بنقل از ابن فضل‌الله درمسالك وی نیز ذکر نموده اند . و از شیخ عبدالله یافعی مورخ مشهور (صاحب مرآت الجنان) نقل گردیده که جوهری بسال ۳۹۳ وفات یافته و این‌قول گویا راست باشد(درشذرات الذهب ج۳ص۱٤۲و کشف الظنون ج ۲ص٤ ۷ وفهارس مصر نیز این تاریخ ثبت شده) ویاقوت درمعجم الادباء گوید آنچه تحقیق و تجسس نمودم بسال تولد ووفات جوهری دست نیافتم .

(۲) این شرح در اطراف جوهری بامراجعه به یتیمة الدهر ج ٤ ص ۲۸۹ ، شذرات‌الذهب ج ۳ ص ۱٤۲ ، روضات ص ۱۱۰و۱۱۱ و کشف‌الظنون ج ۲ ص ۷٤ تا ۷٦ وبغیة الوعاة ومعجم المطبوعات ص ۷۲۳ نگاشته شده است .

ودیوان‌الادب (درصفحه۱٦۷و۱۸۲طرز آنهابیان گردید) معمول‌بوده و گذشته‌از تحصیل‌علوم‌ادب درنزد اساتیدبزرك‌چون **ابوعلی فارسی و سیرافی** و دائی خود ابو ابراهیم اسحق مؤلف دیوان الادب ، و اتقان و تعمّق در آنها چنانکه خود در مقدمه همین کتاب نگاشته ومعاصروی ثعالبی دریتیمة الدّهرودیگران‌در کتابهای دیگر شهادت داده اند بقبائل عرب چون ربیعه و مضر رفته و چندی درمیان آنها زندگانی نموده ولغات و اصطلاحات آنهارادریافته و در این کتاب جاداده‌است .

جوهری‌چون‌ازعربستان برگشت وبه دامغان رسید ابوعلی‌الحسن بن علی(۱) که‌ازمعاریف دانشمندان‌ونویسندگان بود ویرابخانه‌خودبرد و اوراپذیرائی شایان وهمراهی نمایان نمود و از ادب وخط او بهره ای برداشت وباهمراهی‌زیاد بنشابور فرستاد وهماره درآنجا بتدریس و تألیف ونگارش قرآن کریم و کتب ، روزگار میگذرانید تا زندگانی وی با آثار نیکو ونام نیك سپری گردید .

گاهی شعر میسروده و ثعالبی درباره وی گفته : وَلِلْجَوْهَرِيِّ شِعْرُ العُلَماءِ لاشِعْرُ مُفْلِقِي الشُّعَراءِ و از اشعار وی آنچه را نقل نموده ما نیز در اینجا میآوریم :

لوكان لی بدّ من النّاس　　قطعت حبل النّاس بالیاس
العزّ فی العزلة لكنّه　　لا بد للنّاس من النّاس

و از اوست

فها انا یونس فی بطن حوت　　بنیسابور فی ظلل الغمام
فبیتی والفؤاد ویوم دجن　　ظلام فی ظلام فی ظلام

رأیت فتی اشقراً ازرقا　　قلیل الدماغ كثیر الفضول
یفضل من حمقه دائماً　　یزید بن هند علی بن البتول

و نیز از اوست

یا صاحب الدعوة لا تجز عن　　فكلّنا ازهد من كرز

(۱) در یتیمة الدهر نام این رادمرد بدین نحو ثبت شده ولی صاحب روضات (ص ۱۱۰) وسیوطی در بغیة الوعاة این دانشمند را بنام ابوالحسین بن علی بنقل از معجم الادباء یاقوت معرفی کرده اند.

و المآء کالعنبر فی قـومس — من عزّة یجعل فی الحرز
فسقّنـا مـاءً بـلا منّـة — وانت فی حـل من الخبز

در یتیمة الدهر ودیگر کتابها نوشته شده که جوهری خط را خوب مینوشته و درعرض ابن مقله و مهلهل و یزیدی شمرده میشود .

یاقوت در معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) مؤلفات وی را کتابی درعروض ، و مقدمة النحو ، وصحاح اللّغة دانسته و درروضات بنقل از بغیة الوعاة شرح ادب الکاتب و بیان الاعراب نیز بجوهری نسبت داده شده‌است و درنسخه خطی بغیة الوعاة کـه در این کتابخانه میباشد این نسبت موجود ولـی مؤلّف شذرات‌الذهب که مطالبی راجع بجوهری ازبغیة الوعاة نقل‌نموده این دو کتاب را نام نبرده وچنانکه در ص ۲۸۱ گـذشت دانستیم کـه این دو کتاب را یاقوت از مؤلّفات ابو ابراهیم فارابی دائی جوهری دانسته است .

صحاح اللّغه که اینك مورد بحث ما میباشد یکی از کتب مهمّهٔ لغت عرب است وثعالبی که خود از بزرگان ادب وشهسواران میدان دانش وصرّافان سخن بوده یکچند سال پس ازتألیف « صحاح » که یتیمة الدهر را تألیف نموده دربارهٔ آن گفته : جوهری را کتابی بنام « الصّحاح » درلغت میباشد که بهتراز « جمهره » و دلنشین تر از « تهذیب اللّغه » میباشد و ازآن زودتر نتیجه توان گرفتن تا از « مجمل اللّغه » و ابو محمّد اسمعیل بن محمّد نیشابوری که این کتاب صحاح بخط مؤلف نزد او موجود است در باره وی گفته :

هذا کتاب الصحاح سیّد مـا — صنّف قبل الصّحاح فی‌الادب
یشمل انـواعـه و یجمع مـا — فـرّق فی غیره من‌الکتب

مؤلف معجم‌المطبوعات این کتاب را بنام « تاج‌اللّغه وصحاح العربیّة » نامیده وگوید درنسخهٔ خطی کهنه ای که بسال ۸۵۱ نوشته شده نام این کتاب بدینگونه نوشته شده : « تاج اللّغه و سرالعرّبیّه » و یعرف بالصحاح (او) کتاب‌الصحیح فی‌اللّغه روایة الشیخ ابی محمّد اسمعیل‌بن محمّدبن عبدوس‌النّیسابوری .

چنانکه دانستیم دریتیمة‌الدّهر که تألیف آن بسیارنزدیك بسال تألیف صحاح بوده این کتاب بنام « صحاح » ذکر شده وابومحمّد آن را در نظم خویش بااین نام تعریف کرده و یاقوت درمعجم الادبا نیز آنرا بهمین نام آورده‌و آخرنسخه ایکه بسال ۸٤۳هـ. نوشته شده‌و دراین کتابخانه میباشد (شماره ۸۳۵ همین فهرست) کاتب تصریح نموده کـه نام این کـتاب « الصحاح » میباشد . ندانم از کجا نام «تاج‌اللّغه» براین کتاب گذارده شده که نویسندگان بعضی از نسخ که پس از سال ۸٤۳ نوشته شده آنرا تذ کّر داده‌اند .

مؤلف خود در مقدّمه و خاتمه نامی بـرای کتاب نگذارده و آن را بدین سبب صحاح گویند که مؤلف خوددرمقدمه گفته : امّابعد فانی قداودعت هذالکتاب **ماصح** عندی‌من‌هذه‌اللّغه‌الخ. وصاحب‌روضات گوید : ابن‌صلاح‌در«مشکل‌الوسیط» گفته : آنچه راصاحب صحاح تنها نقل نموده وهمه اهل لغت آنرا انکار کرده‌اند نباید پذیرفت چرا که فقط جوهری بصحت‌آن معتقد است . واین قول ابن‌صلاح مردودمیباشد چراکه **تقریری** و **جوالی** (درروضات جوالی‌نوشته‌شده‌ولی‌ظاهراً مراد **جوالقی** یا**جوالیقی** لغوی‌معروف باشد)وغیر ازایشان صحت‌لغات صحاح‌را گردن‌گرفته اند وخلاصه اینکه همه دانشمندان کتاب صحاح را باعتبار پذیرفته وبنوشته‌های درآن‌ترتیب‌اثرمیدهند وبعضی‌ازبزرگان‌بدین‌اعتبارتصریح کرده‌اند .

جمعی ازدانشمندان مطالب مندرجه در صحاح اللّغه را دقت نموده و باغلاط آن پی‌برده اند و دراطراف‌آن کتابها نوشته اند ، از آنجمله « الاصلاح‌للخلل الواقع فی‌الصحاح » تألیف علی‌بن‌یوسف بن‌ابراهیم قفطی متوفی بسال ٦٤٦ میباشد که سیوطی آنرا نام برده ودیگری « نورالصّباح فی اغلاط الصحاح » میباشد ودر معجم المطبوعات است که بسال ۱۳۲۸ در هندوستان در آخر « صراح اللّغه » بچاپ‌رسیده و دیگری « ضالة الادیب » است کـه در جمع میان لغات صحاح وتهذیب میباشد ودرآن‌اغلاط جوهری‌را تذ کّرداده‌است.

وبسیاری این کتاب را (صحاح اللّغه) مختصرنموده ویا برآن اضافاتی نموده ویابرآن حاشیه نگاشته ویا بتکلمه ای آنرا تکمیل کرده اند ونام آنها درص۷٤

تا ۷٦ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۱۰ و ۱۱۱ روضات و در بغیه و معجم الادبا وشذرات‌الذهب وامل‌الآمل ودیگر کتب میباشدبرای اختصار نام آنهارا نیاوردیم

یکی از اختصارات صحاح « ینابیع‌اللّغه » تألیف ابوجعفر احمدبن علی بیهقی معروف به جعفرك متولد ومتوفی بسال ۴۷۰-۵۴۴ میباشد که شواهد آنرا انداخته ولغاتی از تهذیب ازهری والشامل ابو منصورجبان و مقاییس ابن فارس بر آن افزوده و حجم آن ازصحاح بیشترنشده است (معجم الادبا ج ۱ ص ۴۱۴-۴۱٦) ودیگری بنام « الراموز فی‌اللّغه العربیه » است وچنانکه درص ۱۴ ج ۲ فهرست دارالکتب نوشته شده مؤلف آن سید محمّد بن سید حسن است و نسخه ای از آن که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانه یکی جامع در آستانه موجود است . و دیگری « صفوالراح من‌مختارالصحاح » تألیف عبدالرحمن بن عیسی‌است ونسخه‌ای‌از آن درکتابخانه خدیویه مصر موجود است (ج ۴ ص ۵ ۱۷ فهرست خدیویه) .
و در این کتابخانه دومنتخب و مختار ویك ترجمه از صحاح میباشد که در این فصل آنها را معرّفی مینمائیم .

جمعی خواسته اند که از اغلاط واشتباهات صحاح‌اللّغه عذر خواهی کنند و گویند که تا باب ضاد معجمه این کتاب برمؤلف خوانده شده در این هنگام وسوسه وجنونی عارض وی شدو بخیال پرواز در هوا افتاد (۱) و برای خویش دو بال از چوب بساخت و بربام مسجد جامع نیشابور رفت و از آنجا بزیر افتاد و بمرد و کتاب او پاکنویس نشده بماند ، شاگرد وی **ابراهیم بن صالح وراق** بقیّه را پاکنویس و صحاح را تمام نمود . این گفتار درست نیست برای آنکه اغلاط موجوده دراین کتاب منحصر بابواب اخیرآن نیست وثانیاً چنانکه صاحب روضات متذکر شده اند حضرت علامهٔ حلّی رحمه الله این کتاب را از اساتید خویش ازمؤلف آن جوهری نقل وروایت نموده اند وثالثاً چنانکه دیدیم ثعالبی

(۱) جز این فکر وخیال مورخین برای جوهری آثاری ازدیوانگی نشان نداده اند وآنانکه درقرن بیستم میلادی زندگانی میکنند وموفقیت پرواز درهوا را برای نوع بشر مشاهده مینمایند قطع خواهند یافت که وی دارای فکری صحیح بوده ولی روزگار وسائل کار را برای وی چنانکه بایدمهیا ننمود ونادانی معاصرین بجنون‌ونادانیش متهم ساخت .

معاصر مؤلف صحاح نسخه آن را بخط مؤلف آن نزد ابو محمد اسمعیل‌بن محمد نیشابوری نشان داد .

صحاح‌اللّغه بگفتهٔ صاحب روضات (۴۵۰۰۰) چهل وپنجهزار بیت کتابت دارد وچنانکه دراوائل این بحث گفته‌شد ترتیب تنظیم آن مخالف کتب لغتی‌است که پیش از آن تألیف گردیده ومؤلف لغات موجوده در آن را در بیست و هشت باب وهربابی را دربیست و هشت فصل بشمارهٔ حروف تهجّی مرتّب نموده و مناط در تنظیم ابواب را حرف آخر گرفته و فصولرا حرف اوّل مثلاً لغت عشق را درباب القاف وفصل‌العین باید دید و دیگر لغات را بهمین طرز بایستی پیدا نمود و مؤلف در صحت معانی لغات باشعار فصحا و کلمات بلغا استشهاد کرده اند .

صحاح اللّغه را مولی محمّدبن مصطفی الوانی معروف به « وان قلی » متوفی بسال ۱۰۰۰ بترکی ترجمه نموده و بسال ۱۱۴۱ در قسطنطنیّه در دو مجلد چاپ شده و نسخهٔ آن در تحت شمارهٔ ۳۵ و ۳٦ در این کتابخانه موجود است و ترجمهٔ فارسی صحاح بنام « صراح‌اللّغه » میباشد که پس ازاین معرّفی خواهد شد . و در ص ۲۹۲ جزء ۷ معجم الادبا نوشته شده زین‌الدین مغربی زواوی« یحیی‌بن معطی بن عبدالنّور » که ازمعاصرین می‌باشد وبسال ۵٦۴ متولّد شده مؤلّفاتی‌دارد و از آنها نظم صحاح جوهری میباشد که ناتمام مانده است .

کتاب صحاح مکرّر در مصر و ایران وهندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله شکراً علی نواله ، والصلوة علی محمّد و آله ، امّا بعد فانّی اودعت هذاالکتاب ماصح عندی من هذه اللّغة الخ .

انجام: قال ذوالرّمّه :

أَلا یا اَسْلَمي یادارَمَیَّ عَلیٰ البِلیٰ   وَلازالَ مُنهلّاً بِجَرْعائِكَ القَطْرُ . تم .

(۸۳۵)

صحاح اللغه

این نسخه بخطّ نسخ صدرالدین مکرّم‌بن یحیی بن مکرم در سنهٔ (۸۴۳) نوشته شده و شامل تمام کتاب است، دارای یك

سرلوح وصفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد، بیشتر از صفحات را موریانه سوراخ کرده وپارهٔ از اوراق وصالی شده ، حواشی صفحات آب دیده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٦٨٥) صفحهٔ (۲۱) سطر. طول($\frac{۱}{۲}$۲٦سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۲۹) .

(۸۳٦)

صحاح اللغه این نسخه که از نسخه های نفیس میباشد عبدالکریم بن علی کاتب حلبی بخطّ نسخ خوب در سال ۸٦۳ نگاشته و دارای یك سرلوح زیبا است ، عناوین فصول و ابواب باطلا نوشته شده و ابتداء هرباب سرسورهٔ ظریفی دارد ، صفحات آن مجدول بطلا میباشد ، پشت ورق اوّل تذهیب و میناکاری بسیار زیبای مدوّری است ، نسخه کمی آب‌دیدگی دارد و بعضی از خطوط آنهم ضایع گردیده ، بنام مرحوم اعتضادالسلطنه در پشت صفحهٔ اول یادداشتی مشعر براینکه این کتاب داخل کتابخانه ایشان گردیده نگاشته اند و برورقیکه پیش ازورق اوّل کتاب میباشد نیز یادداشتهائی ازمالکین سابق نسخه و اشعاری نوشته شده است.

جلد سوخته بسیارخوب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤۲۷) . صفحهٔ (۳۳) سطر . طول (۲٦سانتیمتر) . عرض (۱۷سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳٤) .

(۸۳۷)

صحاح اللغه این نسخه بخطّ نسخ بدی بسال ۸٦۷ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل برتمام کتابست پشت صفحه اوّل شرحی بخط نسخ کهنه مبنی براینکه این نسخه را سیّد محمّدبن سیّد حاج مصطفی برمدرسه ایکه پدرش ساخته وقف کرده ، نگاشته شده ، بعضی از مطالب آن را محو کرده اند وبسال ۱۳۱۲ پشت همان صفحه شرحی بدین مضمون که مرحوم

شیخ محمّد پسرحاجی محمّد ابراهیم طهرانی این‌نسخه را نیز وقف کرده اند نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سید محمد مذکور . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۲) صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۷سانتیمتر). عرض ($\frac{۱}{۲}$۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۳۹) قفسه مدرسه صدر .

(۸۳۸)

صحاح اللغه این نسخه بخطّ نسخ ابراهیم بن محمّد حسین‌الغفّاری بسال (۹۸۷) نوشته شده و شامل جلد اوّل(از ابتدای کتاب تا آخرباب عین) میباشد ، پاره ای از اوراق کتاب وصالی شده و پشت ورق‌اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند ونیز اشعاری در تعریف کتاب وطریقه استخراج لغت از آن و نیز یادداشتهائی موجود است .

جلد جرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شماره اوراق (۲٤٦) . صفحهٔ (۳۱) سطر. طول(۳۰سانتیمتر). عرض($\frac{۱}{۲}$ ۲۱سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۱۳۱) .

(۸۳۹)

صحاح اللغه این‌نسخه بخطّ نسخ خوب درسنهٔ (۱۲٤۱) نوشته شده ، در آخرنسخه کاتب خود را سمّی امام سادس جعفرالصّادقع بن امام رابع علی بن زین‌العابدین علیهماالسّلام نام برده و شامل تمام کتاب است ، صفحات نسخه باسرخی جدول کشی شده و در پشت صفحهٔ اول روایتی از ابن عباس نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف سپهسالار قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۵۷۹) . صفحه (۲۵)سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۳۰سانتیمتر). عرض ($\frac{۱}{۲}$ ۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۲) .

(۸٤۰)

صحاح اللغه این نسخه جلد اوّل و بخطّ نسخ بد نوشته شده از ابتداء باب همزه تا اواخر فصل میم از باب ظاء میباشد ، آخر نسخه افتادگی دارد و آخرین سطر آن این است : (المظّ الرّمان‌البرّی قال ابوذویب

(يصف عسلاً فجاء بمزج لم يرالناس) اوراقی از اوّل و آخر کتاب وصّالی شده و نسخه قدیمی است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی قدیمی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۶) . صفحهٔ (۲۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۳) .

(۸٤۱)

صحاح اللغه این نسخه مجلّد دوّم و از ابتدای باب سین تااواخر فصل عین از باب لام میباشد و آخرین سطر آن این است : (والعتلّه واحدة العتل وهی القسیّ الفارسیّه وجدیلة طی تقول للاجیر عتیل والجمع عتلاء) ، بخط نستعلیق نوشته شده و آخر آن افتادگی دارد ، اسم کاتب و سال کتابت معلوم نشد ، در آخر فصل هاء از باب غین عبارتی بوده ولی انرا محو کرده اند ، دو ورق کاغذ ننوشته در وسط کتاب میباشد و حواشی مختصری از کتب لغت با اشعاری فارسی درحاشیه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شماره اوراق (۳۳۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳۵) .

[۳۵۱] صراح اللغه = الصراح من الصحاح (عربی وفارسی)

مؤلف این کتاب جمال قرشی (۱) رضی الله عنه است (جمال الدین محمدبن عمربن خالد قرشی (۲)) که از دانشمندان اواخر قرن هفتم هجری بوده و این مؤلف یکی از مختصر کنندگان « صحاح اللغه » میباشد و آن مختصر را خود « الصراح من الصحاح » نامیده و دانشمندان آن را « صراح اللّغه » خوانند و بدین نام مشهور گردیده .

(۱) قرش در معجم البلدان و آثار البلاد نام قرش نیست و در اکتفاء القنوع نوشته شده که جزء ماوراءالنهر است .

(۲) ترجمه وسایر مؤلفات وتاریخ تولدووفات مؤلف را در کشف الظنون ، معجم المطبوعات ، بغیة الوعاة ، شذرات الذهب ، طبقات سبکی ، الفوائد البهیه نیافتم درص ۱٤۳٦ ج ۲ فهرست آصفیه وفات مؤلف بسال ٦۸۱ که سال تالیف صراح میباشد ثبت شده و در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۹۳ سال ۹٦٦ نقل شده ومسلما این تاریخ غلط است چرا که عادةً کسیکه بسال ٦۸۱ کتابی تألیف کرده باشد تاسال ۹٦٦ کـه ۲۸۵ میشود و شایدسی چهل سال هم هنگام تالیف داشته نخواهد ماند و شاید مؤلف محترم آن فهرست در مآخذی سال ٦۹٦ را دیده باشند و درچاپخانه شماره غلط چیده شده است .

این مختصر شامل تمام لغات صحاح اللّغه میباشد و مختصر کننده آن فقط اشعاری را که جوهری برای استشهاد پاره ای ازلغات آورده بود جزچند بیتی راانداخته ولی امثال و آیات و اخبار مستشهده را در این مختصر باقی گذارده و دراین قسمت نیز تاحدّی که ممکن بود اختصاررا مراعات کرده مثلاً از آیات موجودهٔ در « صحاح » بس محلّ شاهد را نقل نموده وباقی را ترك کرده است .

گذشته از آنچه گفته شده مؤلّف پس از بیانات صاحب صحاح در بیان مراد از لغات مذکوره برای استفادهٔ آنانکه ازعربیّت بهرهٔ وافی ندارند ترجمهٔ فارسی آن لغات را نیز نقل و گذشته ازاین بواسطهٔ علامات و آثاری که برلغات و پس از آنها گذارده شده و زن و باب وجمع و مصدر هریك از آنها رانیز بعلامات وشماره ها معین کرده‌اند .

این کتاب در حدود (٤۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲٦۰ درکلکتّه و بسال ۱۲۸٦ در طهران و در سال ۱۲۷۹ ظاهراً نیز در هند چاپ گردیده و در ص ۷۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده که بسال ۱۳۲۸ درهند صراح اللّغه چاپ شده و دارای دو ضمیمه است **اول** : « القراح بتکمیل الصحاح » . **دوم** « نورالصّباح فی اغلاط الصّحاح » .

آغاز: بسمله قال الفقیر الی مولاه الغنی عمّن سواه الواثق بالمتعالی عن الولدو الوالد ، ابوالفضل محمّدبن عمربن خالد المدعوّ بجمال القرشی جمل الله احواله وحصّل آماله ، احمدالله وهوالمحمود بکل اللّغات وجلّها واشکره وهوالمشکور علی کثر الهبات وقلّها الخ .

انجام : قال ذوالرّمّه **شعر** .

الا یا اسلمی یادارمیّ علی البلی   ولازال منهلاً بجرعائك القطر (۱)

(۱) این بیت چنانکه درص ۱۹۷ گذشت درانجام کتاب صحاح اللغه میباشد که قرشی عینا در اینجا آورده . درنسخهٔ صراح اللغه شماره (۸٤۲) این فهرست که بسال ۱۰٦۰ نوشته شده نویسنده آن پس از این شعر شرحی مبنی برنام خویش و سال نگارش نوشته و چنین وا نمود کرده که آخر کتاب همان بیت میباشد ونیز نسخهٔ دیگری از این کتاب که بسال ۱۰۹۲ درلاهورهند نوشتهٔ شده ودرذیل شماره (۸٤٤) معرفی میشود بهمین شعر ختم گردیده

(بقیه درذیل صفحه بعد)

(۸۴۲)

صراح اللغه این نسخه را بخطّ نسخ صدرالدین محمّدبن ملاّ حسین سالکدهی درسنهٔ (۱۰۶۰) نوشته ، حواشی مختصری ازبرهان درحاشیهٔ کتاب نگاشته شده و حاشیهٔ یکی ازصفحات وسط را پاره کرده اند .

خلد جرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۲) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۱) .

(۸۴۳)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ درسنهٔ (۱۰۷۳) ترقیم یافته ، کاتب نام خود را در آخر کتاب احمدبن ملاّ حامد معرّفی کرده ، حواشی مختصری بدون امضاء بندرت در کتاب مشاهده میشود ، تصحیح گردیده وکلمات افتاده درحاشیه نوشته شده ، صفحات مجدول بسرخی ولاجورد میباشد ، درصفحه آخر پس ازاتمام تاریخ بیش ازیك سطر نوشته بوده آنرا پاك كرده‌اند

(بقیه از ذیل صفحه قبل)

و نسخه ایکه در تحت شماره (۸۴۳) خصوصیات آن ذکر خواهد شد وبسال (۱۰۷۳) استنساخ شده پس از شعر مذکور این عبارت است : (و کان الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق‌الله وحسن تاییده ظهیرة الثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی وثمانین وستمائه بکاشغر حرسهاالله تعالی وعمر .) و در آخر نسخه خطی شمارهٔ (۸۴۵) این فهرست پس از شعر مذکور عبارتی است که در آخر نسخه ایکه در طهران بسال ۱۲۸۶ چاپ شده موجود است و ذیلا نقل می‌شود و قسمتی از آن در نسخ دیگر نیست و آن این است :[تم الکتاب ولله نحمد نحمد (کلمهٔ دوم مکرر شده و درچاپی نیست) حمداً لا یحویه العدوالحساب علی تتمیم هذه النسخة انتساخاً ضحوة اثنین (در چاپی الاثنین ثبت شده) الثالث والعشرین من ذی‌القعده لسنة سبعمائه هجریه و کان (درچاپی واتفق الفراغ است) الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق‌الله وحسن تاییده ظهرالثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی و ثمانین و ستمائه بکاشغر .] و در ص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از صراح اللغه را نام برده که دارای همین تاریخ تالیف میباشد و در مقابل آن نوشته شده که بخط مصنف است . بهرحال از نقل عبارات فوق چنین بدست می‌آید که مؤلف تاریخ تالیف را در آخر کتاب تصریح نموده ولی برخی از استنساخ کنندگان در نقل آن اهمال کرده اند وسال ۷۰۰ که در آخر یکی‌از نسخ خطی این کتابخانه و نسخهٔ چاپی تذکر داده شده سال نسخه برداری نسخه ای است که این نسخهٔ خطی وچاپی از روی آن نوشته شده وشاید که چاپی را از روی همین نسخهٔ خطی نوشته باشند .

وبجای آن شمارهٔ اوراق کتاب ونام آنرا نوشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۰۳) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۰) .

(۸۴۴)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ محمّد هاشم بن محمّد قاسم درسنهٔ (۱۰۹۲) درشهر لاهورهندوستان درمحلّهٔ تلبغه درعهد اورنگ‌زیب عالمگیر نگاشته شده ، دارای یك سرلوح وصفحات مجدول بطلا ولاجورد ، لغات باشنجرف نوشته شده ، اوراق اواخر کتاب را موریانه خورده و وصالی گردیده پشت ورق اوّل چند یادداشت ودرحواشی اوراق حاشیه های مختصری بفارسی وعربی نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۳۵) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۲۸) .

(۸۴۵)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نامی ازخود و سال کتابت نبرده ، وبنگاشتن عباراتی که درحاشیهٔ ص ۲۰۲ نقل گردیده اکتفا نموده تاآنانکه بخطوط هرقرنی آشنائی ندارندآنرا ازخطوط آخر قرن هشتم وکهنه پندارند ، درصورتیکه پر آشکار است که ازخطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد وتذهیب سرلوح آنهم دارای‌اهمیّتی نیست ، لغات باشنجرف نوشته شده وصفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است ، پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتی بوده آنرا محو کرده اند ، اثر نام فتحعلیشاه قاجار و برخی ازکلمات دیگر باقی و قابل دیدن است وتاریخ این نوشته بسال ۱۲۳۳ میباشد و چند یادداشت موجود است و پشت ورق آخر نیز یادداشتی بوده که جز سطر اوّل وآخر آن‌همه را محو کرده اند درحاشیه بعضی ازصفحات مطالب سودمندی نگاشته شده است .

جلد تیماجی وسط پارچه . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق

(۳٤۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۲).

[۳٥۲] طراز اللغة (عربی)

مؤلّف این کتاب سید علی خان کبیر رحمة الله علیه میباشد (صدرالدّین علی بن الامیر نظام السدّین احمد بن الامیر محمد معصوم الحسینی الحسنی (۱) دشتکی شیرازی معروف بمدنی متوفّی بسال ۱۱۱۸) (۲).

درج (۱) همین فهرست برخی ازمؤلّفات ایشان نامبرده شده (۳) ولی طرازاللّغه ومؤلّفات دیگر ایشان که ذیلاً نام میبریم در آنجا نیست.

سیّد علیخان که ویرا کبیر لقب داده اند و بهمین نام هم مشهور گردیده از مفاخر قرن یازدهم ودوازدهم هجری میباشد و شیراز هم بوجود چنین دانشمندی

(۱) در فارسنامه حسینی حسنی نوشته شده ولی در روضات حسنی حسینی ثبت گردیده وخود ایشان هم تصریح بتقدم حسینی برحسنی دارند وما در جلد اول قول روضات را اقتدا کرده ولی چون فرزند زاده ایشان بدین نحو خودرا معرفی کرده اند ما نیز در این مجلد ایشان را پیروی نمودیم و جرجی زیدان در ص ۲۸٥ ج ۳ تاریخ آداب اللغه این دانشمند را بدین گونه معرفی نموده (صدر الدین بن معصوم الحسینی المدنی علی خان المتوفی سنه ۱۱۰٤) چند نام از اجداد مؤلف را انداخته و سال وفات وی را هم غلط نقل نموده و از طراز اللغه او هم نامی نبرده است.

(۲) درص ۲۸ ج ۱ فهرست سال‌وفات این‌عالم جلیل‌چنانکه درص ٤۱۳ روضات و در ذیل صفحهٔ ۳۸ آثارالعجم‌تالیف مرحوم‌فرصت‌الدوله‌بدان‌تصریح‌شده‌درسال ۱۱۲۰ ضبط گردید ولی نبیره این بزرگ مرحوم حاج میرزاحسن‌مؤلف‌فارسنامهٔ‌ناصری‌درص۸٦ گفتاردوم ازفارسنامه وفات سید علی خان پدر جد خود را در ذیحجه سال ۱۱۱۸ نوشته و در ص ۲۹ از همان گفتار نوشته اند که محدث کامل شیخ یوسف بحرانی تاریخ وفات سید علیخان را در جمله «سرمقر شیراز» یافته است.

(۳) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست ریاض السالکین‌یا‌شرح صحیفه سجادیه این دانشمند و نیز درص ٥٤ ج۱ الکلم الطیب ایشان را معرفی کردیم ودرص ۲۸ بجای‌انوارالربیع که درعلم بدیع‌می باشد و بسال۱۳۰٤ در طهران چاپ شده است زهر الربیع در علم بدیع نوشته شده اصلاح گردد و زهر الربیع از مؤلفات سید نعمت الله جزائری است و در غلطنامه هم بدین غلط تذکری نیست و دیگر مؤلفات ایشان که در آن صفحه تذکر داده ام سلافة العصر ، ومخلاة نظیر کشکول ، و سه شرح بر صمدیه است که صغیر و کبیر آن چاپ شده و شرح وسیط آن را آقای میرزا سید احمد مهذب خلف مؤلف فارسنامهٔ ناصری و نواده مؤلف شرح دارند.

مفتخر بوده وهست ، این عالم جلیل ازسادات عظیم‌القدرشیرازومعروف بدشتکی میباشند و اجداد ایشان همه اهل فضل ودانش بوده و از معاریف اند ، از آنجمله سید صدرالدّین وفرزندایشان سیّد غیاث‌الدّین منصور هستند که‌ازبسیاری‌اشتهار محتاج بمعرّفی نیستند ودراین فهرست بیاری خداوند شرح حال ومؤلّفات این‌پدر وپسر نگاشته خواهد شد.

بمناسبت اینکه در مدینهٔ طیّبه متولّد گشته اند بمدنی معروف شده وچندی‌هم در حیدر آباد دکن هندوستان مسکن گزیده و بپادشاه آنجا نزدیك بوده و در سال ۱۱۱٦ ازمکّهٔ معظّمه‌بشیرازمراجعت کرده‌وپس‌ازدوسال‌برحمت‌ایزدی‌پیوسته ودربقعهٔ‌امامزاده‌بزرگ‌حضرت‌میرسیّداحمدبن موسی‌الکاظم علیه‌السّلام که مشهور بشاه چراغ‌میباشند پهلوی‌قبرعالم‌جلیل‌سیّد ماجدمجتهدبحرینی که قاضی‌شیرازبوده بخاك‌سپرده‌شده‌اندولی‌درزلزله‌ایکه‌دریکقرن‌پیش آمده‌وقسمتی‌ازبقعه‌راخراب‌نموده قبرمحو گردیده‌است‌مؤلّفات‌دیگرایشان‌عبارتند از:**شرح ارشاد** درنحو(درروضات آمده که نام‌این‌شرح موضح الرشاداست)، الدرجات‌الرّفیعه‌فی‌طبقات‌الشیعة‌الامامیّه (جرجی زیدان درص۲۸٥ ج ۳ تاریخ‌آداب‌اللّغه نسخه‌ای‌ازاین کتاب رادربرلن نشان داده اند و در طهران آقای‌ارکانی نمایندهٔ خوزستان‌درمجلس شورای ملّی نیزنسخه ای از آنرا دارند) ، سلوة الغریب‌و اسوة‌الادیب(این کتاب مسافرت‌نامه سیّد بحیدرآباد میباشد و جرجی زیدان درج ۳ تاریخ آداب اللّغه نوشته که این مسافرت بسال ۱۰٦٦ بوده ونسخه آنرا نیزدربرلن نشان داده ودانشمند معاصر آقای تربیت نسخه ای ازاین کتاب را دارند) ، احوال‌الصّحابه والتّابعین (صاحب روضات در ص ٤۱۳ بنقل از ریاض‌العلما گوید این کتاب بآخرنرسیده وفقط یك مجلّد آن در احوال بعضی از صحابه تألیف گردیده است) ، رساله در اغلاط قاموس فیروزآبادی (در روضات نیز بنقل از ریاض‌العلماء گوید که این رساله ای نیکو است) ، الزّهره (صاحب روضات‌وفارسنامه گویند درنحواست) ، التذکره

فی الفوائدالنادره(۱) (صاحب روضات گوید ظاهراً این کتاب غیراز کتابی است که بنام مخلاة و نظیر کشکول تألیف کرده اند و در فارسنامه فقط بنام کتاب تذکره نام برده شده است) نظم کافیه ، دیوان شعر (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه استاد معظم آقای تنکابنی موجوداست) ، رسائل متفرقه (این سه کتاب اخیر درفارسنامه ذکر شده است) ، غنیمة الاغانی درمعاشرت اخوان (نسخهٔ این کتاب را صاحب فارسنامه داشته اند واز آن قسمتی را نقل نموده واین چند بیت از آنجا گرفته شد :

یقول راجی الصّمد علیّ بن احمد حمداً لمن هدانی بالنّطق والبیان
قال الصدیق من صدق فی حبّه ومامذق وقیل من لم یطعنا فی قوله انت انا .)

و دیگر ازمؤلّفات گرانبهای این عالم جلیل طرازاللّغه است .

طرازاللغه چنانکه مندرجات آن شهادت میدهد یکی از کتب بسیار ذیقیمت میباشد ومصنّف دردیباچه تصریح نموده اند که نام آن را « الطرازالاوّل » نهادم و در ص ٤۱۳ روضات بنقل ازریاض العلما نام این کتاب « الطرازالاوّل فیما علیه من لغة العرب معوّل » ضبط شده و درفارسنامه ناصری « الطرازاللّغه » ودر نسخهٔ این کتابخانه در آخر باب الهمزه و باب الباء بدین نحو از خط مؤلف نقل گردیده : تمّ باب الهمزه (باب الباء) من الطّرازالاوّل والکنازلما علیه من کلام العرب المعوّل » نوشته شده ، خلاصه اینکه پیش ازاین مؤلف بدینگونه کسی لغت ننوشته وصاحب

(۱) حضرت استاد آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظله العالی ضمن مجموعه‌ای رساله‌ای از سید علیخان کبیردارند که شامل پنج حدیث مسلسله به‌آباء میباشد وجامع گوید : در احادیث امامیه کم اتفاق‌افتاده که مسلسل به‌آباء به۲۷ واسطه باشدومن‌توفیق یافته ام که‌این پنج حدیث راجمع‌نمایم‌وبرای آن دیباچه و خاتمه ای باتصریح باسم مؤلف بر آن‌اضافه کرده و ازدرایه شهید نقل نموده که در آنجا پس از حدیثی که مسلسل به ١٤ پدر بوده فرموده، این حدیث بیشترین حدیث مسلسل به آباء است که بدست ما رسیده پس از آن سید گوید : و اتفق توضیح ما لعله یحتاج الی التوضیح عجالة حالما رقم هذه الاخبار فی هذه التذکره ولم اقف علی شیئی من ذلك لاحد من السلف فان اصبت فببرکات اهل البیت و الله یقول الحق و هو یهدی السبیل والیه المرجع و المآب . (بنظر نگارنده از کلمه فی هذه التذکره، محتمل است که این رسالهٔ جزء کتاب تذکره باشد و مانعی ندارد که خود رساله ای جداگانه باشد چنانچه ظاهر این را مقتضی نیست . و آغاز رساله این است ، بسمله الحمد لله الذی اکمل بنبیه احمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدر الدین صلی الله علیهما وعلی ابنائهما الهادین ائمة الامه والخلفاء الراشدین الخ و رساله در حدود (۱۵۰) بیت است .

روضات در ص ٤۱۲ از ریاض العلما که مؤلّف آن معاصر بامؤلّف طرازاللّغه بوده نقل نموده که تألیف طرازاللغه از نصف نگذشته و بآخر نرسیده بود که زندگانی مؤلّف آن بآخر رسید و گوید که نزد ما ازاین کتاب نسخه ای است که گویا تاحرف صاد مهمله باشد **مراجعه گردد** انتهی . بدبختانه نمیدانم کتب کتابخانه صاحب روضات کجا رفت و از این کتاب نفیس که طرز آنرا زیر همین سطرها خواهیم گفت بیشتراز آنچه) تاحرف سین مهمله) نسخه ای از آن دراین کتابخانه است سراغ نداریم و در کتابخانه های عمومی ایران ومصر نسخ این کتاب نیست و در کتابخانه های شخصی بعضی ازدانشمندان پاره ای از مجلّدات آن یافت میشود از آنجمله مجلّد اوّل آن در کتابخانهٔ شخصی جناب آقای حکمت وزیر محترم معارف واوقاف درطهران موجود وبسال۱۱۱۳ از روی نسخهٔ مؤلّف نوشته شده وپشت صفحهٔ اوّل بسال ۱۱۱٤ مقابله وتصحیح آن نوشته شده وظاهراً این تصدیق بر تصحیح، خطّ مؤلّف است و این نسخه از ابتداء کتاب تاآخر حرف ذال معجمه میباشد ومجلّد دوّم کتاب ازحرف راء مهمله شروع شده است .

روش این مؤلّف در تألیف این لغت این است که بدواً لغات را موافق صحاح اللّغه وقاموس بترتیب حروف اواخر قرارداده و ابتداء بحروف همزه بنام **باب الهمزه** نموده و هریك از ابواب را برفصولی بشمارهٔ حروف تهجّی تقسیم نموده است و چون لغتی را نام برد معانی آن را در ذیل آن مینگارد و در بعضی موارد باشعار فصحاء واقوال ائمّهٔ لغت هم استشهاد میکند پس از آن اگر این لغت و یامشتقات آن در قرآن کریم استعمال شده و درذیل عنوان **الکتاب** آن آیه یا آیات را نقل و بشرح و تفسیر آنها میپردازد وپس از آن اگر این لفظ یا مشتقّی از آن در اخبار واحادیث آمده باشد در زیر عنوان **الاثر** آنها را نیز ذکر وبیان آنها مشغول ودرمرتبهٔ چهارم اگراین لغت یایکی ازمشتقّات آن اصطلاح خاصی از قبیل فقهی یااصولی یامنطقی یاریاضی یا حکمی و یاغیراز آنهاشده باشد درذیل عنوان **المصطلح** آنها را یاد میکند وچون آن لغت یایکی ازشاخه هاویاریشه‌های آن درمثلی یاامثالی باشد درتحت عنوان **المثل** آنها را نیزنقل ومراد ومعنی آنرا هم میگوید وچون

لغتی دریکی ازعناوین پنجگانه نیامده باشد درذیل آن لغت عنوان مذکور نوشته نشده است و چنانکه خود در مقدّمه گفته اند بیشتر درذکر لغات عرب توجه بغریب آنها داشته ودر موارد بسیاری‌باغلاط فیروز آبادی در قاموس تصریح نموده است .

اگراین کتاب بهمین‌نحو که برداشت شده بآخرمیرسید توان گفت که دارنده آن گنجی‌بزرگ داردولی‌بمصداق‌مالایدرك کلّه‌لایترك کلّه وقاعدهٔ مسلّم‌نزدعقلا که وجود ناقص بهتر از عدم صرف است این مؤلّفه باهمین نقص بسیار ذیقیمت ونافع است وبقول شاعر **باین شکستگی ارزد بصد هزار درست** و امید است که دوستداران دانش بچاپ آن همت گمارند و نسخ آنرا در دسترس دوستداران فضیلت گذارند .

این کتاب (تافصل عین از باب سین) که اینك در این کتابخانه موجود است در حدود (۷۲۰۰۰)(جلداوّل ۴۵۰۰۰ دوّم ــ ۲۷۰۰۰) بیت کتابت‌داردومقدمهٔ آن یکی از شاهکار های ادبی است و تاریخ تألیف آن در آخر باب الهمزه سال ۱۱۰۷ و در آخرباب‌الباء درسال۱۱۰۹ یاد داشت شده است .

آغاز : بسمله انّ ابلغ مانطقت به البلغاء بادی بدا و افصح مابدأت الفصحاء بەالکلام مابدا حمدالله‌الذی انطق‌العرب باعرف لسان الخ .

(۸۴۵)

طراز اللغه — این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۲۵۷ نوشته شده،ازاوّل کتاب تاماده **عبد** از فصل‌العین از باب الدال را دارامیباشد، لغات و آیات واخبار و مصطلحات با سرخی نگارش یافته و چندورق از ابتداء نسخه مجدول بطلا ولاجورد و سرخی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی‌مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۲) . صفحه ای(۳۷)سطر . طول (۳۱سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانهٔ(۲۹).

(۸۴۶)

طراز اللغه — این نسخه‌بخط نسخ‌آقا باباشاهمیرزائی در سنهٔ(۱۲۸۳)نوشته شده و شامل ازاوّل کتاب تالغت **عبد** از فصل‌عین از باب‌دال میباشد ، لغات را باسرخی نوشته‌اند ودانسته شد که از روی‌نسخه‌ایکه پیش ازاین معرّفی از آن کردیم نوشته شده و این نیز چون اصل آن بی‌غلط نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۰) . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۳) .

(۸۴۷)

طراز اللغه — این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و شامل از باب حرف الراء فصل الالف (جلد دوّم) و تاشرح لغت « عبقس » که از باب‌السّین وفصل‌العین میباشد و آخرین سطر موجوده‌آن این است : والعبقسی نسبةٌ الی‌عبدالقیس و تعبقس انتسب‌الیه‌والعبنقس کعضنفرالنّاعم‌الطویل .

شواهدولغات‌را باسرخی‌نوشته‌اندودر آخرباب الرّاء سال تحریر راسنهٔ ۱۱۲۴ معیّن نموده ولی نام کاتب نگاشته نشده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۹ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۸سانتیمتر)شمارهٔ(۲۴۳) مدرسه صدر .

[۳۵۳] فرهنگ بشیرخانی (فارسی)

این‌فرهنگ‌درحدود(۴۲۵۰)بیت کتاب‌دارد، شرح‌حال‌مؤلّف‌رادرتذکره‌ها وکتب رجال و نسخهٔ این فرهنگ را در فهرستها نیافتم ، مناسب دیدم که‌قسمتی از مقدمهٔ آن را که مشتمل برنام مؤلّف و غرض تألیف میباشد و چند سطر از ابتداء آن در اینجا بیاورم و آن این است :

« بندهٔ ضعیف الی الرب القوی المجید الملقب ببشیر خان برمزید غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه، چون دید که یاران با فرهنك وقت قرائت دیوان خواجه حافظ و شرفنامهٔ جامی وبوستان‌و کلستان سعدی ودیوان کمال‌وقاسم انوار وسلمان ومسعودبیك(کذا)وسلسلة‌الذهب و طوطی نامه و یوسفی و مغربی و شامی و خمسه نظامی و خسرو و شاهنامه و غیرهم از کلام اکابر قدس‌الله سرهم العزیز بسوی لغات حاجتمند میشوند واحضار کتابها هریك بنوعی ۱

تعذیر هینما یند وچون بعضی یاران که مصاحب فقیر بودند بکرات و مرات برای جمع لغات علی فصل الغایات فوق الطاقات التماس نمودند بنا بر این رهی کتابهای مذکور و بعضی لغات متفرقه از کتابها و معنیها کشیده بر ورقی مثبت کرده تا ادراك معانی به آسانی دست دهد ونام این مجموعه «فرهنك بشیر خانی» نهاد و با الله التوفیق علی التطویق **فصل الالف استفتا** بالکسر طلب گشایش کردن وفتوی خواستن . **ایعا** نگه داشتن چیزی . **انشا** بالکسر انگیختن از خود · **اصغا** شنیدن · **ایذا** بدخوئی و بیفرمانی الخ » .

از مطالعه مندرجات این فرهنك چنین بدست می آید که مؤلف ایرانی نیست و از روی قرائن موجوده در عبارات کتاب و نقل معانی لغات هندی احتمال قوی میرود که هندی و یا افغانی بوده و نام مؤلف هم خود یکی از مؤیدات میباشد .

از عبارات مندرجه ذیل لغات **ری** ، سپاهان ، **ارمن** ، باد صبا ، **قم** ، هیرمند ، **قلاب گازلان** و بسیاری دگر و مطابقه کامل با عبارات شرفنامه منیری در ذیل آن لغات معلوم میشود که آن فرهنك را در دست داشته است ·

زمان تألیف این فرهنگ را نگارنده در اوائل قرن یازدهم هجری میداند چراکه در آن ازشیخ فیضی که بگفتهٔ هفت اقلیم مؤلّفه بسال ۱۰۰۲ درآن عصر ملك الشعراء بوده شعر نقل نموده(درشمس التّواریخ ومجمع الفصحا وفات شیخ فیضی بسال ۱۰۰۴ ضبط شده وآدوارد برون (ص۱۳۲ ترجمه ادبیات ج٤) بسال ۱۰۰٤ نوشته است)ونیزدر ذیل لغت **محابا** گوید : ازشیخ محمّد خضری بمعنی دریغ مسموع است .

و در تذکره خشگودر حرف خاء فقط خضری خوانساری وخضری لاری را نام برده و گوید هردو معاصر واکثردر ملازمت اما مقلیخان حاکم فارس می بودند. در تذکره های دیگر خضری نام یاتخلّص نیافتم و از قرائن هم مسلّم میشود که غرض بشیرخان یکی از این دو خضری است و نگارنده احتمال میدهم که چون شاه صفی بسال ۱۰٤۳ اما مقلیخان و پسرانش را در قزوین بکشت و فرمان داد که اولاد و نزدیکان او را هم که در شیراز بودند بکشند (۱) این دو شاعر که سمت ملازمت اما مقلیخان راداشته اند از ترس بهندوستان گریخته و بشیر خان بیکی از آنها رسیده و استفاده‌هائی کرده است .

طرز این فرهنگ این است که لغات را باملاحظهٔ حروف اوّل و آخر مرتب

(۱) در گفتار دوم ص ۲۸۷ فارسنامه ناصری خضری لاری نام برده شده و در ص ۱٤٦ گفتار اول شرح کشته شدن اماءقلیخان و پسران و کسانش مختصرا نگاشته شده است ·

نموده و حرف اوّل را باب وحرف آخررا فصل قرار داده مثلاً لغت **قباب** رادر باب القاف وفصل الباء ولغت **قماد** را درهمین باب و فصل الدّال ذکر نموده است واستشهاد باشعار در بعضی موارد کرده ودر آن از شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و دواوین سعدی و حافظ و جامی (متوفی بسال ۸۹۸) و خاقانی و فضولی وقاسم انوار (متوفی بسال ۸۳۷) ونظام استرآبادی (متوفی بسال۹۲۱) و منصور شیرازی و ظهیر فارابی و غیر ازاینها ابیاتی دیده میشود وازنقل لغات و جُمل بسیار واضح بدست میآید که مؤلّف آن چون نگارنده ازعلم ودانش بهره‌ای نداشته از آن جمله است : **علم ریاضی** علمی است در حکمت . **عالم علوی** آنجهان . **لاادری** نمیدانم . **مشاهیر** مشهوران. **قاض** حاکم بود. **قابض** گیرنده و ترك کننده . **لاینصرف** نیست تصرّف . **صنادیق** جمع صندوق . **فویل ثم ویل للمساکین** پس هلاکی و بسیار هلاکی برمسکینان .

آغاز : بسمله حمد بیغایت و ثنای بی‌نهایت خالقی را که طبیعت انسان راالخ .

انجام یادکی بحال و خجل و اندازه و زمره و مرتبه . **یباهی** فخر میکنند تمام شد کتاب فرهنگ .

(۸٤۸)

فرهنگ بشیرخانی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام‌برده ، ابواب وفصول ونام کتب وشعرا باشنجرف نوشته شده ، صفحات بجدول بلاجورد و شنجرف میباشد و پشت ورق اوّل از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه جُمل ذیل نگاشته شده : لغتی است موسوم بلغت بشیرخانی که تازه جمع شده(گفته شد که بنظر نگارنده ازمؤلّفات اوائل قرن یازدهم است) نوّاب مستطاب اشرف والا معتمد الدّوله حکمران مملکت فارس در شیراز استنساخ نموده و برسم هدیه از برای حضرت اشرف امجد والا
۱ اعتضادالسلطنه وزیر علوم ومعادن دام اجلاله فرستاده ومبارکی داخل کتابخانه مبارکه شد فی شهر رمضان سنه ۱۲۹۷ ·

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱٤۲)· صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانهٔ (۱۳).

[۳۵٤] فرهنك جهانگیری (فارسی بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ جمال‌الدّین حسین انجواست (عضدالدّوله جمال‌الدّین حسین‌بن فخرالدّین حسن (۱) انجو (۲)) و چنانکه خود در مقدّمه این فرهنگ تصریح نموده سی سال بعضی اوقات و برخی از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی ودری وپهلوی و اصطلاحات وغیر آن نموده و از بسیاری تتبّع و تفحّص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود لیکن نظم و ترتیب آن بعللی چند بتأخیر می‌افتاد وازبس دراین رشته تتبّع کرده وزحمت کشیده قول او پیش اهل فن مقبول و بیان او در معانی لغات ومصطلحات برهان قاطع وقاطع برهان بود تواین شهرت بگوش جلال‌الدّین محمّد اکبر پادشاه کشمیر رسید در ذیقعدهٔ سال ۱۰۰۵ باحضار مؤلّف فرمان داد وفرمود از آنزمان که عرب بربلاد عجم چیره گردید زبان پارسی باعربی آمیزش پذیرفته اکثر لغات پارسی و دری و پهلوی متروك بل نابود گشته ومعانی اشعاری که شعرای باستان

(۱) درص ٤٤ گفتار دوم فارسنامه ناصری درذیل‌عنوان‌سادات انجو که درفارس میزیسته‌اند گوید : و از اعیان این سلسله جناب مجاهد اکتساب شاه حسن انجوی شیرازی که بعد از تحصیل کمالات علمیه بهندوستان رفته درمملکت گجرات توقف نمود و در سال نهصد وبیست و هشت برهان نظام الدین شاه هندوی اورا از گجرات بولایت احمدنگر خواسته مسائل و احکام مذهب اثنی عشریه‌را از او بیاموخت انتهی . شاید مؤلف فرهنك فرزند این عالم جلیل باشد و صاحب فارسنامه از این مؤلف نام نبرده است .

(۲) نیز در ص ٤۱ و ٤۲ گفتار دوم فارسنامهٔ ناصری است : انجو لغت مغولی و بمعنی املاك خالصه است و جدّ اول سادات انجو زید اسود ازاولاد زاده های حضرت حسن مجتبی علیه السلام بوده وبسال ۳۰۲ که عضد الدوله دیلمی ازمکه مراجعت مینموده برحسب خوابیکه سید دیده و برایش نقل نموده و با خوابیکه چندی پیش در شیراز خواهرش دیده و برای او در همان هنگام نقل کرده بود (شرح این خواب در فارسنامهٔ مراجعه شود) سید را از مدینهٔ طیبه بشیراز آورد و خواهر خود را بوی داد پس از چندی چون خواهرش بمرد دختر خودرا نیز بسید تزویج نمود واملاك زیادی را وقف کرد وتولیت آن را باولاد ذکور این سید جلیل که دختر زادگان او بودند بر گذار نمود ، درفتنهٔ مغول این موقوفات خالصه دولت یا بزبان مغولی انجو گردید ، متولی وقت سعی نمود و پس از سالها نیمی از آن‌ها را گرفت و چون نام انجو بران املاك گذارده بودند از آن پس این سادات را انجوی گفتند (تا بحال هم این طائفه در شهر شیراز مسکن دارند و بانجوی مشهور اند) .

بزیور نظم آراسته اند در پردهٔ خفا وستر حجاب مخفی ومستور مانده وپیش‌ازاین چند نفراز دانشمندان را بترتیب کتابی مشتمل برجمیع لغات باستانی ومصطلحات امر فرمودیم هیچکدام چنانکه شاید و باید اداء این وظیفه را ننمودند ، اینك تو بایستی این کاررا در زمان من انجام دهی .

مؤلّف بگفتهٔ خویش همگی همّت خود را برتصحیح وترتیب لغات ومصطلحات پارسیان مصروف داشته در جمع کتب و نسخی که در این فن ساخته شده بیشتراز پیشتر مبالغه‌نموده، ازهرجائی کتابی ونسخه ای درلغت وتاریخ وغیره بدست آورده و از روی آنها بتألیف این فرهنگ پرداخت ونیز خود گوید که در این تألیف چهل و چهار فرهنگ که نام آنها را درمقدّمهٔ فرهنگ آورده و نه فرهنگ دیگر که نام نداشته و مؤلّفین آنهم معلوم نگردید مأخذ وی بوده وفرهنگهای نامدار که مأخذ لغات این کتاب بوده عبارتند از :

۱ - **فرهنگ ابوالحفص سغدی** ، ۲ - **فرهنگ** ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ، ۳ - **فرهنگ** ابراهیمی ، ٤ - **فرهنگ** اداة الفضلا تصنیف قاضی خان بدرمحمد دهلوی‌المعروف به ٥ - **فرهنگ** استادی عبدالله نیشابوری ، ٦ - **فرهنگ** اسکندری ، ۷ - **فرهنگ** تحفة الاحباب تصنیف‌اوبهی ، ۸ - **فرهنگ** جامع‌اللغات‌منظوم‌نیازی حجازی ، ۹ - **فرهنگ** حسین وفائی ، ۱۰ - **فرهنگ** حسنی ، ۱۱ - **فرهنگ** حکیم قطران ، ۱۲ - **فرهنگ** دستور ، ۱۳ - **فرهنگ** دستور الافاضل ، ۱٤ - **فرهنگ** دستورالفضلاء ، ۱٥ - **فرهنگ** رسالة النصیر ، ۱٦ - **فرهنگ** زبان گویا و جهان پویا مشهور بهفت بخشی تصنیف بدر الدین ، ۱۷ - **فرهنگ** سروری کاشی ۱۸ **فرهنگ** سعدبن نصیر [سعیدبن‌نصیرطوسی‌نسخه] بن‌طاهر تمیم الغزنوی که بنام خواجه نظام الملك نوشته وآن یکهزارودویست‌وپنج لغت است ومسمی‌است بسخن نامه نظامی ، ۱۹ - **فرهنگ** شرفنامهٔ احمد منیری مشهور (۱) بابراهیم فاروقی ، ۲۰ - **فرهنگ** شیخ زاده عاشق ، ۲۱ - **فرهنگ** شیخ عبدالرحیم بهاری ، ۲۲ - **فرهنگ** شیخ محمود بهاری ، ۲۳ - **فرهنگ** ضمیر [ضمیری نسخه] ۲٤ - **فرهنگ** عاصمی ، ۲٥ - **فرهنگ** عالمی ۲٦ - **فرهنگ** عجائب ۲۷ - ، **فرهنگ** علی نیك بی ۲۸ - **فرهنگ** فوائدبرهانی، ۲۹ - **فرهنگ** قاضی‌ظهیر ، ۳۰ - **فرهنگ** فتنة الطالبین، ۳۱ - **فرهنگ** فتنة الفتیان ، ۳۲ - **فرهنگ** لسان‌الشعراء ، ۳۳ - **فرهنگ** لغات دیوان خاقانی ، ۳٤ - **فرهنگ** لغات شاهنامه ،

(۱) درنسخه‌چنین ضبط شده‌ودانستیم که‌مؤلف‌فرهنگ ابراهیم فاروقی‌بوده وبنام‌شرف‌الدین احمد منیری که مرادوی بوده تألیف شده است .

۳۵ - **فرهنگ** محمدبن قیس ، ۳٦ - **فرهنگ** محمدبن هندو شاه منشی که بنام خواجه غیاث‌الدین رشید تصنیف کرده ، ۳۷ **فرهنگ** مختصر ، ۳۸- **فرهنگ** میرزا ابراهیم‌بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، ۳۹ - **فرهنگ** معیار جمالی ، ٤۰ - **فرهنگ** مولانا الهداد سرهندی[سرهدی نسخه]، ٤۱- **فرهنگ**منصورشیرازی ، ٤۲- **فرهنگ**مولانامبار کشاه غزنوی [مشهور بفخرقواس نسخه] ، ٤۳- **فرهنگ** مویدالفضلا، تصنیف محمدلاد (دهلوی است) ، ٤٤ - **فرهنگ** فوائدالفؤاد .

مؤلّف نیزدرمقدّمه تصریح نموده که نظم وترتیب این فرهنگ بآخر نرسیده بود که زندگـانی جلال‌الدّین محمّد اکبربسال ۱۰۱٤ بآخر رسید ونوبت سلطنت بفرزند وی جهانگیر افتاد ودراوائل‌سلطنت این پادشاه این تألیف انجام پذیرفت و بنام نامی او مطرز گشت و آنسرا فرهنگ جهانگیری نامیدم و مادّهٔ تاریخ اتمام تألیف آنهم : زهی فرهنگ نورلدّین جهانگیر = ۱۰۱۷ یافتم .

فرهنگ جهانگیری را مؤلّف در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجّی که نزد پارسی زبانان معمول میباشد مرتّب نموده و مقدّمه ای مشتمل برمطالب مفیده در دوازده‌آئین که ذیلاً از آنها نام میبریم بر آن افزوده وخاتمه ای بآخرش ملحق ساخته و کنایات واصطلاحات واستعارات ولغات مرکّبه از پارسی و عربی ولغات عربیّه که دانستن آنها ضروری بود واز آن گریزی نبود و آنها را داخل اصل کتاب که مشتمل برفرس قدیم است نمودن مناسب ننمود هر کدام را دردری علیحده درج نمودم و هردری را بـرچند جلوه مرتب گردانیدم و در خاتمه **در** را بجای باب و **جلوه** را بجای فصل استعمال کرده است (در جهانگیری چاپی و سه نسخه از نسخ این کتابخانه خاتمه ذکر نشده و در حدود (٤۵۰۰) بیت کتابت خاتمه است) وفهرست مطالب آئین‌ها این است :

آئین اول : دربیان‌اطلاق اسم فارس برملك ایران وآنکه در زمان قدیم وعهد باستان از کجاتا کجارا فارس می نامیده‌اند وتعداد زبان فارسی که‌چند است وذکرفصاحت‌و تفضیل آن بردیگر زبانها . **آئین دوم :** در چگونگی زبان فارسی . **آئین سوم :** در تعداد حروف تهجی که نزد پارسی زبانان متداول است و بیان تفرقه حرف **دال** و **ذال** منقوطه و تعیین صیغ آن که چند است . **آئین چهارم :** در ذکر ترتیب این کتاب که برچسان و چند باب است . **آئین پنجم :** در بیان ذکر تفرقـه میان حروف و علامات هر حرفی . **آئین ششم :** در بیان تجوز تبدیل هریك از حروف بیست و چهارگانه بحروف دیگر در

بعضی از مواضع برای آسانی منشیان و شاعران . **آئین هفتم :** در بیان ضمائر . **آئین هشتم :** در ذکر حروف و کلماتی که بجهت ترتیب و حسن کـلام بیاورند و آن را در معنی مدخلی نباشد . **آئین نهم :** در بیان حروف و کلماتی که باواخر اسماء و افعال بجهة حصول معانی گوناگون در آورند و بدون ترکیب افادهٔ معنی نکنند . **آئین دهم :** در بیا ن حروف مفرده ایکه در اوائل و اواخر کلمات بیاورند بجهـة در یافت معانی مختلفـه . **آئین یازدهم** در املاء . **آئین دوازدهم :** در بیان عقد انامل .

فرهنگ جهانگیری بسال ۱۲۹۳ دردو مجلّد در لکنهور (هندوستان) بدون خاتمه چاپ شده است .

تألیف و تنظیم فرهنگ جهانگیری بدینگونه است که حرف دوّم هرلغت را باب و حرف اوّل را فصل قرارداده مثلاً لغت **دغل** را درفصل دال از باب غین گذارده و عموماً بـرای معانی لغات باشعار فصحا و بلغای فـارسی زبان استشهاد کرده است .

آغاز : بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اوّل نام اوست
این همی گوید اله آن ایزدوآن تنگـری
دیباچهٔ فـرهنگ خود از نـام تـو سـازم
تـا هر ورقی گیرد از آن قیمت دیباج .

حمد بیحد وسپاس بیقیاس مرصانعی راسزا هست که کاخ دماغ صدر نشینان محفل سخندانی را بنقوش خیالات رنگـارنگ رشك ارتنگ مانی ساخت الخ .

انجام : لغات فرهنگ بلغت هیون خاتمه یافته و پس از شعر ناصر خسرو که شامل‌لغت‌مذکور میباشد قطعه‌ای‌ازمؤلّف که‌مادّه‌تاریخ‌تألیف‌فرهنگ‌جزء آن‌است شده وانجام خاتمه فرهنگ این‌است :

هیلاج بـا اول مفتوح بثانی زده این لغت یونانی است و معنی آن چشمه زندگـانی است و آنرا منجّمان فارس کدبانو گویند بسبب آنکه در برابر کدخدا واقع شده وشرح این درذیل لغت مرقوم گشت والله اعلم بالصّواب. قدتمّ‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهّاب .

(۸۴۹)

فرهنگ جهانگیری این نسخه چنانکه در آخر لغات تصریح شده است بخطّ نستعلیق میرزا کاظم ولد میرزا صادق در سنهٔ (۱۲۳۹) نگاشته شده و دارای خاتمه فرهنگ است کـه درنسخ دیگر خطی این کتابخانه ونسخهٔ چاپی نیست. پشت ورق اوّل یادداشتی بقلم فخری قاجارمیباشد درآن یادداشت ورود ناصرالدّین شاه در تاریخ ۲۵ رجب سال ۱۲۶۷ بقریه آوه است واز گرمی هوا وترس ازحشرات گزنده راحت نبوده واین رباعی بنظم نویسنده یادداشت شده :

گـویند قـدیم آوه شهری بوده است
جاری دروی بـزرگ نهری بـوده است
هرکس که در آن شهر گرفته است وطن
شك نیست که مستوجب قهری بوده‌است.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۹۰) . صفحه (۲۶ و ۲۷) سطر . طول (۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عـرض (۲۱ سانتیمتر) شمـارهٔ کتابخانه (۸) .

(۸۵۰)

فرهنگ جهانگیری این نسخه بخطّ نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً ازخطوط قرن دوازدهم هجری است ، پاره ای از اوراق نسخه وصّالی گردیده است و لغات باشنجرف نوشته شده و در آخر نسخه دو مهر بوده آنهارا محو کرده اند وخاتمه کتاب را هم ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۱) . صفحهٔ (۲۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷) .

(۸۵۱)

فرهنگ جهانگیری این نسخه را بخط نستعلیق یوسف بن شیخ اویس چشتی ساکن کول جلالی که از نقاط هندوستان

میباشد نوشته و خاتمه را چون سال نگارش ندارد ، چهارده ورق ابتداء نسخه نونویس و اصل نسخه کهنه وآثار تصحیح ومقابله در آن مشاهده میشود و ورق اوّل بجلد چسبانیده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۶۰) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۵) .

(۸۵۲)

فرهنگ جهانگیری این نسخه بخط نستعلیق در سنهٔ (۱۲۴۴) بقلم جمعی برای میرزا فضل‌الله مستوفی نوشته شده ، محرّرین هیچیك اسمی از خود نبرده اند ، ازشیوهٔ خط وشرحی که در آخرنسخه درحاشیه نگاشته شده معیّن میشود که ثلث اصل لغات این نسخه را با سرخی حسن‌نامی در سال (۱۲۵۴) تحریر نموده صفحات کتاب مجدول باسرخی وسیاهی است .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۴۹۴) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول . (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۵) .

[۳۵۵] فرهنگ رشیدی (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ عبدالرّشیدبن عبدالغفورالحسنی‌مدنی تتوی(۱) ره میباشد وچنانکه خود درمقدّمه تصریح نموده این کتاب درجمع میان فرهنگ جهانگیری وسروری است . این مؤلف استشهادات و توضیحات راجعهٔ بلغات را که در آن دو فرهنگ موجود است زیاد دانسته وآنها را دارای نواقصی میداند چون‌عدم تصریح بضبط لغات و عدم تذکر فارسی نبودن پاره ای ازآنها و یك لغت را که بواسطهٔ تخفیف و اضافه وعلل دیگر بچند قسم خوانده میشود در چند جا ذکر

(۱) در خاتمة الطبع این فرهنك عزیزالرحمن نوشته اند : عبد الرشیدبن سید عبدالغفور تتوی در عهد سلطنت شاه جهان و عالمگیر از اجله فضلا بوده و در حضرت سلطان و حلقه علما و اعیان اعتبار تمام داشته ، مولد او در بلده تته من مضافات سند است و اصلش از سادات کبار مدینه منوره ، از اینجا است که حسنی و مدنی در لقب خود می آورد .... الخ ودر آنجااست که تاریخ جلوس‌عالمگیررا که بسال ۱۰۶۸ بوده آیهٔ کریمهٔ اطیعوالله واطیعوالرسول الخ یافته است بنابراین تاسال ۱۰۶۸ در حیات بوده و پس از این از وی خبری نداریم .

نمودن و گذشته از اینها گوید درضبط معانی والفاظ لغات آنها را اشتباهاتی رخ داده که بهریك در جای خود اشاره خواهدشد. ودر آخردیباچه این بیت را که شامل تاریخ تألیف کتاب است آورده: **بیت**

گشت تاریخ وی ازروی قبول　　بادفرهنگ رشیدی مقبول=۱۰۶٤

و پس از این گوید این کتاب مشتمل است بریك مقدّمه وچند باب وخاتمه.

مقدّمه را در بیان جمیع حروف تهجّی وبیان بعضی کلمات مرکّبه ودیگرفوائد وضوابط صرفی وغیره چون عقد انامل ووجه تسمیه کتاب لغت بفرهنگ ومعنی و مراداز کلمهٔ پارس واقسام زبان فارسی قرارداده واگربگوئیم که این‌مقدّمه مختصری از مقدّمات فرهنگ جهانگیری میباشد که در دوازده آئین گذارده، بخطا نرفته ومراجعه بهردو کتاب مارا بهترین‌مؤید است.

ابواب این کتاب بشماره حروف تهجّی ۲٤ باب میباشد و در آخر هرفصل‌از هرباب استعاراتی که در آن فصل موجود است نیز درج گردیده واثری ازخاتمه در نسخ موجوده نیست (۱)

طرز پیدا کردن لغت را از این فرهنگ مؤلّف خود در دو بیت نظم بسته وآن این است:

ای فهم کنندهٔ معانی　　ترتیب لغات اگر بدانی
از باب بگیر حرف اوّل　　وازفصل بگیر حرف ثانی

از مؤلّفات این مؤلّف یکی منتخب‌اللّغات شاهجهانی است که نیزدرلغت‌ودر همین فصل از آن معرّفی میشود دیگر رساله **معربات** میباشد که در خاتمة الطبع این فرهنگ عزیزالرّحمن مدرّس عربی و فارسی مدرسهٔ عالی‌کالکته نوشته اند.

نسخه ای از این فرهنگ که سه سال پس از تألیف نوشته شده در کتابخانهٔ مجلس‌شورای ملّی ایران موجود است، (ص۲۷۱و۲۷۲) فهرست خطی مجلس ج۲.

این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ در کلکته چاپ شده است.

(۱) درخاتمة الطبع این کتاب نوشته شده: اما در آخر هیچکدام از نسخهای هشتگانه که مدار تصحیح بر آن بوده و دیگر نسخها که باوقات مختلف بنظر رسیده ازخاتمه اثری‌نیست (نسخهٔ این کتابخانه نیز خاتمه را ندارد).

آغاز: بسمله ستایشی که آرایش سرنامهٔ هرسخن‌وپیرایش‌دیباچه هرنووکهن وپروازش‌خامه وآمه خردمندان وتزارش‌نامه وخامه دانش‌پسندان‌تواند بود الخ.

(۸۵۳)

فرهنگ رشیدی — این نسخه را بخط نستعلیق حاجی امامقلی در شهرلاهور در سنهٔ (۱۱۳۳) نگاشته، آخرین صفحه نسخه مرحوم رضاقلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء نوشته اند که بسال ۱۲۵٦ آنرا خریداری وپشت صفحهٔ اوّل نیز یادداشتی‌بسال ۱۲۵۸ کرده وبرورق حنائی که پیش ازورق اوّل‌کتاب میباشد بسال ۱۲۸۱ یاد داشتی نموده و برورق سفید رنگی که پیش‌از ورق حنائی است نیز نگاشته اند: هوالباقی حرکت ازباغ شمال تبریز بجای‌چمن داش تپه رحمت آباد مشهور بمیان دواب از مراغه در رکاب ظفر مآب نوّاب مستطاب‌ولیعهدسلطان مظفرالدّین‌میرزا ایدالله بقاءدرروزجمعه۲۵ شهرربیع الاولی سنه ۱۲۸۲ حرره رضاقلی هدایت. ونیزهدایت بر بسیاری ازصفحات این‌فرهنگ حاشیه های سودمندی نگاشته اند و پشت ورق اوّل اشعاری ترکی و پشت ورق آخر اشعاری فارسی نوشته شده وچند ورقی ازنسخه وصّالی گردیده.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی کوچك. شمارهٔ اوراق (۲۸٦). صفحه ای (۲۱) سطر. طول(۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٥).

[۳۵٦] فرهنگ‌سروری = مجمع الفرس (فارسی‌بفارسی)

این فرهنگ از کتب مشهورهٔ لغت میباشد و مؤلف آن محمّد قاسم بن حاجی محمّد کاشانی متخلّص بسروری است که از شعرای اوائل قرن یازدهم هجری بوده وبگفته ریو در ص ٤۹۸ ج ۲ فهرست موزهٔ لندن پس از سال ۱۰۳۲ بهندوستان رفته ونیز از «مرآت‌العالم» و «ریاض الشعراء» نقل نموده که بسال ۱۰۳٦ بـه لاهور رسیده و سیّد علی حسن در کتاب «صبح گلشن» (بسال ۱۲۹٤ تألیف و بسال ۱۲۹٥ درهند چاپ شده) که تذکره ایست مختصردرص ۲۰۳ نام سروری وفرهنگ او را برده و گوید که درلاهور قیام نموده. ودر «سفینه خشگو» در

ذیل نام سروری معرّفی از این شاعر متتبّع و فرهنگ مجمع الفرس وی گردیده و گوید: از نوشته نصرآبادی مستفاد میشود که در ایران فرهنگی مختصر از او در میان است چون در عهد جهانگیری بهندوستان رسید و فرهنگ جهانگیری که میرجمال‌الدّین انجو نوشته بنظر آورد فرهنگ مبسوطی نوشت و مؤلّف کشف‌الظّنون در حرف لام ج ۲ ص ۳۵۹ در ذیل علم لغت اسامی قاموس ها و فرهنگ هائیرا بترتیب حروف تهجّی ذکر نموده و در ذیل حرف **واو** گوید: وجیز لغت سروری عجم(۱) فارسی و مرتب بر حروف است و قسمتی از ابتداء ومقدّمه آن را نقل و اسامی مآخذ شانزده گانه را نیز آورده است و این آغاز و خصوصیّات مجمع‌الفرس را نشان میدهد و حاجی خلیفه بغلط نام این فرهنگ را وجیز گذاشته درصورتیکه مؤلّف نام آنرا در مقدّمه مجمع الفرس معیّن کرده است.

دانشمند معاصر آقای **سعید نفیسی** یادداشت ذیل را بنگارنده داده اند:

سروری پس از مجمع الفرس که بسال ۱۰۰۸ بنام شاه عبّاس کبیر تألیف کرده چون درسال ۱۰۲۸ فرهنگ جهانگیری بایران آمده وشامل اللّغه تألیف قراحصاری که درلغت فارسی بترکی است و فرهنگ تحفة السّعاده تألیف ملاّ محمود بن شیخ ضیاء الدین محمّد را مطالعه کرده تألیف سابق خود را کامل کرده است.

نگارنده فقط بنا براعتماد بقول دانشمند محترم شرح بالارا نگاشت و مدرك دیگری جز سفینه خشگو بر این ادّعا نیافت.

سروری درمقدّمه فرهنگ مجمع الفرس نگاشته که بسال ۱۰۰۸ دراثر ممارست باشعار و دیوانهای شعرا ونبودن فرهنگی پارسی که جامع لغات واستعارات فارسی باشد این کتاب را ازروی شانزده فرهنگ پارسی که هریك خصوصیّتی‌را دارابوده که دیگران آنرا نداشته اند تنظیم ونام آن نسخه ها را بدین گونه ذکر کرده است: ۱ - شرف‌نامهٔ احمدمنیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی (در ص ۱۸۹-۱۹۲ از این فرهنگ معرفی کامل گردید). ۲- معیار جمالی افصح المتکلّمین شمس فخری. ۳-تحفة الاحباب

(۱) صاحب کشف الظنون سروری را مقید بعجم ذکر نموده چرا که مصطفی بن شعبان متوفی بسال ۹۶۹ نیز متخلص بسروری و ترك نژاد بوده است.

حافظ اوبهی. ٤- نسخهٔ حسین وفائی. ٥ - رسالهٔ ابونصر علی بن اسدالطوسی. ٦ - نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی (بنام فرهنگ میرزا ابراهیم در این فصل معرّفی میشود). ۷ - رسالهٔ محمد هندوشاه. ۸ - مؤیدالفضلاء تألیف محمّدلاد. ۹ - شرح سامی فی الاسامی میدانی. ۱۰- رسالهٔ ابوحفص سوزی(کذا). ۱۱- اداة‌الفضلا تألیف قاضیخان بدر محمّد دهلوی. ۱۲ - جامع اللغات منظوم نیازی حجازی و چهار رساله دیگر که اسم مصنّف معلوم نبوده.

مؤلّف دراین فرهنك لغات عربی را نیاورده ونیز لغات سادهٔ فارسی‌را انداخته و از اشعارقدماء برمعنی بیشتر از لغات شاهد آورده وبرای طرز تلّفظ لغات نظیر مشهوری آورده مثلاً گوید:

رُنبه چون دنبه و چون درمعنی یا لفظ لغتی میان دانشمندان اختلاف باشد آنرا که بنظر وی صحیح است بدواً ذکر و پس از آن معانی یاتلفّظات دیگر را می‌آورد مثلاً درلغت **تکوك** گوید: ظرفی باشد که اززر یانقره سازند برصورت شیر یاازسفال سازند وبدان شراب خورند رودکی گوید:

می‌گسار اندر تکوك شاهوار　　خور بشادی روزگار نوبهار

و در نسخ این لغت مختلف واقع شده؛　بلوك و بکوك و تکوك وتلوك.

در این فرهنگ یك لغت را که بچند جور تلفّظ شده در چندین باب ذکر نموده مثلاً لغت اسپر غم را که سپر غم و شاهسپرم و شاد اسپرم و خوش اسپرم نیز گفته شده درباب الف وسین وشین می‌یابیم. (چنانکه گذشت در فرهنگ جهانگیری امثال این لغت فقط دریك باب باتذ کّر بسائروجوه ذکر گردیده است.)

مجمع الفرس دارای دیباچه‌ای در ۸۷ بیت وبیست وچهار باب(۱) مشتمل بر(۶۰۰۰) لغت وفصلی درآخر بنام باب استعارات مشتمل بر (۱۰۳) (۲) کلمه و معانی آنها وخاتمه ای در ۱۸ بیت است.

(۱) چون حروف: ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، مختص بعربی‌است دراین فرهنك لغاتی که ابتدا بیکی از این حروف شده باشد نیست وشمارهٔ لغاتیکه در دو نسخه ذیل از این فرهنك است مطابق نیست ونسخه دیگر ۲۰۰ لغت کمتر دارد.
(۲) شماره استعارات نسخهٔ دیگر از این فرهنك ۸٦ میباشد.

طرز این فرهنگ این است که حرف اوّل را باب قرار داده وحرف آخررا فصل بنابراین چون لغت پرند را بخواهیم بایستی در باب پاء فارسی و فصل دال بجوئیم وجزحرف اوّل و آخر ملاحظهٔ سائرحروف نشده است . برای نشان‌دادن طرز کتاب، لغت نخستین و آخرین فرهنگ را نقل میکنیم :

افدستا بفتح همزه ودال مهمله وسکون فاوسین حمد خدای عزّوجل وستایش شگفت ونیکو چه این کلمه مرکّب است از **افد** که بمعنی شگفت است و **ستا** که ستایش باشد مثالش استاد دقیقی فرماید : **بیت**

جز ز ایزد توام خداوندی — زان کنم برتو از دل افدستا

وصاحب معیار جمالی **شمس فخری** نیز فرماید :

براین کتاب اعانت نمود طبع مرا — که جمله بندگی شاه راست افدستا

یزدادی بفتح یاوسکون زاء معجمه و کسر دال قیمه و تخم مرغ که باهم پزند(۱) .

سروری خود مجمع الفرس را مختصر نموده و دیباچه آنرا بنام اعتمادالدوله حاتم بیك وزیرشاه عبّاس موشح کرده ونسخه ای ازآنراکه بسال ۱۰۱۸ نگارش یافته جناب آقای اسفندیاری دام ظلّه العالی دارند ودر مقدّمه آنست : «بنده‌مذنب جانی سروری‌کاشانی چون ازتألیف مجمع الفرس باز پرداخت دید که بعضی‌ازیاران بواسطهٔ اینکه ایجاز درکلام مطلوبست یا بجههٔ آنکه در اجرت کاتب تخفیفی شود درنوشتن آن ابیات استشهاد واعراب که صحّت لغت بدان‌منوط ومربوطست حذف میکنند و چهرهٔ شاهد این نسخه را ازحلّی ربط عاطل میسازند بنا برتمهید این مقدّمات بخاطر این ضعیف رسید که با تصحیح حروف و مراعات (کذا) خلاصه بنویسم و بمجلی مرقوم گردانم از آن نسخه‌که مؤلّفست از شانزده کتاب که اسامی ایشان اینست (پس ازاین اسامی مآخذ شانزده‌گانه را ذکرنموده ۱۲ کتاب آن همان‌کتاب های نام برده بالا است واسامی چهار نسخه دیگر راکه در آنجا

(۱) آخرین لغت موافق یکی از دو نسخهٔ این کتابخانه آنستکه نقل گردید ولی در نسخهٔ دیگر اینست : **یتاقی** یعنی پاسبان . و میان این لغت ولغت **یزدادی** دولغت دیگر میباشد .

مجهول بوده اینجا بدینگونه ثبت کرده است : معجم‌البلدان، فرهنگ زفان گویا ، لسان‌الشعرا وترجمه صیدنه ابی ریحان بیرونی .) (۱) تا جمعیکه معانی آن لغات را مفصل ولغات را مستشهد خواهند به مجمع الفرس رجوع فرمایند وبعضی که مجمل و محذوف الاستشهاد خواهند باین خلاصه توجه کنند و زبان قلم را از انتخاب وقلم زبانرا ازاعتراض‌قاصر وکوتاه سازند واین‌نسخه‌را موسوم به «خلاصه المجمع» ساختیم امید که‌الخ» .

بدبختانه تابحال این دو فرهنگ چاپ نشده و از نسخه خلاصه آن جز یکی سراغ نداریم .

آغاز : بسمله ـ ابتدای کلام هردانشمند سخنور و انتهای سخن هرخردمند هنرپرور الخ .

انجام : از لطف عمیم و کرم جسیم جمعیکه کتابت این نسخه کنند آن است که تقصیر وتهاون در نوشتن دیباچه این نسخه نکنند که در ننوشتن آن نه همین براین ضعیف ستم میکنند بلکه برخود نیز جور کرده چه خود را محروم ساخته از کتاب توحید ونعت ومنقبت وازمرتبه انصاف ومرحمت و شفقت

من آنچه شرط بلاغ است باتومیگویم — تو خواه از سخنم پندگیرو خواه ملال

تمّ بالخیر.

(۸۵٤)

فرهنگ سروری

این‌نسخه را بخط نستعلیق محمّد صالح بن‌عبدالوهاب‌جوشقانی بسال ۱۰٤۷ که سی و نه سال پس ازتألیف میشود ، نوشته ، ابواب ولغات با شنجرف نگاشته شده ، درذیل آخرین‌صفحه اخباری از حضرت رسول ص نقل گردیده ورق اوّل نسخه وصالی ودو ورق آخر وصالی لازم دارد .

(۱) ظاهراً مراد از معجم‌البلدان غیر ازمؤلفه یاقوت است ودر کشف الظنون جز آن کتابی بدین نام از سبکی نقل نموده ولی مؤلف وموضوع آن را تعیین نکرده و بنا برسیاق عبارت در این دیباچه ، بایستی در لغت باشد و فرهنگ زفان گویا بافاء ثبت شده و مراد همان زبان گویا وجهان پویا است که از ماخذ فرهنگ جهانگیری بوده است .

جلد چرمی‌ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۵) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۱/۲-۲۰ سانتیمتر) .عرض (۱/۲-۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه(۳).

(۸۵۵)

فرهنگ سروری

این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، درحدود ۲۹ورق از ابتداء کتاب که شامل ۲۸۸ لغت و دیباچه بوده افتاده و صفحه اوّل موجود لغت اسپرغم را بیان نموده و از آخرهم يك ورق افتاده که شامل دو سطر بوده و آن دوسطر ازروی نسخه بالا درحاشیه آخرین ورق نوشته شد ، لغات وابواب را باشنجرف نگاشته اند ، شماره لغات این نسخه بیشتر از دیگری میباشد وظاهراً نو تر از آن نسخه است کنار ورق اوّل یادداشتی بوده قسمتی از آن محوگردیده ونیز یادداشتی ازاعتضاد السلطنه است که بسال ۱۲۸۳ نسخه داخل کتابخانه ایشان شده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۴۰۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱/۲-۱۸ سانتیمتر) .عرض (۱/۲-۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱) .

[۳۵۷] فرهنگ عباسی (فارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه دردیباچه بدان تصریح کردیده نایب الصّدر تبریز ابن محمد رضا محمّدالمدعوّ بصدرالدّین التبریزی میباشد، دانشمند معاصر آقای تربیت در ص ۳۷۰ دانشمندان آذربایجان گوید: «**نائب‌الصدر** خلف محمّد رضا المدعوّ بصدرالدّین تبریزی‌بوده کتاب لغتی درتاریخ ۱۲۲۵ برای‌عبّاس‌میرزا نائب‌السلطنه بعنوان فرهنگ عبّاسی تألیف کرده نسخه ای از آن در دانشکده معقول‌ومنقول دیده ام .» جز آنچه نقل‌شد اطلاعی‌راجع باین‌شخص‌اظهارنداشته‌اند ودرص ۲۲۸ همان کتاب بنقل‌ازنگارستان‌دارا گوید: « **صدر الدین محمد** تبریزی خلف ملاّ رضا قاضی عسکر متخلّص **بشفاء** تبریزی است درعلوم شرعیّه وفنون ادبیّه و لغت عرب ید طولانی داشت و تحصیل علم و ادب را اوّل در خدمت والد ماجد و بعد از آن در عتبات عالیات از آقا سیّد مهدی بروجردی و آقا سیّد علی مجتهد وسایر مجتهدین عظام کرده و دراطلاع از مسائل شرعیّه و آگاهی از

فنون ادبیّه بی‌نظیر است وطبعی موزون دارد و نظم ونثری باحلاوت بلغت پارسی وعربی دارد **وله** :

آنِیسُ الصَّبِّ فِی الْحُبِّ الْعَنآءُ   فَلَیْسَ عَنِ العَنآءِ لَهُ الغَنآءُ
فَاِنْ شِئْتَ اَحْیِنی اَوْشِئْتَ فاقْتُلْ   فَعَیشُ الصَّبِّ وَالْمَوْتُ سَوآءُ
اَیا مَرْضَی الْهَوی مُوتُوا بِغَمٍّ   فَدآءُ الْحُبِّ لَیْسَ لَهُ دَوآءُ

ونیز آقای تربیت در ص ۱۹۸ در ذیل **شفا - ملارضا** ، پدر مرد نامبردهٔ بالا گوید: درحوالی‌سنهٔ ۱۲۰۸ برحمت‌ایزدی‌پیوسته‌است . ومیدانیم که‌وفات‌آقای‌سید مهدی‌بروجردی(بحرالعلوم)بسال۱۲۱۲ووفات‌آقا سیّد علی (صاحب‌ریاض) بسال ۱۲۳۱ بوده‌است‌بنابراین‌معلوم‌میشودازعلماءقرن‌سیزدهم‌هجری‌بوده‌وازتصریح‌خود مؤلّف فرهنگ عبّاسی دردیباچه میدانیم که بسال ۱۲۲۵ شروع بتألیف این کتاب نموده‌وازاطلاع براینکه‌صدرالدّین‌محمّدبن‌ملاّ رضای‌مذکوردر« لغت یدطولانی داشته » و « در اطلاع از مسائل شرعیّه بی‌نظیر است » کمان نزدیك بیقین پیدا میکنیم که مؤلّف این فرهنگ همین صدرالدّین محمّدبن ملاّ رضا میباشد ومؤلّف نگارستان از این فرهنگ وی خبر نداشته که در کتاب خود آنرا یاد نکرده ویا تألیف کتاب او پیش از این فرهنگ بوده است .

چنانکه نیز از دیباچه معلوم میشود تألیف این کتاب بامر نائب‌السّلطنه عبّاس میرزا بوده ومشتمل برلغات فارسی وموافق حروف آخرکلمات مرتّب شده ولغات مترادفه را در ذیل یکی از مشاهیر آنها ذکر نموده و در ترتیب کتاب گوید :

ترتیب کتاب من‌چنین‌است   ای‌عدل تو درزمانه ظاهر
از فصل بگیر حرف اوّل   وز باب بگیر حرف آخر

برای لغات شواهدی نیاورده و کتاب را برمقدّمه وابواب وخاتمه ای ترتیب داده است . **مقدمه** در کلّیّات وقواعد حروف وزبان پارسی در شش نمایش است **باب اول** - دررجحان‌زبان‌فارسی‌پس‌ازعربی‌برتمام لغات. **باب دوم** - درچگونگی زبان فارسی‌وشمارهٔ حروف. **باب سوم** - دربیان‌ضمائر لغت‌فارسی. **باب چهارم** -

در حروف زائده ایکه در اوایل و اواخر کلمات آورند . **باب پنجم** ـ در الفاظ و حروفی که برای زینت کلام آورند . **باب ششم** ـ دربیان جواز تبدیل حروف بیکدیگر **ابواب** فرهنگ بشمارهٔ حروف تهجّی است و **خاتمه** چنانکه در دیباچه نوشته شده مشتمل بر استعارات و کنایات و لغاتی که مشتمل برحروف هشتگانه یعنی ث ، خ ، ص ، ط ، ظ ، ع ، ق ، که در اصل زبان فارسی نیامده است الّا بندرت، میباشد ولی نسخهٔ ذیل خاتمه راندارد، چون نسخهٔ دیگر از این فرهنگ تابحال نیافته ام نمیدانم که مؤلّف توفیق بر تألیف خاتمه نیافته یانویسندهٔ این نسخه آنرا ننوشته است و این فرهنگ درحدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: آرایش گفتاردانشوران وپیرایش کردار سخن گستران ستایش خداوند جهان آفرین الخ .

انجام : یك روئی بروزن بدگوئی بمعنی بی ریائی و یك جهتی باشد تمّت الکتاب الخ .

(۸۵٦)

فرهنگ عباسی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳۰ نگاشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، درپایان آخرین صفحه یادداشتی است که بسال ۱۲٦۰ این کتاب سه تومان (سی ریال کنونی) خریده شده، مهراسم یادداشت کننده را محو کرده اند وتمام لغات کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۱). صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦) .

[۳۵۸] فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات (فارسی وغیره بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه درمقدّمه تصریح شده عبداللّطیف بن عبدالله کبیر(۱) میباشد که در تحصیل و تصحیح و مقابلهٔ مثنوی مولانا جلال الدّین رومی رنج فراوان کشیده و دوازده سال این کتاب عالیجناب را بتلمّذ وتتبّع خوانده

(۱) دردیباچه مثنوی ترتیب داده خویش خود را عبداللطیف بن عبدالله العباسی معرفی نموده و در مقدمه فرهنگ بدانگونه که نقل گردید .

ونسخه ای از آن که تقریباً باهشتادنسخه مقابله گردیده ترتیب داده (۱) وشرحی بنام لطائف المثنوی بر آن نگاشته وازمندرجات لطائف اللّغات برمی آید که ازعلم نجوم واصطلاحات آن باخبر بوده وبمناسبت بدان اشاره نموده و در هنگام تألیف این فرهنگ بقاموس و صراح و جهانگیری و کشف اللغات عبدالرّحیم سوربهاری ومدارالافاضل شیخ الله داد سرهندی ومؤیّدالفضلاء و فرهنگهای دیگر مثنوی که پیش از وی نوشته اند مراجعه نموده است . (در ذیل لغت نبید و چاپلوس از فرهنگ میرزا فتح‌الله رازی نام برده ولی نام این فرهنگ دردیباچه نیست) وپس ازلغات عربی رمز (ع) و فارسی (ف) وترکی (ت) و سریانی (س) وپس از کلماتیکه میان فارسی‌وعربی‌مشترك است (عف) وآنچه میان ترکی‌وفارسی مشترك است (تف) ولغتی که میانه فارسی وهندی مختلط است (فه) والفاظیکه میانه عربی وهندی است (عه) علامت گذارده که مراجعه کننده گذشته از معنی، بداند که این لفظ ازچه لغت وزبان است .

ازدیباچه ایکه برمثنوی مرتب کردهٔ خویش بسال ۱۰۳۲ نگاشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این لغت را ترتیب داده (۲) وازآنچه درمقدّمهٔ این‌فرهنگ آورده (۳) معلوم میشود که این لغت را مخصوصاً برای نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که

(۱) نسخه ای از این مثنوی که دفتر اول آن بسال ۱۰۸۳ و دفتر دوم آن بسال ۱۰۸٦ نوشته شده ودر کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود ونگارنده آنرا دیده شامل‌شش‌دفتر وهفت دیباچه و شش فهرست ومقدمه ای است که آنرا « مرآت المثنوی » نامیده وفهرستها هریك مشتمل بر حکایات و مندرجات دفاتر بتفصیل میباشد مرحوم اعتصام الملك در ص ۲۸۰و۲۸۱ فهرست کتب خطی آن کتابخانه این نسخه را معرفی وقسمتی ازمقدمه آنرا هم نقل کرده اند . نسخه‌ای ازاین مثنوی‌را نیزحضرت حاج سیدنصرالله تقوی دارند.

(۲) ازمندرجات مقدمه معلوم میشود که این تصحیح وترتیب نسخهٔ مثنوی درسال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان خاتمه یافته است .

(۳) درمقدمه فرهنگ است : هرچه درمثنوی واقع شده عموما بتحریر درآمده باوجود آنچه پرمبتذل وزبان زد عوام وخواص بود ازآن احترازنموده ومیتواند بود که دراین‌جمع بعضی لغات از این عالم داخل شده باشد که درنسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که این فرهنگ بجهةٔ آن ترتیب یافته یافته نشود اما چون درلغات مثنوی که بعضی‌ازسلف نوشته اند داخل بود بملاحظهٔ آنکه شاید درجائی نسخه‌ای باشد یادر کتاب دیگری یافته شود وبعد ازتفحص دربن‌فرهنگ نیابند ترك آن لایق ندانست الخ . ۱

خود ترتیب داده تألیف کرده بنابراین تألیف این فرهنگ درسال ۱۰۳۱ بایستی خاتمه یافته باشد.

این فرهنگ بمناسبت اوّل لغات مشتمل برابواب وبمناسبت اواخر آنها منقسم بفصول میباشد و در بسیاری ازموارد باشعار شعرای معروف استشهاد گردیده ودر حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱٤٥۸ ج ۲ فهرست آصفیّه نسخه ای ازاین کتاب که بسال ۱۸۷۷م. چاپ شده موجود است.

چنانکه مؤلّف درمقدّمهٔ فرهنگ نوشته پیش از این فرهنگ برای مثنوی فرهنگ هائی تهیّه شده ونسخه‌ای‌ازیکی از آنهاکه آغاز آن این‌است: ربّ انعمت فزدانت حبیبی اللّهم اجعلنی فی الحقائق موجودا الخ، وتاریخ کتابت وتألیف ونام مؤلّف را ندارد در کتابخانهٔ مجلس موجود است (بفهرست کتب خطّی ج ۲ ص ۲۷۷ مراجعه شود).

احمدبن‌مصطفی‌اللّبابیدّی‌الدّمشقی بسال ۱۳۲۱ کتابی‌درلغت‌بنام«لطائف‌اللّغه» تألیف نموده و بدون تاریخ چاپ شده وآنرا ازلغات دستگاهی توان شمرد.

آغاز: بسمله این فرهنگ مشتمل بر حلّ لغات غریبه عربیّه و الفاظ عجیبه عجمیّه مثنوی مولوی معنوی الخ.

وابتداء لغات آن این است: باب الالف فصل‌الالف استثناء چیزی ازجمله ای بیرون آوردن وانشاءالله گفتن.

انجام: «یوفی» ف بمعنی یافه گوی (است نسخه) یعنی بیهوده گوی.

(۸۵۷)

فرهنگ مثنوی لطائف اللغات این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰٤٥ نوشته شده، کاتب نامی ازخود نبرده، از کیفیّت نگارش ورسم‌الخط معلوم است که نویسنده آن هندی بوده واز غلط هم بی بهره نیست، در مقدّمه نام کتاب «لطف‌اللغات» ثبت شده ولی مسلّماً لطائف بوده و کاتب غلط نوشته است، صفحهٔ اوّل کتاب افتاده و نخستین‌سطرموجود آن‌این‌است: شیخ

لاددهلوی که الحق در حلّ لغات مؤیّد الفضلای وعلما است الخ.

لغات وابواب وفصول را با شنجرف نوشته‌اند ونسخه درآب افتاده ولی خطوط ضائع نشده، یادداشت اعتضادالسلطنه ووقف نامه درحاشیه ورق اوّل موجوداست.

جلد میشن مذهب. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۰٦). صفحه ای (۱٥) سطر. طول (۲۹ ½ سانتیمتر). عرض (۱٤ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤).

(۸۵۸)

فرهنگ مثنوی لطائف اللغات این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۲ نوشته شده، کاتب نام خود را ننگاشته، لغات و ابواب و فصول باسرخی میباشد وبرگ نخستین نیازمند چسبانیدن است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱٤٤). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱٥ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۸۹).

[۳۵۹] فرهنگ میرزا ابراهیم = نسخهٔ میرزا (فارسی وعربی وترکی بفارسی)

میرزا ابرهیم، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی (۱) است ودر «عالم آرا» ذیل خوشنویسانی که در عهد شاه طهماسب شهره بوده‌اند، نام وشرح حال مختصری‌از ایشان‌ثبت گردیده‌و گوید: درشعرفهمی وتتبّع‌لغات‌فرس‌دعوی‌انفرادنمود،رساله‌ای که درلغات فرس‌تصنیف‌نموده‌اکنون‌درعراق‌شایع‌است. ونیزدرتذکره‌هفت‌اقلیم درذیل‌نام پدر اسم این پسروبرادروچندشعرازاوموجودواین دوبیت از آنجاست:

رندان گاهی ملك جهان میبازند　　گاهی بنگاهی دل و جان میبازند
اینقسم‌قماررانه‌چنداست‌ونه‌چون　　هرنوع برآید آنچنان میبازند

دردوجای دیگر نام این‌مؤلّف‌وفرهنگ‌وی‌ثبت شده یکی‌درمقدّمهٔ فرهنگ سروری (مجمع‌الفرس) که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده، وسروری‌یکی‌ازمآخذخودرا بنام «نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» معرّفی نموده و دیگری

(۱) میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی بوده و در سال ۹۲٦ مهترشاه قلی در دیوانخانه اورا کشته و وزیری کریم الطبع بوده است.

در مقدّمه فرهنگ جهانگیری مؤلّفه بسال۱۰۱۷ میباشد که در آنجا بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی » درشمارهٔ مآخذ کتاب آمده است .

دونسخه از این فرهنگ را نگارنده در این کتابخانه دید که بنام « رساله در لغات فارسی وعربی وترکی »وقف وثبت وضبط گردیده ودرمقدّمه وخاتمهٔ آن نامی ازمؤلّف نیست ، پس ازمطالعه ودقّت زیاد بر آن شد که این فرهنگ همان شرفنامهٔمنیری مذکوردرص۱۸۹-۱۹۲ این فهرست میباشدولی اندك تصرفی در آن شده وکتابی جداگانه معرّفی گردیده‌است ومراد سروری ازنسخهٔ میرزا ابراهیم نیزهمین رساله بوده ازاینرو برای اثبات مدّعای خویش چندنمونه مختصراز آنهارا نقل مینمائیم :

عبارت شرفنامه : **انج** بوزن رنج بیرون روی وبیرون کشیدن .
عبارت رسالهٔ میرزا : **انج** بوزن رنج گردا گرد روی وبیرون کشیدن .
عبارت فرهنگ سروری : **انج** بوزن رنج بمعنی گردا گرد روی و بیرون کشیدن باشد . درنسخه میرزا .

عبارت شرفنامه : **کدست** بضم یکم و کسردوم بدست که بتازی شبروجب گویند
عبارت رساله : **کدست** بضم کاف و کسردال بدست وبعربی شبروجب است .
عبارت فرهنگ سروری : **کدست** بضم کاف و کسردال در نسخهٔ میرزا بدست باشد که بعربی شبروجب گویند .

عبارت شرفنامه : **هو** زردآب وریم .
عبارت رساله : **هو** بفتح جر کی که از زخم وغیره آید .
عبارت فرهنگ سروری : **هو** بفتح ها در نسخهٔ میرزا جر کی باشد که ازجراحت رود اما در سامی فی‌الاسامی آن باشد که آب درجراحت افتد گویند که این جراحت **هو** کرده است یعنی آب داندرونش رفته است .

با دقّت مختصر در این سه نمونه که ازسه کتاب نقل گردید دیگرجای تردید باقی‌نیست وبنظرنگارنده میرزاابراهیم تاسال۱۰۰۸ که سال‌تألیف فرهنگ سروری است زنده بوده وخود او تقاضا کرده که این فرهنگ را بنام نسخهٔ میرزا ابراهیم معرّفی کند تا اگر اصل حقیقت واضح و آشکار شود خجل نگردد ولی سروری این رساله را در مقدّمه تألیف میرزا ابراهیم دانسته و نیز در ذیل معنی کلمهٔ **ژاژ** گوید : و میرزا ابراهیم بمعنی علفی آورده که تخمش نباشد و عبارت شرفنامه در ذیل‌لغت **ژاژ** این است : هرسبزه که تخمش نبود . وعبارت رساله این است : علفی

که تخمش نبود . وبا تفحّص ندانستم که میرزا ابراهیم تا چه سالی زنده بوده ولی ازطرزعباراتی که اسکندربیك در عالم آرا بسال ۱۰۲۵ دربارهٔ وی نگاشته بدست می آید که در آنموقع زندگانی را بدرود گفته بوده است .

میرزاابراهیم چندان تصرّفی درعبارات شرفنامه ننموده وحتی قسمتی ازمقدّمات آنرا هم باتصرّف کمی درمقدّمهٔ این فرهنگ کورده و لغاتی چند بر آن افزوده وازشرفنامه ابیاتیکه ازمؤلّف بوده نیاورده وشرح چندلغتی راچون دوستکانی واصفهان باختصار آورده است وبقرینهٔ اینکه درلغت طهماسپ نوشته که پنجاه سال پادشاه بوده و در دو نسخه(۱) پنجاه نوشته شده ومیدانیم که سلطنت این پادشاه از ۹۳۰ تا ۹۸٤ یعنی پنجاه و چهار سال بوده احتمال میدهیم که میرزا ابراهیم این رساله را بسال ۹۸۰ که پنجاهمین سال سلطنت شاه طهماسپ بوده منظّم نموده باشد .

این رساله درحدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله(۲) بدانکه عرب بچیم وپا و کاف وژامثل چه وپا و گردن و کژ تنطق ننماید . الخ

انجام : « یویه » بضم آرزو ، « یوزه» بفتح تنهٔ درخت، « یزدادی » (۳) قیمه وتخم مرغ که درهم پزند .

(۸۵۹)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده ، پشت ورق اوّل یادداشت شده : هوالله تعالی شأنه در دارالخلافهٔ طهران داخل دارالکتب گردیدبتاریخ ربیع‌المولود ۱۲۷۲ . ودرذیل آن مهری بدین

(۱) در نسخه شماره (۸۷) کتابخانه نوشته شده نام پادشاه ایران که هفت سال مال رعیت بخشید وپنجاه وچهار سال پادشاه بود .

(۲) آغاز دونسخه این کتابخانه همین است که نقل گردید ولی تنظیم مطالب آن باشرفنامه پس وپیش‌شده و قواعد مختصره ایکه اززبان‌ترکی در آنجانگارش یافته چون قسمت هائی از قواعد زبان فارسی که نیز در آنجا است دراین نسخه نیست وآغاز لغات آن این است ، آرا آرایش وآرایبنده وبمعنی دوم اسم فاعل مستعمل شود چون سخن آرا وبزم آرا .

(۳) در دونسخه این کتابخانه یزدادی که در فرهنگهای دیگر بادو دال نوشته شده در یکی یزداری بادال وراء و در دیگری یزدارج بادال وراء وجیم در آخر نوشته شده ومسلما هردو غلط از کاتب است .

سجع است : عبدالله بن غلامعلی آل محسن ونیزدرهمین صفحه نوشته شده که بسال ١٢٩٦ لغت بزبان فارسی و عربی وترکی داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردید وبسال ١٢٩٧ وقفیّت آن براین کتابخانه بهمان نام مذکورنگاشته شده ، کتابت نسخه پیش‌ازقرن سیزدهم هجری نیست. صفحات مجدول بطلا و شنجرف ولاجورد ولغات وفصول وابواب باسرخی است .

شانزده ورق میان ورق اوّل ودوّم نسخه ازچند جای کتاب است که صحّاف نادان جای خود نگذارده است .

جلد روغنی گل و بوته دار . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (١٢٢) . صفحه ای (١٨) سطر . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٨٧) .

(٨٦٠)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ١٢٧٧ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده ، بدبختانه مصداق این شعر میباشد : آدمی زاده نادان بچه ماند دانی ؟ نسخهٔ معتبر (منحصر) خوش خط بسیار غلط . لغات را باسرخی نوشته اند ، ولغات جوك که درحرف لام همین فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمه آن است و پشت ورق اوّل بنام فرهنگ زبان فارسی وعربی وترکی داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه واین کتابخانه گردیده ودردفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، سه ورق کاغذ ننوشته درآخر ومیان دونسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (١٠٥) . اوراق این فرهنگ (٩٤) . صفحه‌ای (١٩) سطر . طول ($\frac{١}{٢}$ ٣٢ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٧) .

[٣٦٠] قاموس المحیط (عربی)

مؤلف این کتاب که از معاریف کتب میباشد فیروزآبادی است (ابوطاهر

مجدالدّین محمّدبن یعقوب بن محمّد (١) شیرازی شافعی ٧٢٩ - $\frac{٨١٦}{٨١٧}$ هـ.) (٢) که نیز از مشاهیر دانشمندان و ادبا ولغویین قرن هشتم و نهم هجری بوده و شهرت ایشان بواسطهٔ همین قاموس گردیده ومؤلّفات دیگر در تفسیر وشرح احادیث دارند .

دانشمند معاصر آقای سلطانی نمایندهٔ بهبهان درمجلس شورای ملّی ایران درسال ١٣١٦ شمسی در دانشکدهٔ معقول و منقول خطابهٔ مفصّلی در حیاة و خدمات این دانشمند ایراد ومجلّهٔ مهر ازشمارهٔ فروردین ١٣١٧ شروع بچاپ آن نموده وبهترین وجامع ترین شرح حال از این عالم جلیل میباشد و بیانات ایشان که در دسترس عموم گذارده شده ما را بی نیاز از تفصیل نموده وباختصار میکوشیم .

فیروزآبادی **درکارزین** که از توابع فیروزآباد فارس است واینك نیز بدین نام مشهور میباشد در سال ٧٢٩ متولّد شده وخود در ماده کرز قاموس متذکر گردیده که مولد مؤلّف درآنجا بوده وسخاوی بااینکه خود تصریح بدین موضوع نموده باز او را کازرونی(٣) و مولد او را در آشهر دانسته و صاحب روضات وسیوطی فقط او را کازرونی ثبت کرده اند وسیوطی دربغیه از ابن حجر نقل نموده که گویند نسب خود را به ابواسحق شیرازی میرسانده بااینکه گویند شیخ بلاعقب بوده است و از این انتساب هم بالا رفته وخود را به خلیفهٔ اوّل ابوبکر صدّیق منسوب نموده است .

---

(١) در اول و آخر قاموس مؤلف خود را محمدبن یعقوب بن محمد معرفی نموده و مسلما کنیه او ابوطاهر و لقبش مجدالدین بوده و در منقول از « الضوء اللامع » نام ونسب ایشان بدینگونه است : محمدبن یعقوب بن محمدبن ابراهیم بن عمر بن ابی‌ابکر بن‌احمدبن محمودبن ادریس بن فضل‌الله بن الشیخ ابی اسحق ابراهیم الکازرونی المشتهر بمولانا الشیخ مجدالدین الفیروزآبادی الشیرازی اللغوی‌الشافعی . (صاحب شذرات‌الذهب بعضی از آباء مجدالدین را ذکر ننموده است وآنچه نقل گردید از روی ضمیمهٔ دونسخه ازقاموس‌این کتابخانه‌است) .

(٢) این شرح حال با مراجعه به شذرات الذهب ج ٧ ص ١٢٦ — ١٣١ و کشف‌الظنون و فهرستهای کتابخانهای ایران وهندوستان ومصرومعجم‌المطبوعات‌ص ١٤٦٩-١٤٧١ وشقائق نعمانیه‌ص ٣٢ ج ١ وروضات ج ٤ ص ٢٠١ وبغیه‌ذیل‌محمد وتاج‌العروس‌وغیره نگاشته‌شده است .

(٣) کازرون شهری‌است درنزدیکی‌خرابهای‌شاپوروميان شیرازو بوشهرواقع شده وتقریبا ١٢٠ کیلومتر تاشیراز مسافت دارد .

سخاوی در کتاب «الضوء اللامع فی اعیان القرن التّاسع» (۱) گوید در هفت سالگی قرآن را حفظ نمود و پس از اینکه هشت سال از عمر وی گذشت برای کسب معارف وعلوم بشیراز آمده ودر آنجا از پدرخویش وعلما و دانشمندان کسب فضائل نموده و بعراق رفت واز بزرگان آنجا بهره هائی گرفت و مدّرس مدرسهٔ نظامیّه بغداد گردید و بسیاری از شهر های ایران و شام و روم و مصر را گردیده وبادانشمندان هرجا ملاقات کرده واز آنها سود ها یافت و پیش سلاطین و امراء و حکّام هرجا محترم و مکرّم بوده ، امیرتیمور گورکانی وشاه منصور پسر شاه شجاع هریك ورا جائزهٔ قابلی داده اند و در رمضان سال ۷۹٦ وارد زبید یمن گردید و در آنجا مورد عنایت و توجه اسمعیل مشهور باشرف پادشاه یمن شد و بیست سال در آن شهر بود و مکرّر بمکّه معظّمه و مدینه منوّره مشرف شده و درهردو شهرمدرسه‌ای ساخته و آرزو داشت درمکّه دعوت حق‌را اجابت گوید وتألیف قاموس را هم درآنشهر خاتمه داده و خود درآخر آن تصریح کرده است ولی بآرزوی خود نرسیده ودرشب بیستم شوّال سال ۸۱۷ در نودسالگی در زبید یمن بااینکه حواس وی کاملا بجا بود درگذشت.

و درسیره او نوشته اند که شبی براو نگذشت که پیش ازخواب دویست بیت حفظ ننمایدوبفارسی وعربی شعر میسرود،ولی ازاشعار و آثارفارسی اواثری نیافتیم در مقدمهٔ نسخه شماره (۵۷۸) مدرسهٔ مشیرالسّلطنه ابیاتی از مؤلّف قاموس نقل گردیده و گوید اگر اشعار وی جمع‌آوری‌شود دیوانی میشودو این چند بیت از آنجا نقل گردید:

الاّ انما القرآن تسعة احرف   اتیت به (۲) فی نظم شعر بلا خلل
حلالٌ حرامٌ محکمٌ متشابه   بشیرٌ نذیرٌ قصة عظة مثل

(۱) درحاشیه صفحه ۱۰۱۲ معجم‌المطبوعات نسخه خطی‌این کتاب‌را که در پنج مجلد میباشد، مصر دربیت‌السعاده ودمشق در کتابخانه‌ظاهریه نشان داده. وآقای محیط طباطبائی گویند اخیراً درمصرچاپ شده است.

(۲) نگارنده ازمرحوم حاجی ملا محمد حسین عموی مادرخویش رحمه الله این دو بیت را در ایام صبا شنیده وبجای «اتیت به» کلمه «ابینها» بخاطردارم واین‌اصح وانسب بنظرمی‌آید.

ونیزدرآنجا است که قاضی علی‌بن‌محمّدبن‌الناشری چون از ایشان اجازه طلب نمود نوشت:

یقول محمد المدعوّ مجدا   وملتجیا الی‌الحرم العزیز
اجزت له روایه ما رواه   لناالاشیاخ بالشرط الوجیز
وخیرت الاجازه بامتداح   فیا عجبا لممدوح مجیز

ودر شذرات‌الذهب بنقل از «الضوء اللامع» ابیاتی است واین دوبیت نیزدر آنجا است:

احبّتنا الاماجدان رحلتم   ولم‌ترعوا لنا وداًوالاّ
نودعکم ونودعکم قلوبا   لعل الله یجمعنا والاّ

مؤلّفات فیروزآبادی بسیار، سیوطی در بغیه ومؤلّف شذرات‌الذهب بنقل‌از الضوء اللامع وصاحب روضات ودیگران بنقل آنها پرداخته وما نیزدراینجا آنچه را بدو نسبت داده شده میاوریم:

تیسیر فاتحه‌الاهاب بتفسیر فاتحة‌الکتاب (دریك‌مجلد بزرگ)، **الدر** النظیم الی فضائل القرآن العظیم (نسخه آن‌در کتابخانه مجلس‌است)، **حاصل** کورة‌الخلاص فی فضائل‌سورة‌الاخلاص، **شرح** خطبة‌الکشاف، **بصائر** ذوی‌التمیز فی‌لطائف‌الکتاب العزیز، **تنویر** المقباس فی تفسیر ابن‌عباس (۱) (در چهارمجلد) **منهج‌الباری** بالسیح‌الفسیح‌الجاری فی‌شرح‌صحیح‌البخاری. (درشذرات و کشف الظنون و دیگر کتابهااز الضوء اللامع نقل گردیده که ازاین کتاب پس ربع عبادات تالیف‌شده ودر بیست مجلد است‌ولی درمقدمه نسخهٔ ۵۹۸ ذیل از نفیس‌الدین‌سلیمان بن ابراهیم علوی نقل‌نموده که وی گوید: یادداشتی ازقاضی صفی‌الدین احمدبن ابی‌بکر البریهی یافتم که شیخ مجدالدین تاباب‌الصیام صحیح بخاری را در بیست و چهار مجلد شرح نموده وندانستیم که دیگرچقدر ازآنراشرح کرده‌است)، **شوارق** الاسرارالعلیه فی‌شرح‌مشارق‌الانوارالنبویه (درچهارمجلد)،

(۱) در چند جا مقباس بابا، ابجد ضبط شده ولی در معجم المطبوعات و کشف الظنون بایاء حطی است وصحیح بایاء موحده است ومؤلف معجم مذکوردرص ۱٤۷۰ گوید که نسبت این کتاب به مجدالدین غلط و مؤلف آن ابن عباس‌رضی‌الله‌عنه است. وعلماء رجال این کتاب را ازمؤلفات فیروزآبادی دانسته اند و از نام کتاب هم برمی‌آید که این کتاب غیر از تفسیر ابن‌عباس میباشد ونسخه ایکه‌درهندبنام تفسیرابن‌عباس‌چاپ‌شده‌عین‌آنستکه‌بنام فیروزآبادی درمصرچاپ‌ومشهور گردیده، بنا براین نگارنده‌را عقیده‌اینستکه فیروزآبادی اخباریکه ابن‌عباس رضی‌الله‌عنه در تفسیرسوروآیات قرآن کریم نقل‌نموده، جمع‌آوری کرده وآنرا «تنویرالمقباس فی‌تفسیر ابن‌عباس» نام گذارده و خود ابن‌عباس رحمةالله تفسیری تدوین نکرده است.

الصلات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر، **الوصل** والمنی فی فضل منی ، **عمدة الحکام** فی شرح عمدة الاحکام (در دو مجلد) ، **حاسن** اللطائف فی محاسن الطائف، **تحبیر** الموشین فیما یقال بالسین والشین(۱) ، **الروض** المساوف فیماله اسمان الی الوف ، **اءتضاض** السهاد فی افتراض الجهاد ، **البلغه** فی تراجم ائمة النحاة واللغه(۲)، **النفحه** العنبریه فی مولد خیر البریه، **نزهة** الاذهان فی تاریخ اصبهان ، **اللامع** المعلم العجاب الجامع بین المحکم والعباب وزیادات امتلابها الوطاب (مؤلف در مقدمه قاموس خود این کتاب را نام برده و گوید تخمینا در شصت مجلد خواهد بود ولی چون مفصل میشد طلاب ودانشجویان خواستار شدند که مختصر بنویسم شواهد و زوائد آن را انداختم وهرشی جلدی را درمجلدی گنجانیدم، ولی در شذرات و کشف الظنون ومقدمه های نسخ بنقل از سخاوی نوشته شده که تمام آن صد مجلد تخمین زده شده که هریك مجلد باندازه صحاح جوهری باشد و پنج مجلد آن تالیف گردیده است ، نگارنده این اجتهاد مخالف نص مؤلف را ندانست علماء رجال بچه دلیل کرده اند ومدرك آنها چیست) ، **الاسعاد** بالاصعاد الی درجة الاجتهاد (سه مجلد است) ، **المغانم** المطابه فی معالم طابه ، **تهییج** العزام الی بلد الحرام، **اثارة** اللحون فی زیارة الحجون (۳) (گویند در یك شب تالیف گردیده)، **فصل** الدره من الخرزه فی فضل السلامة علی الخبزه (دریکی از نسخ است که این دو، نام دوقریه از طائف می باشند) ، **روضة** الناضر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر ، **المرقاة** الوفیه فی طبقات الحنفیه ، **الفضل** الوفی فی العدل الاشرفی ، **تعیین** الغرفات للمعین علی عین عرفات ، **منیة** السؤل فی دعوات الرسول ، **التجاریح** فی فوائد متعلقة باحادیث المصابیح ، **تسهیل** طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی جامع الاصول ، **الدر الغالی** فی الاحادیث الغوالی ، **سفر** السعاده ، (٤) **المتفق** وضعا المختلف صقعا ، **مقصود** ذوی الالباب فی علم الاعراب ، **المثلث** الکبیر (درپنج مجلد) ، **تحفة** القمائیل بمن یسمی من الملائکة والناس باسمعیل ، **اسماء** السراح فی اسماء النکاح ، **الجلیس** الانیس فی اسماء الخندریس (٥) **انواء** الغیث فی اسماء اللیث ، **ترقیق** الاسل فی تضعیف العسل (چند جزو است) ، **زاد المعاد** (بروزن بانت سعاد است) ، شرح زاد المعاد ، **النخب** الطرائف فی النکت الشرائف ، **الصراط** المستقیم (این کتاب در

(۱) در ص ۱٤٦۹ معجم المطبوعات نوشته شده که این کتاب چاپ گردیده و نسخه ای خطی نفیس از آنرا در کتابخانه شخصی آقای تربیت دیده‌ام .

(۲) دانشمند معاصر آقای تربیت گویند ، نسخه ای از این کتاب را در برلن دیده ام و از بغیه سیوطی بهتر است .

(۳) این کتاب درحدیث می‌باشد و از جمله کتب سیره حضرت پیغمبر (ص) شمرده می‌شود و نسخهٔ ای از آن در کتاب خانه خدیویه در ۲۰۰ صفحه موجود است (آداب اللغه).

(٤) خندریس شراب است و در این کتاب آنچه درقرآن کریم واحادیث واقوال علماء در موضوع شراب آمده آورده شده و تالیف آن بنام ملك اشرف گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه در ۲٤۲ صفحه موجود است (آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤٦).

آخر قاموسی که بسال ۱۲۷۰ بچاپ رسیده(ظاهراً درهندوستان) از مؤلفات فیروزآبادی شمرده شده است)، **المرقاة** الارفعیه فی طبقات الشافعیه (در کشف الظنون و مقدمه تاج العروس از مؤلفات این مؤلف شمرده شده) ، **الاشارة** الی مافی کتب الفقه من الاسماء والاماکن واللغات (این کتاب‌را جرجی زیدان نقل نموده و گوید نسخه ای از آن در کتابخانه فلایشر میباشد) ، **تحفة** الابیه فی من نسب الی غیر ابیه (نیز جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است) ، **مجمع** السؤالات من صحاح الجوهری (جرجی زیدان نسخه ای ازآن را در کتابخانه کوپرلی نشان داده است) ، **رسالة** فی حکم القنادیل النبویه (جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است) ، **المثلث** المتفق المعنی (جرجی زیدان نسخه ای ازآن را درخزانهٔ تیموریه نشان داده) ، **مقامات** فیروزآبادی (در مقدمه نسخهٔ شماره ۵۷۸ مدرسهٔ مشیر السلطنه بدین تصریح شده ، **الغرر المثلثه** والدر المبثثه (نسخه‌ای ازاین کتاب‌را آقای تربیت بخط عبدالرحیم پسر فیروزآبادی دارند و بسال ۷۷۳ نوشته شده است،) **والقاموس المحیط والقابوس الوسیط فی جمع لغات العرب التی ذهبت شماطیط** (۱) (همین کتاب که مشهور به **قاموس** است) .

قاموس از مشاهیر کتب لغت میباشد واز هنگام تالیف تا کنون همواره مورد استفاده مراجعه کنندگان بکتب عربی و ادبیات آن زبان بوده و از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۲ در چهار جزء در کلکته (ظاهراً برای نخستین بار) باحروف سربی چاپ شده و تا کنون مکرر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

جمعی بردوانتقاد قاموس پرداخته وآنچه بغلط نقل وترجمه شده ویا بایستی ذکر شود ونشده است متذکر شده اند وجمعی دیگرهم بشرح ویا ترجمهٔ آن پرداخته اند وما آنان را که بنام ومؤلفهٔ آنها دست یافته ایم دراینجا میاوریم :

۱ ـ « **ابتهاج** النفوس بذکر مافات القاموس » نسخه آن در کتابخانه خدیویه میباشد ،

۲ ـ « **الدر اللقیط** فی اغلاط القاموس المحیط» تالیف محمد بن مصطفی مشهور به داودزاده متوفی بسال ۱۰۱۷ و نسخه ای از آن در کتابخانه ایا صوفیا است ، ۳ ـ « **الجاسوس**

(۱) مؤلف خود درمقدمه گوید : **واسمیته بالقاموس المحیط** . و در آخر کتاب جملهٔ : **والقابوس الوسیط** . را برنام مذکور اضافه نموده‌ودر آخر ماده **وجد** (به نسخه شماره ۵۵۶۳ این کتابخانه وشمارهٔ (۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه مراجعه شود) از کلمهٔ **فی جمع** تا **شماطیط** نیز[۱] بنقل از نوشته مؤلف برجمله های سابق اضافه شده ، و قاموس چنانکه در قاموس نوشته شده بمعنی محل عمیق دریا وقابوس بمعنی مرد نیکو منظر است و مراد از وسیط معتدل القامه میباشد ، وشماطیط بمعنی پراکنده شد ها است وطولانی بودن نام کتاب چون نظائر آنرا از مؤلف نقل نمودیم موجب انکار نخواهد بود .

علی القاموس» تالیف احمد فارس معروف به باقی متوفی بسال ۱۸۸٦ م. که انتقادات خود را بر قاموس در ۲٤ نقد مرتب نموده و کتابی مفید وشامل مطالب مهمه است، و بسال ۱۲۹۹ که ظاهراً همان سال اختتام تالیف آن است چاپ گردیده است ، **۴ ـ «اضاءة** الادموس و رياضة الشموس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف عبدالعزیز حلی است ونسخه ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر میباشد ، **۵ ـ «اضائة** الراموس وافاضة الناموس علی اضائة القاموس» تالیف ابوعبدالله محمدبن الطیب بن محمدالفاسی المغربی میباشد و این کتاب شرح قاموس ودر سه مجلداست ونسخه‌ای از آن در کتابخانه دارالکتب المصریه موجوداست(ص۳ ج۲ فهرست دارالکتب مراجعه شود) ، **٦و۷ ـ «اضائة** الادموس و رياضة النفوس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف ابوالعباس احمدبن عبدالعزیز بن الرشید الهلالی السجلماسی المغربی است و آن را ذیل کتاب خود که در شرح خطبهٔ قاموس و بنام « **فتح القدوس** فی شرح خطبة القاموس » میباشد در سه رکن ترتیب داده و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار) ، **۸ ـ « تاج العروس** من جواهر القاموس ، تالیف سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی (۱۱٤٥ ـ ۱۲۰٥)، شرح قاموس و درده مجلد میباشد وخود در آخر کتاب مدت تالیف را چهارده سال وچندروز معین نموده وازشروح بسیار خوب قاموس میباشد و گذشته از شرح قاموس مستدرکاتی را هم از لغات دارا است ودوبار تا کنون درمصر چاپ شده است ، **۹ ـ «الاقیانوس** البسیط فی ترجمة القاموس المحیط » ترجمه ترکی قاموس میباشد و مترجم آن احمد عاصم افندی است که بسال ۱۲۲٥ ترجمه شده و مکرر در آستانه و مصر چاپ شده است ، « **۱۰ ـ القابوس** » ترجمه فارسی قاموس وتالیف محمد حبیب‌الله درزمان محمد شاه (ظاهراً پادشاه هند) ترجمه شده و دومجلد است و نسخه ای از آن در دومجلد که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ نوشته شده در کتابخانه آصفیه موجود است (ج ۳ ص ٦۱۸ فهرست آصفیه) ونسخه‌ای از آن نیز درموزه‌لندن است ، **۱۱ ـ و ـ ۱۲ ـ « القول** المانوس فی تحریر القاموس » **والقول** المانوس بشرح مغلق القاموس » تالیف بدر الدین قرافی (۹۳۹ـ۱۰۰۸) و کتاب اول در حاشیهٔ قاموس بسال ۱۳٤٤ در مصر چاپ شده ونسخهٔ آن بخط مؤلف در کتابخانهٔ خدیویه بگفته جرجی زیدان موجود است ، **۱۳ ـ « شرح** خطبة ـ القاموس » تالیف مناوی تاج‌الدین عبدالرؤف بن علی المناوی القاهری الشافعی(۹٥۲-۱۰۳۱) میباشدونسخهٔ آن در دارالکتب العربیه موجوداست ، **۱۴ ـ « رجل** الطاووس فی اغلاط القاموس» صاحب روضات در ص ۱۱۱ نوشته‌اند ، بعضی از متاخرین نوشته است (۱) ، **۱۵ ـ «رساله** در اغلاط قاموس » تالیف سید علیخان کبیر (متوفی بسال ۱۱۱۸) . در مقدمه تاج‌العروس مؤلف آن جمعی که بشرح خطبهٔ قاموس وخود کتاب پرداخته‌ویادراطراف مندرجات قاموس صحبت

(۱) مؤلف تاج‌العروس در ذیل آنهائیکه اعتراضاتی برقاموس دارند « رجل‌الطاووس » را نام برده و گوید مؤلف آن سید محمدبن رسول البرزنجی است .

وبحث کرده اند یاد شده، جز آنهائیرا که قبلا نام برده ایم دیگران‌را در اینجا می‌آوریم :

۱٦ ـ « شرح خطبه قاموس » تالیف محب بن شحنه ، **۱۷ ـ « ایضاً** تالیف ابوالروح عیسی بن عبدالرحیم گجراتی ، **۱۸ ـ «ایضاً** تالیف علامه میرزاعلی شیرازی ، **۱۹ ـ «شرح قاموس»** تالیف نورعلی بن غانم المقدسی (حاجی خلیفه گوید : نورالدین علی بن غانم مقدسی متوفی بسال ۱۰۰٤ بر قاموس حاشیه ای نوشته است) ، **۲۰ ـ « شرح قاموس »** تالیف سعدی آفندی ، **۲۱ ـ « شرح قاموس »** تالیف عبدالله بن الامام شرف‌الدین الحسنی پادشاه یمن متوفی بسال ۹۷۳ شارح « نظام الغریب » و این‌شرح قاموس موسوم به **«کسر الناموس»** است ، **۲۲ ـ محمدبن** یحیی القرافی نیز بر این کتاب شرحی بنام **« بهجة النفوس** فی المحاکمة بین الصحاح والقاموس » نوشته واین شرح را از نوشته های عبدالباسط بلقینی و سعدی افندی وامام لغوی ابوالعباس احمدبن عبدالعزیز فیلالی که اینك(تاریخ تالیف تاج‌العروس ۱۱۷٤ـ۱۱۸۸) درقیدحیاتند جمع کرده، وصاحب تاج‌العروس گوید، ازهمه‌شرحهائی که دیده وشنیده‌ام بهتر «شرح محمد بن الطیب بن محمدفاسی متولد بسال ۱۱۱۰ درفاس ومتوفی بسال ۱۱۷۰ در مدینهٔ منوره می‌باشد (نام آن درص ۲۳۸ گذشت) و این شرح در دو مجلد بزرك گذارده شده ونسخه ای از آن درنزد من (صاحب تاج‌العروس) است

وجمعی آنچه‌ازلغات‌راصاحب‌قاموس‌نیاورده‌جمع نموده‌ودرحقیقت بر آن ذیل نوشته اندازآنها **۲۳ ـ علی** بن محمد معصوم حسینی‌فاسی ، **۲۴ ـ امام لغوی** عبدالله بن المدی حوالی حمیری ازعلماء یمن متوفی‌بسال ۱۰٦۱ می‌باشد **۲۵ ـ « الناموس »** تالیف ملاعلی‌بن سلطان‌الهروی، **۲٦ ـ ابوعبدالله** محمد بن احمدالمناوی برقاموس ردی‌نیکو نوشته ، **۲۷ ابن‌حجرمکی** در « التحفه » با صاحب قاموس مناقشات و ایرادات خوب کرده ، **۲۸ ـ شهاب الدین** خفاجی در « العنایه » بامؤلف قاموس محاورات و مطارحات دارد ، **۲۹ ـ صاحب** تاج ـ العروس گوید ، شنیده ام که البرهان ابراهیم بن محمدالحلبی متوفی بسال ۹۰۰ قاموس را مختصر کرده است .

تااینجا ترجمه مندرجات مقدمه تاج‌العروس بود وپس ازاین‌نام آنانکه باختصاراین کتاب پرداخته ویا بشرح وترجمه آن مبادرت نموده اند وپیش ازاین نام آنهارا نبرده ایم میپردازیم

۳۰ ـ « ترجمان‌اللغه » ترجمهٔ قاموس بفارسی است ومترجم آن محمد یحیی قزوینی بنام شاه سلطان حسین صفوی می‌باشد وبادعاء خویش درآخر ترجمه سی‌ویکماه و ده روز این کار را بانجام رسانیده (دهم شعبان ۱۱۱٤ تابیستم‌ربیع الاول ۱۱۱۷) واین ترجمه دوبار
۱ یکی مستقلا بسال ۱۲۷۳ ودیگری درحاشیه قاموس‌بسال ۱۲۷۷ درطهران چاپ شده است ،

۳۱ ـ « مختصر قاموس » صاحب روضات ج ٤ ص ۲۰۷و۲۰۸ از تقی‌الدین کرمانی نقل نموده که برحسب‌خواهش پدرش، فیروزآبادی‌قاموس‌را دریك‌مجلد بزرك مختصر کرده‌است ولی کشف‌الظنون در ج ۲ص۳٤۷ درذیل کتاب « اللامع المعلم‌العجاب » این گفتار تقی‌الدین

را نقل نموده بنا براین اختصار کتاب مذکور یعنی تالیف قاموس اللغه برحسب خواهش پدر تقی‌الدین بوده است.

صاحب کشف الظنون گذشته از اینکه بعضی از مذکورات بالا را نام برده نسخ ذیل را هم یادآور شده است:

۳۲ ـ «حاشیه‌قاموس» سعدالله بن‌عیسی‌المفتی‌معروف به‌سعدی‌جلبی برقاموس تعلیقاتی نگاشته شاگرد وی عبدالرحمن بن‌علی‌الاماس آنها را جمع آوری نموده وجامع بسال ۹۸۳ مرده‌است، **۳۳ ـ جواب** اعتراضات‌قاموس «**مرج‌البحرین**» اویس‌بن‌محمدمتوفی‌بسال ۱۰۳۷ بجواب اعتراضات فیروزآبادی برجوهری پرداخته است، **۳۴ ـ «الباپوس»** ترجمه ترکی قاموس و مترجم آن احمدبن مرکز میباشد، **۳۵ ـ «حاشیه قاموس»** یاالقول‌المانوس تالیف شیخ عبدالباسط بن خایل حنفی متوفی بسال ۹۲۰، **۳٦ ـ «مختصرالقاموس»** تالیف شیخ علی‌بن احمد الهیتی است ونسخه ای ازآن در کتابخانه دارالکتب موجود میباشد (ج ۲ص ۳٦ فهرست دار)، **۳۷ ـ سیوطی** لغاتیکه صاحب قاموس برصحاح افزوده جمع آوری‌نموده وآنرا «**الافصاح** فی‌زوائدالقاموس‌علی‌الصحاح» نامیده است، **۳۸ ـ «القول المانوس**‌فی‌صفات‌القاموس» تالیف مفتی محمد سعدالله مرادآبادی متوفی‌بسال ۱۲۹۳ میباشد که بگفته مؤلف فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱٤٤۰) بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است، **۳۹ ـ عبدالرحیم** بن عبدالکریم صفی پوری بسال ۱۲۰۲ قاموس رابفارسی ترجمه نموده و آن را بترتیب‌حرف‌اول و دوم مرتب ساخته(۱)وچون لغت یالغاتی دریکی ازمواد درقاموس‌نبوده از کتب‌معتبره‌چون‌صحاح‌ودیوان‌الادب‌وتاج‌المصادرو دیگر کتابهاترجمه‌نموده وبر آن‌افزوده‌و نام‌آن را «**منتهی‌الارب** فی‌لغات‌العرب» گذارده وبدواً درکلکته وبسال ۱۲۹۸ درطهران چاپ شده است، **٤۰ ـ** محمد یحیی‌بن شفیع قزوینی رساله ای بنام الجموع والمصادر که درفصل بعد ازآن نام خواهیم برد تالیف و آنچه صاحب قاموس در مصادر و جموع اهمال کرده ویا اشتباه نموده تذکر داده شده‌است.

٤۱ ـ «الوشاح‌وتثقیف‌الرماح‌فی‌رد توهیم‌المجدعلی‌الصحاح» تالیف‌ابوزیدشیخ عبدالرحمن‌بن عبدالعزیزمیباشدوبسال ۱۲۸۱ دربولاق مصروبسال ۱۲۹۲ درحاشیه صحاح‌نیزدرمصرچاپ شده است **٤۲ ـ ترجمه** «فارس‌وشرح‌قاموس»نسخه‌ای‌ازاین کتاب‌رادانشمندمعاصر آقای‌تربیت دارند که ازقرائن بدست میاید خط مؤلف است وتاشرح ماده قراح را شامل میباشدوآغاز آن اینست: باب‌الهمزه فصل‌الهمزه مخفی نماناد که مؤلف دربصائر ذکر کرده که الف

(۱) کشف‌الظنون (ص ۲۱۵ ج ۲) گوید که شروح وحواشی قاموس را (که ما آنها را در اینجا ذکرخواهیم نمود) از «تلخیص‌القاموس» تالیف شیخ ابراهیم بن محمد حلبی متوفی‌بسال ۹۵٦ نقل کرده‌ایم ودر اینجا کلمه البرهان که ظاهراً مختصر برهان‌الدین‌میباشد نیست‌وسال‌فوت‌مؤلف‌هم باآنچه‌مؤلف‌تاج‌العروس‌ضبط کرده‌ودرص ۲۳۹ ذکرشدمخالف‌است.

اصل وهیولای سائر حروف است وجمله کلمات ولغات ازآن متخالفند الخ. وباحتمال خود ایشان این ترجمه وشرح تالیف محمدبن حسن شیروانی‌مشهور به‌ملامیرزای شیروانی متوفی بسال ۱۰۹۸ میباشد ودر ص ۳۳۲ دانشمندان هم یکی از مؤلفات این دانشمند را ترجمه وشرحی‌مبسوط برقاموس شمرده اند. **٤۳ ـ «حاشیه قاموس»** بقلم مرحوم شمس‌العلماء گرکانی متوفی در اوائل دهه ششم از قرن چهاردهم هجری که از دانشمندان شهیر طهران بوده و نسخه ای از قاموس که دارای آن حواشی بخط‌محشی است اینك در کتابخانه شخصی آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس‌محترم دانشکدهٔ معقول و منقول درطهران موجود است.

قاموس چنانکه مؤلّف در دیباچهٔ آن تذکر داده دوبرابر صحاح اللّغه دارای لغت میباشد وبعضی گفته‌اند که باندازهٔ ثلث صحاح اضافه دارد ومؤلّف تاج العروس گوید: قاموس‌مشتمل بر شصت هزارمادّهٔ لغت میباشد وبیست هزار بر صحاح اللّغه افزوده‌است چنانکه ابن‌منظورالافریقی درلسان‌العرب بیست هزارلغت برصحاح‌اللّغه افزوده است (۱). فیروزآبادی درمقدّمهٔ قاموس گفته‌آنچه راکه درصحاح نیست و دراینجا آورده شده با سرخی نوشته است.

این بود آنچه نگارنده برنام کتب راجعهٔ بقاموس دست یافت و چون این کتاب مکرّرچاپ شده وهر کس‌اندك آشنائی‌بادبیّات عرب داشته باشدآنرا بخوبی میشناسد از بیان طرز آن خود داری و بنقل دو بیت از مقدّمهٔ تاج العروس که درطرز استفادهٔ ازقاموس میباشد قناعت میکنم:

اِذا رُمْتَ في القامُوسِ كَشْفاً لِلَفْظَةٍ   فَآخِرُ ها لِلْبابِ وَ الْبَدْءِ لِلفَصلِ
وَ لا تَعْتَبِر فـی بَدْئِها و آخِرِهـا   مَزيداً وَ لٰكِنَّ اعْتِبارُكَ لِلأَصْل

(۸٦۱)

قاموس‌المحیط این نسخه بخطّ نسخ خوب نگاشته شده و مشتمل برتمام کتاب‌است. کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده، اوراقی از اوّل وآخر نسخه نو نویس میباشد وبعضی ازاوراق دیگر کتاب وصّالی شده،

(۱) پشت نسخه (۸٦۳) ابن فهرست از شهاب‌الدین خفاجی ازخط‌فیروزآبادی‌نقل شده که صحاح‌مشتمل برپنجهزارماده لغت میباشد ومن‌برآن بهمین اندازه افزوده‌ام. وچون این بیان‌با نوشته‌مؤلف تاج‌العروس‌مخالفت‌زیاد داشت نگارنده مواد لغات صحاح‌را شماره نمود درحدود (۵۰۰۰)ماده‌لغت بود بنا براین نقل‌خفاجی صحیح خواهد بود ووجه‌جمع‌این دوقول اینست که کلمهٔ ماده در تاج‌العروس زیاد باشد.

پشت ورق اوّل از جزء دوّم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله نوشته اند که در سنه (۱۲۵٦) در شیراز این کتاب خریده شد و در ذیل آن بعربی نگاشته اند که آنرا بمیرزا فضل‌الله نصیرالملك در روز غدیر سال مذکور بخشیدم و در چندین جای ازنسخه جلال نام پسرخضربن داود درسنه (۹٤۳) نوشته اند که این نسخه متعلّق بایشان گردیده ، نسخه درآب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده و دارای یك سرلوح تازه‌است که ازقرن سیزدهم میباشد وبجدول بسرخی است .

جلد ساغری ضربی مینا شده . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۲۲) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۱/۲ ۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۲) .

(۸٦۲)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ عبدالرّزاق بن محمّد الیمنی در سنهٔ (۹۵۵) نوشته شده وبانسخهٔ اصل مصنّف مقابله گردیده ومشتمل برتمام کتاب است، صفحات بجدول بطلا ولاجورد وصفحه اوّل وآخرنو نویس میباشد ، تمام اوراق کتاب بانهایت مهارت متن وحاشیه شده و چند ورق ازاوّل وآخر وصّالی گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵٦۷) : صفحه‌ای (۳۵) سطر .طول (۱/۲ ۲۷ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵٦) .

(۸٦۳)

قاموس المحیط این‌نسخه بسال ۹٦۲ نگاشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته و مشتمل بر تمام کتابست ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه‌هائی ازعبدالباسط وسعد مفتی وعمادالدین کاشی وقطب‌الدّین‌حنفی مکّی در توضیح مطالب کتاب میباشد ونیز مطالبی از کشاف وکشف‌الکشاف و شرح موجز ومغرب‌اللغه وعقدالفرید ومصباح‌المنیروالفتن‌والملاحم‌ودیگر کتابها نوشته‌شده ، پیش‌ازشروع بنگارش کتاب‌نویسنده‌ای برحسب‌امر یکی ازقضات معاصرخویش که از وی چنین تعبیرنموده : (نقل ذالك برسم القاضی العلام البحرالهمام زین‌الدّین نسیمی بن‌صالح‌عامله الله تعالی‌بخفی لطفه‌وجعله من‌اهل محبته‌والفه‌بحقه علیه‌آمین.)،

شرح حال فیروز آبادی را مفصل تر از آنچه در الضوء اللامع و دیگر کتابها میباشد از تاریخ شیخ عفیف الدّین عبدالوهاب بن وجیه الدّین عبدالرحمن بربعی(از قرائن بدست میآید تاریخ راجع به علماء زبیدیمن‌است) نقل نموده‌است ، از یادداشتیکه پشت صفحهٔ اوّل قاموس میباشد و عبارت آن اینست : (آخوند ملاّ صدرای مرحوم بخداوندگاری برسم هدیه دادند) و مهراسم مربعی که سجع آن اینست : (المذنب محمدالمدعوّ بصدرالدّین)معلوم میشود که این نسخه متعلّق بحضرت آخوندبوده‌وجمله‌هائی‌بخط شکسته‌نستعلیق پشت صفحه اوّل وآخرنسخه‌و درحاشیه بعضی‌ازصفحات‌میباشد وباآشنائی‌بخط آخوند وقرائن‌بالاتوان گفت جزماً نگاشته ایشانست،یادداشتهای دیگر بسراین‌نسخه‌نیزیافت‌میشود، درابتداء قاموس سرسورهٔ موجود وصفحات بجدول بشنجرف میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۱) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۱/۲ ۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۷۸) قفسه مدرسه مشیرالسلطنه .

(۸٦٤)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ نوشته شده وشامل تمام کتاب است . نویسنده ذکری ازنام‌خودوسال نگارش ننموده ، چند ورقی ازفصل عین تامیم از باب طاء جابجا شده ، صفحات بجدول بسرخی میباشد ، پشت برگ نخستین اشعاری درمعرّفی ومدح‌قاموس بسال ۱۰۵۲ نوشته شده ، ورق‌اوّل وآخروصّالی گردیده وبیشتراوراق راموریانه سوراخ کرده وظاهراً نسخه درقرن نهم نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٦۷۱) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(٤۵) .

(۸٦۵)

قاموس المحیط .این‌نسخه‌بخط نسخ‌خوب‌نوشته‌شده‌وازنسخ نفیسهٔ‌این کتاب است ، نویسنده ذکری ازنام خود و سال نگارش ننموده ، پس از اتمام معانی لغت **وجد** عباراتی ازنسخه مؤلّف که حاکی از ختم جزو اوّل

کتاب است نقل نموده، وحاشیه صفحهٔ اوّل ودوّم گل وبوته طلائی دارد وتمام صفحات مجدول بطلا است . چندورق از فصل تاء تاحاء از باب باء عرضاً پاره شده وقابل وصّالی است ، پشت آخرین ورق شرح حال مؤلّف را نوشته اند و این قسمت برخی از مطالبی است که در الضوء اللّامع میباشدودوورق آخر مختصر و صّالی گردیده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٧٠٥) . صفحه ای (٢٩) سطر . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦٣) .

(٨٦٦)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ یوسف بن خضر بحیری درجامع الازهر مصر نوشته شده و شامل جزء اوّل کتاب تا آخر باب ضاد میباشد . کاتب ذکری ازسال کتابت نکرده وظاهراً ازخطوط قرن دهم بنظر میرسد، پشت صفحهٔ اوّل نسخه تذهیب شده ومقابل صفحه آخر ترنجی است که بر آن اتمام جزء اوّل قاموس نگارش یافته، چهارصفحه ازاوّل ویك صفحه از آخر کتاب مجدول بطلا ولاجورد وعنوان ابواب باطلا نوشته شده است .

جلد چرمی . کاغذ نباتی ضخیم . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٢٤) . صفحه ای (٢٥) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤١) .

(٨٦٧)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، صفحهٔ اوّل وآخر آن نو نویس است، نویسنده کتاب را بدین ترتیب چهار قسمت نموده (١) ازباب همزه تافصل زاء ازباب راء. (٢)از فصل سین ازباب راء تافصل سین از باب عین. (٣)ازفصل شین از باب عین تافصل الظاء ازباب اللّام . (٤)ازاین فصل تاآخر کتاب وفاصله هریك ازاین قسمتها یك دوصفحه کاغذ ننوشته میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت در هیچیك از قسمتهای کتاب نام نبرده ، صفحات مجدول بسرخی ولاجورد ، نسخه قدیمی وظاهراً ازخطوط قرن نهم است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤٠٥) . صفحه‌ای (٣١) سطر . طول (٢٥ سانتیمتر) . عرض (١٧سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٧) .

(٨٦٨)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ درسال (١٠٣٢) نوشته شده ومشتمل برتمام کتاب است، پشت ورق اوّل تذهیب شده و باسفیداب نام کتاب ومؤلّف را نوشته اند ، درابتدای کتاب برورقی دوبیت دروصف قاموس در چهار سطر میباشد ، نخستین برگ کتاب دارای دو سرلوح میباشد ، صفحات مجدول بطلا وسرخی است ، درحاشیهٔ اوراقی که یکی از بابها در آن میباشد وبرگ مقابل آن دوایر کوچك تذهیب شده‌ای رسم‌شده ، هشت ورق‌کاغذ ننوشته‌درآخر کتاب میباشد ، اوائل ابواب سرسوره ای میباشد واوّل جزء دوّم کتاب نیزدوسرلوح کوچك است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٤٧٠) . صفحه‌ای (٢٥) سطر. طول (٣٠½ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤٢) .

(٨٦٩)

قاموس المحیط این‌نسخه بخط نسخ درسال (١٠٥٨) در مکّه معظمه نوشته شده وشامل تمام کتاب است ، کاتب نامی از خود نبرده وپشت‌صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد یکی‌از آنها بسال ١٢٥١ بخط محمّد کاظم بروجردی است که نسخه را از محمّد کاظم شروانی خریده است ، مهری در آخر کتاب بوده آنرا محو کرده اند ، صفحات مجدول بسرخی‌است ، اولین‌وآخرین برگ نسخه وصّالی شده ونویسنده ای پشت آخرین ورق مختصری از شرح حال مؤلّف را نگاشته است.

جلدتیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤٤٣). صفحه ای (٣٥) سطر . طول (٣٠½سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(٤٣) .

(٨٧٠)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ خوب محمّد یوسف بن محمّد قاسم نطنزی در سال (١٠٧٨) نوشته شده و درسنهٔ (١٠٨١) مقابله و تصحیح کردن آنرا بانسخه ایکه بانسخهٔ مصنّف مقابله شده پشت صفحهٔ اوّل ودر حاشیه آخرین صفحه تذکرداده اند ، ورق اوّل کتاب بطرزی بد و صّالی گردیده ،

صفحات بجدول بطلا وسرخی ومشتمل برتمام کتاب میباشد ودر آخر کتاب عباراتی که میرساند این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ٨٧٦ نگارش یافته، نوشته شده وپس از ختم کتاب شرح حال مصنّف از کتاب «الضوء اللّامع» سخاوی ملخّصاً در دوصفحه نوشته شده است.

جلد چرمی ضربی. کاغذ اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع رحلی کوچك. شمارهٔ اوراق (٥٣٥). صفحه ای (٢٦) سطر. طول (٢٦ سانتیمتر). عرض ($\frac{١}{٢}$ ١٩سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٥٥).

(٨٧١)

قاموس المحیط این نسخه که بخط نسخ نوشته‌شده مشتمل برسه قسمت از قسمت های چهارگانه قاموس میباشد وازباب همزه تافصل سین ازباب عین مهمله است هریك ازقسمتهای سه گانه دارای یك سرلوح میباشد، صفحات بجدول بطلااست، سال کتابت ونام کاتب نگاشته نشده ولی پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی ازمالکین این کتاب میباشد که قدیمی ترین آنها درسنهٔ (١١٩٣) نگاشته شده، فاصله بین سطور صفحهٔ اوّل و دوّم را باطلا خط کشیده اند.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٤٠١). صفحه ای (٢٥) سطر. طول (٢٩ سانتیمتر). عرض (١٨ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣٩).

(٨٧٢)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و بقیّه نسخه قبل میباشد (فصل سین از باب عین مهلمه تاآخر کتاب) سال کتابت ونام کاتب ذکر نشده ولی بقرینه معلوم میشود که خط کاتب نسخه سابق که تحت شمارهٔ (٨٧١) این فهرست وشمارهٔ (٣٩) کتابخانه ازآن نام بردیم میباشد ودارای یك سرلوح وصفحات بجدول بطلا است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٣٨٠). صفحه ای (٢٥) سطر. طول (٢٩سانتیمتر). عرض (١٨سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤٠).

(٨٧٣)

قاموس المحیط این نسخه را بخط نسخ فتح محمّدبن محمّد صالح لاهوری نگاشته ولی سال کتابت را ذکر ننموده، مشتمل بر تمام

کتاب است، قسمتی ازاوّل کتاب تصحیح گردیده لغات باسرخی نوشته‌شده، قسمتی از اوراق را موریانه سوراخ کرده وصفحات آن بجدول بسرخی وزنگاراست، پشت نسخه نوشته شده: این کتاب قاموس مبلغ هفتاد روپیه.

جلد چرمی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. شمارهٔ اوراق (٨٢٧). صفحه‌ای (٢٧) سطر. قطع رحلی کوچك. طول ($\frac{١}{٢}$ ٢٨ سانتیمتر). عرض ($\frac{١}{٢}$ ١٨ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤٤).

(٨٧٤)

قاموس المحیط این نسخه درسال (١٢٤٧) بخط نستعلیق نصرالله بن ابوالقاسم نوشته شده و شامل تمام کتاب است وصفحات آن بسرخی وزنگار بجدول شده.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (٥٥٣). صفحه ای (٢٦) سطر. طول (٣٠ سانتیمتر). عرض (٢١سانتیمتر) شماره کتابخانه (٤٦).

[٣٦١] قانون الادب (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب حبیش (١) تفلیسی است (ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمّد التفلیسی) که ازدانشمندان قرن ششم هجری وباقلج ارسلان بن مسعود (از سال ٥٥٩ تا ٥٨٨ سلطنت نموده) (٢) از سلاجقه روم معاصر بوده و بدبختانه شرح حالی از ایشان در کتابی نیافته ام، مؤلّفاتی بپارسی و عربی دارد.

از آنها «بیان الطب» (٣) «ملحمه دانیال» (٤) «بیان الصناعات» (٥) «صحة الابدان» (٦)

---

(١) حبیش بضم حاء حطی وباء ابجد مفتوح ویاء آخرحروف وشین قرشت میباشد و درمقدمهٔ قوافی همین مؤلف، نام وی بدین گونه تشکیل شده است.

(٢) تاریخ سلطنت و مختصری از حالات قلج ارسلان در ص ٣٧ ج ٢ تاریخ کامل ابن اثیر است.

(٣) نسخه ای از این کتاب که بفارسی است درتحت شماره (٨٢٦) دراین کتابخانه میباشد.

(٤) ملحمه دانیال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، بفارسی است وترجمهٔ این مؤلف است نه تالیف.

(٥) درمقدمه بیان الطب تالیف این کتاب را بخود نسبت داده است.

(٦) درمقدمه کامل التعبیر خود این کتاب را نام برده.

« کتاب‌القوافی » (۱) « کاملة التعبیر »(۲)، « کفایة الطب »(۳)، « بیان‌التصریف »(٤) وقانون‌الادب میباشد .

قانون‌الادب یکی از کتابهای نفیس وقابل مطالعه ومفید درمعانی پارسی‌لغات عربی میباشد ، مؤلّف در مقدمهٔ آن سعهٔ اطلاع ادبی خود را نشان داده ومآخذ خود را نام برده وقسمتی از مقدّمه راکه مبیّن طرز کتاب وانشاء مؤلّف ومطالب مندرجهٔ درآنست ذیلاً مینگاریم :

اما ترتیب این کتاب چنان نهادم وساختم که نخست‌حرف الفرا به‌آغاز کتاب‌بردونوع نهادم چنانکه دونوع نخستین کلمتهای که آخرش حرف الف بود مفتوح و فتحهٔ ناقصه بود جمله را بترتیب‌حروف بروزن قافیه بنسق یاد کردم ودرنوع دوم کلمتهای که آخرش حرف الف ممدود بود جمله را هم برطریق‌نوع نخستین بازنمودم چنانکه نخست اسما را درهرنوعی نبشتم بعدش جمع وحرف را بعدش افعال را و در مقـ هرنوعی کلمتهای که آن ثنائی بود یعنی دوحرفی بود معنی هریك بزیرکلمتـ پارسی شرح کردم بعدآن کلمتهای ثلثی را یعنی سه را بعدش رباعی را یعنی چهار حـ را بعدش خماسی را بعدش سداسی را و باخر هرنوعی کنیتها وکلمتهای که دوبهم جمع بودند این جمله را بیان کردم وبالای هرکلمتی که از افعال بود علامتی از حروف حساب هند سیاهی بکردم و این علامتها از تصریف افعال است مقصودم ازاین‌علامتها آن بود تاخواننده وآموزندهٔ این کتاب تصریف هرفعلی را درست صرفی بتواند کردن الخ .

و در اواخر مقدمه گوید :

ونیز در اواخر کتاب سه فصل بنهادم **یکی** اندر دانستن‌نامها. بزرگان وشعراء عرب ازمرد و زن و آنچه در کتابهای لغت و در شعر های شعراء عرب موجود یافتم **و دوم فصل** در معرفت بنیاد مصادر و اوزانش که از هر بابی مصدر برچند وزن حاصل شود **وسیم فصل** اندردانستن وحدان جمعها. قیاسی و طریق اوزان‌هریکی که استخراج آن را چگونه توان دانستن تا کتاب بغایت کمال باشد وخواننده ازمقصود بازنماند الخ .

ازنقل عبارات بالا طرزاین کتاب بدست آمد وبامراجعه بکتاب دیوان‌الادب معلوم خواهد شد که این مؤلّف آن مؤلّفه را پیروی نموده است .

(۱) نسخه آن دراین کتابخانه است وپس از قانون‌الادب ذکر میشود .
(۲) نسخه ازاین کتاب در کتابخانه معارف موجوداست (ج ۲ص ٤۱۳) ودرفهرست آصفیه تذکر داده شده که بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .
(۳) بعربی است ودر مقدمه بیان‌الطب ازآن نام برده وتفصیل مطالب را بدان حوالت داده .
(٤) درمقدمه دیوان‌الادب از آن نام برده است.

قانون‌الادب‌تاکنون‌چاپ نشده، ودرحدود(۲۸۰۰۰)بیت کتابت‌دارد وسعدالدّین مستقیمزاده آنرا بترکی ترجمه نموده و نام آن را « السنه ثلاثه » گذارده و این نام خود ماده تاریخ شروع به ترجمهٔ آنست = ۱۱۸۳ .

آغاز: بسمله سپاس خدای راکه قادربر کمالست ودرود برمحمّد علیه‌السّلام که برگزیده وخوب خصالست و بریاران واهل بیت و هرکه مصطفی را قرابت وآلست الخ .

(۸۷۵)

قانون‌الادب این‌نسخه‌بخط نسخ نوشته‌شده، قسمتی‌ازفصل‌سوم‌آن‌افتاده ، نویسنده وسال نگارش در جای دیگر از نسخه تذکر داده نشده ، ظاهراً خط قرن یازدهم هجری میباشد ، پیش از کتاب فهرست انواعیکه این کتاب‌بـرآنهـا مرتب‌شده، بوده،ولی‌ورق اوّل آن‌نیست وپشت ورق‌اوّل نسخه یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند ویادداشت دیگری بسال ۱۲۳۳ برهمان صفحه موجودویادداشت مرحوم‌اعتضادالسلطنه جای‌یادداشت محوشده‌نگارش‌یافته، بعضی از اوراق نسخه وصّالی شده وعناوین مطالب باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔاوراق (۲۹٦). صفحه ای (۲۵) سطر. طول . (½ ۲۰سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ. کتابخانه(۱۰).

(۸۷٦)

قانون‌الادب این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، خاتمه کتاب که در سه فصل میباشد نگاشته نشده و آخر نسخه اینست : **سقی** گندم باب پرورده ، **هوابن‌عمة‌دنیا** اوپسرعم وی است نزدیك ؛ قانون ادب تمام اولدی مشقه عهدی‌بن شمس‌البغدادی فی‌سنة ۹٦۸. ونیزاین‌یادداشت درکنارآخرین برگ نسخه نوشته شده : الحمد لله والصّلوة علی رسول الله ترجمت تلك النسخه المنقّحه من‌اوّلها الی آخرها مع ابقاء معانیها فصارت السنة ثلاثه فسمیّتها بذلك فوقع تاریخها السنة ثلاثه ۱۱۸۳ لابتدائنا بترجمتها فاتممنا فی سبع سنین بعون‌القوی المعین تعالی

وبهمة الامیرنوری نورالله قلبه وعمّره مع اولاده الامجاد الذینهم للسلطان احمدالثالث احفاد ووفقه لامثالهما آمین بالنبی الامین حرّره مترجمها الفقیر ابوالمواهب سعدالدین سلیمان امین‌الله العریف بمستقیمزاده زادالله زاده فی الدّارین بالسعاده سنة ۱۱۹۱ .

دارای یك سرلوح کوچك میباشد که اندکی چرك شده و نسخه تصحیح گردیده و بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد ضربی خوب طلائی . کاغـذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳٤). صفحه‌ای (۲۷) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض ($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۱) .

[۳۶۲] قوافی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب حبیش تفلیسی است (ص۲٤۷) [۳۶۱] و برحسب امر پادشاه عصر خویش بتألیف آن پرداخته و آن را بنام پسروی قطب الدین ، موشح نموده، مقدمه آن را که مبیّن سبک نگارش آن روزگار بوده و کتابرا معرفی مینماید در اینجا می آوریم :

بسم الله الرحمن الرحیم رب تمم بالخیر سپاس وشکر خدایرا که ازعلم ودانش مارا بهره داد و راه راست نمود و دین اسلام بارزانی داشت و درود خدای بـر محمد باد علیه السلام و بر یاران واهل بیتش چنین گوید حکیم ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد الکمالی التفلیسی که ملك اجل عادل عالم کبیر قطب الدین عمادالاسلام ونظامها ، جلال الملة وجمالها ، نجم الملة وتاجها ، شمس الملوك و السلاطین ، ناصر جیوش المسلمین ، فخر الانام عز المجاهدین ، قاتل الکفره والمشرکین ، قامع المتمردین ، ابوشجاع قلج ارسلان بن مسعود ، یمین امیر المومنین ، اطال الله بقاه ، وادام فی الدولة ارتقاه ، واباد حساده واعداه ، بحق محمد و آله ،

از آنجا که بزرگ همتی و رغبت او بعلم و دانش بند (کذا) را اشارة فرمود که باید که (کذا) از بهر من کتابی سازی در قوافی چنانك کلامهای را (کذا) مشکل تازی که شعر را (کذا) در قوافی شعر ها بکار برند بپارسی شرح کنی ، و ترتیب کتاب خراسان نهی ، ودر تصنیف کتاب اختصار نگاهداری ، تا کتاب دراز نکشد ، وخواننده را ملال نفزاید ، وما را یادگار بود، پس بنده برحسب طاقت خویش جهد کرد و فرمان بجای آورد وبرقدر دانش خویش این کتاب مختصر تصنیف کرد و آخر هرقافیه را بترتیب برحروف معجم بپذا کرد ، چنانك اگر کسی را قافیهٔ باید نگاه کند که آخر حرف آن قافیه را (کذا) از جمله حروف معجم کدامست و از کدام نوعست و از هر کدام که بود وی را

طلب کند تا معنی آن بداند و هر قافیهٔ که دو حرف بود وی را در اول هرحرفی مقدم کردم وبعدش سه حرفی راوعلامتش حرف ج ۳ بکردم وبعدش چهارحرفی را د۴ وپنج حرفی را ه۵ وشش حرفی را و۶ وهفت حرفی را ز۷.

واما قافیهائی (کذا) که بپارسی بودوآسان، دراین کتاب یادنکردم که کتاب درازشذی بپارسی بر کس پوشید نبودوبجایی که قافیهای (کذا) پارسی مشکل بکردم حرف س بالای او بنوشتم ، تا کسی گمان نبرد که بپارسی است (عبارت بی‌اشکال نیست) وبداند که هر کسی که شعر گوید وهوس شاعری دارذ یابخواهد که معنی قافیهای مشکل داند از دانستن اینقدر ناچار بود تا در علم قافیه شاعر جاهل نباشذ و شعر گفتن بر وی آسان شود زیرا که اصل شاعری قافیه بودباید که قافیها (کذا) نیك بداند بس کتاب باسم قطب الدین زادالله عمره تمام کرده شود انشاءالله تعالی تاهر کسی که بخواند وفایده بگیرد خداوند را و مصنف را بدعا یادآرذ وحسبناالله ونعم الوکیل

قوائی حرف اول یا ای ، لا نه ، ما نه ، ما آب و جه ، ما ای ، دا درد ، ذا آن الخ .

این کتاب در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۸۷۷)

قوافی

این نسخه بخط نسخ و ترجمهٔ آن بخط نستعلیق بسال ۹۲۸ درشهر بروسه نگارش یافته ، نویسنده در آخر این نسخه نام خودرا نیاورده، ولی محمدبن عبدالکریم بیکسماتی نویسند نسخه‌ایکه ضمیمه این نسخه است نویسنده آنست، ترجمه فارسی قوافی درذیل کلمات نوشته‌شده وعناوین باشنجرف است .

خصوصیات نسخه به « مختصر الصحاح » شمارهٔ (۱۱۰) کتابخانه که در فصل میم همین فصل درص ۲۸۲ زیر شمارهٔ (۹۰٤) از آن نام میبریم مراجعه شود .

[۳۶۳] کنز اللغات (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه درمقدّمه تصریح شده : محمّدبن عبدالخالق بن معروف میباشد که در قرن نهم هجری در زمان سلطنت کارکیا سلطان محمد پسر کارکیا ناصر کیا پادشاه گیلان (ازسال ۸۵۱ - ۸۸۳ پادشاهی نموده) (۱) زندگانی میکرده واین کتاب را بنام آن پادشاه موشح کرده است .

(۱) تاریخ گیلان تالیف میرظهیرالدین مرعشی ص ۲۶۰-۲۸۱ ومجالس المؤمنین ص ٤۱۱ مراجعه شود .

مؤلّف ، لغات قرآن کریم و احادیث شریفه را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها دربیست و هشت باب مرتب نموده وهربابی را مشتمل برفصولی چند قرار داده وازلغات مشتقّه بذکرمصادر آنها قناعت کرده وپس از آن غیرمشتقّهراذکر نموده و درمقدّمه گوید که این کتاب را بـامراجعه به صحاح ، مجمل ، دستور ، مصادر ، اختیارات بدیعی ، لغات‌القرآن و شرح نصاب تألیف کرده ام وکلیّاتی‌را دربیان مطالب لغوی وصرفی در۱٦ ماده بنام مقدّمه‌آورده و گاهی بآیات واخبار استشهادکرده است .

این کتاب در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایـران چاپ شده است .

آغاز : بسمله ابتدی هرسخن آن خوبتر در هرمقام
کوبود باحمد معبود خدای‌لاینام(۱) ،

جواهر کنوز لغات حمد و سپاس نثـار بارگاه حضرت متکلمی که زبان اصناف آدمیان را کلیدکنج خانه سخن‌گردانید الخ.

(۸۷۸)

کنزاللغات این‌نسخه‌را بخط نستعلیق بامرمحمد اکبربیك، محمد سلمان‌بن عبدالباقی در سال (۱۰۷۹) نوشته ، لغات را باسرخی نگاشته وصفحات مجدول بطلا میباشد ، پشت صفحه نخستین یادداشتی بخط آقا محمد علی پسر آقای بهبهانی موجود و سجع مهریکه درذیل آن میباشد اینست : عبده محمد علی‌بن محمد باقر ۱۲٦۵ . شعر نقل شدهٔ بالا ابتداء نسخه نوشته نشده واز عبارت : جواهر کنوز لغات حمد وسپاس الخ. شروع شده است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱٤) . صفحهٔ (۲٦) سطر . طول (۳۱سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۸) .

(۱) دربعضی از نسخه ها « نیك نام » و در بعضی « پاك نام » و در برخی « لاینام » نوشته شده است .

(۷۷۹)

کنزاللغات این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۹۷ محمد اشرف نوشته ، دارای‌سرلوحی زیبا میباشد ، میان‌سطرهای‌دوصفحهٔ ابتداء نسخه تذهیب شده ، دیگر صفحات مجدول بطلا ولاجورد وابواب و فصول ولغات باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی هستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیرالسلطنه .قطع رحلی . شمارهٔ اوراق ( ) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۲۰سانتیمتر) .شمارهٔ قفسه مشیرالسلطنه (۵۷۹) .

(۷۸۰)

کنزاللغات این نسخه بخط نستعلیق متوسط میر محمد امین نوشته شده ، سال کتابت را کاتب سنه ثمانمائه بعدالالف نگـاشته و اعداد آنرا هم مغشوش رقم نموده ولی در آخر رسالهٔ کـه بلا فاصله بعد از این نسخه بقلم آمده سال کتابت (۱۱۰۹) قید شده ومعلوم میشود که سال نگارش این‌نسخه ثمان ومائه بعدالالف بوده (۱۱۰۸) وکاتب بغلط ثمانمائه بعدالالف نوشته دو رساله در الفاظ مفرده ومرکّبه ضمیمهٔ این نسخه میباشد که در ص ۱۸٦ و ۱۸۷ همین فصل از آنها نام برده شده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی .شمارهٔ اوراق کلیه (۳۷٦) . اوراق این‌نسخه (۳٦۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۳۰سانتیمتر). عرض (۲۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۷) .

(۷۸۱)

کنزاللغات این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل ودوّم کتاب باخط زیبـا تری از بقیه کتاب نگارش یافته ، بنظر میآید کـه کاتب آن دیگری است ، در آخر نسخه کاتب نـام خود را عبدالرزاق الویری ابن محمد هاشم معرّفی وسال کتابت را سنهٔ (۱۲٤۵) معین نموده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۰۹) . صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) شمارهٔ کتا بخانه (۱۰۹).

[۳٦٤ لغات ثلثه = ترجمان معارف (ترکی عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه درمقدّمه آن بترکی نگاشته شده: **حاج حسن** میباشد که مقام مترجمی لغات سه گانهٔ عربی و ترکی وفارسی را در بغداد داشته و این کتاب را در سه مجلّد بدین ترتیب در آنشهر مرتب نموده که درهریك از مجلّدات یکی ازلغات زبانهای مذکور را اصل قرار داده وموافق حروف تهجّی هریك ازفصول آنها را مرتب نموده و بدوزبان دیگر مراد از آن لغت را بیان کرده و هریك از مجلّدات را در ده فصل بترتیب زیرین گذارده :

فصل اول مصدر . ۲- فعل ماضی . ۳- فعل مضارع . ٤- فعل امر . ٥- فعل نهی . ٦ - در بیان اعضاء انسان وخویشان او و آلات جنک و اسماء . ۷- در بیان حیوانات وطیور . ۸- دراسامی واشجار ونباتات . ۹- درنامهای پیشه ها و ابزار آنها . ۱۰- درنامهای افلاك و ستارگان و روزها و سالها و خواندن و نوشتن وآنچه بدین دو متعلق است ومعادن وآنچه بدانها مربوط میباشد وغیر از اینها .

نام این کتاب رامؤلف «**ترجمان معارف**» گذارده تا سال تألیف هم ازحروف نام کتاب بدست آید ، بنا براین بسال ۱۰۸٥ تألیف گردیده ونیز مؤلّف درمقدّمه گوید که این لغات ثلثه را از کتابهای لغت : اختری ، شاهدی ، حلیمی ، نصاب ، نعمة اللّه وسائر کتب معتبره انتخاب کردهام و این مؤلّفه نخستین کتابی استکه در لغات ثلثه (عربی وفارسی وترکی) تألیف گردیده (۱) .

نسخه این کتابخانه فقط مشتمل بردو مجلّد (عربی بترکی و فارسی - ترکی بعربی وفارسی) میباشد و مجلّد سوم را ندارد واین دو مجلّد در حدود (۸٥۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله حمد بیقیاس وسپاس لایقاس ، اوّل خالق ملکوت و آسمان ، وآفرینندهٔ جهان وجهانبانه که فرمان کن برله عالمی پیدا الخ .

(۱) در کشف الظنون ج ۱ ص ۲۷۹ نوشته شده: « ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب » تالیف شهاب الدین احمد بن محمدبن عربشاه دمشقی حنفی متوفی بسال ۸٥٤ میباشد . (بنا براین کتاب مذکورمقدم برترجمان معارف تالیف گردیده و نام این کتاب هم در کشف الظنون نیست) .

(۸۸۲)

لغات ثلثه یا ترجمان معارف

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲٤٤ و ۱۲٤٥ نوشته شده ، کاتب نامی از خود نبرده ، لغات وعناوین فصول وابواب را با سرخی نگاشته ، مرحوم رضا قلیخان هدایت در سال ۱۲۷۱ دارای این نسخه شده وپشت صفحه اوّل بنام لغت ترکی ترجمه بلغت عربی وفارسی آن را معرّفی کرده ودر زیرنوشتهٔ خویش مهربادامی رضا قلی زده شده وبسال ۱۲۹۰ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۷۸) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳٤) .

[۳٦٥] لغات جوك (سانسکریت بفارسی)

کتاب جوك چنانکه در مجلّد سوّم از آن معرّفی خواهدشد یکی از کتب عرفانی ومؤلّف آن پندت کشمیری میباشدودرزمان ولیعهدی سلطان سلیم ازسلاطین عثمانی که از سال ۹۱٦ تا ۹۲٤ سلطنت کرده ، بامر وخواست وی نظام الدّین پانی پاتی(۱) آنرا بفارسی ترجمه نموده وحضرت میرفندرسکی ازآن ترجمه انتخابی کرده وبرآن اضافاتی نموده ونسخهٔ آن در آخر یکی از مجموعات (شمارهٔ ٦٤۰ فهرست خطی ج ۲) درکتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشد .

نظام الدّین مذکورپارهای ازلغاترا بهمان نحو که دراصل سانسکریت بودهنقل ، در بعضی از موارد ، معنی آنها ازتفسیر و بیانات وی معلوم میشود ولی پارهٔ از مطالب را باجمال وابهام گذاشته وگذشتهاست . مرحوم میرفندرسکی درضمن منتخب خویش بشرح آن الفاظ ولغات پرداخته و یکی از دانشمندان که با تفحّص زیاد بنام ایشان دست نیافتم برخی ازبیانات نظام وپارهٔ ازتفاسیر میر را جمع نموده ، ونسخهٔ ذیل را بنام « لغات جوك » ترتیب داده وبعضی ازنویسندگان نسخ آن را ضمیمهٔ ترجمه جوك کرده اند (۲) .

(۱) پانی پت از نقاط مشهور هندوستان است ودرهفت اقلیم نام چند نفر از مشاهیر آنجا ثبت است .

(۲) نسخه ترجمه جوك متعلق بدانشمند محترم آقای تربیت ونسخه مجلس شورای ملی این لغات را ضمیمه دارد ولی نسخهٔ این کتابخانه ندارد .

این کتاب مشتمل بر (٤٦٠) لغت و در حدود (٥٤٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله باب‌الالف آتمان هستی مطلق و اصل آفرینش و آنچه همه را آفریده الخ.

انجام: «یاسدیو» پادشاه عالم، «برته» معبد، «بشن‌دنار» اسم یك ذاتست تمّ بالخیر.

(۸۸۳)

لغات جوك این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال۱۲۷۷ نوشته شده، لغات باشنجرف میباشد، آخر نسخه‌را در بالاازروی نسخه‌ضمیمهٔ ترجمه جوك کتابخانه مجلس نقل کرده‌ام و اندك تخالفتی باانجام این نسخه دارد و پس از آخرین لغت باین شعر ختم گردیده: عالم‌همه‌دوات‌ما ئیم در کنسه‌وسومنات‌مائیم.

ضمیمهٔ نسخه (۱۷) کتابخانه و شمارهٔ (۸٦۰) این فهرست میباشد خصوصیّات آن در ص ۲۳۲ گفته شد.

[۳٦٦] لغات دساتیر (فارسی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مشتمل بر معانی لغاتی استکه در دساتیر میباشد، مؤلّف ازخود در مقدّمه وخاتمه نامی نبرده، ازمطالعه کتاب هم مؤلّف بدست نیامد، موجب آنهم آشکار است که چون در کشور مسلمانان باغلبه عوام برخواص اظهار فضل واطلاع بر کتب ادیان دیگرموجب نقص‌بوده، جامع خود را نشناسنده، ولی‌ازمندرجات کتاب بدست میآید که صوفی مسلك بوده و بکتب واصطلاحات عرفا وحکما آشنائی داشته و از مزایای این کتاب یکی ترجمه لغات واصطلاحات حکمی میباشد، ازلغت برهان قاطع که بسال۱۰٦۲ تألیف شده بسیار نقل‌دارد، عبارات آن بسیار سلیس ومتین است برای‌نمودار پاره ای از آنرا در اینجا می‌آوریم:

مهین‌نامه یزدانی نزد عارفان واصل ومحققان کامل‌تمام عالم کتاب حضرت حقاست چه پیوسته ایشان از اوراق ذرات موجودات احکام اسرار تجلیات الهی غزاسمه میخوانند و مجموع عالم از غیب و شهادت را کتاب حق تعالی میدانند که مشتمل بر تمامی اسما وصفات الهیت ومطابق این معنی یکی از عرفا منظوم فرموده، **رباعی:**

از لوح جهان خط الهی خواندن خوشتر بود ازحرف و سیاهی خواندن
بر صفحهٔ کائنات خطیست کز آن اسرار ازل توان کماهی خواندن،

نشیبسار بفتح اول و کسر ثانی اسم مرتبه فرق است از مراتب ثلثهٔ ایزد شناسی باصطلاح هیربدان یعنی صوفیه صفیه که مشاهدهٔ کثرت باشد بدون وحدت وجدا دانستن‌وحدت از کثرت وویژه درونان فارس این مرتبه فرق را **فرجند شای** نیز گویند چنانکه در **باب الفا** گذشت.

این لغت در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد وشامل (۷۹۳) لغت است.

آغاز: بسمله باب الف ممدوده **اب** بسکون بای ابجد نام یکی از عناصر اربعه وبمعنی آبرو وعزت و دولت و قدرت الخ.

انجام: والحاق‌های هوّز در آخر بجهت حرکت حرف‌آخراست چه پیوسته آخرکلمات فارسی ساکن میباشد.

(۸۸٤)

لغت دساتیر این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، کاتب نام خود وسال نگارش‌را ننگاشته، لغت زندوپازند ضمیمهٔ آن میباشدو بسال ۱۲۷۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق کلیه (٤۲). این نسخه (۲۸). صفحه ای (۱۵) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر). عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۹۰).

[۳٦۷] لغات رامند قزوین (فارسی)

رامند(۱) یکی‌ازبلوك قزوین میباشد وتقریباً ۱۸×۱۲ کیلومترمربع مساحت دارد وازسی کیلومتری‌قزوین شروع ودر٤۸ کیلومتری خاتمه میابد، اهالی آنجا بیشتربفارسی گفتگودارند، برحسب خواست مرحوم اعتضادالسلطنه وزیرعلوم آن عصر یکی از اهالی آنجا لغات مستعملهٔ در آن بلوك را در شش مبحث گرد آورده و از خود نام نبرده است: ۱ ـ لغات راجعهٔ بانسان و اعضاء او. ۲ ـ در

(۱) دهات رامند عبارت از: سیاه دهن، آك، اسفروربن، شال، خیارج، قرقه، نرجه، خروزان، تزرك، شارین، ولازبگرد، محمودآباد، حسین‌آباد ودان اصفهان میباشد.

عمارات و بعضی ابزار خانه ازلباس و ظروف وغیره . ۳ ـ در خوراکیهای انسان و حیوان . ٤ ـ در نامهای مرغها وحیوانات و حشرات . ٥ ـ در اسامی روز ها و ماهها و سالها و اقسام حرفه ها و ابزار های آنها . ٦ـ در کلمات وافعال مفرده و مرکّبه درهنگام گفتگو .

این رساله در حدود (۲٥۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّد و آله الطّاهرین. **امابعد** این شطری‌است ازلغات واصطلاحات فرس معمولی اهالی رامند که حسب‌الفرمایش نواب اشرف امجد والااعتضادالسلطنه وزیرعلوم وصنایع و تجّار دام اجلاله العالی جمع آوری گشته هرچه‌در مقام خود نوشته و مختلف فیه هرقریه از قراء فارس(۱) را هم بسمت تحریر برآورده و درمقام خود قلمی نموده و کلام درشش مبحث است .

انجام : مخفی نماند چیزهائیکه نوشته نشده یکی آنکه گنجایش ندارد ویکی آنکه اکثر چیزها فارسی مصطلح است الهم اختم بالخیروالسّعاده بجاه محمّد وآله صلّ علی محمّد وآله وارزقنا زیارت‌الحسین تمام شد .

(۸۸٥)

لغات رامند قزوین این‌نسخه بسال ۱۲۸٦ نگارش یافته ، دررمضان ۱۲۸۷ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت ورق اوّل یادداشت شده و نام لغات اهل قزوین در همان صفحه براین کتابخانه وقف گردیده وپس از اتمام نسخه صورت صرف افعال بزبان فرس قدیم بامعادل آنها بفارسی کنونی درهفت ورق نوشته شده واین‌نگاشته شده بخط نسخ غیرازنویسنده نسخه است وهردونویسنده نام خود را ننگاشته اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف‌سپهسالار. قطع رزیری . شمارهٔ اوراق (۱٤) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۳ ½ سانتیمتر). عرض (۱٤ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۹٦).

---

(۱) دهات نام برده رامندبعضی ترك وبرخی فارس‌اندومراد از قراء فارس مذکور درمقدمه، بعضی از دهات رامند است که بفارسی گفتگو مینمایند و در رساله نام شال و سیا دهن و اسفرورین مکرر دیده‌میشود .

[۳٦۸] لغات زند و پازند و اوستا (پارسی بفارسی)

این رساله چنانکه از عبارت ذیل که برسرنخستین صفحهٔ آنست ، برمیآید، یك باب از کتابی میباشد ولی با تفحّص ندانستم چه کتابی بوده و آن عبارت اینست : درچهارم مشتمل است برلغات زند وپازند واستا(۱) جلوه الف ازدرالف .

مؤلّف ظاهراً بهمان‌سبب که درذیل «لغات‌دساتیر»درص۲٥٦ گفته‌شد نامی‌ازخود نبرده وپس ازبیان معنی بیشترازلغات ابیاتی از «زاتشت‌بهرام» که متضمّن آن‌لغت میباشدآورده وترتیب‌تنظیم‌این لغت‌مراعات‌حرف اوّل‌ودوّم میباشد وحرف دوّم‌را باب واوّل را فصل قرارداده است .

این رساله‌مشتمل بر (٤۳٦) لغت و درحدود (٥۰۰) بیت‌کتابت‌دارد .

آغاز : (پس از عبارت بالا در چهارم تا از در الف) **آبهی** بابای مکسور نام رودآموست زراتشت‌بهرام گوید **شعر** .

درآنوقت نزدیك دریا رسید یکی ژرف دریای بن ناپدید
بوستا درون نـام آن آبهی که قعرش‌نبودست هرگزبهی .

(۸۸٦)

لغات زند و پازند واستا این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون ذکر تاریخ ونویسنده نوشته شده و ضمیمهٔ نسخهٔ شمارهٔ (۹۰) کتابخانه میباشد خصوصیات دیگردرص ۲٥۷ ذیل‌شماره (۸۸٤) این‌فهرست مراجعه گردد.

[۳٦۹] لغت فارسی‌بترکی‌دقائق‌الحقائق (فارسی بترکی)

مؤلّف در مقدّمه نام خود را نبرده، مؤلّف کشف الظنون درص ٤۹٤ ج ۱ دقائق‌الحقائق را نام برده گوید :

مؤلف این کتاب مولی‌احمدبن سلیمان مشهوربه **ابن کمال**پاشا متوفی‌بسال۹٤۰ میباشد وتالیف آن بترکی وبنام ابراهیم پاشای وزیر موشح گردیده ونام‌آن را « دقائق‌الحقائق »

---

(۱) زند واوستا دو کتاب دینی زردشت وپازند شرح زند است .

گذارده (۱) چرا که مشتمل بر دقیقه ای متعلق بلغات متشابهه میباشد
و احمدبن‌خضر اسکوبی شاعر معروف به **علوی** آنچه‌لغت مفرد و مرکب‌در آن کتاب بوده بترتیب‌حروف تهجی مرتب نموده واول آن اینست : حمد بیهمال و مدح بی‌مثال الخ .

ابن کمال پاشا یکی ازترکهای بسیار دانشمند ومعروف میباشدومؤلّفات بسیار دارد ، شرح حال ایشان در شقائق‌النعمانیّه ص ۴۲۰ - ۴۲۴ و شذرات ج ۸ ص۲۳۸ومعجم المطبوعات‌ص۲۲۷ نگاشته شده ودر شقائق بسیاری ازمؤلّفات وی نام برده شده و گویند مقام قضاوت داشته و در قسطنطنیّه مقام افتاء یافته و شعربترکی وفارسی میسروده وبیش ازصد کتاب ورساله تألیف نموده وتفسیری بسیار خوب نوشته که‌مرگ اجازه اتمام آنرا نداد و کتابی بفارسی چون گلستان بنام نگارستان تألیف نمود و تاریخ آل عثمان را بترکی ادبی نگاشته و کتابی‌در لغت فارسی وحاشیه ای بر کشاف وحاشیه‌ای برهدایه و کتابی درعلم کلام‌وشرحی بر آن بنام « تجریدالتجرید » و کتابهای دیگردارد .

اگرچه در کشف‌الظنون آغازاین کتاب نقل نشده ولی بقرائنی که بدست داد وتصریح درمقدّمه این‌نسخه، که درزیرمعرّفی‌وخصوصیّات آن ذکرخواهد شد نام کتاب « دقائق‌الحقائق » میباشد وموضوع آن‌لغات مترادفه ومتشابه ومتقاربه زبان فارسی‌است ومؤلّف چند لغت را بیکی از جهات مذکوره بایکدکر ذکر وبشرح وترجمه آنها بترکی پرداخته و شواهدی از مصرع ها وابیات ورباعی های فارسی برمدعای‌خویش آورده مثلاً لغات سخن و گفتار ، بوم و کوچ و جغد ، چنگ و چنگل‌وچنگال ،روزن‌وپنجره ، کلان‌وبزرگ‌وبزرگواروسترگ ، مردمك‌ومردم ومرد وزن ، سراسروسرتاسروسربسر ، سخت ودرشت وزفت ، پادشاه وپادشای، هما وهمایون ، خرگوش وخرچنگ ، خاروخارا و خاشه وخاشاك وخس‌وخسك ، اسب وستور : را بهمین نحو که نقل شد بیان‌وبشرح وترجمه آنها پرداخته ونظم وترتیبی را در ذکرلغات نه از حیث ترتیب حروف اوائل یا اواخر ونه از حیث

(۱) نام کتاب « **دقائق الحقائق** » گذارده شده وبایستی درحرف **دال** ازاین فصل از آن معرفی نمود ، چون غفلت شده بود ودر آنجا ذکر نشد ودرلغت‌فارسی‌بترکی‌بوداز اینرو‌بدین نام دراینجا معرفی گردید .

موضوع وغیره ملتزم نگردیده و بشرح لغت سخن و گفتار ابتدا و بشرح لغات اسب وستور کتاب را خاتمه داده و لغات دیگرهم میان این دو عنوان شرح گردیده است .

این کتاب درحدود (۴۰۰) بیت کتابت دارد وبشهادت عبارت آن وتصدیق ترك زبانان ادیبانه نوشته شده است .

آغاز : سپاس بی‌قیاس خدای بی همتایه که گلزاربدیع الاثاربیانده ازهار الخ .

(۸۸۷)

لغت فارسی بترکی دقائق‌الحقائق

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، ازطرز خط معلوم میشود که ترك بوده ، رساله ای در اقسام **یاء** که در آخرکلمات زیاد میشود ، نیز بزبان ترکی موجود و در فصل نحو و صرف از ان معرفی خواهد شد ، ودارای سرلوح کوچك ودوصفحه اوّل‌بجدول بطلاولغات باشنجرف نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۶) این نسخه (۹۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۱) .

[۳۷۰] لغت فارسی و عربی (بفارسی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزیراین سطرها نگاشته خواهدشد مشتمل بر لغات عربی وفارسی میباشد که بترتیب اواخر آنها مرتب گردیده وفارسی وعربی آنان‌از یکدیگر مجزّی‌وفرهنگ‌تازه‌ایست.

مؤلّف پس از اینکه کلمات ولغات‌را از الف تا یا منظّم نموده دوباره یك‌بیك آن لغات را ذکر وبشرح و بیان آنها پرداخته و برای اثبات معنی مذکور شعری ازیکی‌ازشعرای معروف‌شاهد آورده واشعار : ابن یمین ، خاقانی، دقیقی، فردوسی ، سید حسن غزنوی ، رشید وطواط ، آذری ، مجدهمگر، سعدی ، مولوی، اسدی ، امیرمعزی ، انوری ، عمادی ، کمال اسمعیل ، خواجو کرمانی ، حافظ ، اوحدی ، امامی‌هروی‌وبسیاری دیگراز متقدمین ومتأخرین به استشهاددر آن دیده‌میشودواز اشعارصباملك‌الشعرامتوفی‌بسال ۱۲۳۸ ومیرزا ابوالقاسم‌قائم‌مقام‌متوفی بسال ۱۲۵۱

ومیرزا محمد تقی‌علی آبادی‌صاحب تخلّص متوّفی‌بسال ۱۲۵۶ومحمد حسین عندلیب تخلّص پسرملك‌الشعرا درآن مکرّر دیده شد.

در اوّل و آخر کتاب مؤلف نـامی از خود نبرده و در ذیل مطالب کتابهم با جستجوی زیاد اثری از وی نیافتم ، بالای صفحه اوّل و دوّم نسخه نوشته شده :

« این مسوده باطلهٔ کتابست خدمت قبله گاهی حکیم باشی دادم که اگرلغتی ضرور شود در اینجا پیدا کنند تا کتاب صحیح شود انشاء الله و این را درآب بشویند وصحیحش را نگاه دارند وشرط کردند که احدی ازروی آن ننویسد که ناقص‌است وبدنامی کتاب صحیح » .

پشت صفحه نخستین ازطرف اعتضادالسلطنه چنین نوشته اند :

« هو کتاب درلغت است شخصی‌جمع کرده است چون زحمتی درجمع کردن آن کشیده و گفته‌است به آب بشویند ازبابت کثرت‌زحمت او شایسته نبود محوشود در کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اقباله ضبط شدفی شهر رجب ۱۲۹۷ » .

ازقرائن بالا بدست می‌آید که تألیف این کتاب در اواخرقرن سیزدهم هجری ودرهنگام پادشاهی‌ناصرالدین‌شاه‌انجام ودرالمآثروالاثارچهارنفربعنوان حکیمباشی معرفی‌شده‌اند:

۱ - درص ۲۰۳ گوید: میرزا محمدحسین طبیب کاشانی‌ازحکیمباشیان مشهور این عهد جاوید مهد است .

۲ - ص ۲۱۰ نگاشته : میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی مقیم دارالخلافه از حکیمباشیان معتبر بود الخ .

۳ - ص ۲۱۹ نوشته ، میرزامحمد حکیمباشی شیرازی در ایران چنانست که ارسطودر یونان معالجاتش بنتائج دم عیسوی میماند الخ . (این حکیمباشی جدّ پدری جناب آقای حکمت وزیر معارف است) .

٤ - محمدقبلی که درص ۱۷۳و۱۷٤ در ذیل خلاصه عباسی‌بشرح حال وی پرداخته‌ایم .

ونیز درص ۲۰۲ المآثروالاثار نگاشته شده :

« میرزاعبدالمطلب کاشانی مشهور بادیب درشعب ادب وعلم طب رنج بسیار برده وخون جگرخورده و در فن ادب واحاطه بلغت عرب وتفسیر وطب مسلم است .

ودرکتاب مذکور که‌شامل‌حال دانشمندان چهل‌سال‌اوّل سلطنت ناصرالدّین شاه میباشد جز عبدالمطلّب در فنّ ادب و احاطهٔ بلغت کسی معرفی نشده بنابراین

احتمال قوی میدهیم که این کتاب تألیف وی باشدوحکیم باشی مذکورکه مؤلّف نسخه، کتاب خودرا پیش اوفرستاده بایستی میرزامحمد حسین باشد که مقیم طهران وتاهنگام تألیف المآثر والآثار زنده بوده است .

این کتاب هنوزناقص بوده ، شواهد بسیاری ازلغات آن نگاشته نشده ، نظم وترتیب آنهم چنانکه بایست ، نیست وشامل دوقسمت است : قسمت اوّل لغات بترتیب حروف‌اواخر ازالف تا یا . قسمت‌دوّم همان لغات باترجمه وشواهدآنست و تمام آن در حدود (۱۰۷۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز:
قسمت اوّل : بسمله آلا ، آسا ، آوا ، آشنا ، آشِنا ، آسیا الخ .
قسمت دوّم : بسمله **اسا** (۱) بکسر الف بمعنی خمیازه و بمعنی شبه و نظیرهم آمده .

انجام : **یمنی** دست راست و قسم و میمنت ، **یتامی** یتیمان ، یتمطّی خرامان میرود .

(۸۸۸)

لغت فارسی و عربی

این نسخه بخط نسخ و نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، از قرائن بخوبی واضح میشود که خط مؤلف میباشد وتألیف آن خاتمه نیافته ، لغات قسمت دوّم باشنجرف وبسیاری از شواهد درحاشیه صفحات نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱٤۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱٦) .

[۳۷۱] لغت کبیراختری (عربی بترکی)

مصلح الدین مصطفی بن (۲) شمس‌الدّین قره حصاری مشهور به اختری از

(۱) مؤلف قسم دوم را بترتیب ذکر لغات درقسم اول نیاورده وآسارا برآسا و آلا و غیره مقدم داشته وتاباخرهم بهمین نحو پیش رفته است .

(۲) در کشف‌الظنون و اول و آخر نسخه چاپی نام پدر مؤلف شمس الدین ضبط شده ولی در مقدمه نسخهٔ خطی این کتابخانه بدینگونه است : المحتاج الی رحمة ربه اللطیف الشهیر بالاختری مصطفی بن اختری بن شمس‌الدین القر حصاری مولداً والکوتاهیوی محتداً الخ .

دانشمندان قرن دهم هجری بوده وبگفته کشف‌الظنون (ج ۱ ص ٦۳) دو کتاب در لغت عربی بتر کی دارد یکی کبیر ودیگری صغیر وچنانکه درآخر همین‌لغت کبیر مؤلّف خود تصریح نموده بسال ۹۵۲(۱) تألیف آن خاتمه یافته و نیز در مقدّمهٔ کتابست که این کتاب‌را درلغاتیکه مورد احتیاج عموم بود و درك معانی آنها مشکل مینمود از صحاح اللّغه ، دستور ، مجمل ، تکمله والمغرب گرفته وبرای استفاده عام وخاص اهالی کشورخویش بتر کی ترجمه کرده است .

دراین کتاب فقط بترجمهٔ لغات پرداخته شده وشواهد ندارد وبترتیب حرف اوّل ودوّم مرتب گردیده وحرف اوّل باب وحرف دوّم را فصل ، موافق حروف تهجی قرارداده ودرحدود (۲٦۷۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲٤۲ درقسطنطنیه بنام « اختری کبیر » چاپ سربی شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرّفنا بالنّطق والبیان ، و فضّلنا بالفصاحة والتّبیان الخ .

انجام: الیهماء صحرامفازه کبی ،الیهمورالرجل‌الکثیرالکدویری کوترن بالق .

(۸۸۹)

لغت کبیر اختری

این نسخه بخط نسخ محمد بن حاج قرط بسال ۱۱۲٤ نوشته شده ، فصول وابواب باشنجرف میباشد ، پس از اتمام نسخه محمد داودالحسینی قصیده انشاء وبخط خویش نگاشته ومطلع آن اینست : العین‌من‌فقدالشباب تدمع ـ والقلب‌من تذکاره یتوجع . نسخه درآب افتاده ولی خطوط ضایع نشده برگ اوّل وآخر وصّالی گردیده و پشت هردو یادداشتهائی است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۹۸) . صفحه ای(۳۱) سطر . طول (۲۹سانتیمتر). عرض(۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳٦) .

---

(۱) در آخر نسخه چاپی این کتاب (شمارهٔ ۳۷ کتابخانه است) پس از آخرین لغت که در مقابل انجام نقل گردیده عبارتی از مصنف که حاکی از سال تالیف می باشد نگاشته شده ولی در آخر نسخه خطی نیست .

[۳۷۲] لغت نعمة‌الله رومی (فارسی‌بترکی)

در مقدّمه این کتاب مؤلّف خود را « نعمة الله بن احمد بن مبارك رومی » معرّفی نموده وگوید که این کتاب را باکوشش بسیار ازچندین لغات جمع کردم، همچون‌اقنوم‌عجم وقائمه لطف‌الله حلیمی ووسیله‌المقاصد ولغة قره حصاری وصحاح عجم دیرینه مختصر وصحاح عجم جدید کبیر (۱) و جزاینها ازبسیار کتب چیدم و برسه قسم مرتب ساختم. **اول** مصادر آوردم که اصل است **بعد** از آن قواعد این زبان‌دری ایراد کردم **بعد** از آن اسماء جامده ومشتقّه وترتیب حروف را برقاعدهٔ اقنوم عجم مرتب کردم اوّل بامفتوحه ثانیاً بامکسوره ثالثاً مضمومه تا یافتن لغت مطلوب آسان شود .... و نامش را بنام خود اضافت کردم یعنی **لغت نعمت‌الله** نهادم .

در ص ٦۰۷ ج ۲ کشف الظنون وفات این مؤلّف بسال ۹٦۹ ثبت گردیده ودرص ۱۲۵ « العقدالمنظوم فی ذکر افاضل الروم » (۲) نوشته شده : مولی‌نعمةالله الشهیر بروشنی زاده پدرش قاضی پاره ای از قصبات بود ، چون لبیك حق را اجابت گفت اموالی زیاد برای پسر گذاشت وی دراندك زمان‌درهوا وهوس آنها را صرف نمود ، از آن پس درطلب دانش افتادوبسیار از محافل درس را حاضر شد ومدرس مدارس‌روم گردید وبمرتبه قضاوت حلب وبغداد ومدینهٔ منوره رسید و در این شهر اخیر بسال ۹٦۹ جهان را وداع کردو گویند در علم کلام دستی توانا داشته وداستان زیرین را برخی ازثقات از وی نقل نمودند وآن اینست :

در روزگار قضاوت بغداد جمعی از اهالی یکی از محلات آنجا توسعهٔ مسجد جامع خودرا خواستار شدند خواهش آنها را بعرض پادشاه رساندم جواب مساعد رسید چون شروع بکارشد دراطراف جامع قبرهائی کهنه‌یافت شد که یکی‌ازآنهاقبرشریف مرتضی‌علی‌بن طاهر

---

(۱) کشف الظنون گوید : اقنوم درلغت فارسی است وقائمه‌لطف الله حلیمی در توضیح کتاب بحرالغرائب وی درلغت فارسی بتر کی است و وسیله‌المقاصد درلغت فرس تالیف خطیب رستم مولوی میباشد وصحاح‌العجم تالیف محمدهندو شاه ودومختصر است معروف بدیرینه وجدید . ۱
و لغت قره‌حصاری همان اختری مؤلفه بسال ۹۵۲ میباشد که در ص۲٦۳،۲٦٤معرفی از آن گردید .

(۲) این کتاب در حاشیه وفیات‌الاعیان ابن‌خلکان (ج ۲ ص۹۵ تا٤۲٤) بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و درحقیقت ذیل شقائق‌النعمانیه است .

بود ، بر آن شدیم آنها را برداریم چون قبر شریف را گشودیم او را چنان دیدیم که گویا دیروز بخاك سپرده شده ، یکی از همراهان کفن‌را بالا زد پیرمردی‌نیکومنظر آشکار شد که دارای ریشی زیاد بود وابداً در او تغییری پیدا نشده و گویا زنده و خوابیده است ، برماترس وهیبت حکمفرماشد واقدام بربیرون آوردن ونقل آن ننمودیم قبر را پوشیده واو را واگذاشته وقبر او در مسجد شریف ماند و این مرد از فرزندان علی‌بن‌ابی‌طالب کرم الله وجهه میباشد که امام در کلام وادب وشعر بوده الخ .

نظیر این حکایت وداستان را از معمّرین وموثّقین طهران راجع به‌صدوق محمدبن علی‌بن‌بابویه‌متوفی بسال ۳۸۱ که‌اینك‌قبروی‌درجنوب‌طهران‌درحوالی‌شهرری‌میباشد نگارنده شنیده وحکایت نبش قبر حرّبن یزید ریاحی رحمه‌الله نیز مشهور است .

نگفته نماند که جزاین‌نعمت‌الله درقاموس‌الاعلام ترکی وشذرات‌الذهب ج ۱ وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم نعمت الله رومی نیافتم و عدم ذکر نام پدر در این کتاب اخیر موجب شبهه دردونفر بودن مؤلّف باروشنی زاده نخواهد بود .

برمؤلّفهٔ دیگر از این مؤلّف دست وخبرنیافته واین کتاب که مقدّمهٔ آن بپارسی‌وترجمه لغات آن بترکی‌است درحدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد وگاهی برای لغات شواهدی از اشعار فارسی آورده است .

آغاز: بسمله حمد بی‌قیاس وشکر باسپاس آن مالك بی‌همتائی راکه ملکش بی انبازست الخ .

انجام: «یوبو» بویمل قوشی ، «بویه» آرزومند ، «یهه» مثله ، «یهره» مثله .

(۸۹۰)

لغت نعمة‌الله رومی

این نسخه‌بخط نستعلیق‌فضل‌الله‌نام‌بسال ۱۰۵۸ نوشته شده ، نام‌پدرکاتب‌راونام شهریکه‌در آنجا نگارش‌یافته‌محو کرده‌اند، شرحی بسال ۱۲۸٤ رضاقلیخان هدایت در تبریز مبنی‌براینکه این نسخه را خریده اند بر ورق نوشته ایکه پیش از ورق اوّل نسخه میباشد یادداشت کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵۳) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲) .

[۳۷۳] لغت نوائی (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی‌ازوزرای دانشمند دانش گسترقرن نهم هجری بوده وگذشته ازاینکه مؤلّفات نظم ونثرازخود بیادگار گذارده ،مشوّق‌تألیفهای گرانبهائی‌میباشد که در این فهرست بسیاری از آنها معرّفی خواهد گردید ، در اشعار امیرمذکور لغات ترکی جغتائی بسیار وجود دارد ، جمعی بر آن شده که آنها را گردآورند وبفارسی یاترکی‌تفسیرنمایند ، میرزامهدیخان منشی‌نادرشاه که خودیکی‌ازعلاقمندان باشعار امیر علیشیر میباشد لغات نام برده را جمع و بشرح آن پرداخته ونام آن را « سنگلاخ » گذارده ونسخه‌آن در کتابخانه مجلس‌شورای ملّی میباشد، درمقدّمه آن اشاره بآنهائیکه بتفسیر لغات امیرمبادرت نموده اند مذکور و عین آن را در اینجا می‌آوریم :

امابعد چون بنده حقیر محمد مهدی غفر ذنوبه ، از مبادی حال بخواندن اشعار امیر نافذالامر کشور بلاغت گستری و سخن آرائی امیرعلیشیر نوائی ، شوقی تمام وبدانستن‌آن کلام هیل مالا کلام داشت ، بعد از آنکه فی‌الجمله تتبعی حاصل شد ، منوی خاطر گشت که لغات مشکلهٔ آنها را جمع سازد وبرمعانی آن لغات کتابی بپردازد ، اگرچه دونفر رومی که اسمشان درتالیفشان مذکور نیست وطالع نام‌هروی (۱) وفراغی وندرعلی ومیرزا عبدالجلیل نصیری ازلغت فهمان این فن کتابها برلغت نوائی مدون ساخته اند الخ .

نسخه ذیل فاقد نام مؤلّف میباشد و ازقرائن مؤلّف شناخته نشد ، چون‌نسخه سال ۱۰۵٤ نوشته شده وامیر در سال ۹۰٦ وفات یافته تألیف کتاب میانه این دو سال بوده ودر حدود (۱٦۸۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله عشق و محبّت میخانه سپینونك رند قدح پیمای وشعر وبلاغت کاشاسنوبك الخ .

انجام: « یولداماق » یول کوسترمك **بیت:**

اول زمان لطف پرلاقولداقولوم　　　واخی اوزجانبکغه یولدایو لوم .

تمّت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب .

(۱) لغت این مؤلف بدایع اللغه نام دارد و در ص ۱٦۰ و ۱٦۱ شرح آن گذشت .

(۸۹۱)

لغت نوائی این نسخه را بخط نستعلیق رجب بن محب علی شاملو بسال ۱۰۵۱ بفرمان زال بیك قورچی خاصه نوشته ومهرزال بیك زیر آخرین سطر نسخه میباشد ودو صفحه اوّل تذهیب شده و لغات باشنجرف و صفحات بجدول بطلا است، پشت آخرین صفحه وورق سفیدیکه پس از آن‌بوده ابیاتی از امیرنوائی ودیگران نوشته شده ، مجالس‌النفائس امیرعلیشیر ورساله ای‌در معرفت تقویم ازقاسمعلی ضمیمه دارد که هریك درمحل خود معرّفی خواهد شد .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق نسخه (۴۰) تمام اوراق(۱۱۸) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹سانتیمتر) .عرض (½ ۱۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰) .

[۳۷۴] مبانی اللغه = مقدمه سنگلاخ (فارسی)

در ذیل « بدایع اللّغه » در ص ۱۶۰ و۱۶۱ و« خلاصهٔ عبّاسی » درص۱۷۳ و۱۷۴ و «لغت نوائی» در ص ۲۶۷ گفته شد که میرزا مهدیخان منشی نادر شاه لغات ترکی جغتائی راکه امیر علیشیر در اشعار ومؤلّفات خویش آورده و آن را « سنگلاخ » نام گذارده و نسخهٔ از آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است (۱) .

مؤلّف در سنگلاخ پیش ازشروع بنقل لغات و ترجمه فارسی آنان مقدّمه ای درقواعد زبان‌ترکی بفارسی نگاشته ودر ابتداء آن تصریح نموده که نام این‌مقدّمه را **مبانی اللغه** نهادم ، وموجب این‌تألیف آن بود که چنین مشهور گردیده وفراغی درمؤلفه خودنوشته که زبان ترکی‌دارای قواعدونحووصرف‌نیست . پس ازتتبع و مطالعه بر آن‌شدم که آنچه ازقواعد بدست آورده‌ام دراین مقدّمه بنگارم .

بنابراین بایستی این کتاب‌را درفصل صرف ونحو جای دهم ولی چون‌حقیقةً جزءومقدّمهٔ کتاب‌سنگلاخ‌میباشد و آن کتاب درلغت‌است‌دراین‌فصل گذارده‌شد .

مؤلّف‌مبانی‌اللّغه‌میرزا مهدیخان منشی نادرشاه مؤلّف دره نادری وجهانگشای

(۱) خلاصه عباسی مختصر همین کتابست و در ص ۱۷۳ و ۱۷۴ معرفی کامل ازآن گردید .

نادری ومنشآت معروف میباشد واین سه کتاب چاپ گردیده وبگفته آقای تربیت مبانی‌اللّغه نیز درتبریز چاپ شده. ومیرزا مهدیخان گذشته ازمقام منشی گری در سال آخر عمر نادرشاه (۱۱۶۰) بسفارت روم (ترکیه فعلی) رفته و نیـز بگفته آقای تربیت که خودرا ازنواده های ایشان میدانند پس‌ازمرگ نادر به تبریز آمده وبا فاصله کمی در آنجا وفات یافته و تاریخ روزانه نادر را نوشته ولی نسخه آن در دست نیست .

این کتاب بامقدّمهٔ سنگلاخ در حدود (۲۸۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی لایستقصی حمده بلغات مختلفه والسنة شتی .... وصعوبت لغات آنرا **سنگلاخ** موسوم ساختم وبعضی از اشتباهات سلف را ... مقدمه اگرچه نظر بقاعدهٔ لغت نویسی‌بایست که همه جا حرف **پ** و **چ** و **گ** قید عجمی وعربی .... از آنجا که دانستن آنها برطالبان لازم بود آن ضوابط و قواعد را درضمن یك **ترصیف** وشش **مبنا** مرقوم و بشواهد و حجج مبرهن و معلوم ساخته و آنرا **بمبانی اللغه** موسوم وچون الی‌الآن کتابی بدین نحو بصرف همت احدی برصرف ونحو لغت ترك تألیف نگشته الخ.

مؤلّف هم مبنائی را برابواب وهربابی را برفصول باقسام یا رسم هائی منقسم نموده است .

(۸۹۲)

مبانی اللغه یا مقدمهٔ سنگلاخ این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته ، بسال۱۲۸۳داخل کتابخانه اعتضادیه شده ورق اوّل وآخر وصّالی گردیده وچند ورق کاغذ ننوشته درابتداء نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۲۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۸) .

[۳۷۵] مثلثات قطرب با ترجمه فارسی (عربی و فارسی)

لغات عربی راکه ازحیث لفظ یکی‌وازلحاظ حرکات سه قسم خوانده میشود

ومعانی آنها متعدد میشود مثلث گویند ونخستین کس که بجمع آن مبادرت نموده قطرب ابوعلی محمدبن المستنیر بن احمد بصری متوّفی بسال ۲۰۶ میباشد که شاگرد سیبویه بوده واو ویرا از اینرو کـه صبح بسیار زود بخانهٔ استاد می آمده قطرب لقب داده است و این مثلّثات را بسیاری شرح نموده‌اند ، نام جمعی از آنها درص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون ثبت گردیده وفیروز آبادی صاحب قاموس نیز بر این کتاب شرحی دارد ونسخه آن در دارالکتب میباشد وپس از قطرب دانشمندان ولغوییّن دیگر بجمع بسیاری ازلغات مثلثه پرداخته اند .

نسخه ذیل شامل (۱۰۷) لغت ازلغات مثلّثه بترتیب حروف تهجّی بلحاظ اوائل کلمات میباشد و در ابتداء آن این عبارت نوشته شده : بسمله قال‌الشیخ الامام قدوةالفضلاء سیّدالادباء افتخار العلماء قطربن احمدالبصری نورالله مضجعه هذا کتاب المثلّث الفته علی وجوه‌الثلث من‌الفتح والکسر والضم و بالله التوفیق .

بنابرتصریح کشف‌الظنون ومعجم المطبوعات و فهرست دارالکتب و جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللّغه العربیّه ص ۱۲۵ مثلّثات قطرب بصری مشهور بنظم و چنین ابتدا شده : یامولعاً بالغضب ـ فی الهجر والتجنب ـ فی جده واللعب . ولی در   نوشته شده که مثلث قطرب بنثر وبعضی آنرا نظم بسته اند و آغاز مذکورمنظوم رانقل کرده‌اند این نسخه بنثر میباشدو آغاز آنهم نقل خواهدشدو چنانکه نقل شد مؤلّف درنسخه قطربن احمد بصری معرفی کردیده وبدین نام در کتب رجال کسی را نیافتم وبنظر نگارنده این کتاب مثلث نثر از قطرب نحوی مذکور فوق میباشد وکاتب باء قطرب را بانام پدروی ذکر ننموده ونام جدّ اورا آورده است .

درشذرات الذهب مؤلّفات زیرین به قطرب نسبت داده شده : معانی القرآن الاشتقاق ، القوافی ، النوادر ، الازمنه ، الصفات ، العلل فی النحو ، الاضداد ، خلق‌الانسان ، خلق‌الفرس ، غریب الحدیث ، کتاب الهمز ، کتاب فعل وافعل ، الرد علی‌الملحدین فی متشابه‌القرآن ومثلث وغیره است .

آغاز: الاَثـر ، الاِثـر ، الاُثر ، اَلاسر ، الاِسر ، الاُسر .
روایت کردن ، رفتن‌ازبعدچیزی ، نشان . اسیر ، آفریدن ، بول‌بستك .

(۱) این‌شرح بامراجعه به ص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون وص ۱۵۱۶ و ۱۷ معجم‌المطبوعات و ص ۷۸ فهرست ابن ندیم و ص ٤٩٤ ج ۱ و فیات‌الاعیان و ص ١٤ ملحق سوم جزء و دوم فهرست دارو بغیةالوعاة سیوطی درتحت عنوان محمد بن‌المستنیر نوشته شد .

انجام: الوِجد ، الوُجد ، الوجد . الوَرد ، الوِرد ، الوُرد .
اندوه یافتن ، آفت ، فراخ دستی . گل ، نماز ودعا ، شیرسرخ .

(۸۹۳)

مثلثات قطرب

این نسخه ضمیمه کتاب « مختصرالصحاح » میباشد که بشمارهٔ (۱۱۰) دراین کتابخانه میباشد و در حرف میم آنرا معرّفی خواهیم نمود ونویسندهٔ آن و این کتاب مثلث محمدبن عبدالکریم بسال ۹۲۸ است وترجمهٔ فارسی هریك از لغات نیزدرزیر آنها نگاشته شده ، مترجم نام خود رانبرده و خصوصیّات دیگر در ذیل مختصرالصحاح درص ۲۸۲ گفته خواهد شد .

[۳۷۶] مثلث منظوم (عربی بفارسی)

مثلّثات قطرب را با ترجمهٔ فارسی آنهـا بدیعی در (۹۸) بیت بنظم درآورده ومکرراً بانصاب الصبیان وبسال ۱۲٦۵ بانصاب مثلث چاپ‌شده‌است درتذکره هفت‌اقلیم بنـام **بدیعی** دو نفر نام برده شده ، در ص ۱۱۵۳ نسخه خطی این کتابخانه درذیل‌سمرقند گوید :بدیعی‌مشهوربمولانازاده دروسعت مشرب واطلاع برعلم‌تاریخ و وقوف درعلوم‌غریبه ازهنرمندان آن خطّه بوده . و در ص ۱۰۲٦ نسخه مذکوردرذیل‌تبریز گوید : ازشعرای غیرمشهوراست واحوالش‌بنظر نیامده .

در ص ٦۵ دانشمندان آذربایجـان در تحت عنوان **بدیعی حکیم** گـوید : دیوان غزلیات کوچکی از این بدیعی نزد نگارنده هست وباغلب احتمال منظومهٔ مثلّثات لغت نیز باید از آثار همین بدیعی باشد الخ .

آغاز : از پس حمد خداوند زمین وآسمان
در لغت نظمی کنم همچون لاَلی عمـان
ازیکی لفظ ارسه معنی خواهی‌ای صاحب کمال
اوّلش را فتح و کسر وضم بدین ترتیب دان ۱
رَبّ دان پروردگارو رِب‌دان جمعی زخلق
رُبّ آب خـالص ازانگوروسیب و ناردان

انجام:

اینچنین نظم بدیعی را **بدیعی** کرد نظم   تابوددرروزگار ازوی‌همی نام‌و نشان
هست‌دروادی‌عصیان‌تشنه‌ز آب‌مغفرت   ساز سیرابش الهی یاالّه انس‌و جان .

(۸۹٤)

مثلث منظوم این نسخه‌در حاشیه کنزاللّغه‌ایستکه بشمارهٔ (۱۰۷) در این کتابخانه میباشد و محمد امین‌بسال ۱۱۰۹ نویسندهٔ آنست، نویسنده نسخه‌نام برده نوشته ، خصوصیات نسخه بشماره (۷۸۰) این فهرست در ص ۲۵۳ مراجعه شود .

[۳۷۷]   مجمع البحرین   (عربی)

مؤلّف این کتاب شیخ طریحی ره‌است (فخرالدّین بن محمّد بن‌علی بن احمدبن طریح النجفی متوفی بسال ۱۰۸۵) (۱) کـه از علماء امامیّه در قرن یازدهم هجری ومعاصر باشیخ حرّعاملی بوده و اودرامل‌الآمل‌نام‌وی را برده و گویدفخرالدین‌بن محمّد .... طریحی‌مردی فاضل وپرهیزکار وعابد وفقیه وشاعرمیباشد ودیگران همین صفات را دربارهٔ وی نوشته ومؤلّفات اورا ذکر نموده‌اند ، صاحب روضات اقوال علماء رجال رادر بارهٔ وی نقل نموده و آنچه هریك راجع بمؤلّفات ایشان نوشته‌اند ذکر کرده و در آخر گویند که صفی‌الدّین طریحی پسر فخرالدّین در پاره‌ای از اجازات خود مؤلّفات پدررا بدین تفصیل آورده : کتاب **جامع المقال** فی‌تمییزالمشترکة‌من‌الرّجال (۲) واین کتاب‌برای‌رفع حاجت‌محدّثین‌بی‌مانداست،

(۱) روضات ص ۵۱۰ ، لؤلؤالبحرین ص ٤٥ ، امل‌الامل ص ٥٦ ج ۲ ، هدیة الاحباب ص ١٩٤ برای نوشتن این شرح مراجعه شده و جز لؤلؤ که فقط ایشان را بنام فخر الدین طریح نام برده همه اجداد مؤلف را چنانکه ما نیزذکر نموده ایم آورده اند ولی مؤلف در آخرجلد اول ودوم‌مجمع‌ودیگرمولفات‌خود را بدین‌نحومعرفی نمود : فخرالدین ولدمحمد علی طریح‌النجفی.

(۲) در لؤلؤ بنام جامع المقال کتابی نام‌برده شده و گوید از مؤلفات وی کتاب تمییزالمشتبه من اسماء الرجال میباشد وخالی از اجمال هم نیست .

و در روضات بنقل از صفی الدین پسر طریحی دررجال کتاب « جامع المقال فی تمییز المشتر که من‌الرجال» بشیخ طریحی نسبت داده شده و بمصداق اهل البیت ادری بمافی‌البیت این نام صحیح‌و آنچه صاحب لؤلؤ نقل کرده‌اند مختصر این نام بااندك تصرفی در آنست .

کتاب **فخریه** کبری و **فخریه** صغری فتاوی راجعهٔ بطهارت و صلوة است ، و **الضوء اللامع** فی شرح مختصر الشرایع ، شرح رساله شیخ‌حسن‌بن الشهیدالثانی (صاحب روضات نقل‌نموده که شرح **اثنی‌عشریه** درصلوة شیخ حسن‌بن الشهید ثانی از او است) ، **حاشیه** بر معتبر محقق حلّی ، کتاب **اللمع** فی شرح‌الجمع ، **اثنی‌عشریه** الاصول ، **فوائد** الاصول ، **شرح** المبادی‌للعلاّمه ، **الاحتجاج** فی مسائل‌الاحتیاج ، **کشف** غوامض‌القرآن ، غریب القرآن (۱) ، **جواهر** المطالب فی‌فضائل‌علی‌بن‌ابیطالب ، الکنزالمذکورفی‌عمل‌الساعات والایام واللیالی‌والشهور ، **مراثی الحسین** سه مجلّد کبیر وصغیر ووسیط (۲) ، **تحفة** الوارد وعقال الشارد ، **مجمع** الشتات ، **النکت** اللطیفه فی شرح الصحیفه ، **مستطرفات** نهج البلاغه ، **عواطف** الاستبصار للشیخ الطوسی ، **جامعة** الفوائد ردّ بـر محمّد امین ، **ترتیب** خلاصة العلامه ، ومجمع‌البحرین ومطلع النیّرین (همین کتاب) وغیرازاینها است .

صاحب روضات کتابی بنام **الاربعین** بنقل ازلؤلؤالبحرین بشیخ طریحی نسبت داده ولی‌درنسخهٔ چاپی‌لؤلؤ نگارنده‌نیست‌ودرامل الامل‌است که طریحی‌رارسائل واشعار بسیارمیباشد .

مجمع‌البحرین طریحی یکی از کتب مشهورهٔ درلغت میباشد ، مؤلّف در مقدّمهٔ آن گوید : چون توفیق برتشرّف و مجاورت مکّهٔ معظمه و مشهدمقدّس حضرت رضا علیه آلاف التحیّة والثناء یافتم کتابهای بسیاردر لغات غریب قرآن کریم و احادیث غیر امامیّه یافتم و دیدم لغتی که مشتمل برلغات غریبه احادیث

(۱) صاحب روضات پس ازنقل‌مؤلفات طریحی ازاجازه صفی‌الدین ولؤلؤوامل وریاض العلماء گوید : و این مؤلف رامؤلفه دیگری بنام « نزهه الخاطر و سرور الناظر » درغریب قرآن می باشد که بیشتر از هفتاد هزار بیت کتابت دارد . وقسمتی از مقدمه آنرا هم ذکر نموده اند .

صاحب روضات تصور کرده اند که مؤلفة تازه‌ای ازطریحی بدست آورده‌اند درصورتی که این کتاب همانست که صفی الدین بنام « غریب القران » آنرا معرفی نموده است

(۲) در لؤلؤ کتابی بنام « المنتخب فی الزیارة والخطب» بـه این مؤلف نسبت داده شده و صاحب روضات گوید : بر این کتاب (المنتخب) دست نیافتم‌وتصور میکنم که این همان کتاب مقتل وی باشد چرا که آنرا «المنتخب فی‌جمع المراثی والخطب» نامیده‌است.

امامیّه باشد تألیف نگردیده بر آن شدم در این موضوع تألیفی نمایم برای آنکه فائده آن اتم باشد لغات غریب القرآن را هم بآن اضافه نموده و آن را « مجمع البحرین ومطلع النیّرین » نامیدم و ترتیب آنرا موافق صحاح جوهری که بهترین طریقه در تنظیم لغت میباشد مبتنی بر آخر حروف ساختم و الف و همزه را برای آنکه استفاده از آن آسان باشد یك باب قرار دادم. و در آخر کتاب خود تصریح نموده که بسال ۱۰۷۹ تألیف آن خاتمه یافته است.

صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نموده که طریحی خود و پسرش بر مجمع البحرین حاشیه نگاشته اند.

وشیخ یوسف بحرینی در لؤلؤ گوید: مجمع البحرین و مطلع النیّرین در تفسیر غریب قرآن و احادیثی استکه درمیآن ما امامیّه صحیح ومعمول به میباشد جز اینکه چنانکه باید وشاید شامل تمام غریب نیست و این امر بر آنانکه در این کتاب تتبّع کرده اند مخفی و پوشیده نیست.

صاحب روضات گوید صفی الدّین پسر مؤلف را گذشته از حواشی مجمع «ملحقاتی» بر آن کتابست وفخر الدّین پیش از مجمع کتاب « غریب الحدیث » را تألیف کرده ودر آنجا که خود ایشان مؤلّفات پدر را از پسر نقل نمودند دیدیم که بدین نام کتابی نبود و دیگری هم ندیدیم که تألیف چنین کتابی را بایشان نسبت داده باشد، نگارنده تصوّر میکند که عبارت طریحی در مقدّمه مجمع که ترجمهٔ پارسی آن گذشت ایشان را بدین تصوّر انداخته که اوّل غریب احادیث امامیّه را جمع پس از آن غریب القرآن را بآن اضافه نموده. ونام آنرا مجمع البحرین گذارده وظاهراً از مقدّمه این نتیجه گرفته نمیشود.

پشت نخستین صفحه نسخه ای از مجمع که بیست سال پس از تألیف نوشته شده واینك در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است ابیات زیرین به پسر فخر الدّین نسبت داده شده چنین مناسب دید که آنها را در اینجا نقل نمائیم:

دع کتاب الصحاح والقاموسا   وبهذا الکتاب کن مأنوسا
فهو النور لم یشبه ظلام   اطلع الفکر فی سماه شموسا

کم حوی شرح آیة وحدیث   بمعان تسرّ منها النفوسا
فخلیق ان یبذل العلماء   العمر فیقرؤه دروسا
و حقیق ان یکتبوه بتبر   ویشیبوا به اللحی والرؤسا

لمّا رأینا مجمع البحرین تقذف بالدرر
ویحیط علماً بالکتاب والحدیث والخبر
شرحاً وایضاحاً وجمعاً بالکلام المختصر
حقاً مؤلّفه عرفنا انه بحر زخر
قد فاز بالقدح الرقیب و بالمعلی قد ظفر

فی کلّ حرف من مؤلّفك الجزاء غداً یسرك
فقت الاوائل والاواخر یا ابی لله درك

بنام « مجمع البحرین » کتب زیادی در علوم مختلفه تألیف شده و نام جمعی از آنها در ص ۳۸۳ تا ۳۸۵ ج ۲ کشف الظنون ثبت است.

مجمع البحرین در حدود (۲۶۸۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایران چاپ شده ومؤلّف آنرا در دو مجلّد گذارده (جلد اوّل تا آخر حرف الراء، جلد دوّم از حرف الزاء تا آخر کتاب) وفوائدی در مطالب متفرقه در آخر بیشتر نسخ میباشد.

آغاز: بسمله الحمد لمن خلق الانسان وعلّمه البیان والتّبیان واوضح له الهدی والایمان الخ.

(۸۹۵)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال (۱۱۶۰) نگارش یافته و مشتمل بر تمام کتاب بافوائد ملحقه بآنست، کاتب در آخر کتاب وقبل از فوائد نام خود را بهاء الدّین بن علی النجفی الشهیر بالغطاوی معرّفی کرده و در آخر قسمت فوائد نیز تصحیح ومقابله آنرا تصدیق نموده است، پشت صفحه
اوّل سیّد عبدالله بن محمد رضا شبّر متوفی بسال ۱۲۴۲ شرحی بخط خویش مبنی ۱
براینکه این کتاب متعلق بشیخ احمد زین عاملی بوده و نزد ایشان عاریه است نوشته اند و خط شیخ مذکور و بعضی از علماء دیگر نیز در این صفحه موجود

ویکی ازیاد داشتهای پشت صفحه‌را محو کرده اند ، چند ورق ازاوّل وآخر نسخه وصّالی شده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٣١٨) . صفحه‌ای(٣٤) سطر . طول (٣٨ سانتیمتر) . عرض (٣٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٨٤) .

(٨٩٦)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب باقسمت فوائد ان میباشد ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته و فقط بتاریخ تألیف آن قناعت کرده پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی مشتمل براخبار و مطالب متفرقه نوشته‌شده‌ودر آنجا است که بسال ١٢٤٠ داخل کتابخانه یکی از شاهزادکان گردیده ومهری بدین سجع در ذیل آنست : (الواثق الراجی محمد رضا) . ودرحاشیهٔ چند ورق اوّل مطالبی بخط مرحوم اعتضادالسلطنه موجود وزیر بعضی را بعنوان « وزیرعلوم » امضاء کرده است .

جلد جرمی روغنی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٧٠) . صفحه ای (٣١) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٧٧) .

(٨٩٧)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ محمد تقی بسال ١٢٤١ نوشته شده وشامل مجلداوّل کتابست(ازاوّل تاآخر حرف راء) ورق‌اوّل و صّالی شده ولغات آنرا باسرخی نگاشته‌اند.

جلد ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (١٩٤) . صفحه ای (٣٠) سطر . طول (٢٩ سانتیمتر) . عرض (٢٠ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(٧٩) .

(٨٩٨)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (١٢٢٤) نوشته شده وشامل تمام کتاب(بدون فوائد) میباشد ، یك صفحه از اوّل کتاب افتاده و اوّلین سطر موجود این است : (سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفرلهم وللانکار الابطالی فتقتضی بطلان مابعد ها الىخ) . ورق اوّل و آخر و صّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٠٦) . صفحه ای (٢٩) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٨٠) .

(٨٩٩)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (١٢٥٩) تحریر یافته وشامل تمام کتاب بافوائد آن است ، درپشت صفحه اوّل یادداشت هائی ازمالکین نسخه‌درهروقت نوشته شده وقبل از آن سه ورق کاغذ ننوشته است که برروی صفحهٔ اوّلی محاسبهٔ باسیاق و صورت رملی یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (٣٩٨) صفحهٔ (٣١) سطر . طول (٣٥ سانتیمتر) . عرض (١٩ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٧٨) .

(٩٠٠)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال ١٢٥٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، مجلّد اوّل کتابست ، لغات در متن و حاشیه باشنجرف نگاشته شده وصفحات مجدول بدانست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٣٤٣) صفحه‌ای (٢٠و٢٤)سطر . طول (٢١ ½ سانتیمتر) . عرض(١٥ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(١٠٣) .

(٩٠١)

مجمع البحرین این نسخه مجلّد دوّم ونگارش نویسنده نسخه بالا بسال ١٢٥٦ میباشدونیز لغات درمتن وحاشیه باشنجرف ومجدول بآنست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق(٢٦٢) . صفحه ای (٢٤) سطر . طول (٢١ ½ سانتیمتر) . عرض (١٥ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٠٤) .

(٩٠٢)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، شامل تمام کتابست(فوائد را ندارد) ، لغات باشنجرف وظاهراً ازخطوط قرن سیزدهم‌هجری میباشد ، وقفنامهٔ آن پشت

ورق اوّل نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۹۰) صفحه ای (۳۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۸۱) مدرسه مشیرالسلطنه .

[۳۷۸] مختارالصحاح (عربی)

این کتاب از آنهائی است که از صحاح اللّغه (در ص ۱۹۲- ۱۹۷ معرّفی شده) مختصر شده ، مختصر کننده زین‌الدّین محمّدبن شمس‌الدّین ابی بکررازی حنفی از علمای قرن هشتم هجری میباشد وتنظیم آن نیز بترتیب صحاح‌اللّغه مبنی‌بر حروف آخرلغاتست .

درص۹۱۷ معجم المطبوعات بدون ذکرمأخذ نوشته شده : محمدبن ابی‌بکر رازی ازعلماء قرن هشتم هجری وتاسال ۷۶۸ زنده بوده و مؤلّف کتاب « الذّهب الابریزفی‌تفسیرالکتاب‌العزیز » و «روضة الفصاحه » درعلم بیان و« شرح مقامات حریری (۱) » میباشد و این اخیرچاپ نشده ونسخه ای ازاین شرح در کتابخانهٔ دارالکتب‌المصریّه ونسخه ای در کتابخانهٔ تیموریه میباشد و « انموذج جلیل فی اسئلة واجوبة من غرائب آی‌التنزیل » که‌درحاشیه تفسیر عکبری‌چاپ شده و « مختارالصّحاح » میباشد که مکرّر چاپ گردیده و محمود خاطربیك آنرا بترتیب حروف اوائل مرتب نموده و آن نیز بسال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده است .

مختارالصحاح یکی‌از کتب معروفه و مختصرهٔ لغت میباشد ، مؤلّف درمقدّمه آن بمعرّفی کتاب پرداخته و گوید :

این مختصری‌است، درعلم لغت که‌از کتاب صحاح‌جوهری جمع گردیده، چرا که صحاح بهترین ونافعترین کتب لغت میباشد ونام آنرا « مختارالصحاح » گذاردم ودر این اختصار اقتصار برلغاتی شده که هرفقیه و حافظ و محدث و ادیب ناچار بدانستن وحفظ آن است و زبان زد ایشان میباشد و مراعات لغات مهمه مستعمله ، خصوصا درقرآن عزیز واحادیث نبویه م گردیده و از ذکر لغات مشکله و غریبه برای اختصار خود داری شده و گذشته از آنچه درصحاح بوده ازتهذیب‌اللغه ازهری ودیگر کتابهای مهمه لغت دراین کتاب لغاتی نقل گردیده وآنچه پس ازلفظ : **قلت** ذکر شده از فوائدی است که براصل کتاب اضافه شده و ازآنهائی است که خدای دانش آن را بمؤلف ارزانی داشته الخ .

(۱) این شرح مقامات حریری را حاجی خلیفه در کشف الظنون نام نبرده است .

پیش ازشروع بذکرلغات‌مطالب‌مهمّه ایکه دانستن آنها مراجعه کننده‌بلغت را لازم است درسه قاعده آورده شده وگذشته ازآنچه درمقدّمه ذکر شده شواهد صحاح را هم برای اختصار نیاورده و چنانکه درآخر کتاب تصریح کرده بسال ۷۶۰ این اختصار خاتمه یافته است .

آغاز : بسمله الحمد لله بجمیع المحامد علی جمیع النعم والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّدالمبعوث الی خیرالامم وعلی آله وصحبه مفاتیح‌الحکم ومصابیح‌الظلم قال‌العبدالفقیرالی رحمةالله ومغفرته محمّدبن ابی بکربن عبدالقادر الرّازی رحمةالله علیهم هذا مختصر فی علم‌اللّغه . . . . وسمیّته **مختارالصحاح** واقتصرفیه الخ .

(۹۰۳)

مختارالصحاح این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، از کیفیت خط معلوم میشود که نویسنده ترك نژاد بوده و در قرن یازدهم هجری نگاشته شده در حاشیه از کتب مجمل‌اللّغه ، قاموس ، اختری ، مغرب ، صحاح ، ودیگر کتابها مطالبی نقل گردیده و برچهارورقیکه پیش ، و یك ورقیکه درآخر نسخه است مطالب متفرقه ای از تفسیر واشعار ولغت وغیره یادداشت شده وپشت صفحهٔ اوّل نسخه یادداشتهائی از مالکین نسخه پیش از وقف براین کتابخانه میباشد و از آخر درحدود دوورق افتاده وآخرسطر آخرین صفحه موجود که درذیل لغت **ما** می‌باشد نوشته شده :

قال ابوعبید تنسب‌القصیده‌التی قوافیها علی ماماویّه وقول‌الشاعر اماتری‌یعنی ان تری و تدخل تمّ الکتاب تم‌پس ازلغت **ما** لغات چندی است که بیان راجع بآنها در این نسخه نیست

وبامراجعه بنسخهٔ چاپی مختارالصحاح دانستیم که قسمتی از آخر کتاب در حدود (۲۰۰) بیت این‌نسخه ناقص‌است وتمّ الکتاب هم دراین‌نسخه‌الحاقی‌است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۹۱) صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲٤سانتیمتر) . عرض (۱٦سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹۵) .

[۳۷۹] مختصرالصحاح (عربی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزیراین سطور گفته خواهد شد یکی‌از مختصرات

صحاح اللّغه جوهری است که معرّفی از آن گذشت، در اوّل و آخر نسخه نامی از مختصر کننده نیست و جز مقدّمه‌ای در چند سطر بر مطالب صحاح چیزی زیاد نگردیده که در آن زوائد اشاره ای و دلیلی بر مختصر کننده باشد و چنانکه در مقدّمه تصریح شده آیات و احادیث و ابیات استشهاد شده و قواعد صرفیّه و نحویّه را که صحاح شامل بود جز بسیار کمی از آنها در این مختصر نیست. و در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت این مختصر است.

مختصر کنندگان صحاح را که بر نام آنها دست و خبر یافته ام در اینجا می آورم و احتمال میدهم که این مختصر از آثار ابن صائغ دمشقی (شمس الدّین محمّد بن حسن بن سباع متوفّی بسال ۷۲۰) بوده باشد ولی جازم بر آن نیستم و مختصر کنندگانیکه حاجی خلیفه در ص ۷۵ ج ۲ کشف الظنون یاد نموده اینانند:

۱ - شمس الدین محمد بن حسن بن سباع المعروف با بن الصائغ الدمشقی متوفی بسال ۷۲۰ ودر این مختصر شواهد حذف گردیده است.

۲ - محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی پس از سال ۰۰۰ مختصر خویش را که بسال ۷٦۰ انجام یافته «مختار الصحاح» نامیده (این کتاب را در ص ۲۷۸ و ۲۷۹ معرفی کامل نمودیم).

۳ - مولی محمد معروف به العیشی متوفی بسال ۱۰۱٦ نیز از مختصر کنندگان میباشد و گفته میشود که اختصار وی سود مندتر و بهتر از مختار الصحاح است ولی این مؤلفه مشهور نشده.

٤ و ٥ - محمود بن احمد زنجانی متوفی بسال ۰۰۰. از مختصر کنندگان کتاب صحاح میباشد ودر کشف الظنون عبارت مذکور در مقدمه «تنقیح الصحاح» را که در ص ۱٦٦ معرفی از آن نمودیم بدون ذکر ماخذ آورده وما از مقدمهٔ تنقیح نقل نمودیم که مؤلف آن بدواً مختصری در حدود پنج یك $\frac{1}{5}$ صحاح بنام «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» تالیف پس از آن باز آنرا مختصر نموده ونام آنرا «تنقیح الصحاح» گذارده واین مختصر ده یك $\frac{1}{10}$ اصل کتاب گردیده است.

٦ - و دیگر از مختصرات صحاح بنام «نجد الفلاح» و مانند مختار بحذف شواهد می باشد (نامی از مؤلف مختصر نبرده است).

ونیز در ص ۷٦ ج ۲ کشف الظنون نگاشته شده:

۷ - پیر محمد بن یوسف الانقروی صحاح اللغه را ترجمه کرده ودر آن ذکر نموده که چون از کتاب «ملتقط الصحاح» فراغت یافتم گروهی را بترجمه آن مائل دیدم از اینرو بر آن شدم و آن را ترجمه کرده و «الترجمان» نامیدم

و در ص ٥١٤ ج ۲ در حرف میم نوشته:

«ملتقط الصحاح الجوهری و الملتحق بمختار الصحاح» تالیف پیر محمد بن یوسف القرمانی (کذا فی النسخه والصحیح الانقروی کماصرحنا به آنفا - ابن یوسف) الارکلی اوله: الحمدلله بکل ماحمده اقرب عباد الیه الخ:

و در ص ۲۷۹ ج ۱ گوید:

«ترجمان»، تالیف پیر محمد بن یوسف الانقروی، لغت ترکی ودر سه مجلد میباشد وآنرا ازجوهری و مغرب وجزاین دو جمع کرده ودر بیست وهشت باب مرتب شده است.

تناقض این بیان کشف الظنون باآنچه پیش از این دربارهٔ «الترجمان» از وی نقل گردید، آشکار و محتاج بیان نیست.

صاحب روضات در ص ۱۲۷ ج ٤ بنقل از امل الامل «**مختصر الصحاح**» را به شیخ مفلح صیمری مؤلف شرح شرایع و شرح موجز و منتخب الخلاف وجواهر الکلمات فی العقود والایقاعات که معاصر شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بوده نسبت داده و نیز در ذیل آن گوید پسر وی حسین بن مفلح معاصر صاحب «مشایخ الشیعه» بوده واو را بی نهایت ستوده و گوید که از وی استفاده علمی نموده و بسال ۹۳۳ در حالیکه بیش از هشتاد سال عمر داشت جهان را وداع گفت.

بنابر این این مختصر در قرن نهم هجری تنظیم شده است ونیز صاحب روضات گوید: صیمر چون حیدر و گاهی هم آن را مضموم خوانند وصاحب قاموس درماده صمر پس از بیان بالا گوید ونیز نام رودخانه ایستکه در بصره است که بر کنار آن دهاتی است وصیمره چون هیمنه شهری است در نزدیکی دینور و نیز نام بخشی است از بصره که در دهانه رود خانه معقل قرار گرفته و مردمان آنجا مردی عاصم نام و پس ازوی پسران اورا پرستش میکنند الخ.

۹ - در امل الامل «مختصر الصحاح» به علی بن یونس عاملی نباطی نسبت داده شده و مادر ص ۲۷٥ درج ۱ فهرست این کتابخانه مؤلفات دیگر این مؤلف را نقل نموده وسال وفات ایشان را سنهٔ ۸۷۷ پیدا کرده ایم.

باتفحص و تجسس در فهارس چاپ شده و استفسار از دانشمندان معاصر وفهرست های کتابخانهای شخصی که در دسترس نگارنده است مختصر دیگری برای صحاح بدست نیاورده ام.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی فضّل لسان العرب علی جمیع اللسان الخ.

انجام: وقد یحذف حرف النداء نحو یوسف اعرض عن هذا اذا کان المراد معلوماً والحمد لله علی الاتمام بعون الملك العلاّم والصّلوة والسّلام علی رسوله الانام محمّد و آله الکرام و صحبه العظام صلوة جامعة بین الاسم و المسمّی و مزلفة بین المکشوف والمعمّی.

(۹۰۴)

مختصر الصحاح این نسخه را بسال ۹۲۸ بخط نسخ محمدبن عبدالکریم بن محمودمشهوربه بکسماتی نوشته‌وپس‌ازاتمام‌این‌مختصر مثلّثات قطرب که درص۲۷۰و۲۷۱از آن‌معرفی‌شدو پس از آن‌قوافی‌تألیف حبیش‌تفلیسی که نیز درص۲۵۰و۲۵۱آنرا معرفی کردیم‌نگاشته‌شده ، قسمتی‌ازلغات‌نوشته‌نشده (بقیه تفسیر ماده رجز تاقسمتی ازماده مرز) دو ورق کاغذ ننوشته بجای آن گذارده شده و در حاشیه بسیاری از صفحات حاشیه هائی از کتب قاموس وصحاح ومغرب و کتب فقه وغیره نوشته اند لغات وابواب وفصول را باشنجرف نگاشته اند ، پشت ورق اوّل یاد داشتهائی از مالکین کتاب در هرعصر ومطالب متفرقه ای میباشد .

جلد هقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۵۵) اوراق این مختصر (۲۰۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۰).

[۳۸۰] المصادرزوزنی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب ابوعبدالله حسین‌بن احمد زوزنی(۱) قاضی است و سیوطی در بغیة الوعاة بنقل از عبدالغافر گوید در لغت ونحو وعربیّت امام عصر خویش بوده و بسال ٤۸٦ زندگی را بدرود گفته است (در کشف‌الظنون نیز همین‌تاریخ ثبت شده).

چنانکه در ابتداء دو نسخه زیر و در کشف الظنون ص ٤٤٥ - ٤٤٦ ج ۲ نگاشته شده کتاب «المصادر» از مؤلّفات اومیباشد وقصائد « سبعه معلّقه » را هم شرح‌نموده واین کتاب‌درایران بسال۱۲۸۲ ودرمصر ولبنان‌مکرّرچاپ‌شده‌وشرح

(۱) در ص ۹۵۸ ج ۲ معجم‌البلدان نوشته شده ، زوزن (بضم و بعضی بفتح اول‌و سکون دوم وفتح سوم و سکون نون)نام شهری است که میان نیشابور و هرات واقع شده‌و چون بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته‌اند آنرا « بصرة الصغری » نامند و از بیهقی نقل نموده که زوزن‌نام رستاق وقصبه آن نیززوزن نامیده میشود ومشتمل بر۱۲٤ده میباشد.
ولی نام‌ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی مؤلف مصادر در این کتاب نیست و در کتابی دگر جز بغیةالوعاة سیوطی و روضات در ص ۲۳۸ ذیل حسین ابن الحائك ومعجم المطبوعات ص ۹۱۱ و۹۱۲ واین دو بنقل از بغیه و تاریخ آداب اللغه جرجی زیدان ج ۳ ص ٤٤ نام زوزنی را نیافتم و در ابتدا دو مؤلفه وی بلقب‌سید معرّفی شده است .

قصیده امرءالقیس آن بسال ۱۸۲۰ م . درپاریس چاپ شده وجرجی زیدان در ص٤٤ ج۳تاریخ آداب اللّغه کتابی‌بنام «ترجمان‌القرآن» بعربی‌وفارسی ، اززوزنی دانسته ونسخه‌ای ازآنرا درغوطا نشان داده جزاین‌سه مؤلّفه از این مؤلّف اثری نیافتیم .

زوزنی مؤلّف مصادر درمقدّمهٔ این کتاب گوید :

این‌مصادری است که آنها را ترجمه نموده و آنانرارا بیراسته‌ام و از اینرو آن را بی شواهد از حدیث وامثال واشعار قرار دادم که اندازهٔ آن کوچك شودواز بر کردن آن آسان گردد و در آغاز هربابی مصادر افعال صحیحه آن را قرار دادم وپس از آن مصادر معتله را آوردم و تاباخر چنین کردم (مصادر مهموزه را پس ازمعتله ذکر نموده) و در ترتیب هرنوعی از مصادر صاحب دیوان الادب را اقتدا و متابعت نمودم الخ .

مصادرهریك ازفعلهای سالم ومعتل ومهموز را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها مرتب کرده وابتدا بافعال ثلاثی مجرد نموده پس از آن ثلاثی مزید و از آن پس رباعی مجرد و درآخر مصادر رباعی مزید را آورده است .

این کتاب « مصادر » برای دانستن ترجمه فارسی کلمات عربی مفید ونگارنده برآنم که ابوجعفر احمد بن علی‌المقری البیهقی معروف به **جعفرك** متوفی بسال ٥٤٤ همین مصادر زوزنی را تهذیب و تنقیح نموده و نام آنرا « تاج المصادر » گذارده ولی درمقدّمه نامی از زوزنی و کتاب وی نبرده ولی بادقت این معنی را از عبارات آن توان دریافت و آن عبارت از مقدّمه اینست : اما بعد فان هذا مصادر هذّبت فارسیّتها وعرضت‌علی کتب الائمّة اعربیّتها وجردتها عن الامثال والاشعار الخ .

وگذشته ازاین بخش از آغاز وانجام لغات هردو کتاب را دراینجا می‌آورم تاخود مؤید این ادعا باشد وآن اینست :

عبارت آغاز لغات تاج المصادر : ۱

باب فعل یفعل من‌السالم بفتح العین فی‌الماضی وضمها فی‌الغابر :

(۱) نسخه خطی کامل این کتاب در کتابخانه مجلس‌شورای‌ملی ایران موجود و بسال۱۳۰۱ قسمتی از آن در هندوستان چاپ شده است .

ب « التقب » سوراخ کردن . « الثقوب والثقابه » افروخته شدن آتش. «والثقوب» بسیار سیر شدن اشتر . « الجاب » گوسفندو اشتر وبرده بجای بردن برای فروختن . والغابر یجلب ویجلب « الخلب » چیزی باخویشتن گرفتن و بانگ برستورزدن تااز پیش بشنود . «والجنابه» در میان بیگـانگـان فرود آمدن . « الجنب » کشیدن اسب و اشتر .

عبارت آغاز لغات مصادر :

باب فعل یفعل بفتح العین فی الماضی و ضمّها فی الغابر من السالم :

ب « الثقب » سوراخ کردن . «الثقوب» افروخته شدن آتش وجز آن . «الجلب» گوسفند و شتر وبرده از جای بجای بردن برای فروختن . « الجنب » دور کردن (و بر پهلو زدن - نسخه) . « الجنوب » دور شدن و باد جنوب آمدن یقال جنبت الرّیح ای تحولت جنوباً « الجنب » کشیدن اسب .

عبارت انجام لغات تاج المصادر :

ن « الاقتئان » رمیدن پس بیارامیدن . « الاطبینان والاطمینان والطمانینه » اسم اقیم مقام المصدر . « الاقبئنان الاکبئنان الاقسئنان » سخت تاریك شدن شب ، اقسان الرجل کبر وعسا . « الاکبئنان » واهم آمدن نوع منه . «الاکوینان» کوتاه شدن وا کوان الشیخ اوعش والله اعلم .

عبارت انجام مصادر زوزنی :

ن « الاقئنان » بیارامیدن . « الاطمئنان » مثله . « الاقسئنان » سخت شدن از پیری . « الاکبئنان » باهم (فاهم نسخه) آمدن . تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

مصادر زوزنی تاکنون چاپ نشده و درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله علی سوابغ الائه المتسابقه افواجا الخ .

(۹۰۱)

المصادر زوزنی این نسخه را بسـال ۱۰۷۰ نظام الدّین افضل بن قاضی محمد بخط نسخ نوشته ، ابواب وفصول آنهم باشنجرف نگاشته شده وپشت نسخه بنام تاج المصادر براین کتابخانه وقف گـردیده ولی مسلّماً مصادر زوزنی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطـع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) عرض($\frac{1}{4}$ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۸۸).

(۹۰۶)

المصادرزوزنی این نسخه را بسال ۱۰۹۹ محمدکاظم بن عبدالغفور برای خود بخط نسخ استنساخ نموده و در آخـر و پشت صفحه اوّل یادداشتهائی ازمالکین این نسخه درهرعصروزمان نوشته شده برورقیکه درآخر کتاب بوده مطالبی لغوی ونحوی نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن محو نشده و دو ورق اوّل و تّالی مختصری میخواهد وتصحیح گردیده وبهتر ازنسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی شمـارهٔ اوراق (۱۲۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۹۹).

[۳۸۱] مقاییس اللغه (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن فارس میباشد (ابوالحسین(۱) احمدبن فارس بن زکریا بن محمد بن حبیب القزوینی الهمدانی الرازی متوفی بسال ۳۹۵)(۲) که ازمعاریف لغویّین ونحویّین قرن چهارم هجری بوده ودرحاشیه ص۸۵ گذشت که بدیع الزمان همدانی شاگرد وی بوده ومقامات خود را در پیروی از او ساخته است .

(۱) کنیه ابن فارس درتمام مآخذ ابوالحسین ثبت شده ولی در نامه دانشوران ابوالحسن میباشد ومسلما این دومی غلط است .

(۲) این شرح بامراجعه به معجم الادبا ج ۲ ص ۶ - ۱۵ ، وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۵و۳۶ ، بغیة الوعاة ذیل احمد ، تاریخ آداب اللغه العربیه ج ۲ ص ۳۰۹ ، روضات ج ۱ ص ۶٤ و۶۵ ، معجم المطبوعات ص ۱۹۹و۲۰۰ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳۲ و ۱۳۳ ، کشف الظنون ج۲ ص ۷۳ ، نامه دانشوران ج۲ ص۵۱۱-۵۱۵ نوشته شده ودریتیمة الدهر ازابن فارس معرفی نشده فقط در آخر قسم سوم بمناسبت نامی از او برده شده و وفات ابن فارس را یاقوت از ابن جوزی بسال ۳۶۹ و از خط حمیدی بسال ۳۶۰ نقل نموده و گوید این دو تاریخ را اعتباری نیست چرا که من خط ابن فارس را بر کتاب الفصیح که تالیف خود او بود مورخ بسال ۳۹۱ دیده ام و در آخر نسخه ای از مجمل اللغه دیدم که نوشته بود ابن فارس درماه صفر سال ۳۹۵ در ری وفات یافت (قبراو اینك در این شهر معروف نیست) .

در شذرات الذهب وفات ابن فارس درذیل وفیات سال ۳۹۰ ثبت شده وسیوطی ازذهبی نقل نموده که بسال ۳۹۵ بدرود جهان گفته است و در کشف الظنون ومعجم المطبوعات این قول پیروی شده است .

ابن فارس گذشته از اینکه دربسیاری از علوم امام و پیشوا بوده و درلغت ونحو تخصّصی بسزا داشته و در مکارم اخلاق وسعهٔ صدر وبسط ید هم مشهور میباشد ، یاقوت وسیوطی و دیگران درسیره او نوشته اند :

جوانمردی کریم بود ، بسا میشد که لباس و فرش خانه خود را هم بکسی که ازوی چیزی میخواست میبخشید .

ابن‌فارس را ازهمدان برای‌تعلیم ابوطالب بن فخرالدّوله دیلمی به ری خواستند یاقوت گوید : چون‌بدین‌شهر آمد ، مردم آنجارا شافعی یافت،از آن‌مذهب‌صرف‌نظر کرد و مالکی گردید وگفت دلم بحال امام احمدبن مالك سوخت کـه در چنین شهری پیرو نداشته باشد .

سیوطی نیز همین معنی را نگـاشته ولی در نـامه دانشوران مسطور است که چون به ری درآمد جمعی ازمردم آنجارا شافعی وگروهی را حنبلی دید وعبارت مذکور را برزبان برد و مالکی گردید و این روایت بهتر از روایت اولی بنظر میآید .

محدّث نیشابوری وبعضی دیگررا عقیده اینستکه ابن‌فارس شیعه بوده وحکایتی راکه صدوق دراکمال الدّین وسیّدبحرینی درغایة المرام وصاحب‌بن‌عبّاددرمؤلفه‌ای ازخودراجع باینکه جدّ طائفه بنی‌راشدمتوطن درهمدان حضرت‌قائم آل‌محمد ص را زیارت نموده از وی نقل کرده اند ، دلیل این مدّعی گرفته اند وترجمه فارسی آن داستان درنامه دانشوران موجود است .

صاحب بن عباد نزد ابن فارس تحصیل نموده و گویند که در باره وی گفته است : استاد مـا از اشخاصی استکه تصنیف نیکو نصیب او گردیده و کریم وجوانمرد بود .

درمآخذ مذکوره اشعاری عربی به ابن‌فارس نسبت داده شده واز آنهاست :

اذا کنت‌فی حاجة مرسلاً   وانت بهـا کلف مغـرم

فارسل حکیماً ولاتوصه   وذاك‌الحکیم هوالدرهم (۱)

ونیز این اشعار که سه بیت آنرا درص ۵۰ ذیل شرح حـال ابن میثم بحرینی نقل نمودیم بدین نحو به ابن فارس نسبت داده شده :

قدقـال فیما مضی حکیم   ماالمرء الاّ باصغریـه
فقلت قـول امـرء لبیب   مـاالمرء الاّ بدرهمیه
من‌لم یکن معه درهماه   لم تلتفت عـرسه الیه
وکان من ذلّـه حقیراً   تبول سنّوره علیـه

درمعجم‌الادباء نوشته شده که ابن فارس دو روز پیش از مرگ این دوبیت راگفت :

یاربّ انّ ذنوبی قد احطّت بهـا   علماً و بی وبا علانی و اسراری
اناالموحـد لکنّی المقرّبهـا   فهب ذنوبی لتوحیدی و اقراری

ودرنامه دانشوران بنقل ازسیوطی مصرع اوّل وآخررا بایکدگر جمع نموده و یك بیت ترتیب داده و به ابن فارس نسبت داده و دربغیه هم این بیت ونسبت نیست .

مؤلّفات ابن فارس را که دانشمندان یاد نموده اند در اینجا می آوریم :

---

(۱) چندین سال پیش از این در یکی از کتب ادب این دوبیت را بدینگونه دیده ام .

اذا کنت فی حاجة مرسلا   فارسل حکیما ولا توصه
و ان باب امر علیك التوی   فشاور حکیما ولا تعصه

و نیز این دوبیت فارسی را که ظاهراً از فردوسی ویادیگری ازقدما وتقریبا ترجمه آن میباشد بخاطر دارد ،

فرستاده باید که دانا بود   بگفتن دلیر و توانا بود
همه گفته خویش انشا کند   بدانسا ن که‌مجلس‌تقاضا کند

وبنظر نگارنده چنین میرسد که دوبیت عربی مذکورازدیگری بوده وابن فارس‌موافق نظریه حق و صواب : که پول حلاّل مشکلات است ، در آن تصرف نموده باینمعنی که دو
۱ مصرع یك بیت از آنرا دو مصرع از دوبیت قرار داده و آن حکیم را درقول شاعر تفسیر کرده که پول است ودر این معنی شاعری فارسی زبان گوید :

خواهی که دل دلبر تو نرم شود   ازخانه برون آید و بی شرم شود
زاری مکن و زورمزن زر بفرست   زر بر سر فولاد نهی نرم شود .

۱ـ فقه اللّغه = الصاحبی (۱)، ۲ ـ الاتباع والمزاوجه، ۳ ـ الحجر (۲)، ۴ ـ مقدمة فی النحو، ۵ ـ ذم الخطاء فی الشعر (جرجی زیدان نسخه آنرا در برلن نشان داده)، ۶ ـ فتاوی فقیه العرب، ۷ ـ اختلاف النحویین (۳)، ۸ ـ الانتصار لثعلب، ۹ ـ اللیل والنهار، ۱۰ ـ خلق الانسان، ۱۱ ـ تفسیر اسماء النبی ص، ۱۲ ـ حلیة الفقهاء، ۱۳ ـ تقدمة دارات العرب، ۱۴ ـ غریب القرآن، ۱۵ ـ الفرق (۴)، ۱۶ ـ تقدمة الفرائض، ۱۷ ـ ذخیرة الکلمات، ۱۸ ـ کتاب الثلاثه (فقط جرجی زیدان این کتاب را به ابن فارس نسبت داده و نسخه آنرا در اسکوریال نشان میدهد)، ۱۹ ـ کتاب الحماسه المحدثه (۵)، ۲۰ ـ شرح رساله زهری الی عبدالملک بن مروان، ۲۱ ـ سیره النبی ص، ۲۲ ـ کتاب

(۱) درمعجم الادبا و نامه دانشوران صاحبی یا فقه اللغه دو کتاب شمرده شده درصورتیکه این هر دو یك کتابست و بسال ۱۳۲۸ ازروی نسخه ایکه بسال ۳۸۲ نوشته شده و درقسطنطنیه میباشد چاپ شده است وچون این کتاب را بنام صاحب بن عباد تالیف کرده بصاحبی معروف شده و حاجی خلیفه در ج ۲ ص ۷۳ قسمتی ازعبارت ابن فارس را از مقدمه فقه اللغه نقل نموده و آن نیز مؤیداستکه صاحبی و فقه اللغه یکی است وجرجی زیدان هم بدین معنی تصریح کرده است.

(۲) ثعالبی در یتیمة الدهر ذیل شرح حال صاحب بن عباد گوید: ازابوالحسین (در نامه دانشوران ابوالحسن ثبت شده ولی در یتیمه ابوالحسین) نحوی شنیدم که ابن فارس کتابی بنام « الحجر » ازهمدان برای صاحب فرستاد، چون ابن فارس از منتسبین به ابن العمید و متعصبین در باره وی بود او را بوی توجهی وعنایتی نبود و گفت حجررا بهمانجا که از آنجا آمده بر گردانید ولی پس از آن گفتار طبعش حاضر نشد که رد احسان کند آنرا گرفت ومطالعه نمود و ابن فارس را صله فرستاد.

یاقوت درمعجم الادباء نیز این کتاب را نام برده ولی در کشف الظنون ذکر نشده است.

(۳) نام این کتاب را یاقوت « کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین » ثبت نموده ولی سیوطی وحاجی خلیفه و دیگران بنام اختلاف النحویین خوانده اند.

(۴) درنسخه چاپی معجم الادبا این کتاب بنام «العراق» باعین مهمله و در نامه دانشوران « الفراق » بافاء ثبت شده وحاجی خلیفه این کتاب را یاد نکرده است.

(۵) ابن ندیم با آنکه معاصر ابن فارس بوده ازاو ومؤلفاتش نام نبرده فقط در ذیل آنهائیکه درنحو مذهب کوفی و بصری را مخلوط کرده اند گوید: ابن فارس وله من الکتب کتاب الحماسه (ص ۱۱۹ چاپ مصر) و در کشف الظنون نام این کتاب نیست.

العم والخال، ۲۳ـ اخلاق النبی ص (۱)، ۲۴ـ الشیات والحلی، ۲۵ ـ اصول الفقه، ۲۶ ـ کتاب صغیر الحجم (کذا)، ۲۷ ـ جامع التأویل فی تفسیر القرآن (درچهار مجلّد)، ۲۸ ـ الفصیح (۲)، ۲۹ ـ مجمل اللّغه، ۳۰ ـ نقد الشعر (جرجی زیدان گوید: در المزهر نام آنرا برده ولی دیده نشده)، ۳۱ ـ مسائل فی الفقه (۳)، ۳۲ ـ مقاییس اللّغه.

مقاییس اللّغه یکی از کتاب های بسیار خوب و کمیاب میباشد، باوجود این هیچیك از آنهائیکه بشرح حال و ذکر مؤلّفات ابن فارس پرداخته اند این کتاب را از مؤلّفات او ندانسته اند جز یاقوت در معجم الادبا که از این کتاب در دوجا نام برده یکی از نقلهای او را در ص ۱۹۶ این جلد آورده ایم و دیگر در ذیل

(۱) درمعجم الادباء ونامه دانشوران سه کتاب بنام « تفسیر اسماء النبی ص » و « سیرة النبی ص » و « اخلاق النبی ص » نام برده شده، نام اخلاق النبی وسیرة النبی در کشف الظنون نیست ودر حرف الف ذیل اسماء النبی گوید، ابن فارس کتابی در این موضوع تالیف نموده و آن را « المغنی » نام نهاده است سیوطی دربغیه فقط تفسیر اسماء النبی ص را نام برده که به احتمال قوی همان اسماء النبی مذکور میباشد وبایستی اخلاق النبی وسیرة النبی نیز هردو یکی باشد.

(۲) کتاب « الفصیح » را یاقوت در ضمن شماره مؤلفات ابن فارس نیاورده ولی در ذیل شرح حال، این کتاب را بدو نسبت داده وترجمه آن گذشت ودر کشف الظنون ج ۲ ص ۱۹۷ کتابی در لغت بنام فصیح ذکر شده و گوید در مؤلف آن اختلاف میباشد و واضح اینستکه تالیف ثعلب باشد و بر آن شروحی زیاد نوشته شده الخ، ودر ص ۱۱۱ فهرست ابن ندیم به ثعلب متوفی سال ۲۹۱ کتابی بدین نام نسبت داده شده است. و کتاب « الشیات والحلی » و « کتاب صغیر الحجم » و « جامع التاویل فی تفسیر القرآن » و « متحیز الالفاظ » و « العلم والحال » را نیز یاقوت نام برده و در مآخذ دیگر مخصوصا در کشف الظنون نام آنها نیست.

(۳) سیوطی پس ازذکر این جمله گوید: یغالی بها الفقهاء. ومنه اقتبس الحریری صاحب المقامات ذلك الاسلوب ووضع المسائل الفقهیه فی المقامة الحربیه وهی مائة مسئله. صاحب روضات نام این مقامه را طیبیه ذکر نموده و ظاهراً مراد مقامه ۳۲ حریری باشد که درنسخه چاپ ایران « مقامه فقهیه » معرفی شده و در شرح مطرزی « مقامه حربیه » نامیده شده و بنظر نگارنده چون در ابتداء آن تذکر داده که عزم مسافرت مدینه طیبه داشته بعضی آن را طیبیه نامیده اند و آنهائیکه این مقامه را « حرمیه » نه حربیه، خوانده اند شاید بدین لحاظ باشد که بحث ازحرمین مکه معظمه و مدینه منوره در آن گردیده و احتمال دیگر که بنظرم میرسد اینستکه این مؤلفه (مسائل فی الفقه) بامؤلفه ایکه بنام « فتاوی فقیه العرب » در مؤلفات ابن فارس نوشته شده یکی است چرا که حریری که دراقتداء به ابن فارس این مقامه را انشاء نموده ومطالب آنرا از زبان فقیهه عرب بیان کرده بنابراین بایستی ابن فارس هم این مسائل را از زبان فقهیه عرب ذکر کرده باشد وبنام « فتوی فقیه العرب » مشهور شده باشد.

شرح حال ابن فارس میباشد و در اینجا گوید : **مقاییس اللغه و هو کتاب جلیل لم یصنف مثله.** ممکن استکه بعضی تصور کنند که این کتاب و مجمل اللّغه ابن فارس که از کتب مشهوره وابن فارس بیشتر بدان مشهور میباشد یك کتاب است ولی بیانات یاقوت که حاکی از اینستکه هردو کتاب را در دست داشته این تصوّررا دفع میکند وما برای توضیح و اثبات مدعی دیباچه آن را کـه مبیّن طرز کتاب وقدرت مؤلّف درانشاء ومآخذ آنست می‌آوریم .

بسمله الحمدلله وبه نستعین وصلّی الله علی محمّد و آله اجمعین، قال **احمد** اقول وبالله التوفیق ، انّ للغة العرب مقاییس صحیحه واصولاً یتفرع منها فروع وقد اختلف الناس فی جوامع اللّغه ماالّفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقاییس ولا اصل من الاصول والذی اومانا الیه باب من العلم جلیل وله خطر عظیم وقد صدّرنا کل فصل باصله الذی یتفرع منه مسائله حتی تکون الجملة الموجزه شاملة للتفصیل ویکون المجیب عمّا یسئل عنه مجیباً عن الباب المبسوط باوجز لفظ واقربه وبناء الامر فی سائر ماذکرناه علی کتب مشهوره عالیة تحوی اکثر اللّغه ، فاعلیها واشعرفها کتاب ابی عبدالرحمن **الخلیل بن احمد** المسمی بکتاب العین اخبرنا به علی بن ابراهیم القطان فیما قرأت علیه اخبرنا ابوالعباس احمدبن ابراهیم المعدانی عن ابیه ابراهیم بن اسحق عن بندار بن لوّة الاصفهانی و معروف بن حسان عن اللّیث عن الخلیل **ومنها** کتابا ابی عبیدفی غریب الحدیث و مصنف الغریب حدثنا بهما علی عن عبدالعزیز عن ابی عبید **ومنها** کتـاب المنطق و اخبرنی به ابی **فارس** ابن زکریا عن ابی نصر اخت اللیث بن ادریس عن اللیث عن بن السکیت **ومنها** کتاب ابی بکر بن درید المسمی **الجمهره** واخبرنا به ابوبکر محمدبن احمدالاصفهانی وعلی بن احمدالساوی عن ابی بکر فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطنا من مقاییس اللغه ومابعد هذه الکتب فمحمول علیهما وراجع الیها حتی اذا وقع الشیئ النادر نصصناه الی قائله انشاء الله فاوّل ذلك کتاب الهمزه باب الهمزه فی الذی یقال له المضاعف الخ .

مؤلّف مقاییس را چون کتب لغت متداولـه امروز بترتیب حروف هجاء اوائل بامراعات حرف اوّل و دوّم مرتب نموده و بدواً لغات دوحرفی را از الف تا یا پس از آن لغات سه حرفی را نیز از الف تا یا و پس از آن لغاتیکه از سـه حرف بیشتر است ذکر نموده وشواهدی ازاشعار وگاهی از آیات واخبار بر آنها اقامه نموده و در حدود (۳۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

انجام: قال الشیخ الامام الاجل السعیدابوالحسین احمدبن فارس رحمة الله علیه واجزل له الثواب قد ذکرنا ماشرطنا فی صدر الکتاب ان نذکره وهو صدر من اللّغه صالح فاما الاحاطه بجمیع کلام العرب مما لایقدر علیه الّا الله تعالی اونبی من انبیائه علیهم السلام بوحی من الله تعالی وغیرذلك الیه والحمدلله اوّلاً وآخراً وباطناً وظاهراً والصّلوة والسّلام علی رسوله محمد وآله اجمعین الطیّبین الطاهرین .

(۹۰۷)

مقاییس اللغه این نسخه را بخط نسخ علم الهدی بن صفی بسال ۱۰۹٤ بنا بخواست عبدالرضا بن محمدبن مبارك موسوی درشیرازنوشته واین معنی را عبدالرّضای مذکور پشت صفحهٔ نخستین و برآخرین صفحه نسخه باتذکر به مقابله وتصحیح آن در تکیه نور ازتکایای شیراز بخط خود بسال ۱۰۹۵ نگاشته (تکیه نام برده اینك درشیراز معروف نیست) ونیزپشت آخرین صفحه تولد فرزند خود را که عبدالله نام داشته بسال ۱۱۰۱ معین نموده ونویسنده نسخه پشت صفحه اوّل این کتاب را بنام **مجمل اللغه** ابن فارس معرّفی نموده وبرصفحهٔ اوّل شاهزاده فرهاد میرزا مختصری از شرح حال ابن فارس را از کتاب ابن خلکان بخط خویش نگاشته . وبراین صفحه نیزتصریح شده که این کتاب مجمل اللّغه میباشد وبهمین نام نیزوقف نامه آن درهمین صفحه نگارش یافته ، هرکس که درهرهنگام مالك این نسخه بوده یادداشتی براین صفحه نموده ویکی ازیادداشتهااز محمدمعصوم حسینی منصوری دشتکی بسال ۱۱۳۷ ودیگری ازسید مفید استرابادی است که بسال ۱۱٤۷ نگارش یافته ودیگری از محمد کاظم پسرسید مفید مذکوراستکه بسال ۱۱٦٤ نوشته شده ونیزقطعه ای دروفات پدرخویش که شامل ماده تاریخ آن میباشد و سال ۱۱۵۱ را معین میکند نگاشته ویادداشتهائی دیگری هم در این صفحه است .

نگارنده چون خواست خصوصیّات این نسخه را در فهرست بنگارد بمقدّمه مراجعه نمود و عبارات آنرا بادقت ازنظر گذرانید دید که مؤلّف گوید : وقد الّف النّاس فی جوامع اللغة ماالفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقاییس ونیز گوید :

فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطناه من مقاییس اللّغه و ما بعد هذه الکتب الخ .

باهمهٔ قرائن موجوده که مجمل اللّغه بودن نسخه را ثابت مینمود بر آن شد که مجمل اللّغه نیست و مقاییس است خوشبختانه نسخه‌ای از کتاب مقاییس را در کتابخانه مدرسه مروی در تهران سراغ داشت و در ایران ظاهراً تاکنون منحصر بفرد بود و دو چند سال پیش دانشمندان کشور مصر بوجود آن خبردار شده و نسخه‌ای از روی آن استنساخ نموده و بکشور خویش بردند و پانصد مجلّد از کتابهای چاپ آن کشور را درعوض بان کتابخانه فرستادند دو نسخه را بایکدگر مقابله نمود هردو را یکی دید وازاین کشف خویش مانند یك مخترع وکاشف مطلب و موضوع علمی خورسند شد برای اینکه کاملاً تردید او رفع شود و این تصوّر هم دور شود که گویند آن نسخه مجمل اللّغه میباشد و بغلط مقاییس ثبت و معرفی شده در جستجوی دلیلی برردّ این احتمال شد خوشبختانه نسخه‌ای از مجمل اللّغه را در کتابخانه مجلس یافت و دو نسخه را بریکدگر عرضه داد آنهارا یکی ندید ونیز درفهرست کتابخانه رضویه ۴ (ج ۲ ص ۳۷۷ و۳۷۸) نسخه ای از مجمل اللغه را نشان یافت که از ابتداء کتاب تاآخر باب الراء بعده المیم بود وقسمتی ازابتداء دیباچه آن را نقل نموده وآن اینست : اَمَّا بَعْدُ وَلِیكَ اللّه بِصُنْعِهِ وَجَعَلَكَ مِن عَلتِ (کذا فی الفهرست والظاهر ممّن علت ۰) فِی الْخَیْرِ .

ونیز قسمتی ازآخر نسخه را نقل نموده و آن اینست : وامّ رمال فیما ذکره ابن السیت الضبع تم المجلّد الاوّل .

واین هردو عبارت را در مقدّمه و دیباچه کتاب ودرباب الراء بعده المیم نیافت وباکمال جزم توانست بگوید که این کتاب مقاییس است نه مجمل اللّغه .

ابواب وفصول ولغات باشتجرف نوشته شده است.

جلد تیماجی ظریف . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار ۰ قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) ۰ صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) ۰ عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۷۲).

[۳۸۲] منتخب اللغات شاهجهانی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب عبدالرشیدبن عبدالغفور حسنی مدنی تتوی است که در ص ۳۱۷ - ۳۱۹ بمناسبت فرهنگ رشیدی مختصری از حالات ایشان ذکر گردید و این منتخب را بنام شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) از پادشاهان هندوستان که از نواده های امیر تیمور گورکان بوده تألیف کرده وخود برای معرّفی از کتاب در مقدّمه آن گوید :

«این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیرة الاستعمال منتخب از کتب معتبره چون قاموس وصحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند وتحقیق الفاظ وتنقیح معانی واعتبار حرف ملفوظ نه مکتوب درعنوان باب وفصل بارعایهٔ حرف اوّل ودوّم وآخر چنانکه حرف اوّل باب وحرف آخر فصل باشد بی رعایهٔ مأخذ اشتقاق و اسقاط حروف زواید تاهرقاصی ودانی از آن بهره ور شود الخ».

و در آخر کتاب تاریخ اتمام تألیف راکه بسال ۱۰۴۶ بوده باذکر مأخذ آورده و آن اینست :

نسخه جامع ز لغات عرب — از نسخ معتبره، منتخب
نسخه قاموس و مهذب صحاح — کنز واسامی و مصادر صحاح
یافته اتمام بعهد شهی — از حق واز خلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالك ستان — شاه جهان، ثانی صاحبقران
ازپی تاریخ اش بی قال و قیل — گفت خرد «منتخب بی بدیل»

منتخب اللغات بشمارهٔ حروف تهجّی مشتمل برابواب وفصول میباشد .

این کتاب بسال ۱۲۲۳ھ و۱۸۰۸م در کلکته باحروف سربی نستعلیق چاپ شده ، مقدّمه نسخه چاپی بانسخ خطی مختلف واضافاتی دارد ودرحدود (۲۷۷۰۰) بیت کتابت این کتابست .

آغاز: بسمله ستایش وسپاس مالك الملکی که تذکار آلای بی احصای بی منتهایش الخ .

(۹۰۸)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، صفحات بجدول وابواب وفصول باسرخی ولغات بخط نسخ نگاشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی : واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱٦۵) . صفحه‌ای(مختلف السطور).طول(۳۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱).

(۹۰۹)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن حسنقلی بسال ۱۲٤۹ نوشته شده ، قسمتی از مقدّمهٔ کتاب (ازابتدا تا امّا بعد)را نویسنده ننوشته و از امّا بعد شروع کرده است ، پشت صفحه اوّل یادداشتی ازمحمد حسین بن فضل‌الله حسینی میباشد که درهمان سال نگارش نسخه نوشته شده و از قرینه عبارت آخر نسخه که مقدّمه برای نوشتن نام کسی استکه نسخه را نویسنده برای وی نوشته وناتمام‌مانده معلوم میشود که برای سیّد نام بردهٔ بالا که ازعلماء آنعصر بوده نگارش یافته ودر آخرین صفحه مقابله و تصحیح آن نیز یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۱). صفحه ای (۲٦) سطر . طول(۳۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲) .

[۳۸۳] مهذب الاسماء (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده محمودبن عمربن محمد بن منصور قاضی‌الزنجی السنجری العربی ازقبیله شیبان میباشد .

در کتب سیرورجال نام وشرح حال این دانشمند را باتفحص نیافتم، درنسخ این کتاب ، مؤلّف **الزنجی** بازاء معجمه و نون وجیم ثبت شده ونیز **سنجری** باسین مهمله ونون وجیم وراء نگاشته شده ، دانشمند شهیر آقای علی اکبر دهخدا (مؤلّف کتاب مشهور «امثال وحکم » ونویسندهٔ توانای ایران‌اند که اینك رئیس دانشکده

حقوق وسیاسی میباشند و درلغت توانائی زیادی دارند ودرهمین نزدیکی ها کتاب لغت بزرگ ایشان ازچاپ بیرون خواهد آمد) دونسخه که یکی بسیار کهنه ودیگری برحسب احتمال از نسخه این کتابخانه کهنه تراست، دارا میباشند ودر آن دونام مؤلّف نیز بهمین نحو که نقل گردید ضبط شده ولی ایشان را عقیده اینستکه کلمهٔ اوّل زنجی نیست و **ربنجنی** (باراء مهمله وباء ابجد ونون وجیم ونون) است وکلمهٔ دوّم هم سنجری نیست و**سجزی** باسین مهمله و جیم ابجد و زاء معجمه که معرب سکز باشد .

در ج ۲ معجم البلدان ص۷۵۲ نوشته شده : ربیخن بفتح اوّل ودوّم وسکون سوم وخاء معجمه ونون و آربیخن نیز گفته شده، شهر کوچکی از سغد سمرقنداست ونامی ازربنجن یااربنجن دراین کتاب نیست .

ونیزدر ج ۳ معجم البلدان ص ۳۹٤ درذیل صغد (سغد) گوید گفته‌اند قصبه آن اشیتخن است و نامی دراینجا از اربنخن یاربیخن نیست تصوّر میکنم که الزنجی مذکور دراین مؤلفه مصحّف و محرف ، ربیخن یا اربیخن بوده است .

درالانساب سمعانی ص ب ورق ۲٤۸ بنقل از تاریخ بغداد **ربنجن** باجیم میان دونون ضبط شده و گوید شهری ازسغد سمرقند است وآنرا اربنجن باهمزه نیز تلفظ میکنند ودرحرف همزه گوید کلمهٔ اربنجن باحذف نون دوّم یافت میشود وتصورمیکنم که همان نام سابق است که در تاریخ بغداد کاتب آنرااین گونه نوشته است .

و در ص ۲٤۹ ج ۱ مجمع الفصحا در ذیل عنوان سنجری خراسانی نوشته شده از قدما و شعرابوده، مدّاحی سلطان سنجر سلجوقی (این پادشاه چنانکه در کتب تاریخ ثبت شده درسال ٤۷۹ درسنجار شام متولّد شده وپدر بدین مناسبت او را سنجر نامیده ، پس ازاینکه بیست سال ازطرف برادران خود (برکیارق وسلطان محمد) در خراسان حکومت کرده و چهل و یکسال در پنجنوبت دراکثر ممالك معموره جهان سلطنت کرده بسال ۵۵۲ وفات یافته است) مینموده، وی بین الشعرا مشهورومعروف است ودرزمان سلطان نهایت جلالت داشته، چنانکه حکیم انوری (در ج ۱ ص ۱۵۲ و ۱۵۳ مجمع الفصحا وفات انوری بسال ۵۷۵ ثبت

شده است) در جائی ازاشعار خود گوید :

اینکه پرسد هرزمان اینکون خران ریش گاو

کانوری به یا فتوحی درسخن یا سنجری **.انتهی.**

مسلّماً دراین شعر قافیه سنجری است واحتمال سجزّی بودن نمیرود زیرا که این بیت درقصیده ایستکه نیز درشکایت از روزگار خویش سروده و مطلع آن اینست :

ای برادر بشنوی رمزی ز شعر شاعری

تا زما مشتی گدا کس را بمردم نشمری

وسنجری را با شاعری ونشمری ومستکبری وسرسری وپیغمبری و گستری وانگشتری وغیره هم قافیه نموده بنا براین مسلّم گردید که سنجری است نه سجزّی امّا اشعار سنجری از میان رفته این رباعی را بجهة آبله گفته :

گر بر رخ چون ماه تو ای جان جهان

از آبله چون ستارگان هست نشان

حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان

هرگز ز ستاره مه نگشته است نهان

وجز این سنجری در کتب سیر کسی را نیافتم از قرینه انشاء و مآخذیکه در مقدّمه نقل شده احتمال اتحاد این مؤلّف بااین سنجری شاعر تأیید میشود .

مهذب الاسماء شامل اسمائی ازلغت عرب میباشد که بفارسی ترجمه شده وشواهد ندارد ، مؤلّف خود گوید که آنرا از کتب ائمه ادب چون السّامی فی الاسامی (تألیف ابوالفضل احمدبن محمد میدانی متوفّی بسال ۵۱۸ میباشد) ، الاسمی فی الاسما (تألیف سعیدبن احمدبن محمد میدانی پسر میدانی نام برده بالااست وبسال ۵۳۹ فوت کرده) ، کتاب الاسامی موسوم به سعیدی (در نسخه مدرسه بدینگونه که نقل شد ثبت شده ودر کشف الظنون ج ۲ ص۵۷۵ بنام «الشهاب السعیدی» نام برده شده ونگارنده تصورمیکند که سعیدی نام کتاب لغت پسرمیدانی مذکوراستکه سعید نام داشته) ، بلغة المترجم فی اللّغه (درج ۱ ص ۲۰۲ کشف الظنون تألیف نوح بن مصطفی مفتی قونیه ثبت شده است) ، کنزالاسامی ، ترجمان القرآن ، الروضه

(ندانستم این سه کتاب تألیف کیست) و کتابهائیکه پیش از اینها تألیف گردیده چون اصلاح المنطق (تألیف ابن سکیت متوفّی بسال ۲۴۴) ، غریب المصنف (تألیف ابی عمرواسحق بن مرادالشیبانی متوفّی بسال ۲۰۶) ، دستوراللّغه (تألیف نطنزی متوفّی بسال ۴۹۷ میباشد که در ص۱۷۶ تا ۱۸۰ معرّفی از آن شد) و کتب مشاهیر و غیر از اینها گرد آورده ام و پیش از شروع بذکر اسامی اسماءالله الحسنی را موافق حروف تهجی بترتیب اوائل ذکر وبترجمه فارسی آنها پرداخته وپس از آن شروع در نقل لغات و اسامی نموده و کتاب در بیست و هشت باب منظّم شده و هریك بسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم گردیده و پس از اتمام درآخر ، بابی دراسماء متفرقه نیز بر آن افزوده ونام کتاب را خود « مهذب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء» نامیده است ودرحدود (۹۶۰۰) بیت کتابت آنست .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلق الاسماء بقدرته وخصّ بنی آدم بعزّته الخ .

(۹۱۰)

مهذب الاسماء این نسخه که لغات آن بخط نسخ و ترجمهٔ آنها بخط نستعلیق خوب میباشد آنرا محمّد باقر نام بسال ۱۰۸۷ نوشته ، اسامی کتابها وابواب وفصول باشنجرف میباشد ، درحاشیه صفحات مطالبی از کنزاللّغه وفرهنگ ابراهیم شاهی که همه بفارسی بوده اند نوشته شده وحاشیه هائی دربیان معانی لغات بپارسی نیز تحریر یافته ، ورق اوّل وآخر وصّالی شده وپشت هردو یادداشتهائی ازمالکین سابق آن دیده میشود .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۵۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳) .

[۳۸۴] النهایة فی غریب الحدیث والخبر (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن اثیر جزری است (ابوالسعادت مجد الدّین مبارك بن

محمّدبن‌عبدالکریم ٥٤٤ - ٦٠٦) (١) که ازمشاهیرعلما ومفسّرین وفقها ولغویین قرن ششم هجری ودرنحوشاگرد ابن‌الدهان‌ویحیی‌بن سعدون‌القرطبی بوده وبرادر وی عزالدّین ابن اثیر صاحب تاریخ کامل میباشد و او وفات برادر را درحوادث سال ٦٠٦ ثبت (ص ١٢٠ ج ١٢) و در باره وی گوید : در این سال برادرم مجدالدّین ابوالسعادت المبارك بن محمّدبن عبدالکریم کاتب بدرود زندگانی گفت وتولّد وی در یکی‌از دو ربیع سال چهل و چهار بوده و در بیشتر از علوم دست داشت از آنجمله فقه واصول دین و اصول فقه ونحو وحدیث و حساب، واو را رسائل زیادیست ونویسنده‌ای‌زبردست بودبدین پایه که‌دراین‌فن بوی مثل‌میزدند و مردی‌بود درآئین استوار وره رو راه‌راست‌خدای اورا رحمت کناد وازوخشنود باد ووجود او زیور زمانه بود، شاید هرکس این نوشته را بخواند مرا متهم کند که برادری وی مرا براین گفتار وادار نموده ولی آنانکه در این عصراند و او را دیده ومعاشرت کرده بودند تصدیق خواهند نمود که آنچه در باره وی گفته‌ام اندکی ازبسیار ویکی از هزار است .

شرح بسیار لطیف ومبسوطی درمعرّفی این دانشمند بنقل ازمآخذی چند در ج ۱ نامهٔ دانشوران (از ص ٦٣٤ تا ٦٣٩) نگاشته شده اگر از حدّ عادی در معرّفی از مؤلّفین بیرون نمیرفتیم همهٔ آنها را دراینجا می‌آوردم وباهمهٔ اینها در نقل این قسمت از آن، چون‌شامل مطالبی سودمند میباشد خود را موظف میدانم :

ابناء اُثیر الدین بباید دانست که عنوان این ترجمت نیز مانند عنوان بنی بابویه وابناء طاوس‌ازمشترکاتست چه فرزندان‌اثیرالدین‌ابوالکرم محمدبن‌محمدبن‌عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی‌هرسه مابین‌العلماء بابن‌اثیراشتهار دارند و درالسنه ارباب ادب جز بدین‌عنوان مذکور نیابند ولعل بسیاری از مبتدئین ومتوسطین محصلین آن سه دانشمند بی‌مانند را یکی پندارند و « نهایه ابن اثیر » و« کامل ابن اثیر » و « مثل‌السائر ابن اثیر» هرسه را تصنیف یك‌عالم

(١) تاریخ کامل ابن‌اثیر ج ١٢ ص ١٢٠ ، نامهٔ دانشوران ج ١ ص ٦٣٤ - ٦٣٩ ، بغیة‌الوعاة درحرف میم ، معجم‌الادباء ج ٦ ص ٢٣٨ ، کشف‌الظنون ج ٢ ص ٦٢١ و معجم المطبوعات ص ٣٤ و ٣٥ .

انگارند با آنکه هریك از آنها تصنیف یکی از ایشان است پس تعیین مراد و رفع اشتباه را گوئیم :

بنی اثیر سه محقق بی نظیر اند که در ادب و حسب ونسب و عصب برادراند، درفنون فضل و شجون کمال سرآمد دانشوران عهد خویش بودند ، از معاصرین آن سه دانشوریگانه ستایشها درحق‌ایشان بنظررسید شیخ شهاب الدین‌ابوالدر یاقوت حموی درذیل جزیرهٔ ابن‌عمر گوید: **بنو الاثیر العلماء الفضلاء الادباء کل منهم امام .** قاضی شمس‌الدین احمدبن خلکان در ذیل ترجمت ابوالفتح نصرالله گوید ، **و کان الاخوة الثلاثه فضلاء نجباء رؤساء لکل واحد منهم تصانیف نافعه .**

مهتر ایشان ابوالسعادات مجدالدین مبارك است که در غریب حدیث کتاب نهایه تصنیف کرده و کهتر ازوی ابوالحسن عزالدین علی‌است که در علم تاریخ کتاب کامل تالیف نموده و کهتر از ایشان ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله است که در صناعت انشاء کتاب المثل السائر نوشت ولادت هرسه برادر در جزیره ابن عمر اتفاق افتاد چه ابو الکرم پدر ایشان در آنجا توطن وحکومت داشته و از اینروی هرسه را ابن اثیرجزری گویند وجزیره ابن عمرشهری است در سه منزلی موصل بر کنار دجله از آنکه آب بشکل هلال از سه جانب بر آن محیط شده علی‌الاستعاره بنام جزیره اشتهاریافته اکنون بشرح اخبار آن سه عالم لبیب علی‌الترتیب (ص ٦٣٩ تا٦٥٧ ج١ نامه دانشوران شرح‌حال دوبرادر ابن‌اثیرصاحب نهایه‌رادربردارد .) اشتغال جوئیم و گوئیم مبارك بن محمد ازارکان‌اساتید واعیان مشایخ‌است الخ .

پس از شرح بسیار جالبی ازحالات وسیره این دانشمند که از لحاظ انشاء نیز فوق العاده و حاکی ازقدرت بیان و بنان مؤلّفین نامه دانشوران میباشد مؤلّفات این دانشمند بدینگونه نام برده شده است :

کتاب **جامع الاصول** فی‌احادیث‌الرّسول وآن کتاب جامع احادیث صحاح سته اهل سنّت است ، کتاب **المصطفی والمختار** فی‌الادعیه والاذکار ، کتاب **الانصاف** فی‌الجمع‌بین‌الکشف واکشاف(آنرا ازتفسیرثعلبی‌وتفسیر زمخشری‌فراهم آورده) ، کتاب **البدیع** فی شرح‌الفصول فی‌النحولابن‌الدهان ، کتاب **الشافی** فی‌شرح مسندالامام الشافعی، دیوان‌الرسائل والمکاتیب و کتاب **النهایه** فی‌غریب الحدیث که پنج مجلد است واورا نیزرساله ایست سودمند درصنعت کتابت .

سیوطی‌دربغیه کتاب١و٣و٤و٥ نامبرده‌را ازمؤلّفات ابن‌اثیرنام‌برده ونیز کتاب **الباهر** فی‌الفروق فی‌النحو، **تهذیب فصول** (فصول‌ازاستادش ابن الدهان است)،

البنین والبیان والاٰباوالامهات والاذواء والذوات‌را نام برده و گوید این کتاب را دیده ام و کنیه های آن را در کرّاسه ای ملخص کرده ام ودرمعجم‌الادباء (ج ٦ ص۲۳۸) این کتاب بنام المرصع فی‌الاباء والامهات والبنین والبنات والاذواء والذوات ثبت شده و چنانکه در معجم المطبوعات نوشته شده جامع الاصول و کتاب‌المرصع وی چاپ شده است .

النهایه فی‌غریب‌الحدیث والاثر تألیف‌ابن‌اثیرشامل‌لغات‌غریب‌احادیث‌میباشدو مشهور به نهایه اثیرّیه ،نهایة‌اللّغه‌و نهایه ابن‌اثیرشده‌است ودرمقدّمه‌آن‌بسیاری‌از آنانکه‌تازمان‌وعصروی‌غریب‌قرآن‌واحادیث‌را جمع‌آوری‌و تفسیر کرده‌اند نامبرده شده‌و مختصری ازخصوصیّات وطرز هریك بیان‌گردیده ودر آخر گوید :

غریب القرآن والحدیث ابی عبید احمد بن محمّد بن محمّد هروی صاحب امام ابی منصور ازهری لغوی راوتتمه ایکه ابوموسی محمّدبن ابی‌بکربن عیسی اصفهانی برآن نوشته جامعتر ازهمهٔ آن‌کتب دیدم ولی باز در این دو همهٔ لغات غریبهٔ‌کتب صحاح بخاری ومسلم وغیره را نیافتم ،از اینرو برآن شدم کتابی جامع آن دو کتاب ولغات دیگر تألیف‌کنم وآنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب ساختم ونشانه لغاتیکه ازهروی نقل شده «ها» وآنهائیکه ازلغت ابوموسی آورده شده «سینا» وآنهائی راکه خود یافته ام بدون علامت آوردم وغریب لغات قرآن راکه درآن دو کتاب بود دراینجا نیاوردم واین مؤلّفه را مخصوص‌غریب‌الحدیث قرار دادم و آن را« النهایه فی‌غریب‌الحدیث والاثر » نامیده ام .

در ابتداء حرف صاد نهایه اثیریه‌که بسال ۱۲٦۹ در طهران چاپ گردیده نوشته شده : القسم الثانی من نهایة اللّغه. ولی درجاهای دیگر از آن‌نسخه ذکر دیگر قسمتهای این‌کتاب نشده و در مقدمه هم از آن نامی نیست امّا از نسخه شمارهٔ (۹۱۲) این فهرست تقسیمات زیرین بدست می‌آید :

جزءاول : از اوّل کتاب تا آخر حرف الشین . **جزءدوم** حرف الصاد تا

آخر حرف الفاء . **جزءسوم** حرف القاف تاآخرحرف الکاف . **جزءچهارم:** ازحرف لام تاآخر کتاب .

تألیف این‌کتاب چنانکه مؤلّف در آخر تصریح کرده در اوائل قرن هفتم گردیده وبسال ٦۰٤ پاکنویس‌شده وتنظیم‌آن موافق حروف اوائل‌کلمات میباشد ، ومکرّر در مصر وایران چاپ شده و در حدود (۵۲۰۰۰) بیت‌کتابت دارد .

در کشف‌الظنون (ج ۲ ص ٦۲۱) ذیل‌این‌کتاب نوشته شده‌که صفی‌الدّین محمود بن ابی بکر ارموی متوفّی‌بسال ۷۲۳ نهایه را تذیل نموده وعیسی‌بن محمّد صفوی متوفّی‌بسال ۹۵۳ وجلال الدّین سیوطی متوفّی بسال ۹۱۱ وشیخ علی‌بن حسام الدّین هندی مشهور به متّقی هریك نهایه را مختصر نموده اند و از آن سیوطی بنام « الدرالنثیر » میباشد و اورا نیز براین‌کتاب ذیلی است .

آغاز : بسمله احمدالله علی نعمه بجمیع محامده واثنی علیه بالائمه الخ .

(۹۱۱)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ،نام نویسنده و سال نگارش را از آخر محو کرده اند ، در آخر جزء دوّم سال نگارش سنهٔ ۱۰۷۰ ثبت شده و ازاینجا نام‌کاتب نیز محو گردیده است وجزء اوّل نسخه هم دراین مجلد نیست و مشتمل برچندسطر پیش ازحرف الصاد تاآخرحرف الیاء (آخرکتاب) میباشد .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه(۳۰) .

(۹۱۲)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مشتمل برسه جزء اخیر کتابست (۲و۳و٤) کاتب نام خودوسال‌نگارش‌را ننگاشته ، مجدول بطلا و لاجورد و دارای سرلوح ظریف کوچکی میباشد ، لغات و ابواب باشنجرف نوشته شده ، میان سطرهای دوصفحه اوّل نسخه و حاشیه‌آنها تذهیب

بزرگ موی است ، ورق اوّل وآخر وصّالی شده وقفنامه را هم پشت صفحه اوّل نوشته اند وظاهراً تاریخ کتابت آن پیش از نسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۴۰۸) صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ(۲۴۹) قفسه مدرسهٔ صدر.



فصل نحو و صرف

[۳۸۵] الفیه ابن مالك = الخلاصه (عربی)

مؤلّف وناظم این کتاب ابن مالك نحوی مشهور است (جمال الدّین ابو عبدالله محمّد بن عبدالله بن مالك الطائی الجیّانی (۱) الشافعی ۶۰۰/۶۰۱ — ۶۷۲) (۲) که از مشاهیر علماء نحو ولغت میباشد وچنانکه خود درمقدّمه این کتاب گفته پیش از ایشان ابن معط (یحیی بن عبدالمعطی ۵۲۴-۶۲۸) الفیّه ای در نحو انشاء نموده(نام آن « الدّرة الالفیه فی علم العربیّه » میباشد وبسال ۱۹۰۰م . درلیپزیك چاپ شده است) و این کتاب ، الفیه ابن معط را نسخ نمود و بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده ، در کشف الظنون (ج۱ ص ۱۳۹ - ۱۴۲) وروضات درص۲۰۲ ج ۴ ذیل ابن ناظم نام بسیاری از آنها ثبت شده ومشهورترین شرح وی شرح ابن ناظم وسیوطی و ابن عقیل و ابن هشام میباشد که در این فصل از آنها معرفی خواهیم نمود .

سیوطی سی وسه مؤلّفه از ابن مالك را نام برده وابن ناظم و سیوطی بنقل از ذهبی درتاریخ الاسلام شرحی برالفیه بخودابن مالك نسبت داده اند وحاجی خلیفه نیز آنرا تذکر داده ونیز سیوطی ودیگران نوشته اند که ابن مالك شافعی مذهب بود وبه این صفت وخصلت حسن خلق و کرم بامغربیها مخالفت داشت .

(۱) جیانی منسوب به جیان بفتح جیم ابجد ویاء تحتانی مشدد ونون میباشد که یکی ازشهر های اندلس بوده است .

(۲) بغیة الوعاة ذیل محمد بن عبدالله ، معجم المطبوعات ص۲۳۲-۲۳۴ ، روضات ص۱۴۶ ج۴ ، شذرات الذهب ص ۳۳۹ ج ۵ وتاریخ آداب اللغه جرجی زیدان ج ۳ ص ۱۴۰-۱۴۱ .

چنانکه در معجم المطبوعات نگاشته شده از مؤلّفات ابن مالك **الاعلام** یا اکمال‌الاعلام بمثلث الکلام بسال ۱۳۲۹ در مصر و **تحفة المورود** فی‌المقصور والممدود نیز بسال ۱۳۲۹هیا۱۸۹۷ م **والخلاصه** یا الفیه مکرّر درایران‌ومصر و بیروت و پاریس باشرح سلوستر دساسی بفرانسه وباترجمه ایطالیائی مسیو ویتو Evitto قنصل ایطالیا در بیروت وباحواشی و تعلیقات بزبان فرانسه مسیو کوکه A.goguer نیز دربیروت چاپ شده جرجی زیدان در آداب اللّغه العربیّه گوید : بنتو مستشرق‌فرانسوی الفیه‌را بفرانسه ترجمه نموده ودرآستانه چاپ‌شده است **وشواهدالتوضیح** والتصحیح لمشکلات‌الجامع الصحیح (شرح‌احادیث‌مشکله واعراب‌صحیح بخاری است) بسال ۱۳۱۹ درهند **ولامیة الافعال** یاالمفتاح یابنیة الافعال در پطرز بورغ (لنین گراد) بسال ۱۸٦٤ م . چاپ شده است .

جرجی زیدان سیزده مؤلفه ابن مالك را درتاریخ آداب اللّغه نام برده ومحل وجود نسخ آنرا تذکر داده است . از هزار بیت الفیه (۹۱۳) بیت درعلم نحو و (۸۷) بیت در علم صرف میباشد ومؤلّف در این بیت که سه بیت بآخر کتاب مانده‌است تصریح بنام خلاصه نمود وآن اینست :احصی من الکافیة **الخلاصه** .

آغاز: بسمله قال محمّد هو ابن مالك احمد ربّ الله خیرمالك

انجام: وآله الغرالکرام البرره وصحبه المنتجبین الخیره

(۹۱۳)

الفیه ابن مالك این نسخه بسال۱۱۸۷ بخط نسخ خوب نوشته شده ، دوورق ازاوّل‌آن که مشتمل‌برسیزده بیت اوّل بوده افتاده ونخستین بیت نسخه اینست: والا مران لم یك للنون محل . ترکیب ابیات اولیّه نسخه درذیل آنها نگاشته شده وتعلیقاتی مختصر درحواشی آنست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای ۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۷) .

(۹۱٤)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، تمام سیوطی « بهجة المرضیّه »

درحاشیه صفحات نسخه بخط شکسته نستعلیق نیزنوشته شده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرامحو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔاوراق (۷۳) . صفحه ای (۷) سطر. طول (½ ۳٤ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۱) .

(۹۱۵)

الفیه ابن مالك این‌نسخه را بخط نسخ خوب عبدالحمید موسوی بسال۱۲۰۱ نوشته ، سی وپنج بیت ازاوائل الفیه بفارسی ترجمه وترکیب شده و زیرآن نگاشته شده‌دو ورق از اوّل و دو ورق از آخر وصالی گردیده وبنام شرح الفیه فارسی وقف شده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۷) سطر و اوائل دو سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (½ ۱٦سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۹) .

(۹۱٦)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ ابوطالب نام بسال ۱۲۵۷ در مدرسه حاج محمد حسینخان مروی درطهران نوشته شده وترکیب ابیات اولیّه در ذیل آنها نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۱) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض(۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸٦) .

(۹۱۷)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکّر نداده ولی مسلّماً از خطوط اواخر قرن سیزدهم هجری میباشد ، پشت ورق‌اوّل‌راچسبانیده اند و دارای یك سرلوح ومجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است .

جلد تیماج. کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۵۳) . صفحه ای(۱۰) سطر. طول (۱۳سانتیمتر) عرض (½ ۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۱) .

(۹۱۸)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نام نویسنده وسال نگارش را ندارد ، قسمتی ازاوّل آن افتاده کاغذ ننوشته گذارده اند ، در آب افتاده ومحتاج وصّالی است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۱۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۵) .

[۳۸٦] اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك (عربی)

التوضیح = شرح الفیه

مؤلّف این کتاب ابن هشام نحوی انصاری است (جمال الدّین ابو محمد عبدالله بن یوسف بن احمدبن عبدالله بن هشام انصاری نحوی حنبلی ۷۰۸-۷٦۱) (۱) که ازعلماء مشهور نحو وادب بوده و سیوطی بنقل ازالدّرّرالکامنه ازابن‌خلدون نقل نموده که چون درمغرب بودم خبر آوردند درمصر عالمی بعلوم عربیّت ظهور کرده و او را ابن‌هشام نامند و از سیبویه نحوی تراست . ودربارهٔ وی نوشته اند که باابی حیّان بسیار مخالفت میکرد واز عقائد او منحرف بود و یگانه کس بود که فوائد غریبه ومطالب دقیقه واستدراکات عجیبه وتحقیق کامل وتوانائی برتصرف درکلام وملکهٔ برایراد آن‌رابابهترین طرز وروش پسندیده وفروتنی واحسان و مهربانی ونرمی اخلاق ورقت قلب جمع کرده بود .

مؤلّفات ابن‌هشام نحوی عبارتنداز: **مغنی اللبیب** عن کتب الاعاریب، **قطر الندی وبل الصدی** ، شرح قطر الندی ، **الغاز نحویه** ، شذور الذهب فی معرفة کلام العرب ، **شرح شذور الذهب** ، شرح بانت سعاد ، **موقد الاذهان وموقظ الوسنان** . که همه بچاپ رسیده و **عمدة الطالب** فی تحقیق تصریف ابن الحاجب درّ دو مجلّد ،

(۱) بغیة الوعاة در حرف العین ، شذرات الذهب ج ٦ ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۱٤۳ ومعجم المطبوعات ص ۲۷۳ - ۲۷۵ .

رفع الخصاصه(۱) عن قراء الخلاصه (درچهار مجلّد)، الجامع الکبیر، الجامع الصغیر(۲)، شرح الشواهد الکبری والصغری (۳)، التحصیل والتفصیل لکتاب التکمیل والتذییل(٤) (درچند مجلّد میباشد وشرح کتاب تسهیل الفوائد وتکمیل المقاصد تألیف ابن مالك است) ، شرح الملحه(٥) تألیف ابی حیّان، حواشی علی الالفیّه، مسائل سفریّه، الاعراب عن قواعد الاعراب(٦) ، مسائلی که سیوطی آنهارادراشباه ونظائر درج نموده (۷) **واوضح المسالك الی الفیة ابن المالك** وغیر از اینها است .

اوضح المسالك چنانکه‌ازنام آن برمی آید شرح مشکلات وبسط مطالب مختصرهٔ الفیّه ابن مالك ودرنحو است و این نام را مؤلّف خود بر آن گذاشته و چون در توضیح و تبیین مطالب الفیّه میباشد مشهور **بتوضیح** نیز گردیده و بسال ۱۳۰۲ و ۱۳۱٦ در مصر و بسال ۱۸۳۲ م. درکلکتّه چاپ شده و در حدود (۲٥۰۰) بیت کتابت دارد و کتاب التصریح بمضمون التوضیح تألیف خالد ازهری که درهمین فصل ذکر خواهد شد شرح براین کتاب میباشد وچنانکه در ص ۱٤۲و٥۷٥ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده کتاب «رفع الستوروالارائك عن مخبیّات اوضح المسالك»

(۱) دربغیه ومعجم المطبوعات رفع الخصاصه ضبط گردیده ، ولی درص ۱٤۲ و٤۹۳ ج ۱ کشف الظنون دفع بادال مهمله است .

(۲) جرجی زیدان نسخهٔ این کتاب را درپاریس نشان داده .

(۳) جرجی زیدان کتابی بنام « الروضة الادبیه فی شواهد علوم العربیه » بابن هشام نسبت داده وگوید نسخهٔ آن در برلن میباشد. ولی بدین نام و نام شواهد کبری و صغری در کشف الظنون کتابی ذکرنشده ، احتمال دارد که این کتاب موجود در برلن یکی از دو کتاب مذکور باشد .

(٤) سیوطی این کتاب‌رابنام «شرح تسهیل» ذکرنموده‌وگوید‌مسوده آن پاك‌نویس نشده‌است.

(٥) ملحه در نحو و تالیف ابوحیان محمدبن یوسف اندلی متوفی بسال ٧٤٥ میباشد (ظنون ج۲ ص٥۱٦) .

(٦) سیوطی در بغیه « القواعدالکبری والصغری » را بابن هشام نسبت داده ومؤلف خوددر مقدمه یکی‌از آنهاتصریح‌نموده که آنرا «الاعراب‌عن‌قواعدالاعراب» نامیده این کتاب الاعراب « قواعد الاعراب » نیز خوانده میشود و بایستی این کتاب یکی از دو قواعد مذکور باشد (قواعد کبری) وبرالاعراب شرحی ازخالد ازهری دراین فصل ذکرخواهد شد .

(۷) در معجم المطبوعات بدینگونه شرح داده شده ، ۱ - مسائل فی النحو واجوبتها . ۲ - مسالة لاعتراض الشرط علی الشرط . ۳ - کتاب الشهذافی احکام هذا. ٤ - شرح القصیده فی المسائل النحویه .

تألیف محیی الدّین عبدالقادربن ابی القاسم السعدی المالکی المکّی متوّفی بسال ۸۰۸ ثمان و ثمانمائه حاشیهٔ براوضح المسالك میباشد .

تذکّری که دراینجا بنظرلازم می آید اینستکه نباید این ابن هشام نحوی انصاری را باابن هشام بصری مؤلّف سیرهٔ رسول الله ص اشتباه نمود وصاحب کشف الظّنون برخلاف همهٔ مآخذ سال وفات ابن هشام نحوی را بسال ۷٦۲ ضبط کرده است .

آغاز : بسماه الحمدلله رب العالمین .... قال الشیخ الامام .... اما بعد حمدالله مستحق الحمد و ملهمه ومنشی الخلق و مقدمه الخ

(۹۱۹)

اوضح المسالك این نسخهٔ بخط نستعلیق نصیربن فرج نوشته شده، سال نگارش را ننوشته ، پشت نخستین برگ یادداشتی بسال ۱۲۸۰ نوشته شده قسمتی ازآن را محو کرده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۸) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۲) .

(۹۲۰)

وضح المسالك این نسخه را بخط نسخ احمدبن محمّد رضا بسال ۱۲٦۸ نوشته ، همین نویسنده « المقدمة الجزریّه » را که منظومه ای درعلم قرائت میباشد و در ص ۱۹۱و۱۹۲ ج ۱ فهرست ازآن معرّفی گردیده، پیش از شروع بنگارش اصل کتاب نوشته است .

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۹) .

[۳۸۷] ترکیب کافیه (عربی)

این کتاب در اعراب وترکیب کافیه ابن حاجب میباشد که از آن درحرف کاف همین فصل معرّفی کامل خواهیم نمود ، قسمتی از ابتداء نسخه ذیل افتاده از اینرو نمیتوان گفت تألیف کیست ، بنام « ترکیب کافیه » براین کتابخانه وقف گردیده ، ما نیز بهمین نام از آن معرّفی مینمائیم ، از مطالعهٔ مطالب مندرجهٔ هم نتوانستم مؤلّف را شناخت فقط در ورق چهاردهم نسخه این عبارت را یافتم :

وهذا ماافاده الشیخ العلامه اسحق بن محمود القرشی رحمه الله . درمآخذیکه در دست داشتم این دانشمند راهم نشناختم وندانستم که در چه عصری بوده است .

در کشف الظنون (ج ۲ ص ۲۵۱ و۲۵۳) سه کتاب دراعراب کافیه نام برده شده آنهارا دراینجا می آوریم:

۱ ـ معرب الکافیه لمحمدبن ادریس بن الیاس المرعشی اوله: الحمدلله القدیم الباری الخ . ۲ ـ (درذیل کافیه ابن حاجب) وفی اعرابها کتاب مسمّی **بالافصاح** لواحد من علماء الدولة المرادیّه قدم فی اوّله تفسیرسورة الفاتحه صنعه لولد الشیخ احمدبن یوسف السلانیکی باشارته ٤ ـ اعراب حاجی باباالطوسی المتوفی سنه .... (در فهرست کتابخانه رضویه ج ۳ ص ٤ نسخه ای از اعراب کافیه موجود و به حاجی باباالطوسی نسبت داده شده است) .

ونیز درص ۱٦٤۰ ج ۲ فهرست کتابخانه آصفیه کتاب زیرین دراعراب کافیه نام برده شده :

تعلیل الاعراب الشائیه فی حل الترکیب الکافیه ، ودر مقابل آن نوشته شده که بسال ۱۸۷۱ دراروپا چاپ شده ونامی ازمؤلّف وزمان حیات او نبرده است .

(۹۲۱)

ترکیب کافیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۵ نوشته شده ، از ابتداء آن اوراقی افتاده ، اوّل موجود آن اینست ، ماهیّة وهی واحدة وان کان الاسم العموم و ذلك عارض ولاینافیه تاءالوحده **ولفظ** خبرها وهومصدر یستوی فیه المذکّر والمؤنث **وضع** ماض مجهول والمستکن فیه مفعول مالم یسمّ فاعله راجع الی اللفظ الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٦) . ۱

[۳۸۸] التصریح بمضمون التوضیح (عربی)

این کتاب شرح اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك میباشد که درص ۳۰٦

معرّفی از آن گردیدو شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است (زین الدّین خالدبن عبدالله بن ابی بکر المصری الازهری متوّفی بسال ٩٠٥) که ازعلماء نحو معاصر با جلال الدّین سیوطی وعبدالرّحمن جامی آن دو عالم نحوی بزرگ بوده و صاحب شذرات الذهب (١) درزیر مردگان درسال ٩٠٥ نام ونسب اورا چنانکه نقل نمودیم ذکر نموده و گوید : کار وی روشن ساختن چراغهای یکی از مدارس بود ، روزی فتیلهٔ وی بر جزوهٔ یکی ازطلاّب افتاد، اورا ناسزا گفت وبنادانی نسبت داد، این نسبت بروی سخت آمد، بااینکه سی و شش سال ازعمرش گذشته بود، شروع بتحصیل نمود ودرآن موفقیّتی یافت ومردم را بخویشتن مشغول کرد وشرحی جامع برتوضیح نگاشت که مانند ندارد ودیگر ازمؤلّفات وی اعراب الفیه ابن مالك وشرح سودمندی برجرومیه(٢) وشرحی برقواعدالاعراب ابن هشام (٣) وشرحی برمقدّمه جزریه درتجوید (٤) و شرحی برقصیده برده(٥) و مقدّمه ازهریه وشرح آن (٦) میباشدوازمؤلّفات او مردم بسیار سودمند میشوند چراکه بی زوائد وواضح و آشکار بدون تعقید تألیف گردیده است .

صاحب روضات گوید نسبش به ابومنصور ازهری (صاحب تهذیب اللّغه) میرسد و بسال ٨٩٦ تألیف تصریح خاتمه یافته و مشتمل برسی و چند هزار بیت ومورد توجه وعنایت طلاّب ومدرسین دراین زمان است .

در مقدّمهٔ آن خودگوید : ابن هشام را در خواب دیدم بوی گفتم کتاب توضیح شما محتاج بایضاح است تصدیق نمود و گفت برآنم که در مشکلات آن

(١) شذرات الذهب ج ٨ ص ٢٦ ، روضات ج ١ ص ٢٧٠ ، معجم المطبوعات العربیه والمعربه ص ٨١١ .
(٢) بنام : شرح الاجرومیه دو بار درمصر چاپ شده .
(٣) در معجم المطبوعات بنام «موصل الطلاب الی قواعدالاعراب » که نام آنست ثبت شده و گویددر حاشیه تمرین الطلاب مکرر چاپ شده است .
(٤) بنام الحواشی الازهریه فی حل المقدمه الجزریه دوبار چاپ شده .
(٥) بسال ١٢٨٦ چاپ شده است .
(٦) بنام شرح الازهریه این شرح دوبار چاپ شده است .

چیزی بنگارم چون بیدار شدم خواب خود را بدوستان و دانشمندان نقل نمودم گفتند که این خود تورا اجازه ایست که بدین کاراشتغال جوئی بااستخاره ازخداوند توانا شروع باین کارنمودم ونام آنرا « التصریح بمضمون التوضیح » گذاردم الخ.

تصریح بسال ١٢٨٤ درایران چاپ شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الملهم لتحمیده حمداً موافیا لنعمه مکافیاً لمزیده الخ .

(٩٢٢)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه را بخط نسخ محمدبن حسین بسال ١٠٨١ نوشته ، چند ورق از اوّل و آخر آن وصّالی شده وپشت صفحه اوّل یاد داشتهائی و مطالب متفرقه ای نگاشته اند و این نسخه سال فراغت از تألیف را مطابق آنچه صاحب روضات نقل کرده بود داراست .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٨٤) . صفحه‌ای (٢٩) سطر. طول (٢٩ سانتیمتر) . عرض (٢٢½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢١٥) .

(٩٢٣)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه بخط نسخ خوب محمد باقر بن ملاّ ولی استرابادی بسال ١٠٩٦ نوشته شده ، عبارات متن را در همهٔ صفحات باشنجرف نگاشته ، از کلماتیکه درحاشیه صفحات نوشته شده معلوم میشود که تصحیح و مقابله بانسخی گردیده و کتاب الجوهرة الثانیه فی الشعر وعلل القوافی تألیف ابوعمرواحمدبن محمدبن عبدربّه که در این مجلّد از آن معرّفی خواهم نمود ضمیمهٔ آنست وفهرست مطالب تصریح دردوورق اخیراً نوشته شده وپیش از کتاب گذارده اند .

جلد ساغری . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (٣٠٥) . اوراق ضمیمه (١٨) . صفحه ای (٢١) سطر . طول (٢٨½ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣٢١٦) .

(۹۲٤)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه را بخط نسخ محمد شریف ابهری نوشته ، روی متن کتاب خطّی باشنجرف کشیده شده ، بقرینه یادداشتیکه پشت ورق سفیدیکه پیش از کتاب بوده وبسال ۱۱۸٦ محمد صالح بن محمد کاظم هزار جریبی نوشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این نسخه نوشته شده ولی ازقرن یازدهم پیشتر نیست . بر اوراق زیادی اوّل و آخر گذشته ازفهرست مطالب کتاب مطالب متفرقه‌ای نگاشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱٦) صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲٤ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۲) .

(۹۲٥)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۲٦ نوشته شده ، کاتب نام خودرا نبرده ، براوراقیکه پیش از ورق اوّل بوده فهرست مطالب کتاب را نگاشته و پشت ورق نخستین نسخه بخط شکسته نستعلیق بسیار خوب چند کلمه در بیان قضا و قدر تحریر یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۱ ½ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۷) .

(۹۲٦)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب آن محمد حسین استرابادی میباشد ، از سال نگارش نام نبرده ، و ظاهراً از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری است .

جلدتیماجی . کاغذفرنگی مهرمزده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۸) .صفحه‌ای (۲٥) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱٤) .

[۳۸۹] تصریف = العزی فی التصریف (عربی)

مؤلّف این کتاب عزّالدّین زنجانی است (عزّالدّین عبدالوهاب بن ابراهیم بن عبدالوهاب بن ابی المعالی الخزرجی الزنجانی متوفی پس از سال ٦٥٥) (۱) که از دانشمندان قرن هفتم هجری بوده و این مؤلّفه وی درعلم صرف از مشاهیر کتب

(۱) بغیة ذیل عبدالوهاب ، کشف الظنون ج۲ ص ۱۱٥ و۲۲۲ ومعجم المطبوعات ص ۹۷۷ .

این فن میباشد وشروح بسیار بر آن نوشته ، صاحب کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۱٥) بسیاری از شروح آن را نام برده واین مؤلّف کتاب «هادی»(۱) مؤلفه خودرا که در نحو وصرف بوده بنام « **کافی فی شرح الهادی** » شرح نموده و « تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس » درعلم عروض ، که شرح **قسطاس** زمخشری است وبسال ٦٥٥ ازتألیف آن فراغت یافته نیز ازاو و «المظنون به علی غیر اهله»(۲) را که مشتمل بر مجموعهٔ اشعار منتخبهٔ ازجاهلیین ومولّدین تاروز کارخود او است وبسال ۱۹۱۳ م با شرح عبدالله عبیدی که بسال ۷۲٤ بر آن نوشته چاپ گردیده ، تألیف نموده ومشهورترین مؤلّفات وی همین کتاب تصریف اوست که بنام «العزی فی التصریف» نیز مشهور میباشد .

تصریف درحدو (۳۰۰) بیت کتابت دارد وریموندوس آنرا به لاتینی ترجمه نموده وبسال ۱٦۱۰ م. چاپ گردیده واصل متن هم مکرر درایران و آستانه ومصر وتونس وغیره بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله اعلم انّ التصریف فی اللغه التغییر الخ .

(۹۲۷)

تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، آخر آن افتادگی دارد و انجام نسخه اینست : (المرة من مصدر الثلاثی المجرد علی) . در حاشیه صفحات تعلیقاتی ازتفتازانی وغیره نوشته شده وچند برگ اوّل وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۷) . صفحه ای (٤) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۳) .

[۳۹۰] تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب (عربی)

این کتاب دربیان اعراب وترکیب الفیه ابن مالك میباشد ومؤلّف آن خالد بن عبدالله ازهری است [۳۸۸] ص (۳۰۹) ، مشهور به ترکیب یا اعراب الفیه شده

(۱) در ص ۲۰٤ و ٦٤٥ کشف الظنون و بغیه تصریح شده که هادی متنی متوسط از عزالدین است و خود بر آن شرحی بنام کافی دردومجلد نوشته ولی درص ۳۷۱ کشف الظنون درذیل «مبادی فی التصریف» نوشته شده که عزالدین زنجانی براین مولفه خودشرحی نوشته ۱
وآن را الهادی نام نهاده وجاربردی درشرح شافیه بسیار از آن نقل نموده وسیوطی نیزاین نقل جاربردی راتذکر داده وازمندرجات ص ٦٤٥ کشف الظنون خلاف این نوشته معلوم میشود .
(۲) این کتاب در کشف الظنون نام برده نشده ولی بدین نام کتابی درمطالب حکمی منسوب به ابی حامد غزالی است ونیز در آنجاتذکر داده شده که نبایستی از او باشد .

صاحب روضات تألیف آنرا بسال ٨٨٦ دانسته و معجم المطبوعات ایشانرا پیروی کرده واین کتاب درحدود (١٨٥٧٥) بیت کتابت دارد.

بنام اصلی خویش مکرّر درمصر چاپ شده است.

آغاز: بسمله (١) الحمدلله الّذی رفع قدرمن اعرب بالشهادتین الخ.

(٩٢٨)

تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب این نسخه بخط شکستهٔ نستعلیق بسال ١٢٢١ نوشته شده، کاتب نام خود را ذکر نکرده، در صفحهٔ آخر یادداشتی بوده قسمتی از آنرا محو کرده اند و پشت صفحهٔ اوّل صیغ نکاح نوشته شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١٥٥). صفحه‌ای (١٦) سطر. طول. (٢٠ سانتیمتر). عرض (١٥ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣١٩٩).

[٣٩١] الجمل = جرجانیه (عربی)

مؤلّف این کتاب مختصر عبدالقاهر جرجانی است (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرّحمن جرجانی متوفی بسال $\frac{٤٧١}{٤٧٤}$) (٢) که از علماء بزرگ نحو و مؤسس علم معانی و بیان بوده و شاگردی ابوالحسین محمّد بن حسن فارسی پسر خواهر ابوعلی فارسی را نموده و مؤلفاتی گرانبها بیادگار گذارده، در اصول اشعری و درفروع شافعی مذهب بوده، گویند ورع و پرهیزکار و خرسند (قانع) بوده، آورده اند که دزدی بخانه وی درآمد او درنماز بود آنچه بدستش آمد برداشت و برد، جرجانی میدید و نماز خود را نشکست، شعر میسروده واین دوبیت از او است:

کبر علی العلم لاترمه (٣) ومل الی الجهل میل هائم

(١) در نسخه این کتابخانه پس از بسمله چنین نوشته است: یقول الفقیر الی عفو ربه الغنی خالد بن عبدالله الازهری عامله الله بلطفه الخفی **الحمدلله** الذی رفع الخ.

(٢) شرح حال و مؤلفات جرجانی از طبقات سبکی ج ٣ ص ٢٤٢، شذرات الذهب ج ٣ ص ٣٤٠، بغیة الوعاة ص ٤٠٨ نسخه خطی، معجم المطبوعات ص ٦٨١، روضات الجنات ص ٤٤٣، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ٣ ص ٤٤ و کشف الظنون ص ٤٠٢ وصفحات دیگر گرفته شد.

(٣) در طبقات سبکی بدینگونه که نقل شد نوشته شده و در بغیه بجای لاترمه، یاخلیلی ودر شذرات الذهب مصراع اول بدینگونه: کبر علی العقل لاترضه نقل گردیده و بر دانشمندان پوشیده نیست که درمقابل جهل موجود درمصراع دوم علم اولی ولاترمه بهتر از لاترضه میباشد.

وعش حماراتعش سعیدا فالسّعدفی طالع البهائم (١)

مؤلّفات عبدالقادر، کتاب **المغنی** که شرح ایضاح ابوعلی فارسی (درسی مجلّد)، **المقتصد** (٢)، اعجاز القرآن کبیر وصغیر (٣)، **العمده** در صرف، **عوامل المائه**، التتمه (٤)، **المفتاح**، تفسیر فاتحة الکتاب، دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه (این دو کتاب درعلم معانی وبیان میباشد وبسال ١٣٢٠ و ١٣٣١ در مصرچاپ شده اند)، شرح الجمل، الجمل (همین کتاب) و غیرازاینها است.

جمل که بنام جرجانیه نیز مشهور میباشد یکی از مؤلّفات مفیده و مختصرهٔ در علم نحو میباشد، درحدود (٦٠٠) بیت کتابت دارد، مؤلّف خود بر آن شرحی نگاشته و دانشمندان نیز بشرح آن پرداخته‌اند درص ٤٠٢ ج ١ کشف الظنون نام جمعی از آنها ثبت گردیده ومشتمل بر پنج فصل بدین تفصیل میباشد: ١ - در مقدمات. ٢ - درعوامل ازافعال. ٣ - درعوامل ازحروف. ٤ - در عوامل از اسماء. ٥ - دراشیاء منفرده.

بنام **جمل** درعلم نحوجزاین کتاب در کشف الظنون کتب ذیل نام برده شده: ١ - جمل درنحو تألیف ادیب فاضل حسین بن احمد معروف به **ابن خالویه** نحوی همدانی متوفی بسال ٣٧٠، ٢ - الجمل الکبیره نیز درنحو تألیف ابی القاسم عبدالرّحمن بن اسحق الزجاجی النحوی متوفی بسال ٣٣٩. ٣ - جمل درنحو تألیف ابوعبدالله محمد بن

(١) اشاره بقاعده ای نجومی است که چون کوکب اشخاص دربرج حمل و ثور وازاینگونه مواقع باشد سعد است.

(٢) سبکی این کتاب را بنام المقصد فی شرح الایضاح در سه مجلد معرفی نموده و سیوطی پس از کتاب مغنی که شرح بزرگ ایضاح است گوید: المقتصد فی شرحه و کشف الظنون در ص ١٧٧ ج ١ درذیل الایضاح گوید که جرجانی شرح بزرگ خویش برایضاح‌را دریك مجلد مختصر نمود ونام آن را المقتصد گذارده.

(٣) در ص ١٢٠ ج ١ کشف الظنون استکه: اعجاز القرآن تالیف ابی عبدالله محمد بن زید واسطی متوفی بسال ٣٠٦ میباشد وعبدالقاهر جرجانی آن‌را دوشرح کرده وشرح بزرگ آن بنام المعتضد میباشدولی دربغیه اعجاز القرآن کبیر وصغیر وسبکی فقط اعجاز القرآن صغیر را بجرجانی نسبت داده اند.

(٤) این کتاب را فقط جرجی زیدان بجرجانی نسبت داده و گوید نسخه آن در موزه لندن موجود است و در کشف الظنون بنام «تتمة فی النحو» کتابی نام برده شده ولی مؤلف آن را معین نکرده است.

احمدبن هشام نحوی متوفی بسال ۵۷۰ .

آغاز : بسمله الحمدلله حمد الشاکرین والصلوة علی نبیّه محمّد وآله اجمعین قال الشیخ الامام ...... هذه جمل رتبتها ترتیباً قریب الخ .

(۹۲۹)

الجمل این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پیش از شروع باین کتاب همین نویسنده عوامل المائه جرجانی راکه درهمین فصل از آن یاد میکنم بدون ذکر تاریخ نگاشته ، یك یاچند ورق از آخر کتاب جمل افتاده و آخرین سطر نسخه اینست : والمکسورة فی فعلت و فعلتما و فعلتم . در میان سطور و حواشی نسخه تعلیقاتی بفارسی بامضاء ح در توضیح و بیان مطالب کتاب نوشته شده و مطالب را گاهی بنظم فارسی ذکرنموده ودر حاشیه یکی ازصفحات همین محشی تولّد فرزند خود محمّد را بسال ۱۱۹ که یا ۱۰۱۹ ویا ۱۱۰۹ بوده یادداشت‌نموده وخط اصل نسخه پیشتر ازسال ۱۰۱۹ کهنه تربنظرمیآید ، پشت نسخه ودر دفاتر کتابخانه بنام « مجموعه نحو در مقدّمات » ثبت شده و اوراقی از آن وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۱۱) : این نسخه (۹۸) . صفحه ای (۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۱۹سانتیمتر) عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۲).

[۳۹۲] الجموع والمصادر (عربی)

این کتاب متضمن جموع ومصادریستکه فیروزآبادی آنها را ترك نموده و درقاموس نیاورده است ، مؤلف آن درمقدّمه‌خودرا محمدالمدعوّبیحیی بن الشفیع القزوینی معرفی کرده و گوید: درهنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم که مؤلف پاره ای ازجموع ومصادر را آورده و بسیاری را نیاورده ، برآن شدم که آنچه در آنجا نباشد گرد آورم ، چنین کردم و آنرا در دومقصد گذاردم و هرمقصدی را به ابوابی تقسیم نمودم که برای مراجعه کنندگان وجویندگان ، کار آسان باشد .

در کتب سیرورجال این مرد را نیافتم ، چنانکه در ص ۲۳۹ گذشت مؤلف « ترجمان‌اللّغه » محمّدیحیی قزوینی ونیز چنانکه در ص ۱۰۵ گذشت پدر مؤلف نظم‌الغرر ونضدالدرّ محمّدیحیی قزوینی بوده واین دو مؤلفه درزمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده ودرص ۶۴۰ روضات ذیل‌میرزا رفیعاالنائینی (محمّدبن سیّد حیدر) گوید: واین مرد غیرازمولی‌رفیع‌الدّین محمّد بن مولی فتح‌الله قزوینی معروف به واعظ مؤلف ابواب الجنان است که بسال ۱۰۸۹ وفات یافته و چنانکه ازامل‌الامل برمی‌آید اورا پسری بنام محمدشفیع بن رفیع الدّین‌محمّد واعظ قزوینی است که فاضل وعالم وزاهد وصالح وواعظ جامع قزوین بوده وابواب الجنان‌پدر را که ناتمام بوده تکمیل کرده است .

ازقرائن موجوده درعبارات نقل شده بالا محتملاً بدست میآید که شفیع با محمّد شفیع پدر یحیی مذکور است این کتاب در حدود (۱۳۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل الجموع باطالیلا بل جموح المفردات الخ .

(۹۳۰)

الجموع والمصادر این نسخه بخط نسخ خوب نوشته‌شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را نبرده ، بسال ۱۲۷۰ داخل اعتضادیه گردیده و دارای اغلاطی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۶) . صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۰).

[۳۹۳] حاشیه برشرح تصریف تفتازانی = دده جنگی (عربی)

نسخه ایکه خصوصیّات آن زیراین سطرها نگاشته میشود بنام « حاشیه برشرح تصریف » وقف و داخل دراین کتابخانه شده ، در خود نسخه وپشت آن و در دفاتر کتابخانه نامی ازمؤلف وخود کتاب نیست ، نگارنده چون بمطالعه‌آن پرداخت بسیاری ازمطالب نحوی وتفسیری وادبی ورجالی درآن دید ، درحاشیهٔ برشرح

تصریف‌بودن آن‌شك نمود، متن آنراباشرح‌تصریف (ازاین کتاب‌درص۳۱۲و۳۱۳ همین مجلّد معرّفی شد) مطابقه نمود عین آن بود بکشف الظنون مراجعه کرد ، درص ۱۱۵ و۱۱٦ ج ۲ ذیل « العزّی فی‌التصریف » شروح آن وحواشی وشروح برشرح آنرا مطالعه نمود ، درآن یازدم شرح وحاشیه (۱) برشرح تفتازانی یافت ، ودرآنجا نیزاین عبارات را دید : (وجمع کمال‌الدّین دده خلیفه المعروف بقره‌دده شیئاً کثیراً علی‌شرح السّعد بالاستطرادفصارمجموعة لطیفة مفیده یقال لها دده جنگی توفی‌المذکور سنة ۹۷۳ ثلث وسبعین وتسعمائه .) و در شذرات الذّهب (ج ۸ ص ۳۷٤) از آنهائیکه بسال ۹۷۳ مرده اند کمال‌الدّین دده خلیفه را نام برده

(۱) ۱ - سیوطی را حاشیه‌ای برشرح تفتازانی بنام « التوصیف حاشیة علی‌شرح التصریف » میباشد و در فهرست مؤلفات خویش بدان تصریح نموده . ۲ - حاشیهٔ شمس الدین محمد بن علی حلبی عرضی معروف به « ابن‌هلال نحوی » متوفی بسال ۹۳۳ بنام التطریف علی شرح التصریف » (محمدبن‌ابراهیم حلبی معروف به « ابن‌الحنبلی» متوفی بسال ۹۷۱ حاشیه ای براین حاشیه نوشته و نام آن را « التعریف علی تغلیط التطریف » گذارده) . ۳ - حاشیه ابن‌الحنبلی مذکوربالا بنام « مستوجبةالتشریف بتوضیح شرح‌التصریف » . ٤ - حاشیهٔ شیخ ناصرالدین ابی عبدالله‌اللقانی (براین حاشیه شاگرد وی شهاب‌الدین احمد عبادی حواشی نوشته و شاگرد او احمد بن محمد خفاجی خطیب آنها را گرد آورده است) . ٥ - شیخ ابراهیم اللقانی متوفی بسال ۱۰٤۱ برشرح تفتازانی حاشیه‌ای بنام « خلاصة التعریف بدقائق شرح التصریف » نگاشته . ٦ - کمال الدین خلیفه معروف به قره دده مطالب زیادی را استطراداً برشرح تفتازانی گردآورده و مجموعه ای لطیف شده و آن را « دده جنگی » گویند و کمال‌الدین مذکوربسال ۹۷۳ مرده است . ۷ - شرحی بنام «شرح‌الشرح» نیز در ذیل « العزی فی‌التصریف » (ذیل همین شروح و حواشی) نام برده شده و ظاهراً این شرح برشرح تفتازانی باشد چرا که مشهورترین شرح‌های تصریف این شرح است ومطلق منصرف به فردا کمل میگردد و مؤلف این شرح را سعدالدین طبلاوی معرفی کرده است . ۸ و ۹ و ۱۰ - پس از شروح و حواشی نام برده بالا گوید ، و برسعدالدین حاشیه ای از سعد الله بردعی و حاشیه ای از محمد بن قاسم غزی و حاشیه ای از قاسم بن قطلوبغاالحنفی متوفی بسال ۸۷۹ میباشد ، (ممکن است که مراد کشف‌الظنون از این سعدالدین ، طبلاوی باشد که بلافاصله پیش ازاین بیان، شرح‌او را نام‌برده و ممکن است که مرادخودتفتازانی باشد به هردواحتمال این‌حواشی نیز برتفتازانی خواهدبود) . ۱۱- شرح شمس‌الدین محمدبن شیخ زین‌الدین قاسم بن علی بنام « نزهة الناظر بالطرف فی شرح علم‌الصرف » میباشد .

و گوید درذیل شقائق‌النعمانیه (۱) از او معرفی گردیده ومؤلّفات او عبارت است از : حاشیه ای برشرح تفتازانی که درآن بسط کلام داده . و منظومه ای در فقه ورسائل زیاد درفنون مختلفه نیزداردواورا دستی توانا درفقه و تفسیر بوده است .

دراین حاشیه اقوال بسیاری ازعلما ودانشمندان ازمفسّرین‌ونحویّین وصرفیّین وادبا ولغویّین وعرفا وفقها دیده میشود ونزدیکترین آنها به این عصر ابن کمال پاشا متوفی بسال ۹٤۰ میباشد .

بقرائن ونشانه‌های نام برده بالاگمان نزدیك بیقین بلکه قطع پیداکردم که این حاشیه همان نگاشته دده خلیفه است کـه بگفته کشف الظنون بـه آن **دده جنگی** گویند وبامراجعهٔ بآن چنانکه گفته شد جنگ بودن آن ثابت میشود .

طرز این حاشیه اینستکه در تحت عنوان قوله قسمتی از عبارت تفتازانی را نقل مینماید پس از آن مطالبی از کتب‌سابقین ادرفنون مختلفه بمناسبت ذکر و نام بسیاری ازدانشمندان ومؤلّفات ایشان دراین حاشیه دیده میشودوبعضی از آنهارا چون نام برده بشرح حال مختصروذکر مؤلّفات آنان نیز مبادرت نموده واز کتب تفتازانی نقل های بسیار دارد وبگفته دوست محترم آقای‌امین عراقی که این شرح بکمك فکری وتتبّع ایشان نگارش یافته اگر نام مؤلّفین و مؤلّفات مذکوره در این حاشیه راگرد نمائیم خود رجال و فهرستی میشود و تمام حاشیه در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد وشایسته است که بچاپ آن مبادرت شود .

آغاز: بسمله ابتدا بالبسمله اقتداءً بکتاب‌الله‌العلیم‌وامتثالا بقول رسوله‌الکریم کل امر ذی‌بال‌الخ .

(۱) مراد مؤلف شذرات از ذیل شقائق النعمانیه کتاب « العقدالمنظوم فی‌ذکرافاضل‌الروم » میباشد که حقا ذیل شقائق‌النعمانیه میباشد و درحاشیه ج ۲ و فیات الاعیان ازص ۹۵تا٤۲٤ بسال۱۳۱۰ چاپ شده و در حاشیه ص ۱٦٤-۱٦۷ کتاب مذکورشرح حال این دانشمند بنام دده خلیفه بدون تصریح به لقب کمال الدین که مؤلف شذرات و حاجی خلیفه تذکر داده اند نوشته شده ومؤلفات وی در اینجا همانست که صاحب شذرات نقل نمود و در اینجا شرح مفصلی در سیره وی میباشد که مؤلف مذکور مختصر آنرا ذکر نموده و مطالعه آن برای تشویق دانشجویان‌بسیارسودمند ومشوق‌است ودراینجا است که دده‌خلیفه دباغ بودو دربزرگی‌اندیشه تحصیل‌را یافت و کوشش کرد تابهره ای کافی یافت .

انجام: الطعم بالفتح والضم مصدر طعم الشئ ای اکل وذاق الّا ان المفتوح هو الشهور بین الجمهور والفقهاء والله اعلم.

(۹۳۱)

حاشیه برشرح تصریف یا دده‌جنگی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۰ نوشته شده، نویسنده نام خود را نبرده، درمیان نسخه دوجا چند برگ کاغذ ننوشته دارد ولی رشته مطالب بایکدگر پیوسته است وافتاده ندارد.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع ربعی تقریبا. شمارهٔ اوراق (۱۶۰). صفحه ای (۱۶) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۹).

[۳۹٤] حاشیه برشرح جامی از اسفراینی (عربی)

این حاشیه نگارش عصام‌الدّین اسفرائنی است (۱) (عصام الدّین ابراهیم بن محمّد بن عربشاه حنفی اشعری متوفی بسال ۹۴۳/۹۵۱ (۲)) که ازشاگرد های جامی بوده و در منطق و نحو و ادب دستی قوی داشته، در جلد اوّل فهرست (ص ۱۲۰) حاشیه ای از ایشان برتفسیر بیضاوی معرّفی گردید، شذرات‌الذهب ویرا از اولاد ابواسحق اسفراینی (یاقوت درص۲٤۷ج۱معجم البلدان وفات ابواسحق رابسال٤۱۸ در روز عاشورا معین کرده) معرّفی نموده و در روضات جز حاشیه نام بردهٔ بالا مؤلّفات زیرین بوی نسبت داده شده: **الاطول** درشرح تلخیص المفتاح درمعانی

(۱) شرح حال این مؤلف بامراجعه به شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۹۱ و روضات ص ۵۰ ومعجم المطبوعات ص۱۳۳۰ و کشف‌الظنون ج ۲ ص۲۵۰وفهرست دارالکتب ج۲ ص ۹۹ نگاشته شد.

(۲) درروضات بنقل از تاریخ اخبارالبشر ودر کشف الظنون وفات عصام الدین بسال ۹٤۳ ثبت شده ولی در شذرات وفات وی در حدود سال ۹۵۱ معین گردیده و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب وی را پیروی کرده‌اند وصاحب شذرات گوید در اواخرعمر ازبلخ بسمرقند آمده وپس ازبیست ودوروز ناخوشی درهفتادو دوسالگی بدرود زندگانی گفت وآخرین کلمه ایکه برزبان راند الله بودوصاحب‌روضات ازریاض‌العلماءنقل نمود که عصام‌الدین دراواخر عمر ببلاد روم رفت و در آنجا بودتا بمرد.

اسفرائن یا اسفرآیین ازنواحی نیشابور است ویاقوت اصل آن را اسپرآئین یعنی مرکب از کلمهٔ «اسپر» وکلمهٔ «آیین» دانسته است.

وبیان وبدیع، **شرح‌شمسیه** درمنطق، **حاشیه** برشرح‌شمسیه‌قطبی، **حاشیه** برحاشیه میر سید شریف‌برشمسیه، **حاشیه برکبری** که تقریباً شرح فارسی‌برآنست، **شرح آداب‌البحث** قاضی عضد ایجی، **شرح** رسالة الاستعاره ابوالقاسم سمرقندی، **شرح عبارت** قدجرت عادة المصنفین، **رساله درشرح** کل ج ب (این‌دومؤلّفه در شرح‌عبارت‌شارح‌شمسیّه‌است)، **رساله** دربیان نسب میان قضایا، **رساله** درتحقیق محصورات‌اربع، **رساله** درمبحث‌تقسیم‌قضیه، **رساله** دراستعارات‌بدیعیه‌وحقیقة‌ومجاز بفارسی، **حاشیه** برشرح عقائدنسفی تفتازانی و**حاشیه برشرح جامی** (همین کتاب).

درمعجم المطبوعات چاپ شدن کتاب ۱و۳و۷و۱٤و۱۵ عصام الدّین تذکر داده شده و نیزدرآنجا کتابی بنام **میزان‌الادب** مشتمل برنحو و صرف و بیان به عصام الدّین نسبت داده شده وگوید بسال ۱۲۸۶ درآستانه تمام آن وبسال ۱۲۹۰ درمصرباب‌صرف آن چاپ شده ونیز حاشیه بررساله وضعیّه که‌آن نیزبسال۱۲۷٤ درآستانه چاپ‌شده و کتابی‌بنام‌شرح‌عصام‌برفریده که بسال۱۲۷۶ چاپ‌شده‌بایشان نسبت داده شده و مؤلّف در حاشیهٔ برشرح جامی نامی از این کتاب برده است.

این حاشیه برشرح جامی برکافیه ابن حاجب است ودرنحو میباشد، ازشرح جامی وکافیه درهمین فصل معرفی خواهد شد، وفضلا حاشیه غفور را که پس از این معرفی میشود براین حاشیه ترجیح میدهند و برمطالب مهمّهٔ از اوّل تا بآخر شرح جامی میباشد، وبسال ۱۲۷۶ مستقلاً در آستانه چاپ شده ونیز درحواشی شرح جامی قسمتهائی از آن چاپ شده‌و در حدود (۱۰۶۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله یاهادیاً لسالك مسالك محامدك ویاسامعاً لجامع الخ.

(۹۳۲)

حاشیه‌اسفراینی برشرح جامی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته، از خطوط قرن دهم هجری است، در آخرین صفحه یادداشت مشعربرتملك‌ابوالشرف‌بن صفی‌الدّین محمّد زواری که از علماء امامیّه بوده موجود است.

و یادداشت دیگری نیز پشت صفحهٔ اوّل داشته زیر وصله صحاف رفته وتاریخ آن که سال ۹۹۵ را میرساند و برخی از عبارات آن قابل خواندن میباشد، قسمتی ازنسخه تصحیح گردیده، پشت آخرین صفحه نیز مطالبی ازتفسیر امام‌فخر بخط ابوالشرف مذکور نوشته شده و پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتهای دیگری نیز بوده قسمتی از آنها محو شده است.

جلد مقوائی مستعمل. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۱۴). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۹).

(۹۳۳)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این‌نسخه بخط نسخ خوب مسیح شیرازی نوشته شده، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد، یاد داشتهائی ازعلماء قرن دوازدهم وسیزدهم بامهرهای ایشان (بعضی باتعیین سال) پشت ورق اوّل و آخر موجود ویادداشتی در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند، دارای سرلوحی زیبا وصفحات آن مجدول بطلا است.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۱۹). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۷).

(۹۳۴)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، قسمتی از ورق آخر که ظاهراً مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده بریده شده وباورقی دیگر وصّالی شده، ازنسخهٔ پیش‌از این نوترمیباشد، پشت صفحه اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو و بجای آنها یادداشتهای دیگری نگاشته‌شده درابتداء صفحه اوّل هم آثار محو موجود است.

جلد چرمی مستعمل. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۲۱). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۴ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۸).

[۳۹۵] حاشیه برشرح جامی ازعبدالغفور (عربی)

منشی این حاشیه ملاعبدالغفور لاری(۱) متوفی بسال ۹۰۵ یا ۹۱۲(۲) میباشد که از شاگردان جامی بوده وشهرت وی بواسطهٔ همین حاشیه شده، در مآخذیکه در دست نگارنده است شرح حال این دانشمند یافت نشد، صاحب روضات در ذیل عصام الدّین اسفراینی (ابراهیم) فقط بهمین اندازه که ترجمهٔ آن اینست در اطراف این دانشمند بحث نموده:

اسفراینی مذکور معاصر فاضل‌هوشیار مولی عبدالغفورلاری بوده که وی نیز شاگردجامی‌است‌وسی‌وهشت‌سال پیش‌ازوفات‌اسفراینی (پیش‌ازین‌وفات‌اسفراینی‌را سال۹۴۳ رامعین کرده)وفات یافته و بعضی ازدانشمندان حاشیه غفوررا برحاشیه اسفرائنی‌ترجیح میدهند. انتهی درمعجم المطبوعات درص۱۵۸۴ تحت‌عنوان**اللاّری** مصلح‌الدین‌متوفی بسال ۹۷۹ رانام برده وحاشیه غفوررایکی ازمؤلّفات‌وی‌دانسته‌و درنگارش این بحث مآخذ خود را یکی‌العقد المنظوم ودیگری ذیل شقائق‌نعمانیه (بتصریح خود این مؤلّف درص ۱۳۵۷ معجم کتابی ترکی ومؤلّف آن عطائی میباشد و ازعطائی درمعجم مؤلّفه ای نیست) معرفی نموده در ص ۲۴۷ - ۲۵۲ العقدالمنظوم شرح حال مصلح الدّین لاری مذکور ثبت شده وهمهٔ مؤلّفاتیکه در معجم نام برده شده دارا است ولی‌حاشیه برشرح جامی آنهم منسوب به غفور در آنجا نیست و مؤلّف این حاشیه وآن مؤلّفات مسلماً دونفراند، ازعبدالغفور هم ابداً نامی نبرده است و در هفت اقلیم (ص ۲۱۴ نسخه خطی این مدرسه) درذیل عنوان **لار** این دو نفر را جداگانه نام برده و مؤلّفه عبدالغفوررا همین حاشیه و از مؤلّفات مصلح الدّین بس حاشیه برشرح هدایه(۳) را نام برده است.

---

(۱) لار در جنوب غربی شیراز واقع شده و بخلیج فارس منتهی میشود و جزء فارس میباشد.

(۲) ۹۰۵ راصاحب روضات بنقل‌از‌تاریخ اخبار البشر نقل نموده‌و۹۱۲ را صاحب کشف‌الظنون ضبط کرده و در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۹۸) ۹۱۲ ثبت است واگروفات اسفراینی مذکور را بسال ۹۵۱ صحیح بگیریم و از آن ۳۸ را جدا سازیم ۹۱۳ میشود.

(۳) درالعقدالمنظوم تصریح شده که این حاشیه برشرح هدایه اثیریه میبدی است.

این حاشیه برابتداء این شرح تاآخر مبحث اسماء افعال واوّل مبحث اصوات شرح جامی است و عمر منشی آن بآخر رسید و تا آخر نرساند و مکرّراً بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۹ درآستانه و بسال ۱۲۹۲ و ۱۳۱۳ درهندوستان و در حاشیه شرح جامی مکرّراً چاپ شده ، عبدالحکیم سیالکوتی متوفی بسال ۱۰۶۷ و مولی نور محمد علی براین حاشیه حاشیه ای دارند و در آن اقوال علماء نحو مخصوصاً شیخ رضی شارح کافیه را در بسیار از موارد نقل و برد آن پرداخته وشاید کمترصفحه ایست که نامی از او نداشته باشد .

حاشیه غفور درحدود (۳۵۰۰)بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله قوله الحمد مصدر معلوم واللاّم للجنس او للاستغراق ای کل حمد الخ .

انجام: قوله وجه الاکثرین انّ ای ان وجه البناء فی ذی الراء قصد الاماله اذهی امرمستحسن والمصحح للاماله کسر الراء وهی لایتصل الّابتقدیر البناء لانّه اذا اعرب منع الصرف لم یکسر .

(۹۳۵)

حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ،آخرورق آخرین راکه شاید مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده ، پاره کرده اند وپس از آن وصّالی گردیده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد وورق اوّل هم وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($11\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۱) .

[۳۹٦] حاشیه برشرح جامی از سید جزائری (عربی)

سیّد نعمة الله جزائری(۱) یکی ازمشاهیر علماء قرن یازدهم هجری و صاحب تألیف های زیاد میباشد ، وفات وی بسال ۱۱۱۲ درقریه جایدر اتفاق افتاده ،

(۱) شرح حال این سید جلیل با مراجعه به روضات ج ٤ ص ۲۲۰-۲۲۲ ، لؤلؤ ص۷۵ ، هدیة الاحباب ص ۱۰٤ امل‌الامل ص ۷۲ و ۷۳ ج ۲ نگاشته شد .

صاحب روضات بعنوان السیّدالسندالمعتمدالجلیل الاواه نعمة الله بن عبدالله الحسینی الموسوی الجزائری الشوشتری معرّفی کامل ازایشان ومؤلّفاتشان نموده وگوید الجزائر دراطراف شط العرب واقع شده نخست درآنجا بکسب دانش مشغول گردید پس ازآن بشیراز آمد وازدانشمندان آنجا بهره گرفت وباصفهان شتافت بشرف شاگردی آقا حسین خونساری وملا محسن فیض کاشی و علاّمه مجلسی و بسیاری از معاصرین ایشان نائل شدو چنانکه نوهٔ ایشان سیدعبدالله بن نورالدّین بن نعمة الله در یکی ازاجازاة خود گفته تولّد این سیّد جلیل در ده **صباعیه** از جزائر درحدود سال ۱۰۵۰(۱) بوده ومؤلّفات این سیّد عبارت است از : شرح تهذیب الاحکام کبیر وصغیر ، شرح صحیفهٔ سجّادیه کبیر و صغیر ، شرح ملحقات صحیفه ، الانوار النعمانیه ، شرح غوالی اللالی ابن ابی جمهوراحسائی ، رساله ای بنام التحفه در نماز ، شرح عیون اخبارالرضا ، شرح توحید صدوق ، شرح احتجاج بنام قاطع اللجاج ، شرح کافیه ابن حاجب ، شرح روضهٔ کافی (درفهرست معارف ج۱ ص ٦۷ نوشته شده که دوشرح یکی مختصر و دیگر مفصّل براین کتاب نگاشته) ، زهرالربیع ، غرائب الاخبارونوادرالاثار ، شرح تهذیب شیخ بهائی درنحو ، قصص الانبیاء ، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ، شرح اسماءالحسنی (این شرح تاحرف ضاد تألیف شده وبسیار مفصل است) ، شرح استبصار (آقای جواهر کلام درص ۵۵ ج۱ فهرست معارف دوشرح براستبصار بایشان نسبت داده اند یکی بنام «غایة المرام» در هشت مجلّد و دیگری در دوازده مجلّد وگویند از این شرح چند مجلّد در کتابخانه امام جمعه کرمانشاهان دیده ام . ولی بتصریح درص ۳۲۸ کشف الحجب غایة المرام شرح تهذیب الاحکام میباشد ونیز درص ۳۲۲ تصریح شده که شرح استبصار بنام کشف الاسرار میباشد و درقصص العلماء نیزشرح تهذیب را در هشت مجلّد و

(۱) درروضات تاریخ تولدرا فی حدودالخمسین والماة بعدالالف نوشته و نیز در همین کتاب وفات ایشان را بسال ۱۱۱۲ ضبط نموده واساتید او پیش از این تاریخ تولد ووفات یافته اند بنابر این کلمه الماة زائد خواهد بود . و در ترجمه ج ٤ تاریخ ادبیات برون ص ۲۳٤ و کشف الحجب والاستار ص ۳۲۸ وفات سید جزائری بسال ۱۱۳۰ ثبت شده ولی درهدیه الاحباب نیز بسال ۱۱۱۲ تعیین شده است.

شرح استبصاررا بنام کشف‌الاسرار در دو مجلّد بنقل ازنوشته سیّدمؤلف معرّفی نموده‌است)، شرح نهج‌البلاغه (ص۵۱٤ مستدرك) حواشی وتعلیقات برقرآن کریم یا تفسیر آن درسه مجلّد بزرگ (حاجی نوری در ص۵۱٤ ج۳ مستدرك نام این تفسیررا «العقود والمرجان» معیّن کرده اند)، حاشیه برمغنی، حاشیه بر استبصار وحاشیه برشرح جامی (همین کتاب) و کتب ورسائل دیگر.

این حاشیه وتعلیقات برابتداء شرح جامی تاآخر مبحث اسم میباشد وبرمبحث افعال وحروف درنسخه چاپی شرح جامی حاشیه ای نیست و دونسخه خطی زیرین این کتابخانه ونسخه خطی کتابخانه حضرت رضاء (بسال ۱۲۵۳ نوشته شده) نیزشامل همین اندازه حواشی برشرح جامی است و در فهرست آن کتابخانه (ص۹ ج ۳) نوشته شده که بیش ازاین را ننوشته اند و بقرینه اینکه صاحب امل‌الآمل متوفی بسال ۱۱۰٤ که معاصرسید نعمة‌الله بود در امل‌الآمل که بسال ۱۰۹۷ تألیف شده این حاشیه را درضمن مؤلّفات ایشان ذکرنموده تألیف آن پیش از سال مذکور بوده و محشی دراین حاشیه اشاره‌ای باقوال شارح رضی نموده وبردّ آنها پرداخته‌است. کتابت نسخه ذیل درحدود (۶۶۰۰) بیت میباشد.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی جعل علم النحو نوراً یهتدی به الی فهم القرآن المبین الخ.

انجام: (۱) هذا مایتعلق بشرح الاسم کتبناه مع تفرق البال وتشتت الحال ونتبعه انشاء الله بشرح القسمین الاخیرین قاله بلسانه وحرّره ببنانه مؤلّفه الحقیر الفقیر الی الله الغنی نعمة‌الله بن عبدالله الحسینی الجزائری عفی‌الله عنهما.

(۹۳۶)

حاشیه جزائری بر شرح جامی این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، چهار ورق اوّل آن و ۲۸ ورق ازآخر آن باکمال تناسب بخط اصلی نسخه بسال ۱۲۲۵ نوشته شده، کاتب این قسمت نام خود را ننگاشته، درحاشیه دوصفحه ازصفحات قدیمی اوائل نسخه حاشیه هائی

(۱)

درتوضیح وبیان محشی، تعلیقاتی بامضاء وخط محمدحسین‌بن‌محتشم موجود ومسلّماً این نویسنده پسر محتشم معروف متوفی بسال ۹۹۲ یا ۱۰۰۰ نخواهد بود و حاشیه‌هائی بامضاء **منه** درقسمت قدیمی نسخه موجودو ظاهراً بخط خودمؤلّف ومحشی میباشد وبرورقیکه پس از آخرین ورق نسخه است مطالبی نوشته شده است.

جلدتیماجی. کاغذ سمرقندی وفرنگی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۹٤). صفحه ای (۱۵) سطر. طول ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۷).

(۹۳۷)

حاشیه جزائری بر شرح جامی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده، نام نویسنده را ندارد، ورق اوّل وصالی شده، پشت ورقیکه درآخرنسخه بوده، نسخهٔ معجونی نوشته شده است.

جلدتیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۲۱). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۶سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۶).

[۳۹۷] حاشیه برشرح کافیه (عربی)

این حاشیه چنانکه در آخر آن تصریح شده ودرفهرست رضویه (ج ۳ص۸) نیز معیّن گردیده، نگاشتهٔ، **ملااحمدابی‌وردی** میباشد، در کتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتم، بقرینه اینکه از محقّق تفتازانی متوفی بسال ۷۹۱ یا۷۹۲ یا۷۹۳ دراین حاشیه نقل نموده وخود نسخه بسال ۹۰۱ نوشته شده زمان تقریبی حیاة و زندگانی وی معلوم میشود که میان ۷۹۳ و ۹۰۱ بوده ومسلماً توان او را از دانشمندان قرن نهم هجری دانست.

این نسخه دارای دیباچه ومقدّمه نیست وپس ازبسمله شروع بمطلب مینماید، درآخر هم تصریح نشده که این تعلیقه برچه کتابی میباشد، پشت صفحه اوّل نسخه ذیل، ابوالحسن‌نام اصفهانی نوشته اند که این حاشیه برشرح جامی است. ودرفهرست رضویه حاشیه ای از احمد ابی‌وردی موجود (۱) وبنام حاشیه برشرح

(۱) نسخه آن کتابخانه آغاز آن مطابق این نسخه‌میباشد ونقص آن ازاین نسخه فقط هفت بیت است.

متوسط برکافیه معرّفی شده ، نگارنده چون بتحقیق آن پرداخت وازاوّل تاباخر آنرا مطالعه نمود ازمندرجات آنهم نتوانست بدست آرد که حتماً این تعلیقه برچه شرحی است چرا که بیشترعناوین مطالب از متن(کافیه) نقل شده ، جز درجاهای بسیار معدودی که پس ازلفظ قوله عباراتی ازشرح متوسط کافیه نقل گردیده ودراطراف آن بحث نموده ودرجاهای متعدّد نیز پس ازلفظ قوله عباراتی است که نه ازمتن (کافیه) ونه ازشرح متوسط میباشد (۱) بنابراین احتمال میدهم کـه این حاشیه برشرح کبیرکافیه تألیف سیدرکن الدّین است وما درهمین فصل ازشرح متوسط کافیه مفصلاً معرّفی خواهیم نمود وازشرح کبیرهم بمناسبت نامی خواهیم برد .

این حاشیه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد و برابتداء کتاب (شرح کافیه) تاآخر آنست وبنای محشی بر آن نبوده کـه برتمام مطالب تعلیقه ای داشته باشد و در بسیاری از مباحث بیش از یك یادوحاشیه ننگاشته است .

آغاز : بسمله قوله مایتلفظ به الانسان الاحسن ترك لفظ الانسان لانه قیدلافائدة فیه الخ .

انجام: لاثبات ماانتفی عن الاول للثانی (۲) .

(۹۳۸)

حاشیه بر شرح کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۱ نوشته شده ، در آخر آن فضل الله بن ابراهیم انصاری نام، بخط خود که بسیار شبیه بخط نویسنده نسخه است و شاید خود وی کاتب آن بوده مالکیت خویش را تصریح نموده وپائین دوورق بآخر نسخه مانده مهر اسم دائره ایست کـه در وسط آن نوشته شده :

(۱) در مبحث منع صرف این حاشیه حاشیه ای برابن مطلب است : قوله قدس سره فدل علی ان اصلها تاء التانیث الخ و این عبارات در شرح متوسط ومتن کافیه نیست ، و نیز در مبحث تثنیه وجمع ، حاشیه ای بدینگونه است که درشرح متوسط نیست : قوله المثنی ما لحق الخ فیه ان هذا التعریف لا یصدق علی المثنی لان آخر المثنی هوالنون ولم یلحق باخره الف الخ .

(۲) پس از عبارت بالا درنسخهٔ این کتابخانه نوشته شده : تمت الحاشیه لمولانا احمد ابی وردی فی خامس عشر ین شهر رجب المرجب سنة احدی تسعمایه .

فضل الله بن الفقیه ابراهیم الانصاری . و در اطراف آن آیة الکرسی بخط نسخ نوشته شده است . ازنوشته های دراطراف صفحات نسخه معلوم میشود که تصحیح گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۶۲) . صفحه ای (۱۲ و ۱۶ و ۱۷) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۹$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۵) .

[۳۹۸] حاشیه شرح سیوطی بر الفیه = (عربی)
حاشیه میرزا ابوطالب

نگارندهٔ این تعلیقه وحاشیه حاج میرزا ابوطالب اصفهانی ازعلماء قرن سیزدهم هجری و معاصر بافتحعلیشاه قاجار بوده و بسال ۱۲۲۳ تألیف آن پایان رسیده ، ودرمقدّمه گوید که مطالب شرح الفیه جلال الدّین سیوطی که مشهور به **سیوطی** گردیده دربسیاری ازموارد مشکل ومندمج میباشد وفهمیدن مراد آن بسی دشوار است گروهی از دانش جویان خواستار شدند کـه من بحلّ مشکلات آن پردازم برای اجابت آنها بنگاشتن این حاشیه مبادرت نمودم .

در کتب رجال و سیر بشرح حـال این مؤلّف و مؤلّفات ایشان دست نیافتم چیزیکه لازم است در اینجا تذکر داد اینستکه معاصر این مؤلّف میرزا ابوطالب اصفهانی پسر میرزا علیرضا بن محمّد علی بن میرزا کوچك بن حکیم داود استکه اسلافش از مشاهیر حکما و اطباء بوده اند و از مقام طبابت بتولیت آستان قدس رضوی سلام الله علیه رسید وسی وهفت سال دارای این منصب بزرگ بوده وبسال ۱۲۱۶ بدرودزندگانی گفته بنابراین، این دو راکه هردو اصفهانی ویك نام داشته ومعاصر بوده اند یکی نباید دانست (ازص ۴۱۶ ج ۲ مطلع الشمس نقل گردید) .

این حاشیه درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۸۲ مستقلاً در طهران و درحواشی سیوطی مکرّر چاپ شده است .

آغاز : بسمله ربّنا ربّنا لك الحمد لما ترفعنا نحوك الخ .

(۹۳۹)

حاشیه میرزاابوطالب حاشیه‌برسیوطی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲٦۰ نوشته شده ، کاتب نام خودرا ننگاشته ، تصحیح گردیده ، فقط چند حاشیه ازمؤلف براین تعلیقه درحاشیه صفحات نوشته شده است .

جلد تیماجی نقاشی شده . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲٥) سطر. طول(۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) عرض (۱٥ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (٥۲۰). قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

[۳۹۹] شافیه (عربی)

این کتاب درعلم صرف و مؤلّف آن ابن حاجب است(جمال‌الدّین ابوعمرو عثمان‌بن‌عمربن‌ابی‌بکربن‌یونس مالکی ٥۷۰ - ٦٤٦) (۱) که ازمشاهیر دانشمندان قرن‌هفتم هجری ومعاصر ابن خلکان بوده وچنانکه دروفیات الاعیان نوشته مکرّر برای اداء شهادت پیش وی آمده و او را در مسائل ادبی امتحاناتی نموده و بخوبی ازعهده جواب برآمده است ، وگوید او را ابن الحاجب گویند چراکه پدرش حاجب (دربان) امیرعزالدّین موسك صلاحی بوده ، ابن حاجب درقاهره قرآن کریم را چون بخواند بدیدن فقه بر مذهب امام مالك پرداخت پس از آن علوم عربیّه وقراآت را یادگرفت و درهمهٔ آنها سرآمد اقران گردید ، پس از آن به دمشق مسافرت نمود و در جامع آنجا شروع بتدریس نمود ، بسیاری بروی گردآمدند ، دربسیاری ازعلوم وفنون متبحّر بود ولی‌عربیّت وادبیّت وی برسائر دانشها برتری داشت ، مصنفات وی عبارت است از: مختصری در مذهب خود (مختصراً فی‌مذهبه) (۲) ، مقدّمه ای مختصر درنحو بنام کافیه ، مقدّمه ای مختصر درصرف بنام شافیه (همین کتاب) ، شرح هردو مقدّمه و کتابی دراصول

(۱) شرح حال ابن حاجب را از ص ۳۱٤ ج ۱ و فیات الاعیان ابن خلکان ترجمه نموده و به ص ٥۳ ج ۳ تاریخ آداب‌اللغه جرجی زیدان و ص ۲۳٤ ج ٥ شذرات‌الذهب که مطالب آن عینا نوشته های ابن خلکان بامختصر اضافه ای از یافعی است و بغیة‌الوعاة در حرف عین (ذیل عثمان)ومعجم‌المطبوعات ص۷۱ و۷۲ و کشف‌الظنون درموارد متعدده‌مراجعه‌شده‌است .

(۲) ابن خلکان بدین نحو این مؤلفه را نام برده وسیوطی گوید: (وصنف فی‌الفقه مختصراً و فی‌الاصول مختصراً و آخرا کبرمنه سماه المنتهی .) و ظاهراً مراد ابن خلکان اینستکه بمذهب امام مالك فقهی نگاشت .

فقه (۱) نیز دارد وهمهٔ تألیف های او درنهایة نیکوئی وخوبی است وبانحویّین درمواردی مخالفت دارد وبرقواعد ایشان اشکال های مهم وارد نموده که جواب ازآنها بسیار دور است .

جرجی زیدان این سه مؤلّفه دیگر را بانشان دادن جای آنها از ابن حاجب دانسته : قصیده‌ای بنام : **المقصدالجلیل فی‌علم الخلیل** درعروض‌است ونسخه‌آن درلیدن وبرلن واکسفورد موجود وبرآن‌شرح هائی‌نوشته شده. **الامالی النحویه** که حاشیه هائی برپاره ای ازمطالب‌مفصّل وکافیه میباشد ودردمشق آنها رانگاشته ونسخه‌ای‌ازآن در٤٦٦ صفحه درکتابخانه خدیویه‌مصرونسخه‌ای دیگردرپاریس میباشد . **القصیدةالموشحه** بالاسماء المؤنثه‌نسخه‌ای‌ازآن‌در کتابخانهٔ‌خدیویه‌است .

وسیوطی شرح مفصل بنام « **الایضاح** »(نسخه کهنه‌ای ازاین کتاب‌در کتابخانه مجلس شورای‌ملی ایران موجوداست)ونظم کافیه را گذشته ازآنچه نام برده‌شد ، به‌ابن حاجب نسبت داده و تولّد ویرا بسال ٥۷۰ یا٥۷۱ بتردید دانسته وبنقل از ذهبی گوید قرآن را حفظ داشت . و در کشف الظنون هم این دو کتاب نام برده سیوطی ذکرشده است .

گذشته از اینکه وفات ابن‌حاجب پیش از فتح بغداد بوده‌ازبیانات ابن‌خلکان معاصر ابن‌حاجب نیز بدست‌آمد که آنچه راجع بکشته شدن ابن حاجب در بغداد بسعایت‌حضرت خواجه نصیرالدّین‌طوسی بعضی‌نوشته‌اند عاری‌ازحقیقت است .

شافیه مختصری درعلم‌صرف‌ودرآخرآن‌قسمتی‌ازقواعدنگارش کلمات‌میباشد، از بدو تألیف تاکنون مورد توجه و نظر دانشمندان و دانشجویان بوده ، برآن حواشی و شروحی بعربی وفارسی‌وترکی نگاشته اند ، حاجی خلیفه نام بسیاری از آنها را در ص ٤٤ ج ۲ ذکر نموده و ما نیز نام بعضی را در این مجلّد بمناسبت خواهیم بردو از سه شرح آن که در این کتابخانه میباشد معرّفی کامل مینمائیم .

۱ شافیه درحدود (۱۰۰۰)بیت کتابت داردومکرّر درایران‌وهندومصروآستانه

(۱) این کتاب بنام : «منتهی‌السئول والامل فی‌علمی‌الاصول والجدل » میباشد ومختصرالاصول ابن حاجب ازاین کتاب مختصرشده وما درص٥۸٦ ج۱ این فهرست بمناسبت نام شروح‌مختصر وخود منتهی و مختصری از شرح حال ابن‌حاجب راداده‌ایم .

بدون شرح چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيّدنا محمّد خاتم النبيّن وعلى آله واصحابه اجمعين **وبعد** فقد سألنى من لايسعنى مضايقته ولا يوافقنى مخالفته الخ .

(۹٤۰)

شافیه — این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بنام حاشیه عصام الدّین پشت نسخه معرّفی ووقف گردیده وبجدول بطلااست .

جلد مقوائی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی شمارهٔ اوراق (٥۱) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲٥) .

[٤۰۰] شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (عربی)

این کتاب شرح بر « الاعراب عن قواعد الاعراب » ابن هشام میباشد و شارح آن خالدبن عبدالله ازهری است ص ۳۰۹ [۳۸۸] وشارح آنرا « موصل الطلاب الى قواعد الاعراب» نامیده وشرحی مزجی ودرحدود(۱۸۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۹۹ درمصر درحاشیه تمرين الطلاب تألیف همین شارح چاپ شده است .

آغاز : الحمدلله والصّلوة والسّلام على سيّدنا محمّد رسول الله وعلى آله وصحبه وجنده وبعد فيقول العبد الفقير الى مولاه الغنى خالد بن عبدالله الازهرى هذا شرح لطيف الخ .

(۹٤۱)

شرح الاعراب عن قواعد الاعراب — این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال وشتن را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجري میباشد، ضمیمهٔ شرح شافیه تألیف نظام الدّین است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود خصوصیّات دیگر درذیل شرح مذکور ذکر ، بهخصوصیّات کتاب شمارهٔ(۳۱۲٦) کتابخانه درص ۳٥۰،۳٥۱ مراجعه گردد .

[٤۰۱] شرح الفیه = شرح ابن عقیل (عربی)

این شرح الفیه ازابن عقیل است (بهاءالدین عبدالله بن عبدالرّحمن بن محمّدبن عقيل القرشى الهاشمى العقيلى الهمدانى الاصل ثم البالسى (۱) المصرى ٦٩٤/٦٩٧/٦٩۸ — ۷٦۹) (۲) که از مشاهیر دانشمندان قرن هشتم هجری بوده ومقام قاضی القضاتی یافته ونسب وی به عقیل بن ابی طالب(رض) برادر حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السّلام میرسد، وی دوازده سال شاگرد ابوحیّان نحوی معروف بوده و او در حق ایشان گفته : (زیرخرگاه آسمان درنحو کسی برتر از ابن عقیل نیست .) وفقه را از زین بن الکنانی وغیرازاو واصول فقه و دین را از علاء قونوی و قرآآت را برتقی صائغ خوانده واحادیث را از محدثین استماع نموده و در زاویه شافعی درمصر مدرّس گشته و درجامع طولونی مدرس تفسیر شده واز اوّل تاآخر قرآن را باتفسیر دربیست و سه سال آنجا القا نمود وباز ازاوّل شروع کردو در اثنای این بار مرگ او را درآغوش گرفت ، دولت و امراء برای او خاضع بودند ، پیش کسی نمیرفت ، مردی پردل ودارای حشمة بودومؤلّفات وی عبارتست از تفسیر بزرگ برقرآن که تا اواسط سورهٔ نساء رسیده (۳) و تفسیر دیگری که آن را « التعليق الوجيز على الكتاب العزيز» نامیده واین نیز بآخر نرسیده است وشرح تسهیل بنام «المساعد» (سیوطی گوید براین شرح حاشیه ای بنام « السيف الصقيل » نگاشته ام)، مختصر الشرح الكبير والجامع النفيس وشرح الفيه ابن مالك (همین کتاب) .

این شرح را چنانکه سیوطی و دیگران نوشته اند برای فرزندان قاضی القضاة جلال الدّین قزوینی نوشته ولی خود مقدّمه‌ای بر آن ننوشته که درآنجا تذکر دهد واین شرح از شروح معروفه الفیه میباشد .

(۱) منسوب به بالس میباشد که بگفته یاقوت در معجم البدان (ج ۱ ص ٤۷۷) میان حلب ورقه واقع شده است .

(۲) ماخذ نگارش این شرح روضات ص ٤٥۸ ، شذرات الذهب ج ٦ ص ۲۱٤ ، بغیه نسخه خطی مدرسه ص ۳٦۲ ، تاریخ آداب اللغه العربیه ج ۳ ص ۱٤۰ ومعجم المطبوعات ص ۱۸۷ میباشد .

(۳) کشف الظنون در ص ۳۰٤ ج۱ تذکر داده که تاآخر آل عمرانست ونامی از تفسیر دیگر ابن عقیل نبرده است .

براین شرح ، سجاعی متوفی بسال ۱۱۹۷ شرحی بنام « فتح الجلیل علی شرح ابن عقیل » نگاشته وچاپ شده است و برشواهد مذکوره درشرح ابن عقیل دو شرح نوشته شده : ۱ ـ عبدالمنعم جرجاوی متوفی درحدود سال ۱۱۹۵ و ۲ ـ بنام « فتح الجلیل شرح‌علی‌شواهد ابن‌عقیل » تألیف محمد قطه العدوی متوفی‌بسال ۱۲۸۱ (۱) واین هردو شرح بایکدگر چاپ گردیده است .

جرجی زیدان گوید : مشهورترین شروح الفیّه شرح‌ابن‌عقیل میباشد که‌مکرّر چاپ شده وبه آلمانی ترجمه گردیده و این ترجمه بسال ۱۸۵۳ م. دربرلن چاپ شده است .

آغاز : بسمله (۲) **ش** الکلام المصطلح علیه عندالنحویین عبارة عن‌اللفظ‌المفید فایدة الخ .

(۹٤۲)

شرح الفیه (ابن عقیل)

این نسخه مشتمل برتمام این شرح میباشد ، سه ورق اوّل‌آن نونویس میباشد ، واوراقی از ابتداء آن نیز بخط نستعلیق و قسمت عمده اخیرآن بخط نسخ است ، نویسنده نسخه نام خود وسال نگارش را نبرده احتمال دارد که ازخطوط قرن یازدهم هجری باشد ، اوراق آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲٤٤) . صفحه‌ای (۱۵)سطر . طول (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض(۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۵) .

(۹٤۳)

شرح الفیه (ابن عقیل)

این نسخه بخط نسخ علی نقی‌بن بهرام بسال ۱۱۰۸ نوشته شده ، یک درمرتبه آحادهزاررا محو کرده‌اند ، قسمتی ازابتداء آن افتاده وچند برگ کاغذ ننوشته درجلو آنست ، نخستین

(۱) نام این دو شارح و تاریخ وفات ایشان در ص ۱۰۰۷ و ۱۶۸۹ معجم المطبوعات مذکوراست .

(۲) ابن عقیل پس از بسمله نه بیت از الفیه رانقل پس از آن درزیرعنوان «ش» که مختصر شرح میباشد بشرح مطالب پرداخته است .

سطر موجود آن اینست : وهوالمنصرف کزید وعمرووالی متمکن . چند ورق اوّل وچندین برگ ازآخر نسخه وصّالی شده است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷۸) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱٤) .

(۹٤٤)

شرح الفیه (ابن‌عقیل)

این نسخه قسمت اوّل آن بخط نستعلیق و بقیه آن بخط نسخ نگارش یافته ، قسمتی از آخر را ندارد (در حدود ۱۲۰ بیت) عبارت آخرین سطر آن اینست : نقلت حرکة الواو الی القاف ثم قلّبت الواو الفالمجانسة الفتحه .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۶) .

[٤۰۲] شرح الفیه = شرح ابن ناظم (بفارسی)

این شرح تألیف ابن ناظم میباشد (بدرالدّین محمدبن محمدبن مالك مشهور به ابن ناظم متوفی بسال ٦٨٦) (۱) که این پسر چون پدر از مشاهیر علماء نحو و امام در ادبیّت (معانی ، بیان ، بدیع ، عروض ، صرف ، لغت ومنطق) میباشد ، چندی‌ازپدراستفاده علمی‌نمود ودراواخراورا ترك‌گفت ودربعلبك‌رحل اقامت انداخت ودر آنجا بافاضه اشتغال داشت ، چون پدرش زندگی را بدرود گفت او را بجای پدر به دمشق خواستند ، و برمسند افاضه و تدریس برقرار گردید تاششم محرم سال نام برده بدرد قولنج درگذشت .

سیوطی گوید : بازی ومعاشرت کسانیکه شایستگی نداشتند بروی غلبه داشت وتوانای برنظم یك بیت نبود . مؤلّفات‌وی عبارتست از : **شرح کافیه** ، شرح‌لامیه پدرش درصرف ، **تکمله** در شرح تسهیل که ناتمام مانده ، **المصباح** مختصر

(۱) روضات ص ۲۰۲ ج ٤ ، شذرات الذهب ص ۳۹۸ ج ۵ ، بغیة الوعاة ص ۱۳۱ نسخه خطی مدرسه و کشف الظنون در نگارش این شرح حال مراجعه شده .

مفتاح درعلم معانی است (۱) ، **روض الاذهان فی البیان** (۲) شرح ملحة الاعراب ، **مقدمة فی العروض** ، مقدّمة فی المنطق ، شرح شافیه ابن حاجب (۳) و شرح الفیه پدرش (همین کتاب) وغیرازاینهاست .

شرح الفیه ابن ناظم که بنابر اختصار از آن به **ابن ناظم** یا **ابن المصنف** نیز تعبیر میگردد چنانکه در ص۱۹ ج۳ فهرست رضویه تذکر داده بسال ۶۷۶ تألیف گردیده ودر چند جای ازمباحث کتاب بخطای مؤلّف وناظم الفیه اشاره نموده وبنظر نگارنده گذشته ازشرح خود ابن مالك این شرح نخستین شرح الفیه میباشد وبسال ۱۲۷۶ درایران وچاپ گردیده است .

آغاز : بسمله قال الشیخ الامام العالم الصدر الکامل حجة العرب لسان الادب افصح الفصحاء قدوة البلغاء بدرالدّین ابوعبدالله محمّدبن شیخنا جمال الدّین ابی عبدالله محمدبن محمدبن عبدالله بن مالك الطائی **بعد** حمدالله سبحانه بما هواهله وناله من المحامد الخ .

(۹۴۵)

شرح الفیه (ابن ناظم) این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب علی اکبر نام برای خود نوشته ، صفحات اولیّه نسخه حاشیه هائی علی اکبر نگاشته و زیریکی از آنها سال ۱۲۴۷ معین شده وپشت صفحهٔ اوّل تاریخ تولّد پسری بسال ۱۲۴۵ یادداشت گردیده ، از آخر کتاب قسمتی نگارش نیافته وآخرین سطر موجود آن اینست : (یقول بناء اسم الفاعل من الفعل الثلاثی علی وزن فاعل فمثل ذلك ما کان علی فعل اوفعل اوفعلا) . وپشت صفحهٔ اوّل بنام «کتاب

(۱) صاحب روضات نوشته اند که این مختصر را (المصباح) محمدبن یعقوب بن الیاس دمشقی معروف به **ابن النحوی** شارح الفیه ابن معط شرح کرده است .
(۲) در بغیه پس از روض الاذهان **کلمه فیه** نوشته شده وصاحب روضات عینا آن را نقل نموده و در بغیه پیش از این کتاب ، المصباح درمعانی ذکر شده بنابراین فیه راجع بمعانی خواهد بود ولی در کشف الظنون باضافه البیان یاد ذکرشده ازاینروما آن را توضیح دادیم .
(۳) در بغیه این شرح بنام « شرح حاجبیه » نام برده شده وشرح کافیه هم جدا گانه ذکر گردیده و در شذرات بنام « شرح غریب تصریف ابن الحاجب » نامیده شده و روضات عین عبارت سیوطی را نقل نموده در کشف الظنون هم نام این شرح ذکرنشده است .

«ابن مصنّف» داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه وبهمین نام که مرادف باابن ناظم میباشد براین کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) .صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۰) .

[۴۰۳] شرح الفیه = سیوطی = البهجة المرضیه (عربی)

این شرح الفیه ابن مالك (درنحو) یکی ازمؤلّفات سیوطی است (جلال الدّین عبدالرّحمن بن کمال بن ابی بکرالخضیری (۱) القاهری الشّافعی السیوطی (۲) ۸۴۹-۹۱۱) (۳) که از مشاهیر علما و دانشمندان قرن نهم هجری بوده ودراوائل قرن دهم وفات یافته است ،

سیوطی دربسیاری از علوم وفضائل متبحّر بوده خصوصاً در تفسیروحدیث وفقه ونحو ومعانی وبیان وبدیع ولغة که همه بر آن شهادت داده اند ودر این فنون و سائر علوم مؤلّفات دارد ، جرجی زیدان بنقل از « حسن المحاضره » مؤلّف مؤلّفات او را ازکتاب ورساله بیشتر از سیصد (۳۰۰) دانسته و تقسیم زیرین در تاریخ آداب اللّغه میباشد : ۲۳ مؤلّفه درتفسیر ومتعلّقات آنست و۹۵ در حدیث و ۲۱ درلغة و ۴۳ دراجزاء مفرده و ۳۵ درعلوم عربیّه و ۲۱ در اصول وبیان تصوف و ۵۰ در تاریخ وآداب و غیر از این دو میباشد و خوشبختانه بیشتر از مؤلّفات وی باقی است و صاحب معجم المطبوعات ۹۲ مؤلّفه چاپ شده او را نام برده و ازلمان هوار شمارهٔ مؤلّفات سیوطی را ۴۱۵ وازفلوگل ۵۶۰ و از جمیل بك درکتاب وی که بنام « عقدالجوهر » میباشد مؤلّفات سیوطی را ۵۷۶ کتاب ورساله

(۱) جرجی زیدان گوید که سیوطی جداعلی خود را اعجمی معرفی کرده شاید بهمین جهت او را خضیری گویند که منسوب به « الخضیریه » باشد که محله‌ای ازبغداد است .
(۲) سیوطی منسوب به اسیوط یاسیوط استکه یکی ازنواحی کشور مصر میباشد وبررودنیل واقع شده و دانشمندانی بانجا منسوب اند صاحب معجم المطبوعات چهارنفررا بدین نسبت نام برده است .
(۳) این شرح بامراجعه به معجم المطبوعات ص۱۰۷۳ تا ۱۰۸۵ وج ۳ تاریخ آداب اللغه ص ۲۲۸-۲۳۳ و روضات ص ۴۳۲-۴۳۷ نگاشته شده .

دانسته و تذکر داده استکه‌سیوطی در« حسن‌المحاضره » شمارهٔ مؤلّفات خودرا ۳۰۰ معیّن نموده است .

جرجی زیدان نام ۵۰ مؤلّفه سیوطی راکه مهم بوده اند از چاپ شده و نشده ذکرنموده وماحیرانیم که ازمؤلّفات وی کدام یك را بر دیگری ترجیح دهیم بدین سبب نامی ازمؤلّفات وی نمیبریم ودر این فصل واین مجلّد از این فهرست چندین مؤلّفه از ایشان معرفی خواهد شد .

این شرح الفیه رامؤلّف خود « البهجة المرضیة فی‌شرح الالفیه» نامیده ومیان طلاب‌ودانشجویان‌بمناسبت‌اشتهارمؤلّف‌وشارح،به‌نام« **سیوطی** »مشهور گردیده وازشروح مزجی بسیارمفید میباشدوازبد وتألیف‌تاکنون‌تدریس وتعلیم‌آن معمول وبرآن حواشی متعدد نوشته شده وباحواشی و بدون آن مکرّر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

آغاز : بسمله احمدك اللّهم علی نعمك وآلائك واصلی واسلم علی محمّد خاتم انبیائك وعلی آله وصحبه والتابعین الی یوم لقائك اما بعد الخ .

(۹۴۶)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ حیدر علی بسال ۱۲۰۱ نوشته شده ، درحاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از میرزا ابوطالب وکتاب تصریح وجامع‌الشواهد و ابن عقیل و چلبی و بدون امضاء موجود است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۷) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۷)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه اوائل آنرا بخط نسخ واواخر آنرا بخط نستعلیق محمّدبن محمّد شریف بسال ۱۲۰۷ نوشته ، درحاشیه بعضی‌از صفحات حاشیه هائی ازجامع‌الشواهد نیز نگاشته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۸)

شرح الفیه (سیوطی)

این‌نسخه بخط نسخ‌نوشته شده ،کاتب ازخود وسال نگارش نام نبرده ،ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم‌هجری میباشد، برصفحه اوّل نسخه دومهر یکی بادامی باین سجع « عبده محمّد سنجر . الحسینی » . ودیگری مربع باین سجع : « عبده سنجرالحسینی ۱۱۰۶ » زده شده ، چندین حاشیه هم برصفحات اولیّه میباشد احتمال داردکه نویسندهٔ آن صاحب دومهر مذکور باشد ومتن (الفیه) باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۱۵سانتیمتر) . عرض (۱۱سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۴) .

(۹۴۹)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ محمّدبن میر ذوالفقار کرمی بسال ۱۲۳۸ نوشته شده ، قسمتی ازاشعارالفیه برصفحات اولیّه نیزنگارش یافته وکاغذ نسخه ساخت سال ۱۸۱۵ م میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۶). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۱۲ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۴) .

(۹۵۰)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نستعلیق علی بن حسین کزازی بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، در حاشیه صفحات اولیّه مطالبی از ابن عقیل وابن ناظم وخالد ازهری وجامی وبدون امضاء نگاشته شده واوراق اولیّه نسخه وصّالی گردیده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱ سا نتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۵) .

(۹٥۱)

شرح الفیه (سیوطی)

اصل این نسخه ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته ، چند ورق از اوّل و آخر ان افتاده بسال ۱۲۲٤ آنرا نوشته اند و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح تسهیل وابن ناظم وابن عقیل وابوطالب وانموزج وکشاف و رضی و تصریح‌واشباه ونظائر و غیر ازاینها در توضیح مطالب کتاب نگاشته شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳٦) . صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۳) .

(۹٥۲)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده کتاب را بآخر نرسانده ودرشرح کلمه **وآله‌الغر** تاجمله «ویجوزان یکون» دست نگاه داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹٦) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۲) .

(۹٥۳)

شرح الفیه (سیوطی)

این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ابتداء آن افتاده واوّل موجوداینست : (بما ذکر وقیّد فی‌التسهیل‌الحم وهو قریب‌الزوج) و نیز از آخر آن یك ورق افتاده و آخر موجود اینست : (اذا ماالليل جنّ متحریا اوجز العباره) . و شش ورق کاغذ فرنگی سفید در اوّل نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع‌خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰٦) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۱) .

(۹٥٤)

شرح الفیه (سیوطی)

این‌نسخه‌بخط نسخ‌نوشته‌شده، درحدود خمس کتاب‌رااز آخر ندارد،باین معنی که‌دراواخرمبحث‌جمع تکثیرنگارش انخاتمه می‌یابدو آخرین‌سطرموجود آن اینست : (مع ماضاهاهما ککوز

وکیزان وتاج و تیجان وقل فی غیرهما کغزال وغزلان وفعلان بفتحة فسکون) ، نسخه آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نشده پشت صفحه اوّل و در حاشیه بیشتر ازصفحات مطالب سودمندی از شرح لباب وحاشیه هائی بامضاء سیّد محمد و ازابن ناظم وجامی وغیره نگارش یافته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٦٤) . صفحه‌ای (۱۹) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۰) .

(۹٥٥)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته ، چند ورق از اوّل کتاب افتاده ونخستین سطر نسخه که درشرح این بیت (بالجرّوالتنوین والنّداوال ومسند للاسم تمییزحصل) میباشد اینست : الرّحمن‌الرّحیم و زید وصه بمعنی‌طلب سکوت ماومسلمات وحینئذ وکل وجوار .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف نامعلوم . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱٤) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۷۲) قفسه مدرسه صدر .

[٤۰٤] شرح الفیه توسرکانی (فارسی)

این شرح چنانکه در مقدّمه آن تصریح گردیده تألیف محمّد علی‌بن مولانا بابای توسرکانی(۱) میباشد، از کیفیّت‌دخول وخروج معلوم میشود که‌شیعی مذهب بوده ، در کتب سیر که در دست بود نام ایشان را نیافتم ، ازطرز و روش انشاء بایستی مؤلّف ازدانشمندان‌قرن یازدهم هجری باشد ، مطالعه وخواندن این شرح مبتدیان را سودمند است .

این شرح در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد .

۱ **آغاز** : بسمله الحمدلله ربّ‌العالمین والعاقبة للمتقین وصلی‌الله علی سیدناالاوّلین والاخرین محمّد واهل‌بیته الطیبین‌الطّاهرین **امابعد** برضمائر اصحاب سخن وابصار

(۱) در نسخه کلمه باین قسم (سرکانی) نوشته شده وظاهراً **توسرکانی** بوده ونویسنده نسخه ، کلمه «تو» را ازعبارت انداخته است . و گویند که «**تو**» و «**سرکان**» نام‌دومحل‌میباشد

ثاقبهٔ (۱) ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیّه علم صرف و نحو است الخ .

(۹۵٦)

شرح الفیه توسرکانی

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۱۲۲ محمد زمان بن حاجی عبد اللطیف تبریزی نوشته ، برگ هائی از اوّل و آخر نسخه وصّالی گردیده ، پشت ورق اوّل و آخروورقیکه پیش وپس نسخه میباشد حواشی ویادداشتهائی بنظم ونثرموجود است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۰). صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۸) .

[٤۰۵] شرح الفیه = ترجمه الفیه (فارسی)

نسخه ایکه زیر این سطور خصوصیّات آن را خواهم نگاشت شرحی فارسی ویا ترجمه ابیات الفیه ابن مالك میباشد ، شارح یامترجم نامی از خود در آغاز وانجام کتاب نبرده وپس ازبسمله نخستین شعر الفیه را نقل وبترجمه آن پرداخته و در آخر هم چون از ترجمه آخرین بیت الفیه فراغت یافته قلم را از دست انداخته است .

از مندرجات نسخه نتوانستم قرینه ای برمؤلّف و زمان وعامّی وخاصّی بودن او بدست آورم ، در کشف الظنون که شروح الفیه را نامبرده شرحی فارسی تذکّر نداده ولی در کشف الحجب والاستار دو شرح فارسی از علماء امامیّه بر الفیه ابن مالك نام برده شده :

۱ - شرح عبدالله بن شاه منصور قزوینی طوسی که معاصر شیخ حرّعاملی بوده (نسخه ای از این شرح درکتابخانه حضرت رضا ع موجود و در ص ٤۹ ج ۲ امل الامل مؤلّفه بسال ۱۰۹۷ نام این دانشمند برده شده واز معاصرین بودوشرحی فارسی بر الفیه و رساله ای در اثبات خلافت حضرت علی بن ابیطالب ع بنام « غدیریه » تألیف کرده است) .

(۲) درنسخه ثابقه نوشته شده ولی بایستی ثاقبه باشد .

۲ - شرح محمّدبن سلیم گیلانی که بسال ۱۱۸۵ ازتألیف آن فراغت یافته است .

و درفهرست کتابخانه حضرت رضا ع (ج ۳ ص ۱۹) شرحی فارسی برالفیه تألیف سلطان محمّد بن علی کاشانی موجود و درآنجاست که آنرا بنام پسرخود محمّد جعفر تألیف نموده است .

این شرح مسلماً شرح قزوینی وشرح کاشانی وشرح توسرکانی که پیش ازاین از آن معرفی شد نیست ، شاید شرح محمّدبن سلیم ویاشرح دیگری باشد .

این شرح بامتن درحدود (۳۸۰۰) بیت کتابت دارد وگذشته ازترجمه ابیات متن توضیح ها ومثالهائی برای بیان مقصود آورده است .

آغاز : بسمله قال محمّد هوبن مالك احمد رب‌الله خیر مالك گفته پسر مالك‌است حمد میگویم پروردگارخودرا که‌این‌صفت دارد که بهترین مالکان است الخ .

انجام: وبرصحابه او که این صفت دارند که برگزیده شده اند یااین صفت دارند که اختیار کرده شده اند واین صفت دارند که مختاراند تم .

(۹۵۷)

شرح یاترجمه الفیه

این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، از اینکه بسیاری از مطالب درحاشیه نگاشته شده و درمتن هم اصلاحاتی شده احتمال میدهم که خط شارح باشد ، چند ورق از اوّل و آخر وصّالی گردیده ، از مبحث منع صرف ونواصب هریك در حدود دو ورق افتاده و پشت ورق اوّل دعاهائی نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۱۸) . صفحه ای (۱٦) سطر . طول (١٤ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۰) .

[٤۰٦] شرح انموزج = شرح اردبیلی (عربی)

مؤلّف این شرح جمال‌الدّین محمّدبن عبدالغنی اردبیلی است انموزج کتابی مختصر در علم نحو و تألیف جارالله زمخشری متوفی بسال ۵۳۸ میباشد ، صاحب معجم المطبوعات در ص ٤۲۳ گوید بسال ٦٤۷ این اردبیلی وفات یافته و این

شرح وی درضمن مجموعه ای درایران چاپ شده ومرادش از مجموعه آنستکه بنام «جامع المقدمات» مشهور و مکرّر چاپ گردیده، در مآخذ دیگر نامی از این شارح و زمان وی بدست نیاوردم و معجم مذکور مأخذ خود را درنقل تاریخ وفات وی معین ننموده است، حاجی خلیفه در کشف‌الظنون زیر عنوان انموزج فی‌النحواین شرح و مؤلّف آنرا بدینگونه معرفی میکند: وشرحه الفاضل الشهیر بزین‌العرب وجمال‌الدّین محمّدبن عبدالغنی الاردبیلی المتوفی سنه (سال وفات را ذکرنکرده‌است) اوله الحمدلله الذی جعل العربیه مصباحاً (درنسخه خطی ذیل و نسخ چاپی مفتاحاً میباشد و این صحیح است) للبیان الخ و چنانکه درمقدّمه مذکوراست که این‌شرح برای علاءالدّین احمد ابن‌اقضی‌القضاة عمادالملة والدین مفضل کاشانی تألیف شده وشرحی قولی است.

آغاز: بسمله الحمد لله‌الذی جعل العربیة مفتاح البیان وصیّرها آلة یحترزبها عن‌الخطاء فی‌اللسان الخ.

(۹۵۸)

شرح انموزج (اردبیلی) این نسخه را بسال ۱۰۸۳ مراد علی فومنی بخط نسخ نوشته، درحاشیه بیشتراز صفحات ترجمه عبارات شرح بفارسی نگاشته شده‌واعراب‌بعضی‌ازجمل‌وعبارات‌شرح‌نیز نگارش‌یافته، پشت ورق اوّل و آخر مطالبی علمی بعربی و فارسی تحریر یافته و چند ورق از اوّل و آخر وصّالی شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی و چند برگ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق(۱۰٤). صفحه‌ای (۱۰) سطر. طول ($\frac{1}{2}$۲۰سانتیمتر). عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۷).

[٤۰۷] شرح تصریف (عربی)

این شرح نخستین مؤلّفهٔ تفتازانی است (سعدالدّین مسعودبن عمرالتفتازانی الشافعی $\frac{\frac{۷۱۲}{۷۲۲}}{\frac{۷۹۱}{\frac{۷۹۲}{۷۹۳}}}$) که مختصری‌ازشرح حال ومؤلّفات ایشان‌رادرذیل کتاب «التلویح» در فصل اصول فقه در ص ۵۵۹ ج ۱ فهرست این کتابخانه تذکر داده ایم

وتصریف که‌از آن به**العزی فی التصریف**نیز تعبیرمیشودودرص ۳۱۲-۳۱۳همین مجلّد از آن معرفی گردید، مختصری‌است درعلم صرف تألیف عزالدّین زنجانی‌وتفتازانی بر آن این شرح‌را نگاشته وصاحب کشف‌الظنون در ص۱۱۵ج۲ تاریخ‌تألیف این شرح رابسال ۷۳۸معین‌نموده ونام‌حاشیه‌هائیکه براین‌شرح وبرآن حواشی نوشته شده نیز دراین صفحه از کتب موجود واین شرح نیز در ضمن مجموعه‌ایکه بنام «جامع المقدمات» نامیده میشود مکرّر چاپ شده است.

آغاز: بسمله ان اروی زهرتخرج فی‌ریاض‌الکلام من‌الاکمام الخ.

(۹۵۹)

شرح تصریف این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۰ نوشته شده، حواشی صفحات بسیارچرکین شده، بربعضی ازصفحات حاشیه هائی موجود وبعضی را هم محوکرده اند، باب حادی عشر (متن شرح معروف به «النافع یوم‌الحشر» درفن کلام‌از آن‌نام برده خواهد شد ضمیمه به اوّل این‌نسخه است وشش ورقیکه درمیان این‌نسخه رنگ آنها بارنگ کاغذ سائر اوراق نسخه مختلف است از این نسخه نیست.

جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق کلیه(۱۰۹). این شرح (۹۹). صفحه‌ای (۱۸) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۰ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۰).

(۹٦۰)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پنج ورق از اوّل وسه‌ورق از آخر آن نونویس واصل نسخه از خطوط قرن یازدهم هجری است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱٤۲). صفحه‌ای (۱۷و۱۰) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض (۱٤ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۱).

(۹٦۱)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ محمّد صادق نام نگارش یافته، سال نگارش نام برده نشده، حاشیه سعدالله چلبی برتمام اوراق

وجود دارد وظاهراً ازخطوط قرن دوازدهم هجری میباشد و بورقیکه پیش از این شرح است وپشت ورق آخر، مطالب متفرقه ای نوشته اند .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱۰۸) . صفحه‌ای (۱۱) سطر. طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۲).

(۹۶۲)

شرح تصریف این‌نسخه بخط نسخ وچند ورق آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نبرده ولی واضح است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و کتاب « الفوائدالصمدیه » که در همین فصل معرفی خواهد گردید پیش از این شرح گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه(۱۲۸) . این نسخه (۱۰۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . (عرض ۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۴۶) .

[۴۰۸] شرح جمع الجوامع = همع الهوامع (عربی)

این شرح ومتن آن (جمع الجوامع)هردو تألیف جلال الدّین سیوطی میباشد که در ص ۳۲۷ و۳۳۸ همین مجلّد شرح حال ایشان نگاشته شد .

جمع الجوامع مختصری است درنحو وصرف وتألیف آن بطرزی مخصوص شده و آن اینست : **مقدمات** در مباحث کلّیه چون معنی کلمه و کلام ، اعراب وبنا منصرف وغیرمنصرف ، انواع اعراب، تثنیه وجمع ، ضمائر ، موصولات، حرف تعریف وغیرازاینها (این قسمت درحدود ربع کتابست .) **کتاب اول** در عمد و آن مرفوعات و آنچه مشابه آنهاست ازمنصوبات نواسخ میباشد . **کتاب دوم** در منصوبات است واز آن به **فضلات** تعبیرمینماید. **کتاب سوم** در مجرورات و آنچه بر آن حمل میگردد از مجزومات وتوابع آنست. **کتاب چهارم** درعوامل انواع مذکوره است و آن فعل وملحقات بآنست ودر این کتاب مبحث اشتغال وتنازع ذکرشده است . **کتاب پنجم** در توابع انواع نامبرده بالا و عوارض ترکیب از تغییر اعراب است مانند اخبار بحکایت و تسمیه وضرورت شعر واین کتابهای پنجگانه در نحو است . **کتاب ششم** در ابنیه است. **کتاب هفتم** در تغییر کلمات مفرده چون زیادتی

یك یاچند حرف وحذف وابدال و نقل وادغام . **خاتمه** درخط و طرز نگارش همزه و غیره است .

شارح درمقدّمه‌شرح گوید: « که جمع الجوامع را بدین طرزبدیع تألیف نموده ام ومطالب آن را ازیکصد کتاب گردآورده ام وبهمین مناسبت آن را « جمع الجوامع » نامیده ام و بر آن بودم که براین کتاب شرحی مبسوط و مفصل که حاوی اقوال وادلّه موافقین و مخالفین و شرح شواهد و توضیح کامل بوده باشد نگارش دهم ولی روزگاررا برای‌این‌مقصود تنگ دیدم و دانشجویان همواره خواستار شرح این مؤلّفه میشدند لذا این شرح راکه راهنمای بمقاصد کتابست وایشان را بر مسائل ومطالب غریبه‌ومشکله آگاه مینماید تألیف نموده و آنرا « همع الهوامع فی‌شرح جمع الجوامع » نامیدم » .

براین شرح احمد بن امین شنقیطی متوفی بسال ۱۳۳۱ بنام « الدرر اللوامع علی همع‌الهوامع » شرحی نگاشته‌وبسال ۱۳۲۸ دوبارچاپ گردیده‌است (ص۱۱۴۸ مطبوعات)

این شرح درحدود (۳۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۲۷ در مصر در دومجلّد چاپ شده وطرزآن اینگونه‌است که بدواً قسمتی از عبارت جمع الجوامع نقل گردیده پس ازآن شروع بشرح و بسط مطالب آن نموده تاباآخر این‌قسمت میرسد وباز قسمتی دیگر متن را نقل نموده و بشرح آن پرداخته تا بآخر کتاب میرسد .

جمع الجوامع بگفتهٔ مؤلّف معجم المطبوعات نیز بسال ۱۳۲۷ در دو مجلّد چاپ شده وآغاز آن اینست : بسمله احمدك اللّهم ماسبغت من‌النعم الخ .

آغاز : (شرح جمع الجوامع) : بسمله یقول عبدالرّحمن بن ابی بکرالسیوطی
۱ الشّافعی لطف‌الله به تعالی سبحانك لااحصی ثنأ علیك انت کما اثنیت علی نفسك واصلی واسلم علی محمّدافضل من خصیصته بروح قدسك و بعد فانّ لنا تألیفاً فی‌العربیّه جمع ادناها واقصاها الخ .

(۹٦۳)

شرح جمع الجوامع (همع الهوامع)

این نسخه را بخط نسخ خوب جلال الدّین ابن شریف حسن عباسی نجفی شهیر به **آل ظفر** بسال ۱۰۷۸ نگاشته، متن کتاب با شنجرف نوشته شده، صفحات بجدول بطلاو لاجورد و شنجرف میباشد و درابتداء نسخه سرلوح زیبائی است، ورق آخر و اوراقی از اوّل نسخه وصّالی گردیده و چند یادداشت از آنهائیکه پشت ورق نخستین بوده محو گردیده است.

جلد میشن نیم ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۸۸). صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۲٦ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱٥۲).

[٤۰۹] شرح شافیه = شرح جاربردی (عربی)

این کتاب شرح شافیهٔ ابن حاجب در علم صرف میباشد که در ص ۳۳۰-۳۳۲ معرفی از آن گذشت، این شرح یکی از معروفترین شرح های آن کتاب و شارحش **جاربردی** (۱) است (فخرالدّین احمدبن حسن بن یوسف جاربردی متوفی بسال ۷٤٦) (۲) که از معاریف علماء شافعی مذهب وادباء در قرن هشتم هجری بوده و میانه وی باقاضی عضدایجی (بسال ۷٥٦ مرده وشرح حال و مؤلّفات او را در ص ٥۸٦ ج ۱ فهرست نگاشته ام) مکاتبات درمسائل علمی ردّ و بدل شده (یکی از مکاتبات این دو دانشمند در ص ۱۰۸ تا ۱۱۱ ج ٦ طبقات سبکی موجود است) وبریکدگر ردهائی نوشته اند، پس ازمرگ جاربردی پسرش محقّق فاضل ابراهیم بن احمد نیز کتابی بر ردّ قاضی عضد درحلّ بعضی از مشکلات کشاف نوشته ونام آنرا «السیف الصارم علی عنق عضد الظالم» گذارده است، جاربردی رامؤلّفاتی دگر چون **شرح منهاج** قاضی بیضاوی دراصول فقه و**شرح الهادی الصغیر** تألیف عبدالغفار بن عبدالکریم قزوینی شافعی متوفی بسال ٦٦٥ در فقه (صاحب

(۱) در ص ٤۱٦ ج ۱ و ص ٤٤ ج ۱ کشف الظنون چاربردی باجیم.وباء پارسی نوشته شده ولی در جاهای دیگر همه باجیم وباء عربی ثبت کرده اند.

(۲) با مراجعه به روضات ص ۹۱ و شذرات ج ٦ ص ۱٤۸ و بغیه ص ۱۷٦ نسخه خطی و معجم المطبوعات ص ٦۷۰ این شرح نوشته شده.

کشف الظنون در ص ٤۱٦ ج ۱ گوید بآخر نرسیده وآنرا **الهادی** نامیده وآغاز آن را ذکر نموده است) و حواشی و تعلیقات بر کشاف و رسالهٔ در نحو بنام **المغنی** در نحو میباشد [این کتاب را بسال ۸۰۱ بدرالدّین محمّدبن عبدالرّحیم العمری البلالی بگفته کشف الظنون (ص ٤۷۳ ج ۲) شرح کرده وصاحب روضات شارح را شاگرد مؤلّف و او را میلانی بدون ذکر لقب وی ذکر نموده است].

شرح شافیه جاربردی از کتابهای درسی درعلم صرف میباشد و از بدوتألیف تاکنون هماره مورد مراجعه علما واستفادهٔ دانشجویان بوده وازهمهٔ شروح برتری دارد، شارح درهنگام شرح به شرح مصنف برشافیه نظر داشته ومشکلات شافیه و شروح پیشین آن را بدون اطناب مملّ وایجاز مخلّ حل نموده وتألیف آن بنام سعدالدّین (۱) ابی المکارم محمّدبن تاج الدّین علی ساوی وزیر وبرای تقرب بوی گردیده و دارای مطالبی است که در کتب دیگر کمتر یافت میشود. و درحدود (۱۲۰۰۰) بیت کتاب دارد، بسال ۱۲۷۱ در ایران و ۱۳۱۰ در آستانه ضمن مجموعه ای چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله نحمدك یامن بیده الخیر والجود و لیس فی الحقیقة غیره بموجود الخ.

(۹٦٤)

شرح جاربردی

این نسخه بخط نسخ بدون نام نویسنده وتاریخ نوشته شده، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد، بسال ۱۲٦۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده وتجلیدشده، متن شافیه بالای صفحات نسخه نوشته شده و درحاشیه بیشتر ازصفحه ها حاشیه هائی بخط نویسنده نسخه وغیراو موجود است.

جلد میشن مطلا. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ اوراق (۱۳۰). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۸$\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۷).

(۱) در روضات اسعدالدین نوشته شده ولی در نسخه سعدالملة والدین میباشد.

[۴۱۰] شرح شافیه = شرح نظام (عربی)

این شرح نیز از مشاهیر شروح شافیه میباشد ص (۳۳۰) [۳۹۷] و شارح آن نظام اعرج نیشابوری است (نظام الدّین حسن بن محمّدبن حسین‌المشهور به نظام الاعرج النیشابوری) (۱) که از شاگردان قطب الدّین شیرازی (محمود بن مسعود متوفی بسال ۷۱۱) بوده وبامر ایشان کتاب «تفسیر التحریر» را که حاشیه بر تحریر مجسطی خواجه‌نصیر طوسی‌است وپیش‌ازاین نگاشته‌ولی‌متفرق بود بسال ۷۰۴ منظم ومرتب نموده (۲) و تفسیر «غرائب القرآن» را که مشهور به تفسیر نیشابوری و از مشاهیر تفاسیر میباشد بسال ۷۲۸ تألیف و کتاب «توضیح‌التذکره» (۳) را درشرح‌تذکره خواجه طوسی بسال ۷۱۱ تألیف نموده صاحب روضات کتابی بنام «لب‌التأویل» نظیر تأویلات ملاّ عبد الرّزاق کاشانی و رساله ای در علم حساب و کتابی در وقوف قرآن نظیر وقوف سجاوندی نیز باین شارح نسبت داده اند.

بنا برقرائن مذکوره بالا شارح از علماء قرن هفتم و اوائل قرن هشتم هجری بوده و اینکه صاحب روضات ایشان را از علماء رأس صدهٔ نهم هجری ومعاصر باسیّد شریف ودوانی دانسته اند ازحقیقت دوراست وچنانکه درآخر جلد سوم تفسیر غرائب‌القرآن خود تصریح کرده اند بسال ۷۲۸ تألیف آن خاتمه یافته نه درسال خمسین وثمانمائه (۸۵۰) که صاحب روضات تعیین نموده اند.

شرح‌نظام برشافیه یکی ازشروح مزجی وپیش‌دانشجویان وطالبین‌علم‌صرف بسیارمقبول وطرف توجه میباشد وچنانکه‌ازمقدمه نسخه شمارهٔ (۳۱۳۲) کتابخانه وشمارهٔ (۹۶۵) این فهرست که شامل‌مطالبی‌استکه دردونسخهٔ خطی دیگرنیست،

---

(۱) شرح‌حال نظام‌را فقط در ص۲۲۵ روضات دیدم و درماخذ دیگر که دردست‌است‌نام‌ونشانی از ایشان دیده نشد جز در ص ۱۵۲۷ معجم المطبوعات بنقل از روضات و در ص ۲۵۷ هدیة الاحباب نیز مختصری ازروضات.

(۲) نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مجلس‌شورای ملی ایران موجود است به ص ۸۸ ج ۱ فهرست کتب خطی مراجعه شود.

(۳) نسخه ای از این کتاب نیز در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است به ص ۹۱ ج ۱ فهرست کتب خطی مراجعه شود.

برمیآید تألیف آن درشیراز بنام رکن‌الدّین ابو محمّد یحیی شده که ازعلماء آنشهر درآن‌روزگار بوده‌است، وشرح‌نظام مکرّر درایران چاپ گردیده ودر حدود (۵۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: احمدك اللّهم علی ان وفقتنی لصرف ریعان الشباب فی اقتناء العلوم والاداب الخ.

(۹۶۵)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه‌را بسال ۱۱۱۵ محمّدبن حاجی جمال اردستانی‌بخط نسخ نوشته، شامل تمام شرح میباشد، روی عبارات متن باشنجرف خط کشیده شده واز شرح جداگردیده، ورق‌اوّل و دوّم وصّالی شده ونویسنده حمد وصلوة راازاوّل نسخه انداخته وازجمله وبعد شروع کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار، قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۱۵۸). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۳۲).

(۹۶۶)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه را بسال ۱۱۱۲ امامقلی استرابادی نوشته، ورق اوّل کتاب که شامل قسمتی ازدیباچه بوده افتاده، ونسخه در آب افتاده وبعضی از کلمات آن محو گردیده است.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۲۱۴) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۷).

(۹۶۷)

شرح شافیه شرح (نظام) این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، دیباچه را ندارد و از ابتداء شرح عبارات شافیه شروع گردیده و دو ورق ازآخر آن افتاده وآخرین سطر موجود آن اینست: (ونحوالذین فی‌التثنیه نصباً وجراً بلامین‌للفرق بینه‌وبین‌الجمع لثقله اولی.»

شرح‌قواعدالاعراب یا موصل‌الطلاب که در ص ۳۳۲ و ۳۳۳ معرفی از آن گردید ضمیمه این شرح میباشد، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بامضاء

محمّد علی موجود ، تاریخ نگارش هردو نسخه بدست نیامد وظاهراً شرح نظام از خطوط قرن سیزدهم و موصل الطلاب از قرن دوازدهم است .

جلد میشن مطلا . کاغذ فرنگی و سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۲). این شرح (۱۰۳)، صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۶) .

[٤۱۱] شرح شافیه = شرح آقا محمدهادی (فارسی)

آقا محمد هادی پسر ملاّ صالح مازندرانی متوفی بسال ۱۰۸۱ میباشد وبگفته صاحب روضات محمّدهادی(ص۳۳۱ ذیل نام محمد صالح) تازمان فتنه افاغنه(بسال ۱۱۳۷ بوده است) حیات داشته و در همان گیرودار برحمت الهی پیوسته وقرآن کریم وصحیفه سجّادیه ومعالم الاصول وکافیه و شافیه را بفارسی ترجمه نموده ومؤلّفات دیگر نیز داشته وخط شکسته ونستعلیق را بسیار خوب مینوشته ومیتوان اورا از خطّاطین معروف دانست ، شارح چنانکه در مقدّمه آن شرح گفته شده برحسب خواست حسین علیخان که ازخوانین آندوره بوده بشرح مشکلات شافیه پرداخته ومشکلات آنرا بعبارات سهل و ساده حلّ کرده و باقوال شراح اشاره نموده و درحدود (۱۵۵۰۰) بیت کتابت این شرح است .

آغاز : الحمدلله رب العالمین و الصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّد وآله الطیبین الطّاهرین المعصومین امّا بعد چنین گوید ذرهٔ بیمقدار تراب اقدام شعیان ائمّهٔ اطهار الخ .

(۹٦۸)

شرح شافیه (آقا محمد هادی) این نسخه را بسال ۱۱۳۳ بخط نسخ محمّد ظهیر ابن حاجی محمّد زمان نوشته ، درحاشیه پاره ای ازصفحات تعلیقاتی از شارح وغیر ایشان میباشد ، در آب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده ، چند ورق آخر نسخهٔ وصّالی گردیده و پشت ورق اوّل یك برگ از صحیفه سجّادیّه که دارای سرلوحی میباشد چسبانیده اند ویادداشتهائی ازاخبار وغیره پشت ورق نخستین وآخرین وورق الحاقی موجود است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۸۸) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۸) .

[٤۱۲] شرح شرح جامی (فارسی)

نسخه زیرین که خصوصیّات آن نگاشته خواهد شد ، شرحی فارسی برشرح جامی برکافیه است که آنرا پس از این معرّفی خواهیم نمود ، ورق اوّل نسخه افتاده لذا نام مؤلّف و شارح بدست نیامد از مطالعهٔ نسخه هم شارح شناخته نشد ولی دانستیم که شرح قولی برشرح جامی است و در حدود (٤۰۰۰) بیت کتابت آنست .

(۹٦۹)

شرح شرح جامی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۵۵ (در آخر نسخه چنین نوشته شده : ۱۵۵) نوشته شده ، ازقرائن چنین بدست میآید که خط شارح میباشد ، ورق اوّل آن افتاده ونخستین سطر نسخه اینست : خاصه خدای تعالی است الحال جواب میگوئیم که شما این راه را قبول دارید که جنس حمد خاصه خدای تعالی است الخ .

اوراق نسخه بواسطهٔ آبدیدگی بعضی از سطور آن محو شده وبرخی وصّالی گردیده است .

جلد تیماج مستعمل . کاغذ کاهی . واقف حاج سید محسن و آقا سید اسدالله . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۱۸) قفسهٔ مدرسه قنبرعلیخان .

[٤۱۳]. شرح فوائد الصمدیه = (عربی)

الحدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه = شرح کبیر سید علیخان

چنانکه درص ۲۰٤ – ۲۰۸ زیرشرح حال سید علیخان کبیر گفته شد ایشانرا
۱ سه شرح برفوائدالصمدیه شیخ بهاء الدّین عاملی ره میباشد ودرهمین فصل ازصمدیّه وشروح آن معرفی خواهد شد ، شرح کبیر سیّد این کتابست که خصوصیّات آن در اینجا نوشته میشود وبسال ۱۰۹۹ تألیف آن بآخررسیده وپس ازاین شرح صغیر

خود را نگاشته و چون زیاد مختصر شده شرحی متوسط بر این کتاب نوشته ونسخهٔ شرح متوسط را نوادهٔ محترم ایشان آقای میرسید احمد مهذب دارند ، مؤلف نام این شرح (کبیر) را «الحدائق الندیه فی شرح الفوائدالصمدیه» گذارده وشرحی مزجی وچون سائر مؤلفات این مؤلف در منتهی درجهٔ خوبی میباشد و بسال ۱۲۷٤ در طهران چاپ شده است .

آغاز : الحمدلله الصمد بماله من المحامدالابدیه و الشکرله علی آمال توجهت له نحوه فصرفها بالفوائدالصمدیة احمده حمد من نزه العلی عن الاشباه الخ .

(۹۷۰)

شرح صمدیه (الحدائق الندیه)

این نسخه بخط نسخ ظاهراً در قرن سیزدهم هجری نوشته شده، قسمتی از آخر نسخه افتاده (تامبحث جملیکه محل اعراب ندارد بیشتر شامل نیست) و آخرین سطر آن اینست : (ان الثمانین وبلغتها ـ قداحوجت سمعی الی ترجمان ـ الثالث انه یجوز تصدیرها بدلیل استقبال کان.)

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲٤۰) . صفحه ای (۲٤) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤٤) .

[٤١٤] شرح فوائد الصمدیه = (عربی)

(الفرائدالبهیه فی شرح الفوائدالصمدیه = شرح صغیر صمدیه)

این شرح ، شرح صغیر سید علیخان کبیر برفوائدالصمدیه میباشد ، تألیف آن پس از شرح کبیروی براین کتابست که پیش ازاین معرّفی شد و نام این شرح را «الفرائدالبهیّه فی شرح الفوائد الصمدیه» گذارده و در حدود (٦٨۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۷۰ در طهران چاپ شده و از کتب درسی طلاب علوم قدیمه میباشد .

آغاز : بسمله نحو جنابك المتعال صرف وجوه الامال و بابك مورد کل سؤال الخ .

(۹۷۱)

شرح صغیر صمدیه (الفرائدالبهیه)

این نسخه بخط نسخ محمّد جعفر بسال ۱۲٤٤ نوشته شده ، شامل تمام کتابست ، در حاشیهٔ اوراق اولیّه نسخه حاشیه ها و تعلیقاتی در مطالب نحوی از شارح و دانشمندان متقدّم ومتأخر بروی ومؤلّفات ایشان موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤۵) .

(۹۷۲)

شرح صغیر صمدیه (الفرائدالبهیه)

این نسخه را محمّد هادی بن معصوم بروجردی بسال ۱۲۵۹ بخط نسخ نوشته ، رسالهٔ مختصر بعربی در علم معانی وبیان وبدیع که اوراقی از اوّل وآخر آن افتاده ضمیمهٔ آنست .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۷٦) . این نسخه (۱٦۱) . صفحه ای (۱٦ و ۲۰) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤۹) .

(۹۷۳)

شرح صغیر صمدیه (الفرائد البهیه)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نگارش آن خاتمه نیافته وشامل از ابتداء کتاب تاقسمتی از مبحث مبنیّات میباشد و آخرین سطر نسخه اینست : (فیکتب بالیاء وهوللعاقل غالباً ومن غیره قوله والعیش فی اولائك الایام وقدیق) . متن این شرح (الفوائدالصمدیه) ضمیمهٔ این نسخه است و دراین فصل آن را ذکرخواهم نمود .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۲) . این شرح (٦۱) . صفحه‌ای (۱٦ و ۱۱) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤۷) .

[٤۱۵] شرح فوائد الصمدیه = شرح صمدیه عبدالعظیم (عربی)

این شرح نیز برفوائدالصمدیه و در نحو میباشد ، مؤلّف خود را در دیباچه «محمّدبن عبدالغنی المشتهر بعبدالعظیم الحسنی» معرّفی نموده ، درمآخذیکه دردست

نگارنده است نامی از مؤلّف ومؤلّفه یافت نشد، ازمطالب مندرجه در کتاب هم عصر و زمان وی بدست نیامد ، بقرینه اینکه پس ازنام مصنّف متن متوفی بسال ١٠٣٠ رحمه الله واسکنه الله فی اعلا علّیّین گذارده و نسخه هم بسال ١١٠٢ یا ١١٥٢ نوشته شده تألیف آن مسلّماً میان دوتاریخ مذکورخواهدبود، شارح نامی مخصوص برای این شرح نگذارده و ازدانشمندان اثنا عشری مذهب بوده است .

این شرح مزجی و در حدود (٣٥٠٠) بیت کتابت دارد و دربعضی ازموارد باقوال علماء ادب چون ز مخشری وشیخ رضی متمسّك شده است .

آغاز : بسمله نحمدك یامن نحوضمیرنا موصول الی وصف اسمائه الحسنی الخ .

(٩٧٤)

شرح فوائدالصمدیه

شرح (عبدالعظیم)

این نسخه را بخط نسخ بسال ١١٠٢ یا ١١٥٢ محمّد علی بن محمّد هادی نوشته ، تصحیح و مقابله گردیده ، در حواشی بعضی از صفحات حاشیه هائی بامضاء منه و بعضی بامضاء منه رحمه الله دیده میشود ، ظاهراً نسخه ازنظر شارح گذشته و این حواشی بخط خود او میباشد ، در تاریخ تحریر نسخه آثار محوکردن ظاهر ، لذا مردّد میان دوتاریخ مذکوراست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٨٣) . صفحه ای (١٠) سطر . طول (١٧ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١١ ١/٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣١٤٨) .

[٤١٦] شرح قطر (عربی)

چنانکه درص ٣٠٦ درذیل شرح حال ابن‌هشام نحوی گذشت **قطر الندی وبل الصدی** وشرح آن که بنابر اختصار مشهور به **شرح‌قطر** میباشد از مؤلّفات **ابن‌هشام نحوی** و در علم نحو است و این شرح نیز از کتب متداوله درمیان طلاب علوم ادبیّه بوده و هست و تعلیقات زیاد برآن نوشته شده **و کاکو یار** آن را بفرانسه ترجمه نموده وبسال ١٨٨٧ درلیدن چاپ گردیده وشیخ عبدالعزیز فرغلی انصاری متوفی بسال ١٢١٦ مطالب قطرالندی را بنظم درآورده ودرحاشیه

شرح قطر وباء مجیب الندی الی شرح قطرالندی » (١) درمصر چاپ شده واین شرح قطر ابن‌هشام درحدود (٣٦٠٠) بیت کتابت آنست .

حاجی خلیفه در ص ٢٣٨ ج ٢ کشف الظنون قطرالندی را نام برده و چند شرحیکه برآن نوشته شده ذکرنموده است.

آغاز : بسمله قال الشیخ الامام. . . . جمال الدّین ابومحمّد عبدالله بن هشام الانصاری فسح الله فی قبره **الحمدلله** رافع الدرجات لمن انخفض بجلاله وفاتح البرکات لمن انتصب لشکر افضاله الخ .

(٩٧٥)

شرح قطر

این نسخه بخط نسخ بسال ١٢٥٧ نوشته شده ، طرز نگارش صفحات آن یك نواخت نیست و نویسنده نام خود را نبرده است.

جلد تیماج . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١١٥) مختلف السطور. طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣١٠٤).

[٤١٧] شرح کافیه = شرح جامی = (عربی)

(الفوائدالضیائیه)

این شرح یکی از مؤلّفات **جامی** است (نورالدّین عبدالرّحمن بن احمد ٨١٧-٨٩٨)(٢) که از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری بوده و برخی را عقیده اینستکه از آن قرن تاکنون بپایه وی شاعری یافت نشده ودرعرفان وادب دست داشته ومؤلّفات وی بهترین شاهد و گواه براین مدعی است ، جدّ وی شمس الدّین محمد

(١) « مجیب الندی الی شرح قطرالندی » تالیف جمال الدین یا عفیف الدین عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی المکی الشافعی النحوی (٨٩٩-٩٧٢) میباشد و بسال ١٢٦٤ در بولاق مصرچاپ شده است (ص ١٤٣١ معجم المطبوعات) .

(٢) برای اطلاع برشرح حال جامی به ص ٣٨٤ روضات ، ص ٨٦ الفوائدالبهیه ، ص ٢٩٣-٢٩٦ شقائق نعمانیه ، ص ٣٦٠ ج ٧ شذرات الذهب ، شرح حال جامی تالیف آقای تربیت ضمیمه تقویم ١٣٠٨ تربیت ، ص ٥٦٩ هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ، تکمله نفحات الانس نسخه خطی مجلس شورای ملی ومعجم المطبوعات ص ٦٧١-٦٧٢ مراجعه شود .

دشتی(۱) اصفهانی استکه بتربت شیخ جام مهاجرت نموده وتولّد عبدالرّحمن در «**خرجرد**» ازتوابع جام گردیده وظاهراً مذهب‌وی حنفی‌وناصبی‌بوده ودرتصوف ازنقشبندیه است ، صاحب روضات ازمقالهٔ امیر محمدحسین خاتون‌آبادی درذکر آنهائیکه ازعامه امامی‌مذهب شده‌اند بوسائط ازشیخ عبدالعالی کرکی(پدرمحقق ثانی‌است) نقل‌نموده که‌درزیارت‌غری (نجف‌اشرف) باعبدالرّحمن‌جامی همسفربودیم در یکی از منازل درویشی پیش آمد و قصیده ای در مدح حضرت مولی‌الموالی ع خواند جامی تقاضای تکرارنمود و گریه کرد وبسجده افتاد چون برخواست ویرا جائـزه ای بسزا داد چون گذشت گفت از موجب این حالات من نپرسیدی گفتم واضح بود گفت آن کدامست گفتم که مدح خلیفه چهارم را کرده بود و شمارا خوش‌آمد گفت بس این نیست بلکه ممدوح خلیفه اول است و اینك هنگام آن رسیده که از تقیّه بیرون‌آیم من شیعه علیع هستم واین قصیده را من گفته‌ام ولی نام خود را درآن نیاورده وآنرا انتشار دادم اینك که دیدم منتشر شده دانستم که منظورنظرممدوح گردیده وآنرا در محافل میخوانندلذا سجده شکرنمودم الخ .

ولی شهرت جامی بعامّی مذهب بودن زیاد ومؤلّفات واشعار وی این شهرت را مؤید میباشد امّا چون مذهب امرقلبی‌است این‌آثارنمیتواند دلیل قاطع برنفی واثبات طریقه ای باشد .

مؤلّفات جامی عبارتست از **هفت اورنگ** که مشتمل بر هفت کتاب منظوم میباشد وهریك نامی مخصوص دارند ودراین جلد ازآن معرّفی‌کامل خواهد شد ، **نقد النصوص** ،نفحات‌الانس، **اشعة اللمعات** ، شرح‌فصوص‌الحکم (۲) **شرح تائیه ابن‌فارض** (بعضی از اشعار را شرح کرده) ، **رساله** درطریقه سادات نقشبندیه ، **لوائح** ، شرح رباعیات لوائـح ، **بهارستان** ، شرح کلمات خواجه محمد پارسا ،

(۱) شمس‌الدین محمد دشتی منصوب به محله دشت اصفهانست که اینك آن محله را در دشت مینامند ودشتی نیزمنسوب بقسمتی ازجنوب ایران‌است که متصل به دشتستان‌واقع شده وآقای دشتی نویسنده شهیرمعاصر وصاحب روزنامه شفق سرخ منسوب با نجا میباشند .

(۲) شرح فصوص الحکم جامی بسال ۱۳۰٤ و ۱۳۲۳ در حا شیه « جواهرالنصوص فی‌حل کلمات‌الفصوص » تالیف نابلسی متوفی بسال ۱۱٤۳ چاپ شده (معجم‌المطبوعات ص۱۸۳۲و ۱۸۳۳) .

مناقب مولانای روم ، **مناقب** ، خواجه عبدالله انصـاری ، **الدرة الفاخره** ، تحقیق مذهب‌الصوفیه (۱) **رساله دروجود** ، مناسك حج ، رسالـه در کلمه لااله‌الاالله ، رساله در عروض ، رساله در موسیقی ، سه رساله در معما ، تفسیرآیـه فارهبون ، تفسیر قرآن کریم (این تفسیر بطریقه عرفانی وبیش ازیك حزب آن پاك نویس نشده است)، دیوان قصائدوشواهدالنبوه بفارسی،شرح کافیه‌ابن‌حاجب (همین کتاب) وغیرازاینها .

این شرح ازمشاهیر شروح کافیه میباشد و توان گفت کـه آنچه نکات شروح پیش دارا بوده بااضافاتی دراین کتاب میباشد و از بدو تألیف تاکنون در مدارس قدیمه کتاب درسی بوده وخواننده آن ازکتب دیگر درعلم نحو بی‌نیاز میگردد وبرآن حواشی وشروح زیاد نوشته شده (ص ۲۵۰ و۲۵۱ ج ۲ کشف الظنون) وشیخ محمدبن عمرمعروف به‌فورد آفندی متوفی بسال ۹۹٦ این‌شرح جامی‌را بترکی ترجمه نموده‌وشارح‌این‌شرح را بمناسبت نام‌پسرخویش‌ضیاءالدین «الفوائدالضیائیه» نامیده وبنابرتصریح درآخردر۱۱ رمضان سال۸۹۷ (سال پیش‌از مرك) تألیف‌آن خاتمه‌یافته‌ومکرّرچاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمد لولیّه والصلوة علی نبیه و علی آلـه و اصحابه المتادبین بآدابه‌الخ.

(۹۷٦)

شرح جامی اين‌نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۷۵ محمدبن کمال‌الدّین‌حسین انصاری طـوجی نوشته و رساله ای درصرف بفارسی که بنام « صرف‌فارسی » دراین‌فصل ازآن معرّفی میشود ضمیمه‌آنست ، دوکتاب‌دارای دو سرلوح زیبا و صفحات مجدول‌بطلا ولاجورد وزنگار میباشد وزنگاربرخی از اوراق را پاره کرده و درحاشیه بعضی از ورقها تصحیحاتی شده است .

۱ جلـد تیماج . کاغذ متن و حاشیه خان بالغ وسمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کایه (٦۹) . شرح جامی (٦٤) صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۳۵ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۲۳ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵٤).

(۱) این کتاب بسال ۱۳۲۸ چاپ شده است .

(۹۷۷)

شرح جامی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، قسمتی که نیز سال نگارش را معین مینموده پاره شده ، ظاهراً درقرن یازدهم نوشته شده ، قسمتی از اوّل کتاب نونویس میباشد ، پشت ورق اوّل جمله هائی متفرق نوشته شده و قصیده ای در مؤثات سماعی منسوب به ابن حاجب پس از ختم کتاب نوشته شده و اواخر برگ آخر پاره شده است .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۱). صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$ ۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۵) .

(۹۷۸)

شرح جامی این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، سال تألیف را که مؤلف در آخر یادداشت نموده محو کرده اند ، اینك سال نگارش نسخه هم معلوم نیست ، ظاهراً از خطوط قرن دوازدهم هجری میباشد ، اوراقی از اوّل وورق آخر وصّالی شده و تعلیقات مختصری بر صفحات تحریر یافته است .

جلد میشن ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲٤۰) . مختلف السطور . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۳ سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$ ۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۷) .

(۹۷۹)

شرح جامی این نسخه را بخط نستعلیق نقی بن علی محمّد بسال ۱۲٤۱ نوشته ، یك ورق از اواخر کتاب افتاده و کاغذ ننوشته بجای آن گذارده اند ، درحاشیه بیشتر اوراق حاشیه هائی نوشته شده ، پشت ورق اوّل و آخر نسخه و ورقیکه پیش از ورق اوّل است مطالب متفرقه ای یادداشت شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵٦) .

[٤۱۸] شرح کافیه = شرح رضی (عربی)

این شرح از رضی استرابادی است (نجم الائمّه رضی الدّین محمّد بن حسن استرابادی متوفی بسال ٦۸۷) (۱) که از مشاهیر علماء امامیّه بوده و در نحو مخصوصاً توانائی زیاد داشته و این شرح کافیه وی خود شاهدی بزرگ بر این مدّعی است ، چنانکه در آخر شرح شارح خود تصریح نموده بسال ٦۸٦ (۲) تألیف این شرح درجناب غروی (نجف اشرف) خاتمه یافته و سیوطی که از مشاهیر ائمّه نحو میباشد دربغیه بنام **الرضی** این شارح را نام برده و گوید: امام مشهور و صاحب شرح کافیه ابن حاجب میباشد که مانند آن نه شرحی برکافیه نوشته شده و نه درعلم نحو کتابی تألیف گردیده و مورد اعتماد علماء معاصر و پیشین بوده و هست و در مؤلّفات خویش بر مطالب این شرح اعتماد نموده و روی آن بحث کرده و بر نام و ترجمه حال وی دست نیافته ام انتهی.

شیخ رضی در اثر همین شرح معروف به **شارح رضی** گردیده و صاحب روضات گویند نخستین کس که ملقب به لقب نجم الائمّه گردید این دانشمند بود این شرح وی بیش از سی هزار بیت (۳۰۰۰۰) کتابت دارد ، مؤلّفات دیگر این شارح نیز شرحی بر شافیه ابن حاجب درعلم صرف و شرحی بر قصائد سبعه ابن ابی الحدید درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام میباشد .

شرح رضی برکافیه مکرّر چاپ شده و مؤلّف خود آنرا در دو مجلّد گذارده (جلد اوّل درمعربات دوم درمبنیّات) و پس از اینکه شارح از شرح کافیه فراغت یافته و تاریخ تألیف را تذکر داده در حدود دویست بیت راجع به : هاء السکت ، حرف التذکر ، حرف الانکار ، شین الکشکشه و سین الکسکسه باین شرح ملحق نموده است .

(۱) مجالس المؤمنین ص ۲٤٤ ، امل الامل ج ۲ ص ٦۱ ، روضات ص ۲۸۷ ، کشف الحجب ص ۳٤۸ ، بغیة الوعاة درحرف الراء ، فهرست رضویه ج ۳ ص ۱۲ کشف الظنون ج ۲ ص ۲٤۹ در ذیل کافیه .

(۲) در مجالس المؤمنین و روضات و کشف الظنون و معجم المطبوعات تاریخ تالیف این شرح سال ٦۸۳ ثبت شده ولی در آخر نسخه خطی این کتابخانه و نسخه چاپ ایران (درسال ۱۲۷۰) سال ٦۸٦ نوشته شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی جلت آلائه عن انتحاط بعد الخ .

(٩٨٠)

شرح رضی

این نسخه بخط نسخ بسال ١١٠٦ نوشته شده، نویسنده نام خود را ننگاشته ، برحاشیه صفحات اولیّه حاشیه هائی بامضاء **س** تحریر یافته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٩١). صفحه ای (٢١) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٢) .

(٩٨١)

شرح رضی

این نسخه را ابوطالب بن کنعان تبریزی انصاری بسال ١٠١٥ بخط نستعلیق نوشته ، درحدود ٨٥٠ بیت از اوّل آن افتاده ونخستین سطر موجودش اینست : [العلّة] الغائیّه وهوالّذی یقال فیه اوّل الفکر آخر العمل الخ . عبارات کافیه را باشنجرف نوشته وازشرح بدین جهت ممتاز میباشد ، درحاشیه صفحات اولیّه حاشیه‌هائی ازشارح موجود وآثار آبدیدگی دراوراق پیدا برگ اوّل محتاج وصّالی است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٣٦) . صفحه ای (٣٠) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٨) .

(٩٨٢)

شرح رضی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ومجلّد اوّل این شرح میباشد، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، پس از اتمام قسم معربات که آخر مجلّد اوّل شمرده میشود مسائلی درمطالب صرفی ونحوی نگاشته شده که جزء این کتاب نیست ورطوبت بربعضی ازصفحات وسطرها اثری گذارده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (١٩٧) . صفحه ای (٢٥) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (١٩ ١/٢ سانتیمتر) . شمارهٔ (٣٢٠٥) .

(٩٨٣)

شرح رضی

این نسخه دارای دوقسمت است ، بخش اوّل آن که بدون تاریخ است نونویس وازابتداء شرح تاآخر مبحث اسماء اشاره میباشد

وقسمت دوّم آن که از طرز وروش خط از خطوط اوائل قرن هشتم بنظر میآید، ازمبحث عدد شروع وتاآخر شرح آنرا داراست ومیان مبحث اسماء اشاره تاعدد که درحدود ٥٠٠٠ بیت میشود افتاده دوورق کاغذ ننوشته میان این دوقسمت گذارده شده وتمام قسمت دوّم متن وحاشیه است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٤٤) . صفحه ای (٣١) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٧) .

(٩٨٤)

شرح رضی

این نسخه و نسخه زیرین شامل تمام شرح (دو مجلّد) بوده ، برای اینکه اززیادی حجم آن کاسته شود در دو مجلّد گذارده شده ، بخط نستعلیق نگارش یافته وظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری میباشد، ورق اوّل این نسخه افتاده ونخستین سطر آن اینست : وقیل انّ اشتقاق الکلمة والکلام من الکلم الخ . وتا قسمتی از مبحث ضمیر متّصل ومنفصل که جزء قسم دوّم شرح است در این نسخه گذارده شده وبیشتر ازصفحات آب دیدگی دارد ومتن کتاب (کافیه) باشنجرف نگارش یافته وبرپاره ای ازصفحات تعلیقاتی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٨) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٥ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٣) .

(٩٨٥)

شرح رضی

این نسخه بقیّه نسخه پیشین میباشد ، یك ورق پیش ازآخرین ورق موجود و یکی پس از آن نسخه افتاده ، اوراق اواخر وصّالی شده ونیز آثار آبدیدگی در اوراق نسخه موجود است .

جلد تیماجی کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٩) . صفحه‌ای (٢٠) سطر . طول (٢٥ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٤) .

[٤١٩] شرح کافیه = شرح متوسط رکن الدین = (عربی)

الوافیه فی شرح الکافیه

این شرح تألیف سیّد رکن الدّین استرابادی است (رکن الدّین حسن بن محمد بن

شرفشاه العلوی الحسینی الاسترابادی متوفی بسال ۷۱۵ یا ۷۱۷ یا ۷۱۸) (۱) که از مشاهیر شاگردان حضرت خواجه نصیر الدّین طوسی بوده و چون علاّمه شیرازی (محمود بن مسعود) بعنوان سفارت بروم رفت مقام ریاست اصحاب مراغه را یافت و بتدریس علوم حکمی پرداخت وتا آخر عمر استاد (ذیحجه ٦۷۲) ملازم وی بوده ودوسال پیش از اینکه استاد بجوار رحمت الهی منتقل شود بیست سؤال درمسائل منطقی وحکمی نوشته و خدمت ایشان تقدیم داشت که بنام یادگار بخط خویش جواب آنها را تحریر فرمایند تاازدوجهت یادگار استاد را داشته باشد(۲)، پس ازمرگ خواجه ازبغداد بموصل رفت ومقام تدریس وتولیت مدرسه ای را یافت وتاآخر عمر درآنجا بتدریس مشغول ونوشته اند که بی نهایت متواضع بود ودر همانجا بمرد ، مؤلفات وی عبارتست از شرح برکافیه ابن حاجب (کبیر و متوسط وصغیر) [جزشرح متوسط وی که زیراین سطرها ازآن معرّفی میشود شرحهای کبیر وصغیر آن دردست نیست ولی درحاشیه نسخهٔ شمارهٔ(۹۸۷ این فهرست) از شرح کبیر سیّد نقلهائی موجوداست وسبکی هم که نزدیکترین مورخین بهمؤلف است(بسال ۷۷۱ مرده) گوید که شرح متوسط وی استکه اینك دردست دانشجویان میباشد. واین عبارت وی میرساند که ازهمان اوائل تألیف، آن دوشرح متروك مانده وما باجستجو درکتابخانه های عمومی وخصوصی بدان دو دست نیافتیم] و **شرح شمسه** منطق، شرح مطالع، اصول دین، شرح مختصرابن حاجب، شرح حاوی . (الحاوی چنانکه در ص ٤۱۵ و ٤۱٦ ج ۱ کشف الظنون تصریح شده در فروع و مؤلف آن نجم الدّین عبدالغفاربن عبدالکریم قزوینی شافعی متوفی بسال ٦٦۵ میباشد وبرآن شروح زیاد نوشته شده است) ، حاشیه برتجریدالعقائد، شرح قواعدالعقاید (سیوطی گوید این شرح را برای پسر خواجه نصیرالدّین طوسی تألیف نموده) و شرح شافیه .

---

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ٦ ص ۸٦ ، بغیه‌الوعاة در حرف حاء مهمله ، شذرات الذهب ج ٦ ص ۳۵ و کشف‌الظنون .

(۲) نسخه ای از این سؤال وجواب را که بسال ۱۰۵۸ نگارش یافته ضمیمهٔ یکی ازمجموعات خطی متعلق بدانشمند محترم آقای سید جلال‌الدین طهرانی دیده وازآن یادداشتهائی دارم .

شارح این شرح را که پس ازشرح مفصل و مختصر خویش تألیف نموده «الوافیه فی‌شرح الکافیه» نام نهاده وشامل بسیاری ازمطالب سودمند میباشدو تاکنون مورد عنایت و توجه دانشمندان و اعتماد ایشان بوده وتاکنون چاپ نشده و در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بنام وزیر ، یحیی بن ابراهیم بن یغرش بیلکا پادشاه ختن آنرا موشح نموده ،وبرآن حاشیه هائی نوشته‌شده، صاحب کشف‌الظنون چند حاشیه آنرا نام برده و گوید شرح کبیر آن **البسیط** نام دارد و ابیات شواهد شرح متوسط را اسمعیل بن علی شرح نموده و اوّل آن اینست : لك الحمد یامن صرف قلوبنا فی بحرالمعانی والبیان الخ .

باید دانست که سید رکن‌الدّین استرابادی صاحب این‌شرح غیراز رکن‌الدّین محمّد بن علی استرابادی استکه فصول نصیریّه را تعریب نموده و در ص۷۰ ج ٤ روضات نام برده شده ومؤلف روضات دربارهٔ وی گوید که زمان‌وحیوة وی نزدیك بزمان و عصرخواجه بوده است .

(۹۸٦)

شرح متوسط (الوافیه)

این‌نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۵۰ نوشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته ،ورق اوّل که شامل چند سطر ازمقدمه بوده افتاده و نخستین سطر نسخه اینست : (الکبیرالعالم الفاضل الکامل سلالة‌الامراء‌والوزراء... یحیی‌بن‌المخدوم‌المعظم... ابراهیم‌بن‌یغرش‌بیلکاملك‌الختنی الخ) در حواشی صفحات آثار تصحیح وگاهی حاشیه هائی در توضیح مطالب دیده‌میشود ، ورق اوّل وصّالی شده وبعضی از اوراق آن آثار آبدیدگی دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲٤۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٤) .

(۹۸۷)

شرح متوسط (الوافیه)

این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده، متن کتاب (کافیه) باشنجرف میباشد ، از اوّل کتاب تاقسمتی ازمبحث **عدول** از بحث غیر منصرف آن افتاده ونخستین سطر موجود آن اینست : (صحراء

علی صحاری او صحراوات فقیاس جمعاء ان یجمع علی جماعی الخ .) ورق آخر نسخه نونویس است و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی ازشرح رضی ، شرح خبیصی ، شرح کبیر مؤلّف و تعلیقاتی بامضاء سعیدی ، نعمة الله ، کمال الدّین ،عصمت وحاشیه هائی ازخود شارح دارد و بعضی از اوراق وّصالی گردیده وپشت آخرین ورق نسخه (نونویس) یادداشتی بامضاء محمّد حسن حسینی مورخ بسال ۱۲٤٥ ومطالب متفرقه ای‌ازدیگران میباشدوخود نسخه ظاهراً درقرن‌نهم‌هجری‌نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٥٠) . صفحه‌ای (٢٥) سطر . طول (١٩ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١١سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣١٦٥) .

(٩٨٨)

شرح متوسط (الوافیه) این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نوشته شده ، اوراق اوّل نسخه (٧ ورق) مشوش گذارده شده پس ازدقت روی آنها صفحه گذاری شد ، چند سطر از دیباچه را ندارد و از این عبارت: (ترکیباته ومبانیه الاّ نادراً مع ذکر علل اکثرها وجعلته لرسم خدمة الامیر الکبیر سلالة الامراء الخ .) دیباچه نسخه شروع‌شده واز آخرهم ناقص وتاقسمتی ازمبحث حروف‌جاره‌را دارد ، ورق آخر باطرزبسیار بدی وّصالی گردیده برورق اوّل فعلی نسخه بنام: **لباب بر کافیه** براین کتابخانه‌وقف گردیده و در دفاتر هم بهمین‌نام ثبت شده ولی مسلماً شرح متوسط کافیه است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ‌اوراق (٢٢١) . مختلف‌السطور . طول(١٩سانتیمتر) . عرض (١١سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣١٧٢) .

[٤٢٠] شرح کافیه = شرح میرسید شریف = (فارسی) شرح گیپائی

بقرائنیکه زیر این سطرها نگاشته میشود این شرح تألیف میرسید شریف جرجانی است (علی بن محمدبن علی جرجانی حنفی یاشیعی استرابادی ٧٤٠-$\frac{٨٦٤}{٨١٦}$) (١) که

(١) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة ص ٢٥٩ نسخه خطی مدرسه ، مجالس المؤمنین ص ٣٤٥ - ٣٤٧ در مجلس هفتم ، روضات ص ٤٩٧-٤٩٩ ، کشف‌الظنون ، فهرست رضویه ومعجم‌المطبوعات ص٦٧٨-٦٨١ نوشته شده .

از مشاهیر علماء علم ادب و دانشمندان و حکما بوده و صاحب معجم‌المطبوعات ازاوبه **عالم اهل المشرق** تعبیر کرده‌اند، بسال ٧٧٩(١) که شاه‌شجاع درقصرزر استراباد بود، سیّد بخدمت پادشاه‌رسید ومورد عنایت‌وتوجه گردید، باخود بشیرازش آورد و تدریس مدرسه دارالشفاء مؤسسه خویش را بدو تفویض نمود وچون امیرتیمور گورکان شیراز را فتح نمود فرمان داد که سیّد بسمرقند رود وباسعدالدّین تفتازانی مناظرات داشته وتا مردن این پادشاه در آنجابود وپس از آن بشیراز آمد ودر آنجا بدانسرا اشتافت وقبروی درجائیکه آنرا اکنون دارالشفا گویندمزار دانشمندانست.

صاحب مجالس المؤنین وروضات بادلّه ایکه ازمؤلفات این‌سیّد بیرون آورده اند تشیّع اورا ثابت کرده ولی مشهور به حنفی بودن است و مؤلّفات‌وی عبارت از : شرح مواقف قاضی عضد ایجی‌در کلام ، شرح مفتاح العلوم (قسمت بلاغت درحدود ده هزار بیت) ، تعریفات العلوم ، رساله در تحقیق معنی حرف ، کتاب در معمّا (درحدود پانزده هزاربیت است) ، حاشیه بر کشاف (٢) ، حاشیه برشرح متوسط کافیه (این حاشیه ناقص ماند و پسرش باتمام‌آن پرداخت) ، حاشیه برشرح رضی بر کافیه ، حاشیه بر شرح اصفهانی برتجرید (سیوطی شرحی برتجرید بوی نسبت داده وشاید مراد وی همین‌حاشیه است) ، حاشیه برمطول ، حاشیه برشرح مطالع ، حاشیه‌برشرح شمسیّه استادش قطب الدّین رازی ، شرح تصریف‌العزی ، شرح مختصرالاصول عضدی ، شرح حکمة العین ، حواشی بر فوائد شیخ میثم بحرانی ، رساله درفن‌اصول‌الحدیث ، شرح فرائض‌سراجیه ، الاصول‌المنطقیه ، الرسالة‌الشریعیه (در آداب بحث است) ، ظفرالامانی فی مختصرالجرجانی ، و مؤلّفات فارسی وی عبارت ازصرف میر که‌از کتب‌مختصره‌ومشهورهٔ‌درعلم‌صرف میباشد و کتاب کبری و صغری(٣) در علم منطق وجواب مسائل امیر اسکندر خان و ترجمان القرآن در

(١) این تاریخ درمجالس‌المؤمنین ثبت شده ولی در روضات این‌تاریخ را ٧٨٧ سبع و ثمانین وسبعمائه نوشته است .

(٢) در ص ١٢٣ ج ١ فهرست این کتابخانه معرفی از این کتاب گذشت .

(٣) شمس‌الدین محمد پسر سید شریف متوفی بسال ٨٣٨ کبری وصغری را بنام « الدّره » و « الغرّه » تعریب نموده است .

ترجمه فارسی لغات قرآن کریم(۱) وغیراز اینهاست .

این شرح مشهور به **گیپائی** است و گیپا درزبان فارسی بمعنی کلّه پزاست ودروجه تسمیه این شرح بدین نام در فهرست رضویه نوشته شده که سیّد در اوائل جوانی که مدرسه نشین بوده بتعلیم پسر کلّه پزی مشغول بود وپدرش هرروز ناهاراستاد فرزند را تهیه مینمود و سیّد این شرح را برای او نگاشت بنابراین مشهور بشرح گیپائی شد و درحدود (٦٠٠٠) بیت کتابت آنست .

در اینجا مناسب است که گفته شود جز سیّد جرجانی بر کافیه شروح فارسی نوشته‌اند وازآنها شرح محمّد امین هروی (ج ۲ کشف الظنون ص۲۵) میباشد .

آغاز: بسمله (۲) **الکلمه** معنی کلمه در اصل لغة یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی الخ .

انجام: آنکه اعراب فعل جاری برحرف شود که کلمه دیگراست حقیقةً تمّت الکتاب .

(۹۸۹)

شرح کافیه
شرح گیپائی

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۰ نوشته شده ، از خود نسخه مؤلّف و نام شرح معلوم نشد ، پشت صفحهٔ اوّل بنام « شرح گیپائی » معرّفی شده و آغاز وانجام آن با شرحیکه در ص ۱۵ ج۳ فهرست رضویه بنام شرح گیپائی ازآن معرّفی گردیده یکی‌است، متن کافیه در ۸۲ ورق پیش ازاین شرح گذارده شده ودرهمین فصل خصوصیّات آن ذکرخواهد شد .

جلدتیماجی. کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه(   )این شرح(۱۷٦) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (½ ۱۹ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۳) .

(۱) نسخه ای از ترجمه لغات قرآن کریم بشمارهٔ (۲۰۱۵) دراین کتابخانه میباشد ، چنانکه درص۱۸۵ ج ۱ فهرست گفته شد بایستی همین کتاب باشد واز مؤلفات نام برده بالا اول و ۳ و٦و۱۰و۱۲و۱۳و۱٤و۱۷و۱۸و۱۹و۲۰و۲۱و۲۲و۲۳و۲٤ آن چاپ شده است .

(۲) نسخه کتابخانه رضویه واین کتابخانه بدون مقدمه ودیباچه است وشاید که مؤلف بدون مقدمه شروع بشرح کرده باشد .

[٤٢۱] شرح لب‌الالباب ــ العباب (عربی)

این شرح تألیف نقره‌کاراست (سیّد جمال‌الدّین عبدالله بن محمّدبن احمد(۱)الحسینی متولّد ومتوفی بسال ۷۰٦-۷۷٦) (۲) که‌ازعلماء قرن‌هشتم هجری بوده وبسال۷۳۵از تألیف این شرح فراغت یافته و شرحی نیز برشافیه ابن حاجب بسال ۷۷۲ نگاشته وشرح اخیر مکرّردر آستانه چاپ شده است .

لب‌الالباب یا**لباب** درعلم نحووتألیف تاج‌الدّین محمّدبن محمّدبن احمدبن السیف معروف‌به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ٦۸٤ میباشدودر ص۳۷۲بشرح حال ایشان پرداخته میشودواز کتب‌مشهوره‌دراین علم‌میباشد وشروح چندی بر آن‌نوشته‌شده و مشهور ترین آنها همین شرح نقره کاراست .

صاحب معجم المطبوعات در ص ۷۷۵ زیر عنوان : **الحسینی «عبدالله»** گوید:عبدالله بن محمّدبن احمدالحسینی النیسابوری الشریف. جمال الدّین.المعروف بنقره‌کار :ابن حجر گوید : در اصول و عربیّة سرآمد اقران بود ودر اسدیه حلب تدریس مینمود و یکی از ائمّه معقول میبود و ریش وی سفید و نیکو وشیعی مذهب بود (۳) . و این عبارت با اسقاط جمله المعروف بنقره کار و مات سنة ۷۷٦ وتغییر مختصری دراواخرعبارت که درزیراین سطورنقل میشود عیناً دربغیة‌الوعاة موجود و در شذرات الذهب در ذیل وفیات سال ۷۷٦ نیز عبارات بغیه با اضافه اینکه چندی در دمشق و مصر نیز اقامت نموده و مقام شیخی بعضی از خانقاه ها رایافته وهفتادسال زندگانی نموده و گوینده این‌سه بیت‌زیرین‌میباشدآورده شده :

(۱) در کشف‌الظنون و فهرست دارالکتب العربیه فقط نام پدر نقره کار نقل گردیده ولی در بغیه ومعجم‌المطبوعات نام جد او احمد نیزذکرشده ودرشذرات ابن جد اومحمد نامیده شده‌است.

(۲) بغیةالوعاة درذیل‌عبدالله بن محمد ، کشف‌الظنون ج۲ص٤٤۰و۳۵۰و۳۵۱ ، شذرات‌الذهب ج ٦ ص ۲٤۲ ، معجم‌المطبوعات ص۷۷۵ ، فهرست دارالکتب‌العربیه ج ۲ص۱۳٤ وفهرست خدیویه ج ٤ ص ۷۸و۷۹ .

(۳)عبارت‌منقول درمعجم‌المطبوعات اینست : « **حسن الشیبة یتشیع** » . وعبارت بغیه اینست : « **حسن الشیبة یتشیع مات سنة ۷۷٦** » . و عبارت شذرات بدینگونه میباشد : « **وکان یتشیع وکان احدائمة المعقول حسن الشیبه** » .

هَذِّبِ النَّفْسَ بِالعُلُومِ لِتَرْقَى ‌ ‌ ‌ وَتَرَى الكُلَّ وهو لِلْكُلِّ بَيْت
إِنَّما النَّفْسُ كَالزُّجاجَةِ والعَقْـ ‌ ‌ ‌ ـلُ سِراجٌ وَ حِكْمَةُ اللهِ زَيْت
فَاذا اَشْرَقَتْ فَاِنَّكَ حَيٌّ ‌ ‌ ‌ وَ اِذا اَظْلَمَتْ فَاِنَّكَ مَيْت

چنانکه در مقدّمه شرح نقره کار (همین شرح) تذکر داده شده و در کشف الظنون نقل گردیده شارح تصور نموده که لباب اسفراینی پیش از وی شرح نشده در صورتیکه محمد بن مسعود (سعید) بن محمود بن ابی الفتح السیرافی القالی بسال ۷۱۲ در شیراز براین کتاب شرحی نوشته و دو نسخهٔ از آن که هردو بسال ۷۳۲ نگاشته شده اند در دار الکتب العربیّه درمصر موجود (ج ۲ فهرست دارد ص ۱۳٤) و نسخه‌ای از آن که بسال ۷٦٤ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا ع نیز وجود دارد و آغاز آن اینست : الحمدلله الذی هدانا الی معرفة اعجاز القرآن الخ. وبنابر دو تاریخ نام برده بالا ۲۳ سال این شرح مقدّم برشرح نقره کار تألیف گردیده است .

در کشف الظنون تصریح گردیده که نام این شرح **العباب** میباشد و درفهرست خدیو به بنام : « **العباب فی شرح اللباب** » نام برده شده ولی شارح در مقدّمه نامی برای این شرح نگذارده ودر آخر نسخه این کتابخانه هم نامی برای آن دیده نمیشود و تاکنون چاپ نشده وازشروح بسیار نافع وسودمند میباشد و در حدود (٤٤۰۰) بیت کتابت دارد .

در کشف الحجب والاستار (ص ۳۷۹) کتابی بنام «**العباب فی علم الاعراب**» تألیف سید محمد تقی بن سیّد حسین نصیرآبادی که از علماء اواخر قرن سیزدهم ومعاصر بامؤلف کشف الحجب بوده یاد شده و گوید که مرتّب برپنج باب میباشد و آغاز آن اینست : الحمد من حمید ما ازهر اسمه واعزّ شأنه الخ .

آغاز : بسمله الحمدلله قاشع غمام الغموم وقاصع همام الهموم الخ .

انجام: بخلاف المتذکّر فانّه لایقصد الوقف وانما عرض له ما اوجب قطع کلامه من النسیان .

(۹۹۰)

شرح لب الالباب (العباب)

این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالجلیل بن حسن بسال ۷۹۰ نوشته ، مقابله وتصحیح گردیده ، درحاشیه پاره‌ای از صفحات تعلیقاتی مفید بخط نسخ وبیشتر بخط شکسته نستعلیق تحریر یافته وپشت صفحه نخستین فهرست مطالب باتذکر باینکه در چه صفحه ای میباشد نگارش یافته و در همین صفحه میرزا آقا خان صدر اعظم نوری بسال ۱۲۷۳ بخط خود نوشته که بفرزند مکرّم نظام الملك هبه کردم وبنام «لب اللباب» درعلم نحو داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱۱) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱٦ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۳) .

[٤۲۲] شرح مراح الارواح = المفراح (عربی)

مراح الارواح مختصری معروف درعلم صرف میباشد و در همین فصل از آن بحث ومعرّفی خواهد شد ، این شرح که بنابر تصریح درآخر بنام « المفراح فی شرح مراح الارواح » نامیده شده تألیف **حسن پاشا** بن علاء الدین اسود است که ازعلماء عصر سلطان بایزید بن سلطان مراد (۷۹۱-۸۱٦) ازسلاطین عثمانی میباشد وشرحی هم برمصباح درنحو بنام الافتتاح دارد (۱) .

این شرح مراح شرحی قولی وچون اصل آن مختصر میباشد ودر حدود (٦۵۰۰) بیت کتابت دارد ودرمعجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده تصور نمیکنم که چاپ شده باشد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی صرف افکارقلوبنا الی صراط المستقیم الخ .

انجام : هذا آخر ما اردنا بیانه من کتاب المفراح فی شرح مراح الارواح فمن وصل الیه من علماء الاصحاب وفضلاء الاحباب .... والحمدلله علی الاتمام بالله انت المستعان .

(۱) شقائق النعمانیه ج ۱ ص ۳۵ .

(۹۹۱)

المفراح شرح مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۸ نوشته شده ، پشت ورق نخستین اتمام عوامل ملا محسن که اوراق این نسخه ضمیمهٔ آن بوده بسال ۱۱۲۲ یادداشت گردیده ، عبارات متن را از شرح بخطیکه در بالای آن کشیده شده تمیز داده اند ، چند برگ آخرین وصّالی گردیده و آثار آبدیدکی درنسخه پیداست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۷۸) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض(۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۱۰۹).

[۴۲۳] شرح المصباح = الضوء (عربی)

مصباح مختصری درعلم نحو وتألیف ناصرالدّین مطرزی متوفی بسال ۶۱۰ میباشد و درص ۳۹ و ۴۰ همین مجلّد بشرح حال ومؤلّفات ایشان پرداخته ایم و این کتاب مشتمل بر پنج باب میباشد : ۱ - دراصطلاحات نحویه . ۲ - درعوامل لفظیّه قیاسیّه . ۳ - درعوامل لفظیّه سماعیّه . ۴ - درعوامل معنویّه . ۵ - فصولی چند درمطالب راجعهٔ بعربیّت (دراین فصل ازمعرفه، نکره، تذکیر، تأنیث، توابع پنجگانه، اعراب اصلی وغیراصلی ، اضمار معمول وعامل وغیره بحث گردیده است) .

براین کتاب(مصباح)شروح وحواشی زیاد نوشته شده ودرص ۴۴۸ و ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام بسیاری از آنها دیده میشود .

این شرح مصباح تألیف تاج الدّین محمدبن محمدبن احمدبن سیف معروف به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ۶۸۴ است (۱) ومختصری از شرح بزرگ وی میباشد که نام آن « **المفتاح** » بوده واین مختصررا « **الضوء** » نامیده ودرحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۸۵۰ م درلکنوهندوستان چاپ شده ودر ص ۳۶۹ گذشت که « اللباب فی علم الاعراب » یا «لب الالباب» نیز از مؤلّفات ایشانست .

برضوء حواشی و تعلیقاتی نوشته شده و در ص ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام آنها موجود و**سودی** ضوء را بترکی ترجمه کرده است .

(۱) سیوطی دربغیه گوید بشرح حال وترجمه این دانشمند دست نیافتم ودر کشف الظنون هم سال وفات وی معین نشده وما این تاریخ را ازفهرست خدیویه (ج ۴ ص ۷۸ و ۹۰) ومعجم المطبوعات ص ۴۳۶ نقل نموده ایم .

آغاز : بسمله (۱) ان احق ما تتوشح بذکره صدورالکتب والدفاتر الخ .

آغاز کتاب پس از خطبه : بسمله اما بعد حمدالله امّا کلمة فیها معنی الشرط فلذلك كانت الفاء لازمة لها قال سیبویه اما زید فمنطلق معناه الخ .

(۹۹۲)

الضوء (شرح المصباح) این نسخه بخط نستعلیق بد خطّی بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در حاشیه صفحات مطالبی از شروح مصباح چون : اصباح وافتتاح ومفتاح وحواشی وتعلیقات برخود این کتاب ومطالبی ازشرح جامی و شرح لباب و غیره نگاشته شده وپشت نسخه بنام « ضوء سیبویه » وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه هم بهمین نام ثبت شده ، پس از تحقیق و تتبع بدست آمد که شرح مصباح وتألیف تاج الدّین اسفراینی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر) .عرض (۱۶ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۱).

[۴۲۴] شرح مغنی اللبیب = اغناء الادیب (عربی)

این شرح یاحواشی را برمغنی اللبیب ابن هشام که درهمین فصل معرّفی خواهیم نمود محمّد مهدی بن علی اصغر قزوینی (۲) که از معاصرین شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) واز دانشمندان شیعی وامامی مذهب بوده تألیف نموده وبنا برتصریح در امل الامل ، مؤلف باایشان مکاتبه داشته و مؤلّفات دیگر ایشان **عین الحیوة** درادعیه **الانتقاد** درنحو **شرح جمل** ملاّ خلیل ، **شرح شواهدالانتقاد** ، رساله‌در تحقیق لفظ جلاله وعلم نبودن آن ، رساله **غنیة الطلاب** دراباحه وتخییر **فهرست کافیه بدیعیه** صفی حلّی ، **رساله** درمؤنثات سماعی واحکام آن ، **حاشیه** برشرح عربی توحید

(۱) نسخه این کتابخانه خطبه ندارد وازابتداء شرح کتاب شروع شده واین آغاز ازفهرست خدیویه نقل شد و در کشف الظنون آمده که برخطبه ضوء رضی الدین خوارزمی شرحی بنام « درة النوء فی شرح خطبة الضوء » دردو ورق نوشته است .

(۲) فقط شرح حال این دانشمند را درص ۶۹ ج ۲ امل الامل وبنقل از اینجا در ص روضات یافته ام وبقرینه اینکه نخستین نسخه زیرین بسال ۱۱۲۲ نوشته شده و درحاشیه نیمهٔ اول آن حاشیه هائی موجود و در زیر آنها نوشته شده منه دام ظله بدست میاید تا این تاریخ تقریبا زندگانی میکرده است .

ملاّ خلیل قزوینی است ودرمقدّمه این شرح مغنی گوید: پدرم(۱) حماه‌الله عن المکاره والمکاید (معلوم میشود تاهنگام تألیف این کتاب حیوة داشته) بر نسخه مغنی اللبیب خویش که بر آن درس خوانده بودم ونیز بر آن درس میگفتم تا اواسط جهت دوم از باب پنجم آن منتخباتی از شرح شمنّی و زبده ای ازشرح شواهد خبیصی و مطالب مناسبه ای از کتب لغت و تفاسیر وتحقیقاتیکه درحلّ مشکلات بر خاطر خطیر خود ایشان گذشته بود نگاشته بودند ومن نیز درهنگامیکه این کتاب را درس میگفتم آنچه دربیان مراد وشرح مطالب آن بنظرم رسید در حواشی نگاشتم و از سخنان پیشینیان نیز در آنجا آوردم و چون بآخر رسید بر آن شدم که همهٔ آن مطالب مندرجهٔ درحواشی را باقید باینکه هریك از کی و کجا است درمجلّدی مرتب نمایم واین کارشد و آنرا « اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » (۲) نامیدم. وپیش ازشروع درمطلب، مختصری ازتاریخ نحووشرح حال ابن هشام را بیان واشارات ورموزیکه دراین کتاب آورده شده ذکروپس از آن **فهرست شواهد مغنی** را که پدرمؤلّف بترتیب حروف اوائل موافق ترتیب حروف تهجی مرتب نموده گذارده و در هنگام یافتن آن در کتاب کمك بزرگی میباشد وچون این بخش بپایان میرسد اصل کتاب شروع میشود و درحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت تمام این کتابست.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی رفع لواء الکلام والخطب الخ.

(۹۹۳)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب) این نسخه را محمد نبی بسال ۱۱۲۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته، طرزنگارش صفحات آن برخلاف عادت حائلی میباشد، حاشیه ای بر «شرح مختصر» تلخیص المفتاح که درهمین جلد از آن معرّفی خواهد شد ومطالب متفرقه ای ازاحادیث وغیره وشرح ترجمه فارسی

(۱) درامل الامل ج ۲ ص ۱۰۵ شرح حال ومؤلفات این عالم نقل گردیده و گوید از معاصرین میباشند و درص ٤١٤ روضات ذیل ترجمه دیگری نیز بنقل از آن کتاب نام وشرح حال ایشان موجوداست.

(۲) در نسخه کهنه این کتابخانه نام کتاب **غناء الادیب** نوشته شده چون موافق قواعد غنا مقصور است نه ممدود و در اینجا همزه گذارده شده و در نسخه دیگر کتابخانه صریحا اغناء ضبط شده وبمناسبت تتمه نام کتاب که کلمه مغنی را داراست انسب واقرب بواقع اینستکه نام کتاب را « اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » بدانیم ازاینرو بهمین نحو از آن معرفی گردید.

زیارت رجبیّه ائمّه اطهار علیهم السلام الله فی کل لیل ونهار تألیف میرزا محمّدبن محمد رضای مشهدی را نیز درآخر این نسخه، همین نویسنده نوشته است.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱۸٦). صفحه‌ای (۳۰) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۲۰½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۱).

(۹۹٤)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب) این نسخه را بخط نسخ محمّدبن عبدالرّحیم حسینی بسال ۱۲٦۸ نوشته، و بسال ۱۲۷۰ بنام اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » داخل کتابخانه ایشان شده و بالای نام کتاب پس ازالادیب نوشته شده: عن کتب الاعاریب وپیداستکه ازالحاقات نویسنده‌است و درمقدمه‌نسخه نام کتاب چنین نیست.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع ربعی بزرگ. شمارهٔ اوراق (۲۳۱). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۱½ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۰).

[٤۲٥] شرح مغنی اللبیب = تحفة الغریب (عربی)

این شرح از معاریف شروح مغنی اللبیب میباشد و مؤلّف آن **دمامینی** است (بدرالدّین محمّدبن ابی بکربن عمربن ابی بکر قرشی مخزومی مالکی ۷٦۳-۸۲۷(۱)) (۲) که نیز از مشاهیر ائمّه ادب وعلماء قرن هشتم ونهم هجری بوده وتدریس بسیاری از مدارس مصر و یمن و هند و غیره را دارا شده و مقام تدریس نحو در الازهر را یافته و بقضاوت مصر معین گردید ولی عملی نشد، از راه کسب روزگار میگذرانید وشرکت بافندگی بزرگی در قاهره تأسیس نمود، ولی آتش

(۱) در نسخه خطی بغیة الوعاة این کتابخانه وتاریخ آداب اللغه ومعجم المطبوعات تولددمامینی بسال ۷٦۳ معین گردیده ولی درروضات وشذرات بنقل ازبغیه سال ۷٦٤ معین شده وقول اول ترجیح دارد وسال وفات وی را سیوطی مردد بسال ۸۲۷و۸۲۸ دانسته وحاجی خلیفه درتمام موارد ۸۲۸ وصاحب شذرات وجرجی زیدان جزماً بسال ۸۲۷ گفته اند.

(۲) این شرح بامراجعه به بغیه‌الوعاة درذیل محمدبن ابی بکر وشذرات‌الذهب ج ۷ ص ۱۸۱ و روضات ج ٤ ص ۲۰۹ و تاریخ آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤۳ و ۱٤٤ و معجم المطبوعات ص ۸۷۹ و ۸۸۰ و کشف‌الظنون درذیل مغنی‌اللبیب در ص ٤۷٤ ج ۲ و دیگر صفحات وی نگاشته شد.

گرفت و زیان بسیاری بدو رسید از آنجا به صعید (ظاهراً همین پرت سعید فعلی باشد) گریخت طلبکاران در پی وی رفتند وبخواری اورا بقاهره بر گردانیدند، شیخ تقی الدّین بن حجّه باوی مساعدت کرد وباناصر الدّین بارزی سراً مکاتبه نمود وکار او اصلاح شد .

سیوطی در بغیه مؤلّفات زیرین را بدین مؤلّف نسبت داده و دیگران چون شرح حال وی آنهارا از کتاب بغیه نقل نموده اند : **شرح بخاری** ، شرح تسهیل ، **شرح خزرجیه** (۱) ، جواهر البحور فی العروض (ابن لؤلؤ زرکشی براین کتاب شرح نوشته ونسخه از آن در الجزائر موجود است) ، **الفواکه البدریه** (منتخبی از اشعار و منظومات اوست) ، **نزول الغیث** (این کتاب رد برشرح لامیة العجم صفدی میباشد و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ خدیویه موجود است. تاریخ آداب اللّغه) ، **مقاطع الشرب** (۲) مختصر حیاة الحیوان دمیری بنام **عین الحیاة** ، وتحفة الغریب (همین کتاب) وجرجی زیدان این کتابها را نیز ازمشاهیر مؤلّفات دمامینی معرفی کرده است **کتاب القوافی** (ابن عمر بلخی بر آن شرح نوشته ونسخه‌ای از آن درلیدن ومکتب هندی موجوداست) الفتح الربانی فی الرد علی البنبانی (این کتاب ردّ برمنهاج بنبانی میباشد و نسخه آن در لیدن است) ، شمس المغرب فی المرقص والمطرب (نسخهٔ آن در برلن موجود است) .

مؤلّف کشف الظنون در ذیل معرفی از کتاب مغنی گوید : دمامینی بدرالدّین محمّدبن ابی بکر شرحی برمغنی اللبیب درمصر تألیف نمودوچون بهند رفت در آنجا نیز شرحی قولی بزرگتر از شرح پیشین براین کتاب نگاشت و بسال ۸۱۸ (۳) از

(۱) این شرح در معجم المطبوعات بنام « العیون الفاخرة الغامزه علی خبایا الرامزه » و در علم عروض معرفی شده وبسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .

(۲) در کشف الظنون این کتاب « مقاطیع الشرب » بایاء میان طاء وعین ضبط شده ولی در بغیه وسائر ماخذ که همه ازبغیه گرفته‌اند بدون یاء میباشد .

(۳) ازمندرجات بغیه بدست میاید که پس از سال ۸۲۰ دمامینی بهند رفته و از مقدمه خود شارح بدست میاید که چون عازم بر گشتن بوطن خویش بوده پادشاه ازاوخواسته که چندی دیگر توقف نماید و بتدریس مشغول باشد ودر آن هنگام بتالیف این شرح پرداخته و تصور میکنم که مراد کشف الظنون سال ۸۲۸ بوده و بیست آن ده نقل شده ودر آخر نسخ این کتابخانه سال فراغت ازتالیف نیست .

آن فراغت یافت و پس از آن بشرحی مزجی برمغنی اشتغال یافت وتاحرف الفاء آن تألیف گردید ولی بآخر نرسید واگر تمام آن ازقلم وی بیرون آمده بود بهترین شروح بود.

شرح دمامینی (تحفة الغریب) در میان دانشجویان بسیار مشهور وبرسائر شروح آنرا ترجیح میدهند و این همانست که مؤلّف درهندوستان بتألیف آن مبادرت نموده و مقدّمه آنرا بنام احمد شاه بن محمّد شاه بن مظفرشاه از سلاطین هندوستان موشح کرده و شمنّی در مقدّمه شرح خویش از آن تجلیل نموده ودر حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

صاحب معجم المطبوعات در ۸۸۰ نوشته شده که تحفة الغریب بشرح مغنی البیب بسال ۱۳۰۵ در حاشیه شرح شمنّی در مصر چاپ گردیده وآغاز آن اینست : الحمدلله الذی لاافتقار الی مغن سواه الخ .

ولی چنانکه می بینید آغاز این کتاب غیرازعبارت بالا میباشد ونسخه چاپ مصر هم دردست نگارنده نیست تابا آن مقابله شود ولی گمان میکنم که نسخه چاپ شده شرح مختصر دمامینی باشد که درمصر تألیف گردیده و در ص ۱۳۵ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه در ذیل عنوان شرح دمامینی برمغنی اللبیب نوشته : شرح مصری است ومؤلّف تاحرف **فاء** رسیده و اوّل آن اینست : اما بعد حمدالله علی افضاله . وچنانکه میدانیم این جمله ابتداء مغنی اللبیب میباشد ومعلوم میشود که خطبه ودیباچه شرح را آن نسخه ندارد لذا نمیتوانیم حکم کنیم که این نسخه موجود دردارالکتب کدام یك ازشروح این مؤلّف است ولی بقرینه گفته کشف الظنون شاید شرح سوّم وی باشد .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی منح من لسان العرب الایادی(۱) الحسنه الخ .

انجام: ولیکن انفصالی من الکلام فی الشرح علی هذا الوجه الحسن ولنکف القلم عن شوطه .... والصلوة علی خاتم النبیّین...... محمّد بدر التمام ومسك الختام وآله وصحبه مصابیح الظلام والتحیات الطیبات واصلة الیه والیهم السّلام .

(۱)این کلمه دردونسخه ذیل الایادی نوشته شده ودردیگری که بنظر نگارنده اصلی است الادیان ضبط شده است .

(۹۹۵)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ عمربن بهاءالدین بشیطی شافعی بسال ۱۰۱۱ ازروی سه‌نسخه باکمال دقت‌استنساخ گردیده، متن و حاشیه‌شده و عناوین متن و شرح با شنجرف میباشد و بجدول به زنگار وسرخی است و پشت صفحهٔ اوّل اردشیر قاجار بسال ۱۲۶۸ یاد داشت نموده که این کتاب را فرمانفرما فریدون میرزا به علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) داده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی‌وسمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۴۳) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۳½ سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۵).

(۹۹۶)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بسال ۱۰۹۹ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند و یادداشتهای دیگری اینك میباشد ، ورق اوّل ودو ورق آخر وّصالی شده و از نسخه پیشین صحیح تر میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۴) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۰½ سانتیمتر) . عرض(۱۷½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۶).

(۹۹۷)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۲ نوشته شده ولی شامل ازابتداء شرح تااوّل مبحث مسوّغات ابتداء بنکره (اواسط باب چهارم مغنی) میباشد و در حاشیه ۱۸۴ صفحهٔ آن مغنی اللبیب تا آخر حرف لام همین نویسنده نوشته و یادداشتی از پشت صفحه نخستین محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۰) صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۰½ سانتیمتر) . عرض (۱۹½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۷) .

[٤۲٦] شرح مغنی اللبیب = شرح ابن ملا = (عربی)

(منتهي امل الاديب من الكلام علي مغني اللبيب)

مؤلّف این شرح **ابن‌ملا** است (احمدبن محمّدبن علی‌بن‌احمد مشهور به ابن ملاّ متوفی بسال ۹۷٤ یا درحدود ۹۹۰) (۱) که از علما وادباء قرن دهم هجری بوده وشاگردی رضی‌الدّین ابوالبقا محمّدبن ابراهیم بن یوسف بن عبدالرّحمن بن حسن حلبی حنفی متوفی‌بسال ۹۷۱(۲) را نموده و ازاین شرح او معلوم میشود که در علم ادب دستی قوی داشته و بکتب سابقین آشنا بوده و در این شرح خویش مطالب مهمّه‌ای ازدانشمندان پیشین گردآورده وخصوصاً مطالب دمامینی وشمنّی در شرح مغنی و شرح شواهد سیوطی را بر آن کتاب ذکرنموده وتحقیقاتی ازخود دارد وگذشته ازشرح مطالب مغنی اللبیب بمناسبت نام اشخاص، شرح‌حال ومؤلّفات ایشان را نیز بیان نموده وصاحب روضات گوید که شرح ابن ملاّ بزرگ است ومن برمجلّد اوّل آن که بخط مؤلّف بود دست یافتم .

نگارنده بیش از این از مؤلّف و مؤلّفه او درکتب اطلاعی بدست نیاورد و در فهارس موجوده هم نسخه ای از این شرح را نیافت و نمیداند که مؤلّف موفق باتمام شرح شده ویا بیش از این مقدار که نسخه زیرین شامل آنست و در حدود (۱۷۰۰۰) بیت کتابت‌دارداز‌قلم او بیرون نیامده و این شرح مزجی میباشد ودرمقدّمه آنرا « منتهی امل(۳)الادیب من‌الکلام علی‌مغنی‌اللبیب » نامیده است .

آغاز : بسمله حمداً لمن شرح صدورنالفهم اسرارالعربیه الخ .

(۱) در ص ۹۳ روضات نام مؤلف و اجداد وی چنانکه نقل گردید ضبط شده و گوید که بروفات او دست نیافته ام و صاحب کشف‌الظنون در ص ٤۷۵ ج ۲ ذیل مغنی‌اللبیب گوید : واین کتاب را احمدبن محمد حلبی معروف به **ابن‌ملا** متوفی در حدود ۹۹۰ شرح نموده و شش سطر پس از این نیز گوید : و ازشروح این کتاب شرح عالم احمدبن منلا محمد حلبی متوفی بسال ۹۷۹ میباشد . نگارنده احتمال قوی میدهد که این هردو یکی میباشند ودرنسخه زیرین و روضات ابن ملا بدون نون ضبط گردیده وتاریخ وفات غلط ثبت‌شده‌است .

(۲) صاحب روضات این تاریخ را ازشرح ابن ملا نقل نموده است .

(۳) درنسخه زیرین نام کتاب « منتهی‌اصل‌الاریب من‌الکلام علی‌مغنی‌اللبیب» ثبت گردیده‌ولی صاحب‌روضات‌بدینگونه که دراینجاعنوان‌شده ضبط کرده‌اند، گذشته براینکه‌این‌تسمیه‌بهتر‌بنظر میاید وچون نقل‌ازنسخه خط مؤلف کرده‌اند مورد قبول بیشتراز نامی‌استکه دراین نسخه‌است .

(۹۹۸)

شرح مغنی اللبیب (منتهی امل الادیب)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده برعبارات متن باشنجرف خط کشیده شده و از شرح ممتاز گردیده ، شامل شرح از ابتداء مغنی تااواخر مبحث امّای مفتوحه میباشد ، ازآخر افتادگی دارد وآخرین سطر آخرین ورق نسخه اینست : و امّا الباء ففی متعلقه نظر لایکون حالاً من الثرّای بتقدیرکائناً لانه‌مبتداء والمبتداء)چندورق کاغذ نتوشته دراوّل وآخرنسخه میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۷۰) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۹) .

[٤٢٧] شرح مغنی اللبیب = شرح شمنی = (عربی)

(المنصف من الکلام علي مغني ابن‌هشام)

این شرح از **شمنی** است (تقی‌الدّین احمدبن محمّدبن محمّدبن حسن‌بن علی‌بن یحیی بن محمّدبن خلف‌الله بن خلیفه الشمنّی القسطنطینی الحنفی ۸۰۱-۸۷۲) (۱) که از مشاهیر شرّاح مغنی‌اللبیب میباشد و استاد جلال‌الدّین سیوطی بوده ، وی او را دربغیة الوعاة تجلیل بسیار نموده وقسمتی از اشعار او را نقل وقصائد واشعاریکه درمدح ورثاء او،خودسروده بود (سیوطی) ویادیگران انشاء کرده بودندآورده و گوید مؤلّفات شمنی عبارتست ازشرح **مختصر الوقایه** ، شرح **نظم النخبه** هردودر فقه ، حاشیه برشفا وشرح برمغنی‌اللبیب و اورا مقام قضاوت دادند نپذیرفت و در تفسیر و فقه و اصول وحدیث و معانی وبیان وغیره استاد بود ، قسمت زیادی از مطول سعدالدّین و توضیح ابن هشام را بادقت پیش ایشان خوانده ام و برشرح الفیه وجمع الجوامع تألیف من‌تقریظ نگاشته وبامن بنظرلطف ومحبت نگاه میکردند.

شارح گوید : درهنگام تدریس مغنی ومراجعه بشرح دمامینی (تحفة الغریب)

---

(۱) بغية الوعاة ذیل احمدبن محمد (نسخه خطی مدرسه ص ۲۱۲-۲۱۷) ، روضات (عبارات بغیه بااختصار) ص ۹۲ و معجم‌المطبوعات ص ۱۱٤۳ .

دیدم که اعتراضات زیاد درآنست واشکالاتی داراست که حل نگردیده وخداوند برمن‌منّت گذاردوآن‌مطالب‌مشکله‌برمن کشف شدواعتراضات‌را وارد ندیدم‌مطالب نام بـرده متفرق بود یکی از اصحاب خواستار شدند که آنها را در کتابی گذارم و شرح شواهد مذکوره درمغنی را برآن افزایم و مشکلاتی را هم کـه دیگران شرح نکرده اند شرح نمایم ، خواهش ایشان را پذیرفتم وباکمال انصاف بتألیف این کتاب پرداختم وآنـرا « المنصف من‌الکلام علی مغنی ابن‌هشام » نامیدم و از خداوند راه راست را خواستارم .

شرح با حاشیه شمنی بسال ۱۲۷۳ در طهران و بسال ۱۳۰۵ در مصر چاپ شده ومیان طلاب و دانشجویان بسیار مشهور میباشد و سیّد علیخان‌کبیر کـه ازمشاهیر ادباء قرن دوازدهم هجری بوده برنـسخه زیرین شهادت‌داده اند که این حاشیه بسیار مفید وسود مند است . و در حدود (۲٦۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خصّ کتـابه بعدم المعارضة وبالاعجازتبیاناً لکل شیئ فهو مغنی‌اللبیب بالحقیقه لابطریق‌المجاز الخ .

(۹۹۹)

شرح مغنی اللبیب المنصف من الکلام

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شـده ، پشت صفحه اوّل این عبـارت نوشته شده : استکتبته لنفسی ولمن شاءالله من بعدی و کتبه الفقیر علی صدرالدّین‌بن احمدالحسینی عفی عنهما آمین . و در ذیل آن آقـا محمد مهدی عبدالرب آبادی بخط خویش بعربی نوشته اند که احتمال قوی میدهم کـه این خطّ خطّ شارح صحیفه سجادیه سید علیخان میباشد . نگارنده با آشنائی بخط مرحوم سیّد این احتمال را تصدیق مینمایم و در این کتابخانه چند قطعه خط ایشان میباشد بنابراین بـاشهادت خط وکاغذ این‌نسخه در اواخر قرن یازدهم یااوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده است .

بر ورقیکه پس از کتاب سفید بوده ابوالحسن جهرمی چند غزل ازخودنوشته ومطلع یکی از آنها اینست :

عشق آمد و عقل نکته دان رفت   شمس آمد و شمع از میان رفت

جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۰۹) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۸) .

[٤۲۸] شرح مفصل = المحصل (عربی)

این شرح بر کتاب المفصل زمخشری درعلم اعراب ونحو میباشد که در همین فصل از آن معرّفی خواهد شد ومؤلّف آن اندلسی است (ابوالقاسم یا ابومحمّد علم الدّین قاسم بن احمد بن موفق بن جعفر المرسی اللورقی الاندلسی ٥۷٥-٦٦۱) (۱) که‌ازقراء ونحوّیین ومتکلّمین‌قرن‌ششم‌وهفتم‌هجری‌بوده وآشنائی کامل به اصولین وعربیّت و قرائت داشته ، شاگردی تاج الدّین کندی (٥۲۰-٦۱۳) (۲) را نموده و ریاست قراء شام را دارا بوده و درآنجا بتدریس وتصنیف اشتغال داشته و شاطبیه را شرح نموده و این شرح مفصل که المحصل(۳) نام دارد نیزازاواست .

نسخه ذیل‌شرح بر $\frac{1}{16}$ مفصل‌میباشد و (۸٦۸۰) بیت کتابت آنست ودرآخرآن تصریح شده که مجلّداوّل‌این کتاب خاتمه یافته وپس‌ازاین مجلّددوّم‌شروع‌خواهدشد، بنابراین بایستی تمام شرح درحدود (۱٤۰۰۰) بیت کتاب داشته باشد از سائر

(۱)شرح حال این‌شارح ازص۳۰۷ ج ٥ شذرات‌الذهب نقل گردید ودر اینجا لقب‌شارح فقط العلم ذکرشده و در کشف الظنون ص ٤۸۹ ج ۲ علم‌الدین تصریح گردیده وشذرات گفته که ورقی منسوب به لورقه بافتح دو حرف اول و سکون سیم نام شهری در اندلس‌است و یاقوت برخلاف این تشکیل گفته .

(۲) این تاریخ از ص ٥٤ ج ٥ شذرات نقل شد و شرح حال ایشان در آن صفحه و صفحه ٥٥ نگاشته شده است .

(۳) درنسخه ذیل که نزدیك بزمان شارح نوشته شده نام این‌شرح با کمال وضوح وآشکارائی « المحصل فی شرح المفصل » ضبط گردیده ولی در ص ٤۸۹ ج ۲ کشف الظنون **موصل** معین گردیده و نیز در ٤۸۹ ج ۲ همین کتاب در ذیل مفصل گوید از شروح آن شرح منتخب‌الدین محمد بن سعدالمروزی الدیباجی متوفی بسال٦۰۹ بنام **المحصل** شرحی برمفصل نوشته و فخراسفندری (ابوعاصم علی بن عمر بن خلیل‌بن‌علی فقیهی) متوفی بسال ٦۹۸ نیز شرحی برمفصل بنام « المقتبس فی توضیح ماالتبس » نگاشته و مطالب آن مقتبس از شروح منصل میباشد و از آنجمله این محصل دیباجی است .

مجلّدات آن در فهارسیکه در دست نگارنده است نامی ونشانی نیافتم ، مؤلّف در مقدّمه تصریح‌نموده که‌این تألیف‌را به‌پیشگاه پادشاه دانشمند **شرف‌الدین‌عیسی** بن ملك‌العادل‌ابی‌بکر‌بن‌ایوب تقدیم داشته و درص ۱۱٥ ج ٥ شذرات‌الذهب درزیر مردگان سال ٦۲٤ نام این پادشاه را برده و گوید بسال ٥۷٦ در مصر متولد شده وقرآن را حفظ نموده ودرفقه عالم شده وجامع کبیر را درچند مجلّد شرح نموده و اشعار بسیار دارد و حنفی متعصبی بود ، هرکس که مفصل زمخشری را حفظ مینمود صد اشرفی وخلعتی باو جائزه میداد بدین سبب بسیاری آن کتاب را حفظ نموده‌اند ، واین شارح درست گفته که هیچکس را شایسته تر از ایشان ندیده که شرح خود را بوی تقدیم نماید .

شارح پیش ازشروع بشرح مفصل مختصری ازشرح حال زمخشری را نگاشته پس ازآن بشرح خطبه پرداخته و در این شرح اقوالی ازتاج‌الدّین کندی متوفی بسال ٦۱۳ و صدرالافاضل قسم‌بن حسین خوارزمی که بگفته کشف‌الظنون (ص٤۸۹ ج۲) بسال ٦۱۷ مرده وسخاوی و ابوالبقا وسیبویه وجرجانی وسیرافی وابن‌جنی ومشاهیر دیگرآورده وشرحی بسیار روان وشامل‌مطالب سودمندی‌است وچون نام تاج الدّین را بالفظ ترحیم ذکر نموده وشرف‌الدین عیسی بسال ٦۲٤ مرده تألیف این شرح میان سال ٦۱۳ و ٦۲٤ بوده است .

آغاز : (۱) شرح مافی‌الخطبة من‌الغریب افتتح رحمه‌الله خطبته بقوله‌الله احمد مقدّما لاسم الله تعالی تبرکا واهتماماً علی‌عادة العرب فی‌تقدیم ماهوالا هم الخ .

(۱۰۰۰)

شرح مفصل (المحصل) ۱ این‌نسخه‌بخط‌نسخ نوشته‌شده، اگر خط مؤلّف‌نباشداز آنعصر هم‌چندان‌دورتر نگارش‌نیافته،وتاابتداء شرح جواز حذف‌مبتدا یاخبر را دارا میباشد ، ورق نخستین آن افتاده واولین سطر موجودش اینست : کتاب المحصّل‌فی‌شرح‌المفصّل(این‌قسمت بالای صفحه نگاشته

(۱) چون ورق اول نسخه افتاده آغازاصل شرح پس ازبسمله بدست نیامد بدین سبب ما آغاز شرح را دراینجا آوردیم .

شده) ثم لم ازل اجوب به الی البلاد وانتق الطارد والتلاد واطلب عالماً یعرف قدر ماتحملته فی تحصیله الخ . برورقیکه پیش از برگ نخستین میباشد یادداشتهائی است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳٦) صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۱) .

[٤۲۹] شرح شواهد سیوطی (عربی)

این کتاب که خصوصیّات نسخه آنرا زیر این سطرها مینگاریم مشتمل برشرح شواهد ابیاتی استکه درشرح سیوطی برالفیه ابن‌مالك (بهجة المرضیه) بآنها استشهاد گردیده ، بسیاری از مطالب وعبارات آنرا باعباراتی که از شرح شواهد عینی در حاشیه سیوطی های چاپ ایران نوشته شده مطابقه نمودم عین آن عبارات بود باحذف جملی از آنها ، بنابراین توان این کتابرا « مختصری ازشواهد عینی » دانست باین معنی که آنچه از ابیات سیوطی در شرح خود برالفیه شاهد آورده در شروح چهارگانه(۱) ایکه عینی شواهد خودرا برای ابیات مستشهده در آنها ترتیب داده وجود داشته و این انتخاب کننده که نام آن درخود کتاب نیست و درجای دگر هم بدان آگاهی نیافته ایم بترتیبیکه ابیات در سیوطی قرار گرفته مختصراً آورده وخود کتابی مستقل گردیده است .

طرز کتاب اینست که شعر استشهاد شده را ذکر و گوینده آنرا در صورت امکان معین نموده و دربعضی موارد مقدم ومؤخر آنرا هم بیان نموده وپس از آن محل شاهد را نشان داده و گاهی بترکیب بیت هم می‌پردازد و درحدود (۲۵۰۰) بیت کتابت آنست .

(۱) کشف‌الظنون درص ۱٤۲ ج ۱ و ۷۱ ج ۲ نوشته که بدرالدین محمودبن احمد مشهور به عینی متوفی بسال ۸۵۵ شواهد شروح چهارگانه الفیه را (شرح ابن عقیل ، شرح ابن ناظم ، شرح ابن هشام وشرح ابن ام قاسم) جمع نموده و بسال ۸۰٦ شرح بزرگی برآن بنام «المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه» نگاشته پس‌از آن برحسب خواست جمعی آنرا مختصر نموده ونام آنرا « فوائدالقلائد فی مختصر شرح الشواهد » نامیده (بسال ۸۱۷ تالیف آن تمام شده) وابن ام قاسم را شیخ شمس‌الدین حسن‌بن قاسم المرادی النحوی متوفی بسال ۷٤۹ معرفی کرده است .

آغاز : بسمله اقائلنّ احضروا الشهودا قاله‌رؤبه وقبله: اریت ان جأت به املودا مرجلاً ویلبس البرودا اقائلن الخ اریت اصله ارایت والا ملود بضم الهمزه الناعم والمرجّل بالجیم المزیّن و قیل بالحاء المهمله وهوبرد یصورعلیه الرّحال والشاهد فی قوله اقائلن حیث ادخل فیه نون التأکید وهواسم‌الفاعل وهذانادرالخ .

(۱۰۰۱)

شرح شواهد سیوطی این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از اواخر کتاب (چهار پنج ورق) افتاده ، ظاهراً نسخه ازقرن یازدهم هجری یادگار مانده ، پشت نخستین صفحه ابیاتی در بحور اشعار نگارش یافته ، بسال ۱۲۷۰ بنام شواهد سیوطی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده وبهمین نام براین کتابخانه وقف و در دفاتر آن ثبت شده ، اوراقی از اوائل واواخر نسخه وصّالی شده ، آثار مقابله وتصحیح برصفحات موجود ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی نوشته شده و آخرین سطر آن اینست :

(الحق بهمزتین الاولی للاستفهام والثانیة همزة اداة التعریف وفیه‌الشاهد فانه) .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۲) . صفحه‌ای(۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۸) .

[٤۳۰] شرح شواهد مغنی اللبیب (عربی)

جلال‌الدّین سیوطی که درص۳۳۷-۳۳۸ بشرح حال و بیان مؤلّفات ایشان پرداخته‌ایم اشعاریکه ابن هشام درمغنی‌اللبیب بآنها استشهاد نموده گردآورده و پس از آن بشرح آنها پرداخته و درمقدّمهٔ همین شرح گوید در حاشیه ایکه بر مغنی‌اللبیب بنام « الفتح القریب » نگاشتم شواهد آنرا نیزشرحی مختصر کرده ام پس از آن برآن‌شدم که جداگانه درشرح شواهد کتابی سازم که مشتمل برتمام قصائدی باشد که یك بیت یاابیاتی از آن استشهاد گردیده وفوائد ولطائف دیگری برآن افزایم وشرح حال گوینده و محل شاهد از آن بیت وبیان معانی کلمات مشکله آنها را متکفل باشد، چون بتألیف آن دست زدم دیدم که در حدود چهار مجلّد میشود واتمام

این کار بسیار طول خواهد کشید وخوانندگان ملول خواهند شد ، از بانجام رسانیدن آن گذشتم وطرزی میانهٔ شرح نخستین و شرح دومین بر گزیدم و در اینجا پس از اینکه بیتی را عنوان مینمایم بقیه ابیات آن اگر از ده نگذرد همه را می آورم واگر بیش از ده باشد ابیاتی که در این کتاب مؤلّف بآنها استشهاد نموده ویا از لحاظ ادبیّت وعربیّت ومحسنات لفظی و معنوی از دیگران بیشتر باشند می آورم وبشرح کلمات ولغات مشکلهٔ آنها می پردازم ومحل شاهد را هم معین مینمایم ومینگارم که این ابیات از کیست و شرح حال او چیست و در چه مورد و هنگام آن را سروده است .

مؤلّف درمقدّمه نیز مأخذ خودرا نام برده وتا بآخر بهمین نهج که گفته بود پیش رفته و این مؤلّفهٔ او نیز گنجینه ای ادبی و بسی گرانبهاست و در حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۷۱ در ایران و بسال ۱۳۲۲ درمصرچاپ شده است(۱) .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی فتق السن العرب العاربه بالفصاحه الخ .

(۱۰۰۲)

شرح شواهد مغنی — این نسخه را بخط نسخ عبد العلی بن ملاّ علی زنوزی بسال ۱۲۸٤ نوشته ،عناوین ابیات دراوراق اوّلیّه باشنجرف نوشته شده و در اواخر جای آنها باز مانده وبرگ نخستین آن وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۰۲) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤٤) .

[٤۳۱] صرف منظوم = رساله درصرف (فارسی)

چنانکه در ص ۳۵۹ زیرشرح جامی شمارهٔ (۹۷٦) این فهرست گفته شد

(۱) در ص ۱۰۸۱ معجم المطبوعات نام این کتاب « الفتح القریب بشواهد مغنی اللبیب من کتب الاعاریب » ثبت شده ولی در خود این شرح این نام نیست تصور میکنم که نام حاشیه مؤلف که درمقدمه برده شده مؤلف معجم مذکور را بخطا انداخته است .

کتاب یا رساله ای در صرف بفارسی ضمیمهٔ آنست و بر وسط سرلوح زیبای آن نوشته شده : **رسالة فی الصرف**. مؤلّف مطالب مهمّه صرفی راکه برای فارسی زبانان نوآموز، یادگرفتن آنها لازم است درتحت عناوین مختلفه بنظم آورده ومطالبیکه بیان آنها بنظم مقصود را چنانکه باید وشاید ادا نمینموده چون صیغ افعال ماضی ومستقبل وغیره آنهارابه نثر بیان کرده ومؤلّف در آغاز وانجام نام خودرا نیاورده نگارنده هم باجستجو نگارندهٔ آن را نشناخت ، ازطرز تألیف وانشاء آن بایستی درقرن نهم تألیف شده باشد و کتابت آن در حدود (۲۵۰) بیت است .

آغاز : بسمله وبه ثقتی صرف اللسان نحو ثنائك اولی وعطف البیان الی نعت خاتم انبیائه اجزی یعنی گردانیدن آلت زبان بثنای خداوند جهان بهتر می آید وتافتن عنان بیان بنعت خاتم پیغمبران سزاوارتر مینماید **تقسیم کلمات عرب :**

کلمات عرب سه قسم بود   نامشان حرف وفعل واسم بود
همچو بالله اقسم ای فرزند   بخداوند میخورم سوگند

(۱۰۰۳)

صرف منظوم رساله (فی الصرف) — این نسخه بسال ۹۷۵ بخط نستعلیق محمدبن کمال الدّین حسین انصاری طسوجی نوشته شده وضمیمهٔ شرح جامی است که خصوصیّات آن را یاد نمودیم ، دارای یك سر لوح زیبا وصفحات آن مجدول بطلا وزنگار است .

خصوصیّات دیگر نسخه شمارهٔ (۹۷٦) این فهرست درص۳۵۹ همین مجلّد و شمارهٔ (۳۱۵٤)کتابخانه مراجعه شود .

[٤۳۲] عوامل جرجانی = العوامل المائه (عربی)

شیخ عبدالقادر نحوی جرجانی که از معاریف علماء علم ادب میباشد و در ص ۳۱٤ - ۳۱٦ همین مجلّد بشرح حال و معرّفی ایشان پرداخته ایم مؤلّف این کتابست و این مؤلّفه باکمال اختصاریکه دارد دارای فوائدیستکه در کتابهای بزرگ یافت نمیشود و بر آن شروحی بسیار بفارسی و عربی و ترکی بنظم ونثر نگاشته شده و برخی از آنها در ص ۱٤۰ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در

حدود (٤۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱٦۱۷ م. درلیدن و ۱۸۰۳ م. درکلکته و ۱۲٤۷ درمصر چاپ شده است.

(۱۰۰٤)

عوامل جرجانی (العوامل المائه) این نسخه بخط نسخ نگاشته شده ، نویسنده نام خود وتاریخ نگارش‌را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری‌میباشد، درحاشیه اوراق نسخه ومیان سطرهای آن تعلیقاتی‌بفارسی در ترکیب و توضیح جمل کتاب نوشته شده است وضمیمه باوّل کتاب جمل همین مؤلّف استکه در ص ۳۱٦ زیر شمارهٔ (۹۲۹) خصوصیّات آن بیان شد بدانجا یاکتاب شمارهٔ (۳۱۱۲) کتابخانه مراجعه گردد.

(۱۰۰٥)

عوامل جرجانی (العوامل المائه) این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمیمهٔ سوم مجموعه‌ایستکه بشمارهٔ (۳۱۱۳) دراین کتابخانه ثبت شده و هیچیك تاریخ ندارد ولی از قرائن پیداستکه دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

[٤۳۳] عوامل ملامحسن (عربی)

این کتاب تألیف ملاّ محسن فیض کاشانی است (محمّدبن مرتضی‌بن شاه محمود کاشانی ۱۰۰۷-۱۰۹۱) که از مشاهیر علماء امامیّه‌و محدثین و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده‌اندودرص ۲٤ و ۸۰ و ۱۳٤ و ۲۲۳ و ۳۳۱ و ۳۳۳ و ۳۳٥ و ۳٥۱ و ٥۲٥ و ٥٤۹ ج ۱ همین فهرست ده مؤلّفه ایشان را معرّفی کرده‌ایم.

بعضی تألیف این کتاب را به ملاّ محسن بن محمد طاهر قزوینی نسبت داده‌اند، از مطالبیکه صاحب قصص‌العلما در آخر شرح حال و مؤلّفات فیض نگاشته اند بطلان این نسبت واضح میشود و ایشان گویند کـه ملاّ محسن قزوینی فرزند محمد طاهر قزوینی استکه مؤلّف‌شرح الفیه ابن‌مالك درچهارجلدبنام « زینت‌المسالك » میباشد وعوامل ملاّ محسن فیض را تاآخر عوامل سماعیّه شرح کرده ومن(صاحب

قصص‌العلما) شرحی بفارسی در نه روز برعوامل فیض وشرحی برشواهد عوامل وبرفقرات چند بیتیکه درآخر مبحث عوامل سماعیّه آن کتاب میباشد نگاشته ام و آقای عبدالعزیز جواهر کلام در ص ۱۲۱ ج ۲ فهرست کتب خطی کتابخانه معارف نوشته‌اند که ملاّ محسن از اجداد طائفهٔ نحویّه قزوین بوده و دراواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است وایشان نیز تصور نموده‌اند که عوامل ازاین ملاّ محسن‌قزوینی استودرآن کتابخانه‌ترجمه وشرح شواهدآنرا بقلم‌عبدالرّزاق‌بن شیخ داود نشان داده اند.

عوامل‌ملاّ محسن‌فیض (همین کتاب) درضمن مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده شده مکرّر چاپ شده واین نام (عوامل) درمقدّمه وخاتمهٔ آن نیست.

آغاز : بسمله احمدك یامن یرفع صالح العمل واصلّی علی نبیّك محمّدص الخ.

(۱۰۰٦)

عوامل ملامحسن این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۳۷ نوشته شده ، درحواشی صفحات ومیان سطرهای آن تعلیقاتی بامضاء شرح ملاّ محسن ونظرعلی ودیگران‌وترکیب‌فارسی شواهد دیده‌میشود ، مراح‌الارواح وتعلیقه‌ای برآن که درهمین فصل از آنها معرّفی میشود ضمیمه‌آنست.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۲۲) . اوراق عوامل (٤۸) مختلف‌السطور . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۹) .

[٤۳٤] الفوائدالصمدیه = صمدیه (عربی)

این کتـاب یکی از مؤلّفات شیخ بهائـی است (بهاءالدّین محمّدبن حسن‌بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی ۹٥۳-۱۰۳۰) کـه ازمشاهیر علماء امامیّه وفقهاء اثنی‌عشریه بوده ودربیشتراز‌علوم ومعارف دست داشته ودرآن کتاب ورساله ای پرداخته وشیخ‌الاسلام ایران بودهو درنظر شاه عباس‌کبیر مقام ومرتبتی بزرگ داشته و موفق بتربیت دانشمندانی بسیار گردیده و در ص ۷۱ و ۱۱۷ و ۱۹۹ و ۲٤۸ و ۲٥۱ و ۳۷۷ و ٤۱۹ و ٥۰۲ و ٥۲۲ و ٥٦۹ و ٥۷۸ جلد اوّل فهرست یازده مؤلّفه ایشانرا معرّفی کامل کرده ایم.

این کتاب را برای برادرش عبدالصمد درنحو بنام « الفوائدالصمدیّه » تألیف وآنرا بر پنج حدیقه بدین تفصیل : (۱ - درمقدّمات . ۲ - در آنچه متعلّق باسم میباشد . ۳ - در آنچه متعلق بافعال است . ٤ - درجمل وتوابع آن . ٥ - درمفردات). تألیف نموده وبنام **صمدیه** مشهور گردیده وبر آن شروحی نوشته شده ازسه شرح آن درص ۲۵۳-۲۵٦ معرفی شد و جز آنهادر فهرست کتب خطی معارف ج ۲ ص ۱۲۰ آقای جواهر کلام چهارشرح دیگر را هم نام برده اند .

الفوائدالصمدیّه از کتب مختصره ومفیدهٔ درعلم نحو میباشد و درمیان آنانکه علم نحو را خواستار شده اند بسی مشهور و مکرّر بدون شرح و باشرح در ایران چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله احسن کلمة یبتدء بهاالکلام وخیرخبر یختتم به المرام حمدك اللّهم الخ .

(۱۰۰۷)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بسال ۲۲۳ بخط نسخ نوشته اند وبا شرح تصریف که در ص ۳٤٦ معرفی خصوصیّات آن گردید دریك مجلّد میباشد خصوصیّات دیگر به کتاب شمارهٔ (۳۱٤٦) کتابخانه که زیرشمارهٔ (۹٦۲) دراین فهرست معرّفی گردیده ، مراجعه شود .

(۱۰۰۸)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بخط نستعلیق محمّد صالح بن محمّد رفیع طبیب رشتی بسال ۱۲٦۱ نوشته وباشرح صغیر صمدیه « الفوائدالبهیه » دریك مجلّد میباشد بشمارهٔ (۳۱٤۷) کتابخانه مراجعه شود وخصوصیّات آنها درزیر شمارهٔ (۹۷۳) درصفحه ۳٥ گذشت .

[٤۳٥] کافیه ابن حاجب (عربی)

مؤلّف این کتاب که از مشاهیر کتابهای نحو میباشد **ابن حاجب** نحوی معروف استکه درص ۳۳۰ - ۳۳۲ همین مجلّد معرّفی ازایشان گردید واین کتاب بنام « مقدّمة فی النحو » نیز نامیده میشود ومؤلّف خود بر آن شرحی نوشته وبراین شرح حسن بن محمدالبورینی شافعی متوفی بسال ۱۰۳٤ شرحی نگاشته و نیزمؤلّف

کافیه را بنام « الوافیه » منظوم نموده و بر کافیه شروح و حواشی بسیار نوشته شده ، شمارهٔ زیادی از آنها را حاجی خلیفه درص ۲٤۹ - ۲٥٤ ج ۲ کشف الظنون نام برده ، چندین شرح و حاشیهٔ آنرا در این جلد فهرست معرفی کرده ایم .

کافیه درحدود (٦۰۰) بیت کتابت دارد و نخستین بار بسال ۱٥۹۲ م. دررم ومکرّر درهند و روسیه و اروپا ومصر چاپ شده است .

آغاز: بسمله الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد وهی اسم وفعل وحرف الخ .

(۱۰۰۹)

کافیه این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را نگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری ونزدیك بزمان ملاّ جامی متوفی بسال ۸۹۸ میباشد ، درحاشیه ومیان سطور نسخه مطالبی ازشرح جامی وابیاتی از ابن شاعر وتعلیقاتی از چلبی و ازشرح هندی (در ص ۲٥۰ ج ۲ کشف الظنون شهاب الدّین احمدبن عمرهندی متوفی بسال ۸٤۹ شارح کافیه معرفی شده است) و از وافیه وبدون امضاء نقل شده ، سه ورق از اواخر نونویس و دو ورق اوّل واوراقی ازآخر وصّالی گردیده ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند وبرورقیکه پس از آخرین برگ کتابست یك رباعی درتعریف از قصر احمد بهمن شاه و یك دو بیت دیگر نوشته اند .

جلد میشن نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷٦) . صفحه ای (٥) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۰) .

(۱۰۱۰)

کافیه این نسخه بخط نسخ محمّد تقی ابن حاجی باقر بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در کنار بیشتر ازصفحات تعلیقاتی ازشرح جامی و بدون امضاء نگاشته شده ، پشت صفحه اوّل و آخر مطالبی متفرقه نگارش یافته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹۳) . صفحه ای (٦) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ (٥٥٥) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

(۱۰۱۱)

کافیه

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح جامی وشرح کیپائی و بدون امضاء موجود و درآخر یادداشتی بسال ۱۲۶۰ عبدالصانع ابن حاج علی خونساری نوشته و مهر مربعی که سجع آن عبده محمّد صانع میباشد زیر آن زده شده ، ظاهراً اصل نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته‌شده، اوراقی از اوّل نسخه و برگ آخر آن وصّالی گردیده وپشت آخرین ورق یادداشتهائی استکه یکی از آنها دارای تاریخ ۱۲۲۹ میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۱۲). صفحه ای (٦) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض(۱۲$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۱) .

(۱۰۱۲)

کافیه

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پس از آن شرح کیپائی برکافیه که درصفحهٔ ۳٦۸ همین مجلّد ازآن معرفی شد گذارده شده ، پشت صفحهٔ نخستین مطالبی بوده آنهارا محو کرده اند ویادداشت وقفیّت آن از طرف سپهسالار برجای آنها نگارش یافته است ، بایستی درقرن دوازدهم نوشته شده باشد .

خصوصیّات دیگر زیر شمارهٔ (۹۸۹) در صفحهٔ ۳٦۸ نوشته شده وبا ضمیمهٔ آن در کتابخانه دارای شمارهٔ (۳۱٦۳) میباشد .

(۱۰۱۳)

کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بدخطّی نوشته شده ، حاشیه ای از مصلح الدّین لاری بر هدایه ضمیمهٔ آنست (ازاین حاشیه درفصل حکمت وفلسفه معرفی میشود)، ونویسنده این نسخه اخیر که نیز نویسندهٔ نسخه پیشین میباشد محمودبن سلیمان است وسال نگارش را ننگاشته وطرز نوشتن میرساند کاتب ازترکان عثمانی بوده ، همین کاتب درحاشیه بیشتر ازصفحات آخر تعلیقات وحواشی بر کافیه را از دانشمندان نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۰$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۲) .

[٤۳٦] مراح الارواح (عربی)

این کتاب ، مختصری درعلم صرف و بنا برتصریح در مقدّمهٔ آن تألیف **احمدبن علی بن مسعود** میباشد ، سیوطی در بغیه ذیل این نام گوید مؤلّف **مراح** بوده که مختصری درتصریف و کتابی مشهور است وبر شرح حال وی دست نیافتم(۱). وصاحب روضات درص ۵۱ ج ۱ احتمال داده اند که مؤلّف مراح همان احمدبن علی بن مسعودبن عبدالله معروف به **ابن السقا** باشد که بسال ٦۱۳ مرده وشاگرد ابن خشاب بوده ودربارهٔ وی نوشته اند (۲) که مردی ادیب وفاضل ودرنحو دستی نیکوداشته ولی سیره اش ممدوح نبوده است .

مؤلّف درمقدّمه نام این کتاب را « مراح الارواح » گذارده ، درحدود(۹۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۳۳ درآستانه و ۱۲٤٤ وسالهای دیگر درمصر چاپ گردیده ، بر آن شروح چندی نوشته‌شده ، بعضی درص ٤۱۵ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در ص ۳۷۱-۳۷۲ یکی از شروح آن معرّفی گردید و در ص ۹۰٦ معجم المطبوعات ذکر شده که شرح مراح تألیف شمس الدّین احمد معروف به دیکنقوز که از علماء قرن نهم هجری بوده وشرح ابن کمال پاشا بنام « الفلاح لشرح المراح » بسال ۱۳۰۹ چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال المفتقر الی الله الودود احمد بن علی بن مسعود غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه اعلم انّ الصّرف امّ العلوم والنحو ابوها الخ .

---

(۱) در حاشیه ص ۳۷٤ معجم المطبوعات نسخه ای از مراح الارواح که بسال ۸٤۰ نوشته
۱ شده دردارالکتب المصریه نشان داده شده ومؤلف آن فهرست روی آن حدث زده که بایستی مؤلف از دانشمندان قرن هشتم یانهم هجری باشدولی ازاین راه این احتمال بسیارضعیف است .

(۲) سیوطی ابن السقا را درذیل مؤلف مراح در بغیه نام برده و شرحیکه عبارات بالا ترجمهٔ آنست دربارهٔ وی نوشته واحتمال یکی بودن این دونفر را نداده است .

(۱۰۱٤)

مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۵ نوشته شده ، ورق اوّل نونویس میباشد ، درحاشیه بعضی ازصفحات مطالبی از یکی از شروح آن نوشته شده ومقابله وتصحیح گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرك . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۰سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۸) .

(۱۰۱۵)

مراح الارواح این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمن مجموعه‌ایستکه مشتمل بر چندین کتاب فارسی و عربی است وهیچیك تاریخ ندارد ، ظاهراً ازخطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد .

این مجموعه بشمارهٔ (۳۱۱۳) دراین کتابخانه ثبت گردیده است .

(۱۰۱٦)

مراح الارواح این‌نسخه بسال۱۲۳۷بخط نسخ نوشته شده ، درحاشیه بعضی از صفحات مطالبی از دوشرح مراح(المفراح و الفلاح)و تعلیقاتی بدون امضاء یافت میشود وپس‌ازاین کتاب تعلیقات وحواشی ملاّ نظرعلی جیلانی برعوامل ملاّ محسن ومطالب متفرقهٔ دیگر از او، یکی ازشاگردان وی در (۱۸) ورق دراواخر قرن سیزدهم نوشته وضمیمهٔ آنست .

خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۳۰۹۹) کتابخانه و شمارهٔ (۱۰۰٦) این فهرست در ص ۳۸۹ مراجعه شود .

[٤۳۷] مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب (عربی)

مؤلّف این کتاب که ازکتابهای مشهور ومفید درعلم اعراب و نحو میباشد **ابن‌هشام نحوی** معروف استکه در ص ۳۰٦-۳۰۸ بشرح حال ومعرّفی ایشان پرداخته شد ، مؤلّف درمقدّمه تألیف‌آنرا بسال ۷۵٦ درمکّه معظمه پس‌ازکتاب «الاعراب‌عن قواعدالاعراب» که در همین موضوع وهمین شهر بسال ۷٤۹ تألیف نموده معیّن کرده است .

طرز این کتاب چون کتب نحو یه متقدّمین ومتأخرین نیست ومؤلّف آن‌را به هشت باب تقسیم نموده و مطالب آنرا باشواهد ازآیات و اخبار و اشعار فصحا وبلغا توأم نموده ، بر آن شروح وحواشی زیاد نوشته شده ، مؤلّف کشف‌الظنون در ص ٤۷۳ - ٤۷٦ ج ۲ بسیاری از آنها را نام برده و ابن هشام خود برشواهد این کتاب دو شرح نوشته(کبیروصغیر) وسیوطی‌را نیز برآنها دو شرح است که درص۳۸۵و۳۸٦معرّفی گردیدوچون‌مغنی‌اللبیب‌مکرّر در ایران‌ومصر وهندوستان چاپ شده واز کتابهای بسیار مشهور ومتداول میان دانشجویان وطلاب علوم ادبیّه میباشد بیش از این ازآن معرّفی جاندارد .

در ص ٤۷۵ ج ۲ کشف‌الظنون نیز تذکر داده شده که شیخ شمس‌الدّین محمّدبن ابراهیم بیجوری متوفی بسال۸٦۳بنام « قراضة الذهب فی‌علم النحو والادب» وشیخ محمّدبن عبدالمجیدالسامولی الشافعی السعودی بسال۹٦۱ بنام « دیوان‌الاریب فی مختصر مغنی‌اللبیب » مغنی‌اللبیب را مختصر کرده‌اند .

آغاز : بسمله قال شیخنا وسیّدنا . . . . . . امّا بعد حمدالله علی افضاله والصّلوة والسّلام علی محمّد وآله واصحابه فانّ اولی مانقترحه القرائح الخ .

(۱۰۱۷)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ بسال ۹۰۵ نوشته شده ، در حاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقاتی بدون ذکر مأخذ نگارش یافته و بقرینه جمله ایکه بهمین خط زیرآخرین سطر اصل کتاب نوشته نگارش تعلیقات بسال ۱۰۹۸ بوده(درنسخه چنین : ۱۹۸ نوشته شده است) ، برگ نخستین کتاب‌افتاده و سطر اوّل موجود اینست : و ترصیف و تتبعت فیه مقفلات مسائل الاعراب فافتتحتها الخ .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$۲۷سانتیمتر) . عرض (۱۸سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۲) .

(۱۰۱۸)

مغنی اللبیب این نسخه را بخط نسخ محمّد امین نجفی بسال ۱۱۲۱ نوشته وفقط باب اوّل کتابست و در حاشیه برخی ازبرگها مطالبی ازشرح شمنّی نگارش یافته‌است .

جلد تیماج. کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹٤) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤۰) .

(۱۰۱۹)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود وسال‌نگارش رانبرده، ظاهراً در قرن‌دهم یا یازدهم نوشته شده ، درآخر نسخه محمّد علی‌نام بخط شکسته نستعلیق بسال۱۱۸ چنین‌نوشته :(بنابررسم پیشینیان که‌صفر رامیان‌اعداد نمیگذارده اند بایستی‌یا۱۰۱۸یا۱۱۰۸ یا۱۱۸۰باشد)مالکیت نسخه‌رایادداشت‌نموده، منتخبی‌ازشرح‌شواهدسیوطی‌برمغنی که در ص ۳۸۵و۳۸٦ معرّفی آن گذشت (از این منتخب پس از این معرّفی میشود) ضمیمه این نسخه میباشد ، در حاشیه اوراق و برکاغذ هائیکه میان آنها گذارده شده مطالبی از دمامینی وشمنّی وغیره نقل گردیده ویادداشتهائی که ازمالکین نسخه، پشت‌ورق‌اوّل وآخر وبراوراقیکه پیش‌از کتاب وپس از آن سفید بوده ، نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۲۲۳). صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۵) .

(۱۰۲۰)

مغنی اللبیب این نسخه را بخط نسخ محمّد عسکربسال ۱۱۲٤ نوشته ، در حاشیه صفحات تعلیقاتی از کتب نحوودانشمندان بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته ، پشت برگ اوّل وآخر یادداشتهائی موجود است .

جلد میشن وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱۹۰) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) عرض (۱۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٦).

(۱۰۲۱)

مغنی اللبیب اصل‌این نسخه ظاهراً ازخطوط قرن نهم هجری بوده ، دست روزگار بسیاری از اوراق آنرا پراکنده نموده ، ظاهراً در

اوائل قرن سیزدهم هجری اوراق گمشدهٔ آن نگارش‌یافته وبآن ضمیمه شده ، نام نویسنده و سال نگارش درآن نیست ، پشت ورق اوّل یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲٤) . صفحه ای (۲۰و۲۳) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۹) .

(۱۰۲۲)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، یادداشتی بتاریخ۱۲٤۱ برکاغذیکه پیش‌ازورق‌اوّل‌نسخه‌است‌نوشته‌شده وپشت‌ورق‌اوّل‌نیزیادداشت‌هائی موجوداست ویکی ازآنهارا محو کرده‌اند ، بایستی‌نسخه‌را نیزدرقرن سیزدهم نوشته باشند ودر حواشی صفحات‌اوراق اولیّه تعلیقاتی‌بخط شکسته نستعلیق‌نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($24\frac{1}{2}$سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۳) .

(۱۰۲۳)

مغنی اللبیب این‌نسخه بخط نسخ میباشد ، ظاهراً درقرن دوازدهم نگارش یافته ، برگ آخر کتاب افتاده بوده بسال ۱۲٦۲ نوشته‌شده، پشت ورق نخستین یادداشتهائی موجود، کهنه ترین آنها که دارای تاریخ‌میباشد سال ۱۲۳۱ را داراست ، درحاشیه بیشترازصفحات تعلیقاتی از شروح این کتاب وغیره نگاشته شده ومحتاج بصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٤) .

[٤۳۸] مفصل (عربی)

این کتاب‌تألیف جارالله زمخشری‌وچون‌مؤلف‌ازمعاریف کتب‌نحو میباشد(درص ۱۵۸-۱٦۰ ج۱ فهرست مختصری‌ازشرح حال‌زمخشری‌ذکر گردیده‌ودرص۱۱-۱٤

همین مجلدزیرعنوان اطواق الذهب ایشانرا نیز معرّفی کرده‌ایم) صاحب کشف الظنون در ص ۴۸۸ - ۴۹۰ ج ۲ گوید دررمضان ۵۱۳ تألیف آن شروع و در غره محرم ۵۱۴ خاتمه یافته وشروح این کتاب وچند نفر را که باختصار آن مبادرت نموده ویاآنرا نظم بسته ویا برشواهد آن شرح نوشته‌اند نام برده وخود مؤلّف نیز آنرا مختصر نموده **وانموزج** نامیده است.

مفصّل مکرّر در مصر و اروپا و هندوستان چاپ گردیده و ترتیب آن بدینگونه است: **قسم اول** دراسماء. **قسم دوم** درافعال. **قسم سوم** درحروف. **قسم چهارم** درمشترکات میان اسم وفعل وحرف (در این قسم از اماله، وقف، قسم، تخفیف همزه، التقاء دوساکن ونظائر اینها که مشترك میان‌هرسه یا دوتای از اقسام کلمه‌میباشد ذکر گردیده است).

آغاز: بسمله (۱) احمدالله علی ان جعلنی من علماء العربیّه‌وجبلنی علی‌الغضب للعرب والعصبیّه و ابی' لی ان انفرد عن صمیم انصارهم الخ.

(۱۰۲۴)

مفصل

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۹۶ معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی برای فرزند خویش نوشته، درحاشیه صفحات اولیّه تعلیقاتی از اقلید وموصل که دوشرح مفصل اندو بدون امضاء وذکرمأخذ، نگارش یافته، برسه‌ورق کاغذ نانوشته‌ایکه در آخر کتاب بوده رساله ای مختصر در محل اعراب جمله بعربی بدون تصریح باسم منشی آن ونسخهٔ ساختن مرکّب، بدوطریق، نگاشته شده ویادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است.

جلد مبشن مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۹۳). صفحه‌ای (۱۴) سطر. طول (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۰).

[۴۳۹] منتخب شرح شواهد سیوطی (عربی)

شرح شواهد سیوطی‌را بر مغنی درص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرّفی نمودیم، یکی‌ازعلماء قصائدیکه به یك یا چند بیت آن در مغنی استشهاد شده، وسیوطی آن قصیده را

(۱) درنسخه این کتابخانه پس از بسمله این جمله است: قال جارالله‌الامام الزاهدالعلامه استاد الافاضل (الزمان خ د) شیخ العرب والعجم فخر خوارزم ابوالقاسم محمودبن‌عمر الزمخشری رضی‌الله عنه احمدالله الخ.

در شرح شواهد خویش نقل نموده (این انتخاب کننده که نام خود را در این منتخب نبرده) باتصریح باینکه محل شاهد درمغنی کدام بیت و کدام کلمه بوده از آن شرح مذکور انتخاب کرده وپس از آن مجدداً تجدید مطلع نموده و شواهد مغنی را موافق ترتیب آنها در آن کتاب باتذکر باینکه این بیت از قصیده یا غیر قصیده میباشد نقل نموده وپس از این، فهرست ابیات شواهدیکه از قصائد شعراست با نام گوینده آنها معیّن کرده وجزجمع و ترتیب از خود تصرفی درآن ننموده واین کتاب بادوضمیمه ایکه دارد در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله شواهدالهمزه طربت وماشوقاً الی البیض اطرب. هذا مطلع قصیدة. للکمیت یمدح بها اهل‌البیت علیهم السّلام وبعده ولالعباً منّی وذوالشیب یلعب الخ.

(۱۰۲۵)

منتخب شرح شواهد سیوطی

این نسخه که ظاهراً نسخه‌اصل ومنتخب آن‌همان نویسنده آنست ضمیمه مغنی‌اللبیب شمارهٔ (۳۲۳۵) این کتابخانه میباشد که درص ۳۹۶ خصوصیّات آنرا زیر شمارهٔ (۱۰۱۹) این‌فهرست ذکرنمودیم.

[۴۴۰] یائیه ابن کمال پاشا ترکی)

این رساله در اقسام یاء زائده ایستکه در آخرکلمات فارسی یافت میشود، مؤلّف درمقدّمه نام خودرا نبرده، دریکی‌ازضمائم کشف‌الظنون چاپ فلوگل این کتاب یارساله بنام یائیّه ضبط گردیده و به **ابن کمال پاشا** نسبت داده شده، در کشف‌الظنون نام آنرا نیافتم، ضمیمه‌بودن بادقائق‌الحقائق‌این‌مؤلّف که‌درص ۲۵۹-۲۶۱ معرّفی‌وشرح‌حال‌مؤلّف آن گذشت‌وشباهت‌کامل‌انشاء‌این‌نسبت‌راتأیید‌مینماید.

مؤلّف درمقدّمه گوید: (۱) درمحفلی حاضر بودم بحث از یاء زائده در آخر کلمات فارسی بمیان آمد، یکی ازحضّار آنرا منحصر در پنج قسم میدانست یکی‌از آن معانی را رد کرده وگفتم که انحصار در این اقسام که گفتی ندارد، درهمان

(۱) مطالب مقدمه را دوست دانشمند آقای جلال محدث ارومی که از فارغ التحصیلهای سال (۱۳۱۷) خورشیدی‌این دانشکده میباشند ترجمه نموده ونگارنده‌را متشکر کرده‌اند.

هنگام ده مورد از موارد اصلی یاء زائده را باشواهد ازاشعار فصحا بیان نمودم، از من خواستار شدند که در این موضوع نگارشی نمایم. بخواست آنها بتألیف این مختصر پرداخته و پس از تمهید مقدّمه ای ادیبانه اقسام اصلی یاء زائده را باشعبات آن به بیست قسم رسانیده و یك یك را بیان و باشعار شعرای بزرگ فارسی زبان استشهاد کرده ودر دیباچه تفاخر نموده و گوید همانقسم که زمخشری فائق را در مکّه معظّمه بیرون آورد وخطاب به اعراب کرد و گفت بیائید و لغت خود را از مردی غیر عرب گیرید من نیز بفارسی زبانان میگویم که بیائید لغت و قواعد زبان خویش را ازمن یاد گیرید (ازاین عبارات معلوم میشود که طرف صحبت وبحث وی در آن محفل ایرانی بوده است).

این کتاب یارساله درحدود (٦٥٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بوصحایف پرلطایفك تسویدنه داعی و باعث مضمون مکنونده الخ.

(١٠٢٦)

یائیه ابن کمال پاشا

این نسخه بخط نستعلیق بسال ٩٧١ نوشته شده، ضمیمهٔ دقائق الحقائق میباشد که درص ٢٦١ خصوصیّات آن گذشت درابتداء این نسخه نیزیك سرلوح کوچکی است، خصوصیّات دیگر آن به کتاب شمارهٔ (١٠١) کتابخانه که زیرشمارهٔ (٨٨٧) دراین فهرست معرّفی شده مراجعه شود.



معانی و بیان و بدیع

[٤٤١] انوار الربیع فی انواع البدیع (عربی)

این کتاب شرح بدیعیّه سیّد علیخان کبیرمیباشد که درص ٢٠٤ - ٢٠٩ معرّفی کامل ازایشان شد، واین کتاب ازمعاریف کتب دراین فن است، شارح بسال ١٠٧٧ در دوازده شب قصیده‌ای درمدح حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلّم در ١٤٧ بیت انشاء نموده و آن قصیده مشتمل بر ١٥٣ نوع از صنایع بدیعیّه میباشد ودرهریك از ابیات که مشتمل بر صنعتی است نام آن نوع تصریح گردیده.

سیّد خود بشرح این قصیده بدیعیّه پرداخته ونام آنرا «انوار الربیع فی انواع البدیع» گذارده ودرذیل هریك ازابیات بشرح و بسط کامل آن مبادرت کرده وبه ابیاتی از شعرا و ادباء معروف استشهاد نموده ودربعضی ازموارد شرح مختصری ازسیره وتاریخ آن شاعر نگاشته و درحقیقت این کتاب را مجموعه ای ادبی یاگلستانی که گلهای آن همیشه تازه ومعطّر میباشد، باید دانست.

درمقدّمه آنهائیکه پیش ازایشان بدیعیّه تألیف ویا انشاء کرده اند نام برده شده و زیر شرح بیت مطلع آن، مطالع سابقین را نقل نموده است.

درص ١٩٠ ج ١ کشف الظنون تاریخ پیدایش وتنظیم علم بدیع و مؤلفین در این موضوع نام برده شده وانوار الرّبیع بسال ١٣٠٤ درهند و ١٣٠٤ نیزدرطهران چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمدلله بدیع السموات والارض والصلوة علی نبیّه و آله الهادین....

حسن ابتدائی بذکر جیرة الحرم   له براعة شوقی یستهل دمی   الخ.

(۱۰۲۷)

انوارالربیع این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۲٤٤ عبدالله خونساری بخواست یکی از بزرگان کـه او را سمی امام کاظم ع معرّفی نموده نوشته ، ودرهمین‌سال محمدکاظم‌بروجردی بر کنار برگ دوّم تملك خویش را یاد داشت کرده اند ، بنابراین‌برای‌ایشان بوده ، عناوین باشنجرف‌نگاشته شده و برگ آخرو‌ّصالی گردیده است .

جلد هیشن ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۲۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤۸) .

[٤٤۲] حاشیه چلبی برمطول (عربی)

مطول شرح بزرگ تفتازانی برتلخیص المفتاح خطیب‌قزوینی است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود ، یکی ازحاشیه ها و تعلیقاتیکه بر آن نوشته شده حاشیهٔ زیرین وازچلبی است (حسن بن محمّد شاه بن محمّد بن حمزه الفناری الچلبی(۱) ۸٤۰—۸۷۹/۸۸٦) (۲) که ازعلما وزهاد قرن نهم هجری بوده و عمرخویشتن را میان علم وعمل‌تقسیم نموده ومردی منصف بوده ، چون حاشیه‌ای برتلویح تألیف کرد، ومقدّمه آنرا بنام‌سلطان بایزیدبن‌سلطان محمّدموشح‌نمود، موردغضب سلطان‌محمّد واقع گردید ولی چون‌از مصربرگشت نسبت‌بوی مهربان شدوتدریس در یکی دومدرسه‌رابدوبرگزارنمود وپس‌از آن‌سلطان‌بایزیدروزانه‌هشتاددرهم برای‌ایشان معیّن‌نمود ودیگرازمؤلّفات او حاشیه‌ای بر مختصر تفتازانی وحاشیه برتفسیربیضاوی

(۱) درص ٦٤ الفوائد البهیه نوشته شده که سخاوی در «الضوء اللامع» این دانشمند را نام برده و گوید چلبی یعنی آقا و او را فناری گویند بدین مناسبت استکه یکی از اجداد او برای پادشاه روم فنرهائی هدیه آورده و پادشاه چون میخواست از او سؤال کند میگفت فنری کجاست وصاحب معجم المطبوعات گوید در یکی از مؤلفات خطی وی که بسال۸۷۳ نوشته شده نام او را چنین : (ملاحسن الفنری) یافتم .

(۲) این شرح با مراجعه به ص ۲۰۸ ـ ۲۱۱ شقائق ، ص ۷۵۷ و۷۵۸ معجم المطبوعات، شذرات‌الذهب ج ۷ ص ۳۲٤وص ٤٦ الفوائدالبهیه فی‌طبقات‌الحنفیه و کشف‌الظنون نوشته شد و فقط در شذرات وفات وی بسال ۸۷۹ ثبت گردیده است .

وحاشیه برشرح مواقف سیدشریف جرجانی‌است وجزحاشیه مختصروحاشیهٔ تفسیر بیضاوی او مؤلّفات دیگروی چاپ شده است .

این‌حاشیه مطول‌مشتمل برفوائد بسیاری میباشد دانشمندان ودانشجویان بانظر اهمیت بدان نگاه مینمایند ، و در حدود (۱۹۵۰۰) بیت کتابت دارد و برمطالب مشکله هرسه قسمت (معانی وبیان وبدیع) مطول تعلیق گردیده ودرحاشیه مطول ومستقلاً مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی شرح صدور ارباب الاذهان لایضاح معان‌الکلمه بدیع البیان . . . . . قوله الحمدلله‌الذی‌الهمنا . . . . الاقرب الی‌الفهم ان‌المرادبالالهام فی‌هذ المقام الخ .

انجام: قوله والتّذکر للاحکام المذکورة‌فی‌علمی‌المعانی والبیان **انما**لم‌یتعرض للبدیع لکونه خارجاً عن‌البلاغه .

(۱۰۲۸)

حاشیه‌چلبی برمطول این نسخه را بخط نسخ حافظ مصطفی القونوی بسال ۱۰۵۸ نوشته وازدیاچه تاآخر کتابست ، صفحات باشنجرف جدول کشی شده ، آبدیده‌ولی خطوط آن ضایع نشده وبرخی از برگهای آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغـذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳۹۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض(۱٤ ۱/۲سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۰) .

(۱۰۲۹)

حاشیه‌چلبی ،برمطول این نسخه را بخط شکسته نستعلیق علی‌بن احمد سینکی رازی بسال ۱۰۱۳ نوشته ، دیباچه را ندارد ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی‌مالکین‌مختلف که بیشترآنها پدروپسربوده‌اند بخط خود باتاریخ ومهرنگاشته اند وبیشتراز اوراق دارای حاشیه‌ای‌ازخود چلبی بر این حاشیه است .

جلد تیماجی وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۱) . .

(۱۰۳۰)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده وسال نگارش نگاشته‌نشده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم ونگارندهٔ آن هندی میباشد ، برگ نخستین نونویس ونیز دیباچه را ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۲) .

(۱۰۳۱)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۷۵ بکتابخانه اعتضادالسلطنه در آمده وپشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد، بر کنار اوراق حاشیه هائی وجوددارد، دیباچه‌را نیزندارد وعبارات مطول باشنجرف است .

جلد رو پارچه و داخل نرگس روغنی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۳۰ ½ سانتیمتر) . (عرض ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۳) .

(۱۰۳۲)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، فقط قسمتی از اول این حاشیه میباشد (اوائل حاشیه تا حواشی شرح دیباچه تلخیص المفتاح) ورق اوّل آنهم افتاده ونخستین سطرنسخه اینست : (والبدیع علم البیان فیجوزان یکون دقائق الخ) وآخرین سطر نسخه این : (ولما كان الحمل مفیداً فی الفن الثانی والثالث لبعد العهد اجری الفن الاول مجراهما سوقاً للفنون الثلاثه علی نسق واحد و) . ظاهراً نیز از خطوط قرن سیزدهم است .

جلد ندارد . کاغذ آبی فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳۲) . صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۹۷٤).

[٤٤٣] حاشیه حامد بر خطائی (عربی)

این حاشیه برحاشیهٔ خطائی بر مختصر تفتازانی است که از هردو کتاب دراین فصل معرّفی خواهیم نمود ، محشی خودرا حامدبن برهان بن ابی‌ذرالغفاری معرّفی نموده، در کتب سیروفهارس موجوده، این مؤلّف ومؤلّفه‌را نیافتم ، چنانکه خواهیم دید خطائی در نخستین سال قرن دهم مرده و حاشیهٔ او در این قرن زیاد مورد بحث بوده وبر آن حواشی نوشته شده و نسخه زیرین بسال ۱۰۲۷ نگارش یافته و نویسنده مؤلّف را بدینگونه : (تمت هذه الحاشیة التی صنّفها الفاضل الكامل حامدالغفاری فی حاشیهٔ خطائی بعون الملك الغفاری .) معرّفی نموده وازطرزبیان وی استفاده میشود که تاهنگام نگارش این نسخه (اوائل قرن یازدهم) زنده بوده ومسلّم اینستکه ازدانشمندان قرن‌دهم هجری بوده وچنانکه دردیباچه مختصر همین حاشیه گفته تألیف آن دردوهفته بوده واشاره‌نموده پیش‌ازاین‌نیز حاشیه‌ای برحاشیه‌خطائی بر مطول‌نوشته و در آن خطائی‌را تأییدومیرسید شریف‌رارد کرده‌است .

این‌حاشیه‌حامدچون حاشیه خطائی برمطالب خمس‌اول مختصرتفتازانی است .

درص۵۸ ج۳ فهرست‌رضویه حاشیه‌ای برحاشیه خطائی (بنابرتصریح‌درمقدمه آن) به **حامد** نسبت داده شده وآغازآنرا: الحمدلله‌المنزه عن‌تنزیه المتنزهین الخ وانجام آنرا : ان‌الوضع‌فیها تعیین بالقرینه لاتعیین‌بنفسه‌فتامل‌تمت . معین‌نموده ودر ذیل آن گفته‌شده‌احتمال‌دارد که‌حامدهمان‌حمیدالدین **بن** افضل‌الدین‌الحسین‌مذکور در کشف‌الظنون‌باشد . ولی محتمل‌استکه این‌احتمال‌دراثر تصور تحریف نام محشی بوده‌وچنانکه‌دانستیم‌پدرحامد بنابرتصریح‌خود او **برهان‌بن‌ابی‌ذرغفاری** بوده‌است ، وچون آغاز این نسخه بانسخه مدرسه مختلف است اگراحتمال ماهم چون‌احتمال مؤلّف فهرست رضویه نباشد حاشیه حامد برحاشیه خطائی برمطول‌استکه درمقدمه

حاشیهٔ برخطائی مؤلّف بدان تصریح نموده‌است.

این حاشیه حامد درحدود (۲۳۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: حامدآمصلیا مستمسکا بلطفه العمیم وبعد فیقول المتکل علی‌الله‌الباری حامدبن برهان بن ابی‌ذر الغفاری جعل‌الله سعیه سعیاً مشکورالخ.

(۱۰۳۳)

حاشیه حامد برخطائی

این‌نسخه بخط نسخ بسال۱۰۲۷ نوشته شده ، حاشیه ملاعبدالله یزدی که نیز برخطائی میباشد و درهمین فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست ، برورق دوّم بنام حاشیه خطائی براین کتابخانه وقف گردیده پاره‌ای از برگها چرك شده و موریانه بعضی را سوراخ کرده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۶) . این‌نسخه (٥٦) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۷سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦٥).

[٤٤٤] حاشیه خطائی یا خطابی (عربی)

برمختصر تفتازانی

حاشیه خطائی (خطابی) مشهور ترین حواشی برشرح مختصر تفتازانی بر تلخیص‌المفتاح‌میباشد، در کشف‌الظنون تصریح گردیده که‌این‌حاشیه‌فقط براوائل مختصر میباشدومؤلّف آن‌نظام‌الدّین‌عثمان‌خطابی‌متوفی‌بسال۹۰۱ استکه‌نیز حاشیه‌ای برمطول دارد(۱) و آغاز حاشیه مختصر اینست : لك‌اللهم الحمد والمنه الخ. و در ص ٤٨٤ ج ۲ گوید که برشرح سید شریف برمفتاح حاشیه ها نگاشته شده ، از آنها یکی حاشیهٔ مولانا زاده خطائی است که اول آن اینست : لك‌اللهم الحمد والمنه الخ. نسخه هائیکه از حاشیه خطابی بر مختصر در دست میباشد آغاز آن چنانستکه‌زیراین سطرها می‌آوریم و آغازیکه مؤلّف کشف‌الظنون برای این‌حاشیه

(۱) نسخه‌ای ازاین حاشیه در کتابخانه مدرسه مروی درطهران موجود وآغاز آن اینست : لك‌الحمدوالمنه وعلی‌رسولك‌وآله‌واصحابه‌الصلوة‌والسلام‌والتحیه‌افتتح کتابه‌بعدالتیمن‌بالتسمیه‌الخ.

نقل نموده آغاز حاشیه مولانازاده‌خطائی برشرح‌مفتاح سید شریف استکه نسخهٔ خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران میباشد و درص ١٤٦ ١٤٧ ج ۱ فهرست آصفیه تذکر داده شده‌که حاشیهٔ مولانازاده دوباربسال ١٢٥٦ و ١٢٦٥ در کلکته چاپ شده است.

درص ۲ ج۸ شذرات‌الذهب نوشته شده که درحدود سال۹۰۱ شهاب‌الدّین احمدبن عثمان مشهور به منلازاده سمرقندی خطابی که امام و علاّمه وفقیه وقاری عالی‌السند بوده وفات یافته و او راکتابی درجمع میان کتاب هدایه ومحرر (این دو کتاب‌ازمعاریف کتب فقه شافعی وحنفی‌میباشد، به‌صفحهٔ ۳۹۱و٦٤٧-٦٥٤ ج۲ کشف‌الظنون مراجعه‌شود) و شرح هدایه درحکمت است وخطابی منسوب به خطاب‌جدّ اوست.

وجز این خطابی دیگری را در کتب سیر بدین نام یابنام خطائی نیافتم و در فهرست آصفیه وفات همین خطائی را بسال ۹۰۱ ثبت کرده است.

درص٥٧ ج۳ فهرست رضویه زیرعنوان این‌حاشیه نوشته شده: ازنظام‌الدّین عثمان خطابی بباء موحده چنانکه در کشف‌الظنون است یاازجلال‌الدین اوبهی‌از تلامذه مولاناسعدتفتازانی‌است‌چنانکه‌معروف‌است‌واورا خطائی باهمزه گویندولی آنچه در کشف‌الظنون‌آورده اقرب به قبول است **واوبه** قریه ایست ازتوابع هراة.

در فهرست آصفیه نظام‌الدین عثمان را خطائی باهمزه معرّفی‌نموده بهرحال این‌حاشیه عثمان خطائی یاخطابی برتمام مختصرنیست وتامبحث تعریف مسندالیه بضمیر(۱) (تقریباً پنج یك مختصر) را بیشترحاشیه ننگاشته و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد.

۱ در ص ١٤٦ و ١٤٧ ج ۱ فهرست آصفیه نسخه ازاین‌حاشیه خطائی که بسال ١٢٥٦ درکلکته چاپ گردیده نشان داده شده و در ص ٦٩ ج ۳ فهرست رضویه

(۱) آخرین‌حاشیه خطائی براین‌جمله ازمختصراست ؛ وقدیترك‌الخطاب مع معین. که درشرح این جمله از تلخیص‌المفتاح میباشد : و اصل‌الخطاب ان یکون لمعین و قدیترك الی غیره الخ.

نسخه ای از این حاشیه که بسال ۱۲۸٦ نیز در هندوستان چاپ شده نشان داده شده است .

برحاشیه خطائی برمختصر حاشیه ای از ملاّ عبدالله یزدی وحاشیه ای از حامد غفاری است که در ص٤٠٥-٤٠٦ و٤١١-٤١٣ این فصل نام برده شده ومیشود .

آغاز: بسمله نحمدك اللّهم علی ما اعطیتنا من سوابغ النعم وبوالغ الحکم .... قوله نحمدك، آثر الحمد علی الشکر لان الحمد یعمّ الفضائل والفواضل الخ .

(۱۰۳٤)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق در مدرسه خواجه تاج الدین حسین در کاشان نوشته شده، پیش از این حاشیه، حاشیه‌ای برشرح کتابی در کلام بخط همین نویسنده که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده موجود و از آن بیاری خداوند توانا درجلد سوم فهرست معرّفی خواهد شد ، درحواشی صفحات تعلیقاتی ازحامد وملاّ عبدالله نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱٤۳) این نسخه (۷۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۹ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦٤).

(۱۰۳٥)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۳ نوشته شده ، براوراق اولیّه تعلیقاتی از ملاّ حامد نگاشته انـد ، اوراق آن آبدیده ولی خطوط محونگردیده وبنام حاشیه برخطائی ثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۱۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦۲).

(۱۰۳٦)

حاشیه خطائی این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد مؤمن قائنی بسال ۱۰۹۹ نوشته ، برکنار صفحات تعلیقات ملاّ حامد وملاّ عبدالله یزدی براین حاشیه نگاشته شده و حاشیه ملاّ عبدالله برخطائی را که پس از این معرّفی

خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۰۹۷ نوشته و در این مجلّد پس از این حاشیه (حاشیه خطائی) گذارده شده .

پشت نسخه و در دفاتر کتابخانه بنام « حاشیه خطائی برمطول » وقف وثبت شده است .

جلد مقوائی دور تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۸٦) . این نسخه (۹۳) . صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۲٥ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦۱) .

(۱۰۳۷)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، برگ اوّل ودوبرگ از اخر نونویس، دراثر آبدیدگی بعضی ازاوراق ضایع شده ومحتاج ترمیم ووصّالی میباشد ودراین کتابخانه بنام حاشیهٔ میربرمطول وقف وثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۰۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦۳) .

[٤٤٥] حاشیه زیباری برشرح سمرقندیه (عربی)

این حاشیه بنابتصریح درمقدّمه ازحسن بن محمّد زیباری(۱) برشرح عصام الدّین اسفراینی بر رساله استعارات سمرقندی (الفرائد والفوائد = سمرقندیه) استکه پس از این معرّفی از آن شرح خواهد شد ، پشت نخستین صفحهٔ نسخهٔ زیرین و درآخر آن نویسنده در هنگام درس گرفتن آن،تعلیقات و حواشی براین حاشیه نگاشته وتصریح نموده که این حاشیه معروف به « **ملا حسن** » میباشد .

درمعجم المطبوعات نام این حاشیه ومؤلف آن نیست و در فهرست هائیکه زیردست نگارنده است فقط در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۱۸۹) نسخه ای

(۱) در کشف الظنون (ج ۲ ص۱۷۹) زیرعنوان « فرائد الفوائد » که همان رساله استعارات سمرقندی‌است که بنام «سمرقندیه» معروف گردیده . نام این‌حاشیه ومحشی آن بدون ذکر تاریخ‌تالیف یاوفات مؤلف ثبت‌است ومؤلف‌صریحاً برای‌این رساله نامی‌نگذارده فقط گوید: **فنظمت فرائد عوائد** . وعصام‌الدین در شرح آن گوید : نیکوئی‌اضافه فوائددراین کتاب به عوائد مخفی‌نباشد ولی‌اگر گفته بود فرائد فوائد هرآینه بهتر میبود . و حاجی خلیفه این تسمیه بهتررا در کشف الظنون ذکرنموده است .

ازاین حاشیه که بدون تاریخ کتابت است نگاشته شده موجود، در آنجا از زمان مؤلف معرّفی نشده ولی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم بوده و در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان علّمه البیان وجعله ذریعة الی معرفة دقائق القرآن الخ.

(۱۰۳۸)

حاشیه زیباری بر شرح سمرقندیه این نسخه را محی الدّین بن عبدالحی بسال ۱۱۰۷ هنگامیکه پیش استاد بخواندن آن مشغول بوده بخط نسخ نوشته، تعلیقاتی از کاتب وملاّ عبدالله کردی الحسینی وخان احمد حریری برشرح عصام الدّین وبرهمین حاشیه نگاشته شده ورق اوّل و آخر وصّالی گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (٤٧). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۰ ½ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۰).

[٤٤٦] حاشیه سمرقندی بر مطول و بر (عربی)

حاشیه میر سید شریف

این حاشیه بنابرتصریح در دیباچه تألیف ابوالقاسم بن ابی بکرلیثی سمرقندی برمشکلات مطول برحاشیه میرسید شریف میباشد و آنرا بنام امیر کبیر امیرعلیشیر نوائی موشح نموده ونیز تصریح نموده که این مؤلّفه نخستین اثر اوست ودر آخر فراغت از تألیف را بسال ۸۷۵(۱) معین مینماید، بدین نام در دانشمندان این قرن در روضة الصفا وحبیب السیر و کتابهای دیگر دانشمندی را نیافتم، در فهرست دار الکتب ج۲ ص۲۰۲ زیرنام سمرقندیه که همان رساله استعارات یافرائد العوائد(۲)

(۱) وقع الفراغ عن جمع هذه الفوائد و نظم هذه الفرائد و ضبط ما افتتحت له موارد الشهر فی ظلم الدیاجر واحتمات له مکاید الفکر فی ظماء الهواجر فی یوم الاربعاء التاسع عشر من خامس عشر الثامن من تاسع مائی سنی الهجرة والحمد لله علی نعمه العظام ومنحه الجسام والصلوة علی نبیه محمد واصحابه البررة الکرام ومن تبعهم الی یوم القیام.

(۲) بحاشیه شماره (۱) درصفحه ٤۰۹ مراجعه شود وعصام الدین اسفراینی براین کتاب شرحی نگاشته و در ص ٤۲۳ از آن معرفی میشود.

میباشد، نوشته شده تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر اللیثی السمرقندی استکه از علماء نیمهٔ دوّم قرن نهم هجری بوده است.

صاحب کشف الظنون درص ۳۲٤ ج ۱ در ذیل «تلخیص المفتاح» نام این حاشیه و محشی آنرا برده ولی سال وفات وزمان او را معیّن نکرده است.

محشی در این حاشیه داد اطلاع و استعداد خود را داده و در آن نقلهای بسیاری از کتب ودانشمندان سابق دارد ودارای مطالبی سودمند میباشد، در حدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد، فقط حاشیهٔ برمعانی و بیان است و پاره ای از مطالب این حاشیه درحاشیهٔ بعضی ازچاپهای مطول چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی انعمنا بتلخیص دقائق المعانی والبیان الخ.

(۱۰۳۹)

حاشیه سمرقندی برمطول و حاشیه میر شریف این نسخه چنانکه پشت صفحهٔ نخستین سید علیخان کبیر (علی صدر الدّین بن احمد نظام الدّین) بخط خویش نوشته اند بامر ایشان نوشته شده، تاریخ تحریر درخود نسخه واین یادداشت نیست، بنابراین وشهادت رسم الخط ومرکب وکاغذ مسلماً درقرن یازهم یااوائل دوازدهم نگارش یافته، یادداشتی ازپشت صفحهٔ نخستین ومهری از آخر نسخه محو گردیده است.

جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۹۲). صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۹).

[٤٤٧] حاشیه ملاعبدالله یزدی برخطائی (عربی)

ملاّ عبدالله بن شهاب الدّین حسین شهابادی یزدی از علماء امامیّه قرن دهم هجری وهمدرس مقدّس اردبیلی وملاّ میرزا جان باغنوی شیرازی پیش جمال الدّین محمود شاگرد ملاّ جلال دوانی بوده وچنانکه در ص ۳۲۱ و ٤٥۰ ج۱ فهرست گفته شد صاحب معالم وصاحب مدارك پیش ایشان تحصیل منطق ومعانی وبیان مینموده اند.

این دانشمند دو حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته که یکی از آنها بسیار معروف و از کتب درسی میباشد و مکرّر چاپ شده و دیگری نسخهٔ آن در کتابخانهٔ رضویه موجود است (ج۱ ص۱۱ فصل منطق خطی)، حاشیه بر حاشیه خطائی (همین کتاب)، حاشیه بر حاشیه ملاّ جلال بر تهذیب (در ص ۱۵ فصل منطق خطی فهرست رضویّه دو نسخه از این حاشیه معرّفی شده)، حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاّ جلال (نسخه ای از این حاشیه در ص ۲٦ فصل منطق ج ۱ فهرست رضویه نشان داده شده)، حاشیه بر مختصر شرح تلخیص ، حاشیه بر شرح شمسیّه و حواشی دیگر بر کتب کلامی و ادبی است

بعضی گویند که این عالم در علوم شرعیّه دستی نداشته ، امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص۱۳٤ نسخه خطی کامل مدرسه) این مؤلّف (ملاّ عبدالله) را نام برده و گوید: ومهارتش درفنون علم فقه بغایتی بوده که میگفته : اگر متوجه بدان علم گردم بتوفیق الله تعالی برهان و دلائل عقلی بر مسائل فقهی گفته (کذا) چنان فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند .

صاحب روضات بنقل از امل الآمل به نقل از سلافة العصر گوید : شرحی بر قواعد علاّمه نوشته ولی صاحب روضات احتمال داده اند که شرح قواعد از ایشان نباشد و ملاّ عبدالله شوشتری شارح قواعد باین ملاّ عبدالله اشتباه شده باشد و ایشان از تاریخ حسن بیك روملو (احسن التواریخ) وفات ملاّ عبدالله یزدی را در عراق عرب درسال ۹۸۱ ضبط کرده اند .

ملاّ عبدالله بسال ۹٦۲ درمدرسه منصوریه شیراز از تألیف این حاشیه بر حاشیه خطائی فراغت یافته وسائر مباحث از مختصر را که خطائی حاشیه ننمود ایشان نیز متعرض نشده اند و درحدود (۳۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز : بسمله حمداً لمن خلق الانسان وعلّمه البیان وشکراً لمن علّمه بدایع المعانی الخ .

(۱۰٤۰)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، ضمیمهٔ حاشیه حامد برخطائی استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳۳) در ص ٤۰٦ معرّفی از آن شد و در کتابخانه شمارهٔ (۲۹٦٥) شامل این دو نسخه است خصوصات دیگر بصفحهٔ نام برده بالا مراجعه شود .

(۱۰٤۱)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۷ محمّد مؤمن قائنی نوشته ، ضمیمهٔ حاشیه خطائی استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳٦) در ص۴۰۸و۴۰۹ معرّفی گردید ، ودر کتابخانه شمارهٔ (۲۹٦۱) شامل این دو نسخه است، خصوصات دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود، پشت صفحهٔ نخستین محمّد مهدی عبدالرب آبادی شرحی درمعرّفی این حاشیه ومؤلف آن ملاّ عبدالله بنقل از «احسن التواریخ» حسن بیك روملو نگاشته اند .

[٤٤٨] حاشیه میرسید شریف برطول (عربی)

این حاشیه برمطول نیز یکی از مؤلّفات میرسید شریف جرجانی استکه درص ۳٦٦-۳٦۸ معرّفی از ایشان گردید ، از مطول نیز درهمین فصل معرّفی مینمائیم ، پیش دانشمندان این حاشیه شهرتی بسزا دارد ومورد بحث و نظر گردیده و در تأیید وردّ آن تعلیقاتی نگاشته شده وچند بار در آستانه وایران مستقلاً ودر حاشیه مطول چاپ گردیده و در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدالمرسلین محمّد و آله وصحبه اجمعین **امابعد** فهذه حواش علی الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیدتها علیه بجملة حال ماقرء علی بعض احبتّی الخ .

(۱۰٤۲)

حاشیه میر برمطول این نسخه را بسال ۸۳٦ محمد قاری رودآوری بخط نسخ خوب نوشته ، درحاشیه بیشتر از برگها حاشیه هائی بخطوط مختلف از اشخاص متعدد نگاشته شده ، تمام اوراق متن

و حاشیه گردیده و مجدول بطلا است ، یك سرلوح کوچك دارد، باطلا بر آن نوشته شده : حاشیه میرسید شریف بر مطول . قسمت پائین تمام برگها وصّالی شده و بر آنها مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٣١) . صفحه‌ای (٢٣) سطر . طول (١/٢ ١٩ سانتیمتر) . عرض (١١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٨) .

(١٠٤٣)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه بخط نسخ بسال ١٠٢٧ نوشته شده (سال نگارش رانویسنده اینگونه : (١٢٧) نوشته، از طرز نگارش و کاغذ مسلّم استکه ١٠٢٧ بوده وموافق رسم قدما صفر درمرتبهٔ مآت را نگذارده است) سه ورق اوّل نونویس میباشد ، بر کنار پاره ای از صفحات حاشیه هائی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٣٠) . صفحه‌ای (٢٣) سطر . طول . (١٩ سانتیمتر) . عرض (١/٢ ١٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٧) .

(١٠٤٤)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه را بسال ١٠٧٠ محمد شریف بن حاجی حسن آملی بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته ، ورق اوّل وصّالی گردیده درحاشیه بعضی از اوراق تعلیقاتی بامضاء ابی وردی ، چلبی ملاّ میرزاجان ، وغیره دیده میشود .

جلد تیماج . کاغذ کاهی و دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (١٩٢) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (١٥ سانتیمتر) . عرض (٩ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٦) .

[٤٤٩] رساله در مجاز و استعاره (عربی)

این رساله چنانکه در آخر آن نگاشته شده تألیف جارالله زمخشری است که در ص ١٥٨ - ١٦٢ ج ١ و ص ١١ - ١٤ همین مجلّد معرّفی ایشان گردیده ولی در هیچیك از مآخذ تألیف رساله ای در این موضوع صریحاً بایشان نسبت داده

نشده ولی هیچکس تمام مؤلّفات وی را نام نبرده وعموماً پس ازنام برخی از آنها گویند **وغیر ذلك** بهرحال این نسخه رساله ای مختصر و پس ازمقدمه ای که در بیان معنی حقیقت و مجاز میباشد دریك باب سیزده قسم مجاز مرسل و درباب دیگر چهارده قسم استعاره را بیان نموده و تمام این رساله (١٥٠) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحقیقة ان یثبت لفظ فیما وضع له بعرف کائن من کان الخ .

(١٠٤٥)

رساله در مجاز واستعاره

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، مجموعه ایکه بشمارهٔ (٩٦٨) در این کتابخانه ثبت شده از ص ١٦١-١٦٤ شامل این رساله میباشد ، فهرست این مجموعه درص ٦١٩ ج ١ فهرست ذکرشده است .

[٤٥٠] رساله درمعانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجز البیان (عربی)

مؤلّف دراین رساله ازخود نامی نبرده ، بامطالعهٔ اجمالی تمام آن جز بنام صاحب مفتاح وصاحب ایضاح برنخوردم، بقرینه وطرز حمد وصلوة درابتدا وانتهاء مسلّماً تألیف یکی ازعلماء امامیّه میباشد و بسیارسلیس وروان است و در حدود (٣٥٠) بیت کتابت دارد .

مؤلّف الذریعه الی تصانیف الشیعه در ص ٤٠٢ ج ٢ آن کتاب زیرعنوان **الانموزج** عباراتی دارد که مختصراً ترجمه آن اینست : تألیف عبدالوهاب بن علی استرابادالحسینی است و نسخهٔ اصلی آنرا که مؤلف بخط خویش نوشته و تاریخ تألیف آن سال ٨٧٩ بود به ضمیمهٔ شرح وی برفصول نصیریه و حاشیهٔ او بر شرح میرك بر هدایه اثیریّه دیده ام و مرتب برمقدّمه و فنونی چند و خاتمه ایست و نویسنده ای غیراز مؤلف براین نسخهٔ انموزج نوشته بود که نام آن « موجز البیان » میباشد .

گذشته از اینکه آغاز منقول در الذریعه با آغاز این رساله مطابق است این عبارت (وبعد فهذا انموزج من علم البلاغه الخ) که پس ازحمد وصلوة این رساله میباشد مؤید کاملی است که این رساله همان انموزج استرابادی یاموجز البیان است .

وتفسیر آیة الکرسی تألیف عبدالوهاب حسینی استرابادی را آقای تربیت دارند .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان علّمه البیان واسبغ له الاحسان الخ .

(۱۰۴۶)

رساله در معانی و بیان و بدیع این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ضمیمه مجموعه ایستکه در کتابخانه شمارهٔ (۹۶۸) را دارد و ص ۲۰۲-۲۱۴ آن بمجموعه این رساله است.

[۴۵۱] شرح تلخیص المفتاح = مختصر (عربی)

این کتاب نیز یکی از کتب مؤلفهٔ تفتازانی (ملاّ سعد) استکه درص ۳۴۴-۳۴۶ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم.

این شرح را پس از شرح بزرگ خود که مشهور به **مطول** گردیده، بر تلخیص المفتاح بسال ۷۵۶ در **غجدوان** (۱) تألیف و گذشته از اینکه آن شرح اوّل را مختصر نموده، مطالبی تازه نیز دارد و مشهور به **مختصر** گردیده و دانشمندان بر این و آن حواشی و تعلیقات متعدد نوشته اند.

تلخیص المفتاح یکی از مختصرات قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی میباشد و خطیب چنانکه خود در مقدّمهٔ آن (تلخیص) تذکر داده، گذشته از اختصار در توضیح و بیان مطالب آن اضافاتی نموده و ترتیب آنرا هم بطرزیکه بهتر از روش اصل بوده قرارداده و آنرا بر مقدّمه ای و سه فن (معانی و بیان و بدیع) تقسیم کرده و دانشمندان بحفظ و تدریس آن پرداخته و چندین شرح بر آن نگاشته شده است (۲).

خطیب قزوینی (جلال الدّین محمّد بن عبدالرّحمن بن عمر بن احمد عجلی قزوینی دمشقی شافعی ۶۶۶-۷۳۹) (۳) در موصل تولد یافته و چندی در روم مسکن گزیده و بتحصیل انواع علوم پرداخته پس از آن مدرس شده و مقام نیابت قضاوت یافته و خطیب و قاضی دمشق گردیده و یازده سال قضاوت مصر را دارا شده و از آنجا

---

(۱) غجدوان بضم غین معجمه و جیم ابجد و دال مهمله مضمومه نام دهی از بخارا میباشد (ص ۷۷۵ ج ۳ معجم البلدان).

(۲) کشف الظنون ج ۱ ص ۱۷۶ و ۳۲۳ - ۳۲۷.

(۳) به ص ۱۲۳ و ۱۲۴ ج ۶ شذرات الذهب و ص ۱۵۰۸ معجم المطبوعات و ص ۱۲۸ ج ۴ تاریخ ابو الفداء و طبقات الشافعیه ص ۲۳۸ و ۲۳۹ ج ۵ و روضات الجنات ج ۴ ص ۲۰۳ مراجعه شود.

قضاوت شام را گرفته و بآنجا آمد و در این هنگام تلخیص المفتاح و شرح آنرا که الایضاح نام دارد تألیف نمود.

این شرح (مختصر) درحدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد، نخستین بار در کلکته بسال ۱۸۱۵ م. و پس از این در آستانه و بیروت چاپ شده است.

آغاز: بسمله نحمدك یا من شرح صدورنا لتلخیص البیان فی ایضاح المعانی الخ.

(۱۰۴۷)

مختصر این نسخه را بخط شکسته، سعید بن محمد ابراهیم رازی، مسلماً درقرن یازدهم نوشته [در آخر سال نگارش اینگونه : (۱۰،۱) نگاشته شده شاید هزار و ده (۱۰۱۰) باشد]، بیشتر از اوراق دارای تعلیقات میباشد و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود و بعضی را هم محو کرده اند.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۲۲). صفحه ای (۲۴) سطر. طول (۲۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۰).

(۱۰۴۸)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نگارش یافته، بر خود نسخه بنام مطول وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده، پس از اتمام این کتاب «منظومه ابن الشحنه» در معانی و بیان و بدیع که در ص ۴۳۲-۴۳۴ این فصل معرّفی خواهد شد، نوشته شده، چهار برگ نخستین نسخه از اواسط کتابست، برگ اوّل کتاب و اوراقی از اواسط آن افتاده و برگهائی هم از آن وصّالی گردیده و تعلیقاتی بر کنار صفحات نگاشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۴۳). صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۵).

(۱۰۴۹)

۱ مختصر این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ نوشته شده و بسال ۱۰۷۵ مقابله و تصحیح گردیده، بر کنار صفحات تعلیقاتی موجود، دو یادداشت از پشت برگ نخستین نسخه محو گردیده و نیز بنام مطول بر این کتابخانه وقف شده است.

جلد تیماجی . کاغذ نباتی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٠٩) . صفحه‌ای (١٨) سطر . طول (٢٣ سانتیمتر) . عرض (١٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٨) .

(١٠٥٠)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، محمدمهدی بن حاج محمد یوسف، بسال ١٠٨٨ نوشته ، بر صفحات آن تعلیقاتی میباشد و برخی از اوراق آن وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢١٥) . صفحه‌ای (١٧) سطر . طول (٢٤ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٥) .

(١٠٥١)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، علی نقی بن اسمعیل موسوی، بسال ١٢٢١ نوشته، بر کنار صفحات آن تعلیقاتی موجود، مقابله وتصحیح گردیده پشت ورق اوّل و آخر وبرگی که در ابتدا وانتهای نسخه میباشد مطالب متفرقه ای نگارش یافته واز آنجمله این مطالب است :

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ
انکارکرد درپیوست واقف‌کرد سخن‌کرد زود بیاموخت تربیت‌کرد نگاه داشت تمام کرد.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (١٣٥) . صفحه ای (٢١) سطر . طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٤).

(١٠٥٢)

مختصر

این نسخه بخط نسخ، عباس بن نجف، بسال ١٢٣٣ نوشته شده و پاره ای از صفحات دارای تعلیقاتی بخط شکسته میباشد .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٥٥) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٦ سانتیمتر). عرض (١٠ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٦) .

(١٠٥٣)

مختصر

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، درحاشیهٔ صفحات (از اوّل تاباآخر) شرح

بزرگ تفتازانی (مطول) را جعفربن عباس مورانی(١) بسال ١٢٤٣ نوشته وظاهر اینستکه نویسنده مختصر هم همین شخص میباشد .

جلد نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣٠٦) . صفحه ای (١٤) سطر . طول (٢٥ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٩) .

(١٠٥٤)

مختصر

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده موفق بنوشتن نام خویش وسال نگارش نگردیده ظاهراً درقرن یازدهم ان را نگاشته اند، بر کنار برگها بیشتر ازنسخه های دیگر پیشین تعلیقاتی ازشیخ الاسلام میباشد و از دیگران نیز حاشیه هائی موجود وپارهٔ از اوراق وصّالی گردیده

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢١٧) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (٢٦ سانتیمتر) . عرض(١٣ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٧) .

(١٠٥٥و١٠٥٦)

مختصر

این نسخه‌بخط نسخ‌نوشته‌شده، ورق آخر آن‌افتاده، حاشیه‌هائی ازشیخ‌الاسلام وخطائی ودیگران بر کناربرگهانگارش یافته، برگ‌اوّل وصّالی گردیده، **منظومهٔ مؤنثات سماعی** درعلم‌صرف که‌درص ٣٣١ در ذیل مؤلّفات ابن‌حاجب نام برده شد پشت صفحهٔ اوّل نوشته شده‌وآغاز آن‌اینست:

نفسی الفداء لسائل وافانی بمسائل فاحت کروض جنانی .

و ٢٣ بیت میباشد .

وآخرین‌سطر نسخه اینست : وکونها بین ادعیة و وصایاومواعظ وتحمیدات .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢١٨) . صفحه ای (١٣) سطر . طول (٢٠ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٣) .

---

(١) درص ٦٧٩ ج ٤ معجم‌البلدان نوشته‌شده که **موریان** بضم میم وراء مهمله وپس‌از آن یاء حطی‌نام دهی از نواحی خوزستان میباشد ونسبت بدان موریانی است وابو ایوب موریانی که وزیر منصور ونام وی سلیمان بن ابی سلیمان بن ابی مجالد بوده و منصور او را کشته بدینجا منسوب است .

(١٠٥٧)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، درحدود پانزده برگ از اوّل وقسمتی ازفن بیان وتمام بدیع آن افتاده وآغاز نسخه اینست : خارج عن حدّ الاعتدال نافرٌ کل التنافر فائنی علیه الخ . وآخر آن این : (وقد یکون حقیقة کما فی انبت الربیع، فصل فی شرائط حسن الاستعاره.) بر کنار بعضی از صفحات تعلیقاتی بامضاء خلخالی ونور الدّین ومیرسید شریف ودیگران وجود دارد.

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٧٣) صفحه ای (١٢) سطر . طول (١٩ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٢) .

[٤٥٢] شرح تلخیص المفتاح = مطول (عربی)

این کتاب چنانکه گفته شد نیز تألیف تفتازانی است (١) وبنابر ضبطی که در آخر نسخه شمارهٔ (١٠٦١) این فهرست و شمارهٔ ٢٩٧٧ کتابخانه گردیده ، در دوم رمضان سال ٧٤٢ تألیف آن شروع ودر بیست ویکم صفر سال ٧٤٨ درهراة خاتمه یافته (٢) واز مشاهیر کتب دراین موضوع میباشد، ودانشجویان ودانشمندان باستفاده وافادهٔ آن شوقی تمام داشته و دارند، حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نگاشته شده (ص ٣٢٣ - ٣٢٧ ج ١ و ص ٤٨٠ - ٤٨٤ ج ٢ کشف الظنون) و از چند حاشیهٔ آن در ص ٤٠٠ و ٤١٢ و ٤٩٦ این مجلّد معرّفی گردیده و مکرّر با حواشی در ایران ومصر وهندوستان چاپ گردیده .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی الهمنا حقائق المعانی ودقائق البیان الخ .

(١٠٥٨)

مطول این نسخه را سید احمدبن شیخ حمزة (کذا) بن شیخ (کذا) منصور، بخط نستعلیق بد، بسال ٨٦٠ نوشته، بر کنار برگها تعلیقاتی ازملا زاده ، چلبی ، خطائی ، میرسید شریف ودیگران ومطالبی ازشرح خطیب (الایضاح) وصحاح وغیره نگارش یافته ، پیش ازورود باین کتابخانه برگ

(١) در ص ٣٤٤ - ٣٤٦ همین مجلد شرح حال تفتازانی مؤلف این کتاب نگارش یافته .

(٢) در ص ٢٢٤ ج ١ کشف الظنون تاریخ اتمام این شرح مطابق آنچه دربالا یاد شده ضبط گردیده است .

نخستین نسخه افتاده واولین سطر آن اینست : سطر منه عقد من الدرر وکان یعوقنی عن ذالك الخ .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (١٦٩). صفحه ای (٢٧) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٢٧ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٢) .

(١٠٥٩)

مطول این نسخه را بخط نسخ، صادق بن امین ، بسال ١٠٥٠ درمدرسهٔ جعفریه اصفهان نوشته ، در حاشیهٔ برگها تعلیقاتی از مؤلف ابوالقاسم سمرقندی ، چلبی ، جمال الدین ، شیخ الاسلام ، سیّدشریف وغیر ازاینها موجود ومحتاج وصّالی وصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣١١). صفحه ای (٢٢) سطر . طول (٢٦ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٨) .

(١٠٦٠)

مطول این نسخه را بخط نسخ، عبدالله بن عبدالعلی جزائری، بسال ١٠٨١ نوشته ، برحاشیه بیشتر از اوراق تعلیقاتی از چلبی ، ابوالقاسم سمرقندی ، میرزاجان ، سید شریف ، جمال الدین ، شرح مفتاح سید (الاطول) ، صحاح و کشاف و غیراز اینها نگاشته شده ، یادداشتی پشت برگ نخستین بوده آنرا محو کرده‌اند وبرخی ازبرگها چرب شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢١٨) . صفحه ای (٢٤) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٣٢ سانتیمتر) . عرض (١٩ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٨) .

(١٠٦١)

مطول این نسخه را بخط نسخ بسال ١٠٨٢ درمدرسه مقیمیّه شیراز(١) نویسنده‌ای نوشته ، تعلیقات وحواشی زیادی از مصنّف واز

(١) این مدرسه درجنوب غربی مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) شیراز متصل بمسجد مذکور واقع ودریکی اززلزله های سخت شیراز منهدم شده بتشویق پدر نگارنده آقای حاج شیخ یوسف دام ظله العالی و آقای حاج سیدابراهیم انوار (حاج مدرس) دام عمره مرحوم حاج میرزا علی محمد تاجر دهدشتی آن رادرحدود سی سال پیش مجددا ساخت و نخستین سنگ بنای نوین آن را دو نفر عالم نام برده بدست خویش گذاردند واینك از مدارس قدیمهٔ آباد این شهر است .

شرح مفتاح میرسیّد شریف، چلبی، شرح کشاف مصنّف، صحاح اللغه، ابوالقاسم سمرقندی وغیراز اینها بخط شکسته نستعلیق براوراق آن نگارش یافته، پشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده، وقفنامه کتاب جای آن نوشته شده وبردو ورق کاغذیکه درآخرنسخه بوده مطالب متفرقه ای نگاشته اند.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٨٦). صفحه‌ای (٢١) سطر. طول (٢٣ ١/٢ سانتیمتر). عرض (١٣ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٧).

(١٠٦٢)

مطول

این نسخه را بخط نسخ، محمّد ولی بن‌علی‌اصغر، بسال ١٢٤٩ نوشته، پاره‌ای ازبرگها دارای تعلیقاتی‌ازچلبی، شیخ‌الاسلام، ابوالقاسم سمرقندی، ابوتراب و خود مصنّف میباشد و بعضی از آنها هم محو گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (٢٢١). صفحه‌ای (٢١) سطر. طول (٣٢سانتیمتر). عرض (٢٢سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٣).

(١٠٦٣)

مطول

این نسخه را محمد هادی بن محمد صادق حسینی، بسال ١٢٥٩ بخط نسخ نوشته؛ برکنار آخرین برگ وپشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محوگردیده، بعضی از صفحات حواشی بسیاری از چلبی، میر سیّد شریف، خواجه وخود مصنّف وغیره دارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٠٤). صفحه‌ای (٢٢) سطر. طول (٢٥ سانتیمتر). عرض (١٥سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٠).

(١٠٦٤)

مطول

این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکر نداده، ظاهراً در قرن دهم نگاشته شده و برخی ازبرگها دارای تعلیقاتی ازمحشین نام برده بالا میباشد.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٩١). صفحه ای (٢٠) سطر. طول(٢٥ ١/٢ سانتیمتر). عرض (١٧سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٩).

(١٠٦٥)

مطول

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نگارش یافته، نام خود و سال نوشتن را معیّن ننموده، پشت نخستین صفحه قسمتی ازآخررساله سمرقندیه که پیش ازوارد شدن این نسخه باین کتابخانه، بدان پیوسته بوده، موجود وتاریخ نگارش آن سال ١٠٥٨ (١٥٨ کذا) میباشدوخط این نسخه بدان تتمّه شباهت دارد، بنابراین نویسنده هردویکی‌وازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد، برگ آخر کتاب افتاده وآخرین سطر آن اینست: وفیه تهکّم ولهذا وصفه بالرشید وارادبه القوی. برکنار صفحات حاشیه های زیاد ازمحشین وجود دارد.

جلد مقوائی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٠٣). صفحه‌ای (٢٥) سطر. طول (٢٥سانتیمتر). عرض (١٧سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٦).

(١٠٦٦)

مطول

در حاشیهٔ شرح مختصر تفتازانی برتلخیص‌المفتاح (مختصر) که‌درزیرشمارهٔ (١٠٥٣) درص٤١٨ و٤١٩ آنرا نام بردیم و دارای‌شماره(٢٩٥٩) کتابخانه‌میباشد وبسال١٢٤٣ جعفربن‌عباس مورانی آنرا بخط نسخ‌ونستعلیق‌نوشته است، این کتاب نگارش یافته خصوصیّات دگرنسخه درآن صفحه‌مراجعه گردد.

[٤٥٣] شرح سمرقندیه (عربی)

این‌شرح رابررساله استعارات‌ابوالقاسم بن‌ابی‌بکرلیثی‌سمرقندی(١) که‌به«سمرقندیه» مشهوراست عصام‌الدّین اسفراینی که‌درص ٣٢٠ و٣٢١ بشرح حال‌ومعرّفی‌ایشان پرداخته‌ایم، تألیف‌نموده، چندین‌حاشیه نیزبرآن‌نگاشته‌اند (ج٢ کشف‌الظنون ص ١٧٩) واین‌شرحی‌مزجی‌وچون اصل آن‌مرتب‌درسه‌عقد وهرعقدی مشتمل‌برفرائدی میباشدو درحدود (٦٠٠) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نگردیده است.

آغاز: بسمله یقول العبد .... ان احسن ما یزاد به النعم الوافیه و یدفع به البلیّه الخ.

---

(١) در ص٤١٠ و٤١١ «حاشیه مطول» که‌یکی ازمؤلفات ایشان میباشد معرفی گردید و زمان حیات مؤلف‌نگاشته شد.

(١٠٦٧)

شرح سمرقندیه این نسخه را محمود بن سلیمان بخط بد خویش بدون تاریخ نوشته ، ظاهراً درقرن یازدهم نگارش یافته ، بربرگ سفیدیکه درآخر نسخه بوده چند دعاء بنقل ازاحیاء العلوم دردفع بلاء طاعون وغیره نوشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١٤) مختلف‌السطور. طول (٢١سانتیمتر) . عرض (١٥ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣١٢٤).

[٤٥٤] شرح شواهد التلخیص = (عربی)

(معاهدالتنصیص)

مؤلف این شرح عبّاسی است(بدر الدّین(١)ابوالفتح عبدالرحیم‌بن‌عبدالرحمن‌احمد شریف‌قاهری‌اسلامبولی‌شافعی ٩٦٣ ٨٦٧/٨٦٨) (٢) که ازدانشمندان‌وادباءنامی‌قرن‌نهم‌ودهم هجری بوده ، درمصرمتولد شده ، نزد دانشمندان آنجا علوم‌ادبیّه وحدیث وتفسیر را فراگرفت ، بایکی‌ازسفرای پادشاه آن هنگام مصر، به اسلامبول آمد ، شرحیکه برصحیح بخاری نوشته بود بسلطان بایزید خان پادشاه عثمانی اهدا نمود پادشاه جائزهٔ خوبی بوی عطا فرمود و مدرسه‌ایکه درقسطنطنیه خود بنا نموده بود بوی برگذارنمود ،که درآنجا بتدریس‌حدیث اشتغال‌ورزد، شریف نپذیرفت‌وبوطن خویش برگشت چون سلسله پادشاه مصر منقرض گردید دوباره به اسلامبول آمد و تا آخر عمر آنجا بود، وروزی پنجاه درهم حقوق تقاعد بوی میدادند ، درعلوم ادبیّه وحدیث وتفسیرتوانا بودو آشنائی کامل بتاریخ ومحاضرات وقصائد عربی داشت وخطی نیکو وانشائی بلیغ ونظم خوبی دارا بود در شذرات استکه شرحی مفصل برصحیح‌بخاری شروع کرد ولی‌ظاهراً بآخرنرسید وشرحی برمقامات حریزی دارد [خود مؤلف هم در معاهد التنصیص در ذیل شرح حال حریری

(١) درنسخه شماره (٢٩٨٦) این کتابخانه لقب مؤلف زین الدین ثبت شده ولی در شذرات ومعجم‌المطبوعات بدرالدین است .

(٢) شقائق النعمانیه ج ص ٤٥٩ـ٤٦١ ج ١ وفیات‌الاعیان ، شذرات الذهب ج ٨ ص٣٣٥ و ٣٣٦ ومعجم المطبوعات ص ١٢٦٧ ماخذ نگارش این شروح است .

(ص٣٤٦از نسخه خطی‌شمارهٔ١٠٦٨ این‌فهرست‌وشمارهٔ (٢٩٨٧) کتابخانه)بتألیف آن‌تصریح کرده]وحاشیه‌ای‌برقسمتی ازارشاد درفقه شافعی‌وشرح خزرجیه‌درعلم عروض‌و معاهدالتنصیص (همین کتاب) تألیف‌نموده‌واین کتاب اخیر را خود وی اختصار بسیار خوبی کرده است .

این کتاب را مؤلف خود « معاهدالتنصیص‌علی‌شواهدالتلخیص » نامیده ودر مقدّمه گوید: «ازجمله متن‌هائیکه بخاطرسپرده بودم‌تلخیص‌المفتاح استکه درباب خویش‌راحت روح میباشد وخداوند مؤلف‌آنرا بیامرزد ودر آن ازشواهدشعریّه اشعاری استکه بقدماومولّدین نسبت داده میشود ولی‌بسیاری ازآنها مجهول مانده وبرخی بغلط بدیگری‌نسبت داده شده ، آنچه‌راکه برشواهدتلخیص‌تاکنون شرح نوشته اند اداکننده حق آن ندیدم، جزآنراکه جلال‌الدّین سیوطی رحمه‌الله نوشته که‌آنهم پاکنویس نشده ، هماره میخواستم که باینکار مبادرت نمایم ولی خویشتن را شایسته آن نمیدیدم تااینکه بالاخره تصمیم گرفته وبتألیف آن پرداخته و در انجام آن کوشش نمودم و در ذیل هریك از شواهد آنچه‌مناسب بود ازنظائر آن نیزآوردم وباتحقیق وتفحص بشرح حال وترجمه‌گویندهٔ ابیات شواهد پرداختم ، جزدرمواردیکه بترجمهٔ‌آنها دست نیافتم(دراین کتاب شرح حال ٩٩ شاعردیده میشود وگذشته از مقام ادبیّت تذکره بسیار مفید خوبی است) و جد را باهزل توأم نموده‌ام» .

مقدّمه این‌کتاب را بنام سلطان سلیمان موشح نموده (١) (ازسال٩٢٦تا٩٧٤ سلطنت نموده است) وپس ازنقل هریك ازشواهد،گوینده ومورد آنرا معین کرده وقسمتی ازتتمّه آنرا ذکرنموده ومحل‌شاهد را درآن بیت معین کرده ونظائرآنرا هم می‌آورد، پس‌از آن بشرح حال وترجمه‌گوینده‌آن پرداخته وبآخرمیرساندوبهمین

(١) دیباچه دو نسخهٔ این کتابخانه با یکدگر مختلف ونسخه شمارهٔ (٢٩٨٧) باسم سلطان سلیمان موشح گردیده ودیباچهٔ نسخه دیگربنام ابوالبقا محمدبن‌شاکربن‌جیمان موشح‌شده و تصریح گردیده که برای کتابخانه‌ایشان‌تالیف گردیده وآغاز این‌دیباچه اینست : بسمله قال ـ الشیخ‌الامام ...... زین‌الدین‌عبدالرحیم بن وجیه‌الدین‌عبدالرحمن‌بن‌احمد العباسی‌القاهری الشافعی ...... الحمدلله‌الذی اطلع فی‌سماء‌البیان اهلة المعانی الخ .

نحوتا آخر کتاب رفته است وبسال ۱۲۷٤ و۱۳۱٦ دوباردرمصرچاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی جعل العقل مفتاح العلوم و مدرك معانی المنطوق والمفهوم الخ.

(۱۰٦۸)

شرح شواهد تلخیص (معاهدالتنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲٦۵ نوشته شده ، شواهد واسامی شعراوعناوین مطالب راباشنجرف نوشته‌اندوبرورقیکه پیش ازبرگ نخستین کتاب میباشد نام شعرائیکه دراین کتاب شرح وترجمه حالات آنها نگارش یافته باتعیین صفحات مندرجهٔ درآنها ثبت گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۲۳۱). صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۷) .

(۱۰٦۹)

شرح شواهد تلخیص (معاهدالتنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را معین نموده، ولی مسلّماً در قرن سیزدهم هجری بوده و اسامی شعرائیکه شرح حالشان در این کتاب میباشد ، بردرون جلد کتاب نگارش یافته است.

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۲۳۱). صفحه‌ای (۲۸)سطر. طول (۳٤ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸٦) .

[٤۵۵] شرح شواهد مطول (عربی)

این شرح را کمال‌الدّین محمّد بن معین‌الدّین محمّد فدشکوئی (۱) فسائی (۲) مشهور به **میرزا کمالا** که یکی ازفضلا وعلماء امامیّه درقرن یازدهم ودوازدهم (۳) هجری بوده و داماد علاّمه مجلسی میباشند، برابیات و شواهد موجودهٔ درمطول

(۱) فدشکو یکی از دهات فسا می باشد که از شهرهای کوچك فارس است .

(۲) روضات ص ۱۷۰ ج ۳ ، فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۲۳۰ والفیض‌القدسی درذیل‌نام (ومختصر احوال) چهارمین دخترمرحوم مجلسی .

(۳) صاحب فارسنامه که‌خود نیزفسائی‌بوده وفات ایشانرا صریحا معین‌ننموده و گویددرحدود هزارو صدواند وفات کرده وصاحب روضات گوید ازعلماء اوائل‌صدهٔ دوم پس‌از هزارمیباشد.

تفتازانی بسال ۱۰۹٦(۱) نوشته‌ونظیر «معاهدالتنصیص» مذکور درص٤۲٤-٤۲٦ میباشد، باین معنی که پس ازنقل بیت یامصراع استشهاد شده مختصری ازشرح حال گویندهٔ آن نگاشته شده وپس از آن تتمّه بیت یامصراع واینکه درچه مورد انشاء گردیده ومعانی لغات والفاظ مشکلهٔ در آنها بیان گردیده است.

درروضات وفارسنامه ناصری والفیض القدسی شرح‌شافیه ابن حاجب(۲) ودر دو مأخذ اول شرح قصیدهٔ دعبل خزاعی نیز بهایشان نسبت داده شده و هیچیك این کتاب (شرح شواهد مطول) وی را تذکر نداده‌اند و در مقدّمهٔ این کتاب حواشی وتعلیقاتی برمطول، بخود نسبت داده اند.

فهرست کلیّه ابیات اصلی وفرعی این شرح را دانشمندی (از خود نام نبرده) بترتیب حروف تهجی مرتّب نموده ونسخهٔ زیرین دارای آنست.

این شرح تاکنون چاپ نشده و در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی نظم سلسلة الوجود نظماً کاملا لیس فیه انثلام الخ.

(۱۰۷۰)

شرح شواهدمطول این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود را نبرده ، ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده ، فهرست نام برده بالا در ده برگ پیش ازاصل کتاب گذارده شده وبرگهائی ننوشته اوّل وآخر نسخه ومیان دوقسمت مذکورمیباشد.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه ای (۲۵) سطر. طول(۳۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۹) .

[٤۵٦] شرح معانی وبیان وبدیع مختصر (عربی)

این رساله یاکتاب شرحی مختصربریکی از متون مختصرهٔ درعلم معانی وبیان

(۱) این‌تاریخ درآخرنسخه این کتابخانه میباشد ونویسنده بان قناعت نموده‌وتاریخ کتابت‌را نگذارده ولی مسلما نسخه درقرن سیزدهم نگارش‌یافته‌است.

(۲) نسخه‌ای ازاین شرح در کتابخانه مجلس‌شورای ملی‌ایران موجوداست.

وبدیع میباشد ، بادقت زیاد نام متن و شرح وماتن وشارح بدست نیامد مسلماً متن تلخیص المفتاح ومیزان البلاغه ودو رساله ایکه ضمیمه بمجوعه شمارهٔ (۹۶۸) کتابخانه میباشد نیست ، چنانکه ازنقل قسمتی از آن بدست می آید متن وشرحی لطیف و متین میباشد ، علم معانی را درچهار باب ذکر وهریك ازمعانی وبیان وبدیع را بنام علم معرفی کرده ، برای نمونه پاره ای از ابتداء علم بیان را باامتیاز متن ازشرح دراینجا می آوریم : **العلم الثانی علم البیان :**

التشبیه فی اللغة والاصطلاح **تشریك** امر وهوالمشبه **لاخر وهو المشبه** به **فیما** ای فی وصف له **اختصاص بهما** لیخرج زید کالاسد فی الحیوانیه **وغیرها** من الصفات العامه ویبق له وجه الشبه **باداة** ای الکاف وکان ومثل وشبه **وغیرها** من الاسماء المشتقه عنهما **یلیها الثانی** وهوالمشبه به **غالباً** قید به لیخرج ما اذا کان المشبه مرکبا لم یعبر عنه بمفرد **کقوله** تم **واضرب لهم مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیماً تذروه الریاح.** فان المشبه به لیس هوالماء وحده بل حالها من انه اذا نزل نماء الارض وانبتت حتی یختلط بعضها مع بعض لکثرتها ثم یفنی النبات سریعا مع انه ولی الکاف **بخلاف قوله** تم **مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا** فان المشبه به وان کان مرکبا ولکن عبر عنه بمفرد وهوالمثل **فکل من الاولین** و هوالمشبه والمشبه به **اما مفرد حقیقی** الخ .

قسمتیکه نسخه زیرین شامل آن میباشد در حدود (۷۰۰) بیت و شاید تمام آن (۱۵۰۰) بیت بوده است .

(۱۰۷۱)

شرح معانی وبیان وبدیع مختصر

این نسخه درآخر شرح صغیر صمدیه سیّد علیخان کبیر میباشد که بسال ۱۲۵۹ نگارش یافته و در ص ۳۵۵ زیر شمارهٔ (۹۷۲) معرّفی از آن شدو در کتابخانه زیر شمارهٔ (۴۹ ;۳۱) میباشد، قسمتی ازعلم معانی (تقریباً دوباب از چهار باب) وپاره ای از علم بدیع آن افتاده وآغاز نسخه اینست : اهل الدنیا والمتعسّر للکثره نحو علماء العراق اوللزوم الترجیح.

وانجام این : ثم اعلم انّ الطباق اما ان یکون اللفظین متوافقین فی الاسمیّه والفعلیّة .

[۴۵۷] مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم (عربی)

این کتاب تألیف قطب الدّین شیرازی است (ابوالثناء محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی الشافعی ۶۳۴-۷۱۰) (۱) که ازمشاهیر حکما واطباء قرن هفتم هجری بوده وشاگردی حضرت خواجه نصیر الدّین طوسی را نموده ودردستگاه هولاکو واعقاب وی راه یافته وبنام سفارت او را بمصر وروم فرستاده اند ، مردی ظریف وخوش ادا بوده ، صاحب روضات از **سلم السموات** ابوالقاسم کازرونی وصاحب هفت اقلیم نقل کرده اند که روزی اتابك سعد زنگی در عنفوان جوانی خویش بتماشای ساختمان مسجد جامع (۲) که خود او بانی آن بود ، رفت علما هم آنروز در آنجا جمع بودند، قضارا اندك گلی ازدست بنّا دررفت وبر رخسار سعد نشست، قطب الدّین فوراً گفت : يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرابا. سعد روبسعدی کرد که پسر خواهر قطب الدین بود ونیز از حضّار وپرسید که چه گفت، شیخ نیز بی درنگ گفت : وَيَقُولُ الْكافِرُ يالَيْتَنِي كُنْتُ تُرابا . سعد ازاین سرعت انتقال وحاضر جوابی سعدی بسیار مشعوف شد وبرآن جسارت ترتیب اثر نداد. ونیز درروضات است: که چون قطب درشهری غریب بود وروزگارش سخت میشد خودرا کافر وطالب دین اسلام و دارای نورایمان معرّفی میکرد ، مردم اطراف وی گرد می آمدند وهریك تحفه ها میدادند که دین مقدس اسلام را بپذیرد و ازاین رهگذر دارائی خوبی بدست میاورد، یکبار پسرخواهرش **شیخ سعدی** گذارش بشهری افتاد که قطب در آنجا این نیرنگ را ریخته بود وآنچه از وی شنیده بود بچشم خویش بدید ، بزبان دهاتی شیراز ، که مردمان ندانند چه گفته شد ، بدو گفت ، **قطبو تو هرگز مسلمون نمی به** . یعنی ای قطب تو هرگز مسلمان نمیشوی .

(۱) درروضات ج ۳ ص ۱۸۳ ذیل قطب رازی وص ۷۱ ج ۴ ذیل خواجه نصیر طوسی و ص ۲۱۴ بنام محمود بن مسعود ، طبقات الشافعیه ج ۶ ص ۲۴۸ ، هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ص ۷۸و۷۹ ، طبقات الحنفیه درحاشیه ص ۱۲۶ ، بغیة الوعاة زیرنام محمود بن مسعود ، تاریخ گزیده زیر نام قطب الدین محمود درفصل پنجم ازباب پنجم شرح حال این دانشمند نگاشته شد .
(۲) این مسجد اینك از مساجد معمورهٔ شیراز و معروف بمسجد نو در مقابل مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) میباشد .

سیوطی در بغیه و دیگران بنقل از وی نوشته اند که قاضی سیواس وملطیّه گردید واز آنجا بشام آمده وبه‌تبریز رفته ودر آنجا بتدریس علوم عقلیه وحدیث پرداخته وجامع الاصول را ازصدرالدّین قونوی ازیعقوب هذبانی از مصنّف آن روایت نموده وباآنکه باپادشاهان آمدورفت داشت‌از زیّ درویشی‌دست برنداشت وبازی شطرنج را بسیار دوست میداشت و چنگ را خوب می نواخت وشعبده را بخوبی میدانست وازهوشمندان جهان و دانشمندان دوران بود و فقها را فروتنی مینمود ونمازجماعت را ترك نمیگفت وچون کتابی تألیف مینمود روزه میگرفت وشبی‌را احیاء میداشت وهرچه مینوشت منقح بود وپاکیزه ومحتاج به پاك نویس نبوده انتهی (عجب مرد عجیبی بود و چگونه میان لهو و لعب و علوم وفضائل وعبادت‌وریاضت که ضِدّان مُفْتَرِقان اَیَّ تَفَرُّق میباشند جمع کرده است) صاحب روضات گوید گاهی شعر میگفته و ازاشعارعربی وفارسی وی چند بیت زیرین را نقل نموده:

اَیا رَبِّ تَخْلُقُ ما تَخْلُق — وَتَنْهی عِبادَكَ اَنْ یَعْشِقُوا
خَلَقْتَ المِلاحَ لَنا فِتْنَةً — وَقُلْتَ اعْبُدوا رَبَّکُم واتَّقوا
اِذا کُنْتَ اَنْتَ خَلَقْتَ المِلاح — فَقُلْ لِلمِلاحِ بِنا یَرفُقُوا

✡✡✡

یك چند بیاقوت تر آلوده شدیم — یك چند پی زمرد سوده شدیم
آلودگی بود ولیکن تن را — شستیم بآب توبه وآسوده شدیم

واز مندرجات درمقدّمه شرح کلیّات قانون معلوم میشود که در بیمارستانهای شیراز و فارس و دیگرجاها بتحصیل علم‌طب‌وعمل کحّالی‌اشتغال داشته است .

گذشته ازلقب قطب الدّین، این‌دانشمند درمیان‌فضلا به‌علاّمهٔ شیرازی‌معروف میباشد و دربارهٔ وی نوشته اند که درآخرعمر ازمراودهٔ باامراء خودداری نموده بفکرخویش افتاد وبعبادت وتلاوت قرآن کریم وتدریس آن وتفاسیر وامثال این امورپرداخت‌ودررمضان سال ۷۱۰ به‌تبریزدرگذشت‌ودرهمانجا بخاك سپرده‌شد .

مؤلّفات قطب‌الدّین شیرازی بدین تفصیل میباشد : **شرحی بر کلیات قانون** ابوعلی‌سینا (۱) که جامع مطالب چندین شرح میباشد و مقدّمه ای بسیار نفیس دارد ودرآنجا نسبت بحضرت خواجه‌نصیر تجلیل فراوان نموده و دیگر **شرح حکمت‌الاشراق** (۲) وشرح مختصر الاصول ابن‌حاجب، درة‌التاج لغرة الدیباج(۳)، نهایة‌الادراك، تحفة الشاهیّه (٤)، شرح رساله‌ای‌درهندسه (٥)، شرح‌مفتاح العلوم (همین کتاب) وغیرازاینهاست (٦) .

مفتاح‌العلوم یکی ازمعاریف کتب ادبیّه ومؤلّف آن سراج‌الدّین ابویعقوب یوسف بن محمّدبن علی‌السکاکی‌الخوارزمی (٥٥٥-٦٢٦)(۷) است که نیز ازمشاهیر علما وادبا بوده و مفتاح‌العلوم وی مشتمل بردوازده علم میباشد، قسم سوم این

---

(۱) نسخه‌ای بسیار نفیس از این شرح آقای استاد معظم تنکابنی دارند و نسخه‌ای از آن در این کتابخانه بشمارهٔ (٨٤٥) موجود است .

(۲) این کتاب در تهران بسال ۱۳۱۵ هجری قمری درطهران چاپ گردیده است .

(۳) در تاریخ گزیده و ص ۱۸۳ ج ۲ روضات نام این کتاب « غرة‌التاج » ضبط گردیده ولی در مقدمهٔ خود نسخه تصریح گردیده که آنرا « درة‌التاج لغرة‌الدیباج » نام نهاده واین کتابرا که شامل بسیاری‌ازعلوم‌معقوله‌ومنقوله‌بزبان‌فارسی‌است وزارت معارف ازسال ۱۳۱٦ شروع بچاپ نموده و امید است که بسال ۱۳۱۸ منتشر گردد .

(٤) نسخه این کتاب را استاد معظم آقای تنکابنی مد ظله‌العالی دارند .

(٥) نسخه‌ای ازاین مؤلفه در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی درمجموعه‌ایست که در ج ۱ فهرست خطی زیر شمارهٔ (٦٤٢) معرفی گردیده است .

(٦) صاحب روضات « رساله‌ای درتصور و تصدیق » بایشان نسبت داده و گوید که مطالب آن دال بر کمال اطلاع واحاطهٔ مؤلف برمباحث عقلی است ولی در این نسبت منفرداند وظاهراً این رساله تألیف قطب‌الدین رازی معاصر قطب شیرازی است نه از این اخیر و حاجی خلیفه در ص ٥٤٤ ج ۱ این رساله‌رانام برده و گوید مؤلف آن مؤلف شرح مطالع است ومؤلف‌الفوائدالبهیه در حاشیه ص ۱۲٦ تالیف آنرا نسبت بقطب رازی داده و گوید آنرا مطالعه کرده‌ام . ونسخه‌ای ازاین‌رساله درابتداء مجموعه‌ایست که بشمارهٔ(۳۸۷۸)در این کتابخانه میباشد ونویسنده‌صریحا تألیف آنرا به‌قطب رازی نسبت داده است .

(۷) بصفحه ۲۳۱ الفوائدالبهیه و ص ۱۲۲ ج ٥ شذرات مراجعه شود و در ماخذ اول وجه نسبت و معروفیت سراج‌الدین به سکاکی تصریح شده و ترجیح داده که از ماده سکه باشد .

کتاب‌درعلم معانی و بیان‌است، چند نفر این قسم‌سوم‌را تلخیص نموده و یکی از آن خلاصه‌هاتلخیص خطیب قزوینی‌است‌وبسیاری‌ازعلماودانشمندان‌بشرح آن پرداخته وجمعی نیز بر آن شروح وحواشی و تعلیقات نگاشته‌اند (ص۳۲۳-۳۲۷ ج۱ وص ٤٨٠-٤٨٤ ج ۲ کشف‌الظنون مراجعه شود).

قطب‌الدّین شیرازی فقط برقسم سوم آن شرحی مزجی نگاشته و آن را « مفتاح المفتاح » نام گذارده و از شروح بسیار مفید وسودمند میباشد درحدود (۳۰۰۰۰) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نشده ، حاجی خلیفه گوید بهترین شروح براین قسم سوم سه شرح‌است اوّل شرح قطب‌الدّین شیرازی ودوم شرح تفتازانی(مطول)سوّم شرح سید شریف جرجانی‌استکه بنام «مصباح» میباشد وبسال ۸۰۳ درماوراءالنهر تألیف آن بانجام رسیده ونیز گوید که پشت نسخه ای ازشرح مفتاح نوشته شده نخستین کس که مفتاح العلوم را شرح کرده شمس‌الدّین معزی متوفی سنهٔ . . . بود وپس از آن شیرازی است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی اختص نوع الانسان بالنطق والفصاحة الخ.

(۱۰۷۲)

شرح مفتاح‌العلوم (مفتاح المفتاح)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش‌را معیّن‌ننموده ، بقرینه کاغذ وخط ازنسخ قرن هشتم هجری میباشد، حاشیهٔ بعضی ازبرگهادراثررطوبت وموریانه ضایع وسوراخ گردیده‌ویادداشتهائی بخط محمّدبن‌قطب‌الدّین که‌ظاهراًازعلمای اوائـل‌قرن‌نهم هجری‌بوده، پشت‌صفحهٔ نخستین موجود و متن کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳٤٨) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۹۱) .

[٤٥٨] منظومهٔ معانی و بیان و بدیع (عربی)

این منظومه قسمتی ازالفیّه **ابن‌الشحنه** است که در ده علم میباشد ، و باکمال استادی ومهارت مطالب مهمّه علم معانی وبیان وبدیع را دریکصد بیت جا داده ،

ناظم ازخود نام نبرده ولی در « مجموع المتون‌الکبیر » که بسال ۱۳٤۰درمصرچاپ گردیده‌این‌منظومه باتصریح باینکه‌ناظم آن‌ابن‌الشحنه‌است درص ۳٦۳- ۳٦۹ آن گذارده شده وبدین کنیه‌چهار نفرمشهوراند (در ص ۱۳٤-۱۳۷ معجم‌المطبوعات نام ومؤلّفاتی ازایشان که چاپ گردیده تذکر داده شده است ودرشذرات‌الذّهب ج ۷ ص ۱۱۳ وص ۳٤۹ دو نفر از ایشان و در ج ۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ یکی ازآنها رانام برده‌وباتفحص دراین‌دومجلّد که بایستی نام چهارمی‌ازاینها باشدآنرا نیافتم) و در اینجا شرح حال صاحب این منظومه را از شذرات (ص ۱۱۳ ج ۷) ترجمه مینمائیم :

محب‌الدّین ابوالولید محمّدبن محمّدبن محمود بن غازی بن‌ایوب بن‌الشحنه محمود مشهور به‌ابن الشحنه ترکی‌الاصل‌وحلبی‌الموطن وحنفی‌المذهب، بسال۷٤۹ متولد شده وقرآن وبسیاری از متون‌را حفظ نموده و درفقه واصول ونحو وادب برجستگی داشته . . . . و خط نیکو مینوشته وشعر خوب میگفته (چهاربیت وی را نقل کرده) ونیز گوید که قاضی علاءالدّین در ذیـل تاریخ حلب گوید : او را الفیه ای در رجز است که مشتمل برده علم میباشد و او را الفیهٔ دیگر است کـه منظومهٔ‌نسفی را در آن مختصر کرده ومذهب امام احمدرا بدان ضمیمه نموده واورا تألیف دیگری درفقه واصول وتفسیر میباشد وبسال ۸۱۵ (۱) مرده‌است **انتهی**.

چنانکه درص۹۸ - ۱۰۰ ج۸ شذرات گفته شده: عبدالله‌بن محب‌الدّین محمّدبن محب‌الدّین معروف‌به ابن‌شحنه که نوهٔ ابن‌شحنه‌مؤلّف الفیه‌میباشد این‌الفیه وی‌راکه در ده‌علم انشاشده، شرح کرده‌است .

گذشته از اینکه این‌منظومه در « مجموع المتون‌الکبیر » درمصرچاپ شده

(۱) در حاشیه ص ۱ ٥ الفوائدالبهیه فی‌تراجم‌الحنفیه وفات ابن‌مؤلف (ابن‌الشحنه) را بسال ۸۱۷ معین‌نموده و گوید که‌ابن‌حجر گویداورا تصنیفی درسیره پیغمبرا کرم،ص وتاریخی‌لطیف میباشد ، مؤلف الفوائد گوید که تاریخ وی تا حوادث سال ۸۰٦ را دارد و در حوادث سال ۸۰۳ سؤال وجوابهائیکه میان اووامیر تیمور گورکان در هنگام غلبه وی برحلب رد و بدل شده ضبط گردیده است (این تاریخ بنام « روضة‌المناظر فی اخبارالاوائل والاواخر » میباشد وبسال ۱۲۹۰ دربولاق درحاشیه تاریخ کامل ابن اثیرچاپ شده است) .

بسال ۱۳۱۹ شیخ احمد شیرازی درطهران آنرا باچندرساله دیگرچاپ نموده ودر فهرست آن نوشته که ناظم آن مجهول است .

آغاز: بسماله الحمدلله وصلي الله علي رسوله الذی اصطفاه(۱)

انجام: براعة استهلال و انتقال حسن الختام انتهي المقـال .

(۱۰۷۳)

منظومه معانی و بیان و بدیع این نسخه بخط نسخ و بعضی ابیات آن بخط نستعلیق نوشته شده و ملحق بآخر نسخه‌ای از مختصر تفتازانی استکه در این کتابخانه دارای‌شمارهٔ (۲۹۷۵) میباشد و در ص ٤١٧ زیر شمارهٔ(۱۰٤۸)از آن‌معرّفی کردید.

[٤٥٩] میزان‌البلاغه و تبیان الرشاقه (عربی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مختصری درمعانی وبیان وبدیع میباشد وبسیار ادیبانه است ، وبریك مقدّمه وسه باب وخاتمه ای تقسیم گردیده وهریك ازابواب نیزخاتمه‌ای‌دارا وتمام کتاب(۱۰۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف درمقدّمه خودرا چنین معرّفی کرده: فیقول العبد الودود للعلماء الربانیه . . . (۲) المدعوباکبربانه الله عن الهمزاة الشیطانیه الخ . ودرآخر کتاب تاریخ تألیف را چنین معیّن نموده : واتفق الفراغ فی الرابع من الثانی من الرابع من الثانی من الرابع من الثانی من الثانی(۳) من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله خیر البریه بعدماالقانا ایادی القضا وحبائل الهوی

(۱) زیر این بیت بخط شکسته نستعلیق که ظاهراً خط ناظم آن قوام‌الدین قزوینی (در ج۱ فهرست ص۶۱۸ شرح حال مختصر ایشان نوشته شده) است این بیت نگاشته شده :
الحمدلله‌الذی هدانا الی سبیل الحق والایمانا ویس از بیت‌دوم نیز بهمان‌خط نگارش یافته :
و بعدالعبد قوام‌الدین یقول‌للمستبصر الامین .
(۲) درنسخه بجای این سه نقطه خالی مانده که باسرخی نوشته شود و ازقرینه معلوم می‌شود که علی بوده بنا براین مؤلف علی‌اکبر نام میباشد ولی بدین نام ونشان درعلما کسی را نیافتم وبنام محمد اکبر درتذکره خوشگو کسی‌نام برده شده وگوید که درزمان شاه عباس ماضی مستوفی‌الممالك بوده . ولی‌نگارنده تصور نمیکند که این‌شخص مؤلف‌این کتاب باشد .
(۳) بنابراین درساعت ٤ روز ۲ هفته ٤ ماه صفر ۱۱۳٤ تالیف گردیده است .

ایاماالی الهرات فلذا فلیقل : لوسئلواعنکم متی قدصنّفا اناثبیت‌فی‌الهرقدالّفا (۱) .

از مقدمه وآخر کتاب بخوبی معلوم میشود کـه مؤلّف از علماء امامیّه بوده وخود نام آنرا « میزان‌البلاغه وتبیان‌الرشاقه » گذارده است .

آغاز : بسمله الحمد لمن اخبرنا دقائق حقائق التبیین والشکر لمن ارادنا الخ .

(۱۰۷٤)

میزان البلاغه این‌نسخه‌بخط نسخ‌نوشته‌شده، شایدخط مؤلّف باشد، زیربیت نام برده بالا شماره ای روی کلمه سنه نوشته شده که ۱۱۱٤ خوانده میشود وپائین صفحه این بیت بخط نویسندهٔ نسخه است :

در آن مدت که مـارا وقت بد بود زهجرت ده صدو ده چارو صد بود(۲)

وبنا براینکه مراد از ده چهار چهل باشد میتوان آنرا ۱۱٤۰ بحذف صفر مرتبهٔ آحاد آن (چنانکه درمیان نویسندگان گذشته بسیارشایع‌بوده‌است) دانست ویك درمرتبهٔ آخر را چنانکه اندکی هم ظاهراست دنبالهٔ هاء سنه تصورنمود .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵۱) .



(۱) هرگاه الف انا ودویاء درثبیت وفی‌را بحساب در نیاوریم ۱۰۳٤ وگرنه ۱۰۵۵ خواهد شد وبنابرآنچه ذکر نمود پس از این تاریخ تالیف شده است .
(۲) ظاهراینستکه مراد از ده چهار دراین بیت چهل میباشد بنابراین احتمال دومین مذکور بالا درست خواهدبود واگر بگوئیم مراد ازده چهار ، چهارده میباشد چنانکه منوچهری در قصیده ایکه مطلع آن اینست :
ای لعبت حصاری کاری دیگر نداری مجلس چرانسازی باده چرانیاری
گفته : من کیستم که‌برمن‌نتوان‌دروغ گفتن نه قرص آفتابم نه‌ماه ده چهاری
بنابرین‌تاریخ‌یکه‌سال ۱۱۱٤ را میرساند درست‌ولی‌تاریخ مذکوربعبارتیکه مؤلف درتاریخ تالیف انشاء نموده درست‌درنمی آید ، بنا برین جمع‌میان‌این دو را بدانشمندان بزرگوار برگذارمینماید .

عروض و قافیه

کتب عروض وقافیه از بهتی بایستی درفصل پیشین گذارده شود وازلحاظ اینکه راجع باشعارمیباشد بایستی آنهارا درضمن فصل بعد گذارد ولی بهتر آنستکه آنهارا چنانکه درمقدّمهٔ جلد نخستین پیش بینی کرده‌ایم ، درفصل جداگانه ومیان دوفصل نام برده جاداد ، نسخ عروض وقافیهٔ این کتابخانه (جزیکی دونسخه آن) در چند مجموعه میباشد ،و بنابر آنچه در مقدّمهٔ نام برده گفته ایم بایستی مجموعات را درمجلّد چهارم معرّفی نمود ولی دراین فصل این چند مجموعه را استثناءً درزیر عنوان « مجموعه عروض‌وغیره » معرّفی‌مینمائیم .

[٤٦٠] الجوهرة‌الثانیه فی اعاریض‌الشعر (عربی)

این کتاب یکی از اجزاء (١) کتاب « **العقدالفرید** » (٢) میباشد که از معاریف کتب ادبی و مؤلّف آن ابن عبد ربه است (ابوعمراحمدبن محمّدبن عبـد ربه بن حبیب‌حدیربن‌سالم‌قرطبی (٣) اندلسی ٢٤٦-٣٢٣) (٤) ،این‌دانشمند از آنهائی‌استکه

(١) در ابتداء جزء چهارم العقد الفرید میباشد و ازچاپ سال ١٣٤٦ آن صفحات ٣٤-٨٧ شامل آنست .

(٢) و این کتاب تا کنون پنج بار در مصر چاپ شده و چاپ سال ١٣٤٦ آنرا که در چهار مجلد میباشد این کتابخانه دارد و در بیروت مختصر آن دوبار چاپ شده است .

(٣) قرطبی بنا بتصریح ابن خلکان بضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله و در آخر آن باء موحده باهاء ، منسوب به قرطبه استکه شهر بزرك و پای‌تخت‌اندلس میباشد .

(٤) ابن‌شرح‌حال بامراجعهٔ به ص ٣٢ ج ١ وفیات الاعیان و بغیه‌الوعاة زیرنام احمد وشذرات ص ٣١٢ ج ٢ ومعجم‌المطبوعات العربیه ص ١٦٢ نگاشته شده .

محفوظات بسیار داشت وبر حالات و اخبار مردم اطلاعی بی شمار بدست آورده و از آنها درعقدالفرید نمونه هائی‌بیادگار گذارده واورا دیوان شعرخوبی‌است، ابن خلکان ابیاتی از ایشان دروفیات‌الاعیان‌آورده وخود درالعقدالفرید نیزابیات زیادی از خود نقل نموده و ارجوزه ای در فرش عروض دارد که درهمین کتاب (الجوهرة الثانیه) آنرا جای داده است .

این کتاب راکه درعروض وقافیه میباشد در (١٦) باب مرتب نموده وپس‌از هرمطلب‌مهمّی‌بشعری‌ازپیشینان که‌خلیل‌بن‌احمد(متوفی‌بسال ١٦٠ یا ١٧٠ یا ١٧٥ ه باشد واولین کس‌استکه‌درعلم‌عروض تألیف‌نموده)بدان‌استشهاد نموده‌ویااز گفتارهای بزرگان‌ادب چون امرءالقیس ودیگر آن تمثل جسته وخود درمقدمهٔ آن گوید : تمام قواعد عروضی‌را دراین کتاب که آنرا دردو جزء قرار داده‌ام، گذارده‌شده، باین معنی که قسمت اوّل در**فرش** (١) و دوّم در**مثال**است .

این کتاب یارساله درحدود (١٦٠٠) بیت کتابت دارد .

آغاز : (فرش کتاب الجوهرة الثانیه فی‌اعاریض الشعر و علل‌القوافی) قال **ابوعمر** احمدبن محمّدبن عبدربه قدمضی‌قولنا فی‌فضائل‌الشعرومقاطعه ومخارجه ونحن قائلون بعون‌الله وتوفیقه فی‌اعاریضه وعلله ومایحسن ویقبح وزحافه وما الخ .

(١٠٧٥)

الجوهرةالثانیه این نسخه ضمیمهٔ نسخه ای از کتاب تصریح میباشد که محمّدباقربن ملاّ ولی استرابادی بسال ١٠٩٦ نگاشته و درص ٣١١ زیرشمارهٔ (٩٢٣) از آن معرفی گردید و در این کتابخانه دارای شمارهٔ (٣٢١٦) است وظاهراًبلکه مسلماً این نسخه نیزخط همان نویسنده است .

[٤٦١] حدائق‌الحقائق (فارسی)

این کتاب تألیف شرف‌الدّین رامی است (حسن‌بن محمّد رامی تبریزی متوفی

(١) فرش نیزاز اصطلاحات قرّاء قرآن کریم میباشد وچنانکه ازقاموس‌اللغه استفاده میشود (باب الشین فصل الفاء) درست تلفظ کردن وادا نمودن کلمات است .

بسال ۷۹۵) (۱) که ازشعرای نام دار ونثرنویسان بااشتهار قرن هشتم هجری بوده وملك الشعرای شاه منصور (بسال ۷۹۵ درجنك باامیرتیمور کشته شده) (۲) آخرین پادشاه آل مظفر گردیده و کتاب لطیف **انیس العشاق** را که ازنفائس کتب فارسی میباشدو اوصاف سرتاپای دلبرهارا بیان نموده، نیزازمؤلفات اوست ومدّاح خواجه فخرالدّین ماستری بوده وقصائدی درمدح وی گفته ونیزیك رباعی که نام ولقب وی از آن بدست می آید انشاء نموده (۳).

این کتاب که بنابرتصریح درمقدّمه آن و کتب تذکره بنام «حدائق الحقائق »(٤) نامیده شده وشرح حدائق السحر رشید وطواط شاعر معروف میباشد وبفرمان سلطان اویس ایلکانی (۵) تألیف گردیده (بنابراین پیش ازسال ۷۷٦ تألیف گردیده است) ولی شرح برتمام مندرجات آن کتاب نیست فقط ازهرموضوعی بخشی از آنرا باتغییر برخی ازالفاظ وعبارات آن ذکروپس از آن درتوضیح آن بیانی نموده وشواهدی

(۱) ص ۱۷۸و۱۷۹ تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه خطی این کتابخانه وص ۱۸۹-۱۹۱ دانشمندان آذربایجان مراجعه شود و در این کتاب اخیر قسمتی از قصیدهٔ وی که درمدح فخرالدین ماستری میباشد نقل گردیده است .

(۲) این تاریخ را دولتشاه سمرقندی درتذکره خویش تصریح نموده (ص ۱۷۹ نسخه خطی این کتابخانه) .

(۳) رباعی نام برده اینست :

خارست جهان پیش نوالت یکسر — فخراست زالقاب تودین را وخطر
تو کان محامدی و از فرط گهر — زالماس ضمیرت سپری شد خنجر

(٤) درمقدمه نسخه این کتابخانه و در تذکره دولتشاه و دانشمندان و مقدمه استاد دانشمند آقای اقبال آشتیانی برحدائق السحر نام این کتاب « حدائق الحقائق » ثبت گردیده ولی درمقدمه نسخه مجلس « حقائق الحدائق » نامیده شده و در ص ٤٤١ ج ۱ کشف الظنون نیز بدین نام نامیده شده ودرص ٤٢١ ج ۱ نیز همین کتاب را معرفی نموده ولی نام آن را « شقائق الحقائق » ضبط کرده و گذشته ازاین اغلاطی چند دارد که بی اهمیت نیست ودر رساله « کشف العیون فی اغلاط کشف الظنون » آنهارا تذکر داده ام .

(۵) درص ۲٤۱ ج ٦ شذرات الذهب در شمار مردگان سال ۷۷٦ گوید از آنها اویس بن شیخ حسین بن حسن میباشد که پادشاهی عادل وباشهامت وشجاع وخیر ودوستدار کارهای نیك بود، نوزده سال سلطنت کردو سی و هشت سال زندگانی نمود الخ .

از اشعار پارسی خود و شعرای متقدم و معاصر آورده و در تمام آن بیتی عربی نیست ومطالبی هم برمطالب رشید دراصطلاحات متأخرین دراین فن اضافه نموده ودر **قسم اول** گفته های رشیدرا درپنجاه باب شرح داده ودر**قسم دوم** اصطلاحات متأخرین رادر ده باب گذارده ودر حدود(۱۲۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله بعدازحمدبیحدوصلوات بیعد چنین گویداقل شعرا شرف بن الخ .

انجام: همیشه تابود افلاك وانجم ـ معزّ الدین اویس بن حسن باد .

(۱۰۷٦)

حدائق الحقائق این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نگارش نزدیکتر از قرن یازدهم هجری نیست ، در ص ۳۸ یاد داشتی بتاریخ ۱۱٥٤ دارد ، عناوین با شنجرف میباشد ، برگ نخستین این کتاب افتاده ونخستین سطر آن اینست :

مرصعت وبدان مفاخرت نموده که درعرب وعجم کس چنین قصیده انشاء نکرده الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف حاج میرزا محمدتقی وصی میرزا علیمحمدحکمی . قطع ربعی. شمارهٔ اوراق کلیه (٦۷) . این نسخه (۳۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲٦۸) . قفسه مدرسه صدر .

[٤٦۲] حدائق السحر فی دقائق الشعر (فارسی)

این کتاب ازمشاهیر کتب ادبی فارسی ومؤلف آن شاعر شهیر رشید وطواط است (۱) (رشیدالدین محمدبن محمدبن عبدالجلیل عمری بلخی متولد میان سال ٤۸۰و٤۸۷ ومتوفی بسال ٥۷۳ یا ٥۷۸ (۲)) که درفن انشاء بعربی وفارسی نیز شهرتی بسزا داشته ودر عصر وزمان خویش دراستادی این دوفن به دوزبان مسلّم بوده واین کتاب وی که درصنایع شعریه ساخته شده مورد قبول دانشمندان گردیده است.

(۱) گذشته ازمقدمهٔ بسیار نفیس حدائق السحر (۷۳ صفحه) که دانشمند محترم آقای اقبال نگاشته اند ، به هفت اقلیم ص ٤۸۳ ، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ٥۲ - ٦۰ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۲۲ ، معجم المطبوعات ص ۱۹۲۱ ، تاریخ گزیده ص ٦۰۰ و آتشکده آذر ص ۳۱۵ و معجم الادباج ۷ ص ۹۱ - ۹٥ مراجعه شود .

(۲) درتولد ووفات این شاعر نیز اختلاف میباشد ، آقای اقبال باادله ای تولد وی را میان این دو سال و وفات او را بسال ٥۷۳ ترجیح داده اند .

از آثار رشید آنچه باقی مانده یکی همین کتابست که بفارسی است ولی گذشته ازشواهد فارسی که در آنست بنظم ونثر عربی در آن نیزاستشهاد گردیده ودیگری شرح صد کلمه از کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بنظم فارسی ونثر عربی وفارسی بنام « مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب » استکه در اروپا چاپ شده (۱) ورسائل عربی اوست که بسال ۱۳۱٥ درمصر چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله علی ماافاض ..... چنین گویدمؤلف کتاب ..... کی روزی الخ .

(۱۰۷۷)

حدائق السحر

این نسخه را محمد حسین بخط خوب بسال ۱۲٦۷ برای پیش کش به اعتضادالسلطنه نوشته و تزوک تیموری را نیز برای همین مقصد بسال ۱۲٦۸ بهمین خط نوشته وپیش از این نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی ۰ کاغذ تزوك سمرقندی وحدائق السحر فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۱). این نسخه (۹۰). صفحه‌ای (۱۱) سطر . طول (۲۲سانتیمتر). عرض (۱٤سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۰۲).

[٤٦٣] عروض وقافیه وحیدی تبریزی (عربی)

وحیدی چنانکه معاصر وی سام میرزا درتحفه سامی (ص ٤۱۰-٤۱۱ نسخه خطی این کتابخانه) نگاشته از یاوه گویان قم بوده وتازنده بود با حیرتی معارضه داشته ویکدیگررا هجوهای رکیك میکردند .

وصاحب خلاصة الاشعار که ازعبارات وی برمی آید او را ندیده ولی بدیدار آنانکه او را دیده اند موفق گردیده(۲) ، درباره وی گوید : « اصل وی از تبریز است اما در قم ساکن بوده وبیشتر مردم او را قمی میدانند . . . . . رساله ای در عروض وقافیه نوشته ، دراکثر بلاد عراق وآذربایجان مشهور است » وبعضی از ابیات او دراین رساله جهت مثال مذکور ودردومأخذ تصریح شده که بطمع بگیلان رفت وبسال ۹٤۲ جرعه مرگ را در آنجا نوشید .

(۱) حاجی خلیفه گوید (س ۱۵٦ ج ۱) : محمدبن محمد شهیر به وطواط متوفی بسال ۵۵۲ صد کلمه از کلمات قصار هریك ازخلفای چهارگانه را شرح نموده وبرای آنها نامی مخصوص گذارده وهمه آنها را درمجلدی دیده ام وبترتیب نام هریك آنها اینست ، تحفة الصدیق ، فصل الخطاب ، انیس اللهفان و ٤ ـ مطلوب کل طالب .

(۲) به ص ۳۹۳ و ۳۹٤ دانشمندان آذربایجان نگاه کنید .

واشعاری بنام شهرانگیز در مدح تبریز وتبریزیان گفته وچند بیت از آن در تحفه سامی ضبط و در دانشمندان آذربایجان از آنجا نقل گردیده و در تحفه مطلع دوغزل وی نیزنقل گردیده است .

آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۳۹۳و۳۹٤ نیز این مؤلّف را بنام **وحیدی تبریزی** نام برده وگویند که نام این رساله عروض وقافیه وی « مختصر وحیدی » میباشد وکتابی درلغت پارسی بنام « مفتاح البدائع » تألیف نموده و دیوانی دارد که نسخهٔ آن درکتابخانه اسعد پاشا دراسلامبول هست .

درمقدّمهٔ نسخهٔ زیرین نویسندهٔ آن نگاشته :

بسمله شکر وسپاس واجب التعظیمی را که بتشریف نطق انسانرا مشرف ساخت و کلام موزون وعلم اوزان موهبت فرمود و درود فراوان برمحمد مصطفی صلی الله علیه وآله واولاده این مختصریست از منشات وحید (۱) تبریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعری که از برای برادرزادهٔ خود تالیف کرده تابدین مقدمه دراوزان مدخل کند وحدود قافیه وصنایع شعر را بداند واین را « **جمع مختصر** » نام نهادو بالله التوفیق اکنون بدانکه شعر کلامیست موزون الخ .

وانقسمت درنسخهٔ دیگری ازاین رساله که درص ۷-۳۲و٤٥-۵۱ بمجوعهٔ شمارهٔ (۲٦۸) این کتابخانه که درص ٤٤۹ از آنمعرفی میشود، نیست وبدینگونه شروع میشود:

بسم الله الرحمن الرحیم و بـه نستعین الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین **امابعد** برضمایر ارباب فصاحت وبلاغت و عندلیبان گلشن سخنوری وداستان سرایان داستانهای زبان آوری که انتظام نظم کلام بترکیب حروف سنجیده اند [مخفی] وپوشیده نماند ، آنچه باوزان درآید آنرا نظم خوانند و آنچه دراوزان درنیاید آنرا نثر نامند بدانکه شعر کلامیست موزون الخ .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۱۰۷۸)

عروض وقافیه وحیدی

این نسخه بدون تاریخ ونام کاتب بخط نسخ نوشته شده و پیوسته به نسخه‌ای از کتاب « حدائق الحقائق » استکه درص ٤۳۹ معرّفی گردید ، صورت شجره اخرب از آخر عروض و ۳۳ بیت از اوّل قافیه این نسخه افتاده ، خصوصیّات دیگر آن بصفحه نامبرده بالا ویا بشمارهٔ (۲٦۸) قفسهٔ مدرسهٔ صدر مراجعه گردد .

(۱) درنسخه وحید بدون یاء نسبت ضبط گردیده در کشف الظنون هم (ج ۲ ص ٤۷۹) نیزچنین است ولی درتحفهٔ سامی و دانشمندان با یاء است .

(۱۰۷۹)

عروض وقافیه وحیدی — این نسخهٔ ازاین کتاب در ص ۷- ۳۲ و۴۵-۵۱ مجموعه‌ایکه بسال ۱۲٤۱ نوشته شده موجود واین مجموعه بشمارهٔ (۳۸٦) دراین کتابخانه ثبت ودرص ٤٤۹-٤٥۰ معرفی‌از آن‌میگردد.

[٤٦٤] عروض محمد مؤمن حسینی (فارسی)

این رساله بنابر تصریح درابتداء آن تألیف محمّد مؤمن بن علی‌حسینی وموشح بنام محمّد قلی، قطب شاه میباشدکه فرمانفرمای مملکت دکن ومعاصر بااکبرشاه بوده‌ودر آخر آن‌سال‌تألیف‌سنهٔ۱۰۰۷ معیّن گردیده،باتفحص‌در کتب سِیَر وفهرستها بشرح حال مؤلّف ونسخهٔ دیگری ازاین مؤلّفه دست نیافتم ، ازمطالعه این نسخه و مقدّمهٔ تعلیقه‌ایکه بنام « لعل قطبی » معاصر وی نصیرای همدانی برآن نوشته بدست‌میآید که‌ازدانشمندان‌قرن‌دهم‌واوائل‌قرن‌یازدهم‌هجری‌بوده‌و گذشته‌ازمراتب عالیه علمیّه مقام رسمی دولتی داشته وتاسال ۱۰۲۱ درقید حیات بوده است .

درآتشکدهٔ آذر (ص۱۵۹)گوید : میرمحمد مؤمن از سادات و اکابر علماء استراباد بوده و مدتی معلّمی حیدر میرزای صفوی را نموده و در آخر عمر بهندوستان رفته (در تاریخ عالم‌آرا ج ۱ استکه تا این سال (۱۰۲۵ - ۱۰۲٦) زنده است ـ مؤلف)از اوست:

ایکه گفتی عشق را درمان بهجران کرده اند
کاش میگفتی که هجرانرا چه درمان کرده‌اند

نگارنده احتمال قوی میدهد که مؤلف این کتاب همین محمد مؤمن است .

این مؤلّفه دریك مقدّمه و دو فصل وخاتمه‌ای بدین تفصیل تألیف گردیده :

مقدمه دربیان فائده‌ای چند (۱۲ فائده است) که بجهت دانستن این فن معرفت بعضی ازین فوائد ضروری وبعضی ناصر ومعین است . **فصل‌اول** دربیان بعضی از بحرهای شعر که بطبایع سلیمه و اذهان مستقیمه قرب و نزدیکی آن بیشتر است وازین جهت اشعارشعرای مشهور مقصوربرهمان بلکه بربعضی از آن بحوراست . **فصل‌دوم** : دربعضی از بحور که نه برمنهاج مذکور است . **خاتمه**: دربیان بعضی ازاصطلاحات ومقرّرات اهل این فن . ودر حدود (۱۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله بعد حمدوسپاس بیقیاس‌وصلوة و درود نامحدود چنین گوید‌راقم این سطور الخ .

(۱۰۸۰)

عروض محمدمؤمن حسینی — این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده خود و سال نگارش را معیّن ننموده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده‌اند و بجای آن یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و در ابتداء آن کلمه « عیون‌الشرف » نوشته شده و بدین نام درهمین صفحه براین کتابخانه‌وقف گردیده ، درخود کتاب وتعلیقهٔ‌برآن(لعل‌قطبی) که‌ضمیمهٔ این‌نسخه است‌این‌نام‌نیست‌وندانم‌از کجا پیداشده‌است‌وضمیمه‌راجداگانه معرفی‌خواهم‌نمود.

جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵۵) . این نسخه (٦۹) . صفحه‌ای (١٤) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر .) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۷).

[٤٦٥] لعل قطبی = حاشیه برعروض محمد مؤمن (فارسی)

این کتاب حاشیه وتعلیقه ای برعروض محمد مؤمن حسینی میباشد که در صفحهٔ گذشته‌معرفی‌از آن گردید ، وخودمؤلّف‌آنرا « **لعل‌قطبی** » نامیده وچون اصل کتاب موشح باسم محمّد قلی قطب شاه (۱) است ، مؤلف این کتاب **نصیرای همدانی** (محمد الشهیربنصیرالهمدانی) استکه ازاین مؤلفه ونامه ایکه درطلب اسطرلاب(۲) به‌دانشمندی‌نوشته ومثنوی وی(۳) معلوم‌میشود ازدانشمندان وشعراوریاضی دانهای اوائل قرن یازدهم هجری بوده ونثروی چون نظمش منظّم

(۱) شرح‌حالی‌ازمحمد قلی قطب‌شاه‌اینك‌بدست نیاوردم ، فقط‌درتذکره خوشگوایشانرا معاصر اکبر شاه معروف‌وفرمانفرمای دکن معرفی‌نموده‌و دو بیت از وی نقل کرده وازاین مؤلفه معلوم میشود تاسال ۱۰۲۱ که سال‌تالیف آن‌میباشد درحیات بوده وفرمانفرمائی‌داشته‌است .

(۲) نسخه ای از این نامه درص ۲۵۲ ـ ۲۵۳ مجموعه شمارهٔ (۲۹۱۳) این کتابخانه موجود وبسیار استادانه نگارش یافته است .

(۳) نسخه ای ازاین مثنوی که آغاز آن اینست : (کیم دیوانهٔ ازخود هراسان .) در کتابخانه مجلس درمجموعه‌ایستکه در ج۱فهرست خطی‌زیرشمارهٔ (٤٤۲) از آن معرفی گردیده است .

ومتین وامامی مذهب بوده و گذشته از اینکه بشرح و بسط مطالب مختصرهٔ مؤلّفهٔ نام برده پرداخته، قواعد ومطالب زیادی ازخود دراین اثربیادگار گذارده ومدعی شده که در جای دیگر این مطالب یافت نخواهد شد و انصاف توان داد که رساله ومؤلّفه ای جامع است وچنانکه درآخرآن تصریح گردیده تألیف آن بسال ۱۰۲۱(۱) خاتمه یافته و تألیف آن هنگامی بوده کـه جمعی عروض محمّد مؤمن را پیش وی میخوانده اند ومؤلّف آن درقید حیات بوده و در دیباچه باشرح و بسطی باتجلیل زیاد از ایشان یاد کرده وتمام این تعلیقه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

درص۱٦٦-۱٦۷ تذکرهٔ نصرآبادیاستکه نصیرایهمدانی بسال۱۰۳۰ مرده ودیوان وی موافق نامهای الهی هزارویك بیت است .

آغاز : بسمله گوهری غریب بدیع که بدستیاری غوّاص فکر سریع ازبحر ضمیر کاملان اقلیم معنی متواتر مکشوف گردد سپاس صانع بی ابتداست الخ .

(۱۰۸۱)

لعل قطبی این‌نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده وبآخرین عبارت مؤلّف آنرا خاتمه داده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن یازدهم هجری است ، بر کنار آخرین صفحه یادداشتی بدون تاریخ نوشته شده وضمیمهٔ کتاب شمارهٔ (۲۸۷) این کتابخانه است که درصفحهٔ٤٤۳ زیرشمارهٔ (۱۰۸۰) معرّفی گردید .

[٤٦٦ - ٤۷۷] **مجموعه عروض و غیره** (عربی وفارسی)

۱ - عروض نجاتی ۲ - عراضة العروضیّین ۳ - مصادر مخالف قیاس ٤ - عروض وحیدی ٥ - قصیده همام تبریزی در مدح حضرت ختمی مرتبت ص ٦- قصیده حرباویه ۷- سلوة الشیعه ۸- قصیده‌ازبدرالدین خبوشانی ۹- ایضاً قصیده‌ای ازهمو ۱۰-بدایع الاسحار ۱۱- عروض اندلسی ۱۲-القاب العروض ودوائر پنجگانه آن.

۱ - محمود بن عمر نجاتی بخواهش محمد بن علی مشهدی معروف به سیواك

(۱) عین عبارت آخر رساله که حاکی از سال تالیف میباشد اینست : فارغ شد کلك جواهر سلك از گرداوری این در عزیز در تاریخ روز سه شنبهٔ دوم عشر سیوم ماه اول از سال اول از عشرسیوم ازمائهٔ اول از الف دوم من‌الهجرة النبویه المصطفویه علی‌الهاجر و آله الف الف صلوة وسلام وتحیه .

مختصری بفارسی در عروض و قافیه نوشته و آنرا « الکافیه فی العروض و[الصنعة القافیه(کذا)] »نام نهاده ومثالهای آنرا ازاشعار پارسی آورده ودرآن ازمتاخرین نام جمال‌الدّین محمّد عبدالرزاق اصفهانی وشعری ازوی ونام یوسف عروضی نیشابوری دیده میشود و از هردو بعنوان **استاذ** یاد کرده و در مقدّمه خود تصریح نموده که‌برای شناسائی صنایع‌شعریّه از کتاب حدائق‌السحر انتخابی نموده‌است .

در کتب رجال وتذکرهٔ نام ونشانی ازنجاتی نیافتم جزاینکه درص ۱۸۸ ج ۱ کشف‌الظنون زیرعنوان بدائع الاسحار نوشته شده که محمود بن عمر نجاتی نیشابوری آنرا شرحی فارسی نموده و به غیاث الدین وزیر اهداء کـرده است و در حـاشیه ص ۲۳۰ شمارهٔ ۳ مجلهٔ مهرسال پنجم (مرداد ۳۱٦) آقای تربیت نگاشته اند که «بساتین‌الفضلاء ورياحین‌العقلاء» درشرح تاریخ عتبی تألیف حمیدالدین ابی‌عبدالله محمودبن عمر النجاتی النیشابوری استکه درسنهٔ ۷۰۹ درتبریزخاتمه یافته است . ودر اصل‌ص۲۳۰ مجلّهٔ‌نام برده عبارتی عربی ازبساتین نقل نموده ومیرساند که‌آن شرح بعربی ونسخهٔ آنرا آقای تربیت در دست داشته اند .

وبقرینه گذشته‌واینکه‌نسخه‌این‌عروض‌بسال۷۳۸نوشته‌شده‌ونویسنده‌پشت‌صفحهٔ نخستین گوید : عروض نجاتی نیسابوری اصلح الله احواله و حقق آماله . بایستی تااواخرنیمهٔ اوّل قرن هشتم درقید حیاة وزندگانی بوده باشد واین رساله درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ونام این کتاب در کشف‌الظنون نیست .

این‌نسخه‌را در ۱٤ ورق محمد بن یوسف‌ابی‌عقیل بیهقی‌وحیدی‌بسال۷۳۸بخط نسخ خوب نوشته وبیهقی‌مذکور درحاشیه صفحات تعلیقاتی برآن نگاشته وبسال ۷۳۹ آنرا مقابله نموده است .

آغاز: بسمله ربّ تمّم بالخیرالحمدلله کما هواهله والصلوة والسّلام علی نبیّه محمّد وآله چنین گوید محرراین اوراق نجاتی الخ .

۲ - عراضة العروضیّین تألیف ابوالفضل قرشی (محمدبن‌خالد) این رساله نیز بفارسی ومؤلّف خود آنرا بدین نام نامیده و درآن گذشته از ابیات فارسی انوری وفردوس وخاقانی وغیره باشعار بعربی استشهاد نموده و درآن آورده که استاذ

کامل فاضل یوسف عروضی نیسابوری قدس‌الله روحه این شانزده بحر را در پنج دائره وضع کرده است و آن پنج دائره را هم درآخر رساله خویش‌رسم نموده ، ازطرز انشاء واینکه نویسنده که همان نویسندهٔ پیشین میباشد پس از ذکر نام جمله **نور مضجعه** نگاشته‌بنابراینهامسلّماً قرشی‌مؤلف‌دراین‌سال(۷۳۸)زنده‌نبوده‌است.

این رساله درحدود (۵۵۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۲۸ - ۶۹ شامل آنست و در کشف‌الظنون نام‌آن نیست .

آغاز: بسمله الحمدلله . . . . چنین گوید . . . . . محمدبن خالد قرشی . . . بذان اسعدك‌الله کی عروض الخ .

۳ - مصادر مخالف قیاس را ابوعلی‌طبری در نه بیت عربی جمع نموده ، در حاشیه وپشت این ابیات ترجمه فارسی مصادر وتعیین ابواب‌آنها نوشته شده وبخط نویسنده دو رساله پیش است وصفحه ۷۰و۷۱ مجموعه شامل آنست .

آغاز: شفاعة رجعی شروع ظعن ذکری مآل لمعان معذره .

٤ - عروض وحیدی بیهقی چنانکه در ابتداء رساله تصریح شده مؤلّف آن محمد بن یوسف بن محمد بن یوسف ابی عقیل نوقارزی بیهقی ملقب به وحیدی میباشد و این شخص نویسندهٔ سه رساله پیشین میباشد و در این رساله مکرر از رسالهٔ عروض ادیب صابرواشعار وی ودیگرشعرا (درص ۹۳ دوبیت ازخواجه نصیرالدین طوسی متوفی بسال۶۷۲ دارد) استشهاد گردیده ودرآخرآن تصریح نموده که بسال ۷۳۵ تألیف آن خاتمه یافته است .

این رساله بفارسی و درحدود (٤۰۰) بیت کتابت دارد ، بخط مؤلّف میباشد وصفحهٔ ۷۲-۹۶ مجموعه شامل آنست .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین‌والسّلام علی‌سیدالمرسلین‌محمدو آله‌الطیبین الطاهرین چنین گوید مقرراین مقاله ومحرراین رساله محمدبن یوسف .... الملقب بالوحیدی‌الخ .

۵ - قصیده ای در مدح حضرت خیرالبشر محمّد مصطفی ص از همام‌الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۳ یا ۷۱٤ که مشتمل بر ۲۳ شعر فارسی و ۸ بیت عربی

میباشد در ص۹۷ - ۹۹ نگاشته شده ، برگیکه شامل صفحهٔ ۹۶و۹۷ نسخه میباشد، بجای‌ورق اصلی که افتاده بود ، گذارده شده ودومصراع ازقصیده‌را محو کرده اند، طرز خط اصل‌قصیده ثابت میکند که نویسندهٔ آن وحیدی بیهقی مذکور میباشد .

آغاز: ای کرده اقتدا بکمال تو انبیا وی مهتدی‌بنورجمال تواولیا .

انجام: گستاخی‌همام‌ضعیف‌از کرم‌ببخش پیش کریم‌سهل‌بودختم‌ماجرا.

۶ - قصیده حرباویّه این قصیده بعربی و ۱۲ بیت از آن در ص ۹۹ نسخه ذیل مانده واوراقیکه میان این قصیده وسلوة‌الشیعه بوده باقسمتی‌ازاین کتاب‌اخیر افتاده است .

آغاز: انّی امرء لایطبّینی‌الشـــــادن الحسن القواما .

۷-سلوة‌الشیعه مؤلّف کشف‌الحجب والاستاردرص۳۱۲درذیل‌این‌نام‌نوشته: « للشیخ‌علی‌بن احمدالفنجکردی بفتح‌الفاء وسکون‌النون‌والراء وضم‌الجیم‌و کسر الکاف‌وآخره دال مهمله قریة‌من قری نیسابورعلی‌حدالدرب المتوفی سنة ثلث عشره وخمسائه ۵۱۳ ذکره البیهقی فی‌الوشاح وعبدالغفار فی‌تاریخه ویاقوت الحموی فی‌معجم‌الادباء جمع فیه اشعارمولانا علی‌بن‌ابی‌طالب علیهما‌السلام نحواً من‌مائتی بیت » .

این نسخه که در ص ۱۰۰ - ۱۱۱ این نسخه نگاشته شامل ۱۳۸ بیت از این کتابست وچنانکه گفته شد از اوّل افتاده دارد بنابرآنچه گذشت ۶۲ بیت آن افتاده است .

۸ و ۹ - دو قصیده از بدرالدین خبوشانی است که در اول (۲۸ بیت است) چهارطبع راردیف آورده و آغازآن اینست :

بحمد صدر جهان خاك و باد و آتش و آب
کشاده اند دهان خاك و باد و آتش و آب

و دیگری شامل ۳۰ بیت و از اول تا بآخر به صنعت تجنیس آراسته است و آغاز آن اینست :

برخیزجام می ز کف دلستان ستان چون غافلان‌چه‌خسبی‌دربوستان‌ستان

این دوقصیده در ص ۱۱۲-۱۱۵ مجموعه میباشد و قصیده اخیر ناقص و تتمّه آن براوراقی بوده که ازنسخه برداشته‌اند .

۱۰ - ص ۱۱٦ این مجموعه شش بیت ازقصیده بدایع الاسحار راکه بخط نسخ خوب عبدالله بن الحسن بن عبدالجبار بسال ٧٤٠ نوشته شامل است وقسمت اوّل این قصیده افتاده و « بدایع الاسحارفی صنایع الاشعار » که ازمشاهیر قصائد فارسی ومشتمل بر صنایع بدیعیه میباشد، منشی آن جمال الدّین محمّدبن ابی بکرقوامی مطرزی میباشد ونجاتی چنانکه گفته شد برآن شرحی بفارسی نوشته است .

۱۱ - عروض اندلسی این کتاب بعربی ومؤلف آن ابوعبدالله محمدبن انصاری اندلسی معروف به ابی الجیش میباشدومؤلف کشف الظنون درص۱۱۲و۱۱۳ج۲ زیر عنوان « عروض اندلسی » آنرا نام برده وچند شرحیکه برآن نوشته شده تذکر داده وقسمتی ازمقدمه این کتاب را هم نقل نموده واین عروض در ص۱۱۷-۱۲۹ این مجموعه میباشدونویسندهٔ آن بیهقی و حیدی مذکور درماه صفرسال ٧٤٠ میباشد و در ماه رمضان همین سال در بحرآباد جوین شرحی زیر همین رساله نوشته که مدتی چند دراین کتاب بدقت مطالعه میکردم تا اینکه طریقهٔ تحلیل و استخراج رموز و کشف اسرار و گنجینهای آنرا بدست آورده ودرر شاهوارآنرا بیرون آوردم ودرآخر گوید : والسّلام علی محمد و آله خیرالانام والفراغ من التصفح الخ .
واین عروض درحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

۱۲ - پس ازاتمام شرح بالا ازبیهقی زیرعنوان **القاب العروض ٤٥** نام باشرح مختصر آنهادرص۱۳۰ و۱۳۱ ونیزدر ص ۱۳۲-۱۳٦ صورت پنج دائره عروضی که بگفته بیهقی مذکوردرعروض خویش تألیف یوسف عروضی میباشد وشانزده بحرعلم عروض رادرپنج دائره وضع نموده وآخرعروض خود (بیهقی) آورده است و در اینجا همان دوائر ولی بزرگتر با شرح و بسط بیشتری ترسیم گردیده و در ص ۱۳٧ بمجموعه مطالب متفرقهٔ عروضی و ترجمهٔ فارسی چند لغت عربی نگاشته شده وبامقابله نسخ پیش مسلّم شد که خط بیهقی مذکورمیباشد وظاهر اینستکه اینها نیزاز انشآت اوست . (۱۰۸۲ تا ۱۰۹۳)

مجموعه عروضی و غیره

این نسخه چنانکه بیان گردید شامل دوازده نسخه میباشد ، وقسمتهائی ازآن افتاده وازسال ٧٣٥ تا ٧٤٠ بتدریج نگارش یافته و کاتب آن فقط در یکجا عبدالله بن عبدالجلیل بوده

وباقی بخط وحیدی بیهقی است که مؤلف یکی دونسخهٔ آن میباشد ، رطوبت دربرگها اثرنموده واندکی ازعبارات را محوکرده وپشت صفحه اول بخط بیهقی ابیاتی چند نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ ختائی . واقف حاج میرزا محمد تقی طهرانی (جاراللهی) وصی آقامیرزا علی محمد حکمی اصفهانی (از ترکه وی) . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٦۹) . صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۳۱۳) قفسه مدرسه صدر .

[٤٧٨-٤٨٠] مجموعهٔ عروض وقافیه وغیره (فارسی وعربی)

قافیه جامی - عروض وقافیه وحیدی تبریزی - تحفة الشعراء - قسمتی از کتابی دراصول فقه .

۱ - **قافیه جامی** ، عبدالرحمن جامی که درص۳٥٧-۳٥۹ مختصری درشرح حال ومؤلفات ایشان نگاشتیم ، این رساله را درقافیه نگاشته اند وبسال۱۸٧۲م. درپاریس بضمیمهٔ عروض سیفی چاپ گردیده و درحدود (۱٦۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه ازص ۱ تا ٧ شامل آنست .

آغاز : بسمله بعد ازتیمّن بموزون کلامیکه قافیه سنجان انجمن فصاحت بدان تکلّم کنند الخ .

۲ - عروض وقافیه وحیدی تبریزی استکه درص ٤٤۰-٤٤۱ معرّفی گردیدو چنانکه گفته شد این نسخه دارای دیباچه مختصری میباشد وصفحهٔ٧-۳۲ این مجموعه شامل عروض وصفحهٔ ٤٥ - ٥۱ دربردارندهٔ قافیه آنست .

۳ - تحفة الشعراء این رساله شرح ابیاتی استکه درعلم عروض انشاء گردیده و در آخر منشی خود را جوهری معرّفی کرده است : جوهری دریای معنی سفته است - شانزده بیت آخرینش گفته است . ودرحرف جیم تذکره خوشگو زیر نام : جوهری سمرقندی نوشته شده : « ازشعرای امیرعلیشیر نوائی بوده عروض وقافیه را نیکومیدانست ازاوست : « شور پروانه زبلبل طلبی شرمت باد - آتش ازدور بهشت است تماشائی را » . شارح درابتداء کتاب از صاحب ابیات نام نبرده فقط گوید : یکی ازفضلاء وعلماء عصر بروایت مسجّله چند بیتی در بیان القاب علل

که در فن عروض بود الخ. بگمان نزدیك بیقین این ابیات از همین جوهری سمرقندی است و شارح بنا بر تصریح خود صفی‌الدّین علاء بن صفی‌الدّین علی بسطامی میباشد و دیباچه را بنام شمس‌الدّین علی که حاکم و زمامدار بسطام بوده موشح کرده است وظاهر اینستکه شارح ازاهل‌سنّت و دراواخر قرن نهم زندگانی میکرده است

این رساله در حدود (٤٠٠) بیت وص ٣٣-٤٥ این مجموعه شامل آن میباشد.

٤ - قسمتی‌از کتابی دراصول فقه است‌واین‌قسمت دربحث اصالة حجیّت ظن و ظاهراً انشاء یکی از شاگردان شریف‌العلماء رحمه‌الله میباشد و درحدود (٧٠٠) بیت کتابت دارد و از صفحهٔ ٥٤ - ٦٩ مجموعه را اشغال نموده‌است.

(١٠٩٦-١٠٩٤)

مجموعه عروض و غیره

این مجموعه شامل چهارقسمت مذکور میباشد وهمه را یکنفر بسال ١٢٤١ بخط نستعلیق نوشته و برصفحهٔ ٥٢ اشعاری در اختیارات نجومی وبر صفحهٔ ٥٣ مطالب متفرقه ای نگارش یافته وپشت صفحهٔ اوّل مطالبی از کتاب عروضی میباشد که پیش‌ازین ضمیمهٔ این نسخه بوده است.

جلد هقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (٣٥). صفحه‌ای (١٧و٢٢) سطر. طول (٢١سانتیمتر). عرض(١٥سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٨٦).

[٤٨١] **مطلع** (فارسی)

این کتاب تألیف رضی‌الدین محمّدبن محمّد شفیع میباشد که بتصریح خواهرزادهٔ ایشان محمّد شفیع طباطبائی که نویسنده نسخهٔ زیرین میباشد، ازمستوفیان خاصّه بوده وازعبارات مذکور دردیباچه کتاب نیزمسلّم میشود که مؤلّف‌ازمستوفیان توانای قرن یازدهم وامامی مذهبی بوده وباقرینه سال تألیف بدست میآید که دردربار شاه عباس ثانی که از سال ١٠٥٢ تا ١٠٧٧ سلطنت داشته، مستوفی‌بوده است.

مؤلّف آنرا به دو **مصراع** تقسیم وهریك از آنها را به چهارر کن تقسیم‌نموده وعین عبارات کتاب راجع به این تقسیم بدین تفصیل است:

مصراع اول: متضمن عروض وقوافی براسلوب ارباب عروض و وزن مشتمل برچهار رکن هرر کنی از ارکانش‌محتوی برسه حرف وهرحرفی راح‌روح پرور معانی را ظرف. **رکن اول**: در تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض ووزن و تعداد اسباب واوتاد و شرح حروف و حرکات معین برسه حرف. **رکن دوم**: در حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد گردند مقرر برسه حرف. **رکن سیم**: در شرح بحوریکه ازتر کیب ارکان منبعث کردند و ثبت دوائر وفلك بحور وتفصیل‌بحوراصلی و فرعی‌معین برسه حرف. **رکن چهارم**: محتوی برعلم قوافی مشتمل برسه حرف.

مصراع دوم: درصنایع وبدایع. **رکن‌اول**، دربیان آنچه بفن معانی‌وبیان‌اختصاص دارد. **رکن ثانی**: درصنایع معنوی که کلك بلاغت کیشان ازفن بدیعش میشمارند. **رکن ثالث**، درذ کرصنایع مخصوصه بفن بدیع. **رکن‌رابع**: درذ کرسائرآنچه ضرور است در دراتمام این بنای رفیع.

این کتاب بتصریح مؤلّف درآخر آن بسال ١٠٦٣ تألیف گردیده و دراین موضوع مؤلفه‌ای جامع و در حدود (٥٠٠٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله ظلماء کامل غبار کلمات فصاحت سمات کـه در معادن خواطر خورشید نظائر الخ.

(١٠٩٧)

مطلع

این نسخه را بسال ١١٠٦ بخط شکسته نستعلیق محمّد شفیع طباطبائی نوشته و در حاشیه برخی از صفحات تعلیقاتی در توضیح مطالب ازقاموس وصحاح وبدون امضاء موجود است.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١٤٨). صفحه ای (١٧) سطر. طول (٢٢سانتیمتر). عرض($\frac{1}{2}$١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٨٨).



اشعار وتذکره‌ها و دیوانها

[۴۸۲] آتشکدهٔ آذر (فارسی)

آتشکدهٔ آذر یکی از تذکره‌های مشهور و مؤلف آن حاج لطفعلی بیگدلی شاملو(۱) متخلص به آذر وپسر آقاخان است ، متولد بسال ۱۱۳۴ و متوفی بسال ۱۱۹۵ میباشد(۲)، مؤلف آنرا **آتشکده** نامیده ودر آن از اشعار پیشینیان ومعاصرین انتخابی بسلیقهٔ خویش کرده و مختصری ازشرح حال آنها را هم بیان نموده و در آخر آن شرح حال مختصری باپاره ای از اشعار خود راگذارده و مخصوصاً از « یوسف و زلیخا » (۳) (بنقل الذریعه از « تحفة العالم » سید عبداللطیف تستری مشتمل بر دوازده هزار بیت است) انشائی خود بخشی زیاد نقل نموده واین تذکره را بدو **مجمر** تقسیم نموده . **مجمر اول** : درذکر اطوار و اشعار شعرای متقدّمین مشتمل بر یك **شعله** : (درذکر اشعارشاهان وشاهزادگان وامراکه منسوب بولایتی نیستند) و **سه اخگر** : (در ذکر شعرای ایران وتوران وهندوستان و هراخگری

(۱) بنابتصریح خود در همین آتشکده بیگدلی‌ها طایفه ای از ترکان هستند که بایران کوچ داده شده اند وقسمتی ازآنها را بشام برده اند و امیرتیمور آنهارا بایران آورده وبمناسبت بودنشان درشام بنام شاملو نیز خوانده میشوند .

(۲) شرح حال این مؤلف با مراجعه به آتشکدهٔ آذر وص۷۳ ج ۲ مجمع الفصحا و ص٤ ج۱ الذریعه الی‌تصانیف الشیعه نوشته شده وخود وی گوید که درفتنهٔ افغان متولد شده وازاصفهان با خویشان بقم هجرت کردیم و در ابتداء سلطنت نادرشاه پدرم بحکومت لار و بنادر خلیج فارس منصوب گردید، باوی بشیراز رفتم وی پس‌از دوسال بدرود زندگانی گفت الخ .

(۳) تاریخ اتمام یوسف وزلیخا را درآخر کتاب بسال ۱۱۷٦ معین نموده است .

بچند **شراره** که اسم ولایت اقتضا کند تقسیم شده .) و یك **فروغ** : (در حالات ومقالات زنان دانشمندان دیار .) و **مجمر دوم** : در بیان حالات وخیالات شعرای معاصرین مشتمل بردو **پرتو** اوّل در افکار یاران معاصر و **پرتو دوم** در حالات وآثاری از مؤلّف . و در الذریعه استکه « دفتر نه آسمان » را کـه مخصوص به شعرای معاصر خوداوست و دیوان شعریکه در حدود ده هزار بیت کتابت دارد نیز ازمؤلفات آذراست وخود وی در زیر شرح حالش گوید که دیوان شعرم که هفت هزار بیت بوده در نهب وغارت اصفهان از میان رفت و مدتی طبعم گویا نشده و در انجمن خاقان استکه بطرز بوستان شیخ سعدی کتابی پرداخته که معروف به « گنجینة الحق » میباشد وشامل نصایح وحکایاتی است .

این تذکره درحدود (۲۲۰۰۰) بیت کتابت دارد ، تألیف آن پیش ازسال ۱۱۸۵ بوده چراکه وفات اسحق بیك متخلص به عذری که تذکره اسحق را از اشعار نقل شده درآتشکده ترتیب داده بدینسال بوده است ولی مسلّماً مؤلّف تا آخر عمر بر آن اضافاتی نموده چراکه وفات آنهائیکه پس از اسحق بیك بوده چون عبدالمجید درویش خطاط معروف متوفی بسال ۱۱۹۰ ودیگران درآتشکده درج گردیده وبسال ۱۲۹۹ دربمبئی چاپ سنگی شده است .

آغاز : بسمله — در طوف حرم دیدم دی مغبچه ای میگفت

این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی

فروغ آتشکدهٔ دل و زبانه اخگر زبان سپاس بی قیاس قدیمی است الخ .

(۱۰۹۸)

آتشکده آذر — این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب درمتن وحاشیه نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، مرحوم اعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین نوشته اند « از خطوط خوب میرزا کوچك اصفهانی است که از شاگردان معتبر درویش عبدالمجید علیه الرحمه بوده و این کتاب داخل قطعات است الخ » . ومیدانیم که درویش (عبدالمجید) استادمعروف خط شکسته بسال ۱۱۹۰ وفات یافته است بنابرین نگارش این نسخه دراواخرقرن

دوازدهم يا اوائل سيزدهم بوده ، سرلوحى بسيار زيبا دارد و اطراف صفحهٔ اوّل و دوّم نسخه باظرافت تمام تذهيب و نقاشى شده و صفحات مجدول بطلا وعناوين را باشنجرف نگاشته است .

جلد ساغرى ضربى . كاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزيرى . شمارهٔ اوراق (٢٢٩) · صفحه اى (١٧) سطر · طول (٢٨ سانتيمتر) . عرض(١/٢ ١٨سانتيمتر) . شمارهٔ كتابخانه (٢٧٢٦) .

(١٠٩٩)

آتشكدهٔ آذر اين نسخه نيز بخط شكسته نستعليق خوب نوشته شده ، نويسنده خود را على اصغر معرّفى كرده وسال نگارش را چنين نوشته (١٢٧) . از آثار و علائم ظاهر استكه صِفر در مرتبه عشرات را نگذاشته نه صفر درمرتبه آحادرا بنابراين درسال ١٢٠٧ نگارش يافته ، عناوين مطالب برخى باطلا وپار ى باشنجرف نگاشته شده ، داراى يك سرلوح زيبا ميباشد ، اطراف دوصفحه نخستين و ميان سطرهاى آن دو تذهيب ونقاشى شده وعناوين مطالب واشعار در وسط سرسوره هائى نوشته شده وتمام صفحات مجدول بطلا است .

جلدروغنى بسيارظريف دورو ، يك طرف شامل تصويرحضرت مريم وحضرت زكريا وحضرت عيسى عليهم السلام هنگام ولادت و پس از آن وبعضى ازياران وديگران وتصوير كليسا وطرف داخل حضرت مريم و حضرت عيسى عليهما السلام در وسط و اطراف آن نقاشيهاى ظريف ميباشد . كاغذ سمرقندى . واقف سپهسالار . قطع رحلى . شمارهٔ اوراق (٢٨٦) . صفحه اى (٢١) سطر . طول (٢٩سانتيمتر) . عرض (١٩ سانتيمتر) . شمارهٔ كتابخانه (٢٦٧٤) .

(١١٠٠)

آتشكدهٔ آذر اين نسخه نيز بخط شكسته نستعليق نگاشته شده ، نويسنده خود را محمد رضا كاتب اصفهانى معرفى نموده ، ماه و روز نگارش را نوشته ولى سال رامعين ننموده ، ولى مسلماً درنيمه اول قرن سيزدهم بوده ، بسال ١٢٧٩ داخل كتابخانه اعتضادالسلطنه شده وپشت صفحهٔ نخستين يادداشت گرديده ودراينجا تذكرداده شده كه داراى (٨) صفحه صورت است ، امّابا تفحص كامل بيش از هفت (٧) صورت ندارد ، در حاشيهٔ برگ (٦٩) اعتضادالسلطنه يادداشتى بخط خويش مبنى براينكه دركتاب رجال و بلدان كه دربلو فرانسوى

بفرانسه تأليف نموده درشرح حال خواجوى كرمانى گويد : « لقب وى ملك الفضلا بوده وچون اشعارش آبدار و سليس بوده مردم وى را نخلبدالشعرا ميگفته اند . ونيز گويد صاحب تذكره هفت اقليم گويد : چون دراشعار خود همه تلاش الفاظ غير متعارفه كرده است بدانجهت ويرا نخلبندالشعرا گفته اند » .

اسامى شعرا گذشته ازاينكه درمتن نوشته شده درحاشيه برروى برگهائى طلائى با شنجرف نيز نگاشته شده و داراى يك سرلوح است و اطراف دو صفحهٔ اول تذهيب ونقاشى برگ موى گرديده وتمام صفحات مجدول بطلاست .

جلد روغنى دورويك طرف گل وبوته وبلبل ودر اطراف روى دوجلد غزل دوبارزبرك و از بادهٔ كهن دومنى ، خواجه حافظ بخط نستعليق خوب نوشته شده و درطرف درون يكى تصويربستكه شايد ازيوسف وزليخا باشد و دو زن بالا و پائين اين تصوير نيز ترسيم شده ودرون ديگرى در وسط تصويرليلى ومجنون ونيز تصوير دوزن بالا وپائين آنست . **كاغذ** فرنگى . واقف سپهسالار . قطع رحلى . شمارهٔ اوراق (٢٦٣) صفحه اى (٢١) سطر . طول(١/٢ ٢٩سانتيمتر) . عرض (٢٠ سانتيمتر) . شمارهٔ كتابخانه(٢٦٧٦) .

(١١٠١)

آتشكدهٔ آذر اين نسخه نيز بخط شكسته نستعليق و بسال ١٢٢٩ نوشته شده ، نويسنده ازعباراتى كه درآخر كتاب نوشته مردى اديب بوده ولى نام خود را تصريح ننموده و شرحى كه در بيان علت نگارش اين كتاب بعباراتى اديبانه مينوشته بانجام نرسيده ، حركت دست وى در نگارش آن بسكون مبدل گرديده ، پس از نام ابوالقاسم هجرى و شرح حال مختصر و آثار منتخبهٔ از او كه آخرين كس ازمعاصرين مؤلف ميباشد ، نويسنده نسخه بشرح حال محمّدصادق متخلص به زرى واخيراً به **زيور** كه درهنگام نگارش نسخه ١٨ سال داشته باتقل قصائد ومقطعات و غزليات و رباعياتى از او در ص ٥٨٦ تا ٦١١ نسخه پرداخته وبنابرآنچه گذشت تولد اين محمّد صادق ١٦ سال پس ازفوت آذر مؤلف آتشكده بوده وكاتب الحاق نموده است .

در حاشيه ص ١٦٦ مقابل نام خواجواعتضادالسلطنه عين يادداشت نام برده دراوّل اين صفحه را نوشته اند ، داراى يك سرلوح وچهارده مجلس نقاشى ميباشد ،

کنار دو برگ نخستین تذهیب گردیده ، و میان سطر های آن طلا اندازی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین باشنجرف نگاشته شده است .

جلد روغنی دورو ، برون یکی حرکت فتحعلیشاه قاجار برای شکار نقاشی شده و برون دیگر جلد حالت شکار او را نشان داده و درون جلد اول شیرین و فرهاد را رسم نموده و درون دیگری ملاقات فرهاد شیرین را درهنگام شستشو نشان داده و بیرون جلد محتاج باصلاح است . **کاغذ** فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٤٠) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢٠ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٦٨٢) .

[٤٨٣] الابیات الحسان المجردة من (عربی)

و فیات الاعیان

وفیات الاعیان تألیف ابن خلکان و شامل شرح حال جمعی از دانشمندان تاقرن هفتم هجری میباشد و چنانکه دیده اید یکی از مأخذ مطالب این فهرست میباشد ، مؤلف در ذیل نام بعضی از آنهائیکه بشرح حال و معرّفی آنها پرداخته ابیات و اشعاری از منشآت ایشان را آورده ، دانشمندی که از خود نام نبرده (بنابر تصریح در مقدّمه) بنا بخواست مصطفی آغا پسر قاسم آغا (١) نام از اشعار مذکور (بترتیب وقوع آن در وفیات) انتخابی نمود و خاتمه آنرا دوبیت ازامام شافعی که در ذیل شرح حال ابوموسی یونس بن عبدالاعلی در وفیات میباشد قرار داده است و در حدود (٦٤٠٠) بیت شعر میباشد و نامی صریحاً برای این مجموعه نگذارده ، ولی از عبارت مذکور درانجام نسخه که زیر این سطرها نقل میشود نام کتاب برمی آید ، ازاینرو بدان نام معرّفی گردید ، بنام « اشعار وفیات الاعیان » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده و یادداشت این دو موضوع پشت صفحهٔ نخستین نگاشته شده و تاکنون در کتابی نام جامع آنرا نیافته ام ، بقرینه اینکه کتاب را به شعر امام شافعی خاتمه داده احتمال دارد که شافعی مذهب بوده است .

(١) با مراجعه به دانشمندان آذربایجان وقاموس اعلام ترکی و روضات وهفت اقلیم وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم بنام این پسر وپدر برنخوردم و زمان و دورهٔ آنها را هم ندانستم .

آغاز : بسمله حمداً لمن شرح لمن تجلی بالبلاغة صدراً و منح اهل الفصاحة عزا الخ .

انجام:

ما حكّ جلدكَ مثل ظفرك فتـولّ انت جميع امرك
و اذا قصدت لحاجـــــة فاقصد لمعترف بقدرك .

(١١٠٢)

الابیات الحسان این نسخه بخط نسخ بسال ١٢٥٢ نوشته شده ، نویسنده نام خودرا معیّن ننموده و جای بعضی ازموارد که بایستی باسرخی نوشته شود سفید مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٠٠) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (١٨ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣١٤) .

[٤٨٤] الاسعاف (عربی)

این کتاب که مؤلف آن خضربن عطاءالله موصلی متوفی بسال ١٠٠٧ میباشد ، شرح ابیات استشهاد شدهٔ در تفسیر کشاف و تفسیر قاضی بیضاوی است (١) و مؤلف آنرا « الاسعاف فی شرح ابیات القاضی والکشاف » نامیده و یکی ازگنجینه های ادبی و کتابهای پربها میباشد و بدبختانه تاکنون چاپ نشده است .

تألیف آن چنانکه در مقدّمه آن و سلافة العصر (٢) و قاموس الاعلام ترکی (٣) ثبت شده بنام ابوعلی حسن (٤) بن ابی نمی بن برکات که شریف مکه معظمه بوده ، بسال ١٠٠٣ (٥) انجام یافته و صاحب سلافه بعباراتیکه ترجمهٔ مختصری از آنها درج میگردد این کتاب را ستوده :

« این مؤلفه کتابی استکه دیده روزگار به مانند آن روشن نگردیده و گلستانی مانند گلها و شکوفه های الفاظ ومیوه های معانی آن بار نداشته ونخواهد داشت » .

(١) از این دو تفسیر در ص ٩٠-٩٤ و ١٥٨-١٦٧ ج ١ معرفی کرده ایم .

(٢) ص ٣٨٥-٣٨٨ چاپ اول مصر مراجعه شود .

(٣) ج ٣ ص ٢٠٤٨ مراجعه گردد .

(٤) درقاموس الاعلام حسین بن نمی ضبط شده ولی چنانکه درمقدمه این کتاب وسلافه ثبت گردیده حسن بن ابی نمی صحیح است .

(٥) مؤلف خود جمله : **قد انتهی کتابی** را که سال ١٠٠٣ را معین مینماید ماده تاریخ ختم کتاب معین نموده است .

مؤلف ابیات دوتفسیرنام برده را موافق ترتیبیکه دردوتفسیر مذکورمیباشند (از سورهٔ حمد تا سورهٔ ناس) ذکر وبشرح آنها پرداخته و خود درطرز این کتاب گوید :

« دراین‌شرح چندچیزرا کردن گرفته‌ام، نخست آنکه‌هر بیت که فقط صاحب کشاف آنرا استشهاد نموده به سرخی وآنچه را فقط بیضاوی شاهد آورده به‌زردی وآنچه هردو بدانها استشهاد کرده اند به رنك سبز نویسم تا از یکدگر ممتاز باشند و چون بیتی را ذکر نمایم اول محل شاهد را بیان پس ازآن لغات واعراب وآنچه متعلق باین دوازقواعد ادبی وقواعد عروض وقافیه میباشد بابیانی شافی وکافی ذکر و بعد از اینها گوینده بیت را نام برده وتتمه آنراهم نقل مینمایم وبشرح حال گوینده وسبب انشاء آن باعباراتی مختصر ولطیف پردازم».

مؤلف این گنجینه ادب‌را بهمین نحو که امید داشته وملتزم شده باندازه ایکه مقام وموقع اجازه داده توفیق برتألیف یافته وبشرح وبسط پرداخته و در حدود (۳۲۰۰) بیت کتابت این شرح است .

خضربن عطاءالله موصلی بشهادت این کتاب از علماء امامیّه بوده و بتصریح مؤلف قاموس‌الاعلام (ترکی) ارجوزه‌ای هم در فضائل اهل بیت علیهم السلام تألیف نموده ولی نام این‌ارجوزه واین‌شرح (الاسعاف) در کشف‌الظنون‌نیست (۱) ودرسلافةالعصر مقامات علمی‌ودینی واخلاقی این‌مؤلف ثبت گردیده ودرآنجاست که شریف مکه حسن‌بن ابی علی‌بن برکات جائزه تألیف «الاسعاف» راهزاراشرفی (دینار) بدوداد و به او بمنتهی‌درجهٔ آرزویش اقبال وتوجه نمود وتا درمکّهٔ معظمه بود مورد عنایت ولطف بود ، وزیر شریف تقی معروف به **ابن‌عتیق** که مردی ظالم وبی باك بود خضرراخواست‌واورا بشهادت مطلبی‌باطل‌ودروغ، برای بردن مالی بدون‌حق‌وادارنمود،خضرازاین‌کارخودداری کرد، وزیر کینه اورابدل گرفت ودربد گوئی وی خود داری نداشت ، بدین پایه که ویرا نصرانی‌لقب داد وپیش شریف او را متهم کرد و فرمان بیرون کردن او را از مکه گرفت و بدون تأخیر همانوقت که‌اجازه گرفت(بسال۱۰۰۷) اورابیرون‌فرستاد، شیخ‌خضر هم رو بمدینهٔ طیّبه‌آوردهنوز ازمکّه دومنزل‌دورنشده بود که وزیرفرمان دادبخانه وی ریختند

(۱) فقط درص ۳۱۴ ج ۲ گوید : وشرح شواهدالکشاف فی‌مجلدات لخضر بن محمدالموصلی نزیل مکةالمکرمه ذکره‌الشهاب.

و آنچه نفائس داشت خود برداشت و بقیّه را چون اموال مردگان حراج کردند این خبر که بخضر رسید همادم جان بجان آفرین داد .

آغاز : بسمله اللّهم یاکشاف صبابةالاوهام بشموس شواهدالعلوم الخ .

(۱۱۰۳)

الاسعاف این نسخه را بخط نسخ محمد حسین نیریزی بسال ۱۲۷۷(۱) نوشته و شامل تمام کتابست ، اوراقی جدول کشیده پیش از کتاب گذارده اند که اسامی شعرای مذکور در این نسخه درآنها ثبت شود ولی توفیق براین کارحاصل نگردیده وبریکی‌ازبرگهای ننوشته ایکه‌آخر کتاب بوده عبدالله منشی‌طبری اسامی جمعی ازشعرائیکه شرح حالشان دراین کتابست با قید صفحهٔ آنها بسال ۱۲۷۸ ثبت کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرك . شمارهٔ اوراق (۵۳۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۵سانتیمتر) . عرض(½ ۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۱۸) .

[۴۸۵] انجمن خاقان (فارسی)

این کتاب یکی از تذکره های کاملی استکه درزمان فتحعلیشاه قاجار نوشته شده ومؤلف آن **راوی** گروسی بایندری است (محمد ملقّب به فاضل ومتخلص به راوی متولّد درگروس از توابع همدان و از طائفه بایندری ترکمان متولّد بسال ۱۱۹۸ومتوفی بسال۱۲۵۳) (۲) چنانکه خود وی درآخرهمین کتاب گفته شانزده

(۱) نویسنده نسخه این کتابخانه ونسخه کتابخانه معارف (کتابخانه ملی) : بنا برتصریح در آخروشها دت سبك هردویکنفراست ولی‌نسخهٔ آن کتابخانه‌ازلحاظ جدول کشی ونظم وترتیب کامل‌تر ازنسخه‌این کتابخانه است‌وآن‌نسخه‌بسال۱۲۷۴ خاتمه یافته وکاتب‌در آخر نسخهٔ‌متعلق به‌این کتابخانه دوغلط درآخر نوشته یکی‌اینکه سال‌اتمام‌را که۱۰۰۳ بوده سبع‌وثمانون‌ما ئه‌بعد الف (کذا) وسال نگارش نسخه را : سبع و سبعون بعدالالف نوشته و مسلما هردو غلط و درسال۱۲۷۷ نوشته شده وبسال۱۰۰۳ تالیف گردیده‌است‌ودراصل کتاب‌هم‌سقط‌وغلط‌دارد .

(۲) این‌شرح‌بامراجعهٔ بخاتمه‌خود کتاب‌و ج۹روضةالصفاومجمع‌الفصحا ج۲(ص۴۲ ۱)والذریعه ج ۲ ص ۳۶۵ نگاشته شد و تاریخ فوت نام برده ازمجمع‌الفصحا وروضةالصفا نقل گردیده ولی مولف‌الذریعه درحدود سال ۱۲۶۰ نقل کرده‌اند .

سال‌داشته که پدرش بدرود زندگانی گفته‌او نیز در آنسال کروس را بدرود کرده و در شهرهای ایران گردش نموده و درهنگام پادشاهی فتحعلیشاه بطهران آمده، بوسیله ملك‌الشعرا فتحعلیخان صبا حضور پادشاه چنین معرّفی گردیده که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و اورا جاحظ عجم توان دانست و دارای استعداد و لیاقت است. اجازه باریافتن یافته و مورد لطف و مرحمت گشته وبروایت اشعار (بگفته صاحب مجمع الفصحا : راوی مدائح خاقانی شده) اختصاص یافت و درسلك غلامان دربار منسلك ودر حضر وسفر ملازم بوده و مأمور به تکمیل تحصیلات ادبیّه گردیده وبسال ۱۲۳۴ بنگارش این تذکره مشغول وبگفته خود درپنج ماه آنرا تمام نموده وپس ازفتحعلیشاه قاجارخانه نشین گردید و آقا محمد شاه ماهیانه ای بدو میرسانید.

مؤلف خود این تذکره را که در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد «انجمن خاقان» نام گذارده و دارای مقدّمه وچهارانجمن وخاتمه ای بدین تفصیل میباشد : مقدّمه در ذکر شمّه ای از آثار شهریار گردون اقتدار. **انجمن اول :** در شرح حال فتحعلیشاه و اجداد وی و ایل قاجار و شمّه ای از اشعار و آثار وی و شمارهٔ کتب نفیسه دربار ایران و بیان چیزهای نفیس و گرانبها. **انجمن دوم :** در خلاصه احوال وافکار ملکزادگان ومعدودی از نوینان (۱) عظام این سلسله و بعضی ازبزرگان سلسلهٔ قاجار (در این انجمن شرح حال ۱۶ نفر ومنتخباتی از اشعار آنان درج شده). **انجمن سوم :** درشرح حال و منتخبی از اشعارشعرائیکه به دربار این پادشاه بار یافته اند (دراین انجمن نام ۴۳ نفر واشعاری از آنها درج شده ودربارهٔ ملك‌الشعرا فتحعلیخان صبا که ولی‌النّعمه وی بوده شرحی مبسوط نگاشته است). **انجمن چهارم :** در ذکر نام شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیك بعصر مؤلّف بوده اند (در این انجمن بشرح حال ۱۱۹ (۲) نفر شاعر

(۱) نوینان : نوین باتانی مجهول بروزن موبین بمعنی اول نویان است که پادشاه زاده باشد وملوك وسلاطین را که خویش وقوم وقرابت باشد نیز بدین نام خوانند (برهان قاطع).

(۲) درالذریعه نوشته شده که این تذکره شامل حال پنجاه و پنج نفرازمعاصرین‌مؤلف میباشد درصورتیکه ازنقل‌شماره های بالا بدست آمد که بااضافه شرح حال پادشاه ومؤلف این‌تذکره شامل شرح حال وآثار ۱۷۸ شاعر است.

ونقل آثاری ازآنها پرداخته). خاتمه درشرح مختصری ازحالات مؤلّف و ۲۷ بیت ازاشعار اوست.

آغاز . بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان باد، نام بدیعی است جلّ شأنه الخ.

(۱۱۰۴)

انجمن خاقان این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۶ نگارش یافته ، دو صفحه نخستین تذهیب شده و نیز آغازهر انجمن سرلوح وتذهیبی موجود وپیش از آن نام های آنانکه در آن انجمن نام برده میشوند درجدولهائی باشنجرف نوشته شده و در حاشیهٔ صفحه‌ایکه شامل پاره ای ازشرح حال و آثار سلیمان بیدگلی کاشانی متخلّص به صباحی میباشد بسال ۱۲۸۳ اعتضادالسلطنه بخط خود یادداشتی مبنی براینکه آنچه صاحب این‌تذکره وسحاب درتاریخ خود درباره سال وفات این‌مرد نوشته اند (سال ۱۲۰۷) درست نیست چراکه وی درقصیده‌ایکه درخود این کتاب هم ثبت شده فتحعلیشاه را با تصریح بشاهی وی مدح نموده و جلوس این پادشاه بسال ۱۲۱۲ بوده واگربگوئیم درزمان حیات آغا محمد خان ویرا باخطاب شاهی مدح نموده زیاد مستبعد است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۶۴). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۳۱ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۲۱ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵).

[۴۸۶] تحفه سامی (فارسی)

سام میرزا پسرشاه اسمعیل وبرادر شاه طهماسب صفوی میباشد (متولد بسال ۹۲۳ ومتوفی بسال ۹۷۵) (۱) ، شاهزاده ای دانشمند ودانش دوست بوده ، طبعی لطیف داشته ، حکومت قندهار یافته وبربرادربارها خروج نموده وبخشیده شده ، بارآخر که خروج نمود درقلعهٔ قهقهه زندانی شد ودرآنجابااولاد خویش بسرمیبرد درسال مذکور درهنگامیکه‌باد وپسرالقاص‌میرزا (سلطان‌احمدوسلطان‌فرّخ) درآن قلعه‌نشسته‌بودنددراثرزمین لرزه بسیارسخت‌منزل برسرایشان فرودآمدوروحشان از بدن پرواز نمود.

بسال ۹۵۷ تذکرهای بنام « تحفهٔ سامی » (دردیباچهٔ ادبیانهٔ آن که حاکیاز قدرت کامل برنثرنویسی وی میباشد بدین تسمیه تصریح شده) تألیف نمود وآنرا برهفت صحیفه قسمت نموده :

صحیفه اول : در ذکر شمّه ای از احوال شاه اسمعیل واولاد واحفاد او وپادشاهان معاصروی . **صحیفه دوم :** درذکر سادات عظام وعلمای افادت اعلام (دراین فصل سادات از علما معاصرنامبرده شدهاند). **صحیفه سوم :** درذکرعلماء اگرچه شاعر هم نبوده اند . **صحیفه چهارم :** درذکروزراء مکرم و سائر ارباب قلم . **صحیفه پنجم :** در ذکر شاعران مقرر وفصحای بلاغت گستر (دراینفصل از عبدالرحمن جامی متوفی بسال ۸۹۸ که درك حیاة شاه اسمعیل را کرده شروع ومعاصرین خودرا نام برده است) . **صحیفه ششم:** در ذکر طبقهٔ ترکان وشعرای مقرّر ایشان (دراین فصل از امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰۶ شروع نموده) . **صحیفه هفتم:** درطرفه گویان مقبولالکلام و ایراد سائر عوام (در این صحیفه کارگران وخنیاگران و دیگران از معاصرین خود راکه گاهی بیتی گفته اند نام برده است) .

چنانکه دردانشمندان آذربایجان (ص ۱۷۷) بنقل از « احسن التواریخ » و « تکملةالاخبار » نقل گردیده این تذکره شامل ترجمه احوال ٦٦٦٤ نفرازشعرای معاصرمؤلف میباشد ودیوانیهمنزدیك به شش هزاربیت ازایشان دیدهشدهاست .

این تذکره راآقای وحید دستگردی مدیر ومؤسس مجلهٔ ارمغان بسال ۱۳۱۵ خورشیدی درطهران چاپ کرده اند .

آغاز : بسمله لله الحمد قبل کل کلام   بصفات الجلال والاکرام
حمد او تاج تارك سخن است   صدر هرنامهٔ نوو کهن است .

(۱۱۰۵)

تحفه سامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش درآخر این نسخه نام نبرده ولی همین نویسنده « شبستان خیال » فتاحی را (درفصل ادبیاتازآن معرّفی میشود) بسال ۹۸۳ در

ماه صفرالمظفر نوشته وپیش ازاین تذکره دریکجلد گذارده شدهوجایهیچگونه تردیدی نیست در اینکه تحفه نیزخط نویسنده نام برده است ، دارای یك سرلوح کوچك زیبا وصفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجرف میباشد و زیر آخرین سطر نسخه آثار محو جمله ایست .

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق دو کتاب (۲٦۱) . تحفه سامی (۱۷٤) . صفحهای (۱۵) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۱).

[٤۸۷] تحفة العراقین (فارسی)

این مثنوی یکی ازمنشآت خاقانی شیروانی شاعرشهیرمیباشد ، کمتر کسیاستکه اندك سروکار به ادب و ادبیات داشته باشد و بخوبی این حکیم دانشمند و شاعر سخن سنج را نشناسد ، قصیده ایکه دراثر تأثر ازمشاهدهٔ آثار مدائن واظهار روح ایرانیخویشانشا نموده (۱) هر کودك دبستانیآنرا بخاطرسپرده وبدین اثر او را میشناسد، عرفا ودانشمندان او را بدیوان قصائد وغزلیات وتحفةالعراقین میشناسند واطلاع برلغت فارسی وعربی ومباحث فلسفی وطبی وملل ونحل(۲) وفنون ادب وقدرت طبع وی از اشعار او بخوبی ظاهر وهویداست .

هر کس که تذکرهاینوشتهدرخورفهمخویشدربارۀاین‌دانشمندچیزی نگاشته وبنابراطلاعیکهاینك‌نگارنده یافته‌نزدیکترین آنهابعصروزمان‌وی‌عوفی‌درلباب‌الالباب (ج۲ص۲۲۱)وپس‌از آن‌قزوینی‌در آثارالبلاد‌ذیل‌شروان‌و‌حمدالله‌مستوفی‌در‌تاریخ گزیده (ص ٦۳۵ نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه) و دولتشاه سمرقندی درطبقهٔ دوم از تذکرهٔ خود (ص ۵۱ - ۵٤ نسخهٔ خطی این کتابخانه) و جامی در نفحاتالانس وامین احمد رازی درهفت اقلیم (ص ۱۰۵۸ - ۱۰۷۳ نسخهٔ خطی این کتابخانه)

(۱) مطلع این قصیده اینست :
هان ای دل عبرت بین ازدیده نظر کن هان   ایوان مدائن را آئینه عبرت دان
(۲) درقصیده ایکه مطلع آن اینست ،
فلك کجروتراست ازخط ترسا   مرا دارد مسلسل راهب آسا
بسیاری از اصطلاحات نصارا را ذکرنموده وبسیارخوب سروده وبر آن‌شرح نوشته شده واز سائر اشعار وی اطلاعات دینی او بخوبی ظاهراست .

و قاضی شوشتری در مجالس المؤمنین (مجلس ۱۲ ص ۵۰۸) و آذر در آتشکده (ص۳۹) وهدایت درمجمع الفصحا (ج ۱ ص۲۰۰) وآقای تربیت درمجله گنجیهٔ فنون(شمارهٔدوم سال ۱۳٤۱)ودردانشمندان آذربایجان(ص۱۲۹-۱۳۲)وآقای محمّد علی ناصح کارمند کنونی وزارت فرهنگ درمقالهٔمفصلی وآقای میرزا محمّدخان قزوینی درحواشی چهارمقاله عروضی (ص۱۵۱) وآقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران (بخش اوّل از جلددوّم ص۳۰۰-٤۰۳) ودرسال گذشته نیز آقای تربیت در مجلهٔمهر (شمارهٔ ۷ سال پنجم ، آذرماه ۱۳۱٦ ص ٦٥٦ - ٦٦۱) در زیر عنوان « مثنوی و مثنوی گویان » آخرین کس‌اند که در بارهٔ این شاعر بزرگ شرح نگاشته اند .

اینك نگارنده مختصری دربارهٔ این دانشمند بزرگ درخور لیاقت واستعداد خویش مینگارد :

خاقانی چنانکه خود درهمین کتاب (تحفة العراقین)تذ کرداده **بدیل** (۱) نام داشته و پدروی چنانکه خود تصریح نموده شیخ علی نجارشروانی است (دراواخر تحفه گوید «ازسرخلایقم سبك بار - برمائدهٔ علی نجار » وپس ازچند بیت گوید : آیا پدری بود بدین سان - کزبهرجگرفدا کند جان) . وبرحسب تحقیق تولّد وی بدست نیامده ولی مسلماً در اوائل قرن ششم بوده و در سال وفات وی اقوال زیاد است (۵۳۲ و۵۷٤ و۵۸۱ و۵۸۲و۵۹۵) محققین سال ۵۹۵ را ترجیح داده اند، در این موضوع بمآخذ نام برده بالا مراجعه شود که هریك سالی را معین کرده‌اند.

ونیز بنابر تصریح تذکره نویسان واشارهٔ خوددر دیباچه تحفه ، بیش از آنکه خاقانی

(۱) خود در اوائل مقالهٔ پنجم گوید :

ور جزدرتست سجده جایم پس من نه **بدیل** بوالعلایم

ونیز درجای دگر گوید :

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را از آن سبب پدرم نام من **بدیل** نهاد

درسخن و سخنوران مصراع دوم : بدان دلیل پدر نام من بدیل نهاد . ثبت شده، جامی وامین احمد رازی نیز خاقانی را بنام بدیل معرفی کرده اند ولی بعضی اورا ابراهیم وپاره ای عثمان نامیده و دسته‌ای جمع میان بدیل وابراهیم کرده‌اند.

تخلص کند حقائقی تخلص میکرده وچون بوسیلهٔ پدرزن خویش ابوالعلاء گنجه‌ای(۱) بخدمت خاقان منوچهر شروانشاه (۲) پیوسته خاقانی تخلص نموده (۳) وسالها در این دربار بمدّاحی اشتغال داشته وچون ازاین کارخسته شد وروح عرفانی بروی چیره گردید ، پروانه گوشه نشینی وپرداختن بخویشتن خواست، پادشاه نپذیرفت ازشروان به بیلقان فرار کرد ، چاکران پادشاه او را گرفته و بآستان آوردند ، خاقان او را در قلعهٔ شابران زندانی نمود ، هفت ماه درآنجا بسر برد ، چون از زندان درآمد رو به کعبه نمود . مادرش عیسوی مذهب بوده واسلام(٤) اختیار کرده، خاقانی دراواخر تحفهٔ اطلاعات سودمندی ازخانوادهٔ خویش بدست میدهد و در اینجاست که عمویم مرا **حسان العجم** لقب داده و در اواخر تحفهٔ زیرعنوان تشکر ازالطاف عموی خویش گوید :

چون دید که درسخن تمامم حسان عجم نهاد نامم .

معاصرین وی وعموم تذکره نویسان او را به لقب افضل الدین ستوده ونام برده اند ودرزمان خویش شهرت زیاد یافته ومعاصرین بروی حسد ها برده واورا بزحمت و رنج فکری وجسمی انداخته اند .

بااین خصوصیات استادی وی پیش همه مسلّم وسبك او ممتاز وتاادب وادبیات درجهانست وی چنانکه خود گفته پادشاه سخن است .

(۱) این شاعر نیز از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد وچنانچه در ص ۳۳۹ بخش اول ج ۲ سخن وسخنوران نوشته شده بسال ٤ ۵ ۵ وفات یافته است .

(۲) راجع به نسب این پادشاه که بعقیدهٔ بعضی ازمورخین به **بهرام** چوبینه میرسد و برخی اورا ازاولاد انوشیروان میدانند، درهفت اقلیم شرحی نگارش یافته، وپدران اورا تاانوشیروان نام برده و گوید دوازده نفرازاولاد وی نیز درآنجا سلطنت کرده اند ونام آنهارا نیز برده است .

(۳) چنانکه ازقطعه ابوالعلا درهجو وشکایت خاقانی برمیاید این تخلص را او به خاقانی داده :

چوشاعرشدی نزد خاقانت بردم لقب نیز خاقانیت بر نهادم

و درهفت اقلیم و تذکره دولتشاه زیرشرح حال ابوالعلا گوید درهجو خاقانی گفته :

تو ای افضل الدین اگر راست گوئی بجان عزیزت که از تو نه شادم

دروگر پسر بود نامت بشروان بخاقانیت من لقب بر نهادم

(٤) در اواخر تحفه درمدح و ستایش مادرخود گوید :

پس کرده گزین بعقل و الهام بر کیش کشیش دین اسلام

از آثار وی دیوان قصائد و غزلیات اوست که در حدود بیست و دو هزار بیت (۲۲۰۰۰) در آنست و دیگری همین مثنوی است که بنام «تحفة العراقین» مشهور میباشد و مثنوی دیگری بنام ختم الغرائب دارد که از آن معرفی میشود و مکاتیبی از او در دست است. (چند مکتوب ضمیمهٔ شمارهٔ ۶۰۰ کتابخانه میباشد و برخی در مجلهٔ ارمغان چاپ گردیده).

تحفة العراقین بوزن مثنوی ساخته شده، و چنانکه از خود کتاب و قرائن خارجی بدست میآید(۱) بسال ۵۵۱ انشاء گردیده و مسلّماً خاقانی در سفریکه از راه همدان بحجاز رفته در موصل بسرودن آن پرداخته و خود گوید چهل روز(۲) نظم آن طول کشیده و آنرا به شش مقاله (هریك بنامی) بدین تفصیل مرتب نموده: ۱ - عرائس الفکر و مجالس الذکر. ۲ - معراج العقول و منهاج الفحول. ۳ - سبحة الاوتاد، در وصف بلاد عراق و همدان و بغداد و وصف مردمان بزرك و دانشمند این شهرها. ۴ - شوارد الاوراد و خزانة الاوتاد، در شرح کوفه و مکه معظمه و غیر اینها. ۵ - هدیة المهتدی الی الهادی در وصف مدینه طیبه و نعت حضرت رسول ص. ۶ - (بدون نام است) در مدح شام و موصل و مدح جمال الدین وزیر و در این مقاله نیز بمدح جمعی از دانشمندان پرداخته و از خاندان خویش اطلاعاتی سودمند بدست میدهد و در ابتداء هریك از مقالات مقاله ای در وصف آفتاب انشا نموده و روح تصوّف خود راهم در تمام این مقالات جاداده ولی چنانکه امید بلکه گمان داشته (۳) بسنائی و شاید چند مرحله پائین ترهم نرسیده است.

خاقانی در مقدّمه این تحفه دیباچه ای به نثر با کمال قدرت ادبی انشاء نموده و ابیات تحفه در حدود (۳۲۷۱) شعر میباشد و بسال ۱۸۵۵ م در هندوستان چاپ شده است.

آغاز: بسمله خیر ما اعتصم المرء بحباله کلمة العجز لقصور باله . . . . . . **امابعد** این تحفه تذکره ایست بل تبصرهٔ عقلاء عهد ازین مجنون الهی . . . .

مائیم نظارگان غمناك   زین حقّهٔ سبز و مهرهٔ خاك   الخ .

(۱) به متن و حاشیهٔ ص ۳۲۷ بخش اول جلد دوم سخن و سخنوران مراجعه گردد.
(۲) در اواخر تحفه گوید: من اینهمه گوهر از سر کلك   راندم بچهل صباح از کلك.
(۳) این بیت خاقانی این آرزو را میرساند:
بدل من آمدم اندرجهان سنائی را   از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد.

انجام: این دعوات را بگاه تهلیل   آمین آمین کناد جبریل.

(۱۱۰۶)

تحفة العراقین

این نسخه در ابتداء دیوان خاقانی گذارده شده، بسال ۱۰۱۳ بخط نستعلیق خوب نگارش یافته، نویسنده نام خود را رقم ننموده، در ابتداء دیباچه سرلوح زیبائی است ولی قسمتی از آن ضایع گردیده و نیز در ابتداء مقاله اولی سرلوح ظریفی میباشد و دیوان خاقانی را ضمیمه دارد و آن نیز دارای دو سرلوح میباشد و خصوصیات آن پس از این نگاشته خواهد شد، پشت برگ نخستین یادگار های بچه گانه و غیره است، برگ هائی از اوّل و برگ آخر تحفه وصّالی شده و اوراق آن بجدول بطلا و زنگار و شنجرف است.

جلد روغنی گل و بوته دورو و مستعمل. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق کلیه (۲۸۴) این نسخه (۶۲). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۴½ سانتیمتر). عرض (۱۵½ سانتیمتر). ضمیمهٔ شمارهٔ کتابخانه (۴۱۰).

(۱۱۰۷)

تحفة العراقین

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد مسیح ابن مولانا نویدی شیرازی بسال ۱۰۶۳ نوشته و همین نویسنده «لیلی و مجنون» مکتبی را که در همین فصل معرّفی خواهیم نمود، نوشته و بدین نسخه پیوسته است، در ابتداء دیباچه و اصل تحفه هریك سرلوحی زیبا ترسیم گردیده و اطراف صفحهٔ سرلوح دار و صفحهٔ مقابل نیز تذهیب ظریفی شده، صفحات بجدول بطلا و لاجورد و عناوین مطالب باطلا نگارش یافته و پشت برگ نخستین و برگیکه پیش از آنست دو یادداشت بخط شاهزاده فرهاد میرزا بامهر و امضاء وی موجود است.

جلد روغنی ظریف و در دوطرف خارج آن ترسیم لیلی مجنون و دوطرف داخل گل و بوته است. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۷۱) این نسخه (۱۰۴). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۴۶۳).

(۱۱۰۸)

تحفة العراقین

این نسخه را بسال ۱۰۳۲ قادرك آقا بیوری (کذا) بخط شکسته نستعلیق نوشته، دیباچه و ۸۵ بیت از ابتداء آن افتاده،

نویسنده عناوین رانگاشته، حواشی نسخه آب دیده ولی خطوط آن چندان ازمیان نرفته ، یکی دو برگ آن وصّالی گردیده، پشت آخرین ورق ابن اولغ خان بك محمد ابراهیم طسوجی که بقرینه تاریخ مهراسم وی (۱۱۱٦) ازدانشمندان قرن دوازدهم هجری بوده ، مالکیت خودرا یادداشت نموده ونویسندهٔ دیگری قسمتی ازعوامل جرجانی منظوم را پس از ختم کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲٦۷) .

(۱۱۰۹)

تحفة العراقین این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمدبن عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۳۷ نوشته وپس ازآن شروع بنوشتن « عبرت نامه» فتحعلیخان صبا نموده (درهمین فصل ازآن معرفی خواهد شد) وبر کنار آخرین ورق تحفه وچندین ورق ننوشته پس ازآن واوراق آخرعبرت نامه ابیات ومطالبی بسال ۱۲۹۲ نگارش یافته وظاهراً نویسندهٔ آنها اعتضاد السلطنه است .

صفحات نسخه بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف ودارای یك سرلوح درابتداء دیباچه میباشد وعناوین را باشنجرف نوشته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ کلیه اوراق (۹٦) . این نسخه (۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض(۱۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤۱۱).

(۱۱۱۰)

تحفة العراقین این نسخه بخط نستعلیق درمتن وحاشیه نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً خط اوائل قرن سیزدهم هجری است ، مقاله ای بوزن مثنوی و بنام « ختم الغرائب » همین نویسنده نوشته وآنرا ضمیمه تحفه قرارداده ودرص۵۰۲و۵۰۳ ازآن معرفی میشود، پشت صفحهٔ نخستین بخط شکسته نستعلیق شرح حالی ازخاقانی نگارش یافته اطراف دوصفحه اوّل نسخه بازنگار نقاشی شده وعناوین را باجوهرقرمزنوشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۵) این نسخه (۸۸) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول($20\frac{1}{2}$ سانتیمتر) .عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲) .

(۱۱۱۱)

تحفة العراقین این نسخه بدون تاریخ ونام نویسنده است ، دیباچه و۳۵ بیت ازابتداء نسخه افتادهٔ و آغاز کنونی آن اینست :

زرپاشی وناگشاده گنجی ـ تبداری وناکشیده رنجی .فقط چندعنوان اوائل نسخه باسرخی نوشته شده وبرورقیکه پیش از برگ نخستین نسخه است، یادداشت شده که بسال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، اصل نسخه ظاهراً درقرن یازدهم هجری نگارش یافته ، برخی ازاوراق وصّالی شده ودرتمام آنها آثارموریانه است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۳) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول . (۱۸سانتیمتر) . عرض ($11\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۸) .

[٤۸۸] تذکره اسحق (فارسی)

اسحق بیك، برادر کوچکتر حاج لطفعلی آذر بیگدلی شاملو، مؤلف آتشکده بوده ودر جوانی در گذشته ، درغزلسرائی سلیقه خوبی داشته و **عذری** تخلص میجسته وبسال ۱۱۸۵ وفات یافته ، راوی کروسی که نزدیك بعصروی بوده درانجمن چهارم از انجمن خاقان زیر عنوان **عذری** ایشان را نام برده و گوید : « گویند آدمی منش و سلیم النفس صبیح الوجه کریم الطبع بوده . . . . وقتی یکی از اصدقای او را بولایت خود اندر ، ادراك صحبت کردم ، گفتی بروز تشییعش که از خاص وعام پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا باحضرت آذر ضیق ممرقرب معبر داد ، شنیدم که باانین خفیف وحنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لازم مذکور است همیخواند **فرد** کدامین ماه را یارب درین محمل بود منزل

که محمل میرود ازشهروشهری ازپی محمل !

رحمة‌الله علیهم جمیعاً جناب صباحی تاریخ وفاتش را گفت :

بادا دربهشت جاودان اسحاق بیك . = ۱۱۸۵ (۱) » .

(۱) آتشکده آذر ص ٤۲۱ ، مجمع الفصحا ج۲ص۳٤۵ وانجمن چهارم انجمن خاقان دیده شود.

آذر پیش از راوی نیز درآتشکده عذری را نام برده و ٤٦ بیت از او راهم انتخاب نموده وراوی ۲۵ بیت وهدایت درمجمع‌الفصحا ۱۸ بیت ازمنتخب آذررا درتذکره خویش (آتشکده) نقل نموده اند .

راوی وهدایت دردو کتاب خود نگاشته اند که اسحق بیك اشعارآتشکده را بترتیب قافیه آنها فقط با ذکر نام شاعر بدون شرح حال آنها مرتب نموده (مراد همین تذکره است) وتذکره ای ساخته است .

اسحق بیك این تذکره را چهاربخش نموده : ۱ ـ قصائد . ۲ ـ مقطعات . ۳ ـ غزلیات . ٤ ـ رباعیات . و درهریك از بخشها ابیات شعرای نام برده در آتشکده را بامراعات حروف اواخرآنها بترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده وتقریباً دراین تذکره(۷۲۰۰)بیت شعروجودداردوباد ّقتیکه‌نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که‌شعری‌ازآتشکده دراین تذکره نباشد وبرای اعتماد باینکه این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده میباشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از آن تذکره دراین تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافتم .

آغاز: بسمله **عاشق اصفهانی** :

تاجرعشقم بکف مایهٔ سودم وفا   تاکه شود مشتری‌تاچه‌دهددر بها

انجام: مهستی کنجهٔ :

آنی که بهیچ کس توچیزی ندهی   صدچوب‌مغول‌خوری‌مویزی‌ندهی
سنگی که‌از آن‌روغن کنجد گیرند   گر بر شکمت نهند تیزی ندهی .

(۱۱۱۲)

تذکره اسحق این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، بسال ۱۲۷٤ وارد کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، از طرز خط و تذهیب دوسرلوح زیبائی که در ابتداء تذکره و آغاز بخش غزلیات میباشد ، احتمال قوی میدهم که در اوائل نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری برای کتابخانه همین شاهزاده نگاشته شده و اطراف دوصفحهٔ

اوّل نسخه واوّل بخش غزلیات تذهیب برک موی گردیده وتمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲٤سانتیمتر) عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۱٦).

(۱۱۱۳)

تذکره اسحق این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، پیش از شروع بنگارش تذکره ساقی نامه (مثنوی) انشائی فتحعلیشاه را (۹٦ بیت) که آغاز آن :

چمن تازه شد باز چون روی یار   بده ساقی آن بادهٔ خوش گوار

وآخرآن این بیت میباشد :

(زجان و دلت هست خاقان‌غلام   سخن‌ختم کردم بدین والسّلام)

نویسنده تذکره نوشته و پس از این دیگری چهار بیت از منوچهری نگاشته ، پشت صفحهٔ نخستین‌تذکره‌دخول‌این‌نسخه به کتابخانه یکی‌ازشاهزادگان (نام‌اورا نبرده است) بسال۱۲۲۷یادداشت گردیده، ودرحاشیهٔ بسیاری‌ازصفحات‌اشعاری‌از **آزاد کشمیری** ومیرزا اسمعیل‌خان متخلّص به خرسند شیرازی و**ولی محمدمیرزا** متخلص به **خسته** ومحمدعلیخان‌متخلص‌به‌مهر که ظاهراً بخط خودآنهااست نوشته شده وگوشهٔ اوراق‌نسخه سوخته‌و ّوصالی گردیده وپشت صفحه نخستین‌نسخه‌نیز بسال ۱۲۵۷ که تاریخ ورود آن به کتابخانه یکی دیگر از شاهزادگان (نام وی و مهر اورا محو کرده‌اند) را میرساند ، نگاشته شده و از بخش رباعیات قسمتی ازردیف الف وقسمتی از ردیف حرف یاء وتمام قسمتهای حرف باء تا حرف هاء افتاده است .

جلد تیماج . کاغذ آبی رنك فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۰۲) . صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۲۱ ۱/۲سانتیمتر) .عرض(۱٦سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه(۲۷۲۳).

(۱۱۱٤)

تذکره اسحق این نسخه بسال ۱۲۲۷ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، برورقیکه پس ازآخرین صفحه تذکره میباشدنویسنده‌خودرا

عبدالمحمد همدانی معرفی کرده وگوید کـه این تذکره را بخواست شاهزاده شیخعلی میرزا درهنگام حکومت ملایرایشان درسال نامبرده بالانوشته وقسمتی از برگ نخستین پاره شده وبرگ دوّم وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۳ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۲) .

[٤٨٩] تذکره حسن چلبی = تذکره قنالی زاده (ترکی)

مؤلف این تذکره حسن چلبی مشهور به قنالی زاده است (حسن بن علی بن امرالله متوفی بسال ۱۰۱۲) (۱) که از ادبا وشعرای قرن دهم هجری بوده و این مؤلفه بهترین گواه برعلوّ مقام ادبی اوست ، حاجی خلیفه گوید : در این تذکره آنچه دیگران در تذکره هـای خویش نوشته اند باانداختن زوائد آنها و اضافه لطائف وفوائدی، باانشائی لطیف تألیف گردیده وبهتراز همه شده . مؤلف فهرست کتابخانه خدیویه عین عبارت کشف الظنون را درمعرّفی این تذکره نقل نموده وآغاز آنرا که در کشف الظّنون نیست ذکر کرده است .

درآخر مقدّمه این تذکره (برگ ۲۵ نسخه زیرین) مؤلف گوید این تذکره را بدین ترتیب مرتب کرده ام : **فصل اول** دربیان حالات پادشاهان گذشته (از سلطان مرادبن سلطان محمد ۸۲۵ - ۸۵۵ شروع نمود) . **فصل دوم** در اوصاف شاهزادگان . **فصل سوم** در شرح حال علما وشعرا بترتیب حروف تهجّی . ومقدمه‌ای درمعرفی ازخودواین کتاب وپادشاه‌عصر(سلطان‌مراد ثالث)باکمال‌قدرت ادبی (بشهادت دانشمندان‌ترك‌نژاد) در ۲۰۰۰ بیت پیش‌ازشروع به فصل‌نخستین، حاوی ابیاتی بعربی وترکی ازخود و دیگران انشاء نموده و تمام این تذکره در

(۱) مؤلف فهرست کتب ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۸۱) نام ابن مؤلف و پدر و جد اورا بدینگونه که نقل نمودیم باتصریح شهرت وی به قنالی زاده وسال وفات وی ضبط نموده و چهار نسخهٔ که بسال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و۱۰۱۳ و۱۰۸۷ نوشته‌شده‌اند در آن کتابخانه نشان داده شده ولی چنانکه می بینید نسخه این کتابخانه کهنه تر از آنهاست و در قاموس الاعلام ترکی (ج ۳ ص ۱۹۵۰) مؤلف‌را فقط بنام حسن چلبی‌معرفی وسال‌وفات وی را ۱۰۱۳ نوشته و در کشف‌الظنون (ج ۱ ص ۲۷۵) نام وشهرت وی نوشته شده وسال‌وفات او را نیز ۱۰۱۲ معین کرده است .

حدود (۲۸۵۰۰) بیت کتابت دارد وچنانکه درآخر آن تصریح شده بسال ۹۹٤ تألیف این تذکره خاتمه یافته است .

آغاز : سرنامهٔ صحائف انّ هذه تذکرة که مفتاح خزائن تبصره در الخ .

(۱۱۱۵)

تذکره حسن چلبی

این نسخه را بخط نستعلیق ، **اولان رمضان** نام بسال ۱۰۰۲ نوشته ، دارای یك سرلوح ظریفی است که در میان ترنج آن **تذکرة الشعر الحسن چلبی قنالی‌زاده** نگارش‌یافته ، برگ نخستین وچندین برگ ازاواخر وصّالی شده ، کناربسیاری‌ازاوراق آبدیده وبجدول بطلاست ، عناوین و اسامی اشخاص با طلا نگاشته شده ، پشت نخستین برگ یادداشتهائی است وبخشی ازیکی ازآنها را محو کرده‌اند .

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳٤٤) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۰) .

[٤٩٠] تذکرهٔ خوشگو = سفینهٔ خوشگو (فارسی)

این‌تذکره‌چنانکه‌جامع‌ومرتب کننده‌اخیر آن **دزّی شوشتری** تصریح‌نموده‌واز خود آن‌نیزبرمی‌آید**سفینه**‌نام‌داشته‌وقسمت‌دوّم‌ازچهارقسم‌تذکره‌ای‌بوده که‌مؤلف آن‌شاعری **خوشگو** تخلص ، شاگردمیرزامحمدافضل‌متخلص به **سرخوش** (متولد بسال ۱۰۵۰ ومتوفی بسال ۱۱۲۶) بوده و ابن تخلص را ایشان بوی داده وآنرا درعصر محمدشاه هندی(مغلوب نادرشاه) درهندوستان تألیف نموده‌ودرهمان‌هنگام بدست قشون نادرشاه افشارافتاده ونصیب یکی ازبختیاریها گردیده وبسال ۱۲۲۸ که دراثر باران سیلی بزرگ در کوه های بختیاری جاری وبسیاری ازخاندانهارا بی‌خانمان کرده، درشوشتراین کتاب‌روی اسبابهائی که سیل‌باخودمی‌آورده جای گرفته وبدست یکی از اهالی آنجا رسیده ، بالاخره بدست دزّی رسید وبرحسب خواست مرحوم سید محمدبن سیّد عبدالکریم موسوی که ازتعبیرهای دزّی معلوم میشودازعلمای‌بزرگ آن‌شهربوده‌ودرهنگام‌ترتیب وتنظیم این‌نسخه (سال۱۲٤۰)

زندگانی را بدرود کرده بود ، نخستین بار بجمع و ترتیب آن پرداخته وبار دوّم بفرمان علیقلی خان گروسی که حاکم خوزستان گردیده مشغول تهیه فهرست ومقدّمه‌ای بر آن‌شده ولی بواسطه‌فوت‌شاهزاده‌محمدعلی‌میرزای‌دولتشاه(۱۲۳۷)این کار بانجام نرسید ، بسال ۱۲٤۰ حکومت خوزستان بشاهزاده محمد حسین میرزا (حشمةالدوله) پسردولتشاه‌برگزار وشوشتررامحل اقامت‌خویش قرارداد ودرآنجا بجمع‌آوری‌اشعار وبحث‌درآنها مشغول گردید ، میرزااسمعیل‌خان ومیرزااحمدخان که از سادات بزرگوار ودرخدمت شاهزاده خدمت‌گذار بودند ، نسخه اصل آب آورد این تذکره را خدمت شاهزاده برده وداستان‌آنرا معروض داشتند ، پسند خاطر گشت و گفت : دور ازمروتست که چنین کتابی‌را بچنین وضع گذاریم الخ. آن دو عالیجناب درّی را معرّفی کامل کردند بحدّی که فرمودند گذشته از وضع فهرست وترتیب و تنظیم آن بایستی تصرفهائیکه لازم بداند نیز در آن بنماید وآنرا بنام ما مطرز و موشح گرداند .

تصرفهائیکه درّی در تذکره نموده چنانستکه بخوبی درهمه جا ازاصل‌ممتاز است و در این مجلّد ازتذکره نام (۷۷۰) شاعر مرتب بحروف تهجی از الف تایا ثبت گردیده وفهرست هریك نوع ازحروف پیش‌ازآن گذارده شده واین تذکره شامل شرح حال وآثار شعرای گذشته ومعاصر میباشد ودرحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت آنست .

آغاز : بسمله ـ دراین زمانه رفیقی که‌خالی‌ازخلل‌است ـ صراحی‌می‌ناب‌وسفینه غزل است ، کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بنی نوع انسان را الخ .

(۱۱۱٦)

تذکرهٔ خوشگو این‌نسخه بخط نسخ نوشته‌شده ، ازشرحیکه یوسف نام **منظر** تخلّص در حاشیهٔ آخرین صفحه نسخه بسال ۱۲٤٤ نوشته بدست‌می‌آید که درّی‌تا آنزمان زندگانی‌مینموده واین‌نسخه متعلق‌بخودوی بوده ، درحاشیهٔ بعضی صفحات مطالبی بخط درّی جامع ومرتب کننده تذکره است ودر صفحه‌ایکه شامل‌شرح حال **نویدی** شیرازی‌است تصریح باسم خود کرده ومطالب

هم‌گواه است ، درصفحه ایکه شرح حال امیر ابو تراب رازی میباشد میرزا محمد حسن بروجردی شرحی بخط خویش دربیان احوال میرزا اشراق ، **اشراق** تخلص ونیزدرحاشیهٔ صفحه ایکه حرف **بـا** بآخر رسیده وشرح‌حال میرزا **تنها** در آن شروع‌شده هموشرحی‌راجع به احوال‌بیدل(میرزا حسن بروجردی)برحسب‌خواهش درّی در شوال سال ۱۲٤۳ در شوشتر نوشته وپاره ای ازبرگهای نسخه حواشی آنها وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۳) . صفحه ای (۲۰) سطر. طول(۲۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲٤) .

[٤۹۱] تذکره دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دولتشاه‌بن علاءالدین بختشاه سمرقندی که از ادباء قرن نهم هجری بوده (۸٤۲ـ۹۰۰) (۱) بسال ۸۹۲ تذکره ای مشتمل بر شرح حال جمعی از دانشمندان عرب وعجم گذشته ومعاصر ، باانتخابی از اشعارآنها وبسیاری از وقایع تاریخی زمان هریك ، پرداخته وچنانکه در دیباچه کتاب نگاشته تصور نموده که پیش از وی کس بدین کار مبادرت ننموده و او مبدع‌چنین تألیفی بوده ، درصورتیکه لباب‌الالباب عوفی تقریباً سیصد سال پیش ازوی در این فن تألیف شده است ونیز در دیباچه چندین بار تصریح نموده که در هنگام این تألیف پنجاه سال داشته(۲) و از آثار نظمی خویش بمناسبت ابیاتی آورده و پدران خود را هم به مقام ادب ستوده واین تألیف را بنام امیر کبیرامیرعلیشیرنوائی همان وزیر دانشمند دانش‌پژوه

(۱) درتحفه سامی‌وهفت‌اقلیم که‌نزدیك ترین‌تذکره بزمان‌دولتشاه میباشند وآتشکده‌آذر و مجمع الفصحاشرح‌حالی‌ازدولتشاه‌نیست،فقط درمجالس‌النفائس امیرعلیشیرمختصری مذکورو ازآنجابدست می آید که پیش‌ازوفات‌امیرمذکور (بسال ۹۰٦ مرده) جهانرابدرود گفته وریو درص ۳٦٤ ج۲ فهرست موزه‌بریتانیااست‌بنقل از«مرآت‌الصفا» وفات دولتشاه را بسال (۹۰۰) ضبط کرده ودرص ۲۱۸۳ ج ۳ قاموس‌الاعلام ترکی ازدولتشاه معرفی‌شده ولی‌تاریخ تألیف تذکره را بسال ۹۹۵ معین نموده ومسلماغلط‌است ودرشماره شعرای‌آن هم اشتباهی‌است .

(۲) بنابراین وتصریح درآخرتذکره که بسال ۸۹۲ تالیف‌آن خاتمه یافته وشهادت مندرجات مقدمه که پس ازاتمام نگارش یافته ، مؤلف بسال ۸٤۲ متولد شده است .

موشح نموده و امیر مذکور در مجالس النفائس خویش دولتشاه را نام برده و او را ستوده و از مندرجات تذکره دولتشاه معلوم میشود که مؤلف بعرفان و عرفا علاقه داشته است.

این تذکره به یك مقدمه و هفت طبقه و خاتمه ای تقسیم گردیده و شامل شرح حال ۱۵۰ نفر میباشد، درمقدمه چند نفر ازمعاریف شعرای عرب را معرفی و در طبقات هفتگانه، ازشعرای گذشته و درخاتمه چند تن ازشعرای معاصرخود را نام برده و تذکره را بمختصری ازتاریخ سلطان حسین میرزا بایقرا ختم نموده واین تذکره نخستین باربسال ۱۳۰۵ درهندوستان وبسال ۱۳۱۸ باتصحیح ومقدمه فارسی وانگلیسی مستشرق شهیر آدوارد برون انگلیسی در اروپا چاپ شده وچنانکه در قاموس الاعلام ترکی ومقدمه برون نوشته شده درسفینة الشعراء ترکی که بسال ۱۲۹۵ در اسلامبول چاپ شده بسیاری از مطالب این کتاب بترکی نقل گردیده است.

آغاز: بسمله تحمیدیکه شاهباز بلند پرواز اندیشه بساحت وفضای آن نتواند رسید الخ.

(۱۱۱۷)

تذکره دولتشاه سمرقندی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰٤۲ دوست علی بن قنبر نوشته، در حدود ۲۵ بیت از ابتداء آن افتاده و نخستین سطر آن اینست: وغفران از دل وجان روشن راویان ایمان نثار روضهٔ منور الخ. عناوین کتاب با شنجرف نوشته شده، چند برگ از اوّل و برگ آخر وصّالی گردیده و برگ آخر یادداشتهائی مورخ بسالهای اخیر قرن یازدهم و بدون تاریخ میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ چهار بغل اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرك. شمارهٔ اوراق (۱۳۹). صفحه‌ای (۱٦) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۷).

(۱۱۱۸)

تذکره دولتشاه سمرقندی این نسخه کامل ولی دوسه از آخرسطر آن نگارش نیافته، بخط نستعلیق نوشته شده، ظاهراً از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری میباشد، بسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده

وعناوین را باجوهرقرمز نگاشته اند.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار، قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۹۱). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۷ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۵).

(۱۱۱۹)

تذکره دولتشاه سمرقندی این نسخه از اوّل و آخر افتاده دارد، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری ونویسندهٔ آن هندی است، آغاز نسخه بخشی از شرح حال خاقانی شروانی وانجام آن پاره ای از حالات سیّد ذوالفقار میباشد، بسیاری از برگهای آن نیازمند وصّالی و برخی در حواشی آن اشعار ومطالبی بدون تاریخ نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ آبی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۲٤). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۱۷).

(۱۱۲۰)

تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه ای از این تذکره ضمیمهٔ (جزء ۱۱) مجموعهٔ شمارهٔ (۲۹۱٤) این کتابخانه میباشد که بسال ۱۲۳٤ نوشته شده، خصوصیات دیگر نسخه زیرمعرفی آن مجموعه می آید.

[٤۹۲] تذکرة السلاطین = بزم خاقان (فارسی)

جامع این تذکره چنانکه خود تصریح نموده **سلطان محمد** پسر فتحعلیشاه قاجارمیباشد که ملقب به **سیف‌الدوله** ومتخلص به **سلطان** بوده وبسال ۱۲۲۸[1] متوّلد شده و درسال ۱۲٤۰ بحکومت وفرمانفرمائی عراق منصوب و ده سال در اصفهان اقامت گزیده وبادانشمندان شهیر آنجا معاشرت نموده و از خرمن هریك

(۱) در ناسخ‌التواریخ (آخرجلد اول قاجاریه) زیرعنوان پسر سی‌وهشتم فتحعلیشاه گوید: سلطان محمد ملقب به سیف‌الدوله درشب پنجشنبه بیست و ششم جمادی‌الاولی سال هزارودویست و بیست و هشت تولد یافته و اورا فرزند نباشد. ودرص ۳۱ ـ ۳٤ ج ۱ مجمع الفصحا معرفی نسبتاً کاملی ازاین شاهزاده شده وچنان بدست‌می آید که درهنگام نگارش‌این تذکره زنده بوده و تولد او را بسال ۱۱۲۷ ضبط کرده و مطالب بالا از آنجا نقل شده و در این کتاب (مجمع الفصحا) ۱۳۷ بیت از اشعار مختلفه شاهزاده ثبت گردیده است.

خوشه چینی نموده و پس ازوفات فتحعلیشاه بطهران آمده ومقام میرپنجه ای یافته وبسال ۱۲۷۹ بسعادت تشرف به مکّه معظّمه وسیروسیاحت قسمتی ازجهان نائل آمده ومسلّماً یکی دوسال پس از این زندگانی مینموده و از بیانات صاحب مجمع الفصحا برمی آید که تاهنگام تألیف این تذکره بزرگ (بسال ۱۲۸۸ خاتمه یافته) درحیات بوده و **هدایت** مؤلف مذکور گوید از مؤلفات او **ملوك الکلام** شامل نظم ونثر عربی وفارسی درعلوم مختلفه و**تحفة الحرمین** و**سیف الرسائل** ازمثنویات اوست ونامی ازاین تذکره وی در آنجا نیست.

چنانکه در دیباچه این تذکره تصریح کرده نام آنرا «تذکره السلاطین» گذارده (۱) وبسال ۱۲۴۵ (۲) دراصفهان تألیف گردیده وبریك مقدمه وسه باب بدین تفصیل تقسیم شده است: مقدمه در وصف سرتاپای محبوب (این مقدمه **انیس العشاق** شرف رامی است ومؤلف ابداً اشاره‌ای باین کتاب ومؤلف آن ننموده‌است). باب اول در اسامی شاهان وشاهزادگان واشعاری از ایشان. باب دوّم درمختصری ازشرح حالات فتحعلیشاه و اشعاری ازاو. باب سوم درشرح حال واشعار مؤلف.

نسخه‌زیرین باب سوم را ندارد وباقی آن درحدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله: حمد وثنای افزون ازحد شکر وسپاس بیرون ازعدد پادشاهیرا سزاست الخ.

---

(۱) نسخهٔ دیگریکه از این تذکره در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در مقدمه بجای «تذکره السلاطین» که در این نسخه است «بزم خاقان» نوشته شده و عین این کتابست جز اینکه تقسیمات آن برخلاف آنچه دراین نسخه تعیین شده، میباشد باین‌معنی که مقدمه‌را (چنانکه‌انیس‌العشاق تقسیم‌شده) دربیست مجلس‌مرتب نموده ومطالب کتاب رادر پنج انجمن بدین تفصیل: انجمن اول دربعضی‌ازاشعار وحالات سلاطین وپادشاه زادگان پیشین دوم: در مناقب پادشاه عصر (فتحعلیشاه) واشعاری ازاو. سوم: دراشعاروحالات‌شاهزادگان. چهارم: در اشعار و احوال میرزادگان. انجمن پنجم: درذکر اشعار وحالات مؤلف واین نسخه فقط شرح حال مؤلف را بدون اشعار او داراست.

(۲) درنسخه مجلس‌سال تالیف چنین ثبت گردیده ولی‌نسخهٔ این کتابخانه ۱۲۵۰ وچهل‌وپنج هردوقسم نوشته شده است.

(۱۱۲۱)

تذکره السلاطین یا بزم خاقان این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده، دارای یك سر لوح خیلی زیبا میباشد، میان سطر های دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده و حواشی این دو نقاشی و تذهیب گردیده، عناوین دیباچه و مقدّمه وباب اوّل باطلا نگارش یافته، تمام صفحات آنقسمت نیز مجدول بطلاست، باب دوم ناتمام مانده ولی نویسنده‌ای، دزد، یك بیت بعنوان اینکه تتمه اشعارپیش‌است درآخرنوشته وپس ازآن تمام شدن تذکره را بسال ۱۲۲۲، بنحویکه تصور شود نویسنده اصل‌نسخه نوشته، نگاشته ولی گذشته ازاینکه مسلماً این خط، ازغیر ازنویسندهٔ نسخه‌است تاریخ‌تألیف کتاب‌چنانکه‌در‌دیباچه‌تصریح‌شده بسال ۱۲۵۰ یا ۱۲۴۵ میباشدو چنانکه گذشت تولد مؤلف بسال ۱۲۲۸ بوده، این دزدیرا ثابت میکند وازاینکه ازاول باب دوم صفحات جدول کشی نشده وعنوان باب واسم پادشاه وتخلص ویراکه در اوائل کتاب باطلا می‌نوشت، دیگرننوشته، معلوم میشود که درهمان سال ۱۲۵۰ که فتحعلیشاه زندگانی را بدرود گفته این نسخه را می نوشته اند و چون مؤلف درهمان وقت بطهران آمده نسخه این تذکره ناتمام را همراه آورده و دیگرموفق باتمام آن نگردیده، پشت نسخه بنام انیس العشاق و تذکرة السلاطین از رشید وطواط بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و بهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۹). صفحه ای (۱۵) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰سانتیمتر). عرض (۱۷سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۱).

[۴۹۳] **تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخیال** (فارسی)

امیرمحمدصالح نواب رضوی‌پسرمیرزا محسن‌نواب میباشد که بنابرتحقیق‌مرحوم آقامحمدباقر مدرس‌رضوی‌در کتاب «شجرهٔ طیّبه» (۱)، بانی مدرسهٔ صالحیّه (بسال

---

(۱) این کتاب درمعرفی افرادی‌از سادات‌رضوی خصوصا آنهائیکه‌درشهرمشهدمقدس بوده‌اند، میباشندونسخه‌منحصربفرد آن نزدپسردانشمندمؤلف آقای‌محمدتقی (مدرس‌رضوی) میباشدوماخذ نگارش این شرح بوده است.

۱۰۸٦) است که اینك مشهور به مدرسهٔ نواب ودرب آن مقابل ضریح مبارك حضرت امام علی بن موسی الرّضا علیه وعلی آبائه وابنائه الکرام آلاف التحیه والثناء درصحن قدیم باز میشود و نیز بانی مصلای ارض اقدس رضوی (بسال ۱۰۷۸) است که بیرون دروازه پائین خیابان واقع گردیده وبر کتیبهٔ آن مدرسه، بانی را بنثر، میرزا صالح و بنظم میرزا ابو صالح معرّفی نموده ودر کتاب نام برده استکه به لقب صدرالممالك مشتهر و مصدر خیرات و مبرّات بود و گذشته ازاملاك بسیار برای مصارف آن مدرسه ، کتابهای زیادی برطلاب آن وقف نمود و رسالهای شامل رباعیاتی ازشعرای متقدمین ومتأخرین بترتیب قوافی موافق ترتیب حروف تهجی مرتب وهر رباعی را بنام گویندهٔ آن ثبت نموده وآنرا « دقائق الخیال » نامیده و گذشته از آثار گذشته ابیاتی لطیف از این سید جلیل بیادگارمانده است .

درمقدّمه کتابیکه **لطائف الخیال** نامیده شده وشامل انتخابی ازاشعارمتقدمین و متأخرین نیز بترتیب قوافی برترتیب حروف تهجی میباشد، منشی آن محمد نصیر متخلص بنصرت نوشته که این انتخاب ازامیر محمد صالح رضوی است. وچون این مقدمه دارای صنعتی ظریف میباشد، بخشی ازآنرا دراینجا می آوریم :

اعنی جناب مقدس القاب خلف الصدق دودمان مصطفوی و سلاله امجاد خاندان مرتضوی امیر محمد صالح الرضوی ادام الله تعالی ظلال اقباله الی یوم الدین با وجود کثرت مشاغل دنیوی وصرف همت عالی نهمت بکسب معارف حقهٔ اخروی در فواضل اوقات بقدر انتهاض فرصت از هر گلشنی گلی شگفته وازهر مرغزاری سنبلی تازه رسته وازهر نهالی ثمر نورس حالی فراهم آورده گلدستهٔ بسته بودند بخاطر دقائق ذخائر خدام والامقام معزی الیه رسید که آن گلدسته های رنگین را که هر برگ گاش آئینه بدن نمای صورت احوال انیسی و هر شاخ سنبلش نمودار رشتهٔ مواسات صحبت جلیسی است یکجا جمع وترتیبی خاص که هر آینه باعث تسهیل شناختن مقام هریك از آنها تواند بودمرتب و **بلطائف الخیال** ملقب سازند لهذا جهت تبیین این مرام حسب الاشارهٔ خدام والامقام معزی الیه این فقیر حقیر بی بضاعت ابن محمد جعفر البصری محمد نصیر متخلص بنصرت این شکسته بسته را که بطریق براعت استهلال محتوی است براسامی و تخلصات شعرائی که در این مجموعه اندراج یافته مقدمهٔ بیان ترتیب آن نموده بمضمون الاطاعة فوق الادب بقدم جرات وجسارت بساط پیمای این گلشن نشاط وسرور شد امید ازلطایف ارباب استعداد آنکه باستین کزلك اصلاح غبار ذلت وفساد از چهره مقاصد آن پاك و منظور نظر عنایت اثر میساخته باشند والله الموفق للصواب .

نصرت که خودازشعرای معاصر مؤلف بوده وابیات زیادی ازوی درلطائف الخیال مندرج است پس از مقدّمه دوفهرست برای بدست دادن شعرائیکه دراین کتاب از آنها شعر نقل گردیده ترتیب داده یکی مبنی برنام آنها بترتیب حروف تهجی و درذیل نام هریك تخلص اورا نیز ثبت نموده ودیگری مبنی برتخلص آنهاباذکر نام آنها بطرز فهرست اوّل.

تاکنون برنسخهٔ کامل لطائف الخیال دست نیافته ام ، از آثاریکه برنسخهٔ ناقص کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد، بدست می آید که این کتاب درحدود (۲٦۰۰۰) بیت بوده است و از مقدّمه نسخه ایکه در کتابخانه ملّی ملك (درطهران است) موجود است معلوم میشود که همان نصرت نام برده باختصار لطائف الخیال پرداخته وآنرا « خلاصه لطائف الخیال » نامیده است و گذشته ازاین دو رسالهٔ دیگر نیز موافق قوافی حروف تهجی ازلطائف الخیال انتخاب نموده ودیباچه کوچکی بر آن نگاشته :

۱ ـ دراشعاریکه دارای مصرعهای نفیس میباشد و گفتن مانند آنها مشکل ودارای معانی بلند است . ۲ ـ ابیاتیکه دارای معانی لطیف ومشکل میباشد .

نسخهٔ کتابخانهٔ ملّی ملك گذشته ازمقدّمه نثری نصرت و دو فهرست نام برده دارای مقدمهای منظوم ازشاعر **خالص** تخلص میباشد که در آن تعریف وتمجید زیاد ازاین انتخاب شده وتاریخ انتخاب را هم که بسال ۱۱۰٤ بوده ومیرساند که امیر محمد صالح تاآن هنگام زنده بوده دارد و درآخر آنست :

نسخهٔ با کمال رنگینی	تحفهٔ این چنین که می بینی
سعی بنمود میرزا صالح	جمع فرمود میرزا صالح
آنکه او را بوصف حاجت نیست	هیچ وصفی به از سیادت نیست
خالص این تحفه تمام عیار	هست مجموعهٔ بهشت و بهار
خواهی ار زین کتاب تاریخش	شد **گل انتخاب** تاریخش

این انتخاب یاخلاصه لطائف الخیال برحسب شماره ایکه نگارنده نموده درحدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و مانند لطائف الخیال گوینده هریك از ابیات در مقابل آنها معین گردیده است .

نسخه این کتابخانه که زیر این سطرها خصوصیات آنرا خواهیم نگاشت قسمتی

ازهمین خلاصه میباشد جز اینکه مقدّمه مختصر نثری و دیباچه منظوم نام بردهٔ بالارا ندارد و اوائل آنهم بااوائل نسخه کتابخانه ملك اختلاف دارد ولی مسلّماً همین خلاصه است و چنانکه از آثار نسخه کتابخانه ملك بدست می آید نسخه اصل خلاصه میباشد وجامع خود در آن تجدید نظر کرده است.

آغاز: این نسخه پس ازمقدّمه مفصل ودوفهرست نام برده اینست: **خالصا** (۱)

ای شده نام تو زیب هر کتاب　　　گویم از حسن تو دارد هر که تاب

(۱۱۲۲)

تذکرهٔ نصرت یا خلاصه لطائف‌الخیال

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده، مسلماً دراوائل قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، نام شعرا بالاجورد وشنجرف نوشته شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف وزنگاراست ، اوراق فهرست پیش و پس گذارده شده و اوراق نسخه متن و حاشیه میباشد ، دوسرلوح یکی درابتداء مقدّمه ودیگری در آغاز کتاب میباشد وحاشیه دوصفحه اوّل کتاب تذهیب ونقاشی شده ، دارای مقدّمه ودیباچه مفصل نصرت ودوفهرست نام برده است ، پشت ورق نخستین نسخه یادداشتی بتاریخ ۱۱۲۸ موجود وبنام «تذکرهٔ نصرت» براین کتابخانه وقف گردیده و دراینجا یادداشت دیگری بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۷) . صفحه ای(۱۰و۱۱)سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۰) .

[۴۹۴] تذکره هفت اقلیم = هفت اقلیم (فارسی)

این کتاب یکی ازتذکره های بزرك وکتابهای نفیس فارسی است که گذشته ازشرح حال وآثار شعری ۱۴۵۰ نفرازدانشمندان جهان شامل اطلاعات سودمند

(۱) الف درخالصا چون الف درشفیعا وصائبا ورفیعا برای تعظیم وتکریم میباشد ودرفهرست لطائف‌الخیال‌دو نفر بتخلص‌خالص‌نام‌برده شده : ۱ـ خالص‌استرابادی که نام‌وی‌نجیبا بوده و ۲ـ خالص‌مشهدی که‌نام‌وی‌محمدرضاواورانا‌ظر تذورات‌معرفی کرده‌وظاهراً‌دراینجا‌دومی‌مراداست.

تاریخی وجغرافیائی موافق تقسیمات جغرافی نویس های پیشین (مراد تقسیم بندی شهرها به اقلیم های هفتگانه است) میباشد.

مؤلف آن **امین احمد رازی** درمقدمهٔ گوید که برحسب میل خویشتن واظهار دوستان بنقل آثار نظم ونثر دانشمندان مبادرت نموده ، درمدت شش‌سال ازخرمن هر کس دانه ای چیده وآنهارا دریکجا گرد کرده واین بیت را در وصف آن در دیباچه مندرج ساخته : بدانی چو نیکو دراو بنگری * که جان کنده ام تاتوجان پروری . وپس ازاین گوید :

«اگر چه نظارگیان از گل زمین آن بوستان دماغ جان را معطر ومنور میگردانند اما ازلذات نقل آن ثمرات بنا برافزونی عبارات وزیادتی کتابت بی منفعت ومحروم می‌مانند لاجرم بخاطر رسید که ازهرخرمن آن دانه وازهر کیلش پیمانهٔ جمع سازد ، کتابی علیحده تصنیف نماید تاهر کس را ازنقل و مطالعهٔ آن حظی وافر ونفعی متکاثر باشد .... وچون ماحصل این‌تذکره ذکرهفت اقلیم است هر آینه این نسخه را موسوم به **هفت اقلیم** گردانید تااسمی‌بامسمی باشد وتاریخش ازاین‌رباعی که بکرفکراست معلوم میشود **رباعی:**

این نسخه که هست همچوفردوس نکو　　　تا هو نشوی در او نه بشکافی مو
گر از تو کسی سؤال تاریخ کند　　　**تصنیف امین احمد رازی گو**»

بنابراین اتمام این تذکره بسال ۱۰۰۲ بوده و کلمهٔ **گو** را نبایستی درحساب آورد ، چراکه گذشته از حکم ذوق سلیم وجود نسخهٔ زیرین که بسال ۱۰۲۵ نگاشته خود بهترین مؤید است ودانشمند فرزانه شادروان ادوارد برون (حاشیهٔ ص ۲۹۷ ترجمه تاریخ ادبیّات چاپ تهران دیده شود) ومؤلف‌فهرست آصفیّه‌کلمه گورا را درحساب آورده وبدین سبب تاریخ تالیف را بسال ۱۰۲۸ گفته اند.

بدبختانه تاکنون از وجود نسخهٔ اولی این تذکره و شرح حال وآثار دیگر مؤلف این کتاب (**امین‌احمد**) اطلاعی بدست نیاورده ام ونمیدانم تاچه سالی زنده بوده و از دانستن تاریخ این تألیف معلوم شد که در اوائل قرن یازدهم هجری زندگانی مینموده.

خوشبختانه خود مؤلف در این مؤلفه (از ص ۹۰۰ تا ۹۱۰ نسخهٔ کامل این کتابخانه) درمیان دانشمندان شهر ری گروهی از خویشان خویش را نام برده و ازآثار شعری آنها هم اندکی آورده است ، پدر خودرا خواجه میرزا احمد معرّفی

نموده (بنابراین نام خود مؤلف **امین** بوده وچنانکه در زبان فارسی معمول است کلمه ابن میان نام پدر وپسر نگاشته وتلفظ نمیشود وبجای آن حرف آخر نام پسر را باکسره میخوانند نه اینکه نام وی مرکب از امین واحمد باشد) و از عبارات وی استفاده میشود که در زمان سلطنت سلطان محمد پسر شاه طهماسب (از سال ۹۸۶ تا ۹۹۶ سلطنت داشته) جهان را بدرود گفته و در زمان شاه طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۵) مورد مرحمت وی بوده و در زمان هردو پادشاه کلانتری (حکومت) شهر ری وتصدی املاك خالصه را داشته و مردی کریم وخیرخواه و مهمان نواز بوده و درایجاد کاریزها و باغها دارای میلی زیاد و گذشته ازمقام رسمی، بازرگانی باجرأت وحوصله بوده‌است‌وعموی وی خواجه محمد شریف‌استکه بسال ۹۸۴ وفات یافته و **هجری** تخلص داشته و در خراسان چند سال بوزارت **تاتارسلطان** واعقاب او اشتغال داشته وپس از آنها مورد نظر شاه طهماسب قرار گرفته وهفت سال وزارت یزد وابرقو وبیابانك را دارا و چون در انجام این خدمت امتحان خوبی داده مورد عنایت پادشاه شده ودارای وزارت اصفهان شد ودرهمین مقام بمقام ابدی شتافت (ص ۹۰۰ - ۹۰۲ نسخه کامل همین کتاب از نسخ این کتابخانه دیده شود).

جای بسی تاسف‌استکه تاکنون این تذکره که شامل مطالب خوب واشعاردلکش (در ۳۰۰۰۰ بیت)میباشد چاپ‌نشده ولی‌از آغاز این کتاب تاشرح‌حال‌شیخ‌امین‌الدین که‌ازعلماء کازرون‌وجزء اقلیم‌سوم‌میباشد(در ۲۰۸ ص‌دردو مجلد)درهندوستان‌بسال ۱۹۱۸م‌چاپ‌شده‌ونسخهٔ‌چاپی آن‌در کتابخانهٔ مجلس‌موجوداست‌وامیداستکه‌دراین عصردرخشان که نهضت معارفی ایران شروع شده این گنجینه گرانبها چاپ و منتشر گردد.

آغاز: بسمله خرد هر کجا گنجی آرد پدید بنام خدا سازد آنرا کلید ......
حمد مرخدای را جل‌جلاله که عندلیب زبان در قفس دهان بذکر او رطب‌اللسان است الخ .

(۱۱۲۳)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه را بسال ۱۰۲۵ سیر کمال نهرندی درهندوستان نوشته ، برگهائی از نسخه افتاده و (ظاهراً) در اواسط قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، در صحافی اخیر که در تحت نظر نگارنده انجام‌یافت برگهای جدول‌داری برای‌نوشتن‌فهرست دانشمندان نام‌برده‌دراین کتاب تهیه‌شده امیداستکه‌توفیق‌براتمام‌نگارش آنرا دریابم،درحاشیه و بر کنار صفحه نخستین نسخه دو یادداشت است یکی بتاریخ ۱۲۵۴ و دیگری بسال ۱۲۸۶ و در ذیل دوّمی مهر مجدالدوله زده شده ودر این یادداشت نویسندهٔ یادداشت‌اوّل، مرحوم رکن‌الدوله معرّفی گردیده‌است وبر کناربرگ‌دوّم‌یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۹۲ وصورت وقف آن ازطرف مرحوم سپهسالار بسال ۱۲۹۷ نگارش‌یافته، پشت برگ‌نخستین‌وبربرگیکه پیش‌ازآنست نیز یادداشتهائی است ، اوراق مجدول به لاجورد وشنجرف و زنگار ، عناوین نیز باشنجرف‌میباشد وبسیاری از آنها وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق بافهرست (۶۶۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول($28\frac{1}{2}$ سانتیمتر)، عرض(۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۳) .

(۱۱۲۴)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه که شامل سه اقلیم ازهفت اقلیم میباشد بسال ۱۰۷۱ درشهر کشمیر بخط نستعلیق نوشته شده ، درحاشیهٔ آخرین صفحه بسال ۱۲۰۳ مقابلهٔ آن یادداشت شده ، پیش ازشروع بکتاب فهرست رجال وشهرهای سه اقلیم را بخط شکسته نستعلیق نظام الدین محمد نام نوشته ، سرلوحی ظریف داشته ولی اندکی محو شده ، بجدول بطلا و لاجورد و زنگار ، اوراق متن وحاشیه میباشد ، عناوین باشنجرف ودوبرگ از اوّل ویك برگ آخر وصّالی شده است .

جلد ساغری ضربی دورو . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض ($13\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۸) .

(۱۱۲۵)

تذکرهٔ هفت‌اقلیم

این نسخه را اشخاص مختلف بخط نستعلیق نوشته اند ، تاریخ ندارد ، ظاهر اینستکه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، اوراق آن پیش و پس گردیده ، واوراقی از آن افتاده (شاید ده پانزده برگ) وبرخی از آنها وصّالی شده وصفحهٔ نخستین کنونی آن درمعرّفی از **تفرش** استکه از اقلیم چهارم میباشد و بدین سطر آغاز گردیده : از چشمه و کاریزاست وهمه وقت در آن ولایت ارزانی بود وازمیوه وانگوروامرود وشفتالو خوب میشود الخ .

وبرگ آخرنسخه درمعرفی شهردکن (ازاقلیم دوّم است) وپادشاهان آنجا میباشد وآخرین سطر آن اینست :

اهل حرمش بدست مردم دکن گرفتار گردید سوار کرده بمندو فرستاد ودر سال هشتصدوسی‌وهشت مرضی برذات سلطان طاری گردید که بعزم درست ونیت صادق ازجمیع .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲٤) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳٤) .

[٤۹۵] جام جم (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور وناظم آن اوحدی مراغی اصفهانی است [چنانکه برلوح مزار وی ثبت گردیده پدر اوحدی حسین نام داشته و نام خود ایشان بدست نیامده (آقای تربیت اوحدی را بلقب رکن الدین معرّفی کرده اند) و بمناسبت ارادت به‌اوحدالدّین کرمانی(۱) که ازمشایخ معروف‌طریقت ومؤلّف

(۱) آقای تربیت دردانشمندان آذربایجان (ص۵۵) وآقای اقبال آشتیانی درتاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول) وفات ایشانرا بسال ٦۳٦ ضبط کرده‌اند ودرمجمع‌الفصحا (ص ۹٤) بسال ۵٦۲ ثبت گردیده ودر هفت اقلیم و کشف الظنون و نفحات الانس و تاریخ گزیده و آتشکده سال وفات اوحدالدین کرمانی معین نگردیده است .

« مصباح الارواح » (۱) میباشد، اوحدی تخلص میجسته وبهمین تخلص اشتهار یافته (آقای تربیت ازصحف ابراهیم نقل کرده اند که پیش ازاینکه اوحدی تخلّص گیرد « صافی » تخلّص میگرفته است) . وچنانکه ازاین کتاب جام جم بدست میآید بسال ٦۷۲ یا ٦۷۳ (۲) متولد شده وبسال ۷۳۷ (۳) درمراغه که مولدوی بوده وفات یافته‌است] (٤) اوحدی‌ازمشاهیرشعراوعرفاو کتاب‌جام‌جم‌وی بهترین معرّف مقام ومرتبهٔ اوست وازابیات جام جم(۵) برتشیّع اومیتوان گواه گرفت .

گذشته ازجام جم اوحدی را دیوانی که تقریباً شامل ۱۵۰۰۰ (٦) بیت قصیده وغزل میباشد ، بیادگار مانده و جامی‌دربارهٔ آن گوید : ویرا دیوان شعراست در غایت لطافت وعذوبت . وشهادت کسی چون جامی آشکاراست که تاچه حد ارزش دارد .

و کتابی بنام « منطق العشاق » که نیز از آن « ده نامه » تعبیر میشود وآنرا بنام خواجه ضیاءالدّین یوسف بن خواجه اصیل‌الدّین بن خواجه نصیرالدّین طوسی بسال ۷۰٦ (۷) پرداخته‌وموشح نموده تألیف‌وجامی گوید: صاحب ترجیعات‌مشتمل

(۱) درهفت اقلیم (ص۲۲۰) و کشف‌الظنون (ج۲ص٤٤٦) ونفحات‌الانس (ص ٦۹۳) وتذکرهٔ آتشکده (ص۱۲۳) این کتاب بدین‌نام نامیده شده ودر کتاب اول وسوم وچهارم ابیاتی‌ازآن نقل گردیده و آقای وحید دستگردی درمقدمهٔ جام‌جم که بهمت ایشان چاپ گردیده نوشته‌اند نسخهٔ آن دردست نیست .

(۲) در جام‌جم که بنا برتصریح خود بسال ۷۳۲ (در بعضی از نسخه ها ۷۳۳) تألیف گردیده (چون زتاریخ بر گرفتم فال هفتصد رفته بودو سی‌و(دوسال)سه‌سال) گوید:

(اوحدی شصت سال سختی دید تا شبی روی نیك بختی دید)

بنابر این ٦۰-۷۳۲ یا - ۷۳۳=٦۷۲ یا ٦۷۳ .

(۳) این تاریخ را حاجی خلیفه درص ۳۵۷ ج ۱ وجامی در نفحات ازنقش برقبروی درمراغه نقل نموده وآقای وحید نیزعین عبارات سنگ قبررا درمقدمهٔ جام‌جم نقل کرده‌اند ودرتذکرهٔ دولتشاه وصاحب هفت اقلیم ندانسته بتقلیدوی و کشف‌الظنون درص٤۹٦ و ۵۰۰ ج ۱ وفات اوحدی را بسال ٦۹۷ نوشته‌اند و مسلماً غلط است .

(٤) شرح‌حال اوحدی‌مراغی را درنفحات جامی(نسخهٔ خطی‌مدرسه) وهفت اقلیم (ص۷۲۳-۷۲۸) وتذکرهٔ دولتشاه (ص۱۲۹-۱۳۲) و کشف‌الظنون درصفحات نام برده ومجمع الفصحا درج ۱ص۹٤ وآتشکده ص۵٦ ودانشمندان آذربایجان ص۵۵-۵٦ نگاه کنید که مأخذ نگارش این‌شرح میباشد .

(بقیه درصفحه ٤۸۸)

برحقائق است و دولتشاه گفته: ترجیع او درمیان موحدان شهرتی عظیم دارد.

جام جم از مثنوی های مشهور وشامل بسیاری ازمطالب اخلاقی و اجتماعی وعرفانی میباشد ودرحدود (۴۵۰۰) بیت‌شعراست، درتذکرهٔدولتشاه مسطوراست کەیکماه ازنظم آن نگذشته که مستعدان چهارصد نسخه از روی آن برداشتند.

آقای وحید دستگردی مدیر و نویسندهٔ مجلهٔ ارمغان بسال ۱۳۰۷ خورشیدی هجری‌در طهران‌این کتاب‌را بامقدّمهٔ مختصری چاپ کرده اند.

آغاز: بسمله قل هوالله لمرء قدقال من‌له‌الحمد دائماً متوال.

(۱۱۲۶)

جام جم — این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمود کاتب بسال ۱۰۱۳ نوشته، ازیادداشتهائیکه پشت نخستین برگ نسخه میباشد

(بقیه حاشیهٔ صفحه قبل)

(۵) در اوائل جامجم در بحث خطاب به پیغمبر صلی‌اله علیه وآله که آغاز آن اینست:

(ای بمهر تو آسمان بلند | یاد من کن چومیدهم‌سوگند) گوید:
بحدیث حبوهٔ پیوندت | بجگر گوشگان دلبندت
بشهیدان کربلا ز فسوس | بستم کشتگان مشهد طوس
بچهل مهد و چار مردانه | بدو هم خابه ودو هم خانه

(۶) شمارهٔ ابیات دیوان اوحدی را هدایت در مجمع‌الفصحا گوید شش‌هفت هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه ورباعیات دیده شده و حاجی خلیفه (ص ۵۰۰ ج ۱ ظنون) و آقای وحید دستگردی در مقدمهٔ جامجم نه هزار و دولتشاه ده هزار بیت و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان پانزده هزار بیت ضبط کرده‌اند، نگارنده دونسخه ازدیوان وی‌را در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی دیده‌ام که هریك دارای ۷۰۰۰ هفتهزار بیت بیشتر نیست.

(۷) این بیت را از انجام منطق‌العشاق یا ده نامه آقای تربیت و آقای دستگردی نقل کرده‌اند:

بسال ذال وواو از سال هجرت | بپایان بردم این در حال هجرت.

وآقای تربیت آغاز این کتاب را این بیت نقل نموده‌اند:

بنام آنکه ما را نام بخشید | زبان را درفصاحت کام بخشید

و آقای وحید این چند بیت را از اول آن کتاب در مقدمه آورده‌اند:

وجیه دولت و دین شاه یوسف | که دارد رتبت پنجاه یوسف
نصیرالدین طوسی را نبیره | که عقل ازفطنت او گشت خیره
زمین‌راازشکوهش‌زیب‌وزین‌است | سرور خلق‌وسرالوالدین است

و انجام آنرا این بیت معین کرده‌اند:

چودیدم در سخن‌خیرالکلامش | نهادم منطق‌العشاق نامش

و حاجی خلیفه فقط در حرف دال بنام **ده نامه** این کتاب را نام برده و همه گفته اند که این کتاب یك هزار بیت است.

بدست می‌آید که از کتب پادشاهان صفویه بوده، یك سرلوح ظریف درآغاز کتاب میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است.

جلد ساغری ضربی طلا پوش و طرف داخل سوخته. کاغذ کشمیری. واقف‌سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔاوراق (۱۳۱). صفحه‌ای (۱۸) سطر. طول (۱۷سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۳۹).

[۴۹۶] جنات‌الوصال (عربی)

این کتاب یکی ازمثنوی های عرفانی و شامل مطالبی‌آسمانی است و ناظم آن نور علیشاه عارف مشهور است (محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمد علی رقّی طبسی متوفی بسال ۱۲۱۲) (۱) که شهرت بی نهایت دارد و از بزرگان سلسلهٔ صوفیّه نعمت‌اللهی است‌وطبع وقّادوی درانشاء نظم ونثر بسی توانا بوده، پدرش میرزا عبدالحسین ملقب به **فیضعلیشاه** وجدّش محمد علی امام جمعه تون (فردوس کنونی) بوده، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده ونورعلیشاه دراین شهربدین جهان پای گذارده، بگفتهٔ صاحب طرائق: «فرزند را پس از سنّ بلوغ و اکمال فنون و علوم بشرف حضور سیّد (مرادش از سیّد سیّد معصوم علیشاه است) مشرف ساخت ودرمقام طریقت والد وولد برادر وهمقدم یکدیگرشدند،

والد ومولود گشته درطریق | یکدگر را هم برادر هم رفیق».

نورعلیشاه درهرشهر و دیارکه قدم میگذاشت هنگامه ها برمیخواست دسته ای براو و گروهی برای او قیام مینمودند، از آثار وی: دیوان غزلیات وقصائد ومقطعات (دراین فصل از آن معرفی میشود)، رساله دراصول وفروع (۲) **جامع‌الاسرار** نظیر گلستان(۳)، تفسیرسورهٔ مبارکهٔ بقره منظوماً(۴)، **روضة‌الشهداء** منظوم دراحوال حضرت امام‌حسین ع، ترجمه‌وشرح خطبة البیان (۵)، رساله در

(۱) در طرائق‌الحقایق ج ۳ ص۸۹ نگارش یافته؛ ودراینجاست که تاریخ وفات‌اوراکه درموصل اتفاق افتاده کلمه **غریب** یافته اند و نزدیك قبر یونس پیغمبر ع دفن گردیده و در تذکرهٔ دلگشا و بستان السیاحة از این عارف دانشمند نام برده شده و معرفی گردیده است.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵) نسخه ای از اینهادرنسخه شمارهٔ (۱۷۸) این کتابخانه موجوداست وشمارهٔ ۲ نیز در کتابخانهٔ مجلس بنام رساله در عشق میباشد (ص۲۱۶ ج۱ بفهرست کتب خطی‌مجلس مراجعه شود).

پند وموعظه ، (۱) نظم کبری منطق (۲) ، مشکوة النجات (دررسالهٔ اصول وفروع از آن نام برده وچنین می نماید که درفروع است) .

نورعلیشاه بناداشته که این مثنوی را درهشت مجلد بشماره درهای بهشت تألیف نماید و بهمین مناسبت نام آنرا جنات الوصال گذارده ولی توفیق بر اتمام آنرا نیافته و چنانکه در ص ۹۱ ج ۳ طرائق است از مجلد سوّم بخشی بیشتر را انشاء ننموده و **رونق علیشاه** (بسال ۱۲۲۵ وفات یافته است ص ۹۲ ج ۳ طرائق) که از خلفای ایشان بوده دو مجلّد زیاده بر آن افزوده (۳) و **نظام علیشاه** که از خلفای **مجذوب علیشاه** بوده یك جلد دیگر بر آن افزوده است و در آخر مجلّد دوم تصریح شده که در بغداد (دارالسلام) تألیف آن انجام یافته است .

ونیز صاحب طرائق در ص ۱۱۹ ج ۳ بنقل از بستان السیاحة گوید :

«عارف معارف دین وسالك مسالك یقین مولی احمدبن الحاج عبدالواحدالکرمانی الملقب بنظامعلیشاه که از خاندان فضل و کمال واز کبرای اصحاب وجدوحال بود . . . . آخرالامر درسنهٔ هزارو دویست و چهل و دو (٤) داعی حق را اجابت فرمود . . . . . وطبع گرامیش موزون بود بگفتن

(۱) نسخه ای از این رساله ضمیمهٔ دیوان وی در کتابخانهٔ مجلس موجود است .

(۲) بسال ۱۲۷۰ درطهران چاپ شده و پس از آن کتاب صغری درمنطق و افاداتی از آقاعلی حکیم درمنطق و فلسفه است و نسخهٔ آن بشمارهٔ ۲۰۳۷ در این کتابخانه میباشد .

(۳) ازنسخهٔشمارهٔ ۱۷۹ این کتابخانه که زیرشمارهٔ ۱۱۲۷ ازآن معرفی میشودوشامل پنج دفتر یامجلد ازجنات الوصال میباشد قسمتی ناقص است و در آخر مجلد پنجم از نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس ابیاتی استکه صریح است از غیر ازرونق علیشاه میباشد وآن اینست : بعد شه نورعلی سلطان دین ـ آمده رونق علی شه جانشین ـ آنکه مرآت خدا بینان بود ـ آنکه رونق بخش بزم جان بود . آنکه آمد شیخ راه این فقیر ـ آنکه گشتم در ره حق دستگیر ـ نام پاکش بد محمد یا حسین ـ عاشقان را خاك راهش کحل عین . بنا بر این بدست می آید که رونق علیشاه نیز مجلد پنجم راتمام نکرده بدرود زندگانی گفته و بقیهٔ این مجلد را نظامعلیشاه تمام کرده است و این مجلد شامل شرح حال و مقامات ائمه طاهرین علیهم صلوات الله والملائکة اجمعین میباشد .

(٤) صاحب طرائق درص ۱۲۰ ج۳ نقل نموده که برقبروی که درتکیه مشتاقیهٔ کرمان است این بیت نوشته شده :

یکی مصرع از بهر تاریخ گفت   بجان ازعلی دیده احمد نظام = ۱۲٤۰ و رضا قلی هدایت صاحب ریاض العارفین نیز وفات ویرا بدین سال ثبت کرده است .

مثنوی رغبت مینمود تاآنکه دومجلد مثنوی جنات الوصال (۱) را بانجام رسانیده» .

ونیز صاحب طرائق ازاصول الفصول نقل نموده : « درنظر داشت که برمثنوی جنات الوصال که مرحوم نورعلیشاه ورونق علیشاه بانجام رسانیده اند بیفزاید تابهشت بهشت برسد » .

نگارنده درجائی ندید که از مجلّد سوّم چند بیت انشاء نور علیشاه میباشد ولی پس از مطالعه ومراجعه ومقایسهٔ ابیات بایکدیگر بر آن شد که ۴۲۲ بیت ازابتداء مجلّد سوّم رانورعلیشاه گفته ورونق علیشاه متوفی بسال ۱۲۲۵ آنرا تکمیل(۲) ومجلّد چهارم و پنجم را نیز او ساخته است و دو نسخهٔ زیر شامل آنهاست ومجلّد ششم وهفتم را نظامعلیشاه انشاء نموده در کتابخانه مجلس موجود است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم   افتتاح کنز اسماء عظیم .

(۱۱۲۷)

جنات الوصال این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۶ صفا نام شاعر نوشته و در آخر هریك از مجلّدات اتمام را بابیتی ادا نموده وسال نگارش فقط در آخر مجلّد سوّم نگاشته شده ودارای پنج سرلوح بطرز های

(۱) نسخهٔ جنات الوصال که شامل دو مجلد نیزمیباشد در کتابخانه مجلس موجود و مجلد ششم درشرح و ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة منسوب بحضرت جعفرصادق امام ششم علیه السلام در صد لمعه میباشد ودرمجلدهفتم بمدح فتحعلیشاه قاجارو ابراهیم خان حاکم کرمان پرداخته و در بیت ۲۸۰ ج ۷ گوید : در سنهٔ تاریخ آتیه بخیر   کش بود هر سال آتیه بخیر   غرفهٔ امن وامان زان یافتم جانب باغ جنان بشتافتم   و بر کلمه سنه شمارهٔ ۱۲۲۸ نوشته شده وجمله آتیه بخیر همین سال را (۱۲۲۸) معین مینماید بنا بر این تاریخ نظم این مجلد در این سال بوده و ازعبارات بستان السیاحة بدست می آید که ابراهیم خان اورا از کرمان دور کرده بودهوپس ازمرگ وی بازبکرمان آمدهاست .

(۲) نگارنده این بیت   (گفت ای یاران مرا یاری کنید   میل جانم جانب باری کنید)

راکه شعر ۴۳۰ از مجلد سوم میباشد از نور علیشاه و آغاز شعررونق علیشاه را این بیت :

۱ (هرچه کردم سیر در وادیّ میل   هرطرف بود ازهوا ومیل سیل)

تصورمیکند و درآخرمجلدسوم ساقی نامه ایست و درمجلد چهارم این دوبیت

(جنت سوم چو آمد زوبها   با صفا و با بها و با ضیا   چند بیتی چونکه آمد در مقال خوش روان شد سوی جنات الوصال)   که نیز مؤید نقص مجلد سوم و عدم اتمام آن میباشد موجود است .

گوناگون میباشد ، صفحات بجدول بطلا و لاجورد و ابیاتیکه عناوین مطالب را حاکی‌است باسرخی نوشته شده ، مجلّد پنجم افتاده دارد وظاهراً یك برگ بیشتر نباشد وآخرین شعر نسخه اینست :

چونکه بنمودند غصب حقشان   این عداوت شد پدید اندرمیان

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۰۸) صفحه ای (۳۵) سطر درمتن وحاشیه . طول (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۲۹ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۹) .

(۱۱۲۸)

جنات‌الوصال این نسخه شامل چهار جنّت از جنّات‌الوصال وآثاردیگری از نورعلیشاه میباشد و درجای دگر از آنها معرّفی خواهد شد ،بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده و کتابت آن ناقص مانده ، بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین یاد داشت گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۴۲۷) صفحه‌ای(۱۵) سطر . طول (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸) .

(۱۱۲۹)

جنات‌الوصال این نسخه شامل دو مجلّد اوّل وقسمتی از مجلّد سوّم میباشد ، نام نویسنده و تاریخ نگارش نداشته ، ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم‌نوشته‌شده ، پیش‌نگارنده‌شامل‌تاآخرین‌بیت انشائی نورعلیشاه است ، پیش از این کتاب رساله‌ای‌عرفانی است(تصور میکنم ترجمه‌ای از جوك باشد ودرمجلّد بعد این فهرست معرفی خواهد گردید)واین‌دونسخه بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده وپشت برگ نخستین یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیهٔ (۱۵۳) . این نسخه (۱۰۲). صفحه ای(۲۹) سطر . درمتن حاشیه . طول (۲۱ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۲/۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۶) .

[۴۹۷] حدیقة‌الحقیقه (فارسی)

این کتاب یکی ازمثنویهای مشهور واز آثار گرانبهای حکیم سنائی (ابوالمجد مجدود(۱) بن آدم غزنوی متولد بسال ۴۶۴ (۲)و متوفی بسال ۵۲۵ (۳))(۴)استکه نیز از مشاهیر شعرا وعرفا میباشد ومندرجات این کتاب مقام ومرتبهٔ ویرا چون

(۱) درنسخ هفت اقلیم نام سنائی مجدالدین ثبت شده درصورتیکه درتمام دیوان وآثار او این نام یالقب برای وی دیده نشده وتذکره نویسان به تبع خود وی ومعاصرین اورا مجدود معرفی کرده اند بنابرین نام مجدالدین برای او مسلماً غلط خواهد بود .

(۲) تاریخ تولد سنائی را تا کنون کسی تعیین نکرده ، نگارنده تاریخ مذکور بالا را از این بیت سنائی : عمر دادم بجملگی برباد   برمن آمد زشصت صد بیداد
که در اوائل باب غفلة (پنجم ، حدیقه ، نسخه چاپی) زیرعنوان **فی تبدیل الحال بعدالکمال** میباشد استفاده نموده چرا که میدانیم سنائی بسال ۵۲۴ مشغول بنظم حدیقه بوده وبنابرتصریح در این بیت در این هنگام شصت سال داشته (۶۰ ـ ۵۲۴ = ۴۶۴) بنا بر این بسال ۴۶۴ متولد گردیده است .

تذکری که‌دراینجالازم‌ومداردانیست که‌دربعضی‌ازنسخه‌های‌خطی‌ونسخه‌چاپی‌حدیقه‌بجای‌**شصت** کلمه **شیب**‌نگارش یافته ولی‌مسلماً این کلمهٔ اخیرمصحف شصت‌میباشد چرا که بیت‌دیگری‌ازسنائی که‌در آغاز همین‌مبحث میباشد گذشته ازاینکه‌درنسخ کهنه‌وصحیح‌حدیقه‌صریحاً شصت‌نوشته‌شده، نیز شصت سالگی‌ویرامعین‌میکندو آن‌اینست: شیریك سالگیم کرد اثر ❋ پس چل‌سال گرد عارض‌وسر . ومراد شاعر اینست که یکسال شیر سفیدیکه خورده‌ام موی سیاهیکه ازبیست سالگی دراطراف صورت داشتم چون رنك خود سفید کرده است .

(۳) در سال وفات این شاعر شهیر چندین قول است (۵۲۵ و ۵۴۵ و ۵۷۶ و ۵۹۰) . متتبعین و دانشمندان ، بیشتر همین سال (۵۲۵) را که نگارندهٔ مقدمه ، حدیقه و مرتب کنندهٔ آن محمدبن علی‌الرقا معاصر وی (بامر پادشاه عصر بهرام شاه بن مسعود) تعیین نموده سال مرگ سنائی میدانند وعلامه تحریر آقای قزوینی درمتن وحاشیه خاتم الطبع تفسیر شیخ‌ابوالفتوح رازی (ص۶۳۵ ج ۵) دراین‌باب‌شرحی نگاشته واختلافات ودلیل تأیید این تاریخ را هم تذکرداده اند

(۴) شرح حال سنائی را در تاریخ گزیده (ورق ۲۹۴ و ۳۱۹ نسخه مدرسه) ، تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (ص ۶۲ ـ ۶۴ نسخه مدرسه) ، نفحات‌الانس (ص ۷۰۶ ـ ۷۰۷ نسخهٔ مدرسه) ، هفت اقلیم (ص ۲۵۳ نسخهٔ مدرسه) مجالس‌المؤمنین ص ۲۸۸ ـ ۲۹۶ (در مجلس ششم) ، حبیب‌السیر ص ۳۳ـ۳۴ جزء چهارم ازمجلد دوم چاپ‌هند ، کشف‌الظنون ج۱ ص ۴۲۷ـ۴۲۸ ، آتشکدهٔ آذر ، مجمع‌الفصحا ، ج ۱ ص ۲۵۴ ـ ۲۷۴ ، ریاض‌العارفین ص ۱۹۶ ـ ۲۱۰ ، سخن وسخنوران ج۱ ص ۲۶۷ ـ ۳۲۷ ومقالهٔ مفصل دانشمند معاصرآقای تربیت بنام مثنوی ومثنوی گویان ایران (ص ۵۴۱ ـ ۵۴۴ شمارهٔ ششم سال پنجم مجله مهر (سال ۱۳۱۶ شمسی) نگاه کنید که مأخذ این نگارش میباشد .

آفتاب جهانتاب برعالمیان آشکارنموده وهر کس بقدر لیاقت واستعداد خویش از آن بهرور میگردد ،

عارف شهیر مولانا جلال‌الدّین رومی باآن مقام و مرتبهٔ که در عرفان دارد خود را تابع وپیرو سنائی خوانده (عطار روح بودو سنائی دوچشم او ماازپی سنائی و عطار آمدیم) و مثنوی بی مانند خویش را بواسطهٔ آوردن و عنوان قرار دادن ابیاتی از سنائی در آن ، در حقیقت شرح بیانات ایشان معرفی نموده است .

سنائی در اوان جوانی بمداحی و هجوگوئی و غزلسرائی که لازمه این بخش از زندگانی ونا آزمودگی میباشد میپرداخته ولی نور عرفان چنانکه از آثار وی هویداست در اواخر عمر بردل وی تابیده و او را زنده جاوید ساخته است .

از آثار این حکیم یکی دیوان قصائد و غزلیاتست (در زیر عنوان دیوان سنائی معرفی میشود) ودیگری این مثنوی که « حدیقةالحقیقه وشریعةالطریقه »(۱) نامیده شده و دیگر « طریق‌التحقیق (۲) » و رسالهٔ « سیرالعباد الی المعاد » (۳) ، عشق نامه ، حکایت بهروز و بهرام (٤) غریبنامه و عقل نامه (٥) و کار نامه

(۱) در خود کتاب تصریحی از مؤلف در تسمیه این کتاب بدین نام نیافتم ولی در نزد دانشمندان بدین نام معروف و نیز آنرا « فخری نامه » میگویند ومحمدبن علی‌الرقا در ص ۹ مقدمه حدیقه (نسخه چاپ هند) این کتاب را بدین دونام معرفی کرده است .

(۲) طریق‌التحقیق بنا بر تحقیق آقای تربیت (در مقالهٔ مجلهٔ مهر) موسوم به **زادالسالکین** میباشد و بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در طهران و بمبئی چاپ شده و آقای قزوینی بیت آخراین کتاب را که دربارهای ازنسخ موجود وسال ٥۲۸ را معین مینماید محرف یامجعول دانسته ودلیلی برصحت آن نیافته اند .

(۳) این کتاب نظیر حدیقه میباشد و هدایت در ج ۱ مجمع الفصحا ص ۲٦۲ - ۲۷٤ تمام آنرا درج ومسلماً برحسب شمارهٔ دقیق هفتصد (۷۰۰) بیت است با مقدمه‌ای بقلم دانشمند محترم‌آقای سعید نفیسی بهمت کوهی کرمانی بسال۱۳۱٦ نیزدرطهران‌جداگانه چاپ‌شده ، دراین نسخه شمارهٔ ابیات۷۷٥ میباشد . وبنام **کنزالرموز** نیزنامیده میشود ودرهفت اقلیم کنزالرموزاز مؤلفات‌سنائی شمرده شده ولی ازسیرالعباد الی‌المعاد نامی نبرده واتحاد این دو نام‌را هم‌تذکر نداده است .

(٤) آقای تربیت در شمارهٔ ٦ مجله مهر سال پنجم (ص ٥٤۳) چند بیت از این مثنوی را نقل کرده اند .

(٥) نسخه ای از این کتاب در حرف عین همین فصل معرفی خواهد شد .

بلخ است(۱) ونیزاز آثارنثری این حکیم مقدمه ایستکه بردیوان خودنوشته وفهرست مطالب مندرجهٔ درآنرا آخرآن گذارده ونسخه ای از آن در کتابخانهٔ ملّی‌ملك درطهران موجود و نگارنده آنرا دیده وظاهراً خیلی نزدیك بزمان سنائی آن نسخه نگارش یافته است .

و دیگر مکتوبیستکه به بهرامشاه نوشته و از علمای غزنین شکایت‌نموده که نفهمیده این کتاب اورا برخلاف دین‌دانسته ، چراکه علی‌بن ابن ابی‌طالب ع را بردیگراصحاب ترجیح داده و دشمنان خاندان رسالت ص را بدگوئی نموده واز این پادشاه استدعای عدل وتوجه کرده و دو نسخهٔ (شمارهٔ ۳٤٥ و ۱۹٦) این کتابخانه آنرا شامل میباشد و دیگر از آثار نثری وی دیباچه حدیقه است که بنا بر تصریح محمدبن علی‌الرّقا سنائی در بامداد روز یکشنبه ۱۱ شعبان سال ٥۲٥ که پس از نماز شام آن روز رحلت نمود آنرا انشاء وابوالفتح فضل‌الله بن طاهر حسینی آنرا املاء نموده است .

جای‌تردید وشك نیست که تمام این دیباچه ومقدمه حدیقه انشاء سنائی نیست چراکه گذشته از طرز مطالب و معانی آن که خود شاهد بزرگی برمدعی میباشد در سطر ٦ از ص ٦ و ص ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ (نسخه چاپی) محمدبن علی‌الرّقا تصریح نموده که وی منشی آنست ، نگارنده براینستکه از آغاز دیباچه تااینجاکه گوید : روزی من که محمدبن علی‌الرّقا . انشاء سنائی واملاء سیّد مذکور است .

ازقطعه ایکه دردیوان سنائی موجود است، بدست می‌آید که درزمان حیات مسعود سعد سلمان متوفی بسال ٥۱٥(۲) سنائی بجمع و ترتیب دیوان وی مبادرت نموده و از اینکه در اثر غفلت اشعاری از دیگران را نیز در آن دیوان آورده

(۱) آقای تربیت این‌منظومه را مطایبه‌نامه سنائی معرفی کرده و گوید شبیه بمنظومهٔ مسعود سعد در همین موضوع میباشد ولی کمی بیشتر از آن که همه در وصف درباریان سلطان مسعود ثالث گفته شده است .

(۲) آقای قزوینی وفات این شاعر را در حواشی چهار مقالهٔ نظامی عروضی (ص ۱٤٥) محققاً دراین سال دانسته وگویند رساله ای درشرح حال این شاعرتألیف و ادوارد برون آنرا بانگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰٥ و ۱۹۰٦ در مجلهٔ انجمن همایونی آسیائی منتشر کرده است .

پوزش خواسته و آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱۴۲ - ۱۵۰) این کار سنائی را تذکر داده اند .

سنائی حدیقةالحقیقه را که شامل اشعار توحیدی و عرفانی و اخلاقی است و بنابرتعیین محمدبن علیالرّقا درمقدمه حدیقه وتصریح خود وی شماره ابیات آن ده هزار (۱) میباشد ، بسال ۵۲۵ بآخررسانید وانشاء آن ۱۳ ماه (۲) طول کشیده و در ده (۳) باب گذارده‌است .

نسخهٔ چاپی حدیقه باچهارنسخهٔ خطی از آن که در دست نگارنده است در تنظیم ابواب بایکدیگر مخالف ونگارنده نمیتواند یکیازآنها را ترجیح دهد وآنرا اصل قرار دهد ، در آخر مقدّمه نفیسیکهٔ نسخهٔ مجلس شورای ملی دارد وغیراز مقدّمه محمدبن علیالرّقا میباشد(۴) و درفهرست آنجا خصوصیّات آن نگارش خواهد یافت وظاهراً آن نسخه درقرن نهم هجری نگاشته شده ودرحاشیه برگ ۴ نسخه این کتابخانه که بسال ۹۲۰ نوشته شده فهرست ابواب حدیقه بدینگونه که زیراین سطرهامی آوریم تعیین گردیده ، ابیاتی درحدیقه موجود که دلیل برموافقت این ترتیب باخیال ناظم آنست و خود این ابیات میرساند که از سنائی میباشند :

باب اول بیان تحمید است   محض تنزیدو صرف توحیداست

(۱) در ذیل باب دهم درمعرفی از کتاب گوید :

آنچه زین نظم در شمار آمد   عدد بیت ده هزار آمد

(۲) در آخر حدیقه است :

شد تمام این کتاب در مه دی   که در آذر فکندم آن را پی
پانصدو بیست و چار رفته زعام   پانصدو بیست و پنج گشته تمام

(۳) حاجی خلیفه درص ۴۲۷ ج ۱ کشف این کتابرا شامل بیست باب معرفی وانشاء آن را بسال ۵۲۴ معین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف در ص ۱۵۰ ج ۱ عیناً اشتباه مذکور را نقل کرده اند .

(۴) بعضی تصور کرده اند که مقدمه نثری موجود درنسخه چاپی هند املاء خود ثنائی میباشد در صورتیکه نگارندهٔ آن محمدبن علی الرقا در چند جای از مقدمهٔ تصریح بنام خود کرده و گذشته ازاین طرز انشاء آن بخوبی میرساند که منشی آن غیراز سنائی ناظم کتابست و در این موضوع شرحی در ص ۴۹۵ نگاشته شد .

باب ثانی ثنا و نعت رسول(۱)   وآن بهر چار یار گشته قبول
باب ثالث (۲) زعقل گویم من   زآنکه گنجد در و مجال سخن
باب رابع (۳)زعلم وخواندن علم   گفت خواهم زروی دانش وحلم
باب خامس (۴)زعشق و تعبیرش   کزکجا تا کجا است تأثیرش
باب سادس (۵) زغفلت و نسیان   گرچه مستولیست بر انسان
باب سابع(۶)زحال دشمن ودوست   که بیابی هر آنچه سیرت اوست
باب ثامن (۷)زگشت افلاك است   که چنین جایزاست و ناپاك است
باب تاسع (۸) ثنای شاه جهان   آنکه دشمن ز تیغ اوست نهان
باب عاشر (۹) صفات این تصنیف   که نه بینی دیگرچنین تألیف

(۱) در نسخهٔ مجلس ونسخهٔ شمارهٔ(۳۴۷) این کتابخانه باب دوم در اوصاف قرآن معرفی گردیده درصورتیکه درآخراین باب این بیت : (چون بگفتی ثنای حق زاول   پس بگو نعت احمدمرسل) است که خود مؤید اتمام باب اول میباشد و در این باب پس از نعت و ثنای پیغمبر اکرم صلیالله علیه وآله وسلم بمدح وثنای خلفای چهارگانه (رض) وحسنین علیهماالسلام وامام شافعی وابوحنیفه (رض) و برخی دیگر از اصحاب پرداخته و در عین حال که از اظهار عقائد مذهبی خویش تقیه میکرده مطالبیکه موافق عقیدهٔ امامیه میباشد مندرج ساخته و پابست بودن خود را بآنها آشکار نموده است .

(۲) نسخهٔ چاپ هندوشمارهٔ (۳۴۵)این کتابخانه موافق این تقسیم ودرنسخهٔ (۳۴۷) این کتابخانه باب ۵ ودرنسخهٔ خطی مجلس باب چهارم درعقل است .

(۳) نسخهٔ چاپ هند وشمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه موافق این تقسیم **در علم** میباشد ولی نسخهٔ مجلس بعلّت مذکورعلم را درباب پنجم ذکرنموده ودرنسخهٔ شمارهٔ (۳۴۷) این باب‌چهارم را در مدح بهرامشاه که موافق تقسیم بالا باب نهم میباشد قرارداده است .

(۴) درنسخهٔ شمارهٔ (۳۴۷) این کتابخانه باب هفتم در عشق و صفت روح و درجات قلب معرفی گردیده ودرنسخهٔ چاپی باب ۸ در این موضوع میباشد ودرنسخهٔ مجلس بخشی از این باب درآخر باب اول نگارش یافته است .

(۵) در نسخهٔ چاپی و شمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه این موضوع در باب پنجم و در نسخهٔ شمارهٔ (۳۴۷) این کتابخانه در باب هشتم و درنسخهٔ مجلس در باب ۶ گذارده شده و این دونسخه ابیات زیادی که در آن دونسخه در آخر بابْ علم گذارده شده در آغاز این باب دارد .

(۶) در نسخهٔ چاپی این باب در حکم و امثال و زیر عنوان باب هفتم ثبت شده و در نسخهٔ شمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه نیز چون نسخه چاپی پس از باب نسیان است ولی در نسخهٔ شمارهٔ (۳۴۷)

(بقیه حاشیه درصفحه ۴۹۸)

چنانکه از مکتوب حکیم سنائی به بهرامشاه غزنوی ومکتوب منظومی که به برهان‌الدین به بغداد نوشته وراجع باین کتاب وصحّت مندرجات آن استفتاء کرده و آنچه محمدبن علی‌الرّقا درمقدّمه حدیقه نگاشته، برمی‌آید، پس از اتمام حدیقه و اطلاع جمعی برمندرجات آن (تصورمیکنم که اطباء و منجمین‌وعلماء که‌دردربار بوده و بیانات سنائی را در باب نهم در ذیل ثنای شاه مخالف منافع خود دیده، تمایل‌به تشیّع‌وعلاقمندی سنائی رابخاندان‌حضرت پیغمبر ص‌ع که‌ازاشعار حدیقه آشکار است بهانه‌نموده وخواسته‌اند که اورا آزار کنند، مکتوب و منظومه وی به بهرامشاه وبرهان‌الدین کاملاً صریح‌دراین مطلب میباشد) ناچارشده که‌نظر پادشاه ورئیس علماء اسلام (در آن دوره) را بخود جلب نماید، نسخه ای ازحدیقه را پاکنویس وبه بغداد پیش ابوالحسن علی‌بن ناصرغزنوی (برهان‌الدین) مشهور به **بریان** فرستاد تافتوی برصحت مندرجات آن دهد.

نگارنده ازمقدّمه محمدبن علی‌الرّقا استفاده میکند که درهمین روزها که سنائی این کار را انجام داد ونسخه را به بغداد فرستاد تب کرده وازاین جهان (تقریباً ۷ماه پس از انجام تألیف کتاب) بسرای باقی شتافت و دراین مقدمه استکه بامر بهرامشاه **رقا** از روی مسوّده ها بجمع وترتیب حدیقه پرداخته است.

(بقیه حاشیه ازصفحه ۴۹۷)

این کتابخانه و نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس این موضوع بعنوان باب ذکر نشده و در آخر باب افلاك (نسخهٔ مجلس ونهم نسخه شمارهٔ (۳۴۷) این کتابخانه) گذارده شده ونیز تمام آن ابیات نیست.

(۷) درنسخه چاپی و شمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس باب افلاك چنانست که درشمارهٔ (۶) گفته شد.

(۸) در نسخهٔ چاپی باب دهم و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه باب نهم و در نسخه شمارهٔ (۳۴۷) باب چهارم ودرنسخهٔ مجلس باب هشتم دراین موضوع معین گردیده و در این باب گذشته از مدح پادشاه ونصائح واندرز های سودمند بمدح و ثنای دولتشاه پسر بهرامشاه و صدور وامراء وبعضی از علما و وعاظ پرداخته وبرخی ازعالم نماها وشعرا ومنجمین‌واطبای دروغی را هم مذمّت وسرزنش و هجا کرده است.

(۹) در نسخه چاپی این موضوع در باب نهم و در نسخهٔ شمارهٔ (۳۴۷) باقسمتی از موضوع باب نهم (هجاء شعرا واطبا ومنجمین) بعنوان باب دهم ودرنسخه مجلس همین قسمت (معرفی از کتاب) بنام باب دهم معرّفی گردیده است.

سنائی خود از حدیقه انتخابی کرده ومجدداً برحسب خواست دوستان از آن انتخابی دگر نموده و این منتخب دوّم بشمارهٔ نامهای الّهی ۱۰۰۱ بیت میباشد وشاید مراد حضرت مولوی ازالهی‌نامه سنائی همین منتخب باشد وبنابرتصریح خود وی درماه مرداد که برحسب احتمال همان ماه آخرعمروی بوده این‌انتخاب بانجام رسیده وبسال ۱۳۱۶ قمری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان این‌منتخب را بنام جعلی «لطیفة‌العرفان» که‌بسلیقه‌خویش‌بر آن گذارده‌درطهران چاپ‌نموده ودیباچهٔ نثری بر آن نگاشته است.

تمام‌حدیقه بسال ۱۲۷۵ دربمبئی وباب اول آن بسال ۱۹۱۰ م باترجمه انگلیسی آن بقلم: .Magor. g. Stephenson در کلکته چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله ای درون‌پرور برون‌آرای * ای‌خرد بخش بی‌خرد بخشای الخ.

(۱۱۳۰)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه رابخط نستعلیق خالص‌بن کمال‌الدین‌بن محمود کرمانی بسال ۹۲۰ نگاشته، نویسنده ای در حاشیهٔ ص ۷۳۶ - ۷۴۱ شرح حال سنائی را از تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی و در حاشیهٔ ص ۷۴۶ تا آخر **عقل نامه** سنائی راکه درهمین فصل از آن معرفی خواهد شد نوشته، پشت صفحه نخستین و چند برگیکه پیش از آنست ابیاتی از سنائی و غیره و یادداشتهائی از مالکین سابق نسخه بفارسی و عربی و ترکی نگارش یافته و صفحات مجدول بطلا و عناوین باشنجرف و دارای یك سرلوح طلائی است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۳۷۹). صفحه ای(۱۵) سطر. طول (۱۸سانتیمتر). عرض (۱۲ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۴۷).

(۱۱۳۱)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب بخواست خواجه بیك در شهر هرات، عبدالرشید دیلمی بسال ۱۰۱۷ نوشته و از خطوط ممتاز میباشد، میان دو سطر آخر چند کلمه ای را محو کرده اند، مکتوب سنائی به بهرامشاه درآخر نسخه نگاشته شده، تمام صفحات مجدول‌بطلا و لاجورد وغیره میباشد ومیان سطرها طلااندازی شده وعناوین مطالب بامرکبهای

گوناگون برسرسوره هائی طلائی نگارش یافته ودر ابتداء نسخه سرلوح ظریف کوچکی است .

تمام برگها متن وحاشیه میباشد وبسیاری از آنها جابجا شده وباصفحه ها هم اگرچه مطابق میباشد نظم وترتیب آن درست نیست و نیازمند ترتیب و تنظیم درستی است .

جلد ساغری . کاغذ متن خان بالغ **حاشیه** ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۱۹) صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۹۶) .

(۱۱۳۲)

حدیقة‌الحقیقه این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، برگهائی از آن نونویس میباشد ، طرز نگارش حکم میکند که نویسندهٔ آن هندی و در اواخر قرن نهم نگارش یافته ، عناوین ابواب ومطالب در چندین جا غلط نوشته شده وطرز تنظیم آن تقریباً بانسخهٔ چاپ بمبئی مطابق ، مکتوب سنائی به بهرامشاه نیز در آخر نسخه میباشد و بالای صفحه نخستین **رضی** کتابدار شاهزاده بهمن میرزا پسر نائب السلطنه ، عباس میرزا ، بودن آنرا در کتابخانه این شاهزاده بسال ۱۲۴۸ یادداشت کرده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۴۵) .

[۴۹۸] حلبة‌الکمیت (عربی)

مؤلف این کتاب **نواجی** است که در ص ۷۲ - ۷۴ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم .

حلبة‌الکمیت (۱) چنانکه درمقدمهٔ آن مؤلف تذکرداده بنابخواست کسیکه

(۱) حلبه‌را (باحاء حطی وباء ابجد) درقاموس دسته ای ازاسبهای حاضر برای مسابقه معین‌نموده وعبارت آن اینست :
الحلبة بالفتح الدفعة من الخیل فی الرهان وخیل مجتمع للسباق . و کمیت اسب سرخ رنگ را گویند که مائل بسیاهی باشد ومؤلف خود دراوائل باب اول در ذیل بیتیکه لفظ کمیت در آنست گوید
(بقیه حاشیه درصفحه ۵۰۱)

مخالفت وی او را میسّر نبوده تألیف گردیده وشامل بیست و پنج باب وخاتمه ای بتفصیل زیرین بنثر ونظم میباشد :

باب اول - درنامهای شراب . **۲** - در وصف شراب ونخستین کس که آنرا درست کرده و موجب ساختن آن . **۳** - در طبایع و خواص آن . **۴** - در استعمال آن موافق رأی حکما . **۵** - درآنچه براستعمال کننده آنست ازحقوق منادمة و ادب ندیم . **۶** - درندمائیکه مؤلف آنها را می پسندد و مختصری از لطیفه گوئی های آنها . **۷** - دراحسان به ندما و جائزه ها وصله‌های آنها . **۸** - دراشعار نیکو وافکار بلند ندما . **۹** - درآنهائیکه بآشامیدن شراب اصرار دارند . **۱۰** - در نثر ونظم هائیکه ادبا درخواستن شراب انشاء کرده اند . **۱۱** - در وصفهائیکه از آن باعبارات فصیح وبلیغ وتشبیه های تازه وخوب گردیده . **۱۲** - دروصف ساقی وادب او . **۱۳** - در وصف مجلس بزم و آلات و ادوات آن . **۱۴** - در وصف نواهـا و آلات و ادوات آن . **۱۵** - در وصف شمع و فانوس و اقسام چراغها . **۱۶** - در وصف مجلس انس پس از اتمام و ترتیب وانتظام آن وملحقات بآن . **۱۷** - در وصف هریك از اقسام گلها و ریاحین ومیوه ها . **۱۸** - در وصف عمومی ازآنها وبحث در اطراف بهار . **۱۹** - دروصف جوی ها و گودالهای آب وچرخهای چاه و استخر ها و فواره ها . **۲۰** - در وصف رود نیل مصر و گردش گاههای آن بنظم ونثر . **۲۱** - در مناظر طبیعی شهرها . **۲۲** - درنسیم ولطافت آن . **۲۳** - درآواز کبوترها و کبوتران چاپار . **۲۴** - در وصف ابر و رعد و برق و آفتاب وماه و ستاره وبامداد وجزاینها . **۲۵** - در اشعار مطوّله دراوصاف گلها وبهار وغیراز اینها .

خاتمه در توبه واخلاص ومذمت شراب و دور کردن طبایع از آن .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۸۲۴ تألیف آن بآخر رسیده وابن حجه حموئی (تقی‌الدّین) برآن تقریظی نوشته و دوبار بسال ۱۲۷۶

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۰۰)
در لفظ کمیت اینجا توریه است و از همینجا نام کتاب را حلبة الکمیت گذارده ام چرا که میدان مسابقه ای (اسپرس) برای شعرای رشید است (لما کان مضماراً لفحول الشعراء ومجری سوابق افکارهم فی التشابیه الخمریه) و در شذرات و کشف‌الظنون نوشته شده که مؤلف نام این کتاب را « الحبور والسرور فی وصف الخمور » گذارد ، دوستان را این نام خوش نیامد و گویند که مؤلف دچار مرض ومحنت گردید از اینرو نام آنرا بر گردانید وبدین نام نامید ؟ ! .

ودر کشف‌الظنون ازالضوءاللامع نقل گردیده که دراثراین تألیف یکی از شعرا زنده ومردهٔ وی را هجا نمود ونام آنرا « قبح الاهاجی فی النواجی » گذارد و هنگامیکه نواجی در بازار کتاب فروشها نشسته بود بدست یکی از دلالهای کتاب داد برهمه عرضه داشت تابه نواجی رسید در آن مطالعه نمود وخواست که آنرا نگاهدارد صاحب آن از دلال آنرا بازخواست و نزدیك بود از این پیش آمد نواجی هلاك شود .

و ۱۲۹۹ چاپ گردیده و ازلحاظ ادبیّت مجموعه ای نفیس است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذّی ادار کؤس الادب علی اهل الادب الخ .

(۱۱۳۳)

حلبة الکمیت این نسخه رابسال ۱۰۷۹ بخط نسخ علی یحی علی (کذا) حدید حسینی نوشته و تقریظ نامبرده پشت آخرین صفحه نسخه میباشد وچند برگ اوّل نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۰) .

(۱۱۳۴)

حلبة الکمیت این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را ننگاشته ازطرز خط و کاغذ مسلم استکه در اواخر قرن سیزدهم نگارش یافته وصفحات مجدول بطلا ولاجورد است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۱) .

[۴۹۹] ختم الغرائب (فارسی)

حکیم خاقانی شروانی که درص ۴٦۰-۴٦٦ بمعرّفی وی و آثارش پرداخته ایم ، بنا برنسبت دادن نویسنده نسخهٔ زیرین منظومه ای بوزن مثنوی بنام **ختم الغرائب** انشا نموده و جز نسخهٔ زیرین و نسبت دادن نویسندهٔ آن با جستجوی زیاد در کتب سِیر وتذکره ها وفهرستها چنین نسبت و آثاری از نسخه ای از آن نیافتم جزاینکه مجموعه ای که بسال ۱۰۳۵ نگارش یافته دراین کتابخانه زیرشمارهٔ (٦۰۰) موجود است و بمناسبت اینکه در ابتداء آن دیباچه تحفة العراقین را کاتب بنام **دیباچه ختم الغرائب** معرّفی نموده دردفاتر مدرسه بنام ختم الغرائب ثبت وبهمین نام وقف گردیده است ومسلّماً این نام بغلط براین نسخه گذارده شده و باتتبّعیکه دراین موضوع نگارنده نموده تحفة العراقین بدین نام (ختم الغرائب) نامیده نشده واین جمله غلط احتمال را قوی میکند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته

از این راه طرز فکر وانشاء این منظومه که در تقلید حدیقهٔ سنائی میباشد صحت انتساب آنرا بخاقانی تأیید میکند :

برای اثبات مدعی چند بیت از آنرا دراینجا می آوریم :

فی حدوث العالم

اینها همه محدث اند و مجبور	در قبضهٔ قهر اسیر و مقهور
خلاق همه یکی قدیم است	رزاق همه یکی عظیمست
جبار مهیمن روان بخش	قهار قدیم ذات جان بخش
معبود جهان خدای بی عیب	بل جاعل عین و خالق غیب
از علت ناقص است صنعت (کذا)	پس مردم کاملست عایت (کذا)
تا کاملکی که آرد از خاك	زینگونه هزار آدم پاك
سبحان الله چه جای این است	کو ایزد ایزد آفرین است
گر ایزد نافریده بودی	کی آدم بر گزیده بودی
گر دست تو را خدای عالم	در عالم کدخدای آدم
نه خانه نه کدخدای ماند	کد نیست شود خدای ماند
چون خانهٔ کدخدای دیدی	کدنیست شد و خدای دیدی
چون خانه و کدخدای خود نیست	در خانه بجز خدای خود نیست

بدبختانه فقط قسمتی ازاین مثنوی به نسخه ای از تحفة العراقین (درص ۴٦۸ از این نسخه زیر شمارهٔ ۱۱۱۰ معرّفی گردیده) پیوسته و (٦۴۴) بیت بیشتر نیست .

آغاز : بسمله بر کرّهٔ خاك تنگ میدان کم باش چو گوی اسیر چوگان .

انجام نسخه: آب از تشنگی روانست ور گرسنهٔ شفات نانست

ازپاصفحهٔ آخرین صفحه معلوم میشود که دراین نسخه برگهای دیگری بوده واز میان رفته است .

(۱۱۳۵)

ختم الغرائب این نسخه پیوسته به کتاب شمارهٔ (۲۷۲) کتابخانه میباشد که ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نوشته شده و در ص ۴٦۸ و ۴٦۹ زیر شمارهٔ (۱۱۱۰) آنرا معرّفی کرده ایم ، خصوصیّات دگر را بآن صفحه مراجعه فرمائید .

[٥٠٠] خریدة القصر و جریدة اهل العصر (عربی)

مؤلف این کتاب عماد کاتب اصفهانی است (ابوعبدالله عمادالدّین محمدبن محمدبن حامدبن محمد ٥١٩ - ٥٩٧) (١) که از مشاهیر ادباء نامدار و وزرای والاتبار و در فقه شافعی صاحب اجازه بوده و درعلوم ادبیّه و خلاف دستی قوی یافته ، تولّد وی در اصفهان شده و در بغداد کسب کمال نموده و در دمشق مورد توجه و عنایت نورالدین قرار گرفته و او را برسالت به بغداد پیش المستنجد فرستاده و چون بدمشق برگشته تدریس مدرسه ایکه بنام خود او (مدرسهٔ عمادیّه) مشهور میباشد بوی داده شد و پس از آن عماد را در محفل اشراف دیوانیان و وزراء وارد نمود و پس از نورالدین اسمعیل پسر وی بجای پدر نشست رقبا پادشاه را بدو بدگمان کردند عماد ناچار شد ، همه مقاماتیکه داشت ترك کرد و روی ببغداد آورد چون بموصل رسید در آنجا ناخوش شد در همین ایام شنید که **صلاح‌الدین** پادشاه مصر برای تسخیر دمشق حرکت نموده ، عماد از رفتن به بغداد منصرف شد و بطرف دمشق برگشت ، درماه شعبان سال ٥٧٠ درهنگامیکه سلطان صلاح‌الدین در حلب بوده و قلعه حمص را تصرف کرده بپادشاه نزديك شد و قصیده ای طولانی انشا و بعرض رسانید ، مورد عنایت و قبول گردید و در حضر و سفر ملازم و مدّاح شد و بالاخره پس از نزديك شدن زیاد به این پادشاه مقام وزارت یافت و تاآخر زندگانی صلاح‌الدین خوشی وعظمت عمادالدین هم بآخر رسید و ابن خلکان گفته « پس ازمرك وی دری را برخود بازندید و گوشهٔ خانه نشست وبتألیف وتصنیف مؤلّفات ممتاز پرداخت » وازمؤلّفات اوست : **البرق الشامی** (این کتاب بنابرمعرّفی ابن خلکان ، در تاریخ وهفت مجلّد است و در ابتداء شرح حال مؤلّف و کیفیّت حالات وی و انتحال خود را از عراق بشام تااواخر زندگانی وادبار روزگار بوی پس ازصلاح‌الدین مندرج ساخته و از کتب تواریخ مفصله است) ، **دیوان** رسائل فارسی ، **دیوان** رسائل عربی **دیوان شعر** درچهار مجلّد ، **دیوان** دوبیتی (رباعی)،

(١) و نیات الاعیان ج ٢ ص ٧٤ - ٧٦ ، شذرات الذهب ج ٤ ص ٣٣٢ - ٣٣٣ معجم المطبوعات ص ١٣٧٥ مأخذ نگارش این مطالب است .

نصرة الفتره و عصرة القطره(١)(دراخبار وتاریخ سلجوقیان میباشد و مختصر آن بنام زبدة النصره و نخبة العصره در لیدن بسال ١٨٨٩ م چاپ شده و حاجی خلیفه در ج ٢ کشف ص ٧ وص ٦٠٢ این مختصر رانیز تألیف خود عمادالدین کاتب معرّفی نموده و در مصر بسال ١٣١٨ بنام تاریخ دولة آل السلجوق تألیف عمادالکاتب اختصار شیخ امام فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی چاپ شده است)، الفتح القدسی فی الفتح القدسی (ابن خلّکان در وفیات الاعیان نام این کتاب بدینگونه که نقل شد ثبت گردیده و گوید که در دو مجلّد و شامل شرح فتح بیت المقدس میباشد و حاجی خلیفه در ص ٢١٩ ج ٢ کشف گوید : « القدح القسی فی فتح القدسی در دو مجلّد تألیف عماد کاتب . . . میباشد و در خطبه آن مدح ناصر الدین احمد بن المستضیىء بالله عباسی و صلاح‌الدین یوسف را نموده واین نام برپشت نسخه نوشته شده لیکن خودوی گفته که آنرا الفتح القدسی نامیدم و برقاضی فاضل آنرا عرضه داشتم مرا گفت آنرا « الفیح القسی فی الفتح القدسی » نام گذار » .

و دیگر از مؤلّفات وی خریدة القصر وجریدة اهل العصر است .

این کتاب که مؤلف آنرا **خریدة القصر وجریدة اهل العصر** نامیده یکی از مشهور وشامل شرح حال و آثار ادبا وشعرای قرن ششم هجری (ازسال ٥٠٠ تا ٥٧٢)(٢) که مؤلف آنها را دیده و یا بیك واسطه از آنها شعر بلیغ ویانثر سلیس شنیده) میباشد و مؤلف درحقیقت آنرا ذیل « زینة الدهر وعصرة اهل العصر » تألیف ابی المعالی سعدبن علی ورّاق خطیری متوفی بسال ٥٦٨ که آن نیز ذیل بر **دمیة القصر**

(١) در وفیات الاعیان نام این کتاب بدین املاء و در کشف الظنون فتره و فترهبا تاء و در معجم المطبوعات فتره وقطره ضبط گردیده واین آخیر صحیح بنظر می آید .

(٢) ابن خلکان تصریح نموده که این کتاب شرح حال دانشمندانی استکه درسالهای ٥٠٠ تا ٥٧٢ وفات یافته و یا در قید زندگانی بوده اند ، مراجعهٔ به نسخه این کتابخانه هم مؤید ایشانست و از عبارت زیرین که در ذیل معرّفی وشرح حال ابو المحاس شنجی نوشته معلوم میشود که تألیف این کتاب هم بسال ٥٧٢ بوده وآن جمله اینست : وسمعت الان فی سنة اثنین وسبعین انه موسوم بالعطله الخ . مؤلف کشف الظنون درص ٤٦١ ج ١ گوید تاسال ٥٩٢ اثنین وتسعین وخمسائه را در این کتاب ثبت نموده ولی چنانکه دانستیم جلد اول را مسلماً درسال ٥٧٢ مینوشته ومکرر تصریح بسالهای پیش از سال مذکور (٥٧٢) را در این مجلّد کرده است .

وعصرة اهل العصر(۱) باخرزی متوفی بسال ٤٦١ که این نیز ذیل **یتیمة الدهر** ثعالبی متوفی بسال ٤٢٩ یا ٤٣٠ میباشد، قرارداده ویتیمة الدهر ذیل **البارع** تألیف هارون بن علی منجم متوفی بسال ٢٨٨ میباشد واین کتاب اخیر، نخستین مؤلفهٔ بدین طرز استکه نخبه‌ای از آثار نظمی ونثری گروهی در آن گرد شده ونویسندگان ومؤلفین نام بردهٔ بالا مؤلفات خود را بتقلید وی ساخته‌اند. و نیز بر خریدة القصر ذیلهائی نوشته شده است.

چنانکه ابن خلکان تصریح نموده مؤلف خود نخستین کس میباشد که بنام «السیل علی الذیل»(۲) بر خریدة القصر ذیلی نگاشته وما در ذیل معرّفی از «سلافة العصر» از آنانکه بر این کتاب ذیلی نگاشته اند و از آن مؤلفات نام خواهیم برد.

خریدة القصر چنانکه ابن خلکان و پس از وی حاجی خلیفه گفته اند در ده مجلّد تألیف گردیده وصاحب شذرات الذهب (ج ٤ ص ٣٣٣) گوید که چون عماد کاتب این کتاب را در هشت مجلّد تألیف نمود آنرا پیش قاضی فاضل (عبدالرحیم بن علی بن حسن لخمی بیسانی عسقلانی مصری ٥٢٩ - ٥٩٦(۳)) فرستاد قاضی بدان وقعی نگذارد وگفت دو جلد دیگر آن کجاست چرا که مؤلف، آنرا **خریده** نامیده وباین تعبیر کتاب را و آنانکه در وی نام برده شده اند تحقیر کرده است.

بنابراینکه این داستان راست باشد این کتاب در هشت مجلد تألیف گردیده و و چون تا اینجا که نگارنده تحقیق کرده ام نسخهٔ کاملی از آن در دست نیست نمیتوان تقسیمات آنرا از روی قطع و یقین تعیین نمود ولی از اینکه «عودالشباب» که مختصر خریدة القصر میباشد و زیر این سطرها مختصراً بمعرفی آن خواهم

(۱) حاجی خلیفه درص ٤٦٠ ج۱ کشف الظنون مدعی شده که خریدة القصر ذیل بر «زینة الدهر فی عصرة اهل العصر» تألیف ابی المعالی سعدبن علی وراق الخطیری متوفی بسال ٥٦٨ (نام مفصل کتاب ومؤلف وتاریخ فوت اورا درص ١٧ ج٢ معین کرده ودرص ٤٦٠ مختصراً آنرا نام برده است) میباشد که آن ذیل بر دمیة القصر وآن ذیل یتیمة الدهر واین ذیل **البارع** تألیف هارون منجم است ولی مؤلف در مقدمه زینة الدهر را نام نبرده و اشکال مؤلف فهرست دارالکتب وارد نیست.

(۲) ابن خلکان گوید: شنیده بودم که این کتاب را عمادالدین ذیل بر کتاب «الذیل» تألیف ابن السمعانی که ذیل تاریخ بغداد خطیب میباشد، تألیف نموده ولی چون آنرا دیدم دانستم که ذیل بر کتاب خریدة القصر خود مؤلف است.

(۳) شرح حال این دانشمند را در ص ٣٢٤ - ٣٢٧ ج ٤ شذرات نگاه کنید.

پرداخت، شامل چهار قسمت میباشد و در مقدمهٔ خریده مؤلف گفته که آنرا به اقسامی چند تقسیم نموده ام: (وقد قسمت هذا الکتاب اقساماً) و قسم اول درفضلاء بغداد ونواحی آن میباشد، چرا که آنشهر مرکز ودارالخلافه است (وبهمین مناسبت درابتداء آن بشرح حال وآثار چند تن از خلفاء عباسی که معاصر ویا نزدیك بعصر مؤلف بوده اند مبادرت گردیده). وچنانکه از نسخهٔ این کتابخانه برمی آید قسم اوّل در دو جزء بوده و جزء اوّل از قسم اوّل در اواسط شرح حال وآثار ابو عبدالله البارع بن الدباس النحوی بآخر میرسد و اوّل جزء دوم قصیدهٔ ضادّیه البارع نحوی مذکور میباشد. ظاهر اینستکه هر یك از اقسام چهارگانه را به دو جزء تقسیم نموده، بنابراین تمام کتاب در هشت جزء خواهد بود واین موافق آنستکه صاحب کشف الظنون وشذرات الذهب تعیین کرده اند.

علی بن محمد معروف به **رضائی رومی** متوفی بسال ١٠٣٩ خریدة القصر را مختصر نموده وبنام **عودالشباب** معروف میباشد وحاجی خلیفه در ص ج ٢ کشف زیر عنوان عودالشباب گوید که بنابر تسمیه خود وی این مختصر خریده «الشهاب بطرد الذباب» نام دارد و آغاز آن اینست: الحمد لله الذی حمده عنوان کل جریده الخ.

دو نسخه از عودالشباب در کتابخانه برلن موجود و درص ٤٨٩ - ٤٩١ ج ٦ فهرست کتب عربی آن کتابخانه معرفی کامل از آن گردیده و فهرست اقسام و ابواب آنرا مفصلاً معیّن کرده اند وما مختصری از آنرا دراینجا می آوریم:

قسم اول: درفضلاء بغداد وتوابع آن (در ١٢ باب). **قسم دوم:** درفضلاء عجم وفرس (در ٢ باب). **قسم سوم:** درفضلاء معاصر و نزدیك بزمان مؤلف در دمشق (در ٥ باب). **قسم چهارم:** در فضلاء مصر وتوابع آن وبلاد مغرب (در ١٠ باب).

بنابراین عودالشباب در ٢٩ باب میباشد وچون این کتاب مختصر خریدة القصر است بایستی ابواب خریدة القصر نیز ٢٩ بوده باشد.

چنانکه بالای این سطرها نگاشتیم نسخهٔ کاملی از خریدة القصر در دست نیست

و چنانکه از مندرجات ص ۹۳ ج ۳ فهرست دارالکتب العربیّه بدست می آید نسخهٔ آن کتابخانه عکس نسخه ایستکه در کتابخانه اهلیّه پاریس وجود دارد و فهرست آن اجزاء را از آنجا نقل کردن کمکی به شناختن تقسیمات کتاب و مندرجات آن مینماید و آن اینست :

(نسخه عکسی دارالکتب شش جزء و در شش مجلّد است)

مجلد اول شامل محاسن شعراء عراق : بغداد ، واسط و بصره میباشد و در شرح حال حریری صاحب مقامات بآخر میرسد (از این عبارت معلوم میشود که از آخر این مجلّد نقص دارد) .

مجلد دیگر شامل محاسن شعراء مصر میباشد و از اول افتاده دارد .

دومجلد دیگر که پشت سر یکدیگر میباشند شامل محاسن شعراء شام وفلسطین وموصل وحجاز ویمن است و در آخر آنها اتمام قسم سوم کتاب یادداشت گردیده (از فهرست عودالشباب نیز استفاده شد که قسم سوم شامل محاسن شعراء شام است) .

دومجلد دیگر که اول آنها نوشته شده : « **الباب الاول من القسم الثانی من القسم الرابع** » در محاسن شعراء جزیرهٔ صقلیّه استکه جزء مغرب (اندلس) میباشد و در محاسن شعراء مغرب نزدیك : (قیروان و افریقا) و گروهی از اهالی مغرب استکه بشام آمده اند و گروهی از ایشان را سمعانی در ذیل اصحاب حدیث نام برده و دسته ای از آنها که بمصر وارد شده اند و ذکر اعیان مغرب اقصی و اندلس و شعرائیکه در کتاب فتح بن خاقان (قلائدالعقیان) نام برده شده اند و غیر از اینها .

ودر فهرست نام برده این دو مجلّد اخیر را بنام : **المجلد الحادیعشر والثانی عشر وهو آخر الکتاب** معرّفی کرده و ظاهر اینستکه این عبارت عین آنستکه بر نسخه اصل موجود در کتابخانهٔ پاریس نوشته شده و با آنچه پیش گذشت این تعبیر را نمیتوان درست دانست .

آغاز : بسمله (۱) الحمدلله مودع ارواح المعانی اشباح الالفاظ الخ .

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه پس از بسمله است : قال الشیخ الامام العالم الفاضل الرئیس الاوحد الامجد صدر الشام والعراق ذوالبلاغتین عمادالدین محمدبن محمدبن حامد الاصفهانی الکاتب رحمه الله تعالی : الحمدلله مودع ارواح الخ .

(۱۱۳۶)

خریدة القصر این نسخه شامل قسم اول کتاب (در محاسن شعراء بغداد و نواحی آن) بوده ، برگهائی از میان و آخر آن افتاده ، در جاهای افتاده دار برگهای ننوشته ای گذارده شده ، از طرز کتابت و کاغذ احتمال میدهم که در قرن نهم هجری نگارش یافته، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی از مالکین پیشین نسخه موجود و پیش ترین تاریخی که ثبت گردیده بسال ۱۰۹۹ بوده و از یادداشت دیگریکه بسال ۱۱۳۲ مرقوم گردیده معلوم میشود که در آنسال این نسخه در دمشق بوده و اوراق نسخه آب دیده ولی خطوط آن محو نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲٤۸) . (۱۲ ورق ننوشته است) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۳) .

[۵۰۱] خمسه حسینی = اشتر نامه و وامق و عذرا (فارسی)

این مثنوی از آثار حسینی است (حاج محمد حسین بن محمد حسن مجتهد ۱۱۸٤(۱) - ۱۲٤۹) (۲) که اصل ایشان از قزوین ولی در کربلاء معلّی متولّد شده و چون پدر(۳) ایشان در شیراز رحل اقامت انداخته و به بحث و تحقیق اشتغال

(۱) در مآخذیکه برای نگارش این شرح در دست نگارنده بود تصریحی برای سال تولد حسینی نیافتم ولی در آلهی نامه (۱۰۰ بیت بآخر مانده) که بسال ۱۲۲۹ منظوم گردیده گوید :

چل و پنجسالت بباطل گذشت بباطل بی خدمت دل گذشت

بنا بر این تولد وی بسال ۱۱٤۸ بوده است .

(۲) بامراجعهٔ بمقدمهٔ خمسه حسینی چاپ‌شده که نگارش خلیفه وبرادر زادهٔ ایشان آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاستین قطب کنونی سلسلهٔ نعمت اللهی دام عمره میباشد و طرائق الحقائق ج۳ ص۱٦۰ و مجمع الفصحا ج۲ ص۹۵ - ۹۸ این شرح نگاشته شده است .

(۳) در ص۵٦۱ ج ۱ این فهرست شرح حال مختصری از حاج محمد حسن اصولی پدر حسینی را بمناسبت یکی از مؤلفات وی نگاشته ام و در آنجا بتقلید صاحب روضات وفات ایشان بسال ۱۲۳۰ (وکانت وفاته فی العشر الثالث من هذه المائه) ثبت گردیده ولی آقای ذوالریاستین درمقدمه خمسهٔ حسینی ومرحوم نائب الصدر درص۱۵۳ ج ۳ طرائق الحقائق وفات اصولی را بسال ۱۲٤۰ ثبت نموده‌اند و چون این دو نویسنده از خویشان و نزدیکان آنمرحوم میباشند و گفته اند « اهل البیت ادری بما فی البیت » قول ایشان متبع است بنا براین آن تاریخ مستفاد از روضات غلط و بایستی اصلاح شود و تذکر دیگر اینکه غلط درصفحه گذاری روضات موجب شده که درص۵٦۱ ج ۱ فهرست بجای ص۱۸۰ ص۱۰۸ ثبت گردد ، بایستی این غلط نیز اصلاح شود .

یافت و آنجا را وطن ساخت ، خانواده را از عراق عرب خواست ، این فرزند نیز بشیراز آمد وبابهره هائیکه ازمعلومات معقولی و منقولی داشت بسیر و سلوك راغب گشت ودرطلب کاملی که اورا دستگیرشود این‌طرف وآنطرف وباین‌دیار و آن‌دیاررفت، دستش بدامن‌بزرگی که‌اورادستگیرشود، نرسید، بشیراز باز گشت، دراین‌هنگام حاج‌میرزاابوالقاسم‌متخلص به **سکوت** اورا ارشادودستگیری‌نمود .

پس ازوفات پدر که درشیراز عالم ومقتدا بود ، رئیس‌اهل‌شریعت وطریقت گشت وذوالریاستین حقیقی گردید .

افکاری بلند و قریحه ای سرشار داشته و بنظم قصائد و مثنویها میپرداخته و**حسینی** (۱) تخلص میجسته وخمسه وی که شامل‌مطالب عرفانی‌میباشد عبارت‌است از : الٓهی نامه ، اشترنامه ، مهروماه ، وامق وعذرا و**وصف‌الحال** وشرحی بفارسی بردیباچهٔ دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی(۲) نگاشته است .

ازاین خمسه اشترنامه ، وامق وعذرا ومهروماه آن ازسال ۱۳۲٤تا۱۳۲۸ در شیراز چاپ شده و در حدود ....۲۰ بیت است . و نسخه ای از الهی نامه (۳) و وصف‌الحال که تاکنون چاپ نشده در کتابخانه آقای ذوالریاستین (حاج میرزا عبدالحسین) موجود و درحدود ۹۲۰۰و...۷ بیت شعر دارند .

درمجمع‌الفصحا ازهریك ازاین خمسه انتخابی گردیده ومؤلف ملاقات خود را باحسینی تذکّرداده و گوید قصائد وغزلیاتش مفقود گردیده است.

آغاز : اشترنامه : بسم‌الله الرّحمن الرّحیم قادر غفار و قدیم و قدیم . تاکه‌نشان‌ازدل‌وازدلبراست نام‌خدا زینت هردفتراست .

(۱) این‌خانواده انتساب بحضرت‌امام حسین‌علیه‌السلام ندارندوتخلص‌حسینی بمناسبت نام ناظم‌استکه محمد حسین بوده .

(۲) شرح‌دفاترششگانه مثنوی پیش ازخمسه چاپی پس از مقدمهٔ آن چاپ گردیده است .

(۳) در آخر الهی نامه گوید : ز تاریخ اگر بایدت یادگار بگوشد حسینم بدار القرار واین‌مصرع‌اخیر سال۱۲۲۹ را معین میکند درصورتیکه کلمه بگورا نیز حساب کنیم‌چراکه اگر آنرا درحساب نیاوریم سال ۱۲۰۱ بدست می‌آید و میدانیم‌که در این سال پدرحسینی از عراق به ایران نیامده‌بوده واشعار الهی نامه دروصف میرزا ابوالقاسم سکوت بهترین‌شاهد استکه پس‌از آمدن به شیراز و تشرف خدمت مرشد منظوم گردیده است .

آغاز الهی نامه : بنام خداوند بالا و پست که مخموراویندهشیارومست .
» وامق‌وعذرا : ای بنامت افتتاح نامها ای بیادت گرمی هنگامها .
» مهر و ماه : خداوندادلی‌دەسوزدرسوز بطورعشق‌بازی آتش‌افروز .
» وصف‌الحال : لله الحمد خالق المتعال برخلائق رئوف درهمه حال .

(۱۱۳۷)

(خمسه حسینی) وامق وعذرا واشترنامه

این‌نسخه بخط نسخ بدون تاریخ ونام نگارنده نگارش یافته، ظاهراً در نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری نوشته شده ، بسال ۱۲۹۵ بنام‌دیوان‌شاه‌نعمت‌اللّه‌ولی‌داخل کتابخانه‌اعتضادالسلطنه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه و در دفاتر ثبت شده وپشت صفحهٔ‌نخستین یادداشت گردیده ومسلماًوامق وعذراواشتر نامه حسینی‌است ولی درحدود ...۱۰ بیت ازاول اشترنامه ص ۱۸۰ - ۲۰۲ خمسه چاپی‌ازسطره) ودرحدود ۱۳۰ بیت ازآخراشترنامه موافق‌نسخه چاپی (ص۲٦۳ سطر۱۸ تاآخر کتاب) افتاده دارد وپس‌ازآخرین بیت نسخه (صدره اگرطی کنی این‌مرحله ☆ بازبجوئی پی‌این قافله) مناجات نامه ایکه آغازآن : الهی‌برندان دردی کشت ☆ که‌مستند ازبادهٔ بی‌غشت . وانجام‌آن: دهدتاتن من‌زدرماندگی☆بدرخواندگی یازدر راندگی . میباشد موجود ومسلماً نیز ازحسینی میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه ای(۱۵)سطر . طول ($\frac{1}{2}$۲۰ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۵) .

(۱۱۳۸)

(خمسه حسینی) وامق وعذرا واشترنامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ، اشترنامهٔ آن عیناً نسخهٔ پیشین از اول وآخر ناقص و پس‌از آن مناجات نامهٔ نام برده موجود ومسلماً نسخهٔ بالارا ازروی این‌نسخه نوشته اند ، برگ نخستین نسخه که شامل‌هشت(۸) بیت‌از وامق وعذرابوده بواسطهٔ داشتن سرلوح برداشته شده ، در اوّل اشتر نامه

سرلوح مختصر زیبائی میباشد ، اطراف صفحهٔ نخستین فعلی و دو صفحهٔ اول اشترنامه نقاشی شده ، تمام برگها مجدول به اکلیل ولاجوردوپشت آخرین برگ این نسخه را بنام وامق وعذرا معرفی وسال ۱۲۸٤ درذیل آن ثبت گردیده است .

جلد میشن ، کاغذ فرنگی ، واقف سپهسالار ، قطع ربعی ، شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳٦) .

[۵۰۲] خمسه خواجو (فارسی)

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن‌علی کرمانی متخلص به **خواجو** (۱) (٦۸۹-۷۵۳) از اکابر شعرا و سخن سنجان زبان فارسی بوده وچنانکه خود در اواخر « گل و نوروز » معین نموده در ۲۰ ذیحجه سال ٦۸۹ (۲) در کرمان متولد شده

(۱) تاریخ گزیده که در حدود سال ۷۳۰ تألیف گردیده و بنا براین مؤلف آن معاصر خواجو بوده درفصل ششم ازباب پنجم (۸۱۸ چاپ عکسی) درزیرعنوان مشاهیر شعرای فارسی گوید : خواجو کرمانی شعر نیك دارد **منها**: نی‌زدود دل پر آتش‌ما می‌نالد ❊ تومپندار که از باد هوا مینالد الخ . وازآثاروحالات او چیزی بدست نداده ودرهفت اقلیم (ص۲۲٦ مدرسه) ومجالس‌المؤمنین (ص ۵۱۹ - ۵۲۳) وتاریخ مفصل ایران (قسمت مغول) آقای اقبال ص ۵٤۸ - ۵٤۹ ومقدمه دیوان‌خواجو (صنایع الکمال) ومقدمه روضة الانواربقلم‌آقای حسین‌مسرور وشمع انجمن ص۱۳۹ و هفت آسمان ص ٧٦ و تذکره دولتشاه و مجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۱۵ و ریاض‌العارفین ص ۷۲ و طرائق‌الحقائق ج ۳ ص ۲۹۲ وفهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم اعتصام ص ۲۳۲و۲٤۷ مقدمه آقای سعید نفیسی برمنتخبات اشعار خواجو (کوهی کرمانی بسال ۱۳۰۷ ش منتشر کرده) وخمسه خواجو مآخذ نگارنده بوده اند .

(۲) خواجو دراواخر گل و نوروز تولد خود را چنین معین نموده :

شب روز الف از مه شده کاف ❊ فکنده آهوی‌شب نافه از ناف
رسیده ماه ذوالحجه بعشرین ❊ پیام آورده گردون خشت زرین
زهجرت ششصد و هشتاد و نه سال ❊ شده پنجاه روز از ماه شوال
من از کتم عدم برداشتم راه ❊ سمن زار وجودم شد چرا گاه

بنابراین تصریح واینکه در ابیات دیگر میان دوبیت اخیر این سال را مطابق ۱٦۱۰رومی و ٦۵۹ یزد جردی و ۲۱۲ مطابق زیج ملکشاهی دانسته مسلماً تولد وی بسال ٦۸۹ و درماه ذیحجه بوده نه در پنجم ماه شوال و سال ٦۷۹ که در فهرست ریو ثبت گردیده و مراد از پنجاه روز ازماه شوال گذشته باقرینه بیت سابق وطرز تعبیر نیز۲۰ ذیحجه خواهد بود نه پنجم شوال . و برحسب توجه دانشمند محترم‌آقای جلال همائی استاد دانشگاه طهران این‌سنوات مطابق۱٦۰۲ رومی است و نویسندگان **دو** را **ده** نوشته‌اند ،

(درگاهنامه طهران سال ۱۳۰۸ تألیف سید جلال‌الدین طهرانی در ص ٦۷ - ۸۰ دربیان مبدء این تواریخ شرحی سودمند نگارش یافته است) .

و در آنشهر بکسب کمال اشتغال ورزیده و مدّاحی تاج‌الدّین عراقی (احمدبن محمدبن علی) وزیر امیر مبازالدین مظفّری را نموده و مثنوی « **گل ونوروز** » را بنام وی ساخته و در بارهٔ وی قصائد و مدائح انشا نموده و این وزیر نسبت بوی عنایت وتوجه زیادداشته و گروهی‌ازنویسندگان رابجمع وتدوین دیوان‌وی وادار کرده ومجموعه ای که شامل ۲۵۰۰۰ بیت (۱) گردیده از آثار او مرتب وآنرا **صنایع الکمال** نامیده اند ودرآخردیباچهٔ این دیوان تذکرداده شده که آنچه پس ازاین طبع وقادوی طراوش نماید بنام **بدایع الجمال**(۲) نامیده خواهد شد .

در اواخر عمر خواجو بشیراز آمده ودر دربار شیخ ابواسحق انجو بار یافته وبمدّاحی مشغول و کتابهائیرا بنام این پادشاه موشح نموده و گویند که درجشن ختان‌علی‌سهل‌بن شاه ابواسحق قصیده‌ای گفته پادشاه طبقی پراززر بوی بخشید از مشاهدهٔ آن نعمت فراوان درهماندم جان تسلیم نمود (۳) .

خواجه حافظ از معاصرین وی بوده و در اشعار متابعت از خواجو مینموده واو راباستادی می‌ستوده و دیوان این دوشاعر درالفاظ ومعانی وافکار بایکدگر بسیار نزدیك است .

(۱) در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از این دیوان و نسخی ازآن که دردست میباشد معرفی خواهد شد واین شمارهٔ در مقدمهٔ نسخهٔمجلس است بدانجا مراجعه گردد .

(۲) بدین نام درآخردیباچه دیوان اوّل خواجو (نسخه مجلس شورای ملی) تصریح گردیده ولی، در کشف‌الظنون نامبرده نشده، بخشی‌ازآن درکلیات خواجو کتابخانه‌ملّی‌ملك موجود و نسخهٔ کامل آنرا تاکنون سراغ‌نیافته‌ام .

(۳) درسال مرگ این شاعر بزرگ میان تذکره نویسان اختلاف است، دولتشاه وصاحب‌طرائق ومجالس‌المؤمنین بسال ٦٤۲ نوشته‌اند وبطلان این قول را مسلّم بودن تاریخ تألیف وانشاء منظومه های وی تأیید مینماید وهدایت در مجمع‌الفصحا سال ۷۵۳ ودرریاض‌العارفین۸٤۲ نوشته ومرحوم اعتصام وآقای اقبال ومولوی‌آغا احمد علی احمد در کتاب هفت آسمان (در این کتاب نوشته شده که در ریاض‌الشعرا سال ۸٤۲ ودر مرآت‌العالم سال ۷٤۲ وفات خواجو دانسته شده) ودر شمع‌انجمن‌وفهرست ریوص۶۲۰ ج۲ بسال۷۵۳ نوشته اندوما این‌قول را نزدیك بصواب میدانیم ومردن‌وی از شادی صلهٔ زیاد درشمع انجمن مذکور است .

خواجورا نخلبند شعرا(۱) وملك‌الفضلا میگویند و آثار او که اینك دردست میباشد عبارت ازسام نامه (۲) و کلیّات (دو نسخه از آن‌در کتابخانه‌ملی‌ملك‌موجود یکی از آنها بسال ۷۵۰ در زمان حیواة خواجو نوشته شده ، مندرجات آن در فهرست مجلس نوشته میشود) اوست .

خواجو پس از امیرخسرو وبتقلید نظامی پنج مثنوی ببحرهای مختلف نظیرخمسه نظامی انشا نموده وهریك را بنامی نامیده ونیزممدوح وی درهریك از کتب پنجگانه یکی از بزرگان بوده وما یکایك آنها را بترتیب سال انشاء دراینجا می آوریم :

۱ ـ همای وهمایون، این کتاب را چنانکه خود تصریح نموده در بغداد انشا وتقریباً شامل(۳۲۰۳) بیت میباشد وبسال ۷۳۲ (کنم بذل برهر که دارد هوس ☆ که تاریخ این نامه بذل است و بس) بانجام رسیده ودرمقدّمه آن ابوسعید بهادر خان وخواجه غیاث‌الدین محمد وزیررامدح گفته ودرخاتمه آن‌ازتاج‌الدین عراقی تشکر نموده که این مؤلفه را در هنگامیکه خدمت پادشاه مشرف میشده بعرض رسانیده ودراین هنگام خواجو در کرمان بوده است .

همای وهمایون بسال ۱۲۸۹ در هندوستان چاپ گردیده وآغاز آن اینست :

بنام خداوند بالا و پست ☆ که ازهستیش هست شد هرچه هست.

۲ ـ گل و نوروز، این کتاب را درمعاشقهٔ نوروز پسر پادشاه خراسان باگل دخترپادشاه روم بوزن‌خسروشیرین نظامی‌بسال ۷٤۲ (بروز جیم و ازمه دال‌رفته☆ زهجرت باو میم و ذال رفته) انشا وبنام تاج‌الدین عراقی موشح کرده ودرحدود (۲٦۱۵) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

(۱) در ص ٤۵۵ این فهرست در این موضوع یادداشتی است دیده شود ، خواجو درغزلیکه در وصف حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام سروده و این بیت از آنست : (وصی نفس محمد علی است آنکه بتیغ ـ جواهراز کمرتوأمان فرو ریزد .) ازخود نخلبند تعبیر کرده :

جونخلبند گل مدحتت شود خواجو   بسا که گل برپاش چنان فرو ریزد .

(۲) نسخه ای از این کتاب که از اول وآخر ناقص میباشد در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود ودرص۲۳۲ فهرست کتب خطی آنجا مرحوم اعتصام شرحی درمعرفی ازآن نوشته اند وگذشته از اینکه سبك آن حاکم براینستکه انشاء خواجو میباشد در زیر عنوان رفتن سام بشکار و دیدن پسرعم خود تخلص خواجو دیده شد وباهمای وهمایون نامه خواجو هرگز اشتباه نخواهد شد ودر اوائل کتاب که میخواهد شروع بمطلب نماید گوید :

نه اکنون که دور سپهری گذشت   سه ده سال از عمر من در نوشت .

بنابراین نظم این کتاب بسال ۷۱۹ بوده است .

بنام نقش بند صفحهٔ خاك   عذار افروز مه رویان افلاك

۳ ـ روضة‌الانوار، برابر مخزن‌الاسرار دربیست مقاله مرتّب گردیده وشامل مطالبی‌عرفانی‌میباشد، بنام‌شمس‌الدّین محمدبن‌صائن‌وزیرشاه شیخ‌ابواسحق‌بسال۷٤۳ برشته نظم کشیده شده ودرتاریخ وی گوید : جیم زیادت شده برمیم وذال ☆ وآمده چون‌عین‌منعل هلال . بسال۱۳۰٦ خورشیدی‌درطهران چاپ‌شده ودرحدود (۲۲۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

زینت الروضة‌فی الاول ☆ باسم اله الصمد المفضل .

٤ ـ کمال نامه، نیزمثنوی عرفانی ونظیرهفت پیکر نظامی انشا و بنام شاه شیخ ابواسحق موشح گردیده ودرتاریخ او گوید : شد بتاریخ هفتصد وچل وچار☆ کاراین نقش آذری چونکار . ودرحدود (۱۸۷۹) بیت میباشد وآغاز آن‌اینست :

بسم من لا اله الا الله   صیغ لفظی وزین معناه

۵ ـ گهرنامه، این کتاب‌اصولاً بوزن مثنوی میباشد ولی در آن غزلهائی را مندرج و بنام بهاءالدین وزیر (محمود بن عزالدین یوسف) که از نواده های خواجه نظام‌الملك طوسی بوده موشح ساخته و بیشتر مطالب آن در مدح اجداد بهاءالدین مذکور میباشد و در تاریخ انجام آن گوید :

مه تیر و ز مه یك نیم رفته   زهجرت ذال و واو و میم رفته

(۷٤٦)وشمارهٔ‌ابیات‌آنرا‌موافق‌اسم‌نظام‌الملك‌باستثنای‌حرف‌نون‌ولام(۱۰۳۱)دانسته

حسابی از نظام الملك برساز   وزآن مجموع لام و نون بینداز

وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده نسخه ذیل (۱۰۰۹) بیت‌میباشد وآغاز آن اینست:

بنام نام دار نام داران   گدای درگه او شهریاران

خواجو دریکی ازمسافرتها خدمت شیخ علاءالدوله سمنانی‌متوفی بسال ۷۳٦ رسیده و درتحت تربیت ایشان درآمده واز آنوقت اثر عرفان در آثارش پدیدار گشته و روح دیگری یافته است .

خمسه‌خواجواز کتابهای‌پربهاودارای‌وقع واهمیت‌میباشدودرحدود(۱۰۹۰٦) بیت شعر میباشد و جز همای وهمایون و روضة‌الانوار آن، تاکنون چاپ نگردیده

وترتیب آن برحسب سال انشاء چنانستکه بالای این سطرها آوردیم ولی نسخه‌های خمسه راکه نگارنده دیده ، هریك بطرزی جز این ترتیب منظّم گردیده‌اند .

(۱۱۳۹)

خمسه

خواجوی کرمانی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **مرشد** کاتب شیرازی بسال ۹۵۳ نوشته ، دو صفحهٔ نخستین که شامل چند بیت از روضة‌الانوار میباشد طلا اندازی و نقاشی زیبائی گردیده ، چهار سرلوح ظریف که هریك بطرزی خاص ترسیم گردیده در ابتدای کتابهای دیگرخمسه میباشدوترتیب‌این نسخه اینست : ۱ - روضة‌الانوار . ۲ - گهرنامه . ۳ - کمال نامه . ٤ - همای وهمایون . ۵ - گل و نوروز .

عناوین مطالب بالاجورد وصفحات مجدول بطلاولاجورد میباشد ومهر اسمی که درچند جای نسخه بوده محو گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت اعتضادالسلطنه مبنی براسامی کتابهای خمسه و دخول آن در کتابخانه ایشان ثبت گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۲٦) صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٤١٥)

[۵۰۳] خمسه دهلوی (امیرخسرو) = (فارسی)

[هشت بهشت]

امیرخسرو دهلوی بنابرتصریح در تاریخ فرشته نام وی ابوالحسن بوده ولی تا حدیکه نگارنده آثاروی را مطالعه نموده ، تصریحی‌بدین نام ازخود وی نیافته ام ، پدر او امیر سیف‌الدین محمود از امیرزاده های هزارهٔ بلخ میباشد ، در فتنه مغول بهند رفته ودر آنجا نیز مقام امارت وریاست یافته وامیرخسرو درقصبه مؤمن‌آباد هند که به بیتالی شهرت یافته بسال ٦۵١(١) متولد شده وتاهفت سال در دامن‌پدر

(۱) درتذکره دولتشاه سمرقندی‌استکه سال عمراومعلوم نیست ولی در تاریخ فرشته گوید هفتاد و چهار سال عمر نموده بنا براین بسال ٦۵۱ متولد شده و در تأیید این قول خود امیر خسرو در دیباچه غرةالکمال گوید : بتاریخ سنهٔ خمسه و ثمانین وستمائه که سی و چهار ساله بودم الخ . ونیز درآینهٔ اسکندری که بنص خود وی بسال ٦٩٩ گفته شده گوید :

به پنجاه نزدیکم آمد جهان ❀ هنوزم نشد تو به زین ترجان .

تربیت گردیده وچنانکه دردیباچه غرةالکمال‌یادآور شده دراین‌سن ازاین نعمت محروم شده است .

پس‌ازپدربرادران‌وی تاج‌الدین زاهدوعلاءالدین‌علی‌شاه درتربیت تعلیم وی کوشیده‌واوراتربیت علمی وعملی کردند در دیباچه غرةالکمال(ص۷۰-۸۰نسخه کتابخانه) که سوّمین دیوان این شاعر است اطلاعات سودمندی از تاریخ حیواة وزندگـانی امیرخسرو و سلاطین معاصر وممدوح وی و استادان ومربیان اودیده میشود وچنانکه‌درتمام مآخذثبت گردید بسال۷۲۵ درشب‌جمعه ۲۹ ذیقعدةالحرام که ششماه پس از مرگ مراد ومرشد وی نظام‌الدین اولیا باشد بسرای جاودانی شتافته و در جوار نظام الدین اولیا دفن گردید .

این شاعر در تمام آثـار خود خسرو تخلص دارد ، گویند روزی بحضرت نظام اولیا عرضه داشت که خسرو نام بزرگانست خوش ندارم درآنسرا بدین نام نامیده شوم ، نامیکه‌صلاح میدانید براین‌بنده گذاریدایشانهم‌وعده‌دادند که‌درهنگام مناسبی‌نامی‌تقاضا میکنم . پس ازچندی ویرا **محمدکاسه‌لیس** خطاب‌فرمود وازآثار امیرخسروبرمی‌آید که‌مراداورا **ترك‌الله** نیزخطاب کرده‌وبه‌این‌عنایت‌افتخاردارد.

امیرخسرو باشیخ سعدی معاصر بوده وشیخ آذری نوشته که شیخ درپیری‌برای دیدار امیرخسرو بهند رفته وازآثار امیر برمی‌آید که ویرا بسعدی اعتقادی تمام بوده،درقران‌السعدین گوید:نوبت‌سعدی که مباداکهن ❀ شرم‌نداری که‌بگوئی‌سخن . ودرجای‌دگر گوید: خسروسرمست‌اندرعاشقی‌معنی‌بربخت ❀ شیره‌از خمخانهٔ مستی که درشیراز بود . ونیز ازاوست : جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی .

گویند امیرخسرو نودونه‌کتاب‌تألیف نموده و ازوی نقل‌کرده‌اند که اشعار او از پانصد هزار کمتر و از چهارصد هزار بیشتر است ، سلطان سعید بایسنقر متوفی بسال ۸۳۸ (ص ۱۳۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر) را ارادتی زیاد نسبت باین شاعر بوده وخمسه اورا برنظامی ترجیح میداده ، چنانکه الغ بیك متولد بسال ۷۹٦ و متوفی بسال ۸۵۳ (ص ۱۵۱ جزء سیم ازجلد سیم حبیب‌السیر) را عقیده‌ای کامل‌نسبت به نظامی بوده ومیان این دو برسراین دوعقیده همواره مشاجره بوده وبهمین مناسبت بایسنقر بجمع اشعارامیر پرداخته و یکصدوبیست هزار بیت

جمع کرده پس از آن دوهزار بیت از غزلیات خسرو را درجائی یافتند که در دیوانهای وی نبود ، از آن پس دانستند که جمع آوردن اشعار او متعذراست .

امیرخسرو پنج دیوان برای خود مرتب نموده واز همه آنها هم انتخابی کرده و مجلّدی ساخته ، درهمین فصل زیر عنوان دیوان امیرخسرو از آنها معرفی خواهد شد و آثار دیگر وی عبارتند از : تاریخ دهلی ، خزائن الفتوح (در تاریخ سلطان علاء الدین محمد شاه خلجی (٦٩٥-٧١٥) از سال جلوس تا سال ٧١١ و آنرا «تاریخ علائی» نیز گویند) ، قانون استیفا ، رساله در موسیقی و پنج رساله بنام اعجاز خسروی که بسال ١٨٧٦ م در دو مجلّد در هند چاپ گردیده وهمه اینها بنثر میباشد و آثار منظوم او عبارتند از خمسه بتقلید نظامی ، قران سعدین (درهمین فصل آنرا معرفی خواهم نمود) ، نه سپهر (در فهرست کتب خطی مجلس ج ١ ص ٢٦٨ معرفی شده) ، تعلق نامه (درسه هزار بیت) ، عشقیه یا عشیقه (درچهارهزار بیت ومسلماً غیراز قران سعدین میباشد و در کتابخانه آصفیه موجود است ص١٤٨٨ ج ٢)، اشك و آه (مثنوی است ودر آصفیه موجود است ص١٤٨٦ ج٢) ، دول رانی خضرخانی (درفهرست مجلس معرفی میشود) ، لآلی عمان موسوم به جواهر خسروی بزبان اردو میباشد و بسال ١٣٣٦ چاپ شده (ص ٦٣٦ ج ٣ فهرست آصفیه) وغیر از اینها .

در اینجا بترتیب سال انشاء هریك از کتابهای پنجگانه این خمسه را معرفی مینمائیم :

١ - مطلع الانوار، این کتاب رانظیر مخزن الاسرار دربیست مقاله تنظیم نموده و خود شمارهٔ ابیات آنرا ٣٣١٠ وانشاء را بسال ٦٩٧ معین نموده و مولوی محمد ابوالحسن که از ادباء اوائل قرن چهاردهم هجری در هندوستان بوده شرح وحاشیه‌ای درتوضیح مطالب کتاب نوشته وبااین حواشی بسال ١٣٠٢ درهندچاپ گردیده است .

آغاز : بسم‌الله الرحمن الرحیم ☆ خطبه قدس است بملك قدیم .

٢ - شیرین و خسرو ، در مقابل خسرو شیرین نظامی است و دومین مثنوی

امیرخسرو میباشد وشمارهٔ ابیات آنرا درآخر کتاب ٤١٢٤ وسال انشاء آنرا ٦٩٨ معین نمود .

آغاز : خداوندا دلم را چشم بگشای ☆ به معراج یقینم راه بنمای .

٣ - مجنون ولیلی، این مثنوی را درداستان مجنون ولیلی انشاء ونام آنرا چنانکه خود گفته بعکس اول(یعنی لیلی مجنون نظامی) گذارده (نامش که زغیب شده مسلسل ☆ مجنون لیلی بعکس اول) وشمارهٔ ابیات آنرا درآخر کتاب ٢٦٦٠ وسال انشاء را ٦٩٨ ثبت نموده و در فهرست ریو تذکر داده شده که بسال ١٢٤٤ درکلکته وبسال ١٢٨٦ درلکناهو چاپ شده است .

آغاز : ای داده بدل خزینهٔ راز ☆ عقل از تو شده خزینه پرداز .

٤ - آئینه اسکندری، این مثنوی را چون اسکندر نامه نظامی ساخته و شمارهٔ ابیات آنرا خود در آخر تصریح ننموده و برحسب شماره دقیقیکه این نگارنده نموده ٤٢٣٥ بیت میباشد و برحسب تصریح خود مؤلف بسال ٦٩٩ انشاء آن خاتمه یافته است .

آغاز : جهان پادشاها خدائی تراست ☆ ازل تاابد پادشاهی تراست .

٥ - هشت بهشت، این کتاب را امیر خسرو در اوصاف بهرام گور برابر هفت گنبد نظامی ساخته ونیز برحسب تصریح خود وی درآخر کتاب بسال ٧٠١ انشاء آن بآخر رسیده وشمارهٔ ابیات آن ٣٣٥٠ میباشد وپس از حمد و ثنای الهی ونعت حضرت رسالت پناهی صلعم بمدح نظام اولیا وبعد از آن بمدح علاء الدین محمد شاه پرداخته است .

آغاز : ای گشاینده خزائن جود ☆ نقش پیوند کارگاه وجود .

امیرخسرو دراواخر این کتاب که مثنوی پنجم وی میباشد گوید :

شکر حق راکه از خزانهٔ غیب　　ریخت چندان جواهرم از جیب
که از آن نقد قیمتی بسه سال　　کردم این پنج گنج مالا مال .

چنانکه دیدیم مطلع الانوار را بسال ٦٩٧ و هشت بهشت را بسال ٧٠١ بآخر رسانیده وباتصریح باینکه درسه سال این خمسه را بپایان رسانیده جمع میان این

دو قول اینستکه در آخر سال ۶۹۷ شروع و اول سال ۷۰۱ بآخر رسانده و سه سال میان این دو سال را مشغول نظم این پنج کتاب بوده و بنابر محاسبه بالا تمام آن ۱۷۵۷۹ بیت میباشد.

(۱۱۴۰)

هشت بهشت این نسخه را یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته ، از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اواخر قرن دهم نگاشته شده، دارای یك سرلوح زیبا و هفت مجلس نقاشی ظریف چینی میباشد، تمام صفحات متن و حاشیه و اوراق حاشیه برنگهای مختلف و زرافشان و برگها مجدول بطلا و غیره و عناوین مطالب برقسمتهائیکه از طلا پوشیده شده با سفیداب نگارش یافته، بسال ۱۲۷۰ بنام « بهرامیّه امیرخسرو دهلوی » داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین که نیز وقفنامه آن نگارش یافته یادداشت شده ، در اینجا و بر برگیکه پیش از آنست یادداشت هائی بوده محو کرده اند ، چند جای نسخه در اثر آب دهان ضایع و مرکبِ سطرهای دو صفحه اوّل آن بخودی خود محو شده و آثار کمی از آن مانده و باوجود این از نسخ بسیار نفیس شمرده میشود.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ متن خان بالغ حواشی الوان فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول ($25\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴) .

[۵۰۴] خمسه فیضی = نلدمن و مرکزادوار (فارسی)

ابوالفیض بن شیخ مبارك ناگوری از شعرای نامدار و دانشمندان والاتبار میباشد، چنانکه خود در اواخر نلدمن گوید(۱) بسال ۹۵۴ متولد شده و پیش پدر چندسالی درس خوانده و بشهادت آثار وی ونگارش تذکره نویسان درعلوم تفسیر ولغت وریاضی و طب وتاریخ ومعما و عروض و قافیه و خط و انشاء وغیره (۲) مهارت

(۱) شد مهدمن این بلند طارم ❀ درنهصد وپنجه چهارم .

(۲) نیز در اواخر نلدمن گوید ؛ از درك ریاضی و طبیعی ❀ شد طبع حدیقه ربیعی ❀ نه طاق رصد نظاره کردم ❀ تقویم و مه ستاره کردم ❀ خط بصرم بظل ممدود ❀ نه دائره راست قصر و صعود ❀ در هفت مطب نشست دارم ❀ تشریح ناك بدست دارم ❀ سبابهٔ کلکم از خط ژرف ❀ شد نبض شناس معنی حرف .

یافته و بسال ۹۷۴ ملك الشعرای اکبرشاه گردیده و گذشته ازاین مقام، مرتبه امیری یافته و خود در اواخر نلدمن گوید : (هم بالامرا نظیر گشتم ❀ هم بر شعرا امیر گشتم). وچنانکه ازخاتمهٔ مرکز ادوار که برادرفیضی ابوالفضل مؤلف تاریخ اکبری نوشته ونگارش بدوانی که نیز باوی معاصر و نسبت بوی بی عقیده بوده ونیز ازضبط دیگران بدست می آید در دهم صفر سال ۱۰۰۴ جهانرا بدرود گفته است .

درهفت آسمان مؤلفه بسال ۱۲۸۵ در کلکته، مؤلف آن ، احمد علی احمد ، گوید صدویك کتاب تألیف کرد . نگارنده تا کنون جز **سواطع الالهام**(۱) که تفسیر بی نقطه بر تمام قرآن کریم میباشد و راستی مؤلف قدرت ادبی و اطلاع کامل خود را برلغت و توانائی زیاد برانشاء را بواسطهٔ تألیف آن نشان داده و **مواردالکلم** که نیز بزبان عربی وازحروف بی نقطه ترکیب یافته و **لیلادقی**(۲) ودیوان شعر(۳) ودو ترجمه فارسی از دو متن هندی (۴) واین دو قسمت از خمسه‌ای که بتقلید نظامی انشاء نموده برنام مؤلفات وی دست نیافته ام .

(۱) بسال ۱۳۰۶ درهندوستان چاپ گردیده ونسخهٔ آن درمجلس شورای ملی موجود است .

(۲) درص ۸۲۰ ج ۱ فهرست آصفیه درذیل کتب ریاضی فارسی این کتاب نام برده شده و گوید بسال ۱۲۷۱ چاپ شده است .

(۳) از دیباچهٔ دیوان فیضی که خود وی نگاشته ونسخه ای از آن در اوائل مجموعه خطی شمارهٔ ۶۲۱ کتابخانه مجلس موجود وبسال ۱۰۸۶ نگارش یافته بدست می آید که این دیوان ازمنتخبی ازاقسام اشعارتشکیل یافته و نه هزارو کسری بیت میباشد و ازقرینه نسخه ایکه در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا موجود وشرح آن در ص ۶۷۰ و ۶۷۱ ج ۲ فهرست ریو نگاشته شده و شامل قصائد وماده تاریخها وترکیب بند وغزلها وقطعات ورباعی‌ها ونلدمن ومرکزادوار وغیره میباشد ودرهفت آسمان بنقل ازبدوانی استکه دیوان ومثنوی اوازبیست هزار بیت زیاده است ونیز ازخاتمه مرکز ادوار که بقلم برادر فیضی (ابوالفضل)میباشد نقل نموده که از شعر پیشین پنجاه هزار بیت از صفحه هستی سترده و بسال چهل ودوم آلهی (چنانکه درتاریخ اکبری مفصلا نگاشته شده سال جلوس اکبرشاه که نزدیك فروردین ماه بوده مبدء تاریخی بنام آلهی قرارداده شده وچهل ودوّمین سال آلهی مطابق سال ۱۰۰۶ هجری است) این برادر برآن شده که برادرزادگان خویش را دریکجا گرد آورد وپنجاه هزار بیت از نثر و نظم وی جمع گردید (در ص ۲۹۴ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای چاپی از دیوان فیضی نشان داده شده ودر ص ۳۰۲ نسخه‌ای بنام کلیات فیضی که بسال ۱۰۳۴ نوشته شده ودرص ۷۳۰ ج ۱ آن فهرست ، غزلیات فیضی که بسال ۱۲۱۷ نوشته شده ودرص ۷۴۸ ج ۱ نسخه ای بنام « متفرق اشعار فیضی » که نیز بسال ۱۲۱۷ نوشته شده ، نشان داده شده است) .

(۴) درتذکرهٔ علماء هند نیز نام این دو کتاب برده شده است .

ابوالفیض در آغاز شاعری **فیضی** تخلص میکرده ولی در اواخر تخلص خود را **فیاضی** قرار داده (۱) و در پایان نلدمن خود بدین موضوع تصریح نموده :

زین پیش که سکه ام سخن بود   فیضی رقم نگین من بود
اکنون که شدم بعشق مرتاض   فیاضیم از محیط فیاض .

از مطالعه اشعار فیضی و نگارش مورخین و تذکره نویسان معلوم شد که اکبرشاه درسال ۹۹۳ ویرا بنظم خمسه ای بسبك نظامی مأمور فرمود وی از همان هنگام شروع در طرح ریزی هر پنج کتاب نمود و از هریك بخشی انشا کرد و آنها را : مرکز ادوار، سلیمان و بلقیس، نلدمن، هفت کشور و اکبر نامه (بدین ترتیب موافق پنج گنج نظامی) نام گذارد ولی تا سال ۱۰۰۳ هیچیك از آنها بانجام نرسید در این سال امر اکید بر انجام آن صادر و مقرر گردید که اول نلدمن را که از داستانهای قدیم هندی وعشق بازی **نل** نام با **دمن** را شامل است بآخر رساند وی امتثال امر نمود و در مدت چهار ماه این کتاب را در ۴۲۰۰ بیت بانجام رسانید وخود در تاریخ انجام آن گوید :
این جاو هزار گوهر ناب ☆ کانگیخته ام بآتشین آب ☆ بپذیر که آب گوهر تست ☆ از بهر نثار افسر تست ☆ گر بیشتری نثار کردم ☆ نی کسر در او شمار کردم ☆ سی و نهم از جلوس شاهی ☆ تاریخ مجدد الهی ☆ چون سال عرب شمار کردم ☆ الف و سه الف نگار کردم ☆ اکنون که جل و نهم درین دیر ☆ هفتاد ودو (سه) شعبه کرده ام سیر .

در ص ۱۴۹۲ ج ۲ فهرست آصفیّه ثبت گردیده که نلدمن چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله ای در تك و پوی تو ز آغاز ☆ عنقای نظر بلند پرواز .

(۱) تاریخ این تغییر تخلّص مسلماً معلوم نیست در هفت آسمان از مرآت العالم وبدوانی نقل نموده که سالها فیضی تخلص میکرد ودر اواخر فیاضی تخلص نمود ولی ساز گار نیامد و بعد از یك دوماه رخت حیات از این عالم بربست و این قول گذشته از اینکه گوینده آن بدوانی معاصر وی بوده قرینه دیگر دارد که امین احمد رازی در هفت اقلیم که بسال ۱۰۰۲ تألیف گردیده فقط اورا فیضی نامیده است و نیز در هفت آسمان از مرآت العالم نقل شده ؛ در آخر بواسطهٔ موافقت وزن کلمه علامی که خطاب شیخ ابوالفضل برادرش بود فیاضی تخلص کرد .
درهنگام مراجعهٔ بدیوان فیضی یا فیاضی نگارنده بدین دو بیت بر خورد ؛
شنیدم درخراسان فیضی بود ❀ که گفتی بلبل این بوستانم ❀ اگر او بود بلبل درخراسان ❀ کنون من طوطی هندوستانم . بدین دلیل علت تغییر دادن تخلص را این اشتراك میداند وبنابراین درسال ۱۰۰۳ که نلدمن را بآخر رسانیده این تغییر را هم داده است .

۲ ـ مرکز ادوار چنانکه دانستیم فیضی بدواً بنظم این کتاب شروع کرده ولی حسب الامر نلدمن را پیش از آن بآخر رسانیده و ظاهراً این کتاب را تمام نکرده عمرش تمام گشت و برادر وی در تاریخ اکبری تصریح نموده که مأمور بود مرکز ادوار را درسه هزار بیت بانجام رساند ، نسخه ایکه از این کتاب در دست نگارنده است در حدود (۱۴۶۲) بیت دارد و در زیر عنوان : **پیرایه آغاز** گوید :

چون شود این پنج گهر تابناك   غوطه خورد پنجه قلزم بخاك
آنکه چنین جنبش پرکار داد   نام و را **مرکز ادوار** داد .

و ریو دو بیت زیرین را که سال تألیف و عمر ناظم را میرساند از این کتاب نقل نموده :

این می بیغش که کشیدم بغور   دور نخستین بود از پنج دور
شوق کزین نامه پر و بال داشت   عقل کمال چهلم سال داشت .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم ☆ گنج ازل راست طلسم قدیم (۱)

باتفحص وجستجو از سه کتاب دیگر این خمسه آثاری بدست نیاوردم قطعاً در کلیات فیضی که نشان داده شد بخشهائی از آنها را خواهیم یافت .

معاصرین فیضی باوی میانه خوبی نداشته و بدینجهت اورا بی دین معرفی کرده و ماده تاریخهای بدی برای مرگ او ساخته اند ولی از مراجعه بتفسیر فیضی و مطالعهٔ این دو مثنوی و قسمتی از دیوان وی و دیباچه آن که در دست نگارنده است جز فضل و دانش و طبع روان نقصی در او نمی یابم و از این آثار اگر

اِنَّ آثارَنا تَدُلُّ عَلَیْنا ☆ فَانْظُروا بَعْدَنا الیٰ الْآثار

درست باشد اعتقاد وی بمبدء و معاد ظاهر و بی عقیدگی از آن برنمی آید .

(۱) فیضی دیباچه دیوان خود را به سه بیت از مرکز ادوار افتتاح نموده و پس از آن گوید ؛ وصلی الله علیه وآله وعترته ومدارج مرقات علمه وجواهر مرادات فطرته این ذره چندیست از ریك بیابان خیال که سراب جهان معنیست چون بادیه پیمایان تشنه لب و آبله پایان . . . . . سبحان الله کجا پایه من هندوستانی با اینهمه کجمج زبانی لاف پهلوانی و پهلوی دانی همانا سحرجادوگران هند تواند . . . . و این رطب و یابس که برطبق عرض نهاده ام نه هزارو کسریست نمونه ای از اقسام شعر من الخ .

علاقمندی فیضی را به سك بعضی ازتذکره نویسان تذکر داده اند (این هم که امروز می بینیم ازعلائم و آثارتجدد است وننگی ندارد) وگویند روزی عرفی شاعرشیرازی برفیضی وارد شد دید سگ بچگانی چند دراطراف وی گرد آمده اند ازروی شوخی گفت : **مخدوم زادگان چه نام دارند** . فیضی جواب داد : **عرفی** . عرفی گفت : **مبارك باشد** . واین جواب با بودن مبارك نام پدر فیضی لطفی دارد واین بیانات عرفی موجب تألم فیضی گردید .

(١١٤١)

خمسه فیضی یا نلدمن و مرکزادوار

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نویسنده هندی و دراوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، یادداشتهائی بسال ١١٦٢ و ١١٧١ و ١١٧٢ پشت هریك ازبخشهای آن دیده میشود ، پیش ازاین دومثنوی ، بخشی ازقطعات وماده تاریخ ها ورباعیات فیضی میباشد که زیر عنوان **دیوان فیضی** معرفی خواهد شد .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (٢١٢) این دونسخه (١٦٣) . صفحه ای (١٧) سطر . طول (١٨$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠) .

[٥٠٠٥] خمسه نظامی (فارسی)

این کتاب که چون ناظم آن در کمال شهرت میباشد از آثار بزرگ استاد عالیمقام امام و پیشوای مثنوی گویان نظامی گنجوی است (١) (ابو محمد (٢)

(١) گویند نظامی گنجوی اصلاً ازقریه تا ازتوابع تفرش ازمحال قم میباشد وابیاتی در این باب دربرخی ازنسخ خطی وچاپی نظامی دیده میشود وشهرت وی به گنجه است ، بعضی تصور کرده اند که لقب وی نظام الدین بوده و بهمین مناسبت نظامی تخلص میگرفته ولی نگارنده دلیلی براین مدعی ازابیات خمسه نیافت وحاجی خلیفه درص ٤٧٥ ج ٢ لقب وی را جمال الدین معین نموده ودر این باب منفرد است .

(٢) ابیاتی چند دال براینکه نظامی فرزندی بنام محمد داشته در خمسه موجود ونزدیکترین کس که او را ابو محمد نظامی معرفی نموده قزوینی در آثارالبلاد استکه بسال ٦٧٤ تألیف گردیده و در

(بقیه حاشیه ٢ و ٣ درصفحه ٥٢٥)

ویس (١) بن یوسف (٢) بن زکی (٣) بن مؤید مطرّزی) که ازشعرا وحکمای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده ومسلماً پس ازسال ٦٠٧ (٤) وفات یافته ودرفن مثنوی کس بپایهٔ

(بقیه حاشیه از صفحه ٥٢٤)

ذیل **جنزه** که معرب گنجه میباشد (در اقلیم پنجم ص٣٠٤ نسخه خطی این کتابخانه) فقط ویرا بدین نام نامیده وستوده است .

(١) نظامی خود درلیلی مجنون درآخرمدح وستایش شروانشاه (ص ٣٥ چاپ آقای وحید) گوید :

یا رب تو مرا که **ویس** نامم — در عشق محمدی تمامم
زان شه که محمدی جمالست — روزیم کن آنچه درخیالست

و در چند نسخه **کاویس نامم** نوشته شده ولی در نسخ کهنه که **ویس** نوشته شده وجای تعجب استکه دانشمند محترم آقای وحید هم کاویس ضبط کرده اند ودرحاشیه نوشته اند « یعنی من که درعشق محمد اویس وار مشهور شده ام » اگر بادقت نظر کنیم خواهیم دید که بیان ایشان اجتهاد مقابل نص است ونظامی صریحاً گفته نامم ویس است اگر میخواست بگوید مانند اویس عشق دارم کسیکه اینگونه مطالب دقیق و رقیق را برشته نظم کشیده توانا بود این معنی را هم بدان گونه بیان کند که معنی دیگر ازآن استفاده نشود .

نظامی در تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی نظام الدین ابومحمد بن یوسف (در ص ١٢٨ چاپ اروپا « ابی یوسف » میباشد ولی در نسخه خطی کتابخانه یوسف است) بن مؤید . ودکتراسپرنگر نظام الدین احمدبن یوسف . ودر کشف الظنون جمال الدین یوسف بن مؤید . و هدایت ابو محمد احمد الیاس بن ابی یوسف بن مؤید . وآقای تربیت ابومحمد نظام الدین الیاس بن یوسف بن مؤید معرّفی گردیده و در اشعار نظامی اشاره ای بنام **الیاس** نیز شده است .

(٢) نظامی خود در لیلی مجنون (ص ٤٨ چاپ وحید) گوید :

گرشد پدرم به نسبت (سنّت) جد — یوسف پسر زکی مؤید

بنا بر این پدر وی یوسف وپدر پدر او زکی نام داشته واز این بیت استفاده میشود که **یوسف** بنام جد خود یعنی **مؤید** معروف بوده ، چنانکه ابن سینا ، شیخ الرئیس بنام جدّش **سینا** به ابو علی **ابن سینا** مشهور گردیده و نظائر بسیار دارد ، پس باید کلمه را نسبت خواند و سنت نسخه بدل معنی ندارد .

(٣) از تاریخ انشاء ونظم چند کتاب از خمسه که مسلماً آن تواریخ از خود نظامی میباشد وقرائن حاکم استکه الحاقی نیست وما آنها را نقل میکنیم و دانستن زمان ممدوحین وی در این کتاب زمان و عصر او بخوبی واضح و هویداست .

(٤) قزوینی در آثار البلاد وفات نظامی را در حدود ٥٩٠ نوشته و دولتشاه سمرقندی درتذکره خود بسال ٥٧٦ و هدایت نیز مرگ نظامی را در همین تاریخ نوشته و مؤلف هفت آسمان از تقی الدین کاشی سال ٦٠٦ وازمخبرالواصلین سال ٦٠٢ را وفات نظامی نقل نموده وحاجی خلیفه در ص ٥٢٤ ج ١ بسال ٥٧٦ ودر ص ٤٦٢ و ٤٧٥ ج ١ بسال ٥٩٦ ودر ص ٢٠٣ ج ١ ظنون بسال ٥٩٩ نوشته وآقای تربیت در دانشمندان آذربایجان (ص ٣٨١-٣٨٥) بنقل از نتائج الافکار و صبح صادق وفات نظامی را بسال ٦٠٢ نوشته اند

بطلان وفات نظامی پیش از سال ٥٧٩ را تاریخ انشاء مثنویات وی که در برخی مسلماً

(بقیه حاشیه درصفحه ٥٢٦)

وی نرسیده واورا درتشبیه واستعاره وتمثیل وخلق الفاظ ومعانی دست بزرگی است.

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۲۵)

خود نظامی بدانها تصریح نموده وبعضی‌هم ازتاریخ وزمان ممدوحین وی بدست می‌آید ، بخوبی واضح و محتاج باقامه دلیل و برهان نیست و نیز بطلان تعیین سال ۶۰۲ و ۶۰۶ را هم انشاء اقبال نامهٔ وی که بنام عزالدین مسعود پادشاه موصل انشاء گردیده ثابت میکند [دراقبال‌نامه است :

سر سر فرازان و گردنکشان ‌ ‌ ‌ ملك عزدین قاهر شه نشان
طرف دار موصل بفرزانگی ‌ ‌ ‌ قدر خان شاهان بفرزانگی

ودر آخر کتاب گوید :

چو نام شهش نام مسعود باد ‌ ‌ ‌ وزین داستان شاه محمود باد)

وبنا برضبط درشذرات الذهب (ج۵ص ۶۲) عزالدین ابوالفتح مسعودبن سلطان نورالدین ارسلان شاه بن مسعود صاحب موصل بسال ۵۹۰ متولد شد وپس از پدر در ۱۷ سالگی بسلطنت رسید و گویند در ربیع الاول سال ۶۱۵ وفات یافت وچون پادشاهی عادل وخوش قیافه وسخی بود مرگ وی بررعیت گران آمد.

ودر این کتاب اشاره بکشته شدن نورالدین ارسلان نموده (در ابتداء اقبال نامه است :

چو شاه ارسلان رفت ودر خون بخفت ‌ ‌ ‌ سخن چون توان اندرین حال گفت
بطغرای دولت چو طغرل تکین ‌ ‌ ‌ ابوالفتح مسعود بن نور دین)

و میدانیم این پادشاه بسال ۶۰۷ کشته شده ، بنابرین انشاء اقبال نامه میان سال ۶۰۷ و ۶۱۵ بوده و شاید در میان همین دو سال نظامی نیز وفات یافته باشد.

در اواخر اقبال نامه است :

بشصت آمد اندازهٔ کار من ‌ ‌ ‌ بگشت از خود اندازهٔ حال من

بنابراین ناظم ۶۰ ساله بوده که این کتاب را بآخر رسانیده ودر تمام نسخ خطی و چاپی چند صفحه پیش از این بیت در زیر عنوان «انجامش کار نظامی» این چند بیت میباشد :

نظامی چو این داستان شد تمام ‌ ‌ ‌ بعزم شدن تیز برداشت گام
نه بس روزگاری برین‌بر گذشت ‌ ‌ ‌ که تاریخ عمرم ورق در نوشت
فزون شش‌مه‌آمدزشصت‌وسه سال ‌ ‌ ‌ که بر عزم ره بر دهل زد دوال

و چون‌بیت بالاکه‌درآخر نسخه است صریح در شصت سالگی شاعر میباشد وطرز انشاءچند بیت پیش حاکی است که از دیگری میباشدو خواسته وفات شاعر را در نیمه سال شصت‌وچهارمین معین نماید نگارنده تصور میکند که این‌چند بیت ازدیگری است واز خود نظامی نیست وصاحب هفت آسمان عمر نظامی را از دکتر اسپرنگر شصت و سه سال و شش ماه واز مفتاح‌التواریخ ۸۴سال نقل کرده است.

از اینکه در اوائل شرفنامه (ص ۳۶ چاپ وحید) که برحسب ضبط در بعضی از نسخ خطی و چاپی بسال ۵۹۷ انشاء گردیده گوید :

چو تاریخ پنجه برآمد بسال ‌ ‌ ‌ دگر گونه شد بر شتابنده حال

ودر اقبال نامه خودرا شصت ساله معرّفی نموده ، معلوم میشود که انشاء این کتاب اخیربسال ۶۰۷بوده و اگر وفات اورا درشصت وسه‌سال وششماهه‌ای بدانیم وفات او بسال ۶۱۱خواهدبود وتولد او بسال۵۴۷ بوده است.

معرّفی‌ازچنین دانشمندی درخورهرکس‌نیست،بهترآنست دراینجا شرحیکه عوفی معاصر وی چند سالی پس ازاین حکیم سخنور درلباب‌الالباب (ص۳۹۶ج۲ چاپ اروپا) نوشته عیناً نقل نمائیم :

« نظامی گنجهٔ که گنج فضائل رابدست بیان برپاشید وخزانهٔ لطائف را برفرق جهانیان نثار کرد ابکار لطائفی که وراء استار **مخزن اسرار** و متواری‌اند اگر رخ‌بنمایند دلهاء عشاق بربایندوتنگ‌چشمان‌معانی که‌درتر گستان نظم **مجنون ولیلی** انداگرپرده ازرخ براندازندعقول عقلاء روزگار را شکار کنند چون درشیرین سخنی برسریر فضل خسرو بود **قصهٔ خسرو و شیرین** چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون مالك ممالك بلاغت بود **قصهٔ سکندر** چون آئینه در چشم سامعان نمود خطبه وسکه فضائلش (کذا والظاهر **فضائل**) بنام او ختم شد وجز این مثنویات ازوی شعر کم روایت کرده اند (۱) در نیسابور از بزرگی‌شنیدم که از وی نقل کرد الخ . (پس ازین ۱۵ بیت شعر از نظامی نقل نموده واز سال تولدومرگ وی نامی نبرده و چنانکه دیده میشود گویا از کتاب هفت پیکر وی بی خبر بوده که در شرح بالا اشاره‌ای بدان نکرده در صورتیکه بچهار مثنوی دیگر او اشاره ای کرده است).

چنانکه زیر این سطرها نگارش خواهد یافت هریك از این کتابهای پنجگانه راکه‌سالها(۲) پس‌ازمرگ نظامی‌ازیکدگردور وجدا بودواینك برادروارپهلوی یکدگرقرار گرفته وبنام « خمسه » نامیده شده، بنام‌پادشاهی موشح نموده وهمه‌آنها موافق شمارهٔ زیرین که زیر هریك از کتابهای پنجگانه نگاشته میشود درحدود (۲۶۰۰۰) بیت شعر میباشد ولی تذکره نویسان شماره ابیات آنرا (۲۵۰۰۰) معین کرده اند.

۱ - مخزن‌الاسرار، این کتاب بنام بهرامشاه بن داود رومی ، موشح گردیده و در حدود (۲۲۰۲) بیت میباشد و در بیست مقاله مرتب شده و شامل نصائح وحکم و امثال و مواعظ میباشد ، تاریخ نظم آنرا درآخر نسخه چاپ‌سال ۱۹۰۸م.

(۱) از این بیان عوفی معلوم میشود که در آنوقت اشعار دیوان نظامی زیاد شیوع و انتشار نداشته ولی‌درآخر این قرن قزوینی‌درآثارالبلاد(مؤلفه بسال۶۷۴)وجود دیوانی ازنظامی وخوبی اورا تصریح نموده و دولتشاه سمرقندی شماره ابیات دیوان اورا بیست هزار ثبت نموده و جامی در بهارستان گوید که جزخمسه شعر از نظامی کم نقل کرده اند ، در هفت اقلیم از دیوان‌وی۷۹ بیت نقل گردیده و آقای وحید اینك مشغول چاپ‌دیوان غزلیات وقصائدواشعار دیگرنظامی‌اند.

(۲) ازمطالب مندرجه درآثارالبلاد قزوینی معلوم میشود که تاهنگام تألیف آن کتاب (سال۶۷۴) این پنج گنج نظامی دریك مجلد نبوده است.

هند ۵۸۲ وچاپ آقای وحید ۵۷۲ و آقای تربیت بسال ۵۵۹ معین نموده اند ولی درنسخ کهنه خطی تاریخ وجود ندارد وظاهراً این تاریخها الحاقی واز خود نظامی نیست.

بر مخزن الاسرار شروحی نوشته شده : ۱ شرح محمدبن قوام بن رستم بلخی (در کتابخانه مجلس موجود و درفهرست آنجا معرفی کامل میشود).

۲ - شرح ابراهیم تتوی. ۳ - شرح امان‌الله (این دو شرح را مؤلف هفت آسمان در کتابخانه دهلی نشان داده و در کتابخانه آصفیه دکن ازشرح تتوی نسخه ای که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده نیز موجود است ، ص ۱۴۸۲ ج ۲ فهرست آصفیه). ۴ - شرح محمدرضا که درحاشیه نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م درهند چاپ شده و ۵ - شرحیکه بدون نام مؤلف درمقدمه شرح بلخی اشاره شده است.

آغاز: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم هست کلید در گنج حکیم.

۲ - خسروشیرین، این کتاب‌را که از شاهکارهای نظامی باید شمرد و در آن دادقدرت و ادبیّت داده شده بنام طغرل بن ارسلان شاه سلجوقی که از سال ۵۷۱ (۱) تا ۵۹۰ سلطنت داشته موشح گردیده وپس از مدح وی به مدح اتابك محمد جهان پهلوان پرداخته و کنیه او را ابوجعفر معین نموده ودرتواریخ ثبت است که درزمان طغرل‌رشته کارها دردست‌وی بوده وچون بسال ۵۷۱ وفات‌یافت برادر وی قزل ارسلان جای اوراگرفت و او نیز بسال ۵۸۷ در رختخواب کشته شد وشروع بنظم این کتاب‌راسال جلوس طغرل (ص ۱۵ چاپ وحید دیده شود) وانجام آنرابسال ۵۷۶ معین‌نموده وبر حسب‌شماره دقیق درحدود (۴۹۱۴) بیت شعر میباشدو خواهر دانشمندنگارنده (رضیه-حدائق) این کتابرا بنام «افسانه‌شیرین» نشر کرده‌اند.

۳ - لیلی مجنون، این‌داستان ازحکایت های عاشقی اعراب میباشد و درایران پس‌ازنفوذآنها انتشار یافته‌ونظامی چنانکه‌درابتداء این کتاب تصریح نموده، انشاء ونظم آن‌برحسب‌امر کتبی‌شروانشاه اخستان بن‌منوچهر (جلال‌الدین‌ابوالمظفر) (۲)

(۱) درروضة‌الصفا (ج ۴) مرگ ارسلان‌بن طغرل بسال ۵۷۱ ثبت گردیده و درشذرات‌الذهب (ج ۴ ص ۲۴۴) بسال ۵۷۳ ضبط شده است.
(۲) در ص ۲۳۲ ج ۲ سخن وسخنوران وفات وی میان سال ۵۹۰ و ۵۹۷ معین گردیده است.

بوده ونیزخود وی شمارهٔ ابیات آنرا بیش از چهارهزار وسال نظم را بسال ۵۸۴ (۱) معین نموده وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده درحدود (۴۴۵۰) بیت است.

آغاز: ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

۴ - هفت پیکر این کتاب در شرح حالات رزمی و بزمی بهرام گور میباشد وبنام علاءالدین کرپ ارسلان (۲) پادشاه مراغه موشح گردیده وچنانکه درآن کتاب تصریح شده بسال ۵۹۳ بانجام رسیده

(از پس پانصد و نود سه قران گفتم این نامه را چو ناموران)

و شمارهٔ ابیات آن بامحاسبهٔ دقیق در حدود (۴۵۷۷) شعر میباشد.

آغاز: ای جهان دیده بود خویش ازتو هیچ بودی نبوده پیش از تو

۵ - اسکندرنامه این کتاب در داستان اسکندر و دوجزء میباشد ، بخش اول را چنانکه دراوائل کتابست شرفنامه نامیده (ازآن خسروی می که درجام اوست * شرف نامه خسروان نام اوست. ونیز گوید : شرف نامه را فرخ آوازه کرد * حدیث کهن رابدو تازه کرد) وآنرابه‌اتابك نصرةالدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان تقدیم داشته ودرج ۴ روضة‌الصفا درآخرسلاجقه روم این اتابك را معرفی‌نموده وگوید پس‌ازعموی خویش قزل ارسلان (درص ۲۸۹ ج ۴ شذرات نوشته شده

(۱) این چار هزار بیت و اکثر شد گفته بچار ماه و کمتر
آراسته شد به بهترین حال در سلخ رجب به ث و ف دال
تاریخ عیان که داشت باخود هشتاد و چهار بعد پانصد

(۲) از این بیت
رستمی کز فلك سواری رخش هم‌بزرگ است وهم بزرگی‌بخش
که در ذیل دعای پادشاه و زیر نام کرپ ارسلان در ابتداء کتاب میباشد (ص ۲۲ چاپ وحید) و این بیت :
نامه برمرغ نامه بر بستم تا رساند بشاه من رستم
که‌در اواخر کتابست (ص ۳۶۶ چاپ وحید) معلوم میشود که نام کرپ ارسلان رستم‌بوده ، تا کنون بتاریخ حیوة‌وی دست نیافته‌ام فقط در دانشمندان آذربایجان نوشته که هفت پیکر را به علاءالدین کرپ ارسلان فرمانفرمای مراغه تقدیم داشته و آقای وحید در ص ج مقدمه هفت‌پیکر نوشته‌اند که نامه هفت پیکر را حکیم نظامی بنام سلطان علاءالدین کرپ ارسلان اقسنقری‌منظوم داشته واقسنقر غلام سلطان ملکشاه سلجوقی بوده و نه تن از فرزندانش در حدود موصل‌و شامات حکمرانی کرده اند.

که بسال۵۸۷ در رختخواب خود کشته شد) بیست سال بحکومت اران و آذربایجان قیام نمود و درسنهٔ ۶۰۷ در گذشت انتهی .

آغاز شرفنامه : خدایا جهان پادشاهی تراست زما خدمت آید خدائی تراست .

در آخر بعضی از نسخ خطی ونسخ چاپی (جز چاپ هند) این دوبیت :

(بتاریخ پانصد نود هفت سال که خواننده را زو نگیرد ملال
نوشتم من این نامه را در جهان که تادور آخر بود جاودان)

که سال نظم را معیّن میکند موجود ودراواخر شرفنامه ناتمام بودن آنرا نیز تذکر داده (چواز نیمه نامه پرداختم سریری ببالین او ساختم) .

وبخش دوّم به اقبال نامه وخردنامه مشهور گردیده، تسمیه آن بخردنامه ظاهراً اینستکه بیت اول ازخرد صحبت داشته ولی اقبال نامه بودن آن ناشی ازبیانی استکه در آخر این کتاب در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعودبن نورالدین ارسلان شاه (بنوبت که شه دو هندوی بام یکی مقبل و دیگر اقبال نام فرستاده ام هردورا نزد شاه که یاقوت را درج دارد نگاه) ولی چنانکه دانستیم بخش اوّل را خود شرفنامه نام گذارده ومکرّر از آن بدین نام تعبیر نموده ازجمله درهمین بخش دوم گوید : شرف نامه را تازه کردم نورد سپید آب را ساختم لاجورد

وچنانکه پیش ازاین درحاشیه گفته شد تاریخ انشاء این بخش دوم میان سال۶۰۷(۱) و ۶۱۵ بوده و برحسب شمارهٔ دقیق در حدود (۳۴۸۸) بیت است .

آغاز اقبال نامه : خرد هر کجا گنجی آرد پدید زنام خدا سازد آنرا کلید .

(۱) ازاینکه دانستیم شرفنامه‌را بسال۵۹۷ انشاء نموده و درآنجا پنجاه سالگی خود را تذکرداده و دراواخر اقبال نامه شصت سالگی خود را اعلام نموده معلوم میشود که انشاء این کتاب بسال۶۰۷ که سال اول سلطنت ابوالفتح عزالدین مسعود بن نور الدین ارسلان بوده بانجام رسیده و بودن این دو بیت : چو شاه ارسلان رفت و در خون بخفت سخن چون توان اندرین حال گفت مگردولت شه کند یارئی درآرد بمن تازه گفتارئی . نیزمؤیداستکه درهمان سال۶۰۷ شروع بنظم شده که مردن پدرپادشاه را مانع ازبکارانداختن قریحه وطبع خویش معرفی‌نموده وپیداستکه میخواسته بدین‌وسیله خودرا به این‌پادشاه معرفی نماید و ازعمادخوئی که گاهی‌ازاو به‌نام نظام‌الملک ثانی معرفی میکند وپیداستکه وزیرعزالدین بوده مدح کرده وازآنهاست :
(عماد خوی آن خواجه ارجمند که شد قدر قائل بدو سر بلند).

سخن بدینجا که رسید بران شدم که چند کلمهٔ دیگر در اطراف این دانشمند بزرگوار بیان نمایم :

از جمله غلطها یکی نسبت کتاب **ویس ورامین** به نظامی گنجوی میباشد و این قول را پیش از دولتشاه سمرقندی از کسی سراغ ندارم و این شخص هم در ذیل نظامی عروضی آنرا بتردید نسبت‌بوی یاگنجوی داده و درذیل گنجوی جزماً گوید این کتاب تألیف اوست و مدرکی برای گفتار خویش و این نسبت اظهار ننموده بلکه آنچه را هم مؤید این نسبت ذکر نموده اشکال دارد و در سخن و سخنوران راجع به رد این نسبت شرحی نگارش یافته ، معاصر دولتشاه جامی در بهارستان فخرالدّین گرگانی را نام برده و کتاب ویس ورامین تألیف ویرا ستوده و گوید در این روزگار مهجور و نایاب است و چند بیت از آنرا هم در آنجا نقل کرده .

قزوینی در آثار البلاد که در اواخر قرنیکه در اوائل آن نظامی وفات یافته تألیف گردیده درذیل جرجان فخر الدّین را نام برده و این کتاب را بوی نسبت داده و گوید: نظامی گنجوی خسرو شیرین‌خود را بتقلید وی انشاء کرده.

حمدالله‌مستوفی‌در‌تاریخ گزیده‌نیز‌فخرالدّین‌جرجانی‌و‌این کتاب‌او‌را‌نام‌برده‌است‌و گذشته از آنچه گفته شد طرز فکر و روحیهٔ این دو کتاب با یکدگر مخالف باین‌معنی که ویس‌ورامین داستان عشقی‌است که‌در آن‌چندان‌عفّت راملحوظ‌نداشته ولی نظامی داستان خسروشیرین را باکمال عفت وپاکدامنی آغاز وبانجام میرساند .

نظامی چنانکه همه تذکره نویسان اشاره کرده اند درسیر وسلوك بوده وصاحب مجمع الفصحا نوشته که مرید اخی فرج زنجانی است .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (فصل شعرای فارسی زبان) گوید : نظامی عروضی معاصر نظامی گنجه‌ای بوده و پیش از معرفی از عروضی گنجه‌ای‌را معرفی کرده و کتابی بنام حدیقه نیز بدو نسبت داده و ظاهراً بلکه مسلماً این نسبت غلط محض است و پس از عروضی عنوان نظامی دیگریراهم نوشته ولی در نسخهٔ کهن سالیکه در این کتابخانه میباشد و بنظر این نگارنده پس از وفات مؤلف از

روی‌نسخهٔ خود وی که‌هنوز ناتمام بوده نگاشته شده‌و بسیاری ازموارد‌را که تحقیق میخواسته‌نوشته گذارده‌و درحاشیهٔ آن مقابله وتصحیح شدن آن تصریح گردیده بجای آن‌کلمات نوشته‌نشده نقطه گذاری‌شده‌از آنجمله یکی‌جای‌نام‌نظامی گنجه‌ایست و دیگری نام و نشان از نظامی سوم میباشد.

حمدالله مستوفی تصور نموده که مراد از نظامی عروضی‌از آن‌شعر که‌در مجلس بزم ملك الجبال (قطب الدّین محمد) انشاء نموده (درجهان سه نظامئیم ای شاه) یکی نظامی گنجوی است وبهمین دلیل ویرا معاصر عروضی دانسته ودیگری راهم تاهنگام تألیف تاریخ گزیده بدست نیاورده درصورتیکه این‌اندیشه نا درست میباشد چرا که عروضی خود تصریح نموده (ص ۵۲ چاپ اروپا) که این سه نظامی یکی نیشابوری است که اورا نظامی اثیری گویند و دیگری سمرقندی است که اورا نظامی منیری گویند و درشعر خود هم تصریح نموده که این دو در مرو پیش پادشاه اند وکسی نظامی گنجهٔ را در مرو نیافته و درآن روز کار اگر نظامی گنجوی هم بحدّ شاعری رسیده بوده ابداً شهرتی نداشته و نظامی عروضی اورا نمیشناخته والا میگفت چهار نظامی در این عصریم (۱).

پنج گنج یاخمسه نظامی مکرر درایران وهندوستان واسلامبول واروپا تمام یا بعضی از آنها چاپ گردیده‌و انتخاباتی از آن گردیده است.

(۱۱۴۲)

خمسه نظامی این نسخه راکه از نسخ نفیسه و گرانبهای بی مانند میباشد، بسال ۹۵۶ مرشد(۲) کاتب‌شیرازی‌بخط نستعلیق خوب نوشته،

(۱) مأخذ نگارش این شرح‌راجع‌به‌نظامی گذشته ازمندرجات خمسه، کتابهای زیرین است: چهار مقاله نظامی عروضی ص ۵۲ متن و ۱۹۲ حاشیه (چاپ اروپا)، لباب‌الالباب عوفی ص ۳۹۶-۳۹۷ ج ۲، آثارالبلاد قزوینی ص ۳۰۵ (نسخه خطی این کتابخانه)، تاریخ گزیده فصل شعرای فارسی‌زبان، تذکره دولتشاه‌سمرقندی ص۱۲۸-۱۳۱ (چاپ‌اروپا)، بهارستان امی (آخر روضه هفتم) نفحات‌الانس، آتشکده‌آذر ص۲۴۲-۲۴۴، هفت آسمان ص۵۳-۶۳، مجمع‌الفصحا ج ۱ ص۶۳۷-۶۵۴، طرائق‌الحقائق ج ۲ ص ۲۷۹، قاموس‌الاعلام ترکی ص ۴۵۸۹ ج ۶ سخن وسخنوران ج ۱ ص ۸و۹

(۲) بی‌انصافی نام نویسنده را که **مرشد** بوده محو کرده ولی از اثر آن‌این‌نام بدست‌می‌آید وپس

(بقیه حاشیه درصفحه ۵۳۳)

خاور شناسانیکه باین کتابخانه آمده و آنرا دیده‌اند هریك بهای زیادی برای آن معیّن نموده که اظهار آن سودی ندارد، دارای سی مجلس بسیار ظریف نقّاشی و صورت‌سازی‌میباشد، اگر نویسندهٔ توانائی که از صنعت‌نقاشی‌هم‌بهرور باشد بخواهد در اطراف خصوصیات مزایای هریك از مجالس آن مختصری بنویسد، بایستی مطولی انشاء نماید، اگرایرانی هیچگونه دلیل و برهانی برلیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت جزسلیقه‌و صنایعیکه‌در‌این‌نسخه بکاربرده‌از‌میناکاریها‌و جدول کشی‌ها‌و طلا‌اندازیها و نقاشی ها و ترنجها و رنگ آمیزی های مجالس وطرز نقاشی هریك از آنها که بخودی خود بانگاه کننده صحبت مینمایند، نیازمند بگواه دیگر نبود، نگارنده معترف است که درمعرّفی‌از‌چنین نسخه‌ایکه چشم بیننده را خیره وعقول متفکرین را حیران مینماید، ناتوان، چراکه بنابر‌اصطلاح دانشمندان حسن‌وزیبائی‌را‌آدمی، می‌یابد ولی نمیتواند آنرا بزبان درآورد (**یدرك‌ولا‌یوصف**) وبقول یکی از یاران: چه گویمت تو که نادیده‌ای بیاوببین.

گذشته از مجلس نقاشی که هریك بطول وعرض صفحهٔ کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب‌دو صفحهٔ میناکاری ظریف‌میباشد که دروسط آنها‌مرغهای‌ماهی‌خوار چندی بشکلهای گوناگون رسم شده ودر میان این مرغها در هرصفحه‌ترنجی است که در میان آن که ازلاجورد پوشیده شده این رباعی:

کنجینه‌کشای گنجه، آن مؤید راد کآمد ز ازل سخن ورانرا استاد

بقیه حاشیه ازصفحه ۵۳۲

از کلمهٔ الشیرازی‌شهرت خود را تدکرداده بوده همان بی وجدان نیز محو کرده است، نسخه ای ازخمسه خواجو که بسال ۹۵۳ همین نویسنده نوشته در این کتابخانه موجود وزیرشمارهٔ (۱۱۳۹) در ص ۵۱۶ معرفی گردیده، در ص ۶۱ تحفه سامی در صفحهٔ چهارم (چاپ آقای وحید) زیر نام **خواجه مرشد** گوید: پسر خواجه میرك شیرازیست که سالها صاحب توجیه دفتراعلی بود، علم سیاق را باصورت خط نستعلیق جمع کرده، لوند ولاابالی واقع شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست: پهلوی سك تو جاست مارا جائی به ازین کجاست مارا.

بقرینه اینکه مرشد شیرازی نسخه خمسه خواجه را نوشته وخط آن نسخه بااین نسخه شباهت کامل دارد (اگرچه این نسخه را بهتر نوشته) ومطابقت زمان خواجه مرشد بازمان نگارش این نسخه بایستی نویسنده همو باشد ودرآخر این نسخه است:

درین کتابت من گر نظر کنی روزی بگو که کاتب این خط غریق غفران باد.

دریای معانی از گهر کرد تهی — روزی که بنای پنج گنجینه نهاد.

وبر ترنج دیگر نیز این رباعی :

خمسه که به مخزنش بود زیب تمام — از خسرو شیرینش فرودست نظام
لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب — تاریخ سکندرش دهد ختم کلام .

بخط ثلث نگارش یافته و تمام دو صفحهٔ اول نسخه که هر یك شش بیت از مخزن الاسرار را شامل میباشد ، با کمال ظرافت نقاشی و مینا کاری گردیده ، میان سطر های دو صفحهٔ بعد از این دو صفحه وهر صفحه ایکه مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد و دو صفحهٔ اول هر یك از کتابهای خسرو شیرین تااقبال نامه که نیز دارای سرلوح های (پنج سرلوح) زیبائی است ، طلا اندازی و نقاشی شده ودو صفحه آخر نسخه بطرز جالب توجه ونظر مینا کاری وطلا اندازی و نقاشی گردیده و گذشته ازاینها دو صفحه آخر خسرو شیرین و یك ورق ازمیان لیلی و مجنون ودو صفحهٔ آخر آن ودو صفحهٔ آخر هفت پیکر مینا کاریهای ظریف دارد .

تمام صفحات باکمال استادی و مهارت متن وحاشیه گردیده و مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف وغیره میباشد ، عناوین مطالب کتابهای پنجگانه برسرسوره هائیکه ازطلا پوشیده شده باسفیدآب نگارش یافته واطراف آن نگارش هم برگ و گل نقاشی شده است .

برحسب یادداشتیکه پشت نخستین برگ نسخه گردیده بسال ١٢٨٤ مرحوم اعتضاد السلطنه مالك این نسخه بوده و دیگری بسال ١٢٩٢ نوشته : در این کتاب سی و یك صفحه مجلس سازی شده . ولی باشمارهٔ دقیق مکرر اینجانب سی مجلس بیشتر ندارد و در دفاتر کهنه کتابخانه هم سی مجلس قید گردیده است . دو یادداشت دیگر دراین صفحه بوده آنها را محو کرده اند ، بوسائل دقیق شاید بتوان از آثار آن بدست آورد که موضوع نگارش چه بوده است وقف نامه نسخه درحاشیهٔ صفحه سوم مخزن الاسرار نوشته شده است .

جلد سوخته دورو بسیار اعلی . کاغذ **متن** خان بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٤١٢) . صفحه ای (١٩) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٣٣ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٠) .

(١١٤٣)

خمسه نظامی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب ..... (١) شیرازی بسال احد ..... (٢) تسعمائه نوشته ، پیش ازشروع بنگارش کتاب دو مجلس نقاشی که هر یك تمام صفحه را شامل میباشد ، موجود و اندکی ریختگی دارد ، سی و پنج مجلس نقاشی چینی ظریف دارد که هر یك نصف صفحه را فرا گرفته وبخوبی ظاهر و هویداست که در اوائل عصر صفوی کشیده شده و برخی از آنها کمال نفاست را دارد ، برچند مجلس نقاشی آن جمله : **السلطان العادل** . نوشته شده ویکی از آنها راکه درخسرو شیرین است اندکی دست زده شده وقسمتی از آنرا محو کرده اند ، اطراف دو صفحهٔ نخستین کتاب که هر یك هفت بیت در آن نوشته شده ، با کمال لطافت و ظرافت نقاشی شده ، دارای پنج سر لوح زیباست که بسیار بایکدیگر شبیه اند و نام کتاب های پنجگانه با سفیداب بر آن نگاشته شده ، پشت صفحه اول نسخه ترنجی ظریف میباشد که وسط آن ازطلا پوشیده شده و باسفید آب این بیت بر آن نگارش یافته :

طبع نظامی و دلش را ستند — عالم از آن راستی آراستند .

تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و همه عناوین باطلا نوشته شده است

جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٠٦) . صفحه ای (٢١) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٣٣ سانتیمتر) . عرض (٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٧٥) .

(١١٤٤)

خمسه نظامی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، دست حوادث برگهای آنرا ضایع و قسمتی ازابیات آنرا هم ازمیان برده ، درحاشیه آخرین صفحه محمد علی بن محمد رضی بسال ١٢٢١ نوشته : بسعی میرزا

---

(١) باز هم بی وجدانی نام نویسنده و بخشی از تاریخ کتابت را محو کرده ولی احتمال قوی دارد که نویسنده همان مرشدبن میرك شیرازی باشد وبقرین اینکه شاه طهماسب **عادل** تخلص میکرده و بر مجالس چندی از آن جلهٔ «السلطان العادل» نگارش یافته بایستی برای آن پادشاه نگارش یافته باشد ولی خط آن بپایه نسخهٔ پیشین نمیرسد .

(٢) میان این دو کلمه نیز محو گردیده وبایستی **و ثلثین** یا **واربعین** باشد .

محمد هادی طبیب پسر میرزا ابوالفضل طبیب این نسخه که در اثر موریانه منهدم و اوراق شده بود اتمام واختتام پذیرفت .

راستی بحدی خوب وّصالی و ابیات آن تکمیل شده کـه فقط با دقت توان آنها را از اصل تمیز داد ، در آخرهفت پیکر تاریخ اتمام نگارش نسخه ذیقعده سنهٔ ۹۹۷ نوشته شده و قسمتی از عبارات بالای تاریخ محو گردیده ، کتابهای آن بترتیب معمولی نیست وبدینگونه در این مجلّد گذارده شده : مخزن الاسرار، لیلی و مجنون ، هفت گنبد ، خسرو شیرین ، اسکندرنامه (شرف نامه و اقبال نامه) ، کتاب اوّل و دوّم و چهارم دارای سر سورهٔ ظریفی است که مسلماً از نقاشیهای قرن دهم میباشد و در آغاز کتاب سوّم و پنجم در هنگام صحافی مذکور تذهیب مختصری شده ، اشعار درمتن و حاشیه نوشته شده وعموماً عناوین مطالب نگارش نیافته ، بسال ۱۳۵٦ نیزدراین کتابخانه صحافی گردیده وصفحات آن مجدول است .

جلد تیماجی. کاغذ متن خان بالـغ، حاشیه فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷٦) . صفحه ای (۳٤ بیت در متن ۱۹ در حاشیه) . طول (۳۰ سانتیمتر) . (عرض ۲۰ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵) .

(۱۱٤۵)

خمسه نظامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش اثری نگذارده ، ظاهرآدر قرن یازدهم هجری نگاشته‌شده، پنج سرلوح دارد، اول‌و آخر آنهاتازه وظاهراً ازکارهای قرن سیزدهم هجری میباشد ولی سه سرلوح دیگر از همان قرن یازدهم و بسبك هندی است ، عناوین باشنجرف و صفحات مجدول بطلاست .

جلد ساغری مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار.قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۳۰۵)صفحه‌ای (متن ۲۰ حاشیه ۲۹ بیت شعر) .(طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۱) .

(۱۱٤٦)

خمسه نظامی این نسخه‌را بخط شکسته نستعلیق محمد رضابن حاج بیگلر بسال۱۲٦۲ درقزوین (در آخر خسرو شیرین و لیلی مجنون

و اقبال نامه تصریح باین مطالب شده) بانجام رسانیده ، ابیات الحاقی در آن زیاد دیده میشود ، در متن و حاشیه نوشته شده و صفحات مجدول به جوهر سرخ و آبی‌است ، پس ازدخول در این کتابخانه پسر کتابدارِ آن هنگام پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بسال ۱۳۱۲ نوشته است .

جلد تیماجی . کاغـذفرنگی . واقف‌سپهـسالار . قطع‌رحلـی . شمارهٔاوراق (۳۷٤) . صفحه ای (درمتن ۲۰ درحاشیه۱۸)بیت. طول(۳۲ سانتیمتر) .عرض(۱۹سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۳۵٦) .

(۱۱٤۷)

خمسه نظامی این‌نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نگارش یافته ، مخزن‌الاسرار رادرصحافی، آخر کتاب قرارداده اند از آخرخسروشیرین واسکندرنامه هریك درحدود ۴۰۰ بیت افتاده‌و آخرین بیت از خسرو شیرین اینست :

پس آنکه کردشان در پهلوی یاد   که احسنت ای جهان پهلودوهمزاد

وآخرین بیت ازشرفنامه این :

کس از خاصگان پیش دارا نماند   از او در دل کس مدارا نمانـد

(دراین نسخه این بیت چنین ضبط گردیده ودرنسخ دیگر بطرز دیگری است)، لیلی ومجنون وهفت پیکررا هم بدون نقص دارد ولی اقبال نامه اصلاً دراین‌نسخه نیست ، میان صفحات قسمتهای چندی برای ترسیم مجالس‌نقاشی باز گذارده شده ولی توفیق کشیدن را نیافته اند .

بنام منتخبی ازخمسه نظامی وقف گردیده وبهمین نام دردفاتر کتابخانه ثبت‌شده ولی‌مسلّماً منتخب نیست وخمسه‌ای‌ناقص میباشد . بسال۱۲٤۱متعلق به محمد محسن نام‌موسوی بوده وپشت صفحهٔ نخستین بخط خود یادداشت کرده ومهر اسم وی در چندین‌صفحه زده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲٤) صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۳) .

(۱۱٤۸)

خمسهٔ نظامی (هفت پیکر)

این نسخه فقط **هفت پیکر** از خمسهٔ نظامی میباشد ، برگ آخر آن که شامل ٤۱ بیت بوده افتاده و آخرین بیت نسخه اینست :

تا درآری بحسن او نظری   جلوهٔ دادمش بهر هنری .

نویسندهٔ آن ظاهراً هندی ودراواخر قرن نهم هجری بوده ، درآغاز نسخه سرلوحی بسبك هندی است که باسفیدآب نام کتاب بروسط آن نگاشته شده، ومیان سطرهای دوصفحهٔ اول نسخه طلااندازی شده وهمه عناوین مطالب برسرسوره هائیکه ازطلا پوشیده شده نیز باسفیدآب نگارش یافته و تمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد وغیره است ، پشت صفحهٔ اول یادداشتی بوده محو گردیده و یادداشت اعتضادالسلطنه مورخ بسال ۱۲۹۱ نیز دراینجاست .

جلد ضربی وسوخته (مستعمل دور گرفته) . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱٤ بیت در متن و ٥ در حاشیه). طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۲) .

[٥۰٦] خمسه نوائی (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی (علی شیربن کجکنه (درخوشگو ثبت شده)٨٤٤-٩۰٦)(۱)از مشاهیر درباریان سلطان حسین میرزای بایقرا میباشدو بنابر نوشتهوی در مجالس العشاق ازروزگار بچگی در مکتب باوی دوستی ومودت داشته ، چون بسلطنت رسید اورا از ماوراءالنهر که مسکن امیر شده بود بهراة خواست وکارهای بزرگی را بتدریج بوی بر گذار فرمود .

(۱) دولتشاه درزمان خود امیر درآخر تذکرهٔ خویش شرحی ازحالات اورا نگاشته وسلطانحسین بایقرا درمجلس ۷٤ مجالس العشاق پس ازمرگ وی باتجلیلی زیاد اورامعرفی کرده و گوید بسال ۹۰٦ وفات یافت وسام میرزا درتحفه سامی شرحی نیکو درحالات وآثار ومؤلفات امیرنگارش داده ، و تصریح کرده که تولد وی بسال ٨٤٤ بوده و گوید مولانا صاحبدارا قصیده ای در مرثیهٔ امیر گفته که یکی از مصرعهای آن سال تولد را میرساند و دیگری سال وفات را چند بیت ازآن را هم نقل نموده ومطلع آن اینست :

ای فلك بیداد و بی رحمی بدینسان کرده ای   ای اجل ملك جهانرا باز ویران کرده ای

ولی چنانکه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰٦ را که مسلماً امیر درآن سال وفات یافته نمیرساند ودیگرابیات هم کهمحاسبهشد درستدرنمی آیند این اختلاف شاید دراثر تحریف یاتصحیف ابیات باشد .

مقام فضل ودانش وعلم دوستی امیرعلیشیر بپایه ایست که هر کس دراین موضوع چیزی نگارش دهد چنانست که بخواهد آفتاب را بشناساند ، بنابراین جز توضیح واضح چیزدیگرنخواهد بود ، دراین مؤلفهٔ ناچیزوفهرست های دیگر(۱) وکتب سیروتواریخ بسیاری ازمؤلفات که درعصر وزمان وتشویق وترغیب این رادمرد بزرگ تألیف شده ، معرّفی گردیده وخواهد گردید ونیزمؤلفین وشعراء وعلماء نامداریکه ازیمن تربیت این بزرگ ، عالم علم و ادب را روشن کرده ، مستقلاً یابمناسبت دراینجا نام برده شده ومیشوند ، این امیردانشمند ، پس ازانجام وظائف اجتماعی بمطالعه و تألیف کتب زیادی پرداخته ، و بزبان ترکی وفارسی اشعاری انشاء نموده وتخلّص وی درترکی **نوائی** ودرفارسی **فانی** میباشدو کتابهائی تألیف نموده،وچهاردیوان ترکی(۱.غرائب الصغر ۲.نوادرالشباب. ۳.بدائع الوسط. ٤ ـ فوائد الکبر) ویك دیوان فارسی دارد (نسخه ای ازاین دیوان در کتابخانه مجلس موجود خصوصیات آنرا بفهرست آنجا تألیف نگارنده مراجعه نمائید) ومؤلفات دیگرچون : خمسةالمتحیّرین، اربعین منظوم ، قصهٔ شیخ صنعان ، منشأت ، تاریخ ملوك عجم(۲) بترکی ،مفردات درفن معمّا و عروض بترکی ، محبوب القلوب، تاریخ انبیا ، فارسی نثراللآلی (۳) ، خمسه ای درتقلید نظامی بترکی (همین کتاب)، نسائم المحبه و غیر ازاینها ازقلم توانایش ریخته شده است .

(۱) در صفحات ٤۰ و ۱۳۹ و ۳۲۲ و ۳۳۲ و ۳٦۰ و ۳۷۰ و ۳۷۳ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس کتابهائی استکه بنام امیرعلیشیرتألیف گردیده است .

(۲) امیر علیشیر در ابتداء سد سکندری پس از حمد خدا ونعت رسول ص و تعریف نظامی وجامی وسلطان حسین میرزا وفرزند وی بدیع الزمان تاریخ ایران را مختصراً درچهارطبقه (۱ ـ پیشدادیان ۲ ـ کیان . ۳ اشکانیان ٤ ـ ساسانیان) بنظم درآورده ومسلما تألیف تاریخ ملوك عجم که درسیره وی نوشته اند غیر از این میباشد که پیش از داستان اسکندر در این کتاب گذارده ، چرا که میرزا مهدیخان درمقدمهسنکلاخ این کتاب را در ذیل مؤلفات نثری امیرعلیشیر معرفی کرده است .

(۳) درنسخه خطی تحفهٔ سامی متعلق باین کتابخانه ونسخه چاپ آقای وحید « نظم الجواهر » وفارسی نثراللالی بدون واوعطف وچنان نوشته شده که تصورمیشود فارسی صفت نظم الجواهراست و نگارنده درص ۱۰۳ زیر معرفی از نثراللالی تذکر داده ام که نظم الجواهر ترجه ترکی نثراللالی میباشد بنا براین ترجه فارسی نثراللالی نیز از امیراست و در آن صفحه متوجه این معنی نگردیده بودم و تصور شده بود که بنام نثراللالی امیر کتابی داشته است .

بنابرادعای دولتشاه در تذکرهٔ خویش پیش از این امیر کسی بانشاء خمسه ای بترکی(۱) درجواب نظامی مبادرت ننموده و کتابهای این خمسه عبارتند از :
۱ - حیرت‌الابرار . ۲ - لیلی و مجنون . ۳ - شیرین وفرهاد . ٤ - سبعهٔ سیاره.
٥ - سد سکندری . وخود امیرتاریخ‌انجام حیرت‌الابراررا بسال ۸۸۸ وسبعهٔ سیاره و فرهاد و شیرین را بسال ۸۸۹ معین کرده وبرحسب شمارهٔ این جانب در حدود (۲٥۸۰۲) بیت اشعار این خمسه میباشد وتذکره نویسان ودانشمندان ترك نژاد از لطافت مضامین این کتاب در حیرت و درمقابل آن خاضع اند وتاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز حیرت‌الابرار: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رشته غه چکتی‌بنجه دریتیم
در (۳۹۸٤) بیت.

آغاز لیلی ومجنون : ای‌بخشی آتنیك بیله تر آغاز انجام میغه کم تیارهر آغاز
در (۳٦٥۰) بیت .

آغاز فرهادوشیرین : بحمدك فتح‌ابواب‌المعانی نصیب‌ایت کونکلومافتح‌اولماغ آنی
در (٥۸۱٦) بیت .

آغاز سبعهٔ سیاره: ای‌سپاسینك‌دیما کدمل‌انلی‌لال ایلکاتیل‌سپندین‌اولدی‌بیلکامقال
در (٥۰۰۰) بیت .

آغاز سد سکندری : خدایا مسلم خدالیق سنکا براوشه که دابی کدالیق سنکا
در (۷۳٥۲) بیت .

(۱۱٤۹)

خمسه نوائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوائل قرن دهم نگاشته شده ،

(۱) جامی درآخر روضهٔ هفتم از بهارستان که بذکر ووصف وستایش امیر پرداخته در وصف خمسهٔ وی گوید : مثنویات که درمقابل خمسهٔ نظامی وقوع یافته بسه هزار نزدیك (مسلماً این شماره غلط نساخ است و شاید سی هزار و تعیین تقریبی نه تحقیقی بوده است) همانا بآن زبان پیش از وی به از وی بیش از وی کسی شعر نگفته است . ونیز گوید که بهردونوع فارسی وترکی شعر میگفته ولی میل طبع وی بترکی ازفارسی بشتراست وغزلیات از ده هزار زیادت خواهد بود .

برگ نخستین ویك برگ ازاواخرنسخه نونویس میباشد، درآخر فرهاد وشیرین مهر گردیکه بدین سجع میباشد: (محترمه سلطان بیگم بنت‌السلطان‌الغازی سلیمان.) و اطراف آن در دوازده کنگره دوازده اسم ازاسماء‌الله نوشته شده ومیرساند که نسخه متعلق بکتابخانه دختر سلطان سلیمان بن سلطان سلیم (۹۲٦ - ۹۷٤) عثمانی بوده موجود وبر مجلّدات دیگر این کتاب هم همین مهر بوده ولی آنهارا کرده اند .

برخی ازبرگهای نسخه وصّالی گردیده و عناوین مطالب باشنجرف نگاشته محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ برگها (۳۲٥) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٤ ۱/۲ سانتیمتر). عرض(۱۷سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳٦۹).

(۱۱٥۰)

خمسه نوائی این‌نسخه را بسال ۱۰۱۲ و ۱۰٦٥ و۱۰۷۷ (درآخر کتاب این‌تاریخ اخیراست) بخط نستعلیق نوشته اند ، درآخرسبعهٔ سیاره‌نویسنده‌ایکه ظاهراً نیزنویسنده همه پنج کتاب میباشد خودرا **صالحی خراسانی** معرّفی نموده ودراینجا مهر بادامی که بدین سجع میباشد زده شده : غلام شاه عباس است‌مرجان. ومیرساند که‌متعلق بیکی‌ازامراء آنعصر که **مرجان** نام‌داشته‌بوده‌است.
عناوین مطالب باشنجرف میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷٤) . صفحه‌ای (۲٥) سطر . طول(۳۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳٦٦) .

(۱۱٥۱)

خمسه نوائی (سدسکندری) این نسخه که دراین کتابخانه بنام « اشعار ترکی » معرفی‌شده، «سدسکندری» یاپنجمین کتاب‌خمسه نوائی‌است ولی ۱۸۰بیت از اوّل و ۲۷۸ بیت از آخر آن افتاده ، ظاهراً درقرن دهم هجری نگارش یافته و برگهائی ازآن وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۹۸) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۷۲).

[٥٠٧] خمسه هاتفی (فارسی)

(لیلي ومجنون ، هفت منظر ، تمرنامه یاظفرنامه هاتفی)

یکی ازشعرائیکه خمسه نظامی‌را جواب گفته‌اند هاتفی‌است (ملاّ عبدالله هاتفی خبوشانی جامی متوفی بسال ۹۲۷)(۱) که ازنزدیکان(۲) عبدالرحمن **جامی** بوده وگویند مبادرت باین کار را از جامی اجازه گرفته ، وی برای امتحان قدرت طبع وی جواب گفتن شعر فردوسی : درختیکه تلخ است ویرا سرشت الخ . را از او خواست ، هاتفی گفت :

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت — نهی زیر طاوس باغ بهشت
دهی آبش از چشمهٔ سلسبیل — در آن بیضه دم دردمد جبرئیل
بهنگام آن بیضه پروردنش — ز انجیر جنت دهی ارزنش
شود عاقبت بیضهٔ زاغ زاغ — کشد رنج بیهوده طاوس باغ .

جامی طبع او را شایسته این‌کار دید وبدو اجازه داد و مشهوراستکه بوی گفته است بد نگفتی ای ولی چهارجا تخم گذارده‌ای ، هاتفی استدعا نمود که افتتاح لیلی و مجنون را جامی‌نماید وی این‌درخواست‌را اجابت نمود بنابراین بیت‌نخستین از جامی است .

از خمسهٔ هاتفی فقط این چهار کتاب انشاء گردیده : (لیلی مجنون ، شیرین

---

(۱) درحبیب‌السیر جزء سیم ازجلدسیم ص ۳٤٦ ، تحفه سامی ص٩٤-٩٧چاپ وحید ، هفت اقلیم ص ٥٧٢ ، تذکرهخوشگو ، ترجمه تاریخ ادبیات ادواردبرون ص۱٥۲-۱٥۳ ، هاتفی نام‌برده‌شده ومراجعه گردیدودرحبیب‌السیر است کهدرماه‌محرم‌وفات یافته ودرتاریخ‌فوت‌او حبیب‌الله‌**معرّف** گوید :

تاریخ فوت او طلبیدم ز عقل گفت — از **شاعرشهان وشه شاعران** طلب .

وجملهٔ **جامی ثانی** را نیزماده تاریخ وفات وی یافته اند .

(۲) دراوائل هفت منظر گوید :

نیست این دعویم که خویش توام — یا ز یاران پاك کیش توام
عمرها شد که از سگان درم — خاك این درگهست تاج سرم
دارم امید آنکه آخر کار — دهیم در جوار خویشت بار

وخسرو ، هفت منظر وتمرنامه یاظفرنامه (۱)) و از کتاب پنجم وی نامی درجائی واثری در کتابی نیست ، شاید توفیق بمبادرت جواب مخزن‌الاسرار را نیافته باشد ، سام میرزا درتحفهٔ سامی گوید بسال ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از فتح بلاد خراسان متوجه‌عراق بودنددرحوالی‌قصبه **خرجرد**جام جهت‌زیارت‌تربت‌شاه‌قاسم‌انوارنزول فرموده بودند ، برسبیل گشت بدر باغ هاتفی رسیدند مولانا خبردارشد وباستقبال شتافت ، مورد عنایت واقع شد و طالب چند بیت از اشعار او شدند مطلوب شد و مورد تحسین واقع گردید و مأمور به نظم فتوحات شاهی شد ، درحدود هزار بیت از آنرا بنظم آورد اما توفیق اتمام نیافت و چند بیت از این مثنوی نیز در تحفه سامی نقل گردیده است .

گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دست نیست و تذکره نویسان تذکر نداده اند که جزمثنوی هم شعر داشته ولی دیوان قصائد و غزلیات داشته وخود وی درتمرنامه پیش از شروع بداستان گوید :

نکوئی همی در فن مثنوی — سخن را دهم زینت خسروی
بهر شیوه گرنظم کردم علم — ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آستانی اگر همچو میغ — بدامن گهر ریزدم بی دریغ
دهم در قصائد بدانسان ندا — که خاقانی آنجا کند جان فدا
بجلوه درآید گرآن دلفریب — که ازدل برد هوش‌ازجان‌شکیب
طریق غزل را بداند که چیست — کدامست خسرو حسن نیز کیست

---

(۱) درآخر تمرنامه گوید :

من آنروز کزطبع گنجینه سنج — نشستم بصرافی پنج گنج
گرفتم ز لیلی و مجنون نخست — وزان صورت دعویم شد درست
شدآن نقش فرخ چوگیتی پسند — ز شیرین و خسرو شدم بهره مند
چو آن گلستان را بیاراستم — ازآن خوشتر آمد که میخواستم
چو باز آمدم زان همایون سفر — سوی هفت منظر فکندم نظر
تماشا گهی کردم آراسته — که شد چرخ از رشك آن کاسته
شدم چون ز افسانه گفتن خموش — هوای سکندر ز دل برد هوش

❀❀❀

شدند آن حریفان فرخنده رای — بسوی تمرنامه‌ام رهنمای .

وخود دراینجا تصریح نموده که عین ظفر نامه شرف الدین علی یزدی راکه تاریخ صحیح است نه افسانه وخیالی‌بنظم کشیده .

بود بحروکان سخن ملك من　　درو لعل ریزد سرکلك من

یکی از مختصات هاتفی اینستکه در این کتابهای چهارگانه خویش بمدح کسی نپرداخته واشاره ای بزمان وعصر خود نکرده وتاریخ نظم هیچیك از کتابهای چهارگانه را معیّن ننموده وپس از حمد وثنا ونعت وبیان معراج حضرت رسالت پناه ص م ومنقبت حضرت مولی علی بن ابی طالب ع شروع بمطلب نموده ، در تحفه سامی است که تمر نامه را در چل سال بنظم آورده، و در کشف الظنون نیز همین مطلب نگارش یافته ولی این قول را نگارنده ازقرائن موجوده در کتاب منکر است، ارادت خودرا به سید قاسم انوار درلیلی و مجنون تصریح نموده و این مثنویات را از برکات آن مرشد کامل دانسته ودرهمین کتاب تشیع خود را اظهار داشته ودراینجاست :

یارب که کنی خجسته نامم　　در دین دوازده امامم
بخشای بهاتفی ز کوثر　　یك جرعه بحق آل حیدر
گردد چو زبان بگفت گویم　　مدّاح علی و آل اویم .

آغاز لیلی ومجنون : این نامه که خامه کرد بنیاد　توقیع قبول روزیش باد
(درحدود ۲۰۰۰ بیت است) (۱) .

آغاز شیرین وخسرو: خداوندا بعشقم زندگی ده　بفرقم تاج عزّ بندگی ده
(درحدود ۱۷۰۰ بیت است) (۲) .

آغاز هفت منظر: ای نگارندهٔ صحیفهٔ غیب　نام تو صدر صفحهٔ لاریب
(درحدود ۲٤٦٦ بیت است) .

آغاز تمرنامه : بنام خدائی که فکرخرد　نیارد که تاکنه او پی برد
(درحدود ٤٦٥٦ بیت است) (۳) .

---

(۱) لیلی مجنون هاتفی بسال ۱۷۸۸ م درکلکته چاپ شده .
(۲) نسخهٔ شیرین خسرو هاتفی زیر شمارهٔ ۳۳۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی بنام خسروشیرین هاتفی موجود درصورتیکه خود این کتاب را شیرین و خسرو نام گذارده .
(۳) تمرنامه بسال ۱۸٦۹ م درلکنهوچاپ شده وبرحسب تصریح ناظم عین ظفرنامه تیموری است.

(۱۱٥۲)

خمسه هاتفی
لیلی و مجنون
هفت منظر و تمرنامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهراً در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، دوصفحه نخستین لیلی مجنون نقاشی ومیناکاری وتذهیب ظریفی گردیده ، درابتداء دو کتاب دیگر دوسرلوح ظریف کوچك میباشد ، صفحات مجدول بطلاولاجورداست، پشت برگ نخستین مرحوم رضاقلیخان هدایت شرحی درمعرّفی از نسخه و مؤلف آن بسال ۱۲۸۳ در تبریز نوشته ویادداشت ورود بکتابخانه اعتضادالسلطنه نیز درهمین صفحه است .

درآخر نسخه آثارمحو چندین سطر وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۳۱٤) . صفحهای (۱٥) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۲ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۰) .

(۱۱٥۳)

خمسه هاتفی
(تمرنامه)

این نسخه نیز بخط نستعلیق خوب (ظاهراً در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد ، عناوین باشنجرف میباشد ، بخشی ازورق نخستین پاره و وّصالی گردیده ، سطرهائی ازصفحهٔ دوم محو شده ، ۱۳۲ بیت از آخر کتاب افتاده وآخرین بیت نسخه که جمله ای از اول مصرع دوم آن نیز محو گردیده اینست :

ستایند در پیشگه بنده وار　　. . . . . ی خداوندگار

جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۳۱) . صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹٤) .

(۱۱٥٤)

خمسه هاتفی
(تمر نامه)

این نسخه را بسال ۹۸۰ زین العباد شریف بخط نستعلیق نوشته، بسال ۱۰۳٥ ادریس ابن حاج سلیمان مشهور به ابن البهلوان آنرا خریده ودرآخرنسخه خود یادداشت کرده ، دوبرگ ازابتداء نسخه که شامل ٥۰ بیت بوده افتاده ونخستین بیت موجود اینست :

مغنی بیاران نو آئین نوا دل درد مند مراده نوا .

وعناوین باسرخی نوشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٩٧) . صفحه‌ای (١٧) سطر . طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٥٠١) .

[٥٠٨] دیوان ابن التعاویذی (عربی)

ابن التعاویذی(١) (ابوالفتح محمدبن عبیدالله (٢) بن عبدالله ٥١٩ — ٥٨٣/٥٨٤)(٣) از نویسندگان وشعرای قرن ششم هجری بوده ومعاصر وی عماد کاتب اصفهانی در جلد اول خریدةالقصر زیرعنوان : **مناقب برخی ازمعاصرین** . اورا باتجلیلی زیاد نام برده و اشعاری که بسال ٥٦١ ازوشنیده دراین کتاب آورده و نیز کاغذیکه باکمال بلاغت و فصاحت از بغداد بشام فرستاده و ازو پوستینی خواسته (٤) دراینجا است .

در دیوان مقاطعات بغداد نویسنده بوده ، ابن خلکان مینویسد تاحدّیکه من میدانم تادویست سال پیش ازوی کسیکه مانند وی فصیح وبلیغ باشد وجودنداشته ، وبسال ٥٧٩ که شصت سال از عمر وی گذشته بود ازهردو چشم نابینا شده و در رثاء چشم خویش وتأسف از رفتن جوانی اشعاری فصیح دارد .

پیش از این مصیبت بجمع دیوان خود مبادرت کرده وآنرا بچهار فصل بدین تفصیل که زیر این سطر ها نگارش میابد منقسم نموده و دیباچه ای ظریف وزیبا بنثر بر آن نگاشته و آنچه پس از این ترتیب ازسنخ هریك از فصول، انشاء نموده بنام زیادات بر آن اضافه کرده وازاین رو درپاره ای ازنسخ دیوان اینگونه اشعار نیست وفصول چهارگانه این دیوان اینست : **فصل اول** درمدح خلفاء عباسی است

(١) تعویذ دعاوطلسم‌نویسی است ، گویاجد این‌شاعردارای‌این پیشه بودەوازاین جهت بدان‌مشهور شده و این شاعر بدان نسبت داده شده است .

(٢) در نسخه خطی خریدةالقصر این کتابخانه و شذرات الذهب پدر این شاعر عبدالله ولی در وفیات‌الاعیان و معجم‌المطبوعات عبیدالله ثبت گردیده است .

(٣) خریدةالقصر (نسخه خطی‌این کتابخانه) ورق ١٤٨-١٥٢ ، وفیات‌الاعیان ج ٢ ص ١٩-٢٢ معجم‌المطبوعات ص ٥١ مراجعه شود .

(٤) در وفیات‌الاعیان ، این کاغذ از خریدةالقصر نقل گردیده است .

وابتداء بقصیده ای نموده که درمدح الناصرلدین‌الله عباسی درسال ٥٧٥ درهنگام خلافت وی انشاء گردیده . **فصل دوم** درمدائح وزراء وبزرگان واماثل‌واقران ودیگر از معاصرین . **فصل سوم** درمدائح بنی‌المظفر میباشد که شاعر خود وجدّ مادریش **ابو محمد بن التعاویذی** (بنابرتصریح خود وی) در تحت تربیت این خاندان بوده و از نوال احسان آنها روزگار میگذرانیده وبمدح وثنای ایشان مشغول بوده اند . **فصل چهارم** دراقسام شعر ازقبیل مرثیه وغزل وهجا و نصایح وقصاید ومقطعات وغیراز اینهاست .

این دیوان بسال ١٩٠٣ در بیروت تحت نظر مرکلیوث مستشرق چاپ شده ولی ترتیب آن موافق تقسیمیکه شاعر خود نموده نیست و تمام اشعار را موافق حروف قوافی آنها ازالف تایاء مرتب نموده است .

آغاز : خطبه بسمله قال ابوالفتح . . . . **امابعد** حمدالله علی نعمائه‌السابغه الخ.

آغاز دیوان موافق نسخهٔ اصل :

طاف یسعی بها علی الجلاس کقضیب الاراکة المیاس(١) الخ .

(١١٥٥)

دیوان ابن التعاویذی این نسخه ظاهراً دراواخر قرن هفتم نگاش یافته ، اوراقی از اول وآخر آن افتاده . ٦٠ برگ آخر آن نونویس و ظاهراً ازخطوط اوائل قرن سیزدهم هجری ونویسندهٔ آن سیّد عمران بن سیّد عزیز میباشد ، این نویسنده درتمام بودن دیوان تردید کرده ، اشعار این قسمت اخیرموافق تقسیم مذکور بالا ازفصل چهارم میباشد ولی شاید تمام آن فصل را شامل نباشد و گذشته ازاین احتمال دارد ازمیان فصول پیشین هم اوراقی افتاده باشد واین نسخه موافق همان ترتیبی‌است که ناظم خود دیوان را بدانگونه ترتیب داده وشامل اشعاریکه پس‌از کوری انشاء نموده نیز میباشد واین نسخه بنام «دیوان ابن التعاویذی وقصائد بعضی ازشعراء عرب وتذکرة‌الشعرا» داخل کتابخانه گردیده

(١) این آغاز قصیده ایست که در ابتداء خلافت‌الناصرلدین الله درآخرسال ٥٧٥ انشا نموده است .

و برکنار نخستین برگ یادداشت گردیده ولی مسلماً شامل غیر از دیوان نام برده نیست .

ازمقدّمهٔ نثری شاعربخشی (ظاهراً یك صفحه) افتاده ونخستین سطر آن اینست : الاسن المتناسیه وعطفت علیها القلوب القاسیه وشملنی من برها المتواتر الخ . و قسمتی از اشعار اصل نسخه در اثر پوسیدگی اوراق از میان رفته و وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۴۳) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض (۱۷سانتیمتر .)شمارهٔ کتابخانه (۲۷۱۹) .

[۵۰۹] دیوان ابن خفاجه (عربی)

ابن خفاجه (ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن عبدالله بن خفاجه ۴۵۰-۵۳۳)(۱) از شعرای اندلس میباشد ، فتح بن خاقان گوید : در عید فطر سال ۵۱۰ اورا در شاطبیّه دیده ام واز آثار او نقلهائی نموده ، دیوانی بسیار نیکو دارد ، درجزیره **شقر** که از توابع **بلنسیه** است متولّد شده واز پادشاهان معاصرخویش که ازدریای بی پایان آنها ادبا بهره‌مند میشدند هرگزچیزی نخواست وابن خلکان گوید : **شقر** بضم شین وسکون قاف وراء مهمله شهر کوچکی‌است میان شاطبیّه وبلنسیّه‌وآنرا بدین سبب جزیره گویند که اطراف آنرا آب فرا گرفته وبلنسیّه بفتح باء موحده وفتح لام وسکون نون و کسرسین مهمله وفتح یاء حطی است **والاندلس** بفتح همزه وسکون نون وفتح دال وضم لام وسین مهمله واین (اندلس) جزیره ایست که متصل است به **برالطویل** وبرّ طویل چسبیده بـه قسطنطنیه بزرگ است واو را جزیره گویند چراکه دریا از اطراف بر آن احاطه دارد مگرطرف شمال ومثلّث شکل است و رکن شرقی آن متصل بکوهی است که راه فرنگ از آنجا ست وهرگاه نبود دو دریا بیك دیگرمتصل میشدند . و گویند نخستین کس که اینجا را آباد کرده اندلس بن نوح علیه‌السلام بوده است (تمام شد بیانات ابن خلکان) .

(۱) وفیات‌الاعیان ج ۱ص۱۴ ، قلائدالعقیان ص ۲۳۰-۲۴۱ معجم‌البلدان ج ۱ص۳۷۵-۳۸۸و معجم‌المطبوعات ص ۹۵ مراجعه شده است .

(اندلس جزء کشوراسپانیا میباشدو کوه نام برده « پیرنه » است که میان فرانسه واسپانیا میباشد) .

ابن خفاجه در مقدّمهٔ ادیبانه ایکه خود براین دیوان نوشته گوید : درآغاز جوانی عشقی بخواندن دیوان سیّد رضی موسوی ومهیاردیلمی وعبدالمحسن صوری داشتم وازمطالعهٔ آنهار تّتی که‌مناسب روزگارجوانی بودنصیب گردید ، دراقتدای ایشان بنظم اشعار مشغول شدم ، چون روزگارجوانی سپری شد وصبح پیری‌دمید از این کار دست کشیده و روزگار درازی بگفتن شعر مبادرت ننمودم ، در این روزگار که عمرم نزدیك بتمامی بود امیر اجل ابواسحق زمامدار جزیرهٔ اندلس گردید و مقرر شد برای تهنیت امارت شرفیاب حضورش کردم ، الطاف و مراحم وعطایا واحسان پیاپی امیرمذکورطبع خمول‌وافسرده امرا بانشاء نظم ونثر وادار نمود ،

دوستان گردآوری آثارم را خواستار شدند با آنکه پیری مانع بزرگی بود وبسیاری از گفته های پیشینم پوسید وبرخی فقط جزدرسینهای اشخاص یافت نمیشد، چون آنهارا بررسی کردم پاره ای را شایستهٔ محووبرخی را بااندك اصلاح‌وتصرفی لایق اثبات یافتم ، برای آنکه مطالعه کننده از یك نواخت بودن آن خسته نشود قسمتهای نثری راکه آثارم همراه داشت دراینجا نیز گذاردم الخ » .

دراین دیوان چند تاریخ یافت میشود که نزدیکترین آنها بما، سنهٔ ۵۱۴را که شاعر در آن هنگام ۶۴ سال داشته معیّن نموده و گذشته از مکاتیب و عناوین مطالب ومقدّمات آنها شامل قصائد وغزلیّات ومراثی وغیره میباشد وترتیب صحیحی ندارد ، در مقدّمه وعده داده اگرعمربپایان نرسد خود وی این دیوان را بترتیب قوافی مرتب نماید ولی معلوم نیست که موفق شده یانه .

این دیوان بسال ۱۲۸۶ در چاپخانه جمعیةالمعارف در مصر چاپ شده و در حدود (۳۷۰۰) بیت ازنظم ونثراست .

آغاز : بسمله قال‌الوزیر(۱) ابواسحق ابراهیم بن ابی‌الفتح بن خفـاجه . . . . .

(۱) در اول وآخر این نسخه ویرا بعنوان وزیرنام برده ولی درمآخذ نام برده این مقام برای وی تذکر داده نشده است .

الحمدلله الّذی عمّ بفضله ومنّ بعد وفتق اللسان برحمته الخ .

(۱۱۵۶)

دیوان ابن خفاجه

این نسخه بخط نسخ (ظاهراً در قرن نهم) نوشته شده ، نویسنده ازخود نام نبرده وباین جمله ختم میشود: کمل شعرالوزیر الفقیه الجلیل ابی اسحاق ابن ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه اعزّه الله وذلك فی الیوم السابع عشر من شهر شعبان المکرم عام ست وتسعین وخمسائة رحمه الله تعالی آمین .

ولی نگارنده تصورمیکند که این تاریخ کتابت نسخه نیست واین تاریخ ظاهراً آخرنسخه ای بوده کـه این نسخه را از روی آن نوشته‌اند و طرز نگارش نوع وکاغذ او این احتمال را مؤیّد است .

گذشته ازیادداشت اعتضادالسلطنه کـه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و وقفنامهٔ کتاب برورقیکه پیش ازبرگ نخستین نسخه میباشد این دو یادداشت نوشته شده :من کتب الفقیر الحاج محمد سنان سنة ۱۱۹۷، ثم للفقیر ولده احمد وهبی غفرالله لهما .

و پشت برگ نخستین یادداشت تملك درویش یوسف سنان بی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع وزیری باریك . شمارهٔ اوراق(۷۷) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض(۱۴ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۵۲) .

[۵۱۰] دیوان ابن فارض (عربی)

ابن فارض (شرف الدین ابوالقاسم عمر بن ابی الحسن علی بن مرشد بن علی الحموی المصری ۵۷۶(۱)-۶۳۲(۲)) (۳) ازمشاهیر شعرا ومعاریف صوفیه است

(۱) در مآخذ نام برده زیر این سطر تولد وی در این سال ثبت شده ولی در مقدمه دیوان (هردو نسخه این کتابخانه) بسال ۵۷۷ نوشته شده است .

(۲) گذشته ازمقدمه این دیوان(عنوان الدیوان) که سبط وی نوشتهٔ ومفصلترین شرح حال ابن فارض میباشد ، این شرح با مراجعه به وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۸۳ ، مجالس المؤمنین ص ۲۷۸-۲۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۹۹ ، شذرات الذهب ج ۵ ص ۱۴۹ - ۱۵۳ ، روضات ص ۵۰۵ و ۵۰۶ معجم المطبوعات ص ۲۰۰ و ۲۰۱ نگارش یافته است .

(۳) ابن خلکان گوید پدر این دانشمند در محضر حاکم، حقوق زنانرا بر مردان معین مینمود بدین جهت مشهور به **فارض** گشت و این پسر نیزبه ابن فارض مشهور گردید .

دیوان وی بهترین گواه برمراتب فضل وادب وسیروسلوك او میباشد ، تائیّه وی بسیار مشهور میباشد وشروح زیاد بر آن نوشته شده ، این قصیده موجب شد که جمعی ظاهربینان درعقائد وی شبهه ناك شوند وبعضی بی‌باکانه او را تکفیر وتفسیق کردند ولی گروهی دراین قصیده بادقت وامعان نظر نگاه کردند وبیشتر بوی گرویدند وبرخی هم میانه را گرفته ودرنفی واثبات وی چیزی ننگاشتند وچنانکه ازاشعاراو استفاده میشود امامی مذهب بوده و قاضی در مجالس اورا بدین وصف معرّفی کرده است .

سبط ایشان که علی نام داشته مقدمه‌ای بردیوان ابن فارض بنام «عنوان الدیوان» نوشته ودر آن بشرح حال ومقامات جدّ خویش پرداخته وچند مکاشفهٔ اورا نقل نموده وازتاریخیکه دراین مقدّمه بمناسبت یاد شده معلوم میشود که انشاء آن مقدّمه پس ازسال ۷۱۰ بود و در اینجاست که نسخه بردارندگان ازدیوان تصحیف وتحریفهای زیاد کرده اند ومن این دیوان را ازروی نسخه ایکه بخط ابن فارض پیش خودم بود ونزد پدرم شیخ کمال الدین محمد آنرا یادگرفته وباکمال دقت در تصحیح ویادگرفتن مطالب آن کوشش نمودم وایشان ازپدرش این دیوان را (مگر یك قصیده کـه در مکّه انشاء فرموده) شنیده وبروی خوانده بود و این دیوان را خود وی (ابن فارض) پس از ایام تجرید خویش درمصر مرتّب کرده است .

شیخ بهائی ره درجلد سوم کشکول تائیه ای بنام تائیه صغری ازابن فارض نقل نموده است .

براین دیوان شروح چندی نوشته شده و بعضی ازآنهـا چـاپ شده و دراین کتابخانه شرحی است کـه معرّفی از آن خواهد شد و خود این دیوان مکرّر در مصر وبیروت واروپا باترجمهٔ لاتینی وآلمانی چاپ گردیده است .

آغاز مقدمه (عنوان الدیوان): بسمله الحمدلله الّذی اختص حبیبه الاسنی بمقام قاب قوسین اوادنی الخ .

آغازدیوان: سائق الاظعان یطوی البید طی منعماً عرّج علی کثبان طی .

(۱۱۵۷)

دیوان ابن فارض این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۵۹ مخلوق بن عبدالله‌بن‌سلام نوشته ، پس از اتمام نیز همین نویسنده دوقصیده که نیزبوی نسبت داده شده نگاشته‌و پشت صفحهٔ نخستین مهر معتمدالدوله که مسلماًازفرهاد میرزانیست زده‌شده‌و مقدمه ای‌را که‌سبط وی‌نگاشته شامل‌میباشد.

جلدتیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار. قطع ربعی . شمارهٔ برگها (۱۱۹) . صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲) .

(۱۱۵۸)

دیوان ابن فارض این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۷٤ طاها بن خزام نوشته ، چهارده بیت در آخراز نسخهٔ بالا بیشتردارد ومقدمهٔ نام برده را نیز داراست ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد ونیز پشت آخرین صفحه یادداشتی شیرین مبنی بررهن کتابهائی‌چند، ببهای بسیار کمی است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع خشتی کوچك . شمارهٔاوراق(۱۰۵) صفحه‌ای (۱۳) سطر. طول (۱/۲ ۲۰سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۱٤سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه(۳۱۰).

[۵۱۱] دیوان ابو تمام طائی (عربی)

ابو تمام طائی(۱)(حبیب بن اوس بن الحرث الطائی ۱۹۰(۲)-۲۳۱(۳)) ازمشاهیر شعرای‌عرب‌میباشداز قبیله‌طی ابوتمام‌در شعرو حاتم‌طائی درسخاو داودبن‌نصیر طائی در زهدشهرهٔ آفاق میباشند،قاضی نورالله‌در مجالس‌المؤمنین،از کتب‌رجال‌شیعه‌و «کتاب۔ الحیوان»جاحظ تشیّع‌ویرانقل‌نموده و گویدقصیده‌ای‌درمدح ائمه‌شیعه‌علیهم‌السلام‌از حضرت‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌ع تاحضرت‌ابوجعفر محمدبن‌علی‌بن‌موسی‌الرّضاعلیهم‌السّلام

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۳ ، شذرات الذهب ج۲ص۷۲-۷٤ ، مجالس‌المؤمنین ص ٤۷۸ - ٤۷۹ ، کشف‌الظنون ج ۱ ص ۵۰۱ و معجم‌المطبوعات ص ۲۹۶ و ۲۹۷ ، در هنگامٔ نوشتن این شرح مراجعه گردیده است .
(۲) ابن خلکان تولد ویرا گذشته ازسال مذکور بسال ۱۸۸و۱۷۲و۱۹۲ نیزنقل نموده است .
(۳) ابن خلکان وفات ویرا گذشته از سال مذکور بسال ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۲ نیز نقل نموده است .

که امام زمان وی بوده انشاء نموده ، درشذرات‌الذهب شرح مفصّلی درشرح حال ومعرّفی مقامات علمی وادبی ابوتمام ومقایسهٔ اوبامتنبّی‌وبحتری بنقل‌از **المثل‌السائر** وبیانات ابن‌الاهدل نگارش یافته ، برای شناختن این شاعر مطالعه‌آن بسیارسودمند وابن خلّکان در بارهٔ وی پیش از صاحب شذرات شرحی مفصّل نگاشته ، گویند که چهارده هزار ارجوزه غیراز قصائد وقطعات در حافظه خویش جا داده و در آغاز جوانی دریکی ازمساجد شام سقائی مینموده و پدرش نصرانی بوده است .

ازابوتمام چهار کتاب بیاد گارمانده که هریك شامل نفایسی میباشد : ۱ - دیوان حماسه (درهمین فصل زیریکی ازشروح آن (شرح ابن فارس) معرّفی‌خواهد شد)، ۲ - فحول‌الشعر (دراین کتاب جمعی‌ازشعراء جاهلیّین ومخضرمین(۱) واسلامیّین‌را ذکر نموده) ، ۳ - الاختیارات من شعرالشعراء و٤ - دیوان اشعارخودوی .

ابوتمام دیوان خود را جمع نکرده و پس از وی دو نفر بدین کار مبادرت کرده اند : ۱ - ابوبکرصولی (ابوبکر محمدبن یحیی‌بن عبدالله معروف بشطرنجی مؤلف « ادب‌الکتّاب » متوفی بسال ۳۳۵ یا۳۳۶(۲) .

۲ - علی‌بن حمزه اصفهانی(۳) است و اوّلی آنرا درهشت باب (٤) بتفصیل زیرین بترتیب حروف تهجی موافق قوانی اشعار مرتب نموده :

(۱) مخضرمین شعرائی راگویند که درك زمان جاهلیت و اسلام را کرده اند .
(۲) این تاریخ از ص ۱۲۱۸ معجم‌المطبوعات نقل گردیده است .
(۳) در کتب سیر و رجال بشرح حال و زمان این دانشمند دست نیافتم فقط در ص ٤۸۰ روضات در ذیل ابونعیم بصری (علی‌بن حمزه) گوید: واین شخص غیر از علی‌بن حمزه بن عمارة‌بن حمزه اصفهانی است که صفدی او را نام برده و گوید از ادباء مشهور و مؤلف « کتاب الشعر » و «فقرالبلغاء » و « قلائد الشرف» میباشد. ودر کشف‌الظنون این سه کتاب نام برده نشده است .
(٤) در وفیات‌الاعیان و کشف الظنون مذکور است که ابوبکر صولی‌این دیوان‌را مرتب‌بترتیب حروف نموده و علی‌بن حمزهٔ اصفهانی آنرا بحروف مرتب نکرده ولی به انواع تقسیم کرده ولی در ابتداء ابواب نسخهٔ این کتابخانه که مرتب به انواع هشتگانه موافق تقسیم بالا میباشد تصریح گردیده که‌ابوبکرصولی‌مرتب‌این‌دیوان‌بدین ابواب میباشدبنابراین‌وجه جمع‌میان‌دوانیست که گوئیم ابوبکر صولی آنرا مرتب بابواب مرتّبهٔ‌بحروف چنانکه‌نسخه این کتابخانه است نموده ولی علی‌بن حمزه مرتب بانواع و ابواب کرده و ترتیب قوافی را موافق ترتیب حروف تهجی منظورنداشته و اختلاف تنظیم‌مطالب ابواب در نسخهٔ چاپی با آنچه پشت صفحه نخستین آن تذکر داده شده و نسخهٔ این کتابخانه ، مؤید مرتب بودن هر دو به انواع است .

۱ - مدیح . ۲ - هجا . ۳ - مراثی . ٤ - غزل . ٥ - معاتبات . ٦ - اوصاف . ۷ - افتخارات . ۸ - زهد . (این ترتیب موافق نسخهٔ زیرین است) .

این دیوان را شروحی چند میباشد که در کشف‌الظنون زیر نام این دیوان نام برده شده‌اند و ابوالعلاء معرّی از آن انتخابی نموده و آنرا «ذکری حبیب» نام نهاده و اصل دیوان مکرّر در بیروت و مصر چاپ گردیده و باب اول آن تقریباً دو ثلث تمام دیوان است.

آغاز : بسمله (۱) یاموضع‌الشدنیّه‌الوجناء ومصارع‌الادلاج والاسراء

(۱۱٥۹)

دیوان ابو تمام طائی

این نسخه را بخط نسخ اسمعیل بن حسن دزفولی بسال ۱۲۷۱ نوشته ، وعناوین با شنجرف میباشد ، در ابتداء هرقسمتی از اقسام ابواب ، ابوبکر صولی نگاشته که این قصیده یاقطعه در چه موضع وموضوع انشاء گردیده است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۹٥) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٥ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٤۳) .

[٥۱۲] دیوان ادیب صابر (فارسی)

ادیب صابر (۲)، شهاب‌الدین (۳) صابر بن اسمعیل ترمدی متوفی بسال ٥٤٦ یا ٥٤۷ (٤) میباشد که از مشاهیر شعرای فارسی زبان بوده و از اشعار وی فضائل و کمالات او ظاهر وهویداست ، به دیوانهای شعرای عرب بسیار نگاه مینموده و بدانها اشاره وتصریح کرده واز آنها استفاده نموده ، معاصر رشیدوطواط، خاقانی ، امیرمعزی ،

(۱) پیش‌ازشروع به این بیت پس ازبسمله گوید : قال ابوتمام حبیب‌بن اوس‌الطائی یمدح خالدبن یزیدالشیبانی و هذا علی‌الترتیب‌الذی رتّبه ابوبکر الصولی و شرحه و جعله ثمانیة اصناف .

(۲) اگرچه تخلص شاعرصابر میباشد ولی‌چون مشهور بادیب صابر میباشد بدین‌نام معرفی گردید وشرح حال ایشان درلباب الالباب (ج ۲ ص ۱۱۷ - ۱۲٥) تاریخ گزیده ص٦۳۰ ، تذکره دولتشاه (چاپی) ص۹۲-۹۳ ، هفت اقلیم ص٤۹٦-٥۰۰ ، مجمع‌الفصحا ، ج ۱ ص۳۱٤ -۳۲٥، طرائق‌الحقائق ج ۲ص۳٦٥ وسخن وسخنوران ج ۱ص۲٥۰-۲٦۰ مختصراًومفصلاً ذکرشده‌است .

(۳) لقب مشهور ادیب **شهاب الدین** میباشد ولی درمقدمه نسخه این کتابخانه ویکی از نسخ کتابخانه مجلس که نویسندهٔ آن شناخته نشدبنقل‌ازتاریخ غزالی شرح حال ادیب نوشته شده و در اینجا لقب وی جلال‌الدین ضبط گردیده ودرمآخذ دیگر شهاب‌الدین است .

(٤) درتذکره دولتشاه ومجمع‌الفصحا وسخنوران وفات ادیب بسال ٥٤٦ ودرهفت اقلیم بسال ٥٤۷ ثبت گردیده است .

نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان ومعاصرین اینها بوده و مربّی وی ابوالقاسم مجدالدّین علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی بوده که اورا **رئیس خراسان** مینوشته‌اند وادیب بدین نام و کنیه ولقب از وی نام برده :

حمایت و کنف دین مجد مجدالدّین　　ز شرم عادت او دین مجد را مأمن

جلال آل پیمبر علی بن جعفر　　که ذات کامل او چون علی است درهرفن

....

ابو القاسم علی تاج المعالی　　که چرخ فضل و خورشید وتبار است

و در غزلی است

ابرسخی حدیث و حکایت به بحروبر　　از مجلس رئیس‌خراسان کند همی ،

نزد سلطان سنجر (٥۱۱- ٥٥۲) تقرب و احترام داشته ، گویند صابر را بنام رسالت پیش اتسز خوارزمشاه (٥۲۱ - ٥٥۱) فرستاد ، اتسز او را در خوارزم نگاه داشت ، چون ادیب صابر مستحضر گردید که برای کشتن سنجر دو نفررا اتسز بمرو فرستاد ، سنجر را آگاهی داد ، بدین واسطه از کشتن رهائی یافت و آن دونفر را کشت ، اتسز چون بدین کار ادیب آگاهی یافت فرمان داد تااورا درشب بجیحون انداخته وغرق کردند .

تخلص ادیب چون نامش صابر میباشد (و گرچه در حوادث صبر بهتر ☆ نیم بی تو چونام خویش صابر) ولی عموماً در قصائد و غزلیات تخلص خود را نیاورده و بیشتراز اشعار وی در مدح ابوالقاسم موسوی و محمدبن طاهرالحسینی (اجل محمدبن طاهرالحسینی کوست　　بحسن وحمد وجلالت زمانه را منهاج) بوده وبحدی دراظهارانتسات این دوبزرگ بحضرت حیدر کرّار (۱) علیه‌السلام

(۱) در مسند سیادت و در محفل هنر　　گوئی‌درست حیدر کرار دیگری

خیبرعلی گرفت و گرفتند دشمنانت　　خواری‌زعزّ تو چوجهودان‌خیبری

....

خداوندی که اندر علم و درحلم　　ز حیدر از پیمبر یادگار است

ونیز این ابیات دالّ برتشیع ادیب است :

مهدی بود که دفع کند ظلم را بعدل　　مهدی‌توئی‌بدین‌صفت اندر دیارخویش

ودر یکی ازترکیب بندهاست :

هم‌مصطفی نسب بود و مرتضی حسب　　جز مرتضی حسب نبود مصطفی نسب

ونیزدرترکیب بنددیگری است : ای رفعت وعلوعلی‌مرتضی‌تورا　　علم ووفاوفضل‌علی‌الرّضاتورا .

بی اختیاربوده کهبدین‌سبت توان جزم داشت که امامی‌مذهب بوده ودراین بیت هم‌تصریح به تشیع خویش نموده :

زروزگاربدردم زدوستان محروم   چومرتضی باامامت چوفاطمه زفدك(۱)

....

از آنکه معتقد مرتضی وفاطمه ام   کزین حصول درج باشدو خلاص درك

چندین مدیحه دربارهٔ اتسزخوارزمشاه دارد و سلطان سنجر را هم مدح گفته وقصیده ای غرّا درستایش وی سروده وازاینکه سنجرخود را برادرمرشد ومقتدای ادیب (ابوالقاسم علی‌بن جعفر) خوانده او را تحسین وتمجید کرده است .

درمقدّمهٔ نسخهٔ زیرین تذکرداده که ادیب صابررا دیوان بزرگی است واین قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات افتاد (ظاهراً کلمهٔ **بدست** از قلم نویسنده افتاده است) و برحسب شمارهٔ نگارنده نسخهٔ این کتابخانه در حدود (٥٢٠٠) بیت شعرمیباشد درلباب الالباب (٩٤) ودر هفت اقلیم (٥٦) و در مجمع الفصحاء (٧٠٠) و در سخن وسخنوران (١٧٢) بیت (بعضی ابیات هم درچند کتاب تکرار شده) ازاین ادیب انتخاب وچاپ گردیده است .

قصائد ادیب صابر موافق قوافی مرتب بحروف تهجی میباشد ولی غزلیات و قطعات ورباعیات وی مرتب نیست ، نسخه ایکه از این دیوان سردار معظم خراسانی (خصوصیات آن درفهرست کتابخانهٔ مجلس نگارش خواهد یافت) تهیه نموده شامل ٥٣٣٤ بیت وتمام مباحث آن مرتب بحروف تهجی موافق قوافی‌است ونسخهٔ دیگر آن کتابخانه که ٥٢ سال پیش تر از آن نوشته شده شامل ٤٩١٤ بیت میباشد .

آغاز : (٢) نوبهار بدیع بی همتا   همتی بذل کرد درصحرا

(١) درص ١٢٣ ج ٢ لباب کلمه امامت دراین بیت خلافت‌میباشد ولی درنسخ خطی امامت است .
(٢) بسمله ملك‌الشعرا جلال‌الدین ادیب صابرشاعری‌است مشهور، از افاضل شهر ترمد ودرتاریخ غزالی خواندم که چون الخ .

(١١٦٠)

دیوان ادیب صابر

این نسخه بخط نستعلیق بسال ١٢٦٠(١) نوشته شده ، پیش از شروع بنوشتن دیوان ، شرح حال مختصری از ادیب که آغاز آن درحاشیه صفحهٔ پیشین نقل گردید ، (در ١٤ بیت) نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (١٨٧) . صفحه‌ای (١٦) سطر . طول (٢٢سانتیمتر) . عرض (١٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٨) .

[٥١٣] دیوان ازرقی (فارسی)

ابوبکربن اسمعیل ورّاق هروی متخلص به **ازرقی**(٢) یکی ازشعرای مشهور ایران‌میباشد ، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده لقب او را افضل‌الدین و هدایت درمجمع‌الفصحاء زین‌الدین ثبت کرده اند وعوفی وامین احمد رازی او را بدین عنوان : الاجل‌الحکیم شرف‌الزمان ابوالمحاسن‌الازرقی‌الهروی معرّفی نموده و او را ازمخصوصان طغان شاه خوانده و زمان اورا برمعزّی سابق دانسته وگویند : « دیوان او خود بتمامت غریب وعجیب است وتشبیهات ونوادر او دل فریب »

گذشته از دیوان دو کتاب منظوم دیگر به ازرقی نسبت داده شده یکی الفیه وشلفیه (٣) و دیگری سند باد میباشد(٤) و خود بدین مؤلفه خویش در این بیت

(هر که بیند شهریارا پند های سند باد   نیك داند کاندراودشوار باشد شاعری)

(١) تاریخ نگارش این نسخه مسلماً در این سال میباشد ونویسنده بعبارت عربی غلط نوشته وسال دیگر ازآن استفاده میشود .
(٢) ازاین شاعر درص٨٦-١٠٤ ج٢ لباب‌الباب و٣١٨ و٣١٩(حواشی)آن‌وص٤٣ و٤٤ چهار مقاله و١٧١-١٧٨ (حواشی‌آن) وتاریخ گزیده ص ٨١٤ (عکسی) وص١٣٩ ج ١ مجمع الفصحا وص٥٣٦-٥٤٢ ج١ هفت اقلیم معرفی گردید ودرنگارش این‌شرح بدانها مراجعه شده است .
(٣) الفیه و شلفیه و سندباد گویند دو کتاب از کتابهای باستانی میباشند درص ٨١١و٨٤٤ تاریخ گزیده (چاپ عکسی) نیز ازسندباد وترجمه ترکی‌آن یاد شده وآقای قزوینی درمعرفی از آنها وترجمه های نثری ونظمی که ازاین دو گردیده درص ٣١٨ و٣١٩ جلد اول لباب‌الالباب (قسمت حواشی) و درص ١٧١-١٧٤ چهار مقاله نظامی عروضی (در تعلیقات) شرح مفصل ومفیدی نگاشته اند .

اشاره نموده است وفات ازرقی در مجمع الفصحا بسال ۵۲۶ و در فهرست کتابخانهٔ مجلس (ج ۱ خطی) سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ ضبط گردیده ولی علاّمهٔ نحریر آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله وفات ازرقی را پیش ازسال ۴۶۵ که سال جلوس ملکشاه است دانسته اند ودراینجا نیز تذکر داده اند که طغانشاه ابن ارسلان ازطرف الب ارسلان حاکم هرات بوده ولی کاملاً مجهول است وبعضی که ممدوح ویرا طغانشاه ابن مؤید دانسته وبهمین جهت بیت اوراکه شامل مدح آن پادشاه بوده بنام این پادشاه کرده اند راه غلط پیموده اند واین پادشاه اخیرازسال ۵۶۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته وپدرازرقی **اسمعیل وراق** است که فردوسی را درهنگام فرارازسلطان محمود شش ماه جای داده وبرحسب عادت مشکل است پسراوتازمان این طغانشاه زندگانی کرده باشد.

دیوان ازرقی که شامل قصائد ورباعیات میباشد ، موافق نسخه ایکه در کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود (۲۴۰۶) بیت شعر (قصائد و ۲۱ قطعه شامل ۱۵۲ بیت و ۷۷ رباعی) میباشد ، ۷۶۲ بیت از آن در مجمع الفصحا و ۲۲۴ بیت در لباب الالباب چاپ گردیده ولی تمام آن تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز : بسمله ، چه جرمست این که هرساعت زموج نیلگون دریا
زمین را سایبان بندد به پیش گنبد خضرا الخ .

(۱۱۶۱)

دیوان ازرقی هروی — این نسخه فقط شامل قصائد ازرقی میباشد و ۱۷۹۵ بیت میباشد ، بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۶۱ نوشته شده، ودر حاشیه صفحات معانی برخی ازواژه های مشکل آن یاد داشت گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شماره اوراق (۵۵) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۷۶).

[۵۱۴] دیوان اسیری (فارسی)

شیخ شمس الدین محمدبن یحیی(۱) بن علی لاهیجی متوفی بسال ۹۱۲(۲) که یکی ازخلفای سید محمد نوربخش (۷۹۵-۸۶۹)(۳) مؤسس سلسله نور بخشیه است که

(۱) درص ۹۵۹ هفت اقلیم درذیل لاهیجان زیرعنوان قاضی یحیی گوید : « برادر قاضی عبدالله
(بقیه در صفحه ۵۵۹)

شرح گلشن راز ومثنوی اسرارالشهود وی (درهمین فصل ازاین دو کتاب معرّفی میشود) حاکی ازمراتب فضل وکمال علم و ادب و عرفان ایشان میباشد ، پس از مراد خویش در شیراز رحل اقامت انداخته و بدستگیری مشغول و خانقاهی بنام **نوریه** ساخت ودرهمانجا بخاك سپرده شد .

گذشته ازادله ای که قاضی نورالله برتشیع وی نقل کرده در دیوان وی ابیات زیادی میباشد و از آنها این بیت : (مرتضی آن منبع صدق وصفا ٭ آن وصیّ و جانشین مصطفی) صریح درتشیع اوست .

دیوان لاهیجی (اسیری) شامل غزلیات ورباعیاتیست که بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی بوده وغزلیات نسخه این کتابخانه اوراق آن جابجا گردیده چندورقی هم ازآن افتاده وتمام دیوان موافق نسخه ایکه دریکی ازمجموعات کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود (۴۳۹۰) بیت میباشد ونسخهٔ این کتابخانه درحدود (۳۰۰۰) بیت است وقاضی نورالله گفته‌اند که « دیوان او مشهور وشطری از اشعار ایشان درشرح گلشن راز موجود است» .

درآخر نسخهٔ (دیوان) این کتابخانه دو رسالهٔ کوچك که یکی در شرح این رباعی : از پنجهٔ پنج ششدرشش بدرآی وزکش مکش سپهر سرکش بدرآی
خواهی که چشی ذوق خوشیهای عدم ازناخوشی وجود خوش خوش بدرآی .
وآغاز آن اینست : بسمله . . . حمدوسپاس وثنای بیقیاس حضرت واجب الوجودی راکه اعیان ممکنات الخ (در ۷۷ بیت)

ودیگری که ناقص است وازآن ۸۹ بیت مانده درشرح این بیت است :
زدریای شهادت چون نهنگ لا برآرد هو تیمم فرض گردد نوح را در وقت طوفانش
(نسخهٔ کامل این رساله در کتابخانهٔ مجلس موجود است)

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۵۸)
یقینی (پیش از این یقینی را نام برده و گوید از جانب پدر بسلسله نوربخشیه می‌پیوسته) است و گذشته ازشاعری بزرگ اهل تصوف درآمد وریاضات زیاد کشید» . وظاهراً این قاضی پدر اسیری است

(۲) شرح حال این مرد را درص ۳۱۶ و ۳۱۹ مجالس المؤمنین ودرص ۱۴۳ ج ۲ طرائق وص ۴۰ ریاض العارفین (چاپ اول) ومختصری درص دانشمندان آذربایجان نگاه کنید .

(۳) از ص ۳۰ ج ۳ طرائق وص ۳۱۳ و ۳۱۵ مجالس المؤمنین که شامل شرح حال آنجناب میباشد این تاریخ نقل گردیده .

و آغاز آن اینست بسمله ..... حمد و سپاس بیحد بر حضرت احد صمد و درود وثنای بی عدد برپیغمبر ما محمد ص متواتر و متوالیاً الی الابد الخ . و در مجموعهٔ کتابخانهٔ مجلس رساله ای (درحدود ۱۲۰ بیت) درشرح دو بیت ازمولوی: چونکه بی‌رنگی‌اسیررنگ شدالخ بفارسی‌موجود و آغاز آن‌اینست: بسمله الحمدلله الذی کان احادیته الخ .

گذشته‌ازطرز عبارت‌این‌رساله‌وتصریح‌برارادت‌به‌سید محمدنوربخش‌در آن، که‌دلیل برنسبت به‌اسیریست ، برنسخهٔ مجلس صریحاً این‌دورساله‌به‌اسیری‌نسبت‌داده‌شده‌است .

(۱۱٦۲)

دیوان اسیری

این نسخه بخط نستعلیق (دراوائل‌قرن یازدهم هجری نوشته شده (درآخر مثنوی اسرار الشهود تاریخ اتمام سال ۱۱۸۲ یادداشت گردیده‌ولی‌این‌تاریخ اصل کتاب‌نیست‌بلکه هنگام‌تکمیل‌نقص‌وافتاد های آن کتاب میباشد وطرز کاغذ ونگارش مؤید است) ، مثنوی اسیری که آنرا « اسرارالشهود » نامیده و درهمین فصل از آن نام خواهیم برد پیش از غزلیات گذارده شده و دو رساله که درمعنی یك رباعی ویك بیت میباشد ومختصر معرّفی از آن گردید پس از رباعیات اسیری است ، اوراق غزلیات جابجاشده و برخی از آنها افتاده و دومکتوب دوستانه درحاشیه چند صفحهٔ آن نگارش یافته ورسالهٔ دوم ناقص‌وآخرین سطر آن‌اینست: محرم سرادقات حضرت الهی‌خواهدبود بیت:

ز من جان پدر این پند بپذیر   برودامان صاحب دولتی گیر
که قطره تا صدف را درنیابد   نگردد گوهرو روشن نتابد .

آغاز نسخه : ای‌اسیری چون گرفتارشدی   دائماً خون دل از دیده ببار
انجام نسخه: مامست شراب وصل یاریم   از هردوجهان خبر نداریم .

پشت صفحه نخستین رسالهٔ اول، گلی بامداد ترسیم شده وظاهراً اثر فضلعلی قاجاراست که‌درآخراسرارالشهودنیز گلی بسال ۱۲۲۳ ترسیم کرده و درآنجا رقم کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۸۹) دیوان (۹۱) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٤٦) .

[۵۱۵] دیوان اظهری (فارسی)

اظهری یکی ازشعرای بسیارعالیجناب عصرصفوی میباشد ، در کتب تذکره وسائر مآخذ که در دست نگارنده میباشد نام واثری از وی نیافته‌ام ، در آخراین دیوان خود تصریح نموده که نامش **بوداق** بوده (دریکی‌ازابیات‌دیوان‌نیز تصریح باین نام کرده) و تولدش را بسال ۹۹۱ اشاره نموده قصائد، وغزلیات و مقطعات ومثنوی ورباعیات وی هریك دارای روحی لطیف و عباراتی دلنشین میباشد و در ابتداء دیوان بسال ۱۰۳۰ دیباچه ای بنثر ، چون آب زلال انشا نموده و در آغاز غزلیات نیز دیباچهٔ دیگری دارد وازمندرجات درمتن وحواشی نسخهٔ زیرین که نخستین نسخهٔ دیوان این شاعر میباشد بدست می‌آید که تا سال ۱۰٦۱ زنده بوده و پس از این سال که شاعر هفتاد سال داشته از او خبری ندارم و اشعاریکه در حاشیهٔ صفحات‌ازانواع‌نام‌بردهٔ‌بالانوشته‌شده، پس‌ازاتمام‌نسخه‌میباشد که بسال ۱۰۵٤ نگارش یافته است .

اظهری‌ازاینکه‌دیگری دراصفهان تخلص ویرا برداشته شکایت نموده و گوید:

قریب پنجه سال‌است کین تخلص من   به اظهری شده در روزگار افسانه
ز حال غبره بی دانشی ابوجهلی   که در فرائض اسلام هست بیگانه
بخود تخلّص من بسته از تهی مغزی   که تابگویند اونیزهست فرزانه الخ

ودر این دیوان نظمی‌بتاریخ سال ۱۰۱۲ که شاعر ۲۱ سال داشته وجود دارد، ودراین دوبیت تصریح نموده که اصلش‌ازشیرازاست:

گر نیم یونانی اما اصلم از شیراز بس   کوحکیمی تا زفضلم مایهٔ حکمت برد
شدمزاجم منقلب باآنکه‌دراین‌روزگار   ارطیون‌طبعم‌ازیك نسخه‌صدجان‌پرورد

برای هریك‌ازقصائدخویش نامی بدین گونه گذارده ، وردالابرار ، ضیاءالقلوب ، منتخب النفائس ، تحفة الخیال ، امواج العباد ، فخرالسالکین ، افتخار الملوك ، تحفةالاغنیاء وانوارالعیون .

و چون نام و آثاری از این شاعر در تذکره ای نیست خواستم از اشعار وی انتخابی نموده ونمونه ای از آثار این شاعر را بنظر خوانندگان گرام برساند، بهر

قسم از اقسام اشعاروی توجه نموده نقل آنرا ترجیح بلا مرجح یافته برای رفع تردید بخود دیوان تفأل زدم

این قصیده که آنرا «**سویداءالضمیر**» نامیده آشکارا شد :

هر چند که شایسته شمشیر بلایم   یکباره مدارای فلك این ظلم روایم
در پای میفکن که گرانمایه متاعم   در دام مبازار که فرخنده همایم
بر تخت فراغت گهر افسر شاهم   در کنج قناعت دُرَرِ گوش گدایم
در زیر لب خسته دلان نکته مهرم   بر لوح دل سیمبران حرف وفایم
چون کلك قضا چهره گل گشت نگارم   چون باد سحر طره شبرنك کشایم
در محفل نازك بدنان نو گل حسنم   بر مشهد خونین کفنان مهر گیایم
ذوق دل اطفال گلستان چو نسیمم   رنك رخ گلزار نکوئی چو حبابم
در ناصیه کینه وران عقده گذارم   از آینه تیره دلان زنگ زدایم
در زیب گلستان گهرآمیز مسایم   در بزم ریاحین طرب انگیز صبایم
چون یاد رخ شمع‌وشان شعله فروزم   چون درد دل غمزدگان ناله فزایم
چون پیك غم ماه‌رخان سینه نوردم   چون‌دست دل درد کشان‌جیب کشایم
افلاك برد فیض ز سیارهٔ فکرم   خورشید کشد شرم ز آئینهٔ رایم
طوطی رود ازهوش زشیرینی نطقم   بلبل فتد از ناله ز گلبانگ نوایم
طاوس‌ارم برتن خود جامه زند چاك   از غیرت این خرقه صد رنگ‌نمایم
ازبال طبیعت بودم جلوه که آن‌موج   کز جان ملایك نرود ذوق هوایم
آندم که باقلیم تخیل قدم سیر   چون سایه دَوَدْ روح عطاردزقفایم
برخاك نتادست ازان پرتو خورشید   تا عارض خود سوده کند در ته پایم
ای‌چرخ نکوئی که به‌آن گرمی‌بازار   با این گهر طبع چه دادی به بهایم
یکبار بنه گوش رضا بر سخن من   بی‌مصلحتی نیست اگر هرزه سرایم
از سستی آیین تو شد ورنه‌نبودی   کنج دو جهان بخشش ایام فدایم
من تا بدم مرك برای تو دویدم   هرگز تو نرفتی سر موئی برضایم
ای‌سنگدل آخرچوتوئی‌راچه‌سرایت   گیرم که اثر سر زند از جیب دعایم
ما و سپر اندازی رزم توازین پس   تدبیر دگر نیست تو دانی و خدایم .

قصائد وی مرتباً درتوحیدونعت‌پیغمبراکرم ص‌ع ومناقب‌ائمه‌اثنی‌عشر ع ومدح شاه عباس کبیر وشاه صفی وشاه عباس ثانی وامراء آن عصر ودیگرمطالب عرفانی و وصف فصول وغیره است .

ودراین دیوان ماده تاریخهای زیاد موجود وازاشعار وی برمی آید که تاآخر عمرجوانی را ترك نگفته وخود مکرّر اظهارخجلت نموده ، ازآنهاست :

کار تو اظهری همه لهو و لعب بود   آسوده دل ززلف پریشان نمیشوی
مویت سفید گشت ازین کار های بد   رویت سیاه باد پشیمان نمیشوی

برای اینکه نمونه ای از نثر این شاعر را هم نشان داده باشیم بنقل این بخش که درآخر دیوان (نسخهٔ زیرین) نوشته مبادرت گردید:

« ناظمه وکاتبه العبد العاصی بوداق اظهری

خود بعصیان‌خود ازشرم گواهی‌دارم   تکیه بر مرحمت عفو الهی دارم

لله الحمد که در سن شصت و سه سالگی بهوا داری عینك که معاون دیده روزگار دید گانست بترتیب وتحریر این نسخه مبادرت نمود وآنچه ازحوادث دوران وتطاول زمان ازحمله دوشیزگان طبیعت بازمانده بود بقلم شکسته رقم خود بصورت ترقیم درآورد وبعضی اشعارمقطعات ومثنویات و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوائی ملبس و بعبارات هذیان ملوث بود و موافق گفتگوی این سن و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدر فرزندی طبیعت لائق ندانست و بجهة اضافه ونقصان کلك کاتبان بنوشتن ایشان قائل نشده مابقی ذخیره مردم دیده را بدین صحیفه مصروف ساخت فرموده قدوةالمحققین مصلح‌الدین سعدی شیراز را بکار آورد

کهن جامه خویش پیراستن   به از جامه عاریت خواستن

چون ببعضی ترددات و اشغال اشتغال داشت اگرسهوی وخطائی بدین جهت رو داده باشد بلبلان گلشن بلاغت و طوطیان شکرستان فصاحت بنکته عیب او مترنم ومترنم نگردند و بدین عجز عذر خواهی معذور فرمایند در مقام زکم قرا باغ بتاریخ هفتدهم شهر ربیع الاول سنه پیچی‌ایل ۱۰۵٤ قلمی شد » .

این دیوان در حدود (۱۱۰۰۰) بیت شعر میباشد وتاکنون نسخهٔ دیگری از آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافته ام .

آغاز : بسمله   ای زیور رخساره جان از کرمت   سرمایهٔ گردش زبان از کرمت
آرایش دیوان بیان از کرمت   احیای زمین‌و آسمان از کرمت

از افتتاح ابواب خزائن سخن بمفتاح دلگشای ثنای یگانهٔ که شیرازهٔ بند مجموعهٔ کاینات وچمن پیرای سرابستان حیاتست وانجلای ابصارشواهد معانی بمصباح جهان آرای انوار عنایت الخ .

(۱۱۶۳)

دیوان اظهری این نسخه بخط نستعلیق خوب **اظهری** شاعر ومنشی آنست وگذشته ازتصریح در آخر دیوان (۷ برگ بآخر نسخه مانده) طرزنگارش واشعاریکه پس از این تاریخ انشاء گردیده و درحاشیه نگارش یافته وتصریح در چندین جای از عناوین مطالب به اینکه : بنده اظهری در جواب این قطعه گفته‌ام . ونظائراینها ، مؤید این ادعاست ، میان برگ اوّل ودوّم کنونی نسخه، برگهائی افتاده وکنار بعضی از اوراق که بقرینه اوراق بعد معلوم میشود بر آنها نیز ابیاتی بوده پاره شده و وصالی گردیده و قسمت بیشتر از برگ آخر پاره شده واز میان رفته است ، ۷ برگ آخر نسخهٔ رباعیاتی‌استکه پس از تنظیم دیوان درمسودات مؤلف یافت شده وپیش ازنگارش آنها خودوی نیزنوشته اند:

«بعدازتحریرنسخه بعضی رباعیات که درمیان سیاهیهای اشعار پیدا شدوصورت تنظیم یافت همچنین مرقوم شد» .

جلد مرغش . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳٤۳) صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۲٤سانتیمتر) . عرض (۱٥سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۷۷) .

[٥۱٦] دیوان انوری (فارسی)

انوری (اوحدالدین محمدبن محمد(۱) ابیوردی(۲) خاورانی متوفی بسال ٥۸۳(۳)) (٤) ازشعرای قصیده سرا وغزل گوی قرن ششم هجری میباشد ، قصائد

(۱) عوفی نام وی وپدرش را محمد ثبت نموده ولی صاحب مجمع‌الفصحا بنام علی‌بن اسحق معرفی کرده وخود وی جد خود را اسحق نامیده

زنده اسلاف تو بتو چو بمن   جدم اسحق وجدت‌اسمعیل است

(۲) ابیورد یا **باورد** شهری است ازخراسان میان سرخس ونسا (معجم البلدان ج ۱ ص ٤۸۰) میباشد ، در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا و سخن و سخنوران انوری ابیوردی و در آثار البلاد و تاریخ گزیده و هفت اقلیم خاورانی (وگویند که خاوران ناحیه ایست از خراسان) معرفی گردیده است .

(۳) درتذکره دولتشاه وفات انوری بسال ٥٤۷ ودر هفت اقلیم بسال ٥۸۳ ودرمجمع‌الفصحا بسال ٥۷٥ ثبت گردیده وچون درتاریخ گزیده وهفت اقلیم قران کواکب سیاره بسال ٥۸۱ ودرکامل التواریخ در ذیل حوادث سال ٥۸۲ ثبت گردیده بنا براین و شهرت نسبت این استخراج نجومی بانوری وشهادت اشارات تاریخی در اشعار انوری که مسلماً پس‌از سال ٥٤۷ بوده تاریخ آخر که

(بقیه حاشیه در صفحه ٥٦٥)

ومقطعات وی بسیارمشهور وگذشته ازنگارش تذکره نویسان ازاشعاروی ظاهر و هویداست که سالها درراه کسب فضائل وعلوم معقول و منقول رنج برده و در نجوم و هندسه و حساب دستی قوی داشته و دولتشاه گوید چند رساله در نجوم نوشته (۱) ومعاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و بمداحی وی ووزراء و امراء او پرداخته وزبانش بهجو باز بوده وحتی گفته اند که انوری خود ومادرش را نیز هجاگفته وبهمین جهت بدزبانی بلخیان‌قصد آزارش کرده وقاضی حمیدالدین صاحب مقامات اورانجات داده (۲) وبدین سبب حمیدالدین را مدح ها کرده است

درنخستین نسخه ذیل که نسخه ای کهن سال ازدیوان انوری میباشد پیش از مثنوی در هجو قاضی عمزاده بلخی، شرحی‌نوشته‌وظاهراً نویسنده این‌شرح معاصر شاعر بوده وچون شامل بخشی ازشرح حال‌انوری‌است‌دراینجا عیناً آورده میشود:

« حکیم اوحدالدین انوری درانج (کذا) هنوزدراوان شباب بود واکتساب علم‌وحکمت‌میکرد‌پدراو **وحیدالدین محمد**بجواررحمت‌حق پیوست‌ومال‌واسباب بسیار گذاشت ، انوری دست بدان مال دراز کرد وپای در خرابات نهاد و بمدت اندك آن میراث بشراب و شاهد آخر رسانید چون مفلس شد هیچ نماند شعر وشیوه مدح بگزید و بوقت حاجت قصیده میگفت و بدان روزگار نامرادی بسرمیبرد ناگاه تاج‌الدین (درنسخهٔ دیگر- تاج الدین عم زاده بلخی) اورا تشنیع

(بقیه حاشیه از صفحه ٥٦٤)

قول صاحب هفت اقلیم باشد براقوال دیگرترجیح داردوحمدالله مستوفی‌درتاریخ گزیده (ص٤۷٤) عکسی و نزهت القلوب محاسبه انوری و اثر قران را درست دانسته و گوید این سال مطابق با سالی است‌که جنگیز خان به سرداری برقرار و شروع به پیشرفت در خرابی جهان نموده است . (نه تولّد وی که بعضی نوشته اند)

(٤) لباب‌الالباب ج ۲ ص ۱۲٥-۱۳۸ ، حواشی ج ۱ لباب‌الالباب ازآقای قزوینی ص ۳٤۳ ، آثارالبلاد درذیل خاوران(ص ۲۰۷ نسخه مدرسه) ، تاریخ گزیده ص ٤۷٤، ٤۸۸، ۸۱۳و۸۱٥، تذکره‌دولتشاه سمرقندی ص ۸۳-۸٦ ، هفت اقلیم ص۲٤۹-۲٥۲ ، مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۱٥۲-۱٦۷ و سخن وسخنوران ج ۱ ص ۳٥٦-۳۸٦ مختصراً ومفصلاً از انوری بحث کرده‌اند واین شرح با مراجعه بآنها نگارش یافت .

(۱) تا کنون به نسخه ای ازاین رسائل دست نیافته ام .

(۲) در ص ٦٥ همین مجلد از فهرست درذیل معرفی از حمیدالدین بلخی نگاهداری اوازانوری‌را در اثرعدم وقوع اثر قران دانسته‌ام واین غلط است وعلّت این بود که بلخیها چون شنیده بودند انوری آنهارا هجاگفته در غضب شده و در خیال آزار وی بوده اند .

کرده و بی رمثینت (کذا) معائب او را (بروی او - در نسخه دیگر) گفتن گـرفت انوری را این نوع دشوار نمود وبربدیهه آغاز نهاد و آن اینست »

دیوان انوری که درحدود (۱۰۰۰۰) بیت شعر دارد وبسال ۱۲٦٦ درتبریز چاپ گردیده و چون مشتمل براصطلاحات حکمی وفلسفی وریاضی ونجومی میباشد وفهمیدن آنها مشکل بوده بعضی بحل مشکلات وی پرداخته اند و در این فصل دوشرح آنرا معرفی خواهم نمود .

آغاز هریك از نسخ را درجای خود نقل مینمائیم .

(١١٦٤)

دیوان انوری

این نسخه ایست کهنه وشاید ازخطوط اوائل قرن هفتم هجری باشد ، صفحهٔ نخستین و اوراقی از اخر کتاب افتاده ، چند بیت صفحهٔ نخستین را بروزقی نوشته وبه نسخه پیوسته اند ، شامل قصائد وغزلیات و مقطعات ومثنوی هجوقاضی بلخ (۱٦۲ بیت) و رباعیات (۳۰٥ رباعی) میباشد ، اطراف صفحه دوم تذهیب ونقاشی کهنه ایست واین برگ وصّالی شده و نسخه درحدود (۱۳۱۰۰) بیت دارد وبقصیده ای شروع شده که آغاز آن اینست :

مقدری نـه بآلت بقدرهٔ مطلق کند بشکل بخاری چو گنبد ازرق .

جلد میشن دور گرفته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۳۰۹). صفحه ای(۱۹) سطر. طول (۲٥سانتیمتر) . عرض (۱٦ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۰۹) .

(١١٦٥)

دیوان انوری

این نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهراً در قرن یازدهم هجری نوشته شده ، سه سرلوح زیبا دارد وصفحه ایکه شامل آنست ودیگری که مقابل آن میباشد تذهیب ونقاشی گردیده، سرلوح اول پس ازنوشتن نسخه بصفحهٔ اول پیوسته شده و گذشته ازاینکه بر آن نوشته شده : مقطعات مولانا انوری برگ اول وبرگ شامل مقطعات گواهی میدهند که سرلوح های آنها جابجا شده ، تمام فاصله های میان دو قصیده یا قطعه یاغزل یا رباعی تذهیب ونقاشی شده وصفحات بجدول بطلا وزنگار وشنگرف میباشد و اوراق متن وحاشیه است واز آخر نسخه اوراقی افتاده ومطلع اولین قصیده اینست :

ای قاعده تازه زدست تو کرم را وی مرتبه تو زبنان تـو قلم را

وشعر آخر نسخه اینست :

ای محنت هجر بسردلم سرنائی وی دولت وصل از درم درنائی

در پشت جلـد دست چپ شرحی بسال ۱۲٥۷ بخط شکسته نستعلیق خوب درمعرّفی ازنسخه نگارش یافته ونسخهٔ نفیسی است عبارت نثری که درنسخهٔ کهن سال موجود است وبالای این سطرها در ص٥٦٥ و٥٦٦ نقل گردیده با تصحیف واسقاط برخی ازکلمات دراین نسخه نیزنگاشته شده واین نسخه درحدود(۱۱۳٥۰) بیت را شامل است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ متن خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۲٦) بیت درمتن و حاشیه . طول (۲٤ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۱) .

(١١٦٦)

دیوان انوری

این نسخه را بسال ۱۰۰٥ علیجان بن حیدرعلی بخط نستعلیق نوشته ، دارای دو سرلوح کوچك (یکی در اول نسخه ودیگری دراول بخش غزلیات) میباشد ودرابتداء مقطعات ورباعیات سرسوره های میناکاری ظریفی است ، صفحات بجدول بطلاولاجورد وعناوین باشنجرف است ، پشت صفحه نخستین جلال‌الدین محمد منجم مالك بودن خود را تذکرداده ، در حواشی چند صفحه ازصفحاتیکه شامل مقطعات میباشد، ابیاتی ازمنجم مذکور بخطوی نوشته شده ، تمام اوراق باکمال استادی متن وحاشیه گردیده واین نسخه درحدود (۱٤۰۰۰) بیت شعردارد و آغاز آن اینست :

صبا بسبزه بیاراست داردنیی را نمونه گشت زمین مرغزارعقبی را

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق(۳٤۲). صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٤ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۲) .

(١١٦٧)

دیوان انوری

این نسخه بخط نستعلیق نویسندهٔ بدخطی که ازخودوسال کتابت نام نبرده، نگارش یافته(ظاهراً درقرن دهم نوشته شده)، دوبرگ

از اول نسخه افتاده بوده اخیراً نگاشته اند ، برگهائی هم از میان نسخه افتاده وبرخی از آنهاهم جابجا شده ، قصائد وغزلیات آن مرتب بحروف تهجی برحسب ردیف ها وشامل مقطعات ورباعیات نیز میباشد، درحدود (۷۹۰۰) بیت شعر است ، بعضی ازصفحات آن بجدول بسرخی وزنگار گردیده وبیت اول آن اینست :

بازاین چه جوانی و جمال است جهانرا   وین حال که نوگشت زمین راو زمان را

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۰۷) .

(۱۱٦۸)

دیوان انوری این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً دراوائل‌قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و رباعیات و غزلیات میباشد و در حدود (۸۲۰۰) بیت دارد وبدین بیت شروع شده است :

ای ملك تورا عرصهٔ عالم سرکوئی   با حجت عدل توستم بیهده گوئی .

یك سرلوح کوچك ظریف دارد و صفحات مجدول بطلااست .

جلد ساغری نیم‌ضربی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۳۲) . صفحه‌ای (۱۸) سطر. طول (۲۳ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۰) .

(۱۱٦۹)

دیوان انوری این نسخه را بسال ۱۲۳۰ محمد رضی بن محمد رحیم آشتیانی قمی بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل قصائد و مقطعات ومثنوی هجو قاضی وغزلیات ورباعیات میباشد ، درمتن وحاشیه نوشته شده ودر حدود (۱۲۰۰۰) بیت شعر است ونخستین بیت آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدرت مطلق   کند ز شکل بخاری چوگنبد ازرق.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع‌خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۳۸) . صفحه‌ای (۱۸) سطر درمتن (۸) درحاشیه . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٦ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۸) .

(۱۱۷۰)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم) ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده، شامل قصائدومقطعات وغزلیات ودرحدود (۹۸۵۰) بیت‌میباشد وبدین‌شعرشروع گردیده:

صبا بسبزه بیاراست دار دنیی را   نمونه گشت زمین مرغزارعقبی را

یك سرلوح دراول کتاب موجود ، صفحات مجدول به اکلیل میباشد ، وقفنامه مدرسه را که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، یادداشتی مورخ بسال ۱۲۳۰ محمد حسین طباطبائی نائینی دراین صفحه نوشته وبراین صفحه وبرگ پیش ازآن بسال ۱۳۱۵ نیز یادداشتهائی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱٤) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۳) .

(۱۱۷۱)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ،(ظاهراً درقرن سیزدهم)، شرح حال انوری ازتذکرهٔ آتشکده در دوصفحه پیش از دیوان نقل گردیده وشامل قصائد ومقطعات مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۱۲٤۰۰) بیت شعردارد وبدین بیت شروع شده :

بازاین چه جوانی وجمال‌است جهانرا   وین حال که نوگشت زمین را وزمان را

وبرگ نخستین وصالی گردیده است .

جلد تیماجی‌مستعمل .کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔاوراق (۲۵۷) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۵) .

[٥۱۷] دیوان اهلی خراسانی (فارسی)

اهلی‌خراسانی ازاهالی ترشیز ومعاصراهلی شیرازی‌است وبنابرتصریح ادوارد برون(۱) بسال۹۳٦ درتبریز وفات یافته مردی عاشق پیشه وعاشق فریدون حسین میرزا(۲) پسرسلطانحسین بایقرا گردید ودر عشق وی از پا درافتاده ومجنون‌وار

(۱) ترجمه . ج ٤ تاریخ ادبیات ص ۱۵۵-۱۵٦ .

(۲) در ص ۱۳و۱٤ تحفه سامی‌چاپی معرفی گردیده و گوید بسال ۹۲۵ درجنك با ازبکها کشته شده است .

موی شولیده برسر گذاشته غزلیّات زیاد انشاء نمود و این مطلع یکی از آنهاست:

موی ژولیده که برسر من ابتر دارم — سایهٔ دولت عشق است که برسر دارم

شاهزاده از این دلبستگی آگاهی یافت و برخلاف سیره دیرینه دلبران، دوستدار را دلجوئیها مینمود پس از انقراض آن دودمان بتبریز رفته و تا آخر عمر در آنجا گذرانید ، درشمع انجمن شمارهٔ ابیات وی بیست هزار معین گردیده ومعاصروی سام میرزا در تحفه سامی(١) وامین احمد رازی در هفت اقلیم(٢) و خوشگو در تذکره(٣) خود ابیاتی ازغزلهای وی نقل کرده اند وجز غزل ساقی نامه ، آثارشعری دیگری از اونشنیده ودرجائی ندیده ام و این دیوان وی همه غزلیات وساقی نامه ای در مدح ائمّه اثنی عشر شیعه علیهم السلام در ٨٥ بیت است که صریح در تشیع وی میباشد (٤) و غزلیات آن که بحسب ردیف ها مرتب بحروف تهجی است بنا برشماره (٣١٤٨) بیت شعر است .

آغاز : دوچشمم فرش آن منزل که سازد (سازی) جلوه گاه آنجا

بهرجا پانهی خواهم کـه کردم خاك راه آنجا

چو خوش بزمیست رنگین صحبت جانان چه سود امّا

که نتوان شد سفید ازشومی بخت سیاه آنجا (٥)

---

(١) در ص ١٠٧ تحفه سامی چاپی معرفی از اهلی ترشیزی خراسانی شده و چندین بیت از چندین غزل او را هم نقل نموده است .

(٢) درص ٦٥٦ نسخه خطی کامل این مدرسه نام برده شده وچند بیت از او را هم آورده است .

(٣) صاحب این تذکره در حرف همزه دو اهلی را نام برده یکی **اهلی نوائی** و گوید بسال ٩٠٢ بدرود زندگانی گفته ودیگری اهلی شیرازی و گوید این همان اهلی ترشیزی است وحالات این دو را با یکدیگر مخلوط و ابیاتی از این دو نقل نموده وتصور نموده که دونفر متخلص به اهلی آنهم در یك عصر نمیشود درصورتیکه معاصرین این دو هریك را با خصوصیات مختصّهٔ بخود معرفی کرده اند .

(٤) این بیت از ساقی نامهٔ اهلی خراسانی ؛

الهی توئی واقف از حال من — عیان است پیش تو احوال من

بحق محمد رسول انام — علیه الصلوة و علیه السلام

علی ولی سرور اولیا — محیط کرم گوهر لا فتی

باعزاز سلطان دنیا و دین — علی الرضا کعبهٔ هشتمین

(بقیه حاشیه درصفحهٔ ٥٧١)

(١١٧٢).

دیوان اهلی خراسانی

این نسخه در مجموعه ایست که شامل پنج دیوان و بخط نستعلیق میباشد: ١- دیوان کاتبی ، ٢- دیوان شاهی ، ٣- دیوان همایون ، ٤ - دیوان اهلی خراسانی و ٥ - دیوان لسانی. و همهٔ آنهارا دراین فصل معرفی کامل خواهم نمود واین دیوان ازص ٢٦١-٤٠٠ مجموعه را شامل میباشد و در ابتدای هر یك از دیوانهـای پنجگانه یك سرلوح بسیارظریف است ومیان سطرهای صفحه سرلوح دار وصفحهٔ مقابل آن طلااندازی و نقاشی ظریف شده و کاتب در هیچ جا از خود و سال کتابت نام نبرده و ظاهراً درنیمه اول قرن دهم هجری نگارش یافته وتمام صفحات مجدول و در اثر همین کار بسیار از آنها بریده شده است .

جلد میشن . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣٤٧) . صفحه ای (١٢) سطر . طول (٢٣سانتیمتر). عرض (١٢ ١/٢سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٩) .

[٥١٨] دیوان بیدل (فارسی)

میرزا عبدالقادر متخلص به **بیدل** از شعرا ومربیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری وپسر میرزا عبدالخالق میباشد ، بسال ١٠٥٤ متولد وبسال ١١٣٠(١) وفات یافته ، در سرودن انواع اشعار طبع وی توانا و در انشاء نظم برنا بود ، در سیر و سلوك وعرفان قدمها زده و مراتبی یافته ، کلیات وی که شامل قصائد و غزلیـات و مثنویات و رباعیات وترکیب بند ونثرهای متعدد چون **نکات** و مراسلات و غیره

(بقیه حاشیه ازصفحه ٥٧٠)

بمهدی هـادی امـام انـام — که یابد ازو ملك و ملت نظام

(٥) درتحفه سامی گوید : روزی شاهزاده بباغی فرموده ومیرزا بخت نام غلام سپاهیرا بر در باغ گذاشته تا کس را آنجا نگذارد ، مولانا بامید دیدار بدر باغ شتافته مو کل مذکور مانع دخول شده مولانا در بدیهه غزلی گفته که این دو بیت از آنست (همین دوبیت را که اول غزل این دیوانست نقل نموده) در کاغذ نوشته ودرمیان موم پاسیب کرد وازممرّ آب باندرون فرستاد ، بعد ازاطلاع میرزا اورا طلب کرده و در لطف برویش گشاد . (ای کاش همه معشوقها این رویهٔ پسندیده را داشتند تا این بلبلان درمقابل گل رویشان هزار دستان خوانند) .

(١) در مقدمه کلیات چاپی وفات بیدل بسال ١١٣٣ و در تذکره خوشگو بسال ١١٣٠ ضبط گردیده وچون خوشگو معاصر ومستفید از بیدل بوده قول او مقدّم است .

ودرحدود (۷۲۰۰۰) بیت کتابت دارد بسال ۱۲۹۹ درهند چاپ گردیده ودرمقدمهٔ آن شرح حال بیدل نگارش یافته وخوشگو درتذکرهٔ خویش دراوائل حرف باء شرح بسیار مفصلی در بیان حالات و نمونه‌ای از آثار وی نگاشته و شاگردی و ملازمت خود را درمجلس افادهٔ ایشان صریحاً اظهارنموده واصل این‌جنابرا مغولی و تورانی وموطن ایشانرا اکبرآباد معیّن کرده ودر مقدّمه کلیّات وفات بیدل در دهلی ثبت گردیده است.

نسخه زیرین برحسب شماره تقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت میباشد وغزلیات بیدل را مرتب بحروف تهجی از الف تا یاء ومثنوی مختصری بنام «قسم نامه» و چندین رباعی‌را نیز در بر دارد.

آغاز: بسمله

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا
سرموئی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

(۱۱۷۳)

دیوان بیدل

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و بیشتر کلمات‌را بی‌نقطه نگاشته، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده، ازقرائن احتمال قوی دارد که برای خود مؤلف نوشته شده و اضافاتی که درحواشی نگاشته شده بخط بیدل باشد ودرحاشیهٔ برگ۲۳۵-۲۸۷ «نکات بیدل» که یکی از منشأت نثری وی میباشد کاتب نسخه بخط نستعلیق نوشته، و بر سه برگی که در آخر نسخه ننوشته بوده یك دو مکتوب و مطالب متفرقه نظم و نثر موجود که‌ظاهراً نیزبخط **بیدل** وانشاء اوست‌ودربعضی‌ازجاها کلمه **بلغ** که‌حاکی از مقابله گردیدن نسخه است دیده میشود.

جلد روغنی گل وبوته ظریف کار هند. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (۴۰۷). صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۰۳).

[۵۱۹] دیوان (کلیات) تأثیر (فارسی)

میرزا محسن(۱) تأثیر تخلص از تبریزیهای متولد شده در اصفهانست که شاه عباس خانواده آنهارا باصفهان آورده وچنانکه از این رباعی وی:

(در پنجه و پنج عمر درباختنی — یك گوهرم افتاد و نشد ساختنی
تاریخ بجا خالی دندان آمد — انداختمی یکی ز انداختنی)

بدست می‌آید، بسال ۱۰۶۰ متولدشده وبنابرتصریح درتذکرهٔ خوشگو بسال ۱۱۲۹ وفات یافته.

این شاعرچنانکه ازمندرجات این دیوان ظاهراست چندی از مستوفیان دربار صفوی وهنگامی رئیس یك قسمت ازتحویل‌خانه بوده وچند سال وزیر یزد گردیده و در سال ۱۱۲۰ چنانکه خود دراین‌قطعه تصریح کرده:

چون خلاص از عمل یزد شدم — گشتم آسوده فتادم به بهشت
پی تاریخ یکی زاهل سخن — قلم آورد و **تخلص** بنوشت

از این مقام معزول و در تذکرة المعاصرین است «در آخرعمر مدتی دست از مهمات دنیا بازداشت بعزت و احترام در اصفهان معتکف منزل خویش بود تابجوار ملك علام رحلت نمود».

این دیوان‌شامل ۱- قصائد درتوحید ومناقب پیغمبراکرم وائمّه مکرّم علیهم صلواةالله ومرثیه حضرت سیدالشهداء ع ومدح شاه سلیمان وتاریخ‌ورود عبدالعزیز پادشاه بخارا به‌ایران وورود محمدخان وزیرسابق‌ووزارت وحیدوترکیب بندی بنام «رموزالعاشقین» مزیل به‌منقبت حضرت امام زمان علیه‌السلام وتمام اینها برحسب شمارهٔ دقیق (۱۶۰۰) بیت‌است. ۲- مقطعات وتواریخ در۲۱۶بیت. ۳- مثنوی دربیان‌معراج‌حضرت‌پیغمبرص ببحر تقارب‌در(۴۳۹)بیت‌وبنام«منهاج‌المعراج»میباشد

آغاز: ستایش همان حد فرزانه ایست — که از سبحه اش نه فلك دانه ایست.

(۱) تأثیر در آخر غزلی بنام خود تصریح نموده و گوید:

چند به‌بستر افکنی محسن مستمند خود — هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او

و آقای تربیت هم در دانشمندان آذربایجان (ص ۷۷-۸۱) که شرح مفصلی در معرفی از این شاعر و آثار وی نگاشته اند نیز نام ویرا محسن ثبت نموده، در تذکره خوشگو بنام محمد محسن ودرتاریخ یزدآیتی محمد حسن ثبت گردیده است.

٤ - مثنوی ببحر مخزن‌الاسرار بنام « جهان نما » در (٦٨٩) بیت

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نیزه خطیست بقصد غنیم

٥ - « دعوة‌العاشقین » ببحر خسرو شیرین در (٢٦٧) بیت

آغاز : بیا ای بلبل فرخ پرو بال کـه از کل کشتهٔ شوریده احوال

٦ - مثنوی در تعریف باغات و عمارات قصر سعادت آباد اصفهان بنام « کلزار سعادت » در (٥٢٧) بیت

آغاز : بسر دارد هوای خامه دولت ز وصف کلشن باغ سعادت

٧ - مثنوی درمقابل هفت پیکر بنام « ثمرة‌الحجاب » در (١٤٨) بیت

آغاز : شبی‌ازهمدمان ایمانی محفلی کرم بود روحانی

٨ - مثنوی برای مقدمه رساله درمعما در (٢٤) بیت

آغاز : بنام آنکه دراجمال‌و تفصیل خرد ها رفت از کنهش بتحلیل

٩ - مثنوی در وصف تفت یزد و شکر کذاری ازوزارت یزد وثنای پادشاه بنام « حسن اتّفاق » در (٢٨٥) بیت

آغاز : تفتست و فرشته بلبل او چون آتش تفته هر کل او

١٠ - مثنوی در راستی و درستی واخلاق بنام « میمنت نامه » در (٢٩٣) بیت

آغاز : بنام خداوند فرد قدیم که بنموده مارا ره مستقیم

١١ - غزلیات مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (١٠٢٤٠) بیت

آغاز : ای در کف حمد تو سررشته عنوانها دارند سرافرازی ازنام تودیوانها

١٢ - فردها وابیات متفرقه مرتب بحروف تهجی موافق ردیف هادر (١٠٠٠) بیت.

١٣ - رباعیات (١٣٠رباعی).

١٤ - قصائد و غزلیات و قطعات که بترکی انشاء کرده در (٤٤٧) بیت.

بنابرتعیین تحقیقی بالا این دیوان یا کلیات شامل (١٦٤٣٥) بیت میباشد ولی‌از خلاصة‌الافکار ، آقای تربیت نقل کرده اند که دیوانش ده هزار بیت خواهد بود و بنابر شمارهٔ بالا مرادش فقط غزلیات بوده‌است و خوشگو نوشته که تأثیر دیوان خودرا خدمت حکیم‌الممالك شیخ حسین **شهرت** بهند فرستاد ومنظور نظر همه شعرا کردید و منهم از آن بهره ها کرفتم.

(١١٧٤)

دیوان تاثیر

این‌نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نکارش نام نبرده ، ازقرائن بدست می‌آید کـه درزمان حیوة شاعر نوشته شده وبنظراو رسیده ودرچند جا کلمهٔ **بلغ** دیده میشود و از حاشیه ایکه نویسنده در کنار صفحهٔ اول اشعار ترکی نوشته اند این احتمال تأیید میشود ، برگ اول نسخه را چون سرلوح داشته بریده و برده اند وبهمین صورت وقف کردیده ، سه سرلوح مذهب دراوائل قسمت ٢ و ٥ و١١ موجود وصفحات بجدول بطلا میباشد وپاره ای از اوراق وصّالی کردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٥٥). صفحه‌ای (١٢) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٥$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٨٣).

[٥٢٠] دیوان ثنائی (فارسی)

خواجه‌حسین‌متخلص‌به‌ثنائی(١)پسرغیاث‌الدین محمدمشهدیست‌وازشعرای‌اواخر قرن‌دهم‌هجری‌ومداح‌ائمه‌اثنی‌عشر علیهم‌السلام‌میباشدوبنا برضبط‌در تذکره‌خوشگو بسال ٩٩٦ در لاهوربسرای‌آخرت شتافته وخالوزادهٔ وی میرمحمد باقربن‌میرعربشاه مشهدی جنازهٔ اورا بمشهد برده و درآن آستان مقدس دفن نموده ، بعضی از شعرای معاصر ، اورا خاقانی وقت وحسّان زمان یاد میکنند اگرچه بعضی‌ازشعرای وقت چون میرزا قلی میلی(٢) وولی دشت بیاضی با وی می‌پیچیدند واو را به‌خامی طبع ونقصان‌فطرت منسوب میساختندومباحثهٔ ایشان‌مشهوراست،درج١ تاریخ‌عالم آرای‌عباسی نام برده شده و دربارهٔ وی کوید : شاعر قصیده کوئیست معانی بلند دارد واما درشعر قصیده پیچیده میکوید که طبع اکثرسخن‌سنجان روزکار ازدرك معنی آن قاصر است . و آذر در آتشکده در بارهٔ ثنائی کوید : دیوانش ملاحظه شد بزعم فقیر یا کسی فهم معنی کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی‌ندارد .(٣)

(١) درتذکره خوشکوشاعریرا که نیزمتخلص‌به ثنائی ومعاصر اکبرشاه بوده نام برده شده و از او سه بیت نقل نموده است.

(٢) میرزاقلی میلی درتذکره خوشکو معرفی‌شده و کوید بسال٩٨٤ میل کل کشت عالم بالانمود.

(٣) آتشکده آذرص٩٠چاپی

در تذکره حسینی است که با فیضی وعرفی مشاعره نموده و از پهلوانان عرصهٔ سخنوری است ودیوانش تخمیناً پنجهزار (۱) بیت بوده است.

در مقدمهٔ دیوان دیباچه‌ای به نثر خودوی نگاشته و بنام و نسب و تخلص و وطن خویش تصریح نموده و خود را ندیم (همزبان) ابراهیم میرزای صفوی حاکم خراسان معرفی ودرمدح وثنای وی قصائد واشعار متعدد دارد و دیوان او مرکب ازقصائد وغزلیات وقطعات ورباعیات و ساقی نامه است.

آغاز دیباچه : حمدی که متکلمان سخن گذار فصاحت شعار و نادره گویان بلاغت دثار الخ.

آغاز دیوان :

در روش حسن و نازهست کسی خوش نما

غمزه بطرز ستم عشوه برنگ جفا.

(۱۱۷۵)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه را بسال ۱۰۱۴ محمد حسین مشهدی بخط نستعلیق نوشته، در ابتداء قصائد و قطعات و غیره باز گذارده شده که تاریخ انشاء ومورد آن که در دیباچه تذکر داده شده نگارش شود، «دیوان ولی‌دشت بیاضی» که درهمین‌فصل معرفی خواهد شد بخط همین نویسنده بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و پیوستهٔ به این دیوانست، پشت صفحه نخستین نسخه ودر آخر دیوان ولی یادداشتهائی گردیده است.

جلد میشن. کاغذکاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق دونسخه (۲۳۳). این دیوان (۱۱۰). صفحه ای (۱٤) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۸٤).

(۱۱۷۶)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، دیوان نظام استرابادی (قصائد) پیوسته بآنست، پشت صفحهٔ نخستین محمد شریف ابن صفی قلی تملك خویش‌را یادداشت نموده ودر یادداشت

(۱) نسخهٔ اول دیوان‌نام‌بردهٔدراین‌فهرست‌شامل ۲۸۵۸ بیت و نسخهٔ دوم شامل ۳۱٤۲ بیت است.

دیگر تولد خودرا بسال ۱۰۵۱ درماه ربیع‌الاول نیز ذکرنموده بنابراین و شهادت کاغذ ومرکب بایستی‌نسخه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته باشد، دیباچه‌ایکه خود ثنائی براین دیوان نوشته (در پنجورق) این‌نسخه شامل، سه برك اول نسخه وصّالی‌شده واز آخر آن اوراقی‌افتاده و آثار آبدید کی‌دربر کها ظاهرولی‌خطوط آن‌ضایع‌نگردیده است.

جلد تیماجی. کاغذبخارائی. واقف‌سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵۹). این دیوان (۱۰۵). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۷۵).

[۵۲۱] دیوان جامی (فارسی)

عبدالرحمن جامی ازمشاهیر علما و شعرا ومتصوّفه نقشبندیّه است و در ص ۳۵۷-۳۵۹ شرح حال ومؤلفاتی ازایشان را نگاشته ایم، خود وی درمقدمه نفیس این‌دیوان نگاشته که پیش ازاین دیوان خودرا برنهج ترتیب حروف‌تهجّی مرتب کرده بودم واکنون برآن شدم که آنرا بترتیبی که شایسته است مرتب نمایم وقصائدرا بدین ترتیب: حمد وثناء الهی، نعت حضرت‌رسالت پناهی‌ص وحضرت مولی‌الموالی‌ع‌وائمّه‌هدی‌ع، مدح پادشاه عصر (سلطان حسین)، نصائح ومواعظ بدون رعایت قوافی منظّم نموده و در تاریخ این ترتیب گوید:

«وشروع دراین ترتیب درتاریخی بودکه واقفان قواعد معمّا از این رباعی استخراج‌توانند نمود:

رباعی

بادل گفتم کای بصفا گشته سمر — هستی‌صدف‌پراز گهرچیست‌خبر

از گوهر سال نظم این عقد درر — برروی صدف نهاد یکدانه گهر»

بنابراین بسال ۸۸٤ که چهارده سال پیش از مرگ وی باشد این کار انجام یافته است.

این‌دیوان جامی گذشته ازقصائد شامل‌غزلیّات مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی ومقطعات ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۷۵۰) بیت شعردارد وقطعاً پس‌از این‌تاریخ هم شاعر بیکارننشسته وازاینگونه اشعار سروده ودرذیل «هفت‌اورنگ» دراین باب سخنی خواهیم راند.

آغاز دیباچه : بسم الله الرحمن الرحیم هست صلای سرخوان کریم
خوان کرم کرده کریم آشکار گوید بسم‌الله دستی بیار

پاکا پرورد کاری که زبان سخن گذار در دهان سخن وران شیرین کار شکر کفتار الخ.

آغاز غزلیات : بسم الله الرحمن الرحیم اعظم اسماء علیم حکیم
محترمان حرم انس را تازه حدیثیست زعهد قدیم
....
یامن بداجمالك فی کلّ مابدا بادا هزارروح مقدس ترا فدا

(۱۱۷۷)

دیوان جامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، شامل قصائد و غزلیّات و مقطّعات و رباعیات است ، اطراف دو صفحهٔ نخستین تذهیب و میناکاری ونقاشی بسیارظریف گردیده و آیات کریمه‌ای که در دیباچه بآنها تمثّل جسته باطلا نگارش یافته ، ابیاتی از قصائد و یك برگ از غزلیات وهشت رباعی از آخر آن افتاده ، چهاربرگ از قصائد در ردیف الف ازغزلیات صحافی شده ، و در اوّل غزلیّات سرلوح ظریفی دارد ، پشت برگ اوّل ترنجی میناشده و مذّهب میباشد واین برگ وصّالی گردیده ، وپیش از شروع به دیباچه دوصفحه نقاشی چینی بسیار ظریف که مجلس بزم سلطان را مجسّم مینماید وهریك تمام صفحه را گرفته موجود ، طرز خط و تذهیب ونقاشی حاکم است که نسخه در اواخر قرن نهم وشاید در زمان خود جامی وبرای سلطان حسین میرزا نگارش یافته ابیاتیکه ازقصیده اول دیوان افتاده در حاشیهٔ آخرین برگ دیباچه نوشته شده وتمام برگها مجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۰۶) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤) .

(۱۱۷۸)

دیوان جامی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۵۹ مقصود تربتی نوشته وشامل غزلیات و مقطعات و رباعیات ، برگ اوّل دارای

سرلوح ظریف و صفحات مجدول بطلا و لاجورد ، پشت برگ اوّل و آخر یادداشتهائی موجود وبرخی ازاوراق وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲٦۱). صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲٤سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳) .

(۱۱۷۹)

دیوان جامی (ترکیب بند) این نسخه را میر(۱)علی کاتب مشهور ، بخط نستعلیق بسیار خوب بسال ۹۳۵ در بخارا نوشته و شامل ترکیب بند جامی است که آغاز آن اینست :

صبحدم باده شبانه زدیم ساغرعیش جاودانه زدیم

و از نسخ بسیار نفیس کتابخانه شمرده میشود و نگارش این ترکیب بند که هشتاد و هفت بیت میباشد بامرکب وطلا وسفیدآب و مرکب الوان گردیده وسرلوح بسیارظریف کوچکی دارد ، پشت برگیکه پیش ازبرگ نخستین است یادداشتهائی بوده محو گردیده و آثارآن میرساند که در کتابخانه سلاطین صفویه بوده و ازیادداشتهای پشت آخرین صفحه استفاده میشود که چندیهم این نسخه درهند بوده و درآن هنگام دومجلس نقاشی هم در جلو آن بوده و لیکن اکنون نیست مهر های مختلفی هم در اول و آخر کتاب بوده محو گردیده یك برگ که گلهائی برآن‌رسم شده و یك برگ زرافشان در اول وآخرنسخه است .

جلد روغنی دورو میناکاری . کاغذ متن الوان **حاشیه** افشان . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٦) . صفحه‌ای (٦) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض (۱٦سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٤۸) .

[۵۲۲] دیوان حافظ شیرازی (فارسی)

شمس‌الدین محمدبن کمال‌الدین متخلص به **حافظ** ومشهور به **خواجه** مطلق (در زبان ادبا) وخواجه‌حافظ ، ازمشاهیر شعرا ومعاریف‌سخنوران ایران‌میباشد ، ازآثارموجودهٔ او کمال‌نفسانی واطلاعات حکمی وعرفانی وی هویدا وبنابرتصریح

(۱) درآخرصفحه نویسنده رقم نموده و پیش‌ازنام وی (علی) کلمه‌ای بوده محو گردیده پشت‌ورق اول وآخر تصریح گردیده‌که خطّ استاد خط میرعلی است . و میر علی هروی در سنگلاخ وخط و خطاطان ص ۱۷۷ معرفی شده .

خود وی قرآن کریم را با چهارده قرائت در حفظ داشته و آنچه نصیبش گردیده همه را از دولت قرآن دانسته و بدین مناسبت تخلص خود را حافظ قرار داده ومدّعی شده که چون وی کسی لطائف حکمی را بانکات قرآنی جمع ننموده ، خداوندگار نگارنده حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادام‌الله ظله‌العالی که شصت سال ازشصت وشش سال عمرخویش‌را درتعلّم وتعلیم اخبار مأثوره ازاهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و تفسیرقرآن کریم و فقه و اصول و حکمت صرف نموده وبااصول ومبانی وآثارعرفا هماره سروکارداشته چندیست که بمطالعهٔ این دیوان اشتغال وادّعای این بزرگ را تصدیق وطالبین را بشرح ابیات ومقالات این لسان‌الغیب وتطبیق آنها باآیات واخبار و قواعد حکمی مستفید میفرمایند .

بنابر مقدمه ایکه معاصروی **محمدگل‌اندام** که از نگارش وی ظاهرست در مجلس درس قوام‌الدّین عبدالله با خواجه شریك در استفاده بوده ، خواجه بنظم وترتیب اشعار خود نپرداخته واستاد مکرر دستور فرموده که گل اندام بدین‌کار مبادرت نماید ولی تاپس از مرگ استاد وخواجه موفق بدین کار نگردیده وپس ازآن بجمع وترتیب آن پرداخته عین عبارت مقدمه اینست : « محافظت درس قرآن وملازمت شغل سلطان وتحشیهٔ کشاف ومصباح ومطالعهٔ مطالع و مفتاح(۱) وتحصیل قوانین ادب وتحسین دوانین عرب ازجمع ابیات و غزلیاتش مانع آمدی وازتدوین واثبات ابیاتش وازع گشتی الخ »

بنابراین نسبت تألیف تفسیری بخواجه درست خواهد بود ولی بدبختانه تاکنون نسخه‌ای از آن بدست نیامده‌است و از جملهٔ : « ملازمت شغل‌سلطان » که درمقدمه است معلوم میشود که در دستگاه شیخ ابواسحق و آل مظفر مقام دبیری داشته ونگارنده مجموعه ای که شامل چند رساله و چندین مکتوب مرکب از نظم و نثر میباشدوبسال۷۸۶نگاشته شده در کتب‌خطی مجلس‌شورای ملّی ایران‌یافته وبادلّه‌ای که در فهرست آنجا خواهد نوشت آنرا از خواجه میداند ، ومؤید کامل برصحت

(۱) مفتاح تألیف سکاکی متوفی بسال ٦٢٦ وبنام مطالع کتابهای بسیار است ودرص۴۵۲ـ۴۵۴ ج ۲ کشف الظنون نام‌برده شده اند ظاهراً مراد مطالع الانوار سراج الدین ارموی‌متوفی بسال ٦٨٩ میباشدکه در حکمت ومنطق میباشد .

قول گل‌اندام خواهد بود .

تولد خواجه مسلّماً بسال ۷۲۸ بوده چرا که درکاغذیکه بپادشاه هند نوشته ومعذرت ازرفتن خود خواسته شمار عمرخود را پنجاه وپنج معین نموده ومرحوم فرصت‌الدوله در « دریای کبیر » دعوت شاه محمود بهمنی پادشاه دکن را ازخواجه وقصد رفتن وعدم موفقیت او را بسال ۷۸۳ معین نموده (این‌قسمت‌راشاعرشهیر ودانشمند نحریروخطاط کم نظیرمعاصر محمدحسینی متخلص به **قدسی** که ازشعرای معمّر و بزرگوار کنونی‌شیراز اند از کتاب مذکور در مقدمه دیوان‌حافظ که بخط ایشان‌دربمبئی چاپ گردیده‌نگاشته‌اند) وسال وفات ایشانرا شعرا « **خاك مصلی** » که سال ۷۹۱ را میرساند یافته اند ولی جامی در نفحات‌الانس وسلطان حسین بایقرا در مجالس و هدایت درریاض العارفین بسال ۷۹۲ نوشته اند و این اختلاف ناشی از اینست که قطعه ایرا که گل اندام دراواخر مقدمه خود بردیوان نوشته :

(بسال ذال و صاد و حرف اول — ز دور هجرت میمون احمد
بسوی جنت اعلی روان شد — فرید عهد شمس‌الدین محمد
بخاك پاك او چون برگذشتم — نگه کردم صفا و نور مرقد)

وبرخی آنرا **بسال باوصادوذال‌ابجد** ثبت کرده‌اند ، بنابراین ۷۹۲میشود چنانکه بنابرروایت اوّل ۷۹۱ خواهد بود و مرحوم اعتصام در ص ۲۱۳ فهرست کتب خطی مجلس بنقل ازتذکره نویسان سال ۷۹٤ و ۷۹۵ را نیز در وفات خواجه نقل کرده اند ولی در مآخذیکه(۱)نگارنده در این هنگام بآنها مراجعه نموده این دوسال اخیرثبت نگردیده‌است .

معاصرین‌خواجه شاه داعی‌الله ، شاه نعمت الله ، سید ابوالوفا ، شیخ علی کلا ، شیخ زین‌الدین خوافی ، کمال خجندی و شاه ابو اسحق وشاه منصور وشاه شجاع و شاه محمود پادشاه دکن بوده و در دیوان وی بنام بعضی از ایشان اشعار و مدایحی ثبت گردیده است .

(۱) تذکرهٔدولتشاه‌سمرقندی‌چاپ‌اروپاص۳۰۲ـ۳۰۸، نفحات‌الانس‌خطی کتابخانه‌ص۷۲۵ مجالس‌ـالعشاق مجلس‌چهلم ، مجالس‌المؤمنین‌ص۳۰۳ـ۳۰٤ ، هفت‌اقلیم‌ص۱۸۰ـ۱۸۳، ریاض العارفین(چاپ اول) ص۱٦۷ـ۱۸۵ ، مجمع‌الفصحا ج۲ ص۱۱ـ۱٤، فارسنامه ناصری‌ص۱٤٤و۱٤۵ گفتاردوم ، آثار عجم فرصت‌الدوله ص ۱٦۹ـ۱۷۳ ، طرائق الحقائق ص ۳۰۵ـ۳۰۷ ج۲ ، مقدمه دیوان چاپ قدسی ومقدمه چاپ آقای پژمان .

اشعار خواجه‌از همان‌عصر واوان‌انشاء مطلوب‌عام‌وخاص گردیده‌و خواجه‌راهم‌شهره آفاق کرده ، گروهی‌از معاصرین‌هم‌به‌وی‌رشک‌برده وخودوی‌در مقطع‌غزلی گفته :

حسد چه میبری ای‌سست نظم بر حافظ   قبول خاطرو لطف سخن خدا داداست

وهمین مطلوبیت وزیادی نسخه برداشتن از آن باعث تحریف وتصحیف بسیار در آن گردیده واشعار دیگران هم که اندك شباهتی باشعار حافظ داشته (در بعضی از موارد هم بسیار مباین باسبك وروش اوست) در دیوان او داخل شده وتشخیص آن بسیار کاری دشوار و جز ادیب بارع و سخن شناس ماهر نمیتواند غث را از سمین و اصل را از بدل تشخیص دهد ، خوشبختانه در این عصر فرخنده جناب آقای محمد علی فروغی (ذکاءالملك) کـه آثار فلسفی وادبی ایشان چون آفتاب درخشنده در آسمان ، بدانشمندان ایران جان بخش میکند انتخابیکه در مدت سی سال ازدیوان حافظ نموده وذوق سلیم ایشان حاکم برصحت نسبت آنها بدان شاعر آسمانی بوده ، چاپ ونشر داده اند .

محمد مؤمن در فائدهٔ چهارم از مقدمه عروض خود گوید : مجموع اشعار که از خواجه بنظر رسیده دربیست وسه بحر زیاده نیست .

خواجه اگرچه درفن غزل مهارت کامل داشته ولی‌قصائد ومقطعات ورباعیات ومخمسات وترجیع بند وساقی نامه (مثنوی) و غیره نیز دارد. ودیوان وی مکرر چاپ شده وبزبانهای زنده‌ترجمه گردیده‌و چندین شرح(۱) بر آن نگارش یافته‌است.

(۱۱۸۰)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه را منعم‌الدین اوحدی شیرازی که مشهور به صحیح نویسی میباشد ، بخط نستعلیق خوب بسال ۹۱۷ نوشته ؛ اطراف دو صفحهٔ نخستین با بهترین طرز نقاشی و تذهیب ومینا کاری شده ، درفاصلهٔ‌غزلیات وقصائد ومقطعات‌ورباعیات وساقی‌نامه‌ها ۲۷۰ رباعی ازخیام راکه تناسب معنوی بامطالب حافظ داشته باطلانوشته وخود دیوان درحدود (۹٤٥٠) بیت است .

پنج مجلس نقاشی دارد(یکی از آنها چینی وظریف است)که مطالب و معانی

(۱) دوشرح از دیوان حافظ در کتابخانه مجلس موجود ودر فهرست آنجا معرفی خواهد شد .

پنج‌غزل‌را که‌درذیل آنها کشیده‌شده‌اند مجسم‌مینمایند، نسخه‌درقرن‌دوازدهم متعلق بدانشمندانی‌ترك نژاد بوده‌و یادداشتها و مهرهای اسم آنها پشت صفحهٔ نخستین و اطراف صفحات دیده میشود .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔاوراق (۲۲۷). صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۱۹سانتیمتر). عرض(۱۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۹) .

(۱۱۸۱)

دیوان حافظ و دیوان قاسم انوار

این‌نسخه بسال ۱۰۰۵ بامر علی بن‌نظام درشهرلار (ازتوابع فارس‌است) بخط نستعلیق خوب‌نوشته شده ، نویسنده صفحه دست راست‌را اشعار حافظ (در حدود ۵۰۰۰ بیت است) ودست چپ را دیوان قاسم انوار (قاسمی) (نیزدرهمان حدود از ابیات است) نوشته وتا پنج برگ بآخرمانده همین کار را کرده وچون دیوان خواجه بآخررسیده تمام پنج ورق را از اشعار قاسمی پر کرده وملتزم شده که درآخرصفحه غزل هریك را تمام کند ، دوصفحه اول هریك دارای سرلوحی زیبا واطراف آنها تذهیب ونقاشی گردیده ومیان سطرهای آنها طلااندازی وقاشی شده ، چندین براگ ازاول وآخر وصّالی شده ونام کاتب ازمیان رفته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۰) صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۲) .

(۱۱۸۲)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخـه را بخط نستعلیق خیلی خوب عربشاه بن محمـد حسینی‌الاستادی (کذا) بسال ۱۰٤۷ نوشته ، درآغازدیباچه وقصائد وغزلیات هر یك یك سرلوح زیباست و اطراف دو صفحهٔ اول هرکدام تذهیب برگ موی اعلاگردیده ومیان سطر هـای آنها طلا اندازی شده وابتداء غزلها نیزتذهیب گردیده وصفحات بجدول بطلا ولاجورد و زنگار میباشد ، شمارهٔ غزلیات این نسخـه از دو نسخهٔ پیشین کمتر و در حدود (٤۱٥۰) بیت میباشد ، چند برگ از آخر نسخه باکمال مهارت‌واستادی و صّالی

شده ، دو برگ از دیباچه میان قصائد صحافی شده ، پشت صفحه اول نسخه و آخر صفحهٔ آخر یادداشتهائی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۲٥ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱٤) .

(۱۱۸۳)

دیوان حافظ شیرازی این نسخه بخط نستعلیق (خوب ظاهراً در قرن دهم) نوشته شده ، مالك نسخه در مقابل بسیاری از غزلها تاریخ تفأل وقصد خود را ذکر نموده وقدیمترین تاریخیکه در آن واضح است بسال ۱۰۸۸ ودرمقابل این غزل است : دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود الخ . اوراقی ازاول وآخر آن افتاده ، صفحه اول وآخر نسخه نونویس و بخشی از دیباچهٔ محمد گل اندام و رباعیات براین دو نگارش یافته ، پاره ای از برگها وصّالی شده ، برخی هم نیازمند میباشد ، پیش‌از شروع بغزلیات قصائد و ترکیب بند و مخمس حافظ نوشته شده ودراوّل غزلیات سر لوحی موجود واطراف ومیان سطرهای دوصفحه اول غزلیات تذهیب گردیده ، ابیات افتاده ونسخه‌بدلهائی درحاشیه نگارش یافته ودرحدود (۷۱٥۰) بیت است .

جلد روغنی گل وبوته وطرف داخل نرگس. کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۱٥) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۳) .

(۱۱۸٤)

دیوان حافظ شیرازی این نسخه‌را بخط نستعلیق نوشته اند ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً درنیمه اول قرن سیزدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات وساقی نامه ها ورباعیات است و در حدود (٤۷۰۰) بیت میباشد ، یك سرلوح دارد وتمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۸) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۸) .

[٥۲۳] دیوان حسان بن ثابت (عربی)

حسّان بن ثابت بن المنذر بن حزام انصاری مدنی متوفی بسال ٥٤(۱) شاعر ومدّاح حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله میباشد ، مورخین اتفاق دارند که یکصد و بیست سال چون پدران خویش زندگانی نمود ، نیمی از آنرا درجاهلیت گذرانیده بود ونیم دگررا دراسلام بپایان رساند، نابغه جعدی واعشی را دریافته وشعر خود را بآنها عرضه داشته وهردواعتراف بخوبی آن نموده اند .

گویند که چند نفر ازقریش چون ابن‌الزبعری ، ابی سفیان ، نوفل بن حرث ، عمرو بن العاص و ضرار بن الخطاب پیغمبر اکرم را هجا میگفتند ، حسان مقابله به مثل نمود وآنهارا هجاها گفت (در دیوان وی بسیار هجای این اشخاص دیده میشود) ، آنها پس‌ازاین ترك هجا کردند و این چند بیت ازقصیده‌ایستکه درفتح مکه وهجاء کفّار سروده است :

الا ابلغ اباسُفیان عنّی   فَاَنْتَ مجوف نخب هواء
بانَّ سُیوفَنا تَرکَتْكَ عَبْداً   و عَبْدُ الدّار سادَتُها الْاِماء
هَجَوْتَ مُحَمَّداً ص فَاَجَبْتُ عَنْه   و عندالله فی ذاكَ اَلْجَزاء
اتهجوهُ وَلَسْتَ لَهُ بِکُفْوءٍ   فَشَرُّ کُما لِخَیر کُما الْفِداء

درديوان وی مدائح وهجاها ومراثی ثبت شده، صاحب روضات ازشیخ مفید نقل نموده که حسان پس ازپیغمبر ص ازحضرت علی بن ابی طالب بسیار انحراف داشت وازتابعین عثمان بن عفان بود ومردم را ازآنحضرت برمی گردانید وبمعاویه میخواند .

دردیوان وی رثاهای متعدد درباره خلیفه سوم دیده میشود اگرچه تصریحی

(۱) درمعجم المطبوعات ص ۷٥۲ بنقل ازاغانی وخزانة الادب وجمهره وفات حسّان بسال ٥٤ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج۱ ص۶۰) و روضات الجنات (ص۳۹ ج۲) نیز در همین سال ضبط گردیده ولی در این کتاب اخیر گوید که وفات ویرا بسال ٤۰ نیز نوشته‌اند .

بر آن معنی که نقل گردید درمطالعه مختصرخویش نیافتم ولی توجه کامل واعتقاد زیاد وی از رثاهای متعدد بخوبی واضح و آشکار است .

این دیوان شامل ازاقسام شعرمذکور میباشد ومکرر دراروپا وتونس وبمبئی ومصر ولاهور چاپ گردیده است .

آغاز : قال حسان رضی الله عنه یوم فتح مکه

عَفَتْ ذاتُ الاَصابِعِ فالْجِواء　　الي عَذْراءَ مَنْزِلُها خلاء

(۱۱۸۵)

دیوان حسان‌بن‌ثابت

این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون تاریخ نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین بسال ۱۲۸٤ ورود آن به کتابخانه اعتضادالسلطنه یادداشت شده ، ازطرز کتابت وکاغذ بایستی درهمین سال یاکمی پیش ازآن نگاشته شده باشد، درحاشیهٔ برخی‌ازصفحات معانی بعضی ازلغات مشکلهٔ اشعاراز کتب لغت نقل گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤٦) .

[٥۲٤] دیوان حسن دهلوی (فارسی)

نجم‌الدین حسن بن علی سنجری دهلوی معاصر باامیرخسرودهلوی است وهردو دست ارادت به نظام‌الدین اولیا داده اند ، در شرح حال این دوشاعر سخن سنج مذکوراست که روزی امیرخسرو بانظام‌الدین اولیا میگذشت بردرب دکان‌نانوائی حسن‌را دید که درمنتهی‌درجه‌لطافت‌وحسن‌صورت‌نشسته‌ونان‌میفروشد،پیش‌رفت وپرسیدنان چگونه میفروشی‌حسن گفت : نان درترازومیکنم‌واهل‌سودارامی‌فرمائیم تامقابل آن زر می‌نهند هرگاه زرگران تر می‌آید مشتری را روان میکنیم خواجه خسرو گفت اگر خریدار مفلس باشد مصلحت چیست گفت درد و نیا ز را بوجه برمیگیریم خسرو از این‌گونه سخنان موزون حسن حیران بماند و کیفیت بشیخ عرضه کرد . خواجه حسن را درد طلب دامن‌گیرشد و بخانقاه شیخ درآمده ترك دکان داری نمود ، آتش عشق حسن درامیرخسروشعله ورگردید ، حسن نیزاورا

دوست داشت چون دومغز دریك پوست ویك جان در دوقالب شدند ، داستان عشق آنها زبان زد مردم گردید ، بگوش‌پادشاه زمان علاءالدین فیروزشاه رسید ، حسن راکه مقام ملازمت پیداکرده بود ازرفتن بخانه امیرخسرو بازداشت ، ولی سودی‌نه‌بخشید وبازباخسرو آمد وشد داشت وشهرت‌این‌عاشقی‌روزافزون میگشت پادشاه روزی برای نافرمانی بردست حسن تازیانه زد ، پس‌ازآن ازهمان راه بخانه امیرخسرو درآمد ، چون این‌خبربپادشاه‌رسید عشق‌مجازی‌را بزیور حقیقت آراسته یافت خسرورا طلبید وحسن را نیز بحضور خواست وتحقیق نمود که عشق آنها شایبهٔ هوا و هوس دارد یاازاین نقص بری‌است ازبوته امتحان‌چون‌زرخالص‌وناب پاك بدرآمدند باوجود این ازخسرو برهان ودلیل خواست ، گفت دوئی ازمیان‌ما برخواسته و دست ازآستین بیرون آورده که «گواه عاشق‌صادق‌درآستین باشد» ونمود که اثرتازیانه که بربدن حسن زده شده بربدن وی ظاهرگردیده واین‌رباعی ازشیخ عراقی خواند :

عشق آمدوشدچوخونم‌اندررگ‌وپوست　　تا کرد زمن تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت　　نامیست زمن برمن و باقی همه اوست

درتذکره دولتشاه (ص۲٤۷-۲٤۹) ومجالس‌العشاق(مجلس۳٤)ومجمع‌الفصحا (ج۱ص۱۹٦-۱۹۷)وتذکرهٔ‌خوشگووهفت‌اقلیم‌ص۳۰۰-۳۰۲ که‌درهنگام‌نگارش این‌شرح مراجعه گردیده ازتاریخ حیات و زمان مرگ و دیوان وی معرفی نشده ، درتاریخ مفصل ایران آقای اقبال شرحی در باره این شاعر عارف نوشته ومرگ اورا بسال۷۲۷ دردولت‌آبادهند معین نموده ودرهفت اقلیم وفات او دردیوگیر ثبت شده است نسخه این‌کتابخانه در حدود (٦٤۰۰) بیت شعر و شامل قصائد وغزلیات ومقطعات وچند مثنوی و رباعیات این شاعر میباشد و قصائد و غزلیات در مدح سلطان علاءالدین محمد بسیار دارد و در غزلی علاقه خود را باهل بیت پیغمبراکرم‌ص آشکار کرده‌وگوید:

آزاد شد دل حسن ازبند هرغمی　　گویندهٔ محمد و آل محمد است

دربارهٔ خط خوب خود گوید :

بنده حسن زخط خوشش نسخهٔ کند هر که که عرضه داشت کند پادشاه را.

حسن دهلوی را سعدی هندوستان گویند وخود وی هم خواسته که چنین باشد و در مقطع غزلی گوید :

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری جلد سخنش دارد شیرازهٔ شیرازی .

وچنانکه در ص۵۱۷ نقل گردید امیر خسرو هم نظیراین بیت را درباره خود گفته بود .

آغاز : ای حاکم جهان وجهان داور حکیم محدث همه بدایع وتومبدع قدیم .

(۱۱۸۶)

دیوان حسن دهلوی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ آخر نسخه که ظاهراً شامل تاریخ نگارش ونام نویسنده بوده برداشته‌اند، پشت صفحه نخستین یادداشتهائی باتاریخ میباشد که بیشتراز همه آنها آنست که بسال ۱۰۵ (کذا) که ظاهراً مراد از آن ۱۰۰۵ بوده نگاشته شده وتصورمیکنم که ازخطوط اوائل قرن دهم هجری باشد ، دوصفحهٔ اول کتاب تذهیب ونقاشی بسیار ظریفی دارد وصفحات نسخه مجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شماره اوراق (۲۶۸). صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۲۲ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۰) .

[۵۲۵] دیوان حسن غزنوی (فارسی)

سید حسن بن ناصر علوی ملقب به اشرف‌الدین از شعرا وعرفای عصر بهرامشاه غزنوی ومعاصر حکیم سنائی بوده و در مقام سیروسلوك مقاماتی یافته ، پادشاه هم نسبت بوی لطف ومحبت داشته ، چون دید که پای منبرارشاد وافادهٔ وی هرروز درحدود هفتاد هزار کس می‌نشیند وبیشتر آنها ازمریدان وپیروان وی اند صلاح کشورداری خود ندید که درغزنین باشد ، سیّد هم چون این معنی را دریافت بعزم زیارت کعبه از آنجا رخت بربست ، چون بمدینه طیّبه رسید ترجیع بندی در نعت

حضرت رسالت صلعم انشاء و این یك بیت‌را درتاریخ گزیده حمدالله‌مستوفی از آن نقل نموده :

لاف فرزندی نیارم زد درین حضرت ولی خدمتی گفتم زحضرت خلعتی بیرون فرست.

دیوان وی شامل مدائح بسیار از بهرامشاه میباشد ودر قصیده ایکه این بیت مطلع آنست :

چون ز غزنین کردم آهنگ ره هندوستان

از سپاه روم و خیل زنگ می بستد جهان

تشریح نموده که در این سفر بهرامشاه نیز باو در یك کشتی بوده و او را مدح بسیار نموده و گوید :

اینچنین راهی مرا خوشتر زبر گشتن بود

در پناه رایت منصور سلطان جهان

هدایت درریاض العارفین (ص۱۸۵-۱۸۶) که معرفی‌ازاین‌عارف شاعرنموده وفات ویرا بسال ۵۳۵ پس‌ازبرگشتن ازحج وتکریماتی که ازطرف سلاطین‌عصر نسبت بوی شده در جوین اسفرائین ثبت نموده وهمودرص ۲۹۲ ج۱ مجمع‌الفصحا که‌دوباره بمعرفی‌وی‌پرداخته گویدبسال۵٦۵ وفات یافته‌ودیوانش‌پنجهزاربیت‌است و درحاشیهٔ ص ۲۲۰ ج ۲ سخن و سخنوران وفات سید حسن غزنوی مطابق مجمع‌الفصحا ثبت گردیده وبطلان قول اول‌را این‌بیت که درص ٤ نسخه زیرین دیوان اوست ثابت میکند :

از بعد پانصد و چهل و پنج گوییا در من نگر که معجزهٔ جد خود منم

و در آتشکده چاپی (ص۱۰٦) وهفت اقلیم ص ۲٦۱-۲٦٦ و تذکره دولتشاه ص ۱۰٤-۱۰٦ تاریخ وفات وی ثبت نگردیده است .

(۱۱۸۷)

دیوان حسن غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، ظاهراً از خطوط نیمه اول قرن سیزدهم هجری است ، دیوان مختاری بدین نسخه پیوسته است و در

همین فصل معرفی خواهد شد ، واین دیوان که بدین بیت شروع شد :

داند جهـان که قره عین پیمبرم　　　شایسته میوهٔ دل زهرا وحیدرم

برحسب‌شمارهٔ دقیق (۱۲۸۰) بیت ازقصیده وغزل وترجیع‌بند میباشدوبسال۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده است .

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق دودیوان (۱۱۸) . این نسخه (۳۷). صفحهٔ(۱۹)سطر. طول(۲۶سانتیمتر) . عرض(۱۷سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۸۵) .

[۵۲۶] دیوان خاقانی شروانی (فارسی)

خاقانی رادرص۴۶۳ – ۴۶۶معرّفی کرده‌ایم، دیوان وی شامل قصائد وغزلیات و مقطعات ورباعیات میباشد چنانکه درص۴۶۶نقل گردیده شمارهٔ ابیات دیوان ویرا (۲۲۰۰۰) نوشته‌اند، دیوان‌وی‌بنام‌کلیات‌سه‌بار که آخرین آنهابسال۱۳۲۵بوده درهند چاپ گردیده و شامل (۲۲۰۰۰) بیت عربی وفارسی میباشد ، درسخن وسخنوران (بخش اول ازجلد دوم ح ص۳۲۲) تذکرداده شده که درنسخه چاپ هند اشعار دیگران نیزمندرج گردیده ونیزسال ۱۳۱۷ خورشیدی بتصحیح دانشمند معاصر آقای عبدالرسولی استاد ادبیات دانشگاه دیوانی‌ازخاقانی‌درحدود (۱۷۰۰۰) بیت در طهران چاپ ممتازی گردیده است.

در اشعارخاقانی مشکلاتی ازحیث لغت ومعنی وجود دارد دانشمندانی‌بشرح آنها پرداخته‌اند ودر این‌فصل ودرفهرست کتابخانه مجلس‌چند شرح براین‌دیوان را معرّفی خواهیم نمود .

آغاز :

دل‌من‌پیر تعلیم‌است‌ومن‌طفل‌زبان‌دانش　　　دم تسلیم سر عشرو سر زانو دبستانش

نه‌مردی‌این‌دبستانست‌مرکزجنبش‌دردی　　　بهردم‌چارطوفانیست‌دربنیادارکانش(۱)

(۱۱۸۸)

دیوان خاقانی شروانی — این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۰۲ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، برگهائی از اول آن افتاده ، برخی از برگهای کنونی در اول نسخه‌نویس و پاره ای از

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه بیت دوم بدین نحو نوشته شده و نویسنده در تصحیف و تحریف آن اعجاز کرده است .

برگها وصّالی شده ، برحواشی نیمه اوّل برگهای دیوان تعلیقات وحواشی نگاشته شده ، بر برگ نوشته‌ای که پیش از نسخه بوده و وقفنامه مدرسه بر آن نوشته شده یادداشتی بوده محو گردیده و برحسب شمارهٔ دقیق در این نسخه از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات در حدود (۱۴۲۰۰) بیت میباشد و ابیاتی چند از معاصرین که موجب انشاء قصائد یا قطعه هائی بوده نیز در این نسخه از دیوان وجود دارد .

جلدتیماجی مذهّب . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($27\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۳) .

(۱۱۸۹)

دیوان خاقانی شروانی — این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال۱۰۱۳ نوشته شده پیش از شروع به‌نگارش دیوان ، تحفة‌العراقین خاقانی نوشته شده و خصوصیات آن در ص ۴۶۷ گذشت ، این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و در حدود (۱۳۷۵۰) بیت میباشد ، دو سرلوح زیبا یکی در ابتداء قصائد و دیگری در آغاز غزلیات دارد نسخه زیر شمارهٔ (۴۱۰) در کتابخانه ثبت گردیده ودر ص ۴۶۷ خصوصیات دیگر آن زیر معرّفی تحفة العراقین زیرشمارهٔ (۱۱۰۶) نگاشته شده است .

[۵۲۷] دیوان امیرخسرو دهلوی - تحفة‌الصغر (فارسی)

شرح حال وآثار امیرخسرودهلوی را درص۵۱۶-۵۲۰ نگاشته‌ام و درآنجا تذکر داده شد که چهاردیوان داشته ، نسخه های زیرین «تحفة‌الصغر» یا نخستین دیوان وی میباشد و در حدود (۱۴۰۰۰) بیت از غزل (مرتب بحروف تهجی بحسب ردیف ها میباشد) و قطعه و رباعی میباشد و خود بر آن دیباچه‌ای نیز نگاشته ولی نسخ این کتابخانه فاقد آنست .

آغاز : حمد رانم بر زبان لله رب العالمین

آنك جان بخشید در قرآن هدی للمتقین الخ.

(۱۱۹۰)

دیوان امیرخسرو دهلی تحفة الصغر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، در میان اوراق غزلیات ردیف واو یك صفحه مجلس نقاشی چینی بسیار ظریف که مجلس بزم پادشاه و رقص دائره ای را مجسم مینماید و از بالا تا پائین صفحه را فرا گرفته موجود و در قسمت بالای آن، این جمله بخط ثلث بسیار خوب نگارش یافته:

باشارة السلطان الاعظم و الخاقان المعظّم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلد ملکه فی شهور سنة ست وثمانین وثمان مائه .

دوصفحهٔ نخستین نسخه دارای دوسرلوح و اطراف آن تذهیب و نقاشی‌های بسیار ممتاز ومینا کاریهای ظریف گردیده ، دست حوادث چون بسیاری از صفحات این دو صفحه را ناقص کرده ولی با کمال مهارت و استادی و وّصالی گردیده و با دقت کامل تشخیص داده میشود ، عناوین غزلها و قطعات با لاجورد و طلا نوشته شده وظاهراً نگارش آن بسال ۸۸٦ که تاریخ مجلس نقاشی مذکور میباشد، بوده است .

چند غزل اول سائر نسخ دراین نسخه نیست وبدین بیت شروع گردیده :

ای بدر ماندگی پناه همه رحمت‌تست عذرخواه همه

از رباعیات هم بخشی افتاده و آخرین رباعی که در آخر نسخه کنونی میباشد کلماتی از آن محو شده و نواقص آن درست تکمیل نشده و در نسخهٔ زیرین صحیح آن نگاشته شده ، تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد و اطراف عناوین غزلیات وغیره تذهیب گردیده و بسیاری از صفحات و وّصالی گردیده است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٤٢) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷سانتیمتر) . عرض (۱٦سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦۱) .

(۱۱۹۱)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این نسخه دراواخر قرن نهم هجری بخط نستعلیق خوب نوشته شده ،از شمارهٔ سال تاریخ ۸۹ باقی‌مانده و آحاد آن محو گردیده، برگ نخستین نونویس و پاره‌ازبرگها وّصالی گردیده رطوبت بعضی از سطرها را خراب نموده و شامل غزلیات و مقطعات ورباعیات وفردهاست ، دیباچه نثری را نیز ندارد ، عناوین بالاجورد وطلا نوشته شده و صفحات بجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (۳٦۰) . صفحه‌ای (۱٤)سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۲سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۱۷۱).

(۱۱۹۲)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این‌نسخه بخط نستعلیق خوب‌نوشته شده ، اطراف دوصفحهٔ نخستین باطرزی خوش وظریف تذهیب و نقاشی ومینا کاری گردیده ومیان سطرها طلااندازی شده ، اطراف چند صفحه دراوائل نسخه تذهیب گردیده ، صفحات بجدول بطلاوعناوین نیز باطلاست ، برگهائی ازآخر نسخه افتاده وبعضی ازاوراق هم و وّصالی گردیده، وظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۳۱) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲٤سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱٦۸) .

[۵۲۸] دیوان امیرخسرو - غرة‌الکمال (فارسی)

غرّة‌الکمال سوّمین دیوان امیر خسرو دهلوی است کـه در ص ۵۱٦ - ۵۲ بشرح حال او پرداخته‌ایم ، چنانکه خود دردیباچه این دیوان نوشته اشعاری که ازسال ٦۸۵ـ٦۹۳ که ازسال ۳٤ تا ٤۰(۱) عمرخود سروده در یك مجلّد گذارده

(۱) تاریخ سنهٔ خمس وثمانین وستمائه که سی وچهار سال بودم که تا غایت شهور سنه ثلث و تسعین و ستمائه که چهل سال‌شدم هرنقدی که محرران در دیوان کارخانه خرج شود انشاءالله درین دیوان کارخانه‌خرج شود آنانکه طغرای بی‌مثال دارد اگر بیشتر توقعات کالبدیست (عین عبارات ورق ۳٦ نسخه است و چنانکه دیده میشود اغلاطی در تاریخ مذکور و عبارات یافت میشود) .

و آنرا «غرة‌الکمال» نام‌نهاده چنانکه دو دیوان انشائی پیش ازاین‌را «تحفة‌الصغر» و «وسط‌الحیات» نامیده‌است این دیوان شامل چند بخش میباشد که زیر این سطر نگاشته میشود :

۱ - دیباچه ای بنثر ونظم که درآن ابیات عربی امیرخسرو دیده میشود وخود اعتراف‌نموده که‌ازعهده‌شعر عربی گفتن برنیامده‌ومعذرت‌خواسته‌است‌واطلاعات سودمندی ازحالات خود و خانواده‌اش دراینجا یافت میشود واین بخش درچهل برگ درمتن و حاشیه نوشته شده ودرحدود (۱۹۰۰) بیت میشود .

۲ - قصائد و چند قطعه است که از برگ ۴۱ تا ۱۰۶ را شامل و در حدود (۳۷۰۰) بیت است .

۳ - قطعات شامل مطالب توحیدی ونعت و منقبت و عرفان و تصوّف وغیره ازبرگ ۱۰۶ تا ۱۱۵ درحدود (۵۰۰) بیت .

۴ - درمتفرقات ازقبیل هزل وذم واستهزاء ومطایبات وشکایات وغیره ازبرگ ۱۱۵ تا ۱۱۸ در حدود (۱۷۰) بیت .

۵ - فتحنامه یا «مفتاح‌الفتوح» که به وزن مثنوی وبسال ۶۹۰ انشاء آن خاتمه یافته ازص ۱۱۸ تا ۱۳۲ ودرحدود (۸۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست .

سخن برنام شاهی کردم آغاز — که برشاهان در دولت کند باز

۶ - نامه‌ایست که به‌برادرخود تاج‌الدین‌زاهد نیزبوزن مثنوی انشا و از برگ ۱۳۳ تا ۱۳۷ را فراگرفته و درحدود (۲۵۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

عنوان این‌نامه که جان دروسرشتم — هرحرف بخون دل نبشتم
درخدمت مکرم گرامی — زاهد بهمه هنر تمامی.

توحید سرنامه بنام ایزد پاك — کاورد پدیدمردم ازخاك.
آغازنامه مخدوم برادر گرامی — چون خود بهمه هنرتمامی

۷ - چند مثنوی کوچك دروصف اسب و عمارات شاهی است در (۳۳۰) بیت ازبرگ ۱۳۷ تا ۱۴۳ .

۸ - مثنوی بنام «بازنامه» است که در برگ ۱۴۴ تا ۱۴۸ نسخه نوشته شده و در آن بمدح و اندرز پادشاه وقت پرداخته و درحدود (۲۲۰) بیت میباشد .

۹ - غزلیات است که ازبرگ ۱۴۷ تا ۱۸۰ میباشد ودر حدود (۱۸۵۰) بیت میباشد ومرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیفها نیست و بدین بیت شروع میشود :

ای زخیال ما برون درتو خیال کی رسد — با صفت توعقل را لاف کمال کی رسد

۱۰ - رباعیات امیرخسرو است و چند ورق آخرنسخه جای آن پیشتراست وازمیان رباعیات یك یاچند برگ افتاده واین بخش از برگ ۱۸۰ تا ۱۹۳ نسخه میباشد ودرحدود (۲۸۰) بیت است .

وبنا برمحاسبهٔ نام برده این دیوان درحدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد .

(۱۱۹۳)

دیوان امیرخسرو دهلوی غرة‌الکمال

این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ازاسلوب آن بدست می‌آید که نویسندهٔ آن هندی و یك سرلوح ظریف بسبك هندی دارد ، ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وعناوین باشنجرف نگارش یافته بدبختانه اغلاط زیاد داردوبرخی ازبرگها وَصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ‌اوراق (۱۹۳). صفحه‌ای (۱۷ سطر درمتن ۲۶ درحاشیه) . طول ($28\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۰) .

[۵۲۹] دیوان داود (فارسی)

محمد داود فرزند میرزا **عبدالله** است که از اجلّه سادات عالی‌درجات اصفهان بوده وعشق(۱) تخلص‌میکرده . چنانکه خود محمدداود در قطعه‌ای ازقطعه‌های این

(۱) در این بیت :
(زاده عشق مصرعی خواند برسم تعمیه — قصر جهان‌نما شده‌آئینه جهان نما)
که درآخر قطعه‌ایست اشاره به تخلص پدر کرده است .

دیوان تصریح نموده بسال ۱۰۶۵ در اصفهان متولد شده ، واز مثنوی وی که در شرح مسافرت بخراسان بعنوان تولیت آن آستان سروده شده و در این دیوان موجود است مسلّم میشود که این‌مقام را دارا شده ودر ص۳۳۷ ج۲ مطلع‌الشمس نوشته شده که بسال ۱۱۰۹ دارای این مقام گردیده ودر آتشکده آذر (ص۱۸۰) ثبت شده که در همانجا وفات یافته ولی دراین دو مآخذ که نام ونشانی از این‌شاعر یافتم معلوم نشد که تا چه سال در اینجهان بوده ولی از قطعه‌ای که در تاریخ فوت میرزا محسن نام سروده و جمله « آه ازتأثیر آه » را که سال ۱۱۳۱ معیّن میکند ماده تاریخ وفات وی یافته بدست آمد که ۶۶ سال مسلّماً دراین جهان بوده ودر حاشیهٔ ص۱۵۵ نسخهٔ تذکرهٔ دولتشاه شمارهٔ ۲۷۲۷ این کتابخانه این‌ماده تاریخ‌موجود : ذیحجه فغان (۱۱۳۱) بودو محرم (۱۱۳۲) افغان . به‌این‌شاعر متولی‌مشهدنسبت‌داده شده است . و پس ازاین‌معلوم نیست که چندسال زندگانی کرده وچنانکه خود و دیباچه نویس بدیوانش تصریح کرده‌اند نام وی **محمد داود** (۱) است .

محمد رضی‌بن محمد شفیع (دریکی از ابیات‌مثنوی موسوم به « نمکدان دین » که در وصف مجلس خصوصی شاه سلطانحسین و افراد این محفل میباشد از میرزا رضی نام‌برده و گوید : گرمی هنگامه بزم شهی بود دگر حضرت میرزارضی) برحسب خواست شاعر دیباچه ای‌باکمال پیچیدگی که اسامی بسیاری از شعرای پیشین تامعاصرین در آن گنجانیده شده بر این دیوان نگاشته ودر آن اشاره بلکه تصریح گردیده که‌این‌دیوان شامل‌قصائدو غزلیات‌ومثنوی‌ها ومقطعات‌وترکیب‌بند و ترجیع ها و رباعیات میباشد و تاریخ این‌نگارش‌را در آخر چنین نگاشته :

« درصفحه روزی که راقم دیوان روزگار بقلم زرین خورشید در ورق اول جزو چهارم مجلد دهم دفتر اول کتاب دوایم زمانه سطر چهاردهم را می‌نگاشت صورت تسوید یافت » . بنا براین صبح چهاردهم محرم سال ۱۰۹۴ به انشاء این دیباچه مبادرت نموده و بنا بردانستن سال تولد وی واین‌تاریخ ، شاعر در اینسال ۲۹ سال داشته ومندرجات دیوان که حاکی از موی سفید و پیری و ناتوانی شاعر میباشد و ماده تاریخهای متعدده که همه از سال هزاروصد بالاتراست ومثنوی

(۱) بیت اول قطعه اینست : طالع بنده سرگشته محمد داود عاصی رو سیه قابل‌عفو وغفران

مسافرت نامه وی به خراسان که بنابرضبط درمطلع‌الشمس بسال ۱۱۰۹ بوده منافات با این تاریخ دارد بنابراین یا این‌عبارات معنی دیگری را میرساند که فهم نگارنده بدان نرسیده ویا اینکه درایام جوانی وآغاز شاعری که شاعر شور جوانی وانتساب به سلاطین صفویه هم داشته محمد رضی را وادار بر دیباچه نویسی کرده و آنچه پس از آن بردیوان اضافه شده نیز بران دیوان پیشین افزوده است

و از این بیت : «بود ببزم شه خورشیدشان بنده بیقدر هم‌ازحاضران» که درمثنوی «نمکدان دین» میباشد معلوم میشود که‌از مقربان پادشاه بوده، آذردر آتشکده هجوملیحی‌از وی کرده و گوید : « در اکثر اوقات بصحبت فضلای شعرا مشغول و خود نیز صاحب دیوان بوده دیوانش مطالعه شد این یك شعر از تمامی دیوان وی انتخاب گشت و باسم تخلص میکند ازوست :

نگوید آنکه بداند چگوید آنکه نداند بحیرتم که سراغ وصالت از که بگیرم

و این‌شعر نیز از قصیدهٔ اوست که در مذمت دنیا گفته بد نگفته :

دارد برخ این دخترك از پارهٔ دلها بزك

اشك یتیمانش زرك خون شهیدانش حنا(۱) »

شمارهٔ ابیات این دیوان موافق مندرجات نسخهٔ زیرین در حدود (۸۰۰۰) بیت است .

آغاز دیباچه : لوامع حمد و ثنائی که چون کوکبهٔ تباشیر در مطلع بندگی ظهور نماید الخ .

آغاز غزلیات :

نیست با عفو تو پرواز کند کردنها مدّ غفران تو گردیده رگ گردنها

(۱۱۹٤)

دیوان داود — این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش و اینکه در برخی از جاها بخشهائی ننوشته و بخش بعد را

(۱) بیت اول را در دیوانش پیدا نکردم وبیت دوم از قصیده‌ایست که ۱۹۵ بیت میباشد و مطلع آن اینست :

شد موبر خسارت سفید ای خواجه میدانی چرا یعنی که باید رو نهی زین جاده تا شهر فنا

نگاشته اند استفاده میشود که از روی نسخه اصل که هنوز کامل نشده نوشته شده و پس از دیباچه شامل چند قصیده ، غزلیات مرتب بحروف تهجّی بر حسب ردیفها ، مثنوی مسافرت نامه از اصفهان تا مشهد مقدس (این مثنوی گذشته از اینکه ابیاتی لطیف دارد نام یك یك منازل میان این دو شهر نامی ایران را در آن زمان معیّن مینماید و بسیاری از امثال را در آن مندرج ساخته) ، زبورالعاشقین این نیز مثنوی است و شامل تعریف سرتاپای محبوب میباشد و خود وی در انجام آن گوید :

چو تعریف سراپا یافت اتمام زبورالعاشقینش ساختم نام) ، مقطعات در تاریخ بناهای شاهی و وفیات اشخاص ، مثنوی « نمکدان دین » در بیان مجلس خاص پادشاه و افراد آن و نقل مطالب دینی که در آنمجلس گردیده است ، ترجیع بند و ترکیب بند (فقط این قسمت به ترکی است) .

دارای هفت سرلوح زیباست و اطراف صفحه ایکه سرلوح نخستین میباشد و صفحهٔ مقابل آن تذهیب و نقاشی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد.

جلد میشن ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ برگها (۳۱۹) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۶) .

[۵۳۰] دیوان ذوالرّمه (عربی)

ابوالحرث(۱) غیلان بن عقبة بن مسعود بن حارثة بن عمر بن ربیعه عدوی (۷۷-۱۱۷)(۲) مشهو به **ذوالرّمه**(۳) از مشاهیر شعرای عرب بوده و گویند وی شاعرترین عرب میباشد و شعر به امرؤ القیس آغاز و به ذوالرّمه بانجام رسیده است در ص ۱۷۸ فهرست ابن‌الندیم کتابی بنام « اخبار ذی‌الرمه » به هارون بن موسی بن

(۱) در فهرست دارالکتب کنیه ذوالرّمه ابوالحارث ضبط گردیده در صورتیکه در تمام مآخذ ابوالحرث ثبت شده است .

(۲) در ص ٤٠٤-٤٠٦ ج ۱ وفیات الاعیان و ص ۱۷۱ ج۳ روضات و ص ۹۱۳ معجم‌المطبوعات ازین شاعر معرّفی گردیده و سال تولّد و وفات بدین گونه که در اینجاست ثبت گردیده است .

(۳) در روضات بنقل از شرح شواهد سیوطی نگارش یافته که این شاعر را بمناسبت اینکه روزی بندی بردوش داشت و زن خود را که میه نام داشته و از او آب خواسته آب داده و بدو گفته : **اشرب یاذاالرمه** این لقب داده‌شده و برخی گویند بمناسبت این مصراع وی **اشعث باقی رمة التقلید** او راذوالرمه گفته‌اند و رمه بضم اول و تشدید و تخفیف دوم ضبط گردیده است .

عبدالملك که یکی از رواة و جامعین اخبار بوده و از آنهائی است که ابن ندیم بدون واسطه رسائل اورا نقل نموده ، نسبت داده شده است .

اصمعی گفته که ذوالرّمه به‌تشنگی جان داد و آخرین حرفی که زد این بیت بود :

یامُخْرِجَ الرّوحِ مِنْ نَفْسی اذ اِحْتَضَرَتْ

وَ فارِجَ الْکَرْبِ زَحْزِحْني مِنَ النّار

پشت نسخهٔ زیرین زیر عنوان **الجزء الثانی من شعر ذی‌الرمه**(۱) نوشته شده **عن الاصمعی** و در ذیل ابیات بشرح لغات و توضیح مطالب و مراد آنها پرداخته شده و بدین سبب آنرا شرح این دیوان توان خواند ولی در فهرست ابن‌الندیم (ص ۸۲) وبغیة‌الوعاة (ذیل عبدالملك) که بشرح حال اصمعی وذکر آثار او پرداخته شده ، شرح یا توضیح مشکلات این دیوان بدو نسبت داده نشده و این دیوان بسال ۱۹۱۹ م. درلندن در چاپخانه دانشگاه کمبریج چاپ گردیده است .

نسخه زیرین زیر ابیات کلمات مشکلهٔ آنها شرح و بیان گردیده و چنانکه از مطالب مندرجهٔ درفهرست دارالکتب‌العربیه (ج ۳ ص ۱۲۹) برمیآید نسخهٔ چاپی هم با این تقیدات است و استاد کارلیل انگلیسی حواشی برمتن و این تعلیقات و مقدّمه‌ای براین دیوان به انگلیسی نگاشته و درهمین صفحه تذکر داده‌شده که یکی از دو نسخهٔ خطی آن کتابخانه شامل قسمتهائی است که مانند شرح میباشد و منشی آنها ابوالفتح حسین بن علی بن ابی‌منصور عائدی (۲) است .

نسخهٔ زیرین بخش دوم ازاین دیوان میباشد و با تعلیقات در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد و بدین بیت شروع شده و بیان عائدی (ظاهراً) که در ذیل آن نگارش یافته اینست :

آغاز : بسمله عونكَ اللّهم وقال ذوالرّمه ایضاً :

اَمِنْ دِمْنَةٍ جَرَّت بِها ذَیْلها الصّبا لَصَیْداءَ مَهْلاً ماء عَیْنَكَ سافِح

(۱) پس ازین کلمه بوده زیروصله رفته ومحو گردیده است .

(۲) در وفیات‌الاعیان وشذرات‌الذهب وبغیة‌الوعاة و روضات بنام وزمان وشرح حال این دانشمند دست نیافته‌ام ، وجود تعلیقات دراین نسخه ثابت میکند که پیش ازقرن هفتم بر آن نگاشته شده است .

يُرِيدُ ماءُ عَيْنِكَ سافِح ای سائِلٌ مِنْ اجل دَمْنَةٍ لِصَيْدآءِ ثُمَّ قالَ مَهْلًا اَیْ كُفَّ و ذيل الرّيح ماءِ خيرها .

(۱۱۹۵)

دیوان ذوالرّمه این نسخه بخط نسخ خوب نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین نوشته شده : **کتبه جعفر بن شمس الخلافه**.(۱) و در همین صفحه محمد مهدی عبدالرب آبادی که از دانشمندان قرن سیزدهم هجری و یکی از مؤلفین نامه دانشوران بوده شرحی درمعرفی از نویسنده نام‌برده ، بنقل از وفیات‌الاعیان نوشته و یکی‌از مالکین‌نسخه تملك خودرا بسال ششصدوهشتاد واندی (مرتبه آحاد تاریخ سوراخ شده و بجای آن وصله زده شده است)نوشته و یادداشتهای دیگری نیز در این‌صفحه موجود است .

جلد چرمی ضربی بسیار ظریف . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه‌ای(۱۵)سطر . (طول ۲۳ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض(۱۷ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳۷) .

[۵۳۱] دیوان رشید وطواط (فارسی)

رشید وطواط در ص ۳۳۹ - ٤٤۰ معرفی کرده ام واین دیوان شامل قصیده و غزل و قطعه و ترکیب بند ورباعی اوست نسخه زیرین درحدود (۵۳۰۰) بیت میباشد و بیت هائی عربی ازرشید دراین دیوان هست وازابتدا قصیده‌ایکه در برگ هفتم نوشته شده (۲۷) بیت افتاده وازحسن اتّفاق ابیات درص ۲۲۳ ج ۱ مجمع الفصحا آن ابیات چاپ شده است .

آغاز : ای جاه توافروخته اعلام کبریا صافیست اعتقادتواز کبر و از ریا

(۱۱۹٦)

دیوان رشید وطواط این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش‌نام نبرده ، ظاهراً درقرن دوازدهم نگارش یافته ، صفحات مجدول به اکلیل وعناوین باشنجرف است .

(۱) در ص ۳۱۳-۳۱٤ ج ۱ وفیات‌الاعیان گویدوی ازدانشمندان خوش‌خط بود و کتابهای‌بسیار نوشته وچون خوب وصحیح مینوشته مرغوب است و دیوانی لطیف دارد بسال ٥٤۳ متولد وسال ٦۲۲ وفات یافته است .

جلد مقوائی ، کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱٦٥) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٤۲) .

[۵۳۲] دیوان سید رضی (عربی)

درص ۱٤۹-۱٥٥ بشرح حال ومؤلفات سیّد رضی جامع نهج‌البلاغه پرداخته شد و درحاشیهٔ ص ۱٥۳ ازابن خلّکان نقل گردید که جمعی بجمع دیوان سیدرضی مبادرت کرده اند وبهتر ازهمه آنستکه ابوالحکیم خبری فارسی متوفی بسال ٤٧٦(۱) (درچهار مجلّد) گردآورده است .

درص ٥۱۳ ج ۱ کشف‌الظنون نگارش یافته که یکی از ادبا دیوان سیّدرضی را مختصر نموده وآنرا « انشراح‌الصدر » نامیده است .

این دیوان بسال ۱۳۰٦ در بمبئی(۲) و بسال ۱۳۰۷ در بیروت در دوجلد چاپ گردیده و درحاشیهٔ ص ۱٥۳ و۱٥٤ راجع باین دیوان مطالبی است .

آغاز :

(۱۱۹۷)

دیوان سید رضی این‌نسخه بخط نسخ نوشته‌شده ، نویسنده ازخود وسال‌نگارش نام نبرده ، ظاهراً درقرن سیزدهم نگاشته شده ، مرتب بترتیب حروف هجا برحسب ردیف های ابیات میباشد ودر آغاز آن بنام « جزء اول ازدیوان » نویسنده نسخه آنرا معرّفی کرده وتاقوافی حرف عین‌را شامل وبدین بیت نگارش نسخه خاتمه می‌یابد :

يُهابُ ويُرْجي لِرَيْبِ‌الزّمان كَالنَّصْلِ راقٍ عيوناً وراعا

جلد روغنی گل و بوته وازطرف درون ترکس (نیازمند تعمیراست) . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار.قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۰) . صفحه‌ای (۲۰)سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٧٤٧) .

(۱) درحاشیه ص ۱٥۳ و ۱٥٤ معرفی از این دانشمند گردیده است .
(۲) بحاشیهٔ ص ۱٥٤ مراجعه گردد .

[٥٣٣] دیوان رودکی (فارسی)

رودکی ازمشاهیرشعرای بزرگ ایران وبه زیادی اشعارمشهور ، رشیدی شاعر گوید اشعار اورا شماره کردم یك میلیون وسیصد هزار بشمار آمد :

« گرسری یابد بعالم کس بنیکو شاعری رودکی را برسر آن شاعران زیبد سری
شعراورا من‌شمردم سیزده ره صد هزار هم‌فزون آید اگر چونان که باید بشمری »

ولی بدبختانه از آنهمه‌اشعارجزاندکی دردست مانیست درتاریخ گزیده مؤلفه درحدود سال ٧٣٠ نوشته شده که اشعار بسیارداشته واما اندکی مشهوراست ولی اهمیت ومقام شعری رودکی را ازبیانات شعرای مشهور معاصر ومتأخراو میتوان دریافت :

دقیقی گوید :

کرا رودکی گفته باشد مدیح امام فنون سخن بود ور
دقیقی مدیح آورد نزد او چو خرما بود برده سوی هجر

سوزنی گوید :

رودکی‌واریکی‌بیت‌زمن‌بشنودست بلعمی وار بدوده صلتم فرمودست

عنصری گوید :

غزل رودکی وار نیکو بود غزلهاء من رودکی وار نیست
اگرچه بکوشم بباریك وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست

نظامی عروضی گوید :

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی
این طعن کردن تو زجهلست و کودکیست
کآن کس که شعرداند داند که درجهان
صاحب قران شاعری استاد رودکیست

ازعبارت عوفی که دردهٔ دوم قرن هفتم هجری تألیف شده استفاده میشود که در آنزمان اشعار وی زیاد مشهور ودیوانش دردست بوده است .

برحسب تحقیق آقای نفیسی اینك درحدود ٨٤٠ بیت ازرودکی بدین تفصیل:

قصائد ومقطعات ٣٦٢ بیت ، رباعیات ٦٤ ، ابیات پراکنده ازقصائد وغیره ٢٢٤ ، مثنوی ١٤٥ بدست آمده ودیوانی شامل ١١٥٤ بیت بسال ١٣١٥ هجری قمری‌بنام رودکی در طهران چاپ گردیده که برحسب تحقیق دانشمند بزرگوار آقای دهخدا ویادداشت‌درحواشی‌نسخه‌ای از آن که اینك‌دردست نگارنده میباشد کمتر ازنصف این ابیات در کتب بیهقی وغیره به رودکی نسبت داده شده است .

ازابیات مسلمهٔ رودکی نام و کنیه و لقب وی بدست نمی آید و عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به اوبوده وی را زیرعنوان ابوعبدالله جعفر محمدالرودکی السمرقندی : معرّفی و گوید او را **سلطان شعرا** گفتندی و درتأیید خویش از **معروف بلخی** این بیت را نقل نموده :

ازرودکی شنیدم سلطان شاعران کاندرجهان بکس مگرو جزبفاطمی

ودرچهارمقاله نظامی عروضی (ص ٣١ و ٣٢ و ٣٣) که درحدود سال ٥٥٠ تألیف گردیده بعنوان رودکی وابوعبدالله الرودکی‌نامیده‌شده وسمعانی(٥٠٦-٥٦٢) درالانساب اورا بدینگونه : ابوعبدالله جعفربن محمدبن حکیم بن عبدالرحمن‌بن آدم الروذکی الشاعرالسمرقندی نام برده و گوید دیوان او درایران موجود و رواج میباشد ووفات اوبسال ٥٢٩(١) بوده وبلعمی‌وزیر گوید که مانندرودکی‌رادرعرب وعجم نظیری نیست .

در تواریخ ثبت گردیده که رودکی بفرمان نصر بن احمد سامانی کلیله ودمنه را بنظم در آورده ولی بدبختانه جزابیاتی چند ازآن که درفرهنگ های فارسی باستشهاد آورده شده از آن اثری نیست آقای نفیسی‌در « احوال واشعاررودکی » برحسب محاسبه‌ای‌احتمال‌داده‌اند که‌این کتاب درحدودهیجده‌هزاربیت بوده‌است.

رودك که رودکی بدانجا منسوب است در معجم‌البلدان (ص٨٣٣ ج ٢) بضم

(١) در تاریخ وفات رودکی اقوال چندیست سال ٣٢٩ را سمعانی و شیخ منینی اختیار وتردید میان ٣٢٩ و ٣٣٠ قول صاحب سخن و سخنوران و سال ٣٠٤ درمجمع‌الفصحا ودر هفت‌آسمان از مفتاح‌التواریخ سال ٣٤٣ نقل گردیده و گوید که در سلم‌السموات است که نظم کلیله را بسال ٣٢٠ نموده و از واله داغستانی نقل نموده ؛ کتابی را بسال ٣٣٠ تمام کرده. وشاید مراد واله داغستانی‌همان کلیله‌ودمنه باشد ودرمقدمه دیوان چاپ طهران سال٣٤٣ ترجیح داده شده است .

اول وسکون دوم وذال معجمه مفتوحه وآخر آن کاف ثبت گردیده و گوید ازدهات سمرقنداست .

در لباب‌الالباب باکاف فارسی تشکیل گردیده ودلیل آنرا ندانستم .

آقای سعید نفسی بسال ۱۳۰۹و۱۳۱۰ خورشیدی کتابی در ۷۸۸ صفحه بنام «احوال واشعاررودکی» بامراجعهٔ به ۷۱ کتاب تألیف ودراطراف این‌شاعر مفصلاً بحث نموده‌اند وگذشته ازمراجعه به این کتاب لباب‌الالباب ج ۲ ص ٦-۹وحواشی آقای قزوینی‌بر ج ۱ لباب ص۲۹۱ وچهارمقاله نظامی‌ص۳۱-۳۳وحواشی‌وتعلیقات آن (ص۱۲۵و۱۲٦) وتاریخ گزیده (ورق ۸؛۳نسخهٔ مدرسه) وتذکره دولتشاه (ص۳۱-۳۳ چاپی وهفت اقلیم‌ص۱۱۱۵-۱۱۲۲ وآتشکده آذر ص۳۳۵-۳۳٦ ومجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۲۳٦-۲٤۰ وهفت آسمان ص ٦ - ۱۳ وسخن و سخنوران ج ۱ ص ۳ - ۱۰ مراجعه گردیده است .

(۱۱۹۸)

دیوان رودکی این نسخه را در ۳ رمضان‌المبارك بسال ۱۲۸۳ بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته‌اند، در محرم‌الحرام۱۲۸٤داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یاد داشت شده ، ترتیب آن چون دیوان چاپ سال۱۳۱۵ میباشد ولی‌شمارهٔ ابیات این نسخه ۸۰٤ و ابیاتی چند دراینجاست که درآن نسخه نیست و آن نسخه در حدود نصف این دیوان ابیات بیشتردارد که برخی ازآنها ازقطران ودیگرشاعران میباشد .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار. قطع‌وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۹) . صفحه‌ای(۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸٦) .

[٥۳٤] دیوان سحاب (فارسی)

سیّد محمد حسینی متخلص به **سحاب** متوفی بسال ۱۲۲۲(۱) پسر سیّد احمد **هاتف** اصفهانی‌است که از مشاهیر شعرای متأخر بوده ودراین‌فصل بمعرّفی ایشان

(۱) شرح حال این شاعر در انجمن سیم انجمن خاقان و ص ۲۰۷ - ۲۱۲ ج۲ مجمع‌الفصحا درج گردیده است .

خواهیم پرداخت، سحاب پیش پدر بتحصیل کمالات اشتغال داشته وازفن‌عروض و قوافی و شعر خصوصاً بهره‌ای یافته و از فن طب که پدر وی بدان مشهور و معروف بوده نیزبهره ای داشته ، دراوائل جوانی‌بمقتضیات آن میپرداخته، در اواسط عمر بمکّه معظّمه و مدینه طیّبه مشرف گردیده و پس از برگشتن از آن آستان مقدس بمعرّفی فتحعلی‌خان‌صبا ملك‌الشعرا قصائد وغزلیات وی بنظرپادشاه وقت فتحعلیشاه قاجار رسید مورد قبول یافت وملقب به مجتهد الشعراء گردیدوبه مقام داروغگی دفتر خانه سر افراز گردیده.وپس از ملك الشعرا **صبا** کس بپایه ومنزلت وی نبوده، دراواخر عمراز کارهای جوانی پشیمان شده ودرانجام طاعات وعبادات ساعی گشته و پس ازمرگ جسد اورا به نجف اشرف برده‌اند .

مشغول نوشتن تذکرهٔ شعرا بنام «رشحات سحاب» بوده ولی بآخر نرسانده رشتهٔ زندگانیش بآخر رسید ، رساله‌ای بنام «سحاب‌البکاء» در مراثی و جنگهای حضرت سیدالشهداء ع بنظم و نثر تألیف و راوی گروسی شهادت داده که پاکیزه انشا گردیده و دیوان شعر وی درمیان خاص وعام شهرت کامل دارد .

شمارهٔ ابیات سحاب را راوی در انجمن خاقان در حدود هشت هزار بیت و هدایت در مجمع الفصحا قریب پنجهزار بیت دانسته‌اند و دو نسخه زیرین که نظیر یکدیگراند هریك شامل درحدود (٤۰۰) بیت میباشد و ۲۰۰بیت ازاشعارسحاب درمجمع الفصحا چاپ گردیده است .

آغاز :

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها

(۱۱۹۹)

دیوان سحاب ۱ این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۰ نوشته شده ، دیوان هاتف راکه در همین فصل‌از آن معرّفی خواهدشدهمین نویسنده بسال ۱۲۳۱نوشته و پیوسته بدین نسخه میباشد ، در آخر این نسخه اخیر کلمه ضیائی نوشته شده وظاهراً نویسنده دونسخه بوده است .

جلد مرغش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۲۰۵) . این نسخه (۱۵۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۱) .

(۱۲۰۰)

دیوان سحاب این نسخه بسال ۱۲۴۷ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود نام نبرده و چون نسخهٔ پیشین شامل غزلیات و قصائد وقطعات میباشد وصفحه نخستین مختصر تذهبی دارد و صفحات مجدول به اکلیل و پشت صفحهٔ نخستین کلمات بچگانه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ برگها (۱۸۳) صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ $\frac{1}{5}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۲) .

[۵۳۵] دیوان سلمان ساوجی (فارسی)

جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد ساوجی (۱) از شعرای مشهور قرن هشتم هجری است (۲) وبنام تخلص میکند ، مدّاح شیخ حسن ایلکانی و پسر وزنش سلطان اویس ودلشاد خاتون ومدّاح سلطان حسین (۳) وعلاء الدین علی (۴) وشاه محمود (۵)

(۱) تذکرهٔ دولتشاه ص ۲۵۸ ـ ۲۶۳ چاپی ، هفت اقلیم ص ۸۱۷ ـ ۸۲۰ ، مجالس المؤمنین ص ۵۲۳ ـ ۵۲۵ ، آتشکدهٔ آذر ص ۲۲۳ـ۲۲۶ چاپی و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۹ـ۲۰ مراجعه شده است .

(۲) هدایت وفات وی را بسال ۶۶۹ دولتشاه بسال ۷۶۹ ثبت کرده‌اند و در دیگر مآخذ نام برده تاریخ نگارش نیافته ولی مسلماً این دو تاریخ غلط است و در دیوان وی تاریخ سال ۷۷۵ موجود است :

بسال هفصد وهفتاد و پنج گشت خراب — بآب خطهٔ بغداد خاك بر سر آب

وگذشته از این مرثیهٔ سلطان اویس متوفی بسال ۷۷۶ در دیوان وی نیز بدین مطلع ثبت است :

ای سپهر آهسته رو کاری نه آسان کردهٔ — ملك ایران را بمرگ شاه ویران کردهٔ .

بنابراین و مندرجات دیگر دیوان وی ثابت میشود که تا مقداری پس ازاین تاریخ (۷۷۶) زندگانی میکرده وشاید اصل دوتاریخ نام برده ۷۷۹ بوده ونویسندگان غلط نوشته ونقل کرده‌اند ودرآخر بحث راجع بسلمان درتذکره دولتشاه وجود وی درهنگام مرگ سلطان اویس تصریح گردیده است .

(۳) در دیوانست :

باد باقی بر سریر سلطنت سلطان حسین — آن که او آمد سواد مملکت را نورعین .

(۴) نیز درآنجاست :

خسرو عادل علاء الدین والدنیا علی — ای که گردن طوق امرت عقد گردن کرده‌است .

(۵) این بیت در مدح اوست :

قطب دین شاه فلك مرتبه محمود که اوست — بهمه سیرت محمود محامد مذکور .

و امرای معاصر خویش بوده ، دولتشاه سمرقندی از علاء الدوله سمنانی نقل نموده که گوید « همچون انار سمنان وشعر سلمان درهیچ جا نیست » ، ازاشعار خواجه سلمان محبت اهل بیت کاملاً ظاهر و هویداست و برخی از آنها در مجالس المؤمنین نقل گردیده ، گذشته از دیوان قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب و ترجیع بند دو مثنوی بنام « جمشید و خورشید » و « فراق نامه » از سلمان بیادگار مانده و نسخه ای از این دومثنوی در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهم گردید .

سلطان اویس نسبت بوی محبت زیاد داشت واز یمن تربیت این شاه و مادر و پدرش شهره آفاق گردید و در اواخر عمر ازخدمت کناره گرفته واز پادشاه دهی که **ایرن** نام داشت ودرحوالی ری بود درخواست کرد پادشاه بر کنار عریضه‌وی این بیت را نوشت :

ده **ایرن** که از حدود ری است — بدهیدش که التماس وی است .

(۱۲۰۱)

دیوان سلمان ساوجی این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن نهم نوشته شده ، شامل قصائد ومقطعات وغزلیات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع بند میباشد ودرحدود (۱۱۵۰۰) بیت است ، پاره‌ای ازبرگها وصّالی گردیده و اوراقی از اول وآخر آن افتاده ونخستین بیت نسخهٔ اینست :

از طبع تو زاده است دریا — وز نسبت تست گوهرش پاك .

وآخرین بیت نسخه اینست :

در راه هوا بسر همی پوید شمع — پروانه هم از حسن تو میجوید شمع .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۲۹۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸) .

(۱۲۰۲)

دیوان سلمان ساوجی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگهائی ازآخر آن افتاده ، ظاهراً درقرن دهم نگارش یافته وشامل اقسام اشعار نام برده درشمارهٔ پیش میباشد ، ودرحدود (۶۹۰۰) بیت است .

برکهائی از آن وصّالی گردیده و بدین بیت شروع شده :

آسمان ساخت در آفاق یکی سورچه سور که از آن سور شد اطراف ممالك مسرور.

وآخرین بیت نسخه اینست :

خواهم شبکی چنانکه تو دانی و من بزمی که در آن بزم تو وامانی و من .

دراول نسخه پیشمانی ظریفی میباشد ولی اندکی نحوشدگی دارد وپشت صفحهٔ نخستین ابیاتی نگارش یافته است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۴۰) صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۱/۲ ۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۳) .

[۵۳۶] دیوان سنائی (فارسی)

حکیم سنائی را در ص ۴۹۲ - ۴۹۹ مفصلاً معرّفی کرده‌ام ، این دیوان که شامل قصائد و غزلیات وقطعات و رباعیات میباشد ودرحدود (۷۵۰۰) بیت میباشد از آثار آنحکیم بزرگ و شاعر عالیمقام است ، قصائد وغزلیات آن برحسب قوافی مرتب بحروف تهجی است ، سنائی براین دیوان مقدّمه ای بنثر نوشته و فهرست قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات آنرا نیز در آخر آن دیباچه مندرج ساخته و نسخه از این دیوان که شامل این دیباچه نفیس میباشد در کتابخانه ملّی ملك در طهران موجود ، طرز خط و کاغذ حاکم است که نزدیك بعصر سنائی نگارش یافته است .

این دیوان بسال ۱۲۷۴ درطهران چاپ گردیده .

(۱۲۰۳)

دیوان سنائی این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم هجری نوشته شده ، ازخط برمیآید که دونفر آنرا نگاشته‌اند ، بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده ، یك برگ ازاول ویك برگ از آخر آن افتاده و بیت نخستین کنونی این :

مر زمین و آسمانرا نیست جزتو خالقی خلق مخلوقند وتو خالق وهم لایخلقون

و دو بیت آخر نسخه اینست :

ای قامت سرو گشته کوتاه بتو درشب مروای خجل شده ماه بتو

گر رنج رسد مباد ناگاه بتو آن رنج بمن رسد پس آنگاه بتو

جلد میشن دور گرفته . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۰۶) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۴۶) .

[۵۳۷] دیوان سوزنی (فارسی)

حکیم سوزنی از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری بوده و قصائد غرّا دارد ، نصف دیوان وی مشتمل بر اهاجی رکیکه میباشد ، ولی دراواخر عمر پشیمان شده وتوبه نموده ودر قصیده‌ایکه بدین مطلع است :

ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده‌ام زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده‌ام

گوید :

پنج ره روزی بدرگه خواندیم پنجاه سال

رو بسوی درگه تو گاه گاه آورده ام

توبه کردم توبه کردم فضل کن رحمت نمای

چون بدرگاه تو خود را در پناه آورده ام

بنابراین در ۶۵ سالگی توبه نموده ودر اشعار خود مکرّر به هفتاد سالگی(۱) و به هشتاد سالگی خود تصریح نموده گذشته از اینکه در بسیاری از ابیات اشاره به پیری وموی سفید خود کرده است .

نام سوزنی چنانکه ازاین بیت وی :

(نام من مسعود و القابم بخوانی سوزنی نیك نامستم گنه کارم پناه آورده ام) .

که در قصیده توحیدی او میباشد **مسعود**(۲) پدر او بنا بر ضبط در تاریخ گزیده

---

(۱) ۱ هفتاد ساله گشتی توحید وزهد گوی کم خای ژاژ وبیش مدوچون خران عنك

و نیز گوید : درباغ عمر سوزنی ای صدر روزبه هفتاد شد خزان و تموز و دی و بهار

(۲) درتاریخ گزیده (ص ۸۲۰ چاپی) سوزنی بنام ابوبکر بدون نام پدر ولی درنسخه کهن‌سال این کتابخانه ونسخه خطی مجلس ابوبکر بن السلانی معرفی‌شده و در لباب‌الالباب (ص ۱۹۱-۱۹۸ ج ۲) وهفت اقلیم (ص ۱۱۵۸) بنام محمد بن‌علی وآذر اورا (ص ۳۴۸) شمس الدین محمد و از اولاد های

(بقیه حاشیه در صفحه ۶۸۰)

السلانی است و ممدوحین اوطمغاج خان مسعود(۱) بن حسین و وزراء او [ویژه سعدالملك مسعود بن اسعد(۲)] وسلطان سنجر سلجوقی وطغانشاه(۳) وافتخارالدین وحمیدالدین جوهری مستوفی(٤) وغیرازاینهاست .

(بقیه حاشیه ازصفحه ۶۰۷)
سلمان فارسی دانسته خود وی نیز باین انتساب تصریح کرده و گوید :

اگر به نسبت سلمانیم زروی پدر — که تا بسیرت سلمان شوم دعائی گوی

ودرجای دیگر گوید :

بزهد سلمان اندر رسان مرا ملکا — چو یافتم ز پدر گر نژاد سلمانم

(۱) عوفی در ص۴۲ ج۱ طمغاج خان را جلال الدین ابراهیم بن حسین معرفی نموده وعین این شرح را که عوفی نوشته درهفت اقلیم می بینم ولی سوزنی مکرر نام طمغاج خان را مسعود وپدرش را حسین گفته ازآنهاست :

قلج طمغاج خان مسعود شاهنشاه مشرق را ،

طمغاج خان اعظم مسعود رکن دین، — قلج طمغاج خان مسعود رکن الدین والدنیا،

شهنشاه مسعود ابن الحسین ،

خدایگانا بخت کسی که نام تو گفت — شود چونام تو مسعود هم درآن گفتن

شاه جهان رکن الدین ودنیا (کذا) مسعود. و غیر از اینهاست .

آقای قزوینی درحواشی لباب الالباب (ص۳۰۰-۳۰۱) گویند : قلج طمغاج خان ما قبل آخرین ازملوك خانیه ماوراءالنهر است که ایشان را خاقانیه و ایلك خانیه وآل افراسیاب نیز گویند و مدت سلطنت ایشان در ماوراءالنهر بعد از سامانیه وقبل ازمغول قریب ۲۳۰ سال است ازحدود سنهٔ ۳۸۰ تا سنهٔ ۶۰۹ . . . . ووفات قلج طمغاج خان درحدود ۶۰۰ بوده است .

(۲) درقصیده ایکه مطلع آن اینست .

رسید ماه محرم بسال پانصد و شصت — بیار گاه وزیر خدایگان بنشست

گوید : سروزیران صدر بزرگ سعدالملك — که سعد اکبر ناظر بدی بوی پیوست

ودرجای دگر گوید :

وزیر شاه سعدالملك مسعودبن اسعد را — ثنای محمدت گوید زبان عذب گفتارم .

(۳) دردیوان سوزنی در دوجا نام طغان خان را یافته ام یکی :

تیغ قدر طغان خان راست منتقم — کش در دماغ وسوسهٔ انتقام تست

ودیگری این :

شه انجم به پیروزی شهنشاه — محول شد برین پیروزه خرگاه

طغان خاقان سر شاهان مغرب — خداوند نگین و خطبه و گاه

آقای قزوینی درص ۳۶۱ ج ۱لباب (بخش حواشی) سلطنت طغانشاه بن مؤید را ازسال ۵۶۹ - ۵۸۱ دانسته اند و در ص ۱۵۲ - ۱۵۳ ج ۱۱ کامل التواریخ بسال ۵۶۸ - ۵۸۲ نوشته شده است .

دولتشاه سمرقندی و تقی الدین کاشی(۱) و آذر وفات سوزنی را بسال۵۶۹ نقل کرده اند ودرتاریخ گزیده سوزنی را از **کلاش** توابع سمرقند شناسانده و آذر گوید عمر او از هشتاد گذشته بود وچنانکه گفتیم خود وی هشتاد سالگی خود را یاد نموده بنابراین پیش از سال ٤۸۹ متولّد شده است .

دیوان حکیم سوزنی را آذر قریب ده هزار بیت وصاحب مجمع الفصحا (ج۱ ص ۲٤۹ - ۲۵۲) دوازده هزار بیت دانسته و نسخه زیرین در حدود (۸۲۰۰) بیت است .

آغاز :

در هر گناه سخره دیوم بخیر خیر — یارب مرا خلاص ده از دیو سخره گیر

(۱۲۰٤)

دیوان سوزنی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال۱۰۳۳ نوشته شده ، پیش از شروع بنگارش نسخه دو مجلس نقاشی ظریف که مجلس بزم شاه عباس را مجسم مینماید موجود و در آخر نسخه هم شکارگاه شاه عباس و هنگام شکار در دو صفحه بوده ، پیش از ورود نسخه به کتابخانه اعتضادالسلطنه یك صفحهٔ آن برداشته شده ، اطراف این سه مجلس صورت سازی که تمام صفحه را فرا گرفته تذهیب بسیار ظریف ونقاشی ممتاز گردیده، دارای سه سرلوح بسیار زیباست، اطراف صفحه ایکه سرلوح دارد وصفحهٔ مقابل آن نقاشی بسیار ظریفی گردیده و نسخه سه بخش است : ۱ - مدائح . ۲ - هجویات . ۳ - رباعیات . تمام برگها متن وحاشیه و بجدول بطلا ولاجورد و شنجرف وغیره و زرافشان واطراف مطالع آن و میان مصرعها تذهیب ظریف گردیده و از قرائن موجودهٔ در نسخه بدست می آید که مخصوص کتابخانه شاه عباس تهیه شده وچند یادداشت ازاشخاص پشت برگ نخستین نسخه است .

جلد ساغری ضربی مینا شده و طرف اندرون سوخته . کاغذ **متن** خان بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۵) . صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۵ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۸) .

[٥٣٨] دیوان سیف اسفرنگ (فارسی)

سیفالدین اعرج اسفرنگی (اسفرنگ که آنرا **اسفره** نیز گویند بنا برنوشته یاقوت درمعجمالبلدان (ج ۱ص ٢٤٨) ازتوابع سغد سمرقند است و امیناحمد نوشته که تا مرغنان نه فرسنگ است) از شعرای قصیده سرای قرن هفتم هجری است و چنانکه خود وی تصریح نموده (۱) بسال ٥٨١ متولّد شده ودرمآخذ نگارش این مختصر (۲) هشتاد و پنج سال عمر برای وی معین گردیده بنابراین بسال ٦٦٦ (۳) وفات یافته در شمع انجمن نوشته که صدسالعمر کرد وبسال ٦٥٢ وفات یافت. وبطلان این قول واضح است.

این دیوان شامل مدائح خوارزمشاهیان ازسلطانعلاءالدین محمد (٤) بن تکش بن

(۱) در ورق ۳۰۲ نسخه شمارهٔ (۲۸۲) این کتابخانه است:

مرا مادر پس از تاریخ هجرت — بسال پانصد و هشتادو یك زاد
نهال عمر من هفتاد و نه سال — چو طوبی هر زمانی نوبری داد
اگر فرزند جسمانی نبودم — که گیرد درجهان از نام من یاد
مرا فرزند روحانی بسی هست — که جانغمزده زشان شود شاد
تن من گر بمیرد تا قیامت — بقای جان فرزندان من باد

(۲) تذکره دولتشاه ص١٢٦-١٢٨ هفت اقلیم ۱۲۰۵-۱۲۰۹، آتشکدهٔ آذرص ۲۳۲ - ۲۳۳ مجمعالفصحا ج ۱ ص ۲٥۲ - ٢٥٤، مقدمهٔ دیوان سیف (اولین نسخهٔ این فهرست) ازهدایت، شمع انجمن ص۲۱۳ وتاریخ مفصل ایران(مغول) آقای اقبال ص ٥٣٤. شامل شرححال این شاعرمیباشند.

(۳) درآتشکده(فقط درنسخه خطی شمارهٔ (٢٦٨٢) این کتابخانه تاریخ فوترا دارد ودرنسخ دیگر خطی ونسخه چاپی سال وفات نوشته نشده است) وتاریخ ایران (مغول) وفات سیفالدین بسال ٦٦٦ ثبت گردیده و درمقدمهٔ این دیوان ومجمعالفصحا هدایت با اینکه عمراورا ٨٥ سال تصریح نموده وخود او تولدش را نیز بسال ٥٨١ نقل نموده، گوید بسال ٦٧٢ وفات یافته واین مسلماً اشتباه است.

(٤) سلطان محمدبن تکش بن ایلارسلان که پیش ازسلطنت ملقب به قطبالدین بوده وپس از آن علاءالدین گردید از سال ٥٩٦ تا ٦١٧ چنانکه در ص ۱۷۷ جزء چهارم جلد دوم حبیبالسیر و تاریخ گزیده ٤٩٤-٤٩٨ عکسی ص ۸-۹ تاریخ مغول آقای اقبال تصریح گردیده، سلطنت داشته وبواسطه فتح های پی در پی اورا سنجرواسکندر ثانی خوانده اند واینکه درتمامآخذ نام برده وی را مداح ایلارسلان (متوفی بسال٥٥٨ بنابرضبط تاریخ گزیده ص ٤٩٢ وبسال٥٦٧ بنابرقول حبیبالسیر وبسال٥٦٨ بنا برنوشته تاریخ ابوالفدا) معرفی کرده و نوشته اند که بامرآن پادشاه قصیده ای از خاقانیرا جواب گفت، مسلماً اشتباه است چرا که بنابرتصریح خود وی سیفالدین ۲۳ سال یا ۱۳ سال پس ازمرگ آن پادشاه متولد شده و دردیوان وی نامی از او وحتی ازپسرش تکش که از سال ٥٥٨/٥٦٨ تا٥٩٦ سلطنت داشته نیست.

الب ارسلان (٥٩٦-٦١٧) که او را سلطان سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند تا سلطان جلالالدین آخرین پادشاه این دودمان و درباریان و دانشمندان این عصر و سلطان تاجالدین محمود پادشاه کرمان(۱) و امیرعمید قطبالدین حبش که ازامراء مغول واز طرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو برگذار بوده و غزلیات ومقطعات و رباعیات و ترکیب بند وغیره میباشد و دولتشاه شمارهٔ ابیات آنرا دوازده هزار وهدایت ده هزار معیننموده اند ونخستین نسخهٔ زیرین تقریباً شامل ۱۱۰۰۰ بیت میباشد با اینکه برگهائیهم ازآن افتاده وابیاتی در نسخ دیگر ازاین دیوان یافت میشوذ که دراین نسخه نیست.

سیف الدین بیشتر بطرز خاقانی و ظهیر فاریابی راغب بوده و اشعار حماسی زیاد دارد در تمام دیوان او تخلصی نیست و از طرفداران و دوستان اهل بیت پیغمبراکرم ص بوده ودراینباب ابیاتیچند دراینديوان موجودست وازآنهاست:

تو دانی که براهل دین سخت باشد — بجای علی دیدن آل مروان
زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین — هست بر جملهٔ اولاد علی نص علی

آغاز: (۲)

(۱۲۰۵)

دیوان سیف اسفرنگ

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، برگهائی ازاول ومیان وآخر آن افتاده، بسال۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وبر کناربرگ ۱۱ یادداشت شده، پسازآن بدست رضاقلیخان هدایت داده شده، بخط خود شرح حال سیفالدین را درپنجاه بیت دردوصفحه نوشته واول کتاب گذارده ویك صفحه هم پس ازآن ابیاتی از سیفالدین نوشته

(۱) دراین دیوان قصائدی چند درمدح این پادشاه دیده میشود ازآنهاست:

تاج دین محمود شاه سندو کرمانآنکه هست — ملك و ملت را معین و دین ودولت را نصیر

و درجای دیگرازتوقف سمرقند که موطن وی بوده وبسیارازآن نام برده قصد کرمان کرده و گوید:

من و خدمت شاه کرمان ازین پس — که شب گاه کاشان نیرزد بکاهی

(کاشان یکی ازشهرهای اسفرنگ است).

(۲) دونسخهٔ این کتابخانه ونسخهٔ کتابخانه مجلس هریك بطرزی غیرازطرزدیگری تنظیم شده وهریك بقصیدهای شروع گردیده است.

شده ومتصل به ابیات صفحهٔ کهنه گردیده وبرگ ١٩٥ وچند بیت آخر نسخه (برگ ٧٣٨) نیز بخط هدایت است برگ ٩و١٠ و٧٦و١٣٩ و٢٤١ کنونی نسخه ننوشته است.

کتابت نسخه بشهادت کاغذ ومرکب درقرن دهم بوده ودر اواخر سیزدهم هدایت (پس ازتألیف مجمع الفصحا) دراین نسخه نظر وآنرا تکمیل کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ برگها ٣٧٨. صفحه‌ای (١٥) سطر. طول ($20\frac{1}{2}$ سانتیمتر) عرض (١٢ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٨٢).

(١٢٠٦)

دیوان سیف اسفرنگ این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ اول وبخشی از آخر آن افتاده، ظاهراً درقرن یازدهم نگارش یافته، بسال ١٢٦١ داخل کتابخانه اعتضادیه شده، میان سطرهای نخستین صفحهٔ کنونی طلااندازی شده وتمام صفحات مجدول بطلا وزنگار ولاجورد میباشد وبیت نخستین نسخه اینست:

عندلیب خوش نوایم گرجهان سردی کند
لوح اسرار معانی بس بود گلزار من

وچنانکه ازهفت اقلیم بدست می‌آید هشت بیت پیش از این بوده ومطلع این قصیده اینست:

شب چوبردارد نقاب از هودج اسرار من
خفته گیرد صبح را راه دل بیدار من

وآخر نسخه این رباعی‌است:

پیوسته درپی آنم که بمانم از خود — خود را بحیل باز رهانم از خود
ازچشم خیال خویشتن بینی خویش — چون مردمك دیده نهانم ازخود

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٥٥). صفحه‌ای (١٧) سطر. طول ($24\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٨١).

[٥٣٩] دیوان شادان (فارسی)

مهراج(١) شادان تخلص که گذشته ازتصریح نویسندهٔ نسخه دراول دیوان از

(١) درص ٤ دیوانست: از طفیل جناب اقدس او . گشته مشهورنام من مهراج.

اشعار اوبرمی آید که وزیر(١) یکی ازپادشاهان هند که ازاوشاه اسکندر تعبیرمیکند وظاهراً نام وی **مهاراجهٔ چندولعل** بوده غزلیات و ترکیب بند و غیره درحدود (٢٠٠٠) بیت انشاء نموده که ازنقل ابیاتی ازآن پایهٔ شاعری او بدست می‌آید، در غزلیات بیشترمعاشقهٔ او باخالق است وبامخلوق سروکاری‌ندارد ومیخواسته که قدم دروادی عرفان گذارده باشد و دریکی از رباعیات خود گوید:

شادان تومحققی می عرفان خور.

درکتب رجال وسیرنامی وآثاری ازشادان نیافتم ازماده تاریخیکه برای تعمیر پل ساخته وزیراین‌سطرنگاشته میشود معلوم میگردد که درنیمهٔ اول قرن سیزدهم زندگانی مینموده وآن اینست:

بعهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر
زسعی راجه چند و لعل از سابق بود بهتر
بشادان شدندا **جای غریبی** بهرتاریخش
زسیل اینك بود محفوظ چون اندرصدف گوهر

وجای غریبی سال ١٢٣٦ را میرساند.

و دراین دیوان بمدح حضرت پیغمبر ص وحضرت علی‌بن ابیطالب ع پرداخته واز آنها این دوبیت است:

سرور کائنات فخر رسل — از طفیلش باو شده معراج
هم زفضلش علی عالیقدر — مقتدا گشته ازعلو مزاج

آغاز: بسمله

ناصیهٔ خود ز عجز بردرجانان بسا — شرط غلامی بود بندگی باوفا

(١٢٠٧)

دیوان شادان[1] این نسخه را بخط نستعلیق خوب نوشته‌اند (ظاهراً درزمان خود شاعر و برای پادشاه تهیه شده باشد)، عناوین با طلا و

(١) درحاشیهٔ ص ٤ گوید:
تا بصد سال زالطاف شه اسکندر — گفت امروز بشادان که وزارت فرما
ودر عنوان صفحه نخستین دیوانست: دیوان وزیر ارسطو دبیرمهاراج راجه چندولعل بهادر.

وحواشی ومیان سطرهای دوصفحه اول نسخه تذهیب گردیده ، وتمام صفحات مجدول بطلاست ، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۴۳) . صفحه‌ای درمتن وحاشیه (۳٦) بیت . طول (۲۹سانتیمتر) . عرض (۱۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸۹) .

[٥٤٠] دیوان شاهی سبزواری (فارسی)

امیرشاهی (آقا ملك(۱)بن جمال‌الدین فیروزکوهی متوفی بسال ۸۵۷)(۲) از اولاد سربداران میباشد ، پس از آنکه سربداران را شاهزاده بایسنقر بر انداخت امیرشاهی بمنادمت بایسنقر رسید واملاك آنهارا که ضبط کرده بودند بدو بر گرداند ، پس ازچندی ترك ملازمت نمود ودرسبزوار بترتیب ونظم املاك خود پرداخت ودر هنگامیکه از هفتاد سال بیشتر داشت دراستر آباد وفات یافت وجسد اورا به سبزوار آورده درخانقاهی که ازبناهای اجداد او دربیرون دروازه بود بخاك سپردند .

دیوان شاهی را امین احمد رازی هزار بیت دانسته ونسخ این کتابخانه کمتر از این اندازه را شامل میباشند ، دولتشاه گوید : « فضلا متفقند که شور **خسروی** ولطافت **حسن** وناز کیهای **کمال** وصفای سخن **خواجه** در کلام امیرشاهی جمع است .

و درتذکره خود غزلی که در دیوان او نیست و آنرا از غزلیات جدید او معرفی کرده نقل نموده وراستی اشعار او لطافت وصفا دارد و **شاهی** تخلص او میباشد واین دیوان شامل غزلیات وقطعات ورباعیات است .

آغاز : ای نقش بسته نام خطت باسرشت ما   این حرف شد ز روز ازل سرنوشت ما

(۱۲۰۸)

دیوان شاهی سبزواری

این نسخه بخط نستعلیق بسیارخوب وازخطوط ممتاز میرعلی هروی(۳) ودارای یك سرلوح بسیارظریف ودرابتداء هرغزل و قطعه سر سوره های مینا شده میباشد ، صفحات مجدول ،

(۱) نام امیرشاهی درآتشکدهٔ آذر ملك و درنسخه خطی تذکره دولتشاه متملك بن ملك جمال‌الدین ضبط گردیده است .

(بقیه حاشیه درصفحه ۶۱۷)

اوراق متن وحاشیه گردیده وحواشی زرافشان شده و موریانه برخی از اوراق را سوراخ کرده وبعضی ازمیناهای سرسوره ها هم ریخته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۳) صفحه(۱۰) سطر . طول (۱/۲ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۲۱) .

(۱۲۰۹)

دیوان شاهی سبزواری

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، پشت صفحهٔ نخستین وجلد کتاب بنام خط میرعلی معرّفی شده ، بی شباهت بخط نسخه پیشین نیست ولی بآن استحکام وظرافت هم نیست اگراین نسبت درست باشد ازخطوط متوسط میرعلی است ، دارای یك سرلوح زیباست و اوائل غزلیات و قطعه ها سرسوره های مینائی ظریف دارد وصفحات متن وحاشیه ومجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ **متن** خان بالغ **وحاشیه** افشان زده . واقف سپهسالار. قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٥۱) . صفحه‌ای(۹) سطر. طول (۱۹سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۳سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٤٥۷) .

(۱۲۱۰)

دیوان شاهی سبزواری

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۹۸۳ نوشته شده نویسنده نامی ازخود نبرده ، شاید که آنرا کـه خط میرعماد خطّاط معروف بدانیم ، برگها آبدیده وبرخی وصّالی شده ، یك سرلوح کوچك دارد وصفحات مجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد ساغری ضربی . کاغذمتن خان بالغ وحواشی الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (٤۱) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۳۸۸) .

(بقیه حاشیه ازصفحه ٦۱٦)

(۲) امیر شاهی در تذکره دولتشاه و ص ٦٤۲ - ٦٤۳ هفت اقلیم و ص ۸٤ آتشکده معرفی و بدانها مراجعه شده است .

(۳) میرعلی از مشاهیر نستعلیق نویسان میباشد و در امتحان‌الفضلاء (سنگلاخ) ج ۱ شرح حال مفصل ایشان مندرج و درآنجاست که بسال ۹۷٦ وفات یافته است .

(۱۲۱۱)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً درقرن دهم هجری) نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست ، صفحات مجدول به رنگهای گوناگون میباشد ، باچهار دیوان دیگر دریك مجلّد است که بشمارهٔ (۲۷۹) در کتابخانه ثبت گردیده ، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ نگاشته ام .

[۵۴۱] دیوان شریف (فارسی)

شریف تبریزی(۱) از شعرای معروف آذربایجان و در زمان شاه طهماسب صفوی میزیسته ، سام میرزا گوید بسال ۹۵۶ به اردبیل آمد و در مرض وباء که در آنجا واقع شد از پای درآمد ، شاگرد لسانی شیرازی بوده گویند کتابی بنام **سهواللسان** (۲)درابیاتیکه از**لسانی** بنظر او بی‌معنی رسیده ویاخود اززبان لسانی ساخته ، نوشته وپس از آن ازاستاد عذرخواسته، **آذر** گوید تخلص باسم میکند و دردیگر مآخذ ذکری ازنام وی وپدرش نیست، درهفت‌اقلیم ترکیب‌بندیکه درهجو غیاث کهره که ازمستوفیان شاهی بوده مندرج وقصیده ایکه پس‌ازترکیب بند نام برده درمدح غیاث مذکور انشانموده وچندین بیت ازغزلیات اونیزدراین تذکره موجود است .

در دانشمندان آذربایجان شرح مفصلی در شرح حال شریف نگارش یافته ودرآنجا نیز از دیوان وی چند بیت انتخاب گردیده ودرآنجاست که دیوان غزلیات او را مؤلف آن کتاب دارندو تقریباً ۱۲۰۰ بیت میباشد و دیوان قصائد واشعار او مشهوراست .

آغاز : ای نخل تمنّا قدرعنای تومارا از پای درآورد تمنّای تو مارا

(۱) درتحفه سامی ص۱۲۱ چاپی هفت اقلیم ص۱۲۰۸-۱۰۳۱، تذکره خوشگو ، آتشکدهٔ آذر ص ۳۳-۳۴ ودانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲-۱۹۷ از این شاعر وقدرت بیان او معرّفی گردیده وهریك ابیاتی از او انتخاب کرده اند .
(۲) دردانشمندان آذربایجان دربارهٔ این کتاب وردهائیکه برآن نوشته شده شرحی سودمند نگارش یافته است .

(۱۲۱۲)

دیوان شریف تبریزی این نسخه رابخط نستعلیق خیلی خوب **زینب** دختر مقصودعلی نوشته ، تاریخ ندارد ولی نسخه گواهی میدهد که در اواخر قرن دهم نگارش یافته ، سرلوح ظریفی دارد ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد ، سلیمان بن محمد خان قاجار پشت صفحهٔ نخستین تملك خود رایادداشت وپس از آن یادداشتی مورخ بسال ۱۲۸۵ ازطرف اعتضادالسلطنه و پس از آن وقفنامه نسخه نگاشته شده و مهریکه در پایان آخرین صفحه بوده محو گردیده است .

جلد روغنی دورو گل وبوته‌دار وتصویرحیوانات برجسته . کاغذ کشمیری رنگارنگ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۴۴) . صفحه‌ای (۱۰و۱۱) بیت . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۰۷) .

[۵۴۲] دیوان شهاب اصفهانی (فارسی)

میرزا نصرالله اصفهانی **شهاب** تخلص از شعرای نام‌دار میباشد ، بسال ۱۲۵۴ بطهران آمده ، مورد لطف و عنایت حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدراعظم وقت گردید وملقب به **تاج‌الشعرا** شد ، درزمان ناصرالدین‌شاه تهنیت‌ها گفته وانعامها گرفته ومأمور نظم مراثی حضرت سیدالشهداء ع گردیده و انجام داده و هدایت گوید(۱) : « از شعرای معین کثیرالفضل بدیع‌النظم ایندولت همایونست ، اشعار بسیار بوزن تقارب وقطعات و قصائد منظوم نموده که همه در نهایت متانت است وکمال رزانت اگر چه دیوانش حاضر نیست این اشعارش در این کتاب مرقوم میشود (درحدود ۳۰۰ بیت ازقصائد ومسمطات وی را نقل نموده) » .

آغاز :

ای نام همایونت دیباچهٔ دیوانها بی‌نام تو نامی‌نیست نه‌نامه نه‌عنوانها(۲)

(۱) در ص ۲۱۹-۲۲۴ ج۲ مجمع‌الفصحا معرفی مختصری ازاین‌شاعر گردیده وجل نقل‌شده مختصری از عبارات آن کتاب است ودر ص ۲۴۴ - ۳۲۴ گنج شایگان شرح حال مفصل و انتخاب زیادی نیزاز اشعار اوشده است .
(۲) این آغاز نسخهٔ این کتابخانه است که شامل قسمتی ازقصائد شهاب میباشد ودیوان کامل او را تا کنون بدست نیاورده ام .

(۱۲۱۳)

دیوان شهاب اصفهانی این نسخه بسال ۱۲۷۲ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، شامل قصائدیستکه شهاب در مدح صدراعظم نظام الملك(۱) سروده ومرتب بترتیب حروف تهجی از الف تا یاء برحسب قوافی میباشد و پیش از شروع بقصائد در مدح صدر اعظم سه قصیده در توحید و نعت که نیز مذیّل بمدح پادشاه و صدراعظم میباشد گذارده شده و این دیوان قصائد درحدود (۸۰۰۰) بیت است و طرز تذهیب و جدول کشی‌ها و اینکه نام پادشاه عصر وصدراعظم درهربیت که بوده باطلا نوشته شده حاکی است که نسخه برای صدراعظم مذکور تهیه شده واعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین یادداشت نموده که ازورثه میرزا داودخان پسرمیرزا آقاخان صدراعظم نوری خریداری شده واین نیز مؤید احتمال مذکوراست، دارای یك سرلوح ظریف میباشد وحواشی دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده وتمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است.

جلد روغنی گل وبوته یك رو. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۳۹). صفحه‌ای (۱۲) سطر. طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۵۷).

[۵۴۳] دیوان سید صالح قزوینی - الدرر الغرویه (عربی)

ناظم و شاعر این دیوان چنانکه درمقدمه تصریح شده سیّدصالح بن سیدمهدی بن رضا حسینی قزوینی است که از شعرای قرن سیزدهم هجری ودر نجف اشرف متوطن بوده در کتب سیر ورجال بنام این دانشمند برنخورده‌ام، جز در ص ۶۵ ج ۲ احسن الودیعه در ذیل شاگردان شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۲) گوید: نزد این جناب گروهی از اهل ادب وکمال استفاده کرده‌اند از آنها سیّد صالح قزوینی متوفی بسال ۱۲۹۷ (چنین شنیده شده) میباشد. و جز این چند کلمه دربارهٔ وی چیزی دراین کتاب نگارش نیافته است.

این دیوان که آنرا «الدّرر الغرویّه فی العترة المصطفویّه» نامیده شامل چهارده قصیده درمداح ومناقب ورثاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلّم و حضرت فاطمه زهرا ع وحضرت امیرالمؤمنین علی ویازده فرزندش علیهم صلوات الله در (۳۰۰۰) بیت میباشد ومقدمه‌ای مرکب از نثرونظم بر آن نگاشته واین سه بیت را برای نشان دادن قریحه ونمودار اشعار وی دراینجا می‌آورم:

واللهُ جادَ علیکُم مُتَفَضِّلا بِوَلِیِّه وَ هُوَ الْجوادُ الموسِعُ
وَلَطالَ ما اَوْصی بِحِفْظِ وِلائِهِ خَیْرُ الاَنام فخالَفوه وَ ضَیَّعوا
یامَنْ تُسَبِّحُ بِاسْمِهِ اَلْاَمْلاکُ فی اَفْلاکِها واِذا دَعاها تُسْرِعُ

(۱۲۱۴)

دیوان سید صالح (الدرر الغرویه) این نسخه را بسال ۱۲۶۸(۱) بخط نسخ خوب ناجی بن محمد قفطانی نوشته، قصیدهٔ دیگری (۴۹ بیت) که ناظم این کتاب در هنگام مسافرت شیخ مشکور بآستان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بسال ۱۲۶۹ انشاء نموده بردو صفحه‌ایکه پیش از دیوان تنوشته بوده نیز همین نویسنده نوشته، ۱۵ سرلوح زیبا که طرز هریك با دیگری مخالف در ابتداء مقدمه وچهارده قصیده گذارده شده و حواشی صفحه سرلوح‌دار وصفحه مقابل آن تذهیب ونقاشی گردیده وپشت نخستین صفحه بسال ۱۲۹۷ یادداشت اعتضادالسلطنه و وقفنامه نسخه موجود و تمام صفحات مجدول بطلا وعناوین قصائد با جوهر قرمز نوشته شده است.

جلد روغنی گل وبوته دورو. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۲۵). صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۹).

(۱) نویسنده درآخر نسخه نوشته: تاسع ذی‌الحجه من السنة الثامنه من المائة الثالثه من الالف الثانی من الهجرة النبویه ص. و تاریخ قصیده‌ایکه بخط همین نویسنده و بشهادت مرکب و طرز نگارش نزدیك بزمان نگارش اصل نسخه است پیش از مقدمه کتاب بسال ۱۲۶۹ نوشته شده بنابر این جلهٔ من العشر السابع از عبارت آخرنسخه مسلّماً افتاده است.

[٥٤٤] دیوان صائب (فارسی)

میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی متخلص به صائب متولد به سال ۱۰۱۶ ومتوفی بسال ۱۰۸۱(۱) یکی از سخن‌سرایان معروف قرن یازدهم هجری است ، اشعار وی در هندوستان و عثمانی (ترکیه کنونی) بیشتر از وطن خویش شهرت دارد ، اگرچه آرزوی این را داشته که چون سعدی باشد چنانکه خود گفته :

صائب ازخاك پاك تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز

شمارهٔ اشعار اورا دویست هزار بیت نوشته‌اند وگویند هفت دفتر و دیوان ترتیب داده و فتح نامه قندهار وی که بوزن مثنوی است ۱۳۵ (۲) بیت میباشد و گذشته از این قصیده‌ای در همان هنگام فتح (شاه عباس ثانی فاتح است) سروده واین بیت از آن تاریخ فتح را میرساند : (از دل زدود زنگ الم فتح قندهار = ۱۰۵۹) و مثنوی در معاشقه محمود و ایاز دارد ، مجموعه از انتخاب اشعار خود و شعرای معاصر و پیشین در حدود ۲۵۰۰۰ بیت ترتیب داده که بگفته شبلی نعمان اینك در حیدرآباد دکن موجود است وخوشگو دیدن آنرا درتذکره خود تذکرداده.

صائب در فن غزل سرائی از دیگر فنون شعر برتری دارد و از اشعار خود انتخاباتی نموده و هریك را نامی گذارده : ۱ - **واجب الحفظ** نخبه‌ای از مطالع غزلیات اوست و نسخهٔ از آن پیوسته به نسخهٔ زیرین میباشد و با دقت و مراجعهٔ این نگارنده معلوم شد که این انتخاب از غزلیات غیر این دیوان حاضر اوست و شامل ۳۹۰ بیت مطلع است . ۲ - **مرآت الخیال** دروصف اوصاف سرتاپای محبوب است ونسخی از آن درمجموعات این کتابخانه وکتابخانه مجلس میباشد . ۳ - **آرایش نگار** مشتمل برابیاتی‌است که در آنها آینه و شانه آورده شده . ٤ - **میخانه** ابیات راجعهٔ به می و میخانه را از اشعار خود گرد آورده و بدین نام نامیده است .

(۱) این تاریخ وفات دو ماده تاریخ که در دانشمندان آذربایجان نقل گردیده مؤید دارد و در ص ۱۷۶-۱۸۱ ترجمهٔ ادبیات ادوار برون ۱۰۸۰ و۱۰۸۱ و۱۰۸۸ نوشته شده وغیر از این‌دو کتاب تذکره خوشگو ومجمع‌الفصحا ج۲ ص۲۳ و۲٤ وآتشکده ص۳٤ و۳۵ درهنگام نگارش این شرح دیده شده است .

(۲) در تذکرهٔ خوشگو شمارهٔ ادبیات این فتحنامه ۱۳۵ بیت و در دانشمندان آذربایجان صد و سی‌و پنجهزار ضبط گردیده است .

۵ - **متفرقات** زیر این‌عنوان درحدود ۲۳۰۰ بیت از اشعار خویش انتخاب نموده ونسخه‌ای از آن پیوسته بهنسخه زیرین دیوان اوست وبا مراجعه ودقت معلوم شد که اینها را نیز از دیوان دیگر خود انتخاب کرده است .

ازسال ۱۲٦٤ تاکنون درحدود ٤۰۰۰۰ بیت ازصائب درهندوستان چاپ شده ومنتخبی ازاشعاراو دراین اواخردرطهران واسلامبول نیزبچاپ رسیده ونگارنده نسخه ای ازدیوان صائب‌راکه خط ان عیناً نسخهٔ زیرین وبسیارشبیه نمونه‌ایست که از خط صائب در تاریخ ادبیات برون و دانشمندان آذربایجان گراور شده ، در کتابخانه دانشمند محترم آقای محمد جواد ارکانی نماینده خوزستان در مجلس‌شورای ملّی ایران‌دیده و در حدود (۸۵۰۰۰) بیت میباشد .

دانشمند محترم آقای تربیت شرح حال مفصّلی از صائب درص ۲۱۷ - ۲۲۶ دانشمندان آذربایجان (باگراورونمونهٔ خط وی) نگاشته اندو یکی ازمآخذنگارنده‌در نگارش‌این شرح‌بوده و۲۵ کتاب‌را برای‌مراجعه بشرح‌حال‌این‌شاعر نشان‌داده اند .

این دیوان که زیر این سطرها خصوصیات آن نگاشته میشود جزضمائم آن درحدود (۱۷۰۰۰) وبا آنها تقریبا (۱۹٦۹۰) بیت است .

آغاز :

اگرنه مدّ بسم‌الله بودی تاج‌عنوانها نگشتی‌تاقیامت نوخط شیرازه‌دیوانها(۱)

(۱۲۱۵)

دیوان صائب تبریزی این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، بسیار شبیه‌خط صائب‌نگارش یافته ولی‌غزلهائی که درحاشیهٔ برگ هفتم ودیگر برگهای نسخه‌زیرعنوان: **لراقمه‌صائب** نگارش یافته و عیناً نمونه ایستکه از خط صائب گراور شده ثابت میکند که اصل دیوان خط شاعرنیست ومیدانیم که عارف تبریزی اصفهانی نویسندهٔ دیوان صائب بوده ومسلّماً این نسخه خطّاوست .

(۱) خوشگو درتذکرهٔ خود گوید : این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب است و شمارهٔ ابیات صائب را سیصد هزار نوشته وازنصرآبادی یکصد وبیست هزارنقل‌نموده ونیز گوید که فقط دوازده قصیده‌ویك‌مثنوی‌در فتح‌نامه قندهاردارد و باقی‌اشعاراو غزلیات است و در دانشمندان غزلیات ترکی بوی نسبت داده‌شده وقول بیشتر ازیك‌لك (صدهزار)درشمارهٔ‌ابیات‌صائب‌از حسینی‌نقل گردیده‌است .

وپس از اتمام غزلیات که موافق قوافی از الف تایا مرتب، گردیده، **واجب الحفظ** و متفرقات اشعار صائب که معرفی از آن‌دو گردید نگارش یافته ، نسخه بدست بچه افتاده و در آخرهر بخشی کلماتی نوشته از آنجمله مکرر سنه ۱۲۲۲و۱۲۳۵ رارقم نموده وطرز خط ومرکب این یادداشتها دراینکه نسخه ازنظر خودشاعر گذشته وحواشی آن بخط اوست ، تردیدی ایجاد نمیکند .

یادداشتهائیکه بسال ۱۱۱۷ و ۱۲۱۴ نوشته شده اند پشت برگ آخرنسخه موجود وچندین برگ ازاول وآخرو صّالی گردیده وبسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وپشت برگ اوّل یادداشت شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق(۴۲۵). صفحه‌ای(۱۷)سطر. طول(۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷) .

[۵۴۵] دیوان صاحب علی آبادی (فارسی)

میرزا محمد تقی ابن میرزا زکی مازندرانی متوفی بسال ۱۲۵۶(۱) از درباریان فتحعلیشاه قاجار بوده ، درقصائدوغزلیات گاهی **صاحب** وهنگامی **صاحب‌دیوان** تخلص میکرده ، دراوائل جوانی ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم وفرمانفرمای خمسه وسهرورد وسجاس را داشته بسال ۱۲۳۴ بطهران احضار گردیده و مقام منشی‌الممالکی را پادشاه عصر بوی برگذار نمود ، در شیراز رضاقلیخان هدایت را دیده و میخواسته او را بطهران آورد بعللی معذرت خواسته ، قصائد غرّا وغزلیّات شیوادارد ، راوی گروسی ۵۵ بیت ازچند قصیده وی درمؤلفهٔ خود نقل وهدایت درحدود . . . . ۱۰۰۰ بیت ازقصائدوی که درنعت حضرت پیغمبر ص وحضرت علی‌بن‌ابی‌طالب ع و پادشاهان معاصر وامرا میباشد واز رباعیات او انتخاب ودر مجمع‌الفصحا چاپ کرده است .

دیوان صاحب شامل قصائد و قطعات و غزلیّات و رباعیّات ومثنویات میباشد وباشمارهٔ دقیق نسخ‌زیرین‌درحدود(۵۵۰۰)بیت‌است ، ماده تاریخهائیکه‌بسال۱۲۵۵ گفته‌دراینجاموجود وپیش از شروع‌به اشعارمنشآت نثری‌صاحب‌دیوان که عبارت

(۱) انجمن سوم انجمن خاقان و ص۲۹۸-۳۱۶ ج ۲ مجمع‌الفصحا مراجعه گردیده است .

ازشرح حالی ازفتحعلیشاه واجداد وی وطائفه قاجاربانشاء فتحعلیشاه وقلم صاحب وحکایاتی بطرز گلستان و مراسلات دوستانه و قباله نکاح اردشیر میرزا وغیر از اینهاست واین بخش درحدود (۱۰۰۰) بیت میشود .

این شاعرهمت وهوس این راداشته که سعدی ثانی باشد وتاحدی هم شایستگی آنرا دارد ولی **همه گویند سخن گفته سعدی دگراست** ودراین معنی گوید :

باقبال دارای یزدان پرست — به نظم و به نثر آمدم چیر دست
چنین ساحری شیخ شیراز کرد — که بانظم خوش نثر انباز کرد
بدوران صاحبقران آن منم — که گویم درین هردوفن یك فنم

آغاز :

کراشاید ثنازان پس که زیدآل یاسین را — جهان‌مجدو تمکین‌آسمان دانش‌ودین را

(۱۲۱۶)

دیوان صاحب علی آبادی — این‌نسخه بخط نستعلیق‌خوب نوشته شده ، ۲۳ برگ ازاوّل آن شامل نثریات علی آبادی است ، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده مسلّماً در نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و عناوین باشنجرف نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۹).

(۱۲۱۷)

دیوان صاحب علی آبادی — این نسخه نیز بخط نستعلیق بدون ذکر نام نویسنده و سال نگارش نوشته شده ، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وپشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ،بخشی ازنثریات در آخرنسخه میباشد وشرح حال‌فتحعلیشاه‌را که‌به انشاء خود وی‌نگاشته‌ودرنسخهٔ پیشین نیست درآغاز نسخه موجود وبخشی ازنثریات نسخه بالا را ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۲) . صفحه ای (۱۵)سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۰) .

[٥٤٦] دیوان صبا (فارسی)

فتحعلی‌خان ملك‌الشعرا متخلص به **صبا** ازمشاهیر شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد ، گذشته ازمقام ملك‌الشعرائی چندی حکومت کاشان که وطن اصلی وی بوده وحکومت قم ومقام احتساب الممالکی رادارا بوده، وقایع سلطنت فتحعلیشاه قاجار ومختصری ازتاریخ نیاکان اورا بنام «شاهنشاه نامه» در چهل هزار بیت در مدت سه سال برشته نظم آورده و **راوی گروسی** شرحی در ترجیح این کتاب بر شاهنامه فردوسی نوشته و گوید در جوانی مثنوی **لیلی ومجنون** گفته که درمیان‌است و **هفت‌پیکری** که دریکی‌ازسفرها ازمیان‌رفته و **خداوند نامه** که شامل اخبارصحیحه درمعجزات احمدی وغزوات حیدری است ودر حدودسی‌هزاربیت‌میباشدو آنرادر مدت سه‌سال بانجام رسانیده ومثنوی **عبرت‌نامه** ودیوان قصائد و مقطعات ورباعیات وغیره ازآثار آن جناب یادگار مانده و بنا برضبط در مجمع‌الفصحا بسال ۱۲۳۸ جهانرا بدرود گفته و «کلامش فصیح و مطبوع و زیبا ومتین‌است ، اشعارش بلیغ وجزیل ومصنوع و رنگین ، کمال قدرت را داشته واز نو تخم سخن‌را درین روزگار او کاشته ، تجدید شیوه وقانون استادان قدیم را کرده» .

نسخه زیرین از دیوان او شامل درحدود (۱۲۰۰۰) بیت میباشد و هدایت گذشته ازمثنویهای وی پانزده هزار بیت شعر بوی نسبت داده است .

آغاز :

تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا

کزو شد آشکارا گل ز خار و گوهر از خارا

(۱۲۱۸)

دیوان صبا این نسخه شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و مثنویات پندنامه و خلاصة‌الاحکام و عبرت نامه صبا میباشد و ظاهراً درزمان خود شاعر نگارش یافته نام نویسنده و سال نگارش نوشته‌نشده و برصفحهٔ نخستین نویسنده‌ای آنرا «خداوند نامه» معرفی کرده ولی مسلماً آن کتاب نیست .

جلد روغنی گل و بوته‌دار وطرف داخل نرگس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۱) صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٤) .

[٥٤٧] دیوان صهبا (فارسی)

صهبا محمد تقی (آقاتقی) بن ملایدالله از معاصرین آذر وهر دو در تحت تربیت سیّد علی مشتاق بوده وشاگردی اورا داشته‌اند ، این‌تخلص راهم استاد بوی داده، اجداد صهبا از دماوند بقم مهاجرت کرده وصهبا دراین‌شهر متولّد و نشو و نما یافته در اواخر عمر باصفهان رفته و بیست سال در آنجا بوده و بسال ۱۱۹۱ در شیراز وفات یافته و بیشتر بغزل‌سرائی و رباعی گوئی مایل بوده ودرانجمن خاقان است که «دوسه هزار بیت شعر گفته و در شاعری نیز (کذا فی‌النسخ) بطرزخوش میسروده» وهدایت‌نوشته‌اند که سه هزاربیت دیوان شعرجمع کرده وشاعری غزل سرای بوده است .

نسخهٔ زیرین شامل غزلیات (۱۰۵۰بیت) و رباعیات (۱۶۰ رباعی) میباشد بنابراین درحدود ۱٤۰۰ بیت است .

آغاز :

نه تنها روشن است از پرتو روی تو محفلها

کزین شمع‌است روشن بزم جانها محفل دلها

(۱۲۱۹)

دیوان صهبا نسخهٔ این دیوان ودیوان هاتف ودیوان عبدالمجید درویش راکه با یکدگر پیوسته اند بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و در آخر دیوان هاتف بدین تاریخ تصریح کرده[1] ، در ابتداء هریك از دیوانها سرلوحی ظریف میباشد و میان سطرهای دوصفحه اول هریك طلااندازی شده وصفحات مجدول به اکلیل است .

برگ ۳۹ - ۸۸ شامل این دیوان میباشد .

جلد روغنی گل و بلبل وطرف درون نرگس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی‌نازك . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۰) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۰۱) .

(۱) شرح حال ومعرفی ازصهبا بامراجعهٔ به ص ٤۱۱-٤۱۲ آتشکده آذر انجمن‌پنجم انجمن خاقان و ص ۳۳۰ ج ۲ مجمع‌الفصحا وبعضی از ابیات وی خود وی‌نگارش یافته است .

[٥٤٨] دیوان طالب آملی (فارسی)

طالب آملی (۱) از شعرای مازندران است که بهندوستان رفته ودر آنجا بسال ۱۰۲۸ بمقام ملك‌الشعرائی شاه‌جهان رسیده ودرعنفوان جوانی بسال ۱۰۳٦وفات یافته است.

مدعی است که درعلوم هندسه ومنطق وهیئت وحکمت وعرفان وخط و شعر سرآمد زمان میباشد، ودرشعر سبکی مخصوص بخود دارد ودر هند بسیار مطلوب شده ولی درایران چندان‌پسند نیامده وبهمین سبب در اشعار بسیار خودرا سیاه‌بخت خوانده ورخت خویش بهندوستان کشیده وی گوید:

هندو نبرد تحفه کسی جانب هند بخت سیه خویش بایران بگذار

بزرگتر نسخه‌ای از دیوان طالب را که نگارنده دیده و متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملّی است شامل (۱۷۰۰۰) بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی است.

آغاز: غزلیات

خدایا بر سر ناز آر با ما کج کلاهانرا بسحر غمزه برمافتنه کن جادونگاهانرا

(۱۲۲۰)

دیوان طالب آملی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود و سال نگارش نامی نبرده، ظاهراً در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده، شامل‌غزلیّات ومقطعات ویك مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۳۵۰۰) بیت میباشد. در ابتداء هریك از بخشها برمربعی که از طلا پوشیده شده نام موضوع آن بخش نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۱۰۲) صفحه ای. (۱٤) سطر. طول (۱٦ سانتیمتر). عرض (۹سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۳۷).

(۱) درعنوان نسخهٔ زیرین تصریح شده که طالب آملی‌است‌ودرآخرنسخه‌ای (بسال ۱۰٤۲ نوشته) ازدیوان‌طالب‌متعلق بکتابخانه مجلس محمد طالب ثبت شده وآذر در ص ۱۷۰-۱۷۱ آتشکده اورا از شعرای آمل مازندران معرفی کرده و ص۳۷۲-۳۷٤ شمع‌انجمن ولی در ترجه ادبیات ادوارد برون (ج٤ص۱٦۹-۱۷۱) عاملی (باعین مهمله که منسوب به‌عامل‌شام‌میباشد،ثبت گردیده است.

[٥٤٩] دیوان طوفان هزارجریبی (فارسی)

طوفان هزارجریبی (۱) نامش میرزا طیّب و از اهالی مازندران متوفی بسال ۱۱۹۰ (۲) میباشد، معاصر آذر مؤلف آتشکده بوده ودر باره وی گوید «جوانی غیور باستغنای طبع و شکفتگی خاطر مشهور مکرر ملاقاتش‌اتفاق افتاد»، این مؤلف وهدایت هردو تذکر داده‌اند که اهاجی رکیکه گفته ولی درآخرعمر توبه نمود ودر نجف اشرف مجاور و درهمانجا بسرای آخرت شتافت وآذر در تاریخ وفات او یك رباعی گفته و این مصراع آن (طوفان در دریای نجف شد زصفا) تاریخ وفات او را میرساند.

هدایت نوشته‌اند که دیوان او شامل‌هفت هزاربیت وبیشتر آن غزلیات میباشد عبدالله نامی که از دوستان معاصر طوفان درنجف اشرف بوده مقدمه ای بردیوان او نوشته ودر آنجا پس از معرفی وشرح حال مختصری ازمؤلف تذکرداده که طوفان امید این داشت که‌دیوان متفرق‌وی جمع گرددبوی گفتم کسی‌دراین‌روز گار که بازارعلم وادب نارواست‌بدینکار مبادرت‌نخواهد نمود بهتر آنست که خوداین کاررا انجام‌دهی، بنابراین‌دراواخر ماه‌شوال‌سال۱۱۷٥ بجمع آنهاپرداخت‌ونیز گوید: «این دیوان‌شامل‌قصائد وغزلیات ومثنوی‌ورباعیات‌وشکرپاره‌وجنگ‌نامه‌وهجویات بنوعی که متقدمین ترتیب بنانهاده‌اند اقتدا بایشان‌نمود وچون تمام کلیات او هنوز بزیور جمع آوری مزین نگشته بود بتوضیح بعضی مراتب ازفهرست نپرداخت» ودراین مقدمه مراسله ایکه میرزا مهدیخان منشی نادرشاه بوی نوشته و نظم اورا ستوده مندرج گردیده است.

نسخهٔ‌زیرین درحدود ۳۳۰۰بیت میباشد.

آغاز دیباچه: بسمله جواهرحمدی که صیرفیان‌بازارنقود‌معانی و ناظمان سلسلهٔ عقود ولاآلی الخ.

(۱) در دیباچه نسخهٔ زیرین هزار جریب را از توابع استراباد معرفی کرده ولی اینك از توابع مازندران میباشد وشاید که سهو قلم دیباچه نویس باشد ویاپیش ازاین‌جزء آنجابوده‌است.

(۲) در ص۴۱۳ آتشکده‌آذر وانجمن خاقان و ص ۳٤۱-۳٤۳ ج۲ مجمع‌الفصحا شرح‌حال طوفان نگارش‌یافته‌وانتخابی‌از ابیات وی گردیده است.

آغاز دیوان: بسمله چه من دستیاری نباشد قلم را عطارد چه داند سیاق رقم را

(۱۲۲۱)

دیوان طوفان هزارجریبی این نسخه که شامل قصائد و مثنویات و غزلیات و رباعیات وقطعات میباشد ، بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته شده ، در ابتداء دیباچه سرلوحی دارد و در آغاز دیوان سرسورهای میباشد . صفحات مجدول به اکلیل و زنکار کردیده ، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانهٔ اعتضادیه شده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشت کردیده است .

جلد روغنی کل وبوته دورو . کاغذ فرنکی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۷۰) . صفحهای ۱۴ سطر درمتن و۱۲ بیت درحاشیه . طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۳) .

[۵۵۰] دیوان (کلیات) ظهوری (فارسی)

نورالدین محمد(۱) ظهوری تخلص بگفتهٔ آذرونقل متأخرین ازاو ترشیزی است ولی امین احمد او را درهفت اقلیم ازدانشمندان شهر تربت شمرده و در بارهٔ وی گوید : «باوصاف حمیده واطوار پسندیده موصوف بوده ، بغایت نیکو ذات وخوش اخلاق است ، پیوسته شیوه اش اینکه کار فقیری بسازد وهمواره خواهشش اینکه مراد درویشی بر آرد الخ» وچند بیت ازو نقل کرده ، ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود گوید : « ظهوری ترشیزی بسال ۱۰۳۴ باپدرزنش ملك قمی که نیز ازشعراست درشورشی که در دکن واقع شد کشته شده اند و ظهوری را از نثرنویسان معتبر وخوش سلیقه میدانند الخ».

ساقی نامه ظهوری بسیار مشهور و درحدود (۴۱۰۰) بیت میباشد ولی با این اشتهار آذراورا چندان نپسندیده ودیوان او شامل قصائد وغزلیات ورباعیات است واز آثار نثری وی سه دیباچه است که بنام : ۱ - خوان خلیل . ۲ - دیباچه نورس . ۳ - کلزار ابراهیم مشهور میباشند ونسخهٔ زیرین شامل آنهاست ومکاتیب ومنشآتی از ظهوری

(۱) درهفت اقلیم ص ۵۷۵ و۵۷۶ وآتشکدهٔ آذر ص ۷۳ و۷۵ وترجمهٔ تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۶۹ فقط بنام ظهوری معرفی گردیده ولی مرحوم اعتصام درفهرست کتب خطی مجلس ص ۱۶۴ و۲۴۵ و۲۴۶ نام ظهوری را نورالدین محمد معرفی کرده است .

نیز دردست است ۱ - مکتوبیکه به فیضی (۱۰۰۴ مرده) نوشته ودیگری درشکوه ازاهل کرم واین هردونیز پیش از دیوان وی (نسخهٔ زیرین) نگارش یافته وپنج مکتوب او باسه دیباچههای نامبرده درزیر شمارهٔ ۲۸۸ در کتابخانه مجلس موجود است.

دیوان قصائد وغزلیات ظهوری موافق نسخهٔ زیرین درحدود (۱۰۴۰۰) بیت میباشد وباساقی نامه (۱۴۵۰۰) بیت خواهد بود و دراین دیوان مدح وثنای ائمه اثنی عشر علیهم السلام و عادلشاه ابیات بسیاری است .

آغاز غزلیات :

آنکه خواهد داشت فردا رحمتش دیوان ما کشته وصفش آفتاب مطلع دیوان ما

(۱۲۲۲)

دیوان ظهوری ترشیزی این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، نامی ازنویسنده وسال نگارش درنسخه نیست، درعبارات دیباچه های سه گانه : (دیباچه نورس - خوان خلیل - کلزار ابراهیم) وبعضی از ابیات دیوان اصلاحی بقلم غیرازنویسندهٔ نسخه دیده میشود شاید بنظر خود ظهوری رسیده وباصلاح آن پرداخته ، کهنه بودن نسخه این احتمال راتأیید مینماید و گذشته از دیباچه های نامبرده ودو مکتوب مذکور شامل ساقی نامه وقصائد (غیر مرتب است) وغزلیات ویك صفحه شامل چند رباعی ازشاعر میباشد واسلوب خط هندی است ودراثر صحافی ابیاتی از آن ازمیان رفته وچند برگ آنهم وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی نازك . شمارهٔ اوراق (۲۹۲) . صفحه ای (۲۸) بیت در متن وحاشیه . (طول ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۲) .

[۵۵۱] دیوان ظهیر فاریابی (فارسی)

ظهیرفاریابی (ظهیرالدین طاهربن محمدالفاریابی(۱) متخلص به **ظهیر** متوفی

(۱) فاریاب چنانکه در ص ۸۴۰ ج ۳ معجم البلدان ثبت شده بکسر راء و یاء حطی و درآخر آن باء است و از شهرهای خراسان در نزدیکی جوزجان ونزدیك بلخ میباشد وازآنجا تابلخ شش روز راه و از فاراب تا طالقان سه روز راه است و ظهیرالدین بدانجا منسوب میباشد و فاراب که حکیم معروف ابونصر از آنجاست نیز در ص ۸۳۳ ج ۳ معجم معرفی گردیده و گوید آنطرف سیحون در اواسط بلاد ترك واقع و از شاش دورتر است و جوهری و ابوابراهیم صاحب دیوان الادب از آنجا میباشند .

بسال۵۹۸(۱)) ازمشاهیرشعرای قرن ششم هجری میباشد ، بمداحی سلاطین معاصر خود : طغانشاه پادشاه نیشابور واتابك قزل ارسلان وابوبکر ونصرةالدین وپدراو محمدبن ایلدکزپرداخته ومعاصرخاقانی وجمال‌الدین اصفهانی وشرف‌الدین شفروه بوده وبه نیشابور واصفهان وآذربایجان مسافرت نموده ودرهرهنگام طبع آزمائی کرده ،گروهی وی را برانوری ترجیح داده ، برخی ازامامی هروی(۲) دربارهٔ وی استفتاکرده‌اند سؤال وجواب ایشان اینست :

ای عالم زمانه که برآسمان فضل   ماه خجسته پیکرخورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفتهٔ ظهیر   ترجیح می‌نهند براشعار انوری
قوم دگر برین سخن انکارمیکنند   فی‌الجمله درمحل نزاعندو داوری
ترجیح یکطرف توبدیشان نما که هست   زیرنگین حکم تو ملك سخن وری

امامی درجواب گوید :

ای سالك مسالك فکرت درین سؤال   معذور نیستی بحقیقت چو بنگری
تمیز را ز بعد تناسب درین دوطور   هیچ احتیاج نیست بدین شرح پروری
کین معجزست وآن سحر، این نور وآن چراغ
این ماه و آن ستاره ،این حورو آن پری

ودیگری(۳) گفته :

هرمبتدی که بیهده ترجیح میدهد   شعر ظهیر برسخن پاك انوری
ماند بدان گروه که نشناختند باز   اعجاز موسوی را ازسحر سامری

دولتشاه گوید درباره دیوان ظهیرفضلا گفته‌اند :

دیوان ظهیر فاریابی   درکعبه‌بدزد اگر بیابی

(۱) تاریخ گزیده در فصل شعرای فارسی زبان برگ ۳۲۰ (نسخه خطی) ، تذکره دولتشاه ص ۱۰۹-۱۱۴، هفت اقلیم در ذیل شهر چیچکتو در اقلیم چهارم ص ۴۹۰-۴۹۳ ، آتشکده آذر ص۳۲۷ مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۳۳۰-۳۳۶ ودرهفت اقلیم وفات وی بسال ۵۹۲ میباشد .
(۲) درهفت اقلیم امامی نوشته شده ولی‌درتذکره دولتشاه مجدالدین همگراست واین ابیات درهفت اقلیم نقل گردیده است .
(۳) دولتشاه گوید این داوری را پیش مجد همگر شیرازی برده‌اند بنابراین شاید این دو بیت‌را که گوینده‌آن معین نگردیده از او باشد .

هدایت گوید این بیت که در ضمن شرح حال ظهیر نویسند از قطعهٔ یکی از متأخرین است که درهجو عبدالرحمن جامی معاصرخود گفته و ابیات دیگر اورا هم نقل نموده است .

ازمقدمهٔ نثری که نخستین نسخهٔ زیرین دارد معلوم میشود که نویسندهٔ آن که ازخود نام نبرده ، شاعری معاصر ظهیر بوده ، شهرت او را شنیده ، ازوطن خود بقصد دیدار این استاد حرکت کرده ، چون بآذربایجان رسیده استاد را در این جهان نیافته ، بران شده که آثاراورا جمع‌آوری کند ، چون این کاررا بانجام رسانید گوید بران شدم که آنرا تقدیم بصاحب هنری نمایم که شایسته این در های یتیم باشد دراکناف‌واطراف‌هرچه نظرانداختم کسی‌راشایسته ندیدم‌تااینجا که‌میگوید :

« تا عاقبت عزم کردکه این دفتر که مستودع چندین گهرست و مستجمع چندین درر بخزانهٔ صدر روزگارصاحب مطلق ولی‌الانعام بحق عالم عادل مؤیدمظفر منصور مجدالدولة والدین عمادالاسلام والمسلمین اختیارالملوك والسلاطین ملك‌الصدور فی‌العالمین کهف ائمةالمهتدین‌نظام‌الملوك باسط‌العدل والنّعم ناشرالجود والکرم قاصم‌الاعادی قاسم‌الایادی ملاذالفقراء والزّهاد وملجاءالعلماء والعباد حمیدالاخلاق کریم‌الاعراق ملك رؤساء‌الافاق مدالله ظلاله وضاعف اقباله فرستد چه‌جوهرراجوهری داند و گوهررا گوهری شناسد ـ

قدرسخن‌در زمانه طبع تو داند   قیمت درّ ثمین بنزد کرامت .

هدایت نوشته اند که دیوان ظهرتخمیناً چهارهزاربیت میباشدو کهنه‌ترین‌نسخ درین کتابخانه وبزرگترین‌آنها دارای ۳۵۰۰ بیت ازقصائد فارسی وعربی وقطعه و غزل و ترکیب بندورباعی میباشد و این دو بیت عربی ازو در تاریخ گزیده نقل گردیده :

آعْرِف‌الفَرْقَ بَیْنَ دال وذال   وهي اصل فن‌الفارسي معظم
كُلْ ماقبل سُکون بلاواي   فذال فما سواه معجم

آغاز :

چوزهره وقت صبوح ازافق بسازدچنگ   زمانه تیزکند نالهٔ مرا آهنگ(۱)

(۱) این‌آغاز دیوانی‌است که در اول بار گردآوری شده ولی دیگری قصائد وغزلیات‌آنرا موافق حروف اوآخر مرتب نموده ونسخهٔ این کتابخانه موافق این ترتیب اخیر است .

(۱۲۲۳)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۸۹۵ نوشته اند ، نویسنده از خود نام نبرده ولی خط نسخه بسیار شبیه بخط منعم‌الدین اوحدی شیرازی نویسنده دیوان حافظ بسال ۹۱۷ میباشد که درص ۵۸۲ و ۵۸۳ خصوصیات آن نگارش یافت، دیباچهٔ جامع را فقط این نسخه دار است ودرابتداء آن سرلوح ظریفی میباشد ، درابتداء قصائد سرسوره ایست که وسط آن ازطلا پوشیده شده وبر آن باسفید آب « دیوان ظهیرفاریابی» نوشته شده و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۸).

(۱۲۲٤)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهر أدر نیمهٔ اول قرن سیزدهم) طرز آن چون نسخهٔ پیشین است ولی دیباچه را ندارد ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، نویسندهٔ دیگری **انیس العشاق** شرف را نیز بخط نستعلیق نوشته وبدان پیوسته است واین دو کتاب بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده ، ازانیس‌العشاق درفصل ادبیات معرفی خواهد شد واین نسخه ازدیوان ظهیر درحدود (۲۵۰۰) بیت شعراست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (۱۲۵) . ضمیمه (٤۷) . صفحه ای (۱٦) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۱) .

(۱۲۲٥)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق حسین بن عیسی حسینی تفرشی بسال ۱۲۵۷ نوشته، قصائد آن مرتب بترتیب حروف آخر آنها برحسب ترتیب حروف هجامیباشد و آغاز این نسخه آن اینست :

سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را   مگر بحیله به بینم جمال سلمی را

و درحدود (۳۵۰۰) بیت را شامل است ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۹) .

(۱۲۲٦)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه ظاهراً درقرن دوازدهم نگاشته شده ، اوراقی ازاول وآخر آن افتاده ، نویسنده‌ای برچند برگ چندین قصیدهٔ ظهیر را نوشته به اول نسخه پیوسته وابیاتی چند هم در آخر آن نوشته وطرز اصل‌نسخه چون نسخه اصلی غیرمرتب است ولی اینك آغاز آن موافق دیوان مرتب شده ظهیر میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۹ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۰)

[٥٥۲] دیوان عبدالمجید درویش (فارسی)

عبدالمجید مشهور به **درویش** ازخطّاطین معروف میباشد و خط شکسته را بپایه ای رسانیده که تاکنون کسی بدان نتوانست رسید و رونق خط شفیعا و میرزا حسن راکه در بارهٔ آنها گفته اند **اثنان لاثالث لهما** برانداخته ، حاجب شیرازی درباره وی گفته :

«ای گشته مثل بخوش نویسی زنخست   مفتاح خزائن هنرخامهٔ تست
تاکرده خدا لوح قلم را ایجاد   ننوشت کسی شکسته راچون تودرست»

دراشعار مجید تخلص دارد ، راوی گروسی شماره ابیات دیوان او را هزارو پانصد بیت ضبط کرده ونسخهٔ زیرین در حدود (۱۲۳۰) بیت را شامل میباشد ، بسال ۱۱۸٥ وفات یافته و آذر ، **شده ایوان جنان منزل درویش مجید** را ماده تاریخ وی یافته وچند شعر ازدیوان وی انتخاب نموده وهدایت و راوی نیزچند بیت ازودر کتاب خود آورده‌اند(۱) .

(۱) آتشکدهٔ آذر ص ٤۲٤ ، انجمن خاقان در انجمن چهارم و مجمع الفصحا ج ۲ ص ٤٤٥ دیده شود .

آغاز :

نبود باورت ای آنکه (کذا) زخم کاری ما کنون بیابتماشای جان سپاری ما
شب فراق روا نیست منع زاری ما چرا که زاری ما نیست اختیاری ما .

(۱۲۲۷)

دیوان عبدالمجید درویش این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و بادیوان صهبا و دیوان هاتف بشمارهٔ (۴۰۱) دراین کتابخانه ثبت گردیده (برگ ۸۹-۱۳۰) خصوصیات دیگر آن درص ۶۲۷ نگاشته شد .

[۵۵۳] دیوان عبدالواسع جبلی (فارسی)

عبدالواسع جبلی تخلص ازشعرای مشهورقرن ششم هجری میباشد(۱) بنابرضبط درهفت اقلیم لقب وی **بدیع الزمان** بوده وهدایت پدران اورا عبدالجامع بن عمران بن ربیع نامیده و گوید جبلی بسال ۵۵۵ جهانرا بدرود گفته وخودوی بسیادت وانتساب خویش بحضرت پیغمبراکرم ص اشاره نموده :

نکرد باید بامن بقصد جبّاری که من زنسل رسول خدای جبّارم

درتاریخ گزیده آمده که عبدالواسع جوانی برزگر بوده ، روزی سلطان سنجر گذرش برپنبه زاری افتاده که عبدالواسع درآن بود وبدین بیت مترنم :

اشتر دراز گردنا دانم چه خواهی کردنا
گردن درازی میکنی پنبه بخواهی خوردنا

سلطان دراو بوی لطف یافت او را ملازم کرد و تربیت کرد وتا بدان مرتبه رسید که طرز شعر او تاغایت چون او نگفته اند .

آقای بدیع الزمان درسخن وسخنوران این قول را بااستدلال وشواهد تاریخی رد کرده اند .

دراشعارجبلی جنبه حسن الفاظ وصنایع بدیعیّه زیاد مراعات گردیده وباوجود این تقیّد لطافت خود را ازدست نداده و سلطان سنجر ۵۱۱ - ۵۵۲ وبهرامشاه بن

(۱) لباب الالباب ج ۱ ص ۱۰۸-۱۰۹ ، تاریخ گزیده ص ۶۴۰-۶۴۱ (نسخه خطی) ، تذکره دولتشاه ص ۷۳-۷۶ ، هفت اقلیم ۵۲۰-۵۲۳ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱۸۵-۱۹۲ وسخن وسخنوران ج ۱ ص ۳۲۷-۳۳۴ مراجعه گردیده است .

مسعود غزنوی ۵۱۲-۵۴۴ (در تاریخ سلطنت این پادشاه دولتشاه و حمدالله و بدیع الزمان اختلاف دارند) وارسلان شاه بن کرمانشاه ازسلاجقهٔ کرمان ۴۹۴-۵۳۶ را مدح گفته واین بیت عبدالواسع زبان زد همه است :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وزهردو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

وبدین مناسبت تخلص خود را جبلی قرار داده که از اهالی غرجستان میباشد که ازطرف مغرب بهرات وازمشرق بغوروازجنوب به غزنه وازشمال بمرو محدود میگردد وغرج بمعنی کوه وغرجستان کوهستانست .

نسخهٔ زیرین که شامل قصائد ومقطعات وغزلیات جبلی است درحدود(۴۷۰۰) بیت میباشد .

آغاز :

که دارد چون تومعشوق و نگار وچابك ودلبر
بنفشه زلف ونرگس چشم ولاله روی ونسرین بر

(۱۲۲۸)

دیوان عبدالواسع جبلی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، آخر آن افتاده ، ظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته ، یك سرلوحی ظریف که باسفیداب برقسمت طلائی وسط آن نوشته شده : (دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی) درآغاز نسخه میباشد وصفحات بجدول بطلا ولاجورد است وآخرین بیت نسخه کامل اینست :

فخر دارد برهمه سادات گیتی ازشرف فضل دارد برهمه اشراف عالم درمحل

چندین برگ ازاول وآخر نسخه وصّالی گردیده وپشت برگ اول یادداشتهائی باتاریخ وبی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۴سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۳) .

[۵۵۴] دیوان (کلیات) عرفی (فارسی)

سیّد محمد ابن خواجه زین الدین **علی بن جمال الدین** شیرازی متخلص به

عرفی ازمشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده (متولد بسال ۹۶۳ متوفی بسال ۹۹۹(۱)) پدرش مقام داروغه گی شیراز را داشته، عرفی پس ازاینکه بسن رشد رسیدو کسب فضائل نمود علم شاعری برافراخت وبامعاصرین خود چون **غیرتی شیرازی** ودیگر پهلوانان، سخن پردازیها و کشتی گیریها کرده و همه ازوحساب میبرده اند، چون آوازهٔ شعر دوستی وشاعرپروری خان خان سپهسالار (عبدالرحیم) را شنید رو بهند آورد وبوسیله حکیم ابوالفتح گیلانی که او را نیز مدائح بسیار گفته به خان مذکور شناسانده شد وبدان آستان راه یافت ومنظور نظر او گردید و کار او در دوستی خان خانان بجائی رسید که در هنگام ملازمت از آداب ورسومیکه بجای سلام هندیان ودیگران بجا میآورند معاف گردید، داستان ملاقات وجواب وسؤال بافیضی شاعرهندی را درص ۵۲۴ نگاشتیم.

عرفی بسال ۹۹۶ نخستین دیوان خودرا مرتب نموده ومصراع: **اول دیوان عرفی شیرازی** تاریخ این جمع را میرساند وگذشته ازین صنعتی که در آن بکار برده اینست: بشمارهٔ حروف آحاد این مصراع (۲۷) قصائد وعشرات آن (۲۷۰) غزل ومآت آن (۷۰۰) رباعی ومقطعات درآنست.

عبدالباقی نهاوندی در مقدمه دیوان کامل عرفی که شامل چهارده هزار بیت میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است گوید:

«چون عرفی دچار ناخوشی اسهال شد و خود را نزدیك به بدرود کردن جهان دید مسوّدات اشعار خود را بکتابخانه خان خانان فرستاد، چون از جهان رفت خان خان هم محمد قاسم ابن خواجه محمد علی اصفهانی مشهور ومتخلص به **سراجا** راکه از شعرا و دانشمندان و سرحلقه مستعدان بود مأمور جمع وترتیب وتدوین اشعار عرفی فرمود، سراجا یکسال و نیم پس از مشقت بسیار این دیوان که شامل قصائد و غزلیات وترکیب و ترجیع بند و قطعه ورباعی و مثنوی میباشد ترتیب داد ونویسنده مقدمه گوید درپاره‌ای ازاوقات درهنگام جمع این دیوان حضورداشتم ومیدیدم که بیرون آوردن ومرتب کردن آنها ازمسوّدات عرفی تاچه

(۱) تذکره خوشگو حرف عین ومقدمه نسخه دیوان متعلق بمجلس شورای ملی بقلم عبدالباقی نهاوندی معاصر عرفی وص ۲۰۰-۲۰۵ هفت اقلیم وص ۲۴-۲۵ ج ۲ مجمع الفصحا مراجعه‌شده‌است.

حد زحمت داشت در آخر مقدمه قطعه ایکه سراجا در تاریخ این جمع و ترتیب انشاء نموده، گذارده شده وبیت آخر آن که سال نظم را میرساند اینست:

از خرد خواستم چو تاریخش   گفت **ترتیب‌داده** تا دانی = ۱۰۲۶

طبع عرفی در انشاء قصائد و غزلیات ید بیضاء داشته و دو مثنوی که برابر مخزن‌الاسرار (مجمع‌الابکار) و خسرو شیرین نظامی ساخته بسیار سلیس و متین میباشد و اول دیوان وی با مجمع الابکار که در حدود ۵۶۰۰ بیت میباشد دوبار (بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۳۳) در بمبئی و کانپور هندوستان چاپ گردیده ولی تمام دیوان او چاپ نشده ورسالهٔ نفیسهٔ وی که درعرفان (در ۲۵۰ بیت) نوشته قدرت کامل نثر نویسی ویرا نیز میرساند: و آغاز آن اینست: بسمله حمدیکه از غایت شایستگی منزّه از شایبهٔ تعیّن وتخصیص آمده الخ.

عرفی در قصیده‌ایکه خود آنرا «ترجمةالشوق» نامیده اظهار نموده:

بکاوش مژه از گور تا نجف بروم   اگر بهند بخاکم کنند یا بتتار

پس ازسی سال از وفات عرفی بسال ۱۰۲۸ استخوانهای اوبوسیلهٔ درویشی بنجف فرستاده شد، دوسال هم دربین راه استخوانها در مشهد مقدس حضرت رضاع بود، چون بنجف رسید در بیرون دروازه بجائیکه آنرا **بحیره** گویند دفن نمودند و **رونقی همدانی** قطعه‌ای درتاریخ آن گفت وماده تاریخ آن اینست:

رقم زد از پی تاریخ رونقی کلکم   بکاوش مژه از هند تا نجف آمد

(در دونسخه ازتذکره خوشگو در مصرع ماده‌تاریخ «از گور» نوشته شده وبرحسب محاسبه مسلماً غلط وصحیح «ازهند» میباشد)

(۱۲۲۹)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه از دیوان بدون تاریخ نوشته شده، پشت صفحهٔ نخستین تاریخ هائی دارد که ازهمه پیشتر بسال ۱۰۷۷ میباشد که نسخه در این تاریخ از کتابخانهٔ دولتخانه بیرون آورده شده ومسلّماً خود دیوان درنیمهٔ اول قرن یازدهم نگارش یافته و گذشته ازمندرجات «اول دیوان عرفی» «رساله نفیسه عرفی» ومجمع الابکار وبخشی از «خسروشیرین» عرفی

(درحدود ۳۰۰ بیت) وقصائد وغزلیات چندی را شامل وگذشته ازرساله نفیسه درحدود ۶۵۰۰ بیت شعرمیباشد .

ازیادداشتهای پشت صفحهٔ اول و آشنائی بخطوط کتابدارهای دربار صفوی معلوم میشود که نسخه متعلق به آن کتابخانها بوده، چهارسرلوح بسیارظریف که طرز آنها مختلف و چون خط کتاب از آثار هندی میباشد در آغاز رساله نفیسه، قصائد و مقطعات، غزلیّات ، و مجمع الابکار رسم گردیده ومیان سطرهای آنصفحه و صفحهٔ مقابل آن طلا اندازی ونقاشی گردیده است .

جلد سوخته معرق طلاپوش بسیار ظریف . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض ($\frac{۲}{۱}$ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷) .

(۱۲۳۰)

دیوان عرفی شیرازی این نسخه‌را محمدسعید بسال ۱۰۵۹ بخط نستعلیق خوب نوشته طرز مندرجات آن با نسخهٔ پیشین مخالف ولی از لحاظ معنی شبیه آنست (رسالهٔ نفسیه ، مجمع الابکار ، خسرو شیرین ، قصائد و مقطعات ، غزلیات ، ورباعیات) شش سر لوح ظریف که قسمت بالائی آنها نوساز میباشد در ابتدای شش بخش نام برده میباشد و میان ابیات دو صفحهٔ نخستین هریك باطلا نقاشی شده و نیز میان ابیات تمام صفحات وفواصل قصائد و غزلیات وغیره تذهیب گردیده ، تمام برگها باکمال استادی متن وحاشیه گردیده در پایان آخرین صفحه ظاهراً یادداشتی بوده محو گردیده و یاد داشت دیگری جای آن نگارش یافته وجز رسالهٔ نام برده شامل درحدود ۶۳۵۰ بیت است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ **متن** خانبالغ **حاشیه** فرنگی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۱). صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۵ سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸) .

(۱۲۳۱)

دیوان عرفی شیرازی این نسخه بخشی از اول آن افتاده و بیت نخستین آن که از ردیف دال غزلیات میباشد اینست :

وبرگهائی میان برگ اوّل و دوم آن افتاده ، این قسمت موجود که شامل بخشی ازغزلیات وقصائد ومقطعات ورباعیات میباشد درحدود ۴۲۰۰ بیت میباشد واشعاریکه عرفی پس از دیوان اول خود ، سروده دراین نسخه موجود وازآنها این قطعه است .

یکتا گهر محیط اخلاص — از بحر محیط پادشا زاد
تاریخ تولدش چه پرسی — « آرایش روزگار مازاد »

واین مصراع چهارم موافق حساب ابجد سال ۹۹۹ را معین میکند ، برگهائی ازنسخه وصّالی‌شده وابیاتی هم درحواشی نگارش یافته واگردرزمان حیات شاعر نگاشته نشده باشد مسلّماً درسال های اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی. واقف سپهسالار . قطع‌خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۴۲) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶) .

(۱۲۳۲)

دیوان عرفی شیرازی این نسخه فقط مجمع‌الابکار وخسروشیرین عرفی میباشد بخط نستعلیق بسیارخوب نورالدین محمد لاهیجی بسال ۱۰۱۴ نگارش یافته ، در آغازهریك ازدو کتاب یك سرلوح زیبارسم شده ، چهار مجلس صورت سازی بسیارقشنگ که هریك نصف صفحه رافراگرفته دارا، برخی از صفحات مختصر وصّالی شده و بنام « منظومه نورالدین لاهیجی » داخل کتابخانه اعتضادیه واین کتابخانه گردیده ومسلّماً غلط است .

جلد روغنی دورو ، درون مجلس حضرت یوسف ع وزلیخا وزنان مصروکاردوترنج وبرون‌آن گل و بلبل . **کاغذ** کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۶۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۶۲) .

۱ [۵۵۵] دیوان علی نقی (فارسی)

زین‌الدین شیخ علی نقی کمره ای متولّد بسال ۹۵۸(۱) و متوفی بسال

(۱) در اواخر بخش قصائد ومقطعات درتاریخ ولادت‌خود اززبان پدر گوید :

فرزند علی نقی گزین درّ ثمین — آمد بوجود و حظّ وافر بیقین
ازدانش‌ودین و دولتش هست که هست — تاریخ « امام دانش و دولت و دین » .

۱۰٦۰(۱)ازعلمای امامیّه قرن دهم و یازدهم هجری میباشد ومؤلفاتی درفقه وحکمت و کلام واخباردارند ودرص ۳۰٤-۳۰٦وص۳٤۷- ۳۵۰ ج ۱ فهرست دو مؤلفهٔ ایشان را معرّفی کامل کرده ام .

این عالم چندی قاضی شیراز بوده وبهمین جهت صاحب امل الآمل(ج ۲ ص ۵٦) ایشان را شیرازی معرفی کرده و پس از آن شیخ الاسلام اصفهان گردیده و کتاب مفصّلیکه دررد برنوح آفندی درمبحث امامت بفارسی نوشته اخیراً داخل دراین کتابخانه گردیده ودرمجلّد بعد معرّفی خواهد گردید .

این عالم نقی تخلّص است و دیوان وی شامل غزلیات ، رباعیات ، قصائد ، مقطعات ، معمّیات ، ترکیب بند ، مراثی وتاریخ هاست و نسخه زیرین درحدود (۵۳۰۰) بیت شعرمیباشد .

آغاز (غزلیات):

ای نام همایونت طغراچهٔ فرمانها   خورشیدصفت طالع ازمطلع دیوانها

آغاز (قصائد):

چوخفتگان لحدراصباح روزنشور   زخواب مرگ جهاندنهیب نفخهٔ صور.

(۱۲۳۳) .

دیوان علی‌نقی کمره‌ای

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد جعفر بن عنایت‌الله شیرازی بسال ۱۰٤۹ نوشته ، دوسرلوح بسیارظریف در آغاز قصائد وغزلیات میباشد ومیان سطرهای دوصفحهٔ اول آنها طلا اندازی ونقاشی گردیده وصفحات مجدول بطلاولاجورد میباشد ، حاشیه برگ اول وآخر وصّالی گردیده است .

جلد ساغری ضربی و سوخته . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (½ ۲۵سانتیمتر) . عرض (½ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸٤) .

(۱) در ص ٤۰۹-٤۱۱ روضات شرح‌حال این‌عالم‌جلیل مفصلاً نگارش یافته ودرص ۲۱۳-۲۱٤ آتشکده آذر و ص ٤۹-۵۰ ج ۲ مجمع‌الفصحا مختصر معرفی از مقام شاعری و غزل‌سرائی ایشان شده است .

[۵۵٦] دیوان عماد فقیه کرمانی (فارسی)

عماد فقیه چنانکه در آخر نخستین نسخه زیر تصریح گردیده علی نام وعمادالدین لقب داشته ، تخلّص او عماد است ازعرفا وعلمای معاصر آل مظفر میباشد در کرمان که وطن او بوده خانقاهی داشته و بسال ۷۷۳(۱)در همانجا وفات یافته است ، داستان گربه وی مشهور ومعارضه خواجه حافظ دراشعارباصوفی ظاهراً باوی بوده وتصورمیکنم که عبید زاکانی هم موش و گربه خودرادراشارهٔ بکارهمین عماد ساخته باشد ، دولتشاه درتذکره خود از جواهرالاسرار شیخ آذری نقل نموده : « فضلا برآنند که درسخن متقدمان و متأخران احیاناً حشوی واقع شده الاّ سخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که در آن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه درلفظ ونه درمعنی » . وباچنین شهادتی نیازمندی دیگربرمعرفی ندارد واین دیوان وی که شامل دوقصیده درتوحید ونعت وغزلیات ومقطعات ورباعیات وفردهای‌شیوا میباشد درحدود (۵۰۰۰) بیت است .

آغاز :

ای هردم از عطای تو کامی دگرمرا   وز شکر نعمت تو دهن پرشکرمرا .

(۱۲۳٤)

دیوان عماد فقیه

این نسخه در زمان حیوة شاعر بسال ۷٦۳ بخط نسخ خوب نوشته شده ، مرتب بترتیبی نیست ، در اینجا عین عبارت نویسنده که در آخرنسخه نوشته نقل مینمائیم :

تمّت کتابة‌الغزلیات‌المجموعة في‌هذاالمجلدمن‌مقولات شیخ‌الاسلام الاعظم قدوة اکابرمشایخ العالم مرشد اعاظم‌السلاطین عمادالملّة والشریعة والدین علی الفقیه ادام‌الله میامن انفاسه‌الشریفه باشارة‌الصاحب‌الاعظم سلطان‌الحاج والحرمین افتخار اکابر الخافقین جمال‌الدولة والدین مقبول

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۰٤-۲۰٦ چاپی ، هفت اقلیم ص۲۲۷-۲۲۹ وآتشکده آذر ص ۱۲۵ مراجعه شده است .

اکابر السلاطین رشید زید قدره وعزّ نصره علی یدالعبدالضعیف جنیدبن عوض سالاراصلح‌الله شأنه في سبع الاوّل سنة ثلث وستین وسبعمائه .

ودر حاشیهٔ همین صفحه انتقال آن بسال ٧٦٤ بدیگری یادداشت گردیده و دو صفحهٔ نخستین دارای دومربع مستطیل (پیشانی) مذهّب ونقاشی شدهٔ ظریف ازهمان قرن هشتم وهنگام کتابت نسخه میباشد وتمام صفحات مجدول بطلاولاجورد است

پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود ویادداشتی رااز آنجا محو کرده‌اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٨٧) . صفحه‌ای (١٤) سطر . طول (٢٣ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٠ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٨٢) .

(١٢٣٥)

دیوان عمادفقیه این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ٩٨١ محب‌الله‌بن حسن نوشته وغزلیات آن برحسب ردیف ها مرتب بترتیب حروف تهجی میباشد ، سرلوح کوچك ظریفی در اول دارد ومندرجات آن عیناً نسخهٔ پیشین ولی مرتب بحروف تهجی بر حسب قوافی است وصفحات مجدول بطلاوزنگاروشنجرف گردیده وتتمّه غزلیات وتمام مقطعات ورباعیات وفردها درحاشیهٔ برگهای نیمهٔ اول نسخه نگارش یافته وپشت صفحهٔ اول وآخر یادداشتهائی میباشد وبرخی هم محو گردیده وبرخی ازبرگها وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (١٥٦) صفحه‌ای (١٢) سطر درمتن (٩) درحاشیه . طول (٣١ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٨١) .

[٥٥٧] دیوان عنصری (فارسی)

عنصری ، ابوالقاسم حسن‌بن‌احمد بلخی متوفی بسال ٤٣١(١) میباشد ، در کوچکی سایهٔ پدرومادرازسرش کوتاه شد ، دزدان سرمایه اورا درسفری ازکفش ربودند ، بتحصیل سرمایه معنوی پرداخت ، ازفضلای نامدارشد وملك‌الشعرای سلطان محمود غزنوی گردید ودر آن عصر برچهارصد شاعر مبرّز دربار محمودی چون فردوسی

(١) لباب‌الالباب ج ٢ ص ٢٩–٣٢ ، تذکره دولتشاه ص ٤٤–٤٧ چاپی ، هفت‌اقلیم ص ٤٤٧–٤٨١ ، آتشکدهٔ آذر ص ٣١٩–٣٢١ ، مجمع‌الفصحا ج ١ ص ٣٥٥–٣٦٧ وسخن وسخنوران ج ١ ص ٩٨–١٠٧ مراجعه گردیده است .

وعسجدی وغضائری ومنجیك واسدی طوسی ومنوچهری وزینتی سکزی وابوحنیفه اسکافی وراشدی وابوالفرج سکزی وغیرازاینها امیر بوده و برتری داشته و ازراه مدح وثنای پادشاه تموّل ودارائی بی‌نهایت یافته وسلطنت سلطان مسعودبن محمود را ده سال درك کرد وباعزت در اثر حسن خلق و کرامت زندگانی نمود و پیش پادشاه ومردم معززومحترم بود ، گویند سی‌هزار بیت انشا نموده ولی اشعار او در دست نیست ، بزرگترین نسخه‌ای که نگارند دیده متعلق به کتابخانهٔ مجلس میباشد که درحدود ٥٠٠٠ بیت است وهدایت دیوان سه‌هزاربیتی آنراپیش‌خودداشته

عنصری گذشته از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات چند مثنوی بنام وامق و عذرا ، « شاد بهرو عین الحیوة » ، « سرخ بت و خنگ بت » نسبت میدهند ولی نسخهٔ آنها در دست نیست ، آقای تربیت در ص ٣١٩ شمارهٔ ٤ مجله مهرسال پنجم (١٣١٦ خورشیدی) نوشته اند که ابیاتی ازمثنویات عنصری را ازجاهای مختلف گرد آورده‌اند وازعبارت عوفی درذیل‌شرح حال‌نظامی(١) نگارنده استفاده میکند که اورا کتابی بنام خسروشیرین ویا بدان وزن وبحربوده ولی بدین نام کتابی بدو نسبت نداده اند .

(١٢٣٦)

دیوان عنصری این‌نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، بسال ١٢٨٢ داخل کتابخانه اعتضادیه گردیده ، ظاهراً چند سالی پیش از این تاریخ نوشته شده ، دیوان منوچهری بخط همان نویسنده بدان پیوسته میباشد واعتضادالسلطنه درحاشیه بعضی از صفحات دیوان دوم یادداشتهائی بسال ١٢٨٣ نموده واین نسخه ازدیوان عنصری که شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیاتی چند میباشد درحدود (٢٠٠٠) بیت است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق کلیه (١٥٤) . این دیوان (٧٥) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (٢١ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٣ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٨٩) .

(١) عبارت لباب اینست : « قصهٔ خسرو شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد » .

[۵۵۸ و ۵۵۹] دیوان فضولی بنگ و باده (ترکی)

محمدبن سلیمان بغدادی متوفی بسال ۹۷۱(۱) متخلص به فضولی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده ، بعربی وترکی وفارسی شعر میسروده ومثنوی « بنگ وباده » وی که بترکی و درمعارضهٔ ابن دوبر اندازند اساس آدمیّت وعفت در (۳۵۰) بیت میباشد نیزاز آثاراوست ، درهفت اقلیم وآتشکدهٔ آذر چند بیت فارسی از اونقل گردیده وما برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی آنها و چند بیتیکه در دیباچهٔ این دیوان گذارده دراینجا می آوریم :

آسودهٔ کربلا بهرحال که هست   گرخاك شود نمیشود قدرش پست
بر میدارند و سبحه اش میسازند   میگرداندش ازشرف دست بدست

تا در دلت اندیشه بیداد نیاید   هرگز زمن دلشده ات یاد نیاید

یارمارا به ازین زارو حزین میخواهد   به ازین چیست که مارا به ازین میخواهد

ز بیم دشمنیم ای رقیب ایمن باش   که مهر او بدلم جای کین کس نگذاشت

طبیب عشق علاجی بغیر مرگ نکرد   ولی کشنده تر از مرگ بود درمانش

اگر عمرها مردم بد سرشت   بود همدم حوریان بهشت
در آن محفل پرصفا روزوشب   ز جبرئیل خواند فنون ادب
بآن اعتقادم سر انجام کار   نگردد ازو جز بدی آشکار
اگر سالها گوهر تابناك   فتد خوار و بیقدر بر روی خاك
برآنم که کمتر نشیند غبار   ز خاکش برآئینهٔ اعتبار
چو ازخاك خیزد همان گوهراست   شهانرا برازندهٔ افسر است .

فضولی دیباچه ای بترکی براین دیوان نوشته و خود دیوان که شامل غزلیات وقطعات ومخمسات ورباعیات میباشد درحدود(۳۱۵۰)بیت میباشد وبسال ۱۲٦٦ درتبریز ونیز درتاشکند چاپ گردیده است .

(۱) در ص ۲۰۳ و ۵۱۸ ج۱ کشف الظنون و ص ۹۳ هفت اقلیم و ص ۱۷۳ آتشکده مراجعه گردیده است .

علاقمندی فضولی باهل بیت و تشیّع وی از آثارش ظاهر و گذشته از قصائدی که درمدح حضرت مولی علی بن ابی طالب علیه السلام دارددر اوائل بنگ و باده (نسخه دوم این فهرست) گوید :

اولدر آئینه دارصورت حق   نه وصی نفس مصطفی مطلق
ناظم شرع ساقی کوثر   باب شبیرو والد شبّر
ربنا لاتعسرو اولسی   ربّنا شربت بکف علی
یار سلمان و خواجهٔ قنبر   والی روضه ساقی کوثر

آغاز (دیباچه): بسمله حمد بیحد اول متکلم نطق آفرینه که سفینه امید سکان بحار بحور نظمی الخ .

آغاز (دیوان):

قدانار العشق للعشاق منهاج الهدی   سالك راه حقیقت عشقه ایلر اقتدا .

آغاز (بنگ وباده): ای ویون بزم کایناته نسق براقن جام عشق شاه حق .

(۱۲۳۷ و ۱۲۳۸)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش وتذهیب احتمال میدهم که درقرن دهم وزمان حیات فضولی نگاشته شده باشد ، سه سرلوح ظریف که طرز آنها بایکدگر مختلف میباشد دراول دیباچه ودیوان وبنگ و باده میباشد ، میان سطرهای دوصفحه اول دیباچه ودیوان طلااندازی شده وتمام صفحات باطلا وغیره جدول کشی شده وتذهیب ونقاشی گردیده ، ومهرهائی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، بامقابله به نسخه دیگرمعلوم شد که دوبرگ ازآخر نسخه هم برداشته شده وبرخی ازاوراق وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۵۱). صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲٦ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷) .

(۱۲۳۹ و ۱۲۴۰)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه را بسال ۱۰٦۹ بر حسب امر زال بیك یوزباشی ، رجب بن محب علی شاملو بخط نستعلیق نوشته وشامل قصیده‌ای در مدح حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و قصائد

دیگر میباشد وبنگ وباده آن تمام است ، دوسرلوح زیبا دراول دیباچهٔ دیوان وبنگ وباده دارد ، دو صفحهٔ نخستین دیوان اطراف آن تذهیب ونقاشی گردیده درپایان صفحه آخر و پشت آخرین برگ یاد داشتهائی شده و برگ نخستین مختصر وصّالی گردیده ومهرزال بیك در چند جا زده شده است .

جلد میشن . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (١٤٢) . صفحه‌ای (١٥) سطر . طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ ١/٢ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٠٥) .

(١٢٤١)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهراً درقرن یازدهم) نوشته شده ، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده ، دیباچهٔ در اواخر کتاب ولی ناقص وبرگهای آن متفرق صحافی شده وچند صفحهٔ دیوان هم نونویس میباشد ، برگ اول که شامل غزل نخستین بوده واوراقی از آخر نسخه افتاده ، عناوین غزلها وسر فصل ردیف ها باطلا نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (١١٣) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (٢٢ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٠٦) .

(١٢٤٢)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً درقرن دهم) نوشته شده ، شامل غزلیات ورباعیات فضولی میباشد ، دو ورق از دیباچه آن افتاده وبرورق اولیّه کنونی یاد داشتهائی بسال های مختلف نگاشته شده که پیشترین آنها بسال ١١٩٨ بوده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٨٥) . صفحه‌ای (١٥) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٤ ١/٢ سانتیمتر) . شمارهٔ اوراق (٣٠٨) .

[٥٦٠] دیوان فغانی شیرازی (فارسی)

شاعر شیرین سخن بابافغانی شیرازی متوفی بسال ٩٢٥(١) مردی صاحب ذوق وشاعری ظریف بوده ، ظاهراً در شیراز شغل چاقو سازی داشته و در آن هنگام

(١) تحفه سامی ص ١٠٢ - ١٠٣ چاپی ، مجالس المؤمنین ص ٥٣٩ - ٥٤٠ و هفت اقلیم ص ١٨٧-١٩٠ مراجعه شده .

سکاکی تخلص داشته ، چون صیت شعردوستی وشاعر پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد ، فغانی بدانجا رفته وسالها در آن خطه مانده وخوش بوده وچون بواسطه مرگ آن پادشاه آن رشته ذوق و معرفت پاشیده شد بشیراز برگشته ، پس از چندی بخراسان رفته ودراواخر عمر ازشرب باده وگذرانیدن عمر بدانگونه که رویه وی بود پشیمان شده وتوبه نموده و این حالات وی از آثار وی هویدا و در مدح حضرت امام هشتم علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌التحیه والثناء قصائدی انشاء وبیشتر ازاشعاراو غزل وگاهی قصیده وقطعه ورباعی وترجیع بند نیز ساخته است و روش فغانی درنظم معانی وتلفیق الفاظ روشی خاص میباشد وغزل بلکه بیتی از دیوان او نیست که سوزو گدازعاشقی نداشته باشد .

دیوان وی بسال ١٣١٥ خورشیدی بتصحیح جوان دانشمند آقای سهیلی خونساری ومقدمه ای درشرح حال وی درطهران چاپ گردیده وشامل غزلیات (٥٨٢ غزل) وغیره میباشد ودرحدود (٤٠٠٠) بیت شعراست .

آغاز : ای‌سرنامه نام توعقل گره‌کشا برا ذکرتومطلع غزل طبع سخن سرا یرا

(١٢٤٣)

دیوان فغانی شیرازی این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب عبدالرشید (١) بدون تاریخ نوشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (٣٨٠٠) بیت شعر است ، غزلیات تمام وابیاتی ازغزلهای نسخه چاپی بیشتر دارد ، سرلوحی کهنه و ظریف دارد وپشت صفحهٔ نخستین اعتضادالسلطنه درمعرفی نسخه ونویسنده آن وسال دخول آن بکتابخانه ایشان شرحی نگاشته‌اند ، صفحات مجدول وتمام اوراق متن وحاشیه است .

جلد میشن ضربی طلاپوش . کاغذ متن خانبالغ حاشیه فرنگی آبی‌رنگ . واقف سپهسالار . قطع

(١) نویسنده درآخر نسخه فقط عبدالرشید امضاء کرده واعتضادالسلطنه اورادیلمی معرفی کرده و در صفحهٔ ١٩٥ پیدایش خط وخطاطان قطعه‌ای بخط این نویسنده گراورشده و درص ١٩٤ گوید بشرح حال وی دست نیافتم .
درتذکرة الخطاطین (اواخر ج ١) گوید : میرزا رشیدا خواهرزاده میرعماد مالك افسر و دیهم سلطنت ممالك خط گشت . . . . و بسال ١٠٤٨ در کشمیر وفات یافت . (بایستی مراد همین عبدالرشید باشد) .

وزیری . شمارهٔ برگها (۱۷۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($16\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۱) .

(۱۲۴۴)

دیوان فغانی شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب میر حسین صفوی بی تاریخ نوشته ، ظاهراً دراوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، چنانکه دردیباچه نسخه نوشته شده انتخابی از دیوان فغانی میباشد که باشاره امیرخان(۱) نام گردیده ودر آخر دیباچه مختصر قطعه ای درمدح امیرخان مذکور گذارده شده بیت آخر آن که اندکی کلمات آن محو گردیده چنین خوانده میشود :

رسد ای کاش به رازی شرف تربیتت که بود بندگیت دولت فرخنده مآل

بنابراینکه کلمه درمصراع اول **رازی** باشد بایستی مقدمه نویس وانتخاب کننده رازی شاعر باشد واین دیوان منتخب درحدود (۱۸۰۰) بیت میباشد و پیش از شروع بغزلیات دو صفحهٔ اول نسخه نقاشی بسیار ظریف شده ودر میان ترنجی که درمیان صفحه است چند سطری از دیباچه نوشته شده و پس ازدیباچه وقطعه نام برده ، ترجیع بند چاپ شدهٔ در دیوان و قصیده ای بردیف آفتاب نیز در مدح حضرت امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام که مطلع آن اینست :

ای صورت بدیع تو رامظهر آفتاب آئینه ایست روی ترا درخور آفتاب

نیز گذارده شده ، درابتداء دیوان سرلوح ظریفی میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ اول آن طلا اندازی شده ، فواصل غزلها تذهیب گردیده وحواشی بیشترازاوراق باطلانقاشی گل‌وبرگ ومرغ و آهووغیره گردیده وصفحات بجدول بطلاولاجوردو پشت آخرین صفحه دخول آن بکتابخانه محمود میرزا بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق خیلی خوب یادداشت گردیده ودرپایان آخرین صفحه محمد اسمعیل نام(ظاهراً کتابدار شاهزاده‌بوده) نوشته که بسال‌نام‌برده ضبط کتابخانه گردیده‌وبرخی ازاوراق حواشی آنهاوصالی شده است‌وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بنقل‌ازعلیقلیخان واله راجع به

(۱) باجستجو بشرح حال ومحل ومکان ومقام این شخص دست نیافتیم .

فغانی نقل گردیده وهم دراینجااستکه بسال ۱۱۶۰ داخل درعرض شد .

جلدها روغنی گل وبوته دار دورو . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (۹۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۱) .

[۵۶۱] دیوان فیض (فارسی)

ملا محسن‌فیض کاشانی ره (محمدبن مرتضی‌بن شاه محمود ۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکی ازمعاریف علما و عرفای قرن یازدهم هجری بوده و مؤلفات مهمی در فنون فقه واخبار وعرفان وغیره ازایشان بفارسی وعربی بیادگار مانده وما درص ۲۴ وص ۵۴۹ - ۵۵۱ ج ۱ فهرست بمعرفی‌ایشان پرداخته‌ایم و درصفحات ۲۴و۸۰و۱۳۴ و۳۲۳و۳۳۱و۳۳۳و۳۳۵و۳۵۱و۵۲۵و۵۴۹آن مجلد ده مؤلفه ایشان را معرّفی کرده ایم و دراشعار فیض تخلص دارد و دونسخه زیرین شامل قصائد و مثنویها وغزلیات ورباعیات عالمانه وعارفانه ایشان میباشد وچنانکه ازآخر نخستین نسخه معلوم میشود جمع وترتیب دیوان غزلیات فیض بسال ۱۱۰۲ یعنی ۱۱ سال پس از مرگ وی انجام گرفته است .

آغاز غزلیات : ای درهوای وصل تو ، جانها گشوده بالها

تو در دل ما بودهٔ ، درجستجوها سالها

(۱۲۴۵)

دیوان فیض کاشانی

این‌نسخه مشتمل برچند قصیده وچندین مثنوی ازفیض‌کاشانی میباشد ، بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده ، بسال ۱۲۷۷ در دست **رضاقلیخان هدایت** بوده و پشت برگیکه پیش از برگ نخستین بوده یادداشت نموده ویکی ازمثنوی ها را خود فیض «آب زال» نامیده و دیباچه مختصری بنظم بر آن نگاشته وآنرا به دو جرعه تقسیم کرده اول درخطاب به حضرت حق ودوم درخطاب بنفس و این نسخهٔ از دیوان شامل (۱۳۵۰) بیت شعرمیباشد و بدین شعر شروع گردیده :

کتاب آفرینش را بچشم سر اگر خوانی به‌بینی حق‌تعالی را دراین آیات نورانی

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۷۰) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۱۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱) .

(۱۲٤٦)

دیوان فیض کاشانی

این‌نسخه شامل غزلیات مرتبه بحروف تهجی برحسب ردیفها ورباعیات درحدود ۲۷۰۰ بیت شعر از **فیض** میباشد ، بسال ۱۲۳۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، یك مثنوی که ظاهراً نیز از فیض میباشد درحواشی اوراقی از آخر این دیوان وی همین نویسنده نگاشته و«فرهاد و شیرین وحشی» که پس‌ازاین از آن معرفی خواهد شد نیزهمین نویسنده نوشته و بدین دیوان پیوسته است .

دو سرلوح زیبا در اول دیوان و فرهاد و شیرین میباشد و اطراف دو صفحهٔ اول هریك از دونسخه و میان سطرهای دوصفحه اول آنها تذهیب و طلا اندازی گردیده وتمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد وسط ترمه دور تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق دو نسخه (۱۳٤) . اوراق دیوان (۹٦) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۲۲) .

[٥٦٢] دیوان فیضی (فارسی)

ناظم‌این‌اشعارابوالفیض‌فیضی‌فیاضی‌است که‌درص ٥۲۰-٥۲٤زیرشمارهٔ[٥۰٤] شرح‌حال ویرا نگاشته‌ایم ونیز درآنجا ازشمارهٔ ابیات دیوان فیضی که خودترتیب داده و ظاهراً این بخش ازآن دیوان میباشد نام برده ام واین بخش در حدود (۱۱۲۰) بیت میباشد ودرصفحهٔ نامبردهٔ بالااطلاعات زیادی راجع به‌دیوان‌واشعار فیضی داده شده است .

آغاز (این بخش) :

بوستان خیال فیضی را — از نم فیض تازه و تر بین
هرچه بینی بلند و پست درو — همه بالاتر و فروتر بین
نخلها تا فلك کشیده نگر — سبزها با زمین برابر بین

(۱۲٤۷)

دیوان فیضی

این نسخه شامل قطعات و ماده تاریخها و رباعیات فیضی‌است چنانکه در ص ٥۲٤ زیرعنوان خمسه فیضی که پیوسته به این نسخه میباشد نگارش یافت ، در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، خصوصیات دیگرنسخه را درآن صفحه زیرشمارهٔ (۱۱٤۱) نگاه کنیدوشمارهٔ این کتاب در این کتابخانه (۳۲۰) است .

[٥٦٣] دیوان (یاکلیات) قاسمی یاقاسم‌انوار (فارسی)

علی بن‌نصیربن هارون بن ابی‌القاسم حسینی مشهور به قاسمی(۱) و ملقّب به معین‌الدین(۲) و متخلص به‌قاسم وقاسمی از مشاهیر شعرا و عرفای ایران میباشد ، در بدو سلوك دست ارادت به شیخ صفی‌الدین اردبیلی داده وپس‌ازآن به‌صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده و چنانکه قاضی نورالله نوشته در اثر اینکه در خواب دیده نور قسمت میکند شیخ صدرالدین اورا **قاسم‌انوار** نامیده و بدین نام مشهور گشت ، پس از تکمیل کمالات صوری و معنوی از آذربایجان به‌گیلان و ازآنجا به‌خراسان رفته ودرهرات رحل اقامت انداخته و مردم نسبت بوی ارادت ورزیده‌اند ، شاهرخ‌صلاح پادشاهی‌را دراین‌دید که سیّد با این‌مطلوبیت ومحبوبیت در آنشهر نماند ، سیّد انوار از آنجا بسمرقند رفت و الغ بیك نسبت بوی کمال همراهی را نشان داد ، پس از چند سالی دوباره به‌هرات برگشته و از آنجا به خرجردجام رهسپار گردید ودرآنجا بسال ۸۳۷ بسرای جاویدان شتافت ودرهمان باغی که منزل داشت به‌خاك سپرده شد و امیرنافذالامر امیرعلی‌شیرنوائی دراواخر قرن نهم عمارتی زیبا بر سر قبر وی بنا نموده ودولتشاه گوید « گردون بهزار چشم بزیبائی آن ندیده است » هدایت تولّد این‌عارف را بسال ۷۷ وعمر اورا نود سال

(۱) دانشمندان آذربایجان ص۳۰٤ ، تذکره دولتشاه ص٣٤٦-٣٥٢ ، مجمع‌الفصحا ج۲ص۲۷-۲۸ ومجالس‌المؤمنین ص ۳۷۳-۳۷٥ مراجعه گردیده است .

(۲) در دانشمندان و مجالس‌المؤمنین لقب وی معین‌الدین ولی در تذکره دولتشاه صفی‌الدین ثبت گردیده ودرمقدمه انیس‌العارفین قاسم انوارخود را حسینی ومشهور به‌قاسمی‌معرفی کرده است .

نوشته ولی با تعیین سال تولد و وفات که عین آنرا نقل نمودیم هشتاد سال میشود نه نود سال و دولتشاه وفات اورا بسال ۸۳۵ ثبت کرده است .

کلیات یا دیوان قاسم انوار عبارتست ازدیوان غزلیات و رباعیات و قطعات و مثنوی « انیس العارفین » وتذکرة الاولیا یا « مقامات العارفین ».

چنانکه درتذکره‌هانوشته‌شده این‌شاعرعارف‌نسبت‌به‌خواجه‌حافظ کمال‌ارادت داشته وهماره دیوان اورا نزد خود داشته وبه‌آن مراجعه مینموده وبیشتر غزلیات وی موافق غزلیات خواجه ازحیث معنی ووزن وبحرمیباشد وصاحب ذوقی دیوان غزلیات این دو شاعر را در یك مجلّد گذارده باین معنی که صفحهٔ راست را باشعار حافظ وچپ را باشعار قاسم‌انوار اختصاص‌دادهٔ وتا بآخر پیش رفته‌است خصوصیات آن زیر دوّمین نسخهٔ زیر ودرص ۵۸۳ مراجعه شود.

مثنوی انیس‌العارفین را به‌مقدمهٔ نثری مختصرشروع نموده ودرحدود (۶۰۰) بیت شعر میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله منت خدایرا جلّت عظمته و علت کلمته که بشعشعهٔ انوار اسرار شموس ارواح ....

یامغیث‌المذنبین معطی السوّال　　یا انیس العارفین یا ذالجلال

و تسمیه این مثنوی بدین نام ظاهراً مصرع اخیر این بیت میباشد و در مقدمه وخاتمه‌وجای دگراز کتاب اثر دیگری ازاین‌نام نیافتم .

« مقامات‌العارفین » یا « تذکرة‌الاولیا » نیزبه مقدمهٔ کوچك نثری شروع شده و ۱۰۷ بیت شعرمیباشد وخود در این مثنوی گوید :

بشنو ای طالب ره توفیق　　در طریق خدا علی التحقیق
صد مقامست پیش اهل مزید　　اولش یقظه آخرش توحید
گرچه زین بیشترتوان گفتن　　درّ معنی بصد بیان سفتن
لیك این صد بود اصول همه　　سالکان را بود وصول همه
هست این صد مقام برده قسم　　هرده از هم تمیز کرده باسم

آغاز : (مقامات‌العارفین) برادرعزیزرا سعادت ابدی مساعد بادوبرصفا ولقانا

رسیده ازدنیامرواد بالنبی و آله‌الامجادروزی‌جندست که‌سلطان جمال‌معشوق حقیقی ازافق‌دل ......باتورمزی بگویم .

الای شاه باز ملك لاهوت　　مقید ماندهٔ در دام ناسوت

دیوان غزلیات ورباعیات ومقطعات وغیره انواردرحدود (۶۰۰۰) بیت میباشد .

آغاز : من بیچارهٔ سودا زده سرگردانم
که باوصاف خداوند سخن چون رانم

(۱۲۴۸)

دیوان قاسم انوار

این نسخه ازدیوان که گذشته ازغزلیات ومقطعات ورباعیات شامل دومثنوی « مقامات‌العارفین » و « انیس‌العارفین » میباشد در حاشیهٔ دیوان کمال خجندی از اول تا بآخر نوشته شده (مقامات‌العارفین ۲۷ برگ بآخرمانده شروع و ۲۰ برگ مانده خاتمه می‌یابد وبخش اول آنهم مکرر نوشته شده وانیس‌العارفین از ۲۰ برگ بآخرمانده تاصفحه آخر دیوان نگاشته شده و حواشی آخرین صفحه که شامل اواخراین مثنوی اخیر بوده اندکی محوگردیده است) نویسنده دیوان خود را علی دامغانی و سال نگارش را ۸۲۱ معین نموده وبخط نستعلیق خوب میباشد ، در کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۶۶) ثبت گردیده و خصوصیات دیگر آنرا زیر عنوان دیوان کمال خجندی ذکر خواهم نمود .

(۱۲۴۹)

دیوان قاسم انوار

این‌نسخه که‌بسال ۱۰۰۵ نوشته‌شده، شامل غزلیات ومقطعات ورباعیات قاسم انوار میباشد و نویسنده نسخه ملتزم شده که صفحه راست را شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات حافظ قرار دهد وصفحهٔ چپ را ازقاسم انوار وتابآخر پیش رفته و شش ورق بآخرمانده دیوان حافظ بآخر رسیده واین دیوان درحدود ۵۳۰۰ بیت است ، ودرآنجا سال نگارش موجود وتمام این اوراق آخرشامل اشعارقاسم انوار است هردونسخه در کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۰۲) ثبت گردیده و در ص ۵۸۳ خصوصیات دیگر آنرا نگاشته‌ام .

[٥٦٤] دیوان قطب‌الدین حیدر (فارسی)

در کتب تراجم و تذکره ها قطب‌الدین حیدر و یا شاعر **حیدر** تخلص نیافتم جز در تذکرهٔ هفت اقلیم در ذیل شهر تربت (ص ٥٧٤) که ظاهراً قطب‌الدین حیدر یرا که معرّفی نموده صاحب همین دیوانست وعین عبارات آن کتاب اینست :

« شیخ قطب‌الدین حیدر قطب وقت بوده وحیدریان بوی منسوب‌اند ، ابدال‌سنجان شاه‌سنجان (در ص ٧٥ جزء ٣ جلد ٣ حبیب‌السیر وفات ابدال سنجان ، رکن‌الدین محمود بسال ٥٩٧ ثبت‌است) این رباعی در حق وی انشاء نموده ،

رندی دیدم نشسته بر خشك زمین — نه کفر و نه اسلام ونه‌دنیا و نه دین
نه حق نه حقیقت نه طریقت نه مجاز — اندر دو جهان کرا بود زهرهٔ این

در تاریخ مبارکشاهی آمده که وی‌را **شاه ابدالان** میگفته‌اند ومظهر آثار غریبه وامور عجیبه بوده چنانکه در تابستان به‌آتش درمی‌آمده وزمستان درمیان برف می‌نشسته و گاه گاه ویرا دربالای قبه یا شاخ درختی میدیده‌اند که صعود طیور بر آن مشکل بوده

فراز و شیب ره از رهروان گرم مپرس — که پیش مرغ هوا کوه ودشت یکسان‌است

از شیخ‌نظام اولیا نقل‌است که شیخ‌حیدر با یاران خود میگفته که ای عزیزان ازمغل بگریزید که باچنگیزخان‌درویشی است ازدرویشان خدای که مرا بااومقاومت نیست واین مغلان به حمایت آن درویش بسیاری‌ازولایات‌راخواهند گرفت‌وچون‌این‌سخن بگفت درششصدوهیجده(١)ناپدید گشت» .

این شاعردرغزل سرائی طبعی غرّا داشته وحیدرتخلص دارد ، برای نمودار یکی ازغزلیات اورا دراینجا می‌آوریم :

کنون که شاهد بستان ز رخ کشود نقاب
بیاو جلوهٔ باغ بهار را دریاب
شکفت باغ چونرگس تومست خواب غرور
گـذشت عمر بغفلت شبی برآ از خواب
چنانکه موسم گـل یك دو روز مغتنم است
غنیمت است جوانی و روزگار شباب
مدار در چمن از می قـدح چو لالـه تهی
که بهر داغ دل آمد درین جهـان خراب

(١) در ص ٧٦ جزء ٣ جلد ٣ حبیب‌السیر وفات قطب‌الدین حیدر بدینسال ثبت گردیده است .

اساس هستی حیدر بمی خراب اولی — که این‌خرابه ندارد بنامگر بر آب‌خراب

این دیوان که بترتیب حروف تهجی موافق ردیف های غزلیات مرتب گردیده درحدود ٢٧٠ بیت شعرمیباشد .

آغاز : بیارب یاربم تاروز بی ماه رخت شبها
شب و روز از خدا وصل تومیخواهم بیاربها

(١٢٥٠)

دیوان قطب‌الدین حیدر

این‌نسخه بخط نستعلیق‌خوب‌نوشته شده ، برگ آخرافتاده ، ظاهراً ازخطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد ، چندین برگ‌ازاول‌نسخه‌هم پاره‌شده‌و وصّالی گردیده ، یادداشتهائی که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده ، شاهزاده اعتضادالسلطنه بنام دیوان قطب‌الدین حیدر آنرا معرفی نموده وبهمین نام وقف گردیده ، یك سرلوح بسیار ظریف دراول نسخه میباشد وتمام صفحات تذهیب ونقاشی وجدول کشی بسیارممتاز گردیده است .

جلد تیماجی ظریف طلائی . کاغذ **متن** خان‌بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌ربعی. شمارهٔ اوراق (٣١) . صفحه‌ای (٩) سطر . طول (١٨سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١١ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (٢٤٨) .

[٥٦٥] دیوان قطران تبریزی (فارسی)

حکیم قطران ازشعرای‌قصیده سرای معروف‌قرن پنجم هجری میباشد ، هدایت وفات اورابسال ٤٦٥ ثبت نموده وشواهد تاریخی بر وجود اوتا اینسال موجود ، نام اوراتذکره نویسان ازعوفی تاکنون (١)کسی ثبت ننموده شاید قطران تخلّص ونام وی بوده ، پدراورا درهفت‌اقلیم منصور واورا اجلی‌معرفی ، ناصرخسرواورا درتبریز ملاقات(٢) وگوید که دیوان منجیك و دقیقی را پیش من آورد و خواند ومشکلات‌آنهارا حل‌نمود وزبان فارسی نیکونمیدانست واشعارخود برمن خواند .

(١) لباب الالباب ج ٢ ص ٢١٤ ، تذکره دولتشاه ص٦٧-٦٩ چاپی ، هفت اقلیم ص ١٠١٧ - ١٠٢١ ، آتشکدهٔ آذر ص ٣٦ - ٣٧ ، مجمع‌الفصحا ج ١ ص ٤٦٦ - ٤٧٦ ، سخن وسخنوران ص ١٣٠ - ١٦٠ بخش اول ج ٢ ودانشمندان آذربایجان ص ٣٠٧-٣٠٩ .
(٢) ص ٨ سفرنامهٔ ناصرخسرو چاپ برلن .

بهر حال قطران شاعری قصیده سرا و دارای صنایع لفظی و لطائف معنویست و دیوان وی گذشته از قصائد شامل ترکیب بند و تغزلات میباشد و آقای تربیت در دانشمندان نگاشته اند که دیوان او را تا دوازده هزار بیت دیده ام و هدایت ازهشت‌هزارتاده هزارودولتشاه قطران‌صاحب ترکیب‌بندذوقافیتین‌راکه نزدسائر تذکره نویسان تبریزی‌است ترمذی واستاد انوری معرفی کرده وآذرهم در آتشکده اشاره بااین‌اختلاف کرده وتبریزی بودن اورا ترجیح داده وبرخی تصور کرده‌اند که دونفرشاعر قطران نام و تخلص بوده یکی ترمذی و دیگری تبریزی و بگفته امین احمد قطران‌تبریزی چند مثنوی‌نیز انشا نموده ویکی‌از آنها «قوس‌نامه» میباشد که بنام امیر محمدبن امیرقماج والی بلخ انشاکرده است.

نسخه ای ازدیوان قطران که شامل ده هزار بیت میباشد جناب آقای تقوی رئیس محترم این دانشکده مرتب فرموده و در کتابخانه شخصی ایشان موجود و تذکر دیگر که سابقین نیز نگاشته اند اینکه اشعار قطران با رودکی بسیار شبیه ودیوانیکه بنام رودکی بسال ۱۳۱۵ درطهران چاپ‌شده بیشتر آن ازقطران میباشد.

نسخه زیرین درحدود ۳۰۰۰ بیت میباشد وآغاز آن اینست:

تاببوشید بلؤلؤی ثمین باغ سمن بگل سرخ بیاقوت بیاراست چمن.

(۱۲۵۱)

دیوان قطران تبریزی این‌نسخه را بسال ۱۲۵۰ محمد علی‌ابن‌حاجی محمد باقرتنکابنی برحسب امر محمد محسن میرزا در شهر زنجان بخط نستعلیق نوشته وشاهزاده پشت صفحهٔ نخستین نویسنده را ملاّ باشی خود معرفی کرده ومهر خودرا هم زیر این یادداشت زد ولی اندکی محو گردیده وبسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه‌شده وبرخی‌ازابیات آن‌تصحیح گردیده وازترکیب بند مشهور بخشی را بیشتر ندارد واوراق ننوشته ای بجای آن گذارده شده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۰۴). صفحه‌ای (۱۶) سطر. طول ($21\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۵۰).

[۵۶۶] دیوان کاتبی (فارسی)

محمدبن عبدالله متخلص به **کاتبی** (۱) ازترشیز خراسان میباشد وچون به نیشابور آمده ودرخط شاگردی نسیمی راکرده مشهور به نیشابوری شده، چندی ملازم بایسنقربن شاهرخ را نموده وقصیده‌ردیف نرگس را حسب‌الامروی تتبع نموده ولی چنانکه باید در اثر حسد معاصرین مورد قبول نیافته و کار باستهزا کشیده، پس از آن ازخدمت استعفاکرده و رو به شروان کرده، و امیر ابراهیم که مربای بتربیت دانشمندان بوده اورا پذیرائی کرده، کاتبی قصیده‌ای بردیف گل درمدح وی ساخته وانعام بسیار یافته ودرهنگام مراجعت بمرض طاعون دراستراباد در گذشته وصاحب مجمع‌الفصحا وفات اورابسال ۸۳۸ ثبت نموده و گوید دومثنوی یکی بنام «مجمع‌البحرین» و دیگری بنام «محب ومحبوب» داردوهمین مجمع‌البحرین وی میباشد که ذوقافیتین است واهلی شیرازی «سحرحلال» خود را درمقابل آن ساخته است.

آغاز: آفاق پرصداست زکوه گناه ما کوه گناه چند بود سنگ راه ما.

(۱۲۵۲)

دیوان کاتبی نیشابوری این‌نسخه درابتداء نسخه شمارهٔ (۲۷۹) این کتابخانه میباشد (ص ۱ - ۹۵)، وخصوصیات دیگر آن در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگارش یافت، شامل غزلیات مرتب بحروف تهجی ومقطعات ورباعیاتی‌چند است وتمام آن درحدود ۱۰۰۰ بیت شعراست.

[۵۶۷] دیوان کلیم کاشانی (فارسی)

ابوطالب کلیم ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده، باصائب تبریزی ومیرمعصوم کمال الفت و دوستی داشته، و صائب در این معنی که دوستی و صمیمیّت سه نفر گوینده معاصرباشد بااظهار تعجب ازاین توافق گفته:

(۱) هفت اقلیم ص ۶۲۸-۶۳۱، آتشکدهٔ آذرص ۷۵ ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۲۸-۲۹ مراجعه شده است.

بغیر صائب و معصوم نکته سنج و کلیم   دگر که زاهل سخن مهربان یکدگرند

وچنانکه خود کلیم تصریح کرده

(در دامن الوند اگر غنچه شود گل   زنهار مگوئید کلیم ازهمدانیست)

اصلاً همدانی است ولی درکاشان تربیت شده ازاینرو کاشانی مشهور گردید و چنانکه خوشگو در تذکره خود گفته « ظفرنامه شاه جهانی » نظم اوست.

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود (ص ۱۷۳ - ۱۷۵ ترجمه ج ٤) وفات کلیم را بسال ۱۰۶۱ مطابق ۱۶۵۱ م معین نموده وهمین تاریخ را خوشگو درسفینه خود ذکر نموده ودربعضی ازتذکره هاست که کلیم مقام ملك الشعرائی شاه جهان را یافته و چنانکه از چندقطعه انشائی وی که در دیوان او موجود است برمی آید چندی باتهام جاسوسی در قلعه شاهدرك زندانی بوده و اشعار او قصیده و ترکیب بند و ترجیع بند و غزل و قطعه و رباعی است و محبت اهل بیت علیهم السلام از آنها ظاهر و این نسخه ازدیوان او که زیر این سطرها معرفی میشود درحدود ۸۰۰۰ بیت ازاشعار او را شامل میباشد و خوشگو کلیات کلیم را (بامثنویات او) سی هزار بیت (۳۰۰۰۰) معین نموده است.

(۱۲۵۳)

دیوان کلیم کاشانی

این نسخه ظاهراً درزمان خود کلیم نوشته شده ، برکنار بخش غزلیات ، غزلیاتی درزیر عنوان راقمه کلیم که میرساند بخط خود شاعر میباشد نوشته شده و باخط اصل نسخه مغایرت دارد ، برگهائی ازاول دیوان که شامل بخشی ازقصائد بوده وبرگهائی از آخر که شامل برخی ازرباعیات بوده ، افتاده ونخستین بیت صفحه اول نسخه اینست :

زبس که شوق ثنایش بحرفم آوردست   زبان من چوجرس بی مخاطبی گویاست

چند برگ کاغذ جدول کشی شده ننوشته دراول و آخر دیوان گذارده شده . وبرصفحهٔ اول آنها سرلوحی کشیده شده ولی بی اهمیت میباشد و پشت این صفحه یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۸۹ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۵۶) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٤۷) .

[٥٦٨] دیوان کمال الدین اصفهانی (فارسی)

کمال الدین اسمعیل پسر جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی ازمشاهیرسخن سرایان قرن ششم واوائل هفتم هجری میباشد ، بمداحی خوارزمشاهیان و صاعدیه(۱) که مربی این شاعر بوده اند وملك نصرةالدین ورشیدالدین وشهاب الدین وفخرالدین احمد وصدرالدین عمر خجندی (که از همه صدر تعبیر کرده) و عمیدالدین فارسی پرداخته ، چون درشعر وشاعری مرتبه ای عالی یافت اورا « خلاق المعانی » لقب دادند ، برخلاف دانشمندان ثروتی بسزا داشته و ظاهراً پدر یاجدش اززرگری وکسب درطریق تحصیل علوم و فضائل پانهاده و در عالم علم و ادب زرافشان شده ودراواخر عمر دست ارادت بشهاب الدین سهروردی داده(۲) وبسال ٦۳٥ در اصفهان مغولان اورا شهید کرده اند(۳).

عمر کمال الدین را ازروی تحقیق بدست نیاوردم ولی دریکی ازقصائد که شکایت از پیری کرده گوید :

دریغ وغم که پس ازشصت واند سال زعمر   بناگهان بسفر میروم نه برگ و نه ساز

(۱) دردیوان کمال الدین مدائحی بسیار ازصاعدیه موجود وتاریخ یکی ازقصائد که درمدح رکن الدین صاعدی میباشد وازاو صدر تعبیرشده وبدین مطلع میباشد :

خفتهٔ بیدار بودم دوش کزدارالسلام   مرغ باد صبا آورد سوی من پیام .

اینست : برتومیمون باد این تحویل فرخ کاوفتاد   در سنهٔ خمس ثمانین غره ماه صیام

وهمین رکن الدین مسعود صاعدی را مراثی متعدی گفته ودر دیوان وی موجود است . وابوالعلاء صاعدی را نیز بقصیده ای مدح نموده است .

(۲) درقصیده ای که بدین مطلع میباشد :

دلا بکوش که باقی عمر دریابی   که عمر باقی ازین عمر به گذریابی .

علاقمندی خود را به سیروسلوك و تهذب وتربیت نفس بیان وبمدح شیخ سهروردی پرداخته وگوید : ۱

ازین بزرگان امروز درزمانه یکیست   که مثل او نه همانا ببحرو بریابی

شهاب دین عمر سهروردی آن ره رو   که از مسالك او دیو برحذر یابی

و از ابیات آخر قصیده معلوم میشود که خدمت شیخ مشرف نشده واز دور مشتاق گردیده است .

(۳) تاریخ گزیده (ورق ۳۲۲ نسخه کهنه خطی) ، تذکره دولتشاه ۱۸٤-۱٥٤ چاپی هفت اقلیم ص ۷۱۰ - ۷۲۰ ، آتشکدهٔ آذر ص ۱۹۱ - ۲۰۱ ومجمع الفصحا ج ۱ ص ٤۸۹ - ٤۹٤ مراجعه شده وفقط درتذکرهٔ دولتشاه تصریح بسال وفات وی شده است .

وشاید درهمین دهه هفتم جهانرا بدرود گفته باشد .

دیوان کمال‌الدین مشتمل برقصائدومقطعات وغزلیات ورباعیات وچند مثنوی میباشد واشعار آن بسیارلطیف وسهل وممتنع است ، هدایت شمارهٔ ابیات این دیوان را ده پانزده هزار نوشته ونسخهٔ کامل‌زیرین درحدود (۱۳۰۰۰) سیزده هزاربیت میباشد ودرقصائد ودیگر اقسام شعر به تخلص وی برنخورده و ظاهراً در اشعار تخلص نداشته ودریك بیت‌تمام‌نام (بالقب) وی(۱) موجوداست وحمدالله مستوفی گفته که رسائل بکمال دارد واز آنها « رساله قوسیهٔ » است ولی نگارنده تابحال به نسخه ای از آن دست نیافته و ازمکتوبی که درآخر دومین نسخه دیوان وی از این فهرست میباشد قدرت نثرنویسی وی آشکار است .

درفهرست کتابخانه ملی تربیت تبریز نسخه ای ازدیوان کمال اسماعیل که در هند چاپ شده موجود است .

آغاز: تبارك‌الله از آن جنبش نسیم صبا
که لطف صنعت اواز کجاست تا بکجا.

(۱۲۵٤)

دیوان کمال‌الدین اصفهانی

این‌نسخه‌رابخط نستعلیق خوب هدایت‌الدین شکرالله‌ایموری بسال ۱۰۷۱ نوشته ، پشت صفحهٔ نخستین و بر کنار آخرین صفحه یادداشتهائی بوده محو گردیده ، سرلوحی دراول‌نسخه دارد ولی ظاهراً پس از یك قرن از نگارش نسخه باپیشتر رسم گردیده ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف وعناوین نیز باشنجرف نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔاوراق (۲۷۸). صفحه‌ای (۲۵) بیت . طول (۲۵سانتیمتر)عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۲) .

(۱۲۵۵)

دیوان کمال‌الدین اصفهانی

این نسخه از اوّل وآخر افتاده دارد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراًخط اواخرقرن نهم‌است ، اقسام اشعار ازیکدگر ممتازنیست‌وترتیبی‌درذکرندارد بهرنحو که شده‌نقل گردیده ،

(۱) کمال الدین که چرخ پیر نارد جوانی چون تودر انواع کامل

درآخرمکتوبی ازشاعر نیز نگارش یافته ولی ازآخرآن افتاده ، برحسب محاسبهٔ نگارنده درحدود ۱۲۸۰۰ بیت شعرمیباشد ودوبیت اول نسخه اینست :

دست‌ازطلب‌بدارگرت برگ‌این رهست کانراکه راه توشه نه فقراست بینواست
نه فقر صورتی که بود همعنان کفر بل فقر معنوی که بدوفخرانبیاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (٤۱۵) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۵) .

(۱۲۵٦)

دیوان کمال‌الدین اصفهانی

ازاین‌نسخه نیزاول وآخرافتاده وچون نسخه پیشین بی‌ترتیب نگارش یافته وظاهراً درقرن دهم‌نوشته شده وبرحسب‌شمارهٔ نگارنده درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشدوبیت اول‌نسخه اینست :

دردمندان غمت را دربیابان بلا مرغ‌شوقت مغزخورده‌استخوان انداخته .

بربرگ ننوشته ای که دراول‌نسخه بوده نگارنده مطلع این قصیده را از روی نسخه دیگراین کتابخانه نقل وتذکر داده ام که در توحید باریتعالی است و بعضی ازبرگهای نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری باریك . شمارهٔ اوراق (۱۵۱) . صفحه ای (۱۸) بیت . طول (۲٤$\frac{1}{2}$سانتیمتر). عرض (۱۲سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲٦۳) .

[۵٦۹] دیوان کمال خجندی (فارسی)

کمال‌الدین خجندی ازمعاریف عرفا وسالکین وشعرای این سرزمین میباشد ، درآتشکده ومجمع‌الفصحا نام وی مسعود ثبت گردیده ولی درمآخذ دیگر نام وی ذکر نگردیده وفات او درنفحات(ص۷۲۳-۷۲٤خطی)وهفت اقلیم (ص ۱۲۱۰) بسال ۸۰۳ ودرمجالس‌العشاق (مجلس ٤٤) بسال ۸۰۸ ودولتشاه (ص ۳۲۵-۳۳۱) وآتشکده(ص ۳٤٦-۳٤۷) ومجمع‌الفصحا (ج ۲ ص ۲۹) بسال ۷۹۲ نوشته‌اند واین تاریخ اخیرمسلماً غلط است چراکه درمقدمهٔ دیوان وی که یکی‌ازمعاصرین خجندی نوشته تصریح کرده که بسال ۷۹۸ از شهر **سرای** ودشت قپچاق به تبریز برگشته وسابقین بردولتشاه وآذروهدایت هم بسال۸۰۳و۸۰۸نوشته اند وبایستی یکی ازاین دوقول صحیح باشد .

در مقدمهٔ این دیوان مقام عرفان وارشاد خجندی وعلاقمندی مریدان بآثاروی تذکر داده شده وجامع گوید که این دیوان وی شامل اشعاروغزلیاتی استکه پیش ازرفتن ازتبریزودرهنگام هجران ازاین‌شهرسروده‌اند واینك که مراجعت کرده اند برای استفاده علاقمندان مرتب گردید.

سلاطین وقت نسبت به شیخ کمال‌توجه داشته وسلطان حسین‌بن سلطان‌اویس ایلکانی برای وی خانقاهی ساخته و امیرانشاه بن امیرتیمور کـه ازطرف پدر یازده سال حکومت آذربایجان را داشته نیزنسبت به‌شیخ اظهاراخلاص میکرده وروزی کسان پادشاه بباغ او رفته ومیوه‌هائی از آن گرفته ودر عوض امیرانشاه ده هزار دینار قرض شیخ را همانجا بداد.

خواجه حافظ وشیخ بکدگر راندیده دوستدارهم‌شده وغزل‌ردوبدل‌میکرده اند وغزلیکه شیخ کمال خدمت خواجه‌فرستاده بدین مطلع بود:

یار گفت ازغیرما پوشان نظر گفتم بچشم   وانگهی وزدیده درمامی‌نگر گفتم بچشم.

ودولتشاه نقل نمود که: «گویند خواجه چون این مصرع را (تشنه‌گانرا مژدهٔ از ما ببر گفتم بچشم). از این غزل دید رفتی و حالتی کرد و گفت مشرب‌این بزرگوار بسیار عالیست وسخن اوصافی.

امین‌احمد گوید: عارفان که بصحبت شیخ کمال‌وخواجه حافظ رسیده‌اند گفته‌اند که صحبت شیخ کمال به ازشعرش بوده وشعرحافظ به ازصحبتش».

شیخ کمال را دراثراینکه اشعار وی بسبك و روش حسن دهلوی به بحرهای سبك و ردیف و قافیه های غریب کـه سهل وممتنع است «**دزدحسن**» گفته اند وازاین بیت:

کس برسرهیچ رخنه نگرفت مرا   معلوم همی‌شود که دزد حسنم.

که امین احمد نقل نموده و ظاهراً از خود کمال‌الدین میباشد، بدست می‌آید که درزمان خود وی این‌شهرت بوده واین‌بیت رادرتعریض به گوینده‌گان‌ونسبت دهنده‌گان گفته است.

ازخصوصیات خجندی اینست که بمدح معاصرین نپرداخته وباآنهمه مرجعیت

که داشته پس از مرگ درمسکن او جزبوریائی وخشتی که زیرسرداشته چیزی نبوده است.

چنانکه گفته شد این دیوان شیخ کمال پس‌ازسال ۷۹۸ مرتب گردیده وشامل غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها میباشد و درحدود (۳٤۰۰) بیت است وتخلص وی درتمام غزلیات **کمال** میباشد و وفات وی بنابر تصریح تذکره نویسانِ پیش از آذروهدایت درتبریزاست واین دو در دارالعباد یزد نوشته اند.

آغاز: افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال   بثنای‌ملك‌الملك خدای‌متعال.

(۱۲٥۷)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده و بخشی از مقدمه ایکه بر آن نوشته شده در سه برگ پس از سه برگ اول نسخه میباشد و میان برگ اول و دوم کنونی هم افتاده دارد، چنانکه در ص ٦٥٥ گذشت دیوان قصائد وغزلیات قاسمی تبریزی‌درحاشیهٔ این نسخه نگارش‌یافته وخصوصیات دیگر آن نسخه را در آنصفحه یاد نمودیم.

جلد روغنی گل وبرگ یك‌رو است ابیاتی در اطراف‌آن نوشته شده ومیرساند که پیش‌ازاین کتاب جلد قرآن بوده. کاغذ حنائی. واقف سپهسالار. قطع‌ربعی. شمارهٔ اوراق (۱٤۳). صفحه‌ای (۱٤) بیت درمتن و ۱٤درحاشیه. طول (½ ۱٦سانتیمتر). عرض (۱۰سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲٦٦).

(۱۲٥۸)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸٥۹ بخط نستعلیق **محمد جامی** نوشته، شامل غزلیات ورباعیات وقطعات وفردهای کمال میباشد ودر حدود ۲۸٥۰ بیت است، یك پیشانی‌مذهبی است که بسم‌الله باخط کوفی بر آن نوشته شده در آغازنسخه وپشت صفحهٔ نخستین برترنج ظریف مذهبی این‌عبارت‌بخط ثلث نوشته‌شده: برسم خزانة‌الکتب‌السلطان‌الاعظم‌ابوالقاسم بابربهادرخان‌خلدالله‌ملکه‌وسلطانه‌بسعی‌العبدالضعیف شیخ‌حاجی حسن‌حاندار(کذا) وجود داردواین نسخه گذشته ازقدمت وخط وتذهیب ازاین‌لحاظ نفاست دارد.

جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی کوچك شمارهٔ اوراق (۲٦۸) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦٤) .

[۵۷۰] دیوان لسانی شیرازی (فارسی)

لسانی ازشعرای قرن دهم هجری میباشد(۱) درتذکره ها بهمین تخلّص معرفی گردیده و ازنام اصلی وی چیزی ننگاشته اند، معاصروی سام میرزا در **تحفه سامی** گوید : من باأو صحبت داشته ام و شعر او بسیار خوانده ام ، ..... وفات او در تبریز بسال ۹٤۱ واقع شد و درسرخاب مدفون است صاحب هفت اقلیم نیز همین تاریخ را سال وفات او دانسته ، ادوارد برون (ص ۱۵۷ ترجمه) در ج ٤ تاریخ ادبیات خود وفات ویرا بسال ۹٤۰ نگاشته ، دیوان او را صاحب مجالس المؤمنین گوید صد هزاربیت ازقول معتمدین وثقات نقل نموده وآذرنزدیك دوازده‌هزار نوشته وچنانکه دیگران نیزنوشته اند شعر خوب کم دارد ونسخهٔ زیرین درحدود (۱۰۰۰) بیت از غزلیات اوست که مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ترتیب قوافی است ودرمجالس المؤمنین قصیده‌ای ازاو که درمدح حضرت مولی الموالی علی علیه‌السلام انشا نموده ضبط است .

شریف تبریزی(۲) که ازشاگردان وی بوده چنانکه خود وی پیش سام میرزا اعتراف کرده واو در تحفه سامی نوشته به تحریك بعضی که خود را ظریف میدانسته اند و مغرض بوده اند اشعاری بی معنی به لسانی نسبت داده و آنهارا « سهواللسان » نامیده و دیگری ازشاگردان لسانی بردّ اوپرداخته است .

آغاز: زهی عشقت بباد بی نیازی داد خرمنها

خم‌فتراك شوقت سر کشان ازطوق گردنها.

(۱) شرح حال لسانی را معاصر وی سام میرزا در تحفه سامی ص ۱۰٤ چاپی ، هفت اقلیم ص ۱۸٦ - ۱۸۷ ، مجالس المؤمنین ص ۵٤۱ - ۵٤۲ ، آتشکده آذر ص ۳۰۷ تذکرهٔ خوشگو اول حرف لام وترجمه ج ٤ ادبیات برون ص ۱۵۷ نوشته اند ودرهنگام نگارش مراجعه شده‌است .
(۲) درص ٦۱۸ این فهرست معرفی ازاین شاعر گردیده است .

(۱۲۵۹)

دیوان لسانی شیرازی این نسخه ازدیوان درص ٤۰۳ - ۵۰۷ نسخهٔ شمارهٔ (۲۷۹) کتابخانه میباشد ، شامل غزلیات و قطعاتی از لسانی است ، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگاشته شده مراجعه نمائید .

[۵۷۱] دیوان لطفی (ترکی)

این دیوان که خصوصیات آن زیر این سطرها نگارش خواهد یافت غزلیات ترکی **لطفی** میباشد ، درکتب تذکره بشرح حال وآثاراین شاعر دست نیافتم ، ازقصیده ای که پس‌ازحمد وثنای الٓهی ونعت حضرت رسالت پناهی درمدح شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان(۱) سروده زمان و عصراو معلوم شد و در این قصیده به مرض شاهرخ وبهبودی او وشکراین نعمت‌ازطرف خود و عموم مردم ، اشاره نموده واظهار داشته که محمد جوکی میرزا ومیرزا عبداللطیف وعلاءالدوله(۲) از این کسالت بی نهایت متألم ومتأثر بوده اند .

درص ٤۵ ج ۳ طرائق‌الحقائق گوید :

« **مولانالطفی** از سخنوران روزگار ودرنظم اشعار فارسی وترکی با اقتدار درسن نود ونه‌سالگی قصیدهٔ‌ردیف آفتاب را درسلك‌نظم کشیده ومطلعش اینست:

ای‌زرلف‌شب‌مثالت سایه‌پرور آفتاب شام زلفت‌را بجای ماه دربر آفتاب.

ومولانا درجوانی نخست بتحصیل‌علوم قیام نمود بعدازآن روی سلوك بطریق درویشان درآورد و درآن روش ثابت قدم میبود تا وقتیکه از این عالم رحلت

(۱) شاهرخ پسرامیرتیمور گورگان بوده و ۷۸ سال زندگانی کرده و ٤۲ سال سلطنت نموده و بسال ۸۵۰ در شهر ری بدان سرای رهسپار شده و این دو بیت راجع به تاریخ مختصرحیات او درجلد ششم روضة‌الصفا مندرج‌است :

سلطان جهان شاهرخ آن مظهرنور در هفصدو هفتاد و دوآمد بظهور
درهشتصد و هشت شد بشاهی‌مشهور درهشتصد وپنجاه شد ازدار غرور.

(۲) محمد جوکی پسر شاهرخ بوده که در زمان حیات وی بدرود زندگانی گفته و عبداللطیف پسر الغ بیك بن شاهرخ وعلاءالدوله پسر بایسنقربن شاهرخ بوده‌اند .

نمود ودر آخرزندگانی این مطلع را منظوم ساخته بنزد مولانا عبدالرحمن جامی (٨١٧-٨٩٨) فرستاد که غزلی نماید ودردیوان خویش ثبت کند وچنین نمود :

کرکاردل عاشق باکافر چین‌افتد　　به زانکه بیدخوئی بیمهرچنین‌افتد»

احتمال قوی وظن نزدیك به یقین دارم که لطفی صاحب دیوان زیرین همین لطفی صاحب قصیده واین بیت میباشد .

این دیوان غزلیات ورباعیات درحدود (١٦٠٠) بیت میباشد .

آغاز : ای ایکی‌جهان بیولیکینك اثباتیغه کویا

ذرات جهان‌مظهر یداکون کبی پیدا.

(١٢٦٠)

دیوان لطفی این‌نسخه که شامل‌غزلیات‌مرتبه بترتیب حروف‌تهجی برحسب قوافی میباشد وپس از آن رباعیات ترکی لطفی را داردبسال ١٢٧٥بخط نستعلیق‌خوب نوشته شده ، دارای یك سرلوح میباشد وحواشی ومیان سطرهای دوصفحه اول دیوان تذهیب ونقاشی وطلااندازی گردیده وتمام صفحات مجدول بطلا وزنگاراست .

درآخرنسخه آثار محو چند سطر که ظاهراً مشتمل برنام کسی بوده که نسخه برای وی نکارش یافته موجود وشامل سه برگ ننوشته مجدول میباشد .

جلد ساغری نیم ضربی طلاپوش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٦١) . صفحه ای (١٣و١٤) بیت . طول (٢٢سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٧٤) .

٥٧٢ | دیوان متنبی　(عربی)

ابوالطیّب متنبی (احمدبن حسین بن حسن بن عبدالصمد جعفی کندی کوفی ٣٠٣-٣٥٤(١))ازمشاهیر شعرامیباشد که درآسمان ادب‌چون آفتاب تابنده و در جهان دانش‌تاابد پاینده است ، دروجه تسمیه وی‌به متنبی گویند ادعای پیغمبری

(١) معجم‌المطبوعات ص ١٦١٥-١٦١٧ ، ابن خلکان ج ١ ص ٣٦-٣٨ ، شذرات‌الذهب ج ٣ ص ١٣-١٦ ، مجالس‌المؤمنین ص٤٧٢-٤٧٤ وروضات‌الجنات ص٦١-٦٤ ج١ مراجعه‌شده‌است .

کرده وحاکم‌حمص که لؤلؤنام داشته براوتاخته وتابعینش را متفرق کرده وخود اورا چندی زندانی نموده وپس ازتوبه دادن رها کرده است .

گویند پدر متنبّی مردی سقّابود که باشترخویش‌مردمان بغداد را آب می‌آورده وابوالطیّب در محلّه کنده آنشهربابن جهان پاگذارده ،از آنجا با پدر بشام‌آمده‌و بتحصیل‌علوم‌پرداخته ، حافظه‌ای‌غرّا داشته،درشعر وشاعری‌درجه‌ای‌عالی‌یافته ، برخی اورا برابی‌تمام وپاره‌ای‌ابوتمام‌را بروی ترجیح میدهند ، مدّاح سیف‌الدوله آل حمدان وعضدالدوله دیلمی وکافوراخشیدی بوده وازایشان جائزه هاکرفته در هنکامیکه ازفارس به بغداد می‌آمده خود وفرزند وهمراهانش را در راه کشته‌اند

دیوان متنبّی بیش از چهل شرح شده وتاکنون چهار یاپانزده بار درشهرهای هندوستان و مصر و بیروت واروپا چاپ‌گردیده و در ص ٥٢٠ - ٥٢٢ ج ١ کشف‌الظنون‌وص٦١-٦٤روضات‌کروهی که بشرح‌این‌دیوان‌پرداخته اندنام‌برده شده وچنانکه در معجم‌المطبوعات تذکر داده‌شده چاپ سال ١٢٦١ کلکته دیوان متنبّی‌شامل‌شرح فارسی آن میباشد.

آغاز :

اَمِنِ ازْدِیارِكَ‌فی الدّجیِ الرُّقباء　　اِذْحَیْثُ کُنْتِ مِنَ الظّلامِ ضِیاءٌ.

(١٢٦١)

دیوان متنبی خط نیمه نخستین این نسخه ظاهراً ازقرن دهم ونیمه دوم ظاهراًدرقرن دوازدهم نوشته‌شده، تقریباً شامل ٤١٥٠ بیت شعرمیباشد ، پشت صفحه نخستین دویادداشت که یکی بتاریخ ١١١٧ و دیکری ١١٣٤نوشته‌شده ، موجود وبرگ اول دیوان نیازمند وصّالی وتمام دیوان مرتب بترتیب‌قوافی‌موافق حروف‌تهجی میباشد ، پشت‌صفحه‌اول وآخریادداشتهائی‌موجود وعناوین نیمه اول باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی و فرنکی . واقف سپهسالار . قطع خشتی.شمارهٔ اوراق (١٨٣) . صفحه ای (١٥) بیت . طول (٢٠سانتیمتر) . عرض (١٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٢٥) .

[٥٧٣] دیوان مجدالدین ساوجی (فارسی)

حاج میرزا ابو الفضل مجدالدین (محمدبن فضل‌الله ١٢٤٧-١٣١٢(١))(٢) از شعرا ودانشمندان قرن سیزدهم و اوائل چهادهم هجری بوده و بشهادت معاصرین در تحصیل علوم و فضائل جدّی وافی و سعیی کافی داشته و گذشته از فضائل ادبی وعلمی طبیعی ماهر ولایق وشایسته بوده وبنابرتصریح درالمآثر والآثار درتألیف نامه دانشوران شریك بوده وبسیاری ازمطالب آن کتاب ترجمه وانشاء این دانشور میباشد ، درنوشتن خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ وثلث چون پدرخویش(٣) مهارت داشته و کتیبه های عمارات سلطنتی آن عصر بیشتر بخط این دانشمند نگارش یافته است .

هدایت درباره وی نوشته اند « گاهی بنظم غزل وقصیده رغبتی مینماید » و درحدود ١٥٨ بیت انشائی اوراازغزلیات ومسمطات وغیره نقل ودر گنج شایگان چهار قصیده ازاو که درمدح صدراعظم انشاء نموده و١٥٩ بیت میباشد درج شده ویك غزل در طرائق از او نقل شده وبا این غزلیات که نسخهٔ زیر شامل است در حدود (٥٠٨) بیت ازاو سراغ دارم ونمیدانم آیادیگر آثار نظمی ونثری وی در کجا وجود دارد ودر اشعار « مجدالدین » تخلص میکرده است .

(١٢٦٢)

دیوان مجدالدین ساوجی این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب خودشاعر نوشته‌شده‌ودر آخر بخط شکسته این معنی را تصریح نموده و بسال ١٢٧٤ نگاشته شده ، شامل ١٦ غزل میباشد که همه را بنام پادشاه عصر موشح

(١) مؤلف طرائق الحقائق درذیل شرح حال وی گوید : درماه رمضان المبارك سال هزاروسیصدو دوازده درمنزل فقیر چند شبی بماند و در ضمن صحبت گفت ای فلانی شصت و پنجسال عمر منست بعد ازاینماه طولی نکشد که مرا اجل محتوم برسد ومیخواهم بکوه شهربانو دفن شوم وعلی‌الجمله چنین شد ووارث درسرمزار معروف بقبر آقا (مدفن حاج میرزا زین‌العابدین)امام‌جمعه طهران (در جنوب طهرانست) کالبدش را بخاك سپردند رحمة‌الله علیه .

(٢) درص ٦٨-٦٩و٥٠٩-٥١٨ گنج‌شایگان ، مجمع‌الفصحا ج٢ ص ٤٣٠-٤٣٢ ، المآثر والآثار ص٢٠٢ وطرائق‌الحقائق ج ٣ ص ٢٧٤ شرح حال وآثاری ازاین دانشمند موجود است .

(٣) حاج میرزا فضل‌الله ساوجی ازفضلای طهران بوده و خط ثلث و نسخ ونستعلیق‌رابسیار خوب مینوشته و درمعرفت احوال خطاطین یگانه عصربوده وبسال ١٢٧٥ وفات یافته است .

نموده و١٨٦ بیت میباشد وآغاز آن اینست :

بامابتابهل زسر این پس عتابرا برعاشقان مخواه زهجران عذابرا

دارای یك سرلوح زیباست و میان سطر های تمام صفحات طلا اندازی شده وفاصله غزلیات تذهیب ظریفی گردیده وپشت صفحهٔ نخستین دخول آن بکتابخانهٔ اعتضادیه بسال ١٢٩٣ یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ وحاشیه الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ برگها (٨) . صفحه‌ای (١٤) بیت . طول (٢٧سانتیمتر) . عرض (١٦سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٦٦) .

[٥٧٤] دیوان مجمر (فارسی)

سید حسین طباطبائی زواری متخلص به **مجمر** از شعرای معاصر فتحعلیشاه قاجار میباشد ، راوی گروسی درانجمن سوم انجمن خاقان اورا نام برده و گوید : بسال ١٢١٨ که برای انجام مهمی باصفهان رفته بودم در مجلس صاحب کافی معتمدالدوله این سید جلیل را ملاقات و در همان مجلس عقد الفت چنان استحکام یافت که گسستن نپذیرد وبکرّات درحجره مدرسه **کاسه‌گران** که منزل سیدبود دریافت فیض صحبت کرده ازاخلاق مهذّب و اوراق مذّهب (پیش ازاین‌هم تصریح کرده که گاهی بشغل تذهیب مشغولی داشت) ایشان دل و دیده را مسرت میداد .

راوی تصریح نموده که معتمدالدوله برسم منادمت این سید جلیل را باخود بطهران واز آنجا به ایروان که در آن هنگام پادشاه در آنجا بود ، بردوبوسیله ملك‌الشعرا بپیشگاه پادشاه معرفی‌شد و مورد تفقد گردید و لقب مجتهدالشعرائی یافت وبمنادمت شاهزاده حسنعلی میرزا برقراردرعین جوانی بسال١٢٢٥ جهانرا وداع گفت ودرخاك پاك قم دفن گردید و دیوان وی درحدود پنج ششهزاربیت است و ٥٩٠ بیت از قصائد وغزلیات و ترکیب بند او را انتخاب و دراین کتاب جا داده است .

در ص ٤٦٥ ج ٢ مجمع‌الفصحا نیز مختصری از شرح حال مجمر نگارش یافته و٣٩٥ بیت از دیوان او انتخاب گردیده و ص ٤٦٥ - ٤٧٣ شامل این منتخبات است .

درمقدمه دیوان مجمر که بسال ۱۳۱۲ در طهران چاپ سنگی شده مرحوم میرزای جلوه که ازحکمای اوائل قرن چهاردهم هجری بوده‌اند شرح حال مختصری از مجمر نوشته‌اند ودر آنجاست که باایشان نسبت داشته و تقریباً ۳۵سال زندگانی کرده بنابراین تولد وی بسال ۱۱۹۰ بوده است.

پیش از دیوان مجمر حکایاتی بطرز گلستان شیخ بنظم و نثر از مجمر چاپ گردیده است.

(۱۲۶۳)

دیوان مجمر این نسخه بخط شکسته نستعلیق (ظاهراً درروز گارزندگانی شاعر نوشته شده) نگارش یافته ، بخشی ازاول ووسط و اخر نسخه افتاده وکاغذ های ننوشته بجای آنها گذارده شده وبیت نخستین صفحه اینست:

یکی بدل همه تابش ز روی او منگر   که سنك خاره شد ازمهر گوهر لالا.

و آخرین بیت نسخه اینست :

چه خصمی باشدت ای عشق با عقل   کزین سر چون شدی در آن سری تو.

وبانقصی که دارد شامل ۳۹۰۰ بیت شعر میباشد وبسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و بر کنار صفحه نخستین یادداشت گردیده است.

جلد تیماجی وسط پارچه. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۵۵). صفحه‌ای (۱۳) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱٤ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳).

[٥٧٥] دیوان مختاری (فارسی)

عثمان بن محمد غزنوی ازشعرای قرن ششم هجری(۱)بوده، چندی در کرمان(۲) متوطن ، بنام تخلّص میکرده وپس از آن مختاری تخلص شده ودردیوان او بهردو تخلص اشعاری موجود است.

(۱) هدایت وفات مختاری را بسال ٥٤٤ وآقای قزوینی بسال ٥٤٤ یا٥٥٤ ثبت کرده‌اند وشرح حال وآثار این شاعر درص ٥٩٨-٦٠٧ ج ۱ مجمع‌الفصحا ، هفت اقلیم ص۲٦٦-۲۷۱،آتشکده آذر ص۱۱۸-۱۲۱ ، حواشی چهارمقاله ص ۱٥۰-۱٥۱ نگارش یافته ومراجعه شده است.

(۲) دردیوان مختاری است :

نزدیك خردمندان نیکو بود ای عثمان   توساخته در کرمان من سوخته درغزنین

معاصر امیرمعزّی و مسعود سعد سلمان وسنائی بوده ومدّاحی سلطان معزّالدین ارسلان ازسلاجقهٔ کرمان (٤٩٤-٥٣٦) و ابوالملوك ارسلان بن مسعود غزنوی که ازسال ٥٠٩ تا ٥١١ سلطنت داشته و عضدالدوله (۱) وعلاءالدوله محمدخان(۲) وبهرامشاه غزنوی (ازسال ٥١١-٥٥٢ سلطنت داشته) وطغانشاه(۳) را کرده است.

دیوان مختاری شامل قصائد وترکیب وترجیع بند وغزلیات ورباعیات ومثنوی(٤) میباشد وهدایت شمارهٔ ابیات آنرا درحدود ۸۰۰۰ هشت هزارمعین نموده ونسخه‌ای

(۱) دردیوان مختاری قصائد وابیاتی درمدح عضدالدوله موجود ، هدایت این ممدوح را عضدالدوله دیلمی دانسته واین سهوی ظاهر است چرا که وی بسال ۳۷۲ وفات یافته و شاعر که در اواخر نیمهٔ اول قرن ششم زندگانی را بدرود گفته نمیشود مداح این پادشاه باشد وعلامه مفضال آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱٥۱) نوشته‌اند «معلوم نشد عضدالدوله کیست» نگارنده احتمال‌قوی میدهد که این ممدوح عضدالدوله شیرزاد ابن‌مسعود غزنوی است که بسال ٥٠٨-٥٠٩ (یکسال) پس‌ازپدر سلطنت کرده ومختاری‌ازاو «قنا خسرو» تعبیر کرده وچنانکه‌آقای‌قزوینی‌تصور کرده‌اند این تصرف (این شاه را قناخسرو خواندن)ازهدایت نیست واین چند بیت ازدیوان او در این موضوع است.

شاهنشه نوین عضدالدوله عالی   شاهی که جهانرا براوهیچ خطر نیست

گفتم که بهای تو بشعر ازکه ستانم   رخ سوی سرای عضد دولت ودین کرد

گوئی خرد ونقش ونجوم وفلك وطبع   شاهنشه بی مثل قنا خسرو غازیست

(۲) مختاری گوید :

تا جهان باشد محمد خان علاءالدوله باد   بزمخواه و باده نوش و رزمجوی وفتحیاب

وآقای‌قزوینی ارسلان‌خان‌محمدبن‌سلیمان‌بن‌داود بغراخان‌ابن‌ابراهیم طفغاج‌خان‌بن‌ایلك نصر ارسلان‌بن علی‌بن موسی‌بن ستق ازملوك ترك خانیه ماوراءالنهر راکه از سال ٤٩٥ - ٥٢٤ سلطنت کرده ازممدوحین مختاری معرفی کرده‌اند.

(۳) درنسخه‌ای ازدیوان مختاری که درمجلس شورای ملی میباشدچند قصیده درمدح طغانشه موجود واین دوبیت ازقصائد اوست :

سخی شمس دولت گزین کهف ملت   ملك بوالفوارس طغانشاه صفدر

خجسته شمس دولت را همایون زین ملت را   مبارك کهف امت را طغانشاه است مفخر

(٤) دراین مثنوی گوید :

پیش تخت معز دولت و دین   ارسلان شاه پادشاه زمین

سال‌من‌چون‌بسی‌وهفت‌رسید   بر دلم آفتی بتفت رسید

ومیدانم که معزالدین لقب ارسلان بن کرمانشاهان سلجوقی است (٤٩٤-٥٣٦).

از آن که ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود ۷۵۰۰ بیت را شامل وازاول آنهم اوراقی افتاده است .

آغاز : ترا بشارت بادای ولایت کرمان   بفتح نامه شاه ازدیار هندوستان(۱)

(۱۲٦٤)

دیوان مختاری غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده وپیوسته به « دیوان سید حسن غزنوی » میباشد، در کتابخانه هردو دیوان زیر شمارهٔ (۱۸۵) ثبت گردیده و در ص۵۸۹و۵۹۰ زیر شمارهٔ (۱۱۸۷) معرفی خصوصیات دیگر آن گردیده ودرحدود (۳۰۰۰) بیت میباشد وبقصیده‌ای که بدین مطلع است شروع شده :

براختیار بندگی مالك الرقاب   نصر من الله آمدفال من از کتاب .

(۱۲٦۵)

دیوان مختاری غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً درقرن دهم هجری) نگارش یافته ، ازاوّل وآخر آن اوراقی افتاده ، صفحه نخستین بدین بیت شروع گردیده :

صدسال درعجم درو، صدسال درعرب   صدجشن مهرگان کن و، صدجشن نوبهار

انجام نسخه این بیت است :

سر فکنده چراست پیش برش   اگر اورا نه از برش سر شد

درحاشیهٔ برگ ۱۵ بسال ۱۲۷٤ محسن بن عبدالله بن فتحعلیشاه شرحی درتصحیح یکی ازابیات نسخه نوشته وتملك ومطالعه نسخه وزیادی اغلاط آنرا اظهارداشته واین نسخه درحدود (۳٦۰۰) بیت میباشد وچندبرگ نانوشته دراول وآخر آنست .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۰۹) صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷٤) .

(۱) درص ۲٦۷ هفت اقلیم نگارش یافته که مطلع دیوان مختاری قصیده‌ایست که در مدح سلطان ارسلان بن مسعود گفته و ۱۱ بیت از آنرا نقل نموده واین بیت مطلع آن قصیده است .

[۵۷٦] دیوان مخمور (فارسی)

مخمورتخلص شاعری از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد(۱) ، در کتب تذکره های این عصر بنام وآثار او دست نیافتم ، ازقصیده ایکه درشکرگذاری ازحکومت اسدالله خان برتویسرکان وملایر انشاء نموده ودرورق ٦ نسخه میباشد استفاده میشودکه ملائری یا تویسرکانی است ، آثار زیرین چند قصیده ایستکه در مدح شاهزاده اعتضادالسلطنه گفته و تخلّص مخمور در همه آنها موجود ، و۲۵۰ بیت میباشد، برای نشان دادن طرزفکر وطبع وی چند بیت ازاول وآخر نسخه را در اینجا می آورم :

آغاز :

بردرت ایدوست روی اضطرار آورده‌ام
فقر و مسکینی و عجز و انکسار آورده‌ام
لنگ لنگان دست بسته دل شکسته سرنگون
چشم خونین جان غمگین جسم زار آورده‌ام
آه حیرت اشك حسرت تاب محنت سوزغم
سینهٔ محزون درونی سوگوار آورده‌ام

انجام:

کزین سپس پس مدح علی و آل علی   بود دعای شه و پادشاه تبیانم
بود بود همه تا دل بسینهٔ تنگم   بود بود همه تا جان بجسم نالانم
مدائح علی و آل او انیس دلم   دعای پادشه و شاه مونس جانم

(۱۲٦٦)

دیوان مخمور

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، بسال ۱۲۹۳ داخل کتابخانه

(۱) درص ۳۳۹ـ۳٤۰ دانشمندان آذربایجان میرزا لطف الدین شکرالله تبریزی (۱۰۹۵-۱۱٦٤) مخمور تخلص ازشعرای قرن دوازدهم نام برده شده واین دوبیت را ازاو نقل کرده اند :

تعجب نیست بدطینت اگرحاجت روا گردد   که زخم کهنه را خاکستر عقرب دوا گردد
زدونان کی بخود درماندگان را کار بگشاید   گره امکان ندارد باز با انگشت پا گردد .

اعتضادالسلطنه گردیده وپشت صفحه نخستین یادداشت شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق(۱۰) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۵۱) .

[۵۷۷] دیوان مسعود سعد سلمان (فارسی)

مسعودبن سعدبن سلمان که بنابرروش پارسی مسعود سعدسلمان خوانده میشود ازمشاهیرشعرای فارسی‌زبانست ، دردربارغزنویان مقام امارت وفرمانفرمائی داشته ، بکسب کمال وفضائل پرداخته و درلباب‌استکه (ج۲ ص۳۳) از شاهنامه فردوسی انتخابی کرده وچنانکه از ابیات موجوده در دیوان وی معلوم‌میشود درنظم ونثر پارسی وتازی دستی قوی داشته و مکرربدان تصریح کرده(۱)ولی‌ازآثارنثری وی چیزی دردست نیست‌ودراین دوزبان‌ناطق ومترجم‌بوده(۲)درخطاب به ثقةالملك طاهربن علی گوید :

هیچکس راهست انصاف ده‌ای حاکم حق
این زبان‌و قلم و فکرت و خاطر که مراست
از بزرگان هنرور همه انواع منم
گرچه امروز مرا نام ز جمع شعر استْ

امیرخسرودهلوی‌درمقدمه غرةالکمال که‌سومین دیوان وی‌است افتخارنموده که جزمن کسی را سه دیوان نیست ومسعود سعد سلمان که سه دیوان داشت یکی پارسی و دیگری عربی و سومی هندوی بود و از آن من همه پارسی است

از دو دیوان دیگر مسعود سعد سلمان نگارنده تاکنون خبری نیافته است .

بیش از سی سال پیش علامه بزرگوار آقای قزوینی [گذشته از آنچه در

(۱) ازآنجمله است :

مرابدان تو که در پارسی و در تازی — بنظم و نثرندارد چو من کس استقلال
بنظم و نثر کسی را گر افتخار بود — مراسزاست که امروزنظم و نثرمراست
بهیچ وقت مرا نظم و نثر کم نشود — که نظم و نثرم‌دراست‌وطبع من‌دریاست

(۲) منم کاندر عرب و اندر عجم کس — نباشد چون من از چیره زبانی
بدین هردو زبان در هردو میدان — بگردونم رسیده کامرانی
گر افتد مشکلی در نظم و در نثر — ز من خواهد زمانه ترجمانی
سجود آرد به پیش خاطر من — روان رودکی و ابن هانی

حواشی‌چهارمقاله(۱۷۸-۱۸۲)دربارهٔ این‌شاعرشهیر نگاشته اند] مقاله‌ای درشرح حال مسعود سعد مرقوم وشادروان ادوارد برون خاورشناس مشهورانگلیسی آنرا به انگلیسی ترجمه وبسال ۱۹۰۵ م در مجله آسیائی درج و بسال ۱۹۰٦ م نیز آن ترجمه را جداگانه منتشر کرده است وبسال ۱۳۱۷ خورشیدی جوان دانش پژوه آقای‌سهیلی‌خونساری بنام «حصارنای» شرح حال مفصلی‌ازاین شاعرباذکرمعاصرین وممدوحین وقصائد حبسیّات وی تألیف و منتشر کرده‌اند و این سه نگارش ما را بی‌نیاز ازبحث درحالات وی مینماید .

مسعود سعد سلمان گاهی ازخود دراشعاربهمین سه جمله و گاهی مسعود سعد و هنگامی مسعود تنها تعبیر نموده و آقای سهیلی تولد وی‌را در حدود سال ٤۳۵ دانسته‌اند ووفات اوراصاحبان تذکره ها بسال ۵۱۵ و ۵۲۵ ثبت نموده‌اند وبرخی سال ۵۱۵ راکه شاعر هشتاد سال داشته ترجیح داده اند ، درمقدار حبس مسعود سعد هم اختلاف است در یکی از اشعار خود وی نوزده سال آن تصریح شده

(مرترا هیچ باك نامد ازآنك — نوزده سال بوده ام بندی)

تاسی‌سال هم نوشته‌اند ، بیشتر از ربع اشعار دیوان وی ظاهراً درزمان‌ابوالملوك ارسلان‌بن مسعود غزنوی میباشد که بنابرتصریح خود مسعود سعد بسال ۵۰۹ بسلطنت‌نشسته وبنابرضبط مورخین بسال ۵۱۱ بدان سرا شتافته .

حکیم سنائی بجمع وترتیب دیوان مسعود سعد سلمان درزمان حیواة وی پرداخته وثقةالملك طاهربن علی بدو تذکرداده که اشعاری ازدیگران را نیز در دیوان وی گذارده وسنائی درضمن قطعه ای که خطاب به مسعود سعد میباشد ازاین‌غفلت عذرخواهی‌نموده و (در ص ۱٤۹ حواشی چهار مقاله این قطعه نقل گردیده) ومندرجات این دیوان عبارتست از :

۱ - قصائد ومقطعات بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ، ۲ - مثنوی در وصف امرا و درباریان و حواشی سلطان مسعود ، ۳ - ایضاً مقطعات در مدائح

ومراثی وحماسه وغیره، ٤ ـ غزلیات بنام دوازده ماه شمسی سی روز هر ماه بنابر نامهای هریك از آنها پیش ایرانیان قدیم وهفت روز هفته وغزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی ٥ ـ رباعیات .

این دیوان بسال ۱۲۹۶ از روی نسخهٔ نفیسی که در کتابخانه اعتضادالسلطنه بوده وازقرائن پیداست که غیرازاین نسخه زیرین بوده درطهران چاپ شده است .

(۱۲۶۷)

دیوان مسعود سعد سلمان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده، ظاهراً دراوائل قرن سیزدهم نوشته شده ، بسال ۱۲۷۲ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده ودرحدود ۱٤۰۰۰ بیت شعرمیباشد .

جلد میشن ضربی طلاپوش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع فرنگی . شمارهٔ اوراق(۲۷۵). صفحه‌ای (۲۸) بیت درمتن وحاشیه . طول(½ ۳۰ سانتیمتر). عرض(½ ۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۲) .

(۱۲۶۸)

دیوان مسعود سعد سلمان این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، ۲۲۲ بیت از اول آن افتاده ونخستین بیت موجود آن اینست :

کسی که اشهد ان لااله الاالله نگویداو راسر کن بتیغ تیز جدا

ودر رباعیات وقصائد وغیره درحدود ۱۰۰۰ بیت ازنسخهٔ پیشین بیشتر دارد، در آخر آن چند بیت زیرین میرساند که این نسخه را ازروی نسخه ایکه بسال ۱۰۲۱ نگارش یافته نویسانده اند :

این نسخه که برعروس اشعار پیرایهٔ از جمال بفزود
اشعار بدیع پایدارش زآئینهٔ طبع زنگ بزدود
از رشك معانی بلندش روح فصحا هنوز ناسود
معنیش بزیر لفظ حوری کز طرف عذار زلف بنمود
تاریخ طلب نمودم از عقل گفتا «سخنان نیك مسعود»

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق(۳۸۵). صفحه‌ای(۲۱)بیت. طول(۲۳ سانتیمتر).عرض(⅔ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۹).

[٥۷۸] دیوان مشتاق (فارسی)

سید علی حسینی اصفهانی **مشتاق** تخلص ازشعرای قرن دوازدهم هجری بوده وشعرای معروف معاصروی چون آذروعاشق وهاتف وصهبا باستادی وی معترف اند، بیشتر به غزل سرائی ورباعی سازی رغبت داشته ، آذر گوید « پس ازمرگ سیّد مرحوم برفاقت هاتف وصهبا دیوان اذکاراورا مرتب ساخته » وراوی گروسی گوید « قریب به ششهزار بیت دیوان مرتب داشته اند مکرر بنظر رسیده(۱) درسنهٔ یکهزار و یکصدوهفتاد ویك از شهراصفهان بروضهٔ رضوان رفت ومصراع این بیت ، در تاریخ وفات اوست :

بهر تاریخ او نوشت رفیق جای مشتاق درجنان بادا = ۱۱۷۱».

(۱۲۶۹)

دیوان مشتاق اصفهانی این نسخه را بسال ۱۲۰۱ محمد هادی قزوینی بخط نستعلیق نوشته وشامل غزلیات مشتاق میباشد ، پس ازغزلیات قصیده‌ای و چند غزل دیگرو ترجیع بند شاعر را دیگری بخط شکسته نستعلیق نوشته است وتمام این نسخه ازدیوان درحدود ۳۰۰۰ بیت میباشد .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بیاضی . شماره اوراق (۹۱) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (½ ۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰٤) .

(۱۲۷۰)

دیوان مشتاق اصفهانی این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳٥ نوشته شده ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و ترجیع و ترکیب بند ورباعیات مشتاق میباشد ودرحدود ۳۳۰۰ بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۲۸) . صفحه‌ای (۱۳) بیت . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰٥) .

(۱) در ص ٤۲٥ـ٤۲۸ آتشکده ۱۳۱ بیت انتخاب وچاپ گردیده و ٦٦ بیت درانجمن خاقان نیز انتخاب گردیده است .

[۵۷۹] دیوان امیر معزی (فارسی)

امیرمعزّی ازمعاریف شعرای قرن چهارم ونیمهٔ اوّل قرن پنجم هجری میباشد، در آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحا نام او **محمد** و پدرش **عبدالملك** معرّفی گردیده وچنانکه ازمندرجات چهارمقاله معلوم میشود پدرمعزّی **برهانی** تخلّص بوده است وخود وی مداح سلطان سنجرسلجوقی بوده وچون لقب وی معزالدین بوده شاعر را معزّی تخلّص داد، ملك‌الشعرای سنجرشد و درحدود دویست شاعر در زیر دست وی بوده ونسبت بهمه انواع مهربانی میکرده و درهنگام های مناسب آثار آنانرا بعرض میرسانیده وصله های خوب برای آنان میگرفته بدینجهت محبوب همه آنها بوده است.

وفات امیر معزی را بیشتر از تذکره نویسان(۱) بسال ۵۴۲ ضبط کرده‌اند واستاد بزرگوار آقای قزوینی درحواشی چهار مقاله آنها را متابعت نموده ولی درحواشی خاتمة‌الطبع تفسیر ابوالفتوح (ص ۶۳۵ ج ۵) از این عقیده برگشته وگویند:

« و آن اینست که تاریخ ۵۴۲ درخصوص وفات معزّی بکلی غلط مشهوراست وظاهراً ابتدا ازتقی کاشی ناشی شده است وقبل ازو تاآنجا که راقم سطور اطلاع دارم هیچ یك از ارباب تذکره متعرض تاریخ وفات معزی نشده اند و چنانکه دوست فاضل من آقای اقبال آشتیانی در رسالهٔ نفیسی که همین اواخر درخصوص شرح حال وممدوحین و معاصرین او تألیف نموده اند بدلائل متقنه ثابت کرده‌اند وفات معزی بنحوقطع ویقین مؤخرازسنهٔ پانصدوبیست نمیتواند باشد و در دیوان او مدح هیچیك ازملوك وامرای آن عهد یا اشاره و تلویحی بهیچ واقعهٔ ازوقایع تاریخی آن عهد بعدازتاریخ مزبوربوجه من‌الوجوه یافت نمیشود وچون ازطرف دیگربپارهٔ ازوقایع تاریخی تا حدود ۵۱۸ در دیوان او اشاراتی یافت میشود پس وفات او بظنّ نزدیك بیقین درحدود ۵۱۸ - ۵۲۰ بوده است. »

(۱) مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۵۷۰ - ۵۹۳، آتشکدهٔ آذر ص ۳۵۰ - ۳۵۸، تاریخ گزیده ص۸۲۵عکسی، تذکرهٔ دولتشاهی ص۵۷-۶۰و هفت اقلیم ص ۶۲۲ - ۶۲۵.

معاصرین ومتأخرین، به‌استادی امیرمعزّی اعتراف‌داشته وسنائی‌اورا مرثیه گفته وانوری و مختاری ابیاتی‌ازاورا تضمین کرده اند وهمه اعتراف‌به‌استادی وفصاحت او دارند وآثار وی شاهدی بزرگ بر مقام استادی وی میباشد.

دیوان امیرمعزّی‌تاکنون‌چاپ‌نشده‌ومرتب‌بترتیب‌حروف‌تهجی‌است‌وامین‌احمد رازی گوید دیوان او پانزده هزار بیت میباشد و نگارنده بزرگترین نسخه ای از آنرا که دیده در کتابخانه مجلس و در حدود (۱۳۳۰۰) بیت است.

آغاز: ستاره سجده برد طلعت منیرتورا زمانه بوسه دهدپایهٔ سریرتورا.

(۱۲۷۱)

دیوان امیرمعزی این‌نسخه رابخط شکسته نستعلیق خوب محمد هادی ابن حاجی عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۵۲ نوشته، شامل قصائد ومقطعات و چند ترجیع و ترکیب بند میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۸۵). صفحه‌ای (۲۳) بیت. طول ((۲۱½سانتیمتر). عرض(۱۳سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۹۴).

(۱۲۷۲)

دیوان امیرمعزی این نسخه را بخط نستعلیق اسدالله‌بن میرزا خلیل بسال ۱۲۶۶ نوشته، نظیرنسخهٔ پیش‌است مرتب بترتیب‌حروف‌تهجی‌است ترجیع و ترکیب بند آخرآن نسخه وقصائد و مقطعات آنرا این نسخه ندارد، برگ نخستین به جلد چسبانیده شده وبرحسب شماره (۵۰۰۰) بیت دراین نسخه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۷۳). صفحه‌ای (۱۵) بیت. طول (۲۱½سانتیمتر). عرض (۱۲سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۹۵).

[۵۸۰] دیوان مغربی (فارسی وعربی)

محمدبن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشهور به **محمدشیرین** ومتخلص به

مغربی متولد بسال ۷۴۱ و متوفی بسال ۸۰۹(۱) از مشاهیر شعرا و صوفیّه میباشد ، مرید شیخ اسمعیل سیسی است که وی مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفرائنی است و گویند که دریکی ازمسافرتها از دست یکی ازمشایخ که نسبت وی بشیخ محی الدین عربی ره میرسیده خرقه پوشیده است .

درنفحات الانس معاصر بودن مغربی باشیخ کمال خجندی تصریح شده و حکایتی ازمعاشرت این دو درآنجا مندرج و غزلی ازمغربی نیز نقل گردیده که با اندك تغییری دریکی ازمصرعهای آن در دیوان او (نسخه زیرین) موجود است .

گذشته از دیوان شعر مغربی را آثار زیرین بیادگار ماند : اسرار فاتحه ، نزهةالساسانیه ، جام جهان نما و « دررالفرید فی معرفةالتوحید » درسه اصل توحید وافعال وصفات خدا بزبان پارسی است که آغاز آن اینست : سبحان ربك رب العزة عمایصفون .

دیوان مغربی شامل اشعار عربی وفارسی میباشد و آقای تربیت تذکر داده‌اند که بخش فارسی آن مکرر درایران وهندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : خورشید رخت چوگشت پیدا ذرات دوکون شد هویدا(۲).

(۱۲۷۳)

دیوان مغربی این نسخه بخط نستعلیق نوشته‌شده ، ظاهراً ازخطوط اوائل قرن نهم هجری میباشد ، مرتب بترتیب قوافی ازالف تایا میباشد وپیش ازشروع باشعار پارسی اشعار عربی مغربی نگارش یافته وپس از قوافی یاء ترجیع بندی از مغربی وپس از آن ترجیع بندی از خواجو نگارش یافته و پس از این بخش رباعیاتی که ظاهراً ازمغربی است نوشته شده ودرحاشیهٔ اوراق غزلهائی نگارش یافته وازاول نسخه اوراقی افتاده وبیت نخستین صفحهٔ موجود اینست :

کلها اذکره من ظللی   اوربوع اومعان کلها

(۱) نفحات الانس ص۷۲۴-۷۲۵ نسخه خطی این کتابخانه ، دانشمندان آذربایجان ص ۳۵۱-۳۵۱ وآتشکده ص ۳۸ مراجعه شده است .

میان ترجیع بند مغربی برگی نیزافتاده وبجای آن برگ نونوشته ای اخیراً گذارده اند ، تمام این نسخه درحدود (۲۸۰۰) بیت میباشد که درحدود (۲۳۴) بیت آن عربی است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ ختائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه ای (۱۴) بیت . طول (۱۸½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۵).

[۵۸۱] دیوان ملك قمی (فارسی)

ملك قمی ازمعاصرین امین احمد رازی بوده ، وی با احترامی زیاد در هفت اقلیم اورا زیرعنوان : مولانا ملك نام برده و گوید :

« دراوان جوانی غبار حرص از رخسارهٔ خاطر و لوح پیشانی بآب بی تعلقی شسته و گرد ازچهرهٔ صفحه بدستارچه نیازرفته **امروز درملك دکن** ، ملك فلك ریاضت وملك ملك قناعت است **نظم** :

دارد بجعد طره خوبان مشابهت   کاندرشکسته گی بودش قیمت وبها

وبااین نسبت درفضیلت شاعری بخشی تمام ونصیبی وافردارد وشعرش عموماً در جودت چون صورت شاهدان آراسته و چون معانی خردمندان پیراسته است آنچه نوشته میشود فصلی ازآن کتاب وسطری ازآن باب است الخ »

امین احمد ابیاتی ازغزلیات ورباعیات ومثنوی «ساقی نامه» ملك انتخاب ، ابیات غزلیات منتخبه اورا درنسخهٔ زیرین یافتم وآذر درآتشکده (ص ۲۴۱) نیزذیل شهرقم این ملك را نام برده وگویددیوانش ملاحظه شد وبعد از زحمت بسیار این چند بیت (۸ بیت) ازدیوانش پیداکرده در اینجا ثبت شد .

نگارنده معتقداست که هردونویسنده جنبهٔ افراط وتفریط را دربارهٔ این شاعر اختیار کرده اند ، اشعار ملك نه آن اندازه ستایش امین احمد رازی را درخورو نه این قدر سرزنش را شایسته است ، مضامین لطیف درمیان غزلیات او یافت میشود وبنابر نگارش امین احمد در سال ۱۰۰۲ که هفت اقلیم تألیف شده ملك دردکن متوطن بوده ومقام ومرتبهٔ ارشاد وعرفان داشته است .

نسخهٔ زیرین که فقط شامل غزلیات ملك ومرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی میباشد درحدود (۷۱۰۰) بیت است.

آغاز: ای ز نامت تاج گوهر برسر دیوان ما
از نشانت بی نشانی سرخط عرفان ما

(۱۲۷٤)

دیوان ملك قمی — این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً دراوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته، پشت نسخه ازطرف اعتضادالسلطنه وسپهسالار بنام « دیوان ملك کاشانی » معرفی و وقف گردیده ، حواشی بر گهابطرزی زیبارنگ آمیزی گردیده وحواشی برخی ازاوراق وصّالی شده است.
جلدروغنی گل وبوته داردداخل نرگس. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۲۱٦) صفحه‌ای (۱۷) بیت. طول (۲۱سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$۱۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲٦۸۱).

[٥۸۲] دیوان منوچهری دامغانی (فارسی)

منوچهری دامغانی ازشعرای مشهور قرن پنجم میباشد(۱)، صاحب مجمع الفصحا نام و کنیه اورا **ابوالنجم احمد** ضبط نموده، دولتشاه سمرقندی اورا بلخی دانسته ولی خود وی صریحاً خود را دامغانی شناسانیده

(سوی تاج عمرانیان هم بدینسان بیامد منوچهری دامغانی)

در مناسبت تخلّص وی به منوچهری گویند چون خدمت فلك المعالی منوچهر بن قابوس وشمگیر را گزید بدین تخلّص خود را معرفی کرد و چون بسال ٤۱۱ منوچهر وفات یافت گرگانرا ترك گفت و بغزنین رفت و قصیده ای درمدح عنصری ملك الشعرا انشا وخود را بدینوسیله در عداد شعرای سلطان محمودغزنوی درآورد و گویند برهمه جز عنصری مقدّم میذشسته، و درمجمع الفصحا وفات وی بسال ٤۳۲ ضبط گردیده است، دولتشاه سمرقندی گوید « دیوان وی درایران زمین معروف ومشهوراست » وامین احمد رازی گوید: « دیوانش امروز متداول است ».

(۱) شرح حال منوچهری در ص ٤۰-٤۲ تذکره دولتشاه، هفت اقلیم ٦۷۷-٦۸۸، آتشکدهٔ آذرص ۳۲۱-۳۲۲، مجمع الفصحا ج ۱ ص ٥٤۲ و ٥۷۰ ومقدمه دیوان بقلم هدایت مراجعه شده است.

هدایت گوید شنیده‌ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی جز سه هزار از آنرا (ازقصائد ومقطعات ومسمطات ورباعیات وغزل) بدست نیاورده ودیوانیکه از منوچهری اینك متداول ونسخ خطی وچاپی آن در دست رس میباشد همان گرد آورده وترتیب داده هدایت میباشد ودراین دیوان قصائدی ازدیگران نیزمندرج ازآنجمله قصیده ایستکه نیز درلغزشمع ومدح وزیر بدین مطلع:

(چیست آنشخص چوزرّین سروچون سیمین بدن
خویشتن سوزان وگریان و گدازان همچو من)

موجود وخود هدایت درحاشیهٔ ص ٥٤، ج ۱ مجمع الفصحا چنین نوشته:

این قصیده بدان ماند که ازرافعی نیشابوری است چه لغزشمع بیك وزن وقافیه ازیك شاعر عجیب نماید. ودرحاشیه نسخه ای ازدیوان منوچهری که درکتابخانه مجلس موجود است با ادآمای قصیده ای که بدین مطلع میباشد:

ای پیکر منوّر محرور خوی چکان ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

از خواجو دانسته شده و در ص ۲۰۰-۲٦۰ تذکره کاظم (نسخه کتابخانه مجلس) اشعاری ازمنوچهری میباشد که دراین نسخه ازدیوان اونیست. منوچهری مخصوصاً در انشاء مسمط دستی قوی‌داشته ومضامین بسیار عالی در آن بکار برده است.

دیوان منوچهری گرد آوردهٔ هدایت دوبار بسال ۱۲۸٥ وبی‌تاریخ درطهران و بسال ۱۸۸٦م در پاریس چاپ شده ودر مجمع الفصحا در حدود ۱۷۰۰ بیت از منوچهری انتخاب شده است.

(۱۲۷٥)

دیوان منوچهری دامغانی — این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود و سال نگارش نامی نبرده، بسال ۱۲۹٥ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و نگارش آن ظاهراً ده پانزده سال پیش از تاریخ مذکور میباشد وهمان دیوان گردآورده هدایت است.
جلد تیماج. کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۸٥). صفحه ای (۱٤) بیت. طول (۲۱سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$۱٤سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۹۱).

(١٢٧٦)

دیوان منوچهری دامغانی این نسخه پیوسته بدیوان عنصری وهردو زیرشمارهٔ (٣٨٩) دراین کتابخانه ثبت گردیده اند ، و این نسخه نیز همان گرد آورده هدایت میباشد ، تاریخ نگارش ندارد و خصوصیات دیگر نسخه در ص ٦٤٥ زیرشمارهٔ (١٢٣٦) نگارش یافت .

[٥٨٣] دیوان ناصرخسرو (فارسی)

حکیم ناصر خسرو (ابوالمعین ، ناصربن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی متولد بسال ٣٩٤ و متوفی بسال ٤٦٠ یا ٤٨١) از مشاهیر دانشمندان قرن پنجم هجری بوده ودرنثرونظم پارسی وتازی دستی قوی داشته ورسائل وسفرنامه و دیوان وی که بیادگار مانده برهانی قاطع برمراتب فضل وعلوّ مقام روحی وی میباشد ،نسبت به اهل بیت حضرت رسالت پناهی ص کمال ارادت وعلاقه داشته وخود را بدو معنی فاطمی معرفی کرده ، دربارهٔ آثار وشرح حال این عالم بزرگ وشاعر شهیر فحول وبزرگان متقدم ومتأخر مختصراً ومفصلاً قلم فرسائی ها کرده اند ، متأخر ازهمه ، دانشمند بزرگوار و عالم عالیمقدار آقای آقا سید حسن تقی زاده وزیر سابق مالیه ایران وآزادی خواه مشهور میباشند که بامراجعه بهمهٔ آن مأخذ از روی دیوان وآثار این حکیم با تتبع بسیار عالمانه و دقیق تقریباً در ٢٥٠٠ بیت مشتمل بر : ١ - اسم ورسم وحسب ونسب ناصر، ٢ - روزکارجوانی وتحصیلات علمی ومسافرت های او ، ٣ - مبدء انقلاب وآغاز تحول درزندگی وی، ٤ - عودت بوطن وافراشتن علم دعوت ، ٥ - تبعید ازوطن وآوارگی او ، ٦ - عقاید واخلاق ناصر، ٧ - شمایل شخصی و خانواده وی ، ٨ - وفات و قبر او ، ٩ - عقائد او ، ١٠ - مؤلفات وی و ١١ - مأخذ فارسی وعربی واروپائی این نگارش ، بسال ١٣٠٥ خورشیدی مرقوم وجلو دیوان این حکیم که در طهران چاپ گردیده گذارده شده است و طالب شناسائی این حکیم را بهترین راهنماست .

از آثار ناصر خسرو یکی سفرنامه است که بسال ١٨٨١ م در پاریس و بسال

١٣١٤ درطهران وبسال ١٣٤٠ دربرلن چاپ شده ودیگری زادالمسافرین (آقای تقی زاده معتقداند که نام اصل کتاب « زادالمسافر » است) میباشد که موافق عقاید اسمعیلیّه از روی قواعد حکمی وفلسفی تألیف شده و بسال ١٣٤٠ نیز در برلن چاپ گردیده ودیگری منظومه « روشنائی نامه » و « سعادت نامه » و « وجه دین » وغیرازاینهاست(١).

ناصرخسرو « **حجت** » تخلّص میکرده وتا کنون اشعار عربی وغزلیات وی یافت نشده و جامع ترین دیوانهای این شاعر نسخه ایست که جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس محترم این دانشکده ورئیس دیوان کشور (دیوان عالی تمیز) بسال ١٣٣٩ مشتمل بر (١١٠٤٧) بیت گردآورده (آقای تقی زاده تذکر داده اند جزابیاتی که دراین دیوان ضبط گردیده اشعاری از ناصرخسرو دردست هست) وبایست نسخه مقابله وتصحیح فرموده‌اند وهمین نسخه است که مأخذ چاپ اخیر این دیوان بوده ودیوان ناصر پیش ازاین سه بار: نخست درتبریز وبسال ١٣١٤ قمری درتهران وبی تاریخ درهندوستان (ظاهراً) چاپ شده. ولی هریك از آنها درحدود نصف این دیوان اخیر ازحیث ابیات میباشند .

این دیوان جامع با مقدمه آقای تقی زاده و آقای مینوی و تعلیقات وحواشی فاضلانه و محققانه آقای علی اکبر دهخدا ، به ضمیمه روشنائی نامه و سعادت نامه ورساله حکیم ناصرخسرو به نثر درجواب نود و نه سؤال فلسفی ومنطقی وطبیعی ولغوی و دینی و تأویلی و غیره بسال ١٣٠٤ - ١٣٠٦ خورشیدی درتهران چاپ گردیده است .

(١٢٧٧)

دیوان ناصرخسرو وعلوی این نسخه رابخط نستعلیق خوب بسال ١٢٥٨ یعقوب بن ابوالحسن درآشتیان نوشته ، رساله ای که درشرح حالات ناصرخسرو میباشد و انشاء این رساله با اصل عربی آن بخود وی نسبت

(١) راجع به این مؤلفات ومعرفی ازمندرجات آنها ومؤلفات دیگر این حکیم به مقدمه آقای تقی زاده بردیوان ناصرخسرو چاپ طهران ص نب - سج مراجعه شود .

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتداء این دیوان گذارده شده ، مصرعها وکلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه درنسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یاخوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته وجای آنها سفید گذارده شده .

واین نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر میباشد در حدود ۷٤۰۰ بیت میباشدوبیت نخستین آن اینست :

دربند مدا را کن دربند میانرا دربند مکن خیره‌طلب ملکت دارا.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۷۲) . صفحه‌ای(۲۳) بیت . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۲).

(۱۲۷۸)

دیوان ناصرخسروعلوی

این‌نسخه بخط نستعلیق مخلوط باکلمات شکسته نوشته شده، ظاهراً دراواخر نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نگارش یافته وبسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحهٔ اول یادداشت شده ، ترتیب تنظیم آن چون نسخه پیشین میباشد و درحدود ۵۰۰بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین بیت را که نویسنده نوشته و دیگر توفیق نیافته اینست :

« پیمبر سردین حق‌است و ما ازین نامور تر مطیع سریم »

و این بیت از قصیده‌ایستکه مطلع آن این بیت میباشد :

اگر باخرد جفت و اندر خوریم غم خور چوخر چند تا کی‌خوریم.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۹) بیت .طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۱) .

[٥٨٤] دیوان نظام استرابادی (فارسی)

نظام‌الدین استرابادی ازشعرای قصیده سرای قرن دهم هجری بوده(۱)وبیشتر قصائداودرمدح حضرت پیغمبراکرم ص وائمه‌اثنی عشرع بوده ودرجزاین‌موضوع

(۱) تحفه سامی (چاپی)ص ۱۰۰و۱۰۱ ، هفت‌اقلیم‌ص۹۳۲-۹۳۳مجالس المؤمنین ص٥۳٦-٥۳۸ آتشکده ص ۱۵۹ ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۵۰ مراجعه شده است .

کمترشعر گفته،دراوائل به فنّ معمّارغبتی داشته وبدین صنعت معروف شده وسام میرزااورازیرعنوان « نظام معمّائی » معرفی‌نموده وگوید بسال۹۲۱(۱) وفات یافته و یك مثنوی بنام « بلقیس وسلیمـان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای ازاین کتاب را سراغ نیافته ، آذروهدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند وهدایت گوید نسخهٔ آن دیده نشده .

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرّفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد .

(۱۲۷۹)

دیوان نظام استرابادی

این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیرشمارهٔ (۱۱۷٦) معرفی گردید ودرکتابخانه با آن دیوان زیر شمارهٔ (۳۷۵) ثبت شده،فقط شامل قصائد نظام‌میباشد،خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ٥٧٦-٥٧٧ نگاه کنید وآغازنسخه این بیت است :

الحمد للقدیم له‌العزّوالجلال شاه سریر لم یزلی حی‌لایزال

[٥٨٥] دیوان‌نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری ازشعرای قرن دهم هجری ونام وی **محمدحسین** (۲) میباشد ، ازوطن خویش نیشابور به هندوستان رفته ،گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته وازامراء شعردوست هند محبت دیده وبمدح وثنای آنها مخصوصاً خان‌خانان عبدالرحیم سپهسالار (درقرن‌یازدهم هجری‌مرده است) پرداخته وغزلیات دلنشین ساخته، پس‌ازمراجعت اززیارت مکّه معظمه ومدینهٔ‌طیّبه درگجرات احمدآبادتوطن اختیار کرده وچنانکه ازهفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش‌ازسال۱۰۰۲

(۱) درهفت‌اقلیم نگارش یافته که دختر نظام‌الدین پس از مرگ پدرقطعه ای درطلب سنگ قبر پدر انشا نموده وبرای سلطان حسین میرزا فرستاد وچون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته ووفات نظام‌الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشاشده‌باشد ودرآتشکده نوشته شده یکی‌ازبرادران‌وی قطعه ای‌موزون وبخواجه سیف‌الدین فرستاد وقطعهٔ مذکوردرهردو مأخذ نگارش یافته است .

(۲) تذکره خوشگو ، هفت اقلیم ص ٦٣٧ - ٦٣٩ و شمع انجمن ص ٤٥٣ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد .

بوده و دراین تاریخ اشعار وی مطلوب و متداول بوده و پس از مراجعت گوشه نشینی اختیار وبخود پرداخته واز آثاراین بخش اززندگانی وی بوی زهد وتصوف آشکار و بمدح و ثنای نبیّ مختار و ائمهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله پرداخته وعلم حدیث وتفسیر را ازمولانا حسین جوهری آموخته وباخواجه حسین ثنائی دوستی کامل داشته واورامرثیه گفته وچنانکه درشمع انجمن ثبت شده بسال۱۰۲۳ بخلوتکدهٔ عدم آرامیده وازدیوان وی چنین معلوم میشود که خود شاعر آنرا مرتب کرده‌است.

نسخی که ازدیوان نظیری نگارنده دیده شامل قصائد وغزلیات مرتّبهٔ بحروف تهجی وترجیع بند وغزلیات وترکیب بند (دوازده بند) در مدح ائمّه اثنی عشرع وغیرازایشان ورباعیات میباشد وتمام دیوان او درحدود (۱۰۰۰۰) بیت است.

غزلیات مرتّبهٔ نظیری که درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۹۲۸ م درلاهور هند چاپ شده وپشت جلد نسخهٔ چاپی تذکر داده شده که این غزلیات به اردو ترجمه وچاپ گردیده است.

آغاز قصائد:

ای جلالت خلوت از اغیارتنها ساخته   حکمت تو از کرم دی کارفرداساخته

آغاز غزلیات مرتبه:

اذاماشِئْتَ اَنْ تُحْيِيَ حَيٰوحُلْوَةَ اَلْمَحْيا   برسوائی برآورسرزمستوری برون نه‌پا

آغاز ترکیب بند درمدح ائمّهع:

وقتی که شکل دائرهٔ کن فکان نبود   جز نقطه حقیقت حق در میان نبود

(۱۲۸۰)

دیوان نظیری نیشابوری این نسخه‌رابخط نستعلیق بسال۱۰۸۵ درحیدرآبادهندنوشته‌اند، شامل قصائد وغزلیات مرتبه وترکیب و ترجیع بند ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۴۰۰) بیت است، پشت صفحهٔ آخر چند سطری که نگاشته بوده اند محو گردیده ولی آثاری از آن باقی میباشد و چند برگ ازاول وآخرنسخه وصّالی شده وصفحات مجدول بطلاست.

جلد تیماجی مذهب گل و بوته قدیمی، رنگ روغن رفته وطرف درون نیم ضربی طلا کشیده. **کاغذ** دولت‌آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق(۲۴۸). صفحه ای (۱۷) بیت. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۳½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۸۴).

(۱۲۸۱)

دیوان نظیری نیشابوری این نسخه ظاهراً دراوائل قرن یازدهم نگارش یافته، ۲۸بیت از اول نسخه و ۲۶ رباعی ویك بیت از آخر آن افتاده ودر حدود (۷۰۰۰) بیت میباشد، اوراقی از اول و آخر نسخه وصّالی گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۲۶۲). صفحه‌ای (۱۳) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۲½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۸۳).

[۵۸۶] دیوان نوائی = نوادرالشباب (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸ - ۵۴۰ بمعرّفی ایشان پرداخته ایم چنانکه در «تحفه سامی» تذکر داده شده چهاردیوان ترکی داشته وهریك را بنامی نامیده (غرائب‌الصغر، نوادرالشباب، بدایع الوسط، فوائدالکبر(۱)) و نسخ زیرین بنابرآنچه درآخرنسخه شمارهٔ ۱۲۸۴ این فهرست‌نویسنده تصریح‌نموده **نوادرالشباب** میباشد ومقدمه‌ای بنثرترکی خود امیربراین دیوان نوشته وبنام سلطان حسین‌میرزا موشح گردیده ودراینجا تذکر داده که مقتضیات جوانی را در هنگام فراغت از کارها به انشاء ونظم جلوگیری مینموده واین‌دیوان مشتمل برغزلیات‌مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها، مستزاد، مخمس، مسدس، ساقی نامه، ترجیع بند، مثنوی، مقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (۵۷۰۰) بیت است ودیباچه آن هم درحدود (۳۵۰) بیت میباشد.

آغاز دیباچه: حمدآنکا کلام خیرمآل قیلدی ایلکارسولدین ارسال.. .(۲)

(۱) درتحفه سامی‌چاپی نام این چهاردیوان غلط وُمصحف چاپ گردیده واین نام ها از روی نسخه خطی‌این کتابخانه نقل‌شد ودرحاشیه نسخه اول‌این‌فهرست‌ودیباچه سنگلاخ‌نیزبهمین‌نحوثبت گردیده.

(۲) دریکی ازنسخه های زیرین (سومین نسخه از دیوان) دیباچه به پنج شعر شروع گردیده که این بیت یکی ازآنهامیباشد ولی‌درنسخ دیگرنیست.

فصاحت دیوانك غزل سرالاری طبع مخزنی دین شوریده حال عاشق لارخرمن الخ .

آغاز دیوان :

اشرقت من عکس شمس الکاس انوارالهدی

یارعکسین می داکوردیب جام دین چتقی صدا

(۱۲۸۲)

دیوان نوائی (نوادرالشباب) این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده چون برگ آخرآن افتاده معلوم نشد ، برگ ۴۷ دارای یك مجلس نقاشی چینی ظریف میباشد که شکارگاه وحالت شکار یکی از بزرگانرا میرساند و برگ ۱۱۰ نیز بطرز چینی تصویر شیرین وخسرو را درحال گردش وسواراسب وتماشای فرهاد دارد وهردو تصویر تقریباً بعرض وطول صفحه‌اند ، تمام دوصفحهٔ اول نسخه که شامل چند سطری از دیباچه میباشد که باطلا نوشته شده ، تذهیب ونقاشی بسیارخوب ظریفی گردیده درآغاز غزلیات و سائر بخشها پیشانی (مربع مستطیل) بسیار ظریف تذهیب شده وسر سوره هائی ظریف موجود وپاصفحه های برخی ازبرگها بابرگ بعد مطابقه نمیکند ومیرساند که اوراقی ازمیان نسخه افتاده وازیادداشتی که پشت نسخه شامل شمارهٔ میباشد باشمارهٔ کنونی آنها ، بدست می آید که ۱۹ برگ ازنسخه افتاده است.

پشت صفحه نخستین یادداشتهای زیادی بوده ومیباشد برخی‌را محو کرده‌اند ازآثار محوشده هابرمی آید که نسخه‌در کتابخانه سلاطین صفویه بوده ودر کناربیشتر ازبرگهای برگ ۱۲۵ تاآخرنسخه مطالب زیرین نگارش یافته وازاینکه ازسام میرزا به « اعلیحضرت سام میرزا » تعبیر کرده چنین استفاده میشود که این مطالب پیش از سال ۹۷۵ که سام میرزا مرده ، نگارش یافته واصل نسخه ظاهراً دراوائل قرن دهم نوشته شده است .

مندرجات حواشی برگ ۱۲۵ تاآخر عبارت است از-۱-مکتوب ترکی امیرعلیشیر بهسلطان حسین میرزا واجازه تشرف به مکّه معظمه خواستن ،۲-جواب پادشاه بوی ، ۳- فرمان پادشاه به راه داران در هنگام حرکت امیرمذکور بمکّه ، ۴ - حالات امیر

علیشیر به نقل ازتحفه سامی ، ۵ - دلیلی برتشیّع امیرعلیشیر ازابیات وی و ۶- صورت عهدنامه محمد شاه پادشاه هند بانادرشاه افشار . وبراین اوراق و بعضی ازبرگهای پیشین ابیاتی فارسی وترکی بخط نویسنده همین مطالب نگارش یافته است .

تمام صفحات بجدول بطلا و عناوین بخشها باسفیداب و عباراتیکه درفواصل غزلیات وغیره نوشته شده بترتیب یکی بالاجورد ودیگری باطلاست .

جلد مرغش مذهب دورو . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۴۸) صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۶۸) .

(۱۲۸۳)

دیوان نوائی (نوادرالشباب) این نسخه رابسال ۹۲۴ بخط نستعلیق خیلی خوب درقسطنطنیه نوشته اند ، دیباچه را در آغاز نیز دارد ، یك سرلوح بسیار ظریف دراول دیباچه ودیگری که نیزباکمال ظرافت تذهیب ونقاشی شده دراول غزلیات موجود وپشت برگ نخستین ترنج مثمّنی که باکمال استادی تذهیب ونقاشی گردیده موجود ودردائره ایکه در وسط آن میباشد وطلا اندازی شده این بیت باسفیداب نوشته شده :

دیدانکه دراین دیوان اوصاف پری رویان

دیوان سلیمان گفت دیوان نوائی را .

تمام صفحات بجدول بطلا و عناوینی که در فاصلهٔ غزلیات وغیره نوشته شده نیزباطلاست .

جلد ساغری ضربی داخل سوخته معرق بسیار ظریف . کاغذ بخارائی . واقف مشیرالسلطنه ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۳) بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۱۷) . قفسه مدرسه مشیرالسلطنه .

(۱۲۸۴)

دیوان نوائی ۱ (نوادرالشباب) این نسخه را بسال ۱۱۱۲(۱) علی اکبر تبریزی متخلص به مسکین نوشته ، دیباچه را هم داراست ، پس از اتمام کتاب قصیده ای بترکی نگارش یافته وپس ازآن رساله ای بترکی

(۱) درآخردیوان بحروف سال نگارش را دراین سال نوشته ولی درآخررساله پیوسته باعدد سال ۱۱۱۰ را معین کرده ومسلماً نگارش رساله پس ازدیوان بوده بنابراین نویسنده دریکی از دومورد اشتباه کرده است .

دربیان معانی لغات مستعمله در ابیات امیرعلیشیر میباشد و مرتب بترتیب بحروف تهجی باملاحظه مفتوح ومضموم ومکسوربودن آنها که باالف وواو ویاءموافق‌رسم وانشاء امیرنگارش یافته ونام مؤلف درمقدمه وآخراین رساله نیست و این رساله بایستی یکی از آن رساله هائی باشد که در معانی لغات امیر علیشیر تألیف گردیده و میرزا مهدی خان در مقدمه سنگلاخ بدانها اشاره نموده ، این رساله در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست : بسمله عشق ومحبت پیمانه سی نیك رند قدح پیمائی وشعر وبلاغت کاشانه الخ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۷) . صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول ($\frac{۱}{۲}$۲۹سانتیمتر) . عرض (۲۰سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۶۷).

(۱۲۸۵)

دیوان نوائی (نوادرالشباب) این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، درآغاز دیوان یك سرلوح‌ظریف‌دارد ، ظاهرآدرقرن‌یازدهم‌هجری نگارش‌یافته ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف میباشد ، دیباچه را ندارد وبرخی ازبرگها و وصالی گردیده است .

جلد میشن‌مستعمل ، طرف داخل معرق سوخته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔاوراق(۱۳۹)صفحه‌ای(۱۱)بیت . طول($\frac{۱}{۲}$۲۳سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$۱۷سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه (۱۹۷) .

[۵۸۷] دیوان نوائی (ترکی)

چنانکه گفته شدامیرعلیشیرنوائی که درص۵۳۸–۵۴۰بمعرّفی وی پرداخته‌ایم چهاردیوان‌داشته‌ونام آنهارانقل کرده‌ایم‌ازمندرجات‌فهرست‌ترکی کتابخانه‌خدیویه (ص۱۲۶–۱۲۷) معلوم میشود که چهاردیوان وی موجود میباشد وآغازهرکدام را هم نقل نموده وآن نقل شده ها چون ازمقدمه نثری دیوان های مذکور میباشد واین نسخهٔ زیرین چون دیباچه را ندارد ندانم مطابق کدام یك از شماره های دیوانهای نام برده میباشد و در صورت دانستن هم چون نام دیوانها درفهرست مذکور نیست معلوم نمیشود این نسخهٔ زیرین کدام یك از آن دیوانهاست .

این دیوان که شامل غزلیات مرتّبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ومخمسات ورباعیات میباشد درحدود (۳۸۰۰) بیت است .

آغاز : یارب اولغان چاغدا جانیم جسم ویرا بدن جدا
اوبولوب موندین‌جداسین بولماغیل‌اندین‌جدا .

(۱۲۸۶)

دیوان نوائی این‌نسخه بخط نستعلیق خیلی‌خوب‌نوشته شده ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهرآدر اوائل قرن دهم هجری نگاشته شده ، در زیرآخرصفحه و حاشیهٔ آن یادداشتی با تاریخ بوده محوگردیده یادداشتی که بسال۱۱۴۱ نوشته شده پشت صفحهٔ نخستین موجود ، اطراف دوصفحهٔ نخستین که شامل پنج بیت از اولین غزل‌این دیوان میباشد بابهترین طرزی‌نقاشی وتذهیب گردیده وتمام صفحات مجدول بطلا وزنگار میباشد و برگ اول وآخر وصّالی گردیده است .

جلد سوخته و طرف درون سوخته معرق طلا پوش ظریف . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۸) . صفحه‌ای(۱۲)بیت . طول ($\frac{۱}{۲}$۲٤سانتیمتر) .عرض ($\frac{۱}{۲}$۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۰) .

[۵۸۸] دیوان نورعلیشاه (فارسی)

نورعلیشاه یکی‌ازمشاهیرمتأخرین‌صفویه نعمت‌اللهی است ودرص۴۸۹–۴۹۱ همین مجلد معرفی ایشان‌گردید ، و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات و قصائد ومقطعات وترجیع بند وساقی‌نامه ومثنوی هائیکه‌درجواب‌سؤال مظفرعلیشاه انشا کرده وغیر از اینها میباشد ونسخهٔ زیرین که شامل غزلیات قدیم و جدید بحروف تهجی است باسائر ابیات وی درحدو (۴۰۰۰) بیت است .

(۱۲۸۷)

دیوان نورعلیشاه این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵٦ نوشته شده ، پیش از شروع به غزلیات قدیم ، ترجمه خطبةالبیان‌ازنورعلیشاه‌نگارش یافته و بر ابتداء آن بخط نستعلیق در شت نوشته اند :

کلیات نورعلیشاه ولی این نسخه‌را نمیتوان بدین نام نامیدواز آخر ترجمه خطبةالبیان واول غزلیات افتاده دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی رنگا رنگ . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (١٦٦) صفحه‌ای (١٤) سطر . طول (١/٢ ١٥سانتیمتر) . عرض (١/٢ ١٠سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(١٣٨).

[٥٨٩] دیوان واله‌اصفهانی (فارسی)

آقا محمد کاظم اصفهانی متخلص به **واله** چنانکه معاصروی « راوی » گروسی در انجمن چهارم ، انجمن خاقان نوشته (عین عبارات و معانی او را بااندك اسقاطی هدایت در مجمع الفصحا(ج ٢ ص٥٥٩) آورده) ، از اعیان اصفهان بوده چندی برای تجارت وزیارت باعتاب مقدسه ائمّه عراق علیهم السلام مشرف شده چون از آنجا بوطن خود بر گشته درمدرسه جدّه حجره ای اختیار ودر آنجا مسکن گزیده ، مرجع اصحاب حال ومجمع ارباب کمال گردید ، اسباب ولوازم حجره را از بهترین امتعه وپاکیزه ترین اوانی تهیه نموده ، راوی گروسی که خود آن وضعیت را مشاهده کرده گوید : « در آن پاکیزه مقام ازصحب مجرّبه مهذّبه وکتب مصحّحه مذهّبه وصحف محشّا وفرش موشّا چندان یافتم که در کمترجای عالم نشان توان داد وخود آدمی متمکن وشیخی متعیّن بنظافت جامه وقبول عامه فریداصفهان بل وحید زمان بود الخ » :

حاج محمدحسین خان نظام الدوله صدراصفهانی (متوفی بسال١٢٣٨) که در آنعصر حاکم اصفهان بوده وازمردان خیّر ومتدّین وسخی الطبع روزگار بشمار است نسبت به واله کمال رعایت ومبالغه دراحترام مینموده که محسود اقران گردیدو تکیه‌ای بنام « **الهیه** » برای وی بساخت که درظرافت وقشنگی کم نظیر بود وچون بسال١٢٢٩ واله به آنجهان خرامید درهمانجا بخاك سپرده شده واینك مزاردانشمندان است .

نسخه زیرین ازدیوان وی ازقرائن موجوده در آن درزمان حیات شاعر نوشته شده وشامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات ویك مثنوی میباشد و در حدود (٥٢٠٠) بیت شعراست .

آغاز قصائد : مرا دست فراق دلبری افکنده است ازپا
که گر برپا فلك اندازدش سرنبودش پروا .

آغاز غزلیات: سر کوئی که هربیگانه را باشد پناه آنجا
چه میبود آشنائی را اگر میبود راه آنجا

(١٢٨٨)

دیوان واله اصفهانی

چنانکه گفته شد ازقرائن بدست می آید که این نسخه درزمان حیات **واله** نوشته شده ، در حاشیهٔ چندین برگ غزلیات وابیات دیگری ازوی بخط خوب نوشته شده ،هدایت نوشته واله **خطی نیکو داشته** و علم عروض نیکو میدانسته بنابراین احتمال قوی میدهم که حواشی خط خود ایشان باشد ، سه سرلوح زیبا در آغاز قصائد و غزلیات ومثنوی مختصروی رسم شده و صفحات بجدول بطلا و لاجورد میباشد و میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده است .

در پایان آخرین صفحه دخول آن بسال ١٢٤٧ بکتابخانه دارائی (شاهزاده‌دارا) وپشت صفحهٔ نخستین دخول آن بسال ١٢٧٠ در کتابخانه اعتضادیه وپس از آن بسال ١٢٩٧ وقف شدن آن یاد داشت گردیده و دو برگ بجدول ننوشته در آخر نسخه‌است .

جلد روغنی دورو ، گل و بوته ونرگس . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٧٧) . صفحه‌ای (٩) بیت . طول(١/٢ ٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٥سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(٤٢٠) .

[٥٩٠] دیوان وحشی کرمانی (فارسی)

وحشی کرمانی ازشعرای عاشق پیشه پرسوزو گداز نیمهٔ دوم قرن دهم هجری بوده و چنانکه تقی‌الدین اوحدی مؤلف « تذکرهٔ عرفات » گفته بسال ٩٩١(١)

(١) درتحفه سامی که بسال ٩٥٦ تألیف شده از این شاعر نام برده نشده بنابراین معلوم میشود که در آن سال هنوزشهرت نداشته ولی درص١٣٦-١٣٧ هفت اقلیم ، تذکره خوشگودرحرف واو ، ص ١٢٦-١٣٥ آتشکده ، ص٥١ ج ٢ مجمع الفصحاوترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون (١٥٩ ج ٤) وهفت آسمان ١٠٩ - ١١١ شرح حال این شاعر نگارش یافته ومراجعه شده است .

وفات یافته ونگارنده دردیوان وی ماده تاریخ فوت خان قلی راکه بسال ۹۹۰(۱) بوده یافتم ، درهیچ یك از تذکره ها ومآخذ نام وحشی وپدروی ثبت نشده وهمه اورا درزیرعنوان **وحشی** که تخلص شاعرمیباشد ذکر کرده اند ، اصل وی از کرمان ولی چندی دریزد زندگانی کرده و شاگرد شرف‌الدین علی یزدی بوده ، دراوائل سلطنت اکبرشاه (۲) بهندوستان رفته ودرآنجا مشهور شده ، چنانکه تقی‌الدین اوحدی ادّعا نموده دیوان وحشی را وی جمع وتدوین کرده ودرحدود نه هزاربیت میباشدولی کاملتر ین نسخه‌ایکه‌نگارنده دیده‌نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشدکه درحدود ۸۰۰۰ بیت وبدین تفصیل است :

۱ ـ غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف‌ها درحدود ۲۲۵۰ بیت ، ۲ ـ قصائد ومقطعات درحدود ۲۲۰۰ بیت ، ۳ ـ ترکیب بند ومسمط در حدود ۱۰۰ بیت ، ٤ ـ رباعیات در حدود ۱۰۰ ، ٥ ـ مثنوی ببحر خسرو شیرین بنام « ناظر و منظور » در حدود ۱۵۰۰ بیت ، ٦ ـ خلد برین بوزن مخزن‌الاسرار درحدود ۵۳۰ بیت ، ۷ ـ مثنوی مشتمل برمدح غیاث‌الدین وغیره درحدود ۲٤۰ بیت ، ۸ ـ فرهاد وشیرین که ناتمام مانده (۳) درحدود ۱۰۰۰ بیت است وخوددر قطعه ای که پس‌ازنسخهٔ ناظر ومنظور متعلّق به مجلس شورای ملّی (جزءکلیات وحشی است)گذارده انشاءآنرا بسال ۹٦٦ معین نموده است .

بسال۱۳٤۷دیوان غزلیات وقصائد ورباعیات وناظرمنظوروخلد برین وفرهاد و شیرین وحشی درحدود ۷۰۰۰ بیت چاپ سنگی شده و دانشمندی بنام اسمعیل وملقب به « حمیدالملك » مقدمه‌ای درشرح حال وحشی باتحقیق شایسته ای درسبك

(۱) درمقطعات دیوان خطی وحشی (ص ۳۳۱ نسخه مجلس) است :

طلب کردم چوتاریخش فروگفت « شهید دشنه جور زمانه » =۹۹۰ .

(۲) اکبرشاه پادشاه هند که تاریخ اکبری را ابوالفضل بن مبارك بنام وی نوشته چنانکه درتذکره خوشگو تصریح شده بسال ۹۵۲ متولد شده وبسال۹٦٤ پادشاه شدوبسال ۱۰۱٤ رخت بسرای دیگر بست .

(۳) درص ۵۲۸ ج ۲ مجمع الفصحا ذکرشده که میرزا کوچك متخلص به وصال که ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده وبسال ۱۲٦۲ وفات یافته نقص این کتاب را تکمیل کرده است .

وروش این شاعربامراجعهٔ به تذکره هائی‌فارسی وفهرست های‌فرنگی‌نوشته ومآخذ نگارش این بنده نگارش ایشان نیزبوده است .

آغاز غزلیات : ازکاه کهربا بگریزد به بخت ما

خنجر بجای برگ برآرد درخت ما

(۱۲۸۹)

دیوان وحشی کرمانی

این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام‌نویسنده ذکرنشده ، ظاهراً نویسنده هندی و در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات وقصائد وحشی میباشد و« فرهاد و شیرین » را هم نیز دربردارد ، یك پیشانی (مربع مستطیل) مذهب در اول غزلیات ویکی دراول « فرهاد وشیرین » رسم‌شده وصفحات مجدول بطلاولاجورد میباشد وتمام برگها وصّالی شده ومتن وحاشیه است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($13\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۸۰) .

[۵۹۱] دیوان وحید قزوینی (فارسی)

میرزامحمد طاهرمتخلّص به **وحید** منشی ومورخ عصر شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) بوده ، تاریخ و وقایع سلطنت این پادشاه را نوشته(۱) مثنوی هائی‌مفصّل ومختصربنام : فتحنامه قندرهار(۲)، خلوت راز، نازو نیاز ، گلزار عباسی ، ساغر سرشار، مثنوی دروصف همایون تپه(۳)، ایضاً درتعریف نرد، ایضاً درذکر و معرفی یك به‌یك ازادوات جنگ ومثنوی عاشق ومعشوق (درآخراین مثنوی بوصف اصفهان‌وذکر یك به یك ازاصناف آنشهروتعریف آنهاپرداخته‌است)انشانموده و نسخی از آنهادر کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا ذیل «کلیات وحید» معرفی کامل‌خواهد شد ، بنابرضبط رضا قلیخان هدایت در جلد هشتم روضة الصفا

(۱) نسخه‌ای ازاین تاریخ در کتابخانه آقای ملك‌الشعراء (بهار) موجود است .

(۲) درتتمه روضة‌الصفا (جلد هشتم) این فتح بسال ۱۰۵۸ معین گردیده است .

(۳) درتتمهٔ روضة‌الصفا عمارت همایون تپه بسال ۱۰٦٤ معین گردیده‌است .

(متمّم روضة‌الصفا) «پس از اینکه بسال ۱۱۰۱ شیخعلیخان زنگنه وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس شاه (۱۰۷۸-۱۱۰۵) بدرود زندگانی کفت میرزا طاهر قزوینی متخلّص به وحید که مخذول ومنکوب و خانه نشین بود برمسند وزارت تکیه نمود، مرجع امرا وسفرا ومطبوع عرب وعجم وترك ودیلم گردید، چون او از اصحاب وارباب اتضال بوده دیوانی مشحون بنظم و نثر ترکیّه و عربیّه وفارسیّه قریب بنود هزار بیت باتمام رسانیده ودرهنگام تذکره نگاری مکرر دیده شد» ادوارد برون در تاریخ ادبیات (۱) بمعرفی وی پرداخته و گوید در حدود سال ۱۱۲۰ وفات یافته و بنقل از **اته** خاور شناس معروف مؤلف فهرست کتب فارسی «اندیاافیس»، نقل نموده که وحید ازدوستان صائب بوده وخوشگو در تذکرهٔ خود چندین بیت از وحید را بنام اینکه انتخاب کردهٔ صائب میباشد نقل نموده و آقای جواهر الکلام درص ۱۰۰ جزء چهارم آثار الشیعة الامامیّه وحید را معرفی و گوید که صد سال عمر کرده و دراواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفا داد وخوشگو وفات وحید را بسال ۱۰۸۲ ثبت کرده و بنابر آنچه گذشت مسلّماً این تاریخ اصلی ندارد.

ومؤلف شمع انجمن (ص۵۱۳) وحید را نام برده و گوید «درفنون وعلوم ونظم ونثر گوی ازهم‌عصران می برد.... دیوان غزل قریب سی هزار بیت از وی بنظر رسیده» وابیاتی چند از آن انتخاب کرده است.

و نویسندگان نام برده تألیف رساله هائی در علوم مختلفه به وحید نسبت داده اند وتاکنون نگارنده ازنثر ونظم عربی ونثر ونظم ترکی وحید چیزی نیافته جز مکتوبی عربی که درآخر یکی ازنسخ کلیات وی درمجلس وجود دارد.

آغاز دیوان غزلیات:

کرامت کن عیاری یارب این ناقص عیاران را

بده دستی که گیرم دامن پرهیز کاران را

(۱) ترجمهٔ تاریخ ادبیات ادوارد برون ص ۱۷۵.

(۱۲۹۰)

دیوان وحید قزوینی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، ازطرز نگارش بدست می آید که برای خود شاعر نوشته شده، ودر برگها تتمهٔ برخی ازردیف ها سفید گذارده شده که پس از انشا در آنجاها نوشته شود ودر پاره‌ای از موارد هم غزلیاتی نگارش یافته و در حاشیهٔ دو برگ اول نسخه غزلیاتی بخط غیر کاتب متن بردیف الف نوشته شده، گذشته ازغزلیات، فردها ورباعیات وغزلیات ناتمام وحید نیز پس ازغزلها وردیف های خود مندرج گردیده وتقریباً درحدود (۳۶۰۰۰) بیت میباشد، برگ آخر کنونی شامل غزلیات ردیف خاء معجمه میباشد وبرای اینکه نسخه بدون‌نقص نشان داده شود در آخر گذارده شده و شش برگ پیش از آنهم بایستی پیشتر از اینجائیکه اکنون صحافی شده گذارده شود واز ردیف یاء هم بایستی برگهائی افتاده باشد.

صفحهٔ نخستین دارای یك سرلوح و تمام اوراق مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد.

جلد تیماجی ظریف. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ اوراق (۴۳۷). صفحه‌ای (۴۴) بیت. طول (۳۴ سانتیمتر). عرض (۲۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۶۲).

(۱۲۹۱)

دیوان وحید قزوینی

این‌نسخه تقریباً شامل (۲۲۰۰۰) بیت غزل وقطعه وفرد ورباعی میباشد (در حدود ۲۰۰ بیت مثنوی نیز شامل است) بخشی از غزلها (از اول غزل ردیف الف تا اواسط حرف تاء در آخر نسخه گذارده شده و اوائل نسخه جز سه ورق که شامل ابیاتی از یك مثنوی میباشد ازغزلیات به ردیف دال شروع وتاحرف نون خاتمه مییابد و میان این دو بخش مقطعات وماده تاریخ هاست وفردها ورباعیات هم درمیان غزلها موافق ردیف هاست، برگهائی از نسخه وصّالی شده و بنام «جنگ اشعار» داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده وبهمین نام وقف ودر دفاتر مدرسه ثبت گردیده است.

جلد تیماجی نیم‌ضربی(۱) . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ : شمارهٔ اوراق (۲۷۵) . صفحه ای (۸۰) بیت . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۶۳) .

[۵۹۲] دیوان ولی دشت بیاضی (فارسی)

ولی دشت بیاضی از شعرای شاه طهماسب صفوی تااوائل شاه عباس اول بوده وچنانکه درسفینه خوشگو ثبت شده دیوان قصائد وغزلیات او درحدود پنجهزار(۲) بیت میباشد وبسال ۱۰۰۱(۳) غنیم(٤) بیك اوزبك بجرم تشیّع اورا شهید کرده است **دشت بیاض** ازتوابع قائن‌خراسان میباشد ودراثر سفیدی‌خاك بدین نام نامیده شده است این رباعی درهفت اقلیم ازولی نقل شده‌ودردیوان وی (نسخهٔ زیرین) باکمی تغییر نیز موجود است :

امی‌لقبی‌که‌زانبیا اعلم بود   احمد نامی‌که سرور عالم بود
زان‌سایه‌بدو نبود همراه که‌بود   محرم جائی که سایه نامحرم بود .

آغاز : ای حریمت کعبهٔ حاجت روای جبرئیل
نقش نعلین تو محراب دعای جبرئیل .

(۱۲۹۲)

دیوان ولی‌دشت‌بیاضی این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شمارهٔ (۱۱۷۵) معرفی گردید ودر کتابخانه باآن دیوان زیر شمارهٔ (۲۸٤) بنام «دیوان اثیرالدین اومانی» ثبت ووقف گردیده ،

(۱) پشت جلد باشنجرف ابیاتیکه مطلع‌آنهانوشته میشود وآنچه روی یکی ازجلدها بوده تراشیده شده است اینست : «این چه شور است که در دور قمر میبینم الخ .
(۲) درص۱۲۲ آتشکدهٔ آذرمعرفی‌مختصری ازولی گردیده و گوید : دیوانش دو هزاربیت بنظر رسیده اشعار دیوانش یکدست است .
(۳) درص ٦٦۹ - ٦۷۰ هفت اقلیم معرفی ودر باره وی پس از تعریف وتوصیف زیاد گوید : «روزگاری مهناداشت تالوای عالم مخلد برافراشت» وچون هفت اقلیم بسال۱۰۰۲ تألیف شده بایستی درهمین سال وفات یافته باشد وپیش‌ازین نخواهد بود چراکه دردیوان وی مرثیه ازسلطان علی که از او مکرر سلطان علی خلیفه تعبیر کرده موجود واین مرد چنانکه در عالم‌آراست بسال ۱۰۰۲ کشته شده است :
(٤) درتذکره یاسفینهٔ خوشگو غنیم ثبت شده ولی در تاریخ عالم آرا (نسخه خطی مدرسه) یکجا تلیم وجای دیگر تمیم نگاشته شده است .

شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد و برحسب شمارهٔ نگارنده ۳۰٤۸ بیت میباشد ، بسال ۱۰۲۵ نوشته شده وخصوصیات دیگر نسخه را به ص ۵۷٦ نگاه کنید .

[۵۹۳] دیوان هاتف اصفهانی (فارسی)

سیّد احمد اصفهانی متخلّص به **هاتف** پدر سید محمد سحاب میباشد که در ص ٦۰۵ - ٦۰٦ معرّفی گردید، هاتف بگفته راوی گروسی(۱)در فنون حکمی و علوم‌ریاضی‌مسلّم زمان ووحید دوران بوده وبحسن اخلاق شهرهٔ آفاق» ودراثر رفاقت‌ودوستی با آذر وصباحی متوطن در کاشان شده وبسال ۱۱۹۸ درقم بجوار رحمت‌الهی رهسپار گردید وراوی درذیل شرح‌حال سحاب طبیب‌بودن این شاعر را نیزتذکرداده ، آذر وهدایت قدرت هاتف را برنظم ونثرعربی تذکرداده‌اند ولی نگارنده تاکنون به نظم ونثر تازی وی ونثرفارسیش دست نیافته است .

دیوان هاتف شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات و ترجیع بند میباشد وشهرت هاتف بیشتر بواسطه ترجیع بند معروف وی میباشد که دراین بخش‌هیچیك ازمتقدمین ومتأخرین بپایه هاتف نرسیده وهدایت گوید که دیوان مختصری دارد شمارهٔ ابیات دونسخه زیرین را درذیل معرّفی هریك خواهیم نگاشت .

آغاز : سحرازکوه خاورتیغ اسکندر چوشد پیدا
عیان شد رشحهٔ خون از شکاف جوشن دارا .

(۱۲۹۳)

دیوان هاتف‌اصفهانی این‌نسخه‌رابخط شکسته‌نستعلیق‌خوب‌محمد‌رفیع‌بن‌محمدصادق شیرازی‌بسال۱۲۲۱ نوشته‌وبادیوان صهباودیوان عبدالمجید درویش که‌بدان‌پیوسته‌است‌زیرشمارهٔ(٤۰۱)دراین کتابخانه ثبت گردیده وبرگ ۱-۳۸نسخه‌این‌دیوانست وخصوصیات دیگر آنرا درص٦۲۷

(۱) انجمن‌خاقان درانجمن‌چهارم وآتشکدهٔ آذرص٤۳٦-٤٤۵، مجمع‌الفصحا ج ۲ص٥٦۷-۵۷۲ وترجمهٔ تاریخ ادبیات‌ادواردبرون ص۱۸۷-۱۹۱ شامل شرح حال ومنتخبی‌ازاشعار هاتف میباشد .

نگاشته ام و این نسخه در حدود (۱۱۵۰) بیت از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات وترجیع بند میباشد .

(۱۲۹٤)

دیوان هاتف اصفهانی این‌نسخه پیوسته به دیوان سحاب میباشد که درص ۶۰۵–۶۰۶ معرفی گردید ودراین کتابخانه هردونسخه زیرشمارهٔ (۲۶۱) ثبت گردیده اند ، خصوصیات دیگررا به صفحهٔ نام برده در سطربالا مراجعه نمائید وتقریباً شامل ۱۵۰۰ بیت ازقصیده وغزل و قطعه و رباعی وترجیع بند میباشد .

[۵۹٤] دیوان همایون اسفراینی (فارسی)

امیرهمایون(۱) ازنیکو طبعان اسفرائن بوده وامین احمد رازی در وصف وی گوید : « درشعرازشعری گذشته ودرنثرنسرین را بازپس گذاشته » **و آذرنوشته** « دراوائل شباب ازاسفرائن حرکت وبه‌تبریزرفته ودرآنجا بجوانی شیخ ولی بیك نام ازملازمان سلطان یعقوب(۲) فریفته شده ومیل بگفتن شعر برده . . . . . وبعد ازفوت سلطان وقتل قاضی عیسی که حضرات ارباب دانش ناچار ازتبریز حرکت کردند چون شیخ ولی‌بیك درقریه **ازملك** من‌اعمال قم ساکن ودرآن اوان باصوفی خلیل دم ازمخالفت زده امیرمشارالیه خودرا بآنجا رسانید ازحضرت معشوق نهایت مراعات یافته وسه سال درآنجا بوده هم درآنجا سنهٔ ۹۰۲ جان بجان آفرین تسلیم کرد الخ ».

این نسخه از دیوان همایون که شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف هاست درحدود ۹۰۰ بیت میباشد واشعاری لطیف دارد ودرآن تبریزیان را برخراسانیان که هموطنان او بوده اند ترجیح داده و گوید :

(۱) درص ۶۵۱ هفت اقلیم ، آتشکده آذر ص ۷۱ ، تذکره خوشگو درحرف ها، ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۵۵ شامل شرح حال این شاعر میباشد ومراجعه شده است .

۲) سلطان‌یعقوب بسال۸۹۶ وفات‌یافته ودرتحفه سامی‌ودانشمندان‌آذربایجان نام برده شده است .

همایون‌باسگان‌کوی‌تبریزآنچنان گشتم — که دردل هم نیاید یادیاران‌خراسانم .

واین بیت رادرهنگام حبس، که دراثرعشق به ولی بیك متهم به جنون شده ودرزنجیرش کرده اند گفته وبسیارلطیف میباشد :

بزنجیرم چو کرداز‌بی‌قراری‌دلستان‌من — دل زنجیرشد سوراخ سوراخ ازفغان‌من

آغاز : بی توجائی که شود خاك دل چاك آنجا

تاابد ناله برآید زدل خاك آنجا

(۱۲۹۵)

دیوان همایون اسفرائنی این نسخه با چهار دیوان دیگر در این کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۷۹) ثبت شده ، و ص۱۷۷–۲۶۰ شامل این دیوان است ، خصوصیات دیگرنسخه را در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) معرفی کرده‌ایم بدآنجا مراجعه شود .

سپاس وستایش فراوان مرخداوند راکه این نگارندهٔ ناتوان را توانائی دادتا بخش دوّم ازفهرست را بپایان رساند وازوی نیز امیدوارم که درچشم دانشمندان آنرا بخوبی جلوه دهد .

واین کاردرروزشنبه سی ویکم شهریورماه یکهزاروسیصدوهیجده خورشیدی که برابر باهشتم ماه شعبان سال ۱۳۵۸ هجری قمری است انجام پذیرفت .

۱

طهران ـ ابن یوسف شیرازی

فهرست اماکن

شماره های سیاه که برابر نامها گذارده شده میرسانند که در آن صفحه آن شهر یا محل معرّفی گردیده است

فهرست کتب متفرقه

کتابهائیکه بمناسبت در این مجلّد از فهرست نام برده شده در اینجا بترتیب حروف تهجی با قید صفحات مرتب گردید و چون اندك معرّفی از آنها شده باشد شمارهٔ صفحات را با شماره های سیاه معین کرده ایم.

ب

پ

ت

ج

ص

ض

ط

فهرست اعلام

در این مجلّد چون مجلّد پیشین نامهای کسانیکه مؤلف کتابی ویا نویسندهٔ نسخه ای بوده اند و یا بمناسبت از آنها نام برده شده بترتیب حروف تهجی مرتب گردید و برای اینکه نگاه کنندگان بزودی مطلوب خویش را بیابند اصطلاحاتی راکه بکار برده ایم یاد آور میشویم :

۱ - نامی که باحروف سیاه نوشته بشرح حال وی پرداخته شده وصفحه ایکه شامل شرح حال اوست دراین علامت[ ]گذارده‌ایم وچون مؤلفهٔ دیگری نیز ازوی دراین فهرست معرفی‌شده‌باشدشمارهٔ صفحهٔ آن در این‌علامت( ) قرار داده شده وشماره هائیکه در یکی از این دو علامت نباشد میرساند که فقط نام آن شخص در آن صفحات یاد گردیده است .

۲ - چون کسی دارای لقب و کنیه ونام وشهرت باشد درذیل نام مشهوروی معرفی‌کامل ودر ذیل‌دیگرنامها نیز معرفی ویاحواله بنام مشهوروی گردیده‌است .

۳ - کسیکه مؤلفه ای ازاو دراین مجلد نبوده ولی بمناسبت مختصر معرفی گردیده باشد شمارهٔ صفحه‌ایکه شامل آنست باشمارهٔ سیاه نمایانده شده .

٤ - چون کسی رادر حاشیهٔ صفحه‌ای نام برده باشیم پس از شمارهٔ صفحه حرف ح گذاره ایم .

٥ - پس از نام یاشماره‌ای چون حرف «ك» بوده باشد میرساند که آنشخص نویسنده نسخه است .

فهرست اعلام

ب

پ

ت

ث

ج

چ

ح

ش

ص

غ

ف



۞۞۞

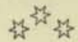
پوزش نگارنده امیدوار بود که فهرست اعلام و کتب متفرقه را بطرزی تنظیم خواهد نمود که در آن نقص فهرست های دیگر کتابها نباشد ، بدبختانه درهنگام تهیه وچاپ دچارناخوشی درازی گردید واین آرزوی او انجام نیافت .

فهرست کتب این مجلد

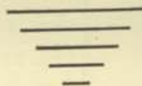
کتابهائی راکه در این مجلّد از فهرست در شش فصل معرّفی کرده‌ایم اینك بترتیب حروف تهجّی در اینجا مرتّب نموده وعربی بودن کتابی را بدین نشانه (+) وترکی بودن آنرا بدین (×) علامت وفارسی بوون هریك را به‌نداشتن چیزی نشان داده‌ایم وچون نسخه ای پیوستهٔ یکی از این کتابها باشد ودر این مجلّد جای معرّفی از آن نبوده باحروف سیاه نگاشته شده است .

خ

د



درروز شنبه اوّل مهرماه سال یکهزار وسیصد وهیجده خورشیدی برابر یازدهم ذیقعدةالحرام یکهزار وسیصد وپنجاه‌وهشت هجری قمری درچاپخانه مجلس شورای ملّی ایران چاپ گردید.



غلطنامه

بدبختانه با کوشش زیاد مؤلف و مصحح باز هم نشد کتاب بی‌غلط بیرون آید ، از خوانندگان خواستار است که پیش از خواندن کتاب را تصحیح و چون جز اینها نیز کلمه یا جمله‌ای نادرست یابند بدرست کردن آن مبادرت فرمایند .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٣	١٣	اعم	اعلم
٤	١٦	دوازده کتابست) ،	دوازده کتابست)؛
»	٢٠	کتاب النساء و العزل	در چاپ مصر چنین ضبط شده ولی ظاهراً العزل صحیح است .
»	٢١	(دربك باب) ،	(دربك باب) .
٧	١٢	بنام نیز	نیز بنام
١٤	١٨	علیه السّلام	علیه السّلام
٢٨	١١	ناصر الدین	ناصر الدین شاه
٣٧	٧	شرح الدره - الالفیه	شرح الدرة - الالفیه
»	٩	ماء	ماه
٤٥	٥	فائی نقات	فانا نقاتُ
»	١٨	ابن ابن الحدید	ابن ابی الحدید
٤٩	١ حاشیه	ص(١٤٢-١٤٤)	ص (١٤٢-١٤٤ ج ٤)
٥٢	١٢	البحر الضخم	البحر الخضم
٦٠	١٨	گلسانه	گلستانه
٦٣	١٧	ص ٣٣ سه	ص ١٤ سه
٧٢	١٧	حلیة الکمیت	حلبة الکمیت
»	١٩	الخطط الجدید	الخطط الجدیده
٧٣	٩	حلیة الکمیت	حلبة الکمیت
٧٤	٩	«الطراز الموشی»	«الطراز الموشی
٧٩	١٨	علی العصمت	علی الصمت
٨٦	٢١	سحر مینمود	سحر مینموده
»	٧ح	در کتابخانه	در قفسه کتابخانه
٨٧	١١ح	بنیف	نیف
»	١٢ح	ومگر پس از	مگر پس از
٨٨	١٢	مختری	مختصری

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٨٩	٨ح	طرحتی	طرحتّی
٩٠	١١	مقامانهٔ	مقامانه
٩١	٣	اهمیت	هیبت
»	٢٠	سقباً	سغباً
٩٤	١١	چنانکه پس ازاین خواهیم گفت	چنانکه درحاشیه این صفحه گفته شده
٩٥	٦ و ٧	پس ازحکم نجومی معروف وعدم وقوع آن که مورد حملهٔ عمومی گردید	پس از شنیدن بلخیها هجو انوری آنان و بلخ را
٩٨	٢	و از حفیده	و حفیده
٩٩	١	و انّا	و انا
١١٣	٢٤	لجّاره	رجّاله
١٢٩	١٥	پس مرگ	پس از مرگ
١٤١	١٣	اساس السیاسیه	اساس السیاسه
١٤٧	٢	مؤلف کتابخانه	مؤلف فهرست کتابخانه
١٥٠	١ح	سال نقابت	سال نقابت
١٥٣	١٠ح	اصطهابات	اصطهبانات
١٦٩	٢	شغویه	شغویّه
١٧٢	٢١	داد شد	داده شد
١٧٩	١٦	تطوّع	بطوع
١٨٥	٢٣	بالاص	بلأص
١٨٨	١٧	الابابیت	الابابیت
١٩١	١٤	درفرهنگهای	در فهرست های
١٩١	٢٠	ترنقچی	یرنقچی
١٩٦	٤	به جعفرك	به بوجعفرك
١٩٩	١٧	علی بن زین العابدین	علی بن الحسین ، زین العابدین
٢٠٢	٥	خلد	جلد
٢٠٩	٢٥	شرفنامهٔ	شرفنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۱	۲	قناد	قباد
۲۱۳	۱۴	معروف به	معروف به ؟
۲۲۷	۵ح	ص۲۸۰و۲۸۱	ص۲۵۰و۲۵۱
۲۳۱	۵	این‌فرهنگ کورده	این‌فرهنگ آورده
۲۳۵	۱۸	نسخهٔ ۸۹۵ ذیل	نسخهٔ۸۶۳ این‌فهرست
۲۳۶	۱۳	تهییج العزام	تهییج الغرام
«	۱۵	روضة‌الناضر	روضة‌الناظر
«	۲۰	فیمن	فی من
۲۳۸	۱	معروف به یاق	معروف به شد یاق
۲۳۸	۱۳	، شرح قاموس	شرح قاموس
۲۳۹	۳۰	فیروزآبادی قاموس را	قاموس فیروز آبادی را
۲۴۰	۲۵	ترجه « فارس و	ترجه فارسی و
۲۴۸	۱	«کاملة‌التعبیر»	«کامل التعبیر»
«	۲ح	(ج۲ص۴۱۳)	(ج ۲ ص۴۱۳ فهرست آنجا)
۲۵۱	۱۸	نویسند نسخه	نویسندهٔ نسخه
۲۵۶	۲۶	الهبت	آلهیست
۲۵۹	۶	زاتشت بهرام	زراتشت بهرام
۲۶۸	۱۰	شمارهٔ کتابخانه (۱۰) .	شمارهٔ کتابخانه (۱۰۰).
۲۶۸	۱۴	آورده و آن را	آورده ، جمع و ترجمه کرده و آن را
۲۷۳	۳	در صلوة شیخ حسن	در صلوة تألیف شیخ حسن
۲۸۳	۱۵	به جعفرك	به بوجعفرك
«	۱۹	اعربیتها	عربیتها
«	۲ح	قسمتی از آن	تمام آن
۲۸۴	۳	بشنود	بشود
«	۲۱	(۹۰۱)	(۹۰۵)
۲۸۹	۲۲ح	فقهیه	فقیه
۲۹۰	۱۴	و اشعرفها	و اشرفها
«	۱۹	ابی‌نصر اخت	ابی‌نصر بن اخت
«	«	عن‌بن‌السکیت	عن ابن السکیت،
۲۹۲	۲۱	ابن‌السیت	ابن السکیت
۲۹۳	۱۷	مصادر صحاح	مصادر صراح
۲۹۵	۱۴	تاربخ بغداد	تاریخ بغداد
۲۹۶	۲۵	شده است)	شده‌است ولی مسلماً این مؤلفه نیست)
۲۹۷	۱۰	فی مرتب	فی مرتّب
«	۲۳	(ابوالسعادت	(ابوالسعادات

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۹۸	۵	ابوالسعادت	ابوالسعادات
۲۹۹	۲۳	اکشاف	الکشاف
۳۰۰	۱	البنین والبیان	البنین والبنات
۳۰۱	۷	تذیل	تذییل
۳۰۴	۱۴	خلاصه نمود	خلاصه نموده
۳۰۷	۹ح	اندلی	اندلسی
۳۰۸	۱۵	وضح‌المسالك	اوضح‌المسالك
۳۰۹	۸	باشارته ۴ ـ	باشارته ۰ـ۳ ـ
۳۱۰	۹	برجرومیه	براجرومیه
۳۱۵	۲	عبدالقادر	عبدالقاهر
«	۳ح	المقصد	المقتصد

۳۱۹ میان ۱۷ و ۱۸ افزوده شود : دده جنکی چنانکه درص ۱۵۰۶ و ۱۵۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده بسال ۱۲۸۸ درآستانه چاپ شده ومؤلف آن هم بسال ۹۷۵ وفات یافته است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۲۰	۳	هوالشهور	هوالمشهور
۳۳۱	۳ح	داده ایم .	یاد کرده‌ایم .
۳۳۳	۱ح	معجم‌البدان	معجم‌البلدان
۳۴۰	۱۷	قید قی‌التسهیل	قید فی‌التسهیل
۳۵۹	۱	مناقب ، خواجه	مناقب خواجه
«	«	الدرةالفاخره، تحقیق	الدرةالفاخره فی‌تحقیق
۳۶۱	۱۰	کرده	کرده‌اند
۳۶۴	۱۶	شرح شمسه	شرح شمسیه
۳۶۶	۱ح	ص ۲۵۹	ص ۴۵۹
۳۷۰	۸	فهرست دارد ص	فهرست دار ص
۳۷۳	۴ح	درص	در ص ۴۱۴
۳۷۷	۹	مغنی‌البیب	مغنی‌اللبیب
۳۸۴	۱	النلاد	الثلاد
۳۸۷	۲۷	شیخ عبدالقادر	شیخ عبدالقاهر
۳۹۶	۲۶	(۱۰۲)	(۱۰۲۱)
۴۰۵	۱۸	نقامل	فتأمل
۴۲۱	۸	از مؤلف	از مؤلف ،
۴۳۰	۲۳	رمضال	رمضان
۴۴۰	۷	(۰۷۷)	(۱۰۷۷)

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۴۰	۴ح	انیس‌اللهفان	انس‌اللهفان
۴۵۳	۱۴	بسال ۱۱۹۰	بسال ۱۱۸۵
۴۵۵	۲	نخلبد الشعرا	نخلبند الشعرا
۴۶۴	۱۳	از سر	از برّ
۴۷۶	۸	آدوارد بردن	ادوارد برون
«	۲۴	دوسه ازآخرسطرآن	دوسه سطر ازآخرآن
۴۷۸	۷و۸ح	و این نسخه	و نسخهٔ این کتابخانه
۴۷۹	۹	از غیر از	ازغیر
۴۸۸	۱۰ح	۷۰۰۰	۸۰۰۰
۴۸۹	۲۰	وفروع (۲)	وفروع(۲) ،
۵۰۵	۹	باالله	بالله
۵۱۰	۱۸	قدیم و قدیم	قدیر و قدیم
۵۱۲	۹ح	بسال ۱۲۰۷	سال ۱۳۰۷
۵۱۳	۷ح	بسال ۶۴۲	بسال ۷۴۲
۵۱۷	۳	در تربیت تعلیم	در تربیت وتعلیم
۵۱۹	۲۰	کشاینه	کشاینده
۵۳۲	۱۲و۱۳	روز کاراگر . . . . شهرتی نداشته	روز کارنظامی کنجوی کودك بوده وبحدشاعری نرسیده‌وابداًشهرتی‌نداشته
۵۳۳	۴	خصو وصیات	خصوصیّات و
۵۳۵	۱۷	شماره کتابخانه (۳۷۵).	شماره کتابخانه (۳۵۷)
«	۲ح	و بقرین	و بقرینه
۵۴۱	۶	کرده اند	محو کرده‌اند

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۷۶	۱۰	کسی‌خوش‌نما	بسی‌خوش‌نما
۵۸۲	۱۰	جان بخش	جان بخشی
۶۲۰	۳	نظام الملك (۱)	نظام‌الملك
۶۳۲	۲	ابوبکرو	ابوبکر
«	۱۳	تمیز را	تمییز را
۶۳۳	۴و۵	که نویسنده . . . . نبرده	(نویسندهٔ آن ازخود نام نبرده)
«	۵	معاصر ظهیر بوده	معاصر ظهیر بوده (حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده «ص۸۲۱ عکسی» نوشته که دیوان ظهیرفاریابی جمع کردهٔ شمس کاسی متوفی بسال ۶۰۲ میباشدودرمقبرةالشعراءتبریزمدفون‌شد)
۶۳۳	۱۶	کرامت	کرامست
«	۱۷	ظهر	ظهیر
«	۲۱	فن‌الفارسی	فی‌الفارسی
۶۳۸	۵	خان خان	خان خانان
«	۱۹	«	«
۶۴۶	۴	براندازند	براندازنده
۶۴۹	۵	حالات وی	حالات
۶۵۷	۱	برآب خراب	برآب .
۶۵۸	۲۰	زد ولی	زده ولی
۷۵۷	۲۱	علی بن اسحق (	علی‌بن‌اسحق یدرانوری(
۷۹۱	۱۸	مهرماه	دی ماه

84)

